بازار کتاب

المجلد، ۹۱

بحار الأنوار

الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار

علامه مجلسی

العربية

فارسی

بسم الله الرحمن الرحیم

بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام با ترجمه فارسی

کاتب:

محمدباقر بن محمدتقی علامه مجلسی

نشرت فی الطباعهٔ:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

رقمی الناشر:

مرکز القائمیهٔ باصفهان للتحریات الکمبیوتریهٔ

الفهرس

بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار المجلد ۹۱ : کتاب ذکر و دعا – ۲

اشاره

سرشناسه: مجلسی محمد باقربن محمدتقی ۱۰۳۷ – ۱۱۱۱ق.

عنوان و نام پدیدآور: بحارالانوار: الجامعه لدرر أخبار الائمه الأطهار تالیف محمدباقر المجلسی.

مشخصات نشر: بیروت داراحیاء التراث العربی [۱۴۴۰].

مشخصات ظاهری: ج – نمونه.

یادداشت: عربی.

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس جلد بیست و چهارم، ۱۴۰۳ق. [۱۳۶۰].

یادداشت: جلد۲۴،۵۲،۶۵،۶۶،۶۷،۸۷،۹۲،۹۱،۹۴،۱۰۳،۱۰۸(چاپ سوم: ۱۴۰۳ق.=۱۹۸۳م.=[۱۳۶۱]).

یادداشت: کتابنامه.

مندرجات: ج .۲۴. کتاب الامامه. ج.۵۲. تاریخ الحجه. ج۶۵،۶۶،۶۷. الایمان و الکفر. ج.۸۷. کتاب الصلاه . ج. ۹۱،۹۲ .الذکر و الدعا. ج. ۹۴. کتاب السوم. ج.۱۰۳.فهرست المصادر. ج.۱۰۸.الفهرست.–

موضوع: احادیث شیعه — قرن ۱۱ق

رده بندی کنگره: BP۱۳۵/م۳ب۳۱۳۰۰ ی ح

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۸۰۹۴۶

ص: ۱

**[ترجمه]

سرشناسه : مجلسی، محمد باقربن محمدتقی، ۱۰۳۷ – ۱۱۱۱ق.

عنوان قراردادی : بحار الانوار .فارسی .برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : ترجمه بحارالانوار/ مترجم گروه مترجمان؛ [برای] نهاد کتابخانه های عمومی کشور.

مشخصات نشر : تهران: نهاد کتابخانه های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر، ۱۳۹۲ –

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : دوره : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۶-۵ ؛ ج.۱ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۷-۲ ؛ ج.۲ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۸-۹ ؛ ج.۳ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۹-۶ ؛ ج.۴ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰۷۰-۲ : ؛ ج.۵ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۱-۹ : ؛ ج.۶ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۲-۶ : ؛ ج.۷ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۳-۳ : ؛ ج.۸ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۴-۰ ؛ ج.۱۰ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۶-۴ : ؛ ج.۱۱ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۳-۲ : ؛ ج.۱۲ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۶-۵ : ؛ ج.۱۳ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۵-۶ : ؛ ج.۱۴ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۶-۳ : ؛ ج.۱۵ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۷-۰ : ؛ ج.۹۷۸:۱۶-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۸-۷ ؛ ج.۹۷۸:۱۷-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۹-۴ ؛ ج.۱۸: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۰-۰ ؛ ج.۹۷۸:۱۹-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۱-۷ ؛ ج.۹۷۸:۲۰-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۲-۴ ؛ ج.۲۱: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۳-۱ ؛ ج.۹۷۸:۲۲-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۴-۸ ؛ ج.۹۷۸:۲۳-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۵-۵

مندرجات : ج.۱. کتاب عقل و علم و جهل.- ج.۲. کتاب توحید.- ج.۳. کتاب عدل و معاد.- ج.۴. کتاب احتجاج و مناظره.- ج. ۵. تاریخ پیامبران.- ج.۶. تاریخ حضرت محمد صلی الله علیه وآله.- ج.۷. کتاب امامت.- ج.۸. تاریخ امیرالمومنین.- ج.۹. تاریخ حضرت زهرا و امامان والامقام حسن و حسین و سجاد و باقر علیهم السلام.- ج.۱۰. تاریخ امامان والامقام حضرات صادق، کاظم، رضا، جواد، هادی و عسکری علیهم السلام.- ج.۱۱. تاریخ امام مهدی علیه السلام.- ج.۱۲. کتاب آسمان و جهان - ۱.- ج.۱۳. آسمان و جهان - ۲.- ج.۱۴. کتاب ایمان و کفر.- ج.۱۵. کتاب معاشرت، آداب و سنت ها و معاصی و کبائر.- ج.۱۶. کتاب مواعظ و حکم.- ج.۱۷. کتاب قرآن، ذکر، دعا و زیارت.- ج.۱۸. کتاب ادعیه.- ج.۱۹. کتاب طهارت و نماز و روزه.- ج.۲۰. کتاب خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، عقود و معاملات و قضاوت

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

یادداشت : ج.۲ - ۸ و ۱۰ - ۱۶ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیپا).

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۱ق.

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور، مجری پژوهش

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور. موسسه انتشارات کتاب نشر

رده بندی کنگره : BP۱۳۵/م۳ب۳۰۴۲۱۶۷ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۴۸۹۸۵

ص: ۱

**[ترجمه]

تتمه أبواب الدعاء

باب ۲۸ الاستشفاع بمحمد و آل محمد فی الدعاء و أدعیه التوجه إلیهم و الصلوات علیهم و التوسل بهم صلوات الله علیهم

الأخبار

«۱»

ل،(۱)

[الخصال] لی، [الأمالی] للصدوق أَبِی عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْکُوفِیِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ رِزْقٍ عَنْ یَحْیَی بْنِ أَبِی الْعَلَاءِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ عَبْداً مَکَثَ فِی النَّارِ سَبْعِینَ خَرِیفاً وَ الْخَرِیفُ سَبْعُونَ سَنَةً قَالَ ثُمَّ إِنَّهُ سَأَلَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ لَمَّا رَحِمْتَنِی قَالَ فَأَوْحَی اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ إِلَی جَبْرَئِیلَ علیه السلام أَنِ اهْبِطْ إِلَی عَبْدِی فَأَخْرِجْهُ قَالَ یَا رَبِّ وَ کَیْفَ لِی بِالْهُبُوطِ فِی النَّارِ قَالَ إِنِّی قَدْ أَمَرْتُهَا أَنْ تَکُونَ عَلَیْکَ بَرْداً وَ سَلَاماً قَالَ یَا رَبِّ فَمَا عِلْمِی بِمَوْضِعِهِ قَالَ إِنَّهُ فِی جُبٍّ مِنْ سِجِّینٍ قَالَ فَهَبَطَ فِی النَّارِ فَوَجَدَهُ وَ هُوَ مَعْقُولٌ عَلَی وَجْهِهِ فَأَخْرَجَهُ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ یَا عَبْدِی کَمْ لَبِثْتَ تُنَاشِدُنِی فِی النَّارِ قَالَ مَا أُحْصِی یَا رَبِّ قَالَ أَمَا وَ عِزَّتِی لَوْ لَا مَا سَأَلْتَنِی بِهِ لَأَطَلْتُ هَوَانَکَ فِی النَّارِ وَ لَکِنَّهُ حَتْمٌ عَلَی نَفْسِی أَنْ لَا یَسْأَلَنِی عَبْدٌ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ أَهْلِ بَیْتِهِ إِلَّا غَفَرْتُ لَهُ مَا کَانَ بَیْنِی وَ بَیْنَهُ وَ قَدْ غَفَرْتُ لَکَ الْیَوْمَ (۲).

۱- ۱. الخصال ج ۲ ص ۱۴۰.

۲- ۲. أمالی الصدوق ص ۳۹۸.

مع، [معانی الأخبار] أبی عن سعد عن الحسن بن علی الکوفی: مثله (۱) ثو، [ثواب الأعمال] ابن الولید عن الصفار عن الحسن بن علی: مثله (۲).

جا، [المجالس] للمفید الصَّدُوقُ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ بِالْإِسْنَادِ السَّابِقِ عَنِ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّهُ إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَهِ وَ سَکَنَ أَهْلُ الْجَنَّهِ الْجَنَّهَ وَ أَهْلُ النَّارِ النَّارَ مَکَثَ عَبْدٌ فِی النَّارِ سَبْعِینَ خَرِیفاً إِلَی آخِرِ الْخَبَرِ وَ زَادَ فِی آخِرِهِ ثُمَّ یُؤْمَرُ بِهِ إِلَی الْجَنَّهِ(۳).

**[ترجمه]الخصال - . الخصال ۲ : ۱۴۰[۱] -

و امالی: امام باقر علیه السلام فرمود: همانا بنده ای هفتاد خریف — که هر خریف معادل هفتاد سال است — در جهنم می‌ماند. سپس او از خداوند چنین درخواست می کند: خداوندا به حق محمد و آل محمد به من رحم کن. خداوند جل جلاله به جبرئیل وحی می کند که به نزد بنده ام رفته و او را از آن جا بیرون آور. جبرئیل می گوید: خداوندا، من چگونه می توانم در آتش فرود آیم. خداوند به او می فرماید: من به آتش دستور دادم که برای تو سرد و امن باشد. جبرئیل باز می پرسد: خداوندا، من چگونه مکان او را پیدا کنم؟ خداوند می فرماید: او در چاهی از جهنم است. جبرئیل به درون آتش فرود آمده و او را در حالی که در قید و زنجیر و به صورت افتاده است، یافته و از آن جا خارج می کند. آن گاه خداوند عزوجل می فرماید: ای بنده من، چه مدتی در آتش مرا سوگند می دادی؟ او جواب می دهد: مدت آن را نمی دانم. خداوند می‌فرماید: بدان، به عزتم سوگند که اگر مرا به حق محمد و آل محمد سوگند نمی‌دادی،

بیشتر از این تو را در آتش خوار و ذلیل نگه می داشتم. اما من برخودم واجب نموده ام که هر بنده ای که مرا به حق محمد و آل محمد صلوات الله علیهم سوگند دهد، هر آن چه را که میان من و او باشد، می‌بخشم. و امروز من تو را بخشیدم - . امالی الصدوق: ۳۹۸ - .

معانی الاخبار: همانند این حدیث نقل شده است - . معانی الاخبار : ۲۲۶ - .

ثواب الاعمال: با سندی متفاوت، همانند این حدیث نقل شده است - . ثواب الاعمال : ۱۳۹ - .

مجالس المفید: امام باقر علیه السلام از پدرش از جدش روایت نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون روز قیامت فرا رسد و بهشتیان به بهشت و دوزخیان به دوزخ روند، بنده‌ای هفتاد خریف در جهنم می‌ماند. سپس ادامه حدیث را ذکر نموده و در آخر آن این عبارت را افزوده است: سپس امر می کند که او را به بهشت ببرند - . مجالس المفید : ۱۳۶ - .

**[ترجمه]

«۲»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی أَحْمَدُ بْنُ عُبْدُونٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الزُّبَیْرِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ: مِثْلَهُ إِلَی قَوْلِهِ مَکَثَ فِی النَّارِ یُنَاشِدُ اللَّهَ سَبْعِینَ خَرِیفاً وَ سَبْعِینَ خَرِیفاً وَ الْخَرِیفُ سَبْعُونَ سَنَهً وَ سَبْعُونَ سَنَهً وَ سَبْعُونَ سَنَهً إِلَی قَوْلِهِ قَالَ إِنَّهُ فِی جُبٍّ مِنْ سِجِّینٍ قَالَ فَهَبَطَ إِلَیْهِ وَ هُوَ مَعْقُولٌ عَلَی وَجْهِهِ بِقَدَمِهِ قَالَ قُلْتُ کَمْ لَبِثْتَ فِی النَّارِ قَالَ مَا أُحْصِی کَمْ بُدِّلْتُ فِیهَا خَلْقاً قَالَ فَأَخْرَجَهُ إِلَیْهِ قَالَ فَقَالَ لَهُ یَا عَبْدِی إِلَی آخِرِ الْخَبَرِ(۴).

**[ترجمه]امالی: همانند این حدیث را آورده تا آن جا که می فرماید: آن بنده هفتاد خریف و هفتاد خریف در آتش خداوند را سوگند می دهد و خریف هم عبارت است از هفتاد سال و هفتاد سال و هفتاد سال. و بعد ادامه حدیث را آورده تا آن جا که می فرماید: او در چاهی از جهنم است. و جبرئیل به سوی او فرود می آید در حالی که او در بند و به صورت افتاده است. گفتم: چه مدتی در آتش ماندی؟ گفت: نمی دانم که چقدر در آن جا بدنم سوخت و پوستی تازه بر بدنم رویید. سپس جبرئیل او را از آن جا خارج نموده و به پیشگاه خداوند می برد و

خداوند به او می فرماید: ای بنده من... و بعد ادامه حدیث را ذکر می کند - . امالی ۲ : ۲۸۸ - .

**[ترجمه]

«۳»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الْمُفِیدُ عَنِ الْجِعَابِیِّ عَنِ ابْنِ عُقْدَهَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ یَحْیَی بْنِ زَکَرِیَّا عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سُفْیَانَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُشْمَعِلِّ عَنِ الثُّمَالِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَنْ دَعَا اللَّهَ بِنَا أَفْلَحَ وَ مَنْ دَعَاهُ بِغَیْرِنَا هَلَکَ وَ اسْتَهْلَکَ (۵).

**[ترجمه]امالی: هرکس خداوند را به واسطه ما بخواند، رستگار می گردد و هرکس به واسطه‌ای غیر از ما بخواند، هلاک گشته و به هلاکت می کشاند - . امالی ۱ : ۱۷۵ - .

احتجاج: محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری روایت نموده که بعد از پرسشهای زیادی که مطرح شد، توقیعی از ناحیه مقدس امام زمان (عج) صادر شد

**[ترجمه]

«۴»

ج، [الإحتجاج] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ أَنَّهُ قَالَ: خَرَجَ تَوْقِیعٌ مِنَ النَّاحِیَهِ الْمُقَدَّسَهِ حَرَسَهَا اللَّهُ تَعَالَی بَعْدَ الْمَسَائِلِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ لَا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ وَ لَا مِنْ أَوْلِیَائِهِ تَقْبَلُونَ حِکْمَهٌ بالِغَهٌ فَما تُغْنِ النُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا یُؤْمِنُونَ السَّلَامُ عَلَیْنَا وَ عَلَی عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِینَ فَإِذَا

۱- ۱. معانی الأخبار ص ۲۲۶.

۲- ۲. ثواب الأعمال ص ۱۳۹.

۳- ۳. مجالس المفید ص ۱۳۶.

۴- ۴. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۲۸۸.

۵- ۵. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۱۷۵.

أَرَدْتُمُ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ إِلَيْنَا فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَ رَبَّانِيَّ آيَاتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَ دَيَّانَ دِينِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَ كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَ أَطْرَافِ نَهَارِكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَ الْغَوْثُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَ تُبَيِّنُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَ تَقْنُتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَ تَسْجُدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَسْتَغْفِرُ وَ تَحْمَدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُكَبِّرُ وَ تُهَلِّلُ السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَ تُمْسِي السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذا يَغْشى وَ النَّهارِ إِذا تَجَلَّى السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ أُشْهِدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَ أَهْلُهُ وَ أُشْهِدُكَ أَنَّ عَلِيّاً أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَ الْحَسَنَ حُجَّتُهُ وَ الْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ أَنْتُمُ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ أَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لا يَنْفَعُ نَفْساً إِيمانُها لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمانِها خَيْراً وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ أَنَّ نَاكِراً وَ نَكِيراً حَقٌّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ أَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَ الْمِيزَانَ وَ الْحِسَابَ حَقٌّ وَ الْجَنَّةَ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ الْوَعْدَ وَ الْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ يَا مَوْلَايَ شَقِيَ مَنْ خَالَفَكُمْ وَ سَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ فَاشْهَدْ عَلَى مَا أَشْهَدْتُكَ عَلَيْهِ وَ أَنَا وَلِيٌّ لَكَ بَرِي ءٌ مِنْ عَدُوِّكَ فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوَّلِكُمْ وَ آخِرِكُمْ وَ نُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ

وَ مَوَدَّتِی خَالِصَهٌ لَکَمْ آمِینَ آمِینَ الدُّعَاءُ عَقِیبَ هَذَا الْقَوْلِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ نَبِیِّ رَحْمَتِکَ وَ کَلِمَهِ نُورِکَ وَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِی نُورَ الْیَقِینِ وَ صَدْرِی نُورَ الْإِیمَانِ وَ فِکْرِی نُورَ النِّیَّاتِ وَ عَزْمِی نُورَ الْعِلْمِ وَ قُوَّتِی نُورَ الْعَمَلِ وَ لِسَانِی نُورَ الصِّدْقِ وَ دِینِی نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِکَ وَ بَصَرِی نُورَ الضِّیَاءِ وَ سَمْعِی نُورَ الْحِکْمَهِ وَ مَوَدَّتِی نُورَ الْمُوَالاهِ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ حَتَّی أَلْقَاکَ وَ قَدْ وَفَیْتُ بِعَهْدِکَ وَ مِیثَاقِکَ فَتَسَعَنِی رَحْمَتُکَ یَا وَلِیُّ یَا حَمِیدُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ حُجَّتِکَ فِی أَرْضِکَ وَ خَلِیفَتِکَ فِی بِلَادِکَ وَ الدَّاعِی إِلَی سَبِیلِکَ وَ الْقَائِمِ بِقِسْطِکَ وَ الثَّائِرِ بِأَمْرِکَ وَلِیِّ الْمُؤْمِنِینَ وَ بَوَارِ الْکَافِرِینَ وَ مُجَلِّی الظُّلْمَهِ وَ مُنِیرِ الْحَقِّ وَ النَّاطِقِ بِالْحِکْمَهِ وَ الصِّدْقِ وَ کَلِمَتِکَ التَّامَّهِ فِی أَرْضِکَ الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ وَ الْوَلِیِّ النَّاصِحِ سَفِینَهِ النَّجَاهِ وَ عَلَمِ الْهُدَی وَ نُورِ أَبْصَارِ الْوَرَی وَ خَیْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ ارْتَدَی وَ مُجَلِّی الْغَمَاءِ الَّذِی یَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطاً کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی وَلِیِّکَ وَ ابْنِ أَوْلِیَائِکَ الَّذِینَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِیراً: اللَّهُمَّ انْصُرْهُ وَ انْتَصِرْ بِهِ لِدِینِکَ وَ انْصُرْ بِهِ أَوْلِیَاءَکَ وَ أَوْلِیَاءَهُ وَ شِیعَتَهُ وَ أَنْصَارَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ کُلِّ بَاغٍ وَ طَاغٍ وَ مِنْ شَرِّ جَمِیعِ خَلْقِکَ وَ احْفَظْهُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ یَمِینِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ احْرُسْهُ وَ امْنَعْهُ مِنْ أَنْ یُوصَلَ إِلَیْهِ بِسُوءٍ وَ احْفَظْ فِیهِ رَسُولَکَ وَ آلَ رَسُولِکَ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ أَیِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَ انْصُرْ نَاصِرِیهِ وَ اخْذُلْ خَاذِلِیهِ وَ اقسم [اقْصِمْ] بِهِ جَبَابِرَهَ الْکُفْرِ وَ اقْتُلْ بِهِ الْکُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِینَ وَ جَمِیعَ الْمُلْحِدِینَ حَیْثُ کَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ امْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَظْهِرْ بِهِ دِینَ نَبِیِّکَ صلی الله علیه و آله وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ شِیعَتِهِ وَ أَرِنِی فِی آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام مَا یَأْمُلُونَ وَ فِی عَدُوِّهِمْ مَا یَحْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ آمِینَ یَا ذَا

الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱).

**[ترجمه]که چنین است: بسم الله الرحمن الرحیم... شما نه درباره دستورات خداوند تفکر می کنید و نه این که از اولیای خداوند سخنی را می پذیرید. این حکمت رسایی است و بیم و انذار انسان های بی ایمان را سودی نمی بخشد. سلام و درود بر ما و بر بندگان شایسته خداوند. هرگاه خواستید که به واسطه ما به درگاه خداوند و به پیشگاه ما روی آورید، این دعا را بخوانید چنان که خداوند عزوجل فرموده است:

سلام بر آل یاسین؛ سلام بر تو ای دعوت کننده الهی و عارف (دانای بزرگ) به آیات او. سلام بر تو ای واسطه خداوند و حاکم و قاضی (داور) دین او. سلام بر تو ای جانشین خدا و یاری کننده حق او. سلام بر تو ای حجّت خدا و راهنمای اراده او. سلام بر تو ای تلاوت گر و تفسیر کننده آیات او. سلام بر تو در تمام لحظه های شبانه ات و سرتاسر (ساعت های) روزت . سلام بر تو ای به جای مانده از طرف خداوند در زمین او. سلام بر تو ای پیمان محکم خداوند از بندگانش گرفته و استوارش کرده است. سلام بر تو ای وعده خدا که خود تضمینش کرده. سلام بر تو ای پرچم برافراشته ودانش ریزان وفریادرس (درماندگان)، و ای رحمت گسترده وآن وعده ای که دروغ نشود. سلام بر تو هنگامی که بپا می ایستی. سلام بر تو هنگامی که می نشینی. سلام بر تو هنگامی که قرائت (قرآن) می کنی و بیان (تفسیر) می کنی. سلام بر تو هنگامی که نماز می گزاری و قنوت می خوانی. سلام بر تو هنگامی که رکوع وسجده بجای آوری. سلام بر تو؛ هنگامی که خدا را ستایش می کنی و از او آمرزش می خواهی. سلام بر تو آن گاه که الله اکبر و لا اله الا الله می گویی. سلام بر تو هنگامی که بامداد کنی و شام کنی. سلام بر تو در شب آن گاه که (تاریکی اش گیتی را) فرو پوشد و در روز آن گاه که روشنایی اش آشکار گردد. سلام بر تو؛ ای امام امین (امان یافته). سلام بر تو؛ ای مقدم (بر همه خلق و) مورد آرزو(ی آنان) . سلام بر تو؛ همه ی سلام های جامع و فراگیر.

من تو را گواه می گیرم ای مولا و سرور من به این که من شهادت می دهم که معبودی جز خداوند یگانه و بی همتا نیست و این که (حضرت) محمد بنده و فرستاده اوست و محبوبی جز او وخاندانش نیست و گواه می گیرم تو را ای مولای من که علی أمیر المؤمنین حجت خدا است و حسن حجّت اوست و حسین حجّت اوست و علیّ بن الحسین حجّت اوست و محمّد بن علی حجّت اوست و جعفربن محمّد حجّت اوست و موسی بن جعفر حجّت اوست و علیّ بن موسی حجّت اوست و محمّد بن علی حجّت اوست و علی بن محمّدحجّت اوست و حسن بن علی حجّت اوست وشهادت می دهم که تو حجّت خدایی. آغاز و انجام شمایید و مسلما بازگشت شما حق است که شکی در آن نیست، روزی که ایمان آوردن سودی ندارد اگر از قبل ایمان نیاورده باشند یا در حال ایمان خود کار نیک نکرده باشند . و این که مرگ حقّ است و ناکر و نکیر (دو فرشته سؤال قبر) حقّ است، و شهادت می دهم که زنده شدن پس از مرگ و برانگیخته شدن حق است، و (پل) صراط حق است، و ترازوی (سنجش اعمال) حساب رسی کردارها حق است، و بهشت و جهنم حق است، و نوید وهشدار به آن دو حق است. ای مولای من، آن کسی که با شما به مخالفت برخاست تیره بخت است و آن که شما را اطاعت کرد سعادتمند است. بر آن چه که تو را گواه و شاهد گرفتم، شاهد و گواه باش که من دوستدار تو هستم و از دشمنت بیزار. آن چه مورد رضایت شما باشد، حق است و آن چه موجب خشم و نارضایتی شما باشد، باطل است. و کار نیک همان است که شما بدان دستور فرموده اید، و منکر (و کار زشت) نیز همان است که شما از آن نهی نموده اید، پس دل من به خداوند یکتا و بی همتا ایمان دارد و به رسول او و به امیرالمؤمنان و به شما ای مولای من از اول تا آخرتان (ایمان دارد) و برای یاری شما آماده هستم و دوستی من فقط برای شماست. آمین آمین.

دعایی که در تعقیب این کلام آمده این است:

بسم الله الرحمن الرحیم: خداوندا، از تو درخواست می کنم که بر محمد؛ پیامبر رحمت و کلمه نور خود درود فرستی، و جان و دلم را از نور یقین آکنده سازی، و سینه ام را به نور ایمان، و فکر واندیشه ام را به نور نیت ها(ی خیر)، و عزم و اراده ام را به نور علم، و نیرویم را به نور عمل، و زبانم را به نور راستگویی و دین و عقیده ام را از جانب خود به نور بصیرت ها (آگاهی ها) منور سازی، و دیدگانم را به نور روشنایی، و گوشم را به نور حکمت، و دوستیم را (سرشار از) نور دوستی و محبت برای محمد و آل آن حضرت نمایی، تا در حالی به ملاقات تو بشتابم که به عهدت و پیمانی که با تو داشتم، وفا نموده باشم پس رحمت تو مرا فراگیرد. ای صاحب اختیار، ای ستایش شده.

خداوندا درود فرست بر محمد حجت تو در روی زمینت، جانشین تو در شهرهایت، و دعوت کننده به سوی راهت و قیام کننده به عدل ودادت . و انقلاب کننـده به دسـتور تو، دوست مؤمنان و نابودی کافران . بر طرف کننـده تاریکی و روشن کننـده حق و گویای به حکمت و راستی و آن کلمه (دستور و فرمان) کاملت در روی زمین که در حال انتظار و هراس به سر برد و آن سرپرست خیرخواه و کشتی نجات و پرچم هدایت و روشـنی دیدگان مردم و بهترین کسی که جامه بر تن نموده و رداء بر دوش انداخته و زداینده گمراهی آن کس که پرکند زمین را از عدل و داد چنان چه پرشده باشد از ستم و بیدادگری که به راستی تو برهر چیز توانائی..

خداونـدا، بر ولی و فرزنـد اولیایت درود فرست؛ آنان که فرض کردی فرمانبرداریشان را و واجب گردانـدی حقشان را و هر گونه پلیـدی را از آنان دور ساخته و آنان را پاک و پاگیزه گردانیدی. خداوندا، او را یاری کن و دینت را به وسیله او یاری نما. خداوندا، به وسیله او دوستداران خود و دوستداران او و پیروان و شیعیانش را یاری نما و ما را از جمله آنان قرار بده.

خداوندا پناه ده او را از شـرّ هر سـتمگر و سرکشـی و از شرّ تمام آفریدگانت، و نگاهش دار از پیش رو و از پشت سرش و از سمت راست و از سمت چپش و نگهداریش کن ، نگاهش دار از این که پیش آمد بدی (آسیبی) برایش رخ دهد ، و در وجود او، پیامبر و آل پیامبرت را حفظ فرما، و آشـکار کن به وسـیله او عدل و داد را و تأییدش کن به یاری (و پیروزی) خود، و یارانش را یاری نما و کسانی را که از یاری او دسـت بردارند، خوار و ذلیل بدار. به واسطه او زورگویان کافر را نابود کن و نابود بگردان به وسیله او کفار و منافقین و تمام بی دینان را در هر جایی که باشند؛ چه در شرق های زمین و چه در غرب های آن و چه در خشکی و چه در دریا ، و به وسیله او زمین را پر از عدل و داد نموده، و دین پیامبرت صـلی الله علیه و آله را آشکار گردان. خدایا مرا از یاران و کمک کاران و پیروان و شیعیانش قرار ده و به من بنمایان در مورد خاندان محمد (علیهم السـلام) آن چه را که آنان امید دارند، و در دشـمنانشان آن چه را که از آن بیم دارند، نشانم ده. ای معبود حق، اجابت فرما، ای صاحب شکوه و بزرگواری، ای مهربان ترین مهربانان - . الاحتجاج: ۲۷۵-۲۷۷ - .

**[ترجمه]

«۵»

ص، [قصـص الأنبیاء علیهـم السـلام] الصَّدُوقُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ فُرَاتِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ نَصْرِ بْنِ مُزَاحِمٍ عَنْ قُطْرُبِ بْنِ علیفٍ عَنْ حَبِیبِ بْنِ أَبِی ثَابِتٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَابِطٍ عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِیِّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَیْهِ قَالَ: کُنْتُ ذَاتَ یَوْمٍ عِنْدَ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله إِذْ أَقْبَلَ أَعْرَابِیٌّ عَلَی نَاقَةٍ لَهُ فَسَلَّمَ ثُمَّ قَالَ أَیُّکُمْ مُحَمَّدٌ فَأُومِئَ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْنِی عَمَّا فِی بَطْنِ نَاقَتِی حَتَّی أَعْلَمَ أَنَّ الَّذِی جِئْتَ بِهِ حَقٌّ وَ أُومِنَ بِإِلَهِکَ وَ أَتَّبِعَکَ فَالْتَفَتَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ حَبِیبِی عَلِیٌّ یَدُلُّکَ فَأَخَذَ عَلِیٌّ بِخِطَامِ النَّاقَةِ ثُمَّ مَسَحَ یَدَهُ عَلَی نَحْرِهَا ثُمَّ رَفَعَ طَرْفَهُ إِلَی السَّمَاءِ وَ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ وَ بِأَسْمَائِکَ الْحُسْنَی وَ بِکَلِمَاتِکَ التَّامَّاتِ لَمَّا أَنْطَقْتَ هَذِهِ النَّاقَةَ حَتَّی تُخْبِرَنَا بِمَا فِی بَطْنِهَا فَإِذَا النَّاقَةُ قَدِ الْتَفَتَ إِلَی عَلِیٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ هِیَ تَقُولُ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ إِنَّهُ رَکِبَنِی یَوْماً وَ هُوَ یُرِیدُ زِیَارَةَ ابْنِ عَمٍّ لَهُ وَ وَاقَعَنِی فَأَنَا حَامِلٌ مِنْهُ فَقَالَ الْأَعْرَابِیُّ وَیْحَکُمْ النَّبِیُّ هَذَا أَمْ هَذَا فَقِیلَ هَذَا النَّبِیُّ وَ هَذَا أَخُوهُ وَ ابْنُ عَمِّهِ فَقَالَ الْأَعْرَابِیُّ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّکَ رَسُولُ اللَّهِ.

**[ترجمه]قصـص الانبیاء: سـلمان فارسی گوید: روزی از روزها خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودم که ناگهان یک عرب بادیه نشین سوار بر شتر آمد. او سـلام کرد و پرسـید: کدام یک از شـما محمد هستید؟ حاضـران به رسول خدا صـلی الله علیه و آله اشاره کردند. آن بادیه نشـین، گفت: ای محمد، بگو که در شکم شتر من چیست؛ تا من دریابم که دینی که تو آورده ای حق است و به خدای تو ایمان آورده و از تو پیروی کنم. پیامبر به او رو نمود و فرمود: حبیب من علی تو را راهنمایی می کند. آن گاه حضـرت علی از افسار شتر گرفته و بر سـینه آن دست کشـید سپس رو به آسمان نمود و گفت: خداوندا، من به حق محمد و خاندان محمد و به نام های نیکت و به کلمات تامه ات از تو درخواست می کنم که این شتر را به سـخن درآوری تا خودش در باره آن چه که در شـکم دارد ما را آگاه سازد. ناگهان آن شتر به علی (درود بر او باد)

رو نمود و گفت: ای علی، روزی از روزهـا این مرد بر من سوار شـد تـا به دیـدار پسـر عموی خود برود. و با من آمیزش کرد و اکنون من از او بـاردار هسـتم. آن عرب بادیه نشـین گفت: وای بر شـما، این پیامبر است یا آن یکی ؟ گفتنـد: پیامبر این است و آن یکی برادر و پسـر عمویش هست. آن گاه آن عرب بادیه نشین گفت: گواهی می دهم که خدایی جز خدای یگانه نیست و تو فرستاده خداوند هستی.

**[ترجمه]

«۶»

یج، [الخرائج و الجرائح] رُوِیَ أَنَّ عُثْمَانَ بْنَ جُنَیْدٍ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ ضَرِیرٌ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَشَکَا إِلَیْهِ ذَهَابَ بَصَرِهِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ائْتِ الْمِیضَاهَ فَتَوَضَّ ثُمَّ صَلِّ رَکْعَتَیْنِ ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ نَبِیِّ الرَّحْمَهِ یَا مُحَمَّدُ إِنِّی أَتَوَجَّهُ بِکَ إِلَی رَبِّکَ لِیَجْلُوَ بِهِ عَنْ بَصَرِی اللَّهُمَّ شَفِّعْهُ فِیَّ وَ شَفِّعْنِی فِی نَفْسِی قَالَ ابْنُ جُنَیْدٍ فَلَمْ یَطُلْ بِنَا الْحَدِیثُ حَتَّی دَخَلَ الرَّجُلُ کَأَنْ لَمْ یَکُنْ بِهِ ضَرَرٌ قَطُّ (۲).

**[ترجمه]خرائج: عثمان بن جنید گوید: مردی نابینا نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از کور شدن خود شکایت نمود. حضرت به او فرمود که آفتـابه را بیاور و وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان سـپس این دعا را بخوان: خداونـدا، من از تو درخواست می کنم و محمـد را که پیامبر رحمت است واسـطه قرار می دهم. ای محمـد، من به واسطه تو به درگاه پروردگارت روی می آورم تا باشـد که چشـمانم را نور و جلا دهـد. خداونـدا شـفاعت محمد را در مورد من بپذیر و خواسـته خودم درباره خودم را اجابت نما. ابن جنید گوید: ما سـرگرم صـحبت بودیم و طولی نکشید که آن مرد وارد مجلس شد گویی که هرگز نابینا نبوده است - . این حدیث در کتاب مختار الخرائج و الخرائج یافت نشد. - .

**[ترجمه]

«۷»

شی، [تفسیر العیاشـی] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی زَیْدٍ الرَّازِیِّ عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنِ الرِّضَا علیه السـلام قَالَ: إِذَا نَزَلَتْ بِکُمْ شِدَّهٌ فَاسْتَعِینُوا بِنَا عَلَی اللَّهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ وَ لِلَّهِ الْأَسْماءُ الْحُسْنی

ص: ۵

۱- ۱. الاحتجاج ص ۲۷۵- ۲۷۷.

۲- ۲. لم نجده فی مختار الخرائج و الجرائح.

فَادْعُوهُ بِها(۱).

قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: نَحْنُ وَ اللَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى الَّذِی لَا یَقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا قَالَ فَادْعُوهُ بِهَا(۲).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: امام رضا علیه السلام فرمود: هر گاه برای شما سختی و مشکلی پیش آمد از ما استعانت جسته و بوسیله ما از خداوند رفع مشکلات خود را بخواهید. و این است معنای سخن خداوند که فرمود: «خداوند نام های نیک دارد پس او را با آن نام ها بخوانید» - . اعراف / ۱۸۰ - .

آن گاه حضرت فرمود که امام صادق علیه السلام فرموده است: به خدا سوگند که مقصود از نام های نیک الهی ما هستیم که عمل هیچ کسی بدون معرفت ما مورد قبول خداوند قرار نمی گیرد. فرمود: پس خداوند را با همان نام ها بخوانید - . تفسیر عیاشی : ۲ / ۴۲ - .

**[ترجمه]

«۸»

م، [تفسیر الإمام علیه السلام] قَالَ الْإِمَامُ علیه السلام: إِنَّ مُوسَى علیه السلام لَمَّا انْتَهَى إِلَى الْبَحْرِ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَیْهِ قُلْ لِبَنِی إِسْرَائِیلَ جَدِّدُوا تَوْحِیدِی وَ أَمِرُّوا بِقُلُوبِکُمْ ذِکْرَ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ عَبِیدِی وَ إِمَائِی وَ أَعِیدُوا عَلَى أَنْفُسِکُمُ الْوَلَایَهَ لِعَلِیٍّ أَخِی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ وَ قُولُوا اللَّهُمَّ بِجَاهِهِمْ جَوِّزْنَا عَلَى مَتْنِ هَذَا الْمَاءِ یَتَحَوَّلْ لَکُمْ أَرْضاً فَقَالَ لَهُمْ مُوسَى ذَلِکَ فَقَالُوا تُورِدُ عَلَیْنَا مَا نَکْرَهُ وَ هَلْ فَرَرْنَا مِنْ فِرْعَوْنَ إِلَّا مِنْ خَوْفِ الْمَوْتِ وَ أَنْتَ تَقْتَحِمُ بِنَا هَذَا الْمَاءَ الْغَمْرَ بِهَذِهِ الْکَلِمَاتِ وَ مَا یُدْرِینَا مَا یَحْدُثُ مِنْ هَذِهِ عَلَیْنَا فَقَالَ لِمُوسَى کَالِبُ بْنُ یُوحَنَّا وَ هُوَ عَلَى دَابَّهٍ لَهُ وَ کَانَ ذَلِکَ الْخَلِیجُ أَرْبَعَهَ فَرَاسِخَ یَا نَبِیَّ اللَّهِ أَمَرَکَ اللَّهُ بِهَذَا أَنْ نَقُولَهُ وَ نَدْخُلَ الْمَاءَ فَقَالَ نَعَمْ قَالَ وَ أَنْتَ تَأْمُرُنِی بِهِ قَالَ بَلَى قَالَ فَوَقَفَ وَ جَدَّدَ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ تَوْحِیدِ اللَّهِ وَ نُبُوَّهِ مُحَمَّدٍ وَ وَلَایَهِ عَلِیٍّ وَ الطَّیِّبِینَ مِنْ آلِهِمَا کَمَا أَمَرَ بِهِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ بِجَاهِهِمْ جَوِّزْنِی عَلَى مَتْنِ هَذَا الْمَاءِ ثُمَّ أَقْحَمَ فَرَسَهُ فَرَکَضَ عَلَى مَتْنِ الْمَاءِ وَ إِذَا الْمَاءُ تَحْتَهُ کَأَرْضٍ لَیِّنَهٍ حَتَّى بَلَغَ آخِرَ الْخَلِیجِ ثُمَّ عَادَ رَاکِضاً ثُمَّ قَالَ لِبَنِی إِسْرَائِیلَ یَا بَنِی إِسْرَائِیلَ أَطِیعُوا مُوسَى فَمَا هَذَا الدُّعَاءُ إِلَّا مِفْتَاحُ أَبْوَابِ الْجِنَانِ وَ مَغَالِیقُ أَبْوَابِ النِّیرَانِ وَ مُسْتَنْزِلُ الْأَرْزَاقِ وَ جَالِبٌ عَلَى عَبِیدِ اللَّهِ وَ إِمَائِهِ رِضَا الْمُهَیْمِنِ الْخَلَّاقِ فَأَبَوْا وَ قَالُوا نَحْنُ لَا نَسِیرُ إِلَّا عَلَى الْأَرْضِ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى اضْرِبْ بِعَصَاکَ الْبَحْرَ وَ قُلِ اللَّهُمَّ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ لَمَّا فَلَقْتَهُ فَفَعَلَ فَانْفَلَقَ وَ ظَهَرَتِ الْأَرْضُ إِلَى آخِرِ الْخَلِیجِ فَقَالَ مُوسَى علیه السلام ادْخُلُوا قَالُوا الْأَرْضُ وَحِلَهٌ نَخَافُ أَنْ نَرْسُبَ فِیهَا فَقَالَ اللَّهُ یَا مُوسَى قُلِ اللَّهُمَّ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ جَفِّفْهَا فَقَالَهَا فَأَرْسَلَ اللَّهُ عَلَیْهَا رِیحَ الصَّبَا فَجَفَّتْ وَ قَالَ مُوسَى ادْخُلُوهَا قَالُوا یَا نَبِیَّ اللَّهِ نَحْنُ اثْنَتَا عَشْرَهَ قَبِیلَهً بَنُو اثْنَیْ عَشَرَ أَباً وَ إِنْ دَخَلْنَا رَامَ کُلُ

۱- ۱. الأعراف: ۱۸۰.

۲- ۲. تفسیر العیّاشیّ: ج ۲ ص ۴۲.

فَرِيقٍ تَقَدُّمَ صَاحِبِهِ فَلَا نَأْمَنُ وُقُوعَ الشَّرِّ بَيْنَنَا فَلَوْ كَانَ لِكُلِّ فَرِيقٍ مِنَّا طَرِيقٌ عَلَى حِدَةٍ لَأَمِنَّا مَا نَخَافُهُ فَأَمَرَ اللَّهُ مُوسَى أَنْ يَضْرِبَ الْبَحْرَ بِعَدَدِهِمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ ضَرْبَةً فِي اثْنَيْ عَشَرَ مَوْضِعاً إِلَى جَانِبِ ذَلِكَ الْمَوْضِعِ وَ يَقُولُ اللَّهُمَّ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ بَيِّنِ الْأَرْضَ لَنَا وَ أَمِطْ الْمَاءَ عَنَّا فَصَارَ فِيهِ تَمَامُ اثْنَيْ عَشَرَ طَرِيقاً وَ جَفَّ قَرَارُ الْأَرْضِ بِرِيحِ الصَّبَا فَقَالَ ادْخُلُوهَا قَالُوا كُلُّ فَرِيقٍ مِنَّا يَدْخُلُ سِكَّةً مِنْ هَذِهِ السِّكَكِ لَا تَدْرِي مَا يَحْدُثُ عَلَى الْآخَرِينَ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَاضْرِبْ كُلَّ طَوْدٍ مِنَ الْمَاءِ بَيْنَ هَذِهِ السِّكَكِ فَضَرَبَ وَ قَالَ اللَّهُمَّ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ لَمَّا جَعَلْتَ هَذَا الْمَاءَ طَبَقَاتٍ وَاسِعَةً يَرَى بَعْضُهُمْ بَعْضاً مِنْهَا- فَحَدَثَ طَبَقَاتٌ وَاسِعَةٌ يَرَى بَعْضُهُمْ بَعْضاً ثُمَّ دَخَلُوهَا فَلَمَّا بَلَغُوا آخِرَهَا جَاءَ فِرْعَوْنُ وَ قَوْمُهُ فَدَخَلَ بَعْضُهُمْ فَلَمَّا دَخَلَ آخِرُهُمْ وَ هَمُّوا بِالْخُرُوجِ أَوَّلُهُمْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى الْبَحْرَ فَانْطَبَقَ عَلَيْهِمْ فَغَرِقُوا وَ أَصْحَابُ مُوسَى يَنْظُرُونَ إِلَيْهِمْ فَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَ وَ أَغْرَقْنا آلَ فِرْعَوْنَ وَ أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ إِلَيْهِمْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فِي عَهْدِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله فَإِذَا كَانَ اللَّهُ تَعَالَى فَعَلَ هَذَا كُلَّهُ بِأَسْلَافِكُمْ لِكَرَامَةِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ دَعَا مُوسَى دُعَاءَ تَقَرَّبَ بِهِمْ أَ فَمَا تَعْقِلُونَ أَنَّ عَلَيْكُمُ الْإِيمَانَ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ إِذْ قَدْ شَاهَدْتُمُوهُ الْآنَ (۱).

**[ترجمه]تفسیر امام حسن عسکری: امام علیه السلام فرمود: وقتی موسی به دریا رسید، خداوند به او وحی نمود: به بنی اسرائیل بگو که توحید مرا تجدید نموده و به قلب های خود ذکر محمّد صلی الله علیه و آله سید و سرور بندگان و کنیزان مرا مرور دهید و جان هایتان را بر ولایت علی برادر و وصی محمّد و اهل بیت پاک او عادت دهید و بگویید: خداوندا، تو را به جاه و مقام ایشان سوگند می دهیم که ما را از این آب عبور دهی، آن وقت این دریا برای شما همچون سطح زمین خواهد شد. موسی این مطلب را به آنان ابلاغ کرد. آنان گفتند: تو می خواهی ما را به کاری واداری که ما از آن کراهت داریم؟ مگر نه این است که ما از بیم مرگ از چنگ فرعون گریختیم و اکنون تو می خواهی با این کلمات ما را به سختی به عمق این آب بفرستی؟ ما نمی‌دانیم که با این کار، چه بر سر ما می‌آید. کالب بن یوحنا در حالی که سوار بر چهارپایی بود و آن خلیج چهار فرسخ بود، به موسی عرض کرد: ای پیامبر خدا، آیا خداوند تو را به این امر فرمان داده که ما این کلمات را بگوییم و وارد آب شویم؟ موسی فرمود: آری، او پرسید: اکنون تو به من همین دستور را می دهی؟ فرمود: آری. پس ایستاد و توحید خداوند و نبوت محمد صلی الله علیه و آله و ولایت علی علیه السلام و فرزندان طاهرینش را بر خود تجدید کرد و گفت: خداوندا به جاه و منزلت این افراد مرا از روی این آب به سلامت بگذران. سپس اسب خود را به درون دریا راند و اسب بر روی دریا دوید و ناگهان آب در زیر پای اسب همچون زمین نرم شد. او سوار بر اسب خود تا آخر خلیج رفت و با سرعت بازگشت. و به بنی اسرائیل گفت: ای بنی اسرائیل از موسی پیروی کنید که این دعا کلید درهای بهشت و قفل درهای جهنم و سبب نزول نعمت های الهی و موجب رضایت خداوند مراقب بسیار آفریننده است. اما بنی اسرائیل نپذیرفتند و گفتند ما فقط بر روی زمین راه می‌رویم. خداوند به موسی وحی نمود که با عصایت به دریا بزن و بگو: خداوندا، تو را به جاه و منزلت محمد و خاندان پاکش سوگند می دهم که این دریا را بشکافی. موسی هم چنین کرد و دریا شکافته شد. و تا آن سوی خلیج زمین پیدا بود. موسی گفت: اکنون وارد شوید. گفتند: زمین گل آلود است و می ترسیم که در گل فرو رویم. خداوند به موسی فرمود ای موسی بگو: خداوندا به مقام و منزلت محمد و خاندان پاکش زمین را خشک گردان. موسی چنین کرد و خداوند باد صبا را فرستاد و زمین کف دریا را خشک نمود. موسی به بنی اسرائیل گفت اکنون وارد شوید. گفتند: ای پیامبر خدا، ما دوازده قبیله از نسل دوازده پدر هستیم. اگر همگی وارد شویم، افراد هر قبیله تلاش می کنند که از قبیله ای دیگر جلو بزنند و ممکن است که شری برخیزد و اگر برای هر قبیله ای یک راه جداگانه باشد، از این مسئله در امان خواهیم ماند. خداوند به موسی دستور داد که به تعداد قبائل یعنی در دوازده نقطه از دریا در نزدیک آن جا با عصایش زده و بگوید: خداوندا به مقام و منزلت محمد و آل محمد، زمین کف دریا را برای ما آشکار ساخته و این گرفتاری را از ما دور ساز. این چنین بود که دوازده راه در دریا گشوده شد و زمینش هم با باد صبا خشک شد. موسی به قوم خود گفت: اکنون وارد شوید. گفتند: اگر هر گروهی از ما در راهی روان شود، از سرنوشت گروه های دیگر بی خبر می ماند. خداوند عزوجل به موسی فرمود: با عصای خود به کوه های بزرگ (آب) که میان این راه ها فاصله انداخته بزن. موسی با عصای خود بر آن زده و گفت: خداوندا، به مقام و منزلت محمد و خاندان پاک او قسمت می دهم که این آب ها را به صورت طبقه های پهناوری قرار دهی به گونه ای که همدیگر را از میان آنها ببینند. آب به صورت طبقه های پهناوری درآمد و مردم می توانستند همدیگر را از این طبقه ها ببینند. و مردم وارد شدند وقتی که به آن سوی دریا رسیدند، فرعون و سپاهیانش وارد شدند و زمانی که اولین پیشاهنگ ها در شرف خارج شدن از دریا بودند آخرین سپاهیان فرعون وارد دریا شدند، خداوند به دریا دستور داد پس آنان را فرا گرفت و غرق ساخت. و یاران موسی غرق شدن

فرعونیان را نظاره می کردند و این است معنای سخن خداوند که فرمود: ما فرعونیان را غرق نمودیم درحالی که شما به آنان می نگریستید.

خداونـد خطـاب به بنی اسـرائیلی که در زمان حضـرت محمـد صـلی الله علیه و آله بودنـد، فرمود: وقتی خداونـد به خاطر کرامت و بزرگواری محمد صلی الله علیه و آله این همه را با نیاکان شما انجام داد و موسی به واسطه آنان به درگاه خداوند دعا نموده و تقرب جست،

آیا اکنون که شـما محمد را دیده و دریافته اید، فکر نمی کنید که باید به او و خاندانش ایمان آورید - . تفسیر امام حسن عسکری: ۱۱۷-۱۱۸ - ؟

**[ترجمه]

«۹»

م، [تفسـیر الإمام علیه السلام] فِی قِصَّهِ التَّوْبَهِ عَنْ عِبَادَهِ الْعِجْلِ: فَأَمَرَ اللَّهُ الِاثْنَیْ عَشَرَ أَلْفاً أَنْ یَخْرُجُوا عَلَی الْبَاقِینَ شَاهِرِینَ السُّیُوفَ یَقْتُلُونَهُمْ وَ نَادَی مُنَادٍ أَلَا لَعَنَ اللَّهُ أَحَداً اتَّقَاهُمْ بِیَدٍ أَوْ رِجْلٍ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ تَأَمَّلَ الْمَقْتُولَ لَعَلَّهُ یَتَبَیَّنُهُ حَمِیماً قَرِیباً فَیَتَعَدَّاهُ إِلَی الْأَجْنَبِیِّ فَاسْتَسْلَمَ الْمَقْتُولُونَ فَقَالَ الْقَاتِلُونَ نَحْنُ أَعْظَمُ مُصِیبَهً مِنْهُمْ نَقْتُلُ بِأَیْدِینَا آبَاءَنَا وَ أُمَّهَاتِنَا وَ إِخْوَانَنَا وَ قَرَابَاتِنَا وَ نَحْنُ لَمْ نَعْبُدْ فَقَدْ سَاوَی بَیْنَنَا وَ بَیْنَهُمْ فِی الْمُصِیبَهِ فَأَوْحَی اللَّهُ تَعَالَی إِلَی مُوسَی أَنِّی إِنَّمَا امْتَحَنْتُهُمْ کَذَلِکَ لِأَنَّهُمْ مَا اعْتَزَلُوهُمْ لَمَّا عَبَدُوا الْعِجْلَ وَ لَمْ

۱- ۱. تفسیر الإمام ص ۱۱۷ و ۱۱۸.

يَهْجُرُوهُمْ وَ لَمْ يُعَادُوهُمْ عَلَى ذَلِكَ قُلْ لَهُمْ مَنْ دَعَا اللَّهَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ أَنْ يُسَهِّلَ عَلَيْهِمْ قَتْلَ الْمُسْتَحِقِّينَ لِلْقَتْلِ بِذُنُوبِهِمْ فَفَعَلَ فَقَالُوهَا فَسَهَّلَ عَلَيْهِمْ وَ لَمْ يَجِدُوا لِقَتْلِهِمْ لَهُمْ أَلَماً فَلَمَّا اسْتَمَرَّ الْقَتْلُ فِيهِمْ وَ هُمْ سِتُّمِائَةِ أَلْفٍ إِلَّا اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفاً الَّذِينَ لَمْ يَعْبُدُوا الْعِجْلَ وَفَّقَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ فَقَالَ لِبَعْضِهِمْ وَ الْقَتْلُ لَمْ يَفِضْ بَعْدُ إِلَيْهِمْ فَقَالَ أَ وَ لَيْسَ اللَّهُ قَدْ جَعَلَ التَّوَسُّلَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ أَمْراً لَا يَخِيبُ مَعَهُ طَلِبَةٌ وَ لَا يُرَدُّ بِهِ مَسْأَلَةٌ وَ هَكَذَا تَوَسَّلَتْ بِهِمُ الْأَنْبِيَاءُ وَ الرُّسُلُ فَمَا لَنَا لَا نَتَوَسَّلُ قَالَ فَاجْتَمَعُوا وَ ضَجُّوا يَا رَبَّنَا بِجَاهِ مُحَمَّدٍ الْأَكْرَمِ وَ بِجَاهِ عَلِيٍّ الْأَفْضَلِ الْأَعْظَمِ وَ بِجَاهِ فَاطِمَةَ ذِي الْفَضْلِ وَ الْعِصْمَهِ وَ بِجَاهِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سِبْطَيْ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ سَيِّدَيْ شَبَابِ أَهْلِ الْجِنَانِ أَجْمَعِينَ وَ بِجَاهِ الذُّرِّيَّهِ الطَّيِّبَهِ الطَّاهِرَهِ مِنْ آلِ طه وَ يس لَمَّا غَفَرْتَ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ غَفَرْتَ لَنَا هَفْوَتَنَا وَ أَزَلْتَ هَذَا الْقَتْلَ عَنَّا فَذَلِكَ حِينَ نُودِيَ مُوسَى عليه السلام مِنَ السَّمَاءِ أَنْ كُفَّ الْقَتْلَ فَقَدْ سَأَلَنِي بَعْضُهُمْ مَسْأَلَةً وَ أَقْسَمَ عَلَيَّ قَسَماً لَوْ أَقْسَمَ بِهِ هَؤُلَاءِ الْعَابِدُونَ لِلْعِجْلِ وَ سَأَلَنِي بَعْضُهُمُ الْعِصْمَهَ حَتَّى لَا يَعْبُدُوهُ لَوَفَّقْتُهُمْ وَ عَصَمْتُهُمْ وَ لَوْ أَقْسَمَ عَلَيَّ بِهَا إِبْلِيسُ لَهَدَيْتُهُ وَ لَوْ أَقْسَمَ عَلَيَّ بِهَا نُمْرُودُ أَوْ فِرْعَوْنُ لَنَجَّيْتُهُمْ فَرَفَعَ عَنْهُمُ الْقَتْلَ فَجَعَلُوا يَقُولُونَ يَا حَسْرَتَنَا أَيْنَ كُنَّا عَنْ هَذَا الدُّعَاءِ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ حَتَّى كَانَ اللَّهُ يَقِينَا شَرَّ الْفِتْنَهِ وَ يَعْصِمُنَا بِأَفْضَلِ الْعِصْمَهِ(۱).

**[ترجمه]تفسیر امام حسن عسکری: در داستان توبه بنی اسرائیل از پرستش گوساله چنین آمده است: خداوند به دوازده هزار نفر از بنی اسرائیل فرمان داد که شمشیر به دست گرفته گوساله پرستان را بکشند. و منادی ندا داد: نفرین خداوند بر کسی که با دست و پا از آنان حمایت کند و نفرین خداوند بر کسی که در هنگام حمله به گوساله پرستان برای شناختن آنان دقت کند که ممکن است او را دوست و یا خویشاوند خود یافته و در نتیجه او را رها ساخته و به فرد ناشناسی دیگری حمله ور شود. پس آنان که باید کشته می شدند سالم بمانند (کشته نشوند) . کسانی که مأمور کشتن گوساله پرستان شده بودند، گفتند: مصیبت ما از آنان سخت تر است زیرا ما با دستان خودمان، پدران و مادران و برادران و نزدیکان خود را می‌کشیم. در حالی که ما اصلا گوساله پرستی نکردیم اما خداوند ما و آنان را به مصیبتی همسان مبتلا ساخته است. آن گاه خداوند تعالی به موسی وحی نمود: من به این خاطر آنان را به این محنت دچار ساختم که آنان وقتی دیدند که عده‌ای به گوساله پرستی روی آورده‌اند، از آنان دوری نجسته و با آن کارشان مخالفتی نکردند. به آنان بگو که هرکس به واسطه محمد و آل طاهرینش از خداوند بخواهد که کشتن کسانی را که به جهت گناهانشان سزوار کشتن هستند، برایش آسان سازد، موسی این مطلب را به قوم خود ابلاغ کرد. و آنان نیز همین گونه دعا کردند و خداوند این کار را برایشان آسان نمود. بگونه‌ای که دیگر از کشتن گوساله پرستان، رنجشی احساس نمی کردند. کشتار در میان آنان ادامه یافت و آنان ششصد هزار نفر بودند و فقط دوازده هزار نفر از آنان گوساله نپرستیده بودند. خداوند به یکی از آنانی که هنوز کشتن به آنان نرسیده بود (از کشتن در امان مانده بودند)، توفیق نمود. او به یاران خود گفت: مگر نه این است که خداوند توسل به محمد و خاندان او را وسیله ای قرار داده است که هر کس با توسل به آنان از خداوند چیزی بخواهد هرگز نا امید نشده و خواسته اش رد نخواهد شد و پیامبران و فرستادگان الهی به آن بزرگواران توسل جستند، پس چرا ما توسل نجوییم. آنان جمع شدند و با گریه و زاری به درگاه پروردگار گفتند: پروردگارا، به مقام و منزلت محمد که گرامی است و به مقام علی که برترین و بزرگترین است و به مقام فاطمه که صاحب فضل و عصمت است و به مقام حسن و حسین که نوادگان سرور رسولان و سرور تمام جوانان اهل بهشت هستند و به مقام خاندان پاک آل طه و یس قسم می دهیم که از گناهان ما در گذر و از لغزش ما گذشت نموده و این کشتار را از میان ما بردار. در این هنگام از آسمان به موسی ندا رسید که: از کشتن دست بردار؛ چرا که برخی از آنان از من درخواستی نموده و مرا به چیزی سوگند داده که اگر این گوساله پرستان مرا چنین سوگند می‌دادند و برخی از آنان از من می‌خواستند که آنان را در مقابل گوساله پرستی معصوم بدارم، من آنان را توفیق داده و معصومشان می کردم. و اگر شیطان مرا چنین قسم می داد، او را هدایت می کردم و اگر نمرود و فرعون مرا چنین قسم می دادند، نجاتشان می دادم. این گونه بود که با این دعا، تکلیف کشتن از آنان برداشته شد و آنان با یکدیگر گفتند: ای افسوس و حسرت، چرا زود تر از این، با توسل به محمد و آل طاهرینش به درگاه خداوند دعا نکردیم که خداوند ما را از شر این فتنه بدور داشته و ما را به بهترین وجه از گناهان به دور می داشت – . تفسیر امام حسن عسکری : ۱۲۰ و ۱۲۱ – .

**[ترجمه]

م، [تفسیر الإمام علیه السلام]: قَالَ اللَّهُ تَعَالَی وَ إِذِ اسْتَسْقی مُوسی لِقَوْمِهِ (۲) قَالَ وَ اذْكُرُوا بَنِی إِسْرَائِیلَ إِذِ اسْتَسْقی مُوسی لِقَوْمِهِ طَلَبَ لَهُمُ السَّقْیَ لَمَّا لَحِقَهُمُ الْعَطَشُ فِی التِّیهِ وَ ضَجُّوا بِالْبُكَاءِ إِلَی مُوسَی وَ قَالُوا هَلَكْنَا بِالْعَطَشِ فَقَالَ مُوسَی إِلَهِی بِحَقِّ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ الْأَنْبِیَاءِ وَ بِحَقِّ عَلِیٍّ سَیِّدِ الْأَوْصِیَاءِ وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ سَیِّدَةِ النِّسَاءِ وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ سَیِّدِ الْأَوْلِیَاءِ وَ بِحَقِّ الْحُسَیْنِ أَفْضَلِ الشُّهَدَاءِ وَ بِحَقِّ عِتْرَتِهِمْ وَ خُلَفَائِهِمْ سَادَةِ الْأَزْكِیَاءِ لَمَّا سَقَیْتَ عِبَادَكَ هَؤُلَاءِ.

۱- ۱. تفسیر الإمام ص ۱۲۰ و ۱۲۱.

۲- ۲. البقره: ۶۰.

فَأَوْحَی اللَّهُ تَعَالَی یَا مُوسَی اضْرِبْ بِعَصَاکَ الْحَجَرَ فَضَرَبَهُ بِهَا فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَهَ عَیْناً قَدْ عَلِمَ کُلُّ أُناسٍ کُلُّ قَبِیلَهٍ مِنْ بَنِی أَبٍ مِنْ أَوْلَادِ یَعْقُوبَ مَشْرَبَهُمْ فَلَا یُزَاحِمُ الْآخَرِینَ فِی مَشْرَبِهِمْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَی کُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ الَّذِی آتَاکُمُوهُ وَ لا تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِینَ وَ لَا تَسْعَوْا فِیهَا وَ أَنْتُمْ مُفْسِدُونَ عَاصُونَ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ أَقَامَ عَلَی مُوَالاتِنَا أَهْلَ الْبَیْتِ سَقَاهُ اللَّهُ تَعَالَی مِنْ مَحَبَّتِهِ کَأْساً لَا یَبْغُونَ بِهِ بَدَلًا وَ لَا یُرِیدُونَ سِوَاهُ کَافِیاً وَ لَا کَالِیاً وَ لَا نَاصِراً وَ مَنْ وَطَّنَ نَفْسَهُ عَلَی احْتِمَالِ الْمَکَارِهِ فِی مُوَالاتِنَا جَعَلَهُ اللَّهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ فِی عَرَصَاتِهَا بِحَیْثُ یَقْصُرُ کُلُّ مَنْ تَضَمَّنَهُ تِلْکَ الْعَرَصَاتُ أَبْصَارُهُمْ عَمَّا یُشَاهِدُونَ مِنْ دَرَجَاتِهِمْ وَ إِنَّ کُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ لَیُحِیطُ بِمَا لَهُ مِنْ دَرَجَاتِهِ کَإِحَاطَتِهِ فِی الدُّنْیَا لِمَا یَلْقَاهُ بَیْنَ یَدَیْهِ ثُمَّ یُقَالُ لَهُ وَطَّنْتَ نَفْسَکَ عَلَی احْتِمَالِ الْمَکَارِهِ فِی مُوَالاهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ إِلَیْکَ وَ مَکَّنَکَ مِنْ تَخْلِیصِ کُلِّ مَا تُحِبُّ تَخْلِیصَهُ مِنْ أَهْلِ الشَّدَائِدِ فِی هَذِهِ الْعَرَصَاتِ فَیَمُدُّ بَصَرَهُ فَیُحِیطُ ثُمَّ یَنْتَقِدُ مَنْ مِنْهُمْ أَحْسَنَ إِلَیْهِ أَوْ بَرَّهُ فِی الدُّنْیَا بِقَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ أَوْ رَدِّ غِیبَهٍ أَوْ حُسْنِ مَحْضَرٍ أَوْ إِرْفَاقٍ فَیَنْتَقِدُهُ مِنْ بَیْنِهِمْ کَمَا یَنْتَقِدُ الدِّرْهَمَ الصَّحِیحَ مِنَ الْمَکْسُورِ ثُمَّ یُقَالُ لَهُ اجْعَلْ هَؤُلَاءِ فِی الْجَنَّهِ حَیْثُ شِئْتَ فَیُنْزِلُهُمْ جِنَانَ رَبِّنَا ثُمَّ یُقَالُ قَدْ جَعَلْنَا لَکَ وَ مَکَّنَّاکَ مِنْ لِقَاءِ مَنْ تُرِیدُ فِی نَارِ جَهَنَّمَ فَیَرَاهُمْ فَیُحِیطُ بِهِمْ وَ یَنْتَقِدُهُمْ مِنْ بَیْنِهِمْ کَمَا یَنْتَقِدُ الدِّینَارَ مِنَ الْقُرَاضَهِ ثُمَّ یُقَالُ لَهُ صَیِّرْهُمْ فِی النِّیرَانِ إِلَی حَیْثُ تَشَاءُ فَیُصَیِّرُهُمْ حَیْثُ یَشَاءُ مِنْ مَضَایِقِ النَّارِ فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَی لِبَنِی إِسْرَائِیلَ الْمَوْجُودِینَ فِی عَصْرِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَإِذَا کَانَ أَسْلَافُکُمْ إِنَّمَا دُعُوا إِلَی مُوَالاهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فَأَنْتُمْ لَمَّا شَاهَدْتُمُوهُمْ فَقَدْ وَصَلْتُمْ إِلَی الْغَرَضِ وَ الْمَطْلَبِ الْأَفْضَلِ إِلَی مُوَالاهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فَأَنْتُمُ الْآنَ فَتَقَرَّبُوا إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِالتَّقَرُّبِ إِلَیْهِمْ وَ لَا تَتَقَرَّبُوا مِنْ سَخَطِهِ وَ لَا تَبَاعَدُوا مِنْ رَحْمَتِهِ بِالْإِزْرَاءِ عَنَّا(۱).

۱- ۱. تفسیر الإمام ص ۱۲۳.

**[ترجمه]تفسیر امام حسن عسکری: خداوند می فرماید: {و زمانی که موسی برای قوم خویش، آب طلبید} - . بقره / ۶۰ -

یعنی بنی اسرائیل را به یاد آورید همان زمانی که موسی برای قومش آب طلبید. و آن زمانی بود که آنان در سرگردانی بودند و تشنگی امان از آنان بریده بود تا این که با گریه وزاری به سوی موسی آمده و گفتند: از تشنگی هلاک شدیم. موسی چنین دعا کرد: خداوندا، به حق محمد سرور پیامبران و به حق علی سرور امامان و به حق فاطمه بزرگ بانوی زنان، و به حق حسن سرور اولیاء و به حق حسین برترین شهداء و به حق عترت و جانشینان آنان سرور پاکان ، تو را سوگند می دهم که این بندگانت را آب بدهی. خداوند تعالی به موسی وحی نمود: با عصایت به سنگ بزن. موسی هم چنین کرد و از آن دوازده چشمه جوشید. و هر قبیله که از اولاد پدری از اولاد یعقوب بودند آبشخورش معلوم گردید که مزاحمتی در آبشخور دیگری ایجاد نشود. خداوند فرمود: از رزقی که خداوند به شما ارزانی داشته بخورید و بیاشامید و در زمین فساد نکنید. یعنی در زمین برای فساد و معصیت تلاش نکنید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس بر محبت ما اهل بیت پایدار بماند، خداوند تعالی جامی از محبتش به آن ها می نوشاند که هرگز آن را با چیزی عوض نکرده و چیزی را غیر از آن به عنوان کفایت‌کننده و محافظت کننده و یاری‌کننده نخواهند خواست، و هرکس در راه ولایت ما سختی ها را به جان بخرد، خداوند مقام و منزلت او را در روز قیامت چنان قرار می دهد که تمام افراد حاضر در صحرای محشر، چشمانشان از دیدن درجات او ناتوان باشد. و هر کدام از این دسته محبین ما، به درجات خود واقف می‌گردد همان طور که در دنیا به آن چه که پیش پای خود می بیند، واقف می‌گردد .

سپس به او گفته می شود: تو در راه ولایت و محبت محمد و خاندان پاك او، مشکلات زیادی را به جان خریدی خداوند هم این اختیار را داده است که هر کسی از گرفتاران عرصه محشر را خواسته باشی، نجات دهی. او به عرصه محشر نگاهی انداخته و هر کسی را که در دنیا، با گفتار و رفتار یا نپذیرفتن غیبت (در مورد او) یا در حضورش به او نیکی نموده، انتخاب می کند. او این افراد را از میان انبوه مردم چنان انتخاب می کند که گویی درهم سالم را از ناسالم جدا می‌کند. سپس به او گفته می شود: اینان را در هر جایی از بهشت که خواسته باشی، جای بده. و او هم آن ها را به بهشت پروردگار می برد.

سپس به او گفته می شود: ما این اختیار را به تو داده‌ایم که هر کس از گرفتاران در جهنم را که خواسته باشی، ملاقات کنی و او هم نگاهی به جهنمیان می اندازد و همچون کسی که دینار را از براده های فلز جدا می کند، افرادی را از میان آنان جدا می کند. سپس به او گفته می شود: آنان را به هر جایی از جهنم که خواسته باشی، می توانی انتقال دهی. و او، آنان را به جایی از تنگناه های جهنم که خواسته باشد می برد.

خداوند تعالی به بازماندگان بنی اسرائیل که در زمان حضرت محمد صلی الله علیه و آله بودند،

فرمود: حال که، گذشتگان شما به محبت و ولایت محمد و خاندان او دعوت شده اند، و شما اکنون این محمد و آل محمد را می بینید و به هدف و خواسته و مقصود و مراد برتر که همان محبت وولایت محمد وخاندانش است رسیده اید، اینك شما نیز با تقرب به این بزرگواران، به خداوند تقرب بجویید و به خشم او نزدیک نشوید و با روی گرداندن از ما موجب دوری از رحمت خداوند نشوید - . تفسیر امام حسن عسکری: ۱۲۳ - .

**[ترجمه]

أقول

قد أوردنا الأخبار الکثیره فی ذلک فی باب ذبح البقره و غیره من أبواب قصص الأنبیاء علیهم السلام.

**[ترجمه]در باب قربانی کردن گاو و دیگر ابوابی که به داستان های انبیاء پرداخته بود،

روایات زیادی را در این باره نقل نمودیم .

**[ترجمه]

«11»

م، [تفسیر الإمام علیه السلام]: قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَ وَ لَمَّا جاءَهُمْ کِتابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِما مَعَهُمْ وَ کانُوا مِنْ قَبْلُ یَسْتَفْتِحُونَ عَلَی الَّذِینَ کَفَرُوا فَلَمَّا جاءَهُمْ ما عَرَفُوا کَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَهُ اللَّهِ عَلَی الْکافِرِینَ (1) قَالَ الْإِمَامُ علیه السلام ذَمَّ اللَّهُ الْیَهُودَ فَقَالَ وَ لَمَّا جاءَهُمْ یَعْنِی هَؤُلَاءِ الْیَهُودَ الَّذِینَ تَقَدَّمَ ذِکْرُهُمْ وَ إِخْوَانِهِمْ مِنَ الْیَهُودِ کِتابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْقُرْآنُ مُصَدِّقٌ ذَلِکَ الْکِتَابُ لِما مَعَهُمْ مِنَ التَّوْرَاهِ الَّتِی بُیِّنَ فِیهَا أَنَّ مُحَمَّداً الْأُمِّیَّ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِیلَ الْمُؤَیَّدُ بِخَیْرِ خَلْقِ اللَّهِ بَعْدَهُ عَلِیٍّ وَلِیِّ اللَّهِ وَ کانُوا یَعْنِی هَؤُلَاءِ الْیَهُودَ مِنْ قَبْلُ ظُهُورِ مُحَمَّدٍ بِالرِّسَالَهِ یَسْتَفْتِحُونَ یَسْأَلُونَ اللَّهَ الْفَتْحَ وَ الظَّفَرَ عَلَی الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَعْدَائِهِمْ وَ الْمُنَاوِینَ لَهُمْ فَکَانَ اللَّهُ یَفْتَحُ وَ یَنْصُرُهُمْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ فَلَمَّا جاءَهُمْ هَؤُلَاءِ الْیَهُودَ ما عَرَفُوا مِنْ نَعْتِ مُحَمَّدٍ وَ صِفَتِهِ کَفَرُوا بِهِ وَ جَحَدُوا نُبُوَّتَهُ حَسَداً لَهُ وَ بَغْیاً عَلَیْهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ فَلَعْنَهُ اللَّهِ عَلَی الْکافِرِینَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیٌّ علیه السلام إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی أَخْبَرَ رَسُولَهُ صلی الله علیه و آله بِمَا کَانَ مِنْ إِیمَانِ الْیَهُودِ بِمُحَمَّدٍ قَبْلَ ظُهُورِهِ وَ مِنْ اسْتِفْتَاحِهِمْ عَلَی أَعْدَائِهِمْ بِذِکْرِهِ وَ الصَّلَاهِ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ قَالَ علیه السلام وَ کَانَ اللَّهُ أَمَرَ الْیَهُودَ فِی أَیَّامِ مُوسَی وَ بَعْدَهُ إِذَا دَهِمَهُمْ أَمْرٌ وَ دَهِمَتْهُمْ دَاهِیَهٌ أَنْ یَدْعُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ وَ أَنْ یَسْتَنْصِرُوا بِهِمْ وَ کَانُوا یَفْعَلُونَ ذَلِکَ حَتَّی کَانَتِ الْیَهُودُ مِنْ أَهْلِ الْمَدِینَهِ قَبْلَ ظُهُورِ مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله بِعَشْرِ سِنِینَ یُعَادُونَهُمْ أَسَدٌ وَ غَطَفَانُ وَ قَوْمٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ وَ یَقْصِدُونَ أَذَاهُمْ یَسْتَدْفِعُونَ شُرُورَهُمْ وَ بَلَاءَهُمْ بِسُؤَالِهِمْ رَبَّهُمْ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ حَتَّی قَصَدَهُمْ فِی بَعْضِ الْأَوْقَاتِ أَسَدٌ وَ غَطَفَانُ فِی ثَلَاثَهِ آلَافٍ إِلَی بَعْضِ الْیَهُودِ حَوَالَیِ الْمَدِینَهِ فَتَلَقَّاهُمُ الْیَهُودُ وَ هُمْ ثَلَاثُمِائَهِ فَارِسٍ وَ دَعَوُا اللَّهَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فَهَزَمُوهُمْ وَ قَطَعُوهُمْ فَقَالَ أَسَدٌ وَ غَطَفَانُ بَعْضٌ لِبَعْضٍ تَعَالَوْا نَسْتَعِینُ عَلَیْهِمْ بِسَائِرِ الْقَبَائِلِ فَاسْتَعَانُوا عَلَیْهِمْ

1- 1. البقره: 89.

بِالْقَبَائِلِ وَ أَكْثَرُوا حَتَّى اجْتَمَعُوا قَدْرَ ثَلَاثِينَ أَلْفاً وَ قَصَدُوا هَؤُلَاءِ ثَلَاثَمِائَةٍ فِي قَرْيَتِهِمْ فَأَلْجَئُوهُمْ إِلَى بُيُوتِهَا وَ قَطَعُوا عَنْهَا الْمِيَاهَ الْجَارِيَةَ الَّتِي كَانَتْ تَدْخُلُ إِلَى قُرَاهُمْ وَ مَنَعُوا عَنْهُمُ الطَّعَامَ وَ اسْتَأْمَنَ الْيَهُودُ إِلَيْهِمْ فَلَمْ يُؤَمِّنُوهُمْ وَ قَالُوا لَا إِلَّا أَنْ نَقْتُلَكُمْ وَ نَسْبِيَكُمْ وَ نَنْهَبَكُمْ فَقَالَتِ الْيَهُودُ بَعْضُهَا لِبَعْضٍ كَيْفَ نَصْنَعُ فَقَالَ لَهُمْ أَمَاثِلُهُمْ وَ ذُو الرَّأْيِ مِنْهُمْ أَ مَا أَمَرَ مُوسَى عليه السلام أَسْلَافَكُمْ وَ مَنْ بَعْدَهُمْ بِالاسْتِنْصَارِ بِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَ مَا أَمَرَكُمْ بِالابْتِهَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِنْدَ الشَّدَائِدِ بِهِمْ قَالُوا بَلَى قَالُوا فَافْعَلُوا فَقَالُوا اللَّهُمَّ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ لَمَّا سَقَيْتَنَا فَقَدْ قَطَعَتْ عَنَّا الظَّلَمَةُ الْمِيَاهَ حَتَّى ضَعُفَ شُبَّانُنَا وَ تَمَاوَتَ وِلْدَانُنَا وَ أَشْرَفْنَا عَلَى الْهَلَكَةِ فَبَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى وَابِلًا، هَطْلًا حَتَّى مَلَأَ حِيَاضَهُمْ وَ آبَارَهُمْ وَ أَنْهَارَهُمْ وَ أَوْعِيَتَهُمْ وَ ظُرُوفَهُمْ فَقَالُوا هَذِهِ إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ ثُمَّ أَشْرَفُوا مِنْ سُطُوحِهِمْ وَ الْعَسَاكِرِ الْمُحِيطَهِ بِهِمْ فَإِذَا الْمَطَرُ قَدْ أَذَاهُمْ غَايَهَ الْأَذَى وَ أَفْسَدَ أَمْتِعَتَهُمْ وَ أَسْلِحَتَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ فَانْصَرَفَ عَنْهُمْ لِذَلِكَ بَعْضُهُمْ وَ ذَلِكَ أَنَّ الْمَطَرَ أَتَاهُمْ فِي غَيْرِ أَوَانِهِ فِي حَمَارَّهِ الْقَيْظِ حِينَ لَا يَكُونُ مَطَرٌ فَقَالَ الْبَاقُونَ مِنَ الْعَسَاكِرِ هَبْكُمْ سُقِيتُمْ فَمِنْ أَيْنَ تَأْكُلُونَ وَ لَئِنِ انْصَرَفَ عَنَّا هَؤُلَاءِ فَلَسْنَا نَنْصَرِفُ حَتَّى نَقْهَرَكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَ عِيَالاتِكُمْ وَ أَهَالِيكُمْ وَ أَمْوَالِكُمْ وَ نَشْفِي غَيْظَنَا مِنْكُمْ فَقَالَتِ الْيَهُودُ إِنَّ الَّذِي سَقَانَا بِدُعَائِنَا بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُطْعِمَنَا وَ إِنَّ الَّذِي صَرَفَ عَنَّا مَنْ صَرَفَهُ قَادِرٌ أَنْ يَصْرِفَ الْبَاقِينَ ثُمَّ دَعَوُا اللَّهَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَنْ يُطْعِمَهُمْ فَجَاءَتْ قَافِلَةٌ عَظِيمَةٌ مِنْ قَوَافِلِ الطَّعَامِ قَدْرَ أَلْفَيْ جَمَلٍ وَ بَغْلٍ وَ حِمَارٍ مُوقَرَهٍ حِنْطَهً وَ دَقِيقاً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ بِالْعَسَاكِرِ فَانْتَهَوْا إِلَيْهِمْ وَ هُمْ نِيَامٌ وَ لَمْ يَشْعُرُوا بِهِمْ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ثَقَّلَ نَوْمَهُمْ حَتَّى دَخَلُوا الْقَرْيَهَ وَ لَمْ يَمْنَعُوهُمْ وَ طَرَحُوا أَمْتِعَتَهُمْ وَ بَاعُوهَا مِنْهُمْ فَانْصَرَفُوا وَ بَعُدُوا وَ تَرَكُوا الْعَسَاكِرَ نَائِمَهً لَيْسَ فِي أَهْلِهَا عَيْنٌ تَطْرِفُ فَلَمَّا بَعُدُوا وَ انْتَبَهُوا وَ نَابَذُوا الْيَهُودَ الْحَرْبَ وَ جَعَلَ يَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ الْوَحَا الْوَحَا فَإِنَّ هَؤُلَاءِ اشْتَدَّ بِهِمُ الْجُوعُ وَ سَيَذِلُّونَ لَنَا قَالَتْ لَهُمُ الْيَهُودُ هَيْهَاتَ بَلْ أَطْعَمَنَا رَبُّنَا وَ كُنْتُمْ نِيَاماً جَاءَنَا مِنَ الطَّعَامِ كَذَا وَ كَذَا وَ لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَقْتُلَكُمْ فِي حَالِ نَوْمِكُمْ لَتَهَيَّأَ لَنَا وَ لَكِنَّا كَرِهْنَا الْبَغْيَ عَلَيْكُمْ فَانْصَرِفُوا عَنَّا وَ إِلَّا دَعَوْنَا

بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اسْتَنْصِرْنَا بِهِمْ أَنْ يُخْزِيَكُمْ كَمَا قَدْ أَطْعَمَنَا وَ سَقَانَا فَأَبَوْا إِلَّا طُغْيَاناً فَدَعَوُا اللَّهَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اسْتَنْصَرُوا بِهِمْ ثُمَّ بَرَزَ الثَّلَاثُمِائَةِ إِلَى ثَلَاثِينَ أَلْفاً فَقَتَلُوا مِنْهُمْ وَ أَسَرُوا وَ طَحْطَحُوهُمْ (۱)

وَ اسْتَوْثَقُوا مِنْهُمْ بِأُسَرَائِهِمْ فَكَانَ لَا يَنَالُهُمْ مَكْرُوهٌ مِنْ جِهَتِهِمْ لِخَوْفِهِمْ عَلَى مَنْ لَهُمْ فِي أَيْدِي الْيَهُودِ فَلَمَّا ظَهَرَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه و آله حَسَدُوهُ إِذْ كَانَ مِنَ الْعَرَبِ فَكَذَّبُوهُ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله هَذِهِ نُصْرَةُ اللَّهِ تَعَالَى لِلْيَهُودِ عَلَى الْمُشْرِكِينَ بِذِكْرِهِمْ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عليهم السلام أَلَا فَاذْكُرُوا يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ مُحَمَّداً وَ آلَهُ عِنْدَ نَوَائِبِكُمْ وَ شَدَائِدِكُمْ لِيَنْصُرَ اللَّهُ بِهِ مَلَائِكَتَكُمْ عَلَى الشَّيَاطِينِ الَّذِينَ يَقْصِدُونَكُمْ فَإِنَّ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ مَعَهُ مَلَكٌ عَنْ يَمِينِهِ يَكْتُبُ حَسَنَاتِهِ وَ مَلَكٌ عَنْ يَسَارِهِ يَكْتُبُ سَيِّئَاتِهِ وَ مَعَهُ شَيْطَانَانِ مِنْ عِنْدِ إِبْلِيسَ يُغْوِيَانِهِ فَمَنْ يَجِدُ مِنْكُمْ وَسْوَاساً فِي قَلْبِهِ وَ ذَكَرَ اللَّهَ وَ قَالَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ خَنَسَ الشَّيْطَانَانِ ثُمَّ صَارَا إِلَى إِبْلِيسَ فَشَكَوَاهُ وَ قَالا لَهُ قَدْ أَعْيَانَا أَمْرُهُ فَأَمْدِدْنَا بِالْمَرَدَةِ فَلَا يَزَالُ يُمِدُّهُمَا حَتَّى يُمِدَّهَا بِأَلْفِ مَارِدٍ فَيَأْتُونَهُ فَكُلَّمَا رَامُوهُ ذَكَرَ اللَّهَ وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ لَمْ يَجِدُوا عَلَيْهِ طَرِيقاً وَ لَا مَنْفَذاً قَالُوا لِإِبْلِيسَ لَيْسَ لَهُ غَيْرُ أَنَّكَ تُبَاشِرُهُ بِجُنُودِكَ فَتَغْلِبَهُ وَ تُغْوِيَهُ فَيَقْصِدُهُ إِبْلِيسُ بِجُنُودِهِ فَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لِلْمَلَائِكَةِ هَذَا إِبْلِيسُ قَدْ قَصَدَ عَبْدِي فُلَاناً أَوْ أَمَتِي فُلَانَةَ بِجُنُودِهِ أَلَا فَقَابِلُوهُ فَيُقَابِلُهُمْ بِإِزَاءِ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ مِنْهُمْ مِائَةُ أَلْفِ مَلَكٍ وَ هُمْ عَلَى أَفْرَاسٍ مِنْ نَارٍ بِأَيْدِيهِمْ سُيُوفٌ مِنْ نَارٍ وَ رِمَاحٌ مِنْ نَارٍ وَ قِسِيٌّ وَ نَشَاشِيبُ (۲) وَ سَكَاكِينُ وَ أَسْلِحَتُهُمْ مِنْ نَارٍ فَلَا يَزَالُونَ يُخْرِجُونَهُمْ وَ يَقْتُلُونَهُمْ بِهَا وَ يَأْسِرُونَ إِبْلِيسَ فَيَضَعُونَ عَلَيْهِ الْأَسْلِحَةَ فَيَقُولُ يَا رَبِّ وَعْدَكَ وَعْدَكَ قَدْ أَجَّلْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْمَلَائِكَةِ وَعَدْتُهُ أَلَّا أُمِيتَهُ وَ لَمْ أَعِدْهُ أَنْ لَا أُسَلِّطَ عَلَيْهِ

۱- ۱. أی فرقوهم و بددوهم اهلاکا.

۲- ۲. النشاشیب جمع نشاب- وزان کفّار- السهام، مأخوذ من النشوب، و السکاکین جمع سکین و هو معروف.

السِّلَاحَ وَ الْعَذَابَ وَ الْآلَامَ اشْتَفُوا مِنْهُ ضَرْباً بِأَسْلِحَتِكَمْ فَإِنِّی لَمَا أَمِیتُهُ فَیُثْخِنُونَهُ بِالْجِرَاحَاتِ ثُمَّ یَدَعُونَهُ فَلَا یَزَالُ سَخِینَ الْعَیْنِ عَلَی نَفْسِهِ وَ أَوْلَادِهِ الْمَقْتُولِینَ وَ لَا یَنْدَمِلُ شَیْ‏ءٌ مِنْ جِرَاحِهِ إِلَّا بِسَمَاعِهِ أَصْوَاتَ الْمُشْرِکِینَ بِکُفْرِهِمْ فَإِنْ بَقِیَ هَذَا الْمُؤْمِنُ عَلَی طَاعَهِ اللَّهِ وَ ذِکْرِهِ وَ الصَّلَاهِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ بَقِیَ عَلَی إِبْلِیسَ تِلْکَ الْجِرَاحَاتُ وَ إِنْ زَالَ الْعَبْدُ عَنْ ذَلِکَ وَ انْهَمَکَ فِی مُخَالَفَهِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَعَاصِیهِ انْدَمَلَتْ جِرَاحَاتُ إِبْلِیسَ ثُمَّ قَوِیَ عَلَی ذَلِکَ الْعَبْدِ حَتَّی یُلْجِمَهُ وَ یُسْرِجَ عَلَی ظَهْرِهِ وَ یَرْکَبَهُ ثُمَّ یَنْزِلُ عَنْهُ وَ یَقُولُ ظَهْرُهُ لَنَا الْآنَ مَتَی أَرَدْنَا نَرْکَبُهُ هَذَا ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تُدِیمُوا عَلَی إِبْلِیسَ سُخْنَهَ عَیْنِهِ وَ أَلَمَ جِرَاحَاتِهِ فَدُومُوا عَلَی طَاعَهِ اللَّهِ وَ ذِکْرِهِ وَ الصَّلَاهِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ إِنْ کُنْتُمْ عَلَی غَیْرِ ذَلِکَ کُنْتُمْ أُسَرَاءَ إِبْلِیسَ فَیَرْکَبُ أَقْفِیَتَکُمْ بَعْضُ مَرَدَتِهِ وَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ کَانَ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ وَ إِجَابَهُ الدُّعَاءِ إِذَا سُئِلَ اللَّهُ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ آلِهِمَا مَشْهُوراً فِی الزَّمَنِ السَّالِفِ حَتَّی أَنَّ مَنْ طَالَ بِهِ الْبَلَاءُ قِیلَ هَذَا طَالَ بَلَاؤُهُ لِنِسْیَانِهِ الدُّعَاءَ لِلَّهِ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ وَ لَقَدْ کَانَ مِنْ عَجِیبِ الْفَرَجِ بِالدُّعَاءِ بِهِمْ فَرَجُ ثَلَاثَهِ نَفَرٍ کَانُوا یَمْشُونَ فِی صَحْرَاءَ إِلَی جَبَلٍ فَأَخَذَتْهُمُ السَّمَاءُ فَأَلْجَأَتْهُمْ إِلَی غَارٍ کَانُوا یَعْرِفُونَ فَدَخَلُوهُ یَتَوَقَّوْنَ بِهِ مِنَ الْمَطَرِ وَ کَانَ فَوْقَ الْغَارِ صَخْرَهٌ عَظِیمَهٌ تَحْتَهَا مَدَرَهٌ هِیَ رَاکِبَتُهَا فَابْتَلَّتِ الْمَدَرَهُ فَتَدَحْرَجَتِ الصَّخْرَهُ فَصَارَتْ فِی بَابِ الْغَارِ فَسَدَّتْ وَ أَظْلَمَتْ عَلَیْهِمُ الْمَکَانَ وَ قَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ قَدْ عَفَا الْأَثَرُ وَ دَرَسَ الْخَبَرُ وَ لَا یَعْلَمُ بِنَا أَهْلُونَا وَ لَوْ عَلِمُوا مَا أَغْنَوْا عَنَّا شَیْئاً لِأَنَّهُ لَا طَاقَهَ لِلْآدَمِیِّینَ بِقَلْبِ هَذِهِ الصَّخْرَهِ عَنْ هَذَا الْمَوْضِعِ هَذَا وَ اللَّهِ قَبْرُنَا الَّذِی فِیهِ نَمُوتُ وَ مِنْهُ نُحْشَرُ ثُمَّ قَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ أَ وَ لَیْسَ مُوسَی بْنُ عِمْرَانَ وَ مَنْ بَعْدَهُ مِنَ الْأَنْبِیَاءِ علیهم السلام أَمَرُوا أَنَّهُ إِذَا دَهِمَتْنَا دَاهِیَهٌ أَنْ نَدْعُوَ اللَّهَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ قَالُوا بَلَی قَالُوا فَلَا نَعْرِفُ دَاهِیَهً أَعْظَمَ مِنْ هَذِهِ فَقَالُوا نَدْعُو اللَّهَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ وَ یَذْکُرُ کُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا حَسَنَهً مِنْ حَسَنَاتِهِ الَّتِی أَرَادَ اللَّهَ بِهَا فَلَعَلَّ اللَّهَ أَنْ یُفَرِّجَ عَنَّا.

فَقَالَ أَحَدُهُمُ اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنِّی كُنْتُ رَجُلًا كَثِيرَ الْمَالِ حَسَنَ الْحَالِ أَبْنِی الْقُصُورَ وَ الْمَسَاكِنَ وَ الدُّورَ وَ كَانَ لِی أَجَرَاءُ وَ كَانَ فِيهِمْ رَجُلٌ يَعْمَلُ عَمَلَ رَجُلَيْنِ فَلَمَّا كَانَ عِنْدَ الْمَسَاءِ عَرَضْتُ عَلَيْهِ أُجْرَةً وَاحِدَةً فَامْتَنَعَ وَ قَالَ إِنَّمَا عَمِلْتُ عَمَلَ رَجُلَيْنِ فَأَنَا أَبْغِی أُجْرَةَ رَجُلَيْنِ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّمَا شَرَطْتُ عَلَيْكَ عَمَلَ رَجُلٍ وَ الثَّانِی فَأَنْتَ بِهِ مُتَطَوِّعٌ لَا أُجْرَةَ لَكَ فَذَهَبَ وَ سَخِطَ ذَلِكَ وَ تَرَكَهُ عَلَيَّ فَاشْتَرَيْتُ بِتِلْكَ الْأُجْرَةِ حِنْطَةً فَبَذَرْتُهَا فَزَكَتْ وَ نَمَتْ ثُمَّ أَعَدْتُ بَعْدَ مَا ارْتَفَعَ مِنَ الْأَرْضِ فَعَظُمَ زَكَاؤُهَا وَ نَمَاؤُهَا ثُمَّ أَعَدْتُ بَعْدَ مُرْتَفِعٍ مِنَ الثَّانِی فِی الْأَرْضِ فَعَظُمَ الزَّكَاءُ وَ النَّمَاءُ ثُمَّ مَا زَالَتْ هَكَذَا حَتَّى عَقَدْتُ بِهِ الضِّيَاعَ وَ الْقُصُورَ وَ الْقُرَى وَ الدُّورَ وَ الْمَنَازِلَ وَ الْمَسَاكِنَ وَ قُطْعَانَ الْإِبِلِ وَ الْغَنَمِ وَ صُوَّارَ[1] الْعَنْزِ وَ الدَّوَابِّ وَ الْأَثَاثَ وَ الْأَمْتِعَةَ وَ الْعَبِيدَ وَ الْإِمَاءَ وَ الْفِرَاشَ وَ الْآلَاتِ وَ النِّعَمَ الْجَلِيلَةَ وَ الدَّرَاهِمَ وَ الدَّنَانِيرَ الْكَثِيرَةَ فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ سِنِينَ مَرَّ بِیَ الْأَجِيرُ وَ قَدْ سَاءَتْ حَالُهُ وَ تَضَعْضَعَتْ وَ اسْتَوْلَى عَلَيْهِ الْفَقْرُ وَ ضَعُفَ بَصَرُهُ فَقَالَ لِی يَا عَبْدَ اللَّهِ أَ مَا تَعْرِفُنِی أَنَا أَجِيرُكَ الَّذِی سَخِطْتُ أُجْرَةً وَاحِدَةً ذَلِكَ الْيَوْمَ وَ تَرَكْتُهَا لِغِنَائِی عَنْهَا وَ أَنَا الْيَوْمَ فَقِيرٌ وَ قَدْ رَضِيتُ بِهَا فَأَعْطِنِيهَا فَقُلْتُ لَهُ دُونَكَ هَذَا الضِّيَاعَ وَ الْقُرَى وَ الدُّورَ وَ الْقُصُورَ وَ الْمَسَاكِنَ وَ قُطْعَانَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرَ وَ الْغَنَمَ وَ صُوَّارَ الْعَنْزِ وَ الدَّوَابِّ وَ الْأَثَاثَ وَ الْأَمْتِعَةَ وَ الْعَبِيدَ وَ الْإِمَاءَ وَ الْفِرَاشَ وَ الْآلَاتِ وَ النِّعَمَ الْجَلِيلَةَ وَ الدَّرَاهِمَ وَ الدَّنَانِيرَ الْكَثِيرَةَ فَتَنَاوَلْهَا إِلَيْكَ أَجْمَعَ مُبَارَكَةً لَكَ فَهِیَ لَكَ فَبَكَى وَ قَالَ يَا عَبْدَ اللَّهِ سَوَّفْتَ حَقِّی ثُمَّ الْآنَ تَهْزَأُ بِی فَقُلْتُ مَا أَهْزَأُ بِكَ وَ مَا أَنَا إِلَّا جَادٌّ مُجِدٌّ فَهَذِهِ كُلُّهَا نَتَائِجُ أُجْرَتِكَ تِلْكَ تَوَلَّدَتْ عَنْهَا فَالْأَصْلُ كَانَ لَكَ فَهَذِهِ الْفُرُوعُ كُلُّهَا تَابِعَةٌ لِلْأَصْلِ فَهِیَ لَكَ فَسَلَّمْتُهَا أَجْمَعَ اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنِّی إِنَّمَا فَعَلْتُ هَذَا رَجَاءَ ثَوَابِكَ وَ خَوْفَ عِقَابِكَ فَافْرِجْ عَنَّا بِمُحَمَّدٍ الْأَفْضَلِ الْأَكْرَمِ سَيِّدِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ الَّذِی شَرَّفْتَهُ بِآلِهِ أَفْضَلِ آلِ النَّبِيِّينَ وَ أَصْحَابِهِ أَكْرَمِ أَصْحَابِ الْمُرْسَلِينَ وَ أُمَّتِهِ خَيْرِ الْأُمَمِ أَجْمَعِينَ قَالَ عليه السلام فَزَالَ ثُلُثُ الْحَجَرِ

۱- ۱. الصوار بالضم و التشديد: قطيع البقر.

وَ دَخَلَ عَلَيْهِمُ الضَّوْءُ.

وَ قَالَ الثَّانِي اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ كَانَ لِي بَقَرَةٌ أَحْتَلِبُهَا ثُمَّ أَرُوحُ بِلَبَنِهَا عَلَى أُمِّي ثُمَّ أَرُوحُ بِسُؤْرِهَا عَلَى أَهْلِي وَ وُلْدِي فَأَخَّرَنِي عَائِقٌ ذَاتَ لَيْلَةٍ فَصَادَفْتُ أُمِّي نَائِمَةً فَوَقَفْتُ عِنْدَ رَأْسِهَا لِتَنْتَبِهَ لَا أنتبها [أُنَبِّهُهَا] مِنْ طِيبِ وِسَادِهَا وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي يَتَضَاغَوْنَ مِنَ الْجُوعِ وَ الْعَطَشِ فَمَا زِلْتُ وَاقِفاً لَا أَحْفِلُ بِأَهْلِي وَ وُلْدِي حَتَّى انْتَبَهَتْ هِيَ مِنْ ذَاتِ نَفْسِهَا وَ سَقَيْتُهَا حَتَّى رَوِيَتْ ثُمَّ عَطَفْتُ بِسُؤْرِهَا عَلَى أَهْلِي وَ وُلْدِي اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنِّي إِنَّمَا فَعَلْتُ ذَلِكَ رَجَاءَ ثَوَابِكَ وَ خَوْفَ عِقَابِكَ فَافْرُجْ عَنَّا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْأَفْضَلِ الْأَكْرَمِ سَيِّدِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ الَّذِي شَرَّفْتَهُ بِآلِهِ أَفْضَلِ آلِ النَّبِيِّينَ وَ أَصْحَابِهِ أَكْرَمِ صَحَابَةِ الْمُرْسَلِينَ وَ أُمَّتِهِ خَيْرِ الْأُمَمِ أَجْمَعِينَ قَالَ عليه السلام فَزَالَ ثُلُثُ آخَرُ مِنَ الْحَجَرِ وَ قَوِيَ طَمَعُهُمْ فِي النَّجَاةِ وَ قَالَ الثَّالِثُ اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنِّي هَوِيتُ امْرَأَةً فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ فَرَاوَدْتُهَا عَنْ نَفْسِهَا فَأَبَتْ عَلَيَّ إِلَّا بِمِائَةِ دِينَارٍ وَ لَمْ أَكُنْ أَمْلِكُ شَيْئاً فَمَا زِلْتُ أَسْلُكُ بَرّاً وَ بَحْراً وَ سَهْلًا وَ جَبَلًا وَ أُبَاشِرُ الْأَخْطَارَ وَ أَسْلُكُ الْفَيَافِيَ وَ الْقِفَارَ وَ أَتَعَرَّضُ لِلْمَهَالِكِ وَ الْمَتَالِفِ أَرْبَعَ سِنِينَ حَتَّى جَمَعْتُهَا وَ أَعْطَيْتُهَا إِيَّاهَا وَ أَمْكَنَتْنِي مِنْ نَفْسِهَا فَلَمَّا قَعَدْتُ مِنْهَا مَقْعَدَ الرَّجُلِ مِنْ أَهْلِهِ ارْتَعَدَتْ فَرَائِصُهَا وَ قَالَتْ لِي يَا عَبْدَ اللَّهِ إِنِّي جَارِيَةٌ عَذْرَاءُ فَلَا تَفُضَّ خَاتَمَ اللَّهِ إِلَّا بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنَّمَا حَمَلَنِي عَلَى أَنْ أُمَكِّنَكَ مِنْ نَفْسِي الْحَاجَةُ وَ الشِّدَّةُ فَقُمْتُ عَنْهَا وَ تَرَكْتُهَا وَ تَرَكْتُ الْمِائَةَ الدِّينَارِ عَلَيْهَا اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنِّي إِنَّمَا فَعَلْتُ ذَلِكَ رَجَاءَ ثَوَابِكَ وَ خَوْفَ عِقَابِكَ فَافْرُجْ عَنَّا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْأَفْضَلِ الْأَكْرَمِ سَيِّدِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ الَّذِي شَرَّفْتَهُ بِآلِهِ أَفْضَلِ آلِ النَّبِيِّينَ وَ أَصْحَابِهِ أَكْرَمِ أَصْحَابِ الْمُرْسَلِينَ وَ أُمَّتِهِ خَيْرِ الْأُمَمِ أَجْمَعِينَ قَالَ فَزَالَ الْحَجَرُ كُلُّهُ وَ تَدَحْرَجَ وَ هُوَ يُنَادِي بِصَوْتٍ فَصِيحٍ بَيِّنٍ يَعْقِلُونَهُ وَ يَفْهَمُونَهُ بِحُسْنِ نِيَّاتِكُمْ نَجَوْتُمْ وَ بِمُحَمَّدٍ الْأَفْضَلِ الْأَكْرَمِ سَيِّدِ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ الْمَخْصُوصِ بِآلِهِ أَفْضَلِ آلِ النَّبِيِّينَ وَ بِخَيْرِ أُمَّتِهِ سَعِدْتُمْ وَ نِلْتُمْ أَفْضَلَ الدَّرَجَاتِ (1).

١- ١. تفسير الإمام ص ١٧٨- ١٨٢.

**[ترجمه]تفسیر امام حسن عسکری: خداوند می‌فرماید: {و هنگامی که از جانب خداوند کتابی که مؤید آن چه نزد آنان است برایشان آمد و از دیرباز [در انتظارش] بر کسانی که کافر شده بودند پیروزی می جستند ولی همین که آن چه [که اوصافش] را می شناختند برایشان آمد انکارش کردند پس لعنت خدا بر کافران باد} - . بقره / ۸۹ - .

امام علیه السلام فرمود: خداوند در این آیه یهود را سرزنش نموده و فرموده: «ولما جائهم» یعنی همین یهودیانی که ذکر آنان آمد و برادران یهودی آنان «کتاب من عند الله» یعنی قرآن «مصدق» که کتاب آن ها یعنی تورات را تصدیق می کند و در تورات بیان شده است که محمد امّی – درس نخوانده – از فرزندان اسماعیل خواهد بود به وسیله بهترین بندگان خداوند بعد از او، علی ولی خداوند تأیید و یاری خواهد شد. «و کانوا» آن یهودیان «من قبل» قبل از این که محمد به پیامبری مبعوث گردد، «یستفتحون» از خداوند همواره، طلب پیروزی می کردند. «علی الذین کفروا» در مقابل کفار و دشمنانشان و خداوند نیز آنان را یاری نموده و پیروزشان می گردانید. این جاست که خداوند می فرماید: «فلما جاءهم» یعنی وقتی قرآن برای یهودیان فرستاده شد، «ما عرفوا» و آنان صفات و خصوصیات محمد را شناختند، «کفروا به» از روی حسادت و نافرمانی، نبوت او را انکار کردند. در نتیجه خداوند هم فرمود: پس لعنت خداوند بر کافران باد.

امام علی علیه السلام فرمود: خداوند به پیامبرش صلی الله علیه و آله خبر داد که یهود قبل از این که او به پیامبری مبعوث گردد، به او ایمان داشته و با نام او اهدای درود بر او و خاندانش، بر دشمنانشان پیروزی می خواستند. امام علیه السلام فرمود: خداوند در زمان موسی و دوران بعد از او، به یهودیان دستور داده بود که هرگاه گرفتاری و مصیبتی برایشان پیش آمد، خداوند عزوجل را به حق محمد و خاندان پاکش خوانده و به واسطه آنان از خداوند پیروزی بخواهند. و آنان نیز همین کار را می کردند حتی یهود مدینه ده سال پیش از ظهور محمد صلی الله علیه و آله هرگاه که از سوی قبیله اسد و غطفان و گروهی از مشرکین مورد دشمنی و آزار و اذیت قرار می گرفتند، با واسطه قرار دادن محمد و آل محمد، از خداوند می خواستند که شر مشرکین را از آنان کوتاه کند. زمانی، اسد و غطفان با سه هزار نیروی جنگی به جنگ با یهودی که در اطراف مدینه ساکن بودند، برخاستند. یهودیان که سیصد سوارکار جنگی بیش نداشتند، محمد و آل محمد را به درگاه خداوند واسطه قرار داده و از خداوند یاری خواستند و توانستند دشمنانشان را شکست داده و تار و مار نمایند.

اسد و غطفان به همدیگر گفتند: باید در جنگ با آنان، از سایر قبائل دیگر نیز کمک بگیریم. و با جمع آوری نیروهای جنگی از دیگر قبائل، نیروهایشان به سی هزار نفر رسید که به جنگ با آن سیصد نفر رفتند. یهودیان به درون خانه هایشان پناه بردند و مشرکان هم، آب و غذا را بر آنان بستند. یهودیان امان خواستند ولی آن ها امان نداده و گفتند: هیچ راهی نیست مگر این که مردانتان را بکشیم و زنان و فرزندان را اسیر نموده و اموالتان را غارت نماییم. یهود به یکدیگر گفتند: چه کار کنیم؟ بزرگ و خردمند آنان گفت: مگر نه این است که موسی علیه السلام به پدران شما و کسانی که بعد از آنان هستند دستور داده که به واسطه محمد و آل او، از خداوند یاری بخواهند. مگر نه این است که به شما دستور داده که در هنگام گرفتاری ها، به واسطه محمد و آل محمد، به درگاه خداوند دعا و زاری کنید؟ گفتند: بله، چنین است. گفت: پس دستور مورد نظر را انجام دهید. آنان هم به درگاه خداوند دعا نموده و گفتند: خداوندا، تو را به مقام و منزلت محمد و خاندان او، سوگند می دهیم که به ما آب برسانی چرا که ستم کاران آب را بر ما بسته‌اند و اکنون جوانان ما سست گشته و فرزندانمان بی‌رمق گشته و همگی در آستانه مرگ قرار داریم. خداوند باران سیل آسایی بر آن ها فرستاد که حوض ها و چاه ها و رودخانه ها و ظرف هایشان پر آب شدند پس گفتند: – هذه احدی الحسنیین – این یکی از دو نیکی است.

سپس آنان از بالای بام خانه هایشان وضعیت لشکریان دشمن را که اطراف خانه های آنان اردو زده بود بررسی کردند ، دیدند که باران خسارت های زیادی به آن ها وارد نموده و مواد غذایی آنان را فاسد نموده و جنگ افزارهای و اموالشان را هم خراب کرده است و عده ای از آن ها آن جا را ترک گفته بودند. چرا که این باران در اوج گرما که معمولا از باران خبری نبوده،

باریدن گرفته بود. آن عده از نیروی باقیمانده دشمن به یهودیان گفتند: بر فرض که مشکل آب شما حل شده باشد، با مشکل غذا چه می کنید؟ اگر عده ای از ما این جا را ترک کردند، ما شما را رها نمی‌کنیم مگر این که بر شما پیروز شده و زن و فرزند و اموالتان را در اختیار

گرفته و دلمان را خنک کنیم. یهودیان گفتند: همان خدایی که به خاطر دعا و شفیع قرار دادن محمد و آل محمد، ما را از تشنگی نجات داد، همان خداوند هم قادر است که ما را از گرسنگی نجات دهد. و همان خدایی که شر عده ای را از ما کم کرد، همو قادر است که شر بقیه را نیز از سر ما کم کند.

آن گاه، به مقام و منزلت محمد و آل محمد، از خداوند خواستند که به آنان غذا برساند. در این هنگام بود که یک قافله بزرگی که دو هزار شتر و استر و الاغ بار گندم و آرد با خود داشت، بدون این که متوجه سربازان شود، به سوی قریه آمدند و سربازان هم در خواب بودند و خداوند خواب آنان را سنگین قرار داده بود. و قافله بدون این که با مانعی روبرو شوند وارد قریه یهود شده و بارهای خود را افکنده و به مردم آن جا فروختند و از آن جا دور شدند در حالی که سربازانی که روستا را در محاصره داشتند، همچنان در خواب بودند. وقتی که آن کاروان از آن جا دور شدند، لشکریان نیز از خواب بیدار شده و جنگ با یهودیان را از سر گرفتند. لشکریان به همدیگر می گفتند: زود باشید عجله کنید که گرسنگی بر آنان فشار آورده است. و در برابر ما شکست خواهند خورد. یهود گفتند: هیهات، بلکه خداوند برای ما غذا فرستاد و شما خواب بودید. و آذوقه های چنین و چنان برای ما آمد. اگر می خواستیم می توانستیم شما را در خوابتان بکشیم. اما ما نخواستیم چنین کنیم. اکنون از این جا بروید واگر از خداوند می خواهیم که به حق محمد و آل او، همان طور که به ما آب و غذا داد، اکنون ما را بر شما پیروز و شما را خوار و ذلیل نماید. اما لشکریان نپذیرفتند. و یهود هم محمد و آل او را به درگاه خداوند شفیع قرار داده و از خداوند خواستند که به آبروی این بزرگواران، پیروزی نصیب شان کند. آنگاه آن سیصد نیروی جنگی یهود بر آن لشکر سی هزار نفری تاختند و برخی را کشتند و برخی را هم اسیر کردند و بقیه را تار و مار کردند. و با اسیرانی که گرفتند، سلامت و آسایش اسرای خود را که در دست یهودیان گرفتار آمده بودند، تضمین کردند.(یعنی مشرکان از بیم این که مبادا یهودیان اسرای آن ها را بیازارد، از آزار و اذیت اسرای یهود امتناع می کردند.) چون محمد صلی الله علیه و آله از قوم عرب به پیامبری مبعوث شد، یهودیان، از روی حسادت او را تکذیب کردند. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند به واسطه توسل به محمد و آل او، این گونه یهودیان را بر مشرکان پیروز گردانید. هان، ای امت محمد صلی الله علیه و آله، در هنگام سختی ها و گرفتاری ها محمد و آل او را یاد کنید تا خداوند فرشتگان شما را بر شیاطینی که شما را هدف گرفته یاری کند. هرکدام از شما دو فرشته به همراه خود دارید. یکی در سمت راست شماست که کارهای خوبتان را می نویسد و دیگری در سمت چپ شماست که کارهای بدتان را ثبت و ضبط می کند و برای هر کدام از شما دو شیطان از جانب ابلیس فرستاده شده تا شما را گمراه سازد. پس هرگاه کسی، در دل خود وسوسه‌ای احساس کرد خدا را یاد کند و بگوید: لاحول ولا قوه الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله الطیبین. وقتی این ذکر را بگوید آن دو شیطان از او دور شده و به ابلیس شکایت می کنند و می‌گویند از عهده او بر نیامدیم و چاره ای جز این نیست که شیاطین سرکش را به کمک ما بفرستی. ابلیس هم نیروهای کمکی برای آن دو می فرستد. تا این که هزار نیرو به آن ها می دهد. هرگاه که شیاطین قصد فریب آن انسان مؤمن را داشته باشد و او خدا و محمد و آل پاکش را یاد کند، شیاطین هیچ راه نفوذی بر او نمی یابند. و به ابلیس می گویند: چاره ای جز این نیست که خودت با سپاهیانت به سراغ او رفته و او را وسوسه نموده و فریب دهی. ابلیس با سپاهیان خود، به سراغ او می رود و خداوند تعالی به ملائکه می فرماید: این ابلیس است که به سراغ فلان بنده من می رود. با او مقابله کنید. پس درمقابل هر شیطانی صد هزار فرشته به کمک آن بنده مؤمن می شتابند. فرشتگان سوار بر اسب آتشین، شمشیرها و نیزه ها و کمان ها و کاردهای آتشین و دیگر سلاح های آتشین با خود دارند و همچنان با سپاهیان ابلیس مبارزه می کنند و آنان را نابود می سازند وقتی ابلیس را دستگیرکرده و با سلاح های خود او را هدف می گیرند، شیطان می گوید: پروردگارا تو وعده ای به من داده ای و مرا تا زمان مشخص مهلت داده‌ای .

خداوند متعال به فرشتگان می فرماید: من به او وعده داده‌ام که جانش را نگیرم. اما وعده نداده‌ام که سلاح و عذاب و درد را بر او مسلط نکنم. با اسلحه هایتان او را بزنید و دلتان را خنک سازید. من جان او را نمی گیرم.

فرشتگان ابلیس را می زنند و به شدت مجروح می کنند و سپس رهایش می کنند. ابلیس همچنان به خاطر ضربه های به او وارد شده وکشته شدن اولاد و افرادش، اندوهگین است. و زخم های او التیام نمی یابد مگر این که صدای مشرکین را بشنود که کفر می گویند.

اگر این بنـده مؤمن همچنان بر بنـدگی و اطاعت خداونـد ویاد محمـد و آل محمد باقی بماند، آن زخم ها نیز بر ابلیس باقی می ماند. ولی اگر بنـده مومن راه خود را تغییر داد و به نافرمانی خداونـد پرداخت، زخم های ابلیس التیام می یابد و کم کم ابلیس برآن بنده چیره می شود تا این که او را لگام زده و زین بر اومی نهد و بر پشتش سوار می شود. وقتی ازپشت او پیاده شد می گوید: اکنون دیگر پشت او مال ما شده است هر وقت که بخواهیم سوارش می شویم.

آنگاه رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: اگر می خواهیـد کاری کنیـد که انـدوه و زخم ابلیس همچنان باقی بماند، همواره به یاد خداوند بوده و طاعت و بنـدگی او را بجای آورید و بر محمد و آل او درود بفرستید. ولی اگر راهی غیر از این برگزینید، به اسارت ابلیس در می آیید و برخی سپاهیان او بر پشت شما سوار می شوند.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: در زمان های قدیم معروف بود که برای حاجت گرفتن و قبولی دعاها، خداوند را به محمد و علی و خاندان این دو بزرگوار سوگنـد می دادند و اگر کسـی دیرزمانی گرفتار بلا و مصـیبت می‌ماند، می‌گفتند چون او فراموش کرده که خدا را به محمد و آل پاکش سوگند دهد، همچنان گرفتار بلا مانده است.

یکی از نمونه های شـگفت انگیز گشایش گرفتاری به خاطر شـفیع قرار دادن آن بزرگواران دردعا، سـرگذشت سه نفری است که در بیابان به سوی منطقه ای کوهستانی راه می پیمودند که ناگهان باران گرفت و آن ها به غاری که می شناختند، پناه بردند تا از باران درامان باشند. بالای این غار سـنگ بزرگی بود که روی کلوخ قرار داشت. کلوخ زیر سـنگ گل شـد و سـنگ غلتید و بر دهانه غار قرارگرفت و راه غار را مسدود کرد و فضـای غار تاریک گشت. آنان به همـدیگر گفتنـد: هیـچ رد پا و خبری از ما باقی نمانـد. خانواده های ما هیـچ اطلاعی از سـرنوشت ما ندارنـد و حتی اگر هم اطلاـع یابنـد کـاری از دست آن ها ساخته نیست. چون در توان هیـچ آدمی زادی نیست که این سـنگ بزرگ را از جا تکان دهد. به خدا قسم که این جا قبر ما خواهد شد. در همین مکان می میریم و از همین جا محشور می شویم.

آن گاه یکی از آن ها به بقیه گفت: آیا مگر نه این است که حضرت موسی علیه السلام و پیامبران بعد از او، به ما سفارش نموده اند که هرگاه گرفتـار مصیبت و بلایی شـدیم، دعا کنیم و خداونـد را به محمـد و آل پاکش علیهم السـلام سوگنـد دهیم ؟ گفتنـد: درست است. گفت: چه مصـیبتی بزرگتر از این. گفتنـد: دعا می کنیم و در دعایمان محمد و آل پاک او را واسـطه قرار می دهیم و هر کدام از ما کار نیکی را که فقط برای رضای خدا انجام داده است به یاد آرد تا شاید خداوند ما را از این گرفتاری نجات دهد.

یکی گفت: خـدایا اگر تو می دانی که من ثروتمند بودم و روزگار خوبی داشـتم کاخ ها و خانه ها می ساختم. کارگران زیادی داشـتم در بین آن هـا مردی بود که به انـدازه دو نفر کـار می کرد. وقتی غروب می شـد به او مزد یـک نفر را می دادم ولی او گفت من کـار دو نفر را انجام دادم و به انـدازه مزد دو نفر حقوق می خواهم. و من به اوگفتم: قرار ما این بوده که به اندازه یک نفر کار کنی و خودت خواسـته ای که بیشتر کـار کنی بنـابراین مزدی به خـاطر کار بیشتر به تو نمی دهم. آن کارگر هم قهر کرد و بـدون این که مزدش را بگیرد رفت. من با آن مبلغ بـذر گندم خریدم و آن را کشت کردم محصول خوبی داد. بار دیگر کشت کردم و هر بار محصول خوبی می داد تا این که توانستم از محل درآمد آن، زمین و خـانه و گله های شتر و گوسـفند وگاو و بز و دیگرچهارپایان خریـداری کنم. و توانسـتم از محل درآمـد آن اثاث و برده و کنیز و فرش هـا و اسـباب و اثـاثیه هـای فاخر خریـداری نموده و درهم و دینار زیادی انـدوختم. سال ها گـذشت و آن کارگر در حالی که ضـعیف و ناتوان و فقیر شده بود و بینایی چشم ضـعیف شده بود، نزد من آمد و گفت: ای بنده خدا آیا مرا می شناسی ؟ من همان کارگری هستم که آن روز به خاطر مزد یک روز قهر کردم و چون نیازی هم به آن نداشـتم مزد یک روزم را هم نگرفتم. اما امروز تنگدستم و به مقدار دستمزد یک نفر راضی هستم. آن را به من بده. به او گفت: این زمین ها، و کشت زارها و خانه ها و قصر ها و گله های شتر و گوسفند و گاو و این برده ها و کنیزکان و این فرش ها و اسباب و اثاثیه های فاخر و این درهم و دینار مال تو، مبارکت باشد.مال توست.

او گریست و گفت: ای بنده خدا، این همه وقت مزد من پیش تو بوده واکنون مرا به مسـخره گرفتی ؟ گفتم: من مسخره ات نمی کنم و آن چه

می گویم از روی شوخی نیست بلکه جدی می گویم، این ها که نام بردم همه حاصل آن دستمزد توست بوسیله آن دستمزد تو، من این همه را بـدست آوردم. اصـل سـرمایه از تو بوده است پس این هـا همه تابع همان اصل سـرمایه است. همه این ها برای توست پس همه آنها را به او تحویل دادم. خدایا اگر تو می دانی که من چنین کاری را فقط به امید پاداش تو و ترس از عقاب تو انجام داده ام،

خـدایا تو را به محمـد سوگنـد می دهم او که برترین و گرامی ترین بنـده ات و سـرور تمـام بنـدگانت است و تو بوسـیله خانـدانش که از همه خانـدان پیـامبران برتر اسـت، و به وسـیله اصـحابش که از یـاران همه پیـامبران گرامی‌تر هسـتند ، و امتش که از همه امت هـا برتر هسـتند، به او شرافت و بزرگی بخشیده ای. امام علیه السلام فرمود: دراین هنگام یک سوم سنگ از جلوی غار کنار رفت و نور به درون غار راه یافت.

دیگری گفت: خدایا اگر تو می دانی که من گاوی داشتم آن را می دوشیدم و شیرش را برای مادرم می بردم تا اول او بنوشد و ته مانده آن را برای خانواده و فرزندانم می بردم. در یکی از شب ها باز دارنده ای پیش آمد (دیرتر نزد مادرم رفتم) و او را در خواب دیدم. من هم ربالین او مانـدم تـا این که بیـدار شود و نخواسـتم که او را از خواب خوش بیـدار کنم واین در حـالی بود که خـانواده وفرزنـدانم از شـدت گرسـنگی و تشـنگی ناله می کردند. من بدون توجه به خانواده وفرزندانم بر بالین مادر ایسـتادم تا این که خودش بیدار شد. شیر را به او دادم که تناول کند تا سیراب شد و بقیه را برای خانواده وفرزندانم بردم. خدایا اگر تو می دانی که من در این کار،

فقـط رضایت تو و ثواب تو و ترس از عقاب تو را مـد نظر داشـتم. خـدایا به حق محمـد او که سـرور تمام بنـدگانت هست و تو او را به واسـطه خانـدانش که برترین خاندان پیامبران است و به وسـیله اصـحابش که از یاران همه پیامبران گرامی‌تر هسـتند و به واسـطه امتش که بهترین امت هاست شرف و برتری داده ای. امام علیه السلام فرمود: یک سوم دیگر سنگ نیز از دهانه غار کنار رفت و امید آن ها به نجات بیشتر شد.

سومی گفت: خـدایا اگر تو می دانی که من عاشق زنی از بنی اسـرائیل بودم. قصـد او را کردم ولی او راضـی نشـد مگر این که صد دینار به او بدهم من هم که چیزی نداشـتم، به خشکی و دریا و بیابان و کوهستان زدم و برای تهیه آن مبلغ چهار سال خطرها را به جان خریدم و بیابان ها و صحراها را پیمودم و در معرض خطرهای جانی قرار گرفتم تا این که بالاخره موفق شدم آن مبلغ را تهیه نموده و به او بدهم. او نیز خود را در اختیار من قرار داد. وقتی که در کنار او در بستر قرار گرفتم دیـدم که بـدن او می لرزد و به من می‌گوید: ای بنده خدا، من باکره هسـتم، مهری که خداونـد نهاده جز با فرمان او زائل نکن. نیازمنـدی و گرفتاری سـبب شـد که خود را در اختیار تو قرار دهم. من که صـد دینار را به او داده بودم از جا برخاسـته و او را تنها گذاشتم. خدایا اگر تو میدانی که من این کار را فقط به امید ثواب تو و ترس از عذاب تو انجام دادم. خدایا به حق محمـد مـا را از این گرفتـاری نجـات بـده. خـدایا به حق محمـد که برترین تمام بنـدگان توست و تو او را به واسـطه خانـدانش که برترین خاندان پیامبران است و به وسـیله اصـحابش که از یاران همه پیامبران گرامی‌تر هسـتند و به واسطه امتش که بهترین امت هاست شرف و برتری داده ای.

امـام علیه السـلام فرمود: دراین هنگام تمام صـخره سـنگ از دهانه غار کنار رفت و درحالی که می غلتیـد، با زبانی فصـیح و رسا می گفت: به خاطر حسن نیت‌تان نجات یافتیـد. به واسـطه محمـد که برترین و گرامی ترین و سـرور تمام بنـدگان است و خانـدان او و از خاندان همه پیامبران برتر هستند و امت او بهترین امت هاست خوشبخت شدید و به درجات والایی دست یافتید - . تفسیر امام حسن عسکری: ۱۷۸-۱۸۲ - .

**[ترجمه]

«۱۲»

م، [تفسیر الإمام علیه السلام] قَالَ الْإِمَامُ علیه السلام: قَوْلُهُ تَعَالَی وَدَّ کَثِیرٌ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ لَوْ یَرُدُّونَکُمْ مِنْ بَعْدِ إِیمانِکُمْ کُفَّاراً(۱) بِمَا یُورِدُونَهُ عَلَیْکُمْ مِنَ الشُّبَهِ حَسَداً مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ بِکُمْ بِأَنْ أَکْرَمَکُمْ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ آلِهِمَا الطَّیِّبِینَ مِنْ بَعْدِ ما تَبَیَّنَ لَهُمُ الْحَقُ بِالْمُعْجِزَاتِ الدَّالَّاتِ عَلَی صِدْقِ مُحَمَّدٍ وَ فَضْلِ عَلِیٍّ وَ آلِهِمَا فَاعْفُوا وَ اصْفَحُوا عَنْ جَهْلِهِمْ وَ قَابِلُوهُمْ بِحُجَجِ اللَّهِ وَ ادْفَعُوا بِهَا بَاطِلَهُمْ حَتَّی یَأْتِیَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ بِالْقَتْلِ یَوْمَ فَتْحِ مَکَّهَ

فَحِينَئِذٍ تُجْلُونَهُمْ عَنْ بَلَدِ مَكَّهَ وَ عَنْ جَزِيرَهِ الْعَرَبِ وَ لَا يُقِرُّونَ بِهَا كَافِراً إِنَّ اللَّهَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ وَ لِقُدْرَتِهِ عَلَى الْأَشْيَاءِ قَدَّرَ مَا هُوَ أَصْلَحُ لَكُمْ مِنْ تَعَبُّدِهِ إِيَّاكُمْ مِنْ مُدَارَاتِهِمْ وَ مُقَابَلَتِهِمْ بِالْجِدَالِ الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ قَالَ عليه السلام وَ ذَلِكَ أَنَّ الْمُسْلِمِينَ لَمَّا أَصَابَهُمْ يَوْمَ أُحُدٍ مِنَ الْمِحَنِ مَا أَصَابَهُمْ أَتَى قَوْمٌ مِنَ الْيَهُودِ بَعْدَهُ بِأَيَّامٍ عَمَّارَ بْنَ يَاسِرٍ وَ حُذَيْفَهَ بْنَ الْيَمَانِ فَقَالُوا لَهُمَا أَ لَمْ تَرَيَا مَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ أُحُدٍ إِنَّمَا يَحْرُبُ كَأَحَدِ طُلَّابِ الدُّنْيَا حَرْبُهُ سِجَالًا تَارَهً لَهُ وَ تَارَهً عَلَيْهِ فَارْجِعُوا عَنْ دِينِهِ فَأَمَّا حُذَيْفَهُ فَقَالَ لَعَنَكُمُ اللَّهُ لَا أُقَاعِدُكُمْ وَ لَا أَسْمَعُ مَقَالَتَكُمْ أَخَافُ عَلَى نَفْسِي وَ دِينِي فَأَفِرُّ بِهَا مِنْكُمْ وَ قَامَ عَنْهُمْ يَسْعَى وَ أَمَّا عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ فَلَمْ يَقُمْ عَنْهُمْ وَ لَكِنْ قَالَ لَهُمْ مَعَاشِرَ الْيَهُودِ إِنَّ مُحَمَّداً صلى الله عليه و آله وَعَدَ أَصْحَابَهُ الظَّفَرَ يَوْمَ بَدْرٍ إِنْ يَصْبِرُوا فَصَبَرُوا وَ ظَفِرُوا وَ وَعَدَهُمُ الظَّفَرَ يَوْمَ أُحُدٍ أَيْضاً إِنْ صَبَرُوا فَفَشِلُوا وَ خَالَفُوا فَلِذَلِكَ أَصَابَهُمْ مَا أَصَابَهُمْ وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَطَاعُوا فَصَبَرُوا وَ لَمْ يُخَالِفُوا غَلَبُوا قَالَتْ لَهُ الْيَهُودُ يَا عَمَّارُ وَ إِذَا أَطَعْتَ أَنْتَ غَلَبَ مُحَمَّدٌ سَادَاتِ قُرَيْشٍ مَعَ دِقَّهِ سَاقَيْكَ فَقَالَ نَعَمْ وَ اللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ بَاعِثُهُ بِالْحَقِّ نَبِيّاً لَقَدْ وَعَدَنِي مُحَمَّدٌ مِنَ الْفَضْلِ وَ الْحِكْمَهِ مَا عَرَّفَنِيهِ مِنْ نُبُوَّتِهِ وَ فَهَّمَنِيهِ مِنْ فَضْلِ أَخِيهِ وَ وَصِيِّهِ وَ خَيْرِ مَنْ يَخْلُفُهُ بَعْدَهُ وَ التَّسْلِيمِ لِذُرِّيَّتِهِ الطَّيِّبِينَ وَ أَمَرَنِي بِالدُّعَاءِ بِهِمْ فِي شَدَائِدِي وَ مُهِمَّاتِي وَ وَعَدَنِي أَنَّهُ لَا يَأْمُرُنِي بِشَيْ ءٍ فَاعْتَقَدْتُ فِيهِ طَاعَتَهُ إِلَّا بَلَغْتُهُ حَتَّى لَوْ أَمَرَنِي بِحَطِّ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ أَوْ رَفْعِ الْأَرَضِينَ إِلَى السَّمَاوَاتِ لَقَوَّى عَلَيْهِ رَبِّي

۱- ۱. البقره: ۱۰۹.

بَدَنِی بِسَاقَیَّ هَاتَیْنِ الدَّقِیقَتَیْنِ.

فَقَالَتِ الْیَهُودُ لَا وَ اللَّهِ یَا عَمَّارُ مُحَمَّدٌ أَقَلُّ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ ذَلِکَ وَ أَنْتَ أَوْضَعُ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ مُحَمَّدٍ مِنْ ذَلِکَ وَ کَانَ فِیهَا أَرْبَعُونَ مُنَافِقاً فَقَامَ عَمَّارٌ عَنْهُمْ وَ قَالَ لَقَدْ أَبْلَغْتُکُمْ حُجَّةَ رَبِّی وَ نَصَحْتُ لَکُمْ وَ لَکِنَّکُمْ لِلنَّصِیحَهِ کَارِهُونَ وَ جَاءَ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَا عَمَّارُ وَصَلَ إِلَیَّ خَبَرُکُمَا أَمَّا حُذَیْفَهُ فَقَدْ فَرَّ بِدِینِهِ مِنَ الشَّیْطَانِ وَ أَوْلِیَائِهِ فَهُوَ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِینَ وَ أَمَّا أَنْتَ یَا عَمَّارُ فَإِنَّکَ قَدْ نَاضَلْتَ عَنْ دِینِ اللَّهِ وَ نَصَحْتَ لِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ فَأَنْتَ مِنَ الْمُجَاهِدِینَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ الْفَاضِلِینَ فَبَیْنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ عَمَّارٌ یَتَحَادَثَانِ إِذَا حَضَرَتِ الْیَهُودُ الَّذِینَ کَانُوا کَلَّمُوهُ فَقَالُوا یَا مُحَمَّدُ هَا صَاحِبُکَ یَزْعُمُ أَنَّکَ إِنْ أَمَرْتَهُ بِحَطِّ السَّمَاءِ إِلَی الْأَرْضِ أَوْ رَفْعِ الْأَرْضِ إِلَی السَّمَاءِ فَاعْتَقَدَ طَاعَتَکَ وَ عَزَمَ عَلَی الِائْتِمَارِ لَأَعَانَهُ اللَّهُ عَلَیْهِ وَ نَحْنُ نَقْتَصِرُ مِنْکَ وَ مِنْهُ عَلَی مَا هُوَ دُونَ هَذَا إِنْ کُنْتَ نَبِیّاً فَقَدْ قَنَعْنَا أَنْ یَحْمِلَ عَمَّارٌ مَعَ دِقَّهِ سَاقَیْهِ هَذَا الْحَجَرَ وَ کَانَ الْحَجَرُ مَطْرُوحاً بَیْنَ یَدَیْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِظَاهِرِ الْمَدِینَهِ یَجْتَمِعُ عَلَیْهِ مِائَتَا رَجُلٍ لِیُحَرِّکُوهُ فَلَمْ یَقْدِرُوا فَقَالُوا لَهُ یَا مُحَمَّدُ إِنْ رَامَ احْتِمَالَهُ لَمْ یُحَرِّکْهُ وَ لَوْ حَمَلَ فِی ذَلِکَ عَلَی نَفْسِهِ لَانْکَسَرَتْ سَاقَاهُ وَ تَهَدَّمَ جِسْمُهُ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَا تَحْتَقِرُوا سَاقَیْهِ فَإِنَّهُمَا أَثْقَلُ فِی مِیزَانِ حَسَنَاتِهِ مِنْ ثَوْرٍ وَ ثَبِیرٍ وَ حِرَاءَ وَ أَبِی قُبَیْسٍ (۱) بَلْ مِنَ الْأَرْضِ کُلِّهَا وَ مَا عَلَیْهَا وَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ خَفَّفَ بِالصَّلَاهِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ مَا هُوَ أَثْقَلُ مِنْ هَذِهِ الصَّخْرَهِ خَفَّفَ الْعَرْشَ عَلَی کَوَاهِلِ ثَمَانِیَهٍ مِنَ الْمَلَائِکَهِ بَعْدَ أَنْ کَانَ لَا یُطِیقُهُ مَعَهُمُ الْعَدَدُ الْکَثِیرُ وَ الْجَمُّ الْغَفِیرُ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَا عَمَّارُ اعْتَقِدْ طَاعَتِی وَ قُلِ اللَّهُمَّ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ قَوِّنِی لِیُسَهِّلَ اللَّهُ عَلَیْکَ مَا آمُرُکَ بِهِ کَمَا سَهَّلَ عَلَی کَالِبِ بْنِ یُوحَنَّا عُبُورَ الْبَحْرِ عَلَی مَتْنِ الْمَاءِ وَ هُوَ عَلَی فَرَسِهِ یَرْکُضُ عَلَیْهِ بِسُؤَالِهِ اللَّهَ تَعَالَی بِحَقِّنَا أَهْلَ الْبَیْتِ فَقَالَهَا عَمَّارٌ وَ اعْتَقَدَهَا فَحَمَلَ الصَّخْرَهَ فَوْقَ رَأْسِهِ وَ قَالَ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی

۱- ۱. اسماء جبال بمکّه.

يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ الَّذِی بَعَثَکَ بِالْحَقِّ نَبِیّاً لَهُوَ أَخَفُّ فِی یَدِی مِنْ خِلَالِهِ أَمْسِکُهَا بِهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حَلِّقْ بِهَا فِی الْهَوَاءِ فَسَتَبْلُغُ بِهَا قُلَّهَ ذَلِکَ الْجَبَلِ وَ أَشَارَ بِیَدِهِ إِلَی جَبَلٍ بَعِیدٍ عَلَی قَدْرِ فَرْسَخٍ فَرَمَی بِهَا عَمَّارٌ وَ تَحَلَّقَتْ فِی الْهَوَاءِ حَتَّی انْحَطَّتْ عَلَی ذِرْوَهِ الْجَبَلِ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِلْیَهُودِ أَ وَ رَأَیْتُمْ قَالُوا بَلَی فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَا عَمَّارُ قُمْ إِلَی ذِرْوَهِ الْجَبَلِ فَتَجِدُ هُنَاکَ صَخْرَهً أَضْعَافَ مَا کَانَتْ فَاحْتَمِلْهَا وَ أَعِدْهَا إِلَی حَضْرَتِی فَخَطَا عَمَّارٌ خُطْوَهً فَطُوِیَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَ وَضَعَ قَدَمَیْهِ فِی الْخُطْوَهِ الثَّانِیَهِ عَلَی ذِرْوَهِ الْجَبَلِ وَ تَنَاوَلَ الصَّخْرَهَ الْمُضَاعَفَهَ وَ عَادَ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِالْخُطْوَهِ الثَّالِثَهِ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِعَمَّارٍ اضْرِبْ بِهَا الْأَرْضَ ضَرْبَهً شَدِیدَهً فَتَهَارَبَتِ الْیَهُودُ وَ خَافُوا فَضَرَبَ بِهَا عَمَّارٌ عَلَی الْأَرْضِ فَتَفَتَّتْ حَتَّی صَارَ کَالْهَبَاءِ الْمَنْثُورِ وَ تَلَاشَتْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله آمِنُوا أَیُّهَا الْیَهُودُ فَقَدْ شَاهَدْتُمْ آیَاتِ اللَّهِ فَآمَنَ بَعْضُهُمْ وَ غَلَبَ الشَّقَاءُ عَلَی بَعْضِهِمْ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَ تَدْرُونَ مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِینَ مَا مَثَلُ هَذِهِ الصَّخْرَهِ فَقَالُوا لَا یَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ نَبِیّاً إِنَّ رَجُلًا مِنْ شِیعَتِنَا تَکُونُ لَهُمْ ذُنُوبٌ وَ خَطَایَا أَعْظَمُ مِنْ جِبَالِ الْأَرْضِ وَ الْأَرْضِ کُلِّهَا وَ السَّمَاءِ أَضْعَافاً کَثِیرَهً فَمَا هُوَ إِلَّا أَنْ یَتُوبَ وَ یُجَدِّدَ عَلَی نَفْسِهِ وَلَایَتَنَا أَهْلَ الْبَیْتِ إِلَّا کَانَ قَدْ ضَرَبَ بِذُنُوبِهِ الْأَرْضَ أَشَدَّ مِنْ ضَرْبِ عَمَّارٍ هَذِهِ الصَّخْرَهَ بِالْأَرْضِ وَ إِنَّ رَجُلًا یَکُونُ لَهُ طَاعَاتٌ کَالسَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِینَ وَ الْجِبَالِ وَ الْبِحَارِ فَمَا هُوَ إِلَّا أَنْ یَکْفُرَ بِوَلَایَتِنَا أَهْلَ الْبَیْتِ حَتَّی یَکُونَ ضَرَبَ بِهَا الْأَرْضَ أَشَدَّ مِنْ ضَرْبِ عَمَّارٍ لِهَذِهِ الصَّخْرَهِ بِالْأَرْضِ وَ تَتَلَاشَی وَ تَتَفَتَّتُ کَتَفَتُّتِ هَذِهِ الصَّخْرَهِ فَیَرِدُ الْآخِرَهَ وَ لَا یَجِدُ حَسَنَهً وَ ذُنُوبُهُ أَضْعَافُ الْجِبَالِ وَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ فَیُشَدَّدُ حِسَابُهُ وَ یَدُومُ عَذَابُهُ قَالَ فَلَمَّا رَأَی عَمَّارٌ بِنَفْسِهِ تِلْکَ الْقُوَّهَ الَّتِی جَلَدَ بِهَا عَلَی الْأَرْضِ تِلْکَ الصَّخْرَهَ فَتَفَتَّتْ أَخَذَ بِهِ أَرْیَحِیَّهٌ وَ قَالَ أَ تَأْذَنُ لِی یَا رَسُولَ اللَّهِ أَنْ أُجَادِلَ بِهَا هَؤُلَاءِ الْیَهُودَ

فَأَقْتُلَهُمْ أَجْمَعِينَ بِمَا أَعْطَيْتَهُ مِنْ هَذِهِ الْقُوَّةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَا عَمَّارُ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ فَاعْفُوا وَ اصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ بِعَذَابِهِمْ وَ يَأْتِيَ بِفَتْحِ مَكَّةَ وَ سَائِرِ مَا وَعَدَ فَكَانَ الْمُسْلِمُونَ تَضِيقُ صُدُورُهُمْ مِمَّا يُوَسْوِسُ بِهِ إِلَيْهِمُ الْيَهُودُ وَ الْمُنَافِقُونَ مِنَ الشُّبَهِ فِي الدِّينِ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَ وَ لَا أُعَلِّمُكُمْ مَا يُزِيلُ بِهِ ضِيقَ صُدُورِكُمْ إِذَا وَسْوَسَ هَؤُلَاءِ الْأَعْدَاءُ لَكُمْ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ مَا أَمَرَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ مَنْ كَانَ مَعَهُ فِي الشِّعْبِ الَّذِي كَانَ أَلْجَأَهُ إِلَيْهِ قُرَيْشٌ فَضَاقَتْ قُلُوبُهُمْ وَ اتَّسَخَتْ ثِيَابُهُمْ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ انْفُخُوا عَلَى ثِيَابِكُمْ وَ امْسَحُوهَا بِأَيْدِيكُمْ وَ هِيَ عَلَى أَبْدَانِكُمْ وَ أَنْتُمْ تُصَلُّونَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ فَإِنَّمَا تَنْقَى وَ تَطْهُرُ وَ تَبْيَضُّ وَ تَحْسُنُ وَ تُزِيلُ عَنْكُمْ ضِيقَ صُدُورِكُمْ فَفَعَلُوا ذَلِكَ فَصَارَتْ ثِيَابُهُمْ كَمَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالُوا عَجَباً يَا رَسُولَ اللَّهِ بِصَلَاتِنَا عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِكَ كَيْفَ طَهُرَتْ ثِيَابُنَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنَّ تَطْهِيرَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ لِقُلُوبِكُمْ مِنَ الْغِلِّ وَ الضِّيقِ وَ الدَّغَلِ وَ لِأَبْدَانِكُمْ مِنَ الْآثَامِ أَشَدُّ مِنْ تَطْهِيرِهَا لِثِيَابِكُمْ وَ إِنَّ غَسْلَهَا لِلذُّنُوبِ عَنْ صَحَائِفِكُمْ أَحْسَنُ مِنْ غَسْلِهَا لِلدَّرَنِ عَنْ ثِيَابِكُمْ وَ إِنَّ تَنْوِيرَهَا لِتُكْتَبَ حَسَنَاتُكُمْ مُضَاعَفَةً مَا فِيهَا أَحْسَنُ مِنْ تَنْوِيرِهَا لِثِيَابِكُمْ (۱).

**[ترجمه]تفسیر امام حسن عسکری: آیه «وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمانِكُمْ كُفَّاراً» - . بقره/ ۱۰۹ – بیشتر

اهل کتاب بوسیله شبهه هائی که برای شما ایجاد می کنند، می خواهند شما را از دین برگردانند «حَسَداً مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ» به واسطه حسادتی که با شما دارند که به واسطه حضرت محمد صلی الله علیه و آله خدا شما را گرامی داشته «مِنْ بَعْدِ ما تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ» پس از این که معجزات را مشاهده کردند که گواه بر درستی گفتار حضرت محمد صلی الله علیه و آله و فضل علی علیه السلام بود. «فَاعْفُوا وَ اصْفَحُوا» چشم پوشی کنید از نادانی آن ها و با دلائلی که خدا داده با آن ها به مقابله بپردازید و یاوه سرایی های آن ها را باطل کنید. «حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ» تا خداوند نظر خود را در باره آن ها اجرا نماید کشتن در روز فتح مکه در آن موقع، آن ها را از شهر مکه و جزیره العرب اخراج می کنید و در آن جا کافری را نخواهید گذاشت «إِنَّ اللَّهَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ» چون خداوند بر هر چیز قدرت دارد، آن چه به صلاح شما بوده انتخاب کرده که تنها خداوند را پرستش کنید و با آن مردم اهل کتاب، مدارا کنید و با جدال احسن و استدلال صحیح با آن ها روبرو شوید.

امام علیه السلام فرمود: ماجرا از این قرار بود که وقتی مسلمانان در جنگ احد، دچار شکست و خسارت شدند، چند روز بعد از آن، عده ای از یهودیان نزد عمار بن یاسر و حذیفه بن یمان آمده و به آن دو گفتند: آیا دیدید که در جنگ احد چه بر سر شما آمد؟ محمد همچون یک دنیا طلب می‌جنگد، گاهی پیروز می شود و گاهی هم شکست می خورد. از دین او برگردید. حذیفه به آن ها گفت: خداوند شما را لعنت کند. من از کنار شما می روم و به حرف های شما هم گوش نخواهم داد. من نگران دین و جان خود هستم و از کنار شما می‌روم. آن گاه او برخاست و به سرعت از آن ها دور شد. اما عمار از کنار آنان نرفت. بلکه به آنان گفت: ای جماعت یهود، محمد صلی الله علیه و آله در جنگ بدر به یارانش وعده داد که اگر استقامت کنند، پیروز خواهند شد. آن ها استقامت کردند و پیروز هم شدند. و به آن ها وعده داد که اگر در جنگ احد هم استقامت کنند، پیروز می شوند، اما آن ها از دستور آن حضرت سرپیچی کردند و در نتیجه شکست خوردندد. ولی اگر یاران محمد از دستور او اطاعت کرده و استقامت می کردند، البته که پیروز می شدند.

یهودیان به او گفتند: ای عمار، با این پاهای نحیفی که داری، اگر از محمد اطاعت کنی، او حتما بر بزرگان قریش پیروز خواهد شد. عمار گفت: بله، قسم به خدایی که جز او خدایی نیست و او محمد را به پیامبری فرستاده است، محمد چنان فضل و حکمتی به من وعده داده است که نسبت به نبوت او آگاه گشته و فضل برادر و وصی او که بهترین بندگان بعد از اوست را دریافته ام و در برابر خاندان پاک او سر تسلیم فرود آورده ام. او به من دستور داده که در گرفتاری ها و امورات مهم دعا نموده و آنان را شفیع قرار دهم. و او به من وعده داده که هر گاه فرمان او را با دل و جان بپذیرم، بر انجام آن توانا گردم حتی اگر به من امر کند که آسمان را به زمین آورم و یا این که زمین ها را به آسمان برافرازم، خداوند بدنم را با این دو ساق نحیفم برای انجام دستور پیامبرش، توانا می گرداند.

یهودیان گفتند: ای عمار، به خدا سوگند که نه محمد در نزد خداوند چنین مقامی دارد و نه تو در نزد خداوند و محمد چنین جایگاهی داری. در میان آن ها چهل تن از منافقان نیز بودند. عمار از کنار آنان برخاست گفت: من حجت پروردگارم را به شما ابلاغ نموده و شما را نصیحت نمودم اما شما از نصیحت بیزارید. آن گاه عمار نزد رسول خدا رفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: ای عمار، گزارش آن ماجرا

بصورت کامل برایم آمد. اما، حذیفه دین خود را از شیطان و یاران شیطان نجات داد پس او از بندگان صالح خداوند است. اما تو، از دین خداوند دفاع نمودی، و برای محمد خیر خواهی کردی. پس تو از مجاهدان شایسته در راه خداوند هستی.

پیامبر صلی الله علیه و آله و عمار سرگرم صحبت بودند که یهودیانی که با عمارصحبت کرده بودند، پیدا شدند و گفتند: ای محمد، این یار تو ادعا می کند که اگر تو به او امر کنی که آسمان را به زیر آورد یا این که زمین بر آسمان بلند کند و او هم از دل و جان آماده اجرای دستور تو باشد، خداوند او را بر آن کار توانا می سازد. ما به کاری آسان تر از آن بسنده می کنیم. اگر تو واقعا پیامبر هستی، می‌خواهیم که عمار با دو پای نحیف خود این صخره کوه را از جا بلند کند. و آن کوهی بود در داخل شهر مدینه که دویست نفر تلاش کردند تا آن را تکان بدهند و نتوانستند و به پیامبر گفتند: ای محمد اگرعمار بخواهد آنرا از جا بلند کند، اصلا نمی تواند آن را از جایش تکان دهد. و اگرهم چنین کاری را انجام دهد هر دو ساق پایش شکسته و اندام های بدنش درهم می شکند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پاهای او را دست کم نگیرید چرا که آن دو پا،

در ترازوی اعمال نیکش از کوه های ثور و ثبیر و حرا و ابوقبیس و بلکه از تمام زمین و آن چه بر روی زمین جای دارد، سنگین تر است. و خداوند به واسطه درود بر محمد و خاندان پاکش، چیزی که این سنگ سنگین تر باشد را نیز بر او سبک می سازد عرش خداوند را که انبوه فرشتگان تاب نگهداری آن را نداشته اند، خداوند برای هشت فرشته سبک قرار داده است. آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای عمار فرمان مرا از جان و دل پذیرا باش و بگو خدایا به مقام و منزلت محمد و خاندان پاکش سوگندت می دهم که به من قدرت و توانایی عطا نمایی. تا خداوند انجام آن چه که من به تو دستور می دهم را آسان سازد. همان طور که کالب بن یوحنا خداوند را به حق ما اهل بیت سوگند داد، و خداوند عبور از دریا را برایش آسان نمود و او با اسب خود بر روی دریا به سرعت راه می رفت.

عمار دل قوی داشت و آن کلمات را گفت و بعد هم آن صخره بزرگ را روی سربلند نمود و گفت: ای رسول خدا، پدر و مادرم فدایت باد. قسم به خدایی که تو را به حق، به پیامبری برگزیده است، این صخره در دستان من از چوب خلالی که در دست می گیرم هم سبک ترا ست. رسول خدا صلی الله علیه و آله با دست به کوهی که در فاصله یک فرسخی قرار داشت، اشاره نمود و فرمود: آن را پرتاب کن تا به قله آن کوه برسد. عمار نیز آن صخره را پرتاب کرد و آن صخره بر قله آن کوه افتاد. آن گاه رسول خدا به یهودیان فرمود: آیا دیدید؟ گفتند: آری. رسول خدا صلی الله علیه و آله به عمار فرمود: ای عمار به قله آن کوه برو در آن جا صخره‌ای چندین برابر آن صخره پیشین است. آن صخره بزرگتر را بردار و این جا بیاور. عمار گام برداشت و طی الارض نمود. و درگام دوم قدم به قله آن کوه نهاد. آن صخره ای که چندین برابر بزرگتر بود را برداشت وبا گام سوم خود را خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسانید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: آن را با ضربه محکم به زمین بکوب . یهودیان از ترس پا به فرار گذاشتند. عمار آن صخره را بر زمین کوبید و آن صخره همچون غبار متلاشی و پراکنده شد. رسول خدا فرمود: ای یهودیان اینک که نشانه الهی را دیدید، ایمان بیاورید. برخی از آن ها ایمان آوردند اما برخی دیگر همچنان در سیطره نگون بختی ماندند.

آن گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای جماعت مسلمانان آیا می دانید این صخره به چه می ماند ؟ گفتند: نه، یا رسول الله، فرمود: قسم به خدایی که به حق مرا به پیامبری برگزید، هر کسی از پیروان ما که گناهانش بزرگتر از کوه های زمین و بلکه چندین برابر آسمان و زمین باشد، به محض این که توبه نموده و بار دیگر ولایت ما اهل بیت را در دل جای دهد. چنان گناهان خود را بر زمین کوبد که بسی محکم تر از این است که عمار صخره را بر زمین کوبید.

و اگر هم کسی که عبادت هایش به اندازه آسمان هاو زمین و کوه ها و دریاها باشد، به محض این که ولایت ما اهل بیت را رد کند. گویی که عبادت های خود را چنان بر زمین کوبیده باشد که بسی محکم تر از آن چه که عمار صخره را بر زمین کوبید. و اعمال او متلاشی و

پراکنده می‌شود همان طور که این صخره متلاشی شده و پراکنده گشت. بنابراین در روز قیامت هیچ حسنه‌ای در کارنامه اعمال خود نمی‌یابد. در حالی که گناهانش چندین مرتبه بزرگ تر از آسمان هاو زمین و کوه هاست، درآن روز با دقت مورد حسابرسی قرار گرفته و به عذاب طولانی مدتی گرفتار می گردد.

وقتی عمار دید که چه نیرویی به او وارد شده که توانست صخره را آن گونه بر زمین زده و آن صخره هم متلاشی شود، احساس غرور و قدرت بیشتری نمود و گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله آیا اجازه می دهید که با این توانی که به من داده شده است با یهودیان به مجادله برخاسته و همه آن ها را نابود کنم ؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای عمار خداوند می‌فرماید :از آن ها درگذرید و چشم پوشی کنید تا این که خداوند امر خود درباره آن ها را بفرستد. یعنی امرخود درباره عذاب آن ها و درباره فتح مکه و دیگر وعده‌هایی که داده است. شبهه هایی که یهود و منافقین برای مسلمانان ایجاد می‌کردند، موجب ناراحتی مسلمانان می‌شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا می خواهید به شما چیزی بیاموزم که هرگاه آن دشمنان شما را وسوسه کردند، دلتنگی و ناراحتی شما برطرف گردد ؟ گفتند: آری ای رسول خدا. فرمود: آن زمانی که قریش رسول خدا صلی الله علیه و آله و مسلمانان را به دره ای بنام شعب ابی طالب تبعید کرده بودند، مسلمانان سخت دلگیر و ناراحت شده بودند و لباس هایشان چرکین شده بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنان فرمود: به لباس هایتان بدمید و در حالی که بر محمد و خاندانش صلوات می فرستید، بر لباس هایتان که به تن دارید دست بکشید. لباس هایتان پاک و پاکیزه و سفید می گردند ودلتنگی شما هم برطرف می شود. آنان به دستور پیامبر عمل کردند و نتیجه همان شد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده بود. آنگاه پرسیدند: چه عجب ؟ ای رسول خدا چگونه به واسطه صلوات بر تو و خاندانت، لباس هایمان پاکیزه شد ؟ رسول خدا فرمود: اثر پاک کنند گی صلوات بر محمد و آل او، بر دل هایتان از هرگونه کینه و دلتنگی و فریب کاری و نیز اثر پاک کنندگی آن بر جان هایتان از گناهان بسی بیشتر از اثر پاک کنندگی آن بر لباس هایتان است. وصلوات گناهان را از کارنامه اعمالتان چنان می شوید که از شستن لباس هایتان بهتراست و صلوات چنان کارنامه اعمال تان را نورانی ساخته و برای نوشتن چند برابری کارهای نیک آماده می سازد که از این سفیدی ودرخشندگی لباس هایتان بسی بهتر است - . تفسیر امام حسن عسکری: ۲۳۶ - ۲۳۸ - .

**[ترجمه]

«۱۳»

شی، [تفسیر العیاشی] عَنْ شُعَیْبٍ الْعَقَرْقُوفِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ یُوسُفَ أَتَاهُ جَبْرَئِیلُ فَقَالَ یَا یُوسُفُ إِنَّ رَبَّ الْعَالَمِینَ یُقْرِئُکَ السَّلَامَ وَ یَقُولُ لَکَ مَنْ جَعَلَکَ أَحْسَنَ خَلْقِهِ قَالَ فَصَاحَ وَ وَضَعَ خَدَّهُ عَلَی الْأَرْضِ ثُمَّ قَالَ أَنْتَ یَا رَبِّ قَالَ ثُمَّ قَالَ لَهُ وَ یَقُولُ لَکَ مَنْ حَبَّبَکَ إِلَی أَبِیکَ دُونَ إِخْوَتِکَ قَالَ فَصَاحَ وَ وَضَعَ خَدَّهُ عَلَی الْأَرْضِ ثُمَّ قَالَ أَنْتَ یَا رَبِّ قَالَ وَ یَقُولُ لَکَ مَنْ أَخْرَجَکَ مِنَ الْجُبِّ بَعْدَ أَنْ طُرِحْتَ فِیهَا وَ أَیْقَنْتَ بِالْهَلَکَهِ قَالَ فَصَاحَ وَ وَضَعَ خَدَّهُ عَلَی الْأَرْضِ ثُمَّ قَالَ أَنْتَ یَا رَبِّ قَالَ فَإِنَّ رَبَّکَ قَدْ جَعَلَ لَکَ عُقُوبَهً فِی اسْتِعَانَتِکَ بِغَیْرِهِ فَالْبَثْ فِی السِّجْنِ بِضْعَ سِنِینَ قَالَ فَلَمَّا انْقَضَتِ الْمُدَّهُ أُذِنَ لَهُ فِی دُعَاءِ الْفَرَجِ وَ وَضَعَ خَدَّهُ عَلَی الْأَرْضِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِنْ کَانَتْ ذُنُوبِی قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِی عِنْدَکَ فَإِنِّی أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِوَجْهِ

۱- ۱. تفسیر الإمام ص ۲۳۶- ۲۳۸.

آبَائِیَ الصَّالِحِینَ إِبْرَاهِیمَ وَ إِسْمَاعِیلَ وَ إِسْحَاقَ وَ یَعْقُوبَ قَالَ فَفَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ أَ نَدْعُو نَحْنُ بِهَذَا الدُّعَاءِ فَقَالَ ادْعُ بِمِثْلِهِ اللَّهُمَّ إِنْ کَانَتْ ذُنُوبِی قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِی عِنْدَکَ فَإِنِّی أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ بِوَجْهِ نَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَهِ صلی الله علیه و آله وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ الْأَئِمَّهِ علیهم السلام (۱).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: امام صادق علیه السلام فرمود: جبرئیل نزد یوسف آمد و گفت: ای یوسف پرودگارت به تو سلام می رساند و می... فرماید: چه کسی تو را زیباترین بندگان قرار داد؟ یوسف فریادی زد و صورت برزمین گذاشت و گفت: تو ای پروردگارم. آن گاه جبرئیل گفت: خداوند می فرماید: چه کسی تو را ازمیان همه برادرانت دردل پدرت جای داد ؟ یوسف فریاد زد و سر بر زمین نهاد و گفت: تو ای پروردگارم. گفت: خدایت می فرماید: چه کسی تو را ازچاه بیرون آورد درحالی که خودت مطمئن شده بودی که هلاک می گردی ؟ یوسف فریادی زد و گونه اش را روی زمین نهاد و گفت: تو، ای پروردگارم. جبرئیل گفت: پس به خاطر این که تو از کسی غیر از خداوند کمک و یاری خواستی. خداوند تو را کیفر می‌کند و تو چند سال دیگر باید در زندان بمانی. امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی آن مهلت سپری شد، خداوند به او اذن داد که برای آزاد شدنش دعا کند. آن گاه یوسف گونه اش را برزمین نهاد وبه خدا عرض کرد: خداوندا، اگر گناهان من، مرا در نزد تو بی آبرو ساخته است من به واسطه آبروی پدران صالح خود،

ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب به درگاه تو روی می آورم. امام صادق علیه السلام فرمود: آن گاه خداوند در کار او گشایش نمود و او را از زندان آزاد کرد. شعیب عرقوقی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: فدایت گردم، ما نیز همان گونه دعا کنیم ؟ حضرت فرمود: دعایی که شما می توانید بخوانید هم وزن و همانند این دعاست و آن این است: خدایا اگر گناهانم برای من نزد تو آبرویی نگذاشته است، من به واسطه آبروی پیامبرت که پیامبر رحمت است و به واسطه آبروی علی و فاطمه و حسن وحسین و سایر ائمه علیه السلام به درگاه تو روی می آورم – . تفسیر عیاشی ۲ : ۱۷۸ – .

**[ترجمه]

«۱۴»

یل، [الفضائل] لابن شاذان رُوِیَ عَنِ الْإِمَامِ جَعْفَرٍ الصَّادِقِ علیه السلام: أَنَّهُ کَانَ جَالِساً فِی الْحَرَمِ فِی مَقَامِ إِبْرَاهِیمَ علیه السلام فَجَاءَ رَجُلٌ شَیْخٌ کَبِیرٌ قَدْ فَنِیَ عُمُرُهُ فِی الْمَعْصِیَهِ فَنَظَرَ إِلَی الصَّادِقِ علیه السلام فَقَالَ نِعْمَ الشَّفِیعُ إِلَی اللَّهِ لِلْمُذْنِبِینَ فَأَخَذَ بِأَسْتَارِ الْکَعْبَهِ وَ أَنْشَأَ یَقُولُ:

بِحَقِّ جَدِّ هَذَا یَا وَلِیِّی***بِحَقِّ الْهَاشِمِیِّ الْأَبْطَحِی

بِحَقِّ الذِّکْرِ إِذْ یُوحَی إِلَیْهِ***بِحَقِّ وَصِیِّهِ الْبَطَلِ الْکَمِی

بِحَقِّ الطَّاهِرَیْنِ ابْنَیْ عَلِیٍ***وَ أُمِّهِمَا ابْنَهِ الْبَرِّ الزَّکِی

بِحَقِّ أَئِمَّهٍ سَلَفُوا جَمِیعاً***عَلَی مِنْهَاجِ جَدِّهِمُ النَّبِی

بِحَقِّ الْقَائِمِ الْمَهْدِیِّ إِلَّا***غَفَرْتَ خَطِیئَهَ الْعَبْدِ الْمُسِی ءِ

قَالَ فَسَمِعَ هَاتِفاً یَقُولُ یَا شَیْخُ کَانَ ذَنْبُکَ عَظِیماً وَ لَکِنْ غَفَرْنَا لَکَ جَمِیعَ ذُنُوبِکَ بِحُرْمَهِ شُفَعَائِکَ فَلَوْ سَأَلْتَنَا ذُنُوبَ أَهْلِ الْأَرْضِ لَغَفَرْنَا لَهُمْ غَیْرَ عَاقِرِ النَّاقَهِ وَ قَتَلَهِ الْأَنْبِیَاءِ وَ الْأَئِمَّهِ الطَّاهِرِینَ.

**[ترجمه]الفضائل: روایت شده است که امام صادق علیه السلام درحرم الهی و درکنار مقام ابراهیم نشسته بود که مردی کهنسال که عمر

خود را در معصیت سپری کرده بود، وارد شد نگاهی به امام صادق علیه السلام کرد و گفت: چه خوب شفاعت کننده ای برای گنهکاران هستی. و آن گاه پرده های کعبه را گرفت و ابیاتی با این مضمون سرود :

ای سرورم، به حق جد این مرد، به حق هاشمی ابطحی

به حق قرآنی که به او وحی می شد وبه حق وصی او همو که قهرمان و پهلوان بود

به حق دو فرزند پاک علی و به حق مادرشان که دختر انسان نیکوکار و پاکیزه است.

به حق امامانی که همگی به راه و روش جدشان پیامبر صلی الله علیه و آله عمل کردند.

به حق حضرت مهدی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله تو را همواره سوگند که از گناهان این بنده خطاکار درگذری.

راوی گوید: آن گاه او صدای هاتفی را شنید که می گفت: ای پیرمرد، گناهان تو بس زیاد بودند اما، ما به احترام کسانی که که شفیع قرار دادی همه گناهانت را آمرزیدیم. و اگر به واسطه این بزرگواران، از ما می خواسته که گناهان تمام اهل زمین را بیامرزیم. خواسته ات را قبول می کردیم به جز درمورد کسی که ناقه صالح را پی نمود و به جز در مورد قاتلان پیامبران و امامان پاک.

**[ترجمه]

«۱۵»

کشف، [کشف الغمه] مِنْ کِتَابِ مَوْلِدِ فَاطِمَهَ علیها السلام لِابْنِ بَابَوَیْهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: سَأَلْتُ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله عَنِ الْکَلِمَاتِ الَّتِی تَلَقَّی آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَیْهِ قَالَ سَأَلَهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ إِلَّا تُبْتَ عَلَیَّ فَتَابَ عَلَیْهِ.

وَ رُوِیَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام: أَنَّ امْرَأَهً مِنَ الْجِنِّ یُقَالُ لَهَا عَفْرَاءُ وَ کَانَتْ تَنْتَابُ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله فَتَسْمَعُ مِنْ کَلَامِهِ فَتَأْتِی صَالِحِی الْجِنِّ فَیُسْلِمُونَ عَلَی یَدَیْهَا وَ فَقَدَهَا النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله وَ سَأَلَ عَنْهَا جَبْرَئِیلَ علیه السلام فَقَالَ إِنَّهَا زَارَتْ أُخْتاً لَهَا تُحِبُّهَا فِی اللَّهِ تَعَالَی فَقَالَ علیه السلام طُوبَی لِلْمُتَحَابِّینَ فِی اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی خَلَقَ فِی الْجَنَّهِ عَمُوداً مِنْ یَاقُوتَهٍ حَمْرَاءَ عَلَیْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ قَصْرٍ فِی کُلِّ قَصْرٍ سَبْعُونَ أَلْفَ غُرْفَهٍ خَلَقَهَا اللَّهُ

ص: ۲۰

۱- ۱. تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۱۷۸.

عَزَّ وَ جَلَّ لِلْمُتَحَابِّينَ فِی اللَّهِ.

وَ جَاءَتْ عَفْرَاءُ فَقَالَ لَهَا النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله یَا عَفْرَاءُ أَیْنَ کُنْتِ فَقَالَتْ زُرْتُ أُخْتاً لِی فَقَالَ طُوبَی لِلْمُتَحَابِّینَ فِی اللَّهِ وَ الْمُتَزَاوِرِینَ یَا عَفْرَاءُ أَیَّ شَیْ ءٍ رَأَیْتِ قَالَتْ رَأَیْتُ عَجَائِبَ کَثِیرَةً قَالَ فَأَعْجَبُ مَا رَأَیْتِ قَالَتْ رَأَیْتُ إِبْلِیسَ فِی الْبَحْرِ الْأَخْضَرِ عَلَی صَخْرَةٍ بَیْضَاءَ مَادّاً یَدَیْهِ إِلَی السَّمَاءِ وَ هُوَ یَقُولُ إِلَهِی إِذَا بَرَرْتَ قَسَمَکَ وَ أَدْخَلْتَنِی نَارَ جَهَنَّمَ فَأَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ إِلَّا خَلَّصْتَنِی مِنْهَا وَ حَشَرْتَنِی مَعَهُمْ فَقُلْتُ أَبَا حَارِثٍ مَا هَذِهِ الْأَسْمَاءُ الَّتِی تَدْعُو بِهَا فَقَالَ رَأَیْتُهَا عَلَی سَاقِ الْعَرْشِ مِنْ قَبْلِ أَنْ یَخْلُقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ آدَمَ بِسَبْعَهِ ألف [آلَافِ] سَنَةٍ فَعَلِمْتُ أَنَّهَا أَکْرَمُ الْخَلْقِ عَلَی اللَّهِ فَأَنَا أَسْأَلُهُ بِحَقِّهِمْ فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله وَ اللَّهِ لَوْ أَقْسَمَ أَهْلُ الْأَرْضِ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ لَأَجَابَهُمُ اللَّهُ تَعَالَی وَ أَنَا أَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ علیهم السلام أَنْ تَغْفِرَ لِی ذُنُوبِی وَ تَتَجَاوَزَ عَنْ سَیِّئَاتِی وَ تَصْلُحَ شَأْنِی فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ تَرْزُقَنِی الْخَیْرَ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ تَصْرِفَ عَنِّی الشَّرَّ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ تَفْعَلَ ذَلِکَ بِالْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُسْلِمِینَ فِی مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ یَرْحَمُ اللَّهُ عَبْداً قَالَ آمِیناً(۱).

**[ترجمه]کشف الغمه: ابن عباس گوید: از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم: آن کلماتی که آدم از پروردگارش یاد گرفت و به واسطه آن ها توبه کرد و خداوند هم توبه اش را پذیرفت، آن کلمات چه بود؟ حضرت فرمود: آدم به خداوند عرض کرد: خداوندا، من به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین از تو می خواهم که توبه ام را بپذیری. و خداوند هم توبه او را پذیرفت.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: زنی از جنیان بنام عفراء هر از چندگاهی نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده و سخن او را می شنید و به نزد نیکان جنیان می رفت و آن ها به دست او مسلمان می شدند، و پیامبر صلی الله علیه و آله چند روزی او را نیافت و از جبرئیل درباره او سؤال کرد، گفت به دیدار یکی از خواهران دینی خود رفته که برای خدا او را دوست دارد .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا بحال کسانی که برای خدا همدیگر را دوست دارند، به راستی که خداوند تبارک و تعالی در بهشت ستونی از یک دانه یاقوت سرخ آفریده که بر آن ۷۰ هزار کاخ است و در هر کاخی ۷۰ هزار اتاق و آن را خدا برای کسانی آفریده است که همدیگر را به خاطر خداوند دوست می دارند و به خاطر خداوند به دیدار یکدیگر می روند.

سپس عفراء نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و حضرت به او فرمود: ای عفراء کجا بودی؟ گفت: به زیارت خواهرم رفته بودم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا به حال کسانی که برای خدا همدیگر را دوست دارند، وبه دیدار یکدیگر می روند.

سپس فرمود: ای عفراء چه دیدی؟ گفت: عجائب بسیار، فرمود: عجیب ترین چیزی که دیدی چه بود؟ گفت ابلیس را در دریای اخضر روی سنگی سفید دیدم که دست به آسمان برآورده و می گوید: معبودا، چون به سوگند خود وفا کردی و مرا به دوزخ بردی من از تو خواهش دارم به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین که مرا از آن رها کنی و با آنان محشور کنی. من گفتم: ای ابا حارث، این نام ها که به واسطه آن ها دعا می کنی چیست؟ گفت من آن ها را هفت هزار سال پیش از آفرینش آدم بر ساق عرش دیدم و دانستم آن ها در پیشگاه خداوند عزوجل ارجمندترین آفریده هایند و من از خدا به حق آن ها خواهش می کنم، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بخدا سوگند، اگر همه اهل زمین خدا را بدین نام ها بخوانند، مسلما خداوند دعای آن ها را هم اجابت خواهد کرد.

من می گویم: خداوندا، به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین، از تو می خواهم که گناهانم را بیامرزی و از خطاهایم درگذری و خودت کارهایم در دنیا و آخرت را سامان دهی. و در دنیا و آخرت نیکی را نصیب من سازی و در دنیا و آخرت بدی را از من دور سازی و همه مؤمنین و مسلمانانی که در جای جای این جهان زندگی می کنند، را نیز شامل این الطاف خود قرار دهی. و هرکس بر این دعایم آمین بگوید، ان شاء الله خداوند او را مورد رحمت قرار دهد - . کشف الغمه ۲ : ۲۱ و ۲۲ - .

**[ترجمه]

۱۶- ختص، [الإختصاص] الصَّدُوقُ عَنْ مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ عَمِّهِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ جَابِرٌ الْأَنْصَارِيُّ: قُلْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَا تَقُولُ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَقَالَ ذَاكَ نَفْسِي قُلْتُ فَمَا تَقُولُ فِي الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ قَالَ هُمَا رُوحِي وَ فَاطِمَهُ أُمُّهُمَا ابْنَتِي يَسُوؤُنِي مَا سَاءَهَا وَ يَسُرُّنِي مَا سَرَّهَا أُشْهِدُ اللَّهَ أَنِّي حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ يَا جَابِرُ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَدْعُوَ اللَّهَ فَيَسْتَجِيبَ لَكَ فَادْعُهُ بِأَسْمَائِهِمْ فَإِنَّهَا أَحَبُّ الْأَسْمَاءِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ (۲).

ص: ۲۱

۱- ۱. کشف الغمّه ج ۲ ص ۲۱ و ۲۲.

۲- ۲. الاختصاص: ۲۲۳، فی حدیث.

**[ترجمه]الاختصاص: امام محمد باقر علیه السلام از جابر انصاری روایت نموده که او گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم: نظر شما در باره علی بن ابی طالب چیست؟ فرمود: او جان من است. گفتم: در مورد حسن و حسین چه نظری دارید؟ فرمود: آن دو روح من هستند. و فاطمه مادرشان دختر من است. هر کس او را بیازارد، مرا آزرده است و هرکس او را شادمان سازد مرا شادمان ساخته است. خدا را شاهد می گیرم که من با دشمنان آن ها، دشمن هستم و با دوستان آن ها، دوست هستم. ای جابر، اگر می‌خواهی که خداوند دعایت را اجابت کند، خداوند را با نام های آن ها بخوان چرا که خداوند عزوجل نام های آن ها را از همه نام ها بیشتر دوست دارد - . الاختصاص: ۲۲۳ - .

**[ترجمه]

«۱۷»

ختص، [الإختصاص] قَالَ الرِّضَا علیه السلام: إِذَا نَزَلَتْ بِكُمْ شَدِيدَةٌ فَاسْتَعِينُوا بِنَا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَ وَ لِلَّهِ الْأَسْماءُ الْحُسْنى فَادْعُوهُ بِها(۱).

**[ترجمه]اختصاص: امام رضا علیه السلام فرمود: هرگاه سختی بر شما رو کرد، به واسطه ما به درگاه خداوند دعا و نیایش کنید. و این است مراد از آیه ای که می فرماید: و خداوند نام های زیبا دارد پس خدا را با آن نام ها بخوانید - . الاختصاص: ۲۵۲ ، سوره اعراف /۱۸۰ - .

**[ترجمه]

«۱۸»

أَقُولُ رَوَى السَّيِّدُ بْنُ طَاوُسٍ فِي كَشْفِ الْمَحَجَّهِ مِنْ كِتَابِ الرَّسَائِلِ لِمُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ الْكُلَيْنِيِّ عَمَّنْ سَمَّاهُ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام أَنَّ الرَّجُلَ يُحِبُّ أَنْ يُفْضِيَ إِلَى إِمَامِهِ مَا يُحِبُّ أَنْ يُفْضِيَ إِلَى رَبِّهِ قَالَ فَكَتَبَ إِنْ كَانَتْ لَكَ حَاجَهٌ فَحَرِّكْ شَفَتَيْكَ فَإِنَّ الْجَوَابَ يَأْتِيكَ.

**[ترجمه]من می گویم: سید بن طاوس در کشف المحجه باسناد خود از کتاب رسائل کلینی به نقل از کسی که نام برده این روایت را آورده است که او گفت: من نامه ای برای امام هادی علیه السلام نوشتم شخص دوست دارد حاجتی را از امامش بخواهد همان گونه که از پروردگارش می خواهد. امام علیه السلام در جواب نوشتند: هرگاه حاجتی داشتی، کافی است که لب بجنبانی، حاجتت بر آورده می شود.

**[ترجمه]

«۱۹»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ، عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله: اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَتَقَرَّبُ بِهِمْ إِلَيْكَ وَ أُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِاللَّعْنَهِ عَلَيْهِمْ وَ فِي دُعَائِهِمْ علیهم السلام اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ وَ حَجَبَتْ دُعَائِي عَنْكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْتَجِبْ لِي يَا رَبِّ بِهِمْ دُعَائِي.

وَ عَنْ سَمَاعَهَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام: إِذَا كَانَتْ لَكَ حَاجَهٌ إِلَى اللَّهِ فَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ فَإِنَّ لَهُمَا عِنْدَكَ شَأْناً مِنَ الشَّأْنِ وَ قَدْراً مِنَ الْقَدْرِ فَبِحَقِّ ذَلِكَ الشَّأْنِ وَ بِحَقِّ ذَلِكَ الْقَدْرِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا فَإِنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَهِ لَمْ يَبْقَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ لَا مُؤْمِنٌ مُمْتَحَنٌ إِلَّا وَ هُوَ يَحْتَاجُ إِلَيْهِمَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ.

**[ترجمه]دعوات الراوندی: این دعا از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است: خداوندا، من به واسطه محمد و آل محمد به درگاه تو

روی می آورم. و به واسطه آن ها به تو تقرب می جویم. و برای حاجت گرفتن، آن بزرگواران را شفیع قرار می‌دهم. خداوندا، من از دشمنان آل محمد بیزاری جسته و با لعنت کردن آنان به تو تقرب می‌جویم.

در دعای معصومین علیه السلام آمده است: خداوندا، اگر گناهانم برای من در نزد تو آبرویی نگذاشته و مانع رسیدن دعای من به درگاه تو شده است، پس ای پروردگار بر محمد و آل محمد درود و رحمت بفرست و به واسطه آنان دعایم را اجابت نما.

امام رضا علیه السلام فرمود: هرگاه خواستی حاجتی از خداوند طلب کنی، بگو: خداوندا، من به حق محمد و علی از تو درخواست می کنم. چرا که آن دو بزرگوار در نزد تو منزلت و مقامی دارند. خدایا به حق آن منزلت و به حق آن مقامی که آن ها در نزد تو دارند، از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستاده و حاجتم را روا کنی. در روز قیامت هیچ ملک مقرب و هیچ نبی مرسل و هیچ مؤمنی که مورد آزمایش قرار گرفته است، باقی نمی ماند مگر این که در آن روز، به شفاعت آن دو بزرگوار محتاج هستند.

**[ترجمه]

«۲۰»

عُدَّهُ الدَّاعِی، عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِیِّ قَالَ سَمِعْتُ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله یَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَقُولُ یَا عِبَادِی أَ وَ لَیْسَ مَنْ لَهُ إِلَیْکُمْ حَوَائِجُ کِبَارٌ لَا تَجُودُونَ بِهَا إِلَّا أَنْ یَتَحَمَّلَ عَلَیْکُمْ بِأَحَبِّ الْخَلْقِ إِلَیْکُمْ تَقْضُونَهَا کَرَامَهً لِشَفِیعِهِمْ أَلَا فَاعْلَمُوا أَنَّ أَکْرَمَ الْخَلْقِ عَلَیَّ وَ أَفْضَلَهُمْ لَدَیَّ مُحَمَّدٌ وَ أَخُوهُ عَلِیٌّ وَ مِنْ بَعْدِهِ الْأَئِمَّهُ الَّذِینَ هُمُ الْوَسَائِلُ إِلَی اللَّهِ أَلَا فَلْیَدْعُنِی مَنْ هِمَّتُهُ حَاجَهٌ یُرِیدُ نُجْحَهَا أَوْ دَهَتْهُ دَاهِیَهٌ یُرِیدُ کَشْفَ ضَرَرِهَا بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ أَقْضِهَا لَهُ أَحْسَنَ مَا یَقْضِیهَا مَنْ تَسْتَشْفِعُونَ بِأَعَزِّ الْخَلْقِ عَلَیْهِ فَقَالَ قَوْمٌ مِنَ الْمُشْرِکِینَ وَ هُمْ مُسْتَهْزِءُونَ بِهِ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَمَا لَکَ لَا تَقْتَرِحُ

ص: ۲۲

۱- ۱. الاختصاص: ۲۵۲، و الآیه فی سوره الأعراف: ۱۸۰.

عَلَى اللَّهِ بِهِمْ أَنْ يَجْعَلَكَ أَغْنَى أَهْلِ الْمَدِينَهِ فَقَالَ سَلْمَانُ دَعَوْتُ اللَّهَ وَ سَأَلْتُهُ مَا هُوَ أَجَلُّ وَ أَنْفَعُ وَ أَفْضَلُ مِنْ مُلْكِ الدُّنْيَا بِأَسْرِهَا سَأَلْتُهُ بِهِمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَنْ يَهَبَ لِي لِسَاناً ذَاكِراً لِتَحْمِيدِهِ وَ ثَنَائِهِ وَ قَلْباً شَاكِراً لِآلَائِهِ وَ بَدَناً صَابِراً عَلَى الدَّوَاهِي الدَّاهِيَهِ وَ هُوَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ أَجَابَنِي إِلَى مُلْتَمَسِي مِنْ ذَلِكَ وَ هُوَ أَفْضَلُ مِنْ مُلْكِ الدُّنْيَا بِحَذَافِيرِهَا وَ مَا تَشْتَمِلُ عَلَيْهِ مِنْ خَيْرَاتِهَا مِائَهَ أَلْفِ أَلْفِ مَرَّهٍ(۱).

**[ترجمه]عده الداعی: سلمان فارسی گوید: از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: ای بندگان من، آیا اتفاق نیفتاده که فردی از شما حاجت های بزرگی بخواهد که شما آن حوایج را نمی دهید مگر این که محبوب ترین خلق نزد شما را حاضر کند و شما به احترام آن شفیع محبوب و دوست داشتنی درخواست های او را بدهید؟

آگاه باشید و بدانید که با کرامت ترین و برترین خلق نزد من، محمد و برادرش علی و پس از آن ائمه هستند، آنانی که وسیله تقرب به من می باشند. آگاه باشید که هر کس حاجت مهمی دارد و می خواهد نفعی به او برسد یا مشکلی برایش پدید آمده و خواهان دفع ضرر آن است، اگر مرا به محمد و آل پاکش بخواند، آن چنان حاجتش را برآورده می سازم که بهتر و برتر باشد از برآورده ساختن کسی که محبوب ترین خلق را نزد او شفیع قرار می دهند». سخنان سلمان که به این جا رسید، عده ای از مشرکین و منافقین در حالی که او را مسخره می کردند گفتند: ای سلمان، چرا خدا را به اینها قسم نمی دهی تا تو را بی نیازترین و پولدارترین فرد مدینه قرار دهد؟ سلمان پاسخ داد: من خدا را خواندم و از او خواستم که چیزی به من بدهد که از حکومت بر کل دنیا برتر و با منفعت تر باشد. من از خدا خواستم و او را به این بزرگواران قسم دادم که به من زبانی ذاکر بدهد که او را حمد و ثنا کند، قلبی بدهد که شاکر نعمت های او باشد،

بدنی بدهد که در برابر سختی ها صبر نماید و آن خدای عزوجل این التماس های مرا اجابت فرمود. این چیزهایی که من از خدا خواستم از حکومت بر تمام دنیا و هر چه در آن است،

هزار هزار برابر برتر و بالاتر است - . عده الداعی: ۱۱۶، تفسیر امام حسن عسکری: ۳۲ - .

**[ترجمه]

«۲۱»

قبس، [قبس المصباح] أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الصَّقَّالُ بِبَغْدَادَ فِي مَسْجِدِ الْحَذَّاءِينَ بِالْكَرْخِ فِي رَجَبٍ سَنَهَ اثْنَيْنِ وَ أَرْبَعِينَ وَ أَرْبَعِمِائَهٍ قَالَ حَدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْبُهْلُولِ بْنِ هَمَّامِ بْنِ الْمُطَّلِبِ الشَّيْبَانِيُّ يَوْمَ السَّبْتِ التَّاسِعَ مِنْ شَهْرِ رَبِيعٍ الْأَوَّلِ سَنَهَ سِتٍّ وَ ثَمَانِينَ وَ ثَلَاثِمِائَهٍ بِالشَّرْقِيَّهِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْعَبَّاسِ أَحْمَدَ بْنَ كِشْمَرْدَ فِي دَارِهِ بِبَغْدَادَ وَ قَدْ سَأَلَهُ شَيْخُنَا أَبُو عَلِيِّ بْنِ هَمَّامٍ رَحِمَهُ اللَّهُ أَنْ يَذْكُرَ حَالَهُ إِذْ كَانَ مَحْبُوساً عِنْدَ الْهَجَرِيِّينَ بِالْأَحْسَاءِ فَحَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَنَّهُ كَانَ مِمَّنْ أُسِرَ بِالْهَبِيرِ مَعَ أَبِي الْهَيْجَاءِ قَالَ وَ كَانَ أَبُو طَاهِرٍ سُلَيْمَانُ بْنُ الْحَسَنِ مُكْرِماً لِأَبِي الْهَيْجَاءِ مُعْجَباً بِرَأْيِهِ وَ كَانَ يَسْتَدْعِيهِ إِلَى طَعَامِهِ فَيَتَغَدَّى مَعَهُ وَ يَسْتَدْعِيهِ أَيْضاً لِلْحَدِيثِ مَعَهُ فَلَمَّا كَانَ ذَاتَ لَيْلَهٍ سَأَلْتُ أَبَا الْهَيْجَاءِ أَنْ يُجْرِيَ ذِكْرِي عِنْدَ سُلَيْمَانَ بْنِ الْحَسَنِ وَ يَسْأَلَهُ فِي إِطْلَاقِي فَأَجَابَنِي إِلَى ذَلِكَ وَ مَضَى إِلَى أَبِي الطَّاهِرِ فِي تِلْكَ اللَّيْلَهِ عَلَى رَسْمِهِ وَ عَادَ مِنْ عِنْدِهِ وَ لَمْ يَلْقَنِي وَ كَانَ مِنْ عَادَتِهِ أَنْ يَغْشَانِي وَ رَفِيقِي يَعْنِي الْخَالَ فِي كُلِّ لَيْلَهٍ عِنْدَ عَوْدَتِهِ مِنِ الْتِقَائِهِ مَعَ سُلَيْمَانَ بْنِ الْحَسَنِ فَيُسَكِّنُ نُفُوسَنَا وَ يُعَرِّفُنَا أَخْبَارَ الدُّنْيَا فَلَمَّا لَمْ يُعَاوِدْ إِلَيْنَا فِي تِلْكَ الْعَشِيَّهِ مَعَ سُؤَالِي إِيَّاهُ الْخِطَابَ فِي أَمْرِي اسْتَوْحَشْتُ لِذَلِكَ فَصِرْتُ إِلَيْهِ إِلَى مَنْزِلِهِ الْمَوْسُومِ بِهِ وَ كَانَ أَبُو الْهَيْجَاءِ مُبَرِّزاً فِي دِينِهِ مُخْلِصاً فِي وَلَايَتِهِ وَ سِيَادَتِهِ مُتَوَقِّراً عَلَى إِخْوَانِهِ فَلَمَّا وَقَعَ طَرْفُهُ عَلَيَّ بَكَى بُكَاءً شَدِيداً وَ قَالَ لَبُودِّي وَ اللَّهِ يَا أَبَا الْعَبَّاسِ إِنِّي مَرِضْتُ سَنَهً كَامِلَهً وَ لَمْ أُجْرِ ذِكْرَكَ لَهُ قَالَ قُلْتُ وَ لِمَ قَالَ لِأَنِّي لَمَّا ذَكَرْتُكَ لَهُ اشْتَدَّ غَضَبُهُ وَ عَظُمَ وَ حَلَفَ بِالَّذِي يَحْلِفُ بِهِ مِثْلُهُ لَيَأْمُرَنَّ غَداً بِضَرْبِ رَقَبَتِكَ مَعَ طُلُوعِ

۱- ۱. عدّه الداعی ص ۱۱۶، و تراه فی تفسیر الإمام ص ۳۲.

الشَّمْس وَ لَقَدِ اجْتَهَدْتُ وَ اللَّهِ فِی إِزَالَهِ هَذَا عَنْکَ بِکُلِّ حِیلَهٍ وَ أَوْرَدْتُ عَلَیْهِ کُلَّ لَطِیفَهٍ فَأَصَرَّ عَلَی قَوْلِهِ وَ أَعَادَ یَمِینَهُ لَیَفْعَلَنَّ مَا أَخْبَرْتُکَ بِهِ قَالَ ثُمَّ جَعَلَ أَبُو الْهَیْجَاءِ یُطَیِّبُ نَفْسِی وَ قَالَ یَا أَخِی لَوْ لَا أَنِّی ظَنَنْتُ أَنَّ لَکَ وَصِیَّهً أَوْ حَالًا تَحْتَاجُ إِلَی ذِکْرِهَا لَطَوَیْتُ عَنْکَ مَا أَطْلَعْتُکَ عَلَیْهِ مِنْ ذَلِکَ وَ سَتَرْتُ مَا أَخْبَرْتُکَ بِهِ عَنْهُ وَ مَعَ هَذَا فَثِقْ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ ارْجِعْ فِیمَا دَهِمَکَ مِنْ هَذِهِ الْحَالِ الْغَلِیظَهِ إِلَیْهِ فَإِنَّهُ جَلَّ ذِکْرُهُ یُجِیرُ وَ لا یُجارُ عَلَیْهِ وَ تَوَجَّهْ إِلَیْهِ تَعَالَی بِالْعُدَّهِ وَ الذَّخِیرَهِ لِلشَّدَائِدِ وَ الْأُمُورِ الْعِظَامِ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ قَالَ أَبُو الْعَبَّاسِ فَانْصَرَفْتُ إِلَی مَنْزِلِیَ الَّذِی أُنْزِلْتُ فِیهِ وَ أَنَا فِی صُورَهٍ غَلِیظَهٍ مِنَ الْإِیَاسِ مِنَ الْحَیَاهِ وَ اسْتِشْعَارِ الْهَلَکَهِ فَاغْتَسَلْتُ وَ لَبِسْتُ ثِیَاباً جَعَلْتُهَا أَکْفَانِی وَ أَقْبَلْتُ إِلَی الْقِبْلَهِ فَجَعَلْتُ أُصَلِّی وَ أُنَاجِی رَبِّی وَ أَتَضَرَّعُ إِلَیْهِ وَ أَعْتَرِفُ لَهُ بِذُنُوبِی وَ أَتُوبُ مِنْهَا ذَنْباً ذَنْباً وَ تَوَجَّهْتُ إِلَی اللَّهِ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ وَ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ وَ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ وَ حُجَّهِ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ وَ الْمَأْمُولِ لِإِحْیَاءِ دِینِهِ ثُمَّ لَمْ أَزَلْ وَ أَنَا مَکْرُوبٌ قَلِقٌ أَتَضَرَّعُ إِلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ أَقُولُ یَا مَوْلَایَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ أَتَوَجَّهُ بِکَ إِلَی اللَّهِ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ أَتَوَجَّهُ بِکَ إِلَی اللَّهِ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ یَا مَوْلَایَ أَتَوَجَّهُ بِکَ إِلَی اللَّهِ رَبِّی وَ رَبِّکَ فِیمَا دَهِمَنِی وَ أَظَلَّنِی فَلَمْ أَزَلْ أَقُولُ هَذَا وَ مَا أَشْبَهَهُ مِنَ الْکَلَامِ إِلَی أَنِ انْتَصَفَ اللَّیْلُ وَ جَاءَ وَقْتُ الصَّلَاهِ فَقُمْتُ فَصَلَّیْتُ وَ دَعَوْتُ وَ تَضَرَّعْتُ فَبَیْنَا أَنَا کَذَلِکَ وَ قَدْ فَرَغْتُ مِنَ الصَّلَاهِ وَ أَنَا أَسْتَغِیثُ إِلَی اللَّهِ تَعَالَی وَ أَتَوَسَّلُ إِلَیْهِ بِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ إِذْ نَعَسْتُ فَحَمَلَنِی النَّوْمُ فَرَأَیْتُ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فِی مَنَامِی ذَلِکَ فَقَالَ یَا ابْنَ کُشْمَرْدَ قُلْتُ لَبَّیْکَ یَا مَوْلَایَ فَقَالَ مَا لِی أَرَاکَ عَلَی هَذَا الْحَالِ قُلْتُ یَا مَوْلَایَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ أَ وَ مَا یَحِقُّ لِمَنْ یُقْتَلُ صَبَاحَ هَذِهِ اللَّیْلَهِ غَرِیباً عَنْ أَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ وَ بِغَیْرِ وَصِیَّهٍ یُسْنِدُهَا إِلَی مُتَکَفِّلٍ بِهَا أَنْ یَشْتَدَّ قَلَقُهُ وَ جَزَعُهُ: فَقَالَ بَلْ تَحُولُ کِفَایَهُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ دِفَاعُهُ بَیْنَکَ وَ بَیْنَ الَّذِی تَوَعَّدَکَ فِیمَا

أَرْصَدَکَ بِهِ مِنْ سَطَوَاتِهِ اکْتُبْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ وَ تَمَامَ فَاتِحَهِ الْکِتَابِ وَ آيَهَ الْکُرْسِيِّ وَ الْعَرْشَ وَ اکْتُبْ مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ إِلَى الْمَوْلَى الْجَلِيلِ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسَى وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ حُجَّتِکَ رَبِّ عَلَى خَلْقِکَ اللَّهُمَّ إِنِّی أُشْهِدُکَ بِأَنِّی أَشْهَدُ أَنَّکَ اللَّهُ إِلَهِی وَ إِلَهُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ لَا إِلَهَ غَيْرُکَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْکَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِی إِذَا دُعِيتَ بِهَا أَجَبْتَ وَ إِذَا سُئِلْتَ بِهَا أَعْطَيْتَ لَمَّا صَلَّيْتَ عَلَيْهِمْ وَ هَوَّنْتَ عَلَيَّ خُرُوجَ رُوحِی وَ کُنْتَ لِی قَبْلَ ذَلِکَ غِيَاثاً وَ مُجِيراً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيَّ وَ يَطْغَى وَ اجْعَلِ الرُّقْعَهَ فِی کُتْلَهِ طِينٍ وَ اقْرَأْ سُورَهَ يس وَ ارْمِ بِهَا فِی الْبَحْرِ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ الْبَحْرَ بَعِيدٌ مِنِّی وَ أَنَا مَحْبُوسٌ مَمْنُوعٌ مِنَ التَّصَرُّفِ فِيمَا أَلْتَمِسُ فَقَالَ ارْمِ بِهَا فِی الْبِئْرِ أَوْ فِيمَا دَنَا مِنْکَ مِنْ مَنَابِعِ الْمَاءِ قَالَ ابْنُ کِشْمَرْدَ فَانْتَبَهْتُ وَ قُمْتُ فَفَعَلْتُ مَا أَمَرَنِی بِهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ أَنَا فِی ذَلِکَ قَلِقٌ غَيْرُ سَاکِنِ النَّفْسِ لِعَظِيمِ الْمِحْنَهِ وَ ضَعْفِ الْيَقِينِ فِی الْآدَمِيِّينَ فَلَمَّا أَصْبَحْنَا وَ طَلَعَتِ الشَّمْسُ اسْتُدْعِيتُ فَلَمْ أَشُکَّ أَنَّ ذَلِکَ لِمَا تَوَعَّدَنِی بِهِ مِنَ الْقَتْلِ فَمَضَيْتُ مَعَ الدَّاعِی وَ أَنَا آيِسٌ مِنَ الْحَيَاتِ فَأُدْخِلْتُ عَلَى أَبِی الطَّاهِرِ وَ إِذَا هُوَ جَالِسٌ فِی صَدْرِ مَجْلِسٍ کَبِيرٍ عَلَى کُرْسِيٍّ وَ عَنْ يَمِينِهِ رَجُلَانِ عَلَى کُرْسِيَّيْنِ وَ عَنْ يَسَارِهِ أَبُو الْهَيْجَاءِ عَلَى کُرْسِيٍّ وَ إِذَا کُرْسِيٌّ آخَرُ إِلَى جَانِبِ أَبِی الْهَيْجَاءِ لَيْسَ عَلَيْهِ أَحَدٌ فَلَمَّا بَصُرَ بِی أَبُو طَاهِرٍ اسْتَدْعَانِی حَتَّى وَصَلْتُ إِلَى الْکُرْسِيِّ ثُمَّ أَمَرَنِی بِالْجُلُوسِ عَلَيْهِ فَجَلَسْتُ وَ قُلْتُ فِی نَفْسِی لَيْسَ وَرَاءَ هَذَا إِلَّا خَيْراً فَأَقْبَلَ عَلَيَّ وَ قَالَ قَدْ کُنَّا عَزَمْنَا فِی أَمْرِکَ عَلَى مَا بَلَغَکَ ثُمَّ رَأَيْنَا بَعْدَ ذَلِکَ أَنْ نُفَرِّجَ عَنْکَ وَ أَنْ نُخَيِّرَکَ أَحَدَ أَمْرَيْنِ إِمَّا تَخْدِمُنَا فَنُحْسِنُ إِلَيْکَ أَوْ تَنْصَرِفُ إِلَى عِيَالِکَ فَنُحْسِنُ إِجَازَتَکَ فَقُلْتُ لَهُ فِی الْمُقَامِ عِنْدَ السَّيِّدِ النَّفْعُ وَ الشَّرَفُ وَ فِی الِانْصِرَافِ إِلَى أَهْلِی وَ وَالِدَهٍ لِی عَجُوزٍ کَبِيرَهٍ ثَوَابٌ جَزِيلٌ فَقَالَ لِی افْعَلْ مَا شِئْتَ وَ الْأَمْرُ فِيهِ مَرْدُودٌ إِلَى اخْتِيَارِکَ فَخَرَجْتُ مُنْصَرِفاً مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ فَرَدَّنِی وَ قَالَ مَنْ تَکُونُ مِنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ فَقُلْتُ لَسْتُ نَسِيباً لَهُ وَ لَکِنِّی

وَلِيُّهُ قَالَ فَتَمَسَّكْ بِوَلَايَتِهِ فَهُوَ أَمَرَنَا بِإِطْلَاقِكَ فَلَمْ يُمْكِنَّا الْمُخَالَفَةُ لِأَمْرِهِ ثُمَّ أَمَرَ بِي فَجُهِّزْتُ وَ أَصْحَبَنِي مَنْ أَوْصَلَنِي مُكَرَّماً إِلَى مَأْمَنِي قَالَ الشَّيْخُ أَبُو الْمُفَضَّلِ رَحِمَهُ اللَّهُ فَذَكَرْتُ هَذَا الْحَدِيثَ فِي مَجْلِسِ أَبِي وَائِلٍ دَاوُدَ بْنِ حَمْدَانَ بِنَصِيبِينَ سَنَةَ اثْنَيْنِ وَ عِشْرِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ حَضَرَ هَذَا الْمَجْلِسَ يَوْمَئِذٍ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ نَصِيبِينَ يُقَالُ لَهُ أَبُو عُثْمَانَ سَعِيدُ بْنُ الْبُنْدُقِيِّ الشَّاعِرُ وَ كَانَ مِنْ شُهُودِ الْبَلَدِ فَقَالَ أَبُو عُثْمَانَ عِنْدَ قَوْلِي مَا تَقَدَّمَ مِنْ قَوْلِ أَبِي الْعَبَّاسِ بْنِ كِشْمَرْدَ عَلَى يَدِي كَانَ الْحَدِيثُ وَ ذَلِكَ أَنِّي حَجَجْتُ فِي سَنَةِ الْهَبِيرِ وَ هِيَ السَّنَةُ الَّتِي أُسِرَ فِيهَا أَبُو الْعَبَّاسِ بْنُ كِشْمَرْدَ وَ الْخَالُ وَ فُلْفُلُ الْخَادِمُ وَ غَيْرُهُمْ مِنْ وُجُوهِ الْأَوْلِيَاءِ مَعَ أَبِي الْهَيْجَاءِ وَ أُسِرْتُ فِيمَنْ أُسِرَ مَعَهُمْ مِنَ الْحَاجِّ فَطَالَ بِالْأَحْسَاءِ مَحْبَسُنَا وَ كُنْتُ أَقُولُ الشِّعْرَ فَامْتَدَحْتُ السَّيِّدَ أَبَا الطَّاهِرِ بِقَصِيدَةٍ أَوْصَلَهَا إِلَيْهِ أَبُو الْهَيْجَاءِ فَأَذِنَ لِيَ السَّيِّدُ بِالدُّخُولِ وَ الْخُرُوجِ مِنَ الْحَبْسِ فَكُنْتُ أَدْخُلُ عَلَى أَبِي الْعَبَّاسِ بْنِ كِشْمَرْدَ وَ كَانَ يَأْنَسُ بِي وَ يُحَدِّثُنِي فَأَرْسَلَ إِلَيَّ ذَاتَ يَوْمٍ فِي السَّحَرِ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَالَ لِي خُذْ هَذِهِ الرُّقْعَةَ وَ هِيَ فِي كُتْلَةِ الطِّينِ وَ امْضِ بِهَا إِلَى مَوْضِعٍ وَصَفَهُ لِي وَ كَانَ فِيهِ مَاءٌ جَارٍ قَالَ وَ اقْرَأْ سُورَةَ يس وَ اطْرَحِ الرُّقْعَةَ فِي الْمَاءِ فَأَخَذْتُهَا فَصِرْتُ إِلَى الْمَاءِ وَ أَحْبَبْتُ أَنْ أَقِفَ عَلَى الرُّقْعَةِ فَقَلَعْتُ الطِّينَ عَنْهَا وَ نَشَرْتُهَا وَ قَرَأْتُ مَا فِيهَا قَالَ أَبُو عُثْمَانَ وَ أَخَذْتُ عُوداً وَ بَلَلْتُهُ فِي الْمَاءِ وَ كَتَبْتُ مَا فِي الرُّقْعَةِ عَلَى كَفِّي وَ كَتَبْتُ اسْمِي وَ اسْمُ أَبِي وَ أُمِّي وَ أَعَدْتُ الرُّقْعَةَ فِي الطِّينِ وَ قَرَأْتُ سُورَةَ يس عَنِّي وَ غَسَلْتُ كَفِّي فِي الْمَاءِ ثُمَّ قَرَأْتُ سُورَةَ يس عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ بْنِ كِشْمَرْدَ وَ طَرَحْتُ الرُّقْعَةَ فِي الْمَاءِ وَ عُدْتُ إِلَى مَجْلِسِي ذَلِكَ بِعَقِبِ طُلُوعِ الشَّمْسِ فَلَمْ يَمْضِ إِلَّا سَاعَةٌ زَمَانِيَّةٌ وَ إِذَا رَسُولُ السَّيِّدِ يَأْمُرُ بِإِحْضَارِي فَحَضَرْتُ فَلَمَّا بَصُرَ بِي قَالَ إِنَّهُ قَدْ أُلْقِيَ فِي قَلْبِي رَحْمَةٌ لَكَ وَ قَدْ عَمِلْتُ عَلَى إِطْلَاقِكَ فَكَيْفَ تُحِبُّ أَنْ تَسِيرَ إِلَى أَهْلِكَ فِي الْبَرِّ أَمْ فِي الْبَحْرِ فَخَشِيتُ إِنْ سِرْتُ فِي الْبَرِّ أَنْ يَبْدُوَ لَهُ فَيَلْحَقُونِي فَيَرُدُّونِي فَقُلْتُ فِي الْبَحْرِ فَأَمَرَ أَنْ يَدْفَعَ لِي كِفَافِي مِنْ زَادٍ وَ تَمْرٍ وَ خَرَجْتُ فِي الْبَحْرِ فَصِرْتُ إِلَى الْبَصْرَهِ.

فَلَمَّا کَانَ بَعْدَ ثَلَاثَهِ أَیَّام مِنْ وُصُولِیَ الْبَصْرَهَ جَلَسْتُ عِنْدَ أَصْحَابِ الْکُتُبِ فَإِذَا أَنَا بِأَبِی الْعَبَّاسِ بْنِ کِشْمَرْدَ رَاکِبٌ فِی مَوْکِبٍ عَظِیم وَ الْأُمَرَاءُ مِنْ خَلْفِهِ وَ قَدْ خَرَجَ أَمِیرُ الْبَصْرَهِ اسْتَقْبَلَهُ وَ الْجُنْدُ بَیْنَ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ الْعَسَاکِرُ مُحْدِقَهٌ بِهِ وَ هُوَ وَ أَمِیرُ الْبَصْرَهِ یَتَسَایَرَانِ فَلَمَّا رَأَیْتُهُ قُمْتُ إِلَیْهِ فَلَمَّا أَبْصَرَ بِی نَزَلَ عَنْ دَابَّتِهِ وَ وَقَفَ عَلَیَّ وَ قَالَ یَا فَتَی کَیْفَ عَمِلْتَ حَتَّی تَخَلَّصْتَ فَحَدَّثْتُهُ مَا صَنَعْتُ مِنْ کَتْبَتِی مَا کَانَ فِی الرُّقْعَهِ بِالْمَاءِ عَلَی کَفِّی وَ غَسَلْتُ بِالْمَاءِ یَدِی مَا کُنْتُ کَتَبْتُ عَلَیْهَا قَبْلَ أَنْ رَمَیْتُ رُقْعَتَهُ فَقَالَ لِی أَنَا وَ أَنْتَ مِنْ طُلَقَاءِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ فَقُلْتُ نَعَمْ وَ مَضَی حَتَّی نَزَلَ فِی دَارٍ أُعِدَّتْ لَهُ وَ حَمَلَ إِلَیْهِ أَمِیرُ الْبَصْرَهِ الْهَدَایَا وَ اللِّبَاسَ وَ الْآلَاتِ وَ الدَّوَابَّ وَ الْفُرُشَ وَ غَیْرَ ذَلِکَ فَلَمَّا اسْتَقَرَّ فِی مَوْضِعِهِ أَرْسَلَ إِلَیَّ فَدَخَلْتُ عَلَیْهِ وَ أَقَمْتُ عِنْدَهُ أَیَّاماً وَ أَحْسَنَ إِلَیَّ وَ حَمَلَنِی مُکَرَّماً إِلَی بَلَدِی فَعَجِبَ أَبُو وَائِلٍ مِنْ ذَلِکَ وَ قَالَ یَا أَبَا الْمُفَضَّلِ أَنْتَ صَادِقٌ فِی حَدِیثِکَ وَ لَقَدِ اتَّفَقَ لَکَ مَا أَکَّدَهُ فَهَذِهِ الرُّقْعَهُ مَعْرُوفَهٌ بَیْنَ أَصْحَابِنَا یَعْمَلُونَ بِهَا وَ یُعَوِّلُونَ عَلَیْهَا فِی الْأُمُورِ الْعَظِیمَهِ وَ الشَّدَائِدِ وَ الرُّوَاهُ فِیهَا مُخْتَلِفَهٌ لَکِنِّی أَوْرَدْتُ مَا هُوَ سَمَاعِی بِبَغْدَادَ وَ قَدْ ذَکَرَ شَیْخُنَا الْمُوَفِّقُ أَبُو جَعْفَرٍ الطُّوسِیُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فِی کِتَابِ الْمِصْبَاحِ وَ مُخْتَصَرِ الْمِصْبَاحِ أَیْضاً: أَنَّهَا تُکْتَبُ وَ تُطْوَی ثُمَّ تُکْتَبُ رُقْعَهٌ أُخْرَی إِلَی صَاحِبِ الزَّمَانِ علیه السلام وَ تُجْعَلُ الرُّقْعَهُ الْکِشْمَرْدِیَّهُ فِی طَیِّ رُقْعَهِ الْإِمَام علیه السلام وَ تُجْعَلُ فِی الطِّینِ وَ تُرْمَی فِی الْبَحْرِ أَوِ الْبِئْرِ یُکْتَبُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ إِلَی اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ رَبِّ الْأَرْبَابِ وَ قَاصِمِ الْجَبَابِرَهِ الْعِظَامِ عَالِمِ الْغَیْبِ وَ کَاشِفِ الضُّرِّ الَّذِی سَبَقَ فِی عِلْمِهِ مَا کَانَ وَ مَا یَکُونُ مِنْ عَبْدِهِ الذَّلِیلِ الْمِسْکِینِ الَّذِی انْقَطَعَتْ بِهِ الْأَسْبَابُ وَ طَالَ عَلَیْهِ الْعَذَابُ وَ هَجَرَهُ الْأَهْلُ وَ بَایَنَهُ الصَّدِیقُ الْحَمِیمُ فَبَقِیَ مُرْتَهَناً بِذَنْبِهِ قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ وَ طَلَبَ النَّجَاءَ فَلَمْ یَجِدْ مَلْجَأً وَ لَا مُلْتَجَأً غَیْرَ الْقَادِرِ عَلَی حَلِّ الْعَقْدِ وَ مُؤَبِّدِ الْأَبَدِ فَفَزَعِی إِلَیْهِ وَ اعْتِمَادِی عَلَیْهِ وَ لَا لَجَأَ وَ لَا مُلْتَجَأَ إِلَّا إِلَیْهِ.

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِعِلْمِکَ الْمَاضِی وَ بِنُورِکَ الْعَظِیمِ وَ بِوَجْهِکَ الْکَرِیمِ وَ بِحُجَّتِکَ الْبَالِغَهِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَأْخُذَ بِیَدِی وَ تَجْعَلَنِی مِمَّنْ تَقْبَلُ دَعْوَتَهُ وَ تُقِیلُ عَثْرَتَهُ وَ تَکْشِفُ کُرْبَتَهُ وَ تُزِیلُ تَرْحَتَهُ وَ تَجْعَلُ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ تَرُدُّ عَنِّی بَأْسَ هَذَا الظَّالِمِ الْغَاشِمِ وَ بَأْسَ النَّاسِ یَا رَبَّ الْمَلَائِکَهِ وَ النَّاسِ حَسْبِی أَنْتَ وَ کَفَی مَنْ أَنْتَ حَسْبُهُ یَا کَاشِفَ الْأُمُورِ الْعِظَامِ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِکَ.

وَ تُکْتَبُ رُقْعَهٌ أُخْرَی إِلَی صَاحِبِ الزَّمَانِ علیه السلام:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ تَوَسَّلْتُ بِحُجَّهِ اللَّهِ الْخَلَفِ الصَّالِحِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ النَّبَإِ الْعَظِیمِ وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِیمِ وَ الْحَبْلِ الْمَتِینِ عِصْمَهِ الْمَلْجَإِ وَ قَسِیمِ الْجَنَّهِ وَ النَّارِ أَتَوَسَّلُ إِلَیْکَ بِآبَائِکَ الطَّاهِرِینَ الْخَیِّرِینَ الْمُنْتَجَبِینَ وَ أُمَّهَاتِکَ الطَّاهِرَاتِ الْبَاقِیَاتِ الصَّالِحَاتِ الَّذِینَ ذَکَرَهُمُ اللَّهُ فِی کِتَابِهِ فَقَالَ عَزَّ مِنْ قَائِلٍ الْباقِیاتُ الصَّالِحاتُ وَ بِجَدِّکَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ خَلِیلِهِ وَ حَبِیبِهِ وَ خِیَرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ أَنْ تَکُونَ وَسِیلَتِی إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِی کَشْفِ ضُرِّی وَ حَلِّ عَقْدِی وَ فَرَجِ حَسْرَتِی وَ کَشْفِ بَلِیَّتِی وَ تَنْفِیسِ تَرْحَتِی وَ بِ کهیعص وَ بِ یس وَ الْقُرْآنِ الْحَکِیمِ وَ بِالْکَلِمَهِ الطَّیِّبَهِ وَ بِمَجَارِی الْقُرْآنِ وَ بِمُسْتَقَرِّ الرَّحْمَهِ وَ بِجَبَرُوتِ الْعَظَمَهِ وَ بِاللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ وَ بِحَقِیقَهِ الْإِیمَانِ وَ قِوَامِ الْبُرْهَانِ وَ بِنُورِ النُّورِ وَ بِمَعْدِنِ النُّورِ وَ الْحِجَابِ الْمَسْتُورِ وَ الْبَیْتِ الْمَعْمُورِ وَ بِالسَّبْعِ الْمَثَانِی وَ الْقُرْآنِ الْعَظِیمِ وَ فَرَائِضِ الْأَحْکَامِ وَ الْمُکَلِّمِ بِالْعِبْرَانِیِّ وَ الْمُتَرْجِمِ بِالْیُونَانِیِّ وَ الْمُنَاجِی بِالسُّرْیَانِیِّ وَ مَا دَارَ فِی الْخَطَرَاتِ وَ مَا لَمْ یُحِطْ بِهِ الظُّنُونُ مِنْ عِلْمِکَ الْمَخْزُونِ وَ بِسِرِّکَ الْمَصُونِ وَ التَّوْرَاهِ وَ الْإِنْجِیلِ وَ الزَّبُورِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ خُذْ بِیَدِی وَ فَرِّجْ عَنِّی بِأَنْوَارِکَ وَ أَقْسَامِکَ وَ کَلِمَاتِکَ الْبَالِغَهِ إِنَّکَ جَوَادٌ کَرِیمٌ وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وَ صَلَوَاتُهُ وَ سَلَامُهُ عَلَی صَفْوَتِهِ مِنْ بَرِیَّتِهِ مُحَمَّدٍ وَ ذُرِّیَّتِهِ.

ص: ۲۸

وَ تَطَيَّبُ الزُّقْعَتَيْنِ وَ تَجْعَلُ رُقْعَهَ الْبَارِئِ تَعَالَى فِی رُقْعَهِ الْإِمَامِ علیه السلام وَ تَطْرَحُهُمَا فِی نَهَرٍ جَارٍ أَوْ بِئْرٍ مَاءٍ بَعْدَ أَنْ تَجْعَلَهُمَا فِی طِینٍ حُرٍّ(۱) وَ تُصَلِّی رَکْعَتَیْنِ وَ تَتَوَجَّهُ إِلَی اللَّهِ تَعَالَی بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ علیهم السلام وَ تَطْرَحُهُمَا لَیْلَهَ الْجُمُعَهِ وَ اسْتَشْعِرْ فِیهَا الْإِجَابَهَ لَا عَلَی سَبِیلِ التَّجْرِبَهِ وَ لَا یَکُونُ إِلَّا عِنْدَ الشَّدَائِدِ وَ الْأُمُورِ الصَّعْبَهِ وَ لَا تَکْتُبْهَا لِغَیْرِ أَهْلِهَا فَإِنَّهَا لَا تَنْفَعُهُ وَ هِیَ أَمَانَهٌ فِی عُنُقِکَ وَ سَوْفَ تُسْأَلُ عَنْهَا وَ إِذَا رَمَیْتَهُمَا فَادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِالْقُدْرَهِ الَّتِی لَحَظْتَ بِهَا الْبَحْرَ الْعَجَّاجَ فَأَزْبَدَ وَ هَاجَ وَ مَاجَ وَ کَانَ کَاللَّیْلِ الدَّاجِ طَوْعاً لِأَمْرِکَ وَ خَوْفاً مِنْ سَطْوَتِکَ فَأَفْتَقَ أُجَاجُهُ وَ ائْتَلَقَ مِنْهَاجُهُ وَ سَبَّحَتْ جَزَائِرُهُ وَ قَدَّسَتْ جَوَاهِرُهُ تُنَادِیکَ حِیتَانُهُ بِاخْتِلَافِ لُغَاتِهَا إِلَهَنَا وَ سَیِّدَنَا مَا الَّذِی نَزَلَ بِنَا وَ مَا الَّذِی حَلَّ بِبَحْرِنَا فَقُلْتُ لَهَا اسْکُنِی سَأُسْکِنُکِ مَلِیّاً وَ أُجَاوِرُ بِکِ عَبْداً زَکِیّاً فَسَکَنَ وَ سَبَّحَ وَ وَعَدَ بِضَمَائِرِ الْمِنَحِ فَلَمَّا نَزَلَ بِهِ ابْنُ مَتَّی بِمَا أَلَمَّ الظُّنُونَ فَلَمَّا صَارَ فِی فِیهَا سَبَّحَ فِی أَمْعَائِهَا فَبَکَتِ الْجِبَالُ عَلَیْهِ تَلَهُّفاً وَ أَشْفَقَتْ عَلَیْهِ الْأَرْضُ تَأَسُّفاً فَیُونُسُ فِی حُوتِهِ کَمُوسَی فِی تَابُوتِهِ لِأَمْرِکَ طَائِعٌ وَ لِوَجْهِکَ سَاجِدٌ خَاضِعٌ فَلَمَّا أَحْبَبْتَ أَنْ تَقِیَهُ أَلْقَیْتَهُ بِشَاطِئِ الْبَحْرِ شِلْواً لَا تَنْظُرُ عَیْنَاهُ وَ لَا تَبْطِشُ یَدَاهُ وَ لَا تَرْکُضُ رِجْلَاهُ وَ أَنْبَتَّ مِنَّهً مِنْکَ عَلَیْهِ شَجَرَهً مِنْ یَقْطِینٍ وَ أَجْرَیْتَ لَهُ فُرَاتاً مِنْ مَعِینٍ فَلَمَّا اسْتَغْفَرَ وَ تَابَ خَرَقْتَ لَهُ إِلَی الْجَنَّهِ بَاباً إِنَّکَ أَنْتَ الْوَهَّابُ وَ تَذْکُرُ الْأَئِمَّهَ وَاحِداً وَاحِداً.

نُسْخَهُ رُقْعَهٍ إِلَی الْإِمَامِ عَلَیْهِ السَّلَامُ: إِذَا کَانَ لَکَ حَاجَهٌ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَاکْتُبْ رُقْعَهً عَلَی بَرَکَهِ اللَّهِ وَ اطْرَحْهَا عَلَی قَبْرٍ مِنْ قُبُورِ الْأَئِمَّهِ إِنْ شِئْتَ أَوْ فَشُدَّهَا وَ اخْتِمْهَا وَ اعْجِنْ طِیناً نَظِیفاً وَ اجْعَلْهَا فِیهِ وَ اطْرَحْهَا فِی نَهَرٍ جَارٍ أَوْ بِئْرٍ عَمِیقَهٍ أَوْ غَدِیرِ مَاءٍ فَإِنَّهَا تَصِلُ إِلَی السَّیِّدِ علیه السلام وَ هُوَ یَتَوَلَّی قَضَاءَ حَاجَتِکَ بِنَفْسِهِ وَ اللَّهُ بِکَرَمِهِ لَا تُخَیِّبُ أَمَلَکَ تَکْتُبُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ کَتَبْتُ إِلَیْکَ یَا مَوْلَایَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْکَ مُسْتَغِیثاً وَ شَکَوْتُ مَا نَزَلَ بِی مُسْتَجِیراً بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ بِکَ مِنْ أَمْرٍ قَدْ دَهِمَنِی وَ أَشْغَلَ قَلْبِی وَ أَطَالَ فِکْرِی وَ سَلَبَنِی بَعْضَ لُبِّی وَ غَیَّرَ خَطَرَ النِّعْمَهِ لِلَّهِ عِنْدِی أَسْلَمَنِی عِنْدَ تَخَیُّلِ وُرُودِهِ

۱- ۱. طین حر: ای لا رمل فیه.

الْخَلِيلُ وَ تَبَرَّأَ مِنِّی عِنْدَ تَرَائِی إِقْبَالِهِ لِی [إِلَیَ] الْحَمِیمُ وَ عَجَزَتْ عَنْ دِفَاعِهِ حِیلَتِی وَ خَانَنِی فِی تَحَمُّلِهِ صَبْرِی وَ قُوَّتِی فَلَجَأْتُ فِیهِ إِلَیْکَ وَ تَوَکَّلْتُ فِی الْمَسْأَلَهِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ عَلَیْهِ وَ عَلَیْکَ وَ فِی دِفَاعِهِ عَنِّی عِلْماً بِمَکَانِکَ مِنَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَلِیِّ التَّدْبِیرِ وَ مَالِکِ الْأُمُورِ وَاثِقاً مِنْکَ بِالْمُسَارَعَهِ فِی الشَّفَاعَهِ إِلَیْهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِی أَمْرِی مُتَیَقِّناً لِإِجَابَتِهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی إِیَّاکَ بِإِعْطَائِی سُؤْلِی وَ أَنْتَ یَا مَوْلَایَ جَدِیرٌ بِتَحْقِیقِ ظَنِّی وَ تَصْدِیقِ أَمَلِی فِیکَ فِی أَمْرِ کَذَا وَ کَذَا مِمَّا لَا طَاقَهَ لِی بِحَمْلِهِ وَ لَا صَبْرَ لِی عَلَیْهِ وَ إِنْ کُنْتُ مُسْتَحِقّاً لَهُ وَ لِأَضْعَافِهِ بِقَبِیحِ أَفْعَالِی وَ تَفْرِیطِی فِی الْوَاجِبَاتِ الَّتِی لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَیَّ فَأَغِثْنِی یَا مَوْلَایَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْکَ عِنْدَ اللَّهْفِ وَ قَدِّمِ الْمَسْأَلَهَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِی أَمْرِی قَبْلَ حُلُولِ التَّلَفِ وَ شَمَاتَهِ الْأَعْدَاءِ فَبِکَ بُسِطَتِ النِّعْمَهُ عَلَیَّ وَ أَسْأَلُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ لِی نَصْراً عَزِیزاً وَ فَتْحاً قَرِیباً فِیهِ بُلُوغُ الْآمَالِ وَ خَیْرُ الْمَبَادِی وَ خَوَاتِیمِ الْأَعْمَالِ وَ الْأَمْنَ مِنَ الْمَخَاوِفِ کُلِّهَا فِی کُلِّ حَالٍ إِنَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لِمَا یَشَاءُ فَعَّالٌ وَ هُوَ حَسْبِی وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ فِی الْمَبْدَإِ وَ الْمَآلِ ثُمَّ تَصْعَدُ النَّهَرَ أَوِ الْغَدِیرَ وَ تَعْتَمِدُ بِهِ بَعْضَ الْأَبْوَابِ إِمَّا عُثْمَانَ بْنَ سَعِیدٍ الْعَمْرِیَّ أَوْ وَلَدَهُ مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمَانَ أَوِ الْحُسَیْنَ بْنَ رَوْحٍ أَوْ عَلِیَّ بْنَ مُحَمَّدٍ السَّمُرِیَّ فَهَؤُلَاءِ کَانُوا أَبْوَابَ الْإِمَام علیه السلام فَتُنَادِی بِأَحَدِهِمْ وَ تَقُولُ یَا فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ سَلَامٌ عَلَیْکَ أَشْهَدُ أَنَّ وَفَاتَکَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ أَنْتَ حَیٌّ عِنْدَ اللَّهِ مَرْزُوقٌ وَ قَدْ خَاطَبْتُکَ فِی حَیَاتِکَ الَّتِی لَکَ عِنْدَ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ هَذِهِ رُقْعَتِی وَ حَاجَتِی إِلَی مَوْلَانَا علیه السلام فَسَلِّمْهَا إِلَیْهِ فَأَنْتَ الثِّقَهُ الْأَمِینُ ثُمَّ ارْمِ بِهَا فِی النَّهَرِ وَ کَأَنَّکَ تُخَیَّلُ لَکَ أَنَّکَ تُسَلِّمُهَا إِلَیْهِ فَإِنَّهَا تَصِلُ وَ تُقْضَی الْحَاجَهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی.

اسْتِغَاثَهٌ أُخْرَی رَوَی الْمُفَضَّلُ بْنُ عُمَرَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا کَانَتْ لَکَ حَاجَهٌ إِلَی اللَّهِ وَ ضِقْتَ بِهَا ذَرْعاً فَصَلِّ رَکْعَتَیْنِ فَإِذَا سَلَّمْتَ کَبِّرِ اللَّهَ ثَلَاثاً وَ سَبِّحْ تَسْبِیحَ فَاطِمَهَ علیها السلام ثُمَّ اسْجُدْ وَ قُلْ مِائَهَ مَرَّهٍ یَا مَوْلَاتِی فَاطِمَهُ أَغِیثِینِی ثُمَّ ضَعْ خَدَّکَ الْأَیْمَنَ عَلَی الْأَرْضِ وَ قُلْ مِثْلَ ذَلِکَ ثُمَّ عُدْ إِلَی السُّجُودِ وَ قُلْ ذَلِکَ مِائَهَ مَرَّهٍ

وَ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ اذْكُرْ حَاجَتَكَ فَإِنَّ اللَّهَ يَقْضِيهَا.

اسْتِغَاثَةٌ أُخْرَى لِصَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام سَمِعْتُ الشَّيْخَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ بَابَوَيْهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِالرَّيِّ سَنَهَ أَرْبَعٍ وَ أَرْبَعِمِائَهٍ يَرْوِي عَنْ عَمِّهِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ بَابَوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِي مَشَايِخِي الْقُمِّيِّينَ قَالَ: كَرَبَنِي أَمْرٌ ضِقْتُ بِهِ ذَرْعاً وَ لَمْ يَسْهُلْ فِي نَفْسِي أَنْ أُفْشِيَهُ لِأَحَدٍ مِنْ أَهْلِي وَ إِخْوَانِي فَنِمْتُ وَ أَنَا بِهِ مَغْمُومٌ فَرَأَيْتُ فِي النَّوْمِ رَجُلًا جَمِيلَ الْوَجْهِ حَسَنَ اللِّبَاسِ طَيِّبَ الرَّائِحَهِ خِلْتُهُ بَعْضَ مَشَايِخِنَا الْقُمِّيِّينَ الَّذِينَ كُنْتُ أَقْرَأُ عَلَيْهِمْ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي إِلَى مَتَى أُكَابِدُ هَمِّي وَ غَمِّي وَ لَا أُفْشِيهِ لِأَحَدٍ مِنْ إِخْوَانِي وَ هَذَا شَيْخٌ مِنْ مَشَايِخِنَا الْعُلَمَاءِ أَذْكُرُ لَهُ ذَلِكَ فَلَعَلِّي أَجِدُ لِي عِنْدَهُ فَرَجاً فَابْتَدَأَنِي مِنْ قَبْلِ أَنْ أَبْتَدِئَهُ وَ قَالَ لِي ارْجِعْ فِيمَا أَنْتَ بِسَبِيلِهِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ اسْتَعِنْ بِصَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام وَ اتَّخِذْهُ لَكَ مَفْزَعاً فَإِنَّهُ نِعْمَ الْمُعِينُ وَ هُوَ عِصْمَهُ أَوْلِيَائِهِ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِيَ الْيُمْنَى وَ مَسَحَهَا بِكَفِّهِ الْيُمْنَى وَ قَالَ زُرْهُ وَ سَلِّمْ عَلَيْهِ وَ اسْأَلْهُ أَنْ يَشْفَعَ لَكَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي حَاجَتِكَ فَقُلْتُ لَهُ عَلِّمْنِي كَيْفَ أَقُولُ فَقَدْ أَنْسَانِي مَا أَهَمَّنِي بِمَا أَنَا فِيهِ كُلَّ زِيَارَهٍ وَ دُعَاءٍ فَتَنَفَّسَ الصُّعَدَاءَ وَ قَالَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ مَسَحَ صَدْرِي بِيَدِهِ وَ قَالَ حَسْبُكَ اللَّهُ لَا بَأْسَ عَلَيْكَ تَطَهَّرْ وَ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ قُمْ وَ أَنْتَ مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَهِ تَحْتَ السَّمَاءِ وَ قُلْ سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ وَ صَلَوَاتُهُ الدَّائِمَهُ وَ بَرَكَاتُهُ الْقَائِمَهُ عَلَى حُجَّهِ اللَّهِ وَ وَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بِلَادِهِ وَ خَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ عِبَادِهِ سُلَالَهِ النُّبُوَّهِ وَ بَقِيَّهِ الْعِتْرَهِ وَ الصَّفْوَهِ صَاحِبِ الزَّمَانِ وَ مُظْهِرِ الْإِيمَانِ وَ مُعْلِنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ مُطَهِّرِ الْأَرْضِ وَ نَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ وَ الْعَرْضِ الْحُجَّهِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ وَ الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ الطَّاهِرِ ابْنِ الْأَئِمَّهِ الطَّاهِرِينَ الْوَصِيِّ أَوْلَادِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ الْهَادِي الْمَعْصُومِ ابْنِ الْهُدَاهِ الْمَعْصُومِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ مُسْتَوْدَعَ حِكْمَهِ الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَهَ الدِّينِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعِزَّ

الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا مُذِلَّ الْکَافِرِينَ الْمُتَکَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ.

السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْکُمْ يَا ابْنَ الْأَئِمَّةِ الْحُجَجِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا مَوْلَايَ سَلَامَ مُخْلِصٍ لَکَ فِي الْوَلَاءِ أَشْهَدُ أَنَّکَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَ فِعْلًا وَ أَنَّکَ الَّذِي تَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَکَ وَ سَهَّلَ مَخْرَجَکَ وَ قَرَّبَ زَمَانَکَ وَ أَکْثَرَ أَنْصَارَکَ وَ أَعْوَانَکَ وَ أَنْجَزَ لَکَ مَوْعِدَکَ وَ هُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ يَا مَوْلَايَ حَاجَتِي کَذَا وَ کَذَا فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا وَ تَدْعُو بِمَا أَحْبَبْتَ قَالَ فَانْتَبَهْتُ وَ أَنَا مُوقِنٌ بِالرَّوْحِ وَ الْفَرَجِ وَ کَانَ عَلَيَّ بَقِيَّةٌ مِنْ لَيْلِي وَاسِعَةٌ فَقُمْتُ فَبَادَرْتُ فَکَتَبْتُ مَا عَلَّمَنِيهِ خَوْفاً أَنْ أَنْسَاهُ ثُمَّ تَطَهَّرْتُ وَ بَرَزْتُ تَحْتَ السَّمَاءِ وَ صَلَّيْتُ رَکْعَتَيْنِ قَرَأْتُ فِي الْأُولَى بَعْدَ الْحَمْدِ کَمَا عُيِّنَ لِي إِنَّا فَتَحْنَا لَکَ فَتْحاً مُبِيناً وَ فِي الثَّانِيَةِ بَعْدَ الْحَمْدِ إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ وَ أَحْسَنْتُ صَلَاتَهُمَا فَلَمَّا سَلَّمْتُ قُمْتُ وَ أَنَا مُسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةِ وَ زُرْتُ ثُمَّ دَعَوْتُ بِحَاجَتِي وَ اسْتَغَثْتُ بِمَوْلَايَ صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ ثُمَّ سَجَدْتُ سَجْدَةَ الشُّکْرِ وَ أَطَلْتُ فِيهَا الدُّعَاءَ حَتَّى خِفْتُ فَوَاتَ صَلَاةِ اللَّيْلِ ثُمَّ قُمْتُ وَ صَلَّيْتُ وَ عَقَّبْتُ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ بِفَرِيضَةِ الْغَدَاةِ وَ جَلَسْتُ فِي مِحْرَابِي أَدْعُو فَلَا وَ اللَّهِ مَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ حَتَّى جَاءَنِي الْفَرَجُ مِمَّا کُنْتُ فِيهِ وَ لَمْ يَعُدْ إِلَيَّ مِثْلُ ذَلِکَ بَقِيَّةَ عُمُرِي وَ لَمْ يَعْلَمْ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ مَا کَانَ ذَلِکَ الْأَمْرُ الَّذِي أَهَمَّنِي وَ إِلَى يَوْمِي هَذَا وَ الْمِنَّةُ لِلَّهِ وَ لَهُ الْحَمْدُ کَثِيراً.

**[ترجمه]قبس المصباح: ابوالعباس روایت می‌کرد که به همراه ابوالهیجاء در ضمن اسرای هبیر بوده است. در این سفر ابوطاهر سلیمان بن حسن ابوالهیجاء را بسیار گرامی می‌داشته است و از آراء و نظرات او استقبال می‌کرده و او را به سفره خود دعوت می‌کرده و ابوالهیجاء نیز در خوردن غذا او را همراهی می‌کرده است و هم‌چنین از او دعوت می‌کرده است که با هم سخن بگویند. شبی از شب‌ها از ابوالهیجاء خواستم که سفارش مرا به سلیمان بن حسن نموده و از او بخواهد که مرا آزاد کند. او خواسته مرا پذیرفت و طبق معمول، شب‌هنگام به نزد ابو طاهر رفت اما هنگامی که از نزد او برگشت به دیدار من نیامد در حالی که از جمله عادات او این بود که هرگاه از نزد ابوطاهر بازمی‌گشت، سری به من و دوستم یعنی خال می زد و به ما آرامش می داد و از اخبار و احوال دنیا برایمان می‌گفت. اما در آن شب که این خواسته را از او داشتم، به نزد ما بازنگشت. از این ماجرا دچار وحشت و اضطراب شدم و به سوی منزلگاه ابوالهیجاء به راه افتادم. ابوالهیجاء مردی بود بسیار متدین و دیندار و در عشق به اهل بیت خالص و مخلص بود و برادران و دوستان خود را بسیار اکرام می‌کرد. وقتی چشم او به من افتاد، با صدای بلند گریست و گفت: ای اباالعباس، کاش من یک سال تمام بیمار می شدم و سفارشت را به ابوطاهر نمی کردم. گفتم: چرا؟ گفت: زیرا آن شب وقتی تو را در نزد او یاد کردم، به شدت عصبانی شد و به کسی که همگان به آن قسم می‌خورند،

قسم یاد کرد که صبح فردا هم زمان با طلوع خورشید گردن تو را خواهد زد. به خدا سوگند که من با تمام وجود و به هر طریقی تلاش کردم که او را از این کار منصرف کنم و برای این منظور، هر حیله ای را که بلد بودم، بکار بستم اما او هم‌چنان بر تصمیم خود مصر بود و سوگند خود را دوباره تکرار کرد.

ابوالعباس می‌گوید که ابوالهیجاء پس از آن سعی کرد که مرا دلداری دهد و به من گفت: ای برادرم اگر گمان نمی‌کردم که وصیت یا سخن ناگفته‌ای داری که باید گفته شود، این مساله را از تو پنهان می‌کردم. پس به خداوند عزوجل ایمان داشته باش و آن چه را که در این حال سخت دچار آن شده‌ای به او واگذار کن. خداوند تبارک و تعالی، بی پناهان را پناه می دهد، و خود، نیازی به پناه دادن ندارد. پس به واسطه محمد و آل او علیهم السلام؛ که توشه و ذخیره‌ای برای سختی ها و گرفتاری ها هستند، به درگاه خداوند، رو نما و دعا کن.

ابوالعباس می‌گوید: به سمت منزل خود که در آن جا سکونت داشتم به راه افتادم و از شدت نومیدی و احساس نابودی که به من دست داده بود، حال نامساعدی داشتم. وقتی به منزل رسیدم،

غسل کردم و کفن خود را به تن کرده و رو به قبله نشستم و مشغول راز و نیاز با خدای خود و زاری به درگاه او شدم و به گناهان خود اعتراف کرده و از تک‌تک آن ها به درگاه خداوند متعال توبه کردم. سپس با توسل به محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی‌بن‌حسین

و محمدبن‌علی و جعفربن‌محمد و موسی بن جعفر و علی‌بن‌موسی و محمدبن‌علی و علی‌بن‌محمد و حسن‌بن‌علی و حجت خداوند بر روی زمین و کسـی که امیـد است دین خدا را بر روی زمین زنده کند، به دعا و نیایش به درگاه خدا پرداختم. همین طور مضـطرب و درمانده بودم و امیر المؤمنین علی علیه السلام توسل جستم و گفتم: ای امیرمؤمنان،

با توسل به تو، رو به سوی خدای خود و خدای تو می‌کنم تا مصیبتی که بر من وارد شده و بر من سایه افکنده است، برطرف گردد.

پیوسـته این سـخنان و مشـابه آن را می‌گفتم تـا این که نیمه‌شب فرا رسـید و وقت نمـاز صـبح شـد برخاسـتم و نماز خود را ادا کردم و به دعا و نیایش و تضـرع و زاری پرداختم. در این حال بودم که نماز خود را به پایان رساندم و مشغول استغاثه به درگاه خداوند متعال و توسل جستن به علی علیه السـلام شـدم که به یکباره خواب بر من چیره گشت و در خواب علی علیه السـلام را دیدم که به من فرمود: ای پسـر کشـمرد، جواب دادم: بله ای مولـای من. امام علیه السـلام فرمود: تو را چه شـده است؟ گفتم ای مولای من، ای امیر مؤمنان، آیا برای کسـی که صـبح فردا، در شهری غریب، به دور از خانه و خانواده و بدون این که حتی کسـی را داشـته باشد که وصـیت خود را به او بسپارد کشته می‌شود، طبیعی نیست که چنین حالی داشته باشد و چنین اضطراب و ناراحتی به او دست دهد؟

حضـرت فرمود: کفایت خداونـد و دفاع او، میان تو و کسـی که تو را تهدیـد نموده و از قـدرت خود ترسانـده است قرار خواهـد گرفت و مانع خواهـد شـد. اکنون بنویس: بسم الله الرحمن الرحیم، فـاتحه الکتـاب، آیه الکرسـی و عرش را بنویس و بنویس از بنـده ذلیـل؛ فلان‌بن‌فلان، به مولای بزرگ که هیچ کسی جز او نیست و اوست زنده برپا دارنده. سلام بر آل یاسین،

محمد و علی و حسن و حسـین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجت بر حق تو بر بندگانت. پروردگارا تو را گواه می‌گیرم بر این که من گواهی دادم که تو خدای من هستی و پرودگار اولین و آخرینی. هیچ خدایی جز تو نیست به حق این اسم‌هایی که گفتم رو به سوی تو می‌کنم. به حق اسم‌هایی که وقتی به واسطه آن ها خوانده می‌شوی،

دعای بنده‌ات را اجابت می‌کنی و هنگامی که به واسطه این نام‌ها از تو چیزی خواسته شود، آن را به دعاکننده می‌دهی، از تو می خواهم که بر آن بزرگواران درود فرستی و جـان دادنم را بر من آسـان سـازی. و قبل از مردنم، در مقابل هر کسـی که قصـد زورگویی و سـتم بر من داشـته باشـد، تو پنـاه من باشـی. سـپس این رقعه را در درون تکه گلی قرار بـده و سوره یس را بخوان و آن را در دریـا بینـداز. گفتم: ای امیرمؤمنان، فاصـله من تـا دریـا زیـاد است من زنـدانی هسـتم و اجازه انجام هرکاری را نـدارم. حضـرت فرمود: آن را در چاه یا در منبع آبی که نزدیک به توست بینداز.

ابن کشـمرد گوید: در آن لحظه از خواب بیدار شدم. برخاسـتم و آن چه را که حضـرت امر کرده بود انجام دادم اما نگران و مضـطرب بودم و بزرگی این گرفتاری از یک سو و ضـعف یقین آدمی از سویی دیگر، سبب شده بود که دلم آرام و قرار نداشته باشد. صبح هنگام وقت طلوع خورشـید مرا فرا خواندند و من شک نداشـتم که وعده قتل من عملی می‌شود. با کسی که در پی من آمده بود به راه افتادم و از زندگی نا امید بودم. به نزد ابوطاهر برده شدم و او در مجلس مجللی بر روی صـندلی نشسـته بود و در سـمت راست او دو مرد بر روی صندلی نشسته بودند و در سمت چپ او ابوالهیجاء بر صندلی نشسته بود و در کنار ابوالهیجاء صندلی خالی دیگری نیز قرار داشت.

وقتی چشم ابوطاهر به من افتاد، مرا خواند و من به سـمت صـندلی رفتم. او به من دستور داد که بر روی صندلی بنشینم. نشستم و با خود گفتم: قطعـا در این امر خیری وجود دارد. او به طرف من آمـد و گفت تصـمیم داشتیم در مورد تو همان کاری را که خبرش را داشتی انجام دهیم اما پس از آن به این نتیجه رسـیدیم که تو را آزاد گردانیم و به تو حق انتخـاب بـدهیم که یـا به ما خـدمت کنی که در این صورت پاداش خود را خواهی گرفت و یـا این که از این جـا بروی و بـا خـانواده خود زنـدگی کنی که در آن صورت نیز به نیکی بـا این تصـمیم تو برخورد خواهیم کرد. به او پاسخ دادم: اگر نزد شـما بمانم، این باعث منفعت بردن و شـرف‌یابی من است و اگر از این جا بروم و به نزد خانواده و مادر پیر خود

برگردم، ثواب بسیاری نصیب من می‌شود. ابوطاهر به من گفت: هر کاری را که خودت می‌خواهی انجام بده که این امر به نظر تو بستگی دارد. از نزد او خارج شدم او دوباره مرا صدا زد و از من پرسید: تو چه نسبتی با علی‌بن‌ابی‌طالب داری؟ پاسخ دادم: هیچ نسبتی بین ما نیست اما من ولایت او را قبول دارم. ابوطاهر به من گفت: پس هم چنان به ولایت او متمسک باش که او به ما دستور داده تو را آزاد سازیم، ما نیز قدرت مخالفت با دستور او را نداشتیم. سپس به من اجازه خروج داد و من نیز آماده گشتم و فردی را همراه من فرستاد که مرا با اکرام و احترام به خانه ام رساند. شیخ ابوالمفضل رحمه الله چنین گوید که من در سال سیصد و بیست و دو این حدیث را در مجلس ابووائل داودبن‌حمدان در نصیبین ذکر کردم و درآن روز مردی از اهالی نصیبین به نام ابوعثمان‌سعیدبن‌بندقی شاعر که از جمله بزرگان شهر بود نیز در آن مجلس حاضر بود. ابوعثمان به من گفت: آن چه را که در مورد ابوالعباس‌بن‌کشمرد گفتی، خودم روایت کردم. من در سال هبیر یعنی همان سالی که ابن کشمرد، خال و فلفل خادم و دیگر بزرگان همراه با أبوالهیجاء به اسارت گرفته شدند به حج رفته بودم. و همراه با آن حاجیان اسیر شدم. مدت اسارت ما در محبس احساء طولانی شد و من شعر می گفتم و در قصیده‌ای سید ابوطاهر را مدح کردم. ابوالهیجاء این قصیده مرا به دست ابوطاهر رساند و به واسطه همین قصیده ابوطاهر مرا از زندان آزاد کرد. من گهگاهی به نزد ابوالعباس‌بن‌کشمرد می‌رفتم. ما با هم انس و الفت داشتیم و هم‌صحبت یکدیگر بودیم. روزی سحرهنگام قبل از طلوع خورشید، شخصی را به نزد من فرستاد و به من گفت که این نامه را بگیر و نامه در تکه گلی قرار داشت. او گفت نامه را به فلان جا ببر که در آن جا آبی روان است. سپس سوره یس را بخوان و نامه را در آب بینداز. نامه را گرفتم و به سمت آب رفتم. اما دوست داشتم که بدانم در آن نامه چه چیزی نوشته شده است. نامه را از درون گل درآوردم و آن را باز کردم و خواندم. سپس تکه چوب نازکی برداشتم و آن را در آب خیس کردم و آن چه را که در نامه نوشته شده بود بر کف دست خود نوشتم و نام خود و پدر و مادرم را نیز آن جا نوشتم و دوباره نامه را در تکه‌ای گل پیچیدم و سوره یس را از جانب خودم خواندم و دستم را در آب شستم. سپس سوره یس را به نیابت از ابوالعباس‌بن‌کشمرد خواندم و نامه را در آب انداختم و بعد از طلوع خورشید به همان مجلس بازگشتم. پس از گذشت یک ساعت فرستاده‌ای از جانب سید آمد و مرا به نزد او احضار کرد من نیز به نزد او رفتم و وقتی چشم او به من افتاد، گفت: مهر تو در دل من افتاده است و دوست دارم که تو را آزاد کنم. دوست داری که چگونه به نزد خانواده خود برگردی؟ از راه آبی یا خشکی؟ من بیم آن داشتم که اگر از راه خشکی بازگردم، دوباره تصمیم او عوض شود و کسی را به دنبال من بفرستد و مرا بازگرداند. به همین خاطر راه آبی را انتخاب کردم. او دستور داد که وسایل مورد نیاز و توشه سفر و خرما را به من بدهند ومن از راه دریا رهسپار بصره شدم. سه روز بعد از این که به بصره رسیدم. روزی در نزد اصحاب کتاب ها نشسته بودم که دیدم ابوالعباس‌بن‌کشمرد همراه با عده ای به بصره می آیند و امرای دیگر همه از پشت سر او روان بودند. امیر بصره با سربازانی که در جلو و پشت سر او بودند به استقبال او آمد و سپاهیان گرد او حلقه زده بودند .

او و امیر بصره با هم به راه افتادند. وقتی که او را دیدم به سمت او رفتم هنگامی که چشم او به من افتاد از مرکب خود پایین آمد و در نزد من ایستاد و به من گفت: ای جوان چه کاری کردی تا توانستی آزاد شوی؟ من نیز کارهایی را که انجام داده بودم برای او تعریف کردم و به او گفتم که چیزهایی را که در نامه نوشته شده بود با آب بر کف دست خود نوشتم وقبل از آن که آن نامه را در آب بیندازم دستم را با آب شستم.

به من گفت که من و تو از آزادشدگان امیرمؤمنان هستیم. به او پاسخ دادم: بله، و او رفت تا به خانه ای رسید که آن را برای او مهیا شده بود و امیر بصره برایش هدایا و لباس و ابزار و وسایل و مرکب و فرش و چیزهایی از این قبیل فرستاد. وقتی که او در منزل خود مستقر شد، کسی را به سراغم فرستاد، من هم به نزد او رفتم و چند روز را با او ماندم. او نیز مرا اکرام کرد و با عزت و احترام مرا به شهر خودم فرستاد.

ابووائل از این مساله تعجب کرد و گفت: ای ابوالمفضل، تو انسان صادق و راست‌گویی هستی و آن چه را که امام علیه السلام به تو وعده داده بود برای تو اتفاق افتاد. این رقعه در بین یاران و دوستان ما بسیار مشهور است و در هنگام سختی‌ها و شدائد به آن تکیه می‌کنند و نظر راویان حدیث در مورد آن مختلف است و من آن روایتی را که در بغداد شنیدم برای شما بازگو کردم و شیخ ابوجعفر طوسی رحمه‌الله در کتاب مصباح و مختصرالمصباح ذکر کرده است که این رقعه را بعد از نوشتن باید پیچیده شود و سپس نامه بعدی خطاب به امام زمان علیه السلام

نوشته شد. و نامه کشمردی در لابلای نامه امام گذاشته شده و در گل پیچیده شود و در آب دریا یا آب چاه انداخته شود. و آن چه در نام نوشته م شود، چنین است:

بسم الله الرحمن الرحیم، منزه است خدای یکتا و پاک و مقدس است نام‌های او. اوست پروردگار همه و در هم شکننده ستم‌کاران پرقدرت. اوست دانای همه امور غیبی و برطرف کننده همه بلایا. اوست کسی که علم و دانشش گذشته و آینده را در بر می‌گیرد. این نامه از جانب بنده مسکین و ذلیل خداوند است که به هیچ‌جا دستاویزی نداشته و به رنج طولانی گرفتار گشته و اهل و خانواده از او دوری گزیده‌اند و حتی دوستان صمیمی اش نیز او را ترک گفتند. او در گرو گناهان خود اسیر است و جرم و گناهش او را به نابودی کشانده است. در طلب نجات بر آمد اما هیچ پناهگاهی نیافت. و هیچ پناهگاهی جز خداوند قادر نیست تنها اوست که بر حل تمام مشکلات قادر است او که برای همیشه بوده و خواهد بود. پس به او پناه برده و بر او توکل می کنم که هیچ پناه و تکیه‌گاهی جز او نیست. خداوندا از تو می‌خواهم که به حق علمت که هیچ اشتباهی در آن راه ندارد. و به حق نور عظیم خود و روی نیکوی خود و حجت و برهان برحق خود، بر محمد و آل محمد درود و سلام فرستی و دست مرا بگیری و مرا در زمره کسانی قرار دهی که دعای آنان را می‌پذیری و از لغزش‌های آنان در می‌گذری و غم و رنج آنان را برطرف می‌سازی و در کارهای آنان گشایشی قرار می‌دهی و قدرت و خشم این ظالم ستمگر و دیگر مردم را از من دور می‌سازی. ای پروردگار فرشتگان و همه مردم، تو برای من کافی هستی و کسی که تو برایش کافی هستی به هیچ چیز دیگری محتاج نیست. ای گشاینده کارهای سخت و دشوار، هیچ نیرو و قدرتی مگر از جانب تو وجود ندارد. نامه دیگری با این مضمون به امام زمان علیه السلام نوشته می‌شود:

بسم الله الرحمن الرحیم، توسل می‌جویم به حجت خداوند جانشین صالح، محمدبن‌حسن‌بن‌علی‌بن‌محمدبن‌علی‌بن‌موسی‌بن‌جعفربن‌محمدبن... علی‌بن‌حسین‌بن‌علی‌بن‌ابی‌طالب که همان نبأ عظیم است و صراط مستقیم و حبل المتین و پناهگاهی که حافظ همه است. اوست تقسیم کننده بهشت ودوزخ. توسل می‌جویم به تو به حق پدران درستکار و نیکوکار و پاک و نجیبت و مادران پاکدامنت که خداوند متعال از آن ها در کتاب خود یاد کرده است خدای متعال فرمود: آن ها باقیات صالحات‌اند و توسل می جویم به جد تو رسول‌الله و دوست و حبیب او که از میان تمام بندگان برای جانشینی اش برگزید. از تو می‌خواهم که واسطه بین من و خدای من باشی و غم و غصه‌های مرا برطرف سازی و گره از کارم بگشایی و غم و اندوه و حسرتم را از من بگیری و مصیبتم را چاره کنی و مرا از این غم برهانی. به حق کهیعص و به حق یس و القرآن الحکیم و به حق کلمه طیبه و مجاری نزول قرآن و جایگاه استقرار رحمتت و عالم جبروت عظیمت و لوح محفوظ و حقیقت ایمان و ادله و براهین محکم، و به حق نور النور و معدن نور وروشنایی و پرده پوشیده وناپیدا و خانه آباد و سوره فاتحه و قرآن کریم و احکام واجب و به حق کسی که به زبان عبری سخن می گفت، به یونانی ترجمه می‌کرد و کسی که به زبان سریانی مناجات می‌کرد و به حق علم مخزون تو از آن چه که در ذهن‌ها می‌گذرد و آن چه که به وهم کسی هم خطور نمی کند. و به حق سر محفوظت و به حق تورات و انجیل و زبور، ای صاحب جلال و جبروت و ای کریم، بر محمد و آل او سلام و درود فرست و دست مرا بگیر و با نور وقسم هایت و کلمات بالغه‌ات کار مرا گشایش ده که تو بخشنده و کریم هستی و تنها خدا برای ما کافی است و او بهترین نگهدارنده است و هیچ نیرو و قدرتی جز خداوند نیست و سلام او محمد و فرزندان او باد؛ همان ها که بندگان برگزیده او از بین مخلوقاتش هستند.

سپس دو نامه را معطر می‌کنی و نامه‌ای را که خطاب به خداوند است در ضمن نامه امام قرار می‌دهی و پس از آن که آن را در گل خالص قرار دادی، هر دو نامه را در یک رود جاری یا چاه آبی می‌اندازی و دو رکعت نماز می‌خوانی و با توسل به محمد و اهل بیت او به درگاه خداند متعال روی می‌آوری و این دو نامه را در شب جمعه در آب بینداز و به اجابت دعایت ایمان داشته باش، چرا که تجربه آن را ثابت کرده است و این دعا را فقط در هنگام سختی و امور مشکل بخوان. این نامه‌ها را هرگز برای نا اهل ننویس زیرا هیچ سودی به حالش ندارد این نامه‌ها امانتی است که به تو سپرده می‌شود و تو در مقابل آن مسئولی.

هنگامی که آن را در آب انداختی این دعا را بخوان: خداوندا به حق قدرتی که با آن به دریای خروشان نگاه کردی و دریا خروشید و کف برآورد و سهمگین و مواج گشت و به خاطر اطاعت از فرمان تو و ترس از خشم تو همچون شب تیره هولناک شد و سپس آب شور دریا از هم

شکافته شـد و راهی در میان آن باز شـد و جزایر آن تسبیـح تو را گفتنـد و سـنگ‌های قیمتی‌اش تو را تقدیس کردند. ماهی‌های آن هر یک با زبـان خود بـا تو نجوا کرده و گفتنـد: خداونـدا و مولای ما، این چیست که بر ما نازل شـده و چه اتفاقی برای دریای ما افتاده است؟ و تو به آن مـاهی‌هـا گفـتی: آرام باشـید. به زودی به تـو نیز آرامش عطـا خواهم کرد و بنـده پاکـدامنی را همنشـین تو خواهم نمود. پس او آرام گرفت و سبحان‌الله گفت و خداونـد او را به عطایای پنهانی وعـده داد. پس هنگامی که پسـر متی به دلیل شک‌هایی که داشت وارد دهان ماهی شد، در درون ماهی خدا را تسبیح گفت و کوه‌ها از دلسوزی بر او گریستند و حتی دل زمین هم برای او سوخت. یونس در دهان ماهی همچون موسی در تـابوت خود مطیع امر تو بود و برای تو سـجده می کرد و در مقابـل تو خـاشع بود، پس هنگامی که دوست داشتی که او را حفظ کنی او را مثل یک تکه گوشت بی‌جان در ساحل دریا انـداختی بطوری که نه چشـمان او جایی را می‌دیـد و نه دسـتانش توان انجام کاری را داشت و نه پاهـای او قـادر به راه رفتن بود و تو بر او منت نهـادی و بر کنارش بوته کـدویی رویانـدی و رودی از آب گوارا و جاری برایش روان ساختی. پس هنگامی که استغفار کرد و به درگاه خدا توبه کرد، دری از بهشت بر وی گشودی چرا که تو همان بخشنده هستی و سپس نام همه ائمه را یک به یک ببر.

یک نسخه از نامه خطاب به امام علیه السلام: هرگاه نیازی به درگاه خداوند عزوجل داشتی، نامه‌ای بنویس و اگر خواستی آن را بر قبر یکی از ائمه بینـداز یـا این که آن را محکم ببنـد و مهروموم کن و گـل تمیزی بردار و آن را در گل قرار بـده و سـپس نامه را در آب جاری یا در چاه عمیق یا برکه آبی بینداز که این نامه به سـید و مولای تو می‌رسد و او شـخصا برآوردن نیاز تو را به عهده خواهد داشت و خداوند با کرم خود هیچ گاه امید تو را ناامید نخواهد کرد.

بسم الله الرحمن الرحیم ای مولـای من، به سوی تو نـامه می‌نویسم و درود خداونـد بر تو بـاد. از تو یـاری می‌طلبم و از آن چه بر من وارد شـده است به تو شـکایت می‌کنم و اول به خداونـد عزوجـل و پس از او به تو پنـاه می‌برم، از شـر مصـیبتی که بر من نازل گشـته و فکر و ذهن مرا به خود مشـغول ساخته و قسمتی از عقل و خرد مرا ضایع کرده است و اهمیت نعمات خداوند را در نظرم عوض کرده است. دوستان من وقتی که به آن ها امید داشـتم تنهایم گذاشـتند و یارانم هنگامی که تصور می‌کردم که به یاریم می‌آیند رهایم کردند و نتوانسـتند مشکلم را چاره کنند صبر و طاقت من در تحمل این مشـکل، دیگر مرا یاری نمی کند. پس در حل این مشـکل به تو پناه می‌برم و به خداوند عزوجل تکیه می‌کنم و می دانم که تو در پیشـگاه خداونـد از جایگاهی برخورداری. خداوند مدبر همه امور و صاحب اختیار آن است و من اطمینان دارم که شـفاعت مرا در نزد خداوند خواهی کرد. و یقین دارم که خداوند تبارک و تعالی دعای تو را مستجاب خواهد کرد و خواسـته مرا برآورده می‌کند و تو ای سـرور من، شایسـته هستی که این شک مرا به یقین بدل کنی و آرزوی مرا در فلان امر برآورده سازی چرا که من دیگر تاب تحمل این امر را ندارم و صبر من به سـر رسـیده است. و اگر با همه کارهای زشت من و کم‌کاری‌هایی که در عباداتم داشـته‌ام، باز هم شایستگی آن را دارم که این دعا در حق من مستجاب شود، پس ای مولای من وقتی که سوز و گداز می‌کنم، فریادرس من باش و قبل از آن که وقت از دست برود و مورد شـماتت دشـمنانم قرار بگیرم، مشکل مرا برای خداوند بازگو کن. ای خداوند بزرگ، این تو بودی که نعمت خود را بر من گستردی و من از خداونـد بلنـد مرتبه می‌خواهم که به زودی زود مرا یاری رسانـد و گشایشـی را برایم رقم بزنـد که به خواسـته‌های خود برسم که شـروع کارهـای من خیر باشـد و پایـان آن نیز خیر باشـد. و از همه هراس‌هـا در همه احوال ایمن بـاشم خداونـد بزرگ و بلنـد مرتبه بر انجام هرکاری تواناست و او برای من بس است و او بهترین تکیه گاه من در شروع کارها و سرانجام آن هاست.

سپس به سـمت یک رود یا برکه برو و در این کار به یکی از یاران خاص امام علیه السـلام تکیه کن. عثمان بن سـعید عمری، یا پسـرش محمد بن عثمان یا حسـین بن روح یا علی بن محمد سـمری که یاران خاص امام علیه السـلام بودند. یکی از آن ها را صدا بزن و بگو سـلام بر تو ای فلان بن فلان. سـلام بر تو، شـهادت می‌دهم که مرگ تو در راه رضای خـدا بوده است و اکنون تو زنـده هستی و در نزد خداونـد روزی می... خوری و من در زنـدگی ای که اکنون تو در نزد خداونـد داری تو را مخاطب قرار می‌دهم و این نامه من است و نیاز من است به درگاه مولای ما علیه السـلام. پس تو این نامه را به دست او برسان که تو فرد مطمئن و امانت داری هستی. سـپس آن را در رود بینداز و این گونه تصور کن که نامه را به دست خود او رسانده‌ای. پس اگر خدا بخواهد نامه به دست او می‌رسد و نیاز تو برآورده می‌شود .

استغاثه‌ای دیگر: امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه به درگاه خداوند متعال نیازی داشتی و از برنیامدن آن به تنگ آمدی، دو رکعت نماز به جا بیاور و وقتی که نمازت را به پایان رساندی، خداوند را سه مرتبه تکبیر بگو و تسبیحات حضرت فاطمه زهرا را بخوان سپس به سجده بیفت و صد مرتبه بگو: یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی. سپس طرف راست صورتت را بر زمین بگذار و دوباره همین ذکر را تکرار کن و بعد دوباره به سجده بیفت و همین ذکر را صد و ده مرتبه بگو و حاجتت را یاد کن که خداوند آن را برآورده خواهد ساخت.

استغاثه‌ای دیگر به امام زمان علیه السلام: از ابوجعفرمحمدبن‌علی‌بن‌بابویه نقل است که یکی از استادان من که از اهالی قم بود، گفت که امری بر من دشوار آمد که از آن به تنگ آمدم و بازگو کردن آن بر خانواده یا دوستان برایم بسیار دشوار بود. من که بسیار ناراحت و غمگین بودم، خوابیدم و در خواب مردی خوش سیما و خوش لباسی را دیدم که بوی خوشی از او به مشام می رسید. گمان کردم که او یکی از بزرگان قم است که من در محضر او درس می خوانم با خود گفتم: تا کی با این غصه سر کنم و به هیچ یک از برادران خود درباره آن چیزی نگویم. این مرد، یکی از شیوخ عالم ماست این مشکل را با او در میان می گذارم شاید که فرجی در کار من حاصل شد.

قبل از آن که شروع به سخن گفتن کنم او خود سر صحبت را باز کرد و به من گفت: برآوردن حاجتت را به خداوند متعال واگذار و در این کار از امام زمان علیه السلام کمک بخواه و او را دادرس خود قرار ده که بهترین یاوران است و او دستاویز یاران مؤمن خود است. سپس دست راست مرا گرفت و دست راست خود را بر آن کشید و گفت: زیارت‌نامه او را بخوان و بر او درود فرست و از او بخواه که برای برآوردن حاجتت تو را در نزد خداوند متعال شفاعت کند به او گفتم: به من یاد بده که چگونه سخن بگویم چرا که مشغله فکری و مشکلات من سبب شده متن همه دعاها و زیارات را فراموش کنم. او آهی کشید و گفت: هیچ نیرو و توانی مگر به خداوند متعال نیست و سینه مرا با دستش لمس کرد و گفت: خداوند برای تو کافی است و تو نگران نباش. خود را تطهیر کن و دو رکعت نماز به جا بیاور سپس برخیز و زیر آسمان رو به قبله بایست و بگو:

سلام کامل و تمام و شامل و عام خداوند و درود مدام و برکات ثابت او بر حجت خداوند و ولی او بر روی زمین و کل سرزمین‌هایش باد. بر جانشین او برای بندگانش که از نسل پیامبر است و بازمانده عترت و اهل بیت و بهترین مردمان است. اوست صاحب این زمان و آشکار کننده ایمان و اعلام کننده دستورات و احکام قرآن، اوست پاک کننده زمین و گستراننده عدل و داد در سرتاسر پهنه زمین. او حجت برپا دارنده حق، مهدی است و امامی که همه منتظر آمدنش هستند و خداوند از او راضی و خشنود و او مطهر و پاک است و فرزند امامان پاک است. وصی و فرزند اوصیایی است که مورد قبول خداوندند. او رهنما و معصوم است و فرزند رهنمایان معصومین است.

سلام بر تو ای پیشوای مسلمانان و مؤمنان. سلام بر تو ای وارث علم انبیا و ای خزانه حکمت اوصیاء. سلام بر تو ای دستاویز دین، سلام بر تو ای یاری کننده مؤمنین و مستضعفین. سلام بر تو ای خوار کننده کفار متکبر ستمگر. سلام بر تو ای سرور من ای صاحب‌الزمان. ای فرزند امیر... مؤمنان و ای پسر فاطمه سرور زنان جهان، سلام بر تو باد ای فرزند امامانی که حجت‌های خداوند بر همه آفریدگان هستند. سلام بر تو ای سرور من سلامی که آکنده از مهر خالص است. من گواهی می‌دهم که تو امام هدایت‌شده در گفتار و کردار هستی و تو همان کسی هستی که زمین را از عدل و داد پر می‌کنی و دعا می‌کنم که خداوند فرج تو را نزدیک گرداند و آمدن تو را آسان کند و زمان ظهور تو را از ما دور نکند و یاران تو را بیشمار گرداند و وعده‌ای را که به تو داده محقق سازد و او راست‌گفتارترین گویندگان است که گفته: و می‌خواهیم که بر مستضعفین زمین منت نهیم و آن ها را پیشوایان گردانیم و وارث خود قرار دهیم. ای مولای من، چنین و چنان حاجتی دارم. پس برآورده شدن آن برای من شفاعت کن. و سپس هر آن چه را که می‌خواهی از خدا بخواه. در این لحظه من از خواب بیدار شدم در حالیکه به روح و به امر فرج یقین داشتم و هنوز وقت زیادی از شب نگذشته بود. برخاستم و آن چه را که حضرت به من آموخته بود نوشتم تا مبادا آن را فراموش کنم سپس طهارت گرفتم و به زیر آسمان رفتم و دو رکعت نماز خواندم. همان طور که به من گفته شده بود، در رکعت اول پس از حمد إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحاً مُبِيناً را خواندم و در رکعت دوم پس از حمد إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ را خواندم و نماز خود را با آداب کامل به جا آوردم وقتی نماز من به پایان رسید، برخاستم و رو به قبله کردم و زیارت‌نامه را خواندم. سپس حاجت خود را یاد کردم و از مولای خود صاحب...

الزمان که درود خدا بر او باد یاری خواستم. سپس سجده شکر به جا آوردم و دعایم را در سجده طولانی کردم تا این که بیم آن رسید که وقت نماز شب بگذرد. سپس برخاستم و نماز خواندم و پس از نافله صبح، فریضه صبح را نیز به جا آوردم و در محراب خود نشستم و مشغول خواندن دعا شدم. به خدا سوگند که به محض طلوع خورشید کار من گشایش یافت و تا پایان عمر دیگر نظیر آن مشکل برایم پیش نیامد و تا به امروز هیچ کسی هم ندانست که مشکل من چه بوده است و این منتی بود که خداوند بر سر من نهاد و شکر و سپاس فراوان برای اوست.

**[ترجمه]

«۲۲»

قبس، [قبس المصباح] أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الصَّدُوقُ أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ النَّجَاشِيُّ الصَّيْرَفِيُّ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ الْكُوفِيِّ بِبَغْدَادَ فِی آخِرِ شَهْرِ رَبِيعٍ الْأَوَّلِ سَنَهَ اثْنَتَيْنِ وَ أَرْبَعِينَ وَ أَرْبَعِمِائَهٍ وَ كَانَ شَيْخاً بَهِيّاً ثِقَهً صَدُوقَ اللِّسَانِ عِنْدَ الْمُوَافِقِ وَ الْمُخَالِفِ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ وَ أَرْضَاهُ قَالَ أَخْبَرَنِی الْحَسَنُ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ التَّمِيمِیُّ قِرَاءَهً عَلَيْهِ قَالَ حَكَی لِی أَبُو الْوَفَاءِ الشِّيرَازِیُّ وَ كَانَ صَدِيقاً لِی: أَنَّهُ قَبَضَ عَلَيْهِ أَبُو عَلِیٍّ إِلْيَاسُ صَاحِبُ كِرْمَانَ قَالَ فَقَيَّدَنِی وَ كَانَ الْمُوَكِّلُونَ بِی يَقُولُونَ إِنَّهُ قَدْ هَمَّ فِيكَ بِمَكْرُوهٍ فَقَلِقْتُ

ص: ۳۲

لِذَلِکَ وَ جَعَلْتُ أُنَاجِی اللَّهَ تَعَالَى بِالْأَئِمَّهِ علیهم السلام فَلَمَّا كَانَتْ لَیْلَهُ الْجُمُعَهِ وَ فَرَغْتُ مِنْ صَلَاتِی نِمْتُ فَرَأَیْتُ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله فِی نَوْمِی وَ هُوَ یَقُولُ لَا تَتَوَسَّلْ بِی وَ لَا بِابْنَیَّ لِشَیْ ءٍ مِنْ أَعْرَاضِ الدُّنْیَا إِلَّا لِمَا تَبْتَغِیهِ مِنْ طَاعَهِ اللَّهِ تَعَالَى وَ رِضْوَانِهِ وَ أَمَّا أَبُو الْحَسَنِ أَخِی فَإِنَّهُ یَنْتَقِمُ لَکَ مِمَّنْ ظَلَمَکَ قَالَ فَقُلْتُ یَا رَسُولَ اللَّهِ کَیْفَ یَنْتَقِمُ لِی مِمَّنْ ظَلَمَنِی وَ قَدْ لُبِّبَ فِی حَبْلٍ فَلَمْ یَنْتَقِمْ وَ غُصِبَ عَلَى حَقِّهِ فَلَمْ یَتَکَلَّمْ قَالَ فَنَظَرَ إِلَیَّ کَالْمُتَعَجِّبِ وَ قَالَ ذَلِکَ عَهْدٌ عَهِدْتُهُ إِلَیْهِ وَ أَمْرٌ أَمَرْتُهُ بِهِ فَلَمْ یَجُزْ لَهُ إِلَّا الْقِیَامُ بِهِ وَ قَدْ أَدَّى الْحَقَّ فِیهِ إِلَّا أَنَّ الْوَیْلَ لِمَنْ تَعَرَّضَ لِوَلِیِّ اللَّهِ وَ أَمَّا عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ فَلِلنَّجَاهِ مِنَ السَّلَاطِینِ وَ نَفْثِ الشَّیَاطِینِ وَ أَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ فَلِلْآخِرَهِ وَ مَا تَبْتَغِیهِ مِنْ طَاعَهِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ فَالْتَمِسْ بِهِ الْعَافِیَهَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا عَلِیُّ بْنُ مُوسَى فَاطْلُبْ بِهِ السَّلَامَهَ فِی الْبَرَارِی وَ الْبِحَارِ وَ أَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ فَاسْتَنْزِلْ بِهِ الرِّزْقَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَمَّا عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ فَلِلنَّوَافِلِ وَ بِرِّ الْإِخْوَانِ وَ مَا تَبْتَغِیهِ مِنْ طَاعَهِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ فَلِلْآخِرَهِ وَ أَمَّا صَاحِبُ الزَّمَانِ فَإِذَا بَلَغَ مِنْکَ السَّیْفُ الذَّبْحَ فَاسْتَعِنْ بِهِ فَإِنَّهُ یُعِینُکَ وَ وَضَعَ یَدَهُ عَلَى حَلْقِهِ قَالَ فَنَادَیْتُ فِی نَوْمِی یَا مَوْلَایَ یَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَدْرِکْنِی فَقَدْ بَلَغَ مَجْهُودِی قَالَ أَبُو الْوَفَاءِ فَانْتَبَهْتُ مِنْ نَوْمِی وَ الْمُوَکِّلُونَ یَأْخُذُونَ قُیُودِی.

قَالَ الشَّیْخُ أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى بْنِ جُنْدِیٍّ عَنْ أَبِی عَلِیٍّ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ الْعَمِّیُّ قَالَ: رَأَیْتُ فِی سَنَهِ سِتٍّ وَ تِسْعِینَ وَ مِائَتَیْنِ وَ هِیَ السَّنَهُ الَّتِی وُلِّیَ فِیهَا عَلِیُّ بْنُ مُوسَى الْفُرَاتِ وِزَارَهَ الْمُقْتَدِرِ أَحْمَدَ بْنَ رَبِیعَهَ الْأَنْبَارِیَّ الْکَاتِبَ وَ قَدِ اعْتَلَّتْ یَدُهُ وَ أَکَلَتْهَا الْخَبِیثَهُ وَ عَظُمَ أَمْرُهَا حَتَّى أَرَاحَتْ وَ اسْوَدَّتْ وَ أَشَارَ عَلَیْهِ الْمُطَبِّبُ بِقَطْعِهَا وَ لَمْ یَشُکَّ أَحَدٌ مِمَّنْ رَآهُ فِی تَلَفِهِ فَرَأَى فِی مَنَامِهِ مَوْلَانَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فَقَالَ لَهُ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ اسْتَوْهِبْ لِی یَدِی فَقَالَ أَنَا مَشْغُولٌ عَنْکَ وَ لَکِنِ امْضِ إِلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ فَإِنَّهُ یَسْتَوْهِبُهَا لَکَ.

فَأَصْبَحَ وَ قَالَ ايتُونِی بِمَحْمِلٍ وَ وَصِّلُوا تَخْتِی وَ احْمِلُونِی إِلَی مَقَابِرِ قُرَيْشٍ فَفَعَلُوا مَا أَمَرَ بَعْدَ أَنْ غَسَّلُوهُ وَ طَيَّبُوهُ وَ طَرَحُوا عَلَيْهِ ثِيَاباً نَظِيفَةً طَاهِرَةً وَ حَمَلُوهُ إِلَی قَبْرِ مَوْلَانَا مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَلَاذَ بِهِ وَ أَخَذَ مِنْ تُرْبَتِهِ وَ طَلَی يَدَهُ إِلَی زَنْدِهِ وَ كَفِّهِ وَ شَدَّهَا فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ حَلَّهَا وَ قَدْ تَسَاقَطَ كُلُّ لَحْمٍ وَ جِلْدٍ عَلَيْهَا حَتَّی بَقِيَتْ عِظَاماً وَ عُرُوقاً مُشَبَّكَةً وَ انْقَطَعَتِ الرَّائِحَةُ وَ بَلَغَ خَبَرُهُ الْوَزِيرَ فَحَمَلَ إِلَيْهِ حَتَّی رَآهُ ثُمَّ عُولِجَ وَ بَرَأَ وَ رَجَعَ إِلَی الدِّيوَانِ فَكَتَبَ بِهَا كَمَا كَانَ يَكْتُبُ فَقَالَ فِيهِ الدَّيْلَمِیُّ:

وَ مُوسَی قَدْ شَفَی الْكَفَ***مِنَ الْكَاتِبِ إِذْ زَارَا

فَهُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمُ الشِّفَاءُ الْأَكْبَرُ وَ الدَّوَاءُ الْأَعْظَمُ لِمَنِ اسْتَشْفَی بِهِمْ.

شَرْحُ الدُّعَاءِ الَّذِی يُدْعَی بِهِ وَ يُتَوَسَّلُ بِهِمْ عليهم السلام اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی ابْنَتِهِ وَ عَلَی ابْنَيْهَا وَ أَسْأَلُكَ بِهِمْ أَنْ تُعِينَنِی عَلَی طَاعَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ وَ تُبَلِّغَنِی بِهِمْ أَفْضَلَ مَا بَلَّغْتَ أَحَداً مِنْ أَوْلِيَائِكَ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِحَقِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ إِلَّا انْتَقَمْتَ لِی مِمَّنْ ظَلَمَنِی وَ غَشَمَنِی وَ آذَانِی وَ انْطَوَی عَلَيَّ ذَلِكَ وَ كَفَيْتَنِی بِهِ مَئُونَةَ كُلِّ أَحَدٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِلَّا كَفَيْتَنِی مَئُونَةَ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ يَتَقَوَّی عَلَيَّ بِبَطْشِهِ وَ يَنْتَصِرُ عَلَيَّ بِجُنْدِهِ إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ ابْنِهِ جَعْفَرٍ إِلَّا أَعَنْتَنِی بِهِمَا عَلَی طَاعَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ وَ بَلَّغْتَنِی بِهِمَا مَا يُرْضِيكَ إِنَّكَ فَعَّالٌ لِمَا تُرِيدُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ إِلَّا عَافَيْتَنِی بِهِ فِی جَمِيعِ جَوَارِحِی مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَی إِلَّا سَلَّمْتَنِی بِهِ فِی جَمِيعِ أَسْفَارِی فِی الْبَرَارِی وَ الْبِحَارِ وَ الْجِبَالِ وَ الْقِفَارِ وَ الْأَوْدِيَةِ وَ الْغِيَاضِ مِنْ جَمِيعِ مَا أَخَافُهُ وَ أَحْذَرُهُ إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِلَّا

جُدْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ تَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَی مَنْ وَسِعَكَ وَ وَسَّعْتَ عَلَيَّ رِزْقَكَ وَ أَغْنَيْتَنِی عَمَّنْ سِوَاكَ وَ جَعَلْتَ حَاجَتِی إِلَيْكَ وَ قَضَاهَا عَلَيْكَ إِنَّكَ لِمَا تَشَاءُ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِلَّا أَعَنْتَنِی بِهِ عَلَی

ص: ۳۴

تَأْدِیَهِ فَرْضِکَ وَ بِرِّ إِخْوَانِیَ الْمُؤْمِنِینَ وَ سَهِّلْ ذَلِکَ لِی وَ اقْرِنْهُ بِالْخَیْرِ وَ أَعِنِّی عَلَی طَاعَتِکَ بِفَضْلِکَ یَا رَحِیمُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ وَلِیِّکَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ إِلَّا أَعَنْتَنِی عَلَی آخِرَتِی بِطَاعَتِکَ وَ رِضْوَانِکَ وَ سَرَرْتَنِی فِی مُنْقَلَبِی بِرَحْمَتِکَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ وَلِیِّکَ وَ حُجَّتِکَ صَاحِبِ الزَّمَانِ إِلَّا أَعَنْتَنِی بِهِ عَلَی جَمِیعِ أُمُورِی وَ کَفَیْتَنِی بِهِ مَئُونَهَ کُلِّ مُوذٍ وَ طَاغٍ وَ بَاغٍ وَ أَعَنْتَنِی بِهِ فَقَدْ بَلَغَ مَجْهُودِی وَ کَفَیْتَنِی کُلَّ عَدُوٍّ وَ هَمٍّ وَ غَمٍّ وَ دَیْنٍ وَ وُلْدِی وَ جَمِیعَ أَهْلِی وَ إِخْوَانِی وَ مَنْ یَعْنِینِی أَمْرُهُ وَ خَاصَّتِی آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ.

أَقُولُ وَجَدْتُ فِی بَعْضِ مُؤَلَّفَاتِ أَصْحَابِنَا هَذَا الْخَبَرَ رَوَاهُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِی الْوَفَاءِ الشِّیرَازِیِّ قَالَ: کُنْتُ مَأْسُوراً بِکِرْمَانَ فِی یَدِ ابْنِ إِلْیَاسَ مُقَیَّداً مَغْلُولًا فَأُخْبِرْتُ أَنَّهُ قَدْ هَمَّ بِصَلْبِی فَاسْتَشْفَعْتُ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِزَیْنِ الْعَابِدِینَ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیه السلام فَحَمَلَتْنِی عَیْنِی فَرَأَیْتُ فِی الْمَنَامِ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ هُوَ یَقُولُ لَا تَتَوَسَّلْ بِی وَ لَا بِابْنَتِی وَ لَا بِابْنَیَّ فِی شَیْ ءٍ مِنْ عُرُوضِ الدُّنْیَا بَلْ لِلْآخِرَهِ وَ مَا تُؤَمِّلُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِیهَا فَأَمَّا أَخِی أَبُو الْحَسَنِ فَإِنَّهُ یَنْتَقِمُ لَکَ مِمَّنْ یَظْلِمُکَ فَقُلْتُ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَ لَیْسَ قَدْ ظُلِمَتْ فَاطِمَهُ فَصَبَرَ وَ غُصِبَ هُوَ عَلَی إِرْثِکَ فَصَبَرَ فَکَیْفَ یَنْتَقِمُ لِی مِمَّنْ ظَلَمَنِی فَقَالَ صلی الله علیه و آله ذَاکَ عَهْدٌ عَهِدْتُهُ إِلَیْهِ وَ أَمَرْتُهُ بِهِ وَ لَمْ یَجِدْ بُدّاً مِنَ الْقِیَامِ بِهِ وَ قَدْ أَدَّی الْحَقَّ فِیهِ وَ الْآنَ فَالْوَیْلُ لِمَنْ یَتَعَرَّضُ لِمَوْلَاهُ وَ أَمَّا عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ فَلِلنَّجَاهِ مِنَ السَّلَاطِینِ وَ مِنْ مَفْسَدَهِ الشَّیَاطِینِ وَ أَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ فَلِلْآخِرَهِ وَ أَمَّا مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ فَالْتَمِسْ بِهِ الْعَافِیَهَ وَ أَمَّا عَلِیُّ بْنُ مُوسَی فَلِلنَّجَاهِ فِی الْأَسْفَارِ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ أَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ فَاسْتَنْزِلْ بِهِ الرِّزْقَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَی وَ أَمَّا عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ فَلِقَضَاءِ النَّوَافِلِ وَ بِرِّ الْإِخْوَانِ وَ أَمَّا الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ فَلِلْآخِرَهِ وَ أَمَّا الْحُجَّهُ فَإِذَا بَلَغَ السَّیْفُ مِنْکَ الْمَذْبَحَ وَ أَوْمَأَ بِیَدِهِ إِلَی حَلْقِهِ فَاسْتَغِثْ بِهِ فَهُوَ یُغِیثُکَ وَ هُوَ کَهْفٌ وَ غِیَاثٌ لِمَنِ اسْتَغَاثَ بِهِ فَقُلْتُ یَا مَوْلَایَ یَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَنَا مُسْتَغِیثٌ بِکَ فَإِذَا أَنَا بِشَخْصٍ قَدْ نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ تَحْتَهُ فَرَسٌ وَ بِیَدِهِ حَرْبَهٌ مِنْ حَدِیدٍ فَقُلْتُ یَا مَوْلَایَ اکْفِنِی

شَرَّ مَنْ يُؤْذِينِي فَقَالَ قَدْ كَفَيْتُكَ فَإِنَّنِي سَأَلْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِيكَ وَ قَدِ اسْتَجَابَ دَعْوَتِي فَأَصْبَحْتُ فَاسْتَدْعَانِي ابْنُ إِلْيَاسَ وَ حَلَّ قَيْدِي وَ خَلَعَ عَلَيَّ وَ قَالَ بِمَنِ اسْتَغَثْتَ فَقُلْتُ اسْتَغَثْتُ بِمَنْ هُوَ غِيَاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ حَتَّى سَأَلَ رَبَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ، حَدَّثَ أَبُو الْوَفَاءِ الشِّيرَازِيُّ قَالَ: كُنْتُ مَأْسُوراً فَوَقَفْتُ عَلَى أَنَّهُمْ هَمُّوا بِقَتْلِي وَ ذَكَرَ نَحْوَهُ.

**[ترجمه]قبس المصباح: ابوالوفای شیرازی روایت می‌کند که ابوعلی‌الیاس صاحب کرمان او را دستگیر کرد. او می‌گوید که ابوعلی مرا بست و چند نفری که نگهبان من بودند به من گفتند که ابو علی در مورد تو، نیت خوبی ندارد من از این مسأله مضطرب شدم و با واسطه قرار دادن ائمه اطهار علیه السلام شروع به نجوای با خدای خود کردم. در شب جمعه وقتی نماز خود را به پایان رساندم، به خواب رفتم و در خواب پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم که می‌گفت: برای برآورده شدن حوایج دنیوی و مادی به من و فرزندانم توسل مجوی بلکه تنها مسائلی را با ما بازگو کن که مربوط به عبادت خداوند و رضای اوست. و اما برادر من ابوالحسن انتقام تو را از کسانی که به تو ظلم کرده‌اند می‌گیرد.

او می‌گوید که من گفتم ای رسول خدا، چگونه انتقام مرا از ظالمان من خواهد گرفت در حالی که خود او با طناب بسته شد اما ساکت ماند و حقش غصب گردید و باز هم سکوت کرد. آن حضرت صلی الله علیه و آله با تعجب به من نگاه کرد و فرمود: آن پیمانی بود که من با او بسته‌بودم و دستوری بود که به او داده‌بودم و او باید که آن را انجام می داد و حق این موضوع را هم ادا کرد. اما وای بر کسی که به ولی خدا تعرضی کند و به کارهای او اعتراضی داشته باشد و اما علی‌بن‌حسین برای نجات از ظلم حکام و جادوی شیاطین است و محمدبن‌علی و جعفر... بن‌محمد برای امور اخروی و مسائل مربوط به عبادت خداوند هستند و موسی بن‌جعفر برای درخواست سلامتی از خداوند متعال است وعلی... بن‌موسی برای سلامتی در بیابان ها و دریاها است و محمدبن‌علی برای درخواست روزی از خداوند متعال است و علی‌بن‌محمد برای کارهای مستحبی و نیکی به دوستان و آشنایان و عبادت خداست و حسن بن‌علی برای امور اخروی و صاحب‌الزمان برای وقت‌هایی است که شمشیر در مقابل گلویت برسد -، در این لحظات از او یاری بخواه که او به تو کمک خواهد کرد. حضرت این را گفت و دست خود را بر روی حلقش گذاشت. ابوالوفاء گوید: من در خواب امام زمان را صدا زدم و گفتم: ای مولای من ای صاحب‌الزمان، مرا دریاب که دیگر کاری از دست خودم ساخته نیست. ابوالوفاء می‌گوید: از خواب بیدار شدم و دیدم که نگهبانان من غل و زنجیر را از من باز کرده‌اند.

شیخ ابوالحسن احمد بن‌محمدبن‌موسی‌بن‌جندی از ابوعلی محمدبن‌همام نقل می‌کند که حسن بن محمد بن جمهور عمی می‌گوید که در سال دویست و نود و شش - یعنی همان سالی که در آن علی بن موسی فرات به وزارت مقتدر رسید- احمد بن ربیعه انباری کاتب را دیدم که دستش دچار نوعی بیماری شد و وضع آن وخیم و وخیم تر شد تا این که آن دستش آماس کرد و سیاه شد و کار به جایی رسید که طبیبان گفتند که دستش باید قطع شود و هر کس که او را می‌دید یقین می‌کرد که او خواهد مرد. او در خواب مولای ما امیر مؤمنان را دید و به او گفت: ای امیر مؤمنان، دستم را به من برگردان. حضرت فرمود: من کار دیگری دارم، تو خواسته خود را به موسی بن جعفر بگو که او دستت را به تو بر می‌گرداند. صبح شد و او گفت که کجاوه‌ای بیاورید و مرا با آن به سمت قبرستان قریش ببرید. آن ها نیز پس از آن که او را شست‌وشو دادند و پاکیزه کردند و لباس‌های تمیزی را بر تن او پوشاندند، همین کار را انجام دادند و او را به سمت مقبره مولای ما امام موسی‌بن‌جعفر که درود خدا بر او باد بردند. او به امام پناه جست و از خاک او برداشت و از قسمت بازو تا آرنج و ساعد و کف دست خود کشید و آن را بست. فردای آن روز دست خود را باز کرد و دید که گوشت و پوست دستش به کلی جدا شده است و از دست او فقط استخوان و رگ‌های به هم پیوسته باقی مانده است و بوی آن قطع شده است این خبر به گوش وزیر رسید و وزیر به دیدار او شتافت و او را دید. او معالجه شد و شفا یافت و به دیوان بازگشت و دوباره همانند قبل مشغول کتابت شد. دیلمی در این باره می‌گوید:

- وقتی که کاتب به زیارت موسی رفت، موسی دست او را شفا داد.

ایشان که درود خداوند بر آن ها باد، برای کسانی که از آن ها شفا بخواهند بهترین شفا و کارساز ترین دوا هستند. دعایی که در توسل به آن بزرگواران خوانده می شود:

خداونـدا بر محمد و بر دختر او و بر دو پسـر او درود سـلام فرست و با توسل به آنان از تو می‌خواهم که مرا در امر عبادت و جلب رضای خود یاری کنی و به واسـطه آنان بهترین چیزهایی را که به دوسـتداران خودت داده‌ای به من نیز بدهی که تو بخشـنده و کریم هستی. خداوندا از تو می‌خواهم که به حق امیرمؤمنان علی‌بن‌ابی‌طالب از کسانی که به من ظلم کرده‌اند و ستم روا داشته‌اند و مرا مورد آزار و اذیت قرار داده‌اند و بر این کار خود اصـرار دارند انتقام مرا بگیری و به واسـطه علی علیه السـلام شر تمام مردم را از من دور کن. ای مهربان‌ترین مهربانان به حق ولی ات؛ علی بن حسـین از تو می‌خواهم که شر هر شیطان سرکش و حاکم ستمگری که با زور و نیروی خود بر من قدرت یافته است و از سربازان و سـپاهیان خود برای مقابله با من یاری می‌گیرد از من دور سازی. تو بخشـنده و بخشایشگر هستی و از تو می‌خواهم که به حق محمد و پسر او جعفر در راه عبـادت و رضـای خودت مرا یاری فرمایی و به واسـطه آنان مرا به آن چه که رضای تو در آن است برسانی که تو بر انجام هر آن چه که اراده کنی توانایی. خداونـدا از تو می‌خواهم که به حق موسـی بن جعفر سـلامت را به همه اعضا و جوارح و جوانح ظاهری و باطنی من ببخشـی ای که بخشـنده و بخشایشـگر هستی. خداوندا از تو می‌خواهم که به حق جانشین خودت علی بن موسی الرضا مرا در هر سفری چه در بیابان و چه در خشـکی و در کوه و دشت و دره‌ها و بیشه‌ها که می‌روم سـلامت بداری و مرا از شر همه آن چیزهایی که از آن بیم دارم و می... ترسم در امـان نگه داری که تو مهربـان و رؤوف هستی و خداونـدا از تو می‌خواهم به حق ولی خود محمـد بن علی که به واسطه او از فضل و کرم خـود به من ببخشـی و از روزی گسـترده خود به من عطـا کنی و رزق مرا زیـاد کنی و مرا از غیر خودت بی‌نیـاز سـازی و نیـاز مرا فقـط به درگـاه خودت قرار دهی و اجابت آن را نیز خود به عهـده بگیری که تو توانایی آن چه را که اراده کنی داری. خداونـدا از تو می‌خواهم که به حق ولی خودت علی بن محمـد مرا در انجام واجباتت و نیکی رساندن به برادران مسلمانم یاری رسانی و این کار را بر من آسان گردان و آن را بـا خیر و برکـات قرار بـده و با فضل و کرم خود ای مهربان مرا در عبادتت یاری بفرما. خداونـدا از تو می‌خواهم که به حق جانشـین خودت حسن بن‌علی مرا در امر عبـادت و کسب رضـایت تو و امور آخرتم، یـاری رسانی و با رحمت خود مرا در روز قیامت که به دیـدار تو می آیم، مسـرور گردانی. خداوندا از تو می‌خواهم که به حق ولی خود و حجتت صاحب‌الزمان مرا در همه امور و کارهایم یاری کنی و به واسطه او شر هر آزاردهنده و طغیان‌کننده و سـتمگری را از من دور کنی و یاریگر من باشـی که صبر من به سـر رسـیده است و شر هر دشمنی را از من دور کنی غم و انـدوه و قرضم را برطرف سازی و در امور مربوط به فرزنـدان و خانواده و دوسـتانم و هر کس که برایم اهمیت دارد و افراد نزدیک به من هستند، مرا یاری کنی. آمین یا رب العالمین.

می‌گویم: در برخی آثار یارانمان، این خبر را دیدم که به ابوالوفای شـیرازی نسبت داده شده بود که او گفت: من به دست ابن الیاس در کرمان اسـیر بودم و به غل و زنجیر کشیده شده بودم. به من خبر دادند که او قصد دارد مرا به صلیب بکشد. من هم امام زین العابدین را شفیع خود در نزد خداونـد متعال قرار دادم و خواب بر من غلبه کرد و من به خواب رفتم. در خواب رسول خـدا را دیدم که می‌گفت: در اموری که مرتبط با دنیا و مادیات است به من و دخترم و پسـرانم توسل مجوی بلکه در امور اخروی و آن چه را که از فضل خداوند امید داری مرا واسطه قرار بده. برادر من ابوالحسن، از هر کسـی که به تو ظلمی روا داشـته انتقـام تو را می‌گیرد. من گفتم ای رسول خـدا مگر این طور نبود که به فـاطمه ظلم شـد و او صبر کرد؟ و وقتی که حق او از ارثی که تو برایش قرار داده بودی غصب شـد، باز هم صبر کرد؟ پس چگونه می خواهـد انتقام مرا از ظالمـان بگیرد؟ پیـامبر صـلی الله علیه و آله فرمود: آن پیمانی بود که من با او بسـته بودم و دسـتوری بود که من به او داده‌بودم و او چاره‌ای جز انجام آن را نداشت و او در آن مورد حق موضوع را ادا کرد. پس وای بر کسـی که به کارهای مولای خود اعتراضـی داشته باشد و اما علی بن حسـین تو را از دست حاکمان و فساد شـیاطین نجات خواهد داد و محمدبن‌علی و جعفربن‌محمد برای امور اخروی هسـتند و از موسـی‌بن‌جعفر سلامتی را بخواه و از علی‌بن‌موسـی نجات یافتن در سـفرهای خشکی و آب و برای وسعت و گشایش در رزق و روزی از محمدبن‌علی کمک بخواه و از علی‌بن‌محمد برای به جا آوردن اعمال نیک و مسـتحب و نیکی کردن به دوستان و آشنایان و از حسن‌بن‌علی برای امور اخروی و از صـاحب‌الزمان برای وقت‌هایی کمک بخواه که شمشـیر در مقابل گلویت قرار می گیرد. سـپس با دست خود به گلویش اشاره کرد و فرمود: از او یـاری بخواه که او تو را یـاریت خواهـد کرد و او همچون پناهگـاهی است که هرکس از او چیزی بخواهـد، خواسـته اش بر آورده می شود. پس من گفتم: ای مولای من ای صاحب‌الزمان، به تو پناه آورده‌ام و از تو کمک می‌خواهم. به ناگاه شخصـی را دیدم که از آسمان فرود می... آید و بر اسبی سوار است و به دست خود حربه آهنینی دارد. پس گفتم که ای مولای من، شر کسانی را که قصد آزار رساندن به مرا دارند، از

من دور کن. فرمود: من برای تو کافی هستم. من نیاز تو را از خدا خواسته‌ام و او نیز دعای مرا اجابت کرده است. صبح هنگام ابن الیاس مرا به حضور خود فرا خواند و غل و زنجیر مرا باز کرد و لباسی نو بر تنم پوشانید و از من پرسید که تو به که متوسل شده‌ای؟ پاسخ دادم به کسی که فریادرس دادخواهان است از او خواستم که نیاز مرا از خدا بخواهد و شکر و سپاس برای پروردگار جهانیان است.

دعوات الراوندی: ابوالوفای شیرازی نقل می‌کند که اسیر بودم و متوجه شدم آن ها قصد داشتند مرا نابود کنند و در ادامه شبیه قصه بالا را روایت می‌کند.

**[ترجمه]

«۲۳»

وَ وَجَدْتُ بِخَطِّ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجُبَعِيِّ نَقْلًا مِنْ خَطِّ الشَّيْخِ الْأَجَلِّ عَلِيِّ بْنِ السُّكُونِ حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْأَجَلُّ الْفَقِيهُ سَدِيدُ الدِّينِ أَبُو مُحَمَّدٍ عَرَبِيُّ بْنُ مُسَافِرٍ الْعِبَادِيُّ أَدَامَ اللَّهُ تَأْيِيدَهُ قِرَاءَةً عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا الشَّيْخُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ طَحَّالٍ الْمِقْدَادِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ بِمَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي الطِّرْزِ الْكَبِيرِ الَّذِي عِنْدَ رَأْسِ الْإِمَامِ علیه السلام فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ سَنَةَ تِسْعٍ وَ ثَلَاثِينَ وَ خَمْسِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْأَجَلُّ السَّيِّدُ الْمُفِيدُ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ بِالْمَشْهَدِ الْمَذْكُورِ عَلَى صَاحِبِهِ أَفْضَلُ السَّلَامِ فِي الطِّرْزِ الْمَذْكُورِ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ ذِي الْقَعْدَهِ سَنَهَ تِسْعٍ وَ خَمْسِمِائَهٍ قَالَ حَدَّثَنَا السَّيِّدُ السَّعِيدُ الْوَالِدُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْبَزَّازِ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى الْقُمِّيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ زَنْجَوَيْهِ الْقُمِّيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيُّ قَالَ أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ أَشْنَاسَ وَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الشَّيْبَانِيُّ أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيَّ أَخْبَرَهُ وَ أَجَازَ لَهُ جَمِيعَ مَا رَوَاهُ: أَنَّهُ خَرَجَ إِلَيْهِ تَوْقِيعٌ مِنَ النَّاحِيَهِ الْمُقَدَّسَهِ حَرَسَهَا اللَّهُ بَعْدَ الْمَسَائِلِ الَّتِي سَأَلَهَا وَ الصَّلَاهَ وَ التَّوَجُّهَ أَوَّلُهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ لَا لِأَمْرِ اللَّهِ تَعْقِلُونَ وَ لَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ حِكْمَهٌ بالِغَهٌ فَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَ النُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ وَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ فَإِذَا أَرَدْتُمُ التَّوَجُّهَ بِنَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ إِلَيْنَا فَقُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

سَلَامٌ عَلَی آلِ یَاسِینَ ذَلِکَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِینُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ مَنْ یَهْدِیهِ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِیمَ التَّوَجُّهَ قَدْ آتَاکُمُ اللَّهُ یَا آلَ یَاسِینَ خِلَافَتَهُ وَ عَلَّمَ مَجَارِیَ أَمْرِهِ فِیمَا قَضَاهُ وَ دَبَّرَهُ وَ رَتَّبَهُ وَ أَرَادَهُ فِی مَلَکُوتِهِ فَکَشَفَ لَکُمُ الْغِطَاءَ وَ أَنْتُمْ خَزَنَتُهُ وَ شُهَدَاؤُهُ وَ عُلَمَاؤُهُ وَ أُمَنَاؤُهُ سَاسَهُ الْعِبَادِ وَ أَرْکَانُ الْبِلَادِ وَ قُضَاهُ الْأَحْکَامِ وَ أَبْوَابُ الْإِیمَانِ وَ مِنْ تَقْدِیرِهِ مَنَائِحُ الْعَطَاءِ بِکُمْ إِنْفَاذُهُ مَحْتُوماً مَقْرُوناً فَمَا شَیْ ءٌ مِنْهُ إِلَّا وَ أَنْتُمْ لَهُ السَّبَبُ وَ إِلَیْهِ السَّبِیلُ خِیَارُهُ لِوَلِیِّکُمْ نِعْمَهٌ وَ انْتِقَامُهُ مِنْ عَدُوِّکُمْ سَخْطَهٌ فَلَا نَجَاهَ وَ لَا مَفْزَعَ إِلَّا أَنْتُمْ وَ لَا مَذْهَبَ عَنْکُمْ یَا أَعْیُنَ اللَّهِ النَّاظِرَهَ وَ حَمَلَهَ مَعْرِفَتِهِ وَ مَسَاکِنَ تَوْحِیدِهِ فِی أَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ وَ أَنْتَ یَا حُجَّهَ اللَّهِ وَ بَقِیَّتَهُ کَمَالُ نِعْمَتِهِ وَ وَارِثُ أَنْبِیَائِهِ وَ خُلَفَائِهِ مَا بَلَغْنَاهُ مِنْ دَهْرِنَا وَ صَاحِبُ الرَّجْعَهِ لِوَعْدِ رَبِّنَا الَّتِی فِیهَا دَوْلَهُ الْحَقِّ وَ فَرَجُنَا وَ نَصْرُ اللَّهِ لَنَا وَ عِزُّنَا السَّلَامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَ الْغَوْثُ وَ الرَّحْمَهُ الْوَاسِعَهُ وَعْداً غَیْرَ مَکْذُوبٍ السَّلَامُ عَلَیْکَ صَاحِبَ الْمَرْأَی وَ الْمَسْمَعِ الَّذِی بِعَیْنِ اللَّهِ مَوَاثِیقُهُ وَ بِیَدِ اللَّهِ عُهُودُهُ وَ بِقُدْرَهِ اللَّهِ سُلْطَانُهُ أَنْتَ الْحَلِیمُ الَّذِی لَا تُعَجِّلُهُ الْعَصَبِیَّهُ وَ الْکَرِیمُ الَّذِی لَا تُبَخِّلُهُ الْحَفِیظَهُ وَ الْعَالِمُ الَّذِی لَا تُجَهِّلُهُ الْحَمِیَّهُ مُجَاهَدَتُکَ فِی اللَّهِ ذَاتُ مَشِیَّهِ اللَّهِ وَ مُقَارَعَتُکَ فِی اللَّهِ ذَاتُ انْتِقَامِ اللَّهِ وَ صَبْرُکَ فِی اللَّهِ ذُو أَنَاهِ اللَّهِ وَ شُکْرُکَ لِلَّهِ ذُو مَزِیدِ اللَّهِ وَ رَحْمَتِهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَحْفُوظاً بِاللَّهِ نُورُ أَمَامِهِ وَ وَرَائِهِ وَ یَمِینِهِ وَ شِمَالِهِ وَ فَوْقِهِ وَ تَحْتِهِ یَا مَحْرُوزاً فِی قُدْرَهِ اللَّهِ نُورُ سَمْعِهِ وَ بَصَرِهِ وَ یَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِی ضَمِنَهُ وَ یَا مِیثَاقَ اللَّهِ الَّذِی أَخَذَهُ وَ وَکَّدَهُ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا دَاعِیَ اللَّهِ وَ رَبَّانِیَّ آیَاتِهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بَابَ اللَّهِ وَ دَیَّانَ دِینِهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا خَلِیفَهَ اللَّهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّهَ اللَّهِ وَ دَلِیلَ إِرَادَتِهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا تَالِیَ کِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ السَّلَامُ عَلَیْکَ فِی آنَاءِ لَیْلِکَ وَ أَطْرَافِ نَهَارِکَ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بَقِیَّهَ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ: السَّلَامُ عَلَیْکَ حِینَ تَقُومُ السَّلَامُ عَلَیْکَ حِینَ تَقْعُدُ السَّلَامُ عَلَیْکَ حِینَ تَقْرَأُ

وَ تُبَيِّنُ السَّلَامُ عَلَيْکَ حِينَ تُصَلِّی وَ تَقْنُتُ السَّلَامُ عَلَيْکَ حِينَ تَرْکَعُ وَ تَسْجُدُ السَّلَامُ عَلَيْکَ حِينَ تَعَوَّذُ وَ تُسَبِّحُ السَّلَامُ عَلَيْکَ حِينَ تُهَلِّلُ وَ تُكَبِّرُ السَّلَامُ عَلَيْکَ حِينَ تَحْمَدُ وَ تَسْتَغْفِرُ السَّلَامُ عَلَيْکَ حِينَ تُمَجِّدُ وَ تَمْدَحُ السَّلَامُ عَلَيْکَ حِينَ تُمْسِی وَ تُصْبِحُ السَّلَامُ عَلَيْکَ فِی اللَّيْلِ إِذا يَغْشى وَ النَّهارِ إِذا تَجَلَّى وَ الْآخِرَهِ وَ الْأُولَى السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُجَجَ اللَّهِ وَ رُعَاتَنَا وَ هُدَاتَنَا وَ دُعَاتَنَا وَ قَادَتَنَا وَ أَئِمَّتَنَا وَ سَادَتَنَا وَ مَوَالِيَنَا السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَنْتُمْ نُورُنَا وَ أَنْتُمْ جَاهُنَا أَوْقَاتِ صَلَاتِنَا وَ عِصْمَتُنَا بِكُمْ لِدُعَائِنَا وَ صَلَاتِنَا وَ صِيَامِنَا وَ اسْتِغْفَارِنَا وَ سَائِرِ أَعْمَالِنَا السَّلَامُ عَلَيْکَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ السَّلَامُ عَلَيْکَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ السَّلَامُ عَلَيْکَ بِجَوَامِعِ السَّلَام أُشْهِدُکَ يَا مَوْلَایَ أَنِّی أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيکَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَ أَهْلُهُ وَ أَنَّ أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَ أَنَّ الْحَسَنَ حُجَّتُهُ وَ أَنَّ الْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ وَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ أَنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَ أَنَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ وَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَ أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ أَنْتَ حُجَّتُهُ وَ أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ دُعَاهُ وَ هُدَاهُ رُشْدِكُمْ أَنْتُمُ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ خَاتِمَتُهُ وَ أَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لَا شَکَّ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْساً إِيمانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِی إِيمَانِهَا خَيْراً وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ نَاكِراً وَ نَكِيراً حَقٌّ وَ أَنَّ النَّشْرَ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ أَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَ الْمِرْصَادَ حَقٌّ وَ أَنَّ الْمِيزَانَ وَ الْحِسَابَ حَقٌّ وَ أَنَّ الْجَنَّهَ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ الْجَزَاءَ بِهِمَا لِلْوَعْدِ وَ الْوَعِيدِ حَقٌّ وَ أَنَّكُمْ لِلشَّفَاعَهِ حَقٌّ لَا تُرَدُّونَ وَ لَا تَسْبِقُونَ مَشِيَّهَ اللَّهِ وَ بِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَ لِلَّهِ الرَّحْمَهُ وَ الْكَلِمَهُ الْعُلْيَا وَ بِيَدِهِ الْحُسْنَى وَ حُجَّهُ اللَّهِ النُّعْمَى خَلَقَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ لِعِبَادَتِهِ أَرَادَ مِنْ عِبَادِهِ عِبَادَتَهُ فَشَقِيٌّ وَ سَعِيدٌ قَدْ شَقِیَ مَنْ خَالَفَكُمْ وَ سَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ وَ أَنْتَ يَا مَوْلَایَ فَاشْهَدْ بِمَا أَشْهَدْتُکَ عَلَيْهِ تَخْزُنُهُ وَ تَحْفَظُهُ لِی عِنْدَکَ أَمُوتُ عَلَيْهِ وَ أُنْشَرُ عَلَيْهِ وَ أَقِفُ بِهِ وَلِيّاً لَکَ بَرِيئاً مِنْ عَدُوِّکَ مَاقِتاً لِمَنْ أَبْغَضَكُمْ

وَادّاً لِمَنْ أَحَبَّكَمْ فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ وَ الْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ وَ الْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَ الْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ وَ الْقَضَاءُ الْمُثْبَتُ مَا اسْتَأْثَرَتْ بِهِ مَشِيَّتُكَمْ وَ الْمَمْحُوُّ مَا اسْتَأْثَرَتْ بِهِ سُنَّتُكُمْ فَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ الْحَسَنُ حُجَّتُهُ الْحُسَيْنُ حُجَّتُهُ عَلِيٌّ حُجَّتُهُ مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ جَعْفَرٌ حُجَّتُهُ مُوسَى حُجَّتُهُ عَلِيٌّ حُجَّتُهُ مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ عَلِيٌّ حُجَّتُهُ الْحَسَنُ حُجَّتُهُ أَنْتَ حُجَّتُهُ أَنْتُمْ حُجَجُهُ وَ بَرَاهِينُهُ أَنَا يَا مَوْلَايَ مُسْتَبْشِرٌ بِالْبَيْعَهِ الَّتِي أَخَذَ اللَّهُ عَلَى شُرَطِهِ قِتَالًا فِي سَبِيلِهِ اشْتَرَى بِهِ أَنْفُسَ الْمُؤْمِنِينَ فَنَفْسِي مُؤْمِنَهٌ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ بِرَسُولِهِ وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوَّلِكُمْ وَ آخِرِكُمْ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّهٌ وَ مَوَدَّتِي خَالِصَهٌ لَكُمْ وَ بَرَاءَتِي مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَهْلِ الْحَرَدَهِ وَ الْجِدَالِ ثَابِتَهٌ لِثَأْرِكُمْ أَنَا وَلِيٌّ وَحِيدٌ وَ اللَّهُ إِلَهُ الْحَقِّ يَجْعَلُنِي كَذَلِكَ آمِينَ آمِينَ مَنْ لِي إِلَّا أَنْتَ فِيمَا دَنَتْ وَ اعْتَصَمْتُ بِكَ فِيهِ تَحْرُسُنِي فِيمَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ يَا وِقَايَهَ اللَّهِ وَ سِتْرَهُ وَ بَرَكَتَهُ أَغِثْنِي أَدْنِنِي أَعِنِّي أَدْرِكْنِي صِلْنِي بِكَ وَ لَا تَقْطَعْنِي اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بِهِمْ تَوَسُّلِي وَ تَقَرُّبِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ صِلْنِي بِهِمْ وَ لَا تَقْطَعْنِي بِحُجَّتِكَ وَ اعْصِمْنِي وَ سَلَامُكَ عَلَى آلِ يس مَوْلَايَ أَنْتَ الْجَاهُ عِنْدَ اللَّهِ رَبِّكَ وَ رَبِّي إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ الدُّعَاءُ بِعَقِبِ الْقَوْلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَهُ مِنْ كُلِّكَ فَاسْتَقَرَّ فِيكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى شَيْءٍ أَبَداً يَا كَيْنُونُ أَيَا مَكْنُونُ أَيَا مُتَعَالُ أَيَا مُتَقَدِّسُ أَيَا مُتَرَاحِمُ أَيَا مُتَرَئِّفُ أَيَا مُتَحَنِّنُ أَسْأَلُكَ كَمَا خَلَقْتَهُ غَضّاً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَ كَلِمَهِ نُورِكَ وَ وَالِدِ هُدَاهِ رَحْمَتِكَ وَ امْلَأْ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَ صَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَ فِكْرِي نُورَ الثَّبَاتِ وَ عَزْمِي نُورَ التَّوْفِيقِ وَ ذَكَائِي نُورَ الْعِلْمِ وَ قُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَ لِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَ دِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَ بَصَرِي نُورَ الضِّيَاءِ وَ سَمْعِي نُورَ وَعْيِ الْحِكْمَهِ وَ مَوَدَّتِي نُورَ الْمُوَالاهِ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عليهم السلام وَ يَقِينِي قُوَّهَ الْبَرَاءَهِ

مِنْ أَعْدَاءِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ حَتَّى أَلْقَاكَ وَ قَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَ مِيثَاقِكَ فَيَسَعَنِي رَحْمَتُكَ يَا وَلِيُّ يَا حَمِيدُ بِمَرْآكَ وَ مَسْمَعِكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ دُعَائِي فَوَفِّنِي مُنَجَّزَاتِ إِجَابَتِي أَعْتَصِمُ بِكَ مَعَكَ مَعَكَ مَعَكَ سَمْعِي وَ رِضَايَ.

**[ترجمه]روایتی را با خط شیخ محمد بن علی جبعی دیدم که در آن چنین آمده بود: ابوالمفضل عبدالله شیبانی روایت می کند که ابوجعفر محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری این روایت را برای او نقل کرده است و اجازه نقل آنرا به او داده است: که بعد از پرسش های زیادی که مطرح شد، توقیعی از ناحیه مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شد که چنین است: درباره صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد و واسطه قرار دادن آن ها به درگاه الهی:

بسم الله الرحمن الرحیم... شما نه درباره دستورات خداوند تفکر می کنید و نه این که از اولیای خداوند سخنی را می پذیرید. این حکمت رسایی است و بیم و انذار، انسان های بی ایمان را سودی نمی بخشد. سلام و درود بر ما و بر بندگان شایسته خداوند. هرگاه خواستید که به وسیله ما به درگاه خداوند و به پیشگاه ما روی آورید، پس بگویید چنان که خداوند تعالی فرموده است:

سلام بر آل یاسین، که این همان فضل آشکار است و خداوند صاحب همه فضل‌هاست و هر کس را بخواهد به راه راست هدایت می کند. ای آل یاسین خداوند جانشینی خود را به شما سپرده است و مجاری امر خود را در آن چه که تقدیر و تدبیر کرده و در اموری که آن را مرتب ساخته و آن را در ملکوت خود اراده کرده است به شما آموخته است و او پرده را از پیش چشمان شما کنار زده و شما گنجینه‌های علم او و گواهان او و امانتدارانش هستید و شمایید که سیاستمداری بندگانش را به عهده دارید و ستون سرزمین‌های آنان هستید و شمایید که در میان مردم به حکم خداوند داوری می کنید و درهای ایمان هستید و یکی از اموری که خداوند آن را تقدیر فرموده این است که بخشش‌های زیادی را به شما عطا کرده است. تقدیر او حتمی است و تنها سبب آن شما هستید راه همه به سوی اوست. این که او شما را به عنوان دوست خود برگزیده یک نعمت است و این که او از دشمنان شما انتقام می‌گیرد خشم او را نشان می‌دهد. راه نجات همگان و پناهگاه همه تنها شمایید و نمی‌توان از شما بی‌نیاز شد. شما چشم‌های بینای خداوندید و در بر دارندگان علم و دانش او هستید و منزل وحدانیت او در زمین و آسمانش هستید و تو ای حجت خداوند، و ای ذخیره ی نعمت تام خداوند و وارث پیامبران او و جانشینانش هستی. و تمام دارائی های ما در زندگی هستی. و تو همان صاحب دوران رجعت هستی که پروردگارمان وعده اش را داده است؛ همان دورانی که دولت حق در آن برپا شده و دوران شادمانی ما و دوران تحقق یاری خداوند و سربلندی ماست .

سلام بر تو ای پرچم برافراشته ودانش ریزان وفریادرس (درماندگان)، و ای رحمت گسترده وآن وعده ای که دروغ نشود. سلام بر تو که همه چیز را می‌بینی و می‌شنوی. اطمینان تو از چشم خدا می‌آید و عهد و پیمان‌های تو به دست خداست و قدرت تو از قدرت خدا سرچشمه می... گیرد. تو آدم بردباری هستی که هیچ‌گاه تعصب و حمیت سبب نمی‌شود که کاری را زودتر از موعد آن انجام دهی. و تو آن کریم و بخشند... ه‌ای هستی که حرص نگاه داشتن مال او را از بخشندگی باز نمی‌دارد و تو آن دانایی هستی که عصبیت کورکورانه سبب جهل تو نمی‌گردد و تلاش و مجاهدتی که تو در راه خدا داری، به سبب این است که مشیت خدا آن را می‌خواهد و انتقام و خشمی که در راه خدا داری، به این دلیل است که می‌خواهی انتقام حق پایمال شده خداوند را بگیری و صبری که در راه خدا داری مایه تقرب تو به خداست و شکر و حمدی که برای خدا داری، باعث گشایش و افزونی نعمت و رحمت اوست سلام بر تو که که حافظ تو خداوند است و تو نوری هستی که در جلو، پشت‌سر راست و چپ و بالا و پایین او می‌تابی. ای کسی که قدرت خداوند یکتا حافظ توست، تو نور چشم و گوش خداوندی سلام بر تو؛ ای وعده خدا که آن را ضمانت نموده . سلام بر تو ای پیمان محکم خداوند از بندگانش گرفته و استوارش کرده است. سلام بر تو؛ ای دعوت کننده الهی و عارف (دانای بزرگ) به آیات او. سلام بر تو؛ ای واسطه خداوند و حاکم و قاضی (داور) دین او. سلام بر تو؛ ای جانشین خدا و یاری کننده حق او. سلام بر تو؛ ای حجّت خدا و راهنمای اراده او. سلام بر تو؛ ای تلاوت گر و مفسر قرآن. سلام بر تو؛ در در تمام لحظه های شبانه ات و سرتاسر (ساعت های) روزت . سلام بر تو؛ ای به جای مانده از طرف خداوند در زمین او. سلام بر تو؛ هنگامی که بپا می ایستی. سلام بر تو؛ هنگامی که می نشینی. سلام بر تو؛ هنگامی که قرائت (قرآن) می کنی و بیان (تفسیر) می کنی. سلام بر تو؛ وقتی به نماز می

ایستی و قنوت می خوانی. سلام بر تو هنگامی که رکوع وسجده بجای آوری. سلام بر تو؛ هنگامی که استعاذه (اعوذ بالله من الشیطان الرجیم) و تسبیح می گویی. سلام بر تو آن گاه که الله اکبر و لا اله الا الله می گویی. سلام بر تو؛ هنگامی که خدا را ستایش می کنی و از او آمرزش می خواهی. سلام بر تو؛ هنگامی که خداوند را به بزرگی یاد می کنی و او را ستایش می کنی. سلام بر تو؛ هنگامی که بامداد کنی و شام کنی. سلام بر تو در شب آن گاه که (تاریکی اش گیتی را) فرو پوشد و در روز آن گاه که روشنایی اش آشکار گردد. و سلام بر تو در آغاز و انجام.

سلام بر شما ای حجت های خداوند و سرپرستان و هدایتگران و دعوتگران و رهبران و امامان و بزرگان و سروران ما. سلام بر شما که نور ما و جاه ما در هنگام نمازهایمان هستید. و ما در دعا و نماز و روزه و استغفار و هرکار دیگرمان، شما را دستاویز خود قرار می دهیم. . سلام بر تو؛ ای امام امین (امان یافته). سلام بر تو؛ ای مقدم (بر همه خلق و) مورد آرزو(ی آنان) . سلام بر تو؛ همه ی سلام های جامع و فراگیر.

تو را گواه می گیرم ای مولا و سرور من به این که شهادت می دهم که معبودی جز خداوند یگانه و بی همتا نیست و این که (حضرت) محمد بنده و فرستاده اوست و محبوبی جز او وخاندانش نیست و گواه می گیرم تو را ای مولای من که علی أمیر المؤمنین حجت خدا است و حسن حجّت اوست و حسین حجّت اوست و علیّ بن الحسین حجّت اوست و محمّد بن علی حجّت اوست و جعفربن محمّد حجّت اوست و موسی بن جعفر حجّت اوست و علیّ بن موسی حجّت اوست و محمّد بن علی حجّت اوست و علی بن محمّدحجّت اوست و حسن بن علی حجّت اوست وشهادت می دهم که تو حجّت خدایی. و گواهی می دهم که پیامبران دعوتگران و هدایتگرانی بودند که مردم را به دین و آیین شما دعوت می کردند. شما آغاز و انجام هستید و سر منزل مقصد هم شمایید.

و مسلما بازگشت شما حق است که شکی در آن نیست، روزی که ایمان آوردن سودی ندارد اگر از قبل ایمان نیاورده باشند یا در حال ایمان خود کار نیک نکرده باشند . و این که مرگ حقّ است و ناکر و نکیر (دو فرشته سؤال قبر) حقّ است، و شهادت می دهم که زنده شدن پس از مرگ و برانگیخته شدن حق است، و (پل) صراط حق است، و مرصاد (کمین گاه، گذر گاه) حق است و ترازوی (سنجش اعمال) حساب رسی کردارها حق است، و بهشت و جهنم حق است، و نوید وهشدار به آن دو حق است. و این که شما اهل بیت مقام شفاعت دارید و شفاعت شما رد نمی شود، هم حق است. شما هرگز از مشیت خداوند پیشی نمی گیرد و به امر خداوند کار می کنید و رحمت و کلمه والا از آن خداوند است و نیکی و حجت نیک بخت خداوند، نیز در گرو اراده اوست.

او که جنیان و انسان ها را آفریده است تا او را پرستش کنند و از بندگانش هم خواسته است که او را پرستش کنند و پس، مخالف شما تیره بخت است و مطیع شما خوشبخت. بر آن چه که تو را گواه و شاهد گرفتم، شاهد و گواه باش و آن را برایم در نزد خود نگهدار تا بر همان عهد و پیمان بمیرم و برانگیخته شوم و برای حسابرسی در محضر خداوند، بایستم. من دوستدار تو هستم و از دشمنانت بیزار. بیزارم از کسی که شما را خشمگین ساخته و دوستدار کسی که شما را دوست داشته باشد، آن چه مورد رضایت شما باشد، حق است و آن چه موجب خشم و نارضایتی شما باشد، باطل است. معروف همان است که شما امر بدان فرموده اید، و منکر نیز همان است که شما از آن نهی نموده اید، قضای لایتغیر الهی همان است که مشیت شما بر آن تعلق گرفته و محو شده، همان است که سنت شما بر آن تعلق گرفته باشد. پس با تمام وجود به خداوند یکتا و بی همتا ایمان دارم و محمد بنده و رسولش و علی امیرالمؤمنین حجت اوست و حسن حجّت اوست و حسین حجّت اوست و علیّ حجّت اوست و محمّد حجّت اوست و جعفر حجّت اوست و موسی حجّت اوست و علیّ حجّت اوست و محمّد حجّت اوست و علی حجّت اوست و حسن حجّت اوست و تو حجّت خدایی. و شما حجت های خداوند برهان های قاطع الهی هستید. ای مولایم، من به آن بیعتی که خداوند از من گرفته و بر من شرط نموده که در راه او بجنگم و به این وسیله جان های مؤمنان را خریداری کرده است، خوشنود و راضی هستم. ، پس دل من به خداوند یکتا و بی همتا ایمان دارد و به رسول او و به امیرالمؤمنان و به شما ای مولای من از اول تا آخرتان (ایمان دارد) و برای یاری شما آماده هستم و دوستی من فقط برای شماست. و از دشمنان شما که اهل غضب وستیزه جویی هستند، بیزاری جسته و برای خونخواهی شما آماده هستم. من تنهایم و خداوند که خدای برحق است، مرا چنین قرار دهد. آمین آمین .

من در مصایبی که به سراغم می آید، جز تو هیچ کسی را ندارم من به تو متوسل شده‌ام تا به واسطه نزدیکی‌ام به تو مرا پاس بداری ای کسی که مایه حفظ خدا هستی و پوشش او هستی و خیر و برکت او هستی به فریاد من برس مرا به خود نزدیک کن مرا یاری کن مرا دریاب و مرا به خودت برسان و مرا از خود دور نکن خداوندا من با توسل به ایشان و نزدیک شدن به آنان به تو روی می‌آورم. خداوندا بر محمد و آل او درود و سلام بفرست و مرا به ایشان برسان و هیچ گاه بین من و حجت خود جدایی میفکن و مرا حفظ کن و و سلام تو بر آل یاسین باد. ای مولای من تو در نزد خداوند آبرو داری. او خدای تو و خدای من است اوست ستوده شده و بزرگوار.

و بعد هم، این دعا را می‌خوانی: خداوندا از تو می‌خواهم به اسمی که آن را از کُلّ خود آفریدی و در تو استقرار یافت و از تو به سوی هیچ چیز دیگری خارج نشد، ای پوشیده و مستور، ای متعال بزرگ و ای مقدس پاک ای رحم کننده مهربان رؤوف ای رحیم از تو می‌خواهم همان طوری که او را تازه آفریدی، بر محمد پیامبر رحمت خود و کلمه نور خود و پدر همه رهبران و راهنمایانت درود و سلام فرستی و قلب مرا سرشار از نور یقین گردانی و سینه‌ام را مالامال از نور ایمان سازی و فکرم را از نور ثبات پر کنی و به عزم و اراده من نور توفیق عطا کنی و به هوش و ذکاوت من نور علم هدیه کنی و به نیروی من نور کار بدهی و به زبانم نور صدق و راستگویی ارزانی داری و به دینم نور بصیرت و به چشمم نور و روشنایی و به گوشم نور آگاهی و حکمت و به مهر و محبتم نور عشق به محمد و آل محمد و به یقینم نور بیزاری از دشمنان محمد و آل محمد تا تو را دیدار کنم و من به عهد و پیمانت عمل کردم پس رحمت واسعه خود را شامل حال من گردان ای خدایی که سرپرست همه آفریدگان و مورد ستایش همه آفریدگانی، و مرا می بینی و صدایم را می شنوی. ای حجت خداوند آن چه را که موجب اجابت دعایم می شود، را برایم هموار ساز. به تو متوسل می‌شوم و گوش به فرمان تو هستم و به آن چه رضایت داری، راضی هستم.

**[ترجمه]

«۲۴»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، عَنِ الْأَعْمَشِ قَالَ: خَرَجْتُ حَاجّاً فَرَأَیْتُ بِالْبَادِیَهِ أَعْرَابِیّاً أَعْمَی وَ هُوَ یَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِالْقُبَّهِ الَّتِی اتَّسَعَ فِنَاؤُهَا وَ طَالَتْ أَطْنَابُهَا وَ تَدَلَّتْ أَغْصَانُهَا وَ عُذِّبَ ثَمَرُهَا وَ اتَّسَقَ فَرْعُهَا وَ أُسْبِغَ وَرَقُهَا وَ طَابَ مَوْلِدُهَا إِلَّا رَدَدْتَ عَلَیَّ بَصَرِی قَالَ فَخَنَقَتْنِی الْعَبْرَهُ فَدَنَوْتُ إِلَیْهِ وَ قُلْتُ یَا أَعْرَابِیُّ لَقَدْ دَعَوْتَ فَأَحْسَنْتَ فَمَا الْقُبَّهُ الَّتِی اتَّسَعَ فِنَاؤُهَا قَالَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله قُلْتُ فَقَوْلُکَ وَ طَالَتْ أَطْنَابُهَا قَالَ أَعْنِی فَاطِمَهَ علیها السلام قُلْتُ وَ تَدَلَّتْ أَغْصَانُهَا قَالَ عَلِیٌّ وَصِیُّ رَسُولِ اللَّهِ قُلْتُ وَ عُذِّبَ ثَمَرُهَا قَالَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ قُلْتُ وَ اتَّسَقَ فَرْعُهَا قَالَ حَرَّمَ اللَّهُ ذُرِّیَّهَ فَاطِمَهَ عَلَی النَّارِ قُلْتُ وَ أُسْبِغَ وَرَقُهَا قَالَ بِعَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ فَأَعْطَیْتُهُ دِینَارَیْنِ وَ مَضَیْتُ وَ قَضَیْتُ الْحَجَّ وَ رَجَعْتُ فَلَمَّا وَصَلْتُ إِلَی الْبَادِیَهِ رَأَیْتُهُ فَإِذَا عَیْنَاهُ مَفْتُوحَتَانِ کَأَنَّهُ مَا عَمِیَ قَطُّ فَقُلْتُ یَا أَعْرَابِیُّ کَیْفَ کَانَ حَالُکَ قَالَ کُنْتُ أَدْعُو بِمَا سَمِعْتَ فَهَتَفَ بِی هَاتِفٌ وَ قَالَ إِنْ کُنْتَ صَادِقاً أَنَّکَ تُحِبُّ نَبِیَّکَ وَ أَهْلَ بَیْتِ نَبِیِّکَ فَضَعْ یَدَکَ عَلَی عَیْنَیْکَ فَوَضَعْتُهُمَا عَلَیْهِمَا ثُمَّ کَشَفْتُ عَنْهُمَا وَ قَدْ رَدَّ اللَّهُ عَلَیَّ بَصَرِی فَالْتَفَتُّ یَمِیناً وَ شِمَالًا فَلَمْ أَرَ أَحَداً فَصِحْتُ أَیُّهَا الْهَاتِفُ بِاللَّهِ مَنْ أَنْتَ فَسَمِعْتُ أَنَا الْخَضِرُ أَحِبَّ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ فَإِنَّ حُبَّهُ خَیْرُ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ.

وَ کَانَ الصَّادِقُ علیه السلام تَحْتَ الْمِیزَابِ وَ مَعَهُ جَمَاعَهٌ إِذْ جَاءَهُ شَیْخٌ فَسَلَّمَ ثُمَّ قَالَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّی لَأُحِبُّکُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ وَ أَبْرَأُ مِنْ عَدُوِّکُمْ وَ إِنِّی بُلِیتُ بِبَلَاءٍ شَدِیدٍ وَ قَدْ أَتَیْتُ الْبَیْتَ مُتَعَوِّذاً بِهِ مِمَّا أَجِدُ ثُمَّ بَکَی وَ أَکَبَّ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یُقَبِّلُ رَأْسَهُ وَ رِجْلَیْهِ وَ جَعَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَتَنَحَّی عَنْهُ فَرَحِمَهُ وَ بَکَی ثُمَّ قَالَ هَذَا أَخُوکُمْ وَ قَدْ أَتَاکُمْ مُتَعَوِّذاً بِکُمْ فَارْفَعُوا أَیْدِیَکُمْ فَرَفَعَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام

يَدَيْهِ وَ رَفَعْنَا أَيْدِيَنَا ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَ هَذِهِ النَّفْسَ مِنْ طِينَةٍ أَخْلَصْتَهَا وَ جَعَلْتَ مِنْهَا أَوْلِيَاءَكَ وَ أَوْلِيَاءَ أَوْلِيَائِكَ وَ إِنْ شِئْتَ أَنْ تُنَحِّيَ عَنْهَا الْآفَاتِ فَعَلْتَ اللَّهُمَّ وَ قَدْ تَعَوَّذَ بِبَيْتِكَ الْحَرَامِ الَّذِي يَأْمَنُ بِهِ كُلُّ شَيْءٍ وَ قَدْ تَعَوَّذَ بِنَا وَ أَنَا أَسْأَلُكَ يَا مَنِ احْتَجَبَ بِنُورِهِ عَنْ خَلْقِهِ أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ يَا غَايَةَ كُلِّ مَحْزُونٍ وَ مَلْهُوفٍ وَ مَكْرُوبٍ وَ مُضْطَرٍّ مُبْتَلًى أَنْ تُؤْمِنَهُ بِأَمَانِنَا مِمَّا يَجِدُ وَ أَنْ تَمْحُوَ مِنْ طِينَتِهِ مَا قُدِّرَ عَلَيْهَا مِنَ الْبَلَاءِ وَ أَنْ تُفَرِّجَ كُرْبَتَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فَلَمَّا فَرَغَ مِنَ الدُّعَاءِ انْطَلَقَ الرَّجُلُ فَلَمَّا بَلَغَ بَابَ الْمَسْجِدِ رَجَعَ وَ بَكَى ثُمَّ قَالَ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهِ مَا بَلَغْتُ بَابَ الْمَسْجِدِ وَ بِي مِمَّا أَجِدُ قَلِيلٌ وَ لَا كَثِيرٌ ثُمَّ وَلَّى.

**[ترجمه]دعوات راوندی از اعمش نقل می‌کند که برای ادای حج از منزل خارج شدم در بیابان یک بادیه‌نشین را دیدم که نابینا بود و می... گفت: خداوندا از تو می‌خواهم که به حق گنبدی که صحن آن گسترده شده است و پایه های آن بلندند و شاخه‌های آن آویزان‌اند و میوه‌های آن شیرین‌اند و شاخه‌های آن تمام و کامل اند و برگ‌های انبوه دارد و اصل و ریشه پاکی دارد، بینایی ام را به من بازگردانی. در این لحظه اشکم سرازیر شد و به او نزدیک شدم و گفتم: ای بادیه‌نشین تو بسیار نیکو دعا و مناجات کردی منظور از گنبدی که صحن وسیعی دارد کیست؟ گفت: محمد است. گفتم: و منظور از پایه های بلند آن گنبد چیست؟ گفت: فاطمه گفتم آن که گفتی شاخه‌های آویزان دارد گفت علی جانشین رسول خدا. گفتم میوه‌های شیرین گفت حسن و حسین گفتم شاخه های تمام وکامل اند گفت خداوند آتش را بر فرزندان فاطمه حرام کرده است. گفتم: و مقصود از برگ های انبوه چیست؟ گفت: خداوند به واسطه علی بن ابی طالب به این درخت برگ های زیاد عطا نموده است. من به او دو دینار دادم و راهی حج شدم و آداب و مناسک آن را به جا آوردم و هنگامی که بازگشتم و به بیابان رسیدم، او را دیدم که چشمانش باز شده بود گویا هیچ وقت کور نبوده است. به او گفتم ای اعرابی، حال تو چگونه بود؟ گفت: همان دعایی را که شنیدی خواندم پس هاتفی ندا داد و گفت: اگر از راستگویان هستی و پیامبر خود را دوست می‌داری و اهل بیت او را دوست داری، دستت را بر چشمانت بگذار من دستم را بر چشمانم گذاشتم و سپس آن را برداشتم و خداوند بینایی مرا به من بازگرداند. چپ و راست خود را نگاه کردم و هیچ‌کسی را ندیدم و فریاد زدم که ای هاتف تو را به خدا سوگند می‌دهم که بگو کیستی و شنیدم که او گفت: من خضر هستم و دوستدار علی بن ابی طالبم. عشق علی خیر دنیا و آخرت را به همراه دارد.

و امام صادق علیه السلام با گروهی زیر ناودان کعبه نشسته بودند که پیرمردی آمد و سلام گفت. سپس گفت: ای پسر رسول خدا من دوستدار شما اهل بیت هستم و از دشمنان شما بیزارم و گرفتار مصیبت بزرگی شده‌ام و به این درگاه آمده‌ام تا از مصیبتی که دارم به شما پناه ببرم. سپس گریه کرد و پیش روی امام صادق علیه السلام به زمین افتاد و سر و پاهای امام را بوسید. امام خم شد و با او ملاطفت کرد و گریست و فرمود: این برادر شماست که به سوی شما آمده و به شما پناه جسته است. پس دستان خود را به آسمان بلند کنید. امام علیه السلام دستان خود را بلند کرد و ما نیز همین طور. سپس فرمود: خداوندا تو این جان را از خاکی آفریدی که آن را خالص گرداندی و دوستان خود و دوستان دوستانت را نیز از همین خاک آفریدی و اگر بخواهی

آفات را از او دور کنی این کار را خواهی کرد. خداوندا، این بنده به بیت الحرام تو پناه آورده است خانه ای که همگان را ایمن می‌دارد و او به ما پناه آورده است و من از تو می‌خواهم ای کسی که با نور خود از خلق پنهان گشته‌ای، از تو می‌خواهم که به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین، ای منتهای آرزوی همه اندوهگینان و ستمدیدگان و غم‌دیدگان و بیچارگان و مبتلایان، از تو می‌خواهم که به واسطه ما او را از مشکلش رهایی بخشی و هربلایی را که در تقدیرش نوشته ای پاک کنی، و در کار او گشایشی حاصل کنی ای مهربان‌ترین مهربانمان.

وقتی دعای امام علیه السلام تمام شد، آن مرد رفت. و به محض این که به در مسجد رسید، برگشت و با گریه گفت: خداوند داناتر است که رسالت خود را کجا گذارد (و که را این مقام بلند بخشد) و به خدا سوگند همین که به در مسجد رسیدم، هیچ اثری از درد و بیماری در خود نیافتم. و سپس از آن جا رفت.

**[ترجمه]

نُقِلَ مِنْ خَطِّ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجُبَعِيِّ نَقْلًا مِنْ خَطِّ الشَّيْخِ عَلِيِّ بْنِ السُّكُونِ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُمَا أَخْبَرَنِي شَيْخُنَا وَ سَيِّدُنَا السَّيِّدُ الْأَجَلُّ الْعَالِمُ الْفَقِيهُ جَلَالُ الدِّينِ أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ الْحَمِيدِ بْنُ فَخَّارِ بْنِ مَعَدِّ بْنِ فَخَّارٍ الْعَلَوِيُّ الْحُسَيْنِيُّ الْمُوسَوِيُّ الْحَائِرِيُّ أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَهُ قِرَاءَةً عَلَيْهِ وَ هُوَ يُعَارِضُنِي بِأَصْلِ سَمَاعِهِ الَّذِي بِخَطِّ وَالِدِهِ رَحِمَهُ اللَّهُ الْمَنْقُولِ مِنْ هَذَا الْفَرْعِ فِي شُهُورِ سَنَةِ سِتٍّ وَ سَبْعِينَ وَ سِتِّمِائَةٍ قَالَ أَخْبَرَنِي وَالِدِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنِي الْأَجَلُّ الْعَالِمُ تَاجُ الدِّينِ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الدَّرْبِيِّ أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَهُ سَمَاعاً مِنْ لَفْظِهِ وَ قِرَاءَةً عَلَيْهِ فِي شَهْرِ رَبِيعٍ الْأَوَّلِ سَنَةَ سِتٍّ وَ تِسْعِينَ وَ خَمْسِمِائَةٍ قَالَ أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ الْفَقِيهُ الْعَالِمُ قِوَامُ الدِّينِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْبَحْرَانِيُّ الشَّيْبَانِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قِرَاءَةً عَلَيْهِ سَنَةَ ثَلَاثٍ وَ سَبْعِينَ وَ خَمْسِمِائَةٍ قَالَ قَرَأْتُ عَلَى الشَّيْخِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ قَرَأْتُ هَذَا الْعَهْدَ عَلَى الشَّيْخِ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ قَالَ قَرَأْتُ عَلَى الشَّيْخِ أَبِي زَكَرِيَّا يَحْيَى بْنِ كَثِيرٍ قَالَ قَرَأْتُ عَلَى السَّيِّدِ الْأَجَلِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْقُرَشِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ سَعِيدٍ بِقِرَاءَتِهِ عَلَى الشَّيْخِ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ قَرَأْتُ عَلَى الرَّبِيعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسْلِيِّ قَالَ قَرَأْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ سَيِّدَنَا الْإِمَامَ

ص: ۴۱

جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ الصَّادِقَ علیه السلام یَقُولُ: مَنْ دَعَا إِلَی اللَّهِ أَرْبَعِینَ صَبَاحاً بِهَذَا الْعَهْدِ کَانَ مِنْ أَنْصَارِ قَائِمِنَا وَ إِنْ مَاتَ أَخْرَجَهُ اللَّهُ إِلَیْهِ مِنْ قَبْرِهِ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِکُلِّ کَلِمَهٍ أَلْفَ حَسَنَهٍ وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَیِّئَهٍ وَ هَذَا هُوَ الْعَهْدُ اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِیمِ وَ رَبَّ الْکُرْسِیِّ الرَّفِیعِ وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَ مُنْزِلَ التَّوْرَاهِ وَ الْإِنْجِیلِ وَ الزَّبُورِ وَ رَبَّ الظِّلِّ وَ الْحَرُورِ وَ مُنْزِلَ الْفُرْقَانِ الْعَظِیمِ وَ رَبَّ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ وَ الْأَنْبِیَاءِ وَ الْمُرْسَلِینَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِوَجْهِکَ الْکَرِیمِ وَ بِنُورِ وَجْهِکَ الْمُنِیرِ وَ مُلْکِکَ الْقَدِیمِ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرَضُونَ یَا حَیُّ قَبْلَ کُلِّ حَیٍّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْمَهْدِیَّ الْقَائِمَ بِأَمْرِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ وَ عَلَی آبَائِهِ الطَّاهِرِینَ عَنْ جَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِی مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ عَنِّی وَ عَنْ وَالِدَیَّ مِنَ الصَّلَاهِ زِنَهَ عَرْشِ اللَّهِ وَ عَدَدَ کَلِمَاتِهِ وَ مَا أَحْصَاهُ کِتَابُهُ وَ أَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ اللَّهُمَّ إِنِّی أُجَدِّدُ لَهُ فِی صَبِیحَهِ هَذَا الْیَوْمِ وَ مَا عِشْتُ بِهِ فِی أَیَّامِی عَهْداً وَ عَقْداً وَ بَیْعَهً لَهُ فِی عُنُقِی لَا أَحُولُ عَنْهَا وَ لَا أَزُولُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ وَ الذَّابِّینَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِینَ فِی حَوَائِجِهِ وَ الْمُمْتَثِلِینَ لِأَوَامِرِهِ وَ الْمُحَامِینَ عَنْهُ وَ الْمُسْتَشْهَدِینَ بَیْنَ یَدَیْهِ اللَّهُمَّ فَإِنْ حَالَ بَیْنِی وَ بَیْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِی جَعَلْتَهُ عَلَی عِبَادِکَ حَتْماً فَأَخْرِجْنِی مِنْ قَبْرِی مُؤْتَزِراً کَفَنِی شَاهِراً سَیْفِی مُجَرِّداً قَنَاتِی مُلَبِّیاً دَعْوَهَ الدَّاعِی فِی الْحَاضِرِ وَ الْبَادِی اللَّهُمَّ أَرِنِی الطَّلْعَهَ الرَّشِیدَهَ وَ الْغُرَّهَ الْحَمِیدَهَ وَ اکْحُلْ مَرَهِی (۱)

بِنَظْرَهٍ مِنِّی إِلَیْهِ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ أَوْسِعْ مَنْهَجَهُ وَ اسْلُکْ بِی مَحَجَّتَهُ وَ أَنْفِذْ أَمْرَهُ وَ اشْدُدْ أَزْرَهُ وَ اعْمُرِ اللَّهُمَّ بِهِ بِلَادَکَ وَ أَحْیِ بِهِ عِبَادَکَ إِنَّکَ أَنْتَ قُلْتَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا کَسَبَتْ أَیْدِی النَّاسِ فَأَظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِیَّکَ وَ ابْنَ وَلِیِّکَ وَ ابْنَ بِنْتِ نَبِیِّکَ الْمُسَمَّی بِاسْمِ رَسُولِکَ فِی الدُّنْیَا حَتَّی لَا یَظْفَرَ بِشَیْ ءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَّقَهُ وَ یُحِقَّ الْحَقَّ وَ یُحَقِّقَهُ اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْهُ مَفْزَعاً لِلْمَظْلُومِ مِنْ عِبَادِکَ وَ نَاصِراً لِمَنْ لَمْ یَجِدْ لَهُ نَاصِراً غَیْرَکَ

۱- ۱. المره- محرکه- بیاض العین و فساده لترک الاکتحال.

وَ مُجَدِّداً لِمَا عُطِّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ وَ مُشَيِّداً لِمَا دَرَسَ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ وَ سُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ اللَّهُمَّ وَ سُرَّ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ بِرُؤْيَتِهِ وَ مَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ وَ ارْحَمِ اسْتِكَانَتَنَا مِنْ بَعْدِهِ اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَنِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ وَ عَجِّلِ اللَّهُمَّ لَنَا ظُهُورَهُ إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

**[ترجمه]محمد بن علی جبعی روایت نموده که امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس چهل روز صبح، دعای عهد را بخواند از یاران قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود. و اگر بمیرد، خداوند او را از قبرش بر می انگیزد. و خداوند به ازای هر کلمه از این دعا، به خواننده آن، هزار حسنه می دهد و هزار کار بد او را نیز پاک می کند. و دعای عهد این است:

خداوندا، ای پروردگار نور بزرگ، و پروردگار کرسی بلند، و پروردگار دریای جوشان، و نازل کننده تورات و انجیل و زبور، و پروردگار سایه و حرارت آفتاب، و نازل کننده قرآن بزرگ، و پروردگار فرشتگان مقرّب، و پیامبران و رسولان. خدایا به روی کریمت، و به نور وجه نوربخشت، و فرمانروایی دیرینه ات، ای زنده و پا برجای دائم، از تو درخواست می کنم به حق نامت، که به واسطه آن آسمان هاو زمین ها روشن شد، ای زنده پیش از هر زنده! معبودی جز تو نیست .

خدایا برسان به مولای ما؛ آن امام راهنمای راه یافته،

قیام کننده به فرمان خدا که درودهای خدا بر او و پدران پاکش باد، از جانب همه مردان و زنان مؤمن، در مشرق های زمین و مغرب هایش، همواری ها و کوه هایش و خشکی ها و دریاهایش، و از طرف من و پدر و مادرم، سلام هایی به گرانی عرش خدا، و به تعداد کلماتش، و هر تعداد که دانش خداوند آن را شمارش می تواند، و کتابش به آن احاطه یافته، به آن امام برسان. خدایا در صبح این روز و همه روزهای زندگی ام، با آن حضرت تجدید عهد و پیمان می کنم عهدی که از آن رو نگردانم، و هیچ گاه دست برندارم. خدایا مرا، از یاران و مددکاران و مدافعان او قرار ده، و از کسانی قرار ده به سویش شتاب می کنند تا خواسته هایش را برآورده سازند، و اوامرش را اجرا نمایند و از آن حضرت دفاع نمایند و در رکاب او به مقام شهادت برسند. خدایا اگر بین من و او مرگی که بر بندگانت حتم و قطعی ساختی حائل شد، مرا با کفن از قبر بیرون آور در حالی که با شمشیر از نیام برکشیده و نیزه برهنه در شهر و روستا، به ندای آن حضرت لبیک گویم. خدایا آن جمال با رشادت، و پیشانی ستوده را به من بنمایان، و با نگاهی از من به او، دیده ام را سرمه بنه. و در گشایش امرش تعجیل (شتاب) فرما، و آمدنش را آسان گردان، و راهش را وسعت بخش، و مرا راهرو راه او قرار بده، و فرمانش را نافذ و پشتش را محکم گردان. خدایا، به دست او کشور هایت را آباد کن، و بندگانت را به وسیله او زنده فرما، به درستی که تو فرمودی و گفته ات حق است که: فساد در خشکی و دریا، در اثر اعمال مردم نمایان شد. خدایا ولیّ ات، و فرزند دختر پیامبرت که همنام پیامبرت است، را برای ما آشکار کن، تا به هر باطلی که سیطره یافت، آن را از بین ببرد و حق را پابرجا و ثابت نماید. خدایا او را پناهگاهی برای بندگان ستم دیده ات قرار بده، و یاور برای کسی که یاری برای خود جز تو نمی یابد، و تجدیدکننده آن چه از احکام کتابت تعطیل شده، و نشانه های دینت و سنت های پیامبرت صلی الله علیه و آله که مندرس گشته، را بوسیله او پابرجا ساز. خداوندا؛ او را از جمله کسانی قرار ده که آنان را از شر تجاوزکاران محفوظ داشته ای. خداوندا، پیامبرت صلی الله علیه و آله و پیروان پیامبرت را به دیدن او شادمانی ببخش. و پس از او به درماندگی ما رحم فرما، خدایا این اندوه را از این امت به حضور آن حضرت برطرف کن، و در ظهورش برای ما تعجیل فرما، که دیگران ظهورش را دور می بینند، و ما نزدیک می بینیم، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

**[ترجمه]

«۲۶»

مِنْ أَصْلٍ قَدِيمٍ مِنْ مُؤَلَّفِ قُدَمَاءِ الْأَصْحَابِ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ

مِهْرَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ: أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ علیه السلام دَفَعَ إِلَی جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشْعَثِ كِتَاباً فِيهِ دُعَاءٌ وَ الصَّلَاةُ عَلَی النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَدَفَعَهُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشْعَثِ إِلَی ابْنِهِ مِهْرَانَ فَكَانَتِ الصَّلَاةُ عَلَی النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله الَّذِی فِيهِ: اللَّهُمَّ إِنَّ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله كَمَا وَصَفْتَهُ فِی كِتَابِكَ حَيْثُ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُ لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ ما عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ فَأَشْهَدُ أَنَّهُ كَذَلِكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَأْمُرْنَا بِالصَّلَاهِ عَلَيْهِ إِلَّا بَعْدَ أَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ أَنْتَ وَ مَلَائِكَتُكَ فَأَنْزَلْتَ فِی قُرْآنِكَ الْحَكِيمِ إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَی النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً لَا لِحَاجَةٍ بِهِ إِلَی صَلَاهِ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ عَلَيْهِ بَعْدَ صَلَوَاتِكَ وَ لَا إِلَی تَزْكِيَتِهِ لَهُ بَعْدَ تَزْكِيَتِكَ بَلِ الْخَلْقُ جَمِيعاً كُلُّهُمُ الْمُحْتَاجُونَ إِلَی ذَلِكَ إِلَّا أَنَّكَ جَعَلْتَهُ بَابَكَ الَّذِی لَا تَقْبَلُ إِلَّا مِمَّنْ أَتَاكَ مِنْهُ وَ جَعَلْتَ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ قُرْبَةً مِنْكَ وَ وَسِيلَةً إِلَيْكَ وَ زُلْفَةً عِنْدَكَ وَ دَلَلْتَ عَلَيْهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَمَرْتَهُمْ بِالصَّلَاهِ عَلَيْهِ لِيَزْدَادُوا بِذَلِكَ كَرَامَةً عَلَيْكَ وَ وَكَّلْتَ بِالْمُصَلِّينَ عَلَيْهِ مَلَائِكَةً يُصَلُّونَ عَلَيْهِمْ وَ يُبَلِّغُونَهُ صَلَاتَهُمْ عَلَيْهِ وَ تَسْلِيمَهُمْ اللَّهُمَّ رَبَّ مُحَمَّدٍ فَإِنِّی أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ أَنْ يَنْطَلِقَ لِسَانِی مِنَ الصَّلَوَاتِ عَلَيْهِ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَی وَ بِمَا لَمْ يَنْطَلِقْ بِهِ لِسَانُ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَ لَمْ تُعَلِّمْهُ إِيَّاهُ ثُمَّ تُؤْتِيَنِی عَلَی ذَلِكَ مُرَافَقَتَهُ حَيْثُ أَحْلَلْتَهُ مِنْ مَحَلِّ قُدْسِكَ وَ جَنَّاتِ فِرْدَوْسِكَ وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِی وَ بَيْنَهُ.

ص: ۴۳

اللَّهُمَّ إِنِّی ابْتَدَأْتُ لَهُ الشَّهَادَهَ ثُمَّ الصَّلَاهَ عَلَیْهِ وَ إِنْ کُنْتُ لَا أَبْلُغُ مِنْ ذَلِکَ رِضَا نَفْسِی وَ لَا یُعَبِّرُهُ لِسَانِی عَنْ ضَمِیرِی وَ لَا أَبِنُّ إِلَّا عَلَی التَّقْصِیرِ مِنِّی فَأَشْهَدُ لَهُ وَ الشَّهَادَهُ مِنِّی دُعَائِی وَ حَقٌّ عَلَیَّ وَ أَدَاءٌ لِمَا افْتَرَضْتَ لِی أَنْ قَدْ بَلَّغَ رِسَالَتَکَ غَیْرَ مُفَرِّطٍ فِیمَا أَمَرْتَ وَ لَا مُقَصِّرٍ عَمَّا أَرَدْتَ وَ لَا مُتَجَاوِزٍ لِمَا نَهَیْتَ عَنْهُ وَ لَا مُعْتَدٍ لِمَا رَضِیتَ لَهُ فَتَلَا آیَاتِکَ عَلَی مَا نَزَلَ بِهِ إِلَیْهِ وَحْیُکَ وَ جَاهَدَ فِی سَبِیلِکَ مُقْبِلًا عَلَی عَدُوِّکَ غَیْرَ مُدْبِرٍ وَ وَفَی بِعَهْدِکَ وَ صَدَعَ بِأَمْرِکَ لَا تَأْخُذُهُ فِیکَ لَوْمَهُ لَائِمٍ وَ بَاعَدَ فِیکَ الْأَقْرَبِینَ وَ قَرَّبَ فِیکَ الْأَبْعَدِینَ وَ أَمَرَ بِطَاعَتِکَ وَ ائْتَمَرَ بِهَا وَ نَهَی عَنْ مَعْصِیَتِکَ وَ انْتَهَی عَنْهَا سِرّاً وَ عَلَانِیَهً وَ دَلَّ عَلَی مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ أَخَذَ بِهَا وَ نَهَی عَنْ مَسَاوِی الْأَخْلَاقِ وَ رَغِبَ عَنْهَا وَ وَالَی أَوْلِیَاءَکَ بِالَّذِی تُحِبُّ أَنْ تَوَالَوْا بِهِ قَوْلًا وَ عَمَلًا وَ دَعَا إِلَی سَبِیلِکَ بِالْحِکْمَهِ وَ الْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ وَ عَبَدَکَ مُخْلِصاً حَتَّی أَتَاهُ الْیَقِینُ فَقَبَضْتَهُ إِلَیْکَ نَقِیّاً تَقِیّاً زَکِیّاً قَدْ أَکْمَلْتَ بِهِ الدِّینَ وَ أَتْمَمْتَ بِهِ النِّعَمَ وَ ظَاهَرْتَ بِهِ الْحُجَجَ وَ شَرَعْتَ بِهِ شَرَائِعَ الْإِسْلَامِ وَ فَصَّلْتَ بِهِ الْحَلَالَ مِنَ الْحَرَامِ وَ نَهَجْتَ بِهِ لِخَلْقِکَ صِرَاطَکَ الْمُسْتَقِیمَ وَ بَیَّنْتَ بِهِ الْعَلَامَاتِ وَ النُّجُومَ الَّذِی بِهِ یَهْتَدُونَ وَ لَمْ تَدَعْهُمْ بَعْدَهُ فِی عَمْیَاءَ یَهِیمُونَ وَ لَا فِی شُبْهَهٍ یَتِیهُونَ وَ لَمْ تَکِلْهُمْ إِلَی النَّظَرِ لِأَنْفُسِهِمْ فِی دِینِهِمْ بِآرَائِهِمْ وَ لَا التَّخَیُّرِ مِنْهُمْ بِأَهْوَائِهِمْ فَیَتَشَعَّبُونَ فِی مُدْلَهِمَّاتِ الْبِدَعِ وَ یَتَحَیَّرُونَ فِی مُطْبِقَاتِ الظُّلَمِ وَ تَتَفَرَّقُ بِهِمُ السُّبُلُ فِیمَا یَعْلَمُونَ وَ فِیمَا لَا یَعْلَمُونَ وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ تَوَلَّی مِنَ الدُّنْیَا رَاضِیاً عَنْکَ مَرْضِیّاً عِنْدَکَ مَحْمُوداً عِنْدَ مَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ وَ أَنْبِیَائِکَ الْمُرْسَلِینَ وَ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ وَ أَنَّهُ کَانَ غَیْرَ لَئِیمٍ وَ لَا ذَمِیمٍ وَ أَنَّهُ لَمْ یَکُنْ سَاحِراً وَ لَا سُحِرَ لَهُ وَ لَا شَاعِرٌ وَ لَا یَنْبَغِی لَهُ وَ لَا کَاهِنٌ وَ لَا تُکُهِّنَ لَهُ وَ لَا مَجْنُونٌ وَ لَا کَذَّابٌ وَ أَنَّهُ کَانَ رَسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِیِّینَ وَ أَنَّهُ جَاءَ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِ الْحَقِّ وَ صَدَّقَ الْمُرْسَلِینَ وَ أَشْهَدُ أَنَّ الَّذِینَ کَذَّبُوهُ ذَائِقُو الْعَذَابِ الْأَلِیمِ وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ بِهِ تُعَاقِبُ وَ بِهِ تُثِیبُ وَ أَنَّ مَا أَتَانَا بِهِ مِنْ عِنْدِکَ فَإِنَّهُ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِینُ لا رَیْبَ فِیهِ مِنْ

رَبِّ الْعالَمِینَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ أَمِینِکَ وَ نَجِیِّکَ وَ صِفْوَتِکَ وَ صَفِیِّکَ وَ دَلِیلِکَ مِنْ خَلْقِکَ الَّذِی انْتَجَبْتَهُ لِرِسَالاتِکَ وَ اسْتَخْلَصْتَهُ لِدِینِکَ وَ اسْتَرْعَیْتَهُ عِبَادَکَ وَ ائْتَمَنْتَهُ عَلَی وَحْیِکَ وَ جَعَلْتَهُ عَلَمَ الْهُدَی وَ بَابَ التُّقَی وَ الْحُجَّهَ الْکُبْرَی وَ الْعُرْوَهَ الْوُثْقَی فِیمَا بَیْنَکَ وَ بَیْنَ خَلْقِکَ وَ الشَّاهِدَ لَهُمْ وَ الْمُهَیْمِنَ عَلَیْهِمْ أَشْرَفَ وَ أَزْکَی وَ أَطْهَرَ وَ أَطْیَبَ وَ أَرْضَی مَا صَلَّیْتَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ أَنْبِیَائِکَ وَ رُسُلِکَ وَ أَصْفِیَائِکَ وَ اجْعَلْ صَلَوَاتِکَ وَ غُفْرَانَکَ وَ بَرَکَاتِکَ وَ رِضْوَانَکَ وَ تَشْرِیفَکَ وَ إِعْظَامَکَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ وَ أَنْبِیَائِکَ الْمُرْسَلِینَ وَ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ مِنَ الشُّهَدَاءِ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الْأَوْصِیَاءِ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً وَ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ بَیْنَهُمَا وَ مَا فِیهِمَا وَ مَا بَیْنَ الْخَافِقَیْنِ وَ مَا فِی الْهَوَی وَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ النُّجُومِ وَ الْجِبَالِ وَ الشَّجَرِ وَ الدَّوَابِّ وَ مَا سَبَّحَ لَکَ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ الظُّلْمَهِ وَ الضِّیَاءِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ فِی آنَاءِ اللَّیْلِ وَ سَاعَاتِ النَّهَارِ عَلَی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ وَ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ وَ إِمَامِ الْمُتَّقِینَ وَ مَوْلَی الْمُؤْمِنِینَ وَ وَلِیِّ الْمُسْلِمِینَ وَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ الشَّاهِدِ الْبَشِیرِ النَّذِیرِ الْأَمِینِ الدَّاعِی إِلَیْکَ بِإِذْنِکَ السِّرَاجِ الْمُنِیرِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ فِی الْأَوَّلِینَ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ فِی الْآخِرِینَ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ یَوْمَ الدِّینِ یَوْمَ یَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِینَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا أَثْبَتَّنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا رَحِمْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا فَضَّلْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا کَرَّمْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا کَثَّرْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا عَصَمْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا نَعَشْتَنَا بِهِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا أَعْزَزْتَنَا بِهِ اللَّهُمَّ وَ أَجْزِ مُحَمَّداً أَفْضَلَ مَا أَنْتَ جَازٍ بِهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ عَنْ أُمَّتِهِ رَسُولًا عَمَّا أَرْسَلْتَهُ إِلَیْهِ اللَّهُمَّ وَ اخْصُصْ مُحَمَّداً بِأَفْضَلِ قِسْمِ الْفَضَائِلِ وَ بَلِّغْهُ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُکْرَمِینَ مِنَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَی فِی أَعْلَی عِلِّیِّینَ فِی جَنَّاتٍ وَ نَهَرٍ فِی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِیکٍ مُقْتَدِرٍ وَ أَعْطِهِ حَتَّی یَرْضَی وَ زِدْهُ بَعْدَ الرِّضَا وَ اجْعَلْهُ أَقْرَبَ خَلْقِکَ مَجْلِساً وَ أَوْجَهَهُمْ عِنْدَکَ جَاهاً وَ أَوْفَرَهُمْ عِنْدَکَ نَصِیباً وَ أَجْزَلَهُمْ عِنْدَکَ حَظّاً فِی کُلِّ خَیْرٍ أَنْتَ قَاسِمُهُ بَیْنَهُمْ.

اللَّهُمَّ وَ أَوْرِدْ عَلَيْهِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ وَ قَرَابَتِهِ وَ أَزْوَاجِهِ وَ أُمَّتِهِ مَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَ أَقْرِرْ أَعْيُنَنَا بِرُؤْيَتِهِ وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ اللَّهُمَّ أَعْطِهِ مِنَ الْوَسِيلَهِ وَ الْفَضِيلَهِ وَ الشَّرَفِ وَ الْكَرَامَهِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ مَا يَغْبِطُهُ بِهِ الْمَلَائِكَهُ الْمُقَرَّبُونَ وَ النَّبِيُّونَ وَ الْخَلْقُ أَجْمَعُونَ اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهَهُ وَ أَعْلِ كَعْبَهُ وَ أَثْبِتْ حُجَّتَهُ وَ أَجِبْ دَعْوَتَهُ وَ أَظْهِرْ عُذْرَهُ وَ ابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ وَ كَرِّمْ زُلْفَتَهُ وَ أَحْسِنْ عَطِيَّتَهُ وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَ أَعْطِهِ سُؤْلَهُ وَ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ وَ أَتِمَّ نُورَهُ وَ أَوْرِدْنَا حَوْضَهُ وَ اسْقِنَا بِكَأْسِهِ وَ تَقَبَّلْ صَلَوَاتِ أُمَّتِهِ عَلَيْهِ وَ اقْصُصْ بِنَا أَثَرَهُ وَ اسْلُكْ بِنَا سَبِيلَهُ وَ اسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهِ وَ تَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَ ابْعَثْنَا عَلَى مِنْهَاجِهِ وَ اجْعَلْنَا مِنْ شِيعَتِهِ وَ مَوَالِيهِ وَ أَوْلِيَائِهِ وَ أَحِبَّائِهِ وَ أَخْيَارِ أُمَّتِهِ وَ مُقَدِّمِي زُمْرَتِهِ وَ تَحْتَ لِوَائِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا نَدِينُ بِدِينِهِ وَ نَهْتَدِي بِهُدَاهُ وَ نَقْتَصِدُ بِسُنَّتِهِ وَ نُوَالِي وَلِيَّهُ وَ نُعَادِي عَدُوَّهُ حَتَّى تُورِدَنَا بَعْدَ الْمَمَاتِ مَوْرِدَهُ غَيْرَ خَزَايَا وَ لَا نَادِمِينَ وَ لَا نَاكِثِينَ وَ لَا مُبَدِّلِينَ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً مَعَ كُلِّ زُلْفَهٍ زُلْفَهً وَ مَعَ كُلِّ قُرْبَهٍ قُرْبَهً وَ مَعَ كُلِّ فَضِيلَهٍ فَضِيلَهً وَ مَعَ كُلِّ وَسِيلَهٍ وَسِيلَهً وَ مَعَ كُلِّ شَفَاعَهٍ شَفَاعَهً وَ مَعَ كُلِّ كَرَامَهٍ كَرَامَهً وَ مَعَ كُلِّ خَيْرٍ خَيْراً وَ مَعَ كُلِّ شَرَفٍ شَرَفاً وَ شَفِّعْهُ فِي كُلِّ مَنْ يَشْفَعُ لَهُ مِنْ أُمَّتِهِ وَ مَنْ سِوَاهُمْ مِنَ الْأُمَمِ حَتَّى لَا تُعْطِيَ مَلَكاً مُقَرَّباً وَ لَا نَبِيّاً مُرْسَلًا وَ لَا عَبْداً مُصْطَفًى إِلَّا دُونَ مَا أَنْتَ مُعْطِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ وَ امْنُنْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ وَ سَلِّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ وَ عَلَى أَزْوَاجِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْهُدَاهِ الْمَهْدِيِّينَ غَيْرَ الضَّالِّينَ وَ لَا الْمُضِلِّينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ

ص: ۴۶

وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَبَدَ الْآبِدِينَ صَلَاةً لَا مُنْتَهَى لَهَا وَ لَا أَمَدَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

**[ترجمه]از کتابی کهن از تألیفات قدمای اصحاب: ابو عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام نامه‌ای به جعفر بن محمد بن اشعث نوشت که در آن نامه دعا و درود بر پیامبر آمده بود. جعفر بن محمد بن اشعث این نامه را به پسر خود مهران داد متن درودی که در آن نامه برای پیامبر آمده بود، این بود: خداوندا، همان طوری که محمد را در کتاب خود توصیف کردی و همان طوری که گفتی و گفته تو حق است، که پیامبری به سوی شما می‌آید که از جنس خودتان است. سختی‌های شما بر او گران است او بر مواظبت از شما حریص است و نسبت به مؤمنان رؤوف و رحیم است. گواهی می‌دهم که او این چنین است وگواهی می‌دهم که تو به ما دستور نداده‌ای که بر او درود فرستیم، مگر پس از آن که خود و فرشتگانت بر او درود فرستادی و در قرآن حکیم خود نازل کردی که خداوند و فرشتگانش بر پیامر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و تسلیم امر او شوید. او پس از آن که تو خود بر او سلام و درود فرستادی، هیچ نیازی به سلام و درود هیچ یک از خلق ندارد و پس از آن که تو او را پاکیزه کردی، نیاز به هیچ گونه پاکیزه گردانیدنی ندارد. بلکه این مردم هستند که همگی به او محتاجند و تو او را به عنوان در خود قرر داده‌ای، دری که هیچ کس را به خود راه نمی‌دهد مگر آن که به سمت تو بیاید و سلام و درود بر او را وسیله‌ای برای نزدیکی به خود قرار دادی و مؤمنان را به وسیله او راهنمایی کردی و به آن ها دستور دادی که بر او درود فرستند تا بدینوسیله کرامت آنان در نزد تو بیشتر شود و فرشتگانی را موکل کردی تا به آنان که بر پیامبر تو درود می‌فرستند، درود فرستند و درود و سلام آنان را به پیامبر برسانند خداوندا ای پرودگار محمد از تو می‌خواهم که به حق محمد یاریم کنی به قدری بر او درود و سلام بفرستم آن گونه که دوست داری و راضی گردی و تاکنون هیچ کس نفرستاده باشد و به هیچ کس نیاموخته باشی سپس به واسطه این درودها مرا به او نزدیک کنی و مرا با او به بارگاه قدسی و بهشت برین خود وارد سازی و هیچ‌گاه بین من و او جدایی نیفکنی. خداوندا من در آغاز برای او گواهی دادم و سپس بر او درود فرستادم و اگر هم که من این صلوات را آن طور که می‌خواهم ادا نکنم و زبانم نتواند آن چه را که در قلب دارم بیان کند و در گفتن آن کوتاهی کنم، اما برای او گواهی می‌دهم و شهادت من دعای من است و این حقی است بر من و تکلیفی است که بر من واجب گردانیده‌ای. که او رسالت تو را رسانده است و در این راه کوتاهی در دستورات تو نکرده است و از آن چه که خواسته‌ای کم نگذاشته است و هیچ‌گاه از آن چه که او را نهی کرده‌ای فراتر نرفته است و در آن چه که رضای تو در آن است سرپیچی نکرده است. او آیات تو را همان طوری که وحی تو بر او نازل شده می‌خواند و در راه تو جهاد می‌کند و به سمت دشمنت پیش می‌رود و هیچ‌گاه پشت نمی‌کند. او به عهد تو وفا می‌کند و آن چه را که به او دستور می‌دهی آشکار و ظاهر می‌سازد. در کارهایی که برای تو انجام می داد، به ملامت هیچ ملامتگری توجهی نمی کرد. او به خاطر تو از همه نزدیکانش دوری جسته و به کسانی که از او دور بوده‌اند نزدیک گشته. او همه را به اطاعت تو دعوت کرده و خود نیز آن را انجام داده است و مردم را از معصیت تو نهی کرده است و خود نیز در آشکار و پنهان از آن دوری جسته است. او مردم را به سمت اخلاق نیکو هدایت کرده و خود نیز به آن پایبند است. او مردم مرا از خلق و خوی زشت بازداشته است و خود از آن دوری کرده و با دوستان تو به همان طریقی سخن گفته و برخورد کرده است که رضای تو در آن است. او مردم را با حکمت و موعظه حسنه به راه تو دعوت کرده و تو را خالصانه پرستیده است تا این که اجل او فرا رسید و تو او را که پاک و پاکیزه به سوی خود بردی و دین خود را با او کامل کردی و نعمت خود را تمام. حجت‌های خود را با او آشکار و قوانین اسلام را با او وضع کردی و حلال و حرام را با او از هم جدا ساختی و راه راست خود را با او به بندگانت نشان دادی و نشانه‌هایت و ستاره‌هایی که با آن راه می‌یابند را با او آشکار نمودی و پس از او مردم را در کوری نگذاشتی که به گمراهی بروند و در شبهات سردرگم باشند و اجازه ندادی که خود هرطور که می‌خواهند در امر دینشان تصمیم‌گیری کنند و امیال خود را وارد آن کنند و به این وسیله در بدعت‌های تاریک و گمراه‌کننده متفرق و پراکنده شوند و در طبقات تاریکی حیران گردند و راه‌ها را گم کنند و در آن چه که می‌دانند و آن چه که نمی‌دانند سرگردان بمانند و گواهی می‌دهم که او به دنیا پشت کرد، در حالی که او از تو راضی بود و تو نیز از او. او در نزد فرشتگان مقرب تو و پیامبران فرستاده شده تو و بندگان صالحت ستوده شده است. فرومایگی و زشتی در وجود او نبود. او جادوگر نبود و جادویی نداشت او شاعر نبود و این برای او شایسته نیست که شاعر بوده باشد. او پیشگو نبود و هیچ پیشگویی نداشت. او دیوانه و دروغگو نبود او فرستاده خدا بود و آخرین پیامبر. او از نزد حق آمد و با خود حق را

آورد. او پیامبران دیگر را تصدیق کرد.

و گواهی می دهم که کسانی که او را دروغگو می‌پندارند عذاب دردناکی را خواهندچشید و من گواهی می‌دهم که او وسیله ثواب و عقاب توست و هر آن چه او از نزد تو برای ما آورده است، حق و حقیقت روشن است و از پروردگار جهانیان است و هیچ شکی در آن نیست.

خداوندا بر محمد بنده و فرستاده و امین و همرازت و نجات‌دهنده و برگزیده و راهنمای بندگان خود سلام و درود بفرست کسی که او را برای رسالات خود برگزیدی و برای دینت خالص گردانیدی و بندگانت را به او سپردی و او را امین وحی خود قرار دادی و او را پرچم هدایت کردی و درِ تقوا و حجت عظیم و دستاویز محکم قرار دادی؛ در آن چه که بین تو و بین خلقت قرار دارد. او شاهد و بیننده مردم است و بر آن ها سیطره دارد. خداوندا شریف‌ترین پاکیزه‌ترین مطهرترین نیکوترین و رضایتمندانه‌ترین صلواتی را که بر پیامبران و فرستادگان و برگزیدگان

خودت فرستادی، بر او نیز بفرست و درود و آمرزش و برکات و رضا و شرف و بزرگداشت و درود فرشتگان مقربت و پیامبران فرستاده شده… ات و بندگان شایسته ات شهدا و صدیقین (راست گویان) و اوصیاء (جانشینان) که بهترین دوستان‌اند و همه اهل آسمان هاو زمین و هر آن چه که بین آسمان و زمین و در آسمان و زمین است و آن چه که در بین مشرق و مغرب وجود دارد و آن چه که در هوا و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جانداران است و آن چه که در خشکی و دریا و تاریکی و نور در روز و شب و صبح و شام تو را تسبیح می… گویند، درود و سلام همه این ها را در حق محمد بن عبدالله که سرور فرستاده‌شدگان و خاتم پیامبران و امام پرهیزکاران و مولای مؤمنان و ولی مسلمانان و رهبر و پیشوای نامداری که شاهد و بشارت دهنده و انذار دهنده است و امین توست و به اذن تو همه را به سوی تو می‌خواند و چراغ پر نور درود فرست.

خداوندا در میان اولین و آخرین بندگانت بر محمد سلام و درود بفرست و در روز قیامت بر محمد درود فرست، روزی که مردم همه از گور برمی‌خیزند و در پیشگاه پروردگار جهانیان حاضر می‌شوند. بر محمد درود فرست همان طوری که ما را با او ثابت‌قدم گردانیدی و بر محمد درود فرست همان طوری که به واسطه او بر ما رحم کردی و بر محمد درود فرست همان طوری که ما را با او صاحب فضل گرداندی و بر محمد درود فرست همان طوری که ما را با او بزرگ داشتی و بر محمد درود فرست همان طوری که ما را با او افزایش دادی و بر محمد درود فرست همان طوری که ما را با او حفظ کردی و بر محمد درود فرست همان طوری که ما را به واسطه او توان دادی و بر محمد درود فرست همان طوری که ما را با او عزت دادی خداوند ا و به محمد بهترین چیزی را که در روز قیامت به فردی از امتش به واسطه دستوراتی که به او داده‌ای پاداش می‌دهی عطا کن. خداوندا بهترین فضائلت را نصیب محمد کن و او را به جایگاه بلندمرتبه‌ترین بزرگان و در درجات عالیه در اعلی علیین و در بهشت و میان رودها برسان او را در جایگاه صدق نزد خداوند پادشاه قادر وتوانا بنشان و آنقدر به او نعمت عطا کن تا راضی گردد و حتی بعد از رضایت او نیز نعمتش را فزونی ده و او را نزدیک‌ترین بندگان به خودت و وجیه‌ترین آنان قرار بده و او را از جمله کسانی قرار بده که بیشترین نصیب را از نزد تو می‌برند و بیشترین بهره را در هر خیری که تقسیم‌کننده آن هستی به آنان اختصاص می‌دهی.

خداوندا از نسل او و از نزدیکانش و همسرانش و امتش افرادی را به او ملحق کن که مایه روشنی چشم او گردند و دیدگان ما را نیز به دیدار او منور گردان و بین ما و او جدایی مینداز. خداوندا در روز قیامت از ابزار و وسایل و از شرف و مکارم به قدری به او عطا کن که فرشتگان مقرب و پیامبران و همه خلق به آن غبطه بخورند .

خداوندا روی او را سفید گردان و شرف و پیروزی را نصیب او گردان و حجت او را ثابت گردان و دعای او را مستجاب و برهان او را آشکار کن و او را به مقام پسندیده‌ای که وعده دادی برسان و به نزدیکان او کرامت بده و عطایای او را نیکو و شفاعت او را مقبول و خواسته‌های او را عطا کن. کارها و امور او را شرف ببخش و برهان او را عظیم و نور او را تمام گردان و ما را به حوض او وارد کن و از جام او بنوشان و صلوات امت او را در حقش مقبول بدار و ما را دنباله‌رو او قرار ده و به راه او وارد کن و کمک کن عامل به سنتش باشیم و ما را بر دین او

بمیران و بر طریقت او محشور گردان و از دوستداران و پیروان و یاران و دوستان و بهترین افراد امتش و پیشاهنگان مردمش و زیر پرچم او قرار ده.

خداوندا ما را متدین به دین او قرار بده و کمک کن تا با او هدایت شویم و به سنتش عمل کنیم و با دوستان او دوست و با دشمنانش دشمن باشیم تا پس از مرگ ما را به او وارد کنی در حالی که روسیاه و پشیمان نیستیم و عهد خود را نشکسته‌ایم و سنت او را تغییری نداده ایم. خداوندا محمد را دو چندان به خود نزدیک کن و قربت مضاعف به او عطا کن و با هر فضیلت فضیلتی (فضایل او را بسیار گردان) و با هر وسیله وسیله‌ای به او بده با هر شفاعت شفاعتی و با هر کرامت کرامتی و با هر خیر خیری و با هر شرف شرفی و او را شفیع هر کس از افراد امتش و مردم امت‌های دیگر که او را شفیع خود قرار می‌دهد قرار ده تا جایی که هر چیزی که به فرشتگان مقرب و پیامبران و بندگان برگزیده‌ات در روز قیامت می‌دهی، از او کمتر باشد. خداوندا بر محمد و آل محمد درود و سلام فرست و به او و خاندانش خیر و برکت عطا کن همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود و سلام فرستادی که تو ستوده‌شده و بزرگ هستی.

خداوندا بر محمد و آل محمد منت گذار همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم منت نهادی. تو ستوده‌شده و بزرگ هستی و بر محمد و آل محمد سلام بفرست همان طور که بر نوح در جهانیان فرستادی و بر همسرانش و فرزندانش و اهل بیت پاک و پاکیزه و هدایت‌کننده وهدایت‌یافته او که گمراه کننده و گمراه شده نیستند سلام بفرست. خداوندا بر محمد و آل محمد که رجس و ناپاکی را از آن ها دور کردی و آنان را پاک و مطهر گرداندی درود فرست.

خداوندا در میان اولین و آخرین بندگانت، بر محمد و آل او درود فرست و در جهانیان بر او و آلش درود فرست و در میان پیامبرانی که در اعلی علیین هستند، بر محمد و آل او درود بفرست و تا ابد بر او درود بفرست، درودی که هیچ پایانی و هیچ سرآمدی ندارد. آمین یا رب العالمین .

**[ترجمه]

باب ۲۹ فضل الصلاه علی النبی و آله صلی الله علیهم أجمعین و اللعن علی أعدائهم زائدا علی ما فی الباب السابق

الآیات

الأحزاب: إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذاباً مُهِيناً(۱).

**[ترجمه]« إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيما * إنّ الّذينَ يؤذونَ الله و رسولَه لعنهم الله فی الدّنیا و الآخره و أعدّ لهم عذابا مهینا»

{خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستد؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و سلام گویید و کاملاً تسلیم(فرمان او) باشید. * آن ها که خدا و پیامبرش را آزار می دهند، خداوند آنان را از رحمت خود در دنیا و آخرت دور ساخته، و برای آن ها عذاب خوارکننده ای آماده کرده است} - . احزاب: ۵۶ و ۵۷ -

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

ثو،(۲)

[ثواب الأعمال] لی، [الأمالی] للصدوق أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ فَضَالَهَ عَنِ ابْنِ عَمِیرَهَ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَمَّنْ سَمِعَ الْبَاقِرَ علیه السلام یَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ أَدْرَکَ شَهْرَ رَمَضَانَ فَلَمْ یُغْفَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَدْرَکَ وَالِدَیْهِ فَلَمْ یُغْفَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ وَ مَنْ ذُکِرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ یُصَلِّ عَلَیَّ فَلَمْ یُغْفَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ (۳).

**[ترجمه]ثواب الاعمال - . ثواب الاعمال: ۶۱ - و

امالی: امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: هر که ماه رمضان را دریابد و آمرزیده نشود خدایش دور سازد، و هر که پدر و مادرش را دریابد و آمرزیده نشود خدایش دور سازد، و هر که مرا نزدش نام برند و بر من صلوات نفرستد خدایش دور سازد - . امالی صدوق: ۳۵ - .

**[ترجمه]

أقول

تمامه فی باب فضل شهر رمضان.

**[ترجمه]تمام این حدیث در باب فضیلت شهر رمضان بیان شد.

**[ترجمه]

«۲»

ن (۴)،

[عیون أخبار الرضا علیه السلام] لی، [الأمالی] للصدوق الطَّالَقَانِیُّ عَنْ أَحْمَدَ الْهَمْدَانِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِیهِ قَالَ قَالَ الرِّضَا علیه السلام: مَنْ لَمْ یَقْدِرْ عَلَی مَا یُکَفِّرُ بِهِ ذُنُوبَهُ فَلْیُکْثِرْ مِنَ الصَّلَاهِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فَإِنَّهَا تَهْدِمُ الذُّنُوبَ هَدْماً وَ قَالَ علیه السلام الصَّلَاهُ عَلَی

ص: ۴۷

۱- ۱. الأحزاب: ۵۶ و ۵۷.

۲- ۲. ثواب الأعمال ص ۶۱.

۳- ۳. أمالی الصدوق ص ۳۵.

۴- ۴. عیون الأخبار ج ۱ ص ۲۹۴ و ۱۶۳ فی ط.

مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ التَّسْبِيحَ وَ التَّهْلِيلَ وَ التَّكْبِيرَ(۱).

**[ترجمه]عیون اخبار الرضا - . عیون اخبار الرضا ۱ :۲۹۴ و ۱۶۳ -

و امالی: امام رضا علیه السلام فرمود هر که توانا بر کفاره گناهانش نیست باید بر محمد و آل محمد، بسیار صلوات بفرستد که صلوات، گناهان را ریشه کن می کند. آن حضرت علیه السلام فرمود صلوات بر محمد و آل محمد نزد خداوند عز و جل برابر با تسبیح و تهلیل (لا اله الا الله) و تکبیر (الله اکبر) است - . امالی صدوق :۴۵ - .

**[ترجمه]

«۳»

لی، [الأمالی] للصدوق: فِی خُطْبَةٍ خَطَبَهَا أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام بَعْدَ وَفَاةِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله بِالشَّهَادَتَیْنِ تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ بِالصَّلَاةِ تَنَالُونَ الرَّحْمَةَ فَأَكْثِرُوا مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى نَبِیِّكُمْ وَ آلِهِ إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیماً(۲).

**[ترجمه]امالی: امام علی علیه السلام بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله در خطبه ای فرمود: شما به واسطه شهادتین وارد بهشت می شوید و به واسطه صلوات بر محمد، به رحمت پروردگار دست می یابید، پس بر محمد پیامبرتان صلی الله علیه و آله و خاندان او بسیار درود بفرستید که خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستد؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و سلام گویید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید - . امالی صدوق : ۱۹۳ ، و نیز در توحید: ۵۴ - .

**[ترجمه]

«۴»

لی، [الأمالی] للصدوق ابْنُ إِدْرِیسَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَیْكَ فَلْیُكْثِرْ مِنْ ذَلِكَ وَ مَنْ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ لَمْ یُصَلِّ عَلَى آلِهِ لَمْ یَجِدْ رِیحَ الْجَنَّةِ وَ رِیحُهَا تُوجَدُ مِنْ مَسِیرَةِ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ (۳).

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الغضائری عن الصدوق: مثله (۴).

**[ترجمه]امالی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس بگوید: «صلی الله علی محمد و آله» خداوند می فرماید: «صلی الله علیک» پس باید این صلوات را زیاد بگوید. و هرکس بگوید: «صلی الله علی محمد» و بر آل محمد درود نفرستد، نسیم بهشت را استشمام نخواهد و نسیم بهشت از فاصله ۵۰۰ سال قابل استشمام است - . امالی صدوق : ۲۲۸ - .

در امالی طوسی نیز همانند این حدیث آمده است - . امالی طوسی۲: ۳۷ - .

**[ترجمه]

«۵»

لی، [الأمالی] للصدوق ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنِ الْیَقْطِینِیِّ عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ رُشَیْدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُعَاوِیَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: ذَكَرْتُ

عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَلَیْهِ السَّلَامُ بَعْضَ الْأَنْبِیَاءِ فَصَلَّیْتُ عَلَیْهِ فَقَالَ إِذَا ذُکِرَ أَحَدٌ مِنَ الْأَنْبِیَاءِ فَابْدَأْ بِالصَّلَاهِ عَلَی مُحَمَّدٍ ثُمَّ عَلَیْهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَلَی جَمِیعِ الْأَنْبِیَاءِ(۵).

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الغضائری عن الصدوق: مثله (۶).

**[ترجمه]امالی صدوق: معاویه بن عمار گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام یکی از پیامبران را نام برده و بر او درود فرستادم. حضرت علیه السلام به من فرمود: هرگاه نام یکی از پیامبران برده شد، اول بر محمد درود بفرست بعد بر آن پیامبر. و بگو: صلی الله علی محمد و آله و علی جمیع الانبیاء - . امالی صدوق: ۲۲۸ - .

در امالی طوسی نیز همانند این حدیث آمده است - . امالی طوسی۲ : ۳۸ - .

**[ترجمه]

«۶»

لی، [الأمالی] للصدوق مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ اللَّیْثِیُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَغَوِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْجَعْدِ عَنْ شُعْبَهَ عَنِ الْحَکَمِ عَنِ ابْنِ أَبِی لَیْلَی قَالَ: لَقِیتُ کَعْبَ بْنَ عُجْرَهَ فَقَالَ:

ص: ۴۸

۱- ۱. أمالی الصدوق ص ۴۵.

۲- ۲. أمالی الصدوق ص ۱۹۳، و تراه فی التوحید ص ۵۴. أیضا.

۳- ۳. أمالی الصدوق ص ۲۲۸.

۴- ۴. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۳۷.

۵- ۵. أمالی الصدوق ص ۲۲۸.

۶- ۶. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۳۸.

أَ لَا أَهْدِی لَکَ هَدِیَّهً إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله خَرَجَ عَلَیْنَا فَقُلْنَا یَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَلَّمْتَنَا کَیْفَ السَّلَامُ عَلَیْکَ فَکَیْفَ الصَّلَاهُ عَلَیْکَ قَالَ قُولُوا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی إِبْرَاهِیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ وَ بَارِکْ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا بَارَکْتَ عَلَی آلِ إِبْرَاهِیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ(۱).

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الغضائری عن الصدوق: مثله (۲).

**[ترجمه]امالی صدوق: ابن ابی لیلی گوید کعب بن عجره را دیدم او به من گفت آیا نمی خواهی هدیه ای بتو دهم؟ به راستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد ما بیرون آمد و ما گفتیم: ای رسول خدا، به ما آموختی که چگونه به شما سلام کنیم. اکنون بفرما که چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگوئید اللهم صل علی محمد کما صلیت علی ابراهیم انک حمید مجید و بارک علی آل محمد کما بارکت علی آل ابراهیم انک حمید مجید - . امالی صدوق: ۲۳۲ - . خداوندا درود بفرست بر محمد همان گونه که درود بر ابراهیم فرستادی به درستی که تو ستوده وبزرگواری ، و برکت بفرست بر آل محمد، آن گونه که برکت فرستادی بر آل ابراهیم به درستی که تو ستوده وبزرگواری.

در امالی طوسی نیز همانند این حدیث آمده است - . امالی طوسی۲ : ۴۳ - .

**[ترجمه]

«۷»

لی، [الأمالی] للصدوق ابْنُ مَسْرُورٍ عَنِ ابْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ أَبِی جَمِیلَهَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: إِذَا صَلَّی أَحَدُکُمْ وَ لَمْ یَذْکُرِ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله یَسْلُکُ بِصَلَاتِهِ غَیْرَ سَبِیلِ الْجَنَّهِ.

قَالَ وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ ذُکِرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ یُصَلِّ عَلَیَّ فَدَخَلَ النَّارَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ (۳).

ثو، [ثواب الأعمال] ماجیلویه عن عمه عن الکوفی عن أبی جمیله: مثله (۴)

**[ترجمه]امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه یکی از شماها نماز بخواند و در نماز خود نام پیغمبر صلی الله علیه و آله را نبرد، با این نماز به راهی جز راه بهشت می‌رود، و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس که نامم نزدش برده شود و بر من صلوات نفرستد به دوزخ می رود، پس خدایش (از رحمت خود) دور کند. - . امالی صدوق: ۳۴۶ - .

در کتاب ثواب الاعمال نیز همانند این حدیث روایت شده است - . ثواب الاعمال : ۱۸۷ - .

**[ترجمه]

«۸»

سن، [المحاسن] مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ عَنْ أَبِی جَمِیلَهَ: مِثْلَهُ وَ زَادَ فِیهِ وَ قَالَ صلی الله علیه و آله مَنْ ذُکِرْتُ عِنْدَهُ فَنَسِیَ الصَّلَاهَ عَلَیَّ خُطِئَ بِهِ طَرِیقَ الْجَنَّهِ(۵).

**[ترجمه]المحاسن: ابوجمیله همانند حدیث فوق را ذکر نموده و یک عبارت اضافی هم در ادامه حدیث نقل نموده است که چنین است: و هر کس که من نزدش نام برده شوم و صلوات (فرستادن) را بر من فراموش کند از راه بهشت به خطا رفته است - . المحاسن :۹۵ - .

**[ترجمه]

«۹»

ب، [قرب الإسناد] الْيَقْطِينِيُّ عَنِ ابْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَحَدِهِمَا علیهما السلام قَالَ: أَثْقَلُ مَا يُوضَعُ فِي الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ الصَّلَاهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ (۶).

**[ترجمه]قرب الاسناد: روایت است که یکی از صادقین علیه السلام فرمود: سنگین ترین چیزی که در روز قیامت در ترازوی اعمال گذاشته می شود، صلوات بر محمد و اهل بیت اوست - . قرب الاسناد :۱۲ - .

**[ترجمه]

«۱۰»

ب، [قرب الإسناد] ابْنُ سَعْدٍ عَنِ الْأَزْدِيِّ قَالَ: قَالَ بَعْضُ الْأَصْحَابِ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ فَقَالَ لَا وَ لَكِنْ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ(۷).

۱- ۱. أمالي الصدوق ص ۲۳۲.

۲- ۲. أمالي الطوسیّ ج ۲ ص ۴۳.

۳- ۳. أمالي الصدوق ص ۳۴۶.

۴- ۴. ثواب الأعمال ص ۱۸۷.

۵- ۵. المحاسن: ۹۵.

۶- ۶. قرب الإسناد ص ۱۲.

۷- ۷. قرب الإسناد ص ۲۹.

**[ترجمه]قرب الاسناد: ازدی گوید: یکی از یاران ما در خدمت امام صادق علیه السلام این گونه صلوات فرستاد: اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابراهیم. امام علیه السلام فرمود: نه، بلکه باید بگویی: کأفضل ما صلیت و بارکت علی ابراهیم و آل ابراهیم إنک حمید مجید - . قرب الاسناد :۲۹ - .

**[ترجمه]

«۱۱»

ل، [الخصال] أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَیُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا کَانَتْ عَشِیَّهُ الْخَمِیسِ وَ لَیْلَهُ الْجُمُعَهِ نَزَلَتْ مَلَائِکَهٌ مِنَ السَّمَاءِ مَعَهَا أَقْلَامُ الذَّهَبِ وَ صُحُفُ الْفِضَّهِ لَا یَکْتُبُونَ عَشِیَّهَ الْخَمِیسِ وَ لَیْلَهَ الْجُمُعَهِ وَ یَوْمَ الْجُمُعَهِ إِلَی أَنْ تَغِیبَ الشَّمْسُ إِلَّا الصَّلَاهَ عَلَی النَّبِیِّ وَ آلِهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ (۱).

**[ترجمه]الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: چون شامگاه پنجشنبه و شب جمعه فرا می رسد، فرشتگان از آسمان نازل می شوند در حالی که با خود قلم هایی از طلا و صحیفه هایی از نقره دارند و آن ها شامگاه پنجشنبه و شب جمعه و نیز روز جمعه تا وقت غروب آفتاب، چیزی غیر از صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او را نمی نویسند - . الخصال ۲ : ۳۱ - .

**[ترجمه]

«۱۲»

ل، [الخصال] أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ یَزِیدَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ غَیْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَا مِنْ عَمَلٍ أَفْضَلَ یَوْمَ الْجُمُعَهِ مِنَ الصَّلَاهِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ (۲).

**[ترجمه]الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: در روز جمعه هیچ عملی با فضیلت تر از صلوات بر محمد و آل او نیست - . الخصال ۲ : ۳۲ - .

**[ترجمه]

«۱۳»

ل، [الخصال] فِی خَبَرِ الْأَعْمَشِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: الصَّلَاهُ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وَاجِبَهٌ فِی کُلِّ الْمَوَاطِنِ وَ عِنْدَ الْعُطَاسِ وَ الرِّیَاحِ وَ غَیْرِ ذَلِکَ (۳).

**[ترجمه]الخصال: امام صادق علیه السلام فرمود: صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله در هر جایی واجب است و نیز در هنگام عطسه و آروغ زدن و غیره - . الخصال۲ : ۱۵۳ - .

**[ترجمه]

أقول

فیما کتب الرضا علیه السلام للمأمون و الذبائح مکان الریاح (۴).

**[ترجمه]در نامه ای که امام رضا علیه السلام برای مأمون نوشت، به جای کلمه «الرياح» يعنى آروغ زدن، كلمه ذبائح به معناى ذبح كردن آمده است - . عيون اخبار الرضا ۲ : ۱۲۴ - .

**[ترجمه]

«۱۴»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَهِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: صَلُّوا عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقْبَلُ دُعَاءَكُمْ عِنْدَ ذِكْرِ مُحَمَّدٍ وَ دُعَائِكُمْ لَهُ وَ حِفْظِكُمْ إِيَّاهُ صلى الله عليه و آله (۵).

وَ قَالَ عليه السلام: أُعْطِيَ السَّمْعُ أَرْبَعَهً النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله وَ الْجَنَّهَ وَ النَّارَ وَ حُورَ الْعِينِ فَإِذَا فَرَغَ الْعَبْدُ مِنْ صَلَاتِهِ فَلْيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ وَ آلِهِ وَ يَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّهَ وَ يَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَ يَسْأَلُهُ أَنْ يُزَوِّجَهُ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله رُفِعَتْ دَعْوَتُهُ وَ مَنْ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّهَ قَالَتِ الْجَنَّهُ يَا رَبِّ أَعْطِ عَبْدَكَ مَا سَأَلَ وَ مَنِ اسْتَجَارَ مِنَ النَّارِ قَالَتِ النَّارُ يَا رَبِّ أَجِرْ عَبْدَكَ مِمَّا اسْتَجَارَكَ وَ مَنْ سَأَلَ الْحُورَ الْعِينَ قُلْنَ الْحُورُ يَا رَبِّ أَعْطِ عَبْدَكَ مَا سَأَلَ (۶).

۱- ۱. الخصال ج ۲ ص ۳۱.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۳۲.

۳- ۳. الخصال ج ۲ ص ۱۵۳.

۴- ۴. عيون الأخبار ج ۲ ص ۱۲۴.

۵- ۵. الخصال ج ۲ ص ۱۵۷.

۶- ۶. الخصال ج ۲ ص ۱۶۶.

**[ترجمه]خصال الصـدوق: امیر مؤمنان علیه السـلام فرمود: بر محمـد و آل او صـلوات بفرستیـد که خداونـد عزوجل، دعایتان را که در آن از محمد یاد می کنید و او را دعا می کنید، قبول می کند - . الخصال ۲ : ۱۵۷ - .

و نیز آن حضـرت علیه السـلام فرمود: سزاوار است که گوش به چهار موضوع مشغول باشد: پیامبر صلی الله علیه و آله و بهشت و دوزخ و حور العین. هرگـاه بنـده ای از نمازش فارغ گشت، بایـد بر پیامبر صـلی الله علیه و آله، درود فرسـتد و از خداونـد بهشت را خواسـته و به خداونـد از آتش دوزخ پنـاه برد. و از خداونـد بخواهـد که حوریان چشم درشت را به ازدواج او درآورد. هرکس بر پیامبر صـلی الله علیه و آله صـلوات و درود بفرسـتد، دعـایش بالاـ می رود. و هرکس از خداونـد بهشـت را در خـواست کنـد، بهشت می گویـد: پروردگـارا، به بنـده ات هرچه می خواهـد، عطـا کن. و هرکس از آتش به خداونـد پنـاه برد، آتش می‌گویـد: پروردگـارا، بنـده ات را از آن چه به تو پنـاه می برد، پناهش ده. و هرکس از خداونـد حور العین را طلب کنـد، آن هـا می گوینـد: پروردگـارا، چیزی را که بنـده ات از تو می خواهـد، به او عطا نما - . همان ۲ :۱۶۶ - .

**[ترجمه]

«۱۵»

ع (۱)،

[علل الشرائع] ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام]: فِیمَا سَأَلَ الْخَضِرُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ علیهما السلام أَخْبِرْنِی عَنِ الرَّجُلِ کَیْفَ یَذْکُرُ وَ یَنْسَی قَالَ إِنَّ قَلْبَ الرَّجُلِ فِی حُقٍّ وَ عَلَی الْحُقِّ طَبَقٌ فَإِنْ صَلَّی الرَّجُلُ عِنْدَ ذَلِکَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَاةً تَامَّةً انْکَشَفَ ذَلِکَ الطَّبَقُ عَنْ ذَلِکَ الْحُقِّ فَأَضَاءَ الْقَلْبُ وَ ذَکَرَ الرَّجُلُ مَا کَانَ نَسِیَ وَ إِنْ هُوَ لَمْ یُصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَوْ نَقَصَ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَیْهِمُ انْطَبَقَ ذَلِکَ الطَّبَقُ عَلَی ذَلِکَ الْحُقِّ فَأَظْلَمَ الْقَلْبُ وَ نَسِیَ الرَّجُلُ مَا کَانَ ذَکَرَهُ (۲).

**[ترجمه]علل الشرائع - . علل الشرائع ۱ :۹۱ -

و عیون الاخبار: از جمله مسائلی که خضـر از امام حسن علیه السلام پرسید، این بود گفت: به من بگو که چگونه یک انسان چیزی را به یاد می آورد و یـا فراموش می کنـد؟ فرمود: قلب انسـان درون حقه ای است که بر روی آن حقه نیز سرپوشـی قرار دارد. اگر انسـان در آن هنگـام، بر محمد و آل محمد صلوات کامل و بی نقص بفرستد، آن سرپوش از روی آن حقه کنار می رود و درون قلب روشن می شود و انسان چیزی را که فراموش کرده بود، مجددا به یاد می آورد. ولی اگر بر پیامبر صـلی الله علیه و آله صـلوات نفرسـتد و یا این که صـلوات ناقص بفرسـتد، آن سرپوش بر روی آن حقه قرار می گیرد و قلب را تاریک می کنـد. و این گونه می شود که انسان، چیزی را که یاد داشت، فراموش می کند - . عیون الاخبار۱ :۶۶ و الاحتجاج: ۱۴۲، المحاسن:۳۳۲. به احتمال زیاد، در این جا سـخن از روی اسـتعاره و تمثیل است. زیرا صلوات بر محمد و آل محمد سبب قرب به مبدأ و آمادگی نفس است تا علوم بر آن افاضه شوند. آن چه از امور دنیوی که فکر انسان را به خود مشغول می دارد، سبب دوری انسان از ذات حق تعالی می شود که در این صورت همچون سرپوشـی عمل می کنـد که روی قلب قرار گرفته باشد. و صـلوات بر محمد است که این سـرپوش را از روی قلب برداشته و قلب آماده دریافت فیض حق می شود. که یا آن صورت مجددا به قلب انسان افاضه می شود یا این که از گنجینه و مخزن فراخوان می گردد. رجوع شود به ۶۱: ۳۸ - .

**[ترجمه]

«۱۶»

ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام]: فِیمَا احْتَجَّ الرِّضَا علیه السلام عَلَی عُلَمَاءِ الْمُخَالِفِینَ بِمَحْضَرِ الْمَأْمُونِ فِی تَفْضِیلِ الْعِتْرَهِ الطَّاهِرَهِ قَالَ وَ أَمَّا الْآیَهُ السَّابِعَهُ فَقَوْلُ اللَّهِ تَعَالَی إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیماً(۳) وَ قَدْ عَلِمَ الْمُعَانِدُونَ مِنْهُمْ أَنَّهُ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآیَهُ قِیلَ یَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَرَفْنَا التَّسْلِیمَ عَلَیْکَ فَکَیْفَ الصَّلَاهُ عَلَیْکَ فَقَالَ تَقُولُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی إِبْرَاهِیمَ وَ عَلَی آلِ إِبْرَاهِیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ فَهَلْ بَیْنَکُمْ مَعَاشِرَ النَّاسِ فِی هَذَا خِلَافٌ قَالُوا لَا قَالَ الْمَأْمُونُ هَذَا مَا لَا خِلَافَ فِیهِ أَصْلًا وَ عَلَیْهِ إِجْمَاعُ الْأُمَّهِ فَهَلْ عِنْدَکَ فِی الْآلِ شَیْ ءٌ أَوْضَحُ مِنْ هَذَا فِی الْقُرْآنِ؟

ص: ۵۱

۱- ۱. علل الشرائع: ج ۱ ص ۹۱.

۲- ۲. عیون الأخبار ج ۱ ص ۶۶ و تراه فی الاحتجاج: ۱۴۲، المحاسن: ۳۳۲ غیبه النعمانیّ ۲۷، و الحق: جمع حقه- بالضم فیهما- هی وعاء من خشب، و قد تسوی من عاج و منه لعمرو بن کلثوم« و ثدیا مثل حقّ العاج رخصا» و الطبق محرکه: غطاء کل شی ء قال قدّس سرّه: و لا یبعد أن یکون الکلام مبنیا علی الاستعاره و التمثیل فان الصلاه علی محمّد و آل محمّد لما کانت سببا للقرب من المبدأ و استعداد النفس لافاضه العلوم علیها، فکأن الشواغل النفسانیه الموجبه للبعد عن الحق تعالی طبق علیها فتصیر الصلاه سببا لکشفه و تنور القلب و استعداده لفیض الحق اما بافاضه الصوره ثانیه أو باستردادها من الخزانه، راجع ج ۶۱ ص ۳۸.

۳- ۳. الأحزاب ص ۵۶.

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام نَعَمْ أَخْبِرُونِی عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ یس وَ الْقُرْآنِ الْحَکِیمِ إِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ فَمَنْ عَنَی بِقَوْلِهِ یس قَالَتِ الْعُلَمَاءُ یس مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله لَمْ یَشُکَّ فِیهِ أَحَدٌ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَعْطَی مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ مِنْ ذَلِکَ فَضْلًا لَا یَبْلُغُ أَحَدٌ کُنْهَ وَصْفِهِ إِلَّا مَنْ عَقَلَهُ وَ ذَلِکَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ یُسَلِّمْ عَلَی أَحَدٍ إِلَّا عَلَی الْأَنْبِیَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ فَقَالَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی سَلامٌ عَلی نُوحٍ فِی الْعالَمِینَ وَ قَالَ سَلامٌ عَلی إِبْراهِیمَ وَ قَالَ سَلامٌ عَلی مُوسی وَ هارُونَ وَ لَمْ یَقُلْ سَلَامٌ عَلَی آلِ نُوحٍ وَ لَمْ یَقُلْ سَلَامٌ عَلَی آلِ إِبْرَاهِیمَ وَ لَا قَالَ سَلَامٌ عَلَی آلِ مُوسَی وَ هَارُونَ (۱) وَ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ سَلَامٌ عَلَی آلِ یس (۲) یَعْنِی آلَ مُحَمَّدٍ علیهم السلام (۳).

**[ترجمه]از جمله احتجاج های امام رضا علیه السلام در حضور مأمون بر علمای اهل سنت، در باره فضل و برتری اهل بیت و عترت طاهره، این است که فرمود: و اما آیه هفتم که درباره فضل اهل بیت است: إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیما - . احزاب / ۵۶ - . معاندان دانستند که چون این آیه نازل شد عرض شد یا رسول اللّٰه ما سلام بر تو را دانستیم ولی چگونه برتو صلوات بفرستیم فرمود بگویید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی إِبْرَاهِیمَ وَ آلِ إِبْرَاهِیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ. آیا میان شما در این باره اختلافی هست؟ گفتند: نه، مامون گفت در این باره اصلا هیچ اختلافی وجود ندارد و مورد اجماع است. ای ابوالحسن، آیا می توانی شاهدی واضح تر از این، از قرآن درباره آل برایمان بیاوری؟ فرمود: آری، به من درباره این آیه بگویید: یس و الْقُرْآنِ الْحَکِیمِ إِنَّکَ لَمِنَ الْمُرْسَلِینَ عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ مقصود از یس کیست؟ علماء گفتند مقصود از آن محمد است و کسی در آن شک ندارد امام رضا علیه السلام فرمود پس خدا به محمد و آل محمد فضیلتی داده که احدی به کنه آن نرسد جز آن که آن مقام را بخوبی فهمیده باشد. و آن این است که خدا بر کسی سلام نداده جز به پیامبران و فرموده است سلام بر نوح در عالمیان و فرمود سلام بر ابراهیم و سلام بر موسی و هرون و نفرموده سلام بر آل نوح و سلام بر آل موسی و بر آل ابراهیم ولی فرمود «سَلَامٌ عَلَی آلِ یس» - . صافات/ ۱۳۰ -

یعنی آل محمد علیهم السلام - . عیون الاخبار ۱: ۲۳۶ ، و همانند این حدیث در ۹۲ : ۳۸۴ آورده ایم و توضیحاتی نیز ارائه داده ایم. - .

**[ترجمه]

«۱۷»

أَقُولُ سَیَأْتِی فِی خُطْبَةِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فِی فَضْلِ شَهْرِ رَمَضَانَ: مَنْ أَکْثَرَ فِیهِ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَیَّ ثَقَّلَ اللَّهُ مِیزَانَهُ یَوْمَ تَخِفُّ الْمَوَازِینُ.

**[ترجمه]می گویم: در خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد فضیلت ماه رمضان آمده است که فرمود: هرکس در این ماه، برمن زیاد صلوات بفرستد، در روزی که ترازوی اعمال مردم سبک هست، خداوند ترازوی اعمال او را سنگین می کند.

**[ترجمه]

«۱۸»

ع (۴)،

[علل الشرائع] ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام] ابْنُ إِدْرِیسَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنِ الْبَزَنْطِیِّ عَنِ ابْنِ خَالِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی الْحَسَنِ علیه السلام جُعِلْتُ فِدَاکَ کَیْفَ صَارَ مَهْرُ النِّسَاءِ خَمْسَمِائَةِ دِرْهَمٍ اثْنَتَیْ عَشْرَةَ أُوقِیَّةً وَ نش [نَشّاً] قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی أَوْجَبَ عَلَی نَفْسِهِ أَنْ لَا یُکَبِّرَهُ مُؤْمِنٌ مِائَةَ تَکْبِیرَةٍ وَ یُسَبِّحَهُ مِائَةَ تَسْبِیحَةٍ وَ یُحَمِّدَهُ مِائَةَ تَحْمِیدَةٍ وَ یُهَلِّلَهُ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ یُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ ثُمَّ یَقُولَ اللَّهُمَّ زَوِّجْنِی مِنَ الْحُورِ الْعِینِ إِلَّا زَوَّجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَمِنْ ثَمَّ جُعِلَ مَهْرُ النِّسَاءِ خَمْسَمِائَةِ دِرْهَمٍ وَ أَیُّمَا مُؤْمِنٍ خَطَبَ إِلَی أَخِیهِ حرمه- [حُرْمَتَهُ] وَ بَذَلَ لَهُ خَمْسَمِائَةِ دِرْهَمٍ فَلَمْ یُزَوِّجْهُ فَقَدْ عَقَّهُ وَ اسْتَحَقَّ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ لَا یُزَوِّجَهُ حَوْرَاءَ(۵).

۱- ۱. الصافّات: ۷۹ و ۱۰۹ و ۱۲۰ علی الترتیب.

۲- ۲. الصافّات: ۱۳۰.

۳- ۳. عیون الأخبار ج ۱ ص ۲۳۶ و قد أخرج مثل الحدیث فی ج ۹۲ ص ۳۸۴ و فی ذیله کلام منالا بأس بمراجعته.

۴- ۴. علل الشرائع ج ۲ ص ۱۸۶.

۵- ۵. عیون الأخبار ج ۲ ص ۸۴.

**[ترجمه]علل الشرائع و عیون الاخبار: حسین بن خالد گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: فدایت شوم، چرا مهریه زنان پانصد درهم معادل دوازده و نیم اوقیه مقرر شده است؟ فرمود: خداوند عز و جل بر خود واجب نموده است که هر مؤمنی که صد بار تکبیر و صد بار تسبیح و صد بار حمد و صد بار تهلیل خداوند را بگوید و صد بار بر پیامبر و آل او صلوات فرستد و این دعا را بخواند: «اللهمّ زوّجنی من الحور العین»، خداوند حوریه ای به همسری او در می آورد، و از این رو مهریه زنان پانصد درهم مقرر شده است، و هر مؤمنی که از برادر دینی خود دختری خواستگاری بنماید، و بخواهد مهریه او را پانصد درهم قرار دهد، و او از وی نپذیرد و از دادن دختر به او امتناع ورزد، به راستی که او را آزرده و رنجانده است، و مستحق آن است که خداوند او را از حوریه محروم سازد.

**[ترجمه]

«۱۹»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الْمُفِیدُ عَنْ عُمَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّیْرَفِیِّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ الضَّبِّیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَبِیبٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ یَحْیَی عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَاطِبِ بْنِ أَبِی بَلْتَعَهَ عَنْ زَکَرِیَّا بْنِ إِسْمَاعِیلَ مِنْ وُلْدِ زَیْدِ بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَمِّهِ سَلْمَانَ بْنِ زَیْدِ بْنِ ثَابِتٍ عَنْ زَیْدِ بْنِ ثَابِتٍ قَالَ: خَرَجْنَا جَمَاعَهً مِنَ الصَّحَابَهِ فِی غَزَاهٍ مِنَ الْغَزَوَاتِ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حَتَّی وَقَفْنَا فِی مَجْمَعِ طُرُقٍ فَطَلَعَ أَعْرَابِیٌّ بِخِطَامِ بَعِیرٍ حَتَّی وَقَفَ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ عَلَیْکَ السَّلَامُ قَالَ کَیْفَ أَصْبَحْتَ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی یَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لَهُ أَحْمَدُ اللَّهَ إِلَیْکَ کَیْفَ أَصْبَحْتَ قَالَ وَ کَانَ وَرَاءَ الْبَعِیرِ الَّذِی یَقُودُهُ الْأَعْرَابِیُّ رَجُلٌ فَقَالَ یَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ هَذَا الْأَعْرَابِیَّ سَرَقَ الْبَعِیرَ فَرَغَا الْبَعِیرُ سَاعَهً وَ أَنْصَتَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَسْمَعُ رُغَاءَهُ.

قَالَ ثُمَّ أَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَلَی الرَّجُلِ فَقَالَ انْصَرِفْ عَنْهُ فَإِنَّ الْبَعِیرَ یَشْهَدُ عَلَیْکَ أَنَّکَ کَاذِبٌ قَالَ فَانْصَرَفَ الرَّجُلُ وَ أَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَلَی الْأَعْرَابِیِّ فَقَالَ أَیَّ شَیْ ءٍ قُلْتَ حِینَ جِئْتَنِی قَالَ قُلْتُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ حَتَّی لَا یَبْقَی صَلَاهٌ اللَّهُمَّ بَارِکْ عَلَی مُحَمَّدٍ حَتَّی لَا یَبْقَی بَرَکَهٌ اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَلَی مُحَمَّدٍ حَتَّی لَا یَبْقَی سَلَامٌ اللَّهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّداً حَتَّی لَا تَبْقَی رَحْمَهٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّی أَقُولُ مَا لِی أَرَی الْبَعِیرَ یَنْطِقُ بِعُذْرِهِ وَ أَرَی الْمَلَائِکَهَ قَدْ سَدُّوا الْأُفُقَ (۱).

**[ترجمه]امالی طوسی: از زید بن ثابت روایت شده که گفت: جماعتی از یاران پیامبر خدا در جنگی از جنگ ها باتفاق رسول خدا صلی الله علیه و آله (از مدینه طیبه) بیرون رفتیم تا به سر چند راهی رسیدیم، در این هنگام، عرب بیابانی که مهار شتری را در دست داشت ظاهر شد و به سوی ما آمد تا این که در مقابل رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستاد و عرض کرد: درود و رحمت و برکات خداوند بر تو باد ای رسول خدا، پس حضرت به او فرمود: و علیک السّلام،

عرب بیابانی عرض کرد: پدر و مادرم فدای تو باد چگونه صبح کردی، ای رسول خدا؟ حضرت باو فرمود: در حمد و ستایش خداوند با تو شریکم، تو چگونه صبح نمودی؟

راوی گوید: در عقب شتری که آن عرب بیابانی مهارش را در دست داشت مردی بود که گفت: ای رسول خدا، این اعرابی شتر را دزدیده است، پس شتر مدتی فریاد زد و نعره کشید و رسول خدا صلی الله علیه و آله سکوت نموده و بصدای او گوش می دادند، سپس رسول خدا رو به آن مرد نموده و فرمود: دست از این اعرابی بردار و او را رها کن، زیرا شتر گواهی می دهد که تو دروغ می گویی، راوی گفت: پس آن مرد به راه خود رفت. و رسول خدا صلی الله علیه و آله رو به آن اعرابی نموده فرمود: موقعی که نزد من می آمدی، چه می گفتی؟ عرض کرد گفتم: « خداوندا، بر محمد و آل محمد آنقدر درود بفرست تا دیگر درودی باقی نماند. خداوندا، به محمد و آل محمد، آنقدر برکت عطا کن که دیگر برکتی باقی نماند. خداوندا، بر محمد و آل محمد آنقدر سلام نثار کن که دیگر سلامی باقی نماند. خداوندا، بر محمد و آل محمد آنقدر رحمت بفرست که دیگر رحمتی باقی نماند». رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من دراین اندیشه بودم که به چه علت است

که این شتر را می بینم که به حیله و مکر آن مرد گواهی می دهد، و فرشتگان را می بینم که افق و کرانه آسمان را پر کرده اند - . امالی طوسی۱: ۱۲۷ - .

**[ترجمه]

«۲۰»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الْمُفِیدُ عَنِ الْجِعَابِیِّ عَنِ ابْنِ عُقْدَهَ عَنْ عُبَیْدِ بْنِ حُمْدُونٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ بْنِ سُهَیْلٍ عَنْ عَامِرِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ بِشْرِ بْنِ سَالِمٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ الذُّهْلِیِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ نَسِیَ الصَّلَاهَ عَلَیَّ أَخْطَأَ طَرِیقَ الْجَنَّهِ(۲).

**[ترجمه]امالی طوسی: امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: هرکس فراموش کند که بر من صلوات بفرستد، راه بهشت را گم کرده است - . همان ۱: ۱۴۴ - .

**[ترجمه]

«۲۱»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الْمُفِیدُ عَنِ ابْنِ قُولَوَیْهِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا دَعَا أَحَدُکُمْ فَلْیَبْدَأْ بِالصَّلَاهِ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَإِنَّ الصَّلَاهَ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله مَقْبُولَهٌ وَ لَمْ یَکُنِ اللَّهُ لِیَقْبَلَ

ص: ۵۳

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۱۲۷.

۲- ۲. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۱۴۴.

بَعْضاً وَ يَرُدَّ بَعْضاً(۱).

**[ترجمه]امالی طوسی: از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: هر گاه یکی از شما اراده دعا نماید، پس باید با صلوات بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شروع کند، زیرا صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله مورد قبول پروردگار است، و خداوند چنین نیست که بخشی از دعا را قبول فرماید و بخشی از آن را رد کند - . همان۱: ۱۷۵ - .

**[ترجمه]

«۲۲»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الْمُفِیدُ عَنِ الْجِعَابِیِّ عَنِ ابْنِ عُقْدَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی عَنْ أَسِیدِ بْنِ زَیْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: صَلَاتُکُمْ عَلَیَّ إِجَابَهٌ لِدُعَائِکُمْ وَ زَکَاهٌ لِأَعْمَالِکُمْ (۲).

**[ترجمه]امالی طوسی: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: صلوات شما بر من، موجب اجابت دعایتان و خوشنودی پرودگارتان و زکات اعمالتان است - . همان۱ : ۲۱۹ - .

**[ترجمه]

«۲۳»

ع، [علل الشرائع] أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ السِّنَانِیُّ عَنِ الْأَسَدِیِّ عَنْ سَهْلٍ عَنْ عَبْدِ الْعَظِیمِ الْحَسَنِیِّ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْعَسْکَرِیِّ علیه السلام قَالَ: إِنَّمَا اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلًا لِکَثْرَهِ صَلَاتِهِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ (۳).

**[ترجمه]علل الشرایع: امام ابوالحسن عسکری فرمود: از آن جا که ابراهیم بر محمد و اهل بیت او (صلوات الله علیهم اجمعین) بسیار صلوات می فرستاد، خداوند وی را به عنوان دوست خود برگزید - . علل الشرایع۱ : ۲۳ - .

**[ترجمه]

«۲۴»

ع، [علل الشرائع] أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْیَقْطِینِیِّ عَنْ یُونُسَ عَنْ عَبْدِ الْحَمِیدِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ ذَکَرَ اللَّهَ کُتِبَتْ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ مَنْ ذَکَرَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله کُتِبَتْ لَهُ عَشْرُ حَسَنَاتٍ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَرَنَ رَسُولَهُ بِنَفْسِهِ (۴).

**[ترجمه]علل الشرایع: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس خداوند را یاد کند، ده حسنه برایش نوشته می شود و هرکس رسول خدا صلی الله علیه و آله را یاد کند، هم ده حسنه برایش نوشته می شود. زیرا خداوند عزوجل رسول خود را هم طراز خود قرار داده است - . علل الشرایع ۲ : ۲۶۶ - .

**[ترجمه]

«۲۵»

مع، [معانی الأخبار] أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمُقْرِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ الْمُقْرِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَوْصِلِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَاصِمٍ الطَّرِیفِیِّ عَنْ عَیَّاشِ بْنِ یَزِیدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِیهِ علیهما السلام قَالَ: مَنْ صَلَّی عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَمَعْنَاهُ أَنِّی أَنَا عَلَی الْمِیثَاقِ وَ الْوَفَاءِ الَّذِی قَبِلْتُ حِینَ قَوْلِهِ أَ لَسْتُ بِرَبِّکُمْ قالُوا بَلی (۵).

**[ترجمه]معانی الاخبار: امام موسی کاظم (ع) از پدر بزرگوارش روایت نموده که فرمود: هرکس بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرستد، معنایش این است که من، برهمان پیمان و عهدی هستم که خداوند در عالم ذر از من گرفت آن گاه که فرمود: « آیا من پروردگار شما نیستم؟، گفتند: بله» - . معانی الاخبار: ۱۱۶ - .

**[ترجمه]

«۲۶»

مع، [معانی الأخبار] أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَجَّاجِ الْمُقْرِی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْعَلَاءِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ أَبِی زَکَرِیَّا عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ بِلَالٍ عَنْ عُمَارَةَ بْنِ غَزِیَّةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ علیهم السلام

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۱۷۵.

۲- ۲. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۲۱۹.

۳- ۳. علل الشرائع ج ۱ ص ۳۳.

۴- ۴. علل الشرائع ج ۲ ص ۲۶۶.

۵- ۵. معانی الأخبار ص ۱۱۶.

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: الْبَخِيلُ حَقّاً مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَ (۱).

**[ترجمه]معانی الاخبار: امام سجاد علیه السلام از پدرش از جدش روایت نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بخیل واقعی کسی است که وقتی، در نزد او نامم برده شود، بر من درود نفرستد - . معانی الاخبار: ۲۴۶ - .

**[ترجمه]

«۲۷»

مع، [معانی الأخبار] ابْنُ مَسْرُورٍ عَنِ ابْنِ عَامِرٍ عَنِ الْمُعَلَّى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ حَفْصٍ الْبَزَّازِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً فَقَالَ الصَّلَاةُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ رَحْمَةٌ وَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ تَزْكِيَةٌ وَ مِنَ النَّاسِ دُعَاءٌ وَ أَمَّا قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً فَإِنَّهُ يَعْنِي التَّسْلِيمَ لَهُ فِيمَا وَرَدَ عَنْهُ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ فَكَيْفَ نُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ قَالَ تَقُولُونَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ صَلَوَاتُ مَلَائِكَتِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ قَالَ فَقُلْتُ فَمَا ثَوَابُ مَنْ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَ آلِهِ بِهَذِهِ الصَّلَاةِ قَالَ الْخُرُوجُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ اللَّهِ كَهَيْئَةِ يَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ (۲).

**[ترجمه]معانی الاخبار: ابو حمزه گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این آیه پرسیدم که مقصود چیست: «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستد؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و سلام گویید و کاملاً تسلیم(فرمان او) باشید» حضرت فرمود: صلوات از جانب خداوند رحمت است و از جانب ملائکه تزکیه (پاکیزه گرداندن) است و از جانب مردم دعاست. اما این که خداوند فرمود: « و کاملاً تسلیم(فرمان او) باشید» یعنی در برابر آن چه را که از او نقل شده، تسلیم باشیم (بپذیرید).

پرسیدم: ما چگونه بر محمد و آل او صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگویید: صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ صَلَوَاتُ مَلَائِكَتِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُه. پرسیدم: کسی که این گونه بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات فرستد، چه ثوابی نصیبش می شود؟ فرمود: به خدا قسم، از گناهانش رها می گردد؛ بسان کسی می شود که تازه از مادر متولد شده است - ، معانی الاخبار : ۳۶۸ - .

**[ترجمه]

«۲۸»

يد، [التوحيد] عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: لَا تَضْرِبُوا أَطْفَالَكُمْ عَلَى بُكَائِهِمْ فَإِنَّ بُكَاءَهُمْ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ وَ آلِهِ وَ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ الدُّعَاءُ لِوَالِدَيْهِ (۳).

ص: ۵۵

۱- ۱. معانی الأخبار ص ۲۴۶.

۲- ۲. معانی الأخبار ص ۳۶۸.

۳- ۳. التوحید ص ۲۴۲، و قیل فی وجهه: السرّ فیه أن الطفل أربعه أشهر لا یعرف سوی اللّه عزّ و جلّ الذی فطر علی معرفته و توحیده فبكاؤه توسل إلیه و التجاء به سبحانه خاصّه دون غیره، فهو شهاده له بالتوحید، و أربعه اخری یعرف أمه من حیث انها وسیله لاغتذائه فقط، لا من حیث

انهـا أمه، و لهـذا يأخـذ اللبن من غيرهـا أيضـا فى هـذه المـده غالبا فلا يعرف فيها بعـد اللّه الا من كان وسـيله بين اللّه و بينه فى ارتزاقه الـذى هو مكلف به تكليفـا طبيعيا من حيث كونها وسـيله لا غير، و هـذا معنى الرساله فبكاؤه فى هـذه المـده شـهاده بالرساله، و أربعه اخرى يعرف أبويه و كونه محتاجا اليهما فى الرزق، فبكاؤه فيها دعاء لهما بالسلامه و البقاء فى الحقيقه.

**[ترجمه]التوحید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کودکان خود را برای گریستن آن ها نزنید زیرا تا چهار ماه اول، گواهی بر یگانگی خدا است و چهار ماه دوم، صلوات بر پیغمبر و آلش و چهار ماه سوم، دعا برای پدر و مادرش - . التوحید :۲۴۲ گفته شده است: سر این مطلب، این است که کودک چهار ماه جز خدا نشناسد که این شناخت خداوند و گواهی به یگانگی او در سرشت کودک نهاده شده است. و گریه اش تنها توسل و پناه جستن به خداست و همان گواهی به یگانگی او است و در چهار ماه دیگر مادرش را می شناسد که تنها وسیله تغذیه او است نه از جهت مادری، و از این رو در این مدت پستان دیگری را هم غالبا می گیرد. پس کودک در این مدت، غیر از خداوند، هیچ کسی جز آن که واسطه روزی میان او و خداوند گشته، نمی شناسد. البته این واسطه طبیعتا مکلف به روزی رساندن به این طفل است.

و این معنی رسالت است و گریه اش در حقیقت گواهی به رسالت است در این مدت، و در چهار ماه سوم پدر و مادر را می شناسد و می فهمد که در روزی بدآن ها نیاز دارد و گریه او در این مدت، در حقیقت دعا برای سلامتی و ماندن آن ها است . - .

**[ترجمه]

«۲۹»

لی، [الأمالی] للصدوق ابْنُ شَاذَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْحِمْيَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنِ الْبَاقِرِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَى آلِي لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ إِنَّ رِيحَهَا لَتُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ (۱).

**[ترجمه]امالی صدوق: امام باقر علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کسی که بر من درود فرستد و بر آل من درود نفرستد، بوی بهشت را که از مسافت پانصد سال راه به مشام می رسد، نمی تواند استشمام کند. - . امالی صدوق:۱۲۰ -

**[ترجمه]

«۳۰»

لی، [الأمالی] للصدوق ابْنُ مَسْرُورٍ عَنِ ابْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ذَاتَ يَوْمٍ لِعَلِيٍّ علیه السلام أَ لَا أُبَشِّرُكَ فَقَالَ بَلَى بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي فَإِنَّكَ لَمْ تَزَلْ مُبَشِّراً بِكُلِّ خَيْرٍ فَقَالَ أَخْبَرَنِي جَبْرَئِيلُ آنِفاً بِالْعَجَبِ فَقَالَ لَهُ عَلِيٌّ علیه السلام وَ مَا الَّذِي أَخْبَرَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ أَخْبَرَنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَّى عَلَيَّ وَ أَتْبَعَ بِالصَّلَاةِ عَلَى أَهْلِ بَيْتِي فُتِّحَتْ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ سَبْعِينَ صَلَاةً وَ إِنْ كَانَ مُذْنِباً خَطَّاءً ثُمَّ تَتَحَاتُّ عَنْهُ الذُّنُوبُ كَمَا يَتَحَاتُّ الْوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ وَ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَبَّيْكَ يَا عَبْدِي وَ سَعْدَيْكَ وَ يَقُولُ اللَّهُ لِمَلَائِكَتِهِ يَا مَلَائِكَتِي أَنْتُمْ تُصَلُّونَ عَلَيْهِ سَبْعِينَ صَلَاةً وَ أَنَا أُصَلِّي عَلَيْهِ سَبْعَمِائَةِ صَلَاةٍ وَ إِذَا صَلَّى عَلَيَّ وَ لَمْ يُتْبِعْ بِالصَّلَاةِ عَلَى أَهْلِ بَيْتِي كَانَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ السَّمَاءِ سَبْعُونَ حِجَاباً وَ يَقُولُ جَلَّ جَلَالُهُ لَا لَبَّيْكَ وَ لَا سَعْدَيْكَ يَا مَلَائِكَتِي لَا تُصْعِدُوا دُعَاءَهُ إِلَّا أَنْ يُلْحِقَ بِنَبِيِّي عِتْرَتَهُ فَلَا يَزَالُ مَحْجُوباً حَتَّى يُلْحِقَ بِي أَهْلَ بَيْتِي (۲).

ثو، [ثواب الأعمال] أبی عن علی عن أبیه عن علی بن معبد عن واصل بن عبد الله عن عبد الله بن سنان: مثله (۳) جم، [جمال الأسبوع] حدثنی جماعه بإسنادهم إلی الصفار عن إبراهیم بن هاشم: مثله.

**[ترجمه]امالی صدوق: روزی، رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود آیا می خواهی که به تو مژده ای بدهم؟ عرض کرد: بله، پدر و مادرم به قربانت، تو همیشه مژده خوبی ها را می دهی. فرمود: لحظاتی قبل، جبرئیل خبر شگفت انگیزی را برایم گفت، علی علیه

السلام عرض کرد: یا رسول اللّٰه، جبرئیل چه خبری بشما داده است؟ فرمود: به من خبر داد که هر کدام از امتم بر من صلوات بفرستد و به دنبال آن، بر آل من هم صلوات بفرستد، درهای آسمان به رویش گشوده شود و فرشته ها هفتاد صلوات بر او می فرستند گرچه گنهکار و خطاکار باشد. سپس گناهانش فرو می ریزند چنان چه برگ های درخت بریزد و خدای تبارک و تعالی می فرماید: لبیک ای بنده من، و به فرشتگانش می فرماید ای فرشتگانم شما بر او هفتاد صلوات بفرستید و من هفتصد. ولی اگر کسی بر من صلوات بفرستد و به دنبال آن، بر اهل بیتم صلوات نفرستد، میان او و اهل آسمان هفتاد حجاب قرار می گیرد و خدای جل جلاله فرماید: دعایت را اجابت نمی کنم. ای فرشتگانم دعایش را بالا نیاورید تا این که عترت پیامبر را نیز به پیامبر ملحق کند و همیشه در حجاب است تا این که او وقتی به من صلوات بفرستد، اهل بیتم را نیز به من ملحق کند.

همانند این حدیث در ثواب الاعمال نیز آمده است.

همانند این حدیث در جمال الاسبوع نیز آمده است.

**[ترجمه]

«۳۱»

ثو، [ثواب الأعمال] الْعَطَّارُ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ السِّنْدِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَنَا عِنْدَ

ص: ۵۶

۱- ۱. أمالي الصدوق ص ۱۲۰.

۲- ۲. أمالي الصدوق ص ۳۴۵.

۳- ۳. ثواب الأعمال ص ۱۴۲.

الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ فَمَنْ ثَقُلَتْ سَيِّئَاتُهُ عَلَى حَسَنَاتِهِ جِئْتُ بِالصَّلَاهِ عَلَيَّ حَتَّى أُثَقِّلَ بِهَا حَسَنَاتِهِ (۱).

**[ترجمه]امام صادق علیه السلام از پدرانش روایت نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در روز قیامت، من در محلی که اعمال انسان را می سنجند (میزان)، هستم. هرکس کارهای بدش از کارهای نیکش سنگین تر شد، صلواتی را که بر من فرستاده، می آورم تا کارهای نیکش را سنگین تر سازم - . ثواب الاعمال:۱۴۰ - .

**[ترجمه]

«۳۲»

ثو، [ثواب الأعمال] أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنْ سَلَمَهَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا ذُكِرَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله فَأَكْثِرُوا الصَّلَاهَ عَلَیْهِ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَى النَّبِیِّ صَلَاهً وَاحِدَهً صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ أَلْفَ صَلَاهٍ فِی أَلْفِ صَفٍّ مِنَ الْمَلَائِكَهِ وَ لَمْ یَبْقَ شَیْ ءٌ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ إِلَّا صَلَّى عَلَى ذَلِكَ الْعَبْدِ لِصَلَاهِ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ صَلَاهِ مَلَائِكَتِهِ وَ لَا یَرْغَبُ عَنْ هَذَا إِلَّا جَاهِلٌ مَغْرُورٌ قَدْ بَرِئَ اللَّهُ مِنْهُ وَ رَسُولُهُ (۲).

جمال الأسبوع، بإسناده عن محمد بن الحسن الصفار عن سلمه: مثله.

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: چون نام پیغمبر صلی الله علیه و آله برده شد بسیار بر او صلوات بفرستید، زیرا هر کس یک صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله بفرستد خداوند هزار بار در هزار صف از فرشته ها بر او صلوات می فرستد، و چیزی از مخلوقات خدا نماند جز این که بر این بنده صلوات فرستد برای آن که خداوند و فرشتگان برای او صلوات فرستند، و هر کس در این فضیلت رغبت نکند، قطعا نادان و مغرور است، و خدا و رسولش از چنین فردی بیزارند - . ثواب الاعمال : ۱۳۹ - .

همین حدیث، با سندی متفاوت در کتاب جمال الاسبوع نیز آمده است.

**[ترجمه]

«۳۳»

ثو، [ثواب الأعمال] مَاجِیلَوَیْهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عِیسَى عَنْ رُشَیْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ مُعَاوِیَهَ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِی إِسْحَاقَ عَنْ عَبَّاسٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ ضَمْرَهَ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام قَالَ: الصَّلَاهُ عَلَى النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله أَمْحَقُ لِلْخَطَایَا مِنَ الْمَاءِ لِلنَّارِ وَ السَّلَامُ عَلَى النَّبِیِّ علیه السلام أَفْضَلُ مِنْ عِتْقِ رِقَابٍ وَ حُبُّ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَفْضَلُ مِنْ مُهَجِ الْأَنْفُسِ أَوْ قَالَ ضَرْبِ السُّیُوفِ فِی سَبِیلِ اللَّهِ (۳).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امیر مؤمنان علی علیه السّلام فرمود: صلوات فرستادن بر پیامبر صلّی اللّه علیه و آله بهتر از آبی که آتش را از بین برد، گناهان را از بین می برد و سلام کردن بر پیامبر صلّی اللّه علیه و آله فضیلت مندتر از آزاد کردن بندگان است و دوست داشتن آن حضرت صلّی اللّه علیه و آله برتر روح جان ها، یا (فرمود): شمشیر زدن در راه خداست - . ثواب الاعمال: ۱۳۹ - .

**[ترجمه]

«۳۴»

ثو، [ثواب الأعمال] أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ مُحَسِّنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبَانٍ الْأَحْمَرِ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ نُعَیْمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِنِّی دَخَلْتُ الْبَیْتَ فَلَمْ یَحْضُرْنِی شَیْ ءٌ مِنَ الدُّعَاءِ إِلَّا الصَّلَاهَ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ علیه السلام لَمْ یَخْرُجْ أَحَدٌ بِأَفْضَلَ مِمَّا خَرَجْتَ (۴).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: عبدالسـلام بن نعیم گوید: به امام صادق علیه السـلام عرض کردم: وارد خانه خدا شدم و هیچ دعایی جز صـلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله به یادم نیامد. فرمودند: هیچ کسی کاری بهتر از کار تو در آن جا انجام نداده است - . ثواب الاعمال:۱۴۰ - .

**[ترجمه]

«۳۵»

ثو، [ثواب الأعمال] أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ الْمُغِیرَهِ عَنْ عَبْدِ الْکَرِیمِ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِی إِسْحَاقَ السَّبِیعِیِّ عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ قَالَ: قَالَ

۱- ۱. ثواب الأعمال ص ۱۴۰.

۲- ۲. ثواب الأعمال: ۱۳۹.

۳- ۳. ثواب الأعمال: ۱۳۹.

۴- ۴. ثواب الأعمال: ۱۴۰.

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: كُلُّ دُعَاءٍ مَحْجُوبٌ عَنِ السَّمَاءِ حَتَّى يُصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ (١).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: همه دعاها از صعود به آسمان ممنوع است،

تا آن گاه كه بر محمّد و آل محمد صلوات بفرستند - . ثواب الاعمال:١۴٠ - .

**[ترجمه]

«٣۶»

ثو، [ثواب الأعمال] أَبِي عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنِ الصَّبَّاحِ بْنِ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أَ لَا أُعَلِّمُكَ شَيْئاً يَقِي اللَّهُ بِهِ وَجْهَكَ مِنْ حَرِّ جَهَنَّمَ قَالَ قُلْتُ بَلَى قَالَ قُلْ بَعْدَ الْفَجْرِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَةَ مَرَّةٍ يَقِي اللَّهُ بِهِ وَجْهَكَ مِنْ حَرِّ جَهَنَّمَ (٢).

**[ترجمه]صباح بن سيابه گويد: امام صادق عليه السلام فرمود: آيا مى خواهى چيزى به تو بياموزم كه خداوند به واسطه آن صورت تو را از آتش جهنم محافظت كند؟ گفتم: آرى. فرمود: بعد از طلوع فجر، صد بار مى گويى: اللهم صل على محمد و آل محمد. خداوند به واسطه اين صلوات صورت تو را از آتش جهنم دور نگه مى دارد - . ثواب الاعمال:١۴٠ - .

**[ترجمه]

«٣٧»

ثو، [ثواب الأعمال] أَبِي عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: وَجَدْتُ فِي بَعْضِ الْكُتُبِ مَنْ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ حَسَنَةٍ وَ مَنْ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَسَنَةٍ(٣).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق عليه السلام فرمود: در برخى كتاب ها ديدم كه: هركس بر محمد و آل او صلوات بفرستد، صد حسنه برايش نوشته مى شود. و هر كس بگويد: صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِه، خداوند هزار حسنه برايش مى نويسد - . ثواب الاعمال:١۴١ - .

**[ترجمه]

«٣٨»

ثو، [ثواب الأعمال] أَبِي عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْمُغِيرَهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ قَالَ فِي دُبُرِ صَلَاهِ الصُّبْحِ وَ صَلَاهِ الْمَغْرِبِ قَبْلَ أَنْ يَثْنِيَ رِجْلَيْهِ أَوْ يُكَلِّمَ أَحَداً إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ ذُرِّيَّتِهِ قَضَى اللَّهُ لَهُ مِائَةَ حَاجَهٍ سَبْعِينَ فِي الدُّنْيَا وَ ثَلَاثِينَ فِي الْآخِرَهِ قَالَ قُلْتُ لَهُ مَا مَعْنَى صَلَاهِ اللَّهِ وَ صَلَاهِ مَلَائِكَتِهِ وَ صَلَاهِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ صَلَاهُ اللَّهِ رَحْمَهٌ مِنَ اللَّهِ وَ صَلَاهُ مَلَائِكَتِهِ تَزْكِيَهٌ مِنْهُمْ لَهُ وَ صَلَاهُ الْمُؤْمِنِينَ دُعَاءٌ مِنْهُمْ لَهُ وَ مِنْ سِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الصَّلَاهِ عَلَى النَّبِيِّ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْأَوَّلِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمَلَإِ الْأَعْلَى وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسِيلَهَ وَ الشَّرَفَ وَ الْفَضِيلَهَ وَ الدَّرَجَهَ الْكَبِيرَهَ اللَّهُمَّ إِنِّي آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَ لَمْ أَرَهُ فَلَا تَحْرِمْنِي يَوْمَ الْقِيَامَهِ رُؤْيَتَهُ وَ ارْزُقْنِي صُحْبَتَهُ وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَ اسْقِنِي مِنْ

١- ١. ثواب الأعمال ص ١۴٠.

٢- ٢. ثواب الأعمال ص ١۴٠.

٣- ٣. ثواب الأعمال ص ١۴١.

حَوْضِهِ مَشْرَباً رَوِيّاً سَائِغاً هَنِيئاً لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَداً إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ اللَّهُمَّ کَمَا آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ وَ لَمْ أَرَهُ فَعَرِّفْنِی فِی الْجِنَانِ وَجْهَهُ اللَّهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّی تَحِیَّهً کَثِیرَهً وَ سَلَاماً.

فَإِنَّ مَنْ صَلَّی عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله بِهَذِهِ الصَّلَوَاتِ هُدِمَتْ ذُنُوبُهُ وَ مُحِیَتْ خَطَایَاهُ وَ دَامَ سُرُورُهُ وَ اسْتُجِیبَ دُعَاؤُهُ وَ أُعْطِیَ أَمَلَهُ وَ بُسِطَ لَهُ فِی رِزْقِهِ وَ أُعِینَ عَلَی عَدُوِّهِ وَ هِیَ لَهُ سَبَبُ أَنْوَاعِ الْخَیْرِ وَ یُجْعَلُ مِنْ رُفَقَاءِ نَبِیِّهِ فِی الْجِنَانِ الْأَعْلَی یَقُولُهُنَّ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ غُدْوَهً وَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ عَشِیَّهً(۱).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: ابن مغیره گوید که از امام کاظم علیه السّلام شنیدم که فرمود: هر که پس از نماز صبح و مغرب پیش از آن که برخیزد یا با کسی سخن گوید آیه «خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده اید بر او درود فرستید و به فرمانش به خوبی گردن نهید» را تلاوت کند و سپس گوید: «اللّهمّ صلّ علی محمّد النّبیّ و ذرّیّته»، خداوند صد حاجت او را برآورد؛ هفتاد حاجت در دنیا و سی حاجت در آخرت. عرض کردم: معنای درود خدا و درود فرشتگان و درود مؤمنان چیست؟ فرمود: درود خداوند رحمت از سوی اوست و درود فرشتگان ستایش آنان است و درود مؤمنان دعا نمودن برای پیامبر صلّی اللّه علیه و آله است. و از اسرار آل محمّد در درود فرستادن بر پیامبر و آل او این صلوات است: «خداوندا در میان اولین و آخرین بندگانت، بر محمد و آل او درود فرست و در جهانیان بر او و آلش درود فرست و در عالم بالا بر محمد و آل او درود بفرست. و در میان پیامبران به او درود بفرست. خداوندا، به محمد، وسیله و شرف و فضیلت و درجات عالی عطا کن. خداوندا، من بدون این که توفیق دیدار محمد را داشته باشم، به او ایمان آوردم پس در روز قیامت مرا از دیدار او محروم نگردان. همجواری با آن حضرت را نصیب من قرار بده. و مرا بر طریقت و آیین او از دنیا ببر. و از حوض او جرعه ای گوارا به من ده و مرا سیراب گردان که بعد از آن هرگز تشنه نگردم. خداوندا، همان طور که من محمد را ندیده و به او ایمان آوردم، در بهشت دیدار رویش را نصیبم کن. خداوندا، درود و سلام بسیار از جانب من به روح محمد برسان». به راستی، هر که با این صلوات سه بار در سحرگاه و سه بار در شامگاه بر پیامبر صلّی اللّه علیه و آله صلوات فرستد گناهانش از بین رفته و خطاهایش پاک شود و شادی اش پایدار گشته و دعایش برآورده شود و به آرزویش دست یابد و روزی اش افزون، و در برابر دشمنش یاری گردد و اسباب همه خیرها برای او فراهم آید و از همنشینان پیامبرش در بهشت اعلا باشد - . ثواب الاعمال: ۱۴۱ و ۱۴۲ - .

**[ترجمه]

«۳۹»

ثو، [ثواب الأعمال] ابْنُ الْمُتَوَکِّلِ عَنِ السَّعْدَآبَادِیِّ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِیدٍ عَنْ مُصَدِّقٍ عَنْ عَمَّارٍ قَالَ: کُنْتُ عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ رَجُلٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَا هَذَا لَقَدْ ضَیَّقْتَ عَلَیْنَا أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ أَهْلَ الْبَیْتِ خَمْسَهٌ أَصْحَابُ الْکِسَاءِ فَقَالَ الرَّجُلُ کَیْفَ أَقُولُ قَالَ قُلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَنَکُونَ نَحْنُ وَ شِیعَتُنَا قَدْ دَخَلْنَا فِیهِ (۲).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: عمار گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم مردی گفت: اللّهم صلّ علی محمد و اهل بیت محمد. امام صادق علیه السلام به او فرمودند: ما را در این دعا نیاوردید. آیا نمی دانی که اهل بیت پنج تن آل عبا هستند. آن مرد پرسید چطور بگویم؟ فرمودند: بگو اللّهم صلّ علی محمد و آل محمد، تا ما و شیعیانمان نیز مشمول این صلوات شویم - . ثواب الاعمال :۱۴۳ - .

**[ترجمه]

أقول

أوردنا بعض الأخبار فی باب عمل لیله الجمعه و یومها من کتاب الصلاه(۳).

**[ترجمه]برخی روایات را در باب اعمال شب جمعه و روز جمعه در کتاب نماز، ذکر کردیم - . برخی از این روایات در مورد ثواب اعمال، در همان صفحه آمده است. - .

**[ترجمه]

«۴۰»

ثو، [ثواب الأعمال] ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ فِی یَوْمٍ مِائَهَ مَرَّهٍ رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ قَضَی اللَّهُ لَهُ مِائَهَ حَاجَهٍ ثَلَاثُونَ مِنْهَا لِلدُّنْیَا وَ سَبْعُونَ لِلْآخِرَهِ(۴).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در روز صد مرتبه بگوید: رب صل علی محمد و اهل بیته، خداوند صد حاجت او را برآورده می سازد که شامل سی حاجت دنیوی و هفتاد حاجت اخروی است - . ثواب الاعمال: ۱۴۴ - .

**[ترجمه]

«۴۱»

ثو، [ثواب الأعمال] بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ یَزِیدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: ارْفَعُوا أَصْوَاتَکُمْ بِالصَّلَاهِ عَلَیَّ فَإِنَّهَا تَذْهَبُ

۱- ۱. ثواب الأعمال: ۱۴۱ و ۱۴۲.

۲- ۲. ثواب الأعمال: ۱۴۳.

۳- ۳. و منها فی ثواب الأعمال الصفحه المذکوره.

۴- ۴. ثواب الأعمال ص ۱۴۴.

بِالنِّفَاقِ (۱).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: در صلوات فرستادن، صدای خود را بلند کنید زیرا که این امر، نفاق را از بین می برد - . ثواب الاعمال :۱۴۴ - .

**[ترجمه]

«۴۲»

ثو، [ثواب الأعمال] ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ علیه السلام فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي جَعَلْتُ ثُلُثَ صَلَاتِي لَكَ فَقَالَ لَهُ خَيْراً فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي جَعَلْتُ نِصْفَ صَلَاتِي لَكَ فَقَالَ ذَلِكَ أَفْضَلُ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي قَدْ جَعَلْتُ كُلَّ صَلَاتِي لَكَ قَالَ إِذًا يَكْفِيَكَ اللَّهُ مَا أَهَمَّكَ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاكَ وَ آخِرَتِكَ.

فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ أَصْلَحَكَ اللَّهُ كَيْفَ يَجْعَلُ صَلَاتَهُ لَهُ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام لَا يَسْأَلُ اللَّهَ شَيْئاً إِلَّا بَدَأَ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ(۲).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام فرمود: مردی نزد رسول خدا صلّی اللّه علیه و آله و سلّم آمد و عرض کرد: یا رسول اللّه، یک سوّم دعایم را به تو اختصاص دادم. حضرت فرمود: خوب است. عرض کرد: یا رسول اللّه! نیمی از دعایم را به تو اختصاص دادم. حضرت فرمود: این بهتر است. عرض کرد: یا رسول اللّه! همه دعاهایم را به تو اختصاص دادم،

حضرت فرمود: در این صورت خداوند تمام امور دنیا و آخرت تو را کفایت می کند. در این هنگام مردی از حضرت امام صادق علیه السّلام پرسید: چگونه دعاهای خود را به پیامبر خدا اختصاص می دهد؟ حضرت علیه السّلام فرمود: از خدا هیچ چیزی مسألت نمی کند مگر آن که اول بر محمد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و اهل بیت او علیهم السّلام صلوات بفرستد و بعد حاجت خود را از خداوند بخواهد - . ثواب الاعمال: ۱۴۲ - .

**[ترجمه]

«۴۳»

ثو، [ثواب الأعمال] أَبِي عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ صَلَّى عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِائَةَ مَرَّةٍ قَضَى اللَّهُ لَهُ سِتِّينَ حَاجَةً مِنْهَا لِلدُّنْيَا ثَلَاثُونَ حَاجَةً وَ ثَلَاثُونَ لِلْآخِرَةِ(۳).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام رضا علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: هرکس در روز جمعه بر من صلوات بفرستد، خداوند شصت حاجت او را برآورده می سازد که سی حاجت آن دنیوی و سی حاجت دیگر، اخروی است - . ثواب الاعمال: ۱۴۱ - .

**[ترجمه]

«۴۴»

ثو، [ثواب الأعمال] قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ فَنَسِيَ الصَّلَاةَ عَلَيَّ خُطِئَ بِهِ طَرِيقَ الْجَنَّةِ(۴).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: هر كس نام من نزد او برده شود و صلوات بر من، را فراموش كند راه بهشت را به خطا خواهد رفت - . ثواب الاعمال: ۱۸۷ - .

**[ترجمه]

«۴۵»

سن، [المحاسن] أَبِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً فَقَالَ أَثْنَوْا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا لَهُ (۵).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السلام درباره اين آيه: « إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْليما» فرمود: مقصود اين است كه او را بستاييد و بر او درود بفرستيد - . المحاسن، ص۳۲۸ و احزاب: ۵۶ - .

**[ترجمه]

«۴۶»

سن، [المحاسن] أَبِی عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً قَالَ الصَّلَاةُ عَلَيْهِ وَ التَّسْلِيمُ لَهُ فِی

۱- ۱. ثواب الأعمال ص ۱۴۴.

۲- ۲. ثواب الأعمال ص ۱۴۲.

۳- ۳. ثواب الأعمال ص ۱۴۱.

۴- ۴. ثواب الأعمال ص ۱۸۷.

۵- ۵. المحاسن: ۳۲۸: و الآيه فی الأحزاب: ۵۶.

كُلِّ شَيْ ءٍ جَاءَ بِهِ (۱).

**[ترجمه]محاسن: ابو بصير گويد: از امام صادق عليه السلام پرسيدم كه مقصود اين آيه چيست: « إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيما»، حضرت فرمود: مقصود اين است كه بر پيامبر صلى الله عليه و آله صلوات بفرستى و در برابر هر آن چه كه او آورده است، تسليم و فرمانبردار باشى - . ثواب الاعمال :۲۷۱ - .

**[ترجمه]

«۴۷»

شا، [الإرشاد] إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ دَاوُدَ الْجَعْفَرِيُّ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُحَمَّدٍ الدَّرَاوَرْدِيِّ عَنْ عُمَارَةَ بْنِ غَزِيَّةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام أَنَّهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: إِنَّ الْبَخِيلَ كُلَّ الْبَخِيلِ الَّذِي إِذَا ذُكِرْتُ عِنْدَهُ لَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ (۲).

**[ترجمه]رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: همانا، بخيل ترين مردم كسى است، كه هركس در نزدش نامى از من برده شود، بر من صلوات نفرستد. بار خدايا، بر محمد و آل محمد صلوات بفرست - . ارشاد: ۲۸۵ - .

**[ترجمه]

«۴۸»

م، [تفسير الإمام عليه السلام]: قَالَ عَزَّ وَ جَلَ وَ إِذْ نَجَّيْناكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذابِ يُذَبِّحُونَ أَبْناءَكُمْ وَ يَسْتَحْيُونَ نِساءَكُمْ وَ فِي ذلِكُمْ بَلاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ (۳) قَالَ الْإِمَامُ عليه السلام قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ اذْكُرُوا يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ نَجَّيْناكُمْ أَنْجَيْنَا أَسْلَافَكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ وَ هُمُ الَّذِينَ كَانُوا يُوَالُونَ إِلَيْهِ بِقَرَابَتِهِ وَ بِدِينِهِ وَ بِمَذْهَبِهِ يَسُومُونَكُمْ كَانُوا يُعَذِّبُونَكُمْ سُوءَ الْعَذابِ شِدَّةَ الْعِقَابِ كَانُوا يَحْمِلُونَهُ عَلَيْكُمْ قَالَ وَ كَانَ مِنْ عَذَابِهِمُ الشَّدِيدِ أَنَّهُ كَانَ فِرْعَوْنُ يُكَلِّفُهُمْ عَمَلَ الْبِنَاءِ عَلَى الطِّينِ وَ يَخَافُ أَنْ يَهْرُبُوا عَنِ الْعَمَلِ فَأَمَرَ بِتَقْيِيدِهِمْ وَ كَانُوا يَنْقُلُونَ ذَلِكَ الطِّينَ عَلَى السَّلَالِيمِ إِلَى السُّطُوحِ فَرُبَّمَا سَقَطَ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ فَمَاتَ أَوْ زَمِنَ لَا يَحْفِلُونَ بِهِمْ إِلَى أَنْ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى قُلْ لَهُمْ لَا يَبْتَدِءُونَ عَمَلًا إِلَّا بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ لِيَخِفَّ عَلَيْهِمْ فَكَانُوا يَفْعَلُونَ ذَلِكَ فَيَخِفُّ عَلَيْهِمْ وَ أَمَرَ كُلَّ مَنْ سَقَطَ فَزَمِنَ مِمَّنْ نَسِيَ الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ أَنْ يَقُولَهَا عَلَى نَفْسِهِ إِنْ أَمْكَنَهُ أَيِ الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَوْ يُقَالَ عَلَيْهِ إِنْ لَمْ يُمْكِنْهُ فَإِنَّهُ يَقُومُ وَ لَا يَقْلِبُهُ يَدٌ(۴)

فَفَعَلُوهَا فَسَلِمُوا يُذَبِّحُونَ أَبْناءَكُمْ وَ ذَلِكَ لَمَّا قِيلَ لِفِرْعَوْنَ إِنَّهُ يُولَدُ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ مَوْلُودٌ يَكُونُ عَلَى يَدِهِ هَلَاكُكَ وَ زَوَالُ مُلْكِكَ فَأَمَرَ بِذَبْحِ أَبْنَائِهِمْ فَكَانَتِ الْوَاحِدَةُ مِنْهُنَّ تُصَانِعُ الْقَوَابِلَ عَنْ نَفْسِهَا كَيْلَا تَنِمَّ عَلَيْهَا وَ تَنِمَّ حَمْلُهَا ثُمَّ تُلْقِي وَلَدَهَا فِي صَحْرَاءَ أَوْ غَارِ جَبَلٍ أَوْ مَكَانٍ غَامِضٍ وَ تَقُولُ عَلَيْهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فَيُقَيِّضُ اللَّهُ لَهُ مَلَكاً يُرَبِّيهِ وَ يُدِرُّ مِنْ إِصْبَعٍ لَهُ لَبَناً يَمَصُّهُ وَ مِنْ إِصْبَعٍ طَعَاماً لَيِّناً يَتَغَذَّاهُ إِلَى أَنْ نَشَأَ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَ كَانَ

۱- ۱. المحاسن ص ۲۷۱.

۲- ۲. الإرشاد ص ۲۸۵ فى ط.

۳- ۳. البقره: ۴۹.

۴- ۴. فانه يقوم لا يضرّه ذلك، خ.

مَنْ سَلِمَ مِنْهُمْ وَ نَشَأَ أَكْثَرَ مِمَّنْ قُتِلَ.

وَ يَسْتَحْيُونَ نِساءَكُمْ يُبْقُونَهُنَّ وَ يَتَّخِذُونَهُنَّ إِمَاءً فَضَجُّوا إِلَى مُوسَى عليه السلام وَ قَالُوا يَفْتَرِشُونَ بَنَاتِنَا وَ أَخَوَاتِنَا فَأَمَرَ اللَّهُ تِلْكَ الْبَنَاتِ كُلَّمَا رَابَهُنَّ مِنْ ذَلِكَ رَيْبٌ صَلَّيْنَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ فَكَانَ اللَّهُ يَرُدُّ عَنْهُنَّ أُولَئِكَ الرِّجَالَ إِمَّا بِشُغُلٍ أَوْ مَرَضٍ أَوْ زَمَانَةٍ أَوْ لُطْفٍ مِنْ أَلْطَافِهِ فَلَمْ يَفْتَرِشْ مِنْهُنَّ امْرَأَةً بَلْ دَفَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِكَ عَنْهُنَّ بِصَلَاتِهِنَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ ثُمَّ قَالَ عَزَّ وَ جَلَ وَ فِي ذلِكُمْ فِي ذَلِكَ الْإِنْجَاءِ الَّذِي أَنْجَاكُمْ مِنْهُمْ رَبُّكُمْ بَلاءٌ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ كَبِيرٌ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا إِذَا كَانَ الْبَلَاءُ يُصْرَفُ عَنْ أَسْلَافِكُمْ وَ يَخِفُّ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ أَ فَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّكُمْ إِذَا شَاهَدْتُمُوهُ وَ آمَنْتُمْ بِهِ كَانَتِ النِّعْمَةُ عَلَيْكُمْ أَفْضَلَ وَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ أَجْزَلُ (۱).

**[ترجمه]تفسیر امام حسن عسکری: خداوند متعال فرمود: « وَ إِذْ نَجَّيْناكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذابِ يُذَبِّحُونَ أَبْناءَكُمْ وَ يَسْتَحْيُونَ نِساءَكُمْ وَ فی ذلِكُمْ بَلاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظيم» - . بقره/ ۴۹ - و ای بنی اسرائیل! به یاد آورید «إِذْ نَجَّيْنَاكُم» پیشینیان شما را نجات دادیم «مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ» و کسانی که به فرعون در خویشاوندی و دین و آیین او نزدیکی می جستند، «يَسُومُونَكُمْ» شما را شکنجه می کردند «سُوءَ الْعَذَابِ» به شکنجه های سختی که بر شما روا می داشتند؛ از جمله شکنجه های سخت آن ها این بود که: فرعون،

آنان را به ساخت و ساز مجبور کرده بود، و چون می ترسید که از کار کردن بگریزند، فرمان داده بود تا آنان را غل و زنجیر کنند و آنان در چنین حالتی خشت ها را از پله ها به طبقات بالا می بردند و گاه می شد یکی از آن ها سقوط کند و جان سپارد، یا زمینگیر شود؛ امّا فرعونیان هیچ به او اعتنا نمی کردند، تا این که خداوند متعال به موسی علیه السلام وحی کرد: به آن ها بگو، هر کاری را با درود فرستادن بر محمّد صلی الله علیه و آله و خاندان پاکش آغاز کنند تا آن کار بر ایشان سبک گردد. آنان چنین کردند و کارها برایشان سبک گشت و فرمان داد تا هر کس درود فرستادن بر محمّد صلی الله علیه و آله و خاندانش را از یاد برد و سقوط کرد و زمین گیر شد، اگر در توانش بود، برای سلامتی خود، بر محمّد صلی الله علیه و آله و خاندانش درود فرستد و اگر یارای این کار را نداشت، دیگران بالای سرش، بر محمّد صلی الله علیه و آله و خاندانش درود فرستند تا برخیزد و از آن حادثه آسیبی نبیند و آنان چنین کردند و سلامت خویش باز یافتند. «يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ» چون به فرعون گفتند: در بنی اسرائیل پسری زائیده می شود که مرگ تو و فروپاشی پادشاهی ات به دست اوست، فرمان داد تا پسران نورسیده بنی اسرائیل را سر ببرند. زنی از زنان بنی اسرائیل به قابله ها رشوه داد تا داستان بارداری او را فاش نکنند و بارداریش به پایان رسد.

آن گاه فرزند خود را در صحرایی یا در غاری یا در مکانی مخفی به دنیا آورد، و بالای سر او ده بار گفت: درود بر محمّد صلی الله علیه و آله و خاندان پاکش. پس، خداوند فرشته ای فرستاد تا نوزاد را پرورش دهد و از یک انگشتش شیر برای او جاری ساخت تا بیاشامد و از انگشتی دگر غذایی نرم تا تناول کند. روزها گذشت و در میان قوم بنی اسرائیل کسانی که البته تعدادشان بیشتر از کشته شدگان بود،

جان سالم به در بردند و بزرگ شدند و این گونه بنی اسرائیل رشد یافت. «وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ» آن ها را بر جا می گذاشتند و به کنیزی می گرفتند. پس، بنی اسرائیل نزد موسی فریاد شکایت برآورد و گفتند: فرعونیان با دختران و خواهران ما همبستر می شوند. خداوند به آن دختران فرمان داد تا به هنگام ناخشنودی از این کار، بر محمّد صلی الله علیه و آله و خاندان پاک او علیهم السلام درود فرستند؛ و این گونه خداوند آن مردان را به کاری یا دردی یا مرضی مزمن و یا لطفی از لطف های خود مشغول می کرد و آنان را از دختران دور می نمود. پس، دیگر هیچ زنی با آنان، همبستر نمی شد و خداوند به برکت درود فرستادن بر محمّد صلی الله علیه و آله و خاندان پاک او، شر آن ها را از سر ایشان کم می کرد.

«وَفِي ذَلِكُم» یعنی در این راه نجاتی که خداوند به آن شما را رهایی بخشید «بَلاءٌ» نعمتی «مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ» بزرگ است. خداوند عزّ و جل فرمود: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُواْ» [ای فرزندان اسرائیل! به یاد آرید] آن گاه را که بلا از پیشینیان شما دور شد و با درود فرستادن بر محمّد صلی الله علیه و آله و خاندان پاکش بر آنان سبک گشت؛ پس، آیا نمی دانید که اگر شما به هنگام دیدار این خاندان به ایشان ایمان آورید، نعمت برایتان بسی برتر و والاتر و بزرگواری خداوند در حق شما نیک تر و فزون تر خواهد بود - . تفسیر امام حسن عسکری:۱۱۶-۱۱۷ - .

**[ترجمه]

«۴۹»

م، [تفسیر الإمام علیه السلام]: إِنَّ أَشْرَفَ أَعْمَالِ الْمُؤْمِنِینَ فِی مَرَاتِبِهِمُ الَّتِی قَدْ رُتِّبُوا فِیهَا مِنَ الثَّرَی إِلَی الْعَرْشِ الصَّلَاهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِمْ وَ اسْتِدْعَاءُ رَحْمَهِ اللَّهِ وَ رِضْوَانِهِ لِشِیعَتِهِمُ الْمُتَّقِینَ وَ اللَّعْنُ لِلْمُتَابِعِینَ لِأَعْدَائِهِمُ الْمُجَاهِرِینَ الْمُنَافِقِینَ (۲).

**[ترجمه]تفسیر امام حسن عسکری: بهترین اعمال مؤمنین، در هر مرتبه ای که هستند از زمین تا عرش خدا این است که صلوات بر محمّد و آل پاکش بفرستند و تقاضای رحمت و مغفرت برای شیعیان پرهیزگار آن ها نمایند و بر کسانی که آشکارا، از دشمنان آل محمد، پیروی می کنند و نیز بر منافقین نفرین و لعن کنند - . تفسیر امام حسن عسکری: ۲۷۱ - .

**[ترجمه]

«۵۰»

م، [تفسیر الإمام علیه السلام]: قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَ الصَّابِرِینَ فِی الْبَأْساءِ(۳) یَعْنِی مُحَارَبَهَ الْأَعْدَاءِ وَ لَا عَدُوَّ یُحَارِبُهُ أَعْدَی مِنْ إِبْلِیسَ وَ مَرَدَتِهِ یَهْتِفُ بِهِ وَ یَدْفَعُهُ بِالصَّلَاهِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّیِّبِینَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ وَ الضَّرَّاءِ الْفَقْرَ وَ الشِّدَّهَ وَ لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنْ فَقْرِ مُؤْمِنٍ یَلْجَأُ إِلَی التَّکَفُّفِ مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ یَصْبِرُ عَلَی ذَلِکَ وَ یَرَی مَا یَأْخُذُهُ مِنْ مَالِهِمْ مَغْنَماً یَلْعَنُهُمْ بِهِ وَ یَسْتَعِینُ بِمَا یَأْخُذُهُ عَلَی تَجْدِیدِ ذِکْرِ وَلَایَهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ وَ حِینَ الْبَأْسِ عِنْدَ شِدَّهِ الْقِتَالِ یَذْکُرُ اللَّهَ وَ یُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَی عَلِیٍ

۱- ۱. تفسیر الإمام: ۱۱۶ و ۱۱۷.

۲- ۲. تفسیر الإمام ص ۲۷۱.

۳- ۳. البقره: ۱۷۷.

وَلِيِّ اللَّهِ وَ يُوَالِی بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَ يُعَادِی كَذَلِکَ أَعْدَاءَ اللَّهِ (۱).

**[ترجمه]تفسير امام حسن عسكری: آيه: فرمود: وَ الصَّابِرِينَ فِی الْبَأْساءِ - . بقره/ ۱۷۷ -

يعنی شكيبايان در پيكار با دشمنان و دشمنی بالاتر از شيطان و پيروان او نيست كه پيوسته آن ها را دفع می كند و از خويش دور می نمايد با درود و صلوات بر محمّد و آل پاكش عليهم السّلام وَ الضَّرَّاءِ يعنی فقر و تنگدستی. فقری بالاتر از اين نيست كه مؤمن وادار شود از دشمنان آل محمّد درخواست كمک كند. و بر اين گرفتاری صبر كند و عقيده اش اين است كه هر چه از اموال آن ها استفاده می نمايد، غنيمتی است كه به كمک آن مال، ايشان را لعنت می كند و بوسيله آن مال، ولايت ائمه طاهرين عليهم السّلام را ترويج می نمايد. وَ حِينَ الْبَأْسِ هنگام شدت جنگ خدا را بياد می آورد و صلوات بر محمّد و علی ولی خدا می فرستد و او با دل و زبان دوستان خدا را دوست داشته و با دشمنان خدا، دشمن است - . تفسير امام حسن عسكری:۲۷۳ - .

**[ترجمه]

«۵۱»

كشف، [كشف الغمه] مِنْ كِتَابِ الْحَافِظِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام عَنْ عِكْرِمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله عليه و آله: مَنْ قَالَ جَزَی اللَّهُ عَنَّا مُحَمَّداً مَا هُوَ أَهْلُهُ أَتْعَبَ سَبْعِينَ كَاتِباً أَلْفَ صَبَاحٍ (۲).

**[ترجمه]كشف الغمه: رسول خدا صلی الله عليه و آله فرمود: هركس بگويد: خداوند، از جانب ما به محمد پاداشی عطا كند كه لايق او باشد، نوشتن ثواب آن قدر زياد است كه هفتاد ملک را در هزار صبح، خسته می كند - . كشف الغمه۲ :۳۸۱ - .

**[ترجمه]

«۵۲»

جع، [جامع الأخبار] قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله عليه و آله: مَنْ صَلَّی عَلَيَّ مَرَّةً صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ عَشْراً وَ مَنْ صَلَّی عَلَيَّ عَشْراً صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ مِائَةَ مَرَّةٍ وَ مَنْ صَلَّی عَلَيَّ مِائَةَ مَرَّةٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ أَلْفَ مَرَّةٍ وَ مَنْ صَلَّی عَلَيَّ أَلْفَ مَرَّةٍ لَا يُعَذِّبُهُ اللَّهُ فِی النَّارِ أَبَداً.

وَ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله عليه و آله: مَنْ صَلَّی عَلَيَّ مَرَّةً فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَاباً مِنَ الْعَافِيَةِ وَ قَالَ عليه السلام مَنْ صَلَّی عَلَيَّ مَرَّةً لَمْ يَبْقَ مِنْ ذُنُوبِهِ ذَرَّةٌ.

وَ رُوِیَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله عليه و آله قَالَ: أَوْلَی النَّاسِ بِی يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَكْثَرُهُمْ عَلَيَّ صَلَاةً فِی دَارِ الدُّنْيَا.

وَ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله عليه و آله فِی الْوَصِيَّةِ: يَا عَلِيُّ مَنْ صَلَّی عَلَيَّ كُلَّ يَوْمٍ أَوْ كُلَّ لَيْلَةٍ وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِی وَ لَوْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْكَبَائِرِ.

عَنِ الرِّضَا عليه السلام: مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَی مَا يُكَفِّرُ بِهِ ذُنُوبَهُ فَلْيُكْثِرْ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فَإِنَّهَا تَهْدِمُ الذُّنُوبَ هَدْماً.

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله عليه و آله قَالَ: مَنْ ذَكَرَنِی فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيَّ فَقَدْ شَقِیَ وَ مَنْ أَدْرَکَ رَمَضَانَ فَلَمْ تُصِبْهُ الرَّحْمَةُ فَقَدْ شَقِیَ وَ مَنْ أَدْرَکَ أَبَوَاهُ أَوْ أَحَدَهُمَا فَلَمْ يَبَرَّ فَقَدْ شَقِیَ (۳).

وَ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله عليه و آله: مَنْ صَلَّی عَلَيَّ مَرَّةً لَا يَبْقَی عَلَيْهِ مِنَ الْمَعْصِيَةِ ذَرَّةٌ.

عَنْ أَبِی بَصِيرٍ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: مَنْ صَلَّی عَلَی النَّبِيِّ وَ آلِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ فِی كُلِّ يَوْمٍ أَسْدَاهَا سَبْعُونَ مَلَكاً يُبْلِغُهَا إِلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله

عليه و آله قَتِلَ صَاحِبِهِ.

ص: ۶۳

۱- ۱. تفسیر الإمام ص ۲۷۳.

۲- ۲. کشف الغمّه ج ۲ ص ۳۸۱.

۳- ۳. جامع الأخبار ص ۶۹.

وَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: مَنْ قَالَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ اثْنَیْنِ وَ سَبْعِینَ شَهِیداً وَ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ کَیَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ.

وَ قَالَ صلی الله علیه و آله: مَا مِنْ أَحَدٍ صَلَّی عَلَیَّ مَرَّةً وَ أَسْمَعَ حَافِظَیْهِ إِلَّا أَنْ لَا یَکْتُبَا ذَنْبَهُ ثَلَاثَهَ أَیَّامٍ.

وَ قَالَ صلی الله علیه و آله: مَنْ صَلَّی عَلَیَّ یَوْمَ الْجُمُعَهِ مِائَهَ مَرَّهٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ خَطِیئَتَهُ ثَمَانِینَ سَنَهً.

وَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: مَنْ صَلَّی عَلَیَّ مَرَّةً خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَی یَوْمَ الْقِیَامَهِ عَلَی رَأْسِهِ نُوراً وَ عَلَی یَمِینِهِ نُوراً وَ عَلَی شِمَالِهِ نُوراً وَ عَلَی فَوْقِهِ نُوراً وَ عَلَی تَحْتِهِ نُوراً وَ فِی جَمِیعِ أَعْضَائِهِ نُوراً.

وَ قَالَ صلی الله علیه و آله: لَنْ یَلِجَ النَّارَ مَنْ صَلَّی عَلَیَّ.

وَ قَالَ علیه السلام: الصَّلَاهُ عَلَیَّ نُورُ الصِّرَاطِ وَ مَنْ کَانَ لَهُ عَلَی الصِّرَاطِ مِنَ النُّورِ لَمْ یَکُنْ مِنْ أَهْلِ النَّارِ.

وَ فِی رِوَایَهٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْفٍ أَنَّهُ صلی الله علیه و آله قَالَ: جَاءَنِی جَبْرَئِیلُ وَ قَالَ إِنَّهُ لَا یُصَلِّی عَلَیْکَ أَحَدٌ إِلَّا وَ یُصَلِّی عَلَیْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَکٍ وَ مَنْ صَلَّی عَلَیْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَکٍ کَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّهِ(۱).

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: صَلَاتُکُمْ عَلَیَّ جَوَازُ دُعَائِکُمْ وَ مَرْضَاهٌ لِرَبِّکُمْ وَ زَکَاهٌ لِأَعْمَالِکُمْ.

رُوِیَ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: مَا مِنْ دُعَاءٍ إِلَّا بَیْنَهُ وَ بَیْنَ السَّمَاءِ حِجَابٌ حَتَّی یُصَلَّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ إِذَا فَعَلَ ذَلِکَ انْخَرَقَ الْحِجَابُ فَدَخَلَ الدُّعَاءُ وَ إِذَا لَمْ یَفْعَلْ ذَلِکَ لَمْ یُرْفَعِ الدُّعَاءُ.

وَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: مَنْ صَلَّی عَلَیَّ صَلَاهً صَلَّی اللَّهُ تَعَالَی بِهَا عَلَیْهِ عَشْرَ صَلَوَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَیِّئَاتٍ وَ أَثْبَتَ لَهُ بِهَا عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ اسْتَبَقَ مَلَکَاهُ الْمُوَکَّلَانِ بِهِ أَیُّهُمَا یُبْلِغُ رُوحِی مِنْهُ السَّلَامَ (۲).

۱- ۱. جامع الأخبار ص ۷۰.

۲- ۲. المصدر ص ۷۱.

وَ قَالَ صلى الله عليه و آله: أَكْثِرُوا مِنَ الصَّلَاهِ عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَهِ فَإِنَّهُ يَوْمٌ يُضَاعَفُ فِيهِ الْأَعْمَالُ وَ اسْأَلُوا اللَّهَ لِيَ الدَّرَجَهَ الْوَسِيلَهَ مِنَ الْجَنَّهِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الدَّرَجَهُ الْوَسِيلَهُ مِنَ الْجَنَّهِ قَالَ هِيَ أَعْلَى دَرَجَهٍ مِنَ الْجَنَّهِ لَا يَنَالُهَا إِلَّا نَبِيٌّ أَرْجُو أَنْ أَكُونَ أَنَا.

زَادَ ابْنُ أَبِي شَيْبَهَ فِي حَدِيثِهِ رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله قَالَ: لَقِيَنِي جَبْرَئِيلُ عليه السلام فَبَشَّرَنِي قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ مَنْ صَلَّى عَلَيْكَ صَلَّيْتُ عَلَيْهِ وَ مَنْ سَلَّمَ عَلَيْكَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَسَجَدْتُ لِذَلِكَ.

عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: الصَّلَاهُ عَلَى النَّبِيِّ وَ آلِهِ أَمْحَقُ لِلْخَطَايَا مِنَ الْمَاءِ لِلنَّارِ وَ السَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ وَ آلِهِ أَفْضَلُ مِنْ عِتْقِ رَقَبَاتٍ وَ حُبُّ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله أَفْضَلُ مِنْ مُهَجِ الْأَنْفُسِ أَوْ قَالَ ضَرْبِ السُّيُوفِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (۱).

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا ذَكَرْتُمُ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله فَأَكْثِرُوا الصَّلَاهَ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ مَنْ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ صَلَاهً وَاحِدَهً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَلْفَ صَلَاهٍ فِي أَلْفِ صَفٍّ مِنَ الْمَلَائِكَهِ وَ لَمْ يَبْقَ شَيْ ءٌ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ إِلَّا صَلَّى عَلَى ذَلِكَ الْعَبْدِ لِصَلَاهِ اللَّهِ وَ صَلَاهِ مَلَائِكَتِهِ فَمَنْ لَا يَرْغَبُ فِي هَذَا إِلَّا جَاهِلٌ مَغْرُورٌ قَدْ بَرِئَ اللَّهُ مِنْهُ وَ رَسُولُهُ.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليهما السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: أَنَا عِنْدَ الْمِيزَانِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ فَمَنْ ثَقُلَتْ سَيِّئَاتُهُ عَلَى حَسَنَاتِهِ جِئْتُ بِالصَّلَاهِ عَلَيَّ حَتَّى أُثَقِّلَ بِهَا حَسَنَاتِهِ.

عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: كُلُّ دُعَاءٍ مَحْجُوبٌ عَنِ السَّمَاءِ حَتَّى يُصَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

عَنِ الصَّبَّاحِ بْنِ [سَيَابَهَ] السيابه قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: أَ لَا أُعَلِّمُكَ شَيْئاً يَقِي اللَّهُ بِهِ وَجْهَكَ مِنْ حَرِّ جَهَنَّمَ قَالَ قُلْتُ بَلَى قَالَ قُلْ بَعْدَ الْفَجْرِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَهَ مَرَّهٍ يَقِي اللَّهُ بِهِ وَجْهَكَ مِنْ حَرِّ جَهَنَّمَ.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: وَجَدْتُ فِي بَعْضِ الْكُتُبِ مَنْ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ حَسَنَهٍ.

۱- ۱. جامع الأخبار ص ۷۱.

عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ صَلَّی عَلَیَّ یَوْمَ الْجُمُعَهِ مِائَهَ صَلَاهٍ قَضَی اللَّهُ لَهُ سِتِّینَ حَاجَهً مِنْهَا لِلدُّنْیَا ثَلَاثُونَ وَ ثَلَاثُونَ لِلْآخِرَهِ(۱).

وَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: سُئِلَ عَنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ یَوْمَ الْجُمُعَهِ فَقَالَ الصَّلَاهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَهَ مَرَّهٍ بَعْدَ الْعَصْرِ وَ مَا زِدْتَ فَهُوَ أَفْضَلُ (۲).

**[ترجمه]جامع الاخبار: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس یک مرتبه بر من درود بفرستد، خداوند ده مرتبه بر او درود می فرستد. و هرکس ده مرتبه بر من درود فرستد، خداوند صد مرتبه بر او درود می فرستد. و هرکس صد مرتبه بر من درود فرستد، خداوند هزار مرتبه بر او درود می فرستد. و هرکس هزار مرتبه بر من درود بفرستد، خداوند هرگز او را در آتش جهنم عذاب نمی کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس یک مرتبه بر من درود بفرستد، خداوند دری از عافیت را بر روی او می گشاید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در روز قیامت کسی از همه به من نزدیک تر است، که در این دنیا بیشتر از همه، بر من صلوات فرستاده باشد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در وصیت خود به امام علی علیه السلام فرمود: یا علی، هرکس هر روز یا هر شب، بر من صلوات بفرستد، شفاعت من برایش واجب می شود؛ هرچند که از اهل گناهان کبیره باشد.

امام رضا علیه السلام فرمود: هر کس قدرت بر کاری که گناهان او را بپوشاند، نداشته باشد،

باید بر محمّد و آل او بسیار درود بفرستد، زیرا صلوات، گناهان را بکلی ویران می کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس نام مرا ذکر کند و بر من صلوات نفرستد، بد بخت می گردد و هرکس ماه رمضان را درک کند و رحمت خداوند شامل حال او نشود، بد بخت می گردد و هرکس پدر و مادرش را درک کند ولی به آن ها خوبی و مهربانی نکند، بد بخت می گردد - . جامع الاخبار : ۶۹ - .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس یک مرتبه بر من صلوات بفرستد، ذره ای از گناهانش باقی نمی ماند.

امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس، هر روز صد مرتبه بر پیامبر و آل او، صلوات بفرستد،

هفتاد فرشته آن صلوات ها را در بر گرفته و برای رساندنش به رسول خدا صلی الله علیه و آله از همدیگر پیشی می گیرند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بگوید: اللهم صل علی محمد و آل محمد، خداوند پاداش هفتاد و دو شهید را به او عطا نموده و او همچون روزی که از مادر متولد شده، از گناهانش پاک می گردد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس یک مرتبه بر من صلوات فرستد و آن دو ملک هم آن را بشنوند، سه روز گناهان او را نمی نویسند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس در روز جمعه ده مرتبه بر من صلوات فرستد، خداوند گناهان هشتاد ساله اش را می بخشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس یک مرتبه بر من صلوات فرستد، خداوند در روز قیامت، نوری بر بالای سرش و نوری درسمت راستش و نوری در سمت چپش و نوری در سمت بالایش و نوری زیر پایش و نوری در تمام اعضایش می آفریند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس بر من صلوات فرستد، وارد دوزخ نمی گردد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: صلوات بر من، نور صراط است و هرکس در پل صراط نوری داشته باشد، از اهل دوزخ نخواهد بود .

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: هرکس بر تو درود فرستد، هفتاد هزار فرشته بر خود او درود می فرستند و هرکسی که هفتاد هزار فرشته بر او دورد فرستند، از بهشتیان خواهد بود - . جامع الاخبار: ۷۰ - .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: صلوات شما بر من، جواز دعایتان و مایه خشنودی پروردگارتان و نیز موجب پاکیزگی اعمالتان است.

روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه کسی دعایی کند، میان او و آسمان مانعی قرار می گیرد تا این که بر محمد و آل محمد، صلوات بفرستد. اگر چنین کرد، آن مانع زدوده شده و دعا به سوی آسمان می رود ولی اگر چنین نکند، دعایش نیز به سوی آسمان بالا نخواهد رفت.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس بر من یک صلوات فرستد، خداوند تعالی ده بار به او درود می فرستد و ده کار بد را از کارنامه اعمالش پاک می کند و ده حسنه در کارنامه اش می نویسد و هر دو فرشته بر انسان گمارده شده اند، شتاب می کنند تا سلام او را به روح من برسانند و در این امر از یکدیگر پیشی می گیرند - . جامع الاخبار : ۷۱ - .

و نیز آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: در روز جمعه زیاد بر من صلوات بفرستید. چرا در آن روز اعمال دو برابر حساب می شود. و از خداوند بخواهید که در بهشت درجه وسیله را به من عطا کند. سؤال شد: یا رسول الله، درجه وسیله که در بهشت است، چیست؟ فرمود: بالاترین درجه بهشت است که کسی جز پیامبر به آن نمی رسد و امیدوارم که آن پیامبر، من باشم.

ابن شیبه روایت نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل به دیدار من آمد و به من بشارت داد و گفت: خداوند عزوجل می فرماید: هرکس به تو درود بفرستد، من نیز به خود او درود می فرستم و هرکس به تو سلام کند من نیز به خود او سلام می کنم. حضرت فرمود: من به خاطر این مژده و بشارت به سجده افتادم .

روایت شده است که امام علی علیه السلام فرمود: کارایی و اثر صلوات بر محمد آل او، در زدودن گناهان بسی بیشتر از اثر آب در خاموش کردن آتش است. سلام و درود فرستادن بر پیامبر آل او، از آزاد کردن چندین برده نیز با فضیلت تر است. و دوستی رسول خدا صلی الله علیه و آله از جان انسان نیز برتر است. یا این که فرمود: از شمشیر زدن در راه خداوند نیز برتر است - . جامع الاخبار :۷۱ - .

امام صادق علیه السلام فرمود: چون نام پیغمبر صلی الله علیه و آله برده شد بسیار بر او صلوات بفرستید، زیرا هر کس یک صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله بفرستد خداوند هزار بار در هزار صف از فرشته ها بر او صلوات می فرستد، و چیزی از مخلوقات خدا نماند جز این که بر این بنده صلوات فرستد برای آن که خداوند و فرشتگان برای او صلوات فرستند، و هر کس در این فضیلت رغبت نکند، قطعا نادان و مغرور است، و خدا و رسولش از چنین فردی بیزارند.

امام صادق علیه السلام از پدربزگوارش روایت نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در روز قیامت، من در محلی که اعمال انسان را می سنجند، هستم. هرکس کارهای بدش از کارهای نیکش سنگین تر شد، صلواتی را که بر من فرستاده، می آورم تا کارهای نیکش را سنگین تر سازم.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر دعایی از بالا رفتن به سمت آسمان باز داشته می شود، تا این که بر محمد و آل محمد درود فرستاده شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: آیا می خواهی چیزی به تو بیاموزم که خداوند به واسطه آن صورت تو را از آتش جهنم محافظت کند؟ گفتم: آری. فرمود: بعد از طلوع فجر، صد بار می گویی: اللهم صل علی محمد و آل محمد. خداوند به واسطه این صلوات صورت تو را از آتش جهنم دور نگه می دارد.

امام صادق علیه السلام فرمود: در یکی از کتاب ها دیدم: هرکس بر محمد و اهل بیت او صلوات فرستد، خداوند هزار حسنه برایش می نویسد .

امام ابوالحسن علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس در روز جمعه صد مرتبه بر من صلوات فرستد، خداوند شصت حاجت او را برآورده می سازد که سی حاجت آن دنیوی و سی حاجت دیگر مربوط به آخرت است - . جامع الاخبار:۷۲ - .

از امام صادق علیه السلام سؤال شد که بهترین اعمال در روز جمعه چیست؟ حضرت فرمود: این که بعد از نماز عصر، صد مرتبه بر محمد و آل محمد صلوات بفرستی و اگر بیشتر از این شد، چه بهتر - . جامع الاخبار : ۷۴ - .

**[ترجمه]

«۵۳»

نص، [کفایه الأثر] بِالْإِسْنَادِ عَنْ أَبِی ذَرٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَا تَزَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوباً حَتَّی یُصَلَّی عَلَیَّ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِی (۳).

**[ترجمه]کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دعای مردم، همچنان در حجاب و مانع است تا این که بر من و بر اهل بیت من، صلوات فرستاده شود - . کفایه الاثر:۲۹۳ - .

**[ترجمه]

«۵۴»

جم، [جمال الأسبوع] جَمَاعَهٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: کُنَّا عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام جَمَاعَهٌ مِنْ أَصْحَابِنَا فَقَالَ لَنَا ابْتِدَاءً کَیْفَ تُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَقُلْنَا نَقُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فَقَالَ کَأَنَّکُمْ تَأْمُرُونَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ یُصَلِّیَ عَلَیْهِمْ فَقُلْنَا فَکَیْفَ نَقُولُ قَالَ تَقُولُونَ اللَّهُمَّ سَامِکَ الْمَسْمُوکَاتِ وَ دَاحِیَ الْمَدْحُوَّاتِ وَ خَالِقَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتِ أَخَذْتَ عَلَیْنَا عَهْدَکَ وَ اعْتَرَفْنَا بِنُبُوَّهِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ أَقْرَرْنَا بِوَلَایَهِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام فَسَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا وَ أَمَرْتَنَا بِالصَّلَاهِ عَلَیْهِمْ فَعَلِمْنَا أَنَّ ذَلِکَ حَقٌّ فَاتَّبَعْنَاهُ اللَّهُمَّ إِنِّی أُشْهِدُکَ وَ أُشْهِدُ مُحَمَّداً وَ عَلِیّاً وَ الثَّمَانِیَهَ حَمَلَهَ الْعَرْشِ وَ الْأَرْبَعَهَ الْأَمْلَاکَ خَزَنَهَ عِلْمِکَ أَنَّ فَرْضَ صَلَاتِی لِوَجْهِکَ وَ نَوَافِلِی وَ زَکَوَاتِی وَ مَا طَابَ لِی مِنْ قَوْلٍ وَ عَمَلٍ عِنْدَکَ فَعَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ أَنْ تُوصِلَنِیهِمْ وَ تُقَرِّبَنِی بِهِمْ لَدَیْکَ کَمَا أَمَرْتَنِی بِالصَّلَاهِ عَلَیْهِ وَ أُشْهِدُکَ أَنِّی مُسَلِّمٌ لَهُ وَ لِأَهْلِ بَیْتِهِ علیهم السلام غَیْرَ مُسْتَنْکِفٍ وَ لَا مُسْتَکْبِرٍ فَزَکِّنَا بِصَلَوَاتِکَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِکَتِکَ إِنَّهُ فِی وَعْدِکَ وَ قَوْلِکَ هُوَ الَّذِی یُصَلِّی عَلَیْکُمْ وَ مَلائِکَتُهُ لِیُخْرِجَکُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ وَ کانَ بِالْمُؤْمِنِینَ رَحِیماً تَحِیَّتُهُمْ یَوْمَ یَلْقَوْنَهُ سَلامٌ وَ أَعَدَّ لَهُمْ أَجْراً کَرِیماً(۴) فَأَزْلِفْنَا بِتَحِیَّتِکَ وَ سَلَامِکَ وَ امْنُنْ عَلَیْنَا بِأَجْرٍ

۱- ۱. جامع الأخبار ص ۷۲.

۲- ۲. جامع الأخبار ص ۷۴.

۳- ۳. کفایه الاثر فی النصّ علی الأئمّه الاثنی عشر ص ۲۹۳.

۴- ۴. الأحزاب: ۴۳- ۴۴.

كَرِيم مِنْ رَحْمَتِكَ وَ اخْصُصْنَا مِنْ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَ زَكِّنَا بِصَلَوَاتِهِ وَ صَلَوَاتِ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ اجْعَلْ مَا آتَيْتَنَا مِنْ عِلْمِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ مُسْتَقَرّاً عِنْدَكَ مَشْفُوعاً لَا مُسْتَوْدَعاً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱).

**[ترجمه]جمال الاسبوع: عبدالله بن سنان گفت: با عده‌ای از یاران در نزد امام صادق علیه‌السلام بودیم و حضرت در آغاز سخن به ما گفت: چگونه بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم درود می‌فرستید؟ گفتیم می گوییم: خداوندا بر محمد و آل او درود بفرست. فرمود: گویا شما با این سخن به خداوند عز و جل امر می کنید که بر آن ها درود بفرستد. گفتم پس چگونه بگوییم؟ فرمود: بگویید: خداوندا، تو که قابض و باسط همه چیز هستی و خالق زمین و آسمان ها هستی، تو با ما عهدی بستی و ما به نبوت محمد صلی الله علیه و آله و سلم اعتراف کردیم و ولایت علی بن ابی طالب را پذیرفتیم، پس شنیدیم و اطاعت کردیم. و ما را به نماز دستور دادی پس با آن عمل دانستیم که این حق است و از آن پیروی کردیم. خداوندا من به تو و محمد و علی و هشت حامل عرش و چهار فرشته خزانه‌دار علم تو گواهی می‌دهم که نمازهای واجب و مستحب و زکات و سخنان و اعمال نیک من به خاطر توست، پس ای خداوند از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود برسانی و مرا در نزد خود به آنان نزدیک کنی، همان طور که مرا به درود فرستادن بر او امر کردی. و تو را گواه می گیرم که من تسلیم امر او و اهل بیت او علیهم‌السلام گشته‌ام و در این راه تکبر و نخوتی ندارم. پس با درودهای خود و درود فرشتگانت ما را پاکیزه گردان که ما را به آن وعده داده‌ای: «هُوَ الَّذِی یُصَلِّی عَلَیْکُمْ وَ مَلائِکَتُهُ لِیُخْرِجَکُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ وَ کانَ بِالْمُؤْمِنِینَ رَحِیماً تَحِیَّتُهُمْ یَوْمَ یَلْقَوْنَهُ سَلامٌ وَ أَعَدَّ لَهُمْ أَجْراً کَرِیماً» - . احزاب/ ۴۳- ۴۴ -

پس با تحیت و سلام خود ما را مقرّب گردان و با اجر کریمی از رحمت خود بر ما منت گذار و ما را از جانب محمد به افضل درودها اختصاص بده و بر ایشان درود فرست که درود تو آرامشی است برای ایشان و با درود او و اهل بیتش ما را پاکیزه گردان و آن چه را که از علم و معرفت آن ها به ما داده‌ای، در نزد خود ثابت نگاهدار به صورت شفاعت شده نه به ودیعه گذاشته شده، یا ارحم الراحمین. - . جمال الاسبوع : ۲۳۸- ۲۴۰. -

**[ترجمه]

«۵۵»

جم، [جمال الأسبوع] جَمَاعَةٌ بِإِسْنَادِهِمْ إِلَى الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ يَزِيدَ وَ الْيَقْطِينِيِّ مَعاً عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ حَرِيزٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام جُعِلْتُ فِدَاكَ كَيْفَ الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ قُلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً قَالَ فَقُلْتُ فِي نَفْسِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ فَقَالَ لِي لَيْسَ هَكَذَا قُلْتُ لَكَ قُلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ قَالَ فَقُلْتُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ (۲) فَقَالَ لِي إِنَّكَ لَحَافِظٌ يَا حَرِيزُ فَقُلْ كَمَا أَقُولُ لَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً قَالَ فَقُلْتُ كَمَا قَالَ فَقَالَ لِي قُلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ

أَلْهَمْتَهُمْ عِلْمَكَ وَ اسْتَحْفَظْتَهُمْ كِتَابَكَ وَ اسْتَرْعَيْتَهُمْ عِبَادَكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمْ وَ أَوْجَبْتَ حُبَّهُمْ وَ مَوَدَّتَهُمْ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ وُلَاةَ أَمْرِكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ (۳).

**[ترجمه]جمال الاسبوع: حریز گفت: به امام صادق علیه‌السلام گفتم: فدایت شوم، چگونه باید بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درود فرستاد؟ فرمود: خداوندا بر محمد و اهل بیت او که آلودگی را از آن ها دفع کردی و آن ها را تطهیر کردی، درود فرست. گفت من با خود گفتم: خداوندا بر محمد و اهل بیت او درود فرست. حضرت به من گفت: این گونه نیست. گفتم بگو خداوندا بر محمد و اهل بیت او درود فرست. پس گفتم: خداوندا بر محمد و اهل بیت او درود فرست. - . گویا حضرت سخن را آغاز کرد تا درود را تا آخر بگوید، اما او این کار را انجام نداد و تنها آغاز صلوات را تکرار کرد. - پس به من گفت: حریز تو حافظ هستی. پس همان طور که به تو می گویم، بگو: خداوندا بر

محمـد و اهـل بیت او که آلودگی را از آن هـا دفع کردی و آن هـا را تطهیر کردی درود فرست. پس من هم به همین ترتیب گفتم و حضـرت فرمود: بگو خداونـدا بر محمد و اهل بیت او که علم خود را به آنان الهام کردی و آن ها را حافظ کتاب خود گرداندی و مسولیت بندگانت را به آن هـا سپردی درود فرست. خداونـدا بر محمـد و اهـل بیت او که مـا را به طاعت آنان فرمان دادی و عشق به آنان را بر ما واجب گردانـدی درود فرست. خداونـدا بر محمد و اهل بیت او که آن ها را پس از پیامبرانت ولیّ امر خود قرار دادی درود فرست. درود بر او و بر اهل بیت او.
- . جمال الاسبوع : ۲۴۰ و ۲۴۱ -

**[ترجمه]

«۵۶»

جم، [جمال الأسـبوع] جَمَاعَهٌ بِإِسْنَادِهِمْ إِلَی الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ مَنْصُورٍ بُزُرْجَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السـلام قَالَ: مَنْ قَالَ یَا رَبِّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الْبَتَّهَ فَقُلْتُ لَهُ الْبَتَّهَ فَقَالَ کَذَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله (۴).

وَ بِالْإِسْنَادِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ وَ الْبَرْقِیِّ وَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ

۱- ۱. جمال الأسبوع ص ۲۳۸- ۲۴۰.
۲- ۲. کانه علیه السلام یستفتح علیه لیصلی الصلاه إلی آخرها، لکنه لا یتنبه و یصلی صدر الصلاه.
۳- ۳. جمال الأسبوع ص ۲۴۰ و ۲۴۱.
۴- ۴. جمال الأسبوع ص ۲۴۰ و ۲۴۱.

عَبْدِ اللَّهِ جَمِيعاً عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: صَلَاتُكُمْ عَلَيَّ مُجَوِّزَةٌ لِدُعَائِكُمْ وَ مَرْضَاةٌ لِرَبِّكُمْ وَ زَكَاةٌ لِأَعْمَالِكُمْ.

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ وَ لَمْ يَذْكُرِ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله رَفْرَفَ الدُّعَاءُ عَلَى رَأْسِهِ فَإِذَا ذَكَرَ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله رُفِعَ الدُّعَاءُ.

وَ بِالْإِسْنَادِ إِلَى الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَشِيرٍ الدَّهَّانِ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُتْبَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ يَقُولُ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا فَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا قَالَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ اسْتَجَابَ لَهُ فَإِذَا قَالَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا كَانَ أَجْوَدَ مِنْ أَنْ يَرُدَّ بَعْضاً وَ يَسْتَجِيبَ بَعْضاً.

وَ بِالْإِسْنَادِ عَنِ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ أَبِي دَاوُدَ الْمُسْتَرِقِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: وَكَّلَ اللَّهُ بِقَبْرِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله مَلَكاً يُقَالُ لَهُ ظِهْلِيلُ إِذَا صَلَّى عَلَيْهِ أَحَدُكُمْ وَ سَلَّمَ عَلَيْهِ قَالَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فُلَانٌ سَلَّمَ عَلَيْكَ وَ صَلَّى عَلَيْكَ قَالَ فَيَرُدُّ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِالسَّلَامِ.

وَ مِمَّا رُوِّيْنَاهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ مِنْ كِتَابِهِ بِخَطِّ جَدِّي أَبِي جَعْفَرٍ الطُّوسِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْمِيثَمِيِّ عَنِ الْعَامِرِيِّ عَنْ مُحَمَّدٍ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ أَعْطَى مَلَكاً مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَسْمَاءَ الْخَلَائِقِ كُلِّهِمْ وَ أَسْمَاءَ آبَائِهِمْ فَهُوَ قَائِمٌ عَلَى قَبْرِي إِذَا مِتُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَيْسَ أَحَدٌ يُصَلِّي عَلَيَّ صَلَاةً إِلَّا قَالَ يَا مُحَمَّدُ صَلَّى عَلَيْكَ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ بِكَذَا وَ كَذَا وَ إِنَّ رَبِّي كَفَّلَ لِي أَنْ يُصَلِّيَ عَلَى ذَلِكَ الْعَبْدِ بِكُلِّ وَاحِدَةٍ عَشْراً(۱).

**[ترجمه]جمال الاسبوع: امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس بگوید خداوندا بر محمد و اهل بیت او درود فرست، خداوند او را مورد آمرزش قرار می‌دهد. به اوگفتم: بله همین طور است. و گفت رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم نیز این را گفت. - . جمال الاسبوع : ۲۴۰ و ۲۴۱ -

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: درود شما بر من موجب اجابت دعای شما و رضایت پروردگارتان و زکات اعمالتان است.

از اجداد امام صادق علیه‌السلام روایت است: هر گاه کسی از شما دعا کند و نام نبی خدا را بر زبان نیاورد، دعا بر بالای سر او می‌چرخد و هر گاه نام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را ببرد، دعای او بالا می‌رود.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: هر گاه کسی از شما دعا کند دعای خود را با صلوات بر محمد آغاز کند و بگوید فلان حاجت مرا برآورده ساز، و همین طور هرگاه بنده‌ای بگوید: خداوندا بر محمد و اهل بیت او درود فرست، دعای او مستجاب می‌شود و وقتی گفت فلان حاجت مرا برآورده ساز، خداوند بخشنده‌تر از آن است که حاجتی را برآورده سازد و دیگری را رها کند.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: خداوند فرشته‌ای را بر قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم موکل کرده است که ظهلیل نام دارد. هر گاه کسی از شما بر او درود بفرستد، فرشته به نبی اکرم می‌گوید: فلان شخص بر تو درود فرستاد و پیامبر درود او را با سلام پاسخ می‌دهد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: خداوند نام همه مخلوقات و نام پدران آن ها را به یکی از فرشتگان تعلیم داده است و او بر قبر من قائم است. وقتی از دنیا رفتم در روز قیامت هر کس بر من درود بفرستد، فرشته می گوید: ای محمد، فلان بن فلان بر تو درود فرستاد و خداوند به من امر کرده است که در ازای هر درود بنده ده سلام به او بگویم. - . جمال الاسبوع : ۲۴۱- ۲۴۴ -

**[ترجمه]

«۵۷»

غو، [غوالی اللئالی] رُوِیَ: أَنَّهُ صلی الله علیه و آله قِیلَ لَهُ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَ رَأَیْتَ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَی إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِ کَیْفَ هُوَ فَقَالَ صلی الله علیه و آله هَذَا مِنَ الْعِلْمِ الْمَکْنُونِ وَ لَوْ لَا أَنَّکُمْ سَأَلْتُمُونِی مَا أَخْبَرْتُکُمْ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی وَکَّلَ بِی مَلَکَیْنِ فَلَا أُذْکَرُ

۱- ۱. جمال الأسبوع ص ۲۴۱- ۲۴۴.

عِنْدَ مُسْلِمٍ فَيُصَلِّي عَلَيَّ إِلَّا قَالَ لَهُ ذَلِكَ الْمَلَكَانِ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ وَ قَالَ اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ آمِينَ وَ لَا أُذْكَرُ عِنْدَ مُسْلِمٍ فَلَا يُصَلِّي عَلَيَّ إِلَّا قَالَ لَهُ الْمَلَكَانِ لَا غَفَرَ اللَّهُ لَكَ وَ قَالَ اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ آمِينَ.

**[ترجمه]غوالی اللآلی: روایت شده است که به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض شد: ای رسول خدا! این که خداوند فرمود: خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند، یعنی چه ؟ حضرت فرمود: این از علم غیب است و اگر شما از من نمی پرسیدید، من چیزی به شما نمی گفتم. خداوند تعالی دو فرشته به خاطر من گمارده است. پس هرگاه نزد مسلمانی از من یاد شود و آن دو فرشته به آن مسلمان می گویند: خداوند از گناهانت درگذرد. و خداوند و فرشتگانش هم آمین می گویند. و هر گاه در نزد مسلمانی نامی از من برده شود و او صلوات نفرستد، آن دو فرشته به آن مسلمان می گویند: خداوند تو را نیامرزد و خدا و فرشتگانش هم آمین می گویند.

**[ترجمه]

«۵۸»

ختص، [الإختصاص] الصَّدُوقُ عَنِ ابْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَالِمِ بْنِ دِينَارٍ عَنِ ابْنِ طَرِيفٍ عَنِ ابْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِبَادَةٌ وَ ذِكْرِي عِبَادَةٌ وَ ذِكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ وَ ذِكْرُ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ عِبَادَةٌ الْخَبَرَ(۱).

**[ترجمه]اختصاص: رسول خدا فرمود: ذکر خداوند عزو جل عبادت است و ذکر و یاد کردن از من و علی و نیز امامان که فرزندان علی هستند هم عبادت است. ادامه خبر. - . اختصاص :۲۲۴ -

**[ترجمه]

«۵۹»

إِرْشَادُ الْقُلُوبِ، عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ قَالَ فِي جَوَابِ الْيَهُودِيِّ الَّذِي سَأَلَهُ عَنْ فَضْلِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله عَلَى سَائِرِ الْأَنْبِيَاءِ علیهم السلام فَذَكَرَ الْيَهُودِيُّ أَنَّ اللَّهَ أَسْجَدَ مَلَائِكَتَهُ لِآدَمَ علیه السلام فَقَالَ علیه السلام وَ قَدْ أَعْطَى اللَّهُ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله أَفْضَلَ مِنْ ذَلِكَ وَ هُوَ أَنَّ اللَّهَ صَلَّى عَلَيْهِ وَ أَمَرَ مَلَائِكَتَهُ أَنْ يُصَلُّوا عَلَيْهِ وَ تَعَبَّدَ جَمِيعَ خَلْقِهِ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَقَالَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً فَلَا يُصَلِّي عَلَيَّ أَحَدٌ فِي حَيَاتِهِ وَ لَا بَعْدَ وَفَاتِهِ إِلَّا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ بِذَلِكَ عَشْراً وَ أَعْطَاهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ عَشْراً بِكُلِّ صَلَاةٍ صَلَّى عَلَيْهِ وَ لَا يُصَلِّي عَلَيْهِ أَحَدٌ بَعْدَ وَفَاتِهِ إِلَّا وَ هُوَ يَعْلَمُ بِذَلِكَ وَ يَرُدُّ عَلَى الْمُصَلِّي السَّلَامَ مِثْلَ ذَلِكَ لِأَنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ جَعَلَ دُعَاءَ أُمَّتِهِ فِيمَا يَسْأَلُونَ رَبَّهُمْ جَلَّ ثَنَاؤُهُ مَوْقُوفاً عَنِ الْإِجَابَةِ حَتَّى يُصَلُّوا عَلَيْهِ صلی الله علیه و آله فَهَذَا أَكْبَرُ وَ أَعْظَمُ مِمَّا أَعْطَى اللَّهُ آدَمَ علیه السلام.

ثُمَّ ذَكَرَ علیه السلام فِي بَيَانِ مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ أُمَّتَهُ صلی الله علیه و آله وَ مِنْهَا أَنَّ اللَّهَ جَعَلَ لِمَنْ صَلَّى عَلَى نَبِيِّهِ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ مَحَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَ رَدَّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ عَلَيْهِ مِثْلَ صَلَاتِهِ عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله (۲).

**[ترجمه]ارشاد قلوب: امام موسی بن جعفر از پدران بزرگوارش از امیر مؤمنان روایت نموده که فردی یهودی در باره فضیلت محمد صلی الله علیه و آله بر سایر انبیاء سؤال نمود و گفت: خداوند به فرشتگانش دستور داد که برآدم سجده کنند. امام فرمود: خداوند فضیلتی برتراز این به محمد داد و آن این که ذات الهی بر او درود فرستاد و به فرشتگانش امر نمود که براو درود فرستند. و عبادت همه آفرینندگان تا روز قیامت با صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله همراه است. خداوند فرمود: همانا خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستد پس ای کسانی که

ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستاده و دربرابر فرمان هایش کاملا تسلیم باشید.

پس هرکس در زندگی و بعد از زندگی اش بر او درود فرستد، خداوند ده برابر آن بر خود او درود می فرستد و به ازای هرصلواتی، ده حسنه به او می دهد. و هرکس به آن حضرت بعد از وفاتش درود بفرستد، پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به این درود فرستادن آگاه گشته و جواب سلام او را می دهد. چرا که خداوند عزوجل دعاها و خواسته ها ی بندگانش را به اجابت نمی رساند تا این که بر پیامبرش درود فرستند و این فضیلت بسی برتر از فضیلتی است که خداوند به آدم داد.

سپس امام علی به مواردی اشاره کرد که خداوند امت محمد صلی الله علیه و آله را بر سایر امم برتری داده از جمله این که: هرکس به پیامبر صلی الله علیه و آله درود بفرستد، خداوند ده حسنه به او داده و ده کار بد را از کارنامه اعمالش پاک می کند. همان گونه که او بر پیامبر درود فرستاده است، خداوند نیز به خود او درود می فرستد - . ارشاد القلوب: ۲۱۹، ۲۲۳ - .

**[ترجمه]

«۶۰»

نَوَادِرُ الرَّاوَنْدِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ

ص: ۶۹

۱- ۱. الاختصاص ص ۲۲۴.

۲- ۲. إرشاد القلوب ص ۲۱۹ و ۲۲۳.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ صَلَّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مِائَهَ مَرَّهٍ قَضَی اللَّهُ لَهُ مِائَهَ حَاجَهٍ.

**[ترجمه]نوادر راوندی: امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس صد مرتبه بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد، خداوند صد حاجت او را برآورده می سازد.

**[ترجمه]

«۶۱»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی أَحْمَدُ بْنُ عُبْدُونٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الزُّبَیْرِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ بِشْرِ بْنِ بَکَّارٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ مَلَکاً مِنَ الْمَلَائِکَهِ سَأَلَ اللَّهَ أَنْ یُعْطِیَهُ سَمْعَ الْعِبَادِ فَأَعْطَاهُ اللَّهُ فَذَلِکَ الْمَلَکُ قَائِمٌ حَتَّی تَقُومَ السَّاعَهُ لَیْسَ أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ یَقُولُ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ إِلَّا قَالَ الْمَلَکُ وَ عَلَیْکَ السَّلَامُ ثُمَّ یَقُولُ الْمَلَکُ یَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ فُلَاناً یُقْرِئُکَ السَّلَامَ فَیَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلَیْهِ السَّلَامُ (۱).

**[ترجمه]امام محمد باقر علیه السلام فرمود: فرشته ای از فرشتگان از خداوند خواست تا به او این توانایی را بدهد که سخنان آدمیان را بشنود. خداوند هم خواسته او را اجابت کرد. اکنون آن فرشته تا روز قیامت مأمور است که هر کس بگوید: صلی الله علی محمد و آله، آن فرشته درجوابش می گوید: و علیک السلام. به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض می کند: ای رسول خدا! فلانی به شما سلام می رساند و رسول خدا هم جواب می دهد: و علیه السلام - . امالی طوسی۲ : ۲۹۰ -

**[ترجمه]

«۶۲»

بَیَانُ التَّنْزِیلِ، لِابْنِ شَهْرَآشُوبَ عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ خَالِدٍ الْأَقْطَعِ قَالَ: قُلْتُ لِلصَّادِقِ علیه السلام أَ یَجُوزُ أَنْ یُصَلَّی عَلَی الْمُؤْمِنِینَ قَالَ إِی وَ اللَّهِ یُصَلَّی عَلَیْهِمْ فَقَدْ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِمْ أَ مَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ هُوَ الَّذِی یُصَلِّی عَلَیْکُمْ الْآیَهَ(۲).

**[ترجمه]خالد اقطع گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا صلوات فرستادن بر مومنین هم جایز است ؟ فرمود: آری. به خدا سوگند. صلوات فرستادن بر مومنین هم جایز است. چرا که خداوند بر مومنین صلوات فرستاده آن جا که فرموده است: هموست که بر شما درود می فرستد - . احزاب/ ۴۳ - .

**[ترجمه]

«۶۳»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: مَنْ صَلَّی عَلَی النَّبِیِّ وَ آلِهِ مَرَّهً وَاحِدَهً بِنِیَّهٍ وَ إِخْلَاصٍ مِنْ قَلْبِهِ قَضَی اللَّهُ لَهُ مِائَهَ حَاجَهٍ مِنْهَا ثَلَاثُونَ لِلدُّنْیَا وَ سَبْعُونَ لِلْآخِرَهِ.

وَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: مَنْ صَلَّی عَلَیَّ کُلَّ یَوْمٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ فِی کُلِّ لَیْلَهٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حُبّاً لِی وَ شَوْقاً إِلَیَّ کَانَ حَقّاً عَلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ یَغْفِرَ لَهُ ذُنُوبَهُ تِلْکَ اللَّیْلَهَ وَ ذَلِکَ الْیَوْمَ.

وَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ لِیَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله رَأَیْتُ فِی مَا یَرَی النَّائِمُ عَمِّی حَمْزَهَ بْنَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ أَخِی جَعْفَرَ بْنَ أَبِی طَالِبٍ وَ بَیْنَ

يَدَيْهِمَا طَبَقٌ مِنْ نَبِقٍ فَأَكَلَا سَاعَةً فَتَحَوَّلَ النَّبِقُ عِنَباً فَأَكَلَا سَاعَةً فَتَحَوَّلَ الْعِنَبُ لَهُمَا رُطَباً فَأَكَلَا سَاعَةً فَدَنَوْتُ مِنْهُمَا وَ قُلْتُ بِأَبِي أَنْتُمَا أَيَّ الْأَعْمَالِ وَجَدْتُمَا أَفْضَلَ قَالا فَدَيْنَاكَ بِالْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ وَجَدْنَا أَفْضَلَ الْأَعْمَالِ الصَّلَاةَ عَلَيْكَ وَ سَقْيَ الْمَاءِ وَ حُبَّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.

وَ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله: أَكْثِرُوا الصَّلَاةَ عَلَيَّ فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَيَّ نُورٌ فِي الْقَبْرِ

۱- ۱. أمالي الطوسيّ ج ۲ ص ۲۹۰.

۲- ۲. الأحزاب: ۴۳.

وَ نُورٌ عَلَى الصِّرَاطِ وَ نَورٌ فِی الْجَنَّهِ.

**[ترجمه]دعوات راوندی: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس با خلوص نیت از ته دل یک بار بر محمد و آل او صلوات بفرستد، خداوند صد حاجت او را بر آورده می سازد که سی حاجت آن دنیوی و هفتاد حاجت دیگر مربوط به آخرت است و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکسی که هرروز سه مرتبه و هرشب هم سه مرتبه از روی محبت و اشتیاق برمن صلوات بفرستد بر خداوند است که گناهان آن روز و آن شب او را بیامرزد.

ابن عباس گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: عمویم حمزه بن عبدالمطلب و برادرم جعفربن ابی طالب را درخواب دیدم که طبقی از میوه درخت سدر در کنارشان بود. آن ها مدتی از آن خوردند و سپس آن سدر به انگور تبدیل شد و آن ها مدتی از آن تناول کردند تا این که انگور به رطب تبدیل شد و آن ها مدتی از آن تناول کردند. دراین هنگام من به طرف آن دو رفتم و پرسیدم: پدر و مادرم فدایتان باد، شما چه عملی را با فضیلت تر یافتید ؟ گفتند: پدران و مادران ما به فدایت، با فضیلت ترین اعمال، صلوات بر تو، وآب دادن به تشنگان و دوست داشتن علی بن ابی طالب است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بر من زیاد صلوات بفرستید که صلوات نور قبرتان و نور درپل صراط و نور دربهشت است.

**[ترجمه]

«۶۴»

عُدَّهُ الدَّاعِی، عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: أَجْفَی النَّاسِ رَجُلٌ ذُکِرْتُ بَیْنَ یَدَیْهِ فَلَمْ یُصَلِّ عَلَیَ (۱).

**[ترجمه]پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ستم کارترین مردم کسی است که در نزد او نامی از من برده شود ولی او بر من صلوات نفرستد - . عده الداعی: ۲۵ - .

**[ترجمه]

«۶۵»

مُنْیَهُ الْمُرِیدِ، عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: مَنْ صَلَّی عَلَیَّ فِی کِتَابٍ لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِکَهُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا دَامَ اسْمِی فِی ذَلِکَ الْکِتَابِ.

**[ترجمه]منیه المرید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس در کتابی صلوات بنویسد، تا زمانی که نام من درآن کتاب موجود باشد، فرشتگان همواره برای نویسنده آن استغفار می کنند.

**[ترجمه]

«۶۶»

جَمَالُ الْأُسْبُوعِ، حَدَّثَ أَحْمَدُ بْنُ مُوسَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ کَثِیرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیماً(۲) فَقَالَ صَلَاهُ اللَّهِ تَزْکِیَهٌ لَهُ فِی السَّمَاءِ قُلْتُ مَا مَعْنَی تَزْکِیَهِ اللَّهِ إِیَّاهُ قَالَ زَکَّاهُ بِأَنْ بَرَّأَهُ مِنْ کُلِّ نَقْصٍ وَ آفَهٍ یَلْزَمُ مَخْلُوقاً قُلْتُ فَصَلَاهُ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ یُبَرِّءُونَهُ وَ یُعَرِّفُونَهُ بِأَنَّ اللَّهَ قَدْ بَرَّأَهُ مِنْ کُلِّ نَقْصٍ هُوَ فِی الْمَخْلُوقِینَ مِنَ الْآفَاتِ الَّتِی تُصِیبُهُمْ فِی بُنْیَهِ خَلْقِهِمْ فَمَنْ عَرَّفَهُ وَ وَصَفَهُ بِغَیْرِ ذَلِکَ فَمَا صَلَّی عَلَیْهِ قُلْتُ فَکَیْفَ نَقُولُ نَحْنُ إِذَا صَلَّیْنَا عَلَیْهِمْ قَالَ

تَقُولُونَ اللَّهُمَّ إِنَّا نُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا أَمَرْتَنَا بِهِ وَ کَمَا صَلَّیْتَ أَنْتَ عَلَیْهِ فَکَذَلِکَ صَلَاتُنَا عَلَیْهِ (۳).

وَ مِنْهُ بِالْإِسْنَادِ إِلَی الشَّیْخِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِی مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِیِّ عَنْ یَحْیَی بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ قَالَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ فَلْیُکْثِرْ أَوْ لِیُقِلَّ.

وَ مِنْهُ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِیِّ یَرْفَعُهُ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: قَالَ لَهُ رَجُلٌ جُعِلْتُ فِدَاکَ أَخْبِرْنِی عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَکَ

۱- ۱. عدّه الداعی ص ۲۵.

۲- ۲. الأحزاب: ۶۰.

۳- ۳. جمال الأسبوع ص ۲۳۴.

وَ تَعَالَی وَ مَا وَصَفَ مِنَ الْمَلَائِکَهِ یُسَبِّحُونَ اللَّیْلَ وَ النَّهارَ لا یَفْتُرُونَ (۱) ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیماً کَیْفَ لَا یَفْتُرُونَ وَ هُمْ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لَمَّا خَلَقَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله أَمَرَ الْمَلَائِکَهَ فَقَالَ انْقُصُوا مِنْ ذِکْرِی بِمِقْدَارِ الصَّلَاهِ عَلَی مُحَمَّدٍ فَقَوْلُ الرَّجُلِ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ فِی الصَّلَاهِ مِثْلُ قَوْلِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ(۲).

**[ترجمه]جمال اسبوع: عبدالرحمن بن کثیر گوید: از حضرت معصوم علیه السلام درباره این پرسیدم که خداوند می‌فرماید: همانا خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود بفرستید و در برابر او کاملاـ تسلیم و فرمانبردار باشید - . احزاب/ ۶۰ - ،

حضرت فرمود: در ود خداوند بر او، به معنای این است که خداوند در آسمان هااز او به نیکی و پاکی یاد می کند. پرسیدم: یعنی چه ؟ فرمود: خداونـد او را از هر نقص و آفتی که بنـدگان را دچار می سازد مبرا می داند. پرسـیدم: پس درود مومنین بر او به چه معناست ؟ فرمود: مومنین نیز او را از هر نقصـی مبرا می دانند و این گونه او را توصیف می کنند که خداوند او را از هرگونه نقص و عیبی که بندگان را دچار می سازد، کاملا مبرا دانسـته است. پس هر کس تعریف و توصـیفی غیر از این درباره پیامبر داشـته باشد، هیچ درودی بر او نفرستاده است. پرسیدم: وقتی بخواهیم بر پیـامبر درود بفرستیم چه بایـد بگوییم ؟ فرمود: بگوییـد خداونـدا. همان طور که دسـتور داده ای، ما بر محمـد پیامبرت و آل محمد درود می فرستیم همان گونه که خودت بر او درود فرسـتاده ای. پس صـلوات و درود ما بر پیامبر صـلی الله علیه و آله این گونه است - . جمال الاسبوع: ۲۳۴ - .

امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس بگوید صلی الله علی محمد النبی، خداوند تعالی می فرماید: صلی الله علیک. پس هر کس خواست زیاد صلوات بفرستد و هر کس خواست به صلوات اندک اکتفا کند.

مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: فدایت گردم: خداوند در توصیف ملائکه می فرماید: آن ها شب و روز تسبیح خدا را می گویند و هیچ خسته نمی شوند. و در جایی دیگر فرمود: همانا خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود بفرستید و در برابر دستوراتش کاملا تسلیم و فرمانبردار باشید، اکنون به من بفرمایید که فرشتگان که بر پیامبر درود می فرستند چگونه خسته نمی شونـد ؟ امام صادق علیه السلام فرمود: آن زمان که خداونـد، محمـد را آفرید، به فرشتگان دستور داد و فرمود: به مقداری که بر محمد درود می فرستید، از ذکر من کم کنید. پس کسی که در نماز بگوید: صلی الله علی محمد،

همانند این است که این اذکار را گفته باشد: سبحان الله و الحمد الله و لا اله الا الله و الله اکبر - . انبیاء /۲۰ - .

**[ترجمه]

«۶۷»

کِتَابُ الْإِمَامَهِ وَ التَّبْصِرَهِ، لِعَلِیِّ بْنِ بَابَوَیْهِ، عَنْ سَهْلِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ مُوسَی بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ ذُکِرْتُ عِنْدَهُ فَلَمْ یُصَلِّ عَلَیَّ رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ أَدْرَکَ أَبَوَیْهِ عِنْدَ الْکِبَرِ فَلَمْ یُدْخِلَاهُ الْجَنَّهَ رَغِمَ أَنْفُ رَجُلٍ دَخَلَ عَلَیْهِ شَهْرُ رَمَضَانَ ثُمَّ انْسَلَخَ قَبْلَ أَنْ یُغْفَرَ لَهُ.

۱- ۱. الأنبیاء: ۲۰.

٢- ٢. جمال الأسبوع ص ٢٣٥- ٢٣٦.

**[ترجمه]امام موسی علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خاک بر بینی کسی که نامی از من برده شود و صلوات نفرستد، و خاک بربینی کسی که در دوران پیری پدر و مادرش را درک کند و پدر و مادرش او را به بهشت نبرند و خاک بربینی کسی که ماه رمضان را آغاز کند و قبل از این که گناهانش آمرزیده شود، ماه رمضان سپری شود .

**[ترجمه]

باب ۳۰ الصلوات الکبیره المرویه مفصلا علی الأئمه صلوات الله علیهم أجمعین

الأخبار

«۱»

جم، [جمال الأسبوع] جَمَاعَةٌ بِإِسْنَادِهِمْ إِلَى جَدِّی أَبِی جَعْفَرٍ الطُّوسِیِّ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ جَمَاعَةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ الشَّیْبَانِیِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَابِدُ بِالدَّالِیَهِ لَفْظاً قُلْتُ أَنَا الدَّالِیَهُ مَوْضِعٌ بِالْقُرْبِ مِنْ سِنْجَارٍ وَ وَجَدْتُ فِی رِوَایَهٍ أُخْرَی بِهَذِهِ الصَّلَاهِ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وَ هَذَا لَفْظُ إِسْنَادِهَا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ وَهْبَانَ الْهِینَانِیِّ عَنْ أَبِی الْفَضْلِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الشَّیْبَانِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَاتِینِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَجْلَانَ الْیَمَنِیِّ الشَّیْخِ الصَّالِحِ لَفْظاً أَقُولُ ثُمَّ اتَّفَقَتِ الرِّوَایَتَانِ بَعْدَ ذَلِکَ کَمَا سَیَأْتِی ذِکْرُهُ وَ إِنِ اخْتَلَفَ فِیهِمَا شَیْ ءٌ ذَکَرْنَاهُ عَلَی حَاشِیَهِ الْکِتَابِ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَابِدُ الْمُقَدَّمُ ذِکْرُهُ: سَأَلْتُ مَوْلَایَ أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ علیهما السلام فِی مَنْزِلِهِ بِسُرَّ مَنْ رَأَی سَنَهَ خَمْسٍ وَ خَمْسِینَ وَ مِائَتَیْنِ أَنْ یُمْلِیَ عَلَیَّ الصَّلَاهَ عَلَی النَّبِیِّ وَ أَوْصِیَائِهِ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ وَ أَحْضَرْتُ مَعِی قِرْطَاساً کَبِیراً فَأَمْلَی عَلَیَّ لَفْظاً مِنْ غَیْرِ کِتَابٍ قَالَ اکْتُبْ الصَّلَاهُ عَلَی النَّبِیِّ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا حَمَلَ وَحْیَکَ وَ بَلَّغَ رِسَالاتِکَ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا أَحَلَّ حَلَالَکَ وَ حَرَّمَ حَرَامَکَ وَ عَلَّمَ کِتَابَکَ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا أَقَامَ الصَّلَاهَ وَ أَدَّی الزَّکَاهَ وَ دَعَا إِلَی دِینِکَ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا صَدَّقَ بِوَعْدِکَ وَ أَشْفَقَ مِنْ وَعِیدِکَ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا غَفَرْتَ بِهِ الذُّنُوبَ وَ سَتَرْتَ بِهِ الْعُیُوبَ وَ فَرَّجْتَ بِهِ الْکُرُوبَ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ وَ کَشَفْتَ بِهِ الْغَمَاءَ وَ أَجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ وَ نَجَّیْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ وَ أَحْیَیْتَ بِهِ الْبِلَادَ وَ قَصَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَهَ وَ أَهْلَکْتَ بِهِ الْفَرَاعِنَهَ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ کَمَا أَضْعَفْتَ

بِهِ الْأَمْوَالَ وَ حَذَّرْتَ بِهِ مِنَ الْأَهْوَالِ وَ كَسَّرْتَ بِهِ الْأَصْنَامَ وَ رَحِمْتَ بِهِ الْأَنَامَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْأَدْيَانِ وَ أَعْزَزْتَ بِهِ الْإِيمَانَ وَ تَبَّرْتَ بِهِ الْأَوْثَانَ وَ عَصَمْتَ بِهِ الْبَيْتَ الْحَرَامَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ وَ سَلِّمْ تَسْلِيماً.

الصَّلَاهُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ أَخِی نَبِيِّكَ وَ وَلِيِّهِ وَ وَصِيِّهِ وَ وَزِيرِهِ وَ مُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ وَ مَوْضِعِ سِرِّهِ وَ بَابِ حِكْمَتِهِ وَ النَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَ الدَّاعِی إِلَى شَرِيعَتِهِ وَ خَلِيفَتِهِ فِی أُمَّتِهِ وَ مُفَرِّجِ الْكُرُوبِ عَنْ وَجْهِهِ وَ قَاصِمِ الْكَفَرَهِ وَ مُرْغِمِ الْفَجَرَهِ الَّذِی جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَهِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَ الْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ صَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

الصَّلَاهُ عَلَى السَّيِّدَهِ فَاطِمَهَ عَلَيْهَا السَّلَامُ:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَهِ فَاطِمَهَ الزَّهْرَاءِ الزَّكِيَّهِ حَبِيبَهِ نَبِيِّكَ وَ أُمِّ أَحِبَّائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ الَّتِی انْتَجَبْتَهَا وَ فَضَّلْتَهَا وَ اخْتَرْتَهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَ اسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا اللَّهُمَّ وَ كُنِ الثَّائِرَ لَهَا بِدَمِ أَوْلَادِهَا اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أَئِمَّهِ الْهُدَى وَ حَلِيلَهَ صَاحِبِ اللِّوَاءِ الْكَرِيمَهَ عِنْدَ الْمَلَإِ الْأَعْلَى فَصَلِّ عَلَيْهَا وَ عَلَى أُمِّهَا خَدِيجَهَ الْكُبْرَى صَلَاهً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وَ تُقِرُّ بِهَا أَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا وَ أَبْلِغْهُمْ عَنِّی فِی هَذِهِ السَّاعَهِ أَفْضَلَ التَّحِيَّهِ وَ السَّلَامِ.

الصَّلَاهُ عَلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ وَ وَلِيَّيْكَ وَ ابْنَیْ رَسُولِكَ وَ سِبْطَیِ الرَّحْمَهِ وَ سَيِّدَیْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلَادِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ ابْنِ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَ وَصِیِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا ابْنَ

أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ أَمِینُ اللَّهِ وَ ابْنُ أَمِینِهِ عِشْتَ رَشِیداً مَظْلُوماً وَ مَضَیْتَ شَهِیداً وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ الْإِمَامُ الزَّکِیُّ الْهَادِی الْمَهْدِیُّ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ وَ بَلِّغْ رُوحَهُ وَ جَسَدَهُ عَنِّی فِی هَذِهِ السَّاعَهِ أَفْضَلَ التَّحِیَّهِ وَ السَّلَامِ.

لَّهُمَّ صَلِّ عَلَی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهِیدِ قَتِیلِ الْکَفَرَهِ وَ طَرِیحِ الْفَجَرَهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ أَشْهَدُ مُوقِناً أَنَّکَ أَمِینُ اللَّهِ وَ ابْنُ أَمِینِهِ قُتِلْتَ مَظْلُوماً وَ مَضَیْتَ شَهِیداً وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَی الطَّالِبُ بِثَأْرِکَ وَ مُنْجِزُ مَا وَعَدَکَ مِنَ النَّصْرِ وَ التَّأْیِیدِ فِی هَلَاکِ عَدُوِّکَ وَ إِظْهَارِ دَعْوَتِکَ وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ وَفَیْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ جَاهَدْتَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّی أَتَاکَ الْیَقِینُ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهً قَتَلَتْکَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهً خَذَلَتْکَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهً أَلَّبَتْ عَلَیْکَ وَ أَبْرَأُ إِلَی اللَّهِ تَعَالَی مِمَّنْ کَذَّبَکَ وَ اسْتَخَفَّ بِحَقِّکَ وَ اسْتَحَلَّ دَمَکَ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَکَ وَ لَعَنَ اللَّهُ خَاذِلَکَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ دَاعِیَتَکَ فَلَمْ یُجِبْکَ وَ لَمْ یَنْصُرْکَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَبَی نِسَاءَکَ أَنَا إِلَی اللَّهِ مِنْهُمْ بَرِیءٌ وَ مِمَّنْ وَالاهُمْ وَ مَالَأَهُمْ وَ أَعَانَهُمْ عَلَیْهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ وَ الْأَئِمَّهَ مِنْ وُلْدِکَ کَلِمَهُ التَّقْوَی وَ بَابُ الْهُدَی وَ الْعُرْوَهُ الْوُثْقَی وَ الْحُجَّهُ عَلَی أَهْلِ الدُّنْیَا وَ أَشْهَدُ أَنِّی بِکُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِمَنْزِلَتِکُمْ مُوقِنٌ وَ لَکُمْ تَابِعٌ بِذَاتِ نَفْسِی وَ شَرَائِعِ دِینِی وَ خَوَاتِیمِ عَمَلِی وَ مُنْقَلَبِی وَ مَثْوَایَ فِی دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی.

صَلَاهُ عَلَی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ سَیِّدِ الْعَابِدِینَ الَّذِی اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِکَ وَ جَعَلْتَ مِنْهُ أَئِمَّهَ الْهُدَی الَّذِینَ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ اخْتَرْتَهُ لِنَفْسِکَ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرِّجْسِ وَ اصْطَفَیْتَهُ وَ جَعَلْتَهُ هَادِیاً مَهْدِیّاً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ ذُرِّیَّهِ أَنْبِیَائِکَ حَتَّی تَبْلُغَ بِهِ مَا تَقَرُّ بِهِ عَیْنُهُ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ إِنَّکَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ

الصَّلَاهُ عَلَی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْبَاقِرِ عَلَیْهِ السَّلَامُ:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ بَاقِرِ الْعِلْمِ وَ إِمَامِ الْهُدَی وَ قَائِدِ أَهْلِ التَّقْوَی وَ الْمُنْتَجَبِ مِنْ عِبَادِکَ اللَّهُمَّ وَ کَمَا جَعَلْتَهُ عَلَماً لِعِبَادِکَ وَ مَنَاراً لِبِلَادِکَ وَ مُسْتَوْدَعاً لِحِکْمَتِکَ وَ مُتَرْجِماً لِوَحْیِکَ وَ أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِ وَ حَذَّرْتَ عَنْ مَعْصِیَتِهِ فَصَلِّ عَلَیْهِ یَا رَبِّ أَفْضَلَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ ذُرِّیَّهِ أَنْبِیَائِکَ وَ أَصْفِیَائِکَ وَ رُسُلِکَ وَ أُمَنَائِکَ یَا إِلَهَ الْعَالَمِینَ.

الصَّلَاهُ عَلَی جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَلَیْهِ السَّلَامُ:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی عَبْدِکَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ خَازِنِ الْعِلْمِ الدَّاعِی إِلَیْکَ بِالْحَقِّ النُّورِ الْمُبِینِ اللَّهُمَّ وَ کَمَا جَعَلْتَهُ مَعْدِنَ کَلَامِکَ وَ وَحْیِکَ وَ خَازِنَ عِلْمِکَ وَ لِسَانَ تَوْحِیدِکَ وَ وَلِیَّ أَمْرِکَ وَ مُسْتَحْفِظَ دِینِکَ فَصَلِّ عَلَیْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ أَصْفِیَائِکَ وَ حُجَجِکَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ.

الصَّلَاهُ عَلَی مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی الْأَمِینِ الْمُؤْتَمَنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ الْبَرِّ الْوَفِیِّ الطَّاهِرِ الزَّکِیِّ النُّورِ الْمُنِیرِ الْمُجْتَهِدِ الْمُحْتَسِبِ الصَّابِرِ عَلَی الْأَذَی فِیکَ اللَّهُمَّ وَ کَمَا بَلَّغَ عَنْ آبَائِهِ مَا اسْتُودِعَ مِنْ أَمْرِکَ وَ نَهْیِکَ وَ حَمَلَ عَلَی الْمَحَجَّهِ وَ کَابَدَ أَهْلَ الْعِزَّهِ وَ الشِّدَّهِ فِیمَا کَانَ یَلْقَی مِنْ جُهَّالِ قَوْمِهِ رَبِّ فَصَلِّ عَلَیْهِ أَفْضَلَ وَ أَکْمَلَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی أَحَدٍ مِمَّنْ أَطَاعَکَ وَ نَصَحَ لِعِبَادِکَ إِنَّکَ غَفُورٌ رَحِیمٌ.

الصَّلَاهُ عَلَی عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا عَلَیْهِ السَّلَامُ:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا الَّذِی ارْتَضَیْتَهُ وَ رَضِیتَ بِهِ مَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِکَ اللَّهُمَّ وَ کَمَا جَعَلْتَهُ حُجَّهً عَلَی خَلْقِکَ وَ قَائِماً بِأَمْرِکَ وَ نَاصِراً لِدِینِکَ وَ شَاهِداً عَلَی عِبَادِکَ وَ کَمَا نَصَحَ لَهُمْ فِی السِّرِّ وَ الْعَلَانِیَهِ وَ دَعَا إِلَی سَبِیلِکَ بِالْحِکْمَهِ وَ الْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ فَصَلِّ عَلَیْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ أَوْلِیَائِکَ وَ خِیَرَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ إِنَّکَ جَوَادٌ کَرِیمٌ.

ص: ۷۶

الصَّلَاهُ عَلَی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْجَوَادِ ابْنِ مُوسَی عَلَیْهِمَا السَّلَامُ:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی علیهم السلام عَلَم التُّقَی وَ نُورِ الْهُدَی وَ مَعْدِنِ الْهُدَی وَ فَرْعِ الْأَزْکِیاءِ وَ خَلِیفَهِ الْأَوْصِیَاءِ وَ أَمِینِکَ عَلَی وَحْیِکَ اللَّهُمَّ فَکَمَا هَدَیْتَ بِهِ مِنَ الضَّلَالَهِ وَ اسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ الْجَهَالَهِ وَ أَرْشَدْتَ بِهِ مَنِ اهْتَدَی وَ زَکَّیْتَ بِهِ مَنْ تَزَکَّی فَصَلِّ عَلَیْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ أَوْلِیَائِکَ وَ بَقِیَّهِ أَوْلِیَائِکَ إِنَّکَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ.

الصَّلَاهُ عَلَی عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ أَبِی الْحَسَنِ الْعَسْکَرِیِّ عَلَیْهِ السَّلَامُ:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصِیِّ الْأَوْصِیَاءِ وَ إِمَامِ الْأَتْقِیَاءِ وَ خَلَفِ أَئِمَّهِ الدِّینِ وَ الْحُجَّهِ عَلَی الْخَلَائِقِ أَجْمَعِینَ اللَّهُمَّ کَمَا جَعَلْتَهُ نُوراً یَسْتَضِی ءُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ فَبَشَّرَ بِالْجَزِیلِ مِنْ ثَوَابِکَ وَ أَنْذَرَ بِالْأَلِیمِ مِنْ عِقَابِکَ وَ حَذَّرَ بَأْسَکَ وَ ذَکَّرَ بِآیَاتِکَ وَ أَحَلَّ حَلَالَکَ وَ حَرَّمَ حَرَامَکَ وَ بَیَّنَ شَرَائِعَکَ وَ فَرَائِضَکَ وَ حَضَّ عَلَی عِبَادَتِکَ وَ أَمَرَ بِطَاعَتِکَ وَ نَهَی عَنْ مَعْصِیَتِکَ فَصَلِّ عَلَیْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ أَوْلِیَائِکَ وَ ذُرِّیَّهِ أَنْبِیَائِکَ یَا إِلَهَ الْعَالَمِینَ یَقُولُ السَّیِّدُ الْإِمَامُ الْعَالِمُ الْعَامِلُ رَضِیُّ الدِّینِ رُکْنُ الْإِسْلَامِ أَبُو الْقَاسِمِ عَلِیُّ بْنُ مُوسَی بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدٍ الطَّاوُسِ الْحُسَیْنِیُّ وَجَدْتُ فِی أَصْلٍ قُوبِلَ بِخَطِّ الشَّیْخِ أَبِی جَعْفَرٍ الطُّوسِیِّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَیْهِ أَبُو مُحَمَّدٍ الْیَمَنِیُّ وَ فِی نُسْخَهٍ أُخْرَی عَتِیقَهٍ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْیَمَنِیُّ قَالَ: فَلَمَّا انْتَهَیْتُ إِلَی الصَّلَاهِ عَلَیْهِ أَمْسَکَ فَقُلْتُ لَهُ فِی ذَلِکَ فَقَالَ لَوْ لَا أَنَّهُ دِینٌ أَمَرَنَا اللَّهُ أَنْ نُبَلِّغَهُ وَ نُؤَدِّیَهُ إِلَی أَهْلِهِ لَأَحْبَبْتُ الْإِمْسَاکَ وَ لَکِنَّهُ الدِّینُ اکْتُبْهُ.

الصَّلَاهُ عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْعَسْکَرِیِّ عَلَیْهِمَا السَّلَامُ:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْهَادِی الْبَرِّ التَّقِیِّ الصَّادِقِ الْوَفِیِّ النُّورِ الْمُضِی ءِ خَازِنِ عِلْمِکَ وَ الْمُذَکِّرِ بِتَوْحِیدِکَ وَ وَلِیِّ أَمْرِکَ وَ خَلَفِ أَئِمَّهِ الدِّینِ الْهُدَاهِ الرَّاشِدِینَ وَ الْحُجَّهِ عَلَی أَهْلِ الدُّنْیَا فَصَلِّ عَلَیْهِ یَا رَبِّ أَفْضَلَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ أَصْفِیَائِکَ وَ حُجَجِکَ عَلَی خَلْقِکَ وَ أَوْلَادِ رُسُلِکَ یَا إِلَهَ الْعَالَمِینَ.

ص: ۷۷

الصَّلَاةُ عَلَى وَلِيِّ الْأَمْرِ الْمُنْتَظَرِ الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّکَ وَ ابْنِ أَوْلِيَائِکَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً اللَّهُمَّ انْصُرْهُ وَ انْتَصِرْ بِهِ لِدِينِکَ وَ انْصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَکَ وَ أَوْلِيَاءَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ أَنْصَارَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ طَاغٍ وَ بَاغٍ وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِکَ وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ احْرُسْهُ وَ امْنَعْهُ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَ احْفَظْ فِيهِ رَسُولَکَ وَ آلَ رَسُولِکَ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ أَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَ انْصُرْ نَاصِرِيهِ وَ اخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَ اقْصِمْ بِهِ الْجَبَابِرَهَ الْكُفْرِ وَ اقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا وَ امْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّکَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ أَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ وَ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ رَبَّ الْعَالَمِينَ آمِينَ (۱).

**[ترجمه]جمال اسبوع: ابو محمد عبدالله بن محمد عابد گوید: در سال دویست و پنجاه و پنج هجری، در راه سامرا از امام حسن عسگری خواسته که نحوه صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان را برایم بگوید تا من بنویسم و کاغذی هم باخود داشتم. حضرت بدون این که نوشته ای با خود داشته باشد، بصورت شفاهی به من جملات را فرمود تا من بنویسم. فرمود: بنویس :

صلوات بر پیامبر صلی اللّه علیه و آله و سلم

خدایا بر محمّد درود فرست، چنان که وحی ات را به دوش جان کشید، و رسالات تو را به مردم رساند. و بر محمّد درود فرست همچنان که حلال کرد حلالت را و حرام نمود حرامت را، و قرآنت را به مردم آموخت، و بر محمّد درود فرست، همچنان که نماز را بپا داشت، و زکات پرداخت، و به دینت دعوت نمود، و بر محمّد درود فرست، چنان که وعده ات را تصدیق کرد، و مردم را از تهدیدات بیم داد، و بر محمّد درود فرست، چنان که به خاطر او گناهان را آمرزیدی، و عیوب را پوشاندی، و گرفتاری ها را برطرف ساختی، و بر محمّد درود فرست، چنان که بدبختی را به او دفع کردی، و غمگینی را به سبب وجود او زدودی، و دعا را اجابت فرمودی، و از بلا نجات دادی، و بر محمّد درود فرست، چنان که بندگان را به خاطر او رحم کردی، و کشورها را به او زنده نمودی، و گردنکشان را به وسیله او درهم شکستی، و فرعون ها را هلاک کردی، و بر محمّد درود فرست، چنان که اموال را به او چند برابر فرمودی، و از هراس ها پناه دادی، و بت ها را شکستی، و به مردمان رحم نمودی، و بر محمّد درود فرست، چنان که او به بهترین دین ها برانگیختی، و ایمان را به او عزّت دادی، و بت ها را به وسیله او نابود کردی، و خانه کعبه را به او عظمت دادی، و بر محمّد و اهل بیت پاک نیکوکارش درود و سلام فرست سلامی خاص و شایسته.

صلوات بر امیر مؤمنان علیه السّلام

خدایا بر امیر مؤمنان علی بن ابی طالب درود فرست، برادر پیامبرت و ولیّ و برگزیده اش، و وزیر و جایگاه سپردن دانشش، و موضع راز و درگاه حکمتش، و گویای به حجّت، و دعوت کننده به شریعتش و جانشین او در امّتش، و برطرف کننده رنج و اندوه از چهره اش، و درهم شکننده کافران، و به خاک مالنده بینی بدکاران، آن که او را نسبت به پیامبرت به منزله هارون از موسی قرار دادی. خداوندا دوست بدار هر که دوستش دارد، و دشمن بدار هر که دشمنش دارد، و یاری کن هر که یاری اش نماید، و خوار کن هرکه او را واگذارد، و لعنت کن هرکه به دشمنی اش برخاست، از پیشینیان و پسینیان، و بر او درود فرست برترین درودی که بر یکی از جانشینیان پیامبرت فرستادی، ای پروردگار جهانیان.

صلوات بر سرور بانوان فاطمه علیها السّلام

خدایا درود فرست، بر صدّیقه فاطمه زکیه، محبوبه حبیبت، و پیامبرت، و مادر دوستانت و برگزیدگانت که او را انتخاب نمودی، و برتری دادی و برگزیدی، بر فراز بانوان جهانیان. خدای از کسانی که به او ستم کردند، و حق او را سبک شمردند، انتقامش را بگیر، و خونخواه خون فرزندانش باش. خدایا همچنان که او را مادر امامان هدایت و همسر صاحب پرچم در قیامت، و گرامی در انجمن والاتر قرار دادی، پس بر او

و مادرش خـدیجه کبری درود فرست، درودی که آبروی محمّـد (درود خـدا بر او و خانـدانش) را به آن گرامی بـداری، و دیده فرزندانش را روشن کنی، و برسان به ایشان از جانب من، در این ساعت برترین تحیّت و سلام را.

صلوات بر حسن و حسین علیهما السّلام

خـدایا بر حسن و حسـین درود فرست، دو بنـده ات و دو نماینـده ات، دو فرزند رسولت، دو فرزندزاده رحمت و دو سـرور جوانان اهل بهشت، برترین درودی که بر یکی از فرزنـدان پیامبران و رسولان فرسـتادی خدایا بر حسن درود فرست، فرزند سـرور پیامبران، و جانشـین امیر مؤمنان، سلام بر تو ای فرزنـد رسول خـدا، سـلام بر تو ای فرزند سـرور جانشـیان، گواهی می دهم ای فرزند امیر مؤمنان، که تو امین خدا و فرزند امین خدایی، مظلومانه زیستی، و شهید از دنیا رفتی، و گواهی می دهم که تویی امام پاکیزه راهنما، راه یافته.خدایا بر او درود فرست، و از جانب من در این ساعت به روح و جسدش بهترین تحیّت و سلام را برسان.

خدایا بر حسـین بن علی درود فرست، آن مظلوم شهید، کشته کافران، به خاک افتاده بدکاران، سلام بر تو ای ابا عبد اللّه، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان،

به یقین گواهی می دهم که تو امین خدا، و فرزند امین خدایی، مظلومانه کشته شدی، و شهید از دنیا رفتی، و گواهی می دهم که خدای تعالی خواسـتار انتقام توست، و وفا کننده به وعده ای که به تو داده، بر یاری ات، و تأیید در نابودی دشمنت، و آشکار ساختن دعوتت. و گواهی می دهم که تو به عهـد خدا وفا کردی، و در راه خدا جهاد نمودی، و مخلصانه خدا را عبادت کردی، تا مرگ تو را دررسـید، خدا لعنت کند امّتی که تو را کشـتند، و خـدا لعنت کنـد امّـتی را که دست از یـاری ات کشـیدند، و خـدا لعنت کنـد امّتی که دیگران را علیه تو ترغیب کردنـد، به پیشـگاه خـدا بیزاری می جویم، از کسـی که تو را تکـذیب کرد، و حق تو را سـبک شـمرد، و ریختن خونت را حلال دانست، پـدر و مادرم به فـدایت ای ابا عبـد اللّه، خـدا لعنت کنـد قاتلت را، و لعنت کنـد دریغ کننـده از یاری ات را، و خـدا لعنت کند کسـی را که فریادت را شـنید و پاسـخت را نـداد، و یاری ات نکرد، و خـدا لعنت کنـد کسـی را که زنانت را اسیر کرد من به سوی خدا، از اینان بیزارم، و از هرکه دوسـتشان داشت، و از آنان پیروی نمود و یاری شان داد، و گواهی می دهم که تو و امامان از فرزنـدانت، کلمه تقوا و درگاه هدایت، و دسـتاویز محکم، و حجّت بر اهل دنیاییـد، و گواهی می دهم که من به شـما مؤمن، و به مقام شـما یقین دارم، و پیرو شـمایم با تمام وجودم، و در قوانین دینم، و سرانجام عملم و بازگشتگاهم، در دنیا و آخرتم .

صلوات بر علی بن الحسین علیه السّلام

خدایا بر علی بن الحسـین، سرور عبادت کنندگان درود فرست، که او را برای خود برگزیدی، و از نسل او امامان هدایت را قرار دادی، امامانی که به حق هـدایت می کننـد، و به حق باز می گردنـد، او را برای خود انتخاب کردی، و از پلیدی پاکش ساختی، و برگزیدی، و او را راهنما و راه یـافته قرار دادی.پس بر او درود فرست، بهترین درودی که بر یکی از فرزنـدان پیامبرانت فرسـتادی تا او را به مقامی رسانی که دیـده اش به آن در دنیا آخرت روشن شود که تو عزیز و حکیمی.

صلوات بر محمّد بن علی علیه السّلام

خـدایا درود فرست بر محمّـد بن علی، شـکافنده دانش، و پیشوای هـدایت، و رهبر اهل تقوا، و برگزیـده از بندگانت.خـدایا چنان که او را قرار دادی برای بندگانت نشانه، و برای کشورهایت مشعل نور، و محلّ سپردن حکمتت و تفسیرگرت وحی ات، و به فرمان بردن از او فرمان دادی، و از نافرمـانی اش برحـذر داشـتی، پس بر او درود فرسـت، ای پروردگـار برترین درودی که بر یکی از فرزنـدان پیـامبرانت و برگزیـدگانت، و رسولانت و امین‌هایت فرستادی، ای پروردگار جهانیان

صلوات بر جعفر بن محمد علیه السّلام

خدایا درود فرست، بر جعفر بن محمد صادق، خزانه دار دانش، دعوت کننده به سوی تو بر پایه حق، آن نور آشکار خدایا چنان که او را قرار دادی معدن کلامت، و وحی ات، و خزانه دار دانشت، و زبان توحیدت و سرپرست فرمانت، و نگهدارنده دینت، پس بر او درود فرست، بهترین درودی که بر یکی از برگزیدگانت، و حجّت‌هایت فرستادی که تو ستوده و بزرگواری.

صلوات بر موسی بن جعفر علیه السّلام

خدایا درود فرست بر امین مورد اعتماد، موسی بن جعفر، نیکوکار وفادار، پاک و پاکیزه، نور آشکار تلاش کننده، و عمل کننده، برای خدا، شکیبا بر آزار در راه تو.خدایا چنان که از سوی پدرانش، آن چه از امر و نهی تو، به او سپرده شده بود، به مردم رساند، و بندگانت را به راه روشن واداشت، و از اهل تکبّر و سرسختی، در اموری که از نادانان ملّت خود می دید، متحملّ زحمت و مصیبت شد، پس بر او درود فرست، برترین و کامل ترین درودی که بر یکی از فرمانبران و خیرخواهان بندگانت فرستادی، به درستی که تو آمرزنده و مهربانی.

صلوات بر علی بن موسی علیه السّلام

خدایا درود فرست بر علی بن موسی، که او پسندیدی، و به وسیله او هرکه را از آفریدگانت خواستی، خشنود ساختی.و همچنان که او را قرار دادی، حجّت بر بندگانت، و قیام کننده به فرمانت، و یاور دینت، و گواه بر بندگانت، و چنان که برای آنان، در نهان و آشکار خیرخواهی نمود، و با حکمت و اندرز پسندیده، به راهت خواند، پس بر او درود فرست، برترین درودی که بر یکی از اولیایت، و برگزیدگان از آفریدگانت فرستادی، که تو بخشنده کریمی.

صلوات بر محمد بن علی علیه السّلام

خدایا درود فرست بر محمّد بن علی بن موسی، نشانه تقوا، و نور هدایت، و معدن وفا، و نژاد پاکان، و جانشین اوصیا، و امین تو بر وحی.خدایا چنان که به وسیله و مردم را از گمراهی به عرصه هدایت آوردی، و از سرگردانی رهایی بخشیدی، و به وجود او راهنمایی کردی هرکه را که هدایت یافت، و تربیت نمودی هرکه را که تربیت شد، پس بر او درود فرست، برترین درودی که بر یکی از اولیایت، و باقیمانده اوصیایت فرستادی، به درستی که تو عزیز حکیمی.

صلوات بر علی بن محمد علیه السّلام

خدایا درود فرست بر علی بن محمد، جانشین اوصیا، و پیشوای پرهیزگاران، و یادگار امامان دین، و حجّت بر همه آفریدگان.خدایا چنان که او را نوری قرار دادی، که مؤمنان به وسیله او روشنی جویند، پس به پاداش شایانت مژده داد، و به کیفر دردناکت بیم داد، و از صولتت برحذر داشت، و آیاتت را به یاد مردم انداخت، و حلالت را حلال و حرامت را حرام کرد، و قوانین و واجباتت را بیان فرمود، و مردم را به بندگی ات ترغیب نمود و به طاعتت فرمان داد، و از نافرمانی ات بازداشت، پس بر او درود فرست، برترین درودی که بر یکی از اولیایت، و نسل پیامبرانت فرستادی، ای معبود جهانیان .

راوی این صلوات، ابو محمد یمنی گفت:چون حضرت عسگری علیه السّلام از ذکر صلوات بر پدرشان فارغ شد، و نوبت به خود آن جناب رسید، ساکت ماند، عرضه داشتم:کیفیت صلوات بر باقی را بفرمایید، فرمود:اگر نه این بود، که ذکر این نکته از نشانه های دین است و خدا ما را امر فرموده که به اهلش برسانیم، هرآینه دوست داشتم ساکت بمانم، ولی چون در بیان دین است پس بنویس.

صلوات بر حسن بن علی علیه السّلام

خدایا درود فرست بر حسن بن علی بن محمّد، نیکوکار، پرهیزگار، صادق، وفادار، نور تابنده، خزانه دار دانشت، به یاد اندازه توحیدت، و ولیّ امرت، و یادگار پیشوایان دین، آن راهنمایان رشد یافته، و حجّت بر اهل دنیا، پس بر او درود فرست، ای پروردگار، برترین درودی که بر یکی از برگزیدگان و حجّت هایت، و اولاد رسولانت فرستادی، ای معبود جهانیان.

صلوات بر ولی الامر المنتظر علیه السّلام

خدایا درود فرست بر نماینده ات و فرزند نمایندگانت، آنان که فرمانبرداری از آن ها را لازم نمودی، و حقّشان را واجب گرداندی، و پلیدی را از آن ها بردی، و پاکشان نمودی، پاک کردنی درخور و شایسته.خدایا یاری اش کن، و به وسیله او برای دینت یاری رسان، و به دست او یاری فرما دوستانت و دوستانش و شیعیان و یاورانش را، و ما را از آنان قرار ده.خدایا به او پناه ده.از شرّ هر متجاوز و سرکش، و از شرّ همه آفریدگانت، و او را حفظ کن، از پیش رویش و از پشت سرش، و از جانب راستش، و از طرف چپش، و نگهبانی اش کن و جلوگیری فرما از این که پیش آمد بدی به او در رسد، و پیامبرت و خاندان پیامبرت را در وجود او حفظ فرما، و عدالت را به او آشکار کن، و وی را با پیروزی تأیید کن، یاورش را یاری ده، و دریغ کننده از یاری اش را خوار گردان، و به دست او گردنکشان کفر را درهم شکن، و کافران و منافقان و تمام بی دینان را به قتل برسان، هر کجا هستند، در مشرق های زمین و مغرب هایش، در خشکی ها و دریاهایش و به وسیله او زمین را از عدالت پر کن، و دین پیامبرت صلی الله علیه و آله را به او نمایان فرما، و قرار ده مرا خدایا از یاران و مددکاران و پیروان و شیعیانش، و درباره خاندان محمّد به من بنمایان، آن چه را که آرزو دارند، و درباره دشمنانشان آن چه را که بیم دارند، ای معبود حق آمین - . جمال الاسبوع: ۴۸۳-۴۹۴ - .

**[ترجمه]

«۲»

جم، [جمال الأسبوع] جَمَاعَةٌ بِإِسْنَادِهِمْ إِلَی جَدِّی أَبِی جَعْفَرٍ الطُّوسِیِّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عُبَیْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ دَاوُدَ وَ التَّلَّعُکْبَرِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِیٍّ الرَّازِیِّ فِیمَا رَوَاهُ فِی کِتَابِ الشِّفَا وَ الْجِلَاءِ عَنِ الْأَسَدِیِّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ یُوسُفَ الضَّرَّابِ الْغَسَّانِیِّ فِی مُنْصَرَفِهِ مِنْ أَصْفَهَانَ قَالَ: حَجَجْتُ فِی سَنَهِ إِحْدَی وَ ثَمَانِینَ وَ مِائَتَیْنِ وَ کُنْتُ مَعَ قَوْمٍ مُخَالِفِینَ مِنْ أَهْلِ بِلَادِنَا فَلَمَّا أَنْ قَدِمْنَا مَکَّهَ تَقَدَّمَ بَعْضُهُمْ فَاکْتَرَی لَنَا دَاراً فِی زُقَاقٍ بَیْنَ سُوقِ اللَّیْلِ وَ هِیَ دَارُ خَدِیجَهَ علیها السلام تُسَمَّی دَارَ الرِّضَا علیه السلام وَ فِیهَا عَجُوزٌ سَمْرَاءُ فَسَأَلْتُهَا لَمَّا وَقَفْتُ عَلَی أَنَّهَا دَارُ الرِّضَا علیه السلام مَا تَکُونِینَ مِنْ أَصْحَابِ هَذِهِ الدَّارِ وَ لِمَ سُمِّیَتْ دَارَ الرِّضَا فَقَالَتْ أَنَا مِنْ مَوَالِیهِمْ وَ هَذِهِ دَارُ الرِّضَا عَلِیِّ بْنِ مُوسَی علیه السلام أَسْکَنَنِیهَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ علیهما السلام فَإِنِّی کُنْتُ فِی خِدْمَتِهِ فَلَمَّا سَمِعْتُ ذَلِکَ مِنْهَا أَنِسْتُ بِهَا وَ أَسْرَرْتُ الْأَمْرَ عَنْ رُفَقَائِی الْمُخَالِفِینَ فَکُنْتُ إِذَا انْصَرَفْتُ مِنَ الطَّوَافِ بِاللَّیْلِ أَنَامُ مَعَهُمْ فِی رِوَاقِ الدَّارِ وَ نُغْلِقُ الْبَابَ وَ نُلْقِی خَلْفَ الْبَابِ حَجَراً کَبِیراً کُنَّا نُدِیرُهُ خَلْفَ الْبَابِ

۱- ۱. جمال الأسبوع ص ۴۸۳- ۴۹۴.

فَرَأَیْتُ غَیْرَ لَیْلَهٍ ضَوْءَ السِّرَاجِ فِی الرِّوَاقِ الَّذِی کُنَّا فِیهِ شَبِیهاً بِضَوْءِ الْمَشْعَلِ وَ رَأَیْتُ الْبَابَ قَدِ انْفَتَحَ وَ لَا أَرَی أَحَداً فَتَحَهُ مِنْ أَهْلِ الدَّارِ وَ رَأَیْتُ رَجُلًا رَبْعَهً أَسْمَرَ إِلَی الصُّفْرَهِ مَا هُوَ قَلِیلَ اللَّحْمِ فِی وَجْهِهِ سَجَّادَهٌ عَلَیْهِ قَمِیصَانِ وَ إِزَارٌ رَقِیقٌ قَدْ تَقَنَّعَ بِهِ وَ فِی رِجْلَیْهِ نَعْلٌ طَاقٌ فَصَعِدَ إِلَی غُرْفَهٍ فِی الدَّارِ حَیْثُ کَانَتِ الْعَجُوزُ تَسْکُنُ وَ کَانَتْ تَقُولُ لَنَا إِنَّ فِی الْغُرْفَهِ ابْنَتَهُ لَا تَدَعُ أَحَداً یَصْعَدُ إِلَیْهَا فَکُنْتُ أَرَی الضَّوْءَ الَّذِی رَأَیْتُهُ یُضِیءُ فِی الرِّوَاقِ عَلَی الدَّرَجِهِ عِنْدَ صُعُودِ الرَّجُلِ إِلَی الْغُرْفَهِ الَّتِی یَصْعَدُهَا ثُمَّ أَرَاهُ فِی الْغُرْفَهِ مِنْ غَیْرِ أَنْ أَرَی السِّرَاجَ بِعَیْنِهِ وَ کَانَ الَّذِینَ مَعِی یَرَوْنَ مِثْلَ مَا أَرَی فَتَوَهَّمُوا أَنْ یَکُونَ هَذَا الرَّجُلُ یَخْتَلِفُ إِلَی ابْنَهِ الْعَجُوزِ وَ أَنْ یَکُونَ قَدْ تَمَتَّعَ بِهَا فَقَالُوا هَؤُلَاءِ الْعَلَوِیَّهُ یَرَوْنَ الْمُتْعَهَ وَ هَذَا حَرَامٌ لَا یَحِلُّ فِیمَا زَعَمُوا وَ کُنَّا نَرَاهُ یَدْخُلُ وَ یَخْرُجُ وَ یَجِیءُ إِلَی الْبَابِ وَ إِذَا الْحَجَرُ عَلَی حَالِهِ الَّذِی تَرَکْنَاهُ وَ کُنَّا نُغْلِقُ هَذَا الْبَابَ خَوْفاً عَلَی مَتَاعِنَا وَ کُنَّا لَا نَرَی أَحَداً یَفْتَحُهُ وَ لَا یُغْلِقُهُ وَ الرَّجُلُ یَدْخُلُ وَ یَخْرُجُ وَ الْحَجَرُ خَلْفَ الْبَابِ إِلَی وَقْتٍ نُنَحِّیهِ إِذَا خَرَجْنَا.

فَلَمَّا رَأَیْتُ هَذِهِ الْأَسْبَابَ ضَرَبَ عَلَی قَلْبِی وَ وَقَعَتْ فِی نَفْسِی هَیْبَهٌ فَتَلَطَّفْتُ الْعَجُوزَ وَ أَحْبَبْتُ أَنْ أَقِفَ عَلَی خَبَرِ الرَّجُلِ فَقُلْتُ لَهَا یَا فُلَانَهُ إِنِّی أُحِبُّ أَنْ أَسْأَلَکِ وَ أُفَاوِضَکِ مِنْ غَیْرِ حُضُورِ مَنْ مَعِی فَلَا أَقْدِرُ عَلَیْهِ فَأَنَا أُحِبُّ إِذَا رَأَیْتِنِی فِی الدَّارِ وَحْدِی أَنْ تَنْزِلَ إِلَیَّ لِأَسْأَلَکِ عَنْ أَمْرٍ فقال [فَقَالَتْ] لِی مُسْرِعَهً وَ أَنَا أُرِیدُ أَنْ أُسِرَّ إِلَیْکَ شَیْئاً فَلَمْ یَتَهَیَّأْ لِی ذَلِکَ مِنْ أَجْلِ أَصْحَابِکَ فَقُلْتُ مَا أَرَدْتِ أَنْ تَقُولَ فَقَالَتْ یَقُولُ لَکَ وَ لَمْ تَذْکُرْ أَحَداً لَا تُحَاشِنْ أَصْحَابَکَ وَ شُرَکَاءَکَ وَ لَا تُلَاحِهِمْ فَإِنَّهُمْ أَعْدَاؤُکَ وَ دَارِهِمْ (۱) فَقُلْتُ لَهَا مَنْ یَقُولُ فَقَالَتْ أَنَا أَقُولُ فَلَمْ أَجْسُرْ لِمَا دَخَلَ قَلْبِی مِنَ الْهَیْبَهِ أَنْ أُرَاجِعَهَا.

فَقُلْتُ أَیَّ أَصْحَابِی تَعْنِینَ وَ ظَنَنْتُ أَنَّهَا تَعْنِی رُفَقَائِیَ الَّذِینَ کَانُوا حُجَّاجاً مَعِی فَقَالَتْ شُرَکَاؤُکَ الَّذِینَ فِی بَلَدِکَ وَ فِی الدَّارِ مَعَکَ وَ کَانَ جَرَی بَیْنِی وَ بَیْنَ الَّذِینَ مَعِی فِی الدَّارِ عَنَتٌ فِی الدِّینِ فَسَعَوْا بِی حَتَّی هَرَبْتُ وَ اسْتَتَرْتُ بِذَلِکَ السَّبَبِ فَوَقَفْتُ عَلَی أَنَّهَا عَنَتْ أُولَئِکَ فَقُلْتُ لَهَا مَا تَکُونِینَ أَنْتِ مِنَ الرِّضَا فَقَالَتْ أَنَا کُنْتُ خَادِمَهً لِلْحَسَنِ

۱- ۱. حاشنه: شاتمه و سابه، و الملاحاه: المنازعه ضد المداراه.

بْنِ عَلِيٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ.

فَلَمَّا اسْتَيْقَنْتُ ذَلِكَ قُلْتُ لَأَسْأَلَنَّهَا عَنِ الْغَائِبِ فَقُلْتُ بِاللَّهِ عَلَيْكِ رَأَيْتِهِ بِعَيْنِكِ فَقَالَتْ يَا أَخِي لَمْ أَرَهُ بِعَيْنِي فَإِنِّي خَرَجْتُ وَ أُخْتِي حُبْلَى وَ بَشَّرَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام بِأَنِّي سَوْفَ أَرَاهُ فِي آخِرِ عُمُرِي وَ قَالَ لِي تَكُونِينَ لَهُ كَمَا كُنْتِ لِي وَ أَنَا الْيَوْمَ مُنْذُ كَذَا بِمِصْرَ وَ إِنَّمَا قَدِمْتُ الْآنَ بِكِتَابِهِ وَ نَفَقَةٍ وَجَّهَ بِهَا إِلَيَّ عَلَى يَدِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ خُرَاسَانَ لَا يُفْصِحُ بِالْعَرَبِيَّةِ وَ هِيَ ثَلَاثُونَ دِينَاراً وَ أَمَرَنِي أَنْ أَحُجَّ سَنَتِي هَذِهِ فَخَرَجْتُ رَغْبَةً مِنِّي فِي أَنْ أَرَاهُ فَوَقَعَ فِي قَلْبِي أَنَّ الرَّجُلَ الَّذِي كُنْتُ أَرَاهُ يَدْخُلُ وَ يَخْرُجُ هُوَ هُوَ فَأَخَذْتُ عَشَرَةَ دَرَاهِمَ صِحَاحٍ فِيهَا سِكَّةٌ رَضَوِيَّةٌ مِنْ ضَرْبِ الرِّضَا عليه السلام قَدْ كُنْتُ خَبَأْتُهَا لِأُلْقِيَهَا فِي مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام وَ كُنْتُ نَذَرْتُ وَ نَوَيْتُ ذَلِكَ فَدَفَعْتُهَا إِلَيْهَا وَ قُلْتُ فِي نَفْسِي أَدْفَعُهَا إِلَى قَوْمٍ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ عليها السلام أَفْضَلُ مِنْ أَنْ أُلْقِيَهَا فِي الْمَقَامِ وَ أَعْظَمُ ثَوَاباً فَقُلْتُ لَهَا ادْفَعِي هَذِهِ الدَّرَاهِمَ إِلَى مَنْ يَسْتَحِقُّهَا مِنْ وُلْدِ فَاطِمَةَ عليها السلام وَ كَانَ فِي نِيَّتِي أَنَّ الَّذِي رَأَيْتُهُ هُوَ الرَّجُلُ وَ أَنَّهَا تَدْفَعُهَا إِلَيْهِ فَأَخَذَتِ الدَّرَاهِمَ وَ صَعِدَتْ وَ بَقِيَتْ سَاعَةً ثُمَّ نَزَلَتْ فَقَالَتْ يَقُولُ لَكَ لَيْسَ لَنَا فِيهَا حَقٌّ اجْعَلْهَا فِي الْمَوْضِعِ الَّذِي نَوَيْتَ وَ لَكِنْ هَذِهِ الرَّضَوِيَّةُ خُذْ مِنَّا بَدَلَهَا وَ أَلْقِهَا فِي الْمَوْضِعِ الَّذِي نَوَيْتَ فَفَعَلْتُ وَ قُلْتُ فِي نَفْسِي الَّذِي أُمِرْتُ بِهِ مِنَ الرَّجُلِ ثُمَّ كَانَتْ مَعِي نُسْخَةُ تَوْقِيعٍ خَرَجَ إِلَى الْقَاسِمِ بْنِ الْعَلَاءِ بِآذَرْبِيجَانَ فَقُلْتُ لَهَا تَعْرِضِينَ هَذِهِ النُّسْخَةَ عَلَى إِنْسَانٍ قَدْ رَأَى تَوْقِيعَاتِ الْغَائِبِ فَقَالَتْ نَاوِلْنِي فَإِنِّي أَعْرِفُهُ فَأَرَيْتُهَا النُّسْخَةَ وَ ظَنَنْتُ أَنَّ الْمَرْأَةَ تُحْسِنُ أَنْ يَقْرَأَهَا فَقَالَتْ لَا يُمْكِنُنِي أَنْ أَقْرَأَهَا فِي هَذَا الْمَكَانِ فَصَعِدَتِ الْغُرْفَةَ ثُمَّ أَنْزَلَتْهُ فَقَالَتْ صَحِيحٌ وَ فِي التَّوْقِيعِ أُبَشِّرُكُمْ بِبُشْرَى مَا بَشَّرْتُ بِهِ غَيْرَهُ: ثُمَّ قَالَتْ يَقُولُ لَكَ إِذَا صَلَّيْتَ عَلَى نَبِيِّكَ كَيْفَ تُصَلِّي عَلَيْهِ فَقُلْتُ أَقُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ فَقَالَتْ لَا إِذَا صَلَّيْتَ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ كُلِّهِمْ وَ سَمِّهِمْ فَقُلْتُ نَعَمْ فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ نَزَلَتْ وَ مَعَهَا دَفْتَرٌ صَغِيرٌ فَقَالَتْ:

يَقُولُ لَکَ إِذَا صَلَّيْتَ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَوْصِيَائِهِ عَلَى هَذِهِ النُّسْخَهِ فَأَخَذْتُهَا وَ کُنْتُ أَعْمَلُ بِهَا وَ رَأَيْتُ عِدَّهَ لَيَالٍ قَدْ نَزَلَ مِنَ الْغُرْفَهِ وَ ضَوْءُ السِّرَاجِ قَائِمٌ وَ کُنْتُ أَفْتَحُ الْبَابَ وَ أَخْرُجُ عَلَى أَثَرِ الضَّوْءِ وَ أَنَا أَرَاهُ أَعْنِی الضَّوْءَ وَ لَا أَرَى أَحَداً حَتَّى يَدْخُلَ الْمَسْجِدَ وَ أَرَى جَمَاعَهً مِنَ الرِّجَالِ مِنْ بُلْدَانٍ شَتَّى يَأْتُونَ بَابَ هَذِهِ الدَّارِ فَبَعْضُهُمْ يَدْفَعُونَ إِلَى الْعَجُوزِ رِقَاعاً مَعَهُمْ وَ رَأَيْتُ الْعَجُوزَ قَدْ دَفَعَتْ إِلَيْهِمْ کَذَلِکَ الرِّقَاعَ فَيُکَلِّمُونَهَا وَ تُکَلِّمُهُمْ وَ لَا أَفْهَمُ عَنْهُمْ وَ رَأَيْتُ مِنْهُمْ فِی مُنْصَرَفِنَا جَمَاعَهً فِی طَرِيقِی إِلَى أَنْ قَدِمْتُ بَغْدَادَ.

نُسْخَهُ الدَّفْتَرِ الَّذِی خَرَجَ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ حُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْمُنْتَجَبِ فِی الْمِيثَاقِ الْمُصْطَفَى فِی الظِّلَالِ الْمُطَهَّرِ مِنْ کُلِّ آفَهٍ الْبَرِیءِ مِنْ کُلِّ عَيْبٍ الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاهِ الْمُرْتَجَى لِلشَّفَاعَهِ الْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينُ اللَّهِ اللَّهُمَّ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَ عَظِّمْ بُرْهَانَهُ وَ أفلح [أَفْلِجْ] حُجَّتَهُ وَ ارْفَعْ دَرَجَتَهُ وَ أَضِئْ نُورَهُ وَ بَيِّضْ وَجْهَهُ وَ أَعْطِهِ الْفَضْلَ وَ الْفَضِيلَهَ وَ الدَّرَجَهَ وَ الْوَسِيلَهَ الرَّفِيعَهَ وَ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ وَ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَ حُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ وَ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَى الْخَلَفِ الصَّالِحِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ إِمَامِ الْهُدَى إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَئِمَّهِ الْهَادِينَ الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ دَعَائِمِ دِينِكَ وَ أَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ وَ تَرَاجِمَهِ وَحْيِكَ وَ حُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ خُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ اصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ وَ ارْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ وَ خَصَصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ وَ جَلَّلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ وَ غَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ وَ رَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ وَ غَذَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ وَ أَلْبَسْتَهُمْ مِنْ نُورِكَ وَ رَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ وَ حَفَفْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ وَ شَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَيْهِمْ صَلَاةً كَثِيرَةً دَائِمَةً طَيِّبَةً لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ وَ لَا يَسَعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ وَ لَا يُحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُحْيِي سُنَّتَكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ الدَّلِيلِ عَلَيْكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ خَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ وَ شَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ اللَّهُمَّ أَعِزَّ نَصْرَهُ وَ مُدَّ فِي عُمُرِهِ وَ زَيِّنِ الْأَرْضَ بِطُولِ بَقَائِهِ اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ وَ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَافِرِينَ وَ ازْجُرْ عَنْهُ إِرَادَةَ الظَّالِمِينَ وَ خَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ وَ خَاصَّتِهِ وَ عَامَّتِهِ وَ عَدُوِّهِ وَ جَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا مَا تُقِرُّ بِهِ عَيْنَهُ وَ تَسُرُّ بِهِ نَفْسَهُ وَ بَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا أَمَّلَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا مُحِيَ مِنْ دِينِكَ وَ أَحْيِ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ كِتَابِكَ وَ أَظْهِرْ بِهِ مَا غُيِّرَ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ غَضّاً جَدِيداً خَالِصاً مُخْلَصاً لَا شَكَّ فِيهِ وَ لَا شُبْهَةَ مَعَهُ وَ لَا بَاطِلَ عِنْدَهُ وَ لَا بِدْعَةَ لَدَيْهِ اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَهٍ وَ هُدَّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بِدْعَهٍ وَ اهْدِمْ بِعِزَّتِهِ كُلَّ ضَلَالَهٍ وَ اقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ وَ أَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ وَ أَهْلِكْ بِعَدْلِهِ كُلَّ جَائِرٍ

وَ أَجْرِ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَ أَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ.

اللَّهُمَّ أَذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ وَ أَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ وَ امْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ وَ اسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ وَ اسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ وَ سَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ وَ أَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ الْحَسَنِ الرِّضَا وَ الْحُسَيْنِ الْمُصَفَّا وَ جَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ مَصَابِيحِ الدُّجَى وَ أَعْلَامِ الْهُدَى وَ مَنَارِ التُّقَى وَ الْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَ الْحَبْلِ الْمَتِينِ وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَ وُلَاةِ عَهْدِهِ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ وَ مُدَّ فِي أَعْمَارِهِمْ وَ زِدْ فِي آجَالِهِمْ وَ بَلِّغْهُمْ أَفْضَلَ آمَالِهِمْ دِيناً وَ دُنْيَا وَ آخِرَةً إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ(۱).

ق، كتاب العتيق الغروى نُسِخَ مِنْ كِتَابِ الشَّيْخِ أَبِي الْحُسَيْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يُوسُفَ الْحَرَّانِيِّ فِي جُمَادَى الْآخِرَةِ فِي سَنَةِ أَرْبَعِمِائَةٍ قَالَ نَسَخْتُ مِنْ كِتَابِ الشَّيْخِ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ حَمْزَةَ بْنِ أَحْمَدَ الْكَاتِبِ بِخَطِّهِ فِي جُمَادَى الْأُولَى سَنَةَ ثَلَاثٍ وَ تِسْعِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ حَدَّثَ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ الْأَشْعَرِيُّ الْقُمِّيُّ بِقَاشَانَ فِي سَنَةِ ثَمَانٍ وَ ثَمَانِينَ وَ مِائَتَيْنِ مُنْصَرَفَهُ مِنْ أَصْبَهَانَ قَالَ حَدَّثَهُ يَعْقُوبُ بْنُ يُوسُفَ الصَّوَّافُ بِأَصْبَهَانَ قَالَ: حَجَجْتُ فِي سَنَةِ إِحْدَى وَ ثَمَانِينَ وَ مِائَتَيْنِ وَ كُنْتُ مَعَ قَوْمٍ مُخَالِفِينَ وَ سَاقَ الْحَدِيثَ إِلَى آخِرِهِ مِثْلَ مَا مَرَّ.

**[ترجمه]جمال الاسبوع: محمد بن عامر روايت كرده كه: وقتى يعقوب بن يوسف ضرّاب غسانى از اصفهان برمى گشت براى من نقل كرد و گفت: در سال ۲۸۱ هجرى با گروهى از اهل سنت كه همشهرى ما بودند به حج رفتم. وقتى به مكه معظمه رسيديم، يكى از همراهان رفت و خانه اى سر راه در بين بازار «سوق الليل» اجاره كرد. اين خانه حضرت خديجه كبرى عليها السلام و معروف به خانه امام رضا عليه السّلام بود. زنى گندم گون در آن خانه بود،

وقتى من فهميدم آن جا را خانه امام رضا عليه السّلام مى گويند، از پير زن پرسيدم تو با اهل اين خانه چه نسبت دارى و چرا اينجا را خانه امام رضا مى گويند؟ پير زن گفت: من از دوستان ائمه هستم. اين خانه امام على بن موسى الرضا عليهما السلام است كه امام حسن عسكرى عليه السّلام مرا در آن ساكن گردانيده است، زيرا من از جمله خدمتكاران حضرتش بودم. چون اين را از پير زن شنيدم با او انس گرفتم و مطلب را از همراهانم كه در مذهب با من مخالف بودند پنهان داشتم.

من وقتى شبها از طواف برمى گشتم با همراهان در رواق خانه مى خوابيدم و در خانه را بسته سنگ بزرگى را غلطانده پشت در مى گذاشتيم. چند شب پى در پى ديدم نور چراغى شبيه نور مشعل، رواقى را كه ما مى خوابيديم روشن كرده است؛ و مى ديدم در گشوده مى شد، بدون اين كه كسى از اهل خانه آن را بگشايد. سپس مردى معتدل القامه و گندم گون مايل به زردى را ديدم. صورتش كم گوشت و در پيشانيش علامت سجده نمودار بود. دو پيراهن به تن و سر و گردن خود را با پارچه نازكى پيچيده و كفش بى جوراب به پا كرده بود، و به غرفه اى كه محل سكونت پير زن بود بالا مى رفت. قبلا هم پير زن به ما گفته بود كه دخترى در آن غرفه سكونت دارد و نمى گذاشت كسى به آن جا برود. نورى را كه موقع عبور آن مرد در رواق پرتو افكنده بود، موقع بالا رفتن از پله به طرف غرفه هم مى ديدم و سپس در خود غرفه مى‌ديدم بدون اين كه چراغى در آن جا ببينم. آن چه من مى‌ديدم، آن ها كه با من بودند هم مى ديدند. آن ها گمان مى كردند اين مرد با دختر پير زن آمد و رفت و سر و سرّى دارد. به همين جهت مى گفتند اين شيعيان متعه را حلال مى دانند ولى به عقيده آن ها (اهل تسنن و همراهان او) حرام بود. ما مى ديديم مرد ناشناس داخل و خارج مى شود. مى آمديم پشت در خانه مى ديديم سنگ همان طور است كه گذاشته ايم. ما براى حفظ اثاث و لوازم خود، در خانه را مى بستيم و كسى را نمى ديديم كه آن را باز كند يا ببندد مگر موقع بيرون رفتن كه خودمان آن را كنار مى زديم. وقتى اين ماجرا را ديدم غافل بودم و دلم پريشان گشته بود. ناگزير رفتم نزد پير زن تا از آن مرد اطلاعى كسب كنم. به پير زن گفتم: من مى خواهم با هم صحبت كنيم و پرسشى از تو بنمايم، ولى وجود رفقا مانع مى شود. خواهش دارم وقتى مرا در خانه تنها ديدى، از غرفه پائين بيا تا مطلبى دارم از تو بپرسم. پير زن فورا گفت: من هم مى خواهم رازى را با تو در ميان بگذارم ولى همين وجود رفقايت تاكنون مانع بوده است.

پرسيدم: مى خواهى چه بگويى؟ گفت: به تو دستور مى دهد (پير زن نام كسى را نبرد) با رفقا و شركاء خود دشمنى مكن و دعوا نكن كه آن

ها دشمنان تو می باشند، بلکه با آنان طریق رفق و مدارا پیش گیر! پرسیدم این حرفها را که می گوید؟ گفت: من می گویم. از هیبتی که به دلم راه یافته بود جرات نکردم که مجددا بپرسم این حرف را چه کسی گفته است! ولی پرسیدم: مقصودت کدام رفقای من است؟ زیرا من گمان کردم که مقصود او رفقای حاجی من است که در آن خانه با هم بودیم گفت: مقصود کسانی است که در وطن شریک تو هستند و فعلا در این خانه با تو می باشند اتفاقا در سابق بین من و کسانی که در آن خانه بودند گفتگویی بر سر مذهب در گرفته بود و آن ها در باره من نزد حکومت سخن چینی کردند تا جایی که فراری شده و پنهان گشتم، و از اینجا فهمیدم مقصود پیر زن همان هاست. آن گاه پرسیدم: تو از کجا با امام رضا علیه السلام مربوط هستی؟ گفت: من خادمه امام حسن عسکری علیه السّلام بودم، وقتی یقین کردم پیر زن از دوستان اهل بیت است پیش خود گفتم: احوال امام غائب را از وی می پرسم، لذا گفتم تو را بخدا قسم! آیا با چشم خود امام زمان را دیده ای؟.

گفت: ای برادر، نه! با چشم خود ندیده ام زیرا وقتی من از نزد امام حسن عسکری علیه السّلام بیرون آمدم، خواهرم (مقصود مادر امام زمان است که روی علاقه او را خواهر خوانده است) آبستن بود و امام حسن عسکری علیه السّلام به من مژده داد که در آخر عمر، او را خواهی دید و فرمود: تو برای او چنان هستی که نزد من می باشی.

(یعقوب غسانی) گفت: من مدتی در مصر بودم و علت این که به حج مشرف شدم این بود که امام زمان علیه السّلام نامه و سی دینار مخارج را هم را بوسیله مردی خراسانی که درست عربی نمی دانست برای من فرستاد و امر نموده بود که آن سال را به حج بیت اللّه بروم. من هم به شوق این که حضرتش را ببینم به آن مسافرت مبادرت ورزیدم.

وقتی در آن موقع با پیر زن صحبت می کردم به دلم گذشت که نکند مردی را که شبها می بینم خود امام زمان علیه السلام باشد.

من ده درهم که یک سکه بنام حضرت رضا علیه السّلام نیز در میان آن بود، با خود داشتم و آن را پنهان کرده بودم که نذر کرده بودم که در مقام ابراهیم بیندازم، پیش خود گفتم: آن را به پیر زن می دهم که به سادات ذریه حضرت زهرا علیه السلام بدهد، زیرا بهتر از این است که آن را در مقام ابراهیم بیندازم، ثواب آن هم بیشتر است. بدین جهت آن را به پیر زن دادم و گفتم: این ده درهم را به سادات مستحق بده من فکر می کردم آن مرد ناشناس همان امام زمان است؛ و پیر زن هم این وجه را به او خواهد داد. پیر زن درهم را از من گرفت و به طرف غرفه خود بالا رفت و ساعتی ماند و سپس پائین آمد و گفت: می فرماید: ما، در این حقی نداریم، چون نذر است آن را در همان جا که نذر کرده ای بینداز ولی آن چند درهم را که سکه امام رضا علیه السلام دارد به ما بده و عوض آن را بگیر. و بهمان جا که نیت کرده ای بینداز. من هم چنین کردم و پیش خود گفتم کسی که پیر زن این دستورات را از جانب او به من می دهد، مسلما همان مردی است که شب ها او را می بینم .

یک نسخه از توقیع امام زمان علیه السّلام نزد من بود که از ناحیه مقدسه در آذربایجان برای قاسم بن علا بیرون آمده بود. به پیر زن گفتم: این نسخه را به آدمی که توقیعات قائم آل محمد را دیده باشد نشان بده. گفت: بده به من که آن را می شناسم. نسخه را به وی نشان دادم و گمان می کردم می تواند بخواند.

ولی پیرزن گفت: نمی توانم آن را در اینجا بخوانم، پس به غرفه خود رفت و بعد از اندکی آن را آورد و گفت: عبارات آن صحیح است عبارت نسخه این بود: شما را به چیزی که تاکنون مژده نداده ام مژده می دهم و به غیر آن هم مژده خواهم داد.

آنگاه پیر زن گفت: می‌فرماید: وقتی درود بر پیغمبرت می فرستی، چه می گوئی؟ گفتم: می گویم: اللّهم صلّ علی محمّد و آل محمّد و بارک علی محمّد و آل محمّد کافضل ما صلّیت و بارکت و ترحّمت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید گفت: نه! وقتی خواستی بر آن ها درود بفرستی بر همه آن ها درود بفرست و یک یک را نام ببر. گفتم: بسیار خوب. فردای آن روز نیز پیر زن در حالی که دفتر کوچکی در دست داشت از غرفه به زیر آمد و گفت: می فرماید: وقتی خواستی درود بر پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله بفرستی این طور که در این نسخه

نوشته است بر آن حضرت و جانشینانش درود بفرست. من دفترچه را گرفتم و از روی آن می خواندم. بعد از آن هم چندین شب، همان مرد را می دیدم که از غرفه پائین آمد و نور چراغ پشت سر او باقی است. من در خانه را باز کرده و از پی آن روشنی می رفتم ولی در آن روشنائی کسی را نمی دیدم تا آن که به مسجد الحرام رفت.

جماعتی از مردم را که از شهرهای متفرقه آمده بودند می‌دیدم که به در آن خانه می آمدند و بعضی نامه هائی که با خود داشتند به پیر زن می‌دادند و پیرزن هم نامه را برمی گردانید و به آن ها می داد. آن ها با پیر زن صحبت می کردند و پیرزن هم با آن ها گفتگو می نمود. من آن ها را نمی شناختم، ولی بعضی از آن ها را موقع برگشتن در راه بغداد دیدم. صورت صلواتی که در دفترچه مزبور بود اینست:

بسم الله الرحمن الرحیم. پروردگارا، درود فرست بر محمد سرور فرستادگان و خاتم پیامبران و حجت پروردگار جهانیان، همو که در میثاق نجیب خوانده شده و برگزیده شده است. از هر آفت و عیبی به دور است. برای نجات بندگان مایه امید است و شفاعت او آرزوی بندگان است. دین خداوند به او سپرده شده است. خداوندا، بنیان او را گرامی بدار و برهان او را همچنان بزرگ و حجت او را روشنی بخش. و مقام او را بالا ببر و نورش را پر فروغ تر گردان و او را رو سفید نما. و به او فضل و برتری و درجه والا در بهشت عطا نما و او را در جایگاه پسندیده مبعوث گردان تا هم پشینیان و هم مردم آخرالزمان به حال او غبطه بخورند.

و صلّ علی أمیر المؤمنین و وارث المرسلین و قائد الغرّ المحجّلین، و سیّد الوصیّین و حجّه ربّ العالمین و صلّ علی الحسن بن علیّ، امام المؤمنین و وارث المرسلین و حجّه ربّ العالمین و صلّ علی الحسین بن علی امام المؤمنین و وارث المرسلین و حجّه ربّ العالمین و صلّ علی علیّ بن الحسین امام المؤمنین و وارث المرسلین، و حجّه ربّ العالمین و صلّ علی محمّد بن علیّ امام المؤمنین، و وارث المرسلین و حجّه ربّ العالمین و صلّ علی جعفر بن محمّد امام المؤمنین، و وارث المرسلین و حجّه ربّ العالمین، و صلّ علی موسی بن جعفر،

امام المؤمنین و وارث المرسلین و حجّه ربّ العالمین. و صلّ علی علیّ بن موسی امام المؤمنین و وارث المرسلین و حجّه ربّ العالمین.

و صلّ علی محمّد بن علیّ امام المؤمنین و وارث المرسلین، و حجّه ربّ العالمین و صلّ علی علیّ بن محمّد امام المؤمنین و وارث المرسلین و حجّه ربّ العالمین و صلّ علی الحسن بن علیّ امام المؤمنین، و وارث المرسلین و حجّه ربّ العالمین. و صلّ علی الخلف الصّالح الهادی المهدیّ امام المؤمنین و وارث المرسلین و حجّه ربّ العالمین.

خداوندا بر محمد و آل بیت او که امامان هدایت شده و هدایتگر و عالمان صادق و نیکو و پرهیزگار و نیز ستون های دین و ارکان توحید و مفسران کتاب تو و حجت های تو بر بندگانت هستند و نیز جانشینان تو در روی زمین هستند، درود فرست. همان ها که آنان را برای خودت برگزیده‌ای و آنان را از میان بندگانت گزینش نموده ای و آنان را برای برپایی دینت انتخاب نموده و معرفت خود را به آنان عطا نموده ای. و با بزرگواری‌ات به آنان شکوه و عظمت داده و رحمت خود را بر آنان گسترانده ای. و با نعمت خود آنان را پرورده و با حکمت خود آنان را رشد و نما داده ای و نور خود را بر تن آنان نموده ای و آنان را تا ملکوت خود بالا برده ای و با فرشتگانت اطراف آنان را احاطه نموده و بوسیله پیامبرت آنان را شریف و بزرگوار قرار داده ای

خداوندا، بر محمد و خاندان او چنان درود بفرست که کسی جز علم تو توان شمارش آن را نداشته و کسی جز خودت نتواند آن درود ها را به شمارش آورد. خداوندا، بر ولی خودت که سنت تو را زنده می‌گرداند و به امر تو قیام می‌کند و به سوی تو مردم را فرا خوانده و هدایت می‌کند و حجت تو بر بندگانت و خلیفه تو بر روی زمین است و شاهد تو بر بندگانت هست، درود بفرست.

خداوندا، یاری او را همراه با پیروزی و اقتدار گردان، عمرش را دراز فرما و زمین را به دراز زیستنش زینت بخش.

خداوندا، از زیاده طلبی حسودان کفایتش کن، از شر کافران پناهش ده، اراده ستمگران را از او بران و از دست گردنکشان رهاییش ده.

خداوندا،

بـا خود او و ذریه اش و شـیعیانش و اطرافیـانش و نیز بـا دشـمنان او و با همه اهل دنیا چنان رفتار کن که مایه چشم روشـنی او باشـد. او را شاد گرداند. و او را به بهترین آرزویش در دنیا و آخرت برسان، چرا که تو بر هر چیزی توانایی.

خداوندا، به وسیله او، آن قسـمت از احکامت که به فراموشـی سپرده شده را احیا گردان. و آن قسمت از احکام کتابت را که دگرگون گشته، بوسـیله او زنـده گردان. احکام تو که دچار تغییر شـده، بوسیله او بار دیگر آشـکار گردان. تا این که دین تو بوسـیله او بار دیگر تازه و دست نخورده که هیچ شک و شبهه ای در آن راه ندارد و هیچ بدعت و باطلی در آن نیست، برای مردم باز گردد.

خداوندا، با نور او تمام تاریکی ها را روشن گردان. و بوسـیله او تمام بدعت ها را از بین ببر و با عزتی که به او دادی، تمام گمراهی ها را نابود گردان و بوسـیله او تمام مسـتکبرین و را درهم بشـکن و تمام آتش های فتنه را بوسـیله شمشـیر او خاموش گردان و بوسیله عدالت او تمام ستم کاران را نابود کن و حکومت او را بر تمام حاکمان دیگر مسلط گردان و با قدرتی که به او داده ای، تمام قدرت ها را خوار گردان. خداوندا، دشـمنان او را خوار و هلاـک گردان و هر کس که نسبت به او بـدی کنـد، مکرش را به خودش باز گردان. خداونـدا، هر کسـی که حق او را نادیده گرفته و امر او را کوچک بشمارد، و برای خاموشی نور او و فراموشی یاد او تلاش کند، از بین ببر.

اللّهم صلّ علی محمّد المصطفی و علیّ المرتضی و فاطمه الزّهراء و الحسن الرّضی و الحسین المصفا، و جمیع الأوصیاء؛ مصابیح الدّجی و اعلام الهدی و منار التّقی و العروه الوثقی و الحبل المتین و الصّراط المستقیم و صلّ علی ولیّک و ولاه عهده و الائمّه من ولده و مدّ فی أعمارهم و زد فی آجالهم و بلّغهم أقصی آمالهم دینا و دنیا و آخره انّک علی کلّ شی ء قدیر - . جمال الاسبوع: ۴۹۴ - ۵۰۴ - .

عتیق غروی: حسن بن محمـد بن عـامر اشـعری قمی در کاشـان در سـال ۲۸۸ زمـانی که از اصـفهان بـاز می گشت، گفت: یعقوب بن یوسـف صواف اصـفهانی، به او گفته است: در سال ۲۸۱ با عـده از اهل سـنت به حج مشـرف شدم و بعد بقیه حدیثی را که در بالا ذکر کردیم تا آخر بیان می کند.

**[ترجمه]

«۳»

نهج، [نهج البلاغه]: مِنْ خُطْبَهٍ لَهُ علیه السلام عَلَّمَ فِیهَا الصَّلَاهَ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله اللَّهُمَّ دَاحِیَ الْمَدْحُوَّاتِ وَ دَاعِمَ الْمَسْمُوکَاتِ وَ جَابِلَ الْقُلُوبِ عَلَی فِطْرَتِهَا شَقِیِّهَا وَ سَعِیدِهَا اجْعَلْ شَرَائِفَ صَلَوَاتِکَ وَ نَوَامِیَ بَرَکَاتِکَ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحِ لِمَا انْغَلَقَ وَ الْمُعْلِنِ الْحَقِّ بِالْحَقِّ وَ الدَّافِعِ جَیْشَاتِ الْأَبَاطِیلِ وَ الدَّامِغِ

ص: ۸۳

۱- ۱. جمال الأسبوع: ۴۹۴- ۵۰۴ و تراه فی غیبه الشـیخ الطوسیّ ص ۱۷۷، و قـد أخرجه المؤلّف العلامه فی ج ۵۲ ص ۱۷- ۲۲، و ذکر أن فی کتاب دلائل الإمامه للطبری مثله.

صَوْلَاتِ الْأَضَالِيلِ كَمَا حُمِّلَ فَاضْطَلَعَ قَائِماً بِأَمْرِكَ مُسْتَوْفِزاً فِی مَرْضَاتِکَ غَیْرَ نَاكِلٍ عَنْ قُدُمٍ وَ لَا وَاهٍ فِی عَزْمٍ وَاعِیاً لِوَحْیِکَ حَافِظاً عَلَی عَهْدِکَ مَاضِیاً عَلَی نَفَاذِ أَمْرِکَ حَتَّی أَوْرَی قَبَسَ الْقَابِسِ وَ أَضَاءَ الطَّرِیقَ لِلْخَابِطِ وَ هُدِیَتْ بِهِ الْقُلُوبُ بَعْدَ خَوْضَاتِ الْفِتَنِ وَ الْآثَامِ وَ أَقَامَ مُوضِحَاتِ الْأَعْلَامِ وَ نَیِّرَاتِ الْأَحْكَامِ فَهُوَ أَمِینُکَ الْمَأْمُونُ وَ خَازِنُ عِلْمِکَ الْمَخْزُونِ وَ شَهِیدُکَ یَوْمَ الدِّینِ وَ بَعِیثُکَ بِالْحَقِّ وَ رَسُولُکَ إِلَی الْخَلْقِ اللَّهُمَّ افْسَحْ لَهُ مَفْسَحاً فِی ظِلِّکَ وَ اجْزِهِ مُضَاعَفَاتِ الْخَیْرِ مِنْ فَضْلِکَ اللَّهُمَّ أَعْلِ عَلَی بِنَاءِ الْبَانِینَ بِنَاءَهُ وَ أَكْرِمْ لَدَیْکَ مَنْزِلَتَهُ وَ أَتْمِمْ لَهُ نُورَهُ وَ اجْزِهِ مِنِ ابْتِعَاثِکَ لَهُ مَقْبُولَ الشَّهَادَهِ مَرْضِیَّ الْمَقَالَهِ ذَا مَنْطِقٍ عَدْلٍ وَ خُطَّهٍ فَصْلٍ اللَّهُمَّ اجْمَعْ بَیْنَنَا وَ بَیْنَهُ فِی بَرْدِ الْعَیْشِ وَ قَرَارِ النِّعْمَهِ وَ مُنَی الشَّهَوَاتِ وَ أَهْوَاءِ اللَّذَّاتِ وَ رَخَاءِ الدَّعَهِ وَ مُنْتَهَی الطُّمَأْنِینَهِ وَ تُحَفِ الْكَرَامَهِ(۱).

**[ترجمه]نهج البلاغه: خطبه ای از امام علی علیه السلام که در آن مردم را آموخت که چگونه بر پیامبر درود فرستند:

بار خدایا! ای گستراننده هر گسترده، و ای برافرازنده آسمان های بالا برده، ای آفریننده دلها بر وفق سرشت، بدبخت بود و یا نیکو سرنوشت! بهترین درودها و پربارترین برکت ها را خاصّ بنده و پیامبر خود گردان، که خاتم پیامبران پیشین است، و گشاینده درهای بسته- رحمت بر مردم زمین-. آشکار کننده حقّ با برهان، فرونشاننده طغیان و درهم کوبنده شوکت گمراهان. چنان که او بار رسالت را نیرومندانه برداشت- و حقّ آن را چنان که باید گذاشت-.

در انجام فرمانت برپا، و در طلب خشنودی ات پویا، نه از اقدامی روگردان و نه در عزمی سست و ناتوان. وحی تو را به گوش جان شنوا و عهد تو را نگهبان، و در راه اجرای فرمان تو روان. چندان که چراغ جویندگان حقّ را فروغ بخشید، و بر سر راه گمراهان چون خورشیدی بدرخشید، و دل های فرو رفته در موج های شبهات، به راهنمایی او رخت به کنار کشید. نشانه های روشن را بر پا داشت و احکام نورانیت را برای مردم آشکار ساخت.

او تو را امانتداری است درستکار، و گنجینه علم تو را پاسدار. گواه توست در روز قیامت، و برانگیخته تو به رسالت، و فرستاده تو بر آفریدگان و امّت.

خدایا! سایه- عنایت- خود را بر او بگستران، و به فضل خویش پاداش او را فراوان گردان. بنیاد- شریعتی را- که او بنا نهاد، از دیگر بناها بالاتر قرار بده و جایگاه او را نزد خویش گرامی تر و نور- شریعت- او را- در سراسر گیتی بگستر-، و پاداش پیامبری او را گفتار او را پسندیده قرار ده، و شهادت پذیرفته.

چنان که گفته او- میزان عدل باشد و فرموده او قول فصل.

بار خدایا! ما و او را فراهم آور در زندگانی خوشگوار، و نعمت پایدار و آرزوهای دلنشین، و لذت های با خواهش دل قرین، و زندگانی فراخ و پر نعمت، و اطمینان خاطر و برخورداری از تحفه های کرامت - . نهج البلاغه، خطبه ۷۰ - .

**[ترجمه]

«۴»

كِتَابُ الْغَارَاتِ، لِإِبْرَاهِیمَ الثَّقَفِیِّ رَفَعَهُ عَنْ أَبِی سَلَّامٍ الْكِنْدِیِّ قَالَ: كَانَ عَلِیٌّ علیه السلام یُعَلِّمُنَا الصَّلَاهَ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله یَقُولُ قُولُوا:

۱- ۱. نهج البلاغه الرقم: ۷۰ من قسم الخطب.

اللَّهُمَّ دَاحِيَ الْمَدْحُوَّاتِ وَ بَارِئَ الْمَسْمُوكَاتِ إِلَى قَوْلِهِ وَ نَوَامِيَ بَرَكَاتِكَ وَ رَأْفَةَ تَحَنُّنِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ إِلَى قَوْلِهِ وَ الدَّافِعِ جَيْشَاتِ الْأَبَاطِيلِ كَمَا حُمِّلَ إِلَى قَوْلِهِ حَافِظاً لِعَهْدِكَ إِلَى قَوْلِهِ وَ أَنَارَ مُوضِحَاتِ الْأَعْلَامِ إِلَى قَوْلِهِ بِنَاءَهُ وَ أَكْرِمْ مَثْوَاهُ لَدَيْكَ وَ نُزُلَهُ وَ أَتِمَّ لَهُ نُورَهُ وَ أَجْزِهِ وَ أُجْرَتُهُ مِنِ انْبِعَاثِكَ لَهُ إِلَى قَوْلِهِ وَ حَظِّ فَصْلٍ وَ حُجَّةٍ وَ بُرْهَانٍ عَظِيمٍ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

وَ قَالَ عليه السلام فِي ذِكْرِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله حَتَّى أَوْرَى قَبَساً لِقَابِسٍ وَ أَنَارَ عَلَماً لِحَابِسٍ فَهُوَ أَمِينُكَ الْمَأْمُونُ وَ شَهِيدُكَ يَوْمَ الدِّينِ وَ بَعِيثُكَ نِعْمَةً وَ رَسُولُكَ بِالْحَقِّ وَ رَحْمَةً اللَّهُمَّ اقْسِمْ لَهُ مَقْسَماً مِنْ عَدْلِكَ وَ اجْزِهِ مُضَاعَفَاتِ الْخَيْرِ مِنْ فَضْلِكَ اللَّهُمَّ أَعْلِ عَلَى بِنَاءِ الْبَانِينَ بِنَاءَهُ وَ أَكْرِمْ لَدَيْكَ نُزُلَهُ وَ شَرِّفْ عِنْدَكَ مَنْزِلَهُ وَ آتِهِ الْوَسِيلَةَ وَ أَعْطِهِ السَّنَاءَ وَ الْفَضِيلَةَ وَ احْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ غَيْرَ خَزَايَا وَ لَا نَادِمِينَ وَ لَا نَاكِبِينَ وَ لَا نَاكِثِينَ وَ لَا ضَالِّينَ وَ لَا مَفْتُونِينَ.

**[ترجمه]کتاب غارات: ابو سلام کندی گوید: امام علی علیه السلام نحوه صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به ما می آموخت و می فرمود: بگویید:

بار خدایا! ای گستراننده هر گسترده، و ای برافرازنده آسمان های بر افراشته شده، و بقیه عبارت ها همانند عبارت هایی است که در روایت پیشین است تا آن جا که فرمود: و برکت های پر بارت. و رأفت دلسوزی ات بر محمد بنده ات و فرستاده و پیامبرت – باز هم عبارت ها، همانند عبارت های روایت پیشین است تا آن جا که فرمود: و نشانه های آشکارت را روشن ساخت. باز هم عبارت ها، همانند عبارت های روایت پیشین است تا آن جا که فرمود: بنایی را که او بنیان نهاد، بالاتر قرار بده و او را در جایگاهی نزدیک به خودت، جای داده و گرامی اش دار. و نورش را کامل گردان و مزد رسالتش را هم بطور کامل به او عطا کن. باز هم عبارت ها، همانند عبارت های روایت پیشین است اما دعا با این عبارت پایان می یابد: و مزد او را برخورداری از قول فصل، و حجت و برهان عظیم قرار بده. آمین یا رب العالمین .

امام علی علیه السلام در توصیف پیامبر چنین فرمود: تا آن که شعله ای افروخت که جوینده،

بدان چراغ دانش بیفروزد، و نشان راه را بر پا کرد تا گمراه، دیده بدان دوزد. پس او امین توست و مورد اعتماد، و گواه تو بر امّت در روز معاد، و انگیخته تو و موجب نعمت، و فرستاده بر حقّ تو، و آیت رحمت. خدایا! بهره او ساز نصیبی از عدل خود، و پاداش نیک و فراوان از فضل خود. خدایا! بنای دین او را از آن چه دیگران بر آورده اند، عالی تر ساز، و خوان اکرام او را نزد خود هر چه گرامی تر ساز، و رتبت او را نزد خود بیفزا، و قرب وسیلت، و بلندی قدر و فضیلتش عطا فرما. و ما را با او محشور کن چنان که نه زیانکار باشیم و نه پشیمان، نه دور از راه حق، و نه شکننده پیمان، نه گمراه نه گمراه کننده دیگران، و نه فریفته هوای نفس و شیطان.

**[ترجمه]

«۵»

جُنَّةُ الْأَمَانِ، عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَسُرَّ مُحَمَّداً وَ آلَهُ فِي الصَّلَاةِ عَلَيْهِمْ فَلْيَقُلِ اللَّهُمَّ يَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَى وَ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فِي الْأَوَّلِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فِي الْآخِرِينَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فِي الْمَلَإِ الْأَعْلَى وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ فِي الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّداً وَ آلَهُ الْوَسِيلَةَ وَ الْفَضِيلَةَ وَ الشَّرَفَ وَ الرِّفْعَةَ وَ الدَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ اللَّهُمَّ إِنِّي آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وَ لَمْ أَرَهُ فَلَا تَحْرِمْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ رُؤْيَتَهُ وَ ارْزُقْنِي صُحْبَتَهُ وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَ اسْقِنِي مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَباً رَوِيّاً سَائِغاً هَنِيئاً لَا أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَداً إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وَ لَمْ أَرَهُ فَعَرِّفْنِي فِي الْجِنَانِ وَجْهَهُ اللَّهُمَّ بَلِّغْ مُحَمَّداً صلى الله عليه و آله مِنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَ سَلَاماً.

**[ترجمه]جنه الامان: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس بخواهد، با صلوات فرستادن، محمد و آل او را خشنود سازد باید بگوید:

پروردگـارا، ای بخشـنده ترین عطا بخش، و ای بهترین کسـی که از او درخواست می شود، و ای مهربان ترین کسـی که مهربانی اش امیـد می رود، خداونـدا در میـان اولیـن و آخرین بنـدگانت، بر محمـد و آل او درود فرست و در جهانیـان بر او و آلش درود فرست و در عـالم بالاے بر محمـد و آل او درود بفرست. و در میان پیامبران به او درود بفرست. خداونـدا، به محمـد، وسـیله و شـرف و فضـیلت و درجات عالی عطا کن. خداونـدا، من بدون این که توفیق دیدار محمد را داشـته باشم، به او ایمان آوردم پس در روز قیامت مرا از دیدار او محروم نگردان. همجواری با آن حضـرت را نصیب من قرار بده. و مرا بر طریقت و آیین او از دنیا ببر. و از حوض او جرعه ای گوارا به من ده و مرا سیراب گردان که بعد از آن هرگز تشـنه نگردم. خداونـدا، همان طور که من محمـد را ندیـده و به او ایمان آوردم، در بهشت دیـدار رویش را نصـیبم کن. خداوندا، درود و سلام بسیار از جانب من به روح محمد برسان.

**[ترجمه]

«۶»

الـدُّرُّ الْمَنْثُورُ لِلسَّیُوطِیِّ، عَنْ طَلْحَهَ بْنِ عُبَیْدِ اللَّهِ قَالَ: قُلْتُ یَا رَسُولَ اللَّهِ کَیْفَ الصَّلَاهُ عَلَیْکَ قَالَ قُلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَـلَّیْتَ عَلَی إِبْرَاهِیمَ وَ آلِ إِبْرَاهِیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ.

وَ عَنْ طَلْحَهَ قَالَ: أَتَی رَجُلٌ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ سَمِعْتُ اللَّهَ یَقُولُ:

ص: ۸۵

إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِی فَکَیْفَ الصَّلَاهُ عَلَیْکَ فَقَالَ قُلِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی إِبْرَاهِیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ وَ بَارِکْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا بَارَکْتَ عَلَی إِبْرَاهِیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ(۱).

وَ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْخُدْرِیِّ قَالَ: قُلْنَا یَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا السَّلَامُ عَلَیْکَ قَدْ عَلِمْنَاهُ فَکَیْفَ الصَّلَاهُ عَلَیْکَ قَالَ قُولُوا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی آلِ إِبْرَاهِیمَ وَ بَارِکْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا بَارَکْتَ عَلَی آلِ إِبْرَاهِیمَ.

وَ عَنْ أَبِی هُرَیْرَهَ: أَنَّهُمْ سَأَلُوا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله کَیْفَ نُصَلِّی عَلَیْکَ قَالَ قُولُوا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ وَ بَارَکْتَ عَلَی إِبْرَاهِیمَ وَ آلِ إِبْرَاهِیمَ فِی الْعَالَمِینَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ وَ السَّلَامُ کَمَا قَدْ عَلِمْتُمْ.

وَ عَنْ أَبِی مَسْعُودٍ الْأَنْصَارِیِّ: أَنَّ بَشِیرَ بْنَ سَعْدٍ قَالَ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَرَنَا اللَّهُ أَنْ نُصَلِّیَ عَلَیْکَ فَکَیْفَ نُصَلِّی عَلَیْکَ فَسَکَتَ حَتَّی تَمَنَّیْنَا أَنَا لَمْ نَسْأَلْهُ ثُمَّ قَالَ قُولُوا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی إِبْرَاهِیمَ وَ بَارِکْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا بَارَکْتَ عَلَی إِبْرَاهِیمَ فِی الْعَالَمِینَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ وَ السَّلَامُ کَمَا قَدْ عَلِمْتُمْ.

وَ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام: قَالَ قُلْتُ یَا رَسُولَ اللَّهِ کَیْفَ نُصَلِّی عَلَیْکَ قَالَ قُولُوا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلَی إِبْرَاهِیمَ وَ آلِ إِبْرَاهِیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ.

وَ عَنْ أَبِی هُرَیْرَهَ قَالَ: قُلْنَا یَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَلِمْنَا کَیْفَ السَّلَامُ عَلَیْکَ فَکَیْفَ نُصَلِّی عَلَیْکَ قَالَ قُولُوا اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِکَ وَ بَرَکَاتِکَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا جَعَلْتَهَا عَلَی آلِ إِبْرَاهِیمَ إِنَّکَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ.

وَ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ: أَنَّ رَجُلًا قَالَ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَّا السَّلَامُ عَلَیْکَ فَقَدْ عَرَفْنَاهُ فَکَیْفَ نُصَلِّی عَلَیْکَ إِذَا نَحْنُ صَلَّیْنَا عَلَیْکَ فِی صَلَاتِنَا فَصَمَتَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله ثُمَّ قَالَ:

۱- ۱. الدّر المنثور ج ۵ ص ۲۱۶.

إِذَا أَنْتُمْ صَلَّيْتُمْ عَلَيَّ فَقُولُوا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

وَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله: مَنْ قَالَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ وَ تَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ شَهِدْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ بِالشَّهَادَهِ وَ شَفَعْتُ لَهُ.

وَ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله: رَقِيَ الْمِنْبَرَ فَلَمَّا رَقِيَ الدَّرَجَهَ الْأُولَى قَالَ آمِينَ ثُمَّ رَقِيَ الثَّانِيَهَ فَقَالَ آمِينَ ثُمَّ رَقِيَ الثَّالِثَهَ فَقَالَ آمِينَ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ سَمِعْنَاكَ تَقُولُ آمِينَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قَالَ لَمَّا رَقِيتُ الدَّرَجَهَ الْأُولَى جَاءَنِي جَبْرَئِيلُ فَقَالَ شَقِيَ عَبْدٌ أَدْرَكَ رَمَضَانَ فَانْسَلَخَ مِنْهُ وَ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَقُلْتُ آمِينَ ثُمَّ قَالَ شَقِيَ عَبْدٌ أَدْرَكَ وَالِدَيْهِ أَوْ أَحَدَهُمَا فَلَمْ يُدْخِلَاهُ الْجَنَّهَ فَقُلْتُ آمِينَ ثُمَّ قَالَ شَقِيَ عَبْدٌ ذُكِرْتُ عِنْدَهُ وَ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكَ فَقُلْتُ آمِينَ (۱).

وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليهما السلام قَالَ: قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَ رَأَيْتَ قَوْلَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِي قَالَ إِنَّ هَذَا لَمِنَ الْمَكْتُومِ وَ لَوْ لَا أَنَّكُمْ سَأَلْتُمُونِي عَنْهُ مَا أَخْبَرْتُكُمْ إِنَّ اللَّهَ وَكَّلَ بِي مَلَكَيْنِ لَا أُذْكَرُ عِنْدَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ فَيُصَلِّي عَلَيَّ إِلَّا قَالَ ذَانِكَ الْمَلَكَانِ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ وَ قَالَ اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ جَوَاباً لِذَيْنِكَ الْمَلَكَيْنِ آمِينَ (۲).

وَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: أَكْثِرُوا الصَّلَاهَ عَلَيَّ يَوْمَ الْجُمُعَهِ فَإِنَّهَا مَعْرُوضَهٌ عَلَيَّ.

وَ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: إِذَا صَلَّيْتُمْ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَأَحْسِنُوا الصَّلَاهَ عَلَيْهِ

۱- ۱. الدّر المنثور ج ۵ ص ۲۱۷.

۲- ۲. الدّر المنثور ج ۵ ص ۲۱۸، و بعده: و لا أذكر عند عبد مسلم فلا يصلى على الا قال ذانك الملكان: لا غفر اللّه لك، و قال اللّه و ملائكته لذينك الملكين: آمين.

فَإِنَّكُمْ لَا تَدْرُونَ لَعَلَّ ذَلِكَ يَعْرِضُ عَلَيْهِ قَالُوا فَعَلِّمْنَا قَالَ قُولُوا اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتَكَ وَ بَرَكَاتِكَ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ إِمَامِ الْخَيْرِ وَ قَائِدِ الْخَيْرِ وَ رَسُولِ الرَّحْمَهِ اللَّهُمَّ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ(۱).

وَ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ عَرَفْنَا كَيْفَ السَّلَامُ عَلَيْكَ فَكَيْفَ نُصَلِّي عَلَيْكَ قَالَ قُولُوا اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتَكَ وَ بَرَكَاتِكَ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ إِمَامِ الْخَيْرِ وَ رَسُولِ الرَّحْمَهِ اللَّهُمَّ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَبْلِغْهُ دَرَجَهَ الْوَسِيلَهِ مِنَ الْجَنَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي الْمُصْطَفَيْنَ مَحَبَّتَهُ وَ فِي الْمُقَرَّبِينَ مَوَدَّتَهُ وَ فِي عِلِّيِّينَ ذِكْرَهُ وَ دَارَهُ وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ(۲).

۱- ۱. الدّر المنثور ج ۵ ص ۲۱۹.

۲- ۲. المصدر نفسه، و ما تكرر فى الحديثين لا يوجد فيه.

**[ترجمه]الدرر المنثور سیوطی: طلحه بن عبید الله گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم عرض کردم: چگونه بر شما درود و صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگویید: اللهم صل علی محمد و آل محمد و کما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید.

طلحه گوید: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمده و عرض کرد: شنیده ام که خداوند فرموده است: همانا خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند. نحوه درود فرستادن بر تو چگونه است؟ حضرت فرمود: بگو: اللهم صل علی محمد و آل محمد کما صلیت علی ابراهیم إنک حمید مجید. و بارک علی محمد و آل محمد کما بارکت علی ابراهیم و إنک حمید مجید.

ابو سعید خدری گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردیم: سلام کردن به شما را آموختیم، اکنون بفرما که صلوات فرستادن بر شما چگونه است؟ حضرت فرمود: بگویید: اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک کما صلیت علی ابراهیم و بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی آل ابراهیم.

ابوهریره گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسیدند: چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگویید: خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم در میان جهانیان درود فرستاده و به آن ها برکت دادی. همانا تو ستوده شده و توانگری. و نحوه سلام کردن را هم می دانید.

بشیر بن سعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: یا رسول الله، خداوند به ما دستور داده که بر شما درود بفرستیم، اکنون بفرما که ما چگونه بر شما درود بفرستیم؟ راوی گوید: حضرت مدتی ساکت ماند بگونه ای که ما آرزو کردیم ای کاش این سؤال را نپرسیده بودیم. آن گاه حضرت فرمود: بگویید: خداوندا، بر محمد و آل محمد درود بفرست همان گونه که بر ابراهیم درود فرستادی. و بر محمد و آل محمد برکت عطا کن، همان گونه که در میان جهانیان، به ابراهیم برکت عطا نمودی. همانا که تو ستوده شده و والایی. و نحوه سلام کردن را هم که دانستید.

امام علی علیه السلام فرمود: از رسول خدا پرسیدم: ای رسول خدا، چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ حضرت فرمود: بگویید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيد .

ابوهریره گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردیم: ای رسول خدا، ما آموختیم که چگونه به شما سلام کنیم اکنون بفرمایید که چگونه بر شما صلوات بفرستیم؟ حضرت فرمود: بگویید: خداوندا، درودها و برکت های خود را بر آل محمد نثار کن همان گونه که برآل ابراهیم نثار نمودی. همانا تو مورد ستایش و والایی.

ابن مسعود گوید: مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: ای رسول خدا، ما دانستیم که چگونه به تو سلام کنیم. اکنون بفرما که هرگاه در نمازمان بر شما صلوات فرستادیم چگونه صلوات بفرستیم؟ حضرت اندکی ساکت ماند و بعد فرمود: هرگاه خواستید بر من صلوات بفرستید، بگویید: خداوندا، همان طور که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، بر محمد پیامبر امی ات و بر آل او نیز دورد بفرست. و همان طور که نعمت هایت را بر ابراهیم و آل ابراهیم مدام قرار دادی، بر محمد که پیامبر امی توست و بر آل محمد نیز مدام قرار بده که تو ستوده شده و والایی.

ابوهریره گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هرکس بگوید: «پروردگارا، بر محمد و آل محمد درود فرست، همچنان که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی و نعمت هایت را بر محمد وآل محمد مدام قرار بده؛ همان طور که بر ابراهیم و آل ابراهیم نعمت هایت را مدام قرار دادی. و بر محمد و آل محمد ترحم نما همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم ترحم نمودی» هر کس این گونه دعا کند، من در روز قیامت برایش گواهی می دهم و شفاعت می کنم.

جابر بن عبدالله گوید: پیامبر صلی الله وقتی بر فراز منبر شد، چون بر پله اول قرار گرفت آمین گفت و در پله دوم هم آمین گفت و در پله سوم هم آمین گفت. اصحاب گفتند: ای رسول خدا، سه مرتبه صدای آمین از شما شنیدیم. فرمود: چون بر پله اول قرار گرفتم، جبرئیل آمد و گفت: نگون بخت باد آن بنده ای که ماه رمضان را درک کند و قبل از این که گناهانش آمرزیده شود، ماه رمضان سپری شود. و من هم آمین گفتم. باز جبرئیل گفت: نگون بخت باد آن بنده ای که پدر و مادر و یا یکی از این دو را درک کند، و پدر و مادرش او را بهشتی نسازند. و من هم آمین گفتم. باز گفت: تیره بخت باد آن بنده ای که در نزدش نامی از تو برده شود و او بر تو صلوات نفرستد. و من هم آمین گفتم - . الدرر المنثور ۵ : ۲۱۷ - .

امام سجاد علیه السلام فرمود: به رسول خدا، عرض کردند: درباره این آیه توضیح دهید که فرمود: «خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستد»، حضرت فرمود: این مطلب از جمله علم غیب است. و اگر شما در این باره چیزی نمی پرسیدید، من هم چیزی به شما نمی گفتم. همانا خداوند دو فرشته بر من گمارده است که هرگاه نامی از من نزد انسان مسلمانی برده شود و او بر من صلوات بفرستد، این دو فرشته در جواب او می گویند: خداوند تو را بیامرزت. و خداوند و فرشتگانش در جواب این دو فرشته آمین می گویند - . الدرر المنثور ۵ : ۲۱۸ و ادامه حدیث چنین است: و هر انسان مسلمانی که نامی از من در نزد او برده شود و او بر من صلوات نفرستد، آن دو فرشته به او می گویند: خدایت نیامرزد. و خداوند و فرشتگانش هم در جواب آن دو فرشته آمین می گویند. - .

ابوهریره گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در روز جمعه زیاد بر من صلوات بفرستید، چرا که صلوات های شما در روز جمعه بر من عرضه می گردد.

ابن مسعود گوید: هرگاه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم صلوات فرستادید، صلوات کامل بفرستید چرا که شما چه می دانید شاید که صلوات شما بر خود آن حضرت عرضه شود. گفتند: به ما بیاموز که چگونه صلوات بفرستیم؟ گفت: بگویید: خداوندا، صلوات ها و رحمت و برکت های خود را بر سید و سرور فرستادگان و پیشوای پرهیزگاران و خاتم پیامبران محمد بفرست؛ همو که بنده و رسول تو پیشوای و رهبر خیر و پیامبر رحمت توست. خداوندا، او را به مقامی در خور ستایش برانگیز که همه گذشتگان و آیندگان به حال او غبطه بخورند. خداوندا، همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، بر محمد و آل محمد هم درود بفرست. که تو ستوده و والایی - . الدرر المنثور ۵، ۲۱۹: - .

ابن مسعود گوید: به رسول خدا عرض کردیم: ای رسول خدا، ما دانستیم که چگونه به تو سلام کنیم. اینک به ما بیاموز که چگونه بر تو درود و صلوات بفرستیم؟ حضرت فرمود: بگویید: خداوندا، درودها و رحمت و برکت های خود را بر سید و سرور فرستادگان و پیشوای پرهیزگاران و خاتم پیامبران محمد بفرست؛ همو که بنده و رسول تو پیشوا و رهبر خیر و پیامبر رحمت توست. خداوندا، او را به مقامی در خور ستایش (مقام محمود) برانگیز که همه گذشتگان و آیندگان به حال او غبطه بخورند. و بر محمد درود فرست جایگاه او را در والاترین مرتبه بهشت (درجه وسیله) قرار ده و خداوندا، محبت او را در دل بندگان برگزیده شده ات قراربده. و مودت او را در دل های بندگان مقربت جای ده. و یاد و منزلگاه او را در علیین قرار بده. و سلام و رحمت و برکت های خداوند بر تو باد. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود بفرست همان گونه که بر ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی. همانا که تو ستوده شده و بزرگوار هستی و برکت ده بر محمد و آل محمد - . الدرر المنثور ۵: ۲۱۹ - .

**[ترجمه]

باب ۳۱ جواز أن یدعی بکل دعاء و الرخصه فی تألیفه

الأخبار

«۱»

وَجَدْتُ بِخَطِّ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجُبَعِيِّ نَقْلًا مِنْ خَطِّ الشَّهِيدِ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُمَا عَنْ عَلِيٍّ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّ الدُّعَاءَ يَرُدُّ الْبَلَاءَ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِبْرَاماً قَالَ الْوَشَّاءُ فَقُلْتُ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ هَلْ فِي ذَلِكَ دُعَاءٌ مُوَقَّتٌ فَقَالَ أَمَا إِنِّي سَأَلْتُ الصَّادِقَ علیه السلام فَقَالَ نَعَمْ أَمَّا دُعَاءُ الشِّيعَةِ الْمُسْتَضْعَفِينَ فَفِي كُلِّ عِلَّةٍ مِنَ الْعِلَلِ دُعَاءٌ مُوَقَّتٌ وَ أَمَّا الْمُسْتَبْصِرُونَ الْبَالِغُونَ فَدُعَاؤُهُمْ لَا يُحْجَبُ (۱).

**[ترجمه]علی علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: همانا دعا بلایی را که قطعی شده باشد برطرف می کند. وشاء می گوید: به عبدالله بن سنان گفتم: آیا دعای محدودی وجود دارد؟ گفت: من از امام صادق علیه السلام پرسیدم، ایشان فرمودند: بله، دعای شیعیان مستضعف در هر مشکلی دعای موقت است، اما دعای شیعیان مستبصر (هدایت یافتگان) که به بلوغ عقلی و رشد فکری رسیده اند پوشیده نمی ماند - . این حدیث در جلد ۹۳ ، ص ۳۶۵ به نقل از طب الائمه نیز آمده بود. - .

**[ترجمه]

باب ۳۲ أدعیه المناجاه

الأخبار

«۱»

لی، [الأمالي] للصدوق عَبْدُ اللَّهِ بْنُ النَّضْرِ بْنِ سِمْعَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَكِّيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو الْأُطْرُوشِ عَنْ صَالِحِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ السُّكَّرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَغْرَاءَ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ سُلَيْمٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ غَفَلَةَ عَنْ طَاوُسٍ الْيَمَانِيِّ قَالَ: مَرَرْتُ بِالْحِجْرِ فَإِذَا أَنَا بِشَخْصٍ رَاكِعٍ وَ سَاجِدٍ فَتَأَمَّلْتُهُ فَإِذَا هُوَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیهما السلام فَقُلْتُ يَا نَفْسُ رَجُلٌ صَالِحٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَ اللَّهِ لَأَغْتَنِمَنَّ دُعَاءَهُ فَجَعَلْتُ أَرْقُبُهُ حَتَّى فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ وَ رَفَعَ بَاطِنَ كَفَّيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ جَعَلَ يَقُولُ:

سَيِّدِي سَيِّدِي هَذِهِ يَدَايَ قَدْ مَدَدْتُهُمَا إِلَيْكَ بِالذُّنُوبِ مَمْلُوءَةً وَ عَيْنَايَ بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةً وَ حَقٌّ لِمَنْ دَعَاكَ بِالنَّدَمِ تَذَلُّلًا أَنْ تُجِيبَهُ بِالْكَرَمِ تَفَضُّلًا سَيِّدِي أَ مِنْ أَهْلِ الشَّقَاءِ خَلَقْتَنِي فَأُطِيلَ بُكَائِي أَمْ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَلَقْتَنِي فَأُبَشِّرَ رَجَائِي سَيِّدِي

۱- ۱. قد مر الحديث نقلا من كتاب طبّ الأئمه ص ۳۶۵ من ج ۹۳ مسندا.

أَ لِضَرْبِ الْمَقَامِعِ خَلَقْتَ أَعْضَائِي أَمْ لِشُرْبِ الْحَمِيمِ خَلَقْتَ أَمْعَائِي سَيِّدِي لَوْ أَنَّ عَبْداً اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ مَوْلَاهُ لَكُنْتُ أَوَّلَ الْهَارِبِينَ مِنْكَ لَكِنِّي أَعْلَمُ أَنِّي لَا أَفُوتُكَ سَيِّدِي لَوْ أَنَّ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ غَيْرَ أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ طَاعَةُ الْمُطِيعِينَ وَ لَا يَنْقُصُ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْعَاصِينَ سَيِّدِي مَا أَنَا وَ مَا خَطَرِي هَبْ لِي بِفَضْلِكَ وَ جَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ وَ اعْفُ عَنْ تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي ارْحَمْنِي مَصْرُوعاً عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي أَيْدِي أَحِبَّتِي وَ ارْحَمْنِي مَطْرُوحاً عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُغَسِّلُنِي صَالِحُ جِيرَتِي وَ ارْحَمْنِي مَحْمُولًا قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرِبَاءُ أَطْرَافَ جِنَازَتِي وَ ارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْمُظْلِمِ وَحْشَتِي وَ غُرْبَتِي وَ وَحْدَتِي.

قَالَ طَاوُسٌ: فَبَكَيْتُ حَتَّى عَلَا نَحِيبِي وَ الْتَفَتَ إِلَيَّ فَقَالَ مَا يُبْكِيكَ يَا يَمَانِيُّ أَ وَ لَيْسَ هَذَا مَقَامَ الْمُذْنِبِينَ فَقُلْتُ حَبِيبِي حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يَرُدَّكَ وَ جَدُّكَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه و آله قَالَ فَبَيْنَا نَحْنُ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ مَعَاشِرَ أَصْحَابِي أُوصِيكُمْ بِالْآخِرَةِ وَ لَسْتُ أُوصِيكُمْ بِالدُّنْيَا فَإِنَّكُمْ بِهَا مُسْتَوْصَوْنَ وَ عَلَيْهَا حَرِيصُونَ وَ بِهَا مُسْتَمْسِكُونَ مَعَاشِرَ أَصْحَابِي إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍّ وَ الْآخِرَةَ دَارُ مَقَرٍّ فَخُذُوا مِنْ مَمَرِّكُمْ لِمَقَرِّكُمْ وَ لَا تَهْتِكُوا أَسْتَارَكُمْ عِنْدَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَسْرَارُكُمْ وَ أَخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أَبْدَانُكُمْ أَ مَا رَأَيْتُمْ وَ سَمِعْتُمْ مَا اسْتُدْرِجَ بِهِ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنَ الْأُمَمِ السَّالِفَةِ وَ الْقُرُونِ الْمَاضِيَةِ أَ لَمْ تَرَوْا كَيْفَ فُضِحَ مَسْتُورُهُمْ وَ أُمْطِرَ مَوَاطِرُ الْهَوَانِ عَلَيْهِمْ بِتَبْدِيلِ سُرُورِهِمْ بَعْدَ خَفْضِ عَيْشِهِمْ وَ لِينِ رَفَاهِيَتِهِمْ صَارُوا حَصَائِدَ النِّقَمِ وَ مَدَارِجَ الْمَثُلَاتِ أَقُولُ قَوْلِي هَذَا وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَ لَكُمْ (۱).

**[ترجمه]امالی صدوق: طاوس یمانی گوید: از کنار حجر الاسود عبور می کردم که دیدم مردی پیوسته رکوع و سجده می کند، قدری درنگ کردم تا این که دیدم ایشان علی بن حسین علیهما السلام است. با خودم گفتم: او مرد درستکاری از اهل بیت پیامبر است، به خدا قسم دعایش را غنیمت می شمارم. سپس مراقب او بودم تا این که از نماز فارغ شد و کف دست ها را به سوی آسمان بلند کرده و می گفت: مولای من، مولای من، این ها دو دست پر از گناه من هستند که به سویت دراز کرده ام و دیدگانم که به امید دوخته شده است. شایسته است کسی را که از خواری پشیمانی تو را خوانده با بخشش پاسخ دهی. مولای من، آیا مرا از بدبختان آفریده ای تا گریه ام را طولانی کنم یا از سعادتمندان مرا آفریده ای تا به امیدم بشارت دهم. مولای من، آیا عضوهای بدن مرا برای ضربه ی گرزها خلق کرده ای یا معده ام را برای نوشیدن آب گداخته ی جهنم آفریده ای. مولای من، اگر ممکن بود بنده ای از مولایش بگریزد، من اولین کسی بودم که می گریختم. اما می دانم که تو را از دست نمی دهم. مولای من اگر عذابم به پادشاهی تو اضافه می کرد، از تو می خواستم مرا بر تحمل آن شکیبا گردانی. اما می دانم فرمانبرداری بندگان فرمانبردار تو چیزی به بزرگی ات نمی افزاید و سرکشی گناه کاران نیز چیزی از آن نمی کاهد. مولایم، من که هستم و چه اهمیتی دارم؟ با فضلت بر من ببخش و مرا با پرده پوشی خود منزه گردان و به بزرگی آبرویت از سرزنشم درگذر. ای پروردگارم و مولایم، به من رحم کن که در بستر افتاده ام و دستان دوستانم مرا می گرداند و جنازه ام را روی مکان غسل انداخته اند و نیکان همسایه ام مرا غسل می دهند و روی دوش هایشان مرا بلند کرده و خویشانم گوشه های تابوت را گرفته اند. و به وحشت و تنهایی ام در آن خانه ی تاریک رحم کن. طاوس گوید: من گریستم تا این که صدای گریه ام بلند شد. امام متوجه من شدند و گفتند: ای یمانی، چه چیز باعث گریه ات شده؟ آیا این جایگاه گنهکاران نیست؟ گفتم: ای محبوبم، جد شما محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و سزاوار است که خداوند دعایتان را مستجاب کند. گفت: در همین حال بودیم که گروهی از یاران ایشان وارد شدند، ایشان رو به آن ها کرده و فرمودند: ای یارانم، شما را به آخرت توصیه می کنم و نه به دنیا، همانا شما از دنیا توصیه می پذیرید و مشتاق آن هستید و به آن چنگ زده اید. ای یارانم، همانا دنیا محل گذر و آخرت مکان ماندگاری است، پس از محل عبور خود برای مکان پایدار توشه بگیرید و در نزد کسی که رازهایتان بر او پوشیده نیست پرده دری نکنید. دنیا را از دل هایتان بیرون کنید پیش از آن که بدن هایتان را از دنیا بیرون کنند. آیا مردمان پیش از خود و دوره های گذشته را ندیدید و آن چه بر سرشان آمد را نشنیدید؟ آیا ندیدید که چگونه آن چه پوشیده داشتند رسوا شد و با تغییر شادمانی پس از آسایش و رفاه، باران خواری بر آن ها بارید و کشتزار بلاها شدند و نمونه ای برا ی دیگران گشتند؟ این سخن را گفتم و برای شما و خودم از خداوند طلب آمرزش می کنم - . امالی صدوق: ۱۳۲ - .

**[ترجمه]

«۲»

لی، [الأمالی] للصدوق بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ طَاوُسٍ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ علیهما السلام یدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ إِلَهِی وَ عِزَّتِکَ وَ جَلَالِکَ وَ عَظَمَتِکَ لَوْ أَنِّی مُنْذُ بَدَعْتَ فِطْرَتِی مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ عَبَدْتُکَ دَوَامَ خُلُودِ رُبُوبِیَّتِکَ بِکُلِّ شَعْرَةٍ فِی کُلِّ طَرْفَهِ عَیْنٍ سَرْمَدَ الْأَبَدِ بِحَمْدِ

ص: ۹۰

۱- ۱. أمالی الصدوق ص ۱۳۲.

الْخَلَائِقِ وَ شُكْرِهِمْ أَجْمَعِينَ لَكُنْتُ مُقَصِّراً فِي بُلُوغِ أَدَاءِ شُكْرِ أَخْفَى نِعْمَةٍ مِنْ نعمتك [نِعَمِكَ] عَلَيَّ وَ لَوْ أَنِّي كَرَبْتُ مَعَادِنَ حَدِيدِ الدُّنْيَا بِأَنْيَابِي وَ حَرَثْتُ أَرَضِيهَا بِأَشْفَارِ عَيْنِي وَ بَكَيْتُ مِنْ خَشْيَتِكَ مِثْلَ بُحُورِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ دَماً وَ صَدِيداً لَكَانَ ذَلِكَ قَلِيلًا فِي كَثِيرِ مَا يَجِبُ مِنْ حَقِّكَ عَلَيَّ وَ لَوْ أَنَّكَ إِلَهِي عَذَّبْتَنِي بَعْدَ ذَلِكَ بِعَذَابِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ وَ عَظَّمْتَ لِلنَّارِ خَلْقِي وَ جِسْمِي وَ مَلَأْتَ جَهَنَّمَ وَ أَطْبَاقَهَا مِنِّي حَتَّى لَا تَكُونَ فِي النَّارِ مُعَذَّبٌ غَيْرِي وَ لَا يَكُونَ لِجَهَنَّمَ حَطَبٌ سِوَايَ لَكَانَ ذَلِكَ بِعَدْلِكَ عَلَيَّ قَلِيلًا فِي كَثِيرِ مَا اسْتَوْجَبْتُهُ مِنْ عُقُوبَتِكَ (۱).

**[ترجمه]امالی صدوق: طاوس یمانی گوید: علی بن حسین زین العابدین علیه السلام این دعا را می خواندند: پروردگارا، به عزت و جلال و بزرگی ات قسم، اگر از زمانی که در آغاز روزگار سرشت مرا ایجاد کردی، به تعداد هر مویی و در هر گردش نگاهی به اندازه ی سپاس و ستایش همه مخلوقات تا پایان دوران و جاودانگی ربوبیتت تو را عبادت می کردم، نمی توانستم شکر کوچک ترین نعمتت را ادا کنم و اگر معادن آهن دنیا را با دندان های پیشین خود حفر کنم و با کناره های پلک چشم زمین را شخم بزنم، و به اندازه ی آب دریای آسمان هاو زمین خون و چرک از چشم ببارم، در مقابل حق بزرگی که تو بر من داری اندک است و اگر پس از آن با عذاب همه مخلوقاتت مرا شکنجه کنی و بدنم را هیزم آتش قرار دهی و جهنم و طبقات آن را از اعضای من پر کنی تا جایی که هیچ عذاب شونده ای جز من در آن باقی نماند، درمقابل عدالت تو و گناهان بسیاری که سزاوار مجازات هستند، برای من کم است - . امالی صدوق: ۱۸۰ - .

**[ترجمه]

«۳»

لی، [الأمالی] للصدوق الْعَطَّارُ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: لَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِرَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْبَادِيَهِ بِكَلِمَتَيْنِ دَعَا بِهِمَا قَالَ اللَّهُمَّ إِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَهْلُ ذَلِكَ أَنَا وَ إِنْ تَغْفِرْ لِي فَأَهْلُ ذَلِكَ أَنْتَ فَغَفَرَ اللَّهُ لَهُ (۲).

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الغضائری عن الصدوق: مثله (۳).

**[ترجمه]امالی صدوق: امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند گناهان مرد بادیه نشینی را به خاطر دعای او آمرزید و گناهانش را بخشید. آن دعا چنین بود: پروردگارا اگر مرا عذاب کنی من شایسته ی آن هستم و اگر مرا ببخشی تو شایسته ی آن هستی. خداوند نیز او را بخشید - . امالی صدوق: ۲۳۸ - .

امالی شیخ طوسی نیز مانند این روایت را آورده است - . امالی طوسی۲ :۵۲ - .

**[ترجمه]

«۴»

ما، [الأمالی] للشیخ الطوسی الْمُفِيدُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّحْوِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الْمُنْعِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: كَانَ مِنْ دُعَاءِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام إِلَهِي إِنْ كُنْتُ عَصَيْتُكَ بِارْتِكَابِ شَيْ ءٍ مِمَّا نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ الْإِيمَانِ بِكَ مَنّاً مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لَا مَنّاً مِنِّي بِهِ عَلَيْكَ وَ تَرَكْتُ مَعْصِيَتَكَ فِي أَبْغَضِ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ أَنْ أَجْعَلَ لَكَ شَرِيكاً أَوْ أَجْعَلَ لَكَ وَلَداً أَوْ نِدّاً وَ عَصَيْتُكَ عَلَى غَيْرِ مُكَابَرَهٍ وَ لَا مُعَانَدَهٍ وَ لَا اسْتِخْفَافٍ مِنِّي بِرُبُوبِيَّتِكَ وَ لَا جُحُودٍ لِحَقِّكَ وَ لَكِنْ اسْتَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ بَعْدَ الْحُجَّهِ وَ الْبَيَانِ فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي وَ إِنْ تَغْفِرْ لِي فَبِجُودِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۴).

۱- ۱. أمالی الصدوق ص ۱۸۰.

۲- ۲. أمالی الصدوق ص ۲۳۸.

۳- ۳. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۵۲.

۴- ۴. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۲۹[فان تعذبنی فغیر ظالم، و ان تغفر لی فخیر راحم] خ ل.

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: امام باقر علیه السلام فرمودند: از دعاهای امام سجاد علیه السلام این بود: خداوندا، اگر با انجام کاری که مرا از آن نهی کرده بودی تو را نافرمانی کردم، به وسیله ایمان به تو که دوست داشتنی ترین چیزها نزد توست اطاعتت نمودم که تو به واسطه ی آن بر من منت نهادی و از جانب من منتی بر تو نیست. و نافرمانی در ناپسندترین چیزها را که شریک گرفتن برای تو یا فرزند و همتا قراردادن برای توست ترک نمودم. نافرمانی من از روی خود بزرگ بینی یا دشمنی با تو نبود، و به خاطر کوچک شمردن ربوبیت و از روی انکار حق تو نبود، بلکه شیطان مرا گمراه کرد پس از آن که دلیل و سخن تو را دانستم. پس اگر مرا عذاب کنی به خاطر گناهان من است و اگر بر من ببخشی از سر مهربانی و بخشش توست، ای مهربان ترین مهربانان - . امالی طوسی۲ :۲۹ - .

**[ترجمه]

«۵»

لی، [الأمالي] للصدوق أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ: کَانَ الصَّادِقُ علیه السلام یَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ إِلَهِی کَیْفَ أَدْعُوکَ وَ قَدْ عَصَیْتُکَ وَ کَیْفَ لَا أَدْعُوکَ وَ قَدْ عَرَفْتُ حُبَّکَ فِی قَلْبِی وَ إِنْ کُنْتُ عَاصِیاً مَدَدْتُ إِلَیْکَ یَداً بِالذُّنُوبِ مَمْلُوءَةً وَ عَیْنَایَ بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةً مَوْلَایَ أَنْتَ عَظِیمُ الْعُظَمَاءِ وَ أَنَا أَسِیرُ الْأُسَرَاءِ أَنَا أَسِیرٌ بِذَنْبِی مُرْتَهَنٌ بِجُرْمِی إِلَهِی لَئِنْ طَالَبْتَنِی بِذَنْبِی لَأُطَالِبَنَّکَ بِکَرَمِکَ وَ لَئِنْ طَالَبْتَنِی بِجَرِیرَتِی لَأُطَالِبَنَّکَ بِعَفْوِکَ وَ لَئِنْ أَمَرْتَ بِی إِلَی النَّارِ لَأُخْبِرَنَّ أَهْلَهَا أَنِّی کُنْتُ أَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنَّ الطَّاعَةَ تَسُرُّکَ وَ الْمَعْصِیَةَ لَا تَضُرُّکَ فَهَبْ لِی مَا یَسُرُّکَ وَ اغْفِرْ لِی مَا لَا یَضُرُّکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ (۱).

**[ترجمه]امالی صدوق: امام صادق علیه السلام این دعا را می خواندند: پروردگارا، چگونه بخوانمت در حالی که تو را نافرمانی کرده ام و چگونه تو را نخوانم حال آن که محبتت را در دلم یافته ام، و اگر گنهکارم، دست پر از گناهانم را به سویت دراز کرده ام و چشمانم را به امید دوخته ام. مولای من، تو بزرگ ترین بزرگانی و من گرفتارترین اسیران هستم، من اسیر گناه و گرفتار خطای خود هستم. خدایا، اگر مرا به گناهم بخوانی، تو را با بخششت می خوانم و اگر با خطای من حق خود را از من بخواهی، من از بخشش تو درخواست می کنم و اگر مرا وارد آتش جهنم کنی به ساکنان آن خبر خواهم داد که من شهادت به یگانگی خداوند یکتا و پیامبری محمد صلّی الله علیه و آله و سلّم می دادم. پروردگارا، همانا فرمانبرداری تو را خشنود می کند و نافرمانی ضرری به تو نمی رساند، پس آن چه را که خشنودت می کند به من عطا کن و آن چه را که ضرری برایت ندارد بر من ببخش ای مهربان ترین مهربانان - . امالی صدوق ، ص۲۱۵ - .

**[ترجمه]

«۶»

ل، [الخصال] الْحَسَنُ بْنُ حَمْزَةَ الْعَلَوِیُّ عَنْ یُوسُفَ بْنِ مُحَمَّدٍ الطَّبَرِیِّ عَنْ سَهْلِ بْنِ نَجْدَةَ عَنْ وَکِیعٍ عَنْ زَکَرِیَّا بْنِ أَبِی زَائِدَةَ عَنْ عَامِرٍ الشَّعْبِیِّ قَالَ: تَکَلَّمَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام بِتِسْعِ کَلِمَاتٍ ارْتَجَالًا فَقَأْنَ عُیُونَ الْبَلَاغَةِ وَ اتَّمَنَّ جَوَاهِرَ الْحِکْمَةِ ثَلَاثٌ مِنْهَا فِی الْمُنَاجَاةِ إِلَهِی کَفَی بِی عِزّاً أَنْ أَکُونَ لَکَ عَبْداً وَ کَفَی بِی فَخْراً أَنْ تَکُونَ لِی رَبّاً أَنْتَ کَمَا أُحِبُّ فَاجْعَلْنِی کَمَا تُحِبُّ (۲) الْخَبَرَ.

**[ترجمه]خصال: امیرمؤمنان علیه السلام نه جمله را فی البداهه فرمودند که چشم سخنان رسا را درآورد و جواهر حکمت را به یادگار گذاشت، سه تا از آن ها در مناجات است: پروردگارا، این عزت برای من کافی است که بنده ی تو هستم و این فخر برایم بس است که تو پروردگار منی. تو همان گونه ای که من دوست می دارم، پس مرا نیز چنان قرار ده که دوست می داری - . خصال ، ج۲ ، ص۴۵ - .

**[ترجمه]

أقول

تمامه فی أبواب المواعظ(۳).

**[ترجمه]کامل این کلمات در باب اندرزها آمده است - . رجوع شود به ج ۷۷ ص ۴۰۰ - .

**[ترجمه]

«۷»

لی، [الأمالی] للصدوق رُوِیَ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: أَنَّهُ قَالَ فِی مُنَاجَاتِهِ إِلَهِی أُفَکِّرُ فِی عَفْوِکَ فَتَهُونُ عَلَیَّ خَطِیئَتِی ثُمَّ أَذْکُرُ الْعَظِیمَ مِنْ أَخْذِکَ فَتَعْظُمُ عَلَیَّ بَلِیَّتِی ثُمَّ قَالَ آهِ إِنْ أَنَا قَرَأْتُ فِی الصُّحُفِ سَیِّئَهً أَنَا نَاسِیهَا وَ أَنْتَ مُحْصِیهَا فَتَقُولُ خُذُوهُ فَیَا لَهُ مِنْ مَأْخُوذٍ لَا تُنْجِیهِ عَشِیرَتُهُ وَ لَا تَنْفَعُهُ قَبِیلَتُهُ یَرْحَمُهُ الْمَلَأُ إِذَا أُذِنَ فِیهِ بِالنِّدَاءِ ثُمَّ قَالَ آهِ مِنْ نَارٍ تُنْضِجُ الْأَکْبَادَ وَ الْکُلَی آهِ مِنْ نَارٍ نَزَّاعَهٍ لِلشَّوَی آهِ مِنْ غَمْرَهٍ مِنْ مُلْهَبَاتِ لَظَی (۴).

ص: ۹۲

۱- ۱. أمالی الصدوق ص ۲۱۵.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۴۵ و قوله فقأن: ای قلعن، و هو استعاره.

۳- ۳. راجع ج ۷۷ ص ۴۰۰.

۴- ۴. أمالی الصدوق ص ۴۸. و الکلی جمع کلیه.

**[ترجمه]امالی صدوق: روایت شده که امیرمؤمنان علیه السلام در مناجات خود می گفتند: پروردگارا، هرگاه به بخشش تو می اندیشم خطایم بر من آسان می شود، سپس عظمت مجازات تو را به یاد می آورم و گرفتاری ام بر من بزرگ می شود. سپس گفت: آه اگر گناهی را که آن را فراموش کرده ام و تو حسابش را داری، در نامه ی عملم بخوانم و تو بگویی: او را بگیرید، وای بر او، اسیری است که خاندانش او را نجات نخواهند داد و قبیله اش سودی برایش ندارند. هنگامی که او را در مقابل مردم صدا بزنند، به او رحم خواهند کرد. سپس گفت: آه از آتشی که جگر و کلیه ها را بریان می کند. آه از آتشی که پوست را می کند، آه از شراره های سوزان آن - . امالی صدوق، ص ۴۸ - .

**[ترجمه]

أقول

خبره طویل قد مضی مسندا فی باب عباده أمیر المؤمنین علیه السلام (۱).

**[ترجمه]خبر آن طولانی است که در باب عبادت امیرمؤمنان علیه السلام با سند آورده شد. - . رجوع شود به ج ۴۱:۱۱ و ۱۲ -

**[ترجمه]

«۸»

نُقِلَ مِنْ خَطِّ الشَّیْخِ الشَّهِیدِ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: کَتَبْتُهُ مِنْ ظَهْرِ کِتَابٍ بِمَشْهَدِ الْکَاظِمِ علیه السلام بِخِزَانَتِهِ الشَّرِیفَهِ دُعَاءُ یُوشَعَ بْنِ نُونٍ علیه السلام مُسْتَجَابٌ إِلَهِی کَیْفَ أَدْعُوکَ وَ قَدْ عَصَیْتُکَ وَ کَیْفَ لَا أَدْعُوکَ وَ قَدْ عَرَفْتُکَ وَ حُبُّکَ فِی قَلْبِی مَدَدْتُ إِلَیْکَ یَداً بِالذُّنُوبِ مَمْلُوءَهً وَ عَیْنِی بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَهً(۲)

إِلَهِی أَنْتَ مَلِکُ الْعَطَایَا وَ أَنَا أَسِیرُ الْخَطَایَا وَ مِنْ کَرَمِ الْعُظَمَاءِ الرِّفْقُ بِالْأُسَرَاءِ إِلَهِی أَنَا الْأَسِیرُ بِجُرْمِی الْمُرْتَهَنُ بِعَمَلِی إِلَهِی مَا أَضْیَقَ الطَّرِیقَ عَلَی مَنْ لَمْ تَکُنْ أَنْتَ أَنِیسَهُ إِلَهِی إِنْ طَالَبْتَنِی بِذُنُوبِی لَأُطَالِبَنَّکَ بِعَفْوِکَ وَ لَئِنْ طَالَبْتَنِی بِسَرِیرَتِی لَأُطَالِبَنَّکَ بِکَرَمِکَ وَ لَئِنْ أَدْخَلْتَنِی النَّارَ لَأُخْبِرَنَّ أَهْلَهَا أَنِّی کُنْتُ أَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّ عَلِیّاً أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ حَقّاً إِلَهِی إِنَّ الطَّاعَهَ تَسُرُّکَ وَ الْمَعْصِیَهَ لَا تَضُرُّکَ فَهَبْ لِی مَا تَسُرُّکَ وَ اغْفِرْ لِی مَا لَا یَضُرُّکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ.

وَ مِنْ خَطِّهِ رَحِمَهُ اللَّهُ أَیْضاً عَنِ الصَّادِقِ عَلَیْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ إِنْ کَانَتِ الذُّنُوبُ تَکُفُّ أَیْدِیَنَا عَنِ انْبِسَاطِهَا إِلَیْکَ بِالسُّؤَالِ وَ الْمُدَاوَمَهُ عَلَی الْمَعَاصِی تَمْنَعُنَا عَنِ التَّضَرُّعِ وَ الِابْتِهَالِ فَالرَّجَاءُ یَحُثُّنَا إِلَی سُؤَالِکَ یَا ذَا الْجَلَالِ فَإِنْ لَمْ یَعْطِفِ السَّیِّدُ عَلَی عَبْدِهِ فَمِمَّنْ یَبْتَغِی النَّوَالَ فَلَا تَرُدَّ أَکُفَّنَا الْمُتَضَرِّعَهَ إِلَّا بِبُلُوغِ الْآمَالِ.

**[ترجمه]از دست خط شیخ شهید -که خداوند رحمتش کند- نقل شده که گفت: از پشت کتابی در کتابخانه ی حرم امام کاظم علیه السلام دعای مستجاب یوشع بن نون را نوشتم: خدایا، چگونه بخوانمت در حالی که نافرمانی ات کرده ام و چگونه نخوانمت و حال آن که تو را شناخته ام و محبتت در قلب من است. دست پر از گناهم را به سویت دراز کرده و چشمم به امید دوخته شده است. خدایا، تو پادشاه بخشش ها هستی و من اسیر گناهان خود هستم و از بزرگواری های بزرگان، مهربانی با اسیران است. خداوندا، من به خاطر گناه و خطایم اسیر و گرفتارم. خدایا، چه دشوار است راه برای کسی که تو همراهش نباشی. خدایا، اگر به خاطر گناهانم مرا مؤاخذه کنی، من از تو درخواست بخشش دارم و اگر به واسطه ی درونم و رازهای پوشیده ی آن حق خودت را از من بخواهی، من لطف و بخششت را از تو تقاضا می کنم و اگر مرا وارد آتش کنی، به اهل آن می گویم که من شهادت به یگانگی تو و پیامبری محمد صلّی الله علیه وآله و حقانیت علی علیه السلام می دادم. خداوندا، همانا فرمانبرداری تو را خشنود می کند و نافرمانی ضرری برایت ندارد، پس آن چه را که تو را خشنود می کند به من عطا کن

و آن چه را برایت ضرری ندارد بر من ببخش، ای مهربان ترین مهربانان.

و نیز در دستخطی از ایشان این دعا از امام صادق علیه السلام روایت شده: پروردگارا، اگر گناهان مانع گشودن دست های ما به دعا شده است و اگر تکرار نافرمانی ها نمی گذارد به درگاهت التماس و زاری کنیم، پس ای بزرگوار، همانا امید ما را به سوی درخواست از تو می کشاند. پس اگر مولا بر بنده اش مهر نورزد، از چه کسی امید بخشش می توان داشت. دست های ملتمس ما را جز با رسیدن به آرزوهایش بازنگردان .

**[ترجمه]

«۹»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ،: کَانَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام إِذَا أَعْطَی مَا فِی بَیْتِ الْمَالِ أَمَرَ فَکُنِسَ ثُمَّ صَلَّی فِیهِ ثُمَّ یَدْعُو فَیَقُولُ فِی دُعَائِهِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ ذَنْبٍ یُحْبِطُ الْعَمَلَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ ذَنْبٍ یُعَجِّلُ النِّقَمَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ ذَنْبٍ یَمْنَعُ الدُّعَاءَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ ذَنْبٍ یَهْتِکُ الْعِصْمَهَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ ذَنْبٍ یُورِثُ النَّدَمَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ ذَنْبٍ تحبس [یَحْبِسُ] الْقِسَمَ.

وَ مِنْ مُنَاجَاهِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام إِلَهِی کَأَنِّی بِنَفْسِی قَدْ أُضْجِعَتْ فِی حُفْرَتِهَا وَ انْصَرَفَ عَنْهَا الْمُشَیِّعُونَ مِنْ جِیرَتِهَا وَ بَکَی الْغَرِیبُ عَلَیْهَا لِغُرْبَتِهَا وَ جَادَ عَلَیْهَا

۱- ۱. راجع ج ۴۱ ص ۱۱ و ۱۲.

۲- ۲. راجع.

الْمُشْفِقُونَ مِنْ جِيرَتِهَا وَ نَادَاهَا مِنْ شَفِيرِ الْقَبْرِ ذُو مَوَدَّتِهَا وَ رَحِمَهَا الْمُعَادِي لَهَا فِي الْحَيَاةِ عِنْدَ صَرْعَتِهَا وَ لَمْ يَخْفَ عَلَى النَّاظِرِينَ ضُرُّ فَاقَتِهَا وَ لَا عَلَى مَنْ رَآهَا قَدْ تَوَسَّدَتِ الثَّرَى وَ عَجَزَ حِيلَتُهَا فَقُلْتُ مَلَائِكَتِي فَرِيدٌ نَأَى عَنْهُ الْأَقْرَبُونَ وَ بَعِيدٌ(۱) جَفَاهُ الْأَهْلُونَ نَزَلَ بِي قَرِيباً وَ أَصْبَحَ فِي اللَّحْدِ غَرِيباً وَ قَدْ كَانَ لِي فِي دَارِ الدُّنْيَا دَاعِياً وَ لِنَظَرِي لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ رَاجِياً فَتُحْسِنُ عِنْدَ ذَلِكَ ضِيَافَتِي وَ تَكُونُ أَشْفَقَ عَلَيَّ مِنْ أَهْلِي وَ قَرَابَتِي.

**[ترجمه]دعوات راوندی: امیرمؤمنان علیه السلام هنگامی که اموال بیت المال را می بخشید، دستور می داد آن جا را بروبند و سپس در آن نماز می خواند و دعا می کرد و می گفت: پروردگارا از گناهی که عمل را نابود سازد به تو پناه می برم و از گناهی که بلا را جلو اندازد به تو پناه می برم و از گناهی که مانع استجابت دعا شود به تو پناه می برم و از گناهی که پرده ی عصمت را بدرد به تو پناه می برم و به تو پناه می برم از گناهی که پشیمانی آورد و از گناهی که قسمت ها را نگه دارد. و از مناجات های امیرمؤمنان این بود: پروردگارا، گویی خویشتن را می بینم که در قبر نهاده شده ام و همسایگانم که برای تشییع پیکرم آمده بودند از جنازه ام باز می گردند و برای تنهایی اش بر آن گریه می کنند و همسایگان مهربانش بر او بخشش می کنند و دوستان او را از کناره های قبر صدا می زنند و دشمنانش در دنیا به هنگام افتادنش به آن رحم می کنند و بیچارگی و تنگ دستی اش بر بینندگان و کسانی که او را می بینند مخفی نیست. خاک بالش زیر سرش گردیده و چاره ای برایش نمانده است. پس گفتی: ای فرشتگان من، تنها مانده ای که نزدیکانش از او دور می شوند و دورشده ای که خانواده اش به او ستم کرده اند به من نزدیک شده و غریب و تنها در لحد قرار گرفته است، او در دنیا مرا می خواند و امیدوار بود در چنین روزی به او نگاه بیندازم. پس به نیکی مرا بپذیری و از خانواده و خویشانم بر من مهربان تر شوی.

**[ترجمه]

«۱۰»

كَنْزُ الْكَرَاجُكِيِّ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ الْوَاسِطِيِّ عَنِ التَّلَّعُكْبَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ عَنِ الْحَسَنِ الزَّيَّاتِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: كَانَ مِنْ دُعَاءِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام:

إِلَهِي كَفَى بِي عِزّاً أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْداً وَ كَفَى بِي فَخْراً أَنْ تَكُونَ لِي رَبّاً إِلَهِي أَنْتَ لِي كَمَا أُحِبُّ فَوَفِّقْنِي لِمَا تُحِبُّ.

**[ترجمه]کنز الکراجکی: امام باقر علیه السلام فرمودند: از جمله دعاهای امیرمؤمنان علیه السلام این بود: خدایا، این عزت برای من کافی است که بنده ی تو هستم و این فخر برایم بس است که تو پروردگار منی. تو همان گونه ای که من دوست می دارم، پس مرا نیز موفق کن به آن چه خودت دوست می داری.

**[ترجمه]

«۱۱»

نهج، [نهج البلاغه] قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يَرُمُّ مَعَاشَهُ وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمُلُ (۲).

**[ترجمه]نهج البلاغه: امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: مؤمن باید سه ساعت داشته باشد، ساعتی برای مناجات با پروردگارش و ساعتی برای اصلاح معیشت خود و ساعتی را نیز برای خود خلوت کند و از لذت ها و زیبایی های حلال بهره مند شود - . نهج البلاغه، حکمت ۳۹۰ - .

**[ترجمه]

ق، [الکتاب العتیق الغروی] قَالَ نَوْفٌ الْبِکَالِیُّ: رَأَیْتُ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ مُوَلِّیاً مُبَادِراً فَقُلْتُ أَیْنَ تُرِیدُ یَا مَوْلَایَ فَقَالَ دَعْنِی یَا نَوْفُ إِنَّ آمَالِی تُقَدِّمُنِی فِی الْمَحْبُوبِ فَقُلْتُ یَا مَوْلَایَ وَ مَا آمَالُکَ قَالَ قَدْ عَلِمَهَا الْمَأْمُولُ وَ اسْتَغْنَیْتُ عَنْ تَبْیِینِهَا لِغَیْرِهِ وَ کَفَی بِالْعَبْدِ أَدَباً أَنْ لَا یُشْرِکَ فِی نِعَمِهِ وَ إِرَبِهِ غَیْرَ رَبِّهِ فَقُلْتُ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ إِنِّی خَائِفٌ عَلَی نَفْسِی مِنَ الشَّرَهِ وَ التَّطَلُّعِ إِلَی طَمَعٍ مِنْ أَطْمَاعِ الدُّنْیَا فَقَالَ لِی وَ أَیْنَ أَنْتَ عَنْ عِصْمَةِ الْخَائِفِینَ وَ کَهْفِ الْعَارِفِینَ فَقُلْتُ دُلَّنِی عَلَیْهِ قَالَ اللَّهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ تَصِلُ أَمَلَکَ بِحُسْنِ تَفَضُّلِهِ وَ تُقْبِلُ عَلَیْهِ بِهَمِّکَ وَ أَعْرِضْ عَنِ النَّازِلَةِ فِی قَلْبِکَ فَإِنْ

ص: ۹۴

۱- ۱. وحید خ ل.

۲- ۲. نهج البلاغه تحت الرقم ۳۹۰ من قسم الحکم.

أَجَّلَكَ بِهَا فَأَنَا الضَّامِنُ مِنْ مُورِدِهَا وَ انْقَطِعْ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ فَإِنَّهُ يَقُولُ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَأَقَطِّعَنَّ أَمَلَ كُلِّ مَنْ يُؤَمِّلُ غَيْرِي بِالْيَأْسِ وَ لَأَكْسُوَنَّهُ ثَوْبَ الْمَذَلَّهِ فِي النَّاسِ وَ لَأُبْعِدَنَّهُ مِنْ قُرْبِي وَ لَأُقَطِّعَنَّهُ عَنْ وَصْلِي وَ لَأُخْمِلَنَّ ذِكْرَهُ حِينَ يَرْعَى غَيْرِي أَ يُؤَمِّلُ وَيْلَهُ لِشَدَائِدِهِ غَيْرِي وَ كَشْفُ الشَّدَائِدِ بِيَدِي وَ يَرْجُو سِوَايَ وَ أَنَا الْحَيُّ الْبَاقِي وَ يَطْرُقُ أَبْوَابَ عِبَادِي وَ هِيَ مُغْلَقَهٌ وَ يَتْرُكُ بَابِي وَ هُوَ مَفْتُوحٌ فَمَنْ ذَا الَّذِي رَجَانِي لِكَثِيرِ جُرْمِهِ فَخَيَّبْتُ رَجَاءَهُ جَعَلْتُ آمَالَ عِبَادِي مُتَّصِلَهً بِي وَ جَعَلْتُ رَجَاءَهُمْ مَذْخُوراً لَهُمْ عِنْدِي وَ مَلَأْتُ سَمَاوَاتِي مِمَّنْ لَا يَمَلُّ تَسْبِيحِي وَ أَمَرْتُ مَلَائِكَتِي أَنْ لَا يُغْلِقُوا الْأَبْوَابَ بَيْنِي وَ بَيْنَ عِبَادِي أَ لَمْ يَعْلَمْ مَنْ فَدَحَتْهُ نَائِبَهٌ مِنْ نَوَائِبِي أَنْ لَا يَمْلِكَ أَحَدٌ كَشْفَهَا إِلَّا بِإِذْنِي فَلِمَ يُعْرِضُ الْعَبْدُ بِأَمَلِهِ عَنِّي وَ قَدْ أَعْطَيْتُهُ مَا لَمْ يَسْأَلْنِي فَلَمْ يَسْأَلْنِي وَ سَأَلَ غَيْرِي أَ فَتَرَانِي أَبْتَدِئُ خَلْقِي مِنْ غَيْرِ مَسْأَلَهٍ ثُمَّ أُسْأَلُ فَلَا أُجِيبُ سَائِلِي أَ بَخِيلٌ أَنَا فَيُبَخِّلُنِي عَبْدِي أَ وَ لَيْسَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهُ لِي أَ وَ لَيْسَ الْكَرَمُ وَ الْجُودُ صِفَتِي أَ وَ لَيْسَ الْفَضْلُ وَ الرَّحْمَهُ بِيَدِي أَ وَ لَيْسَ الْآمَالُ لَا يَنْتَهِي إِلَّا إِلَيَّ فَمَنْ يَقْطَعُهَا دُونِي وَ مَا عَسَى أَنْ يُؤَمِّلَ الْمُؤَمِّلُونَ مَنْ سِوَايَ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَوْ جَمَعْتُ آمَالَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ ثُمَّ أَعْطَيْتُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مَا نَقَصَ مِنْ مُلْكِي بَعْضُ عُضْوِ الذَّرَّهِ وَ كَيْفَ يَنْقُصُ نَائِلٌ أَنَا أَفَضْتُهُ يَا بُؤْساً لِلْقَانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِي يَا بُؤْساً لِمَنْ عَصَانِي وَ تَوَثَّبَ عَلَى مَحَارِمِي وَ لَمْ يُرَاقِبْنِي وَ اجْتَرَأَ عَلَيَّ ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ السَّلَامُ لِي يَا نَوْفُ ادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ إِلَهِي إِنْ حَمِدْتُكَ فَبِمَوَاهِبِكَ وَ إِنْ مَجَّدْتُكَ فَبِمُرَادِكَ وَ إِنْ قَدَّسْتُكَ فَبِقُوَّتِكَ وَ إِنْ هَلَّلْتُكَ فَبِقُدْرَتِكَ وَ إِنْ نَظَرْتُ فَإِلَى رَحْمَتِكَ وَ إِنْ عَضَضْتُ فَعَلَى نِعْمَتِكَ إِلَهِي إِنَّهُ مَنْ لَمْ يَشْغَلْهُ الْوُلُوعُ بِذِكْرِكَ وَ لَمْ يَزْوِهِ السَّفَرُ بِقُرْبِكَ كَانَتْ حَيَاتُهُ عَلَيْهِ مِيتَهً وَ مِيتَتُهُ عَلَيْهِ حَسْرَهً إِلَهِي تَنَاهَتْ أَبْصَارُ النَّاظِرِينَ إِلَيْكَ بِسَرَائِرِ الْقُلُوبِ وَ طَالَعَتْ أَصْغَى السَّامِعِينَ لَكَ نَجِيَّاتِ الصُّدُورِ فَلَمْ يَلْقَ أَبْصَارَهُمْ رَدٌّ دُونَ مَا يُرِيدُونَ هَتَكْتَ

بَیْنَکَ وَ بَیْنَهُمْ حُجُبَ الْغَفْلَهِ فَسَکَنُوا فِی نُورِکَ وَ تَنَفَّسُوا بِرَوْحِکَ فَصَارَتْ قُلُوبُهُمْ مَغَارِساً لِهَیْبَتِکَ وَ أَبْصَارُهُمْ مَآکِفاً لِقُدْرَتِکَ وَ قَرَّبْتَ أَرْوَاحَهُمْ مِنْ قُدْسِکَ فَجَالَسُوا اسْمَکَ بِوَقَارِ الْمُجَالَسَهِ وَ خُضُوعِ الْمُخَاطَبَهِ فَأَقْبَلْتَ إِلَیْهِمْ إِقْبَالَ الشَّفِیقِ وَ أَنْصَتَّ لَهُمْ إِنْصَاتَ

الرَّفِیقِ وَ أَجَبْتَهُمْ إِجَابَاتِ الْأَحِبَّاءِ وَ نَاجَیْتَهُمْ مُنَاجَاهَ الْأَخِلَّاءِ فَبَلِّغْ بِیَ الْمَحَلَّ الَّذِی إِلَیْهِ وَصَلُوا وَ انْقُلْنِی مِنْ ذِکْرِی إِلَی ذِکْرِکَ وَ لَا تَتْرُکْ بَیْنِی وَ بَیْنَ مَلَکُوتِ عِزِّکَ بَاباً إِلَّا فَتَحْتَهُ وَ لَا حِجَاباً مِنْ حُجُبِ الْغَفْلَهِ إِلَّا هَتَکْتَهُ حَتَّی تُقِیمَ رُوحِی بَیْنَ ضِیَاءِ عَرْشِکَ وَ تَجْعَلَ لَهَا مَقَاماً نُصْبَ نُورِکَ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ‏ءٍ قَدِیرٌ إِلَهِی مَا أَوْحَشَ طَرِیقاً لَا یَکُونُ رَفِیقِی فِیهِ أَمَلِی فِیکَ وَ أَبْعَدَ سَفَراً لَا یَکُونُ رَجَائِی مِنْهُ دَلِیلِی مِنْکَ خَابَ مَنِ اعْتَصَمَ بِحَبْلِ غَیْرِکَ وَ ضَعُفَ رُکْنُ مَنِ اسْتَنَدَ إِلَی غَیْرِ رُکْنِکَ فَیَا مُعَلِّمَ مُؤَمِّلِیهِ الْأَمَلَ فَیُذْهِبُ عَنْهُمْ کَآبَهَ الْوَجَلِ لَا تَحْرِمْنِی صَالِحَ الْعَمَلِ وَ اکْلَأْنِی کِلَاءَهَ مَنْ فَارَقَتْهُ الْحِیَلُ فَکَیْفَ یَلْحَقُ مُؤَمِّلِیکَ ذُلُّ الْفَقْرِ وَ أَنْتَ الْغَنِیُّ عَنْ مَضَارِّ الْمُذْنِبِینَ إِلَهِی وَ إِنَّ کُلَّ حَلَاوَهٍ مُنْقَطِعَهٌ وَ حَلَاوَهَ الْإِیمَانِ تَزْدَادُ حَلَاوَتُهَا اتِّصَالًا بِکَ إِلَهِی وَ إِنَّ قَلْبِی قَدْ بَسَطَ أَمَلَهُ فِیکَ فَأَذِقْهُ مِنْ حَلَاوَهِ بَسْطِکَ إِیَّاهُ الْبُلُوغَ لِمَا أَمَّلَ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ‏ءٍ قَدِیرٌ إِلَهِی أَسْأَلُکَ مَسْأَلَهَ مَنْ یَعْرِفُکَ کُنْهَ مَعْرِفَتِکَ مِنْ کُلِّ خَیْرٍ یَنْبَغِی لِلْمُؤْمِنِ أَنْ یَسْلُکَهُ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ کُلِّ شَرٍّ وَ فِتْنَهٍ أَعَذْتَ بِهَا أَحِبَّاءَکَ مِنْ خَلْقِکَ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ‏ءٍ قَدِیرٌ إِلَهِی أَسْأَلُکَ مَسْأَلَهَ الْمِسْکِینِ الَّذِی قَدْ تَحَیَّرَ فِی رَجَاهُ فَلَا یَجِدُ مَلْجَأً وَ لَا مَسْنَداً یَصِلُ بِهِ إِلَیْکَ وَ لَا یُسْتَدَلُّ بِهِ عَلَیْکَ إِلَّا بِکَ وَ بِأَرْکَانِکَ وَ مَقَامَاتِکَ الَّتِی لَا تَعْطِیلَ لَهَا مِنْکَ فَأَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی ظَهَرْتَ بِهِ لِخَاصَّهِ أَوْلِیَائِکَ فَوَحَّدُوکَ وَ عَرَفُوکَ فَعَبَدُوکَ بِحَقِیقَتِکَ أَنْ تُعَرِّفَنِی نَفْسَکَ لِأُقِرَّ لَکَ بِرُبُوبِیَّتِکَ عَلَی حَقِیقَهِ الْإِیمَانِ بِکَ وَ لَا تَجْعَلْنِی یَا إِلَهِی مِمَّنْ یَعْبُدُ الِاسْمَ دُونَ الْمَعْنَی وَ الْحَظْنِی بِلَحْظَهٍ مِنْ لَحَظَاتِکَ تَنَوَّرْ بِهَا قَلْبِی بِمَعْرِفَتِکَ خَاصَّهً وَ مَعْرِفَهِ أَوْلِیَائِکَ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ‏ءٍ قَدِیرٌ.

**[ترجمه]کتاب عتیق غروی: نوف بکالی گفت: امیرمؤمنان علیه السلام را دیدم که به سرعت دور می شد. پرسیدم: مولای من به کجا می روید؟ فرمود: ای نوف، رهایم کن که آرزوهایم مرا به سوی محبوب می کشاند. گفتم: مولای من، آرزوهایتان چیست؟ فرمود: آن کس که آرزوی من است خود می داند و نیازی ندارم برای غیر او بیان کنم. این ادب برای بنده کافی است که در نعمت ها و حاجاتش برای پروردگار شریکی قرار ندهد. گفتم: ای امیرمؤمنان، من از حرص و چشم دوختن به طمع های دنیوی بر خودم می ترسم. امام به من فرمود: چرا به سراغ پناه ترسیدگان و عارفان نمی روی؟ گفتم:آن را نشانم دهید. فرمود: خداوند بزرگ و بلندمرتبه با بخشش نیکوی خود تو را به آرزویت می رساند و تو با تلاش خودت به آن روی می آوری. از آن چه در قلبت فرود آمده روی بگردان. پس اگر تو را برای آن مهلت داد من یادآوری اش را ضمانت می کنم. و به جز خداوند سبحان از همه کس ناامید شو، چرا که خداوند متعال می فرماید: به عزت و جلالم قسم امید هر کس را که به کسی جز من امید ببندد، ناامید می کنم و در میان مردم لباس خواری به او می پوشانم و او را از خود دور می کنم و او را از رسیدن به خود محروم می کنم و هنگامی که به غیر من توجه می کند، یاد او را بی ارزش می کنم. وای بر او، آیا برای مشکلاتش به کسی جز من امید بسته درحالی که حل مشکلات به دست من است و من زنده و پایدار هستم؟ درهای بسته ی بندگانم را می زند اما به درگاه من که به رویش گشوده است نمی آید. پس کیست که با وجود گناهان بسیارش به من امید بسته و من او را ناامید کرده ام؟ آرزوهای بندگانم را به خود متصل گردانیدم و امیدشان را نزد خود ذخیره کردم. آسمان هایم را از کسانی پر کردم که از تسبیح من خسته نمی شوند و به فرشتگانم دستور دادم درهای بین من و بندگانم را نبندند. آیا آن کس که گرفتاری و بلایی از طرف من به او می رسد نمی داند که تنها با اجازه ی من می توان آن را برطرف کرد؟ پس چرا بنده ام از من روی گردان می شود در حالی که آن چه را که از من درخواست نکرده به او عطا کردم؟ پس از من درخواست نکرده و از غیر من سؤال کرد. آیا می پندارد من که بدون درخواست به بنده ام بخشیده ام، اگر از من سؤال کند پاسخ نمی دهم؟ آیا من بخیلم که بنده ام مرا بخیل می پندارد؟ آیا دنیا و آخرت همه از آن من نیست؟ آیا بخشش و بزرگواری ویژگی من نیست؟ آیا رحمت و بزرگی در اختیار من نیست؟ آیا آرزوها به کسی جز من بازمی گردند؟ پس چه کسی جز من آن ها را قطع می کند؟ امیدواران نباید به کسی جز من امید ببندند که به عزت و جلالم سوگند اگر آرزوهای همه ساکنان آسمان و زمین را جمع کنم و به تک تک آن ها ببخشم، از دارایی من ذره ای کاسته نمی شود. و چگونه از کسی که من به او بخشش کرده ام کاسته می شود؟ تیره بخت کسانی که از رحمت من ناامید هستند، بیچاره کسی که مرا نافرمانی کرده و آن چه من حرام کرده بودم انجام داد و از من پروا نکرده و به من جسارت کرد. سپس امام علیه السلام به من فرمود: ای نوف، این دعا را بخوان: پروردگارا، اگر تو را سپاس گفتم از بخشش های تو بود، و اگر تو را بزرگ

دانستم به خواست تو بود، و اگر تو را تقدیس کردم با نیروی تو بود، و اگر لا اله الا الله گفتم با قدرت تو بود، اگر نگاه کردم به رحمت تو و اگر چشیدم نعمت تو بود. خدایا، همانا کسی که تشنه ی یاد تو نشود و قصد سفر به سوی تو را نداشته باشد، زندگی برایش چون مرگ و مرگش باعث حسرت او خواهد بود. خداوندا، دیدگان بینایان با رازهای پنهان در دل ها به سوی تو دوخته شده و گوش های شنوایان نجوای دل ها را برایت می خواند. پس چشم هایشان پاسخی جز آن چه می خواهند نمی بینند. پرده های غفلت را از میان خودت و آن ها برداشته ای، پس در نور تو قرار گرفته اند و با آرامش تو نفس می کشند، دل هایشان کشتزار بزرگی تو و دیده هایشان فرش قدرت تو شده است. جان هایشان را به حریم قدسی خودت نزدیک گرداندی، پس با متانت همنشینی و فروتنی سخن گفتن تو را یاد کردند و مهربانانه به آن ها روی آوردی و مانند همنشین نزدیک به آن ها گوش فرادادی و با آن ها مانند دوستی صمیمی سخن گفتی و پاسخشان را دادی. پس مرا نیز به جایگاهی که آنان بدان رسیدند برسان و از یاد خودم مرا به ذکر خودت برسان و میان من و ملکوت عزتت هیچ در بسته ای و هیچ پرد ه ی غفلتی باقی مگذار تا آن که روحم در میان انوار عرشت قرار گیرد و جایگاهی از نورت برای آن قرار دهی که تو بر هر کار توانایی .

خدایا،

چه وحشتناک است راهی که در آن امید به تو همراهم نباشد، و چه دور و دراز است سفری که راهنمایم در آن امید به تو نباشد. کسی که به ریسمانی جز تو چنگ زند زیان کرده و تکیه گاه کسی که به غیر تو تکیه کند ناتوان است. پس ای کسی که به امیدوارانش یاد می دهد که امید ببندند و نگرانی و اندوه را از آنان دور می کند. مرا از اعمال شایسته محروم نکن، مانند کسی که چاره اش به پایان آمده مرا حفظ کن. چگونه امیدواران تو خواری فقر را می بینند در حالی که تو از ضرر رساندن به گنهکاران بی نیازی. خدایا، هر شیرینی به پایان می رسد اما شیرینی ایمان با رسیدن به تو افزوده می شود. پروردگارا، قلبم امیدش را به سوی تو گسترانیده، پس شادمانی رسیدن به آرزویش را به او بچشان، همانا تو بر انجام هر کار توانایی. خدایا، با معرفت کسی که تو را تا ژرفای معرفتت می شناسد، از تو می خواهم هر خیری که برای مؤمن لازم است به من عطا کنی، و به تو پناه می برم از هر شری که دوستانت را از آن مصون داشته ای. که تو بر هر کاری توانایی.

خداوندا، تو را می خوانم مانند درمانده ای که امیدش حیران شده و پناهگاه و تکیه گاهی نمی بیند که به وسیله آن به تو برسد و او را به سوی تو رهنمون شود، مگر به وسیله تو و تکیه گاه تو و جایگاه هایت که هرگز از جانب تو به تأخیر نمی افتند. پس تو را می خوانم به نامت که برای دوستان خاصت آشکار کردی، پس تو را به یگانگی شناختند و تو را به حقیقت عبادت نمودند، که خودت را به من بشناسانی تا با حقیقت ایمان به ربوبیتت اقرار کنم و مرا از کسانی قرار نده که تنها به اسم عبادتت می کنند، نه با معنا. و به عنایتی از جانب خود به من توجه کن تا قلبم به نور معرفت تو و دوستانت روشن گردد،

همانا تو بر هر کار توانایی.

**[ترجمه]

«۱۳»

ق، [الکتاب العتیق الغرویّ] مُنَاجَاهُ مَوْلَانَا أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ هِیَ

ص: ۹۶

مُنَاجَاهُ الْأَئِمَّهِ مِنْ وُلْدِهِ علیهم السلام كَانُوا يَدْعُونَ بِهَا فِی شَهْرِ شَعْبَانَ رِوَايَهُ ابْنِ خَالَوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ [وَ اسْمَعْ نِدَائِی إِذَا نَادَيْتُكَ وَ اسْمَعْ دُعَائِی إِذَا دَعَوْتُكَ] وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَاجَيْتُكَ فَقَدْ هَرَبْتُ إِلَيْكَ وَ وَقَفْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ مُسْتَكِيناً لَكَ مُتَضَرِّعاً إِلَيْكَ رَاجِياً لِمَا لَدَيْكَ تَرَانِی وَ تَعْلَمُ مَا فِی نَفْسِی وَ تُخْبِرُ حَاجَتِی وَ تَعْرِفُ ضَمِيرِی وَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ أَمْرُ مُنْقَلَبِی وَ مَثْوَایَ وَ مَا أُرِيدُ أَنْ أُبْدِئَ بِهِ مِنْ مَنْطِقِی وَ أَتَفَوَّهُ بِهِ مِنْ طَلِبَتِی وَ أَرْجُوهُ لِعَاقِبَهِ أَمْرِی (۱)

وَ قَدْ جَرَتْ مَقَادِيرُكَ عَلَيَّ يَا سَيِّدِی فِيمَا يَكُونُ مِنِّی إِلَى آخِرِ عُمُرِی مِنْ سَرِيرَتِی وَ عَلَانِيَتِی وَ بِيَدِكَ لَا بِيَدِ غَيْرِكَ زِيَادَتِی وَ نَقْصِی وَ نَفْعِی وَ ضُرِّی إِلَهِی إِنْ حَرَمْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی يَرْزُقُنِی وَ إِنْ خَذَلْتَنِی فَمَنْ ذَا الَّذِی يَنْصُرُنِی إِلَهِی أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَ حُلُولِ سَخَطِكَ إِلَهِی إِنْ كُنْتُ غَيْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيَّ بِفَضْلِ سَعَتِكَ إِلَهِی كَأَنِّی بِنَفْسِی وَاقِفَهٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ قَدْ أَظَلَّهَا حُسْنُ تَوَكُّلِی عَلَيْكَ فَفَعَلْتَ (۲)

مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ تَغَمَّدْتَنِی بِعَفْوِكَ إِلَهِی فَإِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِذَلِكَ وَ إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِی وَ لَمْ يُدْنِنِی مِنْكَ عَمَلِی فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ إِلَيْكَ وَسِيلَتِی إِلَهِی قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِی فِی النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَيْلُ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا إِلَهِی لَمْ يَزَلْ بِرُّكَ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِی فَلَا تَقْطَعْ بِرَّكَ عَنِّی فِی مَمَاتِی وَ أَنْتَ لَمْ تُوَلِّنِی إِلَّا الْجَمِيلَ فِی حَيَاتِی إِلَهِی تَوَلَّ مِنْ أَمْرِی مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ عُدْ بِفَضْلِكَ عَلَى مُذْنِبٍ قَدْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ إِلَهِی قَدْ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوباً فِی الدُّنْيَا وَ أَنَا أَحْوَجُ إِلَى سَتْرِهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِی الْأُخْرَى إِلَهِی قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ فَلَا تَفْضَحْنِی يَوْمَ الْقِيَامَهِ عَلَى رُءُوسِ الْأَشْهَادِ إِلَهِی جُودُكَ بَسَطَ أَمَلِی وَ عَفْوُكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِی إِلَهِی فَسُرَّنِی بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضِی فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ إِلَهِی اعْتِذَارِی إِلَيْكَ اعْتِذَارُ مَنْ لَمْ يَسْتَغْنِ عَنْ قَبُولِ عُذْرِهِ فَاقْبَلْ عُذْرِی يَا أَكْرَمَ مَنِ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ إِلَهِی لَا تَرُدَّ حَاجَتِی وَ لَا تُخَيِّبْ

۱- ۱. لعاقبتی خ ل.

۲- ۲. فقلت خ ل.

طَمَعِی وَ لَا تَقْطَعْ مِنْکَ رَجَائِی وَ أَمَلِی إِلَهِی لَوْ أَرَدْتَ هَوَانِی لَمْ تَهْدِنِی وَ لَوْ أَرَدْتَ فَضِیحَتِی لَمْ تُعَافِنِی إِلَهِی مَا أَظُنُّکَ تَرُدُّنِی فِی حَاجَهٍ(۱) قَدْ أَفْنَیْتُ عُمُرِی فِی طَلَبِهَا مِنْکَ إِلَهِی فَلَکَ الْحَمْدُ أَبَداً أَبَداً دَائِماً سَرْمَداً یَزِیدُ وَ لَا یَبِیدُ کَمَا تُحِبُّ فَتَرْضَی.

إِلَهِی إِنْ أَخَذْتَنِی بِجُرْمِی أَخَذْتُکَ بِعَفْوِکَ وَ إِنْ أَخَذْتَنِی بِذُنُوبِی أَخَذْتُکَ بِمَغْفِرَتِکَ وَ إِنْ أَدْخَلْتَنِی النَّارَ أَعْلَمْتُ أَهْلَهَا أَنِّی أُحِبُّکَ إِلَهِی إِنْ کَانَ صَغُرَ فِی جَنْبِ طَاعَتِکَ عَمَلِی فَقَدْ کَبُرَ فِی جَنْبِ رَجَائِکَ أَمَلِی إِلَهِی کَیْفَ أَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِکَ بِالْخَیْبَهِ مَحْرُوماً وَ قَدْ کَانَ حُسْنُ ظَنِّی بِجُودِکَ أَنْ تَقْلِبَنِی بِالنَّجَاهِ مَرْحُوماً إِلَهِی وَ قَدْ أَفْنَیْتُ عُمُرِی فِی شِرَّهِ السَّهْوِ عَنْکَ وَ أَبْلَیْتُ شَبَابِی فِی سَکْرَهِ التَّبَاعُدِ مِنْکَ إِلَهِی فَلَمْ أَسْتَیْقِظْ أَیَّامَ اغْتِرَارِی بِکَ وَ رُکُوبِی إِلَی سَبِیلِ سَخَطِکَ إِلَهِی وَ أَنَا عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدَیْکَ قَائِمٌ بَیْنَ یَدَیْکَ مُتَوَسِّلٌ بِکَرَمِکَ إِلَیْکَ.

إِلَهِی أَنَا عَبْدٌ أَتَنَصَّلُ إِلَیْکَ (۲) مِمَّا کُنْتُ أُوَاجِهُکَ بِهِ مِنْ قِلَّهِ اسْتِحْیَائِی مِنْ نَظَرِکَ وَ أَطْلُبُ الْعَفْوَ مِنْکَ إِذِ الْعَفْوُ نَعْتٌ لِکَرَمِکَ إِلَهِی لَمْ یَکُنْ لِی حَوْلٌ فَأَنْتَقِلَ بِهِ عَنْ مَعْصِیَتِکَ إِلَّا فِی وَقْتٍ أَیْقَظْتَنِی لِمَحَبَّتِکَ فَکَمَا أَرَدْتَ أَنْ أَکُونَ کُنْتُ فَشَکَرْتُکَ بِإِدْخَالِی فِی کَرَمِکَ وَ لِتَطْهِیرِ قَلْبِی مِنْ أَوْسَاخِ الْغَفْلَهِ عَنْکَ.

إِلَهِی انْظُرْ إِلَیَّ نَظَرَ مَنْ نَادَیْتَهُ فَأَجَابَکَ وَ اسْتَعْمَلْتَهُ بِمَعُونَتِکَ فَأَطَاعَکَ یَا قَرِیباً لَا یَبْعُدُ عَنِ الْمُغْتَرِّ بِهِ وَ یَا جَوَاداً لَا یَبْخَلُ عَمَّنْ رَجَا ثَوَابَهُ إِلَهِی هَبْ لِی قَلْباً یُدْنِیهِ مِنْکَ شَوْقُهُ وَ لِسَاناً یَرْفَعُهُ إِلَیْکَ صِدْقُهُ وَ نَظَراً یُقَرِّبُهُ مِنْکَ حَقُّهُ إِلَهِی إِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِکَ غَیْرُ مَجْهُولٍ وَ مَنْ لَاذَ بِکَ غَیْرُ مَخْذُولٍ وَ مَنْ أَقْبَلْتَ عَلَیْهِ غَیْرُ مَمْلُولٍ إِلَهِی إِنَّ مَنِ انْتَهَجَ بِکَ لَمُسْتَنِیرٌ وَ إِنَّ مَنِ اعْتَصَمَ بِکَ لَمُسْتَجِیرٌ وَ قَدْ لُذْتُ بِکَ یَا سَیِّدِی (۳) فَلَا تُخَیِّبَنَّ ظَنِّی مِنْ رَحْمَتِکَ وَ لَا تَحْجُبْنِی عَنْ رَأْفَتِکَ إِلَهِی أَقِمْنِی فِی أَهْلِ وَلَایَتِکَ مُقَامَ [مَنْ] رَجَا الزِّیَادَهَ(۴) مِنْ مَحَبَّتِکَ إِلَهِی وَ أَلْهِمْنِی وَلَهاً بِذِکْرِکَ إِلَی

۱- ۱. عن حاجه خ ل.

۲- ۲. تنصل الی فلان من الجنایه: خرج و تبرأ، عدی بالی لتضمنه معنی الاعتذار.

۳- ۳. الهی، خ ل.

۴- ۴. مقام من جاء بالزیاده خ ل.

ذِكْرِكَ وَ همنی [اجْعَلْ هِمَّتِی] إِلَی رَوْحِ نَجَاحِ أَسْمَائِکَ وَ مَحَلِّ قُدْسِکَ إِلَهِی بِکَ عَلَيْکَ إِلَّا أَلْحَقْتَنِی بِمَحَلِّ أَهْلِ طَاعَتِکَ وَ الْمَثْوَی الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِکَ فَإِنِّی لَا أَقْدِرُ لِنَفْسِی دَفْعاً وَ لَا أَمْلِکُ لَهَا نَفْعاً.

إِلَهِی أَنَا عَبْدُکَ الضَّعِيفُ الْمُذْنِبُ وَ مَمْلُوکُکَ الْمُنِيبُ الْمُغِيثُ فَلَا تَجْعَلْنِی مِمَّنْ صَرَفْتَ عَنْهُ وَجْهَکَ وَ حَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ عَفْوِکَ إِلَهِی هَبْ لِی كَمَالَ الِانْقِطَاعِ إِلَيْکَ وَ أَنِرْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْکَ حَتَّی تَخْرِقَ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ حُجُبَ النُّورِ فَتَصِلَ إِلَی مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ وَ تَصِيرَ أَرْوَاحُنَا مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْسِکَ إِلَهِی وَ اجْعَلْنِی مِمَّنْ

نَادَيْتَهُ فَأَجَابَکَ وَ لَاحَظْتَهُ فَصَعِقَ بِجَلَالِکَ فَنَاجَيْتَهُ سِرّاً وَ عَمِلَ لَکَ جَهْراً إِلَهِی لَمْ أُسَلِّطْ عَلَی حُسْنِ ظَنِّی قُنُوطَ الْإِيَاسِ وَ لَا انْقَطَعَ رَجَائِی مِنْ جَمِيلِ كَرَمِکَ إِلَهِی إِنْ كَانَتِ الْخَطَايَا قَدْ أَسْقَطَتْنِی لَدَيْکَ فَاصْفَحْ عَنِّی بِحُسْنِ تَوَكُّلِی عَلَيْکَ إِلَهِی إِنْ حَطَّتْنِی الذُّنُوبُ مِنْ مَكَارِمِ لُطْفِکَ فَقَدْ نَبَّهَنِی الْيَقِينُ إِلَی كَرَمِ عَطْفِکَ إِلَهِی إِنْ أَنَامَتْنِی الْغَفْلَةُ عَنِ الِاسْتِعْدَادِ لِلِقَائِکَ فَقَدْ نَبَّهَتْنِی الْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِ آلَائِکَ إِلَهِی إِنْ دَعَانِی إِلَی النَّارِ عَظِيمُ عِقَابِکَ فَقَدْ دَعَانِی إِلَی الْجَنَّةِ جَزِيلُ ثَوَابِکَ إِلَهِی فَلَکَ أَسْأَلُ وَ إِلَيْکَ أَبْتَهِلُ وَ أَرْغَبُ وَ أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَنِی مِمَّنْ يُدِيمُ ذِكْرَکَ وَ لَا يَنْقُضُ عَهْدَکَ وَ لَا يَغْفُلُ عَنْ شُكْرِکَ وَ لَا يَسْتَخِفُّ بِأَمْرِکَ إِلَهِی وَ أَلْحِقْنِی بِنُورِ عِزِّکَ الْأَبْهَجِ فَأَكُونَ لَکَ عَارِفاً وَ عَنْ سِوَاکَ مُنْحَرِفاً وَ مِنْکَ خَائِفاً مُتَرَقِّباً يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ.

**[ترجمه]کتاب عتیق غروی: مناجات مولای ما امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام که مناجات امامان و فرزندان ایشان بوده که در ماه شعبان این دعا را می خواندند، طبق روایت ابن خالویه چنین است: پروردگارا بر محمد و خاندان او درود فرست و فریادم را بشنو هنگامی که تو را می خوانم و دعایم را بشنو وقتی که دعا می کنم و هنگامی که مناجاتت می کنم به من روی آور، پس همانا به سوی تو گریخته ام و مقابلت ایستاده ام در حالی که تهیدستی ام را به تو عرضه کرده ام و به درگاهت التماس می کنم و به آن چه نزد توست امید بسته ام، مرا می بینی و آن چه درون من است می دانی و از نیاز من آگاهی و درونم را می شناسی و حال من در دنیا و آخرت و آن چه از درخواست هایم که می خواهم بر زبان بیاورم و در سرانجام خود به آن امید دارم، بر تو پوشیده نیست. و ای مولای من به تحقیق که مقدرات تو بر من جاری شده، از آن چه تا پایان زندگی من بوده و از دورن و برونم و آن چه به من افزوده یا کاسته می شود و سود و زیان من تنها به دست توست نه دیگری. خدایا، اگر تو مرا محروم کنی چه کس به من عطا می کند و اگر تو مرا خوار گردانی چه کس یاری ام می کند؟ خدایا، به تو پناه می برم از خشم و نزول عذاب تو. معبودا، اگر من شایسته ی رحمتت نیستم تو شایسته ای که با فضل گسترده ات به من بخش کنی. خداوندا، گویی در مقابل تو ایستاده ام و حسن اعتماد به تو بر سرم سایه افکنده است. پس آن چه از درگاه تو انتظار می رود فرمودی و مرا سراپا در عفو خود فرو بردی. پروردگارا، اگر مرا ببخشی شایسته ی بخشش هستی و اگر مرگم نزدیک شده و عملم مرا به تو نزدیک نمی گرداند، پس اعتراف به گناهان را وسیله رسیدن به تو قرار دادم. معبودا، من در تدبیر خویشتن به خود ستم کردم، پس وای بر من اگر تو نبخشی ام. خداوندا، نیکی تو در زمان حیاتم همواره به من می رسد، پس بعد از مرگم نیز نیکی هایت را از من قطع نکن که در زندگی جز نیکی از تو ندیده ام. خدایا، آن چنان که خود شایسته ی آنی کار مرا به عهده بگیر و به بخشش خود به گنهکاری که نادانی اش او را فراگرفته نگاهی بینداز. پروردگارا، همانا در دنیا گناهانی را بر من پوشاندی و من در آخرت به پوشیده ماندن آن نیازمندتر هستم. خدایا، با پوشیده نگه داشتن آن بر بندگانت به من نیکی کردی، پس در روز قیامت نیز در برابر همه مردم رسوایم نکن. خداوندا، سخاوت تو امیدم را گسترانده و آمرزشت از کردار من برتر است. خدایا، پس در روزی که میان بندگانت داوری می کنی مرا شاد گردان. معبودا، عذرخواهی من به درگاه تو عذرخواهی کسی است که از پذیرفته شدن عذر خود بی نیاز نیست، ای بزرگوارترین کسی که گنهکاران از درگاهش عذرخواهی می کنند. خداوندا، حاجتم را رد نکن و طمعم را نا امید نساز و امید و آرزویم را از خودت نبر. خدایا، اگر قصد خوار کردن مرا داشتی هدایتم نمی کردی و اگر می خواستی رسوایم کنی عافیتم نمی دادی. معبود من، گمان نمی کنم حاجتی را که تمام عمرم را به درخواست آن سپری کرده ام رد کنی. خدای من، حمد از آن توست همیشه و همواره و تا ابد، افزون می شود و کم نمی گردد، چنان که دوست می داری و راضی می شوی. خدایا، اگر مرا به خطایم بگیری تو را به گذشتت می گیرم و اگر مرا به گناهم بگیری تو را به آمرزشت می گیرم. و اگر مرا به آتش ببری به ساکنانش خواهم گفت که تو را دوست می دارم. خداوندا، اگر عمل من در فرمانبرداری تو اندک است، امیدم به تو بسیار است. پس

چگونه با دست خالی و ناامید از درگاهت برگردم در حالی که به سخاوت تو امیدوار بودم که با مهربانی مرا پیروز گردانی. معبودا، زندگی ام را در بدمنشی فراموشی تو گذرانیدم و جوانی ام را در مستی دوری از تو از دست دادم و در روزگار غفلت و بی خبری از تو و پیروی از خشم و غضب تو بیدار نشدم. پروردگارا، من بنده و فرزند بندگان توام که مقابلت ایستاده ام و به وسیله بخشـشت به سوی تو توسل جستم. خدایا، من بنده ای هستم که خود را از آن چه در کم شرمی از نگاه تو برابرت ایستادگی کرده بودم به سوی تو کشیدم و از تو تقاضای گذشت دارم که گـذشت وصف بزرگواری توست. خدایا، من توانی نداشتم که از نافرمانی تو بازگردم، مگر در زمانی که تو برای محبتت بیدارم نمودی و چنان شدم که تو می خواستی. پس تو را سپاس می گویم که مرا در بخششت درآوردی و قلبم را از آلودگی های غفلت پاک نمودی. معبودا، چونان کسی به من نگاه کن که او را خواندی و اجابتت نمود، و با یاری خود به کارش گماردی و فرمانبرداری ات کرد. ای نزدیکی که از بی توجهان دوری نمی کند و ای بخشنده ای که به امیدواران پاداشش بخل نمی ورزد. پروردگارا، قلبی به من عطا کن که از اشتیاق به تو نزدیک گردد و زبـانی به من ببخش که راستی به درگـاهت آورد و نگـاهی که به انـدازه ی خود مرا به تو نزدیـک گردانـد. خـدایا، آن کس که با تو شناخته شود ناشـناس نشود و آن کس که به تو پناه آورد خوار نخواهـد شد و کسـی که تو به او روی آوری اندوهگین نشود. خدایا، آن کس که با کمک تو راه جوید هدایت یافته است و کسـی که به آسـتان تو چنگ زند ایمن است و من به تو پناه آورده ام مولای من، پس گمانم را به رحمتت ناامیـد مکن و مرا از مهربـانی ات نپوشـان. معبودا، در میـان دوسـتانت جایگاه کسـی را به من بـده که به محبت بیشتر تو امیـد دارد. پروردگـارا، پیـاپی شـیفتگی یـادت را و همتت را برای نشـاط کامیـابی یـادت و جایگاه قـدست در دلم قرار ده. خداونـدا، به حق خودت تو را سوگنـد که مرا به جایگـاه اهـل طاعتت و پایگاه نیکوی خشـنودی ات برسانی، چرا که من دفاعی برای خود نـدارم و سودی به آن نمی رسانم. خـدایا، من بنـده ی ناتوان و گنهکار تو و مملوک توبه کار و پناهنـده ات هسـتم، پس مرا از کسانی قرار نده که از آن ها روی گردان شدی و فراموشـی اش او را از عفو تو محروم کرد. معبودا، نهایت دل بریدن از غیرت را به من ببخش و دیدگان قلب هایمان را به روشـنایی نگاهش به خودت روشن کن، تا آن که دیده ی دل، پرده های نور را پاره کند و به سرچشـمه ی عظمت برسد و جان هایمان به عزت قدسـی ات بیاویزد. خداوندا، مرا از کسانی قرار ده که صدایشان زدی و پاسـخت دادند و به ایشان توجه نمودی و از شدت بزرگی ات نعره کشـیدند. در نهان با او مناجات کردی و او برای تو آشـکارا عمل کرد. معبودا، ناامیدی و یأس را به خوش گمانی ام مسلط نمی کنم و امید من از بخشش زیبایت قطع نخواهـد شد. خداوندا، اگر گناهانم مرا در نزد تو بی اعتبار کرده، پس به خاطر اعتمادم به تو با نیکی از من درگذر. معبودا، اگر گناهانم مرا از بخشـش هـای تو پایین کشـیده است، به راستی اعتقاد به سـخاوت و مهربانی ات آگاهم نموده است. بارخـدایا، اگر غفلت مرا از آمادگی برای ملاقـاتت خواب نموده، به راستی که شـناخت مهربـانی هـایت آگاهم کرده، پروردگارا، اگر بزرگی کیفرت مرا به سوی آتش بخوانـد، پاداش فراوانـت نیز مرا بـه بهشت فرامی خوانـد. خداونـدا، از تـو درخـواست می کنم و به سـوی تـو زاری می کنم و رو به سـوی تـو می آورم و از تو درخواست می کنم بر محمـد و خانـدانش درود فرسـتی و مرا از کسـانی قرار دهی که پیوسـته به یـاد تو هسـتند و پیمـانت را نمی شـکنند و از شکرگزاری ات غفلت نمی ورزنـد و در فرمان تو کوتاهی نمی کنند. معبودا، مرا به پرتو فروزان عزتت برسان تا تو را بشـناسم و از غیر تو روی گردان شوم و از تو بترسم و به تو توجه داشته باشم، ای صاحب بخشش و بزرگی. درود خداوند بر محمد و خاندان پاک و مطهرش و سلام بر آنان.

**[ترجمه]

«۱۴»

لد، [بلد الأمين] مُنَاجَاهُ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرْوِيَّهً عَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ:

إِلَهِی صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْنِی إِذَا انْقَطَعَ مِنَ الدُّنْیا أَثَرِی وَ امْتَحَی مِنَ الْمَخْلُوقِینَ ذِكْرِی وَ صِرْتُ فِی الْمَنْسِیِّینَ كَمَنْ قَدْ نُسِیَ إِلَهِی كَبِرَتْ سِنِّی وَ رَقَّ جِلْدِی وَ دَقَّ عَظْمِی وَ نَالَ الدَّهْرُ مِنِّی وَ اقْتَرَبَ أَجَلِی وَ نَفِدَتْ أَیَّامِی وَ ذَهَبَتْ

شَهَوَاتِی وَ بَقِیَتْ تَبِعَاتِی.

إِلَهِی ارْحَمْنِی إِذَا تَغَیَّرَتْ صُورَتِی وَ امْتَحَتْ مَحَاسِنِی وَ بَلِیَ جِسْمِی وَ تَقَطَّعَتْ أَوْصَالِی وَ تَفَرَّقَتْ أَعْضَائِی إِلَهِی أَفْحَمَتْنِی ذُنُوبِی وَ قَطَعَتْ (۱) مَقَالَتِی فَلَا حُجَّهَ لِی وَ لَا عُذْرَ فَأَنَا الْمُقِرُّ بِجُرْمِی الْمُعْتَرِفُ بِإِسَاءَتِی الْأَسِیرُ بِذَنْبِی الْمُرْتَهَنُ بِعَمَلِی الْمُتَهَوِّرُ فِی بُحُورِ خَطِیئَتِی الْمُتَحَیِّرُ عَنْ قَصْدِی الْمُنْقَطَعُ بِی فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْنِی بِرَحْمَتِکَ وَ تَجَاوَزْ عَنِّی یَا کَرِیمُ بِفَضْلِکَ إِلَهِی إِنْ کَانَ صَغُرَ فِی جَنْبِ طَاعَتِکَ عَمَلِی فَقَدْ کَبُرَ فِی جَنْبِ رَجَائِکَ أَمَلِی إِلَهِی کَیْفَ أَنْقَلِبُ بِالْخَیْبَهِ مِنْ عِنْدِکَ مَحْرُوماً وَ کَانَ ظَنِّی بِکَ وَ بِجُودِکَ أَنْ تَقْلِبَنِی بِالنَّجَاهِ مَرْحُوماً إِلَهِی لَمْ أُسَلِّطْ عَلَی حُسْنِ ظَنِّی قُنُوطَ الْآیِسِینَ فَلَا تُبْطِلْ صِدْقَ رَجَائِی لَکَ بَیْنَ الْآمِلِینَ إِلَهِی عَظُمَ جُرْمِی إِذْ کُنْتَ الْمُبَارَزَ بِهِ وَ کَبُرَ ذَنْبِی إِذْ کُنْتَ الْمُطَالِبَ بِهِ إِلَّا أَنِّی إِذَا ذَکَرْتُ کَبِیرَ جُرْمِی وَ عَظِیمَ غُفْرَانِکَ وَجَدْتُ الْحَاصِلَ لِی مِنْ بَیْنِهِمَا عَفْوَ رِضْوَانِکَ إِلَهِی إِنْ دَعَانِی إِلَی النَّارِ بِذَنْبِی مَخْشِیُّ عِقَابِکَ فَقَدْ نَادَانِی إِلَی الْجَنَّهِ بِالرَّجَاء حُسْنُ ثَوَابِکَ إِلَهِی إِنْ أَوْحَشَتْنِی الْخَطَایَا عَنْ مَحَاسِنِ لُطْفِکَ فَقَدْ آنَسَتْنِی بِالْیَقِینِ مَکَارِمُ عَطْفِکَ إِلَهِی إِنْ أَنَامَتْنِی الْغَفْلَهُ عَنِ الِاسْتِعْدَادِ لِلِقَائِکَ فَقَدْ أَنْبَهَتْنِی الْمَعْرِفَهُ یَا سَیِّدِی بِکَرِیمِ آلَائِکَ إِلَهِی إِنْ عَزَبَ لُبِّی عَنْ تَقْوِیمِ مَا یُصْلِحُنِی فَمَا عَزَبَ إِیقَانِی بِنَظَرِکَ لِی فِیمَا یَنْفَعُنِی إِلَهِی إِنِ انْقَرَضَتْ بِغَیْرِ مَا أَحْبَبْتَ مِنَ السَّعْیِ أَیَّامِی فَبِالْإِیمَانِ أَمْضَتْهَا الْمَاضِیَاتُ (۲) مِنْ أَعْوَامِی إِلَهِی جِئْتُکَ مَلْهُوفاً قَدْ أُلْبِسْتُ عَدَمَ فَاقَتِی وَ أَقَامَنِی مُقَامَ الْأَذِلَّاءِ بَیْنَ یَدَیْکَ ضُرُّ حَاجَتِی إِلَهِی کَرُمْتَ فَأَکْرِمْنِی إِذْ کُنْتُ مِنْ سُؤَّالِکَ وَ جُدْتَ بِالْمَعْرُوفِ فَاخْلِطْنِی بِأَهْلِ نَوَالِکَ إِلَهِی مَسْکَنَتِی لَا یَجْبُرُهَا إِلَّا عَطَاؤُکَ وَ أُمْنِیَّتِی لَا یُغْنِیهَا إِلَّا جَزَاؤُکَ إِلَهِی أَصْبَحْتُ عَلَی بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ مِنَحِکَ سَائِلًا وَ عَنِ التَّعَرُّضِ لِسِوَاکَ بِالْمَسْأَلَهِ عَادِلًا وَ لَیْسَ مِنْ جَمِیلِ امْتِنَانِکَ رَدُّ سَائِلٍ مَلْهُوفٍ

۱- ۱. انقطعت خ ل.

۲- ۲. أمضیت الماضیات، خ ل.

وَ مُضْطَرٍّ لِانْتِظَارِ خَيْرِكَ الْمَأْلُوفِ.

إِلَهِی أَقَمْتُ عَلَى قَنْطَرَةٍ مِنْ قَنَاطِرِ الْأَخْطَارِ مَبْلُوّاً بِالْأَعْمَالِ وَ الِاعْتِبَارِ فَأَنَا الْهَالِکُ إِنْ لَمْ تُعِنْ عَلَيْنَا بِتَخْفِيفِ الْأَثْقَالِ إِلَهِی أَ مِنْ أَهْلِ الشَّقَاءِ خَلَقْتَنِی فَأُطِيلَ بُکَائِی أَمْ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَهِ خَلَقْتَنِی فَأُبَشِّرَ رَجَائِی إِلَهِی إِنْ حَرَمْتَنِی رُؤْيَهَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِی دَارِ السَّلَامِ وَ أَعْدَمْتَنِی تَطْوَافَ الْوُصَفَاءِ مِنَ الْخُدَّامِ وَ صَرَفْتَ وَجْهَ تَأْمِيلِی بِالْخَيْبَهِ فِی دَارِ الْمُقَامِ فَغَيْرَ ذَلِکَ مَنَّتْنِی نَفْسِی مِنْکَ يَا ذَا الْفَضْلِ وَ الْإِنْعَامِ إِلَهِی وَ عِزَّتِکَ وَ جَلَالِکَ لَوْ قَرَنْتَنِی فِی الْأَصْفَادِ طُولَ الْأَيَّامِ وَ مَنَعْتَنِی سَيْبَکَ مِنْ بَيْنِ الْأَنَامِ وَ حُلْتَ بَيْنِی وَ بَيْنَ الْکِرَامِ مَا قَطَعْتُ رَجَائِی مِنْکَ وَ لَا صَرَفْتُ وَجْهَ انْتِظَارِی لِلْعَفْوِ عَنْکَ إِلَهِی لَوْ لَمْ تَهْدِنِی إِلَى الْإِسْلَامِ مَا اهْتَدَيْتُ وَ لَوْ لَمْ تَرْزُقْنِی الْإِيمَانَ بِکَ مَا آمَنْتُ وَ لَوْ لَمْ تُطْلِقْ لِسَانِی بِدُعَائِکَ مَا دَعَوْتُ وَ لَوْ لَمْ تُعَرِّفْنِی حَلَاوَهَ مَعْرِفَتِکَ مَا عَرَفْتُ وَ لَوْ لَمْ تُبَيِّنْ لِی شَدِيدَ عِقَابِکَ مَا اسْتَجَرْتُ.

إِلَهِی أَطَعْتُکَ فِی أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْکَ وَ هُوَ التَّوْحِيدُ وَ لَمْ أَعْصِکَ فِی أَبْغَضِ الْأَشْيَاءِ وَ هُوَ الْکُفْرُ فَاغْفِرْ لِی مَا بَيْنَهُمَا إِلَهِی أُحِبُّ طَاعَتَکَ وَ إِنْ قَصَّرْتُ عَنْهَا وَ أَکْرَهُ مَعْصِيَتَکَ وَ إِنْ رَکِبْتُهَا فَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِالْجَنَّهِ وَ إِنْ لَمْ أَکُنْ مِنْ أَهْلِهَا وَ خَلِّصْنِی مِنَ النَّارِ وَ إِنِ اسْتَوْجَبْتُهَا إِلَهِی إِنْ أَقْعَدَنِی (۱) الذُّنُوبُ عَنِ السَّبْقِ مَعَ الْأَبْرَارِ فَقَدْ أَقَامَتْنِی الثِّقَهُ بِکَ عَلَى مَدَارِجِ الْأَخْيَارِ إِلَهِی قَلْبٌ حَشَوْتَهُ مِنْ مَحَبَّتِکَ فِی دَارِ الدُّنْيَا کَيْفَ تَطَّلِعُ عَلَيْهِ نَارٌ مُحْرِقَهٌ فِی لَظَى إِلَهِی نَفْسٌ أَعْزَزْتَهَا بِتَأْيِيدِ إِيمَانِکَ کَيْفَ تُذِلُّهَا بَيْنَ أَطْبَاقِ نِيرَانِکَ إِلَهِی لِسَانٌ کَسَوْتَهُ مِنْ تَمَاجِيدِکَ أَنْيَقَ أَثْوَابِهَا کَيْفَ تَهْوِی إِلَيْهِ مِنَ النَّارِ مُشْتَعِلَاتُ الْتِهَابِهَا إِلَهِی کُلُّ مَکْرُوبٍ إِلَيْکَ يَلْتَجِئُ وَ کُلُّ مَحْزُونٍ إِيَّاکَ يَرْتَجِی إِلَهِی سَمِعَ الْعَابِدُونَ بِجَزِيلِ ثَوَابِکَ فَخَشَعُوا وَ سَمِعَ الزَّاهِدُونَ بِسَعَهِ رَحْمَتِکَ فَقَنِعُوا وَ سَمِعَ الْمُوَلُّونَ عَنِ الْقَصْدِ بِجُودِکَ فَرَجَعُوا وَ سَمِعَ الْمُجْرِمُونَ بِسَعَهِ غُفْرَانِکَ فَطَمِعُوا وَ سَمِعَ الْمُؤْمِنُونَ بِکَرَمِ عَفْوِکَ وَ فَضْلِ عَوَارِفِکَ فَرَغِبُوا حَتَّى ازْدَحَمَتْ

۱- ۱. قعد بی خ ل.

مَوْلَایَ بِبَابِکَ عَصَائِبُ الْعُصَاهِ مِنْ عِبَادِکَ وَ عَجَّتْ إِلَیْکَ مِنْهُمْ عَجِیجَ الضَّجِیجِ بِالدُّعَاءِ فِی بِلَادِکَ وَ لِکُلٍّ أَمَلٌ قَدْ سَاقَ صَاحِبَهُ إِلَیْکَ مُحْتَاجاً وَ قَلْبٌ تَرَکَهُ وَجِیبُ خَوْفِ الْمَنْعِ مِنْکَ مُهْتَاجاً وَ أَنْتَ الْمَسْئُولُ الَّذِی لَا تَسْوَدُّ لَدَیْهِ وُجُوهُ الْمَطَالِبِ وَ لَمْ تزرأ [تَرْزَأْ] بِتَنْزِیلِهِ فَظِیعَاتُ الْمَعَاطِبِ إِلَهِی إِنْ أَخْطَأْتُ طَرِیقَ النَّظَرِ لِنَفْسِی بِمَا فِیهِ کَرَامَتُهَا فَقَدْ أَصَبْتُ طَرِیقَ الْفَزَعِ إِلَیْکَ بِمَا فِیهِ سَلَامَتُهَا إِلَهِی إِنْ کَانَتْ نَفْسِی اسْتَسْعَدَتْنِی مُتَمَرِّدَهً عَلَی مَا یُرْدِیهَا فَقَدِ اسْتَسْعَدْتُهَا الْآنَ بِدُعَائِکَ عَلَی مَا یُنْجِیهَا إِلَهِی إِنْ عَدَانِی الِاجْتِهَادُ فِی ابْتِغَاءِ مَنْفَعَتِی فَلَمْ یَعْدُنِی بِرُّکَ بِی فِیمَا فِیهِ مَصْلَحَتِی إِلَهِی إِنْ بسطت [قَسَطْتُ] فِی الْحُکْمِ عَلَی نَفْسِی بِمَا فِیهِ حَسْرَتُهَا فَقَدْ أَقْسَطْتُ الْآنَ بِتَعْرِیفِی إِیَّاهَا مِنْ رَحْمَتِکَ إِشْفَاقَ رَأْفَتِکَ إِلَهِی إِنْ أَحْجَمَ بِی قِلَّهُ الزَّادِ فِی الْمَسِیرِ إِلَیْکَ فَقَدْ وَصَلْتُهُ الْآنَ بِذَخَائِرِ مَا أَعْدَدْتُهُ مِنْ فَضْلِ تَعْوِیلِی عَلَیْکَ إِلَهِی إِذَا ذَکَرْتُ رَحْمَتَکَ ضَحِکَتْ إِلَیْهَا وُجُوهُ وَسَائِلِی وَ إِذَا ذَکَرْتُ سَخَطَکَ بَکَتْ لَهَا عُیُونُ مَسَائِلِی إِلَهِی فَأَفِضْ بِسَجْلٍ مِنْ سِجَالِکَ عَلَی عَبْدٍ آیِسٍ (۱)

قَدْ أَتْلَفَهُ الظَّمَأُ وَ أَحَاطَ بِخَیْطِ جِیدِهِ کَلَالُ الْوَنَی إِلَهِی أَدْعُوکَ دُعَاءَ مَنْ لَمْ یَرْجُ غَیْرَکَ بِدُعَائِهِ وَ أَرْجُوکَ رَجَاءَ مَنْ لَمْ یَقْصِدْ غَیْرَکَ بِرَجَائِهِ إِلَهِی کَیْفَ أَرُدُّ عَارِضَ تَطَلُّعِی إِلَی نَوَالِکَ وَ إِنَّمَا أَنَا فِی اسْتِرْزَاقِی لِهَذَا الْبَدَنِ أَحَدُ عِیَالِکَ إِلَهِی کَیْفَ أُسْکِتُ بِالْإِفْحَامِ لِسَانَ ضَرَاعَتِی وَ قَدْ أغلقنی [أَقْلَقَنِی] مَا أُبْهِمَ عَلَیَّ مِنْ مَصِیرِ عَاقِبَتِی إِلَهِی قَدْ عَلِمْتَ حَاجَهَ

نَفْسِی إِلَی مَا تَکَفَّلْتَ لَهَا بِهِ مِنَ الرِّزْقِ فِی حَیَاتِی وَ عَرَفْتَ قِلَّهَ اسْتِغْنَائِی عَنْهُ مِنَ الْجَنَّهِ بَعْدَ وَفَاتِی فَیَا مَنْ سَمَحَ لِی بِهِ مُتَفَضِّلًا فِی الْعَاجِلِ لَا تَمْنَعْنِیهِ یَوْمَ فَاقَتِی إِلَیْهِ فِی الْآجِلِ فَمِنْ شَوَاهِدِ نَعْمَاءِ الْکَرِیمِ اسْتِتْمَامُ نَعْمَائِهِ وَ مِنْ مَحَاسِنِ آلَاءِ الْجَوَادِ اسْتِکْمَالُ آلَائِهِ إِلَهِی لَوْ لَا مَا جَهِلْتُ مِنْ أَمْرِی مَا شَکَوْتُ عَثَرَاتِی وَ لَوْ لَا مَا ذَکَرْتُ مِنَ الْإِفْرَاطِ(۲)

مَا سَفَحْتُ عَبَرَاتِی إِلَهِی صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ امْحُ مُثْبَتَاتِ الْعَثَرَاتِ

۱- ۱. آنس خ ل، بائس خ ل.

۲- ۲. التفریط خ ل.

بِمُرْسَلَاتِ الْعَبَرَاتِ وَ هَبْ لِی کَثِیرَ السَّیِّئَاتِ لِقَلِیلِ الْحَسَنَاتِ.

إِلَهِی إِنْ کُنْتَ لَا تَرْحَمُ إِلَّا الْمُجِدِّینَ فِی طَاعَتِکَ فَإِلَی مَنْ یَفْزَعُ الْمُقَصِّرُونَ وَ إِنْ کُنْتَ لَا تَقْبَلُ إِلَّا مِنَ الْمُجْتَهِدِینَ فَإِلَی مَنْ یَلْتَجِئُ الْمُفَرِّطُونَ (۱)

وَ إِنْ کُنْتَ لَا تُکْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْإِحْسَانِ فَکَیْفَ یَصْنَعُ الْمُسِیئُونَ وَ إِنْ کَانَ لَا یَفُوزُ یَوْمَ الْحَشْرِ إِلَّا الْمُتَّقُونَ فَبِمَنْ یَسْتَغِیثُ الْمُذْنِبُونَ (۲) إِلَهِی إِنْ کَانَ لَا یَجُوزُ عَلَی الصِّرَاطِ إِلَّا مَنْ أَجَازَتْهُ بَرَاءَةُ عَمَلِهِ فَأَنَّی بِالْجَوَازِ لِمَنْ لَمْ یَتُبْ إِلَیْکَ قَبْلَ انْقِضَاءِ أَجَلِهِ إِلَهِی إِنْ لَمْ تَجُدْ إِلَّا عَلَی مَنْ عَمَّرَ بِالزُّهْدِ مَکْنُونَ سَرِیرَتِهِ فَمَنْ لِلْمُضْطَرِّ الَّذِی لَمْ یَرْضَهُ بَیْنَ الْعَالَمِینَ سَعْیُ نَقِیبَتِهِ إِلَهِی إِنْ حَجَبْتَ عَنْ مُوَحِّدِیکَ نَظَرَ تَغَمُّدِکَ لِجِنَایَاتِهِمْ أَوْقَعَهُمْ غَضَبُکَ بَیْنَ الْمُشْرِکِینَ فِی کُرُبَاتِهِمْ إِلَهِی إِنْ لَمْ تَنَلْنَا یَدُ إِحْسَانِکَ یَوْمَ الْوُرُودِ اخْتَلَطْنَا فِی الْجَزَاءِ بِذَوِی الْجُحُودِ اللَّهُمَّ فَأَوْجِبْ لَنَا بِالْإِسْلَامِ مَذْخُورَ هِبَاتِکَ وَ اسْتَصْفِ مَا کَدَّرَتْهُ الْجَرَائِرُ مِنَّا بِصَفْوِ صِلَاتِکَ إِلَهِی ارْحَمْنَا غُرَبَاءَ إِذَا تَضَمَّنَتْنَا بُطُونُ لُحُودِنَا وَ غُمِّیَتْ بِاللَّبِنِ سُقُوفُ بُیُوتِنَا وَ أُضْجِعْنَا مَسَاکِینَ عَلَی الْإِیمَانِ فِی قُبُورِنَا وَ خُلِّفْنَا فُرَادَی فِی أَضْیَقِ الْمَضَاجِعِ وَ صَرَعَتْنَا الْمَنَایَا فِی أَعْجَبِ الْمَصَارِعِ وَ صِرْنَا فِی دَارِ قَوْمٍ کَأَنَّهَا مَأْهُولَةٌ وَ هِیَ مِنْهُمْ بَلَاقِعُ إِلَهِی إِذَا جِئْنَاکَ عُرَاةً حُفَاةً مُغْبَرَّةً مِنْ ثَرَی الْأَجْدَاثِ رُءُوسُنَا وَ شَاحِبَةً مِنْ تُرَابِ الْمَلَاحِیدِ وُجُوهُنَا(۳) وَ خَاشِعَةً مِنْ أَفْزَاعِ الْقِیَامَهِ أَبْصَارُنَا وَ ذَابِلَةً مِنْ شِدَّهِ الْعَطَشِ شِفَاهُنَا وَ جَائِعَةً لِطُولِ الْمُقَامِ بُطُونُنَا وَ بَادِیَةً هُنَالِکَ لِلْعُیُونِ سَوْآتُنَا وَ مُوقَرَةً مِنْ ثِقْلِ الْأَوْزَارِ ظُهُورُنَا وَ مَشْغُولِینَ بِمَا قَدْ دَهَانَا عَنْ أَهَالِینَا وَ أَوْلَادِنَا فَلَا تُضَعِّفِ الْمَصَائِبَ عَلَیْنَا بِإِعْرَاضِ وَجْهِکَ الْکَرِیمِ عَنَّا وَ سَلْبِ عَائِدَهِ مَا مَثَّلَهُ الرَّجَاءُ مِنَّا.

إِلَهِی مَا حَنَّتْ هَذِهِ الْعُیُونُ إِلَی بُکَائِهَا وَ لَا جَادَتْ مُتَشَرِّبَةً بِمَائِهَا وَ لَا أَسْهَدَهَا بِنَحِیبِ الثَّاکِلَاتِ فَقْدُ عَزَائِهَا إِلَّا لِمَا أَسْلَفَتْهُ مِنْ عَمْدِهَا وَ خَطَائِهَا وَ مَا دَعَاهَا إِلَیْهِ

۱- ۱. المجرمون خ ل.

۲- ۲. المجرمون خ ل.

۳- ۳. کذا، و الظاهر: الصلاخید.

عَوَاقِبُ بَلَائِهَا وَ أَنْتَ الْقَادِرُ يَا عَزِيزُ عَلَى كَشْفِ غَمَّائِهَا.

إِلَهِی إِنْ كُنَّا مُجْرِمِینَ فَإِنَّا نَبْكِی عَلَی إِضَاعَتِنَا مِنْ حُرْمَتِكَ مَا تَسْتَوْجِبُهُ وَ إِنْ كُنَّا مَحْرُومِینَ فَإِنَّا نَبْكِی إِذْ فَاتَنَا مِنْ جُودِكَ مَا نَطْلُبُهُ إِلَهِی شُبْ حَلَاوَةَ مَا یَسْتَعْذِبُهُ لِسَانِی مِنَ النُّطْقِ فِی بَلَاغَتِهِ بِزَهَادَةِ مَا یَعْرِفُهُ قَلْبِی مِنَ النُّصْحِ فِی دَلَالَتِهِ.

إِلَهِی أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْتَ أَوْلَی بِهِ مِنَ الْمَأْمُورِینَ وَ أَمَرْتَ بِصِلَةِ السُّؤَالِ وَ أَنْتَ خَیْرُ الْمَسْئُولِینَ إِلَهِی كَیْفَ یَنْقُلُ بِنَا الْیَأْسُ إِلَی الْإِمْسَاكِ عَمَّا لَهِجْنَا بِطِلَابِهِ وَ قَدِ ادَّرَعْنَا مِنْ تَأْمِیلِنَا إِیَّاكَ أَسْبَغَ أَثْوَابِهِ إِلَهِی إِذَا هَزَّتِ الرَّهْبَةُ أَفْنَانَ مَخَافَتِنَا انْقَلَعَتْ مِنَ الْأُصُولِ أَشْجَارُهَا وَ إِذَا تَنَسَّمَتْ أَرْوَاحُ الرَّغْبَةِ مِنَّا أَغْصَانَ رَجَائِنَا أَیْنَعَتْ بِتَلْقِیحِ الْبِشَارَةِ أَثْمَارُهَا إِلَهِی إِذَا تَلَوْنَا مِنْ صِفَاتِكَ شَدِیدَ الْعِقَابِ أَسِفْنَا وَ إِذَا تَلَوْنَا مِنْهَا الْغَفُورَ الرَّحِیمَ فَرِحْنَا فَنَحْنُ بَیْنَ أَمْرَیْنِ فَلَا سَخَطُكَ تُؤْمِنُنَا وَ لَا رَحْمَتُكَ تُؤْیِسُنَا إِلَهِی إِنْ قَصُرَتْ مَسَاعِینَا عَنِ اسْتِحْقَاقِ نَظْرَتِكَ فَمَا قَصُرَتْ رَحْمَتُكَ بِنَا عَنْ دِفَاعِ نَقِمَتِكَ إِلَهِی إِنَّكَ لَمْ تَزَلْ عَلَیْنَا بِحُظُوظِ صَنَائِعِكَ مُنْعِماً وَ لَنَا مِنْ بَیْنِ الْأَقَالِیمِ مُكْرِماً وَ تِلْكَ عَادَتُكَ اللَّطِیفَةُ فِی أَهْلِ الْخِیفَةِ فِی سَالِفَاتِ الدُّهُورِ وَ غَابِرَاتِهَا وَ خَالِیَاتِ اللَّیَالِی وَ بَاقِیَاتِهَا إِلَهِی اجْعَلْ مَا حَبَوْتَنَا بِهِ مِنْ نُورِ هِدَایَتِكَ دَرَجَاتٍ نَرْقَی بِهَا إِلَی مَا عَرَّفْتَنَا مِنْ جَنَّتِكَ إِلَهِی كَیْفَ تَفْرَحُ بِصُحْبَةِ الدُّنْیَا صُدُورُنَا وَ كَیْفَ تَلْتَئِمُ فِی غَمَرَاتِهَا أُمُورُنَا وَ كَیْفَ یَخْلُصُ لَنَا فِیهَا سُرُورُنَا وَ كَیْفَ یَمْلِكُنَا بِاللَّهْوِ وَ اللَّعِبِ غُرُورُنَا وَ قَدْ دَعَتْنَا بِاقْتِرَابِ الْآجَالِ قُبُورُنَا إِلَهِی كَیْفَ یُبْتَهَجُ فِی دَارٍ حُفِرَتْ لَنَا فِیهَا حَفَائِرُ صَرْعَتِهَا وَ فُتِلَتْ بِأَیْدِی الْمَنَایَا حَبَائِلُ غَدْرَتِهَا وَ جَرَّعَتْنَا مُكْرَهِینَ جُرَعَ مَرَارَتِهَا وَ دَلَّتْنَا النَّفْسُ عَلَی انْقِطَاعِ عَیْشَتِهَا لَوْ لَا مَا صَغَتْ (۱) إِلَیْهِ هَذِهِ النُّفُوسُ مِنْ رَفَائِعِ لَذَّتِهَا وَ افْتِتَانِهَا بِالْفَانِیَاتِ مِنْ فَوَاحِشِ زِینَتِهَا إِلَهِی فَإِلَیْكَ نَلْتَجِئُ مِنْ مَكَائِدِ خُدْعَتِهَا وَ بِكَ نَسْتَعِینُ عَلَی عُبُورِ قَنْطَرَتِهَا وَ بِكَ نَسْتَفْطِمُ الْجَوَارِحَ عَنْ أَخْلَافِ شَهْوَتِهَا وَ بِكَ نَسْتَكْشِفُ

۱- ۱. أضیفت خ ل.

جَلَابِيبَ حَيْرَتِهَا وَ بِکَ نُقَوِّمُ مِنَ الْقُلُوبِ اسْتِصْعَابَ جَهَالَتِهَا إِلَهِی کَیْفَ لِلدُّورِ أَنْ تَمْنَعَ مَنْ فِیهَا مِنْ طَوَارِقِ الرَّزَایَا وَ قَدْ أُصِیبَ فِی کُلِّ دَارٍ سَهْمٌ مِنْ أَسْهُمِ الْمَنَایَا إِلَهِی مَا تَتَفَجَّعُ أَنْفُسُنَا مِنَ النُّقْلَهِ عَنِ الدِّیَارِ إِنْ لَمْ تُوحِشْنَا هُنَالِکَ مِنْ مُرَافَقَهِ الْأَبْرَارِ إِلَهِی مَا تَضِیرُنَا فُرْقَهُ الْإِخْوَانِ وَ الْقَرَابَاتِ إِنْ قَرَّبْتَنَا مِنْکَ یَا ذَا الْعَطِیَّاتِ إِلَهِی مَا تَجِفُّ مِنْ مَاءِ الرَّجَاءِ مَجَارِی لَهَوَاتِنَا إِنْ لَمْ تَحُمْ طَیْرُ الْأَشَائِمِ (۱) بِحِیَاضِ رَغَبَاتِنَا.

إِلَهِی إِنْ عَذَّبْتَنِی فَعَبْدٌ خَلَقْتَهُ لِمَا أَرَدْتَهُ فَعَذَّبْتَهُ وَ إِنْ رَحِمْتَنِی فَعَبْدٌ وَجَدْتَهُ مُسِیئاً فَأَنْجَیْتَهُ إِلَهِی لَا سَبِیلَ إِلَی الِاحْتِرَاسِ مِنَ الذَّنْبِ إِلَّا بِعِصْمَتِکَ وَ لَا وُصُولَ إِلَی عَمَلِ الْخَیْرَاتِ إِلَّا بِمَشِیَّتِکَ فَکَیْفَ لِی بِإِفَادَهِ مَا أَسْلَفْتَنِی فِیهِ مَشِیَّتُکَ وَ کَیْفَ بِالاحْتِرَاسِ مِنَ الذَّنْبِ مَا لَمْ تُدْرِکْنِی فِیهِ عِصْمَتُکَ إِلَهِی أَنْتَ دَلَلْتَنِی عَلَی سُؤَالِ الْجَنَّهِ قَبْلَ مَعْرِفَتِهَا فَأَقْبَلَتِ النَّفْسُ بَعْدَ الْعِرْفَانِ عَلَی مَسْأَلَتِهَا أَ فَتَدُلُّ عَلَی خَیْرِکَ السُّؤَّالَ ثُمَّ تَمْنَعُهُمُ النَّوَالَ وَ أَنْتَ الْکَرِیمُ الْمَحْمُودُ فِی کُلِّ مَا تَصْنَعُهُ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ إِلَهِی إِنْ کُنْتُ غَیْرَ مُسْتَوْجِبٍ لِمَا أَرْجُو مِنْ رَحْمَتِکَ فَأَنْتَ أَهْلُ التَّفَضُّلِ عَلَیَّ بِکَرَمِکَ فَالْکَرِیمُ لَیْسَ یَصْنَعُ کُلَّ مَعْرُوفٍ عِنْدَ مَنْ یَسْتَوْجِبُهُ إِلَهِی إِنْ کُنْتُ غَیْرَ مُسْتَأْهِلٍ لِمَا أَرْجُو مِنْ رَحْمَتِکَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَی الْمُذْنِبِینَ بِسَعَهِ رَحْمَتِکَ إِلَهِی إِنْ کَانَ ذَنْبِی قَدْ أَخَافَنِی فَإِنَّ حُسْنَ ظَنِّی بِکَ قَدْ أَجَارَنِی إِلَهِی لَیْسَ تُشْبِهُ مَسْأَلَتِی مَسْأَلَهَ السَّائِلِینَ لِأَنَّ السَّائِلَ إِذَا مُنِعَ امْتَنَعَ عَنِ السُّؤَالِ وَ أَنَا لَا غَنَاءَ بِی عَمَّا سَأَلْتُکَ عَلَی کُلِّ حَالٍ إِلَهِی ارْضَ عَنِّی فَإِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّی فَاعْفُ عَنِّی فَقَدْ یَعْفُو السَّیِّدُ عَنْ عَبْدِهِ وَ هُوَ عَنْهُ غَیْرُ رَاضٍ إِلَهِی کَیْفَ أَدْعُوکَ وَ أَنَا أَنَا أَمْ کَیْفَ أَیْأَسُ مِنْکَ وَ أَنْتَ أَنْتَ إِلَهِی إِنَّ نَفْسِی قَائِمَهٌ بَیْنَ یَدَیْکَ وَ قَدْ أَظَلَّهَا حُسْنُ تَوَکُّلِی عَلَیْکَ فَصَنَعْتَ بِهَا مَا یُشْبِهُکَ وَ تَغَمَّدْتَنِی بِعَفْوِکَ إِلَهِی إِنْ کَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِی وَ لَمْ یُقَرِّبْنِی مِنْکَ عَمَلِی فَقَدْ جَعَلْتُ الِاعْتِرَافَ بِالذَّنْبِ إِلَیْکَ وَسَائِلَ عِلَلِی فَإِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَی مِنْکَ بِذَلِکَ وَ إِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ

۱- ۱. الاشائم جمع الاشام: ضد الایامن و طائر أشأم: أی جار بالشوم.

أَعْدَلُ مِنْکَ فِی الْحُکْمِ هُنَالِکَ إِلَهِی إِنِّی إِنْ جُرْتُ عَلَی نَفْسِی فِی النَّظَرِ لَهَا وَ بَقِیَ نَظَرُکَ لَهَا فَالْوَیْلُ لَهَا إِنْ لَمْ تَسْلَمْ بِهِ.

إِلَهِی إِنَّکَ لَمْ تَزَلْ بِی بَارّاً أَیَّامَ حَیَاتِی فَلَا تَقْطَعْ بِرَّکَ عَنِّی بَعْدَ وَفَاتِی إِلَهِی کَیْفَ أَیْأَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِکَ لِی بَعْدَ مَمَاتِی وَ أَنْتَ لَمْ تُوَلِّنِی إِلَّا الْجَمِیلَ فِی أَیَّامِ حَیَاتِی إِلَهِی إِنَّ ذُنُوبِی قَدْ أَخَافَتْنِی وَ مَحَبَّتِی لَکَ قَدْ أَجَارَتْنِی فَتَوَلَّ مِنْ أَمْرِی مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ عُدْ بِفَضْلِکَ عَلَی مَنْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ یَا مَنْ لَا تَخْفَی عَلَیْهِ خَافِیَةٌ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِی مَا قَدْ خَفِیَ عَلَی النَّاسِ مِنْ أَمْرِی إِلَهِی سَتَرْتَ عَلَیَّ فِی الدُّنْیَا ذُنُوباً وَ لَمْ تُظْهِرْهَا وَ أَنَا إِلَی سَتْرِهَا یَوْمَ الْقِیَامَةِ أَحْوَجُ وَ قَدْ أَحْسَنْتَ بِی إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِلْعِصَابَةِ مِنَ الْمُسْلِمِینَ فَلَا تَفْضَحْنِی بِهَا یَوْمَ الْقِیَامَةِ عَلَی رُءُوسِ الْعَالَمِینَ إِلَهِی جُودُکَ بَسَطَ أَمَلِی وَ شُکْرُکَ قَبِلَ عَمَلِی فَسُرَّنِی بِلِقَائِکَ عِنْدَ اقْتِرَابِ أَجَلِی إِلَهِی لَیْسَ اعْتِذَارِی إِلَیْکَ اعْتِذَارَ مَنْ یَسْتَغْنِی عَنْ قَبُولِ عُذْرِهِ فَاقْبَلْ عُذْرِی یَا خَیْرَ مَنِ اعْتَذَرَ إِلَیْهِ الْمُسِیئُونَ إِلَهِی لَا تَرُدَّنِی فِی حَاجَةٍ قَدْ أَفْنَیْتُ عُمُرِی فِی طَلَبِهَا مِنْکَ وَ هِیَ الْمَغْفِرَةُ إِلَهِی إِنَّکَ لَوْ أَرَدْتَ إِهَانَتِی لَمْ تَهْدِنِی وَ لَوْ أَرَدْتَ فَضِیحَتِی لَمْ تَسْتُرْنِی فَمَتِّعْنِی بِمَا لَهُ قَدْ هَدَیْتَنِی وَ أَدِمْ لِی مَا بِهِ سَتَرْتَنِی إِلَهِی مَا وَصَفْتَ مِنْ بَلَاءٍ ابْتَلَیْتَنِیهِ أَوْ إِحْسَانٍ أَوْلَیْتَنِیهِ فَکُلُّ ذَلِکَ بِمَنِّکَ فَعَلْتَهُ وَ عَفْوُکَ تَمَامُ ذَلِکَ إِنْ أَتْمَمْتَهُ إِلَهِی لَوْ لَا مَا قَرَفْتُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا فَرِقْتُ عِقَابَکَ وَ لَوْ لَا مَا عَرَفْتُ مِنْ کَرَمِکَ مَا رَجَوْتُ ثَوَابَکَ وَ أَنْتَ أَوْلَی الْأَکْرَمِینَ بِتَحْقِیقِ أَمَلِ الْآمِلِینَ وَ أَرْحَمُ مَنِ اسْتُرْحِمَ فِی تَجَاوُزِهِ عَنِ الْمُذْنِبِینَ إِلَهِی نَفْسِی تُمَنِّینِی بِأَنَّکَ تَغْفِرُ لِی فَأَکْرِمْ بِهَا أُمْنِیَّةً بَشَّرَتْ بِعَفْوِکَ فَصَدِّقْ بِکَرَمِکَ مُبَشِّرَاتٍ تُمَنِّیهَا وَ هَبْ لِی بِجُودِکَ مُبَشِّرَاتٍ تُمَنِّیهَا وَ هَبْ لِی بِجُودِکَ مُدَبِّرَاتٍ تُجَنِّبُهَا.

إِلَهِی أَلْقَتْنِی الْحَسَنَاتُ بَیْنَ جُودِکَ وَ کَرَمِکَ وَ أَلْقَتْنِی السَّیِّئَاتُ بَیْنَ عَفْوِکَ وَ مَغْفِرَتِکَ وَ قَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا یُضَیَّعَ بَیْنَ ذَیْنِ وَ ذَیْنِ مُسِیءٌ وَ مُحْسِنٌ إِلَهِی إِذَا شَهِدَ لِیَ الْإِیمَانُ بِتَوْحِیدِکَ وَ انْطَلَقَ لِسَانِی بِتَمْجِیدِکَ وَ دَلَّنِی الْقُرْآنُ عَلَی فَوَاضِلِ جُودِکَ

فَكَيْفَ لَا يَتَبَهَّجُ رَجَائِي بِحُسْنِ مَوْعُودِكَ إِلَهِي تَتَابُعُ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ يَدُلُّنِي عَلَى حُسْنِ نَظَرِكَ لِي فَكَيْفَ يَشْقَى امْرُؤٌ حَسُنَ لَهُ مِنْكَ النَّظَرُ.

إِلَهِي إِنْ نَظَرَتْ إِلَيَّ بِالْهَلَكَهِ عُيُونُ سَخَطِكَ فَمَا نَامَتْ عَنِ اسْتِنْقَاذِي مِنْهَا عُيُونُ رَحْمَتِكَ إِلَهِي إِنْ عَرَّضَنِي ذَنْبِي لِعِقَابِكَ فَقَدْ أَدْنَانِي رَجَائِي مِنْ ثَوَابِكَ إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَبِفَضْلِكَ وَ إِنْ عَذَّبْتَ فَبِعَدْلِكَ فَيَا مَنْ لَا يُرْجَى إِلَّا فَضْلُهُ وَ لَا يُخَافُ إِلَّا عَدْلُهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ امْنُنْ عَلَيْنَا بِفَضْلِكَ وَ لَا تَسْتَقْصِ عَلَيْنَا فِي عَدْلِكَ إِلَهِي خَلَقْتَ لِي جِسْماً وَ جَعَلْتَ لِي فِيهِ آلَاتٍ أُطِيعُكَ بِهَا وَ أَعْصِيكَ وَ أُغْضِبُكَ بِهَا وَ أُرْضِيكَ وَ جَعَلْتَ لِي مِنْ نَفْسِي دَاعِيَةً إِلَى الشَّهَوَاتِ وَ أَسْكَنْتَنِي دَاراً قَدْ مُلِأَتْ مِنَ الْآفَاتِ ثُمَّ قُلْتَ لِي انْزَجِرْ فَبِكَ أَنْزَجِرُ وَ بِكَ أَعْتَصِمُ وَ بِكَ أَسْتَجِيرُ وَ بِكَ أَحْتَرِزُ وَ أَسْتَوْفِقُكَ لِمَا يُرْضِيكَ وَ أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ فَإِنَّ سُؤَالِي لَا يُحْفِيكَ إِلَهِي أَدْعُوكَ دُعَاءَ مُلِحٍّ لَا يَمَلُّ دُعَاءَ مَوْلَاهُ وَ أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ تَضَرُّعَ مَنْ قَدْ أَقَرَّ عَلَى نَفْسِهِ بِالْحُجَّهِ فِي دَعْوَاهُ إِلَهِي لَوْ عَرَفْتُ اعْتِذَاراً مِنَ الذَّنْبِ فِي التَّنَصُّلِ [(١)] أَبْلَغَ مِنَ الِاعْتِرَافِ بِهِ لَآتَيْتُهُ فَهَبْ لِي ذَنْبِي بِالاعْتِرَافِ وَ لَا تَرُدَّنِي بِالْخَيْبَهِ عِنْدَ الِانْصِرَافِ إِلَهِي سَعَتْ نَفْسِي إِلَيْكَ لِنَفْسِي تَسْتَوْهِبُهَا وَ فَتَحَتْ أَفْوَاهَ آمَالِهَا نَحْوَ نَظْرَهٍ مِنْكَ لَا تَسْتَوْجِبُهَا فَهَبْ لَهَا مَا سَأَلَتْ وَ جُدْ عَلَيْهَا بِمَا طَلَبَتْ فَإِنَّكَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ بِتَحْقِيقِ أَمَلِ الْآمِلِينَ إِلَهِي قَدْ أَصَبْتُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا قَدْ عَرَفْتَ وَ أَسْرَفْتُ عَلَى نَفْسِي بِمَا قَدْ عَلِمْتَ فَاجْعَلْنِي عَبْداً إِمَّا طَائِعاً فَأَكْرَمْتَهُ وَ إِمَّا عَاصِياً فَرَحِمْتَهُ.

إِلَهِي كَأَنِّي بِنَفْسِي قَدْ أُضْجِعَتْ فِي حُفْرَتِهَا وَ انْصَرَفَ عَنْهَا الْمُشَيِّعُونَ مِنْ جِيرَتِهَا وَ بَكَى الْغَرِيبُ عَلَيْهَا لِغُرْبَتِهَا وَ جَادَ بِالدُّمُوعِ عَلَيْهَا الْمُشْفِقُونَ مِنْ عَشِيرَتِهَا وَ نَادَاهَا مِنْ شَفِيرِ الْقَبْرِ ذَوُو مَوَدَّتِهَا وَ رَحِمَهَا الْمُعَادِي لَهَا فِي الْحَيَاهِ عِنْدَ صَرْعَتِهَا وَ لَمْ يَخْفَ عَلَى النَّاظِرِينَ إِلَيْهَا عِنْدَ ذَلِكَ ضُرُّ فَاقَتِهَا وَ لَا عَلَى مَنْ رَآهَا قَدْ تَوَسَّدَتِ الثَّرَى عَجْزُ حِيلَتِهَا فَقُلْتَ مَلَائِكَتِي فَرِيدٌ نَأَى عَنْهُ الْأَقْرَبُونَ وَ وَحِيدٌ جَفَاهُ الْأَهْلُونَ نَزَلَ بِي قَرِيباً وَ أَصْبَحَ فِي اللَّحْدِ غَرِيباً وَ قَدْ كَانَ لِي فِي دَارِ الدُّنْيَا دَاعِياً وَ لِنَظَرِي

١- ١. التنصل: الاعتذار.

إِلَيْهِ فِی هَذَا الْيَوْمِ رَاجِياً فَتُحْسِنُ عِنْدَ ذَلِكَ ضِيَافَتِی وَ تَكُونُ أَرْحَمَ بِی مِنْ أَهْلِی وَ قَرَابَتِی.

إِلَهِی لَوْ طَبَّقَتْ ذُنُوبِی مَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَی الْأَرْضِ وَ خَرَقَتِ النُّجُومَ وَ بَلَغَتْ أَسْفَلَ الثَّرَی مَا رَدَّنِی الْيَأْسُ عَنْ تَوَقُّعِ غُفْرَانِكَ وَ لَا صَرَفَنِی الْقُنُوطُ عَنِ انْتِظَارِ رِضْوَانِكَ إِلَهِی دَعَوْتُكَ بِالدُّعَاءِ الَّذِی عَلَّمْتَنِيهِ فَلَا تَحْرِمْنِی جَزَاءَكَ الَّذِی وَعَدْتَنِيهِ فَمِنَ النِّعْمَهِ أَنْ هَدَيْتَنِی لِحُسْنِ دُعَائِكَ وَ مِنْ تَمَامِهَا أَنْ تُوجِبَ لِی مَحْمُودَ جَزَائِكَ إِلَهِی وَ عِزَّتِكَ وَ جَلَالِكَ لَقَدْ أَحْبَبْتُكَ مَحَبَّهً اسْتَقَرَّتْ حَلَاوَتُهَا فِی قَلْبِی وَ مَا تَنْعَقِدُ ضَمَائِرُ مُوَحِّدِيكَ عَلَی أَنَّكَ تُبْغِضُ مُحِبِّيكَ إِلَهِی أَنْتَظِرُ عَفْوَكَ كَمَا يَنْتَظِرُهُ الْمُذْنِبُونَ وَ لَسْتُ أَيْأَسُ مِنْ رَحْمَتِكَ الَّتِی يَتَوَقَّعُهَا الْمُحْسِنُونَ.

إِلَهِی لَا تَغْضَبْ عَلَيَّ فَلَسْتُ أَقْوَی لِغَضَبِكَ وَ لَا تَسْخَطْ عَلَيَّ فَلَسْتُ أَقُومُ لِسَخَطِكَ إِلَهِی أَ لِلنَّارِ رَبَّتْنِی أُمِّی فَلَيْتَهَا لَمْ تُرَبِّنِی أَمْ لِلشَّقَاءِ وَلَدَتْنِی فَلَيْتَهَا لَمْ تَلِدْنِی إِلَهِی انْهَمَلَتْ عَبَرَاتِی حِينَ ذَكَرْتُ عَثَرَاتِی وَ مَا لَهَا لَا تَنْهَمِلُ وَ لَا أَدْرِی إِلَی مَا يَكُونُ مَصِيرِی وَ عَلَی مَا ذَا يَهْجُمُ عِنْدَ الْبَلَاغِ مَسِيرِی وَ أَرَی نَفْسِی تُخَاتِلُنِی وَ أَيَّامِی تُخَادِعُنِی وَ قَدْ خَفَقَتْ فَوْقَ رَأْسِی أَجْنِحَهُ الْمَوْتِ وَ رَمَقَتْنِی مِنْ قَرِيبٍ أَعْيُنُ الْفَوْتِ فَمَا عُذْرِی وَ قَدْ حَشَا مَسَامِعِی رَافِعُ الصَّوْتِ.

إِلَهِی لَقَدْ رَجَوْتُ مِمَّنْ أَلْبَسَنِی بَيْنَ الْأَحْيَاءِ ثَوْبَ عَافِيَتِهِ أَلَّا يُعَرِّيَنِی مِنْهُ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ بِجُودِ رَأْفَتِهِ وَ لَقَدْ رَجَوْتُ مِمَّنْ تَوَلَّانِی فِی حَيَاتِی بِإِحْسَانِهِ أَنْ يَشْفَعَهُ لِی عِنْدَ وَفَاتِی بِغُفْرَانِهِ يَا أَنِيسَ كُلِّ غَرِيبٍ آنِسْ فِی الْقَبْرِ غُرْبَتِی وَ يَا ثَانِیَ كُلِّ وَحِيدٍ ارْحَمْ فِی الْقَبْرِ وَحْدَتِی وَ يَا عَالِمَ السِّرِّ وَ النَّجْوَی وَ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَ الْبَلْوَی كَيْفَ نَظَرُكَ لِی بَيْنَ سُكَّانِ الثَّرَی وَ كَيْفَ صَنِيعُكَ إِلَيَّ فِی دَارِ الْوَحْشَهِ وَ الْبِلَی فَقَدْ كُنْتَ بِی لَطِيفاً أَيَّامَ حَيَاهِ الدُّنْيَا يَا أَفْضَلَ الْمُنْعِمِينَ فِی آلَائِهِ وَ أَنْعَمَ الْمُفْضِلِينَ فِی نَعْمَائِهِ كَثُرَتْ أَيَادِيكَ عِنْدِی فَعَجَزْتُ عَنْ إِحْصَائِهَا وَ ضِقْتُ ذَرْعاً فِی شُكْرِی لَكَ بِجَزَائِهَا فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَی مَا أَوْلَيْتَ وَ لَكَ الشُّكْرُ عَلَی مَا أَبْلَيْتَ يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَ أَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ بِذِمَّهِ الْإِسْلَامِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ وَ بِحُرْمَهِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ وَ بِحَقِ

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَتَقَرَّبُ إِلَيْکَ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اعْرِفْ ذِمَّتِی الَّتِی بِهَا رَجَوْتُ قَضَاءَ حَاجَتِی بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ.

ثُمَّ أَقْبَلَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام عَلَی نَفْسِهِ یُعَاتِبُهَا وَ یَقُولُ أَیُّهَا الْمُنَاجِی رَبَّهُ بِأَنْوَاعِ الْکَلَامِ وَ الطَّالِبُ مِنْهُ مَسْکَناً فِی دَارِ السَّلَامِ وَ الْمُسَوِّفُ بِالتَّوْبَهِ عَاماً بَعْدَ عَامٍ مَا أَرَاکَ مُنْصِفاً لِنَفْسِکَ مِنْ بَیْنِ الْأَنَامِ فَلَوْ رَافَعْتَ نَوْمَکَ یَا غَافِلًا بِالْقِیَامِ وَ قَطَعْتَ یَوْمَکَ بِالصِّیَامِ وَ اقْتَصَرْتَ عَلَی الْقَلِیلِ مِنْ لَعْقِ الطَّعَامِ (۱)

وَ أَحْیَیْتَ مُجْتَهِداً لَیْلَکَ بِالْقِیَامِ کُنْتَ أَحْرَی أَنْ تَنَالَ أَشْرَفَ الْمَقَامِ أَیَّتُهَا النَّفْسُ أَخْلِطِی

لَیْلَکِ وَ نَهَارَکِ بِالذَّاکِرِینَ لَعَلَّکِ أَنْ تَسْکُنِی رِیَاضَ الْخُلْدِ مَعَ الْمُتَّقِینَ وَ تَشَبَّهِی بِنُفُوسٍ قَدْ أَقْرَحَ السَّهَرُ رِقَّهَ جُفُونِهَا وَ دَامَتْ فِی الْخَلَوَاتِ شِدَّهُ حَنِینِهَا وَ أَبْکَی الْمُسْتَمِعِینَ عَوْلَهُ أَنِینِهَا وَ أَلَانَ قَسْوَهَ الضَّمَائِرِ ضَجَّهُ رَنِینِهَا فَإِنَّهَا نُفُوسٌ قَدْ بَاعَتْ زِینَهَ الدُّنْیَا وَ آثَرَتِ الْآخِرَهَ عَلَی الْأُولَی أُولَئِکَ وَفْدُ الْکَرَامَهِ یَوْمَ یَخْسَرُ فِیهِ الْمُبْطِلُونَ وَ یُحْشَرُ إِلَی رَبِّهِمْ بِالْحُسْنَی وَ السُّرُورِ الْمُتَّقُونَ (۲).

**[ترجمه]بلد الأمین: مناجات مولای ما امیرمؤمنان علیه السلام به نقل از امام حسن عسکری و از پدران ایشان علیهم السلام: خداوندا، بر محمد و خاندانش درود فرست و هنگامی که از دنیا می روم و نامم از میان مردم پاک شده و به فراموش شدگان می پیوندم، به من رحم کن. خدایا، پیر شده ام و پوست بدنم نازک شده و استخوان هایم سائیده و گذر روزگار در من اثر کرده و مرگم نزدیک شده و دورانم به پایان رسیده و آرزوهایم تمام شده و عواقب کارهایم باقی مانده است. معبودا، به من رحم کن آن هنگام که چهره ام دگرگون می شود و محاسنم نابود گردد و بدنم فرسوده شود و بندهایم از هم گسسته شود و اعضای بدنم پراکنده شوند. بارخدایا،

گناهانم مرا خاموش و ساکت گردانده و سخنم را کوتاه کرده، پس هیچ عذر و بهانه ای ندارم و به گناهم اقرار می کنم و بی ادبی ام را گردن می گیرم. من به بند گناهم کشیده شده ام و گرفتار کرده ی خود هستم، در دریای اشتباه خود شناورم و حیران مقصد و به سوی خود بریده ام. پس بر محمد و خاندانش درود فرست و با مهربانی ات به من رحم کن و با آمرزشت از من درگذر. خدایا، اگر عمل من در اطاعت از تو اندک است، امیدم به درگاهت فراوان است. معبودا، چگونه با دست خالی از نزد تو ناامید بازگردم در حالی که گمان من به تو و سخاوتت چنین بود که با مهربانی به من عطا می کنی. خداوندا، یأس ناامیدان را به خوش گمانی ام مسلط نمی کنم، پس درستی امیدم را به خودت در میان امیدواران از بین نبر. خدایا، خطایم بزرگ است چرا که نافرمانی تو بوده و گناهم بزرگ است چرا که تو از آن بازخواست می کنی، مگر این که وقتی بزرگی گناه خود و عظمت آمرزشت را به یاد می آورم در میان آن دو به خشنودی آمرزشت پی می برم. خدایا، اگر ترس از کیفرگناهم مرا به سوی آتش فرامی خواند، امید به پاداش نیک تو مرا به بهشت فرامی خواند. معبودا، اگر اشتباهاتم مرا از خوبی های لطفت بی بهره کرده، مهربانی ات مرا با یقین انس داده است. خدایا، اگر غفلت مرا از آمادگی برای ملاقاتت خواب نموده، به راستی که شناخت مهربانی هایت مرا آگاه کرده ای مولای من. اگر عقل من از آن چه حالم را بهبود می بخشد دور مانده اما اطمینانم از عنایت تو به آن چه برایم سودمند است دور نشده است. خدایا، اگر روزهایم با کوشش در آن چه تو دوست نمی داری سپری شد،

سالیان گذشته ام نیز با ایمان به تو سپری شده است. معبودا، اندوهگین به نزدت آمدم در حالی که لباس پریشانی و تهیدستی به تن دارم و بیچارگی ام به من جایگاه فرومایگان را در مقابل تو داده است. بارالها، بزرگواری نمودی پس مرا نیز که از درخواست کنندگان تو هستم گرامی دار. و به نیکی عطا کردی پس مرا نیز در زمره کسانی که به آن ها عطا کردی قرار ده. خدایا، چیزی جز بخشش تو پریشانی مرا جبران نمی کند و تنها پاداش توست که آرزویم را برآورده می کند. پروردگارا، بر آستان دری از درهای بخششت برای درخواست آمده ام و از تقاضا از غیر تو روی گردان شده ام. و لطف نیکوی تو چنین نیست که درخواست کننده ی اندوهگین و درمانده ای را که در انتظار نیکی است رد کند. معبودا، بر روی گردنه ی خطرناکی ایستاده ام در حالی که گرفتار اعمال خود هستم. پس اگر بار سنگینم را سبک نکنی و یاری ام نکنی نابود می شوم. مولای من، آیا مرا از بدبختان آفریده ای تا گریه ام را طولانی کنم یا از سعادتمندان مرا آفریده ای تا امیدم را بگسترانم. خدایا، آیا مرا از دیدار محمد صلی الله علیه و آله و سلّم در بهشت محروم می کنی، و مرا از پوشیدن لباس خدمتگزاران ایشان

محروم و امیـدم را ناامیـد می گردانی، پس من وعـده ی دیگری از تو به خویشـتن داده بودم ای صاحب فضل و بخشـش. بارخـدایا، به عزت و جلالـت سوگنـد اگر در گـذر روزها مرا به بنـد کشـی و در میان مردمان مرا از بخشـش هایت محروم کنی، و بین من و بزرگواران مانع شوی، امیـدم را از تو قطع نخواهم کرد و از چشم دوختن به عفو تو روی گردان نمی شوم. خدایا، اگر تو مرا به اسـلام رهنمون نمی شدی من هدایت نمی شـدم و اگر ایمان به خودت را روزی ام قرار نمی دادی ایمان نمی آوردم و اگر دعایت را بر زبانم جاری نمی کردی تو را نمی خواندم و اگر شـیرینی معرفتت را به من نشان نـداده بودی من آن را نمی شـناختم و اگر کیفر شدیـدت را برایم بیان نمی کردی پناه نمی آوردم. معبودا، طاعتت را دوست می دارم هرچند در انجام آن کوتاهی کرده ام. و نافرمانی ات را ناپسند می دانم اگرچه آن را انجام داده ام. پس بهشت را به من عطا کن هرچند شایسته ی آن نباشم و از آتش رهایم کن اگرچه سزاوار آن باشم. خدایا، اگر گناهانم مرا از همنشینی با نیکان بازداشته، به راستی که اطمینـان به تو مرا به جایگـاه خوبـان امیـدوار کرده است. بارالهـا، قلبی که در دنیا آن را از عشق خودت لبریز کرده ای چگونه آتش سـوزان دوزخ را براو چیره می گردانی؟ خداونـدا، کسـی را که به یـاری ایمـانت گرامی داشـته ای چگـونه او را میـان طبقـات آتش خـوار می گردانی؟ پروردگارا، زبانی که آراسـته ترین پوشش ها را از ستایش خودت برآن پوشاندی چگونه با زبانه های آتش احاطه می کنی؟ معبودا، هر انـدوهگینی به تو پناه آورد و هر غمدیـده ای تنها به تو امید بندد. بارخدایا، عبادت کنندگان از پاداش بسـیار تو شـنیدند و فروتنی کردند و زهدپیشگان از مهربانی گسترده ات شنیدند و خرسند شدند. آنان که از تو روی گردانده بودند از سخاوتت شنیدند و بازگشتند و گنهکاران از آمرزش گسترده ات شـنیدند و طمع کردند و مؤمنان بزرگواری و گذشت و بخشـشت را شـنیدند و روی آوردند تا این که مولای من، بندگان نافرمـانت به درگاهت ازدحام کردنـد و فریاد و ناله های دعایشان در سـرزمین های تو برخاست و هریک آرزویی دارد که صاحبش را نیازمند به سویت می کشاند و قلبی دارد که ترس ازدست دادن عطایت، آن را سرگشـته کرده است. و تو کسـی هستی که از او درخواست می کنند و از درگاهش ناامید بازنمی گردند و آسیب دیدگان از درگاهش خوار بیرون نمی روند. خداوندا، اگر راهی را که ارزش من در آن بود اشتباه رفتم در مقابـل راه التمـاس به درگـاهت را پیمودم که بهبودی حـالم در آن است. خـدایا، اگر در آن چه بـاعث نابودی من می شـده سرکشـی نمودم، پس به راستی اکنون به واسطه ی دعا خویشتن را برای نجات یاری نمودم. خدایا، اگر کوشش در به دست آوردن سود رهایم کرد، اما نیکی تو به من در رسـیدن به آن چه خیر من است رهـایم نکرد. معبودا، اگر دربـاره ی خود دست به کـاری زدم که بـاعث پشـیمانی شـده، به راسـتی اکنون مهربـانی و رحمتت را به آن شـناسانده ام. بارالهـا، اگر توشه ی انـدکم در مسـیر رسـیدن به تو مـانع شـد، به راستی که اکنون به پشتوانه ی اعتمادم به تو به آن دست یافتم. پرودگارا، وقتی از رحمت تو یاد می کنم چهره ی وسیله هایم شادمان می شود و هنگامی که به یاد خشم تو می افتم، دیـده ی مشـکلاتم گریان می شود. بارخدایا، پس با بخششـی بسـیار بزرگ به بنده ی ناامیدت که تشـنگی هلاکش کرده و تیرگی سـستی و گریبانش را گرفته عنایت کن. معبودا، تو را می خوانم مانند کسـی که در خواندن به غیر تو امیدی ندارد، و به تو امید بسته ام مانند کسی که امیدش به کسی جز تو دوخته نشده، خدایا،

چگونه روی خود را که به بخشندگی ات خیره مانده به جانب دیگر کنم در حالی که در روزی گرفتنم برای این بدن یکی از روزی خوران تو هسـتم. پروردگارا، چگونه زبان درمانـدگی ام را خاموش گردانم در حالی که از سـرنوشت نامعلوم خود هیـچ نمی دانم. معبودا، از حاجت من آگاهی و از آن چه در زندگی دنیا به من عطا کردی و می دانی که پس از مرگ مرا از بهشت بی نیاز نخواهد کرد. پس ای کسـی که در دنیا بـا لطف خود آن را به من عطـا کردی، در روز تنگـدستی ام در آخرت مرا از آن محروم نسـاز. چرا که از دلائـل نعمت های بزرگوار، به پایان رساندن نعمت است و از نیکی های بخشنده کامل کردن بخشش است.

خـدایا اگر نـادانی ام در کارهـایم نبود از گناهـانم شـکایت نمی کردم و اگر زیاده روی ام که آن را بیان کردم نمی بود، اشک هایم را جاری نمی کردم. خـدایا، درود فرست بر محمـد و خانـدان پاکش و آثار گناهانم را با سـیلاب اشک هایم ناپدیـد کن. و گناهان بسیارم را به نیکی های انـدکم ببخش. بارالها، اگر تنها به فرمانبردارانت رحم می کنی پس گنهکاران به که زاری کنند؟ و اگر تنها از تلاشگران می پذیری پس آنـان که زیاده روی کرده انـد به کجا پناه ببرنـد؟ و اگر تنها نیکوکاران را بزرگ می داری پس بـدکاران چه کننـد؟ و اگر در روز قیامت تنها پرهیزکاران پیروز می شونـد پس گنهکاران به کجا فریاد برند؟ خداوندا، اگر تنها کسانی که عملشان به آنان اجازه دهد از صـراط می گذرند

پس اجازه ی کسانی که تا پیش از مرگ توبه نکرده اند چه می شود؟ خدایا، اگر بخشش تنها به کسانی است که درونش را با زهد آباد ساخته پس درمانده ای که تلاش او در دو دنیا برایش کفایت نکرد چه کند؟ خدایا، اگر نظر رحمتت را به خاطر گناهان بندگانت از آن ها بپوشانی، خشمت آن ها را با تمام اندوهشان به میان مشرکان می اندازد. خدایا، اگر در روز قیامت دست احسان تو به ما عطا نکند، در زمره ی منکران حق تو قرار خواهیم گرفت. بارالها، عطایای ذخیره شده ات را به سبب اسلام به ما عطا کن و با زلال بخششت تیرگی خطاهای ما را نابود کن. به ما رحم کن آن هنگام که چون غریبان در میان لحد جای گرفته و سقف خانه های آخرتمان را با خشت ببندند و مانند بیچارگان در قبرها خوابانده شویم و در تنگ ترین جایگاه تنها رها شویم و آرزوها ما را در شگفت ترین زمین بیندازند و به خانه ای وارد شویم که اهلش در آن ساکنند و گویی خالی است. خدایا، آن هنگام که نزد تو آییم در حالی که عریان و پابرهنه ایم و غبار گور بر سر و رویمان نشسته و چهره هایمان از خاک لحد سفید شده و چشم هایمان از وحشت قیامت ترسان است و لب هایمان از شدت تشنگی خشک شده و شکم هایمان در طول ایستادن گرسنه شده و بدی هایمان برای همه آشکار شده پشتمان از سنگینی گناهان خمیده و گرفتاری ها ما را از خانواده و فرزندان مشغول کرده است، پس با روی گرداندن از ما و منع بخششی که به آن امیدوار بودیم، مصیبتمان را دو چندان نکن. خدایا، این چشم ها اشتیاقی به گریه ندارند و بیهوده آب خود را جاری نسازند و ناله ی از دست دادن عزیزان آن را بیدار نگذاشته، بلکه برای خطاها و گناهانی است که در گذشته انجام داده و آن چه عاقبت بلایش او را فرامی خواند و تو ای عزیز، به برطرف کردن اندوهش توانایی. معبودا، اگر ما گنهکاریم پس به درستی که گریه می کنیم به سبب حرمتی که از بین بردیم و اگر محروم شده ایم برای بخششی که از تو خواستیم و آن را از دست دادیم می گرییم. پروردگارا، شیرینی کلامی که رسایی آن زبانم را شیرین نموده، به وسیله خیرخواهی که قلبم به آن راهنمایی شده تازه کن. خدایا، به کار نیک دستور دادی و خود سزاوارتری که به آن عمل کنی و به پذیرش درخواست ها امر کردی و توخود بهترین درخواست شدگانی. معبودا، ناامیدی چگونه ما را از بیان درخواست بازدارد در حالی که امید به تو بهترین جامه ها را بر ما پوشانده است. بارالها، هنگامی که ترس شاخه های وحشت مارا می لرزاند، درخت آن از ریشه کنده می شود و آن گاه که بادهای امید برگ های امیدمان را به حرکت وامی دارد، میوه های بشارت را بارور می کند. خدایا، وقتی از صفات تو به کیفرکننده سخت می رسیم اندوهگین می شویم و هنگامی که به آمرزنده ی مهربان برمی خوریم شادمان می شویم، پس ما بین دو چیز مانده ایم؛ نه از خشمت در امانیم و نه از مهربانی ات نومید هستیم. خدایا، اگر تلاش هایمان از شایستگی عنایت تو بازمانده، پس چه چیز مهرت را از دفع بلای ما نگه داشته است؟ معبودا، همواره با نعمت ها ا را بهره مند ساختی و ما را در میان بندگان بزرگ داشتی و این ویژگی پرمهرت درباره ی گنهکاران در روزگاران گذشته و آینده و شامگاهان سپری شده و باقی مانده است. خدایا، پرتو هدایتی که بر ما تاباندی را وسیله پرواز ما به بهشتی قرار ده که آن را به ما شناساندی. خدایا، چگونه دل هایمان از همنشینی با دنیا شادمان گردد و چگونه در سختی های آن اندوهگین نشود؟ و چگونه شادمانی اش برای ما خالص شود و چگونه غرورمان ما را به بازی و سرگرمی کشاند درحالی که نزدیکی مرگ ما را به سوی قبرها می خواند. پروردگارا، چگونه خوشحال باشیم در حالی که وارد خانه ای می شویم که حفره هایش ما را به زمین می زند و ریسمان های نیرنگش با دست آرزوها بافته شده و شربت تلخی ها را به اجبار به ما خورانده و خوشی ها را به پایان رسانده، اگر جان ها با خوشی و لذت ها آن را به وجود نیاورده و با زینت گناهان آن را فریب نداده باشند. پس بارخدایا از فریب هایش به تو پناه می برم و در عبور از این گردنه از تو یاری می جویم و به هنگام پیروی از شهوت ها به یاری تو اعضای بدن را بازمی داریم و به وسیله تو پرده های درماندگی را کنار می زنیم و دل ها را از دشواری نادانی ها نیرو می بخشیم. خداوندا، خانه ها چگونه می توانند ساکنان خود را از بلا حفظ کنند در حالی که در تیر آرزوها به هر یک از آن ها برخورد کرده است. خدایا، اگر همنشینی با نیکان در آخرت از وحشت ما بکاهد، دیگر نگران انتقال به آن نخواهیم بود. معبودا، اگر تو ما را به خودت نزدیک گردانی، دوری از برادران و نزدیکان ضرری برایمان نخواهد داشت ای صاحب بخشش ها. خدایا، اگر پرنده ی شوم آبگیر امیال ما را منع نکند،

کاممان از آب امید خشک نمی ماند. پروردگارا، اگر مرا عذاب کنی، بنده تو هستم که او را برای آن چه خواستی آفریده ای و اگر به من رحم کنی بنده ی خطاکاری را نجات داده ای. معبودا، هیچ راهی برای در امان ماندن از گناه نیست مگر این که تو نگهدار باشی، و هیچ راهی برای رسیدن به نیکی ها نیست مگر این که تو چنین بخواهی. پس من چگونه می توانم به چیزی که اراده ی تو به آن تعلق گرفته سودی

برسانم و چگونه از گناهی که تو مرا از آن نگاه نداشته ای دوری کنم؟ خداوندا، تو درخواست بهشت را به من یاد دادی پیش از آن که آن را بشناسم، پس بعد از شناختن آن به خواستنش روی آوردم. آیا ابتدا به درخواست کردن راهنمایی می کنی و سپس از بخشش خودداری می کنی؟ حال آن که تو بزرگواری هستی که تمام کارهایت پسندیده است ای صاحب بزرگی و بخشش. خدایا، اگر من شایسته ی رحمتی که امید به آن دارم نیستم، اما تو شایسته ی آنی که با سخاوتت بر من ببخشایی، چرا که شخص کریم تنها به کسانی که شایستگی دارند لطف نمی کند .

معبودا، اگر من شایستگی مهربانی ات را ندارم، تو سزاوار آنی که با مهر گسترده ات به گنهکاران ببخشایی. معبودا، اگر گناهم مرا می ترساند،

همانا خوش گمانی ام به تو پناهم می دهد. بارالها، درخواست من مانند درخواست سؤال کنندگان نیست؛ زیرا سؤال کننده هنگامی که بازداشته می شود، دیگر درخواست نمی کند اما من در هیچ صورت از آن چه از تو خواستم بی نیاز نیستم. خداوندا، از من راضی شو و اگر از من راضی نیستی، پس مرا ببخش، چه بسیار مولایی که از بنده اش درگذرد در حالی که از او راضی نیست. معبود من، چگونه تو را بخوانم حال آن که من این گونه ام و چگونه از تو نومید گردم در حالی که تو آن گونه ای. خداوندا، همانا در مقابل تو ایستاده ام و اعتماد به تو بر سرم سایه افکنده، پس مانند خودت با من رفتار نمودی و عفوت را شامل حالم گرداندی. خدایا، اگر مرگم نزدیک شده و عملم مرا به تو نزدیک نمی کند، پس با اعتراف به گناهان را وسیله ام به سوی تو قرار دادم، اگر مرا ببخشی چه کسی در این کار از تو شایسته تر است و اگر عذابم کنی چه کسی عادل تر از تو در قضاوت است؟ بارالها، در کار نفس خود دلیری کردم و از فرمان تو سرپیچیدم، پس وای بر من اگر از من راضی نشوی. خدایا، در دوران زندگی ام همواره به من نیکی کردی، پس از مرگ نیز نیکی ات را از من قطع نکن. خداوندا، چگونه از لطف تو پس از مرگم نومید باشم در حالی که در زمان حیاتم به جز نیکی از تو ندیده ام. خدایا، به راستی گناهانم مرا به وحشت اندازد و دوستی تو پناهم می دهد، پس آن چنان که خود شایسته ای کارم را به عهده گیر و با فضلت بر گنهکاری که در نادانی غرق شده بازگرد، ای آن که هیچ چیز از او پنهان نمی ماند، بر محمد و خاندان پاکش درود فرست و گناهانم را که بر مردم پوشیده است ببخش. معبودا، همانا گناهانم را در دنیا پوشاندی و آن ها را آشکار نساختی و من به پوشاندن آن در روز قیامت نیازمندتر هستم، آن گاه که آن ها را بر نیرومندان مسلمان آشکار نکردی به من نیکی کردی، پس در روز قیامت نیز در مقابل عالمیان رسوایم نکن. خدایا، سخاوتت امیدم را گستراند و سپاس گزاری ات عملم را پذیرفت پس به هنگام مرگ مرا با دیدار خودت شادمان فرما. خداوندا، عذرخواهی ام از درگاهت مانند کسی نیست که از پذیرش عذر خود بی نیاز است، پس عذرم را بپذیر ای بهترین کسی که بدکاران به درگاهش عذر آورند. خدایا، حاجتی را که تمام عمرم را به درخواست آن بوده ام و آمرزش است رد نکن. بارالها، اگر می خواستی خوارم کنی هدایتم نمی کردی و اگر رسوایی ام را می خواستی مرا نمی پوشاندی، پس مرا از آن چه به آن هدایتم کردی بهره مند ساز و پرده پوشی ات را همیشگی کن. پروردگارا،

آن چه از بلاها که مرا به آن امتحان فرمودی یا نیکی هایی که به من عطا کردی، همگی از لطف تو بود و گذشتت آن را کامل می کند اگر آن را انجام دهی. خداوندا، اگر از گناهان بیزار نبودم، از عذاب دوری نمی کردم و اگر بزرگواری ات را نمی شناختم به پاداشت امید نداشتم، و تو بهترین بزرگواران برای برآورده کردن آرزوی آرزومندان هستی و مهربان ترین در گذشت از خطای گنهکارانی. خدایا، نفسم به من وعده ی آمرزشت را می دهد، پس با برآوردن آرزوی آمرزش، او را بزرگ دار و خوش بینی او را راست گردان و با بخشندگی ات مژده هایی را که به خود دادم و گناهانی که مرتکب شدم را به من ببخش. خدایا، نیکی ها مرا میان بخشش و بزرگواری ات انداخته و گناهان مرا میان گذشت و آمرزشت انداخته و من امید دارم در میان این دو نیکوکار بدکار ضایع نشود. خدایا، وقتی ایمانم به یگانگی ات شهادت می دهد و زبانم تو را ستایش می کند و قرآن مرا به بخشش هایت رهنمون می شود، پس چگونه امیدم به وعده ی نیکویت شادمان نباشد؟ بارالها، تداوم نیکی ات به من مرا به عنایت تو به خودم راهنمایی می کند، پس چگونه فردی که تو به او عنایت داری بدبخت شود؟ خدایا، اگر دیدگان خشمت با نگاه نابودی به من بنگرند، اما دیدگان پرمهرت از نجات من غافل نمانده اند. معبودا، اگر گناهم مرا مقابل کیفر تو قرار داده، پس به راستی امیدم مرا به پاداشت نزدیک کرده، خدایا، اگر از من درگذری از فضل توست و اگر عذابم کنی از عدالتت می باشد.

پس ای آن که جز به بخشش امیدی نیست و غیر از عدلش از چیزی ترسی نیست، بر محمد و خاندانش درود فرست و با فضلت بر ما ببخش و با عدلت ما را مجازات نکن. معبودا، برایم بدنی آفریدی و در آن ابزاری برایم قرار دادی که بتوانم به وسیله آن تو را اطاعت یا نافرمانی کنم و تو را خشمگین یا رضایت مند گردانم و در من نیرویی قرار دادی که مرا به سوی شهوت ها فرابخواند و مرا در دنیایی قرار دادی که پر از بلاهاست. سپس به من فرمودی: بازایست، پس به یاری تو بازمی ایستم و به تو چنگ می زنم و به درگاه تو پناه آورم و مراقب هستم و در جلب رضایتت از تو توفیق می جویم و از تو درخواست می کنم از مولایم، چرا که درخواست من تو را خسته نمی کند. معبودا، هم چون کسی که بسیار اصرار کرده و از خواندن مولایش خسته نمی شود از تو درخواست می کنم و التماست می کنم مانند کسی که در ادعای خود به بهانه اش اعتراف کرده است. خدایا، اگر برای رهایی اعترافی رساتر از این می دانستم آن را انجام می دادم، پس با این اعتراف گناهم را ببخش و مرا نومید و تهیدست باز نگردان. معبودا، به سویت کشیده شده ام تا به من ببخشی و دهان آرزوهایم به نگاهی از جانب تو که شایسته ی آن نیست باز مانده، پس آن چه را درخواست کرده به او ببخش که تو در برآوردن آرزوی آرزومندان بزرگ ترین بزرگوارانی. معبودا، گناهان با من چنان کرده اند که می دانی و بر خود زیاده روی کرده ام چنان که آگاهی، پس مرا بنده ای قرار ده که یا اطاعت کرده و او را بزرگ داشته ای و یا نافرمانی نموده و به او رحم کرده ای. پروردگارا، گویی خویشتن را می بینم که در قبر نهاده شده ام و همسایگانم که برای تشییع پیکرم آمده بودند از جنازه ام باز می گردند و برای تنهایی اش بر آن گریه می کنند و همسایگان مهربانش بر او بخشش می کنند و دوستان و دشمنانش به هنگام افتادنش او را از کناره های قبر صدا می زنند و بیچارگی و تنگ دستی اش بر بینندگان و کسانی که او را می بینند مخفی نیست.. خاک، بالش زیر سرش گردیده و چاره ای برایش نمانده است. پس گفتی: ای فرشتگان من، تنها مانده ای که نزدیکانش از او دور می شوند و دورشده ای که خانواده اش به او ستم کرده اند به من نزدیک شده و غریب و تنها در لحد قرار گرفته است، او در دنیا مرا می خواند و امیدوار بود در چنین روزی به او نگاه بیندازم. پس به نیکی مرا بپذیری و از خانواده و خویشانم بر من مهربان تر شوی. خدایا، اگر گناهانم مابین آسمان هاو زمین را پرکنند و ستارگان را بدرند و به پایین ترین لایه زمین برسند، یأس مرا از انتظار آمرزشت باز نخواهد گرداند و نومیدی از چشم دوختن به بهشت منصرف نخواهد کرد. خدایا، با دعایی که تو به من آموختی خواندمت، پس مرا از پاداشی که به من وعده دادی محروم نساز. پس از جمله ی نعمت ها این است که هدایتم نمودی تا به نیکی بخوانمت و کامل کردن آن به این است که پاداش پسندیده ات را به من عطا کنی. بارخدایا، به عزت و جلالت سوگند تو را دوست می دارم به عشقی که شیرینی اش در قلبم جای گرفته است. و درون یکتاپرستانت چنین نمی پندارد که تو دوست دارانت را دشمن می داری. خدایا، مانند گنهکاران در انتظار گذشت تو هستم، و از رحمتی که نیکوکاران انتظارش را می کشند نومید نمی شوم. معبودا، بر من خشم نگیر که من توانایی آن را ندارم. بارخدایا آیا مادرم مرا برای آتش پرورش داده که ای کاش مرا بزرگ نمی کرد، و آیا مرا بدبخت زاده پس ای کاش مرا نمی زاد. خدایا وقتی به یاد گناهانم می افتم اشک هایم جاری می شود و چرا جاری نشود در حالی که نمی دانم عاقبتم چگونه خواهد بود و چه چیز انتظارم را می کشد. نفسم را می بینم که مرا فریفته و روزگار حیله کرده، در حالی که بال های مرگ بر سرم سایه افکنده و چشمان گذر زمان به من خیره شده است. پس بهانه ام چیست حال آن که گوش هایم با صداهای بلند پرشده است. خداوندا، از کسیی که درمیان زندگان لباس عافیت بر من پوشانده امید دارم که به بخشش خود در میان مردگان عریانم نگرداند و از آن کس که در زندگی به من نیکی کرده امید دارم آمرزش او در آخرت از من دستگیری کند. ای انیس هر دورافتاده ای، در قبر با من انس بگیر، و ای همنشین هر تنها، به تنهایی ام در قبر رحم کن. و ای دانای پیدا و پنهان و ای برطرف کننده ی اندوه و بلاء در میان زمینیان چگونه به من می نگری و در سرای وحشت چگونه با من رفتار می کنی؟ پس به راستی که در دنیا با من مهربان بودی، ای برترین بخشندگان و بخشنده ترین بزرگان، نعمت هایت بر من افزون شد و از شمارش آن ناتوان شدم و از سپاس گزاری آن بازماندم. پس تو را سپاس برای آن چه عطا کردی و تو را سپاس برای آن چه بدان آزمودی، ای برترین کسی که او را خواندند و بزرگوارترین امیدی که امیدواران بستند، به پیمان اسلام به سویت وسیله می جویم و به حرمت قرآن به تو تکیه می کنم و به حق محمد و خاندان محمد به تو نزدیکی می جویم. پس بر محمد و خاندانش درود فرست و پیمانی را که امید بستم حاجتم را روا کند به من بشناسان به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان .

سپس امیرمؤمنان علیه السلام به سراغ نفس خود آمدند و آن را سرزنش نموده و گفتند: ای کسی که با هر سخنی با پروردگارش مناجات می

کنـد و از او جایگـاهی در بهشت می خواهـد و هر سـال از پس سـال دیگر توبه را به تـأخیر می انـدازد، تو را در میان مردم به انصاف درمورد خودت نمی شـناسم، پس ای غفلت زده، اگر از خوابت بگذری و روزها را روزه بگیری و به چشـیدن اندک غذایی اکتفا کنی و شب هایت را با بیداری و شب زنده داری به پا داری، شایسـته تر خواهی بود تا به جایگاه والا برسـی. ای نفس، روز و شـبت را به ذکر خالص کن، باشد که همراه بـا پرهیزکـاران در بـاغ هـای بهشت درآیی. خود را شبیه به کسـانی کن که بیـداری پلک هایشان را آزرده و ناله ی بسـیارش در خلوت همیشـگی است و شنوندگان از سوز ناله اش به گریه افتادند و زاری اش دل های سخت را نرم نموده. پس آن ها کسانی هستند که زینت های دنیا را فروختنـد و آخرت را بر دنیا ترجیح دادند. آن ها گروه بزرگوارند در روزی که بدکاران زیان می کنند، و نیک با شادی پرهیزکاران به سوی پروردگارشان برانگیخته می شوند - . بلد الامین، ص۳۱۱-۳۱۹ - .

**[ترجمه]

«۱۵»

مُنَاجَاةٌ أُخْرَى لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ یَوْمَ لا یَنْفَعُ مالٌ وَ لا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَی اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِیمٍ وَ أَسْأَلُکَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ یَوْمَ یَعَضُّ الظَّالِمُ عَلی یَدَیْهِ یَقُولُ یا لَیْتَنِی اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِیلًا وَ أَسْأَلُکَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ یَوْمَ یُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِیماهُمْ فَیُؤْخَذُ بِالنَّواصِی وَ الْأَقْدامِ وَ أَسْأَلُکَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ یَوْمَ لا یَجْزِی والِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَ لا مَوْلُودٌ هُوَ جازٍ عَنْ والِدِهِ شَیْئاً إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ أَسْأَلُکَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ یَوْمَ لا یَنْفَعُ الظَّالِمِینَ مَعْذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَهُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ وَ أَسْأَلُکَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ یَوْمَ لا تَمْلِکُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَیْئاً وَ الْأَمْرُ یَوْمَئِذٍ لِلَّهِ وَ أَسْأَلُکَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ یَوْمَ یَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِیهِ وَ أُمِّهِ وَ أَبِیهِ وَ صاحِبَتِهِ وَ بَنِیهِ لِکُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ یَوْمَئِذٍ شَأْنٌ یُغْنِیهِ وَ أَسْأَلُکَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ یَوْمَ یَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ یَفْتَدِی مِنْ عَذابِ یَوْمِئِذٍ بِبَنِیهِ وَ صاحِبَتِهِ وَ أَخِیهِ وَ فَصِیلَتِهِ الَّتِی تُؤْوِیهِ وَ مَنْ

ص: ۱۰۹

۱- ۱. لعق الطعام: ما یسد رمقک.

۲- ۲. البلد الأمین: ۳۱۱- ۳۱۹.

فِی الْأَرْضِ جَمِیعاً ثُمَّ یُنْجِیهِ.

مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الْمَوْلَی وَ أَنَا الْعَبْدُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْعَبْدَ إِلَّا الْمَوْلَی مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الْمَالِکُ وَ أَنَا الْمَمْلُوکُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمَمْلُوکَ إِلَّا الْمَالِکُ مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الْعَزِیزُ وَ أَنَا الذَّلِیلُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الذَّلِیلَ إِلَّا الْعَزِیزُ مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الْخَالِقُ وَ أَنَا الْمَخْلُوقُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمَخْلُوقَ إِلَّا الْخَالِقُ.

مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الْعَظِیمُ وَ أَنَا الْحَقِیرُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْحَقِیرَ إِلَّا الْعَظِیمُ مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الْقَوِیُّ وَ أَنَا الضَّعِیفُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الضَّعِیفَ إِلَّا الْقَوِیُّ مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الْغَنِیُّ وَ أَنَا الْفَقِیرُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْفَقِیرَ إِلَّا الْغَنِیُّ مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الْمُعْطِی وَ أَنَا السَّائِلُ وَ هَلْ یَرْحَمُ السَّائِلَ إِلَّا الْمُعْطِی مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الْحَیُّ وَ أَنَا الْمَیِّتُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمَیِّتَ إِلَّا الْحَیُّ مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الْبَاقِی وَ أَنَا الْفَانِی وَ هَلْ یَرْحَمُ الْفَانِیَ إِلَّا الْبَاقِی.

مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الدَّائِمُ وَ أَنَا الزَّائِلُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الزَّائِلَ إِلَّا الدَّائِمُ مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الرَّازِقُ وَ أَنَا الْمَرْزُوقُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمَرْزُوقَ إِلَّا الرَّازِقُ مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الْجَوَادُ وَ أَنَا الْبَخِیلُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْبَخِیلَ إِلَّا الْجَوَادُ مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الْمُعَافِی وَ أَنَا الْمُبْتَلَی وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمُبْتَلَی إِلَّا الْمُعَافِی مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الْکَبِیرُ وَ أَنَا الصَّغِیرُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الصَّغِیرَ إِلَّا الْکَبِیرُ مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الْهَادِی وَ أَنَا الضَّالُّ وَ هَلْ یَرْحَمُ الضَّالَّ إِلَّا الْهَادِی مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَ أَنَا الْمَرْحُومُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمَرْحُومَ إِلَّا الرَّحْمَنُ مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ السُّلْطَانُ وَ أَنَا الْمُمْتَحَنُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمُمْتَحَنَ إِلَّا السُّلْطَانُ مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الدَّلِیلُ وَ أَنَا الْمُتَحَیِّرُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمُتَحَیِّرَ إِلَّا الدَّلِیلُ مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الْغَفُورُ وَ أَنَا الْمُذْنِبُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمُذْنِبَ إِلَّا الْغَفُورُ مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الْغَالِبُ وَ أَنَا الْمَغْلُوبُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمَغْلُوبَ إِلَّا الْغَالِبُ مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الرَّبُّ وَ أَنَا الْمَرْبُوبُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْمَرْبُوبَ إِلَّا الرَّبُّ مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ أَنْتَ الْمُتَکَبِّرُ وَ أَنَا الْخَاشِعُ وَ هَلْ یَرْحَمُ الْخَاشِعَ إِلَّا الْمُتَکَبِّرُ مَوْلَایَ یَا مَوْلَایَ ارْحَمْنِی بِرَحْمَتِکَ

وَ ارْضَ عَنِّی بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ یَا ذَا الْجُودِ وَ الْإِحْسَانِ وَ الطَّوْلِ وَ الِامْتِنَانِ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی نَبِیِّنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِینَ.

**[ترجمه]مناجات دیگری از ایشان است: پروردگارا، از تو می خواهم به من امان دهی در روزی که مال و فرزندان سودی نمی رساند، مگر کسی که با قلب پاک نزد پروردگار آید، و از تو درخواست امان دارم در روزی که ستمگر پشت دستان خود را بگزد و گوید: ای کاش راهی به سوی پیامبر داشتم. و از تو امان می خواهم در روزی که گنهکاران را با چهره هایشان می شناسند، پس آن ها را از موی پیشانی و قدم ها می گیرند. و از تو امان می خواهم در روزی که هیچ پدری برای فرزندش جزا (کیفر) نمی کشد و نه هیچ فرزندی برای پدرش جزا نمی دهد، به راستی وعده ی خداوند راست است. و از تو امان می خواهم در روزی که عذرخواهی ستم کاران برای آن ها سودی ندارد و برای آن ها لعنت و جایگاهی ناپسند است. و از تو امان می خواهم در روزی که هیچ کس برای دیگری چیزی ندارد و کار در آن روز به دست خداست. و از تو امان می خواهم در روزی که انسان از برادر خود می گریزد و نیز از مادر و پدر خود و از همسر و فرزندانش، در آن روز هرکدام کاری دارد که او را از دیگری بی نیاز می گرداند. و از تو امان می خواهم در روزی که گنهکار دوست می دارد فرزندش و همسر و برادرش را برای نجات از عذاب قربانی کند، و نیز خویشانی که او را پناه داده بودند، و همه ساکنان زمین را تا آن که نجات پیدا کند. مولایم، ای مولای من، تو مولایی و من بنده ام و آیا کسی جز مولا بر بنده رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو مالک هستی و من برده ام، و آیا کسی جز مالک بر برده رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو عزیز هستی و من خوارم، و آیا کسی جز عزیز بر خوار رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو آفریدگاری و من آفریده شده ام، و آیا کسی جز آفریدگار بر آفریده رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو بزرگ هستی و من ناچیزم و آیا جز بزرگ بر ناچیز رحم می آورد؟ مولایم، ای مولای من، تو قدرتمندی و من ناتوان، و آیا کسی جز قدرتمند بر ناتوان رحم می آورد؟ مولایم، ای مولای من، تو بی نیازی و من نیازمند، و آیا کسی جز بی نیاز بر نیازمند رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو بخشنده ای و من سؤال کننده، و آیا کسی جز بخشنده به درخواست کننده رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو زنده ای و من مرده، و آیا کسی جز زنده به مرده رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو جاودانی و من نابود شونده، و آیا کسی جز جاودان بر نابود شونده رحم می آورد؟ مولایم، ای مولای من، تو همواره پایداری و من نیست شونده، و آیا کسی جز پایدار به نیست شونده رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو روزی دهی و من روزی خور، و آیا کسی جز روزی ده به روزی خور رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو سخاوت مندی و من بخیل، و آیا کسی جز سخاوتمند بر بخیل رحم می آورد؟ مولایم، ای مولای من، تو عافیت دهنده ای و من گرفتار، و آیا کسی جز عافیت دهنده به گرفتار رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو بزرگی و من کوچک، و آیا کسی جز بزرگ بر کوچک رحم می آورد؟ مولایم، ای مولای من، تو راهنما هستی و من گمراه، و آیا کسی جز راهنما به گمراه رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو بخشنده ای و من بخشش پذیر، و آیا کسی جز بخشنده به بخشش پذیر رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو پادشاهی و من مورد امتحان، و آیا کسی جز پادشاه به مورد امتحان رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو راهنما هستی و من سرگردان، و آیا کسی جز راهنما به سرگردان رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو آمرزنده ای و من گنهکار و آیا کسی جز آمرزنده به گنهکار رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو پیروزی و من شکست خورده، و آیا جز پیروز کسی به شکست خورده رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو پروردگاری و من پرورش یافته، و آیا کسی جز پروردگار بر پرورش یافته رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، تو متکبر هستی و من فروتن، و آیا کسی جز متکبر به فروتن رحم می کند؟ مولایم، ای مولای من، با مهربانی ات به من رحم کن و با بخشش و سخاوتت از من خشنود شو ای صاحب بخشش و نیکی و گذشت و لطف، ای مهربان ترین مهربانان، و درود فرست بر محمد و تمامی خاندان پاکش.

**[ترجمه]

«۱۶»

ق، [الکتاب العتیق الغرویّ] مُنَاجَاةٌ: إِلَهِی تَوَعَّرَتِ الطُّرُقُ وَ قَلَّ السَّالِکُونَ فَکُنْ أَنِیسِی فِی وَحْدَتِی وَ جَلِیسِی فِی خَلْوَتِی فَإِلَیْکَ أَشْکُو فَقْرِی وَ فَاقَتِی وَ بِکَ أَنْزَلْتُ ضُرِّی وَ مَسْکَنَتِی لِأَنَّکَ غَایَةُ أُمْنِیَّتِی وَ مُنْتَهَی بُلُوغِ طَلِبَتِی فَیَا فَرْحَةً لِقُلُوبِ الْوَاصِلِینَ وَ یَا حَیَاةً لِنُفُوسِ الْعَارِفِینَ وَ یَا نِهَایَةَ شَوْقِ

الْمُحِبِّينَ أَنْتَ الَّذِی بِفِنَائِکَ حطَّتِ الرِّحَالُ وَ إِلَيْکَ قَصَدَتِ الْآمَالُ وَ عَلَيْکَ کَانَ صِدْقُ الِاتِّکَالِ فَيَا مَنْ تَفَرَّدَ بِالْکَمَالِ وَ تَسَرْبَلَ بِالْجَمَالِ وَ تَعَزَّزَ بِالْجَلَالِ وَ جَادَ بِالْإِفْضَالِ لَا تَحْرِمْنَا مِنْکَ النَّوَالَ إِلَهِی بِکَ لَاذَتِ الْقُلُوبُ لِأَنَّکَ غَايَةُ کُلِّ مَحْبُوبٍ وَ بِکَ اسْتَجَارَتْ فَرَقاً مِنَ الْعُيُوبِ وَ أَنْتَ الَّذِی عَلِمْتَ فَحَلُمْتَ وَ نَظَرْتَ فَرَحِمْتَ وَ خَبَرْتَ وَ سَتَرْتَ وَ غَضِبْتَ فَغَفَرْتَ فَهَلْ مُؤَمَّلٌ غَيْرُکَ فَيُرْجَى أَمْ هَلْ رَبٌّ سِوَاکَ فَيُخْشَى أَمْ هَلْ مَعْبُودٌ سِوَاکَ فَيُدْعَى أَمْ هَلْ قَدَمٌ عِنْدَ الشَّدَائِدِ إِلَّا وَ هِیَ إِلَيْکَ تَسْعَى فَوَ عِزِّ عِزِّکَ يَا سُرُورَ الْأَرْوَاحِ وَ يَا مُنْتَهَى غَايَةِ الْأَفْرَاحِ إِنِّی لَا أَمْلِکُ غَيْرَ ذُلِّی وَ مَسْکَنَتِی لَدَيْکَ وَ فَقْرِی وَ صِدْقِ تَوَکُّلِی عَلَيْکَ فَأَنَا الْهَارِبُ مِنْکَ إِلَيْکَ وَ أَنَا الطَّالِبُ مِنْکَ مَا لَا يَخْفَى عَلَيْکَ فَإِنْ عَفَوْتَ فَبِفَضْلِکَ وَ إِنْ عَاقَبْتَ فَبِعَدْلِکَ وَ إِنْ مَنَنْتَ فَبِجُودِکَ وَ إِنْ تَجَاوَزْتَ فَبِدَوَامِ خُلُودِکَ إِلَهِی بِجَلَالِ کِبْرِيَائِکَ أَقْسَمْتُ وَ بِدَوَامِ خُلُودِ بَقَائِکَ آلَيْتُ إِنِّی لَأَبْرَحْتُ مُقِيماً بِبَابِکَ حَتَّى تُؤْمِنَنِی مِنْ سَطَوَاتِ عَذَابِکَ وَ لَا أَقْنَعُ بِالصَّفْحِ عَنْ سَطَوَاتِ عَذَابِکَ حَتَّى أَرُوحَ بِجَزِيلِ ثَوَابِکَ إِلَهِی عَجَباً لِقُلُوبٍ سَکَنَتْ إِلَى الدُّنْيَا وَ تَرَوَّحَتْ بِرَوْحِ الْمُنَى وَ قَدْ عَلِمَتْ أَنَّ مُلْکَهَا زَائِلٌ وَ نَعِيمَهَا رَاحِلٌ وَ ظِلَّهَا آفِلٌ وَ سَنَدَهَا مَائِلٌ وَ حُسْنَ نَضَارَهِ بَهْجَتِهَا حَائِلٌ وَ حَقِيقَتَهَا بَاطِلٌ کَيْفَ لَا يُشْتَاقُ إِلَى رَوْحِ مَلَکُوتِ السَّمَاءِ وَ أَنَّى لَهُمْ

ذَلِكَ وَ قَدْ شَغَلَهُمْ حُبُّ الْمَهَالِكِ وَ أَضَلَّهُمُ الْهَوَى عَنْ سَبِيلِ الْمَسَالِكِ.

إِلَهِي اجْعَلْنَا مِمَّنْ هَامَ بِذِكْرِكَ لُبُّهُ وَ طَارَ مِنْ سَوْقِهِ إِلَيْكَ قَلْبُهُ فَاحْتَوَتْهُ عَلَيْهِ دَوَاعِي مَحَبَّتِكَ فَحَصَلَ أَسِيراً فِي قَبْضَتِكَ إِلَهِي كَيْفَ أُثْنِي وَ بَدْءُ الثَّنَاءِ مِنْكَ عَلَيْكَ وَ أَنْتَ الَّذِي لَا يُعَبِّرُ عَنْ ذَاتِهِ نُطْقٌ وَ لَا يَعِيَهُ سَمْعٌ وَ لَا يَحْوِيهِ قَلْبٌ وَ لَا يُدْرِكُهُ وَهْمٌ وَ لَا يَصْحَبُهُ عَزْمٌ وَ لَا يَخْطُرُ عَلَى بَالٍ فَأَوْزِعْنِي شُكْرَكَ وَ لَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ وَ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَ جُدْ بِمَا أَنْتَ أَوْلَى أَنْ تَجُودَ بِهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

دُعَاءٌ: إِلَهِي ذُنُوبِي تُخَوِّفُنِي مِنْكَ وَ جُودُكَ يُبَشِّرُنِي عَنْكَ فَأَخْرِجْنِي بِخَوْفِكَ مِنَ الْخَطَايَا وَ أَوْصِلْنِي بِرَحْمَتِكَ إِلَى الْعَطَايَا حَتَّى أَكُونَ فِي الْقِيَامَهِ عَتِيقَ كَرَمِكَ كَمَا كُنْتُ فِي الدُّنْيَا رَبِيبَ نِعَمِكَ فَلَيْسَ عَجَباً مَا يَهُجُّنِي غَداً مِنَ النَّجَاءِ مَعَ مَا يُنْجِيهِ الْيَوْمَ مِنَ الرَّجَاءِ إِلَهِي مَتَى خَابَ فِي غِنَائِكَ آمِلٌ وَ انْصَرَفَ بِالرَّدِّ عَنْكَ سَائِلٌ أَمْ مَتَى دُعِيتَ فَلَمْ تُجِبْ أَم اسْتُوهِبْتَ فَلَمْ تَهَبْ يَا مَنْ أَمَرَ بِالدُّعَاءِ وَ تَكَفَّلَ بِالْوَفَاءِ لَا تَحْرِمْنِي رِضْوَانَكَ وَ لَا تُعْدِمْنِي إِحْسَانَكَ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ عِنَايَتِكَ أَمْناً وَ مَوْئِلًا وَ مِنْ وَلَايَتِكَ حِصْناً مَعْقِلًا حَتَّى لَا يَضُرَّنِي مَعَ ذَلِكَ ضَارٌّ وَ لَا يَخْلُوَ قَلْبِي مِنْ سُرُورٍ وَ اسْتِبْشَارٍ إِلَهِي إِلَيْكَ مِنْكَ فِرَارِي وَ لَكَ بِكَ إِقْرَارِي وَ أَنْتَ حَسْبِي وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ وَ رَبِّي وَ نِعْمَ الدَّلِيلُ إِلَهِي فَقَوِّمْنِي مِنَ الزَّلَلِ وَ قَوِّنِي مِنَ الْمَلَلِ وَ أَرْشِدْنِي لِأَقْصَدِ السُّبُلِ وَ وَفِّقْنِي لِأَفْضَلِ الْعَمَلِ حَتَّى أَنَالَ بِفَضْلِكَ غَايَهَ الْأَمَلِ إِلَهِي أَنْتَ مُجِيبُ دَعْوَهِ الْمُضْطَرِّ وَ هَادِي الْمُتَحَيِّرِ فِي ظُلُمَاتِ الْبَحْرِ وَ الْبَرِّ اللَّهُمَّ فَيَسِّرْ فَتْحَ أَغْلَاقِ قُلُوبِنَا وَ اكْشِفْ لِبَصَائِرِنَا أَسْتَارَ عُيُوبِنَا وَ اكْفِنَا بِرُكْنِ عِزِّكَ مِنْ أَوَامِرِ نُفُوسِنَا وَ صَفِّ لِعِلْمِ حَقَائِقِكَ خَوَاطِرَ مَحْسُوسِنَا حَتَّى لَا نَزِيغَ عَنْ سُنَنِ طَرِيقِكَ وَ لَا نَرُوغَ عَنْ مَتْنِ تَوْفِيقِكَ وَ لَا نَبْغِيَ سِوَاكَ جَلِيساً وَ لَا نَخْتَارَ غَيْرَكَ أَنِيساً إِلَهِي أَدْعُوكَ دُعَاءَ الْمُحْتَلِّ الْفَقِيرِ وَ أَرْجُوكَ رَجَاءَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ دُعَاءَ مَنْ قَلَّتْ حِيلَتُهُ وَ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَ عَظُمَتْ أَجْرَامُهُ وَ تَفَاقَمَتْ آثَامُهُ اللَّهُمَّ فَكُنْ

لِذُنُوبِنَا غَافِراً وَ لِكَسْرِنَا جَابِراً وَ أَجِرْنَا مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ وَ دُعَاءِ الثُّبُورِ وَ سَلِّمْنَا مِنْ مَضَلَّاتِ الْفِتَنِ وَ إِضَاعَةِ السُّنَنِ وَ جَوْرِ الْحُكْمِ وَ اسْتِعْذَابِ الظُّلْمِ وَ عَوَاقِبِ الْبَغْيِ وَ رُكُوبِ الْغَيِّ وَ أَطْلِقْ أَلْسِنَتَنَا بِشُكْرِ آلَائِكَ وَ التَّحَدُّثِ بِنَعْمَائِكَ وَ أَبِحْنَا النَّظَرَ إِلَيْكَ وَ أَكْرِمْ مَحَلَّنَا فِي دَارِ الْقُدْسِ لَدَيْكَ يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ وَعْدَهُ وَ لَا يَقْطَعُ رِفْدَهُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ وَ أَنْتَ مَعْدِنُ الْفَضْلِ وَ مَحَلُّهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا وَ عَلَى آدَمَ أَبِينَا وَ حَوَّاءَ أُمِّنَا وَ مِنْ بَيْنِهِمَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ.

**[ترجمه]کتاب عتیق غروی مناجات: خدایا، راه ها سنگلاخ شده و پیمایندگان آن کم هستند، پس در تنهایی ام مونسم باش و در خلوتم همنشینم باش، از تهیدستی و نداری ام به تو شکایت می کنم و بیچارگی ام را به تو عرضه می کنم، چرا که تو اوج آرزوی منی و نهایت رسیدن به خواهشم هستی، پس ای شادمانی دل به وصال رسیدگان و ای مایه حیات جان عارفان و ای نهایت شور عاشقان، تویی که بار مسافران در پیشگاهت افکنده می شود و آرزوها به سوی تو کشیده می شوند و به راستی به تو تکیه می شود، پس ای آن که به کمال یگانه شدی و در زیبایی پوشیده شدی و با شکوه بزرگی نمودی و با سخاوت بخشش کردی، ما را از هدایای خود محروم نکن. خدایا، دل ها به تو پناه آوردند زیرا تو اوج هر دوست داشتنی هستی، و گروه هایی از تباهان به تو پناهنده شدند. و تو کسی هستی که دانست و بردباری نمود و نگریست و مهر ورزید و آگاه شد و پوشاند و خشم گرفت پس آمرزید، پس آیا امیدی جز تو هست که به او امید ببندند؟ و یا پروردگاری به جز تو که از او پروا کنند؟ و یا معبودی غیر از تو که او را بخوانند؟ آیا در سختی ها گامی هست که به سوی کسی جز تو روانه شود؟ پس سوگند به عزتت ای شادمانی جان ها و ای نهایت خوشحالی ها، من چیزی جز خواری و تهیدستی و اعتماد نیکویم به تو در پیشگاهت ندارم، من از تو به سوی تو گریخته ام و از تو چیزی را درخواست می کنم که بر تو پوشیده نیست، پس اگر ببخشی از بزرگواری توست و اگر هم مجازات کنی از روی عدالت توست و اگر منت نهی از سخاوتت می باشد و اگرگذشت کنی از جاودانگی ات بوده است. خدایا، به شکوه کبریایت قسم خوردم و به جاودانگی ات سوگند یاد کردم، به راستی که من به درگاهت ایستاده ام تا مرا از حمله ی عذابت ایمن گردانی و من به گذشتن از عذابت قانع نمی شوم تا این که با پاداش بسیار روانه شوم. پروردگارا، شگفتا از دل هایی که به دنیا آرام گرفته اند و با یاد آروزها آرامش یافته اند، در حالی که می دانند دارایی آن از بین رفتنی است و نعمت هایش نابود می شود و سایه اش ناپدید می شود و تکیه گاهش کج وخمیده و زیبایی و شادمانی اش پوشیده است و حقیقت آن باطل است، چگونه مشتاق آرام گرفتن در ملکوت آسمان نمی شوند و چگونه به آن دست یابند در حالی که دوستی نابودکننده ها آنان را به خود مشغول کرده و هوس، آن ها را از پیمودن مسیر گمراه نموده است. خدایا، ما را از کسانی قرار ده که خرد هایشان تشنه ی یاد توست و قلب هایشان از میان سینه به سوی تو پرمی کشند، پس آواز عشق تو آن ها را در بر گرفته و او اسیری است که در اختیار توست. بارالها، چگونه تو را ستایش کنم در حالی که ستایش از جانب تو آغاز شده و تو کسی هستی که از ذات او سخنی تعبیر نمی کند و هیچ گوشی او را نشنیده و در هیچ قلبی جای نمی گیرد و هیچ گمانی او را درنمی یابد و هیچ اراده ای همنشین او نگشته و به هیچ ذهنی نرسیده است، پس سپاس گزاری ات را نصیب من گردان و مرا از مکر خود غافل نکن و یادت را از یادم نبر و آن چنان که خود شایسته ی آنی به من بخشش کن ای مهربان ترین مهربانان.

دعاء:

خدایا، گناهانم مرا از تو می ترسانند و سخاوتت مرا امیدوار می کند. پس با ترس خود مرا از گناهان خارج کن و با مهربانی ات مرا به بخشش ها برسان تا در روز قیامت آزاد شده ی گذشت تو باشم، همان گونه که در دنیا پرورده نعمت های تو بودم. پس امیدی که امروز مرا نجات می دهد شگفت نیست که فردا مرا با نجات شادمان کند. معبودا، کدام امیدوار از توانگری تو ناامید شده و کدام درخواست کننده ازدرگاهت بازگشته است؟ و یا چه زمان تو را خوانده اند که پاسخ نگرفته باشند، و یا از تو خواهشی داشته اند که عطا نکرده باشی؟ ای کسی که دستور داد او را بخوانند و وفاداری را برعهده گرفت، مرا از بهشت محروم نکن و نیکی ات را از من دریغ نکن و از توجهت برای من آرامشی قرار ده، و از دوستی ات برایم دژ و جان پناهی قرار ده تا با وجود آن آسیبی به من نرسد و قلبم از شادمانی و امید خالی نگردد. خدایا، از تو به سوی خودت می گریزم و برای تو به وجودت اقرار می کنم و تو برای من کافی هستی و بهترین بر عهده گیرنده ای و پروردگار من و بهترین راهنما هستی. معبودا، مرا از لغزش بازدار و در خستگی نیرویم ببخش و به میانه ترین راه هدایتم کن و برای برترین کارها مرا موفق گردان تا

آن که بـا لطف تو به نهـایت آرزوی خود برسم. خداونـدا، تو دعـای درمانـدگان را پاسـخ می گویی و راهنمای سرگشـتگان در تاریکی های خشـکی و دریـا هستی. بارالهـا، پس گشـایش قفـل دل های ما را آسان کن و پرده های عیبمان را از مقابل دیـدگان ما کنار بزن و با تکیه گاه عزتت ما را از دسـتورات نفس بی نیاز کن و اندیشه هایمان را با دانسـتن حقیقت مداوا کن تا از سـنت های راه تو منحرف نشده و از اسـتواری توفیقت بازنگردد و همنشـینی جز تو نجویـد و مونسـی جز تو برنگزینیم. خداوندا، تو را می خوانم هم چون دعای تهیدست بیچاره و به تو امید بسته ام مانند پناهنده ی نگران، کسـی که چاره اش کم گشته و بیچارگی اش بزرگ شده و خطاهایش بسیار است و گناهانش وخیم شده اند. پروردگارا، پس آمرزنـده ی گناهان ما باش و پیونـد دهنـده شکسـتگی مان باش و از عـذاب دوزخ و تباهی پناهمان ده و ما را سـلامت دار از گمراهی های فتنه و ضایع کردن سـنت ها و سـتم حاکمان و نیکو شـمردن ظلم و عاقبت سرکشی و گردن نهادن به ظلم، و زبانمان را گویا کن برای شـکر و بیان نعمت هایت و نگاه به خودت را برای ما میسـر کن و جایگاه ما را در سـرای قـدس، نزد خودت گرامی دار. ای آن که پیمان خـدا را زیر پـا نمی گـذاری و بخشـش خود را قطع نمی کنی. همه خوبی هـا به دست توست و تو سرچشـمه ی بخشـش و جایگاه آن هستی و درود خداوند بر پیامبر ما محمد و پدرمان آدم و مادرمان حواء و پیامبران و فرستادگان و شهیدان وپاکانی که میان آن ها هستند باد.

**[ترجمه]

«۱۷»

لـد، [بلـد الأـمين] رَوَى الشَّیْخُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ بَابَوَیْهِ قَالَ حَدَّثَنِی عَبْدُ اللَّهِ بْنُ رِفَاعَهَ قَالَ حَدَّثَنِی إِبْرَاهِیمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَارِثِ النَّوْفَلِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی أَبِی وَ کَانَ خَادِمَ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا علیهما السـلام قَالَ: لَمَّا زَوَّجَ الْمَأْمُونُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی علیهما السـلام ابْنَتَهُ کَتَبَ إِلَیْهِ أَنَّ لِکُلِّ زَوْجَهٍ صَدَاقاً مِنْ مَالِ زَوْجِهَا وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ أَمْوَالَنَا فِی الْآخِرَهِ مُؤَجَّلَهً لَنَا فَکَنَزْنَاهَا هُنَاکَ کَمَا جَعَلَ أَمْوَالَکُمْ فِی الدُّنْیَا مُعَجَّلَهً لَکُمْ فَکَنَزْتُمُوهَا هُنَا وَ قَدْ أَمْهَرْتُ ابْنَتَکَ الْوَسَائِلَ إِلَی الْمَسَائِلِ وَ هِیَ مُنَاجَاهٌ دَفَعَهَا إِلَیَّ أَبِی وَ قَالَ دَفَعَهَا إِلَیَّ مُوسَی أَبِی وَ قَالَ دَفَعَهَا إِلَیَّ جَعْفَرٌ أَبِی وَ قَالَ دَفَعَهَا إِلَیَّ مُحَمَّدٌ أَبِی وَ قَالَ دَفَعَهَا إِلَیَّ عَلِیٌّ أَبِی وَ قَالَ دَفَعَهَا إِلَیَّ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ أَبِی وَ قَالَ دَفَعَهَا إِلَیَّ الْحَسَنُ أَخِی وَ قَالَ دَفَعَهَا إِلَیَّ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیهم السـلام وَ قَالَ دَفَعَهَا إِلَیَّ النَّبِیُّ مُحَمَّدٌ صـلی الله علیه و آله فِی صَحِیفَهٍ وَ قَالَ دَفَعَهَا إِلَیَّ جَبْرَئِیلُ علیه السـلام وَ قَالَ رَبُّکَ یَقُولُ هَذِهِ مَفَاتِیحُ کُنُوزِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فَاجْعَلْهَا وَسَائِلَکَ إِلَی مَسَائِلِکَ تَصِلْ إِلَی بُغْیَتِکَ وَ تَنْجَحُ فِی طَلِبَتِکَ وَ لَا تُؤْثِرْهَا لِحَوَائِجِ دُنْیَاکَ فَتَبْخَسُ بِهَا الْحَظَّ مِنْ آخِرَتِکَ وَ هِیَ عَشْرُ وَسَائِلَ إِلَی عَشْرِ مَسَائِلَ تَطْرُقُ بِهَا أَبْوَابَ الرَّغَبَاتِ فَتُفْتَحُ وَ تَطْلُبُ بِهَا الْحَاجَاتِ فَتُنْجَحُ وَ هَذِهِ نُسْخَتُهَا:

الْمُنَاجَاهُ بِالاسْتِخَارَهِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ اللَّهُمَّ إِنَّ خِیَرَتَکَ فِیمَا أَسْتَخِیرُکَ (۱) فِیهِ تُنِیلُ الرَّغَائِبَ وَ تُجْزِلُ الْمَوَاهِبَ وَ تُغْنِمُ الْمَطَالِبَ وَ تُطَیِّبُ الْمَکَاسِبَ وَ تَهْدِی إِلَی أَجْمَلِ الْمَذَاهِبِ

۱- ۱. استخرتک خ ل.

وَ تَسُوقُ إِلَى أَحْمَدِ الْعَوَاقِبِ وَ تَقِي مَخُوفَ النَّوَائِبِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ فِيمَا عَزَمَ رَأْيِي عَلَيْهِ وَ قَادَنِي عَقْلِي إِلَيْهِ سَهِّلِ اللَّهُمَّ مِنْهُ (۱)

مَا تَوَعَّرَ وَ يَسِّرْ مِنْهُ مَا تَعَسَّرَ وَ اكْفِنِي فِيهِ الْمُهِمَّ وَ ادْفَعْ عَنِّي كُلَّ مُلِمٍّ وَ اجْعَلْ رَبِّ عَوَاقِبَهُ غُنْماً وَ خَوْفَهُ سِلْماً وَ بُعْدَهُ قُرْباً وَ جَدْبَهُ خِصْباً وَ أَرْسِلِ (۲)

اللَّهُمَّ إِجَابَتِي وَ أَنْجِحْ فِيهِ طَلِبَتِي وَ اقْضِ حَاجَتِي وَ اقْطَعْ عَوَائِقَهَا وَ امْنَعْ بَوَائِقَهَا وَ أَعْطِنِي اللَّهُمَّ لِوَاءَ الظَّفَرِ بِالْخِيَرَهِ فِيمَا اسْتَخَرْتُكَ وَ وُفُورَ(۳) الْغَنَمِ فِيمَا دَعَوْتُكَ وَ عَوَائِدَ الْإِفْضَالِ فِيمَا رَجَوْتُكَ وَ اقْرِنْهُ اللَّهُمَّ رَبِّ بِالنَّجَاحِ وَ حُطَّهُ (۴) بِالصَّلَاحِ وَ أَرِنِي أَسْبَابَ الْخِيَرَهِ فِيهِ وَاضِحَهً وَ أَعْلَامَ غُنْمِهَا لَائِحَهً وَ اشْدُدْ خِنَاقَ تَعَسُّرِهَا وَ انْعَشْ صَرِيعَ تَيَسُّرِهَا وَ بَيِّنِ اللَّهُمَّ مُلْتَبَسَهَا وَ أَطْلِقْ مُحْتَبَسَهَا وَ مَكِّنْ أُسَّهَا فِيهِ حَتَّى تَكُونَ خِيَرَهً مُقْبِلَهً بِالْغَنَمِ مُزِيلَهً لِلْغُرْمِ عَاجِلَهَ النَّفْعِ بَاقِيَهَ الصُّنْعِ إِنَّكَ وَلِيُّ الْمَزِيدِ مُبْتَدِئٌ بِالْجُودِ(۵)

الْمُنَاجَاهُ بِالاسْتِقَالَهِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنَّ الرَّجَاءَ لِسَعَهِ رَحْمَتِكَ أَنْطَقَنِي بِاسْتِقَالَتِكَ وَ الْأَمَلَ لِأَنَاتِكَ وَ رِفْقِكَ شَجَّعَنِي عَلَى طَلَبِ أَمَانِكَ وَ عَفْوِكَ وَ لِي يَا رَبِّ ذُنُوبٌ قَدْ وَاجَهَتْهَا أَوْجُهُ الِانْتِقَامِ وَ خَطَايَا قَدْ لَاحَظَتْهَا أَعْيُنُ الِاصْطِلَامِ وَ اسْتَوْجَبْتُ بِهَا عَلَى عَدْلِكَ أَلِيمَ الْعَذَابِ وَ اسْتَحْقَقْتُ بِاجْتِرَاحِهَا مُبِيرَ الْعِقَابِ وَ خِفْتُ تَعْوِيقَهَا لِإِجَابَتِي وَ رَدَّهَا إِيَّايَ عَنْ قَضَاءِ حَاجَتِي وَ إِبْطَالَهَا لِطَلِبَتِي وَ قَطْعَهَا لِأَسْبَابِ رَغْبَتِي مِنْ أَجْلِ مَا قَدْ أَنْقَضَ ظَهْرِي مِنْ ثِقْلِهَا وَ بَهَظَنِي مِنَ الِاسْتِقْلَالِ بِحَمْلِهَا ثُمَّ تَرَاجَعْتُ رَبِّ إِلَى حِلْمِكَ عَنِ الْعَاصِينَ وَ عَفْوِكَ عَنِ الْخَاطِئِينَ وَ رَحْمَتِكَ لِلْمُذْنِبِينَ (۶)

فَأَقْبَلْتُ بِثِقَتِي مُتَوَكِّلًا عَلَيْكَ طَارِحاً نَفْسِي بَيْنَ يَدَيْكَ شَاكِياً بَثِّي إِلَيْكَ سَائِلًا رَبِّ مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ

۱- ۱. فيه خ ل.

۲- ۲. و أوشك خ ل.

۳- ۳. و فوز خ ل.

۴- ۴. و خصه خ ل.

۵- ۵. زاد بعده فی بعض النسخ: قبل استحقاقه، و صل علی محمّد المحمود و آله الطاهرين.

۶- ۶. عن الخاطئين و عفوك عن المذنبين و رحمتك للعاصين خ ل.

مِنْ تَفْرِيجِ الْغَمِّ وَ لَا أَسْتَحِقُّهُ مِنْ تَنْفِيسِ الْهَم (۱) مُسْتَقِيلًا رَبِّ لَكَ وَاثِقاً مَوْلَایَ بِكَ اللَّهُمَّ فَامْنُنْ عَلَيَّ بِالْفَرَجِ وَ تَطَوَّلْ عَلَيَّ بِسَلَامَهِ الْمَخْرَجِ (۲) وَ ادْلُلْنِی بِرَأْفَتِكَ عَلَى سَمْتِ الْمَنْهَجِ وَ أَزِلَّنِی بِقُدْرَتِكَ عَنِ الطَّرِيقِ الْأَعْوَجِ وَ خَلِّصْنِی مِنْ سِجْنِ الْكَرْبِ (۳) بِإِقَالَتِكَ وَ أَطْلِقْ أَسْرِی بِرَحْمَتِكَ وَ تَطَوَّلْ عَلَيَّ بِرِضْوَانِكَ وَ جُدْ عَلَيَّ بِإِحْسَانِكَ وَ أَقِلْنِی رَبِّ عَثْرَتِی وَ فَرِّجْ كُرْبَتِی وَ ارْحَمْ عَبْرَتِی وَ لَا تَحْجُبْ دَعْوَتِی وَ اشْدُدْ بِالْإِقَالَهِ أَزْرِی وَ قَوِّ بِهَا ظَهْرِی وَ أَصْلِحْ بِهَا أَمْرِی وَ أَطِلْ بِهَا عُمُرِی وَ ارْحَمْنِی يَوْمَ حَشْرِی وَ وَقْتَ نَشْرِی إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ غَفُورٌ رَحِيمٌ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

الْمُنَاجَاهُ بِالسَّفَرِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّی أُرِيدُ سَفَراً فَخِرْ لِی فِيهِ وَ أَوْضِحْ لِی فِيهِ سَبِيلَ الرَّأْیِ وَ فَهِّمْنِيهِ وَ افْتَحْ عَزْمِی بِالاسْتِقَامَهِ وَ اشْمَلْنِی فِی سَفَرِی بِالسَّلَامَهِ وَ أَفِدْ لِی بِهِ جَزِيلَ الْحَظِّ وَ الْكَرَامَهِ وَ اكْلَأْنِی فِيهِ بِحَرِيزِ(۴) الْحِفْظِ وَ الْحِرَاسَهِ وَ جَنِّبْنِی اللَّهُمَّ وَعْثَاءَ الْأَسْفَارِ وَ سَهِّلْ لِی حُزُونَهَ الْأَوْعَارِ وَ اطْوِ لِیَ الْبَعِيدَ لِطُولِ انْبِسَاطِ الْمَرَاحِلِ وَ قَرِّبْ مِنِّی بُعْدَ نَأْیِ الْمَنَاهِلِ وَ بَاعِدْ فِی الْمَسِيرِ بَيْنَ خُطَى الرَّوَاحِلِ حَتَّى تُقَرِّبَ نِيَاطَ الْبَعِيدِ وَ تُسَهِّلَ وُعُورَهَ الشَّدِيدِ وَ لَقِّنِی اللَّهُمَّ فِی سَفَرِی نُجْحَ طَائِرِ الْوَاقِيَهِ وَ هَنِّئْنِی غُنْمَ الْعَافِيَهِ وَ خَفِيرَ الِاسْتِقْلَالِ وَ دَلِيلَ مُجَاوَزَهِ الْأَهْوَالِ وَ بَاعِثْ وُفُودَ الْكِفَايَهِ وَ سَائِحْ خَفِيرَ الْوَلَايَهِ وَ اجْعَلْهُ اللَّهُمَّ رَبِّ عَظِيمَ السَّلْمِ حَاصِلَ الْغُنْمِ وَ اجْعَلِ اللَّهُمَّ رَبِّ اللَّيْلَ سِتْراً لِی مِنَ الْآفَاتِ وَ النَّهَارَ مَانِعاً مِنَ الْهَلَكَاتِ وَ اقْطَعْ عَنِّی قَطْعَ لُصُوصِهِ بِقُدْرَتِكَ

۱- ۱. من تفريج الهم و لا أستحقه من تنفيس الغم خ ل.

۲- ۲. بسهوله المخرج، ح ل.

۳- ۳. فی بعض نسخ المناجاه: و خلّصنی اللّهمّ من أشجن الكرب.

۴- ۴. بحسن، خ ل.

وَ احْرُسْنِی مِنْ وُحُوشِهِ بِقُوَّتِکَ حَتَّی تَکُونَ السَّلَامَهُ فِیهِ صَاحِبَتِی وَ الْعَافِیَهُ مُقَارِنَتِی وَ الْیُمْنُ سَائِقِی وَ الْیُسْرُ مُعَانِقِی وَ الْعُسْرُ مُفَارِقِی وَ النُّجْحُ بَیْنَ مَفَارِقِی وَ الْقَدَرُ مُوَافِقِی وَ الْأَمْرُ مُرَافِقِی إِنَّکَ ذُو الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ وَ الْقُوَّهِ وَ الْحَوْلِ وَ أَنْتَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ.

الْمُنَاجَاهُ بِطَلَبِ الرِّزْقِ:

اللَّهُمَّ أَرْسِلْ عَلَیَّ سِجَالَ رِزْقِکَ مِدْرَاراً وَ أَمْطِرْ سَحَائِبَ إِفْضَالِکَ عَلَیَّ غِزَاراً وَ ارْمِ غَیْثَ نَیْلِکَ إِلَیَّ سِجَالًا وَ أَسْبِلْ مَزِیدَ نِعَمِکَ عَلَی خَلَّتِی إِسْبَالًا وَ أَفْقِرْنِی بِجُودِکَ إِلَیْکَ وَ أَغْنِنِی عَمَّنْ یَطْلُبُ مَا لَدَیْکَ وَ دَاوِ دَاءَ فَقْرِی بِدَوَاءِ فَضْلِکَ وَ انْعَشْ صَرْعَهَ عَیْلَتِی بِطَوْلِکَ وَ اجْبُرْ کَسْرَ خَلَّتِی بِنَوْلِکَ وَ تَصَدَّقْ عَلَی إِقْلَالِی بِکَثْرَهِ عَطَائِکَ وَ عَلَی اخْتِلَالِی بِکَرَمِ (۱) حَبَائِکَ وَ سَهِّلْ رَبِّ سَبِیلَ الرِّزْقِ إِلَیَّ وَ أَثْبِتْ قَوَاعِدَهُ لَدَیَّ وَ بَجِّسْ لِی عُیُونَ سَعَهِ رَحْمَتِکَ وَ فَجِّرْ أَنْهَارَ رَغَدِ الْعَیْشِ قِبَلِی بِرَأْفَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ وَ أَجْدِبْ أَرْضَ فَقْرِی وَ أَخْصِبْ جَدْبَ ضُرِّی وَ اصْرِفْ عَنِّی فِی الرِّزْقِ الْعَوَائِقَ وَ اقْطَعْ عَنِّی مِنَ الضِّیقِ الْعَلَائِقَ وَ ارْمِنِی اللَّهُمَّ مِنْ سَعَهِ الرِّزْقِ بِأَخْصَبِ سِهَامِهِ وَ احْبُنِی مِنْ رَغَدِ الْعَیْشِ بِأَکْثَرِ دَوَامِهِ وَ اکْسُنِی اللَّهُمَّ أَیْ رَبِّ سَرَابِیلَ السَّعَهِ وَ جَلَابِیبَ الدَّعَهِ فَإِنِّی رَبِّ مُنْتَظِرٌ لِإِنْعَامِکَ بِحَذْفِ الضِّیقِ وَ لِتَطَوُّلِکَ بِقَطْعِ التَّعْوِیقِ وَ لِتَفَضُّلِکَ بِبَتْرِ التَّقْصِیرِ وَ لِوَصْلِ حَبْلِی بِکَرَمِکَ بِالتَّیْسِیرِ وَ أَمْطِرِ اللَّهُمَّ عَلَیَّ سَمَاءَ رِزْقِکَ بِسِجَالِ الدِّیَمِ وَ أَغْنِنِی عَنْ خَلْقِکَ بِعَوَائِدِ النِّعَمِ وَ ارْمِ مَقَاتِلَ الْإِقْتَارِ مِنِّی وَ احْمِلْ عَسْفَ الضُّرِّ عَنِّی وَ اضْرِبِ الضُّرَّ بِسَیْفِ الِاسْتِیصَالِ وَ امْحَقْهُ رَبِّ مِنْکَ بِسَعَهِ الْإِفْضَالِ وَ امْدُدْنِی بِنُمُوِّ الْأَمْوَالِ وَ احْرُسْنِی مِنْ ضِیقِ الْإِقْلَالِ وَ اقْبِضْ عَنِّی سُوءَ الْجَدْبِ وَ ابْسُطْ لِی بِسَاطَ الْخِصْبِ وَ صَبِّحْنِی بِالاسْتِظْهَارِ وَ مَسِّنِی بِالتَّمْکِینِ (۲) مِنَ الْیَسَارِ إِنَّکَ ذُو الطَّوْلِ الْعَظِیمِ وَ الْفَضْلِ الْعَمِیمِ وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الْکَرِیمُ الْمَلِکُ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ اللَّهُمَّ اسْقِنِی مِنْ مَاءِ رِزْقِکَ غَدَقاً وَ انْهَجْ لِی مِنْ عَمِیمِ بَذْلِکَ طُرُقاً وَ افْجَأْنِی (۳) بِالثَّرْوَهِ وَ الْمَالِ وَ انْعَشْنِی

۱- ۱. بکریم، خ ل.

۲- ۲. بالتمکن، خ ل.

۳- ۳. فاجئنی خ ل.

فِيهِ بِالاسْتِقْلَالِ.

الْمُنَاجَاهُ بِالاسْتِعَاذَهِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ مُلِمَّاتِ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ وَ أَهْوَالِ عَظَائِمِ الضَّرَّاءِ فَأَعِذْنِی رَبِّ مِنْ صَرْعَهِ الْبَأْسَاءِ وَ احْجُبْنِی مِنْ سَطَوَاتِ الْبَلَاءِ وَ نَجِّنِی مِنْ مُفَاجَأَهِ النِّقَمِ وَ احْرُسْنِی مِنْ زَوَالِ النِّعَمِ وَ مِنْ زَلَلِ الْقَدَمِ وَ اجْعَلْنِی اللَّهُمَّ رَبِّ فِی حِمَی عِزِّکَ وَ حِيَاطَهِ حِرْزِکَ مِنْ مُبَاغَتَهِ الدَّوَائِرِ وَ مُعَاجَلَهِ الْبَوَادِرِ اللَّهُمَّ رَبِّ وَ أَرْضُ الْبَلَاءِ فَاخْسِفْهَا وَ عَرْصَهُ الْمِحَنِ فَارْجُفْهَا وَ شَمْسُ النَّوَائِبِ فَاكْسِفْهَا وَ جِبَالُ السُّوْءِ فَانْسِفْهَا وَ كَرْبُ الدَّهْرِ فَاكْشِفْهَا وَ عَوَائِقُ الْأُمُورِ فَاصْرِفْهَا وَ أَوْرِدْنِی حِيَاضَ السَّلَامَهِ وَ احْمِلْنِی عَلَی مَطَايَا الْكَرَامَهِ وَ اصْحَبْنِی بِإِقَالَهِ الْعَثْرَهِ وَ اشْمَلْنِی بِسَتْرِ الْعَوْرَهِ وَ جُدْ عَلَيَّ رَبِّ بِآلَائِکَ وَ كَشْفِ بَلَائِکَ وَ دَفْعِ ضَرَّائِکَ وَ ادْفَعْ عَنِّی كَلَاكِلَ عَذَابِکَ وَ اصْرِفْ عَنِّی أَلِيمَ عِقَابِکَ وَ أَعِذْنِی مِنْ بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَ أَنْقِذْنِی مِنْ سُوءِ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ وَ احْرُسْنِی مِنْ جَمِيعِ الْمَحْذُورِ وَ اصْدَعْ صَفَاهَ الْبَلَاءِ عَنْ أَمْرِی وَ أَشْلِلْ يَدَهُ عَنِّی مُدَّهَ عُمْرِی إِنَّکَ الرَّبُّ الْمَجِيدُ الْمُبْدِئُ الْمُعِيدُ الْفَعَّالُ لِمَا تُرِيدُ.

الْمُنَاجَاهُ بِطَلَبِ التَّوْبَهِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ رَبِّ إِنِّی قَصَدْتُ إِلَيْکَ بِإِخْلَاصِ تَوْبَهٍ نَصُوحٍ وَ تَثْبِيتِ عَقْدٍ صَحِيحٍ وَ دُعَاءِ قَلْبٍ جَرِيحٍ وَ إِعْلَانِ قَوْلٍ صَرِيحٍ اللَّهُمَّ رَبِّ فَتَقَبَّلْ مِنِّی إِنَابَهَ مُخْلِصِ التَّوْبَهِ وَ إِقْبَالَ سَرِيعِ الْأَوْبَهِ وَ مَصَارِعَ تَجَشُّعِ الْحَوْبَهِ وَ قَابِلْ رَبِّ تَوْبَتِی بِجَزِيلِ الثَّوَابِ وَ كَرِيمِ الْمَآبِ وَ حَطِّ الْعِقَابِ وَ صَرْفِ الْعَذَابِ وَ غُنْمِ الْإِيَابِ وَ سَتْرِ الْحِجَابِ وَ امْحُ اللَّهُمَّ رَبِّ بِالتَّوْبَهِ مَا ثَبَتَ مِنْ ذُنُوبِی وَ اغْسِلْ بِقَبُولِهَا جَمِيعَ عُيُوبِی وَ اجْعَلْهَا جَالِيَهً لِرَيْنِ قَلْبِی شَاحِذَهً لِبَصِيرَهِ لُبِّی غَاسِلَهً لِدَرَنِی مُطَهِّرَهً لِنَجَاسَهِ بَدَنِی مُصَحِّحَهً فِيهَا ضَمِيرِی عَاجِلَهً إِلَی الْوَفَاءِ بِهَا مَصِيرِی وَ اقْبَلْ رَبِّ تَوْبَتِی فَإِنَّهَا بِصِدْقٍ مِنْ إِخْلَاصِ نِيَّتِی وَ مَحْضٍ مِنْ تَصْحِيحِ بَصِيرَتِی وَ احْتِفَالٍ فِی طَوِيَّتِی وَ اجْتِهَادٍ فِی نِقَاءِ سَرِيرَتِی وَ تَثْبِيتِ إِنَابَتِی وَ مُسَارَعَهِ

ص: ۱۱۷

إِلَى أَمْرِکَ بِطَاعَتِی.

وَ اجْلُ اللَّهُمَّ رَبِّ عَنِّی بِالتَّوْبَهِ ظُلْمَهَ الْإِصْرَارِ وَ امْحُ بِهَا مَا قَدَّمْتُهُ مِنَ الْأَوْزَارِ وَ اکْسُنِی بِهَا لِبَاسَ التَّقْوَی وَ جَلَابِیبَ الْهُدَی فَقَدْ خَلَعْتُ رِبْقَ الْمَعَاصِی عَنْ جِلْدِی وَ نَزَعْتُ سِرْبَالَ الذُّنُوبِ عَنْ جَسَدِی مُتَمَسِّکاً رَبِّ بِقُدْرَتِکَ مُسْتَعِیناً عَلَی نَفْسِی بِعِزَّتِکَ مُسْتَوْدِعاً تَوْبَتِی مِنَ النَّکْثِ بِخَفْرَتِکَ مُعْتَصِماً مِنَ الْخِذْلَانِ بِعِصْمَتِکَ مُقِرّاً بِلَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِکَ.

الْمُنَاجَاهُ بِطَلَبِ الْحَجِّ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِی الْحَجَّ الَّذِی فَرَضْتَهُ عَلَی مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَیْهِ سَبِیلًا وَ اجْعَلْ لِی فِیهِ هَادِیاً وَ إِلَیْهِ دَلِیلًا وَ قَرِّبْ لِی بُعْدَ الْمَسَالِکِ وَ أَعِنِّی فِیهِ عَلَی تَأْدِیَهِ الْمَنَاسِکِ وَ حَرِّمْ بِإِحْرَامِی عَلَی النَّارِ جَسَدِی وَ زِدْ لِلسَّفَرِ فِی زَادِی وَ قُوَّتِی وَ جَلْدِی وَ ارْزُقْنِی رَبِّ الْوُقُوفَ بَیْنَ یَدَیْکَ وَ الْإِفَاضَهَ إِلَیْکَ وَ ظَفِّرْنِی بِالنُّجْحِ وَ احْبُنِی بِوَافِرِ الرِّبْحِ وَ أَصْدِرْنِی رَبِّ مِنْ مَوْقِفِ الْحَجِّ الْأَکْبَرِ إِلَی مُزْدَلِفَهِ الْمَشْعَرِ وَ اجْعَلْهَا زُلْفَهً إِلَی رَحْمَتِکَ وَ طَرِیقاً إِلَی جَنَّتِکَ أَوْقِفْنِی مَوْقِفَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ مَقَامَ وُفُودِ الْإِحْرَامِ وَ أَهِّلْنِی لِتَأْدِیَهِ الْمَنَاسِکِ وَ نَحْرِ الْهَدْیِ التَّوَامِکِ (۱) بِدَمٍ یَثُجُّ وَ أَوْدَاجٍ تَمُجُّ وَ إِرَاقَهِ الدِّمَاءِ الْمَسْفُوحَهِ مِنَ الْهَدَایَا الْمَذْبُوحَهِ وَ فَرْیِ أَوْدَاجِهَا عَلَی مَا أَمَرْتَ وَ التَّنَفُّلِ بِهَا کَمَا رَسَمْتَ وَ أَحْضِرْنِی اللَّهُمَّ صَلَاهَ الْعِیدِ رَاجِیاً لِلْوَعْدِ حَالِقاً شَعْرَ رَأْسِی وَ مُقَصِّراً مُجْتَهِداً فِی طَاعَتِکَ مُشَمِّراً رَامِیاً لِلْجِمَارِ بِسَبْعٍ بَعْدَ سَبْعٍ مِنَ الْأَحْجَارِ وَ أَدْخِلْنِی اللَّهُمَّ عَرْصَهَ بَیْتِکَ وَ عَقْوَتَکَ وَ أَوْلِجْنِی مَحَلَّ أَمْنِکَ وَ کَعْبَتَکَ وَ مَسَاکِینَکَ وَ سُؤَّالَکَ وَ وَفْدَکَ وَ مَحَاوِیجَکَ وَ جُدْ عَلَیَّ اللَّهُمَّ بِوَافِرِ الْأَجْرِ مِنَ الِانْکِفَاءِ وَ النَّفْرِ وَ اخْتِمْ لِی مَنَاسِکَ حَجِّی وَ انْقِضَاءَ عَجِّی بِقَبُولٍ مِنْکَ لِی وَ رَأْفَهٍ مِنْکَ یَا غَفُورُ یَا رَحِیمُ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ.

الْمُنَاجَاهُ بِکَشْفِ الظُّلْمِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ اللَّهُمَّ إِنَّ ظُلْمَ عِبَادِکَ قَدْ تَمَکَّنَ فِی بِلَادِکَ حَتَّی أَمَاتَ الْعَدْلَ وَ قَطَعَ السُّبُلَ وَ مَحَقَ الْحَقَّ وَ أَبْطَلَ الصِّدْقَ وَ أَخْفَی الْبِرَّ وَ

۱- ۱. التوامک جمع تامک: الناقه العظیمه السنام.

أَظْهَرَ الشَّرَّ وَ أَهْمَلَ التَّقْوَى وَ أَزَالَ الْهُدَى وَ أَزَاحَ الْخَيْرَ وَ أَثْبَتَ الضَّيْرَ وَ أَنْمَى الْفَسَادَ وَ قَوَّى العباد [الْعِنَادَ] وَ بَسَطَ الْجَوْرَ وَ عَدَى الطَّوْرَ اللَّهُمَّ يَا رَبِّ لَا يَكْشِفُ ذَلِكَ إِلَّا سُلْطَانُكَ وَ لَا يُجِيرُ مِنْهُ إِلَّا امْتِنَانُكَ اللَّهُمَّ رَبِّ فَابْتُرِ الظُّلْمَ وَ بُتَّ حِبَالَ الْغَشْمِ وَ أَخْمِلْ سُوقَ الْمُنْكَرِ وَ أَعِزَّ مَنْ عَنْهُ زُجِرَ وَ احْصُدْ شَأْفَةَ أَهْلِ الْجَوْرِ وَ أَلْبِسْهُمُ الْحَوْرَ بَعْدَ الْكَوْرِ وَ عَجِّلْ لَهُمُ الْبَتَاتَ وَ أَنْزِلْ عَلَيْهِمُ الْمَثُلَاتِ وَ أَمِتْ حَيَاةَ الْمُنْكَرَاتِ لِيُؤْمَنَ الْمَخُوفُ وَ يَسْكُنَ الْمَلْهُوفُ وَ يَشْبَعَ الْجَائِعُ وَ يَحْفَظَ الضَّائِعُ وَ يُؤْوَى الطَّرِيدُ وَ يَعُودَ الشَّرِيدُ وَ يُغْنَى الْفَقِيرُ وَ يُجَارَ الْمُسْتَجِيرُ وَ يُوَقَّرَ الْكَبِيرُ وَ يُرْحَمَ الصَّغِيرُ وَ يُعَزَّ الْمَظْلُومُ وَ يُذَلَّ الظَّلُومُ وَ تُفَرَّجَ الْغَمَّاءُ وَ تَسْكُنَ الدَّهْمَاءُ وَ يَمُوتَ الِاخْتِلَافُ وَ يَحْيَا الِائْتِلَافُ وَ يَعْلُوَ الْعِلْمُ وَ يَشْمَلَ السِّلْمُ وَ تَجْمُلَ النِّيَّاتُ وَ يُجْمَعَ الشَّتَاتُ وَ يَقْوَى الْإِيمَانُ وَ يُتْلَى الْقُرْآنُ إِنَّكَ أَنْتَ الدَّيَّانُ الْمُنْعِمُ الْمَنَّانُ.

الْمُنَاجَاةُ بِالشُّكْرِ لِلَّهِ تَعَالَى:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَرَدِّ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ وَ مُلِمَّاتِ الضَّرَّاءِ وَ كَشْفِ نَوَائِبِ اللَّأْوَاءِ وَ تَوَالِي سُبُوغِ النَّعْمَاءِ وَ لَكَ الْحَمْدُ رَبِّ عَلَى هَنِيءِ عَطَائِكَ وَ مَحْمُودِ بَلَائِكَ وَ جَلِيلِ آلَائِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى إِحْسَانِكَ الْكَثِيرِ وَ خَيْرِكَ الْغَزِيرِ وَ تَكْلِيفِكَ الْيَسِيرِ وَ دَفْعِكَ الْعَسِيرِ وَ لَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ عَلَى تَثْمِيرِكَ قَلِيلَ الشُّكْرِ وَ إِعْطَائِكَ وَافِرَ الْأَجْرِ وَ حَطِّكَ مُثْقِلَ الْوِزْرِ وَ قَبُولِكَ ضَيِّقَ الْعُذْرِ وَ وَضْعِكَ بَاهِظَ الْإِصْرِ(1) وَ تَسْهِيلِكَ مَوْضِعَ الْوَعْرِ وَ مَنْعِكَ مُفْظِعَ الْأَمْرِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْبَلَاءِ الْمَصْرُوفِ وَ وَافِرِ الْمَعْرُوفِ وَ دَفْعِ الْمَخُوفِ وَ إِذْلَالِ الْعَسُوفِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى قِلَّةِ التَّكْلِيفِ وَ كَثْرَةِ التَّخْفِيفِ وَ تَقْوِيَةِ الضَّعِيفِ وَ إِغَاثَةِ اللَّهِيفِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى سَعَةِ إِمْهَالِكَ وَ دَوَامِ إِفْضَالِكَ وَ صَرْفِ مِحَالِكَ وَ حَمِيدِ فِعَالِكَ وَ تَوَالِي نَوَالِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى تَأْخِيرِ مُعَاجَلَةِ الْعِقَابِ وَ تَرْكِ مُغَافَصَةِ الْعَذَابِ وَ تَسْهِيلِ طُرُقِ الْمَآبِ وَ إِنْزَالِ غَيْثِ السَّحَابِ إِنَّكَ الْمَنَّانُ الْوَهَّابُ.

۱- ۱. فادح الاصر: خ ل، أي ثقيله.

الْمُنَاجَاةُ بِطَلَبِ الْحَاجَةِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ جَدِيرٌ مَنْ أَمَرْتَهُ بِالدُّعَاءِ أَنْ يَدْعُوَكَ وَ مَنْ وَعَدْتَهُ بِالْإِجَابَةِ أَنْ يَرْجُوَكَ وَ لِيَ اللَّهُمَّ حَاجَةٌ قَدْ عَجَزَتْ عَنْهَا حِيلَتِي وَ كَلَّتْ فِيهَا طَاقَتِي وَ ضَعُفَتْ عَنْ مَرَامِهَا قُدْرَتِي وَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِيَ الْأَمَّارَةُ بِالسُّوءِ وَ عَدُوِّي الْغَرُورُ الَّذِي أَنَا مِنْهُ مُبْتَلًى أَنْ أَرْغَبَ فِيهَا إِلَى ضَعِيفٍ مِثْلِي وَ مَنْ هُوَ فِي النُّكُولِ شَكْلِي حَتَّى تَدَارَكَتْنِي رَحْمَتُكَ وَ بَادَرَتْنِي بِالتَّوْفِيقِ رَأْفَتُكَ وَ رَدَدْتَ عَلَيَّ عَقْلِي بِتَطَوُّلِكَ وَ أَلْهَمْتَنِي رُشْدِي بِتَفَضُّلِكَ وَ أَحْيَيْتَ بِالرَّجَاءِ لَكَ قَلْبِي وَ أَزَلْتَ خُدْعَةَ عَدُوِّي عَنْ لُبِّي وَ صَحَّحْتَ بِالتَّأْمِيلِ فِكْرِي وَ شَرَحْتَ بِالرَّجَاءِ لِإِسْعَافِكَ صَدْرِي وَ صَوَّرْتَ لِيَ الْفَوْزَ بِبُلُوغِ مَا رَجَوْتُهُ وَ الْوُصُولِ إِلَى مَا أَمَّلْتُهُ فَوَقَفْتُ اللَّهُمَّ رَبِّ بَيْنَ يَدَيْكَ سَائِلًا لَكَ ضَارِعاً إِلَيْكَ وَاثِقاً بِكَ مُتَوَكِّلًا عَلَيْكَ فِي قَضَاءِ حَاجَتِي وَ تَحْقِيقِ أُمْنِيَّتِي وَ تَصْدِيقِ رَغْبَتِي فَأَنْجِحِ اللَّهُمَّ حَاجَتِي بِأَيْمَنِ نَجَاحٍ وَ اهْدِهَا سَبِيلَ الْفَلَاحِ وَ أَعِذْنِي اللَّهُمَّ رَبِّ بِكَرَمِكَ مِنَ الْخَيْبَةِ وَ الْقُنُوطِ وَ الْأَنَاةِ وَ التَّثْبِيطِ بِهَنِيءِ إِجَابَتِكَ وَ سَابِغِ مَوْهِبَتِكَ إِنَّكَ مَلِيٌّ وَلِيٌّ وَ عَلَى عِبَادِكَ بِالْمَنَائِحِ الْجَزِيلَةِ وَفِيٌّ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ وَ بِعِبَادِكَ خَبِيرٌ بَصِيرٌ(۱).

مهج، [مهج الدعوات] روينا بإسنادنا إلى أبى جعفر بن بابويه عن إبراهيم بن محمد بن الحارث النوفلي: إلى آخر الدعوات (۲).

**[ترجمه]بلد الأمين،

شیخ أبو جعفر محمد بن بابویه روایت کرده و گفت: عبد الله بن رفاعه برای من نقل کرد از ابراهیم بن محمد بن حارث نوفلی از پدرش که خادم علی بن موسی الرضا علیه السلام بود و گفت: هنگامی که مأمون دخترش را به ازدواج محمد بن علی بن موسی علیه السلام درآورد، برای او نوشت که هر زنی از مال همسرش مهریه ای دارد، و خداوند اموال ما را درآخرت قرار داد و به آن جا واگذار کرد، پس ما آن را برای آخرت ذخیره نمودیم، همان گونه که اموال شما را در دنیا قرار داده و آن را برای شما نزدیک گرداند و شما در این جا ذخیره نمودید. مهریه ی دخترت را وسیله هایی به سوی مشکلات قرار دادم و آن مناجاتی است که پدرم و او از پدرش موسی به من داد و او از پدرش جعفر و او از پدرش محمد و او از پدرش علی و او از پدرش حسین بن علی و او از برادرش حسن و او از پدرش علی بن ابی طالب علیهم السلام و او از پیامبر خدا محمد صلی الله علیه و آله و سلّم در نوشته ای گرفته بود و فرمود جبرئیل آن را به من داد و گفت: پروردگارت می گوید: این کلید گنج های دنیا و آخرت است پس آن را وسیله ی رسیدن به خواسته هایت قرار بده تا به خواهشت برسی و آن را برای حاجات دنیایی خود مقدم نکن که از بهره آخرت خود را محروم می کنی. و آن شامل ده سبب برای ده مسئله است که به وسیله آن درهای آرزوها کوبیده شده و گشوده می شود و حاجت ها به واسطه آن درخواست شده و برآورده می گردد. و نسخه آن چنین است:

مناجات برای استخاره:

به نام خداوند بخشنده مهربان، خداوندا، همانا انتخاب تو درآن چه درخواست نموده ام، آرزو را برآورده و بخشش ها را نیکو می گرداند و خواهش ها را ارزانی می کند و بهره ها را پاکیزه می گرداند و به زیباترین مکان راهنمایی نموده و به پسندیده ترین پایان رهنمون می شود و از پیشامدهای نگران کننده برحذر می دارد. پروردگارا، از تو تقاضای خیر می کنم در آن چه اراده ام برآن استوار شده و خردم مرا به سوی آن هدایت نموده است. بارالها، هر چه از آن را که کم گردیده هموار گردان و آن چه دشوار شده را آسان کن و کارهای مهم را برایم به عهده گیر و هر ترسی را از من دور کن و پایان آن را بهره مندی قرار بده و ترسش را به آسایش تبدیل کن و دوری اش را نزدیک گردان و خشکی اش را حاصلخیز فرما. و خداوندا، پاسخم را بفرست و خواهشم را برآورده ساز و حاجتم را برآور و موانع را از من کوتاه کن و بدی های آن را از من بازدار و مرا با خیر درآن چه از تو طلب خیر کردم، پیروز گردان و درآن چه از تو خواستم بهره ام را فراوان کن و آن چه به تو امید بسته ام به من عطا کن و آن را با پیروزی همراه نما ای پروردگارم، و آن را با نیکی فرود آور و اسباب خیر را در آن به روشنی به من نشان بده و فایده های آن را برایم آشکار کن و گلوگاه های دشواری را تنگ گردان و کالبد کامیابی را نیرومند کن و شبهه های آن را روشن کن و به بندکشیده ی آن را رها کن و پایه هایش را در آن استوار گردان تا خیری باشد که با سود به پیش آید و زیان را با خود ببرد،

سودش شتابان باشد و پایدار و بادوام بماند، همانا تو صاحب بخشش بسیاری و آغاز کننده سخاوت هستی.

مناجات درخواست بخشش:

به نـام خداونـد بخشـنده مهربان، خداونـدا، امیـد به مهربانی گسترده ات مرا برای درخواست بخشـش از تو به زبان آورده و آرزوی بخشـش و بردبـاری تو مرا برای درخواست امان و گـذشت شـجاع نموده است. و من گناهانی دارم که با کیفر روبرو شـده و اشـتباهاتی دارم که دیـدگان نابودی به آن نگریسـته و به واسطه ی عـدل تو سـزاوار عـذاب دردناکی شـده و به خاطر جنایتی که مرتکب شـده شایسـته ی مجازاتی هلاک کننده گردیده است. می ترسم پاسخم را به تعویق اندازد و مانع برآوردن حاجتم شود و خواهشم را بیهوده سازد و اسباب آرزویم را قطع کند، به خـاطر آن چه سـنگینی اش پشـتم را شکسـته و زیر بار آن گرفتار شـده ام. پس به سوی بردباری ات با سـرکشان و بخشـشت از خطاکاران و مهربـانی ات بـا گنهکـاران روی آوردم، با اعتمادم در حالی که به تو تکیه کرده و خود را به آسـتانت انـداختم و از گرفتاری ام به تو شـکایت نمودم و آن چه را سـزاوار نیسـتم از برطرف نمودن غم و انـدوه از تو درخواست نمودم، از تو تقاضای بخشـش کرده و به تو اطمینان نمودم ای مولای من. خدایا، با گشایش بر من منت گذار و با سلامتی در بیرون رفتن از مشکلات به من لطف کن و با مهرت مرا به سوی مسیر راهنمایی کن و با قدرتت از بیراهه منحرفم کن و با چشم پوشی ات از زندان اندوه رهایم کن و با مهربانی ات آزادم کن و بهشتت را به من عطا کن و با نیکی ات بر من ببخش و از لغزشم درگـذر ای پروردگار، و انـدوهم را برطرف کن و به اشک دیده ام رحم کن و دعایم را نپوشان و با چشـم پوشـی بازویم را نیرومنـد ساز و کارم را سامان بـده و عمرم را طولانی کن و در روز برانگیخته شدن به من رحم کن، به راستی که تو بخشـنده سخاوتمند و آمرزنده ی مهربانی. و بر محمد و خاندانش درود فرست.

مناجات برای سفر:

به نام خداوند بخشـنده مهربان. پروردگارا، می خواهم به سـفر بروم پس آن را برایم خیر قرار بده و راه تصـمیم را برایم آشکار ساز و آن را به من بفهمان، اراده ام را با پایـداری گشایش بـده و مرا در سـفرم سـلامت دار و بهره و بزرگی فراوان برایم قرار بـده و با پوشـش و نگهبانت مرا حفظ کن و دشواری های سـفر را از من دور گردان و سختی بیابان ها را برایم آسان گردان و دوری راه را برایم کوتاه کن و آب گاه های آن را برایم نزدیـک گردان و گـام هـای بارکشـان را در راه بلنـد گردان، تـا آن که دوری هایش را نزدیک گردانی و سـختی های بیابان را آسان سازی. و در این سـفر خوش بینی نگه دارنده را به من تلقین کن و بهره ی عافیت و نگهبان خود کفایی و راهنمای گذشتن از بیم و ترس را در این سفر به من ببخش و انگیزه کفایت بسیار و برخورد با نگهبان دوستی را برایم قرار ده و آن را صلحی بزرگ و بهره ی بسیار قرار بده و شب را پوششی از آسیب ها و روز را بازدارنده ای از نابودی ها بگردان و دست دزدان را با قدرتت از من کوتاه کن و با توانایی ات مرا از حیوانات پاس دار تا آن که سلامتی در آن هم نشینم باشد و عافیت همراهم گردد و برکت جلودارم و آسایش هم آغوشم باشد و دشواری ترکم کند و پیروزی از پس آن آیـد و قـدر برابرم و کـار در کنـارم باشـد، به راسـتی که تـو صـاحب لطف و بخشـش و توان و جنبش هسـتی و بر هر کـار توانایی.

مناجات برای درخواست روزی:

خداونـدا، روزی ات را پیوسـته بر من فروریز و ابرهای لطفت را فراوان ببار و ابر کامیابی را به سویم بفرست و نعمت بسـیارت را بر من ببار و با سخـاوتت مرا نیازمنـد خود کن و از خواهش از دیگران بی نیـازم گردان بـا داروی لطفت درد احتیـاجم را بهبودی بخش و بـا بخشـشت کالبد نیازمنـدی ام را نیرومنـد گردان و با عطایت شکسـتگی ام را پیوند بده و با بخشـش فراوانت کمبودم را برطرف کن و با پرده پوشـی بزرگوارانه ات عیب هایم را بپوشان. و راه روزی را برایم هموار کن ای پروردگار و پایه هایش را مقابلم استوار گردان و چشمه های مهربانی گسترده ات را برایم بجوشـان و رودهـای آسـایش را با مهربانی ات برایم پرآب گردان و زمین نیازمنـدی ام را خشک و بی آب و علف کن و بی حاصـلی بیچـارگی ام را حاصـلخیز گردان و موانـع روزی ام را برطرف کن و رشـته هـای تنگی را از من بـبر و فراخ ترین تیرهـای گشـایش روزی را به

سویم پرتاب کن و با پایدارترین آسایش و راحتی مرا دوست بدار و ای پروردگار من، با پوشش های راحتی و گشایش مرا بپوشان، همانا من چشم به راه بخششت با از بین رفتن تنگ دستی و بریده شدن مانع هستم و با گذشتت منتظر از بین رفتن کوتاهی و پیوستن رشته ام به کرم تو با دارایی هستم. خداوندا، در آسمان روزی ات باران پیوسته ببار و با نعمت هایت مرا از مردم بی نیاز کن و تنگدستی و بیچارگی را از من دور گردان و آن را با شمشیر ناتوانی بزن و با لطف گسترده ات آن را نابود کن و مرا با فراوانی مال یاری کن و از تنگی و اندکی روزی مرا حفظ کن و بـدی قحطی را از من بردار و بساط نعمت را برایم بگستران و با پشت گرمی همراهم شو و با آسانی بهره منـدم گردان، چرا که تو دارای توانگری فراوان و لطف گسترده هستی و تو سخاوتمند و بزرگوار و پادشاه آمرزنـده هستی. بارخـدایا، از روزی ات بـاران بسیار بر من ببار و بخشش گسترده ات را به من بنمایان و به ناگهان ثروت بسیار به من ببخش و با خود کفایی مرا نیرومند گردان.

مناجات پناه بردن:

به نـام خداونـد بخشـنده مهربان. خداونـدا، از انـدوه بلاهایی که نازل می شود و از وحشت و سـختی بیچارگی ها به تو پناه می برم، پس مرا از بیچـارگی بلاـ پنـاه ده و از بلاـی ناگهـانی مرا نجـات ده و از پایان یافتن نعمت ها و لغزش قـدم ها مرا حفظ کن، و مرا در پناه عزتت و آسـتان پناهت قرار ده از گرفتاری های ناگهانی و پیشامدهای ناگوار شـتابان، خدایا، پروردگارا، سرزمین بلا را فروریز و عرصه محنت را در هم بریز و خورشـید پیشامـدهای بـد را تیره گردان و کوه های بدی را از هم بگسـلان و گرفتاری های زمانه را برطرف کن و موانع کارها را بازگردان، و مرا به حوض هـای سـلامت وارد کن و بر مرکب های بزرگت سوار کن و با بخشـش لغزش ها همراهم شو و مرا با پرده پوشـی از زشتی ها فرا گیر و و با مهربانی ات و برطرف کردن بلا و سـختی ها بر من ببخش و گروه های (انواع) عذابت را از من بگردان و عذاب دردناکت را از من بگردان و مرا از سـختی های روزگار پناه ده و از بد انجامی های کارها نجات بخش و از هر محذوری مرا پاس دار و سـنگ های سـخت بلا را از کارم خرد کن و دسـتش را از من شل کن تا زمانی که زنـده ام. به راستی که تو پروردگار بزرگوار و آغازگر و بازگرداننده و انجام دهند ه ای به هرآن چه بخواهی.

مناجات درخواست توبه:

به نام خداوند بخشـنده مهربان. خداوندا، از روی صدق تو را قصد نمودم با توبه ی حقیقی و نیت پیمانی درست و پابرجا و دعای قلب دردمند و آشـکار ساختن سـخنی واضـح. خـدایا ای پروردگارم از من پـذیرا باش بازگشتی خالصانه و روی آوردنی شـتابان و به خاک افتادن از ترس گناه و توبه ام را با پاداش فراوان و بازگشت کریمانه و گذشت از مجازات و بهره مندی در بازگشت و پوشـیده داشـتن مواجه کن و آن چه از گناهانم را که پایدار گشـته ناپدید کن و با پذیرفتن آن عیب هایم را بشوی و آن را جلادهنده ی زنگار دلم و تقویت کننده ی بصـیرت خردم و شوینـده ی آلودگی هایم و پاک کننـده ی نجاست بـدنم و تصـحیح کننـده ی درونم قرار بده و پایان کارم را شـتابنده به سوی آن قرار بده. پروردگارا، توبه ام را بپـذیر که از روی راستی و نیت بی ریاست و خالص برای درست کردن بینایی ام و نیکو گردانـدن وجـدانم وتلاش برای دیدار با راز پوشـیده ام و ثابت گرداندن توبه ام و شـتافتن به سوی اطاعت از دسـتور توست. و بارالها، با این توبه تاریکی های مداومت بر گناه را از من پـاک کن و گناهـانی را که پیش از این انجـام داده ام ناپدیـد کن و مرا بـا پوشـش پرهیزکـاری و هـدایت بپوشـان، چرا که به راسـتی ریسـمان نافرمانی را از خودم کندم و لباس گناهان را از بدنم دور کرده ام و به قدرت تو چنگ زده ام و با عزت تو از خویشـتن یاری گرفته ام وتـوبه ام را از پیمـان شـکنی به وفـای تو ایمن گردانـده ام و از خواری خود را به نگهـداری ات حفـظ می کنم و اقرار می کنم که هیـچ نیرو و جنبشی مگر به فرمان تو نیست.

مناجات برای درخواست حج:

به نام خداونـد بخشـنده مهربان. خـدایا، حـج را روزی من قرار بـده که آن را واجب نمودی برای کسانی که بتوانند راهی به سوی آن بیابند. و برایم در آن هـدایت و راهنمایی قرار بـده و دوری راه را برایم نزدیک گردان و مرا برای انجام مناسک آن یاری کن و با محرم شدنم، بدنم را

برآتش حرام کن و توشه و نیرو و طاقتم را در سفر زیاد کن و ایستادن در مقابل خودت و کوچ کردن به سویت را روزی ام گردان و مرا پیروز گردان و سود فراوان و کامیابی به من ببخش، و پروردگارا، مرا از جایگاه حج بزرگ به تقربگاه مشعر برسان و آن را وسیله نزدیکی ام به رحمت تو و راهی به بهشتت قرار بده. مرا در جایگاه مشعر الحرام و ووقوف در احرام بازدار و مرا شایسته ی انجام دستورات حج قرار بده و قربانی کردن شترهای بلندکوهان با خون جوشان و شاهرگ های خون افشان و ریختن خون های روان و کشتن قربانی های فراوان و بریدن رگ های گردنشان طبق فرمان تو و انجام وظیفه آن چنان که تو مقرر فرمودی. و خداوندا مرا در نماز عید حاضر کن در حالی که به وعده ات امیدوار باشم و موی سرم را تراشیده باشم و در فرمان برداری از تو تلاش کنم و برای پرتاب سنگ ها دامن به کمر بسته با هفت سنگریزه از پس هفت تای دیگر از آن سنگ های مقرر، و خداوندا، مرا به آستان خانه ات وارد کن و در جایگاه امنت و کعبه ات و جایگاه مسکینان و درخواست کنندگان از تو و ورود کنندگان بر تو و محتاجانت مرا وارد کن ومرا پاداش فراوان ببخش در بازگشت و کوچ، و مناسک حجّم و گذشتن شیونم را با پذیرش درگاهت و مهرت بر من به پایان برسان، ای آمرزنده و مهربان و ای مهربان ترین مهربانان.

مناجات برای دفع ظلم:

به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوندا، همانا ظلم بندگانت در سرزمین های تو پابرجا شد تا آن که عدالت مرده و راه ها بریده شده و حق نابود شده و راستی از بین رفته و نیک رفتاری پنهان شده و بدی آشکار گشته و پرهیزکاری مورد غفلت واقع شده و هدایت نابود گشته و خیر از میان رفته و شر پابرجاست و فساد رو به فزونی است و دشمنی نیرومند می شود و ستم گسترده شده و تجاوز آشکار شده است. پروردگارا، این ها جز با قدرت تو برطرف نمی شود و پناهی جز لطف تو از آن نیست. بارالها، پس ظلم را از ریشه برکن و کوه های زورگویی را به گردوغبار تبدیل کن و بازار زشتی ها را ببند و هر کس از آن جلوگیری کند را عزیز گردان و ریشه ی ظالمان را از بیخ برکن و پس از آوارگی آن ها را سرگردان کن و شبیخونی بر سر آن ها به شتاب فرود آور و به زندگی زشتی ها پایان بده تا ترسان آسوده شود و بیچاره آرام گیرد و گرسنه سیر گردد و گمشده حفظ گردد و رانده شده پناه گاهی یابد و گریخته بازگردد و فقیر بی نیاز گردد و پناه جوینده پناه گیرد و بزرگ مورد احترام واقع شود و به کوچک رحم شود و ستمدیده عزیز گردد و ستمگر خوار شود و تاریکی برطرف گردد و جنجال آرام شود و اختلاف از بین رود و نزدیکی زنده شود و دانش بلندمرتبه گردد و نیت ها زیبا شود و پراکندگی ها جمع آوری گردد و ایمان قوی گردد و قرآن تلاوت شود، زیرا تویی جزادهنده ی نعمت بخش و مهربان.

مناجات شکر خداوند:

به نام خداوند بخشنده مهربان. خدایا، سپاس از آن توست برای بازگرداندن بلاهای نازل شده و ناگواری های دردناک و به هم پیوستگی نعمت های فراوان، و سپاس از آن توست به خاطر عطای گوارایت و بلای ستوده ات و مهربانی های والایت و سپاس مخصوص توست برای نیکی فراوانت و خیر جوشانت و تکلیف آسانت و دفع سختی ها. و سپاس از آن توست به خاطر به ثمر رساندن شکر اندک و عطاکردن پاداش فراوان از جانب تو و فروگذاشتن بار سنگین گناه و پذیرفتن عذر بی مورد و برزمین گذاشتن تکلیف سنگین و آسان نمودن دشواری و جلوگیری ات از کار وحشت ناک و سپاس از آن توست برای بلایی که بازگردانده شد و خیرات فراوان و جلوگیری از ترس و وحشت، و رام کردن سرکشی ها و سپاس برای توست بر اندک بودن تکلیف و فراوانی تخفیف و نیرومند گرداندن ناتوان و فریادرسی بیچاره و سپاس از آن توست برای گستردگی مهلت تو و ادامه دار بودن نعمتت و جلوگیری از عقوبتت و کارهای ستوده ات و پیاپی بودن عطایت و حمد مخصوص توست برای تاخیر در فوریت عذاب و ترک عجله در کیفر و آسان نمودن راه های بازگشت و فرستادن باران از ابر رحمت،

زیرا که تویی منت دهنده ی بسیار بخشنده.

مناجات برای درخواست حاجت:

به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوندا، سزاوار است آن کس که به او فرمان دعا دادی تو را بخواند و آن کس که وعده اجابتش دادی به تو امید ببندد، و من حاجتی دارم ای پروردگارم که از آن درمانده شده ام و توانم در آن به پایان رسیده و نیرویم از دنبال کردنش سست شده و نفس بدخواه برایم زیبا نشان داده و دشمن فریبنده ام که به وسیله آن آزموده می شوم، تا در آن به موجود ناتوان و دربندی چون خودم روی آورم، تا آن که مهربانی ات مرا بر عهده گرفت و دلسوزی ات با توفیق به سراغم آمد و با بخشش عقلم را به من بازگرداندی و راه رشدم را با لطفت به من الهام نمودی و قلبم را با امید به خودت زنده کردی و فریب دشمنم را از اندیشه ام برطرف نمودی و فکرم را با امید درست کردی و سینه ام را با امید به یاری ات گشایش دادی و برای رسیدن به آن چه امید به آن بسته ام پیروزمندی را تصویر نمودی. پس ای معبود من، در مقابلت ایستاده ام در حالی که از تو درخواست کرده و به تو التماس می کنم و اعتماد و تکیه ام به توست تا حاجتم را برآورده و آرزویم را برآورده و خواهشم را راست گردانی، پس بارالها، حاجتم را به مبارک ترین پیروزی برسان و راه رستگاری را به او بنمایان و با بزرگواری ات و پاسخ گوارایت و بخشش فراوانت از ناامیدی و یأس و تأخیر و عقب کشیدن پناهم ده، به راستی که تو دوست بخشنده ای هستی که بر بندگانت با هدیه های شایان وفا می کنی و تو بر هر کار توانایی و به هر چیز احاطه داری و بر بندگانت آگاه و بینایی - . بلد الأمین: ۵۱۵- ۵۲۱ - .

مهج الدعوات: با سندهای خود از أبی جعفر بن بابویه از ابراهیم بن محمد بن حارث نوفلی روایت کردیم تا پایان دعاها - . مهج الدعوات : ۳۲۱- ۳۳۰ - .

**[ترجمه]

أقول

روی السید فی کتاب فتح الأبواب الدعاء الأول مع اختصار هکذا حدث أبو الحسین محمد بن هارون التلعکبری عن هبه الله بن سلامه المقری عن إبراهیم بن أحمد البزوفری عن الرضا عن أبیه عن جده الصادق علیه السلام: کما مر فی کتاب الصلاه.

**[ترجمه]سید در کتاب فتح ابواب دعاء اول را با اختصار چنین روایت کرده: أبو حسین محمد بن هارون تلعکبری از هبه الله بن سلامه مقری از ابراهیم بن أحمد بزوفری از امام رضا از پدرش از جدش امام صادق علیهم السلام روایت کرده، همان گونه که در کتاب نماز گذشت.

**[ترجمه]

«۱۸»

وَجَدْتُ بِخَطِّ الشَّیْخِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْجُبَعِیِّ رَحِمَهُ اللَّهُ نَقْلًا مِنْ خَطِّ الشَّهِیدِ قُدِّسَ سِرُّهُ مِنْ کِتَابٍ یُنْسَبُ إِلَی عَلِیِّ بْنِ إِسْمَاعِیلَ الْمِیثَمِیِّ کَانَ زَیْنُ الْعَابِدِینَ

ص: ۱۲۰

۱- ۱. البلد الأمین: ۵۱۵- ۵۲۱.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۳۲۱- ۳۳۰.

عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: وَ مَنْ أَنَا حَتَّى تَقْصِدَ قَصْدِي لِغَضَبٍ مِنْكَ يَدُومُ عَلَيَّ فَوَ عِزَّتِكَ مَا يُغَيِّرُ مُلْكَكَ حَسَنَاتِي وَ لَا تَشِينُهُ سَيِّئَاتِي وَ لَا يَنْقُصُ مِنْ خَزَائِنِكَ غَنَائِي وَ لَا يَزِيدُ بِهَا فَقْرِي

إِذَا ذَكَرْتُ أَيَادِيَكَ الَّتِي سَلَفَتْ***مَعَ سُوءِ فِعْلِي وَ زَلَّاتِي وَ مُجْتَرَمِي

أَكَادُ أَهْلِكُ يَأْساً ثُمَّ يُدْرِكُنِي***عِلْمِي بِأَنَّكَ مَجْبُولٌ عَلَى الْكَرَمِ

**[ترجمه]با دست خط شیخ محمد بن علی جبعی رحمه الله و به نقل از دست خط شهید قدس سره از نوشته ای که منسوب به علی بن إسماعیل میثمی بود دیدم که زین العابدین علیه السلام می گفت: من که هستم تا برای خشمی که بر من قرار می گیرد خواسته مرا در نظر بگیری، پس سوگند به عزتت نیکی های من چیزی از دارایی ات را تغییر نمی دهد و بدی هایم آن را زشت نمی گرداند و بی نیاز گرداندن من از خزائن تو چیزی نمی کاهد و فقرم چیزی به آن نمی افزاید:

هنگامی که بخشش های گذشته ات را به یاد می آورم

با این که گناهان و لغزش ها و خطاهایی داشته ام

نزدیک است از نا امیدی نابود شوم

سپس به یاد می آورم که سرشت تو بزرگواری است

**[ترجمه]

«۱۹»

ق، کتاب العتیق الغروی مُنَاجَاةُ مَوْلَانَا زَيْنِ الْعَابِدِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ:

يَا رَاحِمَ رَنَّهِ الْعَلِيلِ وَ يَا عَالِمَ مَا تَحْتَ خَفِيِّ الْأَنِينِ اجْعَلْنِي مِنَ السَّالِمِينَ فِي حِصْنِكَ الَّذِي لَا تَرُومُهُ الْأَعْدَاءُ وَ لَا يَصِلُ إِلَيَّ فِيهِ مَكْرُوهُ الْأَذَى فَأَنْتَ مُجِيبُ مَنْ دَعَا وَ رَاحِمُ مَنْ لَاذَ بِكَ وَ شَكَا أَسْتَعْطِفُكَ عَلَيَّ وَ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ لِفَاقَتِي فَقَدْ غَلَبَتِ الْأُمُورُ قِلَّةَ حِيلَتِي وَ كَيْفَ لَا يَكُونُ ذَلِكَ وَ لَمْ أَكُ شَيْئاً وَ كَوَّنْتَنِي ثُمَّ بَعْدَ التَّكْوِينِ إِلَى دَارِ الدُّنْيَا أَخْرَجْتَنِي وَ بِأَحْكَامِكَ فِيهَا ابْتَلَيْتَنِي سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ لَا أَجِدُ عُذْراً أَعْتَذِرُ فَأَبْرَأَ وَ لَا شَيْئاً أَسْتَعِينُ بِهِ دُونَكَ فَأَعِنِّي إِلَهِي أَسْتَعْطِفُكَ عَلَيَّ أَبَداً أَبَداً: إِلَهِي كَيْفَ أَدْعُوكَ وَ قَدْ عَصَيْتُكَ وَ كَيْفَ لَا أَدْعُوكَ وَ قَدْ عَرَفْتُكَ حُبُّكَ فِي قَلْبِي وَ إِنْ كُنْتُ عَاصِياً مَدَدْتُ يَداً بِالذُّنُوبِ مَمْلُوءَةً وَ عَيْناً بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةً وَ دَمْعَةً بِالْآمَالِ مَوْصُولَةً إِلَهِي أَنْتَ مَلِكُ الْعَطَايَا وَ أَنَا أَسِيرُ الْخَطَايَا وَ مِنْ كَرَمِ الْعُظَمَاءِ الرِّفْقُ بِالْأُسَرَاءِ وَ أَنَا أَسِيرُ جُرْمِي مُرْتَهَنٌ بِعَمَلِي إِلَهِي لَئِنْ طَالَبْتَنِي بِسَرِيرَتِي لَأَطْلُبَنَّ مِنْكَ عَفْوَكَ إِلَهِي لَئِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ لَأُحَدِّثَنَّ أَهْلَهَا أَنِّي أُحِبُّكَ إِلَهِي الطَّاعَةُ تَسُرُّكَ وَ الْمَعَاصِي لَا تَضُرُّكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ هَبْ لِي مَا يَسُرُّكَ وَ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ إِلَهِي أَ مِنْ أَهْلِ الشَّقَاوَةِ خَلَقْتَنِي فَأُطِيلَ بُكَائِي أَمْ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَلَقْتَنِي فَأَنْشُرَ رَجَائِي إِلَهِي أَ لِوَقْعِ مَقَامِعِ الزَّبَانِيَةِ رَكَّبْتَ أَعْضَائِي أَمْ لِشُرْبِ الصَّدِيدِ خَلَقْتَ أَمْعَائِي إِلَهِي أَنَا الَّذِي لَا أَقْطَعُ مِنْكَ رَجَائِي وَ لَا أُخَيَّبُ مِنْكَ دُعَائِي إِلَهِي نَظَرْتُ إِلَى عَمَلِي فَوَجَدْتُهُ ضَعِيفاً وَ حَاسَبْتُ نَفْسِي فَوَجَدْتُهَا لَا تَقْوَى عَلَى شُكْرِ نِعَمِهِ

وَاحِدَهٍ أَنْعَمْتَهَا عَلَيَّ فَكَيْفَ أَطْمَعُ أَنْ أُنَاجِيَكَ فَارْحَمْنِي إِذَا طَاشَ عَقْلِي وَ حَشْرَجَ صَدْرِي وَ أُدْرِجْتُ خِلْواً فِي كَفَنِي وَ إِنْ كَانَتْ دَنَتْ وَفَاتِي وَ شُخُوصِي إِلَيْكَ فَاحْشُرْنِي مَعَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

مُنَاجَاهٌ لَهُ أُخْرَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ:

إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ إِنْ قَطَعْتَ تَوْفِيقَكَ خَذَلْتَنِي إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ إِنْ رَدَدْتَنِي إِلَى نَفْسِي أَهْلَكْتَنِي إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ إِنْ رَدَدْتَنِي إِلَى سُؤَالِ غَيْرِكَ أَذْلَلْتَنِي إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ أَوْبَقَتْنِي ذُنُوبِي وَ أَنْتَ أَوْلَى مَنْ عَفَا عَنِّي إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ عَظُمَ ذَنْبِي وَ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ أَحَدٌ سِوَاكَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ حُسْنُ ظَنِّي بِكَ جَرَّأَنِي عَلَى مَعَاصِيكَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ لَئِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ لَقَدْ جَمَعْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ مَنْ كُنْتُ أُعَادِيهِ فِيكَ.

مُنَاجَاهٌ لَهُ أُخْرَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ:

إِلَهِي طَالَمَا نَامَتْ عَيْنَايَ وَ قَدْ حَضَرَتْ أَوْقَاتُ صَلَوَاتِكَ وَ أَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ تَحْلُمُ عَنِّي يَا كَرِيمُ إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَوَيْلٌ لِهَاتَيْنِ الْعَيْنَيْنِ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى تَحْرِيقِ النَّارِ إِلَهِي طَالَمَا مَشَتْ قَدَمَايَ فِي غَيْرِ طَاعَتِكَ وَ أَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ تَحْلُمُ عَنِّي يَا كَرِيمُ إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَوَيْلٌ لِهَاتَيْنِ الْقَدَمَيْنِ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى تَحْرِيقِ النَّار(۱) إِلَهِي طَالَمَا رَكِبَتْ نَفْسِي مَا نَهَيْتَ عَنْهُ فَحَلُمْتَ عَنْهَا يَا كَرِيمُ إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَوَيْلٌ لِهَذَا الْجِسْمِ الضَّعِيفِ كَيْفَ يَصْبِرُ عَلَى تَحْرِيقِ النَّارِ إِلَهِي لَيْتَنِي لَمْ أُخْلَقْ لِشَقَاوَهِ جَسَدِي إِلَهِي لَيْتَ أُمِّي لَمْ تَلِدْنِي إِلَهِي لَيْتَنِي لَمْ أَسْمَعْ بِذِكْرِ جَهَنَّمَ وَ سَلَاسِلِهَا وَ تَثْقِيلِ أَغْلَالِهَا إِلَهِي لَيْتَنِي كُنْتُ طَائِراً فَأَطِيرَ فِي الْهَوَاءِ مِنْ خَوْفِكَ إِلَهِي الْوَيْلُ لِي ثُمَّ الْوَيْلُ لِي إِنْ كَانَ إِلَى جَهَنَّمَ مَحْشَرِي إِلَهِي الْوَيْلُ لِي ثُمَّ الْوَيْلُ لِي إِنْ كَانَ فِي النَّارِ مَجْلِسِي إِلَهِي الْوَيْلُ لِي ثُمَّ الْوَيْلُ لِي إِنْ كَانَ الزَّقُّومُ فِيهَا طَعَامِي إِلَهِي الْوَيْلُ لِي ثُمَّ الْوَيْلُ لِي إِنْ كَانَ الْحَمِيمُ فِيهَا شَرَابِي إِلَهِي الْوَيْلُ لِي ثُمَّ الْوَيْلُ لِي إِنْ كَانَ الشَّيْطَانُ وَ الْكُفَّارُ فِيهَا أَقْرَانِي.

۱- ۱. علی بحریق النار خ ل فی المواضع.

إِلَهِی الْوَیْلُ لِی ثُمَّ الْوَیْلُ لِی إِنْ أَنَا قَدِمْتُ عَلَیْکَ وَ أَنْتَ سَاخِطٌ عَلَیَّ فَمَنْ ذَا الَّذِی یُرْضِیکَ عَنِّی لَیْسَ لِی حَسَنَهٌ سَبَقَتْ لِی فِی طَاعَتِکَ أَرْفَعُ بِهَا إِلَیْکَ رَأْسِی أَوْ یَنْطِقُ بِهَا لِسَانِی لَیْسَ لِی إِلَّا الرَّجَاءُ مِنْکَ فَقَدْ سَبَقَتْ رَحْمَتُکَ غَضَبَکَ عَفْوَکَ عَفْوَکَ عَفْوَکَ فَإِنَّکَ قُلْتَ فِی کِتَابِکَ الْمُنْزَلِ عَلَی نَبِیِّکَ الْمُرْسَلِ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ وَ سَلَامُکَ نَبِّئْ عِبادِی أَنِّی أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِیمُ وَ أَنَّ عَذابِی هُوَ الْعَذابُ الْأَلِیمُ صَدَقْتَ صَدَقْتَ یَا سَیِّدِی لَیْسَ یَرُدُّ غَضَبَکَ إِلَّا حِلْمُکَ وَ لَا یُجِیرُ مِنْ عِقَابِکَ إِلَّا عَفْوُکَ وَ لَا یُنْجِی مِنْکَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَیْکَ أَتَضَرَّعُ إِلَیْکَ یَا رَبِّ تَضَرُّعَ الْمُذْنِبِ الْحَقِیرِ وَ أَدْعُوکَ دُعَاءَ الْبَائِسِ الْفَقِیرِ وَ أَسْأَلُکَ مَسْأَلَهَ الْمِسْکِینِ الضَّرِیرِ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِالْجَنَّهِ وَ عَافِنِی مِنَ النَّارِ إِلَهِی مُنَّ عَلَیَّ بِإِحْسَانِکَ الَّذِی فِیهِ الْغَنَاءُ عَنِ الْقَرِیبِ وَ الْبَعِیدِ وَ الْأَعْدَاءِ وَ الْإِخْوَانِ وَ أَلْحِقْنِی بِالَّذِینَ غَمَرَتْهُمْ سَعَهُ رَحْمَتِکَ فَجَعَلْتَهُمْ أَطْیَاباً أَبْرَاراً أَتْقِیَاءَ وَ لِنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ جِیرَانَ فِی دَارِ السَّلَامِ وَ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مَعَ الْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ وَ الْإِخْوَهِ وَ الْأَخَوَاتِ وَ أَلْحِقْنَا وَ إِیَّاهُمْ بِالْأَبْرَارِ وَ أَبِحْنَا وَ إِیَّاهُمْ جَنَّاتِکَ مَعَ النُّجَبَاءِ الْأَخْیَارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی وَ جَمِیعَ إِخْوَانِی بِکَ مُؤْمِنِینَ وَ عَلَی الْإِسْلَامِ ثَابِتِینَ وَ لِفَرَائِضِکَ مُؤَدِّینَ وَ عَلَی الصَّلَوَاتِ مُحَافِظِینَ وَ لِلزَّکَاهِ فَاعِلِینَ وَ لِمَرْضَاتِکَ مُتَیَقِّنِینَ وَ لِلْإِخْلَاصِ مُخْلِصِینَ وَ لَکَ ذَاکِرِینَ وَ لِسُنَّهِ نَبِیِّکَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ عَلَی آلِهِ مُتَّبِعِینَ وَ مِنْ عَذَابِکَ مُشْفِقِینَ وَ مِنْ عَدْلِکَ خَائِفِینَ وَ لِفَضْلِکَ رَاجِینَ وَ مِنَ الْفَزَعِ الْأَکْبَرِ آمِنِینَ وَ فِی خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ مُتَفَکِّرِینَ وَ مِنَ الذُّنُوبِ وَ الْخَطَایَا تَائِبِینَ وَ عَنِ الرِّیَاءِ وَ السُّمْعَهِ مُنَزَّهِینَ وَ مِنَ الشِّرْکِ وَ الزَّیْغِ وَ الْکُفْرِ وَ الشِّقَاقِ وَ النِّفَاقِ مَعْصُومِینَ وَ بِرِزْقِکَ قَانِعِینَ وَ لِلْجَنَّهِ طَالِبِینَ وَ مِنَ النَّارِ هَارِبِینَ وَ مِنَ الْحَلَالِ الطَّیِّبِ مَرْزُوقِینَ وَ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ وَاقِفِینَ وَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ مُصَلِّینَ وَ لِأَهْلِ الْإِیمَانِ نَاصِحِینَ وَ لِلْإِخْوَانِ فِیکَ مُسْتَغْفِرِینَ وَ عِنْدَ مُعَایَنَهِ الْمَوْتِ مُسْتَبْشِرِینَ وَ فِی وَحْشَهِ الْقَبْرِ فَرِحِینَ وَ بِلِقَاءِ مُنْکَرٍ وَ نَکِیرٍ مَسْرُورِینَ وَ عِنْدَ مُسَاءَلَتِهِمْ بِالصَّوَابِ مُجِیبِینَ وَ

فِی الـدُّنْیا زَاهِـدِینَ وَ فِی الْـآخِرَهِ رَاغِـبِینَ وَ لِلْجَنَّهِ طَـالِبِینَ وَ لِلْفِرْدَوْسِ وَارِثِینَ وَ مِنْ ثِیَـابِ السُّنْدُسِ وَ الْإِسْـتَبْرَقِ لَابِسِـینَ وَ عَلَی الْأَرَائِـکِ مُتَّکِئِینَ وَ بِالتِّیجَانِ الْمُکَلَّلَهِ بِالـدُّرِّ وَ الْیَوَاقِیتِ وَ الزَّبَرْجَـدِ مُتَوَّجِینَ وَ لِلْوِلْـدَانِ الْمُخَلَّدِینَ مُسْـتَخْدِمِینَ وَ بِأَکْوَابٍ وَ أَبَارِیقَ وَ کَأْسٍ مِنْ مَعِینٍ شَارِبِینَ وَ مِنَ الْحُورِ الْعِینِ مُزَوَّجِینَ وَ فِی نَعِیمِ الْجَنَّهِ مُقِیمِینَ وَ فِی دَارِ الْمُقَامَهِ خَالِدِینَ لا یَمَسُّهُمْ فِیها نَصَبٌ وَ ما هُمْ مِنْها بِمُخْرَجِینَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَ لِإِخْوَانِنَا الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْیَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ وَ التِّبَاعِ بَیْنَهُمْ بِالْخَیْرَاتِ إِنَّکَ وَلِیُّ الْبَاقِیَاتِ الصَّالِحَاتِ.

مُنَاجَاهٌ لَهُ أُخْرَی صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ تُعْرَفُ بِالصُّغْرَی:

سُبْحَانَکَ یَـا إِلَهِی مَـا أَحْلَمَـکَ وَ أَعْظَمَـکَ وَ أَعَزَّکَ وَ أَکْرَمَـکَ وَ أَعْلَاکَ وَ أَقْدَمَکَ وَ أَحْکَمَـکَ وَ أَعْلَمَکَ وَسِعَ عِلْمُکَ تَهَـدُّدَ الْمُتَکَبِّرِینَ وَ اسْـتَغْرَقَتْ نِعْمَتُکَ شُـکْرَ الشَّاکِرِینَ وَ عَظُمَ فَضْـلُکَ عَنْ إِحْصَاءِ الْمُحْصِـینَ وَ جَلَّ طَوْلُکَ عَنْ وَصْفِ الْوَاصِـفِینَ خَلَقْتَنَا بِقُدْرَتِکَ وَ لَمْ نَکُ شَـیْئاً وَ صَوَّرْتَنَـا فِی الظُّلُمَـاءِ بِکُنْهِ لُطْفِـکَ وَ أَنْهَضْـتَنَا إِلَی نَسِـیمِ رَوْحِـکَ وَ غَـذَوْتَنَا بِطَیِّبِ رِزْقِـکَ وَ مَکَّنْتَ لَنَـا فِی مِهَـادِ أَرْضِـکَ وَ دَعَوْتَنَا إِلَی طَاعَتِکَ فَاسْـتَنْجَدْنَا بِإِحْسَانِکَ عَلَی عِصْـیَانِکَ وَ لَوْ لَا حِلْمُکَ مَا أَمْهَلْتَنَا إِذْ کُنْتَ قَدْ سَدَلْتَنَا بِسِتْرِکَ وَ أَکْرَمْتَنَا بِمَعْرِفَتِکَ وَ أَظْهَرْتَ عَلَیْنَا حُجَّتَکَ وَ أَسْبَغْتَ عَلَیْنَـا نِعْمَتَـکَ وَ هَـدَیْتَنَا إِلَی تَوْحِیـدِکَ وَ سَـهَّلْتَ لَنَـا الْمَسْـلَکَ إِلَی النَّجَاهِ وَ حَـذَّرْتَنَا سَبِیلَ الْمَهْلَکَهِ فَکَانَ جَزَاؤُکَ مِنَّا أَنْ کَافَأْنَاکَ عَلَی الْإِحْسَانِ بِالْإِسَـاءَهِ اجْتِرَاءً مِنَّا عَلَی مَـا أَسْـخَطَ وَ مُسَـارَعَهً إِلَی مَا بَاعَـدَ مِنْ رِضَاکَ وَ اغْتِبَاطاً بِغُرُورِ آمَالِنَا وَ إِعْرَاضاً عَلَی زَوَاجِرِ آجَالِنَا فَلَمْ یَرْدَعْنَا ذَلِکَ حَتَّی أَتَانَا وَعْدُکَ لِیَأْخُذَ الْقُوَّهَ مِنَّا فَدَعَوْنَاکَ مُسْتَحِطِّینَ لِمَیْسُورِ رِزْقِکَ مُنْتَقِصِینَ لِجَوَائِزِکَ فَنَعْمَلُ بِأَعْمَالِ الْفُجَّارِ کَالْمُرَاصِدِینَ لِمَثُوبَتِکَ بِوَسَائِلِ الْأَبْرَارِ نَتَمَنَّی عَلَیْکَ الْعَظَائِمَ.

فَإِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ مِنْ مُصِـیبَهٍ عَظُمَتْ رَزِیَّتُهَـا وَ سَـاءَ ثَوَابُهَـا وَ ظَلَّ عِقَابُهَـا وَ طَـالَ عَـذَابُهَا وَ إِنْ لَمْ تَتَفَضَّلْ بِعَفْوِکَ رَبَّنَا فَتُبْسَطَ آمَالُنَا وَ فِی وَعْدِکَ الْعَفْوُ عَنْ زَلَلِنَا

رَجَوْنَا إِقَالَتَكَ وَ قَدْ جَاهَرْنَاكَ بِالْكَبَائِرِ وَ اسْتَخْفَيْنَا فِيهَا مِنْ أَصَاغِرِ خَلْقِكَ وَ لَا نَحْنُ رَاقَبْنَاكَ خَوْفاً مِنْكَ وَ أَنْتَ مَعَنَا وَ لَا اسْتَحْيَيْنَا مِنْكَ وَ أَنْتَ تَرَانَا وَ لَا رَعَيْنَا حَقَّ حُرْمَتِكَ أَيْ رَبِّ فَبِأَيِّ وَجْهٍ عَزَّ وَجْهُكَ نَلْقَاكَ أَوْ بِأَيِّ لِسَانٍ نُنَاجِيكَ وَ قَدْ نَقَضْنَا الْعُهُودَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَ جَعَلْنَاكَ عَلَيْنَا كَفِيلًا.

ثُمَّ دَعَوْنَاكَ عِنْدَ الْبَلِيَّهِ وَ نَحْنُ مُقْتَحِمُونَ فِي الْخَطِيئَهِ فَأَجَبْتَ دَعْوَتَنَا وَ كَشَفْتَ كُرْبَتَنَا وَ رَحِمْتَ فَقْرَنَا وَ فَاقَتَنَا فَيَا سَوْأَتَاهْ وَ يَا سَوْءَ صَنِيعَاهْ بِأَيِّ حَالِهِ عَلَيْكَ اجْتَرَأْنَا وَ أَيُّ تَغْرِيرٍ بِمُهَجِنَا غَرَّرْنَا أَيْ رَبِّ بِأَنْفُسِنَا اسْتَخْفَفْنَا عِنْدَ مَعْصِيَتِكَ لَا بِعَظَمَتِكَ وَ بِجَهْلِنَا اغْتَرَرْنَا لَا بِحِلْمِكَ وَ حَقَّنَا أَضَعْنَا لَا كَبِيرَ حَقِّكَ وَ أَنْفُسَنَا ظَلَمْنَا وَ رَحْمَتَكَ رَجَوْنَا فَارْحَمْ تَضَرُّعَنَا وَ كَبْوَنَا لِوَجْهِكَ وُجُوهَنَا الْمُسْوَدَّهَ مِنْ ذُنُوبِنَا فَنَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَصِلَ خَوْفَنَا بِأَمْنِكَ وَ وَحْشَتَنَا بِأُنْسِكَ وَ وَحْدَتَنَا بِصُحْبَتِكَ وَ فَنَاءَنَا بِبَقَائِكَ وَ ذُلَّنَا بِعِزِّكَ وَ ضَعْفَنَا بِقُوَّتِكَ فَإِنَّهُ لَا ضَيْعَهَ عَلَى مَنْ حَفِظْتَ وَ لَا ضَعْفَ عَلَى مَنْ قَوَّيْتَ وَ لَا وَهْنَ عَلَى مَنْ أَعَنْتَ.

نَسْأَلُكَ يَا وَاسِعَ الْبَرَكَاتِ وَ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ وَ يَا مُنْجِحَ الطَّلِبَاتِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَرْزُقَنَا خَوْفاً وَ حُزْناً تَشْغَلُنَا بِهِمَا عَنْ لَذَّاتِ الدُّنْيَا وَ شَهَوَاتِهَا وَ مَا يَعْتَرِضُ لَنَا فِيهَا عَنِ الْعَمَلِ بِطَاعَتِكَ إِنَّهُ لَا يَنْبَغِي لِمَنْ حَمَّلْتَهُ مِنْ نِعَمِكَ مَا حَمَّلْتَنَا أَنْ يَغْفُلَ عَنْ شُكْرِكَ وَ أَنْ يَتَشَاغَلَ بِشَيْ ءٍ غَيْرِكَ يَا مَنْ هُوَ عِوَضٌ مِنْ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ لَيْسَ مِنْهُ عِوَضٌ.

رَبَّنَا فَدَاوِنَا قَبْلَ التَّعَلُّلِ وَ اسْتَعْمِلْنَا بِطَاعَتِكَ قَبْلَ انْصِرَامِ الْأَجَلِ وَ ارْحَمْنَا قَبْلَ أَنْ يَحْجُبَ دُعَاؤُنَا فِيمَا نَسْأَلُ وَ امْنُنْ عَلَيْنَا بِالنَّشَاطِ وَ أَعِذْنَا مِنَ الْفَشَلِ وَ الْكَسَلِ وَ الْعَجْزِ وَ الْعِلَلِ وَ الضَّرَرِ وَ الضَّجَرِ وَ الْمَلَلِ وَ الرِّيَاءِ وَ السُّمْعَهِ وَ الْهَوَى وَ الشَّهْوَهِ وَ الْأَشَرِ وَ الْبَطَرِ وَ الْمَرَحِ وَ الْخُيَلَاءِ وَ الْجِدَالِ وَ الْمِرَاءِ وَ السَّفَهِ وَ الْعُجْبِ وَ الطَّيْشِ وَ سُوءِ الْخُلُقِ وَ الْغَدْرِ وَ كَثْرَهِ الْكَلَامِ فِيمَا لَا تُحِبُّ وَ التَّشَاغُلِ بِمَا لَا يَعُودُ عَلَيْنَا نَفْعُهُ وَ طَهِّرْنَا مِنِ اتِّبَاعِ الْهَوَى وَ مُخَالَطَهِ السُّفَهَاءِ وَ عِصْيَانِ الْعُلَمَاءِ وَ الرَّغْبَهِ عَنِ الْقُرَّاءِ وَ مُجَالَسَهِ الدُّنَاهِ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يُجَالِسُ أَوْلِيَاءَكَ وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْمُقَارِنِينَ

لِأَعْدَائِکَ وَ أَحْیِنَا حَیَاهَ الصَّالِحِینَ وَ ارْزُقْنَا قُلُوبَ الْخَائِفِینَ وَ صَبْرَ الزَّاهِدِینَ وَ قَنَاعَهَ الْمُتَّقِینَ وَ یَقِینَ السَّائِرِینَ (۱) وَ أَعْمَالَ الْعَابِدِینَ وَ حِرْصَ الْمُشْتَاقِینَ حَتَّی تُورِدَنَا جَنَّتَکَ غَیْرَ مُعَذَّبِینَ.

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الْعَمَلَ بِفَرَائِضِکَ وَ التَّمَسُّکَ بِسُنَّتِکَ وَ الْوُقُوفَ عِنْدَ نَهْیِکَ وَ الطَّاعَهَ لِأَهْلِ طَاعَتِکَ وَ الِانْتِهَاءَ عَنْ مَحَارِمِکَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا مَعْرُوفاً فِی غَیْرِ أَذًی وَ لَا مِنَّهٍ وَ عِزّاً بِکَ فِی غَیْرِ ضَلَالَهٍ وَ تَثْبِیتاً وَ یَقِیناً وَ تَذَکُّراً وَ قَنَاعَهً وَ تَعَفُّفاً وَ غِنًی عَنِ الْحَاجَهِ إِلَی الْمَخْلُوقِینَ وَ لَا تَجْعَلْ وُجُوهَنَا مَبْذُولَهً لِأَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِینَ فَإِنَّهُ مَنْ حَمَلَ فَضْلَ غَیْرِهِ مِنَ الْآدَمِیِّینَ خَضَعَ لَهُ فَلَمْ یَنْهَهُ عَنْ بَاطِلٍ وَ لَمْ یُبْغِضْهُ عَلَی مَعْصِیَهٍ بَلِ اجْعَلْ أَرْزَاقَنَا مِنْ عِنْدِکَ دَارَّهً وَ أَعْمَالَنَا مَبْرُورَهً وَ أَعِذْنَا مِنَ الْمَیْلِ إِلَی أَهْلِ الدُّنْیَا وَ التَّصَنُّعِ لَهُمْ بِشَیْ ءٍ مِنَ الْأَشْیَاءِ.

اللَّهُمَّ وَ مَا أَجْرَیْتَ عَلَی أَلْسِنَتِنَا مِنْ نُورِ الْبَیَانِ وَ إِیضَاحِ الْبُرْهَانِ فَاجْعَلْهُ نُوراً لَنَا فِی قُبُورِنَا وَ مَبْعَثِنَا وَ مَحْیَانَا وَ مَمَاتِنَا وَ عِزّاً لَنَا لَا ذُلًّا عَلَیْنَا وَ أَمْناً لَنَا مِنْ مَحْذُورِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِینَ أَسْرَعَتْ أَرْوَاحُهُمْ فِی الْعُلَی وَ خَطَطْتَ هِمَمُهُمْ فِی عِزِّ الْوَرَی فَلَمْ تَزَلْ قُلُوبُهُمْ وَالِهَهً طَائِرَهً حَتَّی أَنَاخُوا فِی رِیَاضِ النَّعِیمِ وَ جَنَوْا مِنْ ثِمَارِ النَّسِیمِ وَ شَرِبُوا بِکَأْسِ الْعَیْشِ وَ خَاضُوا لُجَّهَ السُّرُورِ وَ غَاصُوا فِی بَحْرِ الْحَیَاهِ وَ اسْتَظَلُّوا فِی ظِلِّ الْکَرَامَهِ آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ جَاسُوا خِلَالَ دِیَارِ الظَّالِمِینَ وَ اسْتَوْحَشُوا مِنْ مُؤَانَسَهِ الْجَاهِلِینَ وَ سَمَوْا إِلَی الْعُلُوِّ بِنُورِ الْإِخْلَاصِ وَ رَکِبُوا فِی سَفِینَهِ النَّجَاهِ وَ أَقْلَعُوا بِرِیحِ الْیَقِینِ وَ أَرْسَوْا بِشَطِّ بِحَارِ الرِّضَا یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِینَ غَلَقُوا بَابَ الشَّهْوَهِ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَ اسْتَنْقَذُوا مِنَ الْغَفْلَهِ أَنْفُسَهُمْ وَ اسْتَعْذَبُوا مَرَارَهَ الْعَیْشِ وَ اسْتَلَانُوا الْبُسُطَ وَ ظَفِرُوا بِحَبْلِ النَّجَاهِ وَ عُرْوَهِ السَّلَامَهِ وَ الْمَقَامِ فِی دَارِ الْکَرَامَهِ.

۱- ۱. الصابرین خ ل.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَمَسَّكُوا بِعُرْوَهِ الْعِلْمِ وَ أَدَّبُوا أَنْفُسَهُمْ بِالْفَهْمِ وَ قَرَءُوا صَحِيفَهَ السَّيِّئَاتِ وَ نَشَرُوا دِيوَانَ الْخَطِيئَاتِ وَ تَجَرَّعُوا مَرَارَهَ الْكَمَدِ حَتَّى سَلِمُوا مِنَ الْآفَاتِ وَ وَجَدُوا الرَّاحَهَ فِي الْمُنْقَلَبِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ غَرَسُوا أَشْجَارَ الْخَطَايَا نُصْبَ رَوَامِقِ الْقُلُوبِ وَ سَقَوْهَا مِنْ مَاءِ التَّوْبَهِ حَتَّى أَثْمَرَتْ لَهُمْ ثَمَرَ النَّدَامَهِ فَأَطْلَعَتْهُمْ عَلَى سُتُورِ خَفِيَّاتِ الْعُلَى وَ أَرْوَيْتَهُمُ (۱)

الْمَخَاوِفَ وَ الْأَحْزَانَ وَ الْغُمُومَ وَ الْأَشْجَارَ وَ نَظَرُوا فِي مِرْآهِ الْفِكْرِ فَأَبْصَرُوا جَسِيمَ الْفِطْنَهِ وَ لَبِسُوا ثَوْبَ الْخِدْمَهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ شَرِبُوا بِكَأْسِ الصَّفَاءِ فَأَوْرَثَهُمُ الصَّبْرَ عَلَى طُولِ الْبَلَاءِ فَقَرَّتْ أَعْيُنُهُمْ بِمَا وَجَدُوا مِنَ الْعَيْنِ حَتَّى تَوَلَّهَتْ قُلُوبُهُمْ فِي الْمَلَكُوتِ وَ جَالَتْ بَيْنَ سَرَائِرِ حُجُبِ الْجَبَرُوتِ وَ مَالَتْ أَرْوَاحُهُمْ إِلَى ظِلِّ بَرْدِ الْمُشْتَاقِينَ فِي رِيَاضِ الرَّاحَهِ وَ مَعْدِنِ الْعِزِّ وَ عَرَصَاتِ الْمُخَلَّدِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ رَتَعُوا فِي زَهْرَهِ رَبِيعِ الْفَهْمِ حَتَّى تَسَامَى بِهِمُ السُّمُوُّ إِلَى أَعْلَى عِلِّيِّينَ فَرَسَمُوا ذِكْرَ هَيْبَتِكَ فِي قُلُوبِهِمْ حَتَّى نَاجَتْكَ أَلْسِنَهُ الْقُلُوبِ الْخَفِيَّهِ بِطُولِ اسْتِغْفَارِ الْوَحْدَهِ فِي مَحَارِيبِ قُدْسِ رَهْبَانِيَّهِ(۲) الْخَاشِعِينَ وَ حَتَّى لَاذَتْ أَبْصَارُ الْقُلُوبِ نَحْوَ السَّمَاءِ وَ عَبَرَتْ أيمنه [أَيْنَمَهُ](۳)

النَّوَّاحِينَ بَيْنَ مَصَافِّ الْكَرُوبِيِّينَ وَ مُجَالَسَهِ الرُّوحَانِيِّينَ لَهُمْ زَفَرَاتٌ أَحْرَقَتِ الْقُلُوبَ عِنْدَ إِرْسَالِ الْفِكْرِ فِي مَرَاتِعِ الْإِحْسَانِ بَيْنَ يَدَيْكَ

وَ أَنْضَجَتْ نَارُ الْخَشْيَهِ مَنَابِتَ الشَّهَوَاتِ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَ سَكَنَتْ بَيْنَ خَوَافِي طَابَقِ (۴) الْغَفَلَاتِ مِنْ صُدُورِهِمْ فَأَنْبَهَ ذكر [الذِّكْرُ] رُقَادَ قُلُوبِهِمْ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ اشْتَغَلُوا بِالذِّكْرِ عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ خَالَفُوا دَوَاعِيَ الْعِزَّهِ بِوَاضِحَاتِ الْمَعْرِفَهِ وَ قَطَعُوا أَسْتَارَ نَارِ الشَّهَوَاتِ بِنَضْحِ مَاءِ التَّوْبَهِ

۱- ۱. آمنتهم خ ل.

۲- ۲. وحدانيه خ ل.

۳- ۳. الهينمه و قد يقلب الهاء همزه: الصوت الخفى كالزمزمه.

۴- ۴. اطباق خ ل.

وَ غَسَلُوا أَوْعِيَهَ الْجَهْلِ بِصَفْوِ مَاءِ الْحَيَاهِ حَتَّى جَالَتْ فِی مَجَالِسِ الذِّكْرِ رُطُوبَهُ أَلْسِنَهِ الذَّاكِرِینَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ سَهَّلْتَ لَهُ طَرِیقَ الطَّاعَهِ بِالتَّوْفِیقِ فِی مَنَازِلِ الْأَبْرَارِ فَحُیُّوا وَ قُرِّبُوا وَ أُكْرِمُوا وَ زُیِّنُوا بِخِدْمَتِکَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِینَ أَرْسَلْتَ عَلَیْهِمْ سُتُورَ(۱)

عِصْمَهِ الْأَوْلِیَاءِ وَ خَصَصْتَ قُلُوبَهُمْ بِطَهَارَهِ الصَّفَاءِ وَ زَیَّنْتَهَا بِالْفَهْمِ وَ الْحَیَاءِ فِی مَنْزِلِ الْأَصْفِیَاءِ وَ سَیَّرْتَ هُمُومَهُمْ فِی مَلَكُوتِ سَمَاوَاتِکَ حُجُباً حُجُباً حَتَّى یَنْتَهِیَ إِلَیْکَ وَارِدُهَا وَ مَتِّعْ أَبْصَارَنَا بِالْجَوَلَانِ فِی جَلَالِکَ لِتَسْهَرَنَا عَمَّا نَامَتْ قُلُوبُ الْغَافِلِینَ وَ اجْعَلْ قُلُوبَنَا مَعْقُودَهً بِسَلَاسِلِ النُّورِ وَ عَلِّقْهَا مِنْ أَرْكَانِ عَرْشِکَ بِأَطْنَابِ الذِّكْرِ وَ اشْغَلْهَا بِالنَّظَرِ إِلَیْکَ عَنْ شَرِّ مَوَاقِفِ الْمُخْتَانِینَ وَ أَطْلِقْهَا مِنَ الْأَسْرِ لِتَجُولَ فِی خِدْمَتِکَ مَعَ الْجَوَّالِینَ وَ اجْعَلْنَا بِخِدْمَتِکَ لِلْعِبَادِ وَ الْأَبْدَالِ فِی أَقْطَارِهَا طُلَّاباً وَ لِلْخَاصَّهِ مِنْ أَصْفِیَائِکَ أَصْحَاباً وَ لِلْمُرِیدِینَ الْمُتَعَلِّقِینَ بِبَابِکَ أَحْبَاباً اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِینَ عَرَفُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَیْقَنُوا بِمُسْتَقَرِّهِمْ فَكَانَتْ أَعْمَارُهُمْ فِی طَاعَتِکَ تَفْنَى وَ قَدْ نَحَلَتْ أَجْسَادُهُمْ بِالْحُزْنِ وَ إِنْ لَمْ تَبْلَ وَ هَدَیْتَ إِلَى ذِكْرِکَ وَ إِنْ لَمْ تَبْلُغْ إِلَى مُسْتَرَاحِ الْهُدَى اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِینَ فُتِقَتْ لَهُمْ رَتْقٌ عَظِیمٌ غَوَاشِی جُفُونِ حَدَقِ عُیُونِ الْقُلُوبِ (۲)

حَتَّى نَظَرُوا إِلَى تَدْبِیرِ حِكْمَتِکَ وَ شَوَاهِدِ حُجَجِ بَیِّنَاتِکَ فَعَرَفُوکَ بِمَحْصُولِ فِطَنِ الْقُلُوبِ وَ أَنْتَ فِی غَوَامِضِ سَتَرَاتِ حُجُبِ الْقُلُوبِ فَسُبْحَانَکَ أَیُّ عَیْنٍ تَقُومُ بِهَا نُصْبَ نُورِکَ أَمْ تَرْقَأُ إِلَى نُورِ ضِیَاءِ قُدْسِکَ أَوْ أَیُ

۱- ۱. شئون خ ل.

۲- ۲. شبه علیه السلام الغواشی العارضه الطارئه على القلب الحائله بینه و بین ادراکه الحقائق(من الجهل و العمى و الشهوات و اللذات و غیر ذلک) بالاجفان التی تنسدل من أعلى الحدقه و تنطبق على العیون فلا تقدر على الابصار، ثمّ سئل اللّه عزّ و جلّ أن یفتق رتق هذه الغواشی عن عین قلبه.

فَهِم يَفْهَمُ مَا دُونَ ذَلِكَ إِلَّا الْأَبْصَارُ الَّتِي كَشَفْتَ عَنْهَا حُجُبَ الْعَمِيَّةِ فَرَقَتْ أَرْوَاحُهُمْ عَلَى أَجْنِحَةِ الْمَلَائِكَةِ فَسَمَّاهُمْ أَهْلُ الْمَلَكُوتِ زُوَّاراً وَ أَسْمَاهُمْ أَهْلُ الْجَبَرُوتِ عُمَّاراً فَتَرَدَّدُوا فِي مَصَافِّ الْمُسَبِّحِينَ وَ تَعَلَّقُوا بِحِجَابِ الْقُدْرَةِ وَ نَاجَوْا رَبَّهُمْ عِنْدَ كُلِّ شَهْوَةٍ فَحَرَقَتْ قُلُوبُهُمْ حُجُبَ النُّورِ حَتَّى نَظَرُوا بِعَيْنِ الْقُلُوبِ إِلَى عِزِّ الْجَلَالِ فِي عِظَمِ الْمَلَكُوتِ فَرَجَعَتِ الْقُلُوبُ إِلَى الصُّدُورِ عَلَى النِّيَّاتِ (۱)

بِمَعْرِفَةِ تَوْحِيدِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوّاً كَبِيراً إِلَهِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا هُمُومٌ وَ أَحْزَانٌ وَ غُمُومٌ

وَ بَلَاءٌ وَ فِي الْآخِرَةِ حِسَابٌ وَ عِقَابٌ فَأَيْنَ الرَّاحَةُ وَ الْفَرَجُ إِلَهِي خَلَقْتَنِي بِغَيْرِ أَمْرِي وَ تُمِيتُنِي بِغَيْرِ إِذْنِي وَ وَكَّلْتَ فِيَّ عَدُوّاً لِي لَهُ عَلَيَّ سُلْطَانٌ يَسْلُكُ بِيَ الْبَلَايَا مَغْرُوراً وَ قُلْتَ لِي اسْتَمْسِكْ فَكَيْفَ أَسْتَمْسِكُ إِنْ لَمْ تُمَسِّكْنِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ثَبِّتْنِي بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ ثَبِّتْنِي بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا مَنْ قَالَ ادْعُونِي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذا دَعانِ وَ قَدْ دَعَوْتُكَ يَا إِلَهِي كَمَا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي إِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْمِيعادَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ مَا وَلَدَا وَ مَنْ وَلَدْتُ وَ مَا تَوَالَدُوا وَ لِأَهْلِي وَ وُلْدِي وَ أَقَارِبِي وَ إِخْوَانِي فِيكَ وَ جِيرَانِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ وَ لِإِخْوانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونا بِالْإِيمانِ وَ لا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنا إِنَّكَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ.

مُنَاجَاةٌ لَهُ أُخْرَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ:

إِلَهِي حَرَمَنِي كُلُّ مَسْئُولٍ رِفْدَهُ وَ مَنَعَنِي كُلُّ مَأْمُولٍ مَا عِنْدَهُ وَ أَخْلَفَنِي مَنْ كُنْتُ أَرْجُوهُ لِرَغْبَةٍ وَ أَقْصِدُهُ لِرَهْبَةٍ وَ حَالَ الشَّكُّ فِي ذَلِكَ يَقِيناً وَ الظَّنُّ عِرْفَاناً وَ اسْتَحَالَ الرَّجَاءُ يَأْساً وَ رَدَّتْنِي الضَّرُورَةُ إِلَيْكَ حِينَ خَابَتْ آمَالِي وَ انْقَطَعَتْ أَسْبَابِي وَ أَيْقَنْتُ أَنَّ سَعْيِي لَا يُفْلِحُ وَ اجْتِهَادِي لَا يَنْجَحُ إِلَّا بِمَعُونَتِكَ وَ أَنَّ مُرِيدِي بِالْخَيْرِ لَا يَقْدِرُ عَلَى إِنَالَتِي إِيَّاهُ إِلَّا بِإِذْنِكَ.

۱- ۱. البيات خ ل.

فَأَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَغْنِنِی یَا رَبِّ بِکَرَمِکَ عَنْ لُؤْمِ الْمَسْئُولِینَ وَ بِإِسْعَافِکَ عَنْ خَیْبَهِ الْمَرْجُوِّینَ وَ أَبْدِلْنِی مَخَافَتَکَ مِنْ مَخَافَهِ الْمَخْلُوقِینَ وَ اجْعَلْنِی أَشَدَّ مَا أَکُونُهُ لَکَ خَوْفاً وَ أَکْثَرَ مَا أَکُونُهُ لَکَ ذِکْراً وَ أَعْظَمَ مَا أَکُونُ مِنْکَ حِرْزاً إِذَا زَالَتْ عَنِّی الْمَخَاوِفُ وَ انْزَاحَتِ الْمَکَارِهُ وَ انْصَرَفَتْ عَنِّی الْمَخَاوِفُ حِینَ یَأْمَنُ الْمَغْرُورُونَ مَکْرَکَ وَ یَنْسَی الْجَاهِلُونَ ذِکْرَکَ وَ لَا تَجْعَلْنِی مِمَّنْ یَبْطَرُهُ الرَّخَاءُ وَ یَصْرَعُهُ الْبَلَاءُ فَلَا یَدْعُوکَ إِلَّا عِنْدَ حُلُولِ نَازِلَهٍ وَ لَا یَذْکُرُکَ إِلَّا عِنْدَ وُقُوعِ جَائِحَهٍ فَیَضْرَعُ لَکَ خَدَّهُ وَ تَرْفَعُ بِالْمَسْأَلَهِ إِلَیْکَ یَدَهُ وَ لَا تَجْعَلْنِی مِمَّنْ عِبَادَتُهُ لَکَ خَطَرَاتٌ تَعْرُضُ دُونَ دَوَامِهَا الْفَتَرَاتُ فیعلم [فَیَعْمَلُ] بِشَیْ ءٍ مِنَ الطَّاعَهِ مِنْ یَوْمِهِ وَ یَمَلُّ الْعَمَلَ فِی غَدِهِ لَکِنْ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ کُلَّ یَوْمٍ مِنْ أَیَّامِی مُوفِیاً عَلَی أَمْسِهِ مُقَصِّراً عَنْ غَدِهِ حَتَّی تَتَوَفَّانِی وَ قَدْ أَعْدَدْتُ لِیَوْمِ الْمَعَادِ تَوَفُّرَهَ الزَّادِ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ.

وَ لَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ مُنَاجَاهٌ أُخْرَی:

إِلَهِی وَ مَوْلَایَ وَ غَایَهَ رَجَائِی أَشْرَقْتَ مِنْ عَرْشِکَ عَلَی أَرَضِیکَ وَ مَلَائِکَتِکَ وَ سُکَّانِ سَمَاوَاتِکَ وَ قَدِ انْقَطَعَتِ الْأَصْوَاتُ وَ سَکَنَتِ الْحَرَکَاتُ وَ الْأَحْیَاءُ فِی الْمَضَاجِعِ کَالْأَمْوَاتِ فَوَجَدْتَ عِبَادَکَ فِی شَتَّی الْحَالاتِ فَمِنْهُ خَائِفٌ لَجَأَ إِلَیْکَ فَآمَنْتَهُ وَ مُذْنِبٌ دَعَاکَ لِلْمَغْفِرَهِ فَأَجَبْتَهُ وَ رَاقِدٌ اسْتَوْدَعَکَ نَفْسَهُ فَحَفِظْتَهُ وَ ضَالٌّ اسْتَرْشَدَکَ فَأَرْشَدْتَهُ وَ مُسَافِرٌ لَاذَ بِکَنَفِکَ فَآوَیْتَهُ وَ ذی [ذُو] حَاجَهٍ نَادَاکَ لَهَا فَلَبَّیْتَهُ وَ نَاسِکٌ أَفْنَی بِذِکْرِکَ لَیْلَهُ فَأَحْظَیْتَهُ وَ بِالْفَوْزِ جَازَیْتَهُ وَ جَاهِلٌ ضَلَّ عَنِ الرُّشْدِ وَ عَوَّلَ عَلَی الْجَلَدِ مِنْ نَفْسِهِ فَخَلَّیْتَهُ.

إِلَهِی فَبِحَقِّ الِاسْمِ الَّذِی إِذَا دُعِیتَ بِهِ أَجَبْتَ وَ الْحَقِّ الَّذِی إِذَا أُقْسِمْتَ بِهِ أَوْجَبْتَ وَ بِصَلَوَاتِ الْعِتْرَهِ الْهَادِیَهِ وَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی مِمَّنْ خَافَ فَآمَنْتَهُ وَ دَعَاکَ لِلْمَغْفِرَهِ فَأَجَبْتَهُ وَ اسْتَوْدَعَکَ نَفْسَهُ فَحَفِظْتَهُ وَ اسْتَرْشَدَکَ فَأَرْشَدْتَهُ وَ لَاذَ بِکَنَفِکَ فَآوَیْتَهُ وَ نَادَاکَ لِلْحَوَائِجِ فَلَبَّیْتَهُ وَ أَفْنَی بِذِکْرِکَ لَیْلَهُ فَأَحْظَیْتَهُ وَ بِالْفَوْزِ جَازَیْتَهُ وَ لَا تَجْعَلْنِی مِمَّنْ ضَلَّ عَنِ الرُّشْدِ وَ عَوَّلَ عَلَی الْجَلَدِ مِنْ نَفْسِهِ فَخَلَّیْتَهُ.

إِلَهِی غَلَّقَتِ الْمُلُوکُ أَبْوَابَهَا وَ وَکَّلَتْ بِهَا حُجَّابَهَا وَ بَابُکَ مَفْتُوحٌ لِقَاصِدِیهِ وَ جُودُکَ مَوْجُودٌ لِطَالِبِیهِ وَ غُفْرَانُکَ مَبْذُولٌ لِمُؤَمِّلِیهِ وَ سُلْطَانُکَ دَامِغٌ لِمُسْتَحِقِّیهِ إِلَهِی خَلَتْ نَفْسِی بِأَعْمَالِهَا بَیْنَ یَدَیْکَ وَ انْتَصَبَتْ بِالرَّغْبَهِ خَاضِعَهً لَدَیْکَ وَ مُسْتَشْفِعَهً بِکَرَمِکَ إِلَیْکَ فَبِصَلَوَاتِ الْعِتْرَهِ الْهَادِیَهِ وَ الْمَلَائِکَهِ الْمُسَبِّحِینَ صَلِّ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ وَ اقْضِ حَاجَاتِهَا وَ تَغَمَّدْ هَفَوَاتِهَا وَ تَجَاوَزْ فَرَطَاتِهَا فَالْوَیْلُ لَهَا إِنْ صَادَفَتْ نَقِمَتَکَ وَ الْفَوْزُ لَهَا إِنْ أَدْرَکَتْ رَحْمَتَکَ فَیَا مَنْ یُخَافُ عَدْلُهُ وَ یُرْجَی فَضْلُهُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ دُعَائِی مَنُوطاً بِالْإِجَابَهِ وَ تَسْبِیحِی مَوْصُولًا بِالْإِثَابَهِ وَ لَیْلِی مَقْرُوناً بِعَظِیمِ صَبَاحٍ سَلَفَ مِنْ عُمُرِی بَرَکَهً وَ إِیمَاناً وَ أَوْفَاهُ سَعَادَهً وَ أَمْناً إِنَّکَ خَیْرُ مَسْئُولٍ وَ أَکْرَمُ مَأْمُولٍ وَ أَنْتَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ.

وَ لَهُ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ دُعَاءُ الشُّکْرِ:

یَا مَنْ فَضُلَ إِنْعَامُهُ إِنْعَامَ الْمُنْعِمِینَ وَ عَجَزَ عَنْ شُکْرِهِ شُکْرُ الشَّاکِرِینَ وَ قَدْ جَرَّبْتُ غَیْرَکَ مِنَ الْمَأْمُولِینَ بِغَیْرِی مِنَ السَّائِلِینَ فَإِذَا کُلُّ قَاصِدٍ لِغَیْرِکَ مَرْدُودٌ وَ کُلُّ طَرِیقٍ سِوَاکَ مَسْدُودٌ إِذْ کُلُّ خَیْرٍ عِنْدَکَ مَوْجُودٌ وَ کُلُّ خَیْرٍ عِنْدَ سِوَاکَ مَفْقُودٌ یَا مَنْ إِلَیْهِ بِهِ تَوَسَّلْتُ وَ إِلَیْهِ بِهِ تَسَبَّبْتُ وَ تَوَصَّلْتُ وَ عَلَیْهِ فِی السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ عَوَّلْتُ وَ تَوَکَّلْتُ مَا کُنْتُ عَبْداً لِغَیْرِکَ فَیَکُونَ غَیْرُکَ لِی مَوْلًی وَ لَا کُنْتُ مَرْزُوقاً مِنْ سِوَاکَ فَأَسْتَدِیمَهُ عَادَهَ الْحُسْنَی وَ مَا قَصَدْتُ بَاباً إِلَّا بَابَکَ فَلَا تَطْرُدْنِی مِنْ بَابِکَ الْأَدْنَی یَا قَدِیراً لَا یَئُودُهُ الْمَطَالِبُ وَ یَا مَوْلًی یَبْغِیهِ کُلُّ رَاغِبٍ حَاجَاتِی مَصْرُوفَهٌ إِلَیْکَ وَ آمَالِی مَوْقُوفَهٌ لَدَیْکَ کُلَّمَا وَفَّقْتَنِی لَهُ مِنْ خَیْرٍ أَحْمِلُهُ وَ أُطِیقُهُ فَأَنْتَ دَلِیلِی عَلَیْهِ وَ طَرِیقُهُ.

یَا مَنْ جَعَلَ الصَّبْرَ عَوْناً عَلَی بَلَائِهِ وَ جَعَلَ الشُّکْرَ مَادَّهً لِنَعْمَائِهِ قَدْ جَلَّتْ نِعْمَتُکَ عَنْ شُکْرِی فَتَفَضَّلْ عَلَی إِقْرَارِی بِعَجْزِی بِعَفْوٍ أَنْتَ أَقْدَرُ عَلَیْهِ وَ أَوْسَعُ لَهُ مِنِّی وَ إِنْ لَمْ یَکُنْ لِذَنْبِی عِنْدَکَ عُذْرٌ تَقْبَلُهُ فَاجْعَلْهُ ذَنْباً تَغْفِرُهُ وَ فِی الرِّوَایَهِ یَقُولُ علیه السلام وَ صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَی جَدِّی مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ.

وَ لَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ دُعَاءٌ:

اللَّهُمَّ إِنَّ اسْتِغْفَارِی إِيَّاکَ مَعَ الْإِصْرَارِ عَلَى الذَّنْبِ لُؤْمٌ وَ تَرْکِی لِلِاسْتِغْفَارِ مَعَ سَعَهِ رَحْمَتِکَ عَجْزٌ إِلَهِی کَمْ تَتَحَبَّبُ إِلَيَّ بِالنِّعَمِ وَ أَنْتَ عَنِّی غَنِيٌّ وَ أَتَبَغَّضُ إِلَيْکَ بِالْمَعَاصِی وَ أَنَا إِلَيْکَ مُحْتَاجٌ فَيَا مَنْ إِذَا وَعَدَ وَفَى وَ إِذَا تَوَاعَدَ عَفَا صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ افْعَلْ بِی أَوْلَى الْأَمْرَيْنِ بِکَ إِنَّکَ عَلَى کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِيرٌ.

وَ لَهُ دُعَاءٌ آخَرُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ:

اللَّهُمَّ عَفْوُکَ عَنْ ذُنُوبِی وَ تَجَاوُزُکَ عَنْ خَطَايَایَ وَ سَتْرُکَ عَلَى قَبِيحِ عَمَلِی أَطْمَعَنِی فِی أَنْ أَسْأَلَکَ مَا لَا أَسْتَحِقُّهُ بِمَا أَذَقْتَنِی مِنْ رَحْمَتِکَ وَ أَوْلَيْتَنِی مِنْ إِحْسَانِکَ فَصِرْتُ أَدْعُوکَ آمِناً وَ أَسْأَلُکَ مُسْتَأْنِساً لَا خَائِفاً وَ لَا وَجِلًا مُدِلًّا عَلَيْکَ بِإِحْسَانِکَ إِلَيَّ عَاتِباً عَلَيْکَ إِذَا أَبْطَأَ عَلَيَّ مَا قَصَدْتُ فِيهِ إِلَيْکَ وَ لَعَلَّ الَّذِی أَبْطَأَ عَلَيَّ هُوَ خَيْرٌ لِی لِعِلْمِکَ بِعَوَاقِبِ الْأُمُورِ فَلَمْ أَرَ مَوْلًى کَرِيماً أَصْبَرَ عَلَى عَبْدٍ لَئِيمٍ مِنْکَ عَلَيَّ لِأَنَّکَ تُحْسِنُ فِيمَا بَيْنِی وَ بَيْنَکَ وَ أُسِی ءُ وَ تَتَوَدَّدُ إِلَيَّ وَ أَتَبَغَّضُ إِلَيْکَ کَأَنَّ لِیَ التَّطَوُّلَ عَلَيْکَ ثُمَّ لَمْ يَمْنَعْکَ ذَلِکَ مِنَ الرَّأْفَهِ بِی وَ الْإِحْسَانِ إِلَيَّ وَ إِنِّی لَأَعْلَمُ أَنَّ وَاحِداً مِنْ ذُنُوبِی يُوجِبُ لِی أَلِيمَ عَذَابِکَ وَ يَحِلُّ بِی شَدِيدُ عِقَابِکَ وَ لَکِنِ الْمَعْرِفَهُ بِکَ وَ الثِّقَهُ بِکَرَمِکَ دَعَانِی إِلَى التَّعَرُّضِ لِذَلِکَ وَ تَدْعُو بِمَا أَحْبَبْتَ.

دُعَاءٌ آخَرُ لَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ:

اللَّهُمَّ إِنَّکَ دَعَوْتَنِی إِلَى النَّجَاهِ فَعَصَيْتُکَ وَ دَعَانِی عَدُوُّکَ إِلَى الْهَلَکَهِ فَأَجَبْتُهُ فَکَفَى مَقْتاً عِنْدَکَ أَنْ أَکُونَ لِعَدُوِّکَ أَحْسَنَ طَاعَهٍ مِنِّی لَکَ فَوَا سَوْأَتَاهْ إِذْ خَلَقْتَنِی لِعِبَادَتِکَ وَ وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِکَ فَاسْتَعَنْتُ بِهِ عَلَى مَعْصِيَتِکَ وَ أَنْفَقْتُهُ فِی غَيْرِ طَاعَتِکَ ثُمَّ سَأَلْتُکَ الزِّيَادَهَ مِنْ فَضْلِکَ فَلَمْ يَمْنَعْکَ مَا کَانَ مِنِّی أَنْ عُدْتَ بِحِلْمِکَ عَلَيَّ فَأَوْسَعْتَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِکَ وَ آتَيْتَنِی أَکْثَرَ مَا سَأَلْتُکَ وَ لَمْ يَنْهَنِی حِلْمُکَ عَنِّی وَ عِلْمُکَ بِی وَ قُدْرَتُکَ عَلَيَّ وَ عَفْوُکَ عَنِّی مِنَ التَّعَرُّضِ لِمَقْتِکَ وَ التَّمَادِی فِی الْغَيِّ مِنِّی کَأَنَّ الَّذِی تَفْعَلُهُ بِی أَرَاهُ حَقّاً وَاجِباً عَلَيْکَ فَکَأَنَّ الَّذِی نَهَيْتَنِی عَنْهُ أَمَرْتَنِی بِهِ وَ لَوْ شِئْتَ

مَا تَرَدَّدْتَ إِلَيَّ بِإِحْسَانِکَ وَ لَا شَکَرْتَنِی بِنِعْمَتِکَ عَلَيَّ وَ لَا أَخَّرْتَ عِقَابَکَ عَنِّی بِمَا قَدَّمَتْ یَدَایَ وَ لَکِنَّکَ شَکُورٌ فَعَّالٌ لِمَا تُرِیدُ فَیَا مَنْ وَسِعَ کُلَّ شَیْ ءٍ رَحْمَةً ارْحَمْ عَبْدَکَ الْمُتَعَرِّضَ لِمَقْتِکَ الدَّاخِلَ فِی سَخَطِکَ الْجَاهِلَ بِکَ الْجَرِیَّ عَلَیْکَ رَحْمَةً مَنَنْتَ بِهَا إِلَی مَنْ أَحْسَنَ طَاعَتَکَ وَ أَفْضَلَ عِبَادَتَکَ إِنَّکَ لَطِیفٌ لِمَا تَشَاءُ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ یَا مَنْ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ حُلْ بَیْنِی وَ بَیْنَ التَّعَرُّضِ لِسَخَطِکَ وَ أَقْبِلْ بِقَلْبِی إِلَی طَاعَتِکَ وَ أَوْزِعْنِی شُکْرَ نِعْمَتِکَ وَ أَلْحِقْنِی بِالصَّالِحِینَ مِنْ عِبَادِکَ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِی مِنْ فَضْلِکَ مَالًا طَیِّباً کَثِیراً فَاضِلًا لَا یُطْغِینِی وَ تِجَارَةً نَامِیَةً مُبَارَکَةً لَا تُلْهِینِی وَ قُدْرَةً عَلَی عِبَادَتِکَ وَ صَبْراً عَلَی الْعَمَلِ بِطَاعَتِکَ وَ الْقَوْلَ بِالْحَقِّ وَ الصِّدْقَ فِی الْمَوَاطِنِ کُلِّهَا وَ شَنَآنَ الْفَاسِقِینَ وَ أَعِنِّی عَلَی التَّهَجُّدِ لَکَ بِحُسْنِ الْخُشُوعِ فِی الظُّلَمِ وَ التَّضَرُّعِ إِلَیْکَ فِی الشِّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِیتَاءِ الزَّکَاةِ وَ الصَّوْمِ فِی الْهَوَاجِرِ ابْتِغَاءَ وَجْهِکَ وَ قَرِّبْنِی إِلَیْکَ زُلْفَةً وَ لَا تُعْرِضْ عَنِّی لِذَنْبٍ رَکِبْتُهُ وَ لَا لِسَیِّئَةٍ أَتَیْتُهَا وَ لَا لِفَاحِشَةٍ أَنَا مُقِیمٌ عَلَیْهَا رَاجٍ لِلتَّوْبَةِ عَلَيَّ مِنْکَ فِیهَا وَ لَا لِخَطَاءٍ وَ عَمْدٍ کَانَ مِنِّی عَمِلْتُهُ أَوْ أَمَرْتُ بِهِ صَفَحْتَ لِی عَنْهُ أَوْ عَاقَبْتَنِی عَلَیْهِ سَتَرْتَهُ عَلَيَّ أَوْ هَتَکْتَهُ وَ أَنَا مُقِیمٌ عَلَیْهِ أَوْ تَائِبٌ إِلَیْکَ مِنْهُ أَسْأَلُکَ بِحَقِّکَ الْوَاجِبِ عَلَی جَمِیعِ خَلْقِکَ لَمَّا طَهَّرْتَنِی مِنَ الْآفَاتِ وَ عَافَیْتَنِی مِنِ اقْتِرَافِ الْآثَامِ بِتَوْبَةٍ مِنْکَ عَلَيَّ وَ نَظْرَةٍ مِنْکَ إِلَيَّ تَرْضَی بِهَا عَنِّی وَ حُبَابَتِکَ لِی بِنِعْمَةٍ مَوْصُولَةٍ بِکَرَامَةٍ تَبْلُغُ بِی شَرَفَ الْجَنَّةِ وَ مُرَافَقَةَ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ.

دُعَاءٌ آخَرُ لَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ:

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ أُمُوراً تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلَی کَثِیرٍ مِنْ خَلْقِکَ مِنْ صَغِیرٍ أَوْ کَبِیرٍ مِنْ غَیْرِ مَسْأَلَةٍ مِنْهُمْ لَکَ فَإِنْ تَجُدْ بِهَا عَلَيَّ فَمِنَّةٌ مِنْ مِنَنِکَ وَ إِلَّا تَفْعَلْ فَلَسْتَ مِمَّنْ یُشَارَکُ فِی حُکْمِهِ وَ لَا یُؤَامَرُ فِی خَلْقِهِ فَإِنْ تَکُ رَاضِیاً فَأَحَقُّ مَنْ أَعْطَیْتَهُ مَا سَأَلَکَ مَنْ رَضِیتَ عَنْهُ مَعَ هَوَانِ مَا قَصَدْتَ فِیهِ إِلَیْکَ عَلَیْکَ وَ إِنْ تَکُ سَاخِطاً فَأَحَقُّ مَنْ عَفَا أَنْتَ

وَ أَكْرَمُ مَنْ غَفَرَ وَ عَادَ بِفَضْلِهِ عَلَى عَبْدِهِ فَأَصْلَحَ مِنْهُ فَاسِداً وَ قَوَّمَ مِنْهُ أَوَداً وَ إِنْ أَخَذْتَنِي بِقَبِيحِ عَمَلِي فَوَاحِدٌ مِنْ جُرْمِي يُحِلُّ عَذَابَكَ بِي وَ مَنْ أَنَا فِي خَلْقِكَ يَا مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي فَوَ عِزَّتِكَ مَا تُزَيِّنُ مُلْكَكَ حَسَنَاتِي وَ لَا تُقَبِّحُهُ سَيِّئَاتِي وَ لَا يَنْقُصُ خَزَائِنَكَ غِنَايَ وَ لَا يَزِيدُ فِيهَا فَقْرِي وَ مَا صَلَاحِي وَ فَسَادِي إِلَّا إِلَيْكَ فَإِنْ صَيَّرْتَنِي صَالِحاً كُنْتُ وَ إِنْ جَعَلْتَنِي فَاسِداً لَمْ يَقْدِرْ عَلَى صَلَاحِي سِوَاكَ فَمَا كَانَ مِنْ عَمَلٍ سَيِّئٍ أَتَيْتُهُ فَعَلَى عِلْمٍ مِنِّي بِأَنَّكَ تَرَانِي وَ أَنَّكَ غَيْرُ غَافِلٍ عَنِّي مُصَدِّقٌ مِنْكَ بِالْوَعِيدِ لِي وَ لِمَنْ كَانَ فِي مِثْلِ حَالِي وَاثِقٌ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْكَرِيمِ وَ الْعَفْوِ الْقَدِيرِ وَ الرَّحْمَهِ الْوَاسِعَهِ فَجَرَّأَنِي عَلَى مَعْصِيَتِكَ مَا أَذَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَ وُثُوبِي عَلَى مَحَارِمِكَ مَا رَأَيْتُ مِنْ عَفْوِكَ وَ لَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ نَقِمَتِكَ لَأَخَذْتُ حِذْرِي مِنْكَ كَمَا أَخَذْتُهُ مِنْ غَيْرِكَ مِمَّنْ هُوَ دُونَكَ مِمَّنْ خِفْتُ سَطْوَتَهُ فَاجْتَنَبْتُ نَاحِيَتَهُ وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِكَ فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي بِرَحْمَتِكَ فَأَعْجِزَ عَنْهَا وَ لَا إِلَى سِوَاكَ فَيَخْذُلَنِي فَقَدْ سَأَلْتُكَ مِنْ فَضْلِكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّهُ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَ لَا آيِسٍ مِنْهُ لِذَنْبٍ عَظِيمٍ رَكِبْتُهُ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ فِيكَ وَ عَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ الَّذِي أَوْجَبْتَهُ عَلَى نَفْسِكَ مِنَ الرَّحْمَهِ فَالْأَمْرُ لَكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ الْخَلْقُ عِيَالُكَ وَ كُلُّ شَيْ ءٍ خَاضِعٌ لَكَ مُلْكُكَ كَثِيرٌ وَ عَدْلُكَ قَدِيمٌ وَ عَطَاؤُكَ جَزِيلٌ وَ عَرْشُكَ كَرِيمٌ وَ ثَنَاؤُكَ رَفِيعٌ وَ ذِكْرُكَ أَحْسَنُ وَ جَارُكَ أَمْنَعُ وَ حُكْمُكَ نَافِذٌ وَ عِلْمُكَ جَمٌّ وَ أَنْتَ أَوَّلٌ آخِرٌ ظَاهِرٌ بَاطِنٌ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عَلِيمٌ عِبَادُكَ جَمِيعاً إِلَيْكَ فُقَرَاءُ وَ أَنَا أَفْقَرُهُمْ إِلَيْكَ لِذَنْبٍ تَغْفِرُهُ وَ لِفَقْرٍ تَجْبُرُهُ وَ لِعَائِلَهٍ تُغْنِيهَا وَ لِعَوْرَهٍ تَسْتُرُهَا وَ لِخُطَّهٍ تَشُدُّهَا وَ لِسَيِّئَهٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا وَ لِفَسَادٍ تُصْلِحُهُ وَ لِعَمَلٍ صَالِحٍ تَتَقَبَّلُهُ وَ لِكَلَامٍ طَيِّبٍ تَرْفَعُهُ وَ لِبَدَنٍ تُعَافِيهِ اللَّهُمَّ إِنَّكَ شَوَّقْتَنِي إِلَيْكَ وَ رَغَّبْتَنِي فِيمَا لَدَيْكَ وَ تَعَطَّفْتَنِي عَلَيْكَ وَ أَرْسَلْتَ إِلَيَّ خَيْرَ خَلْقِكَ يَتْلُو عَلَيَّ أَفْضَلَ كُتُبِكَ فَآمَنْتُ بِرَسُولِكَ وَ لَمْ أَقْتَدِ بِهُدَاهُ وَ صَدَّقْتُ بِكِتَابِكَ وَ لَمْ أَعْمَلْ بِهِ وَ أَبْغَضْتُ لِقَاءَكَ لِضَعْفِ نَفْسِي وَ عَصَيْتُ أَمْرَكَ لِخَبِيثِ عَمَلِي

وَ رَغِبْتُ عَنْ سُنَنِکَ لِفَسَادِ دِینِی وَ لَمْ أَسْبِقْ إِلَی رُؤْیَتِکَ لِقَسَاوَهِ قَلْبِی.

اللَّهُمَّ إِنَّکَ خَلَقْتَ جَنَّهً لِمَنْ أَطَاعَکَ وَ أَعْدَدْتَ فِیهَا مِنَ النَّعِیمِ الْمُقِیمِ مَا لَا یَخْطُرُ عَلَی الْقُلُوبِ وَ وَصَفْتَهَا بِأَحْسَنِ الصِّفَهِ فِی کِتَابِکَ وَ شَوَّقْتَ إِلَیْهَا عِبَادَکَ وَ أَمَرْتَ بِالْمُسَابَقَهِ إِلَیْهَا وَ أَخْبَرْتَ عَنْ سُکَّانِهَا وَ مَا فِیهَا مِنْ حُورٍ عَیْنٍ کَأَنَّهُنَّ بَیْضٌ مَکْنُونٌ وَ وِلْدَانٌ کَاللُّؤْلُؤِ الْمَنْثُورِ وَ فَاکِهَهٍ وَ نَخْلٍ وَ رُمَّانٍ وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَ أَنْهَارٍ مِنْ طَیِّبِ الشَّرَابِ وَ سُنْدُسٍ وَ إِسْتَبْرَقٍ وَ سَلْسَبِیلٍ وَ رَحِیقٍ مَخْتُومٍ وَ أَسْوِرَهٍ مِنْ فِضَّهٍ وَ شَرَابٍ طَهُورٍ وَ مُلْکٍ کَبِیرٍ وَ قُلْتَ مِنْ بَعْدِ ذَلِکَ تَبَارَکْتَ وَ تَعَالَیْتَ فَلا تَعْلَمُ نَفْسٌ ما أُخْفِیَ لَهُمْ مِنْ قُرَّهِ أَعْیُنٍ جَزاءً بِما کانُوا یَعْمَلُونَ فَنَظَرْتُ فِی عَمَلِی فَرَأَیْتُهُ ضَعِیفاً یَا مَوْلَایَ وَ حَاسَبْتُ نَفْسِی فَلَمْ أَجِدْنِی أَقُومُ بِشُکْرِ مَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ وَ عَدَّدْتُ سَیِّئَاتِی فَأَصَبْتُهَا تَسْتَرِقُ حَسَنَاتِی فَکَیْفَ أَطْمَعُ أَنْ أَنَالَ جَنَّتَکَ بِعَمَلِی وَ أَنَا مُرْتَهَنٌ بِخَطِیئَتِی لَا کَیْفَ یَا مَوْلَایَ إِنْ لَمْ تَدَارَکْنِی مِنْکَ بِرَحْمَهٍ تَمُنُّ بِهَا عَلَیَّ فِی مِنَنٍ قَدْ سَبَقَتْ مِنْکَ لَا أُحْصِیهَا تَخْتِمُ لِی بِهَا کَرَامَتَکَ فَطُوبَی لِمَنْ رَضِیتَ عَنْهُ وَ وَیْلٌ لِمَنْ سَخِطْتَ عَلَیْهِ فَارْضَ عَنِّی وَ لَا تَسْخَطْ عَلَیَّ یَا مَوْلَایَ اللَّهُمَّ وَ خَلَقْتَ نَاراً لِمَنْ عَصَاکَ وَ أَعْدَدْتَ لِأَهْلِهَا مِنْ أَنْوَاعِ الْعَذَابِ فِیهَا وَ وَصَفْتَهُ وَ صَنَّفْتَهُ مِنَ الْحَمِیمِ وَ الْغَسَّاقِ وَ الْمُهْلِ وَ الضَّرِیعِ وَ الصَّدِیدِ وَ الْغِسْلِینِ وَ الزَّقُّومِ وَ السَّلَاسِلِ وَ الْأَغْلَالِ وَ مَقَامِعِ الْحَدِیدِ وَ الْعَذَابِ الْغَلِیظِ وَ الْعَذَابِ الشَّدِیدِ وَ الْعَذَابِ الْمُهِینِ وَ الْعَذَابِ الْمُقِیمِ وَ عَذَابِ الْحَرِیقِ وَ عَذَابِ السَّمُومِ وَ ظِلٍّ مِنْ یَحْمُومٍ وَ سَرَابِیلِ الْقَطِرَانِ وَ سُرَادِقَاتِ النَّارِ وَ النُّحَاسِ وَ الزَّقُّومِ وَ الْحُطَمَهِ وَ الْهَاوِیَهِ وَ لَظَی وَ النَّارِ الْحَامِیَهِ وَ النَّارِ الْمُوقَدَهِ الَّتِی تَطَّلِعُ عَلَی الْأَفْئِدَهِ وَ النَّارِ الْمُوصَدَهِ ذَاتِ الْعُمُدِ الْمُمَدَّدَهِ وَ السَّعِیرِ وَ الْحَمِیمِ وَ النَّارِ الَّتِی لَا تُطْفَأُ وَ النَّارِ الَّتِی تَکَادُ تَمَیَّزُ مِنَ الْغَیْظِ وَ النَّارِ الَّتِی وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجارَهُ وَ النَّارِ الَّتِی یُقَالُ هَلِ امْتَلَأْتِ فَ تَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِیدٍ وَ الدَّرْکِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ فَقَدْ خِفْتُ یَا مَوْلَایَ إِذْ کُنْتُ لَکَ عَاصِیاً أَنْ أَکُونَ لَهَا مُسْتَوْجِباً لِکَبِیرِ ذَنْبِی وَ عَظِیمِ جُرْمِی وَ قَدِیمِ إِسَاءَتِی وَ أُفَکِّرُ فِی غِنَاکَ عَنْ عَذَابِی وَ فَقْرِی إِلَی رَحْمَتِکَ

يَا مَوْلَايَ مَعَ هَوَانِ مَا طَمِعْتُ فِيهِ مِنْکَ عَلَيْکَ وَ عُسْرِهِ عِنْدِی وَ يُسْرِهِ عَلَيْکَ وَ عَظِيمِ قَدْرِهِ عِنْدِی وَ کَبِيرِ خَطَرِهِ لَدَيَّ وَ مَوقِعِهِ مِنِّی مَعَ جُودِکَ بِجَسِيمِ الْأُمُورِ وَ صَفْحِکَ عَنِ الذَّنْبِ الْکَبِيرِ لَا يَتَعَاظَمُکَ يَا سَيِّدِی ذَنْبٌ أَنْ تَغْفِرَهُ وَ لَا خَطِيئَهٌ أَنْ تَحُطَّهَا عَنِّی وَ عَمَّنْ هُوَ أَعْظَمُ جُرْماً مِنِّی لِصِغَرِ خَطَرِی فِی مُلْکِکَ مَعَ تَضَرُّعِی وَ ثِقَتِی بِکَ وَ تَوَکُّلِی عَلَيْکَ وَ رَجَائِی إِيَّاکَ وَ طَمَعِی فِيکَ فَيَحُولُ ذَلِکَ بَيْنِی وَ بَيْنَ خَوْفِی مِنْ دُخُولِ النَّارِ وَ مَنْ أَنَا يَا سَيِّدِی فَتَقْصِدَ قَصْدِی بِغَضَبٍ يَدُومُ مِنْکَ عَلَيَّ تُرِيدُ بِهِ عَذَابِی مَا أَنَا فِی خَلْقِکَ إِلَّا بِمَنْزِلَهِ الذَّرَّهِ فِی مُلْکِکَ الْعَظِيمِ فَهَبْ لِی نَفْسِی بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ فَإِنَّکَ تَجِدُ مِنِّی خَلْقاً وَ لَا أَجِدُ مِنْکَ وَ بِکَ غِنًی عَنِّی وَ لَا غِنَی بِی حَتَّی تُلْحِقَنِی بِهِمْ فَتُصَيِّرَنِی مَعَهُمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَکِيمُ رَبِّ حَسَّنْتَ خَلْقِی وَ عَظَّمْتَ عَافِيَتِی وَ وَسَّعْتَ عَلَيَّ فِی رِزْقِی وَ لَمْ تَزَلْ تَنْقُلُنِی مِنْ نِعْمَهٍ إِلَی کَرَامَهٍ وَ مِنْ کَرَامَهٍ إِلَی فَضْلٍ تُجَدِّدُ لِی ذَلِکَ فِی لَيْلِی وَ نَهَارِی لَا أَعْرِفُ غَيْرَ مَا أَنَا فِيهِ حَتَّی ظَنَنْتُ أَنَّ ذَلِکَ وَاجِبٌ عَلَيْکَ لِی وَ أَنَّهُ لَا يَنْبَغِی لِی أَنْ أَکُونَ فِی غَيْرِ مَرْتَبَتِی لِأَنِّی لَمْ أَدْرِ مَا عَظِيمُ الْبَلَاءِ فَأَجِدَ لَذَّهَ الرَّخَاءِ وَ لَمْ يُذِلَّنِی الْفَقْرُ فَأَعْرِفَ فَضْلَ الْأَمْنِ فَأَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ فِی غَفْلَهٍ مِمَّا فِيهِ غَيْرِی مِمَّنْ هُوَ دُونِی فَکَفَرْتُ وَ لَمْ أَشْکُرْ بَلَاءَکَ وَ لَمْ أَشُکَّ أَنَّ الَّذِی أَنَا فِيهِ دَائِمٌ غَيْرُ زَائِلٍ عَنِّی لَا أُحَدِّثُ نَفْسِی بِانْتِقَالِ عَافِيَهٍ وَ تَحْوِيلِ فَقْرٍ وَ لَا خَوْفٍ وَ لَا حُزْنٍ فِی عَاجِلِ دُنْيَایَ وَ آجِلِ آخِرَتِی فَيَحُولَ ذَلِکَ بَيْنِی وَ بَيْنَ التَّضَرُّعِ إِلَيْکَ فِی دَوَامِ ذَلِکَ لِی مَعَ مَا أَمَرْتَنِی بِهِ مِنْ شُکْرِکَ وَ وَعَدْتَنِی عَلَيْهِ مِنَ الْمَزِيدِ مِنْ لَدَيْکَ فَسَهَوْتُ وَ لَهَوْتُ وَ غَفَلْتُ وَ أَمِنْتُ وَ أَشَرْتُ وَ بَطِرْتُ وَ تَهَاوَنْتُ حَتَّی جَاءَ التَّغْيِيرُ مَکَانَ الْعَافِيَهِ بِحُلُولِ الْبَلَاءِ وَ نَزَلَ الضُّرُّ بِمَنْزِلَهِ الصِّحَّهِ وَ بِأَنْوَاعِ السُّقْمِ وَ الْأَذَی وَ أَقْبَلَ الْفَقْرُ بِإِزَاءِ الْغِنَی فَعَرَفْتُ مَا کُنْتُ فِيهِ لِلَّذِی صِرْتُ إِلَيْهِ فَسَأَلْتُکَ مَسْأَلَهَ مَنْ لَا يَسْتَوْجِبُ أَنْ تُسْمَعَ لَهُ دَعْوَهٌ لِعَظِيمِ مَا کُنْتُ فِيهِ مِنَ الْغَفْلَهِ وَ طَلَبْتُ طَلِبَهَ مَنْ لَا يَسْتَحِقُّ نَجَاحَ الطَّلِبَهِ لِلَّذِی کُنْتُ فِيهِ مِنَ اللَّهْوِ وَ الْفَتْرَهِ وَ تَضَرَّعْتُ تَضَرُّعَ مَنْ لَا يَسْتَوْجِبُ

الرَّحْمَهَ لِمَا كُنْتُ فِيهِ مِنَ الزَّهْوِ وَ الِاسْتِطَالَهِ فَرَضِيتُ بِمَا إِلَيْهِ صَيَّرْتَنِی وَ إِنْ كَانَ الضُّرُّ قَدْ مَسَّنِی وَ الْفَقْرُ قَدْ أَذَلَّنِی وَ الْبَلَاءُ قَدْ حَلَّ بِی: فَإِنْ يَكَ ذَلِكَ مِنْ سَخَطٍ مِنْكَ فَأَعُوذُ بِحِلْمِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ إِنْ كُنْتَ أَرَدْتَ أَنْ تَبْلُوَنِی فَقَدْ عَرَفْتَ ضَعْفِی وَ قِلَّهَ حِيلَتِی إِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ إِنَّ الْإِنْسانَ خُلِقَ هَلُوعاً إِذا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً وَ إِذا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً(۱) وَ قُلْتَ عَزَّيْتَ مِنْ قَائِلٍ (۲) فَأَمَّا الْإِنْسانُ إِذا مَا ابْتَلاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّی أَكْرَمَنِ وَ أَمَّا إِذا مَا ابْتَلاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّی أَهانَنِ (۳) وَ قُلْتَ جُلِّيتَ مِنْ قَائِلٍ إِنَّ الْإِنْسانَ لَيَطْغی أَنْ رَآهُ اسْتَغْنی (۴) وَ قُلْتَ سُبْحَانَكَ ثُمَّ إِذا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْئَرُونَ (۵) وَ قُلْتَ عَزَّيْتَ وَ جَلَّيْتَ وَ إِذا مَسَّ الْإِنْسانَ ضُرٌّ دَعا رَبَّهُ مُنِيباً إِلَيْهِ ثُمَّ إِذا خَوَّلَهُ نِعْمَهً مِنْهُ نَسِيَ ما كانَ يَدْعُوا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ (۶) وَ قُلْتَ وَ إِذا مَسَّ الْإِنْسانَ الضُّرُّ دَعانا لِجَنْبِهِ أَوْ قاعِداً أَوْ قائِماً فَلَمَّا كَشَفْنا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنا إِلی ضُرٍّ مَسَّهُ (۷) وَ قُلْتَ وَ يَدْعُ الْإِنْسانُ بِالشَّرِّ دُعاءَهُ بِالْخَيْرِ وَ كانَ الْإِنْسانُ عَجُولًا(۸) صَدَقْتَ صَدَقْتَ يَا سَيِّدِی وَ مَوْلَایَ هَذِهِ صِفَاتِی الَّتِی أَعْرِفُهَا مِنْ نَفْسِی وَ قَدْ مَضَی عِلْمُكَ فِيَّ يَا مَوْلَایَ وَ وَعَدْتَنِی مِنْكَ وَعْداً حَسَناً أَنْ أَدْعُوَكَ فَتَسْتَجِيبَ لِی فَأَنَا أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِی فَاسْتَجِبْ لِی كَمَا وَعَدْتَنِی وَ زِدْنِی مِنْ نِعْمَتِكَ وَ عَافِيَتِكَ وَ كِلَاءَتِكَ وَ سَتْرِكَ وَ انْقُلْنِی مِمَّا أَنَا فِيهِ إِلَی مَا هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ حَتَّی تَبْلُغَ بِی فِيمَا أَنَا فِيهِ رِضَاكَ

۱- ۱. المعارج: ۱۹- ۲۱.

۲- ۲. عزيت من باب التفعيل، اصله عززت، ابدل الزاء الثالثه ياء استثقالا لاجتماع الامثال كما قالوا تظنی تظنيا من الظنّ و تقضی تقضيا من القض، و هكذا جليت فيما يأتی من كلامه عليه السلام.

۳- ۳. الفجر: ۱۵- ۱۶.

۴- ۴. العلق: ۶.

۵- ۵. النحل: ۵۳.

۶- ۶. الزمر: ۸.

۷- ۷. يونس: ۱۲.

۸- ۸. اسری: ۱۱.

وَ أَنَالَ بِهِ مَا عِنْدَکَ فِیمَا أَعْدَدْتَهُ لِأَوْلِیَائِکَ وَ أَهْلِ طَاعَتِکَ مَعَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً فَارْزُقْنَا فِی دَارِکَ دَارِ الْمُقَامِ فِی جِوَارِ مُحَمَّدٍ الْحَبِیبِ زَیْنِ الْقِیَامَهِ تَمَامَ الْکَرَامَهِ وَ دَوَامَ النِّعْمَهِ وَ مَبْلَغَ السُّرُورِ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ عَلَی آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً کَثِیراً وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ.

**[ترجمه]کتاب عتیق غروی: مناجات مولای ما زین العابدین صلوات الله علیه. ای رحم کننده بر ناله ی ناتوان و ای آگاه بر آن چه زیر آن پنهان است، مرا از کسانی قرار ده که در قلعه ی امن تو در امان هستند و دشمنان به آن ها نمی رسند و بدی آزار به آن ها نخواهد رسید. چرا که تو پاسخ دهنده کسی هستی که تو را بخواند و رحم کننده بر آن کسی هستی که به تو پناه آورد و شکایت کند، مهربانی ات را می جویم و درخواست مهرت را برای تنگدستی ام دارم، پس به راستی که مشکلات درمانده ام کرده و چگونه چنین نباشد در حالی که من چیزی نبوده ام و تو به وجودم آورده ای و پس از آن مرا به سرای دنیا وارد نمودی و مرا در آن با دستوراتت آزمودی، پاک و منزهی، منزهی، هیچ بهانه ای نمی یابم که به درگاهت آورم و خود را پاک گردانم و نه چیزی به جز تو که از آن یاری بجویم، پس یاریم کن بارالها، همیشه و همواره از تو مهر جویم. خدایا، چگونه تو را بخوانم در حالی که نافرمانی ات نموده ام و چگونه نخوانمت حال آن که تو را شناخته ام، عشقت در قلب من است هرچند نافرمان باشم، دستی را که سرشار گناه است به سویت دراز کرده ام و دیدگانم را که به امید دوخته شده و اشک هایم را که به آرزوها رسیده است. معبودا، تو پادشاه بخشش ها هستی و من زندانی اشتباهاتم هستم، و از بزرگواری های بزرگان مدارا با اسیران است و من زندانی خطایم، و در گرو کرده ام هستم. خداوندا، اگر مرا با درونم بخوانی، من از تو گذشتت را درخواست می کنم و اگر مرا وارد آتش کنی به ساکنان آن می گویم که دوستت می دارم. بارالها، فرمانبرداری تو را خشنود می کند و نافرمانی ضرری برایت ندارد، پس درود فرست بر محمد و خاندانش و آن چه مایه ی خشنودی توست به من عطا کن و آن چه برایت ضرری ندارد بر من ببخش. خدایا، آیا مرا از اهل تیره بختی آفریده ای تا گریه ام را طولانی گردانم یا از اهل نیک بختی مرا آفریده ای تا امیدم را بیشتر کنم؟ پروردگارا، آیا برای چشیدن زبانه های آتش اعضایم برهم قرار گرفته اند یا درونم را برای نوشیدن آب آلوده آفریده ای؟ پروردگارا، من کسی هستم که امیدم را از تو نمی برم و دعایم را ناامید نمی کنم. خدایا، به کردارم می نگرم و آن را ناتوان می بینم و خویشتن را محاسبه می کنم و می بینم که حتی برای شکر یک نعمت از نعمت های تو پرهیزکاری ندارد، پس چگونه به مناجات تو دل ببندم؟ معبودا، به من رحم کن در آن هنگام که عقلم زایل شود و روح از سینه ام بیرون آید و تنها درون کفن گذاشته شوم و اگر مرگم و بیرون آمدنم به سوی تو نزدیک شده، پس مرا با محمد و خاندان پاکش برانگیخته کن، درود تو بر همگی آنان باد، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

مناجات دیگری از ایشان درود خدا بر ایشان باد:

آقا و مولای من، اگر توفیقت را قطع کنی مرا خوار کرده ای و اگر مرا به نفسم بازگردانی نابودم کرده ای. آقا و مولای من، اگر مرا به درخواست از غیر خودت بازپس دهی فرومایه ام کرده ای. مولای من و آقایم، گناهانم مرا نابود کرده اند و تو سزاوارترین کسی هستی که از من درگذرد، آقا و مولایم، گناهم بزرگ گشته و کسی جز تو گناه بزرگ را نمی بخشد، آقا و مولای من، خوش گمانی ام به تو مرا بر نافرمانی ات جرأت داده است، آقا و مولای من، اگر مرا وارد آتش کنی به راستی میان من و آنان که برای تو دشمن داشته ام جمع کرده ای.

مناجات دیگری از ایشان، درود خداوند بر او باد: خدایا، چه بسیار است که دیدگانم به خواب رفته درحالی که زمان نماز تو فرارسیده و تو از من آگاهی، با من بردباری کردی تا زمانی نزدیک ای بزرگوار، پس وای بر این دو چشم چگونه بر سوزاندن آتش شکیبایی کند؟ خداوندا، دیر زمانی است که گام هایم برای چیزی جز فرمان تو راه پیموده و تو از من آگاه بوده ای، بردباری نمودی ای بزرگوار تا زمان نزدیک، پس وای بر این گام ها که چگونه بر سوزاندن با آتش صبر کند؟ بارالها، چه بسیار بود که آن چه را تو از آن نهی کردی انجام دادم پس بردباری نمودی ای بزرگوار تا زمانی نزدیک، پس وای بر این جسم ناتوان، چگونه بر آتش سوزان شکیبایی کند؟ خدایا، ای کاش برای تیره بختی بدنم آفریده نشده باشم، معبودا، کاش مادرم مرا نمی زاد. پروردگارا، ای کاش یاد جهنم را و زنجیرها و سنگینی آن ها را نمی شنیدم، بارخدایا،

کـاش پرنـده ای بـودم و از ترس تـو به آسـمان پرواز می کردم، خـدایا، وای بر من، بـاز هم وای بر من اگر به سوی جهنم برانگیخته شوم، وای برمن و باز هم وای بر من اگر جایگاهم در آتش باشد، وای بر من و باز وای بر من اگر غذایم درآن زقوم باشد، خدایا،

وای بر من و باز هم وای بر من اگر نوشیدنی ام در آن آب جوشان باشد، خدایا، وای بر من و باز هم وای بر من اگر شیطان و کافران همنشینم در آن باشـند. معبودا، وای بر من و بـاز هم وای بر من اگر به سوی تو آیم در حـالی که تو از من خشـمگین باشـی، پس چه کسـی تو را از من راضـی می کنـد در حالی که کار نیکی نـدارم که در فرمانبرداری تو از پیش فرسـتاده باشم و به وسـیله آن سـرم را به سویت بالا آورم یا زبانم گویا شود. امیدی جز از خودت ندارم، به راستی که مهربانی ات از خشمت پیشی گرفته است. بخششت، بخششت،

بخشـشت، پس همانا تو در کتاب خود که آن را بر پیامبرت -درود تو بر او و خانـدانش باد- فروفرسـتادی فرمودی: به بندگانم خبر بده که من آمرزنـده و مهربانم و عـذاب من عـذابی دردناک است. راست گفتی، راست گفتی، چیزی جز بردباری ات خشـمت را برطرف نمی کند و جز گـذشت تو از مجـازات پنـاه نمی دهـد و جز زاری به درگـاهت نجـات بخش نیست. به درگاهت زاری می کنم، زاری می کنم ماننـد گنهکار فرومایه و می خوانمت ماننـد بیچاره ی تهیـدست، و از تو درخواست می کنم ماننـد نیازمنـد نابینا، پس درود فرست بر محمـد و خانـدانش و با بهشت بر من لطف کن و از آتش مرا سـلامت دار. معبودا، بـا نیکی ات که درآن بی نیـازی از دور و نزدیـک و دوست و دشـمن است، بر من منت گذار و مرا به کسانی ملحق کن که مهربانی گسترده ات آنان را دربرگرفته و آنان را پاکیزگان و نیکوکاران و پرهیزکاران قرار دادی و به پیـامبرت محمـد که درودت بر او و خانـدانش بـاد ملحق کن و آنـان را همسایگـانم در آخرت قرار ده و مردان و زنان مؤمن را بیامرز به همراه پـدران و مـادران و برادران و خواهران. و مـا و آن هـا را به نیکان ملحق کن و ما و آن ها را از بهشت بهره منـد ساز به همراه بزرگان و خوبان. خـدایا، درود فرست بر محمـد و خانـدانش و من و همه برادرانم را مؤمن به خودت قرار بـده و در اسـلام اسـتوار بـدار و مـا را انجام دهنـده ی واجباتت و برپادارنده ی نماز و دهنده ی زکات قرار بده و باور به خوشـنودی هایت و اخلاص و یاد خودت و پیروی از سـنت پیامبرت صلوات الله علیه و علی آله و ترس از عـذابت و عـدالتت و امیـد به لطفت را به مـا عطا کن و ما را از وحشت بزرگ درامان بـدار و انـدیشه در آفرینش آسـمان هـاو زمین و بـازگشت از گناهان و خطاها و پاک شـدن از ریاء و شـرک و کفر و ناسازگاری و نفاق و زنگار را به ما ببخش و ما را از روزی ات راضـی قرار بـده و خواهـان بهشـت و گریزان از آتش و از حلال و پـاک روزی خـور و بـه هنگـام شـبهه هـا ایسـتاده و بر محمـد و خاندانش درود فرستنده و خیرخواه اهل ایمان و آمرزش خواه برای برادران و به هنگام رسـیدن مرگ خشـنود و در وحشت قبر خوشـحال و از دیدار نکیر و منکر خرسـند و به هنگام پرسش های آنان پاسخگو و بی اعتنا به دنیا و مشتاق به آخرت و خواهان بهشت و وارثان بهشت برین و پوشانـده شـده با لباس های سـندس و اسـتبرق و تکیه زننـده به پشتی ها و تاجـدار با تاج های یاقوت نشان با مروارید و زبرجد قرارده و پسـران جوان و جاودان را خدمتگزاران ما قرار ده و از لیوان ها و کاسه هایی از آب گوارا به ما بنوشان و زنان سیه چشم را به ازدواج ما درآور و ما را در بهشت پرنعمت جایگاهمان ده و در سـرای آخرت جاودان گردان که در آن رنجی به آن ها نمی رسد و از آن خارج نمی شوند. بارالها، ما و برادران و خواهران مؤمن مـا را، زنـدگان و مرده هـای آنـان را بیـامرز و میـان مـا و آن ها نیکی قرار ده، به راستی که تو صاحب اعمال نیک پایدار هستی .

مناجات دیگری از ایشان که به مناجات کوچک تر شناخته شده است درود خدا بر ایشان باد:

پاک و منزهی ای معبود من، چه بردبار و بزرگ و بخشـنده ای و چه قـدر بلند مرتبه و ازلی و عادل و دانایی، دانش تو گسترده شده و متکبران را می ترسانـد و نعمت هایت سـپاس شـکرگزاران را فراگرفته و بخشـشت از شـمارش شـمارندگان بیرون شده و گشاده دستی ات از توصـیف وصف کننـدگان بزرگ تر است، با قدرتت ما را آفریدی در حالی که ما هیچ نبودیم و با نهایت لطفت در تاریکی ها نقش ما را پدید آوردی و ما را با نسـیم آرامشت بلنـد کردی و روزی پاکیزه ات را به ما خوراندی و در گاهواره ی زمینت ما را بهره مند ساختی و ما را به فرمانبرداری ات فراخوانـدی و مـا را بـا نیکی ات بر نافرمـانی ات پیروز نمـودی و اگر بردبـاری ات نبـود مـا را مهلـت نمی دادی چرا کـه بـا پوشـشت مـا را پوشاندی و با شـناخت خود ما را گرامی داشتی و حجت خودت را بر ما آشـکار نمودی و با نعمت هایت ما را فراگرفتی و به یگانگی ات ما را

هدایت نمودی و راه نجات را برایمان آسان گرداندی ما را از راه نابودی برحذر داشتی پس پاداش تو این بوده که نیکی تو را با بی ادبی عوض دادیم، با جرأت بر آن چه تو را به خشم آورد و شتابان به سوی دوری از خشنودی ات و شادمان از فریب آرزوهایمان و روی گردان از شدت مرگ، پس ما را بازنداشت تا آن که وعده تو به ما رسید تا توان ما را بگیرد، پس تو را خواندیم در حالی که روزی ات را کم گردانده و بخشش هایت را اندک شمردیم و کردار گنهکاران را انجام دادیم مانند کسانی که با دستاویز نیکان چشم انتظار پاداش تو هستند، آرزوی بلاهای تو را داریم، پس ما از جانب تو هستیم و به سوی تو بازمی گردیم از مصیبتی که بسیار بزرگ که بد کیفری دارد و مجازات آن سایه افکنده و عذابش طولانی است و اگر تو ای پروردگار ما با گذشت خود بر ما لطف نکنی چرا که به وعده ی گذشت تو از خطاهایمان امید بسته ایم، در حالی که آشکارا گناهان بزرگی انجام داده ایم و در آن از کوچک ترین مخلوقاتت شرم داشته ایم و از تو شرم نکردیم در حالی که ما را می دیدی و چنان که شایسته بود حرمتت را حفظ نکردیم، به بخشش تو امیدواریم. بارالها، پس با چه رویی به دیدار عزت تو آییم و با کدام زبان تو را بخوانیم در حالی که پس از محکم کردن پیمان، آن ها را زیر پا گذاشته و تو را عهده دار خود قرار داده و سپس به هنگام مصیبت تو را خواندیم در حالی که سخت دچار گناه بودیم. پس دعای ما را پاسخ گفتی و اندوه ما را برطرف ساختی و به نیازمندی و بیچارگی ما رحم کردی. پس بدا به حال ما و کرده های ما، با چه حالی بر تو جرأت ورزیدیم و کدام فریب جان ما را فراگرفت و مغرور کرد؟ پروردگارا، هنگام نافرمانی ات خویشتن را سبک گرداندیم نه بزرگی تو را، و نادانی ما فریبمان داد نه بردباری ات، و حق خویش را تباه گرداندیم نه حق بزرگ تو را، و به خویشتن ظلم نمودیم و به مهرت امید بستیم پس به بیچارگی ما و زمین خوردنمان با چهره هایی که از گناه تیره شده رحم کن. از تو درخواست می کنیم بر محمد و خاندانش درود فرستی و ترس ما را به امنیت خودت برسانی و هراس ما را به انس خودت و تنهایی مان را به همنشینی ات و نیستی مان را به جاودانگی ات و خواری ما را به عزتت و ناتوانی مان را به قدرتت برسانی. پس به راستی کسی که تو او را حفظ کنی تباهی ندارد و آن که تو نیرومندش سازی ناتوان نمی شود و آن که تو یاری اش کنی سست نمی شود، ای گستراننده ی برکت ها و ای برآورنده ی حاجت ها و ای پیروز گرداننده خواهش ها، درود فرست بر محمد و خاندانش و به ما اندوه و هراسی بده که از لذت های دنیا و شهوت های آن و هرآن چه مانع انجام فرمان تو می شود ما را بازدارد. به درستی کسی که نعمت هایی مانندآن چه به ما عطا کردی داشته باشد شایسته نیست از سپاس تو غافل شود و به چیزی جز تو مشغول شود. ای آن که برای هرچیزی عوضی است اما به جای او عوضی نیست. پروردگارا پیش از ناتوانی به ما عافیت ببخش و پیش از پایان مهلت، ما را به فرمانبرداری از خودت بگمار و پیش از آن که دعایمان در آن چه درخواست کرده ایم پوشیده شود به ما رحم کن و با نشاط بر ما منت گذار و پناهمان ده از کاهلی و سستی و ناتوانی و بیماری و زیان و درد و ریاء و هواپرستی و شهوت و خودپسندی و تکبر و خرامیدن و خیال پردازی و مجادله و سفاهت و خودبینی و سبک سری و بدخلقی و نیرنگ و سخن زیاده در آن چه دوست نمی داری و مشغول شدن به آن چه سودی برایمان ندارد. و ما را از پیروی از هوس و همنشینی با نادان و نافرمانی از دانشمندان و روی گردانی از قاریان و همنشینی با فرومایگان پاک گردان و ما را از کسانی قرار ده که با دوستانت همنشینی می کند و ما را از همراهان دشمنانت قرار نده و زندگی ما را هم چون صالحان قرار ده و دل هایی مانند ترسندگان به ما عطا کن و صبری مانند زاهدان و قناعتی چون پرهیزکاران و یقینی مانند صاحبان اندیشه و کرداری چون عابدان و آزمندی عاشقان را روزی ما قرار بده تا به بهشت تو وارد شویم بدون آن که عذاب شویم. پروردگارا، عمل به واجباتت را از تو درخواست می کنم و چنگ زدن به سنتت را و ایستادن به هنگام نهیت و فرمانبرداری از اطاعت کنندگانت و دوری از حرام را از تو درخواست می کنم. بارالها، به ما روزی نیکی بدون آزار و منت ببخش و عزتی از نزد خودت بدون گمراهی و پایداری و یقین و یادآوری و قناعت و پاکدامنی و بی نیازی از خواهش از مردم به ما عطا کن. و آبرویمان را نزد هیچ کس مریز، چرا که هر کس آبرویش نزد مردم ریخته شود برای دیگران فروتن شود و او را از بدی ها باز نمی دارد و نافرمانی اش را ناپسند نمی دارد. بلکه روزی ما را از نزد خودت فراوان کن و اعمال ما را نیک گردان و ما را از روی آوردن به سوی اهل دنیا و آراستگی برای آن ها بازدار. بارالها، آن چه از روشنی گفتار و آشکار کردن دلیل بر زبان ما جاری نمودی، آن را روشنایی قبرهایمان و برانگیخته شدنمان قرار بده و در زندگی و مرگمان عزتی برایمان قرار ده نه خواری ما، و امنیتی از بلای دنیا و آخرت قرار ده ای مهربان ترین مهربانان. خداوندا، درود فرست بر محمد و خاندانش و ما را از کسانی قرار بده که روحشان به عالم بالا شتاب گرفته و اراده شان به عزت آن تعلق گرفته، پس دل هایشان همواره سرگشته و در پرواز است تا آن که در باغ های پرنعمت فرود آید و از میوه های نسیم بچیند و از جام آسایش بنوشد و غرق در بانگ شادی گشته در دریای زندگانی غوطه خورد و در سایه سار بزرگی آرمیده اند. آمین ای پروردگار

عالمیان. خداوندا درود فرست بر محمد و خاندانش و ما را از کسانی قرار ده که به دنبال ستمکاران سرزمین ها را جستجو کردند و از همنشینی با افراد نادان وحشت دارند و با نور اخلاص به بزرگی رسیده و در کشتی نجات درآمده اند و بادبان ها را به باد یقین افراشته اند و در ساحل دریای رضایت پهلو گرفته اند، ای مهربان ترین مهربانان. پروردگارا، درود فرست بر محمد و خاندانش و ما را از کسانی قرار ده که در شهوت را در دل هایشان را قفل کردند و غفلت را در جانشان نابود کرده اند و تلخی های زندگانی را شیرین دانستند و گشایش را نرم دانستند و با ریسمان نجات و دستاویز سلامت و جای گرفتن در سرای بزرگی پیروز شدند. خدایا، درود فرست بر محمد و خاندانش و ما را از کسانی قرار ده که به دستگیره ی دانش چنگ زدند و خویشتن را با فهم ادب کردند و نامه ی بدی هایشان را خواندند و پرونده اشتباهات را گشودند و تلخی اندوه را سرکشیدند تا آن که از زیان ها سلامت یافتند و آسایش را در بازگشت دیدند. خداوندا، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که درختان اشتباهات را مقابل دیدگان قلب کاشتند و با آب توبه آن را آبیاری کردند تا آن که میوه ی پشیمانی حاصل کرد پس آن ها را با پرده های پنهانی آسمان هارویانده و اندوه و ترس و غصه ها آن را سیراب کرد و در آینه ی فکر نگریستند، پس کالبد ذکاوت را دیدند و لباس خدمت گزاری را پوشیدند. بارالها، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که جام پاک را نوشیدند و شکیبایی بر بلای طولانی را به دست آوردند، پس دیده هایشان از آن چه یافته بودند روشن گردید تا آن که دل هایشان سرگشته ی ملکوت شد و در میان پرده های حجاب جبروت به پرواز درآمد و روح هایشان به سایه سار خنکای عاشقان پرکشید، در باغ های آسایش و سرچشمه ی عزت و آستان جاودانگی. پروردگارا درود فرست بر محمد وخاندانش و ما را از کسانی قرار بده که در بهار درخشان فهم گردش کردند تا آن که با بزرگی به بلندای علو رسیدند، پس یاد بزرگی ات را در دل هایشان نقش کردند تا آن که زبان پنهان دل ها با استغفار در تنهایی در محراب قدسی پارسائی خاشعان مناجات نمود و تا جایی که دیدگان دل ها به سوی آسمان پناه برد و چشمان نوحه گران در میان صفوف کروبیان و جایگاه روحانیان اشکی بر آنان ریخت که دل ها را به هنگام اندیشه در گردش گاه نیکی در مقابلت آتش می زند و آتش ترس ریشه های شهوت را در دل هایشان از بیخ کنده و میان پوشیدگی های غفلت سینه هایشان آرام گرفت. پس یاد خداوند دل هایشان را از خواب بیدار کرده است. خداوندا، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از کسانی قرار بده که یاد تو آن ها را از شهوت ها بازداشته و با شناخت آشکار با بلاهای عزت مخالفت می کنند و پرده های آتش شهوت ها را با آب توبه می برند. و ظرف های نادانی را با زلال آب زندگانی می شویند تا آن که نمناکی زبان ذکرگویان تا مجالس ذکر پراکنده می شود. بارالها، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که راه اطاعت را با توفیق در منزل گاه پاکان بر آن ها هموار نمودی، پس زنده شدند و نزدیک گشتند و گرامی داشته شدند و به خدمت آراسته شدند. خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از کسانی قرار بده که پرده های پاکی دوستانت را بر آنان فرستادی و دل هایشان را با زلال پاکیزگی مخصوص گرداندی و آن ها را در جایگاه برگزیدگان با فهم و حیا آراستی و اندوهشان را در ملکوت آسمان هایت پوشیده داشتی تا بر تو وارد شدند. و دیدگان ما را با پرواز در شکوه خودت بهره مند گردان تا ما را از آن چه دل های غافلان را به خواب برده بیدار نگاه دارد و دل هایمان را با زنجیرهای نور بسته نگاه دار و با ریسمان های ذکر آن را از پایه های عرشت بیاویز و با نگریستن به خودت آن را از شر جایگاه خیانت پیشگان بازدار و از بند رهایش کن تا در خدمت تو به همراه پروازکنندگان به پرواز درآید و ما را برای خدمت گزاری خودت خواهان بندگان و برگزیدگانت قرارده و همنشین بندگان خاصت و دوست مریدان و آویختگان درگاهت قرار بده. معبودا، درود فرست بر محمد و خاندانش و ما را از کسانی قرار بده که خویش را شناختند و به جایگاه خود یقین پیدا کردند، پس زندگی هایشان به فرمانبرداری از تو سپری شده و بدن هایشان با اندوه لاغر گشته، اگر نپوسیده باشد، و به یاد تو هدایت یافته اگر به آسایش گاه هدایت نرسیده باشد. پروردگارا، بر محمد و خاندانش درود فرست و ما را از کسانی قرار بده که پرده ی بزرگ پوشاننده بر پلک دیدگان دل هایشان را گشودی تا آن که به تدبیر حکمتت و شواهد دلیل های روشنت نگریستند پس تو را با دستاورد دانایی دل ها شناختند و تو در پرده های پوشیده ی حجاب های دل هستی. تو پاک و منزهی، کدام دیده توانایی قرار گرفتن مقابل نورت را دارد، یا به سوی روشنایی قدسی ات بلند می شود؟ و یا کدام فهم پایین تر از آن را درک می کند؟ به جز دل هایی که حجاب های شب کوری از آن ها برداشته شده پس جان هایشان بر بال های فرشتگان بالا رفته و اهل ملکوت آن ها را زیارت کننده نامیدند و اهل جبروت آن ها را آباد کننده نام نهادند، پس در جایگاه تسبیح گویان رفت و آمد کردند و به حجاب قدرت آویختند و به هنگام هر شهوتی با پروردگارشان مناجات کردند، پس دل هایشان پرده های نور را دریدند تا آن که با دیده ی دل به شکوه عزت خدا در بزرگی ملکوت

نگریستند، سپس دل ها با نیت شناخت یگانگی ات به سینه بازگشت، پس معبودی جز تو نیست و یگانه ای و شریکی نداری، از آن چه ستمگران می گویند برتر و والاتری. خدایا، در این دنیا اندوه و ناراحتی و نگرانی و بلاهاست و در آخرت حساب و مجازات است، پس آسایش و گشایش کجاست؟ بارالها، مرا بدون خواسته ی من آفریدی و بدون اجازه ی من نیز مرا می میرانی و کسی را که دشمن من است و بر من چیره است بر من گماردی تا با فریب مرا به سوی بلا کشاند و به من فرمودی درآویز، پس چگونه درآویزم اگر تو مرا نگاه نداری. بارالها، بر محمد و خاندانش درود فرست و با گفتار پابرجا در دنیا و آخرت مرا استوار دار و با دست آویز محکمی که گسستگی در آن نیست مرا پایدار کن ای مهربان ترین مهربانان. ای کسی که فرمود: مرا بخوانید که من نزدیکم و دعای کسانی را که مرا می خوانند پاسخ می دهم. و من تو را خواندم چنان که به من دستور دادی، پس همان گونه که وعده نمودی پاسخم ده، پس به راستی تو وعده ات را زیر پا نمی گذاری. بارخدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و من و پدر و مادرم را و فرزندان آن ها را و هرآن که را زادند بیامرز و خانواده ام و فرزندانم و نزدیکانم و برادران دینی ام و همسایگانم از مردان و زنان مؤمن، زنده ها و مردگان را و برادران ما را که در ایمان از ما پیشی گرفتند بیامرز و در دل هایمان نسبت به مؤمنان ناخالصی قرار نده ای پروردگار ما، همانا تو مهربان و بخشنده ای.

مناجات دیگری از ایشان، درود خداوند بر ایشان باد:

خدایا، هر مسئولی مرا از ورود محروم کرد و هر مورد امیدی مرا از آن چه داشت منع نمود و هر آن که با میل به او امید بسته بودم و یا از روی ترس به او پناه گرفته بودم مرا منع کرد، و یقین در آن به شک تبدیل شده و گمان به شناخت مبدل گشته و امید به یأس تغییر پیدا کرده و بیچارگی مرا به سوی تو بازگردانده هنگامی که امیدهایم ناامید شده و وسیله هایم قطع شده و اطمینان پیدا کرده ام که تلاشم پیروز نمی شود و کوششم نتیجه نمی دهد مگر به یاری تو و اراده من به نیکی تنها با اجازه ی تو مرا به آن می رساند. پس از تو درخواست می کنم بر محمد و خاندانش درود فرستی و مرا با بخشش خود از فرومایگی درخواست شدگان بی نیاز گردانی و با لطف خود از ناامیدکردن کسانی که به آن ها امید بسته ام بی نیاز کنی. و ترسم از مردم را به ترس از خودت تبدیل کنی و بیش ترین ترس مرا از خودت قرار بده و بیش ترین یاد مرا برای خودت قرار ده و بیش ترین نگهبانی ات را برای من قرار بده، در آن هنگام که وحشت ها فرونشیند و سختی ها به پایان برسد و هراس از من روی گردان شود، آن هنگام که فریب خوردگان از مکر تو ایمن شوند و افراد نادان تو را فراموش کنند مرا از کسانی قرار نده که آسایش باعث شادمانی و تکبر او گردد و مصیبت او را به زمین زند و تنها به هنگام سختی روزگار تو را بخواند و تنها وقتی بلا همه گیر شود تو را یاد می کند؛ پس پیشانی اش را به خاک می ساید و دستانش را برای خواهش از تو بالا می آورد. و مرا از کسانی قرار نده که عبادتش برای تو همیشگی نیست و میان آن وقفه می افتد، یک روز طاعتی را انجام می دهد و فردا از انجام آن خسته می شود. اما درود فرست بر محمد و خاندانش و هر روز از روزهای مرا کامل کننده ی دیروز و کوتاه تر از فردایش قرار بده تا زمانی که مرگ مرا می رسانی در حالی که برای روز بازگشت توشه ی بسیاری آماده کرده ام، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

و ایشان که درود خداوند بر او باد مناجات دیگری نیز دارند:

آقا و مولای من و اوج امیدم، از فراز عرشت بر زمین ها و فرشتگانت و ساکنان آسمان هایت آشکار شدی در حالی که صداها بریده شده و حرکت ها باز ایستاده اند و زنده ها مانند مردگان درون گور هستند، پس بندگانت را در حالت های پراکنده دیدی، در میان آن ها ترسانی است که به تو پناهنده شده و تو به او امان دادی و گنهکاری است که از تو درخواست آمرزش نموده و تو پاسخش دادی، و به پهلو افتاده ای است که خودش را به تو سپرده و تو او را حفظ نمودی، و گمراهی است که از تو راهنمایی خواسته و تو هدایتش کردی، و مسافری که به پناه تو روی آورده و تو پناهش دادی، و نیازمندی که تو را صدا زده و تو پاسخش داده ای و تارک دنیایی که شب را با یاد تو سپری کرده و تو بهره مندش ساختی و با پیروزی پاداشش دادی، و نادانی که از رشد گمراه شده و به شکیبایی تکیه کرده پس او را رها کردی. بارالها، پس به حق نامی که هنگامی که به آن خوانده شوی پاسخ می دهی و حقی که وقتی به آن سوگند داده شوی واجب می گردانی و به درودهای خاندان هدایت گر و فرشتگان مقرب، درود فرست بر محمد و خاندانش و مرا از کسانی قرار بده که ترسید پس او را ایمن گرداندی و از تو

درخواست آمرزش کرد و او را اجابت نمودی و خود را به تو سپرد پس حفظش کردی و از تو درخواست راهنمایی کرد و او را هدایت نمودی و به پناهت روی آورد و به او پناه دادی و برای حاجاتش تو را خواند و پاسخش دادی و شب را با یادت سپری کرد پس او را بهره مند ساختی و با پیروزی پاداشش دادی و مرا از کسانی قرار نده که از هدایت گمراه شد و به پایداری خویش تکیه کرد پس رهایش نمودی. پروردگارا، پادشاهان درهای خویش را بستند و پرده های آن را فروانداختند و درگاه تو برای توسل جویندگان آن باز است، و سخاوتت برای درخواست کنندگان از آن وجود دارد و آمرزشت برای امیدواران آن بخشیده شده است و قدرتت برای کسی که سزاوار است خرد کننده است. معبودا، نفسم با اعمالش مقابلت افتاده و با میل و رغبت خاضعانه مقابلت برخاسته و با بزرگواری ات به سوی تو توسل می جوید، پس به درودهای خاندان هدایت کننده و فرشتگان تسبیح گو بر مولای ما محمد و خاندان پاکش درود بفرست و و حاجاتش را برآورده ساز و از لغزش هایش درگذر و زیاده روی های او را ببخش، پس وای بر او اگر خشم تو به سراغش آید و خوشا به حالش اگر مهربانی ات او را دریابد. پس ای کسی که از عدالتش ترسیده و به لطفش امیدوارند، بر محمد و خاندانش درود فرست و دعایم را با اجابت همراه کن و تسبیحم را به پاداش برسان و شبم را به صبح گاهان بسیاری که از عمرم گذشت با برکت و ایمان همراه کن و خوشبختی و امنیت آن را فراوان کن، به راستی که تو بهترین درخواست شده و بزرگوارترین امید هستی و تو بر هر کار توانایی.

و ایشان که درود خداوند بر او باد، دعایی در سپاس از خدا دارند:

ای کسی که بخشش او از همه بخشندگان بالاتر است، و سپاس گزاری شکرگزاران از ادای شکرش ناتوان شده، و من کسانی جز تو را که کسی جز من به آن ها امیدی بسته بود آزمودم و دیدم هر توسل جوینده ای به غیر تو، بازگردانده شده و هر راهی جز به سوی تو بسته است. زیرا همه خیر نزد توست و هیچ خیری نزد غیر تو وجود ندارد، ای آن که به وسیله او به او توسل جستم و به وسیله خودش به او راهی جستم و در خوشی و ناخوشی به او اعتماد و تکیه کردم. من بنده ی کسی جز تو نیستم تا مولایی جز تو داشته باشم و روزی ام را از غیر تو نگرفته ام تا از او ادامه ی نیکی بخواهم. و درگاهی جز درگاه تو را قصد نکردم، پس مرا از درگاه نزدیک ترت مران، ای توانایی که خواهش ها نزد او فراوان نمی شوند و ای مولایی که هر آرزمندی آرزویش را دارد. حاجت هایم به سوی تو بازمی گردد و آرزوهایم در برابر تو می ایستد. هرگاه مرا به خیری موفق کردی تا آن را انجام دادم و بر آن توانا شدم، تو مرا به سوی آن رهنمون شدی و راه را نشانم دادی. ای آن که شکیبایی را یاوری در بلاهایش و سپاس گزاری را طولانی کننده ی نعمت هایش قرار داد، نعمت تو از سپاس گزاری من افزون تر شده، پس با اعترافم به ناتوانی بر من لطف کن با گذشتی که تو بر آن تواناتر و بخشنده تر از من هستی. و اگر برای گناهم بهانه ای نزد تو نیست که آن را بپذیری، آن را گناهی قرار بده که بخشیده شده است. و در روایتی است که امام علیه السلام عرض کرد: و درود خداوند بر پیامبرش، جدم محمد و خاندان او باد.

و ایشان که درود خداوند بر او باد، دعایی با این متن دارد:

بارخدایا، همانا درخواست بخشش من از تو با اصرارم بر گناه فرومایگی است و درخواست نکردن از آمرزشت با وجود مهربانی گسترده ات ناتوانی است. خدایا، چه بسیار با نعمت ها با من دوستی نمودی در حالی که از من بی نیازی و من با نافرمانی ها با تو دشمنی کردم حال آن که نیازمند تو هستم. پس ای کسی که وقتی وعده می دهد به آن عمل می کند. و هنگامی که نوید داد، گذشت می کند، بر محمد و خاندانش درود فرست و شایسته ترین کار را با من انجام بده، همانا تو بر انجام هر کار توانایی.

و ایشان دعای دیگری نیز دارند، درود خدا بر او باد: خدایا، گذشت تو از گناهانم و بخششت از اشتباهاتم و پرده پوشی ات بر کردار زشتم مرا به طمع انداخته تا آن چه را شایسته ی آن نیستم از تو درخواست کنم، به آن چه از مهرت که به من چشاندی و احسانی که به من کردی، پس با امنیت آمدم و تو را خواندم و با انس از تو درخواست کردم نه ترسان و نه نگران، نیکی ات به خودم را دلیل گرفتم و هنگامی که خواسته ام دیر شد با تو تندی کردم و شاید این تأخیر در اجابت دعایم به صلاح من بوده به خاطر آگاهی تو از پایان کارها، پس مولایی بزرگوارتر از تو بر بنده ای پست تر از خودم ندیدم، زیرا تو در میان من و خودت نیکی می کنی و من بدی، تو دوستی می کنی و من با تو اظهار دشمنی می

کنم، گویی من بر تو منتی دارم. اما این ها مانع مهربانی و نیکی تو بر من نمی شود و من می دانم که تنها یکی از گناهانم عذاب دردناک تو را برایم واجب می کند و مجازات سخت تو را سزاوار من می گرداند. اما شناخت من از تو و اعتمادم به بخشندگی ات مرا به سوی انجامآن فرامی خواند. سپس هر دعایی که دوست داشتی بخوان.

دعای دیگری از ایشان، درود خداوند بر او باد:

پروردگارا، مرا به سوی نجات فراخواندی و من نافرمانی ات کردم، و دشمنت مرا به سوی نابودی خواند و اجابتش کردم. پس این دشمنی نزد تو کافی است که فرمان برداری من از دشمن تو بیش تر از اطاعتم از توست. پس بدا به حالم که مرا برای عبادت خودت آفریدی و روزی ات را بر من گستراندی و من از آن برای نافرمانی ات کمک گرفتم و آن را در غیر دستور تو خرج کردم، سپس از لطف تو افزایش آن را درخواست نمودم پس کردار من مانع نشد تا بر من بردباری نورزی، پس روزی ات را بر من گستراندی و بیش از آن چه درخواست کردم به من بخشیدی، و بردباری ات و آگاهی ات به من و توانایی ات بر من و گذشتت از من مرا از روی آوردن به خشم تو و ادامه سرکشی ام بازنداشت، گویی آن چه با من کردی را حق واجبی بر تو می دانستم، پس گویی آن چه مرا از آن بازداشته بودی، چیزی بود که مرا به آن دستور داده ای و اگر می خواستی نیکی ات را به من تکرار نمی کردی و با نعمت هایت مرا گرامی نمی داشتی و مجازاتت را از کردار من به تأخیر نمی انداختی، اما تو بسیار شکرگزاری و هرآن چه را بخواهی انجام می دهی، پس ای آن که با مهر همه چیز را گسترانده، به بنده ات رحم کن که به دشمنی با تو روی آورده و در خشمت داخل شده و به جایگاه تو نادان است و بر تو جرأت ورزیده، با مهری که با آن برترین بندگانت و به کسانی منت می گذاری که فرمانت را به نیکی انجام داده اند، که تو صاحب لطف هستی و بر آن چه بخواهی توانایی. ای کسی که میان انسان و قلبش حائل می شود، میان من و روی آوردن به خشمت حائل شو، و قلبم را متوجه فرمانت کن و سپاس نعمت هایت را نصیبم نما و مرا به بندگان نیکوکارت ملحق کن. بارالها، از بخشندگی ات به من مال بسیار و پاکی عطا کن که مرا به سرکشی وادار نسازد. و تجارت پربرکت و فراوانی که مرا سرگرم نکند، و توانایی در بندگی ات، و شکیبایی در انجام دستورت و گفتار درست و راستی در همه جا و دشمن داشتن فاسقان و مرا یاری کن در تلاش و عبادت برای خودت با خشوع نیکو در تاریکی و التماس به درگاهت در سختی و آسایش، و برپاداشتن نماز و پرداخت زکات و روزه در سختی گرما برای خشنودی تو، و مرا به خودت نزدیک گردان، و به خاطر گناهی که مرتکب شده ام از من روی گردان نشو؛ نه به خاطر کردار زشتی که انجام داده ام و نه برای گناه آشکاری که در آن هستم و امید توبه درباره ی آن دارم، و نه برای اشتباه و عمدی که انجام داده ام یا به آن دستور داده ام،

چه آن را بر من بخشیده ای و یا مجازاتم کرده ای، و چه آن را پوشانده ای یا پرده پوشش آن را پاره کرده ای، چه از آن توبه کرده ام یا هم چنان بر آن باقی هستم، به حقی که برای همه آفریدگانت بر تو واجب است از تو تقاضا می کنم مرا از عیب ها پاک گردانی و با توبه ای از جانب خودت مرا از گناهان عافیت ببخشی و نگاهی بر من بیندازی که با آن از من راضی شوی و دوستی با تو به نعمت و کرامتی که مرا به شرف بهشت برساند و همنشین محمد و اهل بیتش قرار دهد، درود خداوند بر ایشان باد، آمین ای پرودگار عالمیان.

دعای دیگری از ایشان که درود خدا بر او باد:

بارخدایا، من چیزهایی از تو می خواهم که به بسیاری از بندگانت بخشیده ای، از بزرگ و کوچک آن ها و بدون درخواست آن ها از تو، پس اگر بر من نیز ببخشی از لطف توست و اگر چنین نکنی، من با تو در فرمانت شریک نیستم و در مورد آفریدگانت دستور نمی دهم، پس اگر راضی باشی پس سزاوارترین کس برای برآوردن درخواستش، کسی است که از او خشنودی با وجود خواری آن چه از تو درخواست کرده ام، و اگر خشمگین باشی، پس سزاوارترین کس برای بخشش تویی و گرامی ترین آمرزنده و کسی که لطف را بر بنده اش تکرار نموده و تباهی او را سامان داده و کجی هایش را راست گردانده است. و اگر مرا با کردار زشتم بگیری، پس یکی از خطاهایم عذاب تو را واجب می کند و من در میان آفریدگان تو کیستم ای مولای من و آقایم؟ پس به عزتت سوگند نیکی هایم دارایی ات را زیبا نمی کند و بدی هایم آن را زشت نمی گرداند، بی نیاز گرداندنم از خزائن تو چیزی نمی کاهد و نداری ام به آن چیزی نمی افزاید. صلاح و فسادم جز به سوی تو

نیست، پس اگر مرا نیکو گردانی چنین باشم، و اگر مرا فاسد قرار داده ای کسی جز تو بر اصلاح من توانایی ندارد. پس هیچ کار زشتی از من سر نزده مگر آن که دانستم تو مرا می بینی و از من غافل نیستی، به وعده ی تو برای من و امثال من باور داشته، بر گذشت کریمانه و بخشش از روی قدرت تو و مهربانی گسترده ات تکیه کرده ام، پس مهری که از تو چشیدم مرا به نافرمانی ات جرأت داد، و گذشتی که در تو دیدم مرا به حرامت انداخت. و اگر از فرارسیدن خشمت به زودی می ترسیدم از تو پروا می کردم آن چنان که از غیر تو که پایین تر از توست پروا دارم، کسانی که قدرتشان اندک است و من از جانبشان دوری می کنم. توفیقم تنها از جانب توست پس مرا به خودم وامگذار که از آن ناتوانم و نه به غیر خودت که مرا خوار می کند، پس همانا از بخشش تو چیزی درخواست کردم که شایسته ی آن نیستم، چون کار نیکی پیش نفرستاده ام. و به واسطه ی گناه بزرگی که انجام داده ام از آن ناامید نیستم زیرا به تو امید بسته ام و طمع بسیاری به مهری که برخودت واجب کردی دارم. پس فرمان از آن توست، یگانه ای وشریک نداری و مردم روزی خوار تو هستند و همه چیز برای تو فروتن است. دارایی ات فراوان و عدالتت همیشگی است و بخششت بسیار و عرشت گرامی است، ستایشت والا و یادت برتر و همسایگی ات بازدارنده و دستورت نافذ و دانشت همه گیر است و تو آغاز و پایان و آشکار و پنهان و به همه چیز دانا هستی. بندگانت همگی نیازمند توانـد و من نیازمندترین آن ها هستم، برای گناهی که آن را ببخشی و نیازی که آن را جبران کنی و عائله ای که بی نیاز گردانی و عیبی که آن را بپوشانی و کاری که آن را محکم گردانی و گناهی که از آن درگذری و فسادی که آن را نیکو گردانی و کار نیکی که آن را بپذیری و سخن پاکیزه ای که آن را بالا ببری و بدنی که آن را سلامت بداری. بارخدایا، تو مرا مشتاق خودت کردی و به آن چه نزد توست علاقمند ساختی و با من مهر ورزیدی، و بهترین بندگانت را به سویم فرستادی تا بهترین نوشته هایت را بر من بخواند، پس به فرستاده ات ایمان آوردم و از هدایتش پیروی نکردم، کتابت را باور کردم اما بدان عمل ننمودم، به خاطر ناتوانی ام دیدار تو را ناپسند دانستم و برای کردار آلوده ام از دستورت سرپیچی کردم، به خاطر تباهی دینم از سنت های تو روی گرداندم و به خاطر سخت دلی ام به دیدارت پیشی نگرفتم. پروردگارا، بهشت را برای کسانی که تو را اطاعت کردند آفریدی و در آن نعمت هایی را که به هیچ قلبی خطور نمی کند آماده ساختی، سپس آن را با نیکوترین ویژگی ها توصیف کردی و بندگانت را مشتاق آن نمودی و دستور دادی برای آن از هم پیشی بگیرند و از ساکنان آن و آن چه در آن است آگاه کردی، از زنان سیاه چشم که مانند سفیدی های پنهان هستند و پسرانی که همچون مروارید پراکنده اند و میوه ها و نخل خرما و انار و باغ های انگور و رودهایی از نوشیدنی پاکیزه و سندس و استبرق و چشمه سلسبیل و شراب خالص و دست بندهایی از نقره و نوشیدنی پاک و پادشاهی بزرگ. و پس از آن گفتی تو بلندمرتبه و مبارکی، پس هیچ کس نمی داند چه چیز برای روشنی دیدگان آن ها پنهان شده است، پاداشی برای آن چه انجام می دادند. پس به اعمالم نگریستم و آن را ناتوان دیدم مولای من، پس خویشتن را محاسبه کردم و خود را برای سپاس از نعمت هایت توانا ندیدم، گناهانم را شمردم و دیدم از نیکی هایم می کاهد پس چگونه به رسیدن به بهشتت با عملم طمع داشته باشم درحالی که در گرو اشتباهاتم هستم؟ نه، چگونه ای مولای من ممکن است اگر تو با مهربانی ات که در گذشته بر من لطف می کردی و با گرامی داشتنم به پایان می رساندی و نمی توانم آن را بشمارم، مرا در برنگیری. پس خوشا بر آن کس که از او خشنود شوی و وای بر آن که بر او خشم بگیری. پس از من راضی شو و بر من خشم نگیر، ای مولایم. خدایا، آتش را برای سرکشان از فرمانت آفریدی و برای اهل آن انواع عذاب را آماده کردی و آن را توصیف کردی و آب های جوشان آن را گروه گروه گرداندی، از حمیم و غساق و مهل و ضریع و صدید و غسلین و زقوم و غل ها و زنجیرها و گرزهای آهنی و عذاب غلیظ و عذاب سخت و عذاب خوارکننده و عذاب پابرجا و عذاب سوزان و عذاب سموم و سایه ای از آتش و لباس های قطران و سایبان های آتش و نحاس و زقوم و حطمه و هاویه و لظی و آتش سوزاننده و آتش زبانه کش که بر دل ها شعله می کشد و آتش احاطه کننده دارای ستون های کشیده شده، و سعیر و حمیم و آتشی که خاموش نگردد و آتشی که نزدیک است از شدت خشم مشخص گردد و آتشی که هیزم آن مردمان و سنگ هستند و آتشی که وقتی به آن گفته می شود: آیا پر شدی؟ گوید: آیا بیشتر هم هست؟ و مرتبه پایین تر از آتش. پس به راستی ترسیدم ای مولای من که به خاطر گناه و خطای بزرگم و بدکاری همیشگی ام سزاوار آن شوم، چرا که من نافرمانی تو را کردم و درباره بی نیازی تو از عذاب من و نیاز من به مهربانی تو اندیشیدم، ای مولای من با وجود خواری آن چه بدان طمع کردم نزد تو و دشواری آن در نزد من و آسانی اش برای تو و ارزش بسیار آن برای من و اهمیت آن در نزدم و جایگاهش نسبت به من، با وجود بخشندگی تو در کارهای بزرگ و گذشتت از گناه بزرگ، ای آقای من هیچ گناهی که آن را ببخشی و هیچ اشتباهی که آن را از گردنم برداری برای تو بزرگ نیست و نیز برای کسی که گناهش از من بزرگ تر است، به خاطر بی اهمیتی من در پادشاهی تو با

وجود التماسم و اعتمادم به تو و تکیه و امید و طمعم به تو، پس آن میان من و ترسم از ورود به آتش حائل شد. و من که هستم آقای من که در خشمی که برای عذاب من گرفتی قصد نابودی مرا کنی، من در میان آفریدگانت مانند ذره ای در میان دارایی بزرگ تو هستم. پس به سخاوتت بر من ببخش، پس همانا تو از من خطا دیده ای و من از تو ندیده ام و تو از من بی نیازی و من نیستم. تا آن که مرا به آنان ملحق کنی و همراهشان گردانی. همانا تو عزیز و حکیم هستی. پروردگارا، آفرینشم را نیکو کردی و بهبودی ام را فراوان ساختی، روزی ام را بر من گستراندی و همواره مرا از نعمتی به نعمت دیگر و از کرامتی به کرامت دیگر منتقل کردی به سوی بخششی که در شب و روزم تازه می شود و من چیزی جز آن چه در آن هستم نمی دانم، تا آن جا که گمان کرده ام آن بر تو واجب است و لازم است من در جایگاهی غیر از این باشم، چرا که من نمی دانم بلای بزرگ چیست تا لذت آسایش را بیابم و نیازمندی خوارم نکرده تا برتری امنیت را بدانم. پس شب و روز در غفلت از حال دیگران به سر بردم و کفر ورزیدم و در امتحان تو سپاس گزاری نکردم و شک نداشتم آن چه در آن به سر می برم همیشگی است و از من گرفته نمی شود. با خود از جابجایی عافیت و دگرگونی فقرو ترس و اندوه در دنیای زودگذر و آخرت پاینده سخن نگفتم تا مرا به زاری برابر تو برای پایداری آن بکشاند، با آن که دستور به شکرگزاری داده بودی و وعده ی افزایش نعمت هایت را کرده بودی، پس فراموش کردم و سرگرم شدم و غفلت کردم و ایمن گشتم و شادمان و متکبر شدم و سستی نمودم تا آن که عافیتم با آمدن بلا دگرگون شد و بیچارگی جای سلامتی را گرفت و انواع بیماری ها و آزارها به جای بی نیازی نشست، پس با حالی که برایم پیش آمد، آن چه در آن بودم را شناختم و از تو درخواست نمودم مانند کسی که به خاطر گناه بزرگش شایسته نیست صدایش شنیده شود، و درخواست کسی را داشتم که به دلیل سرگرمی و سستی بسیارش سزاوار برآوردن خواسته اش نیست، وزاری کردم همچون کسی که به خاطر گردن کشی و تکبرش شایسته ی رحمت نیست. پس به آن چه مرا مبتلا نمودی راضی شدم و چرا که بیچارگی به من روی آورده و نیازمندی خوارم کرده بود و بلا بر من نازل شده بود، پس اگر این از خشم تو بوده، از خشمت به بردباری ات پناهنده می شوم و اگر می خواستی مرا امتحان کنی پس همانا به ناتوانی و بیچارگی ام پی بردم، چرا که تو والا و بلندمرتبه ای و فرمودی: همانا انسان بسیار نالان آفریده شده، وقتی بدی به او می رسد شیون کرده و وقتی خیری به او می رسد آن را منع می کند -. معارج/ ۱۹ - ۲۱ -. و فرمودی و عزیزترین گوینده ای: پس اما انسان هنگامی که پروردگارش او را می آزماید و گرامی اش داشته و به او نعمت می دهد، می گوید خداوند مرا گرامی داشت، اما وقتی او را آزموده و روزی اش را تنگ می گرداند گوید: خداوند مرا خوار کرد -.

فجر/ ۱۵- ۱۶ -. و فرمودی درحالی که بزرگ ترین گوینده ای: به راستی انسان سرکشی می کند که می پندارد بی نیاز شده -. علق/ ۶ -. و منزهی، فرمودی: سپس هنگامی که بدی به شما رسید پس به سوی او فریاد می زنید -. نحل/ ۵۳ -. و فرمودی تو که عزیز و باشکوهی : و هنگامی که بدی به انسان می رسد با زاری پروردگارش را می خواند، سپس وقتی نعمتی به او عطا می شود دعای گذشته اش را فراموش می کند -. زمر/ ۸ -. و فرمودی: هنگامی که بیچارگی به انسان می رسد به پهلو یا نشسته یا ایستاده ما را می خواند، پس وقتی گرفتاری اش را برطرف نمودیم چنان می گذرد که گویی برای گرفتاری اش ما را نخوانده است -. یونس/ ۱۲ -. و فرمودی: انسان برای بدی مانند دعایش برای خوبی دعا می کند و انسان عجول بوده است -. اسراء/ ۱۱ -. راست گفتی، راست گفتی آقای من و مولایم. این ویژگی ها را در خودم می شناسم و علم تو در گذشته آن را می دانست، مولای من، به من وعده ی نیکویی دادی که تو را بخوانم تا اجابتم کنی، پس من تو را می خوانم چنان که دستور دادی و تو نیز آن چنان که وعده نمودی پاسخم بده، و نعمت و عافیت و نگهداری ات و پرده پوشی ات را بر من بیفزا و حالم را بهتر از آن چه در آن هستم قرار بده تا مرا به خشنودی خودت برسانی و آن چه برای دوستان و فرمانبردارانت آماده کردی به من عطا کنی، همراه با پیامبران و فرستادگان و صدیقان و شهداء و نیکوکاران، و چه همراهان نیکویی هستند. پس در سرای خودت و سرای جاودان همسایگی دوستت محمد، زینت قیامت و همه بزرگواری و نعمت پایدار و شادی فراوان را روزی ما گردان. به راستی تو بر هر کار توانایی و درود و سلام بسیار بر محمد پیامبر و خاندانش بفرست و سپاس برای خداوند، پروردگار جهان است.

**[ترجمه]

ق، کتاب العتیق الغروی دُعَاءٌ لِزَیْنِ الْعَابِدِینَ عَلَیْهِ السَّلَامُ: یَا عَزِیزُ ارْحَمْ ذُلِّی یَا غَنِیُّ ارْحَمْ فَقْرِی یَا قَوِیُّ ارْحَمْ ضَعْفِی بِمَنْ یَسْتَغِیثُ الْعَبْدُ إِلَّا بِمَوْلَاه إِلَی مَنْ یَطْلُبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَی سَیِّدِهِ إِلَی مَنْ یَتَضَرَّعُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَی خَالِقِهِ بِمَنْ یَلُوذُ الْعَبْدُ إِلَّا بِرَبِّهِ إِلَی مَنْ یَشْکُو الْعَبْدُ إِلَّا إِلَی رَازِقِهِ اللَّهُمَّ مَا عَمِلْتُ مِنْ خَیْرٍ فَهُوَ مِنْکَ لَا حَمْدَ لِی عَلَیْهِ وَ مَا عَمِلْتُ مِنْ سُوءٍ فَقَدْ حَذَّرْتَنِیهِ فَلَا عُذْرَ لِی فِیهِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ سُؤَالَ الْخَاضِعِ الذَّلِیلِ وَ أَسْأَلُکَ سُؤَالَ الْعَائِذِ الْمُسْتَقِیلِ وَ أَسْأَلُکَ سُؤَالَ مَنْ یَبُوءُ بِذَنْبِهِ وَ یَعْتَرِفُ بِخَطِیئَتِهِ وَ أَسْأَلُکَ سُؤَالَ

مَنْ لَا یَجِدُ لِعَثْرَتِهِ مُقِیلًا وَ لَا لِضُرِّهِ کَاشِفاً وَ لَا لِکُرْبَتِهِ مُفَرِّجاً وَ لَا لِغَمِّهِ مُرَوِّحاً وَ لَا لِفَاقَتِهِ سَادّاً وَ لَا لِضَعْفِهِ مُقَوِّیاً إِلَّا أَنْتَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ.

**[ترجمه]کتاب عتیق غروی: دعاء امام زین العابدین علیه السلام. ای عزیز، به خواری ام رحم کن و ای بی نیاز، به نیازمندی ام رحم کن و ای توانا، به ناتوانی ام رحم آور. بنده به چه کسی جز مولای خود پناه آورد؟ و از چه کس جز آقای خود درخواست کند؟ و به چه کسی جز آفریدگار خود زاری نماید و به چه کسی غیر از پروردگار خویش پناهنده شود و به چه کسی جز روزی دهنده ی خود شکایت برد؟ خدایا، هر کار نیکی که انجام دادم از جانب تو بوده و شایسته ی سپاس نیستم، و هر بدی که کردم تو مرا از آن بازداشتی و بهانه ای در آن ندارم. بارالها، تو را می خوانم خواستن انسانی خوار و فروتن، و از تو درخواست می کنم مانند درخواست پناه جوینده عذرخواه، و مانند درخواست کسی که به گناه و اشتباهش اعتراف می کند و کسی را جز تو برای گذشت از گناهش و برطرف کننده ی گرفتاری و اندوهش و از بین برنده ی غصه اش و جلوگیرنده ای از بیچارگی اش و نیرو دهنده ای برای ناتوانی اش نمی یابد، به جز تو ای مهربان ترین مهربانان.

**[ترجمه]

«۲۱»

د، [العدد القویه] قَالَ الثُّمَالِیُّ حَدَّثَنِی إِبْرَاهِیمُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: سَمِعْتُ عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِمَا السَّلَامُ یَقُولُ لَیْلَةً فِی مُنَاجَاتِهِ إِلَهَنَا وَ سَیِّدَنَا وَ مَوْلَانَا لَوْ بَکَیْنَا حَتَّی تَسْقُطَ أَشْفَارُنَا وَ انْتَحَبْنَا حَتَّی یَنْقَطِعَ أَصْوَاتُنَا وَ قُمْنَا حَتَّی تَیْبَسَ أَقْدَامُنَا وَ رَکَعْنَا حَتَّی تَتَخَلَّعَ أَوْصَالُنَا وَ سَجَدْنَا حَتَّی تَتَفَقَّأَ أَحْدَاقُنَا وَ أَکَلْنَا تُرَابَ الْأَرْضِ طُولَ أَعْمَارِنَا وَ ذَکَرْنَاکَ حَتَّی تَکِلَّ أَلْسِنَتُنَا مَا اسْتَوْجَبْنَا بِذَلِکَ مَحْوَ سَیِّئَةٍ مِنْ سَیِّئَاتِنَا.

أَقُولُ: وَجَدْتُ فِی بَعْضِ الْکُتُبِ هَذَا الدُّعَاءَ مَنْسُوباً إِلَی سَیِّدِ السَّاجِدِینَ علیه السلام وَ هُوَ فِی الْمُنَاجَاهِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَهِی أَسْأَلُکَ أَنْ تَعْصِمَنِی حَتَّی لَا أَعْصِیَکَ فَإِنِّی قَدْ بُهِتُّ وَ تَحَیَّرْتُ مِنْ کَثْرَهِ الذُّنُوبِ مَعَ الْعِصْیَانِ وَ مِنْ کَثْرَهِ کَرَمِکَ مَعَ الْإِحْسَانِ وَ قَدْ کَلَّتْ لِسَانِی کَثْرَهُ ذُنُوبِی

ص: ۱۳۸

وَ أَذْهَبَتْ عَنِّی مَاءَ وَجْهِی فَبِأَیِّ وَجْهٍ أَلْقَاکَ وَ قَدْ أَخْلَقَ الذُّنُوبُ وَجْهِی وَ بِأَیِّ لِسَانٍ أَدْعُوکَ وَ قَدْ أَخْرَسَ الْمَعَاصِی لِسَانِی وَ کَیْفَ أَدْعُوکَ وَ أَنَا الْعَاصِی وَ کَیْفَ لَا أَدْعُوکَ وَ أَنْتَ الْکَرِیمُ وَ کَیْفَ أَفْرَحُ وَ أَنَا الْعَاصِی وَ کَیْفَ أَحْزَنُ وَ أَنْتَ الْکَرِیمُ وَ کَیْفَ أَدْعُوکَ وَ أَنَا أَنَا وَ کَیْفَ لَا أَدْعُوکَ وَ أَنْتَ أَنْتَ وَ کَیْفَ أَفْرَحُ وَ قَدْ عَصَیْتُکَ وَ کَیْفَ أَحْزَنُ وَ قَدْ عَرَفْتُکَ وَ أَنَا أَسْتَحْیِی أَنْ أَدْعُوَکَ وَ أَنَا مُصِرٌّ عَلَی الذُّنُوبِ وَ کَیْفَ بِعَبْدٍ لَا یَدْعُو سَیِّدَهُ وَ أَیْنَ مَفَرُّهُ وَ مَلْجَؤُهُ أَنْ یَطْرُدَهُ إِلَهِی بِمَنْ أَسْتَغِیثُ إِنْ لَمْ تُقِلْنِی عَثْرَتِی وَ مَنْ یَرْحَمُنِی إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِی وَ مَنْ یُدْرِکُنِی إِنْ لَمْ تُدْرِکْنِی وَ أَیْنَ الْفِرَارُ إِذَا ضَاقَتْ لَدَیْکَ أُمْنِیَّتِی إِلَهِی بَقِیتُ بَیْنَ خَوْفٍ وَ رَجَاءٍ خَوْفُکَ یُمِیتُنِی وَ رَجَاؤُکَ یُحْیِینِی إِلَهِی الذُّنُوبُ صِفَاتُنَا وَ الْعَفْوُ صِفَاتُکَ إِلَهِی الشَّیْبَهُ نُورٌ مِنْ أَنْوَارِکَ فَمُحَالٌ أَنْ تُحْرِقَ نُورَکَ بِنَارِکَ إِلَهِی الْجَنَّهُ دَارُ الْأَبْرَارِ وَ لَکِنْ مَمَرُّهَا عَلَی النَّارِ فَیَا لَیْتَهَا إِذْ حُرِّمْتُ الْجَنَّهَ لَمْ أُدْخَلِ النَّارَ إِلَهِی وَ کَیْفَ أَدْعُوکَ وَ أَتَمَنَّی الْجَنَّهَ مَعَ أَفْعَالِیَ الْقَبِیحَهِ وَ کَیْفَ لَا أَدْعُوکَ وَ أَتَمَنَّی الْجَنَّهَ مَعَ أَفْعَالِکَ الْحَسَنَهِ الْجَمِیلَهِ إِلَهِی أَنَا الَّذِی أَدْعُوکَ وَ إِنْ عَصَیْتُکَ وَ لَا یَنْسَی قَلْبِی ذِکْرَکَ إِلَهِی أَنَا الَّذِی أَرْجُوکَ وَ إِنْ عَصَیْتُکَ وَ لَا یَنْقَطِعُ رَجَائِی بِکَثْرَهِ عَفْوِکَ یَا مَوْلَایَ إِلَهِی ذُنُوبِی عَظِیمَهٌ وَ لَکِنْ عَفْوُکَ أَعْظَمُ مِنْ ذُنُوبِی إِلَهِی بِعَفْوِکَ الْعَظِیمِ اغْفِرْ لِی ذُنُوبِیَ الْعَظِیمَهَ فَإِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعَظِیمَهَ إِلَّا الرَّبُّ الْعَظِیمُ إِلَهِی أَنَا الَّذِی أُعَاهِدُکَ فَأَنْقُضُ عَهْدِی وَ أَتْرُکُ عَزْمِی حِینَ یَعْرِضُ شَهْوَتِی فَأُصْبِحُ بَطَّالًا وَ أُمْسِی لَاهِیاً وَ تَکْتُبُ مَا قَدَّمْتُ یَوْمِی وَ لَیْلَتِی إِلَهِی ذُنُوبِی لَا تَضُرُّکَ وَ عَفْوُکَ إِیَّایَ لَا یَنْقُصُکَ فَاغْفِرْ لِی مَا لَا یَضُرُّکَ وَ أَعْطِنِی مَا لَا یَنْقُصُکَ إِلَهِی إِنْ أَحْرَقْتَنِی لَا یَنْفَعُکَ وَ إِنْ غَفَرْتَ لِی لَا یَضُرُّکَ فَافْعَلْ بِی مَا لَا یَضُرُّکَ وَ لَا تَفْعَلْ بِی مَا لَا یَسُرُّکَ إِلَهِی لَوْ لَا أَنَّ الْعَفْوَ مِنْ صِفَاتِکَ لَمَا عَصَاکَ أَهْلُ مَعْرِفَتِکَ إِلَهِی لَوْ لَا أَنَّکَ

بِالْعَفْوِ تَجُودُ لَمَا عَصَيْتُكَ وَ إِلَى الذَّنْبِ أَعُودُ إِلَهِى لَوْ لَا أَنَّ الْعَفْوَ أَحَبُّ الْأَشْيَاءِ لَدَيْكَ لَمَا عَصَاكَ أَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيْكَ إِلَهِى رَجَائِى مِنْكَ غُفْرَانٌ وَ ظَنِّى فِيكَ إِحْسَانٌ أَقِلْنِى عَثْرَتِى رَبِّى فَقَدْ كَانَ الَّذِى كَانَ فَيَا مَنْ لَهُ رِفْقٌ بِمَنْ يُعَادِيهِ فَكَيْفَ بِمَنْ يَتَوَلَّاهُ وَ يُنَاجِيهِ وَ يَا مَنْ كُلَّمَا نُودِىَ أَجَابَ وَ يَا مَنْ بِجَلَالِهِ يُنْشِئُ السَّحَابَ أَنْتَ الَّذِى قُلْتَ مَنِ الَّذِى دَعَانِى فَلَمْ أُلَبِّهِ وَ مَنِ الَّذِى سَأَلَنِى فَلَمْ أُعْطِهِ وَ مَنِ الَّذِى أَقَامَ بِبَابِى فَلَمْ أُجِبْهُ وَ أَنْتَ الَّذِى قُلْتَ أَنَا الْجَوَادُ وَ مِنِّى الْجُودُ وَ أَنَا الْكَرِيمُ وَ مِنِّى الْكَرَمُ وَ مِنْ كَرَمِى فِى الْعَاصِينَ أَنْ أَكْلَأَهُمْ فِى مَضَاجِعِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَمْ يَعْصُونِى وَ أَتَوَلَّى حِفْظَهُمْ كَأَنَّهُمْ لَمْ يُذْنِبُونِى إِلَهِى مَنِ الَّذِى يَفْعَلُ الذُّنُوبَ وَ مَنِ الَّذِى يَغْفِرُ الذُّنُوبَ فَأَنَا فَعَّالُ الذُّنُوبِ وَ أَنْتَ غَفَّارُ الذُّنُوبِ إِلَهِى بِئْسَمَا فَعَلْتُ مِنْ كَثْرَةِ الذُّنُوبِ وَ الْعِصْيَانِ وَ نِعْمَ مَا فَعَلْتَ مِنَ الْكَرَمِ وَ الْإِحْسَانِ إِلَهِى أَنْتَ أَغْرَقْتَنِى بِالْجُودِ وَ الْكَرَمِ وَ الْعَطَايَا وَ أَنَا الَّذِى أَغْرَقْتُ نَفْسِى بِالذُّنُوبِ وَ الْجَهَالَهِ وَ الْخَطَايَا وَ أَنْتَ مَشْهُورٌ بِالْإِحْسَانِ وَ أَنَا مَشْهُورٌ بِالْعِصْيَانِ إِلَهِى ضَاقَ صَدْرِى وَ لَسْتُ أَدْرِى بِأَىِّ عِلَاجٍ أُدَاوِى ذَنْبِى فَكَمْ أَتُوبُ مِنْهَا وَ كَمْ أَعُودُ إِلَيْهَا وَ كَمْ أَنُوحُ عَلَيْهَا لَيْلِى وَ نَهَارِى فَحَتَّى مَتَى يَكُونُ وَ قَدْ أَفْنَيْتُ بِهَا عُمْرِى إِلَهِى طَالَ حُزْنِى وَ رَقَّ عَظْمِى وَ بَلِىَ جِسْمِى وَ بَقِيَتِ الذُّنُوبُ عَلَى ظَهْرِى فَإِلَيْكَ أَشْكُو سَيِّدِى فَقْرِى وَ فَاقَتِى وَ ضَعْفِى وَ قِلَّهَ حِيلَتِى إِلَهِى يَنَامُ كُلُّ ذِى عَيْنٍ وَ يَسْتَرِيحُ إِلَى وَطَنِهِ وَ أَنَا وَجِلُ الْقَلْبِ وَ عَيْنَاىَ تَنْتَظِرَانِ رَحْمَهَ رَبِّى فَأَدْعُوكَ يَا رَبِّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِى وَ اقْضِ حَاجَتِى وَ أَسْرِعْ بِإِجَابَتِى إِلَهِى أَنْتَظِرُ عَفْوَكَ كَمَا يَنْتَظِرُهُ الْمُذْنِبُونَ وَ لَسْتُ أَيْأَسُ مِنْ رَحْمَتِكَ الَّتِى يَتَوَقَّعُهَا الْمُحْسِنُونَ إِلَهِى أَ تُحْرِقُ بِالنَّارِ وَجْهِى وَ كَانَ لَكَ مُصَلِّياً إِلَهِى أَ تُحْرِقُ بِالنَّارِ عَيْنِى وَ كَانَتْ مِنْ خَوْفِكَ بَاكِيَهً إِلَهِى أَ تُحْرِقُ بِالنَّارِ لِسَانِى وَ كَانَ لِلْقُرْآنِ تَالِياً إِلَهِى أَ تُحْرِقُ بِالنَّارِ قَلْبِى وَ كَانَ لَكَ مُحِبّاً إِلَهِى أَ تُحْرِقُ بِالنَّارِ جِسْمِى وَ كَانَ لَكَ خَاشِعاً إِلَهِى أَ تُحْرِقُ بِالنَّارِ أَرْكَانِى وَ كَانَتْ لَكَ رُكَّعاً سُجَّداً.

إِلَهِى أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْتَ أَوْلَى بِهِ مِنَ الْمَأْمُورِينَ وَ أَمَرْتَ بِصِلَهِ السُّؤَالِ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمَسْئُولِينَ إِلَهِى إِنْ عَذَّبْتَنِى فَعَبْدٌ خَلَقْتَهُ لِمَا أَرَدْتَهُ فَعَذَّبْتَهُ وَ إِنْ أَنْجَيْتَنِى فَعَبْدٌ وَجَدْتَهُ مُسِيئاً فَأَنْجَيْتَهُ إِلَهِى لَا سَبِيلَ لِى إِلَى الِاحْتِرَاسِ مِنَ الذَّنْبِ إِلَّا بِعِصْمَتِكَ وَ لَا وُصُولَ لِى إِلَى عَمِلِ الْخَيْرِ إِلَّا بِمَشِيَّتِكَ فَكَيْفَ لِى بِالاحْتِرَاسِ مَا لَمْ تُدْرِكْنِى فِيهِ عِصْمَتُكَ إِلَهِى سَتَرْتَ عَلَيَّ فِى الدُّنْيَا ذُنُوباً وَ لَمْ تُظْهِرْهَا فَلَا تَفْضَحْنِى بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَهِ عَلَى رُءُوسِ الْعَالَمِينَ إِلَهِى جُودُكَ بَسَطَ أَمَلِى وَ شُكْرُكَ قَبْلَ عَمَلِى فَسُرَّنِى بِلِقَائِكَ عِنْدَ اقْتِرَابِ أَجَلِى إِلَهِى إِذَا شَهِدَ لِىَ الْإِيمَانُ بِتَوْحِيدِكَ وَ نَطَقَ لِسَانِى بِتَحْمِيدِكَ وَ دَلَّنِى الْقُرْآنُ عَلَى فَوَاضِلِ جُودِكَ فَكَيْفَ يَنْقَطِعُ رَجَائِى بِمَوْعُودِكَ إِلَهِى أَنَا الَّذِى قَتَلْتُ نَفْسِى بِسَيْفِ الْعِصْيَانِ حَتَّى اسْتَوْجَبْتُ مِنْكَ الْقَطِيعَهَ وَ الْحِرْمَانَ فَالْأَمَانَ الْأَمَانَ هَلْ بَقِىَ لِى عِنْدَكَ وَجْهُ الْإِحْسَانِ إِلَهِى عَصَاكَ آدَمُ فَغَفَرْتَهُ وَ عَصَاكَ خَلْقٌ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ فَيَا مَنْ عَفَا عَنِ الْوَالِدِ مَعْصِيَتَهُ اعْفُ عَنِ الْوُلْدِ الْعُصَاهِ لَكَ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ إِلَهِى خَلَقْتَ جَنَّتَكَ لِمَنْ أَطَاعَكَ وَ وَعَدْتَ فِيهَا مَا لَا يَخْطُرُ بِالْقُلُوبِ وَ نَظَرْتُ إِلَى عَمَلِى فَرَأَيْتُهُ ضَعِيفاً يَا مَوْلَاىَ وَ حَاسَبْتُ نَفْسِى فَلَمْ أَجِدْ أَنْ أَقُومَ بِشُكْرِ مَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ خَلَقْتَ نَاراً لِمَنْ عَصَاكَ وَ وَعَدْتَ فِيهَا أَنْكَالًا وَ جَحِيماً وَ عَذَاباً وَ قَدْ خِفْتُ يَا مَوْلَاىَ أَنْ أَكُونَ مُسْتَوْجِباً لَهَا لِكَبِيرِ جُرْأَتِى وَ عَظِيمِ جُرْمِى وَ قَدِيمِ إِسَاءَتِى فَلَا يَتَعَاظَمُكَ ذَنْبٌ تَغْفِرُهُ لِى وَ لَا لِمَنْ هُوَ أَعْظَمُ جُرْماً مِنِّى لِصِغَرِ خَطَرِى فِى مُلْكِكَ مَعَ يَقِينِى بِكَ وَ تَوَكُّلِى وَ رَجَائِى لَدَيْكَ إِلَهِى جَعَلْتَ لِى عَدُوّاً يَدْخُلُ قَلْبِى وَ يَحُلُّ مَحَلَّ الرَّأْىِ وَ الْفِكْرَهِ مِنِّى وَ أَيْنَ الْفِرَارُ إِذَا لَمْ يَكُنْ مِنْكَ عَوْنٌ عَلَيْهِ إِلَهِى إِنَّ الشَّيْطَانَ فَاجِرٌ خَبِيثٌ كَثِيرُ الْمَكْرِ شَدِيدُ الْخُصُومَهِ قَدِيمُ الْعَدَاوَهِ كَيْفَ يَنْجُو مَنْ يَكُونُ مَعَهُ فِى دَارٍ وَ هُوَ الْمُحْتَالُ إِلَّا أَنِّى أَجِدُ كَيْدَهُ ضَعِيفاً فَ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَحْفِظُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ.

وَ مِنْهَا الْمُنَاجَاهُ الْخَمْسَ عَشْرَهَ لِمَوْلَانَا عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَ قَدْ وَجَدْتُهَا مَرْوِيَّهً عَنْهُ علیه السلام فِی بَعْضِ كُتُبِ الْأَصْحَابِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ الْمُنَاجَاهُ الْأُولَى مُنَاجَاهُ التَّائِبِينَ لِيَوْمِ الْجُمُعَهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ إِلَهِی أَلْبَسَتْنِی الْخَطَايَا ثَوْبَ مَذَلَّتِی وَ جَلَّلَنِی التَّبَاعُدُ مِنْكَ لِبَاسَ مَسْكَنَتِی وَ أَمَاتَ قَلْبِی عَظِيمُ جِنَايَتِی (۱) فَأَحْيِهِ بِتَوْبَهٍ مِنْكَ يَا أَمَلِی وَ بُغْيَتِی وَ يَا سُؤْلِی وَ مُنْيَتِی فَوَ عِزَّتِكَ مَا أَجِدُ لِذُنُوبِی سِوَاكَ غَافِراً وَ لَا أَرَى لِكَسْرِی غَيْرَكَ جَابِراً وَ قَدْ خَضَعْتُ بِالْإِنَابَهِ إِلَيْكَ وَ عَنَوْتُ بِالاسْتِكَانَهِ لَدَيْكَ فَإِنْ طَرَدْتَنِی مِنْ بَابِكَ فَبِمَنْ أَلُوذُ وَ إِنْ رَدَدْتَنِی عَنْ جَنَابِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ فَوَا أَسَفَا مِنْ خَجْلَتِی وَ افْتِضَاحِی وَ وَا لَهْفَا مِنْ سُوءِ عَمَلِی وَ اجْتِرَاحِی أَسْأَلُكَ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ الْكَبِيرِ وَ يَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ أَنْ تَهَبَ لِی مُوبِقَاتِ الْجَرَائِرِ وَ تَسْتُرَ عَلَيَّ فَاضِحَاتِ السَّرَائِرِ وَ لَا تُخْلِنِی فِی مَشْهَدِ الْقِيَامَهِ مِنْ بَرْدِ عَفْوِكَ وَ غَفْرِكَ (۲)

وَ لَا تُعْرِنِی مِنْ جَمِيلِ صَفْحِكَ وَ سَتْرِكَ إِلَهِی ظَلِّلْ عَلَى ذُنُوبِی غَمَامَ رَحْمَتِكَ وَ أَرْسِلْ عَلَى عُيُوبِی سَحَابَ رَأْفَتِكَ إِلَهِی هَلْ يَرْجِعُ الْعَبْدُ الْآبِقُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ أَمْ هَلْ يُجِيرُهُ مِنْ سَخَطِهِ أَحَدٌ سِوَاهُ إِلَهِی إِنْ كَانَ النَّدَمُ عَلَى الذَّنْبِ تَوْبَهً فَإِنِّی وَ عِزَّتِكَ مِنَ النَّادِمِينَ وَ إِنْ كَانَ الِاسْتِغْفَارُ مِنَ الْخَطِيئَهِ حِطَّهً فَإِنِّی لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى إِلَهِی بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ تُبْ عَلَيَّ وَ بِحِلْمِكَ عَنِّی اعْفُ عَنِّی وَ بِعِلْمِكَ بِی ارْفُقْ بِی إِلَهِی أَنْتَ الَّذِی فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَاباً إِلَى عَفْوِكَ سَمَّيْتَهُ التَّوْبَهَ فَقُلْتَ تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَهً نَصُوحاً(۳) فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ الْبَابِ بَعْدَ فَتْحِهِ إِلَهِی إِنْ كَانَ قَبُحَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ إِلَهِی مَا أَنَا بِأَوَّلِ مَنْ عَصَاكَ فَتُبْتَ عَلَيْهِ وَ تَعَرَّضَ لِمَعْرُوفِكَ فَجُدْتَ عَلَيْهِ يَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ يَا عَظِيمَ الْبِرِّ يَا عَلِيماً بِمَا فِی السِّرِّ يَا جَمِيلَ السَّتْرِ اسْتَشْفَعْتُ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ إِلَيْكَ

۱- ۱. خيانتی خ ل.

۲- ۲. مغفرتک خ ل.

۳- ۳. التحریم: ۸.

وَ تَوَسَّلْتُ بِحَنَانِتِکَ وَ تَرَحُّمِتِکَ لَدَيْکَ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَ لَا تُخَيِّبْ فِيکَ رَجَائِي وَ تَقَبَّلْ تَوْبَتِي وَ كَفِّرْ خَطِيئَتِي بِمَنِّکَ وَ رَحْمَتِکَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

الْمُنَاجَاةُ الثَّانِيَةُ مُنَاجَاةُ الشَّاكِرِينَ لِيَوْمِ السَّبْتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ إِلَهِي إِلَيْکَ أَشْكُو نَفْساً بِالسُّوءِ أَمَّارَةً وَ إِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً وَ بِمَعَاصِيکَ مُولَعَةً وَ بِسَخَطِکَ مُتَعَرِّضَةً تَسْلُکُ بِي مَسَالِکَ الْمَهَالِکِ وَ تَجْعَلُنِي عِنْدَکَ أَهْوَنَ هَالِکٍ كَثِيرَةَ الْعِلَلِ طَوِيلَةَ الْأَمَلِ إِنْ مَسَّهَا الشَّرُّ تَجْزَعُ وَ إِنْ مَسَّهَا الْخَيْرُ تَمْنَعُ مَيَّالَةً إِلَى اللَّعِبِ وَ اللَّهْوِ مَمْلُوَّةً بِالْغَفْلَهِ وَ السَّهْوِ تُسْرِعُ بِي إِلَى الْحَوْبَهِ وَ تُسَوِّفُنِي بِالتَّوْبَهِ إِلَهِي أَشْكُو إِلَيْکَ عَدُوّاً يُضِلُّنِي وَ شَيْطَاناً يُغْوِينِي قَدْ مَلَأَ بِالْوَسْوَاسِ صَدْرِي وَ أَحَاطَتْ هَوَاجِسُهُ بِقَلْبِي يُعَاضِدُ لِيَ الْهَوَى وَ يُزَيِّنُ لِي حُبَّ الدُّنْيَا وَ يَحُولُ بَيْنِي وَ بَيْنَ الطَّاعَهِ وَ الزُّلْفَى إِلَهِي إِلَيْکَ أَشْكُو قَلْباً قَاسِياً مَعَ الْوَسْوَاسِ مُتَقَلِّباً وَ بِالرَّيْنِ وَ الطَّبْعِ مُتَلَبِّساً وَ عَيْناً عَنِ الْبُكَاءِ مِنْ خَوْفِکَ جَامِدَةً وَ إِلَى مَا يَسُرُّهَا طَامِحَةً إِلَهِي لَا حَوْلَ لِي وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِقُدْرَتِکَ وَ لَا نَجَاةَ لِي مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا إِلَّا بِعِصْمَتِکَ فَأَسْأَلُکَ بِبَلَاغَهِ حِكْمَتِکَ وَ نَفَاذِ مَشِيَّتِکَ أَنْ لَا تَجْعَلَنِي لِغَيْرِ جُودِکَ مُتَعَرِّضاً وَ لَا تُصَيِّرَنِي لِلْفِتَنِ غَرَضاً وَ كُنْ لِي عَلَى الْأَعْدَاءِ نَاصِراً وَ عَلَى الْمَخَازِي وَ الْعُيُوبِ سَاتِراً وَ مِنَ الْبَلَايَا وَاقِياً وَ عَنِ الْمَعَاصِي عَاصِماً بِرَأْفَتِکَ وَ رَحْمَتِکَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

الْمُنَاجَاةُ الثَّالِثَهُ مُنَاجَاةُ الْخَائِفِينَ لِيَوْمِ الْأَحَدِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ إِلَهِي أَ تُرَاکَ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِکَ تُعَذِّبُنِي أَمْ بَعْدَ حُبِّي إِيَّاکَ تُبَعِّدُنِي أَمْ مَعَ رَجَائِي لِرَحْمَتِکَ وَ صَفْحِکَ تَحْرِمُنِي أَمْ مَعَ اسْتِجَارَتِي بِعَفْوِکَ تُسْلِمُنِي حَاشَا لِوَجْهِکَ الْكَرِيمِ أَنْ تُخَيِّبَنِي لَيْتَ شِعْرِي أَ لِلشَّقَاءِ وَلَدَتْنِي أُمِّي أَمْ لِلْعَنَاءِ رَبَّتْنِي فَلَيْتَهَا لَمْ تَلِدْنِي وَ لَمْ تُرَبِّنِي وَ لَيْتَنِي عَلِمْتُ أَ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَهِ جَعَلْتَنِي وَ بِقُرْبِکَ وَ جِوَارِکَ خَصَصْتَنِي فَتَقِرَّ بِذَلِکَ عَيْنِي وَ تَطْمَئِنَّ لَهُ نَفْسِي إِلَهِي هَلْ تُسَوِّدُ وُجُوهاً خَرَّتْ سَاجِدَةً لِعَظَمَتِکَ أَوْ تُخْرِسُ أَلْسِنَةً نَطَقَتْ بِالثَّنَاءِ عَلَى مَجْدِکَ وَ جَلَالَتِکَ أَوْ تَطْبَعُ عَلَى قُلُوبٍ انْطَوَتْ عَلَى مَحَبَّتِکَ أَوْ تُصِمُ

أَسْمَاعاً تَلَذَّذَتْ بِسَمَاعِ ذِكْرِكَ فِي إِرَادَتِكَ أَوْ تَغُلَّ أَكُفّاً رَفَعَتْهَا الْآمَالُ إِلَيْكَ رَجَاءَ رَأْفَتِكَ أَوْ تُعَاقِبُ أَبْدَاناً عَمِلَتْ بِطَاعَتِكَ حَتَّى نَحِلَتْ فِي مُجَاهَدَتِكَ أَوْ تُعَذِّبُ أَرْجُلًا سَعَتْ فِي عِبَادَتِكَ إِلَهِي لَا تُغْلِقْ عَلَى مُوَحِّدِيكَ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ لَا تَحْجُبْ مُشْتَاقِيكَ عَنِ النَّظَرِ إِلَى جَمِيلِ رُؤْيَتِكَ إِلَهِي نَفْسٌ أَعْزَزْتَهَا بِتَوْحِيدِكَ كَيْفَ تُذِلُّهَا بِمَهَانَةِ هِجْرَانِكَ وَ ضَمِيرٌ انْعَقَدَ عَلَى مَوَدَّتِكَ كَيْفَ تُحْرِقُهُ بِحَرَارَةِ نِيرَانِكَ (۱)

إِلَهِي أَجِرْنِي مِنْ أَلِيمِ غَضَبِكَ وَ عَظِيمِ سَخَطِكَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَانُ يَا جَبَّارُ يَا قَهَّارُ يَا غَفَّارُ يَا سَتَّارُ نَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَ فَضِيحَةِ الْعَارِ إِذَا امْتَازَ الْأَخْيَارُ مِنَ الْأَشْرَارِ وَ حالت [هَالَتِ] الْأَهْوَالُ وَ قَرُبَ الْمُحْسِنُونَ وَ بَعُدَ الْمُسِيئُونَ وَ وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ ما كَسَبَتْ (۲) وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ الْمُنَاجَاةُ الرَّابِعَةُ مُنَاجَاةُ الرَّاجِينَ لِيَوْمِ الْإِثْنَيْنِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ يَا مَنْ إِذَا سَأَلَهُ عَبْدٌ أَعْطَاهُ وَ إِذَا أَمَّلَ مَا عِنْدَهُ بَلَّغَهُ مُنَاهُ وَ إِذَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ قَرَّبَهُ وَ أَدْنَاهُ وَ إِذَا جَاهَرَهُ بِالْعِصْيَانِ سَتَرَ عَلَيْهِ وَ غَطَّاهُ (۳) وَ إِذَا تَوَكَّلَ عَلَيْهِ أَحْسَبَهُ وَ كَفَاهُ إِلَهِي مَنِ الَّذِي نَزَلَ بِكَ مُلْتَمِساً قِرَاكَ فَمَا قَرَيْتَهُ وَ مَنِ الَّذِي أَنَاخَ بِبَابِكَ مُرْتَجِياً نَدَاكَ فَمَا أَوْلَيْتَهُ أَ يَحْسُنُ أَنْ أَرْجِعَ عَنْ بَابِكَ بِالْخَيْبَةِ مَصْرُوفاً وَ لَسْتُ أَعْرِفُ سِوَاكَ مَوْلًى بِالْإِحْسَانِ مَوْصُوفاً كَيْفَ أَرْجُو غَيْرَكَ وَ الْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدِكَ وَ كَيْفَ أُؤَمِّلُ سِوَاكَ وَ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ لَكَ أَ أَقْطَعُ رَجَائِي مِنْكَ وَ قَدْ أَوْلَيْتَنِي مَا لَمْ أَسْأَلْهُ مِنْ فَضْلِكَ أَمْ تُفْقِرُنِي إِلَى مِثْلِي وَ أَنَا أَعْتَصِمُ بِحَبْلِكَ يَا مَنْ سَعِدَ بِرَحْمَتِهِ الْقَاصِدُونَ وَ لَمْ يَشْقَ بِنَقِمَتِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ كَيْفَ أَنْسَاكَ وَ لَمْ تَزَلْ ذَاكِرِي وَ كَيْفَ أَلْهُو عَنْكَ وَ أَنْتَ مُرَاقِبِي إِلَهِي بِذَيْلِ كَرَمِكَ أَعْلَقْتُ يَدِي وَ لِنَيْلِ عَطَايَاكَ بَسَطْتُ أَمَلِي فَأَخْلِصْنِي بِخَالِصَةِ تَوْحِيدِكَ وَ اجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَةِ عَبِيدِكَ يَا مَنْ كُلُّ هَارِبٍ إِلَيْهِ يَلْتَجِئُ

۱- ۱. نارك خ ل.

۲- ۲. عملت خ ل.

۳- ۳. على ذنبه و غطاه خ ل.

وَ كُلَّ طَالِبٍ إِيَّاهُ يَرْتَجِی يَا خَيْرَ مَرْجُوٍّ وَ يَا أَكْرَمَ مَدْعُوٍّ وَ يَا مَنْ لَا يُرَدُّ سَائِلُهُ وَ لَا يُخَيَّبُ آمِلُهُ يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِدَاعِيهِ وَ حِجَابُهُ مَرْفُوعٌ لِرَاجِيهِ أَسْأَلُکَ بِکَرَمِکَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ مِنْ عَطَائِکَ بِمَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنِی وَ مِنْ رَجَائِکَ بِمَا تَطْمَئِنُّ بِهِ نَفْسِی وَ مِنَ الْيَقِينِ بِمَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيَّ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا وَ تَجْلُو بِهِ عَنْ بَصِيرَتِی غَشَوَاتِ الْعَمَى بِرَحْمَتِکَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

الْمُنَاجَاةُ الْخَامِسَةُ مُنَاجَاةُ الرَّاغِبِينَ لِيَوْمِ الثَّلَاثَاءِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيم إِلَهِی إِنْ كَانَ قَلَّ زَادِی فِی الْمَسِيرِ إِلَيْکَ فَلَقَدْ حَسُنَ ظَنِّی بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْکَ وَ إِنْ كَانَ جُرْمِی قَدْ أَخَافَنِی مِنْ عُقُوبَتِکَ فَإِنَّ رَجَائِی قَدْ أَشْعَرَنِی بِالْأَمْنِ مِنْ نَقِمَتِکَ وَ إِنْ كَانَ ذَنْبِی قَدْ عَرَّضَنِی لِعِقَابِکَ فَقَدْ آذَنَنِی حُسْنُ ثِقَتِی (۱) بِثَوَابِکَ وَ إِنْ أَنَامَتْنِی الْغَفْلَةُ عَنِ الِاسْتِعْدَادِ لِلِقَائِکَ فَقَدْ نَبَّهَتْنِی الْمَعْرِفَهُ(۲) بِکَرَمِکَ وَ آلَائِکَ وَ إِنْ أَوْحَشَ مَا بَيْنِی وَ بَيْنَکَ فَرْطُ الْعِصْيَانِ وَ الطُّغْيَانِ فَقَدْ آنَسَنِی بُشْرَى الْغُفْرَانِ وَ الرِّضْوَانِ أَسْأَلُکَ بِسُبُحَاتِ وَجْهِکَ وَ بِأَنْوَارِ قُدْسِکَ وَ أَبْتَهِلُ إِلَيْکَ بِعَوَاطِفِ رَحْمَتِکَ وَ لَطَائِفِ بِرِّکَ أَنْ تُحَقِّقَ ظَنِّی بِمَا أُؤَمِّلُهُ مِنْ جَزِيلِ إِكْرَامِکَ وَ جَمِيلِ إِنْعَامِکَ فِی الْقُرْبَى مِنْکَ وَ الزُّلْفَى لَدَيْکَ وَ التَّمَتُّعِ بِالنَّظَرِ إِلَيْکَ وَ هَا أَنَا مُتَعَرِّضٌ لِنَفَحَاتِ رَوْحِکَ وَ عَطْفِکَ وَ مُنْتَجِعٌ غَيْثَ جُودِکَ وَ لُطْفِکَ فَارٌّ مِنْ سَخَطِکَ إِلَى رِضَاکَ هَارِبٌ مِنْکَ إِلَيْکَ رَاجٍ أَحْسَنَ مَا لَدَيْکَ مُعَوِّلٌ عَلَى مَوَاهِبِکَ مُفْتَقِرٌ إِلَى رِعَايَتِکَ (۳) إِلَهِی مَا بَدَأْتَ بِهِ مِنْ فَضْلِکَ فَتَمِّمْهُ وَ مَا وَهَبْتَ لِی مِنْ كَرَمِکَ فَلَا تَسْلُبْهُ وَ مَا سَتَرْتَهُ عَلَيَّ بِحِلْمِکَ فَلَا تَهْتِكْهُ وَ مَا عَلِمْتَهُ مِنْ قَبِيحِ (۴) فِعْلِی فَاغْفِرْهُ إِلَهِی اسْتَشْفَعْتُ بِکَ إِلَيْکَ وَ اسْتَجَرْتُ بِکَ مِنْکَ أَتَيْتُکَ طَامِعاً فِی إِحْسَانِکَ رَاغِباً فِی امْتِنَانِکَ مُسْتَسْقِياً وبل (۵)

[وَابِلَ] طَوْلِکَ مُسْتَمْطِراً غَمَامَ فَضْلِکَ طَالِباً مَرْضَاتَکَ قَاصِداً جَنَابَکَ

۱- ۱. يقينی خ ل.

۲- ۲. المغفره خ ل.

۳- ۳. رغائبک خ ل.

۴- ۴. قبح خ ل.

۵- ۵. وابل خ ل.

وَارِداً شَرِيعَهَ رِفْدِکَ مُلْتَمِساً سَنِیَّ الْخَیْرَاتِ مِنْ عِنْدِکَ وَافِداً إِلَی حَضْرَهِ جَمَالِکَ مُرِیداً وَجْهَکَ طَارِقاً بَابَکَ مُسْتَکِیناً لِعَظَمَتِکَ وَ جَلَالِکَ فَافْعَلْ بِی مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْمَغْفِرَهِ وَ الرَّحْمَهِ وَ لَا تَفْعَلْ بِی مَا أَنَا أَهْلُهُ مِنَ الْعَذَابِ وَ النَّقِمَهِ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ الْمُنَاجَاهُ السَّادِسَهُ مُنَاجَاهُ الشَّاکِرِینَ لِیَوْمِ الْأَرْبِعَاءِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ إِلَهِی أَذْهَلَنِی عَنْ إِقَامَهِ شُکْرِکَ تَتَابُعُ طَوْلِکَ وَ أَعْجَزَنِی عَنْ إِحْصَاءِ ثَنَائِکَ فَیْضُ فَضْلِکَ وَ شَغَلَنِی عَنْ ذِکْرِ مَحَامِدِکَ تَرَادُفُ عَوَائِدِکَ وَ أَعْیَانِی عَنْ نَشْرِ(۱)

عَوَارِفِکَ تَوَالِی أَیَادِیکَ وَ هَذَا مَقَامُ مَنِ اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النَّعْمَاءِ وَ قَابَلَهَا بِالتَّقْصِیرِ وَ شَهِدَ عَلَی نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَ التَّضْیِیعِ وَ أَنْتَ الرَّءُوفُ الرَّحِیمُ الْبَرُّ الْکَرِیمُ الَّذِی لَا یُخَیِّبُ قَاصِدِیهِ وَ لَا یَطْرُدُ عَنْ فِنَائِهِ آمِلِیهِ بِسَاحَتِکَ تَحُطُّ رِحَالُ الرَّاجِینَ وَ بِعَرْصَتِکَ تَقِفُ آمَالُ الْمُسْتَرْفِدِینَ فَلَا تُقَابِلْ آمَالَنَا بِالتَّخْیِیبِ وَ الْإِیَاسِ وَ لَا تُلْبِسْنَا سِرْبَالَ الْقُنُوطِ وَ الْإِبْلَاسِ إِلَهِی تَصَاغَرَ عِنْدَ تَعَاظُمِ آلَائِکَ شُکْرِی وَ تَضَاءَلَ فِی جَنْبِ إِکْرَامِکَ إِیَّایَ ثَنَائِی وَ نَشْرِی جَلَّلَتْنِی نِعَمُکَ مِنْ أَنْوَارِ الْإِیمَانِ حُلَلًا وَ ضَرَبَتْ عَلَیَّ لَطَائِفُ بِرِّکَ مِنَ الْعِزِّ کِلَلًا وَ قَلَّدَتْنِی مِنَنُکَ قَلَائِدَ لَا تُحَلُّ وَ طَوَّقَتْنِی أَطْوَاقاً لَا تُفَلُّ فَآلَاؤُکَ جَمَّهٌ ضَعُفَ لِسَانِی عَنْ إِحْصَائِهَا وَ نَعْمَاؤُکَ کَثِیرَهٌ قَصُرَ فَهْمِی عَنْ إِدْرَاکِهَا فَضْلًا عَنِ اسْتِقْصَائِهَا فَکَیْفَ لِی بِتَحْصِیلِ الشُّکْرِ وَ شُکْرِی إِیَّاکَ یَفْتَقِرُ إِلَی شُکْرٍ فَکُلَّمَا قُلْتُ لَکَ الْحَمْدُ وَجَبَ عَلَیَّ لِذَلِکَ أَنْ أَقُولَ لَکَ الْحَمْدُ إِلَهِی فَکَمَا غَذَّیْتَنَا بِلُطْفِکَ وَ رَبَّیْتَنَا بِصُنْعِکَ فَتَمِّمْ عَلَیْنَا سَوَابِغَ النِّعَمِ وَ ادْفَعْ عَنَّا مَکَارِهَ النِّقَمِ وَ آتِنَا مِنْ حُظُوظِ الدَّارَیْنِ أَرْفَعَهَا وَ أَجَلَّهَا عَاجِلًا وَ آجِلًا وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی حُسْنِ بَلَائِکَ وَ سُبُوغِ نَعْمَائِکَ حَمْداً یُوَافِقُ رِضَاکَ وَ یَمْتَرِی الْعَظِیمَ مِنْ بِرِّکَ وَ نَدَاکَ یَا عَظِیمُ یَا کَرِیمُ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ.

۱- ۱. شکر خ ل.

الْمُنَاجَاهُ السَّابِعَهُ مُنَاجَاهُ الْمُطِيعِينَ لِلَّهِ لِيَوْمِ الْخَمِيسِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ إِلَهِی (۱) أَلْهِمْنَا طَاعَتَکَ وَ جَنِّبْنَا مَعَاصِيَکَ (۲) وَ يَسِّرْ لَنَا بُلُوغَ مَا نَتَمَنَّی مِنِ ابْتِغَاءِ رِضْوَانِکَ وَ أَحْلِلْنَا بُحْبُوحَهَ جِنَانِکَ وَ اقْشَعْ عَنْ بَصَائِرِنَا سَحَابَ الارْتِيَابِ وَ اکْشِفْ عَنْ قُلُوبِنَا أَغْشِيَهَ الْمِرْيَهِ وَ الْحِجَابِ وَ أَزْهِقِ الْبَاطِلَ عَنْ ضَمَائِرِنَا وَ أَثْبِتِ الْحَقَّ فِی سَرَائِرِنَا فَإِنَّ الشُّکُوکَ وَ الظُّنُونَ لَوَاقِحُ الْفِتَنِ وَ مُکَدِّرَهٌ لِصَفْوِ الْمَنَائِحِ وَ الْمِنَنِ اللَّهُمَّ احْمِلْنَا فِی سُفُنِ نَجَاتِکَ وَ مَتِّعْنَا بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِکَ وَ أَوْرِدْنَا حِيَاضَ حُبِّکَ وَ أَذِقْنَا حَلَاوَهَ وُدِّکَ وَ قُرْبِکَ وَ اجْعَلْ جِهَادَنَا فِيکَ وَ هَمَّنَا فِی طَاعَتِکَ وَ أَخْلِصْ نِيَّاتِنَا فِی مُعَامَلَتِکَ فَإِنَّا بِکَ وَ لَکَ وَ لَا وَسِيلَهَ لَنَا إِلَيْکَ إِلَّا بِکَ (۳)

إِلَهِی اجْعَلْنِی (۴) مِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ وَ أَلْحِقْنِی (۵) بِالصَّالِحِينَ الْأَبْرَارِ السَّابِقِينَ إِلَی الْمَکْرُمَاتِ الْمُسَارِعِينَ إِلَی الْخَيْرَاتِ الْعَامِلِينَ لِلْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ السَّاعِينَ إِلَی رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ وَ بِالْإِجَابَهِ جَدِيرٌ بِرَحْمَتِکَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

الْمُنَاجَاهُ الثَّامِنَهُ مُنَاجَاهُ الْمُرِيدِينَ لِيَوْمِ الْجُمُعَهِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَکَ مَا أَضْيَقَ الطُّرُقَ عَلَی مَنْ لَمْ تَکُنْ دَلِيلَهُ وَ مَا أَوْضَحَ الْحَقَّ عِنْدَ مَنْ هَدَيْتَهُ سَبِيلَهُ إِلَهِی فَاسْلُکْ بِنَا سُبُلَ الْوُصُولِ إِلَيْکَ وَ سَيِّرْنَا فِی أَقْرَبِ الطُّرُقِ لِلْوُفُودِ عَلَيْکَ قَرِّبْ عَلَيْنَا الْبَعِيدَ وَ سَهِّلْ عَلَيْنَا الْعَسِيرَ الشَّدِيدَ وَ أَلْحِقْنَا بِالْعِبَادِ(۶) الَّذِينَ هُمْ بِالْبِدَارِ إِلَيْکَ يُسَارِعُونَ وَ بَابَکَ عَلَی الدَّوَامِ يَطْرُقُونَ وَ إِيَّاکَ فِی اللَّيْلِ يَعْبُدُونَ وَ هُمْ مِنْ هَيْبَتِکَ مُشْفِقُونَ الَّذِينَ صَفَّيْتَ لَهُمُ الْمَشَارِبَ وَ بَلَّغْتَهُمُ الرَّغَائِبَ وَ أَنْجَحْتَ لَهُمُ الْمَطَالِبَ وَ قَضَيْتَ لَهُمْ مِنْ وَصْلِکَ الْمَآرِبَ وَ مَلَأْتَ لَهُمْ ضَمَائِرَهُمْ مِنْ حُبِّکَ وَ رَوَّيْتَهُمْ مِنْ صَافِی شِرْبِکَ فَبِکَ إِلَی لَذِيذِ مُنَاجَاتِکَ وَصَلُوا وَ مِنْکَ أَقْصَی مَقَاصِدِهِمْ حَصَّلُوا فَيَا مَنْ هُوَ عَلَی الْمُقْبِلِينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ وَ بِالْعَطْفِ عَلَيْهِمْ عَائِدٌ مُفْضِلٌ وَ بِالْغَافِلِينَ

۱- ۱. اللّهمّ خ ل.

۲- ۲. معصيتک خ ل.

۳- ۳. أنت خ ل.

۴- ۴. اجعلنا خ ل.

۵- ۵. و ألحقنا خ ل.

۶- ۶. بعبادک خ ل.

عَنْ ذِكْرِهِ رَحِيمٌ رَءُوفٌ وَ بِجَذْبِهِمْ إِلَى بَابِهِ وَدُودٌ عَطُوفٌ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ أَوْفَرِهِمْ مِنْكَ حَظّاً وَ أَعْلَاهُمْ عِنْدَكَ مَنْزِلًا وَ أَجْزَلِهِمْ مِنْ وُدِّكَ قِسْماً وَ أَفْضَلِهِمْ فِي مَعْرِفَتِكَ نَصِيباً فَقَدِ انْقَطَعَتْ إِلَيْكَ هِمَّتِي وَ انْصَرَفَتْ نَحْوَكَ رَغْبَتِي فَأَنْتَ لَا غَيْرُكَ مُرَادِي وَ لَكَ لَا لِسِوَاكَ سَهَرِي وَ سُهَادِي وَ لِقَاؤُكَ قُرَّةُ عَيْنِي وَ وَصْلُكَ مُنَى نَفْسِي وَ إِلَيْكَ شَوْقِي وَ فِي مَحَبَّتِكَ وَلَهِي وَ إِلَى هَوَاكَ صَبَابَتِي وَ رِضَاكَ بُغْيَتِي وَ رُؤْيَتُكَ حَاجَتِي وَ جِوَارُكَ طَلِبَتِي وَ قُرْبُكَ غَايَةُ سُؤْلِي وَ فِي مُنَاجَاتِكَ أُنْسِي وَ رَاحَتِي [(۱)](#) وَ عِنْدَكَ دَوَاءُ عِلَّتِي وَ شِفَاءُ غُلَّتِي وَ بَرْدُ لَوْعَتِي وَ كَشْفُ كُرْبَتِي فَكُنْ أَنِيسِي فِي وَحْشَتِي وَ مُقِيلَ عَثْرَتِي وَ غَافِرَ زَلَّتِي وَ قَابِلَ تَوْبَتِي وَ مُجِيبَ دَعْوَتِي وَ وَلِيَّ عِصْمَتِي وَ مُغْنِيَ فَاقَتِي وَ لَا تَقْطَعْنِي عَنْكَ وَ لَا تُبْعِدْنِي مِنْكَ يَا نَعِيمِي وَ جَنَّتِي وَ يَا دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي.

الْمُنَاجَاةُ التَّاسِعَةُ مُنَاجَاةُ الْمُحِبِّينَ لِيَوْمِ السَّبْتِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِلَهِي مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا وَ مَنْ ذَا الَّذِي [(۲)](#) آنس [أَنِسَ] بِقُرْبِكَ فَابْتَغَى عَنْكَ حِوَلًا إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِمَّنِ اصْطَفَيْتَهُ لِقُرْبِكَ وَ وَلَايَتِكَ وَ أَخْلَصْتَهُ لِوُدِّكَ وَ مَحَبَّتِكَ وَ شَوَّقْتَهُ إِلَى لِقَائِكَ وَ رَضَّيْتَهُ بِقَضَائِكَ وَ مَنَحْتَهُ بِالنَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ وَ حَبَوْتَهُ بِرِضَاكَ وَ أَعَذْتَهُ مِنْ هَجْرِكَ وَ قِلَاكَ وَ بَوَّأْتَهُ مَقْعَدَ الصِّدْقِ فِي جِوَارِكَ وَ خَصَصْتَهُ بِمَعْرِفَتِكَ وَ أَهَّلْتَهُ لِعِبَادَتِكَ وَ هَيَّمْتَهُ [(۳)](#) لِإِرَادَتِكَ وَ اجْتَبَيْتَهُ لِمُشَاهَدَتِكَ وَ أَخْلَيْتَ وَجْهَهُ لَكَ وَ فَرَّغْتَ فُؤَادَهُ لِحُبِّكَ وَ رَغَّبْتَهُ فِيمَا عِنْدَكَ وَ أَلْهَمْتَهُ ذِكْرَكَ وَ أَوْزَعْتَهُ شُكْرَكَ وَ شَغَلْتَهُ بِطَاعَتِكَ وَ صَيَّرْتَهُ مِنْ صَالِحِي بَرِيَّتِكَ وَ اخْتَرْتَهُ لِمُنَاجَاتِكَ وَ قَطَعْتَ عَنْهُ كُلَّ شَيْءٍ يَقْطَعُهُ عَنْكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ دَأْبُهُمُ الِارْتِيَاحُ إِلَيْكَ وَ الْحَنِينُ وَ دَهْرُهُمُ [(۴)](#) الزَّفْرَةُ وَ الْأَنِينُ جِبَاهُهُمْ سَاجِدَةٌ لِعَظَمَتِكَ وَ عُيُونُهُمْ سَاهِرَةٌ فِي خِدْمَتِكَ وَ دُمُوعُهُمْ سَائِلَةٌ مِنْ خَشْيَتِكَ وَ قُلُوبُهُمْ مُتَعَلِّقَةٌ[(۵)](#) بِمَحَبَّتِكَ وَ أَفْئِدَتُهُمْ مُنْخَلِعَةٌ مِنْ مَهَابَتِكَ يَا مَنْ أَنْوَارُ

۱- ۱. روحى خ ل.

۲- ۲. من الذى خ ل.

۳- ۳. هيمت قلبه خ ل.

۴- ۴. و ديدنهم خ ل.

۵- ۵. معلقه خ ل.

قُدْسِهِ لِأَبْصَارِ مُحِبِّيهِ رَائِقَهٌ وَ سُبُحَاتُ وَجْهِهِ لِقُلُوبِ عَارِفِيهِ شَائِقَهٌ يَا مُنَى قُلُوبِ الْمُشْتَاقِينَ وَ يَا غَايَهَ آمَالِ الْمُحِبِّينَ أَسْأَلُکَ حُبَّکَ وَ حُبَّ مَنْ يُحِبُّکَ وَ حُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصِلُنِي إِلَى قُرْبِکَ وَ أَنْ تَجْعَلَکَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا سِوَاکَ وَ أَنْ تَجْعَلَ حُبِّي إِيَّاکَ قَائِداً إِلَى رِضْوَانِکَ وَ شَوْقِي إِلَيْکَ ذَائِداً عَنْ عِصْيَانِکَ وَ امْنُنْ بِالنَّظَرِ إِلَيْکَ عَلَيَّ وَ انْظُرْ بِعَيْنِ الْوُدِّ وَ الْعَطْفِ إِلَيَّ وَ لَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَکَ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْإِسْعَادِ وَ الْحُظْوَهِ عِنْدَکَ يَا مُجِيبُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

الْمُنَاجَاهُ الْعَاشِرَهُ مُنَاجَاهُ الْمُتَوَسِّلِينَ لِيَوْمِ الْأَحَدِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِلَهِي لَيْسَ لِي وَسِيلَهٌ إِلَيْکَ إِلَّا عَوَاطِفُ رَأْفَتِکَ وَ لَا لِي ذَرِيعَهٌ إِلَيْکَ إِلَّا عَوَاطِفُ رَحْمَتِکَ وَ شَفَاعَهُ نَبِيِّکَ نَبِيِّ الرَّحْمَهِ وَ مُنْقِذِ الْأُمَّهِ مِنَ الْغُمَّهِ فَاجْعَلْهُمَا لِي سَبَباً إِلَى نَيْلِ غُفْرَانِکَ وَ صَيِّرْهُمَا لِي وُصْلَهً إِلَى الْفَوْزِ بِرِضْوَانِکَ وَ قَدْ حَلَّ رَجَائِي بِحَرَمِ كَرَمِکَ وَ حَطَّ طَمَعِي بِفِنَاءِ جُودِکَ فَحَقِّقْ فِيکَ أَمَلِي وَ اخْتِمْ بِالْخَيْرِ عَمَلِي وَ اجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَتِکَ الَّذِينَ أَحْلَلْتَهُمْ بُحْبُوحَهَ جَنَّتِکَ وَ بَوَّأْتَهُمْ دَارَ كَرَامَتِکَ وَ أَقْرَرْتَ أَعْيُنَهُمْ بِالنَّظَرِ إِلَيْکَ يَوْمَ لِقَائِکَ وَ أَوْرَثْتَهُمْ مَنَازِلَ الصِّدْقِ فِي جِوَارِکَ يَا مَنْ لَا يَفِدُ الْوَافِدُونَ عَلَى أَكْرَمَ مِنْهُ وَ لَا يَجِدُ الْقَاصِدُونَ أَرْحَمَ مِنْهُ يَا خَيْرَ مَنْ خَلَا بِهِ وَحِيدٌ وَ يَا أَعْطَفَ مَنْ أَوَى إِلَيْهِ طَرِيدٌ إِلَى سَعَهِ عَفْوِکَ مَدَدْتُ يَدِي وَ بِذَيْلِ كَرَمِکَ أَعْلَقْتُ كَفِّي فَلَا تُولِنِي الْحِرْمَانَ وَ لَا تَبْتَلِنِي (۱) بِالْخَيْبَهِ وَ الْخُسْرَانِ يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ.

الْمُنَاجَاهُ الْحَادِيَهَ عَشَرَ مُنَاجَاهُ الْمُفْتَقِرِينَ لِيَوْمِ الْإِثْنَيْنِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِلَهِي كَسْرِي لَا يَجْبُرُهُ إِلَّا لُطْفُکَ وَ حَنَانُکَ وَ فَقْرِي لَا يُغْنِيهِ إِلَّا عَطْفُکَ وَ إِحْسَانُکَ وَ رَوْعَتِي لَا يُسَكِّنُهَا إِلَّا أَمَانُکَ وَ ذِلَّتِي لَا يُعِزُّهَا إِلَّا سُلْطَانُکَ وَ أُمْنِيَّتِي لَا يُبَلِّغُنِيهَا إِلَّا فَضْلُکَ وَ خَلَّتِي لَا يَسُدُّهَا إِلَّا طَوْلُکَ وَ حَاجَتِي لَا يَقْضِيهَا غَيْرُکَ وَ كَرْبِي لَا يُفَرِّجُهَا سِوَى رَحْمَتِکَ وَ ضُرِّي لَا يَكْشِفُهُ غَيْرُ رَأْفَتِکَ

۱- ۱. لا تبلنی خ ل.

وَ غُلَّتِی لَا یُبَرِّدُهَا إِلَّا وَصْلُکَ وَ لَوْعَتِی لَا یُطْفِئُهَا إِلَّا لِقَاؤُکَ وَ شَوْقِی إِلَیْکَ لَا یَبُلُّهُ إِلَّا النَّظَرُ إِلَی وَجْهِکَ وَ قَرَارِی لَا یَقِرُّ دُونَ دُنُوِّی مِنْکَ وَ لَهْفَتِی لَا یَرُدُّهَا إِلَّا رَوْحُکَ وَ سُقْمِی لَا یَشْفِیهِ إِلَّا طِبُّکَ وَ غَمِّی لَا یُزِیلُهُ إِلَّا قُرْبُکَ وَ جُرْحِی لَا یُبْرِئُهُ إِلَّا صَفْحُکَ وَ رَیْنُ قَلْبِی لَا یَجْلُوهُ إِلَّا عَفْوُکَ وَ وَسْوَاسُ صَدْرِی لَا یُزِیحُهُ إِلَّا أَمْرُکَ فَیَا مُنْتَهَی أَمَلِ الْآمِلِینَ وَ یَا غَایَهَ سُؤْلِ السَّائِلِینَ وَ یَا أَقْصَی طَلِبَهِ الطَّالِبِینَ وَ یَا أَعْلَی رَغْبَهِ الرَّاغِبِینَ وَ یَا وَلِیَّ الصَّالِحِینَ وَ یَا أَمَانَ الْخَائِفِینَ وَ یَا مُجِیبَ الْمُضْطَرِّینَ وَ یَا ذُخْرَ الْمُعْدِمِینَ وَ یَا کَنْزَ الْبَائِسِینَ وَ یَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیثِینَ وَ یَا قَاضِیَ حَوَائِجِ الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاکِینِ وَ یَا أَکْرَمَ الْأَکْرَمِینَ وَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ لَکَ تَخَضُّعِی وَ سُؤَالِی وَ إِلَیْکَ تَضَرُّعِی وَ ابْتِهَالِی أَسْأَلُکَ أَنْ تُنِیلَنِی مِنْ رَوْحِ رِضْوَانِکَ وَ تُدِیمَ عَلَیَّ نِعَمَ امْتِنَانِکَ وَ هَا أَنَا بِبَابِ کَرَمِکَ وَاقِفٌ وَ لِنَفَحَاتِ بِرِّکَ مُتَعَرِّضٌ وَ بِحَبْلِکَ الشَّدِیدِ مُعْتَصِمٌ وَ بِعُرْوَتِکَ الْوُثْقَی مُتَمَسِّکٌ إِلَهِی ارْحَمْ عَبْدَکَ الذَّلِیلَ ذَا اللِّسَانِ الْکَلِیلِ وَ الْعَمَلِ الْقَلِیلِ وَ امْنُنْ عَلَیْهِ بِطَوْلِکَ الْجَزِیلِ وَ اکْنُفْهُ تَحْتَ ظِلِّکَ الظَّلِیلِ یَا کَرِیمُ یَا جَمِیلُ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ.

الْمُنَاجَاهُ الثَّانِیَهَ عَشَرَ مُنَاجَاهُ الْعَارِفِینَ لِیَوْمِ الثُّلَاثَاءِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ إِلَهِی قَصُرَتِ الْأَلْسُنُ عَنْ بُلُوغِ ثَنَائِکَ کَمَا یَلِیقُ بِجَلَالِکَ وَ عَجَزَتِ الْعُقُولُ عَنْ إِدْرَاکِ کُنْهِ جَمَالِکَ وَ انْحَسَرَتِ الْأَبْصَارُ دُونَ النَّظَرِ إِلَی سُبُحَاتِ وَجْهِکَ وَ لَمْ تَجْعَلْ لِلْخَلْقِ طَرِیقاً إِلَی مَعْرِفَتِکَ إِلَّا بِالْعَجْزِ عَنْ مَعْرِفَتِکَ إِلَهِی فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِینَ تَوَشَّحَتْ (۱) أَشْجَارُ الشَّوْقِ إِلَیْکَ فِی حَدَائِقِ صُدُورِهِمْ وَ أَخَذَتْ لَوْعَهُ مَحَبَّتِکَ بِمَجَامِعِ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ إِلَی أَوْکَارِ الْأَفْکَارِ(۲) یَأْوُونَ وَ فِی رِیَاضِ الْقُرْبِ وَ الْمُکَاشَفَهِ یَرْتَعُونَ وَ مِنْ حِیَاضِ الْمَحَبَّهِ بِکَأْسِ الْمُلَاطَفَهِ یَکْرَعُونَ وَ شَرَائِعِ الْمُصَافَاهِ یَرِدُونَ قَدْ کُشِفَ الْغِطَاءُ عَنْ أَبْصَارِهِمْ وَ انْجَلَتْ ظُلْمَهُ الرَّیْبِ عَنْ عَقَائِدِهِمْ مِنْ (۳) ضَمَائِرِهِمْ وَ انْتَفَتْ مُخَالَجَهُ الشَّکِّ عَنْ قُلُوبِهِمْ وَ سَرَائِرِهِمْ وَ انْشَرَحَتْ بِتَحْقِیقِ

۱- ۱. ترسحت خ ل.

۲- ۲. الاذکار خ ل.

۳- ۳. فی خ ل.

الْمَعْرِفَهِ صُدُورُهُمْ وَ عَلَتْ لِسَبْقِ السَّعَادَهِ فِی الزَّهَادَهِ هِمَمُهُمْ وَ عَذُبَ فِی مَعِینِ الْمُعَامَلَهِ شِرْبُهُمْ وَ طَابَ فِی مَجْلِسِ الْأُنْسِ سِرُّهُمْ وَ أَمِنَ فِی مَوْطِنِ الْمَخَافَهِ سِرْبُهُمْ وَ اطْمَأَنَّتْ بِالرُّجُوعِ إِلَی رَبِّ الْأَرْبَابِ أَنْفُسُهُمْ وَ تَیَقَّنَتْ بِالْفَوْزِ وَ الْفَلَاحِ أَرْوَاحُهُمْ وَ قَرَّتْ بِالنَّظَرِ إِلَی مَحْبُوبِهِمْ أَعْیُنُهُمْ وَ اسْتَقَرَّ بِإِدْرَاکِ السُّؤْلِ وَ نَیْلِ الْمَأْمُولِ قَرَارُهُمْ وَ رَبِحَتْ فِی بَیْعِ الدُّنْیَا بِالْآخِرَهِ تِجَارَتُهُمْ إِلَهِی مَا أَلَذَّ خَوَاطِرَ الْإِلْهَامِ بِذِکْرِکَ عَلَی الْقُلُوبِ وَ مَا أَحْلَی الْمَسِیرَ إِلَیْکَ بِالْأَوْهَامِ فِی مَسَالِکِ الْغُیُوبِ وَ مَا أَطْیَبَ طَعْمَ حُبِّکَ وَ مَا أَعْذَبَ شِرْبَ قُرْبِکَ فَأَعِذْنَا مِنْ طَرْدِکَ وَ إِبْعَادِکَ وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَخَصِّ عَارِفِیکَ وَ أَصْلَحِ عِبَادِکَ وَ أَصْدَقِ طَائِعِیکَ وَ أَخْلَصِ عُبَّادِکَ یَا عَظِیمُ یَا جَلِیلُ یَا کَرِیمُ یَا مُنِیلُ بِرَحْمَتِکَ وَ مَنِّکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ.

الْمُنَاجَاهُ الثَّالِثَهَ عَشَرَ مُنَاجَاهُ الذَّاکِرِینَ لِیَوْمِ الْأَرْبِعَاءِ:

بِسْمِ اللَّهِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ إِلَهِی لَوْ لَا الْوَاجِبُ مِنْ قَبُولِ أَمْرِکَ لَنَزَّهْتُکَ مِنْ ذِکْرِی إِیَّاکَ عَلَی أَنَّ ذِکْرِی لَکَ بِقَدْرِی لَا بِقَدْرِکَ وَ مَا عَسَی أَنْ یَبْلُغَ مِقْدَارِی حَتَّی أُجْعَلَ مَحَلًّا لِتَقْدِیسِکَ وَ مِنْ أَعْظَمِ النِّعَمِ عَلَیْنَا جَرَیَانُ ذِکْرِکَ عَلَی أَلْسِنَتِنَا وَ إِذْنُکَ لَنَا بِدُعَائِکَ وَ تَنْزِیهِکَ وَ تَسْبِیحِکَ إِلَهِی فَأَلْهِمْنَا ذِکْرَکَ فِی الْخَلَاءِ وَ الْمَلَاءِ وَ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْإِعْلَانِ وَ الْإِسْرَارِ وَ فِی السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ آنِسْنَا بِالذِّکْرِ الْخَفِیِّ وَ اسْتَعْمِلْنَا بِالْعَمَلِ الزَّکِیِّ وَ السَّعْیِ الْمَرْضِیِّ وَ جَازِنَا بِالْمِیزَانِ الْوَفِیِّ إِلَهِی بِکَ هَامَتِ الْقُلُوبُ الْوَالِهَهُ وَ عَلَی مَعْرِفَتِکَ جُمِعَتِ الْعُقُولُ الْمُتَبَایِنَهُ فَلَا تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ إِلَّا بِذِکْرَاکَ وَ لَا تَسْکُنُ النُّفُوسُ إِلَّا عِنْدَ رُؤْیَاکَ أَنْتَ الْمُسَبَّحُ فِی کُلِّ مَکَانٍ وَ الْمَعْبُودُ فِی کُلِّ زَمَانٍ وَ الْمَوْجُودُ فِی کُلِّ أَوَانٍ وَ الْمَدْعُوُّ بِکُلِّ لِسَانٍ وَ الْمُعَظَّمُ فِی کُلِّ جَنَانٍ وَ أَسْتَغْفِرُکَ مِنْ کُلِّ لَذَّهٍ بِغَیْرِ ذِکْرِکَ وَ مِنْ کُلِّ رَاحَهٍ بِغَیْرِ أُنْسِکَ وَ مِنْ کُلِّ سُرُورٍ بِغَیْرِ قُرْبِکَ وَ مِنْ کُلِّ شُغْلٍ بِغَیْرِ طَاعَتِکَ إِلَهِی أَنْتَ قُلْتَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اذْکُرُوا اللَّهَ ذِکْراً کَثِیراً وَ سَبِّحُوهُ بُکْرَهً وَ أَصِیلًا(۱) وَ قُلْتَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُ فَاذْکُرُونِی أَذْکُرْکُمْ (۲)

۱- ۱. الأحزاب: ۴۱.

۲- ۲. البقره: ۱۵۲.

فَأَمَرْتَنَا بِذِكْرِكَ وَ وَعَدْتَنَا عَلَيْهِ أَنْ تَذْكُرَنَا تَشْرِيفاً لَنَا وَ تَفْخِيماً وَ إِعْظَاماً وَ هَا نَحْنُ ذَاكِرُوكَ كَمَا أَمَرْتَنَا فَأَنْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا يَا ذَاكِرَ الذَّاكِرِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

الْمُنَاجَاةُ الرَّابِعَةَ عَشَرَ مُنَاجَاةُ الْمُعْتَصِمِينَ لِيَوْمِ الْخَمِيسِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ يَا مَلَاذَ اللَّائِذِينَ وَ يَا مَعَاذَ الْعَائِذِينَ وَ يَا مُنْجِيَ الْهَالِكِينَ وَ يَا عَاصِمَ الْبَائِسِينَ وَ يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ وَ يَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّينَ وَ يَا كَنْزَ الْمُفْتَقِرِينَ وَ يَا جَابِرَ الْمُنْكَسِرِينَ وَ يَا مَأْوَى الْمُنْقَطِعِينَ وَ يَا نَاصِرَ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَ يَا مُجِيرَ الْخَائِفِينَ وَ يَا مُغِيثَ الْمَكْرُوبِينَ وَ يَا حِصْنَ اللَّاجِينَ إِنْ لَمْ أَعُذْ بِعِزَّتِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ وَ إِنْ لَمْ أَلُذْ بِقُدْرَتِكَ فَبِمَنْ أَلُوذُ وَ قَدْ أَلْجَأَتْنِي الذُّنُوبُ إِلَى التَّشَبُّثِ بِأَذْيَالِ عَفْوِكَ وَ أَحْوَجَتْنِي الْخَطَايَا إِلَى اسْتِفْتَاحِ أَبْوَابِ صَفْحِكَ وَ دَعَتْنِي الْإِسَاءَةُ إِلَى الْإِنَاخَةِ بِفِنَاءِ عِزِّكَ وَ حَمَلَتْنِي الْمَخَافَةُ مِنْ نَقِمَتِكَ عَلَى التَّمَسُّكِ بِعُرْوَةِ عَطْفِكَ وَ مَا حَقُّ مَنِ اعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ أَنْ يُخْذَلَ وَ لَا يَلِيقُ بِمَنِ اسْتَجَارَ بِعِزِّكَ أَنْ يُسْلَمَ أَوْ يُهْمَلَ إِلَهِي فَلَا تُخْلِنَا مِنْ حِمَايَتِكَ وَ لَا تُعْرِنَا مِنْ رِعَايَتِكَ وَ ذُدْنَا عَنْ مَوَارِدِ الْهَلَكَةِ فَإِنَّا بِعَيْنِكَ وَ فِي كَنَفِكَ وَ لَكَ أَسْأَلُكَ بِأَهْلِ خَاصَّتِكَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ بَرِيَّتِكَ أَنْ تَجْعَلَ عَلَيْنَا وَاقِيَةً تُنْجِينَا مِنَ الْهَلَكَاتِ وَ تُجَنِّبُنَا مِنَ الْآفَاتِ وَ تُكِنُّنَا مِنْ دَوَاهِي الْمُصِيبَاتِ وَ أَنْ تُنْزِلَ عَلَيْنَا مِنْ سَكِينَتِكَ وَ أَنْ تُغَشِّيَ وُجُوهَنَا بِأَنْوَارِ مَحَبَّتِكَ وَ أَنْ تُؤْوِيَنَا إِلَى شَدِيدِ رُكْنِكَ وَ أَنْ تَحْوِيَنَا فِي أَكْنَافِ عِصْمَتِكَ بِرَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

الْمُنَاجَاةُ الْخَامِسَةَ عَشَرَ مُنَاجَاةُ الزَّاهِدِينَ لِلَيْلَةِ الْجُمُعَةِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِلَهِي أَسْكَنْتَنَا دَاراً حَفَرَتْ لَنَا حُفَرَ مَكْرِهَا وَ عَلَّقَتْنَا بِأَيْدِي الْمَنَايَا فِي حَبَائِلِ غَدْرِهَا فَإِلَيْكَ نَلْتَجِئُ مِنْ مَكَائِدِ خُدَعِهَا وَ بِكَ نَعْتَصِمُ مِنَ الِاغْتِرَارِ بِزَخَارِفِ زِينَتِهَا فَإِنَّهَا الْمُهْلِكَةُ طُلَّابَهَا الْمُتْلِفَةُ حُلَّالَهَا الْمَحْشُوَّةُ بِالْآفَاتِ الْمَشْحُونَةُ بِالنَّكَبَاتِ إِلَهِي فَزَهِّدْنَا فِيهَا وَ سَلِّمْنَا مِنْهَا بِتَوْفِيقِكَ وَ عِصْمَتِكَ وَ انْزَعْ عَنَّا جَلَابِيبَ

مُخَالَفَتِکَ وَ تَوَلَّ أُمُورَنَا بِحُسْنِ كِفَايَتِكَ وَ أَوْفِرْ مَزِيدَنَا مِنْ سَعَةِ رَحْمَتِكَ وَ أَجْمِلْ صِلَاتِنَا مِنْ فَيْضِ مَوَاهِبِكَ وَ اغْرِسْ فِی أَفْئِدَتِنَا أَشْجَارَ مَحَبَّتِكَ وَ أَتْمِمْ لَنَا أَنْوَارَ مَعْرِفَتِكَ وَ أَذِقْنَا حَلَاوَةَ عَفْوِكَ وَ لَذَّةَ مَغْفِرَتِكَ وَ أَقْرِرْ أَعْيُنَنَا يَوْمَ لِقَائِكَ بِرُؤْيَتِكَ وَ أَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا كَمَا فَعَلْتَ بِالصَّالِحِينَ مِنْ صَفْوَتِكَ وَ الْأَبْرَارِ مِنْ خَاصَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ.

**[ترجمه]عدد قویه: ثمالی گفت ابراهیم بن محمد برایم گفت: از علی بن حسین علیهما السلام شنیدم که شبی در مناجات خود می گفت: پروردگار ما و آقای ما و مولای ما، اگر آن چنان بگرییم که مژه هایمان بریزد و چنان ناله بزنیم که صداهایمان بریده شود و آن قدر بایستیم که گام هایمان خشک شود و رکوع کنیم تا جایی که بندهایمان از هم بگسلد و سجده کنیم تا آن جا که چشمانمان از حدقه درآید، و در تمام زندگی خاک زمین را بخوریم و آن قدر ذکر بگوییم که زبانمان از کار بیفتد، با همه این ها سزاوار بخشش یکی از گناهانمان نیستیم.

می گویم: در برخی کتاب ها این دعا را از امام سجاد علیه السلام دیده ام که در مناجات می گفت: خدایا، از تو می خواهم مرا حفظ کنی تا آن که نافرمانی ات نکنم، پس به راستی که از زیادی گناهانم همراه با نافرمانی و از نیکی های همراه با بزرگواری تو حیرت زده شده ام و بسیاری گناهانم زبانم را بند آورده و آبرویم را برده است. پس با چه رویی به دیدار تو آیم در حالی که گناهان چهره ام را زشت نموده و با کدام زبان تو را بخوانم در حالی که معصیت ها زبانم را بند آورده و چگونه نخوانمت حال آن که تو بزرگواری و چگونه شاد باشم که من نافرمانم و چگونه غمگین باشم حال آن که تو بخشنده ای. چگونه بخوانمت در حالی که من منم و چگونه نخوانمت در حالی که تو تویی. چگونه شادی کنم در حالی که از فرمانت سرپیچی نموده ام و چگونه اندوهگین باشم حال آن که تو را شناخته ام. شرم دارم تو را بخوانم در حالی که همواره گناهان را تکرار کرده ام و چگونه بنده مولایش را نخواند و به کجا می تواند گریزد و اگر رانده شود پناه گاهش کجاست؟ بارالها، اگر از لغزش هایم گذشت نکنی به چه کس پناه آورم واگر بر من رحم نکنی چه کس به من رحم آورد؟ و اگر تو به فریادم نرسی چه کس از من دست گیری می کند و هنگامی که آرزویم نزد تو تنگ شد به کجا می توانم بگریزم؟ خدایا، میان ترس و امید مانده ام، ترس از تو مرا می میراند و امیدت زنده ام می کند. معبودا، گناهان از ویژگی های ماست و گذشت مخصوص تو است. پروردگارا، موی سفید نوری از نورهای توست، پس غیرممکن است که نور تو با آتشت سوزانده شود، معبودا، بهشت سرای نیکان است اما مسیر آن از آتش می گذرد، پس اگر از بهشت محروم شدم ای کاش وارد آتش نشوم. بارخدایا،

چگونه تو را بخوانم و امید به بهشتت داشته باشم با این که کردار زشتی دارم، و چگونه تو را نخوانم و آرزوی بهشت نداشته باشم با وجود رفتار نیکو و زیبای تو. خدایا، منم آن کسی که با وجود نافرمانی اش تو را می خواند و قلبم یادت را فراموش نمی کند. معبودا، منم آن کسی که با وجود گناهانش به تو امید بسته و امیدم از گذشت فراوان تو قطع نمی شود ای مولای من. بارالها، به راستی گناهانم بزرگ هستند ولی گذشت تو از گناهان من بزرگ تر است. خدایا، با گذشت فراوانت از گناهان بزرگ من بگذر، چرا که گناهان بزرگ را تنها پروردگار بزرگ می بخشد. خداوندا، من آن کسی هستم که با تو پیمان بست و آن را شکست؛ هنگامی که به خواهشش رسید اراده اش را شکست، پس بیهوده و سرگرم شدم و کردارم در شب و روز نوشته می شد. خدایا، گناهان من به تو ضرری نمی رساند و گذشت تو از من چیزی از تو نمی کاهد، پس آن چه را که ضرری برایت ندارد ببخش و آن چه را که از تو نمی کاهد به من عطا کن. معبودا، اگر مرا بسوزانی سودی برایت ندارد و اگر مرا ببخشی ضرری برایت ندارد. پس آن چه برایت ضرری ندارد بر من ببخش و آن چه خشنودت نمی کند بر من روا ندار. بارالها، اگر گذشت از صفات تو نبود، آنان که تو را می شناسند نافرمانی ات نمی کردند. خدایا، اگر گذشت و بخشندگی ات نبود نافرمانی ات نمی کردم و گناهت را تکرار نمی‌کردم. بارخدایا، اگر گذشت دوست داشتنی ترین چیزها نزد تو نبود دوست داشتنی ترین مخلوقاتت از فرمانت سرپیچی نمی کرد. پروردگارا، امیدم به آمرزش و گمانم به نیکی توست. از لغزش هایم درگذر ای پروردگارم، چرا که آن چه بوده، بوده است. پس ای کسی که با دشمنش مهربانی می کند، چگونه به آن کس که با او دوستی و مناجات کرده چنین نباشد؟ و ای آن که هرگاه خوانده شده پاسخ داده است، و ای کسی که با شکوه خود ابرهای باران زا را پدید آورده، تو بودی که گفتی کجاست کسی که مرا بخواند و پاسخش ندهم؟ و کیست آن که از من درخواست نموده و به او نبخشیده ام؟ و کجاست آن که به درگاهم ایستاده که او را اجابت نکرده ام؟ و تو بودی که فرمودی: من بخشنده ام و سخاوت از من است و من بزرگوارم و بزرگواری از من است، و از بزرگواری من با

گنهکاران این است که آنان را در بسترهایشان حفظ نمودم، گویی نافرمانی ام نکرده اند و نگهداری آن ها را بر عهده گرفته ام گویی گناهی مرتکب نشده اند. معبودا، چه کسی گناه می کند و چه کسی می بخشد؟ من بسیار گناه می کنم و تو بسیار می بخشی. خداوندا، چه بد کردار بوده ام که گناهان و نافرمانی های بسیار داشتم و چه نیکو کردار بوده ای با بزرگواری و نیکی هایت. خداوندا، تو مرا غرق در سخاوت و بزرگی و بخشش های خود نمودی و من خویشتن را غرق در گناه و نادانی و اشتباهات نمودم، تو با نیکی شناخته شده ای و من با نافرمانی شناخته شده ام. معبودا، سینه ام تنگ شده و نمی دانم با چه دارویی گناهم را معلاجه کنم، چه بسیار که از آن توبه کرده ام و آن را تکرار کرده ام. و چه بسیار شب ها و روزهایی که بر آن ناله کرده ام، پس تا کی چنین باشد در حالی که عمرم را درآن نابود کرده ام. معبودا، اندوهم طولانی شده و استخوانم نازک شده و بدنم پوسیده و گناهان بر پشتم باقی مانده است. پس ای آقای من، از فقر و بیچارگی ام و ناتوانی ام به درگاهت شکایت می آورم. بارالها، هر صاحب چشمی می خوابد و به وطنش بازمی گردد و من دل نگرانم و چشمانم در انتظار مهربانی پروردگار خویش هستند. پس تو را می خوانم پروردگارم، مرا اجابت کن و حاجتم را برآورده ساز و در پاسخم شتاب کن. بارخدایا، مانند گنهکاران در انتظار گذشت تو هستم و از مهربانی ات که نیکوکاران انتظار آن را دارند،

ناامید نمی شوم. پروردگارا، آیا صورتم را به آتش می سوزانی در حالی که برای تو نماز می گزارده و قرآن را تلاوت می کرده؟ آیا قلبم را به آتش می سوزانی در حالی که دوست دار تو بوده است؟ معبودا، آیا بدنم را با آتش می سوزانی حال آن که برایت فروتنی نموده و استخوان هایم را به آتش می سوزانی در حالی که برای تو به رکوع و سجده افتاده است؟ خداوندا، به نیکی دستور دادی و تو سزاوارترین کس برای انجام آن هستی. و دستور به بخشش درخواست ها دادی و تو برترین درخواست شدگان هستی. خدایا، اگر مرا عذاب کنی بنده ی تو هستم که مرا به خواست خود آفریده ای و اگر نجاتم دهی بنده ای هستم که او را بدکار دیده ای و نجاتش داده ای. پروردگارا، من برای حفظ خود از گناه راهی به جز نگهداری تو ندارم، و تنها به خواست تو می توانم راهی به سوی کار نیک بیابم. پس چگونه خود را حفظ کنم در حالی که عصمت تو مرا دربرنگرفته است؟ خدایا، در دنیا گناهانی از من را پوشاندی و آن را آشکار نکردی، پس در روز قیامت نیز در مقابل همگان رسوایم نکن. معبودا، سخاوت تو امیدم را گسترانده و سپاس گزاری ات عملم را پذیرفته است، پس مرا به هنگام مرگ با دیدار خودت خرسند کن. خدایا، هنگامی که ایمانم به یگانگی ات گواهی داده و زبانم به ستایشت گویا شده و قرآن مرا به بخشندگی ات رهنمون شده است، پس چگونه امیدم را از وعده هایت قطع کنم؟ خدایا، من کسی هستم که با شمشیر نافرمانی خود را به قتل رسانده ام تا جایی که سزاوار ناکامی و بریدن از تو شدم. پس امان، امان آیا نزد تو کار نیکویی دارم؟ بارالها، آدم تو را نافرمانی کرد و او را بخشیدی، و بسیار از فرزندان او نیز تو را نافرمانی نمودند. پس ای کسی که گناه پدر را بخشید، از فرزندان سرکش او نیز گذشت کن. خدایا، بهشت را برای فرمان بردارانت آفریدی و آن چه را که به قلب ها خطور نمی کند در آن وعده دادی، به اعمالم نگاه کردم و آن را اندک دیدم مولای من، و خود را محاسبه کردم و چیزی نیافتم که با آن شکر نعمت هایت را به جا آورم. و آتش را برای کسانی که نافرمانی نمودند آفریدی و در آن شکنجه و بندهای آتشین و عذاب دردناک را وعده نمودی، و من می ترسم به خاطر گناه بزرگم و بدی های همیشه ام سزاوار آن شوم. پس گناهی که بر من ببخشی برای تو بزرگ نیست و نه گناهان کسانی که گناهی بزرگ تر از من دارند، به خاطر کم اهمیتی من در پادشاهی تو به همراه اطمینان و تکیه و امیدم به تو. پروردگارا، دشمنی برایم قرار دادی که به قلبم وارد می شود و در جایگاه نظر و اندیشه ی من جای می گیرد و به کجا می توان گریخت اگر کمکی از جانب تو نباشد؟ خداوندا، به راستی شیطان بدکار و پلید و بسیار حیله گر است و دشمنی کننده و دشمنی اش همیشگی بوده است، چگونه کسی که با او در یک سرا جای گرفته نجات می یابد در حالی که او مورد فریب قرار گرفته است؟ مگر آن که فریب او ناتوان است، پس تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم و خود را به تو می سپاریم و هیچ نیرو و جنبشی مگر از جانب تو نیست، ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار.

دعای معروف به خمس عشر از جمله دعاهای امام زین العابدین علیه السلام است. ما این ادعیه را در برخی کتب بزرگان شیعه رضوان الله تعالی علیهم یافته ایم و در این جا نقل می کنیم که به شرح زیر است:

مناجات اوّل: رازونیاز توبه کنندگان (برای روز جمعه)

بسم الله الرحمن الرحیم، خـدایا! گناهـان بر من لبـاس خواری پوشانـده، و دوری از تو جامه درمانـدگی بر تنم پیچیـده، و بزرگی جنایتم دلم را میرانـده، پس آن را با توبه به درگاهت زنـده کن، ای آرزویم و مرادم و خواسـته ام و امیدم، به عزّتت سوگند برای گناهانم آمرزنده ای جز تو نمی یابم، و برای دل شکستگی ام جبران کننده ای جز تو نمی بینم، به پیشگاهت با توبه و انابه فروتنی نمودم، و با ذلّت و خواری، به درگاهت تسـلیم شـدم، اگر مرا از درگـاهت برانی بـه که روی آورم؟و اگر از آسـتانت بـازگردانی به که پنـاه برم؟در این حـال افسـوس از شـرمندگی و رسوایی ام، و دریغ از زشتی کردار و فراهم آوردن گناهانم، ای آمرزنده گناهان بزرگ، و ای جبران کننده اسـتخوان شکسته، از تو درخواست می کنم که گناهان تباه کننـده ام را بر من ببخشایی، و بر من بپوشانی پنهانکاریهای رسواکننده ام را، و مرا در عرصه قیامت از نسـیم گذشت و آمرزشت بی بهره مگذاری، و از پوشـش زیبای چشم پوشی ات عریان و بی پوشش رها نسازی، خدایا سایه رحمتت را بر گناهانم بینداز، و ابر مهربـانی ات را به سوی عیبهـایم گسـیل کن، خـدایا آیـا برده فراری جز به جـانب مولاـیش بـاز می گردد؟یـا کسـی به او از خشم مولایش جز مولایش پناه می دهد؟خدایا اگر پشیمانی از گناه توبه است، پس به عزّتت سوگند که من از پشیمانانم، و اگر آمرزش طلبی از خطاکاری سبب فرو ریختن خطاها از پرونـده است، من از آمرزش خواهانم، حق رضایت با توست تا راضـی شوی، خـدایا با قدرتت بر من توبه ام را بپذیر، و با بردباری ات نسبت به من از من درگذر، و با آگاهی ات از حال من با من مدارا فرما.

خـدایا تویی که به روی بنـدگانت دری به سوی بخشـشت گشودی و آن را توبه نامیـدی، و خود فرمودی: «بازگردیـد به جانب خدا، بازگشتی خالصانه»، پس عـذر کسـی که از ورود به این در پس از گشوده شدنش غفلت ورزد چه می تواند باشد؟خدایا اگر نافرمانی و گناه از بنده ات زشت بود، پس گذشت از جانب تو زیباست، خدایا نخستین، کسی نیستم که تو را نافرمانی کرده و حضرتت توبه پذیرش شدی، و خود را در معرض احسـانت قرار داده و تو مرا مورد احسانش قرار دادی، ای پاسخگوی درمانـدگان، ای برطرف کننـده زیان، ای بزرگ نیکی، ای دانای نهـان، ای زیبـا پرده پوش، به جود و کرمت به سوی تو شـفاعت می جویم، و توسّـل می کنم نزد تو به فضـل و رحمتت دعـایم را اجابت کن، امیدم را به خود ناامید مساز، و توبه ام را بپذیر، و با احسان و مهرت خطاهایم را نادیده گیر، ای مهربان ترین مهربانان

مناجات دوم: راز ونیاز شاکران (برای روز شنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا از نفسـی که فراوان به بدی فرمان میدهد به تو شـکایت می کنم، همان نفسـی که شـتابنده به سوی خطا، و آزمند به انجام گناهان، و در معرض خشم توست، نفسـی که مرا به راه هلاکت می کشاند، و هستی ام را نزد تو از پست ترین تباه شدگان قرار می دهد، بیماریهایش بسیار، آرزویش دراز است، اگر گزنـدی به او در رسـد بی تابی می کنـد، و اگر خیری به او رسد از انفاقش دریغ می ورزد، به بازی و هوسـرانی میل بسیار دارد، از غفلت و اشتباه آکنده است، مرا به تندی به جانب گناه می راند، و با من در توبه و ندامت امروز و فردا می کند، خدایا از دشمنی کـه گمراهم می کنـد و از شـیطانی که به بی راهه ام می برد به تـو شـکایت می کنم، شیطانی که سـینه ام را از وسـوسه انباشـته و زمزمه هـای خطرناکش قلبک را فرا گرفته است، شـیطانی که با هوا و هوس برایم کمک می کنـد، و عشق به دنیا را در دیدگانم زیور می بخشد، و بین من و بندگی و مقام قرب پرده می افکند،

خـدایا از دل همچون سـنگی که با وسوسه زیرورو می شود و به آلودگی گناه و سیاسـی نافرمانی آلوده شـده به تو شـکایت می کنم، خدایا از چشـمی که از گریه ناشـی از هراس تو خشک شـده، و در عوض به مناظری که خوش آینـد آن است خیره گشـته به تو گلایه می کنم، خـدایا تـوان و نیرویی برای من جز به قـدرت تـو نیست، راه نجـاتی از گرفتاریهـای دنیـا جز نگهـداری تو برایم نمی باشـد، از تو خواسـتارم به رسـایی حکمتت، و نفوذ اراده ات که مرا جز جودت در معرض چیزی قرار نـدهی، و هـدف فتنه ها نگردانی، و علیه دشـمنانم یاور باشـی، و پرده پوش رسوائیها و عیوبم گردی، و از بلا نگهدار، و از گناهان بازدارنده ام باشی به مهر و رحمتت ای مهربان ترین مهربانان

مناجات سوّم:رازونیاز ترسیدگان (برای روز یکشنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا آیا چنین می نمایی که پس از ایمانم به تو عذابم نمایی؟یا پس از عشقم به تو از خود دورم سازی، یا با امید به رحمت و چشم پوشی ات محرومم سازی، یا با پناه جویی ام به گذشتت رهایم نمایی، هرگز چنین نیست!از ذات بزرگوارت به دور است که محرومم کنی، ای کاش می دانستم که آیا مادرم مرا برای بدبختی به دنیا آورده، یا برای رنج کشیدن و زحمت پرورانده است، اگر چنین است کاش مرا نزاده و نپرورانده بود، و ای کاش آگاه بودم که آیا مرا از اهل سعادت قرار داده و به قرب و جوارت اختصاص داده ای تا به این سبب چشمم روشن و جانم آرام گیرد؟خدایا آیا چهره هایی که در برابر عظمت سجده کنان به خاک افتاده سیاه می کنی، یا زبان هایی را که برای بزرگی و شکوهت به ستایش گویا شده ناگویا می نمایی؟یا بر دلهایی که به محبت پیچیده شده مهر می زنی، یا گوشهایی را که از شنیدن ذکرت در راه رضایت لذّت برده ناشنوا می کنی،

یا دست هایی را که آرزوهای به امید مهرورزی ات به سویت بلند کرده و به زنجیر می بندی، یا بدنهایی را که در طاعتت کوشیده تا جایی که در راه کوشش در بندگی ات لاغر شده مجازات می کنی، یا پاهایی را که در راه عبادتت پوییده به عذاب دچار می نمایی، خدایا درهای رحمتت را بر یکتاپرستان مبند، و شیفتگانت را از نگاه به زیبایی دیدارت محروم مساز، خدایا جانی را که به توحیدت عزّت بخشیدی، چگونه به خواری هجرانت ذلیل می کنی، و باطنی که بر دوستی ات پیمان بسته، چگونه به سوز آتشت می سوزانی؟خدایا از دردناکی خشمت و بزرگی ناخشنودیت پناهم ده، ای پرمهر، ای منّتگذار، ای مهربان، ای بخشاینده، ای جبّار، ای چیره، ای آمرزنده، ای پرده پوش، به مهرت مرا از شکنجه آتش و رسوایی ننگ رهایی بخش، آنگاه که نیکان از بدان جدا شوند، و حالت ها دگرگون گردد و هراسنده ها بهراسند، و نیکوکاران به خوشبختی نزدیک شوند، و بدکاران از آن دور گردند، و به هرکسی برابر آن چه انجام داده جزای برازنده داده شود و هرگز به آنان ستم نشود

مناجات چهارم: رازونیاز امیدواران (برای روز دوشنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

ای آن که هرگاه بنده ای از او بخواهد عطایش کند، و هرگاه چیزی را که نزد اوست آرزو کند به آرزویش برساند، و زمانی که به او روی آور مقرّب و نزدیکش کند، و گاهی که تظاهر به گناه کند گناهش را پرده پوشی نماید، و آنگاه که بر او توکل نماید او را بس باشد و کفایت کند، خدای من کیست که بر آستانت وارد شده و خواهان مهمان پذیری ات باشد و تو از او پذیرایی نکرده باشی، و کیست که مرکب حاجت را با امید به سخاوتت به درگاهت خوابانده باشد و تو احسانش ننموده باشی آیا خوشایند است که از درگاهت با محرومیت بازگردم، درحالی که جز تو سروری که به احسان متصّف باشد نشناسم، چگونه به غیر تو امید بندم درحالی که هر خوبی به دست توست، و چگونه جز تو را آرزو کنم درحالی که آفرینش و فرمان خاص تو است، آیا امیدم را از تو ببرم درحالی که از روی احسان آن چه که از تو نخواستم به من عطا فرمودی یا آیا به مانند خودم محتاج می کنی درحالی که به رشته محکمت چنگ می زنم، ای آن که قصدکنندگان به رحمتش خوشبخت شدند، و آمرزش خواهان به انتقامش بدبخت نشدند، چگونه فراموشت کنم که همیشه به یادم بوده ای، و چگونه از تو غافل شوم که تو نگهبانم هستی، خدای من دستم را به دامن کرمت آویختم، و برای رسیدن به عطایت سفره آرزویم را گستردم، مرا به خلوص توحیدت خالص کن، و از بندگان برگزیده ات قرار ده، ای آن که هر گریزانی به او پناه می جوید، و هر جوینده ای به او امید می بندد، ای بهترین امیدبخش، ای کریم ترین خوانده، ای آن که پرسنده اش برگردانده نشود، و آرزومندش محروم نگردد، ای آن که در رحمتش به روی خوانندگان باز است، و پرده درگاهش برای امیدواران گشوده است، از تو می خواهم به بزرگواریت که ببخشی از عطای خود بر من آن چنان که دیده ام به آن روشن شود، و از امید به تو سرشارم سازی به اندازه ای که نهادم آرامش یابد، و از یقین آن چنان بر من منّت نهی که با آن ناگواری های دنیا را برایم آسان نمایی، و با آن از دیدگانم دلم پرده های نابینایی را برگیری به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

مناجات پنجم:رازونیاز دلدادگان (برای روز سه‌شنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا هرچند در آمدن به سویت توشه ام اندک است ولی گمانم بر توکّل به تو همواره نیکو است، و هرچند گناهم مرا از عذاب تو به هراس افکنده، ولی چشم امیدم ایمنی از انتقامت را به من خبر می دهد، و هرچند نافرمانی ام مرا را در معرض عذابت قرار داده ول یح سن اعتمادم مرا به پاداشت آگاهی می دهد، و هرچند بی خبری مرا از آمادگی برای دیدارت به خواب غفلت انداخته ولی آشنایی به کرم و عطاهایت مرا بیدار نموده است، و اگر زیاده روی در گناه و سرکشی، میانه من و تو را تیره ساخته ولی مژده آمرزش و خشنودی ات با من انس گرفته است

از تو می خواهم به درخشش های جلوه ات و به انوار مقدست، و هم به سویت زاری می کنم به عواطف مهرت و لطایف احسانت، که تحقق بخشی گمانم را در آن چه از تو آرزومندم از بزرگی اکرامت و زیبایی انعامت، در راه تقرّب به تو و نزدیکی به درگاهت و بهره مندی از نگاه به سویت، هم اینک متعرّض نسیم های رحمت و توّجه تو، و خواهان باران جود و لطف بی پایان تو می باشم، و از خشمت به سوی خشنودی ات گریزان، و از تو به سوی خودت فراری ام، نیکوترین چیزی را که نزد توست امید دارم، بر بخشش هایت اعتماد می نمایم، به عنایتت نیازمندم، خدایا آن چه را از فضلت بر من آغاز کردی به انجام رسان، و آن چه را از کرمت به من دادی از من مگیر، و آن چه را با بردباری ات بر من پوشاندی آشکار مکن، و آن چه را از زشتی کردارم دانستی بیامرز، خدایا از تو به تو شفاعت می جویم، و از تو به تو پناهنده می شوم، با امید بسیار به احسانت به سوی تو آمدم، به خوبی هایت که بر من منّت گذاری دل بسته ام، به فراوانی کرمت تشنه ام، ابر فضلت را باران طلبم، خشنودی ات را خواهانم، آهنگ آستانت را دارم، به جویبار عطایت وارد آمدم، برترین خیرات را از پیشگاهت خواهشمندم، به جانب حضرت جمالت روانم، ذاتت را اراده دارم، کوبنده در رحمتت هستم، درمانده ام در برابر شکوه و جلالت، با من از آمرزش و رحمت آن گونه کن که شایسته آنی و نه آن گونه که سزاوار عذاب و انتقامم، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان

مناجات ششم:رازونیاز شاکران (برای روز چهارشنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا، پیاپی آمدن کرمت، بر پا داشتن سپاست را از یاد من برد، و فراوانی بخششت مرا از شمارش ستایشت درمانده ساخت، و در پی هم آمدن احسانت مرا از یاد اوصاف نیکت بازداشت، و پشت هم رسیدن نعمت هایت مرا از گسترش خوبی هایت درمانده نمود، این است جایگاه آن که به برازندگی نعمت های تو و در برابر آن به کوتاهی خود اعتراف دارد و به زبان خود به سستی در بندگی و هدر دادن نعمت ها گواهی می دهند و تویی دلجو، مهربان، نیکوکار کریم، که خواهنده اش را محروم نمی کند، و آرزومندش را از درگاهش نمی راند، به آستانت فرود می آید بار امیدواران، و در درگاه رحمت تو می ایستد آرزوهای عطاخواهان، پس آرزوهایمان را با محرومیت و ناامیدی روبرو مساز، و جامه ناامیدی و دوری از رحمت را بر ما بپوشان،

خدایا در برابر بزرگی نعمت هایت سپاسم کوچک می نماید، و در کنار اکرامت بر من ستایش و گزارش از آن خود را پست و ناچیز نشان می دهد، نعمت هایت از انوار ایمان زینت هایی به من پوشاند، و لطایف نیکی ات خیمه هایی از عزت بالای سرم افراشت، و عطاهایت گردن بندهای زیبنده ای به گردنم افکند که هرگز باز نشود، و طوق هایی بر من آویخت که به هیچ روی گسسته نگردد، عطاهای انبوهت زبانم را از شمردنش ناتوان ساخته، و نعمت های فراوانت فهمم را از دریافتشان کوتاه نموده،

تا چه رسد به بررسی کامل آن ها، سپاسگزاری ات چگونه برای من امکان پذیر است در حالی که سپاسم نسبت به تو خود نیازمند سپاسی دیگر است، پس هر نوبت که گفتم تو را سپاس، بر من واجب شد که به خاطر آن باز بگویم تو را سپاس، خدیا همان گونه که ما را به لطف طعام دادی و با احسانت پروریدی پس نعمت های سرشارت را بر ما به انجام رسان، و ناگواریهای ناخوشایند را از ما دور کن، و از بهره های

هر دو جهان بالاتر و برترش را چه اینک و چه در آینده به ما عنایت کن، تو را سپاس بر خوبی آزمونت و بر نعمت های سرشارت، سپاسی که درخور خشنودی ات باشد، و خیر وجودت را به جانب ما جلب کند، ای بزرگ، ای کریم، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان

مناجات هفتم:رازونیاز فرمانبران خدا (برای روز پنج‌شنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدای فرمانبری ات را به ما الهام فرما، و ما را از نافرمانیت دور کن، و راه رسیدن به آن چه از خشنودی ات آرزومندیم آسان کن، و ما را در میان بهشت هایت جای ده، و از برابر دیدگان دلهایمان ابرهای شک و دودلی را بزدای، و از قلوبمان پرده های تردید و کوردلی را کنار زن، و از نهادمان باطل را زایل کن، و حق را در درون ما استوار گردان، زیرا شک ها و گمان ها بارورکننده آشوب ها، تیره کننده عطاها و بخشش های زلال و بی آلایش اند، خدایا ما را بر کشتی های نجاتت بنشان، و از لذّت رازونیازت بهره مند گردان، و به حوض های دوستی ات وارد کن،

و شیرینی محبّت و مقام قربت را به ما بچشان، کوششمان را در راهت و همّتمان را در طاعتت قرار ده، و نیتّ هایمان را در معامله با خود خالص گردان، چرا که ما با تو و از توییم و برای ما وسیله ای جز به سوی تو نیست، خدایا مرا از گزیدگان بندگان خوبت قرار ده، و به شایستگان نیکوکار ملحق کن، هم آنان که به بندگی پیشی گرفتند، و به سوی خیرات شتافتند و برای باقیات صالحات تلاش کردند، و برای رسیدن به درجات بلند کوشش نمودند همانا تو بر هرچیز توانایی، و به اجابت دعا سزاواری، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان

مناجات هشتم:رازونیاز ارادتمندان (برای روز جمعه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

منزّهی تو، چه تنگ است راه ها بر کسی که تو راهنمایش نباشی، و چه آشکار است حق نزد کسی که راه را نشانش دادی، خدایا ما را به راه های رسیدن به سرایت بکشان، و ما را از نزدیک ترین راه های ورود به بارگاهت ببر، دور را بر ما نزدیک کن، و دشوار و سخت را بر ما آسان گردان، و ما را به آن بندگانت که با چالاکی به سویت می شتابند، و همواره در رحمتت را می کوبند ملحق نما، آنان که در هر شب و روز تو را عبادت می کنند، و از هیبتت در هراسند، بندگانی که آبشخورها برای آنان زلال کردی و به خواسته هایشان با کامیابی رساندی، و آنان را بر جوینده هایشان کامروا نمودی، و از روی فضلت حاجاتشان را برآوردی، و نهادشان را از محبّتت آکنده ساختی، و از زلال چشمه ات سیرابشان نمودی، اینان به وسیله تو به لذّت مناجاتت دست یافتند، و از حسن عنایت تو دورترین مقاصدشان را فراچنگ آوردند، ای کسی که بر روی آورندگان بر خویش روی آورد و با مهرورزی بر ایشان روی آور و بخشنده است، و به غفلت ورزان از یادش دلسوز و مهربان است، و برای جلب آنان به درگاهش با محبّت و عطوف است، از تو می خواهم مرا از کسانی قرار دهی که بهره بیشتری از تو دارند، و برترین جایگاه را نزد تو نصیب خود ساخته اند و از دوستی ات سهم برجسته تری به آنان رسیده، و در معرفتت بهره بیشتری نصیب آنان گشته است، همانا همّتم از همه جا بریده و تنها متوجّه تو گشته است، و رغبتم به جانب تو منصرف شده است، پس تنها تو مراد منی نه غیر تو، و شب زنده داری و بی خوابی ام تنها برای توست نه برای غیر تو، و دیدارت نور دیدگان من است و وصالت آرزوی هستی ام، و تنها به سوی توست اشتیاقم، تنها در مسیر عشق توست شیفتگی ام و در هوای توست دلدادگی ام، و خشنودی ات مقصود من، و دیدارت نیاز من، و جوارت مطلوب من، و قربت نهایت خواسته من است، آسودگی و راحتم در رازونیاز با توست، داروی دردم و درمان بیماری سینه ام، و خنکای آتشم قلبم، و برآمدن اندوهم تنها پیش توست، پس در هنگام ترس همدمم باش، و لغزشم را نادیده گیر، و گناهم را بیامرز، توبه ام را بپذیر و دعایم را اجابت کن، و سرپرست زمامم و توانگری گاه تهیدستی ام باش، مرا از خود جدا مکن، و از خویشتن دورم مساز، ای نعمت و بهشت من، و ای دنیا و آخرتم، ای مهربان ترین مهربانان

مناجات نهم:رازونیاز شیفتگان (برای روز شنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا کیست آن که شیرینی محبتت را چشید پس به جای تو دیگری را برگزید؟و کیست آن که با مقام قرب تو انس یافت پس مایل به روی برتافتن از تو شد؟خدایا، ما را از کسانی قرار ده که برای قرب و ولایت برگزیدی، و برای دوستی و محبتت خالص نمودی، و برای دیدارت مشتاق کردی، و به قضایت راضی ساختی، و نعمت نگاه به جمالت را عطایش کردی، و به خشنودی ات مخصوص گرداندی، و از غم هجران و دوری ات پناه دادی، و در جوارت در جایگاه راستی جای دادی، و به شناخت خود اختصاص دادی، و برای بندگی ات سزاوار کردی، و به اراده ات دلباخته فرمودی، و برای تماشای جمالت برگزیدی، و رویش را برای خود از غیر پاک کردی، و دلش را برای عشقت فارغ نمودی، و آن را به سوی آن چه نزد توست راغب فرمودی، و یادت را به او الهام کردی، و شکرت را نصیبش نمودی، و به طاعتت مشغول ساختی، و او را از بندگان شایسته ات گرداندی، و برای رازونیازت انتخاب کردی، و جدا کردی از او هرچه که او را از تو جدا می کند، خدایا ما را از کسانی قرار ده که شیوه هاشان آرام گرفتن به درگاه توست در حال زاری و روزگارشان آه و ناله است، و پیشانی شان در پیشگاه عظمتت بر سجده، و دیدگانشان در خدمتت بی خواب گشته است، و اشکشان از خشیت تو روان، و قلوبشان به عشقت آویخته و دلهایشان از هیبتت از جا کنده است، ای آن که انوار قدسش برای دیدگان عاشقانش جلوه گر است و بزرگی های جمالش برای قلوب عارفانش دیدنی است، ای آرمان دل مشتاقان، ای نهایت آروزهای عاشقان، از تو درخواست می کنم دوستی خودت را و دوستی آنان که تو را دوست دارند و دوستی هر کاری که مرا به میدان قرب تو می رساند، و این که خودت را نزد من محبوب تر از دیگران قرار دهی و عشقم را به وجودت راهبر به سوی خرسندی ات بگردانی و شوقم را به حضرتت بازدارنده از نافرمانی ات سازی، خدایا تماشای زیبایی وجودت را بر من منّت گذار و به من به دیده عشق و عاطفه بنگر، و روی از من متاب، و مرا نزد خود از اهل خوشبختی و بهره مندی قرار ده، از اجابت کننده، ای مهربان ترین مهربانان

مناجات دهم:رازونیاز توسّل جویان (برای روز یکشنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا به پیشگاهت وسیله ای جز عواطب مهرت ندارم، و به درگاهت دست آویزی جز آن چه از رحمتت شناخته شده و جز شفاعت پیامبرت پیامبر رحمت رهایی بخش امت از رنج و ناراحتی ندارم، خدایا!این دو وسیله را برای من سبب رسیدن به آمرزشت قرار ده، و آن دو را رابطه ای برای دست یابی به خشنودیت بگردان، همانا امیدم به حریم کرمت فرود آمده، و مرکب طمعم به آستانه جودت بار انداخته است، پس درباره خودت آرزویم را محقّق ساز، و کارم را به خیر پایان ده، و مرا از آن برگزیدگانی قرار ده که در میان بهشت قرارشان دادی و خانه کرامتت را در اختیارشان گذاردی و دیده آنان را در روز قیامت با نگاه به سوی جمال خویش روشن نمودی، و جایگاه راستی را در جوارت به آنان واگذار نمودی، ای آن که باریافتگان بر کریم تر از او بار نیابند، و قصدکنندگان مهربان تر از او را نیابند، ای بهترین کسی که شخص تنها با او خلوت کند، و ای مهربان ترین کسی که انسان رانده به جانب او روی آورده، به سوی گستردگی عفوت دست گدایی دراز کردم، و به دامن کرمت چنگ آویختم، مرا سزاوار حرمان مکن و به ناامیدی و زیان دچار مساز، ای شنوای دعا، ای مهربان ترین مهربانان.

مناجات یازدهم: رازونیاز نیازمندان (برای روز دوشنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا شکستگی ام را جز لطف و محبتت جبران نکنند، و تهیدستی ام را بی نیازی نرساند جز مهر و احسانت، و هراسم را جز امان تو آرام ننماید، و خواری ام را جز توانایی ات به عزّت تبدیل نکند، و مرا جز فضلت به آرزویم نرساند و شکاف فقرم را جز احسان تو پر نکند، و حاجتم را کسی جز تو بر نیاورد، و غمزدگی ام را جز رحمتت برطرف ننماید و بدحالی ام را جز مهرت نگشاید و سوز سینه ام را جز وصل تو

خنک نکنـد و آتش درونم را جز دیـدارت خاموش نگردانـد و بر حرارت شوقم به تو جز نگاه به جمالت آب نریزد، و آرامشم بـدون نزدیک شدن به حضرتت برقرار نشود و حسرتم را جز نسیم رحمتت برنگرداند، و بیماری ام را جز درمانت شفا ندهند و غمم را جز مقام قربت برطرف نسازد، و زخمم را جز چشم پوشـی ات التیام ندهـد، و آلودگی دلم را جز گذشت تو نزداید، و وسواس سـینه ام را جز فرمانت از میان نبرد، ای نهـایت آرزوی آرزومنـدان، ای غـایت خـواهش خواهنـدگان، ای دورتریـن مطلـوب جوینـدگان، ای والاـترین رغبـت راغبـان، ای سرپرسـت شایسـتگان، ای امان ترسـیدگان، ای اجابت کننده دعای بیچارگان، ای ذخیره ناداران، ای گنج بینوایان، ای فریادرس دادخواهان، ای برآورنده حاجات تهیدسـتان و بر خاک نشستگان، ای کریم ترین کریمان، ای مهربان ترین مهربانان، فروتنی و خواهشم به پیشگاه توست، و زاری و ناله ام به سوی تو، از تو می خواهم مرا به نسـیم خرسـندی ات برسـانی، و نعمت های نیکویت را بر من تـداوم بخشـی، من اینک بر در خانه کرمت ایسـتاده ام، و در معرض نسـیم هـای نیکی ات قرار دارم، و به رشـته محکمت چنگ زده ام و به دست آویز اسـتوارت دست آویختم، خـدایا بر بنـده خوارت که زبـانش گنـگ، و عملش انـدک است رحم کن، و با احسان پیوسـته و برجسـته ات بر او منّت گـذار، و او را زیر سایه بلنـدت حمایت فرما، ای گرامی، ای زیبا، ای مهربانترین مهربانان.

مناجات دوازدهم: رازونیاز عارفان (برای روز سه شنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خـدایا زبـآن هـا از ادای ثنـایت آن چنـان که شایسـته عظمت توست کوتـاه است، و خردها از درک ژرفای جمالت ناتوان است، و دیـده ها از تماشای بزرگی های ذاتت درمانـده است، برای خلق راهی به سوی شـناسایی ات جز ناتوانی از شـناخت قرار ندادی، خدایا ما را از کسانی قرار ده که شاخسارهای اشتیاق به سویت در بوسـتان های سـینه هایشان اسـتوار و پابرجا شده است و سوز عشـقت در کانون دلهایشان برافروخته، از این روی به آشـیانه انـدیشه های والا جای گیرنـد، و در گلسـتان قرب و مکاشـفه ات می گردنـد، و از حوض های محبّتت با جام ملاطفت می نوشـند و در کنار نهرهای صـفا وارد می شونـد، درحالی که پرده از دیدگانشان برداشـته شده، و تاریکی دودلی از باورها و ضـمایرشان زدوده گشـته، و خلجـان شـک از دلهـا و باطنشـان بیرون رفته، و سـینه هایشـان با تحقّق معرفت گشوده شـده، و همّتشان برای پیشـی گرفتن در میـدان خوشـبختی بر اثر زهـد بلنـدی گرفته، و نوشـیدنشان در چشـمه زلال کردار گوارا شـده، و باطنشان در مجلس انس پاکیزه گشـته، و راهشان در جـای ترسـناک ایمنی یافته، و جانشان با رجوع به رب الارباب اطمینان یافته، و ارواحشان به نیکبختی و رسـتگاری یقین یافته، و دیـدگانشان با نظر بـه محبوبشـان روشـنی گرفته، و آرامشـشان بـا دریـافت خـواهش و رسـیدن به آرزو اسـتقرار یـافته، و تجارتشـان در فروش دنیـا به آخرت سودبخش بوده، خدایا چه لذّت بخش است در دلها خاطرات الهام گرفته از یادت، و چقدر شـیرین است پویش به سوی تو با مرکب اندیشه ها در راه های غیب، و طعم عشـقت چه خوش، و شربت مقام قربت چقدر گوارا است، پس ما را از راندن و دور کردنت پناه ده، و از خاص ترین عارفـانت و شایسـته ترین بنـدگانت و راسـتگوترین فرمـانبرانت و خالص ترین پرسـتندگانت قرار داده، ای بزرگ، ای باشکوه، ای گرامی، ای بخشنده، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

مناجات سیزدهم: رازونیاز ذاکران (برای روز چهارشنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خـدایا اگر پـذیرش فرمـانت بر من واجب نبود هر آینه پاک نگاه می داشـتمت از این که ذکر تو گویم، چه ذکر من تو را به انـدازه کاستی من است نه برازنـده کمال تو، شأن و انـدازه من چقـدر می تواند بالا رود تا ظرف تقدیس تو قرار گیرم؟از بزرگ ترین نعمت ها بر ما جاری شدن ذکر تو بر زبان ماست، و اجازه ات به ماست که تو را بخوانیم و تنزیه و تسبیح گوییم،

خدایا پس ذکرت را به ما الهام کن در نهان و آشکار و شب و روز، و پیدا و پنهان، و در خوشی و ناخوشی و ما را به ذکر پنهان مأنوس فرما و

به عمل پاکیزه و کوشش پسندیده بکار گیر، و به میزان کامل پاداشمان ده، خدایا دلهای عاشق شیفته توانند، و خردهای جدای از هم بر معرفتت گرد آمده اند، بدین خاطر دلها آرام نگیرند جز به یاد تو، و جان ها جز به هنگام مشاهده ات راحتی نیابند، تو تنزیه شده ای، در هرجا، و پرستیده گشته ای در هرگاه و در همواره روزگار بوده ای، و به هر زبان خوانده شده ای، و در هر دلی بزرگداشت شده ای از هر لذّتی به جز ذکر تو، و از هر آسایشی جز همدمی با تو، و از هر شادمانی به غیر قرب تو، و از هر شغلی جز طاعت تو پوزش می جویم، تو گفتی و گفتارت حق است که:ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را بسیار یاد کنید و در بامداد و شامگاه او را تسبیح گویید و تو گفتی و گفتارت حق است:«مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم»ما را به یاد کردنت فرمان دادی، و وعده فرمودی که تو نیز از روی شرافت و عزّت و کرامت بخشیدن به ما، ما را یاد کنی، اکنون برابر با فرمانت تو را یاد می کنیم، پس تو نیز به وعده ات وفا کن، ای یادآور یادکنندگان، و ای مهربان ترین مهربانان.

مناجات چهاردهم: راز و نیاز پناه جویان (برای روز پنجشنبه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا ای پشتیبان پناه جویان، و ای پناه پناهندگان، و ای رهایی بخش هلاک شدگان، و ای نگهدار بینوایان، و ای مهرورز بی چیزان، و ای اجابت کننده درماندگان و ای گنجینه تهیدستان و ای جبران کننده شکست خوردگان، و ای جایگاه آوارگان، و ای یاور ناتوان شمردگان، و ای پناه دهنده ترسیدگان و ای غمگسار غمزدگان، و ای دژ پناهندگان، اگر به عزّتت پناه نیاورم پس به که پناه برم، و اگر به قدرتت پناهنده نشوم، به که پناهنده شوم؟گناهان وادارم ساخته که به دامان گذشتت چنگ زنم، و خطاها محتاجم کرده که از تو خواهم درهای چشم پوشی ات را بر من بگشایی، و بدیها مرا فراخوانده تا به آستان عزّتت بار اندازم، و هراس از انتقام وادارم کرده که به دستاویز مهرت چنگ زنم، کسی که به ریسمانت چنگ زده سزاوار نیست خوار گردد، و آن که به عزّتت پناهنده شده، شایسته نیست رها گردد یا واگذاشته شود، خدایا ما را از حمایتت محروم مکن، و از پوشش رعایتت برهنه مساز، و از پرتگاه های هلاک دورم کن، زیرا ما در سایه توجه تو و در حمایت تو به سر می بریم و از توییم، از تو می خواهم به حق خاصان از فرشتگانت، و شایستگانت از بندگانت، که برای ما سپری قرار دهی که ما را از هلاکت ها برهاند، و از آفات برکنار دارد، و از بلاهای سخت نگهداری کند، و هم این که آرامش خود را بر ما نازل کنی، و چهره های ما را به انوار محبتت پرفروغ گردانی، و ما را در پناهگاه محکمت پناه دهی، و در کناره های نگهداری خویش بگنجانی، به حق مهر و رحمتت ای مهربان ترین مهربانان.

مناجات پانزدهم: رازونیاز پارسایان (برای روز جمعه)

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی اش همیشگی است

خدایا، ما را در خانه ای ساکن نموده ای که گودال های فریبش را برای ما آماده ساخته، و در شبکه های خیانتش به دست های مرگ آویخته، از دام های فریبش به تو پناه می آوریم، و چنگ می زنیم از مغرور شدن به زیورهای آراسته اش به عنایت تو، که این دنیا خواهندگانش را هلاک می سازد، و واردینش را نابود می کند، آکنده به آفت هاست، انباشته از نکبت هاست، خدایا ما را به دنیا بی رغبت کن، و به توفیق و عصمتت ما را از آن سلامت بدار و جامه های مخالفت را از هستیمان برکن، و با حسن کفایتت امور ما را سرپرستی فرما، و فزونی سهم ما را از رحمت گسترده ات کامل گردان، و از چشمه سار مواهبت عطای ما را نیکو گردان، و در سرزمین دلهای ما درختان محبتت را بکار، و انوار معرفتت را بر ما کامل کن، و شیرینی گذشت و لذّت آمرزشت را به ما بچشان، و دیدگان ما را در جهان دیگر به دیدارت روشن فرما، و محبّت دنیا را از دل ما بیرون کن، آن گونه که درباره نیکوکاران برگزیده ات و خاصان نیکوکردارت انجام دادی، به حق مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان و ای گرامی ترین گرامیان.

**[ترجمه]

«۲۲»

وَ مِنْهَا الْمُنَاجَاهُ الْإِنْجِیلِیَّهُ لِمَوْلَانَا عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیه السلام وَ قَدْ وَجَدْتُهَا فِی بَعْضِ مَرْوِیَّاتِ أَصْحَابِنَا رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ فِی کِتَابِ أَنِیسِ الْعَابِدِینَ مِنْ مُؤَلَّفَاتِ بَعْضِ قُدَمَائِنَا عَنْهُ علیه السلام وَ هِیَ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ اللَّهُمَّ بِذِکْرِکَ أَسْتَفْتِحُ مَقَالِی وَ بِشُکْرِکَ أَسْتَنْجِحُ سُؤَالِی وَ عَلَیْکَ تَوَکُّلِی فِی کُلِّ أَحْوَالِی وَ إیاک [أَنْتَ] أَمَلِی فَلَا تُخَیِّبْ آمَالِی اللَّهُمَّ بِذِکْرِکَ أَسْتَعِیذُ وَ أَعْتَصِمُ وَ بِرُکْنِکَ أَلُوذُ وَ أَتَحَرَّمُ وَ بِقُوَّتِکَ أَسْتَجِیرُ وَ أَسْتَنْصِرُ وَ بِنُورِکَ أَهْتَدِی وَ أَسْتَبْصِرُ وَ إِیَّاکَ أَسْتَعِینُ وَ أَعْبُدُ وَ إِلَیْکَ أَقْصِدُ وَ أَعْمِدُ وَ بِکَ أُخَاصِمُ وَ أُحَاوِلُ وَ مِنْکَ أَطْلُبُ مَا أُحَاوِلُ فَأَعِنِّی یَا خَیْرَ الْمُعِینِینَ وَ قِنِی الْمَکَارِهَ کُلَّهَا یَا رَجَاءَ الْمُؤْمِنِینَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمَذْکُورِ بِکُلِّ لِسَانٍ الْمَشْکُورِ عَلَی کُلِّ إِحْسَانٍ الْمَعْبُودِ فِی کُلِّ مَکَانٍ مُدَبِّرِ الْأُمُورِ وَ مُقَدِّرِ الدُّهُورِ وَ الْعَالِمِ بِمَا تُجِنُّهُ الْبُحُورُ وَ تُکِنُّهُ الصُّدُورُ وَ تُخْفِیهِ الظَّلَامُ وَ یُبْدِیهِ النُّورُ الَّذِی حَارَ فِی عِلْمِهِ الْعُلَمَاءُ وَ سَلَّمَ لِحُکْمِهِ الْحُکَمَاءُ وَ تَوَاضَعَ لِعِزَّتِهِ الْعُظَمَاءُ وَ فَاقَ بِسَعَهِ فَضْلِهِ الْکُرَمَاءُ وَ سَادَ بِعَظِیمِ حِلْمِهِ الْحُلَمَاءُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَا یُخْفَرُ مَنِ انْتَصَرَ بِذِمَّتِهِ وَ لَا یُقْهَرُ مَنِ اسْتَتَرَ بِعَظَمَتِهِ وَ لَا یُکْدَی مَنْ أَذَاعَ شُکْرَ نِعْمَتِهِ وَ لَا یَهْلِکُ مَنْ تَغَمَّدَهُ بِرَحْمَتِهِ ذِی الْمِنَنِ الَّتِی لَا یُحْصِیهَا الْعَادُّونَ وَ النِّعَمِ الَّتِی لَا یُجَازِیهَا الْمُجْتَهِدُونَ وَ الصَّنَائِعِ الَّتِی لَا یَسْتَطِیعُ دَفْعَهَا الْجَاحِدُونَ وَ الدَّلَائِلِ الَّتِی یَسْتَبْصِرُ بِنُورِهَا الْمَوْجُودُونَ أَحْمَدُهُ جَاهِراً بِحَمْدِهِ شَاکِراً لِرِفْدِهِ حَمْدَ مُوَفَّقٍ لِرُشْدِهِ وَاثِقٍ بِعَدْلِهِ (۱)

لَهُ الشُّکْرُ الدَّائِمُ وَ الْأَمْرُ اللَّازِمُ اللَّهُمَّ إِیَّاکَ أَسْأَلُ وَ بِکَ أَتَوَسَّلُ وَ عَلَیْکَ أَتَوَکَّلُ وَ بِفَضْلِکَ أَغْتَنِمُ وَ بِحَبْلِکَ

۱- ۱. واثق بوعده خ ل.

أَعْتَصِمُ وَ فِی رَحْمَتِکَ أَرْغَبُ وَ مِنْ نَقِمَتِکَ أَرْهَبُ وَ بِقُوَّتِکَ (۱)

أَسْتَعِینُ وَ بِعَظَمَتِکَ أَسْتَکِینُ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْوَلِیُّ الْمُرْشِدُ وَ الْغَنِیُّ الْمُرْفِدُ وَ الْعَوْنُ الْمُؤَیِّدُ الرَّاحِمُ الْغَفُورُ وَ الْعَاصِمُ الْمُجِیرُ وَ الْقَاصِمُ الْمُبِیرُ وَ الْخَالِقُ الْحَلِیمُ وَ الرَّازِقُ الْکَرِیمُ وَ السَّابِقُ الْقَدِیمُ عَلِمْتَ فَخَبَرْتَ وَ حَلُمْتَ فَسَتَرْتَ وَ رَحِمْتَ فَغَفَرْتَ وَ عَظُمْتَ فَقَهَرْتَ وَ مَلَکْتَ فَاسْتَأْثَرْتَ وَ أَدْرَکْتَ فَاقْتَدَرْتَ وَ حَکَمْتَ فَعَدَلْتَ وَ أَنْعَمْتَ فَأَفْضَلْتَ وَ أَبْدَعْتَ فَأَحْسَنْتَ وَ صَنَعْتَ فَأَتْقَنْتَ وَ جُدْتَ فَأَغْنَیْتَ وَ أَیَّدْتَ فَکَفَیْتَ وَ خَلَقْتَ فَسَوَّیْتَ وَ وَفَّقْتَ فَهَدَیْتَ بَطَنْتَ الْغُیُوبَ فَخَبَّرْتَ مَکْنُونَ أَسْرَارِهَا وَ حُلْتَ بَیْنَ الْقُلُوبِ وَ بَیْنَ تَصَرُّفِهَا عَلَی اخْتِیَارِهَا فَأَیْقَنَتِ الْبَرَایَا أَنَّکَ مُدَبِّرُهَا وَ خَالِقُهَا وَ أَذْعَنَتْ أَنَّکَ مُقَدِّرُهَا وَ رَازِقُهَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَعَالَیْتَ عَمَّا یَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوّاً کَبِیراً اللَّهُمَّ إِنِّی أُشْهِدُکَ وَ أَنْتَ أَقْرَبُ الشَّاهِدِینَ وَ أُشْهِدُ مَنْ حَضَرَنِی مِنْ مَلَائِکَتِکَ الْمُقَرَّبِینَ وَ عِبَادِکَ الصَّالِحِینَ مِنَ الْجِنَّهِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِینَ أَنِّی أَشْهَدُ بِسَرِیرَهٍ زَکِیَّهٍ وَ بَصِیرَهٍ مِنَ الشَّکِّ بَرِیئَهٍ شَهَادَهً أَعْتَقِدُهَا بِإِخْلَاصٍ وَ إِیقَانٍ وَ أُعِدُّهَا طَمَعاً فِی الْخَلَاصِ وَ الْأَمَانِ أُسِرُّهَا تَصْدِیقاً بِرُبُوبِیَّتِکَ وَ أُظْهِرُهَا تَحْقِیقاً لِوَحْدَانِیَّتِکَ وَ لَا أَصُدُّ عَنْ سَبِیلِهَا وَ لَا أُلْحِدُ فِی تَأْوِیلِهَا إِنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ رَبِّی لَا أُشْرِکُ بِکَ أَحَداً وَ لَا أَجِدُ مِنْ دُونِکَ مُلْتَحِداً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ الْوَاحِدُ الَّذِی لَا یَدْخُلُ فِی عَدَدٍ وَ الْفَرْدُ الَّذِی لَا یُقَاسُ بِأَحَدٍ عَلَا عَنِ الْمُشَاکَلَهِ وَ الْمُنَاسَبَهِ وَ خَلَا مِنَ الْأَوْلَادِ وَ الصَّاحِبَهِ سُبْحَانَهُ مِنْ خَالِقٍ مَا أَصْنَعَهُ وَ رَازِقٍ مَا أَوْسَعَهُ وَ قَرِیبٍ مَا أَرْفَعَهُ وَ مُجِیبٍ مَا أَسْمَعَهُ وَ عَزِیزٍ مَا أَمْنَعَهُ لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَی فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً نَبِیُّهُ الْمُرْسَلُ وَ وَلِیُّهُ الْمُفَضَّلُ وَ شَهِیدُهُ الْمُسْتَعْدَلُ (۲) الْمُؤَیَّدُ بِالنُّورِ الْمُضِیءِ وَ الْمُسَدَّدُ بِالْأَمْرِ الْمَرْضِیِّ بَعَثَهُ بِالْأَوَامِرِ الشَّافِیَهِ وَ الزَّوَاجِرِ النَّاهِیَهِ وَ الدَّلَائِلِ الْهَادِیَهِ الَّتِی أَوْضَحَ بُرْهَانَهَا وَ شَرَحَ بُنْیَانَهَا فِی کِتَابٍ مُهَیْمِنٍ

۱- ۱. و بعونك خ ل.

۲- ۲. المعدل خ ل.

عَلَى كُلِّ كِتَابٍ جَامِعٍ لِكُلِّ رُشْدٍ وَ صَوَابٍ فِيهِ نَبَأُ الْقُرُونِ وَ تَفْصِيلُ الشُّئُونِ (۱) وَ فَرْضُ الصَّلَاهِ وَ الصِّيَامِ وَ الْفَرْقُ بَيْنَ الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ فَدَعَا إِلَى خَيْرِ سَبِيلٍ وَ شَفَا مِنْ هُيَامِ الْغَلِيلِ (۲)

حَتَّى عَلَا الْحَقُّ وَ ظَهَرَ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ وَ انْحَسَرَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ صَلَاةً دَائِمَةً مُمَهَّدَةً لَا تَنْقَضِى لَهَا مُدَّةٌ وَ لَا يَنْحَصِرُ(۳) لَهَا عِدَّةٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مَا جَرَتِ النُّجُومُ فِى الْأَبْرَاجِ وَ طلاطمه [تَلَاطَمَتِ] الْبُحُورُ بِالْأَمْوَاجِ وَ مَا ادْلَهَمَّ لَيْلٌ دَاجٍ وَ أَشْرَقَ نَهَارٌ ذُو ابْتِلَاجٍ وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَا تَعَاقَبَتِ الْأَيَّامُ وَ تَنَاوَبَتِ الْأَعْوَامُ وَ مَا خَطَرَتِ الْأَوْهَامُ وَ تَدَبَّرَتِ الْأَفْهَامُ وَ مَا بَقِىَ الْأَنَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ وَ آلِهِ الْبَرَرَهِ الْأَتْقِيَاءِ وَ عَلَى عِتْرَتِهِ النُّجَبَاءِ(۴)

صَلَاهً مَعْرُوفَهً بِالتَّمَامِ وَ النَّمَاءِ وَ بَاقِيَهً بِلَا فَنَاءٍ وَ انْقِضَاءٍ اللَّهُمَّ رَبَّ الْعَالَمِينَ وَ أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ وَ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ مِنَ الشَّهَادَهِ أَقْسَطَهَا وَ مِنَ الْعِبَادَهِ أَنْشَطَهَا وَ مِنَ الزِّيَادَهِ أَبْسَطَهَا وَ مِنَ الْكَرَامَهِ أَغْبَطَهَا وَ مِنَ السَّلَامَهِ أَحْوَطَهَا وَ مِنَ الْأَعْمَالِ أَقْسَطَهَا وَ مِنَ الْآمَالِ أَوْفَقَهَا وَ مِنَ الْأَقْوَالِ أَصْدَقَهَا وَ مِنَ الْمَحَالِّ أَشْرَفَهَا وَ مِنَ الْمَنَازِلِ أَلْطَفَهَا وَ مِنَ الْحِيَاطَهِ أَكْنَفَهَا وَ مِنَ الرِّعَايَهِ أَعْطَفَهَا(۵) وَ مِنَ الْعِصْمَهِ أَكْفَاهَا وَ مِنَ الرَّاحَهِ أَشْفَاهَا وَ مِنَ النِّعْمَهِ أَوْفَاهَا وَ مِنَ الْهِمَمِ أَعْلَاهَا وَ مِنَ الْقِسَمِ أَسْنَاهَا وَ مِنَ الْأَرْزَاقِ أَغْزَرَهَا وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ أَطْهَرَهَا وَ مِنَ الْمَذَاهِبِ أَقْصَدَهَا وَ مِنَ الْعَوَاقِبِ أَحْمَدَهَا وَ مِنَ الْأُمُورِ أَرْشَدَهَا وَ مِنَ التَّدَابِيرِ أَوْكَدَهَا وَ مِنَ الْحُدُودِ أَسْعَدَهَا وَ مِنَ الشُّئُونِ أَعْوَدَهَا وَ مِنَ الْفَوَائِدِ أَرْجَحَهَا وَ مِنَ الْعَوَائِلِ أَنْجَحَهَا وَ مِنَ الزِّيَادَاتِ أَتَمَّهَا وَ مِنَ الْبَرَكَاتِ أَعَمَّهَا وَ مِنَ الصَّالِحَاتِ أَعْظَمَهَا: اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ قَلْباً خَاشِعاً زَكِيّاً وَ لِسَاناً صَادِقاً عَلِيّاً وَ رِزْقاً وَاسِعاً هَنِيئاً

۱- ۱. السنون خ ل.

۲- ۲. الهيام: الجنون من العشق.

۳- ۳. و لا تفنى خ ل.

۴- ۴. الخيره الاصفياء خ.

۵- ۵. أوسطها خ ل.

وَ عَیْشاً رَغَداً مَرِیّاً وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ ضَنْکِ الْمَعَاشِ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ سَاعٍ وَ وَاشٍ وَ غَلَبَهِ الْأَضْدَادِ وَ الْأَوْبَاشِ وَ کُلِّ قَبِیحٍ بَاطِنٍ أَوْ فَاشٍ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ دُعَاءٍ مَحْجُوبٍ وَ رَجَاءٍ مَکْذُوبٍ وَ حَیَاءٍ مَسْلُوبٍ وَ احْتِجَاجٍ مَغْلُوبٍ وَ رَأْیٍ غَیْرِ مُصِیبٍ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ الْمُسْتَعَاذُ وَ عَلَیْکَ الْمُعَوَّلُ وَ بِکَ الْمَلَاذُ(۱)

فَأَنِلْنِی لَطَائِفَ مِنَنِکَ فَإِنَّکَ لَطِیفٌ فَلَا تَبْتَلِینِی (۲)

بِمحبَّتِکَ فَإِنِّی ضَعِیفٌ وَ تَوَلَّنِی بِعَطْفِ تَحَنُّنِکَ یَا رَءُوفُ یَا مَنْ آوَی الْمُنْقَطِعِینَ إِلَیْهِ وَ أَغْنَی الْمُتَوَکِّلِینَ عَلَیْهِ جُدْ بِغِنَاکَ عَنْ فَاقَتِی وَ لَا تُحَمِّلْنِی فَوْقَ طَاقَتِی اللَّهُمَّ اجْعَلْنِی مِنَ الَّذِینَ جَدُّوا فِی قَصْدِکَ فَلَمْ یَنْکُلُوا وَ سَلَکُوا الطَّرِیقَ إِلَیْکَ فَلَمْ یَعْدِلُوا وَ اعْتَمَدُوا عَلَیْکَ فِی الْوُصُولِ حَتَّی وَصَلُوا فَرَوِیَتْ قُلُوبُهُمْ مِنْ مَحَبَّتِکَ وَ آنَسْتَ نُفُوسَهُمْ بِمَعْرِفَتِکَ فَلَمْ یَقْطَعْهُمْ عَنْکَ قَاطِعٌ وَ لَا مَنَعَهُمْ عَنْ بُلُوغِ مَا أَمَّلُوهُ لَدَیْکَ مَانِعٌ فَ هُمْ فِی مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خالِدُونَ وَ لا یَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَکْبَرُ وَ تَتَلَقّاهُمُ الْمَلائِکَهُ هذا یَوْمُکُمُ الَّذِی کُنْتُمْ تُوعَدُونَ اللَّهُمَّ لَکَ قَلْبِی وَ لِسَانِی وَ بِکَ نَجَاتِی وَ أَمَانِی وَ أَنْتَ الْعَالِمُ بِسِرِّی وَ إِعْلَانِی فَأَمِتْ قَلْبِی عَنِ الْبَغْضَاءِ وَ أَصْمِتْ لِسَانِی عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ أَخْلِصْ سَرِیرَتِی عَنْ عَلَائِقِ الْأَهْوَاءِ وَ اکْفِنِی بِأَمَانِکَ عَنْ عَوَائِقِ الضَّرَّاءِ وَ اجْعَلْ سِرِّی مَعْقُوداً عَلَی مُرَاقَبَتِکَ وَ إِعْلَانِی مُوَافِقاً لِطَاعَتِکَ وَ هَبْ لِی جِسْماً رُوحَانِیّاً وَ قَلْباً سَمَاوِیّاً وَ هِمَّهً مُتَّصِلَهً بِکَ وَ یَقِیناً صَادِقاً فِی حُبِّکَ وَ أَلْهِمْنِی مِنْ مَحَامِدِکَ أَمْدَحَهَا وَ هَبْ لِی مِنْ فَوَائِدِکَ أَسْمَحَهَا إِنَّکَ وَلِیُّ الْحَمْدِ وَ الْمُسْتَوْلِی عَلَی الْمَجْدِ یَا مَنْ لَا یَنْقُصُ مَلَکُوتَهُ عِصْیَانُ الْمُتَمَرِّدِینَ وَ لَا یَزِیدُ جَبَرُوتَهُ إِیمَانُ الْمُوَحِّدِینَ إِلَیْکَ أَسْتَشْفِعُ بِقَدِیمِ کَرَمِکَ أَنْ لَا تَسْلُبَنِی مَا مَنَحْتَنِی مِنْ جَسِیمِ نِعَمِکَ وَ اصْرِفْنِی بِحُسْنِ نَظَرِکَ لِی عَنْ وَرْطَهِ الْمَهَالِکِ وَ عَرِّفْنِی بِجَمِیلِ اخْتِیَارِکَ لِی مُنْجِیَاتِ الْمَسَالِکِ.

یَا مَنْ قَرُبَتْ رَحْمَتُهُ مِنَ الْمُحْسِنِینَ وَ أَوْجَبَ عَفْوَهُ لِلْأَوَّابِینَ بَلِّغْنَا بِرَحْمَتِکَ

۱- ۱. المعاذ خ ل.

۲- ۲. لا تبلینی خ ل.

غَنَائِمَ الْبِرِّ وَ الْإِحْسَانِ وَ جَلِّلْنَا بِنِعْمَتِکَ مَلَابِسَ الْعَفْوِ وَ الْغُفْرَانِ وَ اصْحِبْ رَغَبَاتِنَا بِحَيَاءٍ يَقْطَعُهَا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ احْشُ قُلُوبَنَا نُوراً يَمْنَعُهَا مِنَ الشُّبُهَاتِ وَ أَوْدِعْ نُفُوسَنَا خَوْفَ الْمُشْفِقِينَ مِنْ سُوءِ الْحِسَابِ وَ رَجَاءَ الْوَاثِقِينَ بِتَوْفِيرِ الثَّوَابِ فَلَا نَغْتَرَّ بِالْإِمْهَالِ (۱) وَ لَا نُقَصِّرَ فِی صَالِحِ الْأَعْمَالِ وَ لَا نَفْتَرَّ مِنَ التَّسْبِيحِ بِحَمْدِکَ فِی الْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ يَا مَنْ آنَسَ الْعَارِفِينَ بِطِيِّبِ مُنَاجَاتِهِ وَ أَلْبَسَ الْخَاطِئِينَ ثَوْبَ مُوَالاتِهِ مَتَى فَرِحَ مَنْ قَصَدَتْ سِوَاکَ هِمَّتُهُ وَ مَتَى اسْتَرَاحَ مَنْ أَرَادَتْ غَيْرَکَ عَزِيمَتُهُ وَ مَنْ ذَا الَّذِی قَصَدَکَ بِصِدْقِ الْإِرَادَهِ فَلَمْ تَشْفَعْهُ فِی مُرَادِهِ أَمْ مَنْ ذَا الَّذِی اعْتَمَدَ عَلَيْکَ فِی أَمْرِهِ فَلَمْ تَجُدْ بِإِسْعَادِهِ أَمْ مَنْ ذَا الَّذِی اسْتَرْشَدَکَ فَلَمْ تَمْنُنْ بِإِرْشَادِهِ اللَّهُمَّ عَبْدُکَ الضَّعِيفُ الْفَقِيرُ وَ مِسْكِينُکَ اللَّهِيفُ الْمُسْتَجِيرُ عَالِمٌ أَنَّ فِی قَبْضَتِکَ أَزِمَّهَ التَّدْبِيرِ وَ مَصَادِرَ الْمَقَادِيرِ عَنْ إِرَادَتِکَ وَ أَنَّکَ (۲) أَقَمْتَ بِقُدْسِکَ حَيَاهَ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ جَعَلْتَهُ نَجَاهً لِکُلِّ حَیٍّ فَارْزُقْهُ مِنْ حَلَاوَهِ مُصَافَاتِکَ مَا يَصِيرُ بِهِ إِلَى مَرْضَاتِکَ وَ هَبْ لَهُ مِنْ خُشُوعِ التَّذَلُّلِ وَ خُضُوعِ التَّقَلُّلِ (۳) فِی رَهْبَهِ الْإِخْبَاتِ وَ سَلَامَهِ الْمَحْيَا وَ الْمَمَاتِ مَا تَحْضُرُهُ كِفَايَهُ الْمُتَوَكِّلِينَ وَ تُمَيِّزُهُ بِهِ رِعَايَهَ الْمَكْفُولِينَ وَ تُعِزُّهُ وَلَايَهَ الْمُتَّصِلِينَ الْمَقْبُولِينَ يَا مَنْ هُوَ أَبَرُّ بِی مِنَ الْوَالِدِ الشَّفِيقِ وَ أَقْرَبُ إِلَیَّ مِنَ الصَّاحِبِ اللَّزِيقِ (۴)

أَنْتَ مَوْضِعُ أُنْسِی فِی الْخَلْوَهِ إِذَا أَوْحَشَنِی الْمَكَانُ وَ لَفَظَتْنِی الْأَوْطَانُ وَ فَارَقَتْنِی الْأُلَّافُ وَ الْجِيرَانُ وَ انْفَرَدْتُ فِی مَحَلٍّ ضَنْکٍ قَصِيرِ السَّمْکِ ضَيِّقِ الضَّرِيحِ مُطَبَّقِ الصَّفِيحِ مَهُولٌ مَنْظَرُهُ ثَقِيلٌ مَدَرُهُ مُخَلَّاهٌ(۵)

بِالْوَحْشَهِ عَرْصَتُهُ مُغَشَّاهٌ بِالظُّلْمَهِ سَاحَتُهُ عَلَى غَيْرِ مِهَادٍ وَ لَا وِسَادٍ وَ لَا تَقْدِمَهِ زَادٍ وَ لَا اعْتِدَادٍ فَتَدَارَكْنِی بِرَحْمَتِکَ الَّتِی

۱- ۱. بالاهمال خ ل.

۲- ۲. و أنت خ ل.

۳- ۳. التبتل خ ل.

۴- ۴. الرفيق خ ل.

۵- ۵. مستقله خ ل.

وَسِعَتِ الْأَشْيَاءَ أَكْنَافَهَا وَ جَمَعَتِ الْأَحْيَاءَ أَطْرَافَهَا وَ عَمَّتِ الْبَرَايَا أَلْطَافَهَا وَ عُدْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ يَا كَرِيمُ وَ لَا تُؤَاخِذْنِى بِجَهْلِى يَا رَحِيمُ اللَّهُمَّ ارْحَمْ مَنِ اكْتَنَفَتْهُ سَيِّئَاتُهُ وَ أَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَاتُهُ وَ حَفَّتْ بِهِ جِنَايَاتُهُ بِعَفْوِكَ ارْحَمْ مَنْ لَيْسَ لَهُ مِنْ عَمَلِهِ شَافِعٌ وَ لَا يَمْنَعُهُ مِنْ عَذَابِكَ مَانِعٌ ارْحَمِ الْغَافِلَ عَمَّا أَظَلَّهُ (۱)

وَ الذَّاهِلَ عَنِ الْأَمْرِ الَّذِى خُلِقَ لَهُ ارْحَمْ مَنْ نَقَضَ الْعَهْدَ وَ عَذَرَ وَ عَلَى مَعْصِيَتِكَ انْطَوَى وَ أَصَرَّ وَ جَاهَرَكَ بِجَهْلِهِ وَ مَا اسْتَتَرَ ارْحَمْ مَنْ أَلْقَى عَنْ رَأْسِهِ قِنَاعَ الْحَيَاءِ وَ حَسَرَ عَنْ ذِرَاعَيْهِ جِلْبَابَ الْأَتْقِيَاءِ وَ اجْتَرَأَ عَلَى سَخَطِكَ بِارْتِكَابِ الْفَحْشَاءِ فَيَا مَنْ لَمْ يَزَلْ عَفُوّاً غَفَّاراً ارْحَمْ لِمَنْ لَمْ يَزَلْ مُسْقِطاً عَثَّاراً اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِى مَا مَضَى مِنِّى وَ اخْتِمْ لِى بِمَا تَرْضَى بِهِ عَنِّى وَ اعْقِدْ عَزَائِمِى عَلَى تَوْبَةٍ بِكَ مُتَّصِلَةً وَ لَدَيْكَ مُتَقَبَّلَةً تُقِيلُنِى بِهَا عَثَرَاتِى وَ تَسْتُرُ بِهَا عَوْرَاتِى وَ تَرْحَمُ بِهَا عَبَرَاتِى وَ تُجِيرُنِى بِهَا إِجَارَةً مِنْ مُعَاطِبِ انْتِقَامِكَ وَ تُنِيلُنِى بِهَا الْمَسَرَّةَ بِمَوَاهِبِ إِنْعَامِكَ يَوْمَ تَبْرُزُ الْأَخْبَارُ وَ تَعْظُمُ الْأَخْطَارُ وَ تُبْلَى الْأَسْرَارُ وَ تُهْتَكُ الْأَسْتَارُ وَ تَشْخَصُ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ يَوْمَ لا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ وَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ إِنَّكَ مَعْدِنُ الْآلَاءِ وَ الْكَرَمِ وَ صَارِفُ اللَّأْوَاءِ وَ النِّقَمِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَلَيْكَ أَعْتَمِدُ وَ بِكَ أَسْتَعِينُ وَ أَنْتَ حَسْبِى وَ كَفَى بِكَ وَكِيلًا يَا مَالِكَ خَزَائِنِ الْأَقْوَاتِ وَ فَاطِرَ أَصْنَافِ الْبَرِيَّاتِ وَ خَالِقَ سَبْعِ طَرَائِقَ مَسْلُوكَاتٍ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ أَرَضِينَ مُذَلَّلَاتٍ الْعَالِى فِى وَقَارِ الْعِزِّ وَ الْمَنَعَهِ وَ الدَّائِمُ فِى كِبْرِيَاءِ الْهَيْبَهِ وَ الرِّفْعَهِ وَ الْجَوَادُ بِنَيْلِهِ عَلَى خَلْقِهِ مِنْ سَعَهٍ لَيْسَ لَهُ حَدٌّ وَ لَا أَمَدٌ وَ لَا يُدْرِكُهُ تَحْصِيلٌ وَ لَا عَدَدٌ وَ لَا يُحِيطُ بِوَصْفِهِ أَحَدٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ أَمْشَاجِ النَّسَمِ وَ مُولِجِ الْأَنْوَارِ فِى الظُّلَمِ وَ مُخْرِجِ الْمَوْجُودِ مِنَ الْعَدَمِ وَ السَّابِقِ الْأَزَلِيَّهِ بِالْقِدَمِ وَ الْجَوَادِ عَلَى الْخَلْقِ بِسَوَابِقِ النِّعَمِ وَ الْعَوَّادِ عَلَيْهِمْ بِالْفَضْلِ وَ الْكَرَمِ الَّذِى لَا يُعْجِزُهُ كَثْرَةُ الْإِنْفَاقِ وَ لَا يُمْسِكُ خَشْيَهَ الْإِمْلَاقِ وَ لَا يَنْقُصُهُ إِدْرَارُ الْأَرْزَاقِ وَ لَا يُدْرَكُ بِأَنَاسِيِّ الْأَحْدَاقِ وَ لَا يُوصَفُ بِمُضَامَّهٍ

ص: ۱۵۸

۱- ۱. أضله خ ل.

وَ لَا افْتِرَاقٍ أَحْمَدُهُ عَلَى جَزِيلِ إِحْسَانِهِ وَ أَعُوذُ بِهِ مِنْ حُلُولِ خِذْلَانِهِ وَ أَسْتَهْدِيهِ بِنُورِ بُرْهَانِهِ وَ أُومِنُ بِهِ حَقَّ إِيمَانِهِ وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ الَّذِی عَمَّ الْخَلَائِقَ جَدْوَاهُ وَ تَمَّ حُكْمُهُ فِيمَنْ أَضَلَّ مِنْهُمْ وَ هَدَاهُ وَ أَحَاطَ عِلْماً بِمَنْ أَطَاعَهُ وَ عَصَاهُ وَ اسْتَوْلَى عَلَى الْمُلْكِ بِعِزٍّ أَبَدٍ(۱) فَحَوَاهُ فَسَبَّحَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ أَكْنَافُهَا وَ الْأَرْضُ وَ أَطْرَافُهَا وَ الْجِبَالُ وَ أَعْرَاقُهَا(۲) وَ الشَّجَرُ وَ أَغْصَانُهَا وَ الْبِحَارُ وَ حِيتَانُهَا وَ النُّجُومُ فِی مَطَالِعِهَا وَ الْأَمْطَارُ فِی مَوَاقِعِهَا وَ وُحُوشُ الْأَرْضِ وَ سِبَاعُهَا وَ مَدَدُ الْأَنْهَارِ وَ أَمْوَاجُهَا وَ عَذْبُ الْمِيَاهِ وَ أُجَاجُهَا وَ هُبُوبُ الرِّيحِ وَ عَجَّاجُهَا وَ كُلُّ مَا وَقَعَ عَلَيْهِ وَصْفٌ وَ تَسْمِيَهٌ أَوْ يُدْرِكُهُ حَدٌّ يَحْوِيهِ مِمَّا يُتَصَوَّرُ فِی الْفِكْرِ أَوْ يَتَمَثَّلُ بِجِسْمٍ أَوْ قَدْرٍ أَوْ يُنْسَبُ إِلَى عَرَضٍ أَوْ جَوْهَرٍ مِنْ صَغِيرٍ حَقِيرٍ أَوْ خَطِيرٍ كَبِيرٍ مُقِرّاً لَهُ بِالْعُبُودِيَّهِ خَاشِعاً مُعْتَرِفاً لَهُ بِالْوَحْدَانِيَّهِ طَائِعاً مُسْتَجِيباً لِدَعْوَتِهِ خَاضِعاً مُتَضَرِّعاً لِمَشِيَّتِهِ (۳) مُتَوَاضِعاً لَهُ الْمُلْكُ الَّذِی لَا نَفَادَ لِدَيْمُومِيَّتِهِ وَ لَا انْقِضَاءَ لِعِدَّتِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ الْكَرِيمُ وَ رَسُولُهُ الطَّاهِرُ الْمَعْصُومُ بَعَثَهُ وَ النَّاسُ فِی غَمْرَهِ الضَّلَالَهِ سَاهُونَ وَ فِی غِرَّهِ الْجَهَالَهِ لَاهُونَ لَا يَقُولُونَ صِدْقاً وَ لَا يَسْتَعْمِلُونَ حَقّاً قَدِ اكْتَنَفَتْهُمُ الْقَسْوَهُ وَ حَقَّتْ عَلَيْهِمُ الشِّقْوَهُ إِلَّا مَنْ أَحَبَّ اللَّهُ إِنْقَاذَهُ وَ رَحِمَهُ وَ أَعَانَهُ فَقَامَ مُحَمَّدٌ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ

آلِهِ فِيهِمْ مَجِداً فِی إِنْذَارِهِ مُرْشِداً لِأَنْوَارِهِ بِعَزْمٍ ثَاقِبٍ وَ حُكْمٍ وَاجِبٍ حَتَّى تَأَلَّقَ شِهَابُ الْإِيمَانِ وَ تَفَرَّقَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ وَ أَعَزَّ اللَّهُ جُنْدَهُ وَ عُبِدَ وَحْدَهُ ثُمَّ اخْتَارَهُ اللَّهُ فَرَفَعَهُ إِلَى رَوْحِ جَنَّتِهِ وَ فَسِيحِ (۴) كَرَامَتِهِ فَقَبَضَهُ تَقِيّاً زَكِيّاً رَاضِياً مَرْضِيّاً طَاهِراً نَقِيّاً وَ تَمَّتْ كَلِمَاتُ (۵) رَبِّكَ صِدْقاً وَ عَدْلًا لا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ وَ أَقْرَبِيهِ وَ ذَوِی رَحِمِهِ وَ مَوَالِيهِ صَلَاهً جَلِيلَهً جَزِيلَهً مَوْصُولَهً مَقْبُولَهً لَا انْقِطَاعَ لِمَزِيدِهَا وَ لَا اتِّضَاعَ لِمَشِيدِهَا وَ لَا امْتِنَاعَ لِصُعُودِهَا

۱- ۱. بعوائد خ ل.

۲- ۲. و أعرافها خ ل.

۳- ۳. بمشيته خ ل.

۴- ۴. و فسح خ ل.

۵- ۵. كلمه خ ل.

تَنْتَهِی إِلَی مَقَرِّ أَرْوَاحِهِمْ وَ مَقَامِ فَلَاحِهِمْ فَیُضَاعِفُ اللَّهُ لَهُمْ تَحِیَّاتِهَا وَ یُشَرِّفُ لَدَیْهِمْ صَلَوَاتِهَا فَتَتَلَقَّاهُمْ مَقْرُونَهً بِالرَّوْحِ وَ السُّرُورِ مَحْفُوفَهً بِالنَّضَارَهِ وَ النُّورِ دَائِمَهً بِلَا فَنَاءٍ(۱) وَ لَا فُتُورٍ اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَکْمَلَ صَلَوَاتِکَ وَ أَشْرَفَهَا وَ أَجْمَلَ تَحِیَّاتِکَ وَ أَلْطَفَهَا وَ أَشْمَلَ بَرَکَاتِکَ وَ أَعْطَفَهَا وَ أَجَلَّ هِبَاتِکَ وَ أَرْأَفَهَا عَلَی مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ وَ أَکْرَمِ الْأُمِّیِّینَ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ الْأَصْفِیَاءِ الطَّاهِرِینَ وَ عِتْرَتِهِ النُّجَبَاءِ الْمُخْتَارِینَ وَ شِیعَتِهِ الْأَوْفِیَاءِ الْمُوَازِرِینَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ الْمُهَاجِرِینَ وَ أَدْخِلْنَا فِی شَفَاعَتِهِ یَوْمَ الدِّینِ مَعَ مَنْ دَخَلَ فِی زُمْرَتِهِ مِنَ الْمُوَحِّدِینَ یَا أَکْرَمَ الْأَکْرَمِینَ وَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِکُ الَّذِی لَا یُمَلَّکُ (۲)

وَ الْوَاحِدُ الَّذِی لَا شَرِیکَ لَکَ یَا سَامِعَ السِّرِّ وَ النَّجْوَی وَ یَا دَافِعَ الضُّرِّ وَ الْبَلْوَی وَ یَا کَاشِفَ الْعُسْرِ وَ الْبُؤْسَی وَ قَابِلَ الْعُذْرِ وَ الْعُتْبَی وَ مُسْبِلَ السِّتْرِ عَلَی الْوَرَی جَلِّلْنِی مِنْ رَأْفَتِکَ بِأَمْرٍ وَاقٍ وَ سُمْنِی (۳)

مِنْ رِعَایَتِکَ بِرُکْنٍ بَاقٍ وَ أَوْصِلْنِی بِعِنَایَتِکَ إِلَی غَایَهِ السِّبَاقِ وَ اجْعَلْنِی بِرَحْمَتِکَ مِنْ أَهْلِ الرِّعَایَهِ لِلْمِیثَاقِ وَ اعْمُرْ قَلْبِی بِخَشْیَهِ ذَوِی الْإِشْفَاقِ یَا مَنْ لَمْ یَزَلْ فِعْلُهُ بِی حَسَناً جَمِیلًا وَ لَمْ یَکُنْ بِسَتْرِهِ عَلَیَّ بَخِیلًا وَ لَا بِعُقُوبَتِهِ عَلَیَّ عَجُولًا أَتْمِمْ عَلَیَّ مَا ظَاهَرْتَ مِنْ تَفَضُّلِکَ وَ لَا تُؤَاخِذْنِی بِمَا سَتَرْتَ عَلَیَّ عِنْدَ نَظَرِکَ (۴)

سَیِّدِی کَمْ مِنْ نِعْمَهٍ ظَلَّلْتَ لِأَنِیقِ بَهْجَتِهَا لَابِساً وَ کَمْ أَسْدَیْتَ عِنْدِی مِنْ یَدٍ قَدْ طَفِقْتَ بِهِدَایَتِهَا مُنَافِساً وَ کَمْ قَلَّدْتَنِی مِنْ مِنَّهٍ ضَعُفَتْ قُوَایَ عَنْ حَمْلِهَا وَ ذَهَلَتْ فِطْنَتِی عَنْ ذِکْرِ فَضْلِهَا وَ عَجَزَ شُکْرِی عَنْ جَزَائِهَا وَ ضِقْتُ ذَرْعاً بِإِحْصَائِهَا قَابَلْتُکَ فِیهَا بِالْعِصْیَانِ وَ نَسِیتُ شُکْرَ مَا أَوْلَیْتَنِی فِیهَا مِنَ الْإِحْسَانِ فَمَنْ أَسْوَأُ حَالًا مِنِّی إِنْ لَمْ تَتَدَارَکْنِی (۵) بِالْغُفْرَانِ وَ تُوزِعْنِی شُکْرَ مَا اصْطَنَعْتَ عِنْدِی مِنْ فَوَائِدِ الِامْتِنَانِ فَلَسْتُ مُسْتَطِیعاً لِقَضَاءِ حُقُوقِکَ إِنْ لَمْ تُؤَیِّدْنِی بِصُحْبَهِ(۶)تَوْفِیقِکَ.

۱- ۱. بلا نفاد خ ل.

۲- ۲. لا یهلک خ ل.

۳- ۳. و تشملنی خ ل.

۴- ۴. بما سترت بتطولک خ ل.

۵- ۵. تدارکنی خ ل.

۶- ۶. بصحبه خ ل.

سَيِّدِى لَوْ لَا نُورُكَ عَمِيتُ عَنِ الدَّلِيلِ وَ لَوْ لَا تَبْصِيرُكَ ضَلَلْتُ عَنِ السَّبِيلِ وَ لَوْ لَا تَعْرِيفُكَ لَمْ أَرْشُدْ لِلْقَبُولِ وَ لَوْ لَا تَوْفِيقُكَ لَمْ أَهْتَدِ إِلَى مَعْرِفَهِ التَّأْوِيلِ.

فَيَا مَنْ أَكْرَمَنِى بِتَوْحِيدِهِ وَ عَصَمَنِى عَنِ الضَّلَالِ بِتَسْدِيدِهِ وَ أَلْزَمَنِى إِقَامَهَ حُدُودِهِ لَا تَسْلُبْنِى مَا وَهَبْتَ لِى مِنْ تَحْقِيقِ مَعْرِفَتِكَ وَ أَحْيِنِى (۱) بِيَقِينٍ أَسْلَمَ بِهِ مِنَ الْإِلْحَادِ فِى صِفَتِكَ يَا خَيْرَ مَنْ رَجَاهُ الرَّاجُونَ وَ أَرْأَفَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ اللَّاجُونَ وَ أَكْرَمَ مَنْ قَصَدَهُ الْمُحْتَاجُونَ ارْحَمْنِى إِذَا انْقَطَعَ مَعْلُومُ عُمُرِى وَ دَرَسَ ذِكْرِى وَ امْتَحَى (۲)

أَثَرِى وَ بُوِّئْتُ فِى الضَّرِيحِ مُرْتَهَناً بِعَمَلِى مَسْئُولًا عَمَّا أَسْلَفْتُهُ مِنْ فَارِطِ زَلَلِى مَنْسِيّاً كَمَنْ نُسِىَ فِى الْأَمْوَاتِ مِمَّنْ كَانَ قَبْلِى رَبِّ سَهِّلْ لِى تَوْبَهً إِلَيْكَ وَ أَعِنِّى عَلَيْهَا وَ احْمِلْنِى عَلَى مَحَجَّهِ الْإِخْبَاتِ لَكَ وَ أَرْشِدْنِى إِلَيْهَا فَإِنَّ الْحَوْلَ وَ الْقُوَّهَ بِمَعُونَتِكَ وَ الثَّبَاتَ وَ الِانْتِقَالَ بِقُدْرَتِكَ يَا مَنْ هُوَ أَرْحَمُ لِى مِنَ الْوَالِدِ الشَّفِيقِ وَ أَبَرُّ بِى مِنَ الْوَلَدِ الرَّفِيقِ وَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنَ الْجَارِ اللَّصِيقِ قَرِّبِ الْخَيْرَ مِنْ مُتَنَاوَلِى وَ اجْعَلِ الْخِيَرَهَ الْعَامَّهَ(۳) فِيمَا قَضَيْتَ لِى وَ اخْتِمْ لِى بِالْبِرِّ وَ التَّقْوَى عَمَلِى وَ أَجِرْنِى مِنْ كُلِّ عَائِقٍ يَقْطَعُنِى عَنْكَ وَ كُلِّ قَوْلٍ وَ فِعْلٍ يُبَاعِدُنِى مِنْكَ وَ ارْحَمْنِى رَحْمَهً تَشْفِى بِهَا قَلْبِى مِنْ كُلِّ شُبْهَهٍ مُعْتَرِضَهٍ وَ بِدْعَهٍ مُمَرِّضَهٍ: سَيِّدِى خَابَ رَجَاءُ مَنْ رَجَا سِوَاكَ وَ ظَفِرَتْ يَدُ مَنْ بِحَاجَتِهِ نَاجَاكَ وَ ضَلَّ مَنْ يَدْعُو الْعِبَادَ لِكَشْفِ ضُرِّهِمْ إِلَّا إِيَّاكَ أَنْتَ الْمُؤَمَّلُ فِى الشِّدَّهِ وَ الرَّخَاءِ وَ الْمَفْزَعُ فِى كُلِّ كُرْبَهٍ وَ ضَرَّاءَ وَ الْمُسْتَجَارُ بِهِ مِنْ كُلِّ فَادِحَهٍ وَ لَأْوَاءٍ لَا يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَتِكَ إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ وَ لَا يَيْأَسُ مِنْ رَوْحِكَ إِلَّا مَنْ عَصَى وَ أَصَرَّ أَنْتَ وَلِيِّى فِى الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ تَوَفَّنِى مُسْلِماً وَ أَلْحِقْنِى بِالصَّالِحِينَ يَا مَنْ لَا يَحْرِمُ زُوَّارَهُ عَطَايَاهُ وَ لَا يُسْلِمُ مَنِ اسْتَجَارَهُ وَ اسْتَكْفَاهُ أَمَلِى وَاقِفٌ عَلَى جَدْوَاكَ وَ وَجْهُ طَلِبَتِى مُنْصَرِفٌ عَمَّنْ سِوَاكَ وَ أَنْتَ الْمَلِىءُ بِتَيْسِيرِ الطَّلِبَاتِ وَ الْوَفِيُّ بِتَكْثِيرِ الرَّغَبَاتِ فَأَنْجِحْ لِىَ الْمَطْلُوبَ مِنْ فَضْلِكَ بِرَحْمَتِكَ وَ اسْمَحْ لِى بِالْمَرْغُوبِ فِيهِ مِنْ بَذْلِكَ بِنِعْمَتِكَ سَيِّدِى ضَعُفَ جِسْمِى وَ دَقَّ عَظْمِى وَ كَبِرَ سِنِّى وَ نَالَ

۱- ۱. و احبنى خ ل من الحبوه.

۲- ۲. و انمحى خ ل.

۳- ۳. التامه خ ل.

الدَّهْرُ مِنِّی وَ نَفِدَتْ مُدَّتِی وَ ذَهَبَتْ شَهْوَتِی وَ بَقِیَتْ تَبِعَتِی فَجُدْ بِحِلْمِکَ عَلَی جَهْلِی وَ بِعَفْوِکَ عَلَی قَبِیحِ فِعْلِی وَ لَا تُؤَاخِذْنِی بِمَا کَسَبْتُ مِنَ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ فِی سَالِفِ الْأَیَّامِ.

سَیِّدِی أَنَا الْمُعْتَرِفُ بِإِسَاءَتِی الْمُقِرُّ بِخَطَائِی الْمَأْسُورُ بِأَجْرَامِی الْمُرْتَهَنُ بِآثَامِی الْمُتَهَوِّرُ بِإِسَاءَتِی الْمُتَحَیِّرُ عَنْ قَصْدِ طَرِیقِی انْقَطَعَتْ مَقَالَتِی وَ ضَلَّ عُمُرِی وَ بَطَلَتْ حُجَّتِی فِی عَظِیمِ وِزْرِی فَامْنُنْ عَلَیَّ بِکَرِیمِ غُفْرَانِکَ وَ اسْمَحْ لِی بِعَظِیمِ إِحْسَانِکَ فَإِنَّکَ ذُو مَغْفِرَةٍ لِلطَّالِبِینَ شَدِیدُ الْعِقَابِ لِلْمُجْرِمِینَ سَیِّدِی إِنْ کَانَ صَغُرَ فِی جَنْبِ طَاعَتِکَ عَمَلِی فَقَدْ کَبُرَ فِی جَنْبِ رَجَائِکَ أَمَلِی سَیِّدِی کَیْفَ أَنْقَلِبُ مِنْ عِنْدِکَ بِالْخَیْبَةِ مَحْرُوماً وَ ظَنِّی بِکَ أَنَّکَ تَقْلِبُنِی بِالنَّجَاةِ مَرْحُوماً سَیِّدِی لَمْ أُسَلِّطْ عَلَی حُسْنِ ظَنِّی بِکَ قُنُوطَ الْآیِسِینَ فَلَا تُبْطِلْ لِی صِدْقَ رَجَائِی لَکَ فِی الْآمِلِینَ سَیِّدِی عَظُمَ جُرْمِی إِذْ بَارَزْتُکَ بِاکْتِسَابِهِ وَ کَبُرَ ذَنْبِی إِذْ جَاهَرْتُکَ بِارْتِکَابِهِ إِلَّا أَنَّ عَظِیمَ عَفْوِکَ یَسَعُ الْمُعْتَرِفِینَ وَ جَسِیمَ غُفْرَانِکَ یَعُمُّ التَّوَّابِینَ سَیِّدِی إِنْ دَعَانِی إِلَی النَّارِ مَخْشِیُّ عِقَابِکَ فَقَدْ دَعَانِی إِلَی الْجَنَّةِ مَرْجُوُّ ثَوَابِکَ سَیِّدِی إِنْ أَوْحَشَتْنِی الْخَطَایَا مِنْ مَحَاسِنِ لُطْفِکَ فَقَدْ آنَسَنِی الْیَقِینُ بِمَکَارِمِ عَطْفِکَ وَ

إِنْ أَنَامَتْنِی الْغَفْلَةُ عَنِ الِاسْتِعْدَادِ لِلِقَائِکَ فَقَدْ أَیْقَظَتْنِی الْمَعْرِفَةُ بِقَدِیمِ آلَائِکَ وَ إِنْ عَزَبَ عَنِّی تَقْدِیمُ لِمَا یُصْلِحُنِی (۱)

فَلَمْ یَعْزُبْ إِیقَانِی بِنَظَرِکَ إِلَیَّ فِیمَا یَنْفَعُنِی وَ إِنِ انْقَرَضَتْ بِغَیْرِ مَا أَحْبَبْتَ مِنَ السَّعْیِ أَیَّامِی فَبِالْإِیمَانِ أَمْضَیْتُ السَّالِفَاتِ مِنْ أَعْوَامِی سَیِّدِی جِئْتُ مَلْهُوفاً قَدْ لَبِسْتُ عُدْمَ فَاقَتِی وَ أَقَامَنِی مَقَامَ الْأَذِلَّاءِ بَیْنَ یَدَیْکَ ضُرُّ حَاجَتِی سَیِّدِی کَرُمْتَ فَأَکْرِمْنِی إِذْ کُنْتُ مِنْ سُؤَّالِکَ وَ جُدْتَ بِمَعْرُوفِکَ فَاخْلِطْنِی (۲) بِأَهْلِ نَوَالِکَ اللَّهُمَّ ارْحَمْ مِسْکِیناً لَا یُجِیرُهُ (۳) إِلَّا عَطَاؤُکَ وَ فَقِیراً لَا یُغْنِیهِ إِلَّا جَدْوَاکَ سَیِّدِی أَصْبَحْتُ عَلَی بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ مِنَحِکَ سَائِلًا وَ عَنِ التَّعَرُّضِ بِسِوَاکَ

۱- ۱. و ان عزب لبی عن تقدیم[تقویم] ما یصلحنی، خ ل صح.

۲- ۲. فألحقنی، خ ل.

۳- ۳. یجبره، خ ل.

عَادِلًا وَ لَيْسَ مِنْ جَمِيلِ امْتِنَانِكَ رَدُّ سَائِلٍ مَلْهُوفٍ وَ مُضْطَرٍّ لِانْتِظَارِ فَضْلِكَ الْمَأْلُوفِ سَيِّدِي إِنْ حَرَمْتَنِي رُؤْيَةَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله فِي دَارِ السَّلَامِ وَ أَعْدَمْتَنِي طَوْفَ (۱) الْوَصَائِفِ وَ الْخُدَّامِ وَ صَرَفْتَ وَجْهَ تَأْمِيلِي بِالْخَيْبَةِ فِي دَارِ الْمُقَامِ فَغَيْرَ ذَلِكَ مَنَّتْنِي نَفْسِي مِنْكَ يَا ذَا الطَّوْلِ وَ الْإِنْعَامِ سَيِّدِي وَ عِزَّتِكَ لَوْ قَرَنْتَنِي فِي الْأَصْفَادِ وَ مَنَعْتَنِي سَيْبَكَ مِنْ بَيْنِ الْعِبَادِ مَا قَطَعْتُ رَجَائِي عَنْكَ وَ لَا صَرَفْتُ انْتِظَارِي لِلْعَفْوِ مِنْكَ سَيِّدِي لَوْ لَمْ تَهْدِنِي إِلَى الْإِسْلَامِ لَضَلَلْتُ وَ لَوْ لَمْ تُثَبِّتْنِي إِذاً لَذَلَلْتُ وَ لَوْ لَمْ تُشْعِرْ قَلْبِي الْإِيمَانَ بِكَ مَا آمَنْتُ وَ لَا صَدَّقْتُ وَ لَوْ لَمْ تُطْلِقْ لِسَانِي بِدُعَائِكَ مَا دَعَوْتُ وَ لَوْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حَقِيقَةَ مَعْرِفَتِكَ مَا عَرَفْتُ وَ لَوْ لَمْ تَدُلَّنِي عَلَى كَرِيمِ ثَوَابِكَ مَا رَغِبْتُ وَ لَوْ لَمْ تُبَيِّنْ لِي أَلِيمَ عِقَابِكَ مَا رَهِبْتُ فَأَسْأَلُكَ تَوْفِيقِي لِمَا يُوجِبُ ثَوَابَكَ وَ تَخْلِيصِي مِمَّا يَكْسِبُ عِقَابَكَ سَيِّدِي إِنْ أَقْعَدَنِي التَّخَلُّفُ عَنِ السَّبْقِ مَعَ الْأَبْرَارِ فَقَدْ أَقَامَتْنِي الثِّقَةُ بِكَ عَلَى مَدَارِجِ الْأَخْيَارِ سَيِّدِي كُلُّ مَكْرُوبٍ إِلَيْكَ يَلْتَجِئُ وَ كُلُّ مَحْزُونٍ إِيَّاكَ يَرْتَجِي سَمِعَ الْعَابِدُونَ بِجَزِيلِ ثَوَابِكَ فَخَشَعُوا وَ سَمِعَ الْمُوَلُّونَ (۲) عَنِ الْقَصْدِ بِجُودِكَ فَرَجَعُوا وَ سَمِعَ الْمَحْرُومُونَ (۳) بِسَعَةِ فَضْلِكَ فَطَمِعُوا حَتَّى ازْدَحَمَتْ عَصَائِبُ الْعُصَاةِ مِنْ عِبَادِكَ بِبَابِكَ وَ عَجَّتْ إِلَيْكَ الْأَلْسُنُ بِأَصْنَافِ الدُّعَاءِ فِي بِلَادِكَ فَكُلُّ أَمَلٍ سَاقَ صَاحِبَهُ إِلَيْكَ مُحْتَاجاً وَ كُلُّ قَلْبٍ تَرَكَهُ وَجِيبُ الْخَوْفِ إِلَيْكَ (۴) مُهْتَاجاً سَيِّدِي وَ أَنْتَ الْمَسْئُولُ الَّذِي لَا تَسْوَدُّ لَدَيْهِ وُجُوهُ الْمُطَالِبِ وَ لَمْ يَرْدُدْ رَاجِيَهُ فَيُزِيلَهُ عَنِ الْحَقِّ إِلَى الْمُعَاطِبِ سَيِّدِي إِنْ أَخْطَأْتُ طَرِيقَ النَّظَرِ لِنَفْسِي بِمَا فِيهِ كَرَامَتُهَا فَقَدْ أَصَبْتُ طَرِيقَ الْفَرَجِ (۵) بِمَا فِيهِ سَلَامَتُهَا سَيِّدِي إِنْ كَانَتْ نَفْسِي اسْتَعْبَدَتْنِي مُتَمَرِّدَةً عَلَيَّ بِمَا يُرْدِيهَا(۶) فَقَدِ اسْتَعْبَدْتُهَا الْآنَ عَلَى مَا يُنَجِّيهَا سَيِّدِي إِنْ أُجْحِفَ

۱- ۱. تطواف خ ل، تطويف، خ ل.

۲- ۲. المتولون خ ل.

۳- ۳. المجرمون خ ل.

۴- ۴. منك خ ل و المهتاج: المضطرب الثائر.

۵- ۵. طريق المسأله إليك خ ل.

۶- ۶. على ما يرديها خ ل.

بِی زَادُ الطَّرِیقِ فِی الْمَسِیرِ إِلَیْکَ فَقَدْ أَوْصَلْتُهُ بِذَخَائِرِ مَا أَعْدَدْتُهُ مِنْ فَضْلِ تَعْوِیلِی عَلَیْکَ.

سَیِّدِی إِذَا ذَکَرْتُ رَحْمَتَکَ ضَحِکَتْ لَهَا عُیُونُ مَسَائِلِی وَ إِذَا ذَکَرْتُ عُقُوبَتَکَ بَکَتْ لَهَا جُفُونُ وَسَائِلِی سَیِّدِی أَدْعُوکَ دُعَاءَ مَنْ لَمْ یَدْعُ غَیْرَکَ فِی دُعَائِهِ وَ أَرْجُوکَ رَجَاءَ مَنْ لَمْ یَقْصِدْ غَیْرَکَ بِرَجَائِهِ سَیِّدِی وَ کَیْفَ أَرُدُّ عَارِضَ تَطَلُّعِی إِلَی نَوَالِکَ وَ إِنَّمَا أَنَا فِی هَذَا الْخَلْقِ أَحَدُ عِیَالِکَ سَیِّدِی کَیْفَ أُسْکِتُ بِالْإِفْحَامِ (۱) لِسَانَ ضَرَاعَتِی وَ قَدْ أَقْلَقَنِی مَا أُبْهِمَ عَلَیَّ مِنْ تَقْدِیرِ عَاقِبَتِی سَیِّدِی قَدْ عَلِمْتَ حَاجَةَ جِسْمِی إِلَی مَا قَدْ تَکَفَّلْتَ لِی مِنَ الرِّزْقِ أَیَّامَ حَیَاتِی وَ عَرَفْتَ قِلَّةَ اسْتِغْنَائِی عَنْهُ بَعْدَ وَفَاتِی فَیَا مَنْ سَمَحَ لِی بِهِ مُتَفَضِّلًا فِی الْعَاجِلِ لَا تَمْنَعْنِیهِ یَوْمَ حَاجَتِی إِلَیْهِ فِی الْآجِلِ فَمِنْ شَوَاهِدِ نَعْمَاءِ الْکَرِیمِ إِتْمَامُ نَعْمَائِهِ وَ مِنْ مَحَاسِنِ آلَاءِ الْجَوَادِ إِکْمَالُ آلَائِهِ إِلَهِی لَوْ لَا مَا جَهِلْتُ مِنْ أَمْرِی لَمْ أَسْتَقِلْکَ عَثَرَاتِی وَ لَوْ لَا مَا ذَکَرْتُ مِنْ شِدَّةِ التَّفْرِیطِ لَمْ أَسْکُبْ عَبَرَاتِی سَیِّدِی فَامْحُ مُثْبَتَاتِ الْعَثَرَاتِ لِمُسْبَلَاتِ الْعَبَرَاتِ وَ هَبْ کَثِیرَ السَّیِّئَاتِ بِقَلِیلِ (۲)

الْحَسَنَاتِ سَیِّدِی إِنْ کُنْتَ لَا تَرْحَمُ إِلَّا الْمُجِدِّینَ فِی طَاعَتِکَ فَإِلَی مَنْ یَفْزَعُ الْمُقَصِّرُونَ وَ إِنْ کُنْتَ لَا تَقْبَلُ إِلَّا مِنَ الْمُجْتَهِدِینَ فَإِلَی مَنْ یَلْجَأُ الْخَاطِئُونَ وَ إِنْ کُنْتَ لَا تُکْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْإِحْسَانِ فَکَیْفَ یَصْنَعُ الْمُسِیئُونَ وَ إِنْ کَانَ لَا یَفُوزُ یَوْمَ الْحَشْرِ إِلَّا الْمُتَّقُونَ فَبِمَنْ یَسْتَغِیثُ الْمُذْنِبُونَ سَیِّدِی إِنْ کَانَ لَا یَجُوزُ عَلَی الصِّرَاطِ إِلَّا مَنْ أَجَازَتْهُ بَرَاءَةُ عَمَلِهِ فَأَنَّی بِالْجَوَازِ لِمَنْ لَمْ یَتُبْ إِلَیْکَ قَبْلَ دُنُوِّ أَجَلِهِ وَ إِنْ لَمْ تَجُدْ إِلَّا عَلَی مَنْ عَمَرَ بِالزُّهْدِ مَکْنُونَ سَرِیرَتِهِ فَمَنْ لِلْمُضْطَرِّ الَّذِی لَمْ یُرْضِهِ بَیْنَ الْعَالَمِینَ (۳) سَعْیُ نَقِیَّتِهِ سَیِّدِی إِنْ حَجَبْتَ عَنْ أَهْلِ تَوْحِیدِکَ نَظَرَ تَغَمُّدِکَ بِخَطِیئَاتِهِمْ أَوْبَقَهُمْ غَضَبُکَ بَیْنَ الْمُشْرِکِینَ بِکُرُبَاتِهِمْ سَیِّدِی إِنْ لَمْ تَشْمَلْنَا یَدُ إِحْسَانِکَ یَوْمَ الْوُرُودِ اخْتَلَطْنَا فِی الْخِزْیِ یَوْمَ الْحَشْرِ بِذَوِی الْجُحُودِ فَأَوْجِبْ لَنَا بِالْإِسْلَامِ مَذْخُورَ هِبَاتِکَ وَ أَصْفِ مَا کَدَّرَتْهُ

۱- ۱. بالافهام خ ل.

۲- ۲. لقلیل خ ل.

۳- ۳. العاملین سعی نفسه خ ل.

الْجَرَائِمِ بِصَفْحِ صِلَاتِکَ سَیِّدِی لَیْسَ لِی عِنْدَکَ عَهْدٌ اتَّخَذْتُهُ وَ لَا کَبِیرُ عَمَلٍ أَخْلَصْتُهُ إِلَّا أَنِّی وَاثِقٌ بِکَرِیمِ أَفْعَالِکَ رَاجٍ لِجَسِیمِ إِفْضَالِکَ عَوَّدْتَنِی مِنْ جَمِیلِ تَطَوُّلِکَ عَادَةً أَنْتَ أَوْلَی بِإِتْمَامِهَا وَ وَهَبْتَ لِی مِنْ خُلُوصِ مَعْرِفَتِکَ حَقِیقَةً أَنْتَ الْمَشْکُورُ عَلَی إِلْهَامِهَا سَیِّدِی مَا جَفَّتْ هَذِهِ الْعُیُونُ لِفَرْطِ(۱)

بُکَائِهَا وَ لَا جَادَتْ هَذِهِ الْجُفُونُ بِفَیْضِ مَائِهَا وَ لَا أَسْعَدَهَا نَحِیبُ الْبَاکِیَاتِ الثَّاکِلَاتِ لِفَقْدِ عَزَائِهَا إِلَّا لِمَا أَسْلَفَتْهُ مِنْ عُمُدِهَا وَ خُطَائِهَا وَ أَنْتَ الْقَادِرُ سَیِّدِی عَلَی کَشْفِ غَمَاهَا سَیِّدِی أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْتَ أَوْلَی بِهِ مِنَ الْمَأْمُورِینَ وَ حَضَضْتَ عَلَی إِعْطَاءِ السَّائِلِینَ وَ أَنْتَ خَیْرُ الْمَسْئُولِینَ وَ نَدَبْتَ إِلَی عَتِیقِ الرِّقَابِ وَ أَنْتَ خَیْرُ الْمُعْتِقِینَ وَ حَثَثْتَ عَلَی الصَّفْحِ عَنِ الْمُذْنِبِینَ وَ أَنْتَ أَکْرَمُ الصَّافِحِینَ سَیِّدِی إِنْ تَلَوْنَا(۲)

مِنْ کِتَابِکَ سَعَةَ رَحْمَتِکَ أَشْفَقْنَا مِنْ مُخَالَفَتِکَ وَ فَرِحْنَا بِبَذْلِ رَحْمَتِکَ وَ إِذَا تَلَوْنَا ذِکْرَ عُقُوبَتِکَ جَدَدْنَا فِی طَاعَتِکَ وَ فَرَقْنَا مِنْ أَلِیمِ نَقِمَتِکَ فَلَا رَحْمَتُکَ تُؤْمِنُنَا وَ لَا سَخَطُکَ یُؤْیِسُنَا(۳): سَیِّدِی کَیْفَ یَتَمَنَّعُ مَنْ

فِیهَا مِنْ طَوَارِقِ الرَّزَایَا وَ قَدْ رُشِقَ فِی کُلِّ دَارٍ مِنْهَا سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ الْمَنَایَا سَیِّدِی إِنْ کَانَ ذَنْبِی مِنْکَ قَدْ أَخَافَنِی فَإِنَّ حُسْنَ ظَنِّی بِکَ قَدْ أَجَارَنِی وَ إِنْ کَانَ خَوْفُکَ قَدْ أَرْبَقَنِی (۴)

فَإِنَّ حُسْنَ نَظَرِکَ لِی قَدْ أَطْلَقَنِی سَیِّدِی إِنْ کَانَ قَدْ دَنَا مِنِّی أَجَلِی وَ لَمْ یُقَرِّبْنِی مِنْکَ عَمَلِی فَقَدْ جَعَلْتُ الِاعْتِرَافَ بِالذَّنْبِ أَوْجَهَ وَسَائِلِ عِلَلِی سَیِّدِی مَنْ أَوْلَی بِالرَّحْمَهِ مِنْکَ إِنْ رَحِمْتَ وَ مَنْ أَعْدَلُ فِی الْحُکْمِ مِنْکَ إِنْ عَذَّبْتَ سَیِّدِی لَمْ تَزَلْ بَرّاً بِی أَیَّامَ حَیَاتِی فَلَا تَقْطَعْ لَطِیفَ بِرِّکَ بِی بَعْدَ وَفَاتِی سَیِّدِی کَیْفَ آیَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِکَ بِی بَعْدَ مَمَاتِی وَ أَنْتَ لَمْ تُوَلِّنِی إِلَّا جَمِیلًا فِی حَیَاتِی سَیِّدِی عَفْوُکَ أَعْظَمُ مِنْ کُلِّ جُرْمٍ وَ نِعْمَتُکَ مِمْحَاةٌ لِکُلِّ إِثْمٍ سَیِّدِی إِنْ

۱- ۱. ما حنت هذه العیون الی فرط بکائها، خ ل.

۲- ۲. اذا تلونا، خ ل.

۳- ۳. سخطتک تؤیسنا، خ ل.

۴- ۴. أوبقنی، خ ل.

كَانَتْ ذُنُوبِى قَدْ أَخَافَتْنِى فَإِنَّ مَحَبَّتِى لَكَ قَدْ آمَنَتْنِى فَتَوَلَّ مِنْ أَمْرِى مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ عُدْ بِفَضْلِكَ عَلَى مَنْ قَدْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ يَا مَنِ السِّرُّ عِنْدَهُ عَلَانِيَةٌ وَ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ مِنَ الْغَوَامِضِ خَافِيَةٌ فَاغْفِرْ لِى مَا خَفِيَ عَلَى النَّاسِ مِنْ أَمْرِى وَ خَفِّفْ بِرَحْمَتِكَ مِنْ ثِقْلِ الْأَوْزَارِ ظَهْرِى سَيِّدِى سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبِى فِى الدُّنْيَا وَ لَمْ تُظْهِرْهَا فَلَا تَفْضَحْنِى بِهَا فِى الْقِيَامَةِ وَ اسْتُرْهَا فَمَنْ أَحَقُّ بِالسَّتْرِ مِنْكَ يَا سَتَّارُ وَ مَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ عَنِ الْمُذْنِبِينَ يَا غَفَّارُ إِلَهِى جُودُكَ بَسَطَ أَمَلِى وَ سَتْرُكَ قَبْلَ عَمَلِى فَسُرَّنِى بِلِقَائِكَ عِنْدَ اقْتِرَابِ أَجَلِى سَيِّدِى لَيْسَ اعْتِذَارِى إِلَيْكَ اعْتِذَارَ مَنْ يَسْتَغْنِى عَنْ قَبُولِ عُذْرِهِ وَ لَا تَضَرُّعِى تَضَرُّعَ مَنْ يَسْتَنْكِفُ عَنْ مَسْأَلَتِكَ لِكَشْفِ ضُرِّهِ فَاقْبَلْ عُذْرِى يَا خَيْرَ مَنِ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ الْمُسِيئُونَ وَ أَكْرَمَ مَنِ اسْتَغْفَرَهُ الْخَاطِئُونَ سَيِّدِى لَا تَرُدَّنِى فِى حَاجَةٍ قَدْ أَفْنَيْتُ عُمُرِى فِى طَلَبِهَا مِنْكَ وَ لَا أَجِدُ غَيْرَكَ مَعْدِلًا بِهَا عَنْكَ سَيِّدِى لَوْ أَرَدْتَ إِهَانَتِى لَمْ تَهْدِنِى وَ لَوْ أَرَدْتَ فَضِيحَتِى لَمْ تَسْتُرْنِى فَأَدِمْ إِمْتَاعِى بِمَا لَهُ هَدَيْتَنِى وَ لَا تَهْتِكْ عَمَّا بِهِ (۱) سَتَرْتَنِى سَيِّدِى لَوْ لَا مَا اقْتَرَفْتُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا خِفْتُ عِقَابَكَ وَ لَوْ لَا مَا عَرَفْتُ مِنْ كَرَمِكَ مَا رَجَوْتُ ثَوَابَكَ وَ أَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ بِتَحْقِيقِ آمَالِ الْآمِلِينَ وَ أَرْحَمُ مَنِ اسْتُرْحِمَ فِى التَّجَاوُزِ عَنِ الْمُذْنِبِينَ سَيِّدِى أَلْقَتْنِى الْحَسَنَاتُ بَيْنَ جُودِكَ وَ إِحْسَانِكَ وَ أَلْقَتْنِى السَّيِّئَاتُ بَيْنَ عَفْوِكَ وَ غُفْرَانِكَ وَ قَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا يُضَيَّعَ بَيْنَ ذَيْنِ وَ ذَيْنِ مُسِيءٌ مُرْتَهَنٌ بِجَرِيرَتِهِ وَ مُحْسِنٌ مُخْلِصٌ فِى بَصِيرَتِهِ سَيِّدِى إِنِّى (۲) شَهِدَ لِيَ الْإِيمَانُ بِتَوْحِيدِكَ وَ نَطَقَ لِسَانِى بِتَمْجِيدِكَ وَ دَلَّنِى الْقُرْآنُ عَلَى فَوَاضِلِ جُودِكَ فَكَيْفَ لَا يَبْتَهِجُ رَجَائِى بِتَحْقِيقِ مَوْعُودِكَ وَ لَا تَفْرَحُ أُمْنِيَّتِى بِحُسْنِ مَزِيدِكَ سَيِّدِى إِنْ غَفَرْتَ (۳) فَبِفَضْلِكَ وَ إِنْ عَذَّبْتَ فَبِعَدْلِكَ فَيَا مَنْ لَا يُرْجَى إِلَّا فَضْلُهُ وَ لَا يُخْشَى إِلَّا عَدْلُهُ امْنُنْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ وَ لَا تَسْتَقْصِ عَلَيَّ فِى عَدْلِكَ.

سَيِّدِى أَدْعُوكَ دُعَاءَ مُلِحٍّ لَا يُمِلُّ مَوْلَاهُ وَ أَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ تَضَرُّعَ مَنْ أَقَرَّ عَلَى

۱- ۱. عنى ما به خ ل.

۲- ۲. اذا خ ل.

۳- ۳. عفوت خ ل.

نَفْسِهِ بِالْحُجَّهِ فِی دَعْوَاهُ وَ خَضَعَ لَکَ خُضُوعَ مَنْ یُؤَمِّلُکَ لِآخِرَتِهِ وَ دُنْیَاهُ فَلَا تَقْطَعْ عِصْمَهَ رَجَائِی وَ اسْمَعْ تَضَرُّعِی وَ اقْبَلْ دُعَائِی وَ ثَبِّتْ حُجَّتِی عَلَی مَا أُثْبِتُ مِنْ دَعْوَایَ سَیِّدِی لَوْ عَرَفْتُ اعْتِذَاراً مِنَ الذَّنْبِ لَآتَیْتُهُ فَأَنَا الْمُقِرُّ بِمَا أَحْصَیْتَهُ وَ جَنَیْتُهُ وَ خَالَفْتُ أَمْرَکَ فِیهِ فَتَعَدَّیْتُهُ فَهَبْ لِی ذَنْبِی بِالاعْتِرَافِ وَ لَا تَرُدَّنِی فِی طَلِبَتِی عِنْدَ الِانْصِرَافِ سَیِّدِی قَدْ أَصَبْتُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا قَدْ عَرَفْتَ وَ أَسْرَفْتُ عَلَی نَفْسِی بِمَا قَدْ عَلِمْتَ فَاجْعَلْنِی عَبْداً إِمَّا طَائِعاً فَأَکْرَمْتَهُ (۱) وَ إِمَّا عَاصِیاً فَرَحِمْتَهُ (۲) سَیِّدِی کَأَنِّی بِنَفْسِی قَدْ أُضْجِعْتُ بِقَعْرِ حُفْرَتِهَا وَ انْصَرَفَ عَنْهَا الْمُشَیِّعُونَ مِنْ جِیرَتِهَا وَ بَکَی عَلَیْهَا الْغَرِیبُ لِطُولِ غُرْبَتِهَا وَ جَادَ عَلَیْهَا بِالدُّمُوعِ الْمُشْفِقُ مِنْ عَشِیرَتِهَا وَ نَادَاهَا مِنْ شَفِیرِ الْقَبْرِ ذُو مَوَدَّتِهَا وَ رَحِمَهَا الْمُعَادِی لَهَا فِی الْحَیَاهِ عِنْدَ صَرْعَتِهَا وَ لَمْ یَخْفَ عَلَی النَّاظِرِینَ إِلَیْهَا فَرْطُ فَاقَتِهَا وَ لَا عَلَی مَنْ قَدْ رَآهَا تَوَسَّدَتِ الثَّرَی عَجْزُ حِیلَتِهَا فَقُلْتَ مَلَائِکَتِی فَرِیدٌ نَأَی عَنْهُ الْأَقْرَبُونَ وَ بَعِیدٌ جَفَاهُ الْأَهْلُونَ وَ وَحِیدٌ فَارَقَهُ الْمَالُ وَ الْبَنُونَ نَزَلَ بِی قَرِیباً وَ سَکَنَ اللَّحْدَ غَرِیباً وَ کَانَ لِی فِی دَارِ الدُّنْیَا دَاعِیاً وَ لِنَظَرِی لَهُ فِی هَذَا الْیَوْمِ رَاجِیاً فَتُحْسِنُ عِنْدَ ذَلِکَ ضِیَافَتِی وَ تَکُونُ أَشْفَقَ عَلَیَّ مِنْ أَهْلِی وَ قَرَابَتِی إِلَهِی وَ سَیِّدِی لَوْ أَطْبَقَتْ ذُنُوبِی مَا بَیْنَ ثَرَی الْأَرْضِ إِلَی أَعْنَانِ السَّمَاءِ وَ خَرَقَتِ النُّجُومَ إِلَی حَدِّ الِانْتِهَاءِ مَا رَدَّنِی الْیَأْسُ عَنْ تَوَقُّعِ غُفْرَانِکَ وَ لَا صَرَفَنِی الْقُنُوطُ عَنِ انْتِظَارِ رِضْوَانِکَ سَیِّدِی قَدْ ذَکَرْتُکَ بِالذِّکْرِ الَّذِی أَلْهَمْتَنِیهِ وَ وَحَّدْتُکَ بِالتَّوْحِیدِ الَّذِی أَکْرَمْتَنِیهِ وَ دَعَوْتُکَ بِالدُّعَاءِ الَّذِی عَلَّمْتَنِیهِ فَلَا تَحْرِمْنِی بِرَحْمَتِکَ الْجَزَاءَ الَّذِی وَعَدْتَنِیهِ فَمِنَ النِّعْمَهِ لَکَ عَلَیَّ أَنْ هَدَیْتَنِی بِحُسْنِ دُعَائِکَ وَ مِنْ إِتْمَامِهَا أَنْ تُوجِبَ لِی مَحْمُودَهَ جَزَائِکَ سَیِّدِی أَنْتَظِرُ عَفْوَکَ کَمَا یَنْتَظِرُهُ الْمُذْنِبُونَ وَ لَیْسَ أَیْأَسُ مِنْ رَحْمَتِکَ الَّتِی یَتَوَقَّعُهَا الْمُحْسِنُونَ إِلَهِی وَ سَیِّدِی انْهَمَلَتْ بِالسَّکْبِ عَبَرَاتِی حِینَ ذَکَرْتُ خَطَایَایَ وَ عَثَرَاتِی وَ مَا لَهَا لَا تَنْهَمِلُ وَ تَجْرِی وَ تَفِیضُ مَاؤُهَا وَ تَذْرِی وَ لَسْتُ أَدْرِی إِلَی مَا یَکُونُ

۱- ۱. فأکرمتنی خ ل.

۲- ۲. فرحمتنی خ ل.

مَصِيرِی وَ عَلَی مَا يَتَهَجَّمُ عِنْدَ الْبَلَاغِ مَسِيرِی يَا أَنْسَ كُلِّ غَرِيبٍ مُفْرَدٍ آنِسْ فِی الْقَبْرِ وَحْشَتِی وَ يَا ثَانِیَ كُلِّ وَحِيدٍ ارْحَمْ فِی الثَّرَی (۱)

طُولَ وَحْدَتِی سَيِّدِی كَيْفَ نَظَرُكَ لِی بَيْنَ سُكَّانِ الثَّرَی وَ كَيْفَ صَنِيعُكَ بِی فِی دَارِ الْوَحْشَهِ وَ الْبِلَی فَقَدْ كُنْتَ بِی لَطِيفاً أَيَّامَ حَيَاهِ الدُّنْيَا يَا أَفْضَلَ الْمُنْعِمِينَ فِی آلَائِهِ وَ أَنْعَمَ الْمُفْضِلِينَ فِی نَعْمَائِهِ كَثُرَتْ أَيَادِيكَ فَعَجَزْتُ عَنْ إِحْصَائِهَا وَ ضِقْتُ ذَرْعاً فِی شُكْرِی لَكَ بِجَزَائِهَا فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَی مَا أَوْلَيْتَ مِنَ التَّفَضُّلِ وَ لَكَ الشُّكْرُ عَلَی مَا أَبْلَيْتَ (۲)

مِنَ التَّطَوُّلِ يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ الدَّاعُونَ وَ أَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ الرَّاجُونَ بِذِمَّهِ الْإِسْلَامِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ وَ بِحُرْمَهِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ وَ بِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ أَسْتَشْفِعُ وَ أَتَقَرَّبُ وَ أُقَدِّمُهُمْ أَمَامَ حَاجَتِی إِلَيْكَ فِی الرَّغَبِ وَ الرَّهَبِ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَ اجْعَلْنِی بِحُبِّهِمْ يَوْمَ الْعَرْضِ عَلَيْكَ نَبِيهاً وَ مِنَ الْأَنْجَاسِ وَ الْأَرْجَاسِ نَزِيهاً وَ بِالتَّوَسُّلِ بِهِمْ إِلَيْكَ مُقَرَّباً وَجِيهاً يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ وَ التَّجَاوُزِ وَ مَعْدِنَ الْعَوَارِفِ (۳) وَ الْجَوَائِزِ كُنْ عَنْ ذُنُوبِی صَافِحاً مُتَجَاوِزاً وَ هَبْ لِی مِنْ مُرَاقَبَتِكَ مَا يَكُونُ بَيْنِی وَ بَيْنَ مَعْصِيَتِكَ حَاجِزاً سَيِّدِی إِنَّ مَنْ تَقَرَّبَ مِنْكَ (۴)

لَمَكِينٌ مِنْ

مُوَالاتِكَ وَ إِنَّ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ لَقَمِينٌ (۵)

بِمَرْضَاتِكَ وَ إِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ لَغَيْرُ مَجْهُولٍ وَ إِنَّ مَنِ اسْتَجَارَ بِكَ لَغَيْرُ مَخْذُولٍ سَيِّدِی أَ تُرَاكَ تُحْرِقُ بِالنَّارِ وَجْهاً طَالَمَا خَرَّ سَاجِداً بَيْنَ يَدَيْكَ أَمْ تُرَاكَ تُغِلُّ إِلَی الْأَعْنَاقِ أَكُفّاً طَالَمَا تَضَرَّعَتْ فِی دُعَائِهَا إِلَيْكَ أَمْ تُرَاكَ تُقَيِّدُ بِأَنْكَالِ الْجَحِيمِ أَقْدَامًا طَالَمَا خَرَجَتْ مِنْ مَنَازِلِهَا طَمَعاً فِيمَا لَدَيْكَ مَنّاً مِنْكَ عَلَيْهَا لَا مَنّاً مِنْهَا عَلَيْكَ سَيِّدِی كَمْ مِنْ نِعْمَهٍ لَكَ عَلَیَّ قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا شُكْرِی وَ كَمْ مِنْ بَلِيَّهٍ ابْتَلَيْتَنِی

۱- ۱. فی القبر خ ل.

۲- ۲. أولیت خ ل.

۳- ۳. المعارف خ ل.

۴- ۴. بالخیر لدیک خ ل.

۵- ۵. لقمن خ ل.

بِهَا عَجَزَ عَنْهَا صَبْرِی فَیَا مَنْ قَلَّ شُکْرِی عِنْدَ نِعَمِهِ فَلَمْ یَحْرِمْنِی وَ عَجَزَ صَبْرِی عِنْدَ بَلِیَّتِی (۱) فَلَمْ یَخْذُلْنِی جَمِیلُ فَضْلِکَ عَلَیَّ أَبْطَرَنِی وَ جَلِیلُ حِلْمِکَ عَنِّی غَرَّنِی سَیِّدِی قَوِیتُ بِعَافِیَتِکَ عَلَی مَعْصِیَتِکَ وَ أَنْفَقْتُ نِعْمَتَکَ فِی سَبِیلِ مُخَالَفَتِکَ وَ أَفْنَیْتُ عُمُرِی فِی غَیْرِ طَاعَتِکَ فَلَمْ یَمْنَعْکَ جُرْأَتِی عَلَی مَا عَنْهُ نَهَیْتَنِی وَ لَا انْتِهَاکِی مَا مِنْهُ حَذَّرْتَنِی أَنْ سَتَرْتَنِی بِحِلْمِکَ السَّاتِرِ وَ حَجَبْتَنِی عَنْ عَیْنِ کُلِّ نَاظِرٍ وَ عُدْتَ بِکَرِیمِ أَیَادِیکَ حِینَ عُدْتُ بِارْتِکَابِ مَعَاصِیکَ (۲) فَأَنْتَ الْعَوَّادُ بِالْإِحْسَانِ وَ أَنَا الْعَوَّادُ بِالْعِصْیَانِ سَیِّدِی أَتَیْتُکَ مُعْتَرِفاً لَکَ بِسُوءِ فِعْلِی خَاضِعاً لَکَ بِاسْتِکَانَهِ ذُلِّی رَاجِیاً مِنْکَ جَمِیلَ مَا عَرَّفْتَنِیهِ مِنَ الْفَضْلِ الَّذِی عَوَّدْتَنِیهِ فَلَا تَصْرِفْ رَجَائِی مِنْ فَضْلِکَ خَائِباً وَ لَا تَجْعَلْ ظَنِّی بِتَطَوُّلِکَ کَاذِباً سَیِّدِی إِنَّ آمَالِی فِیکَ (۳) یَتَجَاوَزُ آمَالَ الْآمِلِینَ وَ سُؤَالِی إِیَّاکَ لَا یُشْبِهُ سُؤَالَ السَّائِلِینَ لِأَنَّ السَّائِلَ إِذَا مُنِعَ امْتَنَعَ عَنِ السُّؤَالِ وَ أَنَا فَلَا غِنَاءَ بِی عَنْکَ فِی کُلِّ حَالٍ سَیِّدِی غَرَّنِی بِکَ حِلْمُکَ عَنِّی إِذْ حَلُمْتَ وَ عَفْوُکَ عَنْ ذَنْبِی إِذْ رَحِمْتَ وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّکَ قَادِرٌ أَنْ تَقُولَ لِلْأَرْضِ خُذِیهِ فَتَأْخُذَنِی وَ لِلسَّمَاءِ أَمْطِرِیهِ حِجَارَهً فَتُمْطِرَنِی وَ لَوْ أَمَرْتَ بَعْضِی أَنْ یَأْخُذَ بَعْضاً لَمَا أَمْهَلَنِی فَامْنُنْ عَلَیَّ بِعَفْوِکَ عَنْ ذَنْبِی وَ تُبْ عَلَیَّ تَوْبَهً نَصُوحاً تُطَهِّرْ بِهَا قَلْبِی سَیِّدِی أَنْتَ نُورِی فِی کُلِّ ظُلْمَهٍ وَ ذُخْرِی لِکُلِّ مُلِمَّهٍ وَ عِمَادِی عِنْدَ کُلِّ شِدَّهٍ وَ أَنِیسِی فِی کُلِّ خَلْوَهٍ وَ وَحْدَهٍ فَأَعِذْنِی مِنْ سُوءِ مَوَاقِفِ الْخَائِنِینَ (۴)

وَ اسْتَنْقِذْنِی مِنْ ذُلِّ مَقَامِ الْکَاذِبِینَ سَیِّدِی أَنْتَ دَلِیلُ مَنِ انْقَطَعَ دَلِیلُهُ وَ أَمَلُ مَنِ امْتَنَعَ تَأْمِیلُهُ فَإِنْ کَانَ ذُنُوبِی حَالَتْ بَیْنَ دُعَائِی وَ إِجَابَتِکَ فَلَمْ یَحُلْ (۵)

کَرَمُکَ بَیْنِی وَ بَیْنَ مَغْفِرَتِکَ وَ إِنَّکَ لَا

۱- ۱. بلیته خ ل.

۲- ۲. معصیتک خ ل.

۳- ۳. منک خ ل.

۴- ۴. الخائبین خ ل.

۵- ۵. فلن یحول خ ل.

تُضِلَّ مَنْ هَدَيْتَ وَ لَا تُذِلَّ مَنْ وَالَيْتَ وَ لَا يَفْتَقِرُ مَنْ أَغْنَيْتَ وَ لَا يَسْعَدُ مَنْ أَشْقَيْتَ وَ عِزَّتِكَ لَقَدْ أَحْبَبْتُكَ مَحَبَّةً اسْتَقَرَّتْ فِی قَلْبِی حَلَاوَتُهَا وَ آنَسَتْ نَفْسِی بِبِشَارَتِهَا وَ مُحَالٌ فِی عَدْلِ أَقْضِیَتِکَ أَنْ تَسُدَّ أَسْبَابَ رَحْمَتِکَ عَنْ مُعْتَقِدِی مَحَبَّتِکَ سَیِّدِی لَوْ لَا تَوْفِیقُکَ ضَلَّ الْحَائِرُونَ وَ لَوْ لَا تَسْدِیدُکَ لَمْ یَنْجُ الْمُسْتَبْصِرُونَ أَنْتَ سَهَّلْتَ لَهُمُ السَّبِیلَ حَتَّی وَصَلُوا وَ أَنْتَ أَیَّدْتَهُمْ بِالتَّقْوَی حَتَّی عَمِلُوا فَالنِّعْمَهُ عَلَیْهِمْ مِنْکَ جَزِیلَهٌ وَ الْمِنَّهُ مِنْکَ لَدَیْهِمْ مَوْصُولَهٌ سَیِّدِی أَسْأَلُکَ مَسْأَلَهَ مِسْکِینٍ ضَارِعٍ مُسْتَکِینٍ خَاضِعٍ أَنْ تَجْعَلَنِی مِنَ الْمُوقِنِینَ خَبَراً وَ فَهْماً وَ الْمُحِیطِینَ مَعْرِفَهً وَ عِلْماً إِنَّکَ لَمْ تُنْزِلْ کُتُبَکَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَمْ تُرْسِلْ رُسُلَکَ إِلَّا بِالصِّدْقِ وَ لَمْ تَتْرُکْ عِبَادَکَ هَمَلًا وَ لَا سُدًی وَ لَمْ تَدَعْهُمْ بِغَیْرِ بَیَانٍ وَ لَا هُدًی (۱)

وَ لَمْ تَرْضَ مِنْهُمْ بِالْجَهَالَهِ وَ الْإِضَاعَهِ بَلْ خَلَقْتَهُمْ لِیَعْبُدُوکَ وَ رَزَقْتَهُمْ لِیَحْمِدُوکَ وَ دَلَلْتَهُمْ عَلَی وَحْدَانِیَّتِکَ لِیُوَحِّدُوکَ وَ لَمْ تُکَلِّفْهُمْ مِنَ الْأَمْرِ مَا لَا یُطِیقُونَ وَ لَمْ تُخَاطِبْهُمْ بِمَا یَجْهَلُونَ بَلْ هُمْ بِمَنْهَجِکَ عَالِمُونَ وَ بِحُجَّتِکَ مَخْصُوصُونَ أَمْرُکَ فِیهِمْ نَافِذٌ وَ قَهْرُکَ بِنَوَاصِیهِمْ آخِذٌ تَجْتَبِی مَنْ تَشَاءُ فَتُدْنِیهِ وَ تَهْدِی مَنْ أَنَابَ إِلَیْکَ مِنْ مَعَاصِیکَ فَتُنْجِیهِ تَفَضُّلًا مِنْکَ بِجَسِیمِ نِعْمَتِکَ عَلَی مَنْ أَدْخَلْتَهُ فِی سَعَهِ رَحْمَتِکَ یَا أَکْرَمَ الْأَکْرَمِینَ وَ أَرْأَفَ الرَّاحِمِینَ سَیِّدِی خَلَقْتَنِی فَأَکْمَلْتَ تَقْدِیرِی وَ صَوَّرْتَنِی فَأَحْسَنْتَ تَصْوِیرِی فَصِرْتُ بَعْدَ الْعَدَمِ مَوْجُوداً وَ بَعْدَ الْمَغِیبِ شَهِیداً وَ جَعَلْتَنِی بِتَحَنُّنِ رَأْفَتِکَ تَامّاً سَوِیّاً وَ حَفِظْتَنِی فِی الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِیّاً وَ رَزَقْتَنِی مِنَ الْغِذَاءِ سَائِغاً هَنِیئاً(۲) ثُمَّ وَهَبْتَ لِی رَحْمَهَ الْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ وَ عَطَفْتَ عَلَیَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ وَ الْمُرَبِّیَاتِ کَافِیاً لِی شُرُورَ الْإِنْسِ وَ الْجَانِّ مُسَلِّماً لِی مِنَ الزِّیَادَهِ وَ النُّقْصَانِ حَتَّی أَفْصَحْتُ نَاطِقاً بِالْکَلَامِ ثُمَّ أَنْبَتَّنِی زَائِداً فِی کُلِّ عَامٍ وَ قَدْ أَسْبَغْتَ عَلَیَّ مَلَابِسَ الْإِنْعَامِ ثُمَّ رَزَقْتَنِی مِنْ أَلْطَافِ الْمَعَاشِ وَ أَصْنَافِ الرِّیَاشِ وَ کَنَفْتَنِی بِالرِّعَایَهِ فِی جَمِیعِ مَذَاهِبِی وَ بَلَّغْتَنِی مَا أُحَاوِلُ مِنْ سَائِرِ مَطَالِبِی إِتْمَاماً لِنِعْمَتِکَ لَدَیَّ وَ إِیجَاباً

۱- ۱. الا الی الطاعه خ ل.

۲- ۲. مریئا خ ل.

لِحُجَّتِكَ عَلَيَّ وَ ذَلِكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهُ الْقَائِلُونَ أَوْ يُثْنِيَ بِشُكْرِهِ الْعَامِلُونَ فَخَالَفْتُ مَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ وَ اقْتَرَفْتُ مَا يُبَاعِدُنِي عَنْكَ فَظَاهَرْتَ عَلَيَّ جَمِيلَ سَتْرِكَ وَ أَدْنَيْتَنِي بِحُسْنِ نَظَرِكَ وَ بِرِّكَ وَ لَمْ يُبَاعِدْنِي عَنْ إِحْسَانِكَ تَعَرُّضِي لِعِصْيَانِكَ بَلْ تَابَعْتَ عَلَيَّ فِي نِعَمِكَ وَ عُدْتَ بِفَضْلِكَ وَ كَرَمِكَ فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَ إِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي وَ إِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي وَ إِنْ أَمْسَكْتُ عَنْ مَسْأَلَتِكَ ابْتَدَأْتَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَوَادِي أَيَادِيكَ وَ تَوَالِيهَا حَمْداً يُضَاهِي آلَاءَكَ وَ يُكَافِيهَا: سَيِّدِي سَتَرْتَ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا ذُنُوباً ضَاقَ عَلَيَّ مِنْهَا الْمَخْرَجُ وَ أَنَا إِلَى سَتْرِهَا عَلَيَّ فِي الْقِيَامَهِ أَحْوَجُ فَيَا مَنْ جَلَّلَنِي بِسَتْرِهِ عَنْ لَوَاحِظِ الْمُتَوَسِّمِينَ لَا تُزِلْ سَتْرَكَ عَنِّي عَلَى رُءُوسِ الْعَالَمِينَ سَيِّدِي أَعْطَيْتَنِي فَأَسْنَيْتَ حَظِّي وَ حَفِظْتَنِي فَأَحْسَنْتَ حِفْظِي وَ غَذَّيْتَنِي فَأَنْعَمْتَ غِذَائِي وَ حَبَوْتَنِي فَأَكْرَمْتَ مَثْوَايَ وَ تَوَلَّيْتَنِي بِفَوَائِدِ الْبِرِّ وَ الْإِكْرَامِ وَ خَصَصْتَنِي بِنَوَافِلِ الْفَضْلِ وَ الْإِنْعَامِ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى جَزِيلِ جُودِكَ وَ نَوَافِلِ مَزِيدِكَ حَمْداً جَامِعاً لِشُكْرِكَ الْوَاجِبِ مَانِعاً مِنْ عَذَابِكَ الْوَاصِبِ مُكَافِئاً لِمَا بَذَلْتَهُ مِنْ أَقْسَامِ الْمَوَاهِبِ سَيِّدِي عَوَّدْتَنِي إِسْعَافِي بِكُلِّ مَا أَسْأَلُكَ (۱) وَ إِجَابَتِي إِلَى تَسْهِيلِ كُلِّ مَا أُحَاوِلُهُ وَ أَنَا أَعْتَمِدُكَ فِي كُلِّ مَا يَعْرِضُ لِي مِنَ الْحَاجَاتِ وَ أُنْزِلُ بِكَ كُلَّ مَا يَخْطُرُ بِبَالِي مِنَ الطَّلِبَاتِ وَاثِقاً بِقَدِيمِ طَوْلِكَ (۲) وَ مُدِلًّا بِكَرِيمِ تَفَضُّلِكَ وَ أَطْلُبُ الْخَيْرَ مِنْ حَيْثُ تَعَوَّدْتُهُ وَ أَلْتَمِسُ النُّجْحَ مِنْ مَعْدِنِهِ الَّذِي تَعَرَّفْتُهُ وَ اعْلَمْ أَنَّكَ لَا تَكِلُ اللَّاجِينَ إِلَيْكَ إِلَى غَيْرِكَ وَ لَا تُخَلِّي الرَّاجِينَ لِحُسْنِ تَطَوُّلِكَ مِنْ نَوَافِلِ بِرِّكَ سَيِّدِي تَتَابَعَ مِنْكَ الْبِرُّ وَ الْعَطَاءُ فَلَزِمَنِي الشُّكْرُ وَ الثَّنَاءُ فَمَا مِنْ شَيْ ءٍ أَنْشُرُهُ وَ أَطْوِيهِ مِنْ شُكْرِكَ وَ لَا قَوْلَ أُعِيدُهُ وَ أُبْدِيهِ فِي ذِكْرِكَ إِلَّا كُنْتَ لَهُ أَهْلًا وَ مَحَلًّا وَ كَانَ فِي جَنْبِ مَعْرُوفِكَ (۳) مُسْتَصْغَراً مُسْتَقِلًّا سَيِّدِي أَسْتَزِيدُكَ مِنْ فَوَائِدِ النِّعَمِ غَيْرَ مُسْتَبْطِئٍ مِنْكَ فِيهِ سَنِيَّ الْكَرَمِ

۱- ۱. أساله خ ل.

۲- ۲. تطولك خ ل.

۳- ۳. معرفتك خ ل.

وَ أَسْتَعِيذُ بِکَ مِنْ بَوَادِرِ النِّقَمِ غَيْرَ مُخِيلٍ (۱)

فِی عَدْلِکَ خَوَاطِرَ التُّهَمِ سَيِّدِی عَظُمَ قَدْرُ مَنْ أَسْعَدْتَهُ بِاصْطِفَائِکَ وَ عَدِمَ النَّصْرَ مَنْ أَبْعَدْتَهُ مِنْ فِنَائِکَ سَيِّدِی مَا أَعْظَمَ رَوْحَ قُلُوبِ الْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْکَ وَ أَنْجَحَ سَعْیَ الْآمِلِينَ لِمَا لَدَيْکَ سَيِّدِی أَنْتَ أَنْقَذْتَ أَوْلِيَاءَکَ مِنْ حَيْرَةِ الشُّكُوکِ وَ أَوْصَلْتَ إِلَی نُفُوسِهِمْ (۲)

حَبْرَةَ الْمُلُوکِ وَ زَيَّنْتَهُمْ بِحِلْيَةِ الْوَقَارِ وَ الْهَيْبَةِ وَ أَسْبَلْتَ عَلَيْهِمْ سُتُورَ الْعِصْمَةِ وَ التَّوْبَةِ وَ سَيَّرْتَ هِمَمَهُمْ فِی مَلَكُوتِ السَّمَاءِ وَ حَبَوْتَهُمْ بِخَصَائِصِ الْفَوَائِدِ وَ الْحِبَاءِ وَ عَقَدْتَ عَزَائِمَهُمْ بِحَبْلِ مَحَبَّتِکَ وَ آثَرْتَ خَوَاطِرَهُمْ بِتَحْصِيلِ مَعْرِفَتِکَ فَهُمْ فِی خِدْمَتِکَ مُتَصَرِّفُونَ وَ عِنْدَ نَهْيِکَ وَ أَمْرِکَ وَاقِفُونَ وَ بِمُنَاجَاتِکَ آنِسُونَ وَ لَکَ بِصِدْقِ الْإِرَادَةِ مُجَالِسُونَ وَ ذَلِکَ بِرَأْفَةِ تَحَنُّنِکَ عَلَيْهِمْ وَ مَا أَسْدَيْتَ مِنْ جَمِيلِ مَنِّکَ إِلَيْهِمْ سَيِّدِی بِکَ وَصَلُوا إِلَی مَرْضَاتِکَ وَ بِكَرَمِکَ اسْتَشْعَرُوا مَلَابِسَ مُوَالاتِکَ سَيِّدِی فَاجْعَلْنِی مِمَّنْ نَاسَبَهُمْ مِنْ أَهْلِ طَاعَتِکَ وَ لَا تُدْخِلْنِی فِيمَنْ جَانَبَهُمْ مِنْ أَهْلِ مَعْصِيَتِکَ وَ اجْعَلْ مَا اعْتَقَدْتُهُ مِنْ ذِكْرِکَ خَالِصاً مِنْ شُبْهِ الْفِتَنِ سَالِماً مِنْ تَمْوِيهِ الْأَسْرَارِ وَ الْعَلَنِ مَشُوباً بِخَشْيَتِکَ فِی كُلِّ أَوَانٍ مُقَرَّباً مِنْ طَاعَتِکَ فِی الْإِظْهَارِ وَ الْإِبْطَانِ دَاخِلًا فِيمَا يُؤَيِّدُهُ الدِّينُ وَ يَعْصِمُهُ خَارِجاً مِمَّا تَبْنِيهِ الدُّنْيَا وَ تَهْدِمُهُ مُنَزَّهاً عَنْ قَصْدِ أَحَدٍ سِوَاکَ وَجِيهاً عِنْدَکَ يَوْمَ أَقُومُ لَکَ وَ أَلْقَاکَ مُحَصَّناً مِنْ لَوَاحِقِ الرِّئَاءِ مُبَرَّأً مِنْ بَوَائِقِ الْأَهْوَاءِ عَارِجاً إِلَيْکَ مَعَ صَالِحِ الْأَعْمَالِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ مُتَّصِلًا لَا يَنْقَطِعُ بَوَادِرُهُ وَ لَا يُدْرَکُ آخِرُهُ مُثْبَتاً عِنْدَکَ فِی الْكُتُبِ الْمَرْفُوعَةِ فِی عِلِّيِّينَ مَخْزُوناً فِی الدِّيوَانِ الْمَكْنُونِ الَّذِی يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ وَ لا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ الْأَصْفِيَاءِ وَ الْأَخْيَارِ وَ لَکَ (۳)

الْخَلْقُ وَ الِاخْتِيَارُ وَ قَدْ أَلْبَسْتَنِی فِی الدُّنْيَا ثَوْبَ عَافِيَتِکَ وَ أَوْدَعْتَ قَلْبِی صَوَابَ مَعْرِفَتِکَ فَلَا تُخْلِنِی فِی الْآخِرَةِ عَنْ عَوَاطِفِ رَأْفَتِکَ وَ اجْعَلْنِی مِمَّنْ شَمِلَهُ عَفْوُکَ وَ لَمْ يَنَلْهُ سَطْوَتُکَ يَا مَنْ يَعْلَمُ عِلَلَ الْحَرَكَاتِ وَ حَوَادِثَ السُّكُونِ وَ لَا تَخْفَی عَلَيْهِ عَوَارِضُ الْخَطَرَاتِ فِی مَجَالِ الظُّنُونِ اجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ أَوْضَحْتَ لَهُمُ الدَّلِيلَ عَلَيْکَ وَ فَسَحْتَ لَهُمُ السَّبِيلَ

۱- ۱. مجيل خ، محيل خ.

۲- ۲. قلوبهم خ ل.

۳- ۳. و إليک خ ل.

إِلَیْکَ فَاسْتَشْعَرُوا مَدَارِعَ الْحِکْمَهِ وَ اسْتَطْرَفُوا سُبُلَ التَّوْبَهِ حَتَّی أَنَاخُوا فِی رِیَاضِ الرَّحْمَهِ وَ سَلِمُوا مِنَ الِاعْتِرَاضِ (۱)

بِالْعِصْمَهِ إِنَّکَ وَلِیُّ مَنِ اعْتَصَمَ بِنَصْرِکَ وَ مُجَازِی مَنْ أَذْعَنَ بِوُجُوبِ شُکْرِکَ لَا تَبْخَلُ بِفَضْلِکَ وَ لَا تُسْأَلُ عَنْ فِعَالِکَ جَلَّ ثَنَاؤُکَ وَ فَضْلُ عَطَاؤُکَ

وَ تَظَاهَرَتْ نَعْمَاؤُکَ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُکَ فَبِتَشْیِیرِکَ یَجْرِی سَدَادُ الْأُمُورِ وَ بِتَقْدِیرِکَ یَمْضِی انْقِیَادُ التَّدْبِیرِ تُجِیرُ وَ لَا یُجَارُ مِنْکَ وَ لَا لِرَاغِبٍ مَنْدُوحَهٌ عَنْکَ سُبْحَانَکَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَلَیْکَ تَوَکُّلِی وَ إِلَیْکَ یَفِدُ أَمَلِی وَ بِکَ ثِقَتِی وَ عَلَیْکَ مُعَوَّلِی وَ لَا حَوْلَ لِی عَنْ مَعْصِیَتِکَ إِلَّا بِتَسْدِیدِکَ وَ لَا قُوَّهَ لِی عَلَی طَاعَتِکَ إِلَّا بِتَأْیِیدِکَ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَ خَیْرَ الْغَافِرِینَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّینَ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ الطَّاهِرِینَ وَ أَصْحَابِهِ الْمُنْتَجَبِینَ وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً کَثِیراً وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَحْدَهُ وَ نِعْمَ الْمُعِینُ یَا خَیْرَ مَدْعُوٍّ وَ یَا خَیْرَ مَسْئُولٍ وَ یَا أَوْسَعَ مَنْ أَعْطَی وَ خَیْرَ مُرْتَجًی ارْزُقْنِی وَ أَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ وَاسِعِ رِزْقِکَ رِزْقاً وَاسِعاً مُبَارَکاً طَیِّباً حَلَالًا لَا تُعَذِّبُنِی عَلَیْهِ وَ سَبِّبْ لِی ذَلِکَ مِنْ فَضْلِکَ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ.

۱- ۱. الاغراض خ ل.

**[ترجمه]مناجات انجیلیه از مناجاتهای امام زین العابـدین علیه السـلام است. این مناجات را در کتاب انیس العابـدین یافتم که یکی از علمای پیشین، از آ ن حضرت علیه السلام روایت نموده اند. و دعا این است:

بسم الله الرحمن الرحیم. خداونـدا، با نام تو گفتارم را آغاز می کنم و سـپاس تو برآورده شدن خواسـته ام را طلب می کنم. و درهمه حالات به تو توکل می کنم. تو امیـد من هستی پس امیـدهایم را به نومیدی بدل نکن. خداوندا، به یاد تو، پناه می برم و به ذکر تو چنگ میزنم و به رکن تو پناه می برم و به تو امیـد می بنـدم و به نیروی تو پناه برده و از نیروی تو نصرت و یاری می طلبم. با نور تو هدایت می شوم و بینا می گردم. تنها از تو یاری می خواهم و تنها تو را می پرسـتم. مقصد و پشتیبان من تویی به مدد تو من با دشمنان مقابله می کنم و تلاش می کنم و آن چه را که برایش تلاش می‌کنم از تو میخواهم. پس ای بهترین یاری کنندگان، یاریم کن. وای امید و آرزوی مومنان مرا از هر بدی محفوظ بدار.

سپاس مخصوص خداوندی است که همه زبان ها ذکر او گفته شده و در مقابل همه نیکی ها، از او سپاسـگزاری شده است. و در همه مکان ها مورد پرسـتش قرارگرفته است. او که تـدبیرگر امور و تقدیرگرروزگاران است. او که به آن چه که دریا درخود نهان داشـته و سـینه ها درخود جای داده و تاریکی ها از تیررس دید آدمی مخفی کرده، ونور آشـکارش می کند، داناست. همان خداوندی که دانشـمندان درعلم او حیرانند و حکیمان دربرابر حکمتش تسـلیم و بزرگان درمقابل عزت و اقتدارش سر تعظیم فرود آورده اند. و فضل و بخشش او از هر بخشنده ای افزون است.و با حلم و بردباری که دارد، سـرور همه بردباران است. سپاس خداوندی را که هرکس درپناه او قرار گرفت، بی پناه نمی گردد. و کسی که درپناه عظمت او قرار گرفت، هرگز مغلوب نمی شود. و هرکس آشـکارا نعمت های او را سـپاس گویـد، هرگز به تنگدستی و گدایی نمی افتـد. و هرکس تحت پوشـش رحمت او قرار گرفت، هلاـک نمی گردد. آن خـدایی که منت هـای بی شـماری برما نهاده که شمارشـگران از شمارش آن ناتوانند و نعمت های او آنقدر زیاد است که هر قدربندگان عابد درشـکرگزاری او تلاش کنند نمی تواند سـپاس نعمت های او را ادا کننـد. و صـنع و آفریده های او آن قدر گویاست که منکران نیز نمی توانند آن نشانه ها را رد کنند. و دلایل روشن راهنما و روشـنی بخش او، همه را به سوی او هدایت می کند. او را سـپاس گفته وآشکارا وعلنا ستایش و از نعمت هایش قدردانی می کنم. سپاس و ستایش کسی که توفیق شناخت او را داشته و به عدالت او اطمینان دارد. سپاس بی پایان و اعتقاد حتمی تنها خداوند را سزد.

خداوندا، من خواسـته ام را از تو می طلبم و به تو توسل جسـته و به تو توکل می کنم. فضل و بخشـش تو را غنیمت داشته وبه ریسمانت چنگ زده و به رحمت تو رغبت دارم و از خشم تو ترسـانم و از نیروی توکمـک گرفته و به عظمت تو پنـاه می برم.خداونـدا، تو سـرپرستی هستی که هدایت می کنی و توانگری که بخشـش می کنی ویاری گری هستی که حمایت می کنی.تو رحمت کننده و بخشاینده ای. نجات دهنده و پناه دهنـده ای. درهم کوبنده و هلاک گری. آفریننده بردباری و روزی دهنده و بزرگواری. قبل از همه مخلوقات وجود داشتی و وجودت همیشـه بوده است. تو آن چه را که بدان علم داشتی، آزمودی. بردباری کردی و پوشاندی. مهربانی کرده و آمرزیدی. عظمت و شـکوه داری و برهمه چیز چیره ای. فرمانروایی را درحـد اختیار گرفته و آن را تنها از آن خود ساختی. بر همه چیز احاطه داری و اقتـدار داری. حکم تو عین عـدالت است. نعمت دادن از روی بخشـش و لطف توست. همه گیـتی را بـدون نمونه و به بهـترین وجه آفریـدی. درآفرینشت هیـچ نقصـی راه نـدارد. بخشـش تو توانگری است. یاری تو کفایت می کنـد. آفرینش تو به بهترین وجه است. توفیق تو هدایت است. غیب را از بندگان نهان داشتی و خود به اسـرار نهان آن آگاهی. میان قلب ها و اختیارش حایل گشتی و مردم یقین کردنـد که تو تدبیرگر آن هایی. اذعان کردند که تو روزی شان را تقدیر می کنی. خدایی جز تو نیست و تو بسی والاتر از آنی که ستمکاران گویند.

خداونـدا، من تو را که از هر شاهـدی نزدیکتر هستی، شاهـد می گیرم و فرشـتگان مقرب تو را و بنـدگان صالـح ات از انس و جن، شاهـد می گیرم که با نیتی خالص و بصـیرتی بـدور از تردیـد، با اخلاص ویقین گواهی می دهم و این شـهادت و گواهی به امیـد آزادی از عذاب و امان ذخیره می کنم و برای تصـدیق ربوبیت تو من در نهـان گواهی می دهم. و برای این که تو را به یگـانگی یـاد کرده بـاشم آشکارا، گواهی می دهم. و از این گـواهی خـود هرگز روی گردان نشـده و به طریقه الحـاد آن را تأویـل نخـواهم کرد. وگـواهی من چنین است که تو خداونـد و پروردگـار من هستی که من هیـچ کسـی را شـریک تو قرار نخواهم داد. و پناهگـاهی جز تو نخواهم یافت. خـدایی جز خداونـد یکتا و بی نیاز

نیست. همان خدایی که تعدد نپذیرد و همان یگانه ای که با هیچ کس مقایسه نشود. بسی والاتر از آن است که او را همسان و مساوی با چیزی قرارد داد. او که نه فرزندی و نه همسری دارد. منزه است آن آفریدگار که چه خوب آفریده و آن روزی دهنده ای که بسیار می بخشد و آن خدایی که نزدیک است چقدر والا مرتبه است. آن اجابت کننده بندگان چقدر شنواست و آن توانمند چقدر شکست ناپذیر است. و برای اوست توصیف برتر در آسمان هاو زمین و اوست توانمند و حکیم.

و گواهی می‌دهم که محمد پیامبر مرسل او و ولی برتر اوست و شاهدی است به عدالت شهادت می‌دهد. و با نور روشنا بخش مورد حمایت قرار گرفته و با امر مورد پسند، پشتیبانی شده است. پیامبری که خداوند او را با اوامر شفا بخش نواحی بازدارنده و آیات هدایتگر بر انگیخت. همان آیاتی که برهانش را آشکار و بنیانش تشریح نمود، در کتابی که بر همه کتاب ها برتری دارد و تمام حقایق و درستی را در بر دارد. همان کتابی که اخبار نسل های گذشته و تفصیل مسائل و احکام و فریضه نماز و روزه و تفکیک بین حلال و حرام در آن است، و پیامبر هم مردم را به بهترین راه دعوت نمود و سرگشتگی دلهای آشفته را درمان کرد تا این که حق پیروز و آشکار گشت و باطل از بین رفت و ناتوان شد. درود بی پایان وبیشمار خداوند بر او و آل او باد. درودی که نه در زمانی خاتمه یابد و نه در شماره آید.

خداوندا، مادامی که ستارگان در برج ها حرکت می کنند و دریاها با امواج متلاطم می گردد و ما دامی که شب تیره و تاریک است و مادامی که روز روشن آشکار است، برمحمد و آل محمد درود بفرست و مادامی که روزها از پی هم می آیند و سال ها از پی هم می گذرند و مادامی که در وهم انسان، ایده ها خطور می کند و اندیشه انسان تدبیر می کند و مادامی که انسان ها باقی هستند، برمحمد و آل او درود بفرست.

پروردگارا، بر محمد خاتم پیامبران و خاندان نیکوکار و با تقوایش و نیز برعترت با اصل ونسبش درودی کامل و پربار بفرست چنان درودی که از بین نرود و نه پایان یابد.

خداوندا، ای پروردگار جهانیان و ای والاترین قضاوت کننده، ای مهربان ترین مهربانان، من عادلانه‌ترین شهادت و با نشاط‌ترین عبادت و ساده‌ترین افزونی و غبطه آورترین بزرگواری و محتاطانه‌ترین سلامتی و عادلانه‌ترین کار و موفق‌ترین آرزو و صادقانه‌ترین گفتار و بهترین محل و لطیف‌ترین منزل و جامع‌ترین حمایت و مهربانانه‌ترین سرپرستی و کافی‌ترین نگهداری و شافی‌ترین راحتی و کامل‌ترین نعمت و بالاترین همت و نورانی‌ترین قسمت و پربارترین روزی و پاک‌ترین اخلاق و راست‌ترین شیوه و ستوده‌ترین عاقبت و درست‌ترین راه و محکم... ترین تدبیر و نیکبخت‌ترین حدود و مجرب‌ترین کار و بهترین سود و موفق‌ترین خانواده و کامل‌ترین بهره و گسترده‌ترین برکت و عظیم‌ترین عمل صالح را از تو مسئلت دارم.

خداوندا من از تو قلبی خاشع و پاک و نام نیک و مقام برجسته، روزی فراخ و گوارا و زندگی همراه با آسایش و خوشی می‌خواهم. خداوندا، من از سختی زندگی و از شر هر تلاشگر و جاسوس و دشمنان و انسان های پست و از هربدی پنهان و آشکار، به تو پناه می برم. خداوندا، از دعایی که بالا نرود و از امید دروغین و از بی حیایی و مناظره شکست پذیر و اندیشه نادرست به تو پناه می‌برم.

خداوندا،

همه از تو کمک می خواهند و به تو پناه می‌برند. تکیه‌گاه و پناهگاه تویی. پس از نعمت های لطیفت نصیب من قرار بده که تو خود، لطیفی و مرا به محنت دچار مکن که من ضعیفم. ای خداوند رئوف و مهربانی مرا درپناه مهربانی خود جای بده. ای خداوندی که کسانی را دل از هرچه غیر اوست ببرند و به او رو کنند، پناه می دهی. و کسانی را که به او توکل کنند، توانگر می سازی و از بی نیازی خود بر من فقیر جود و بخشش کن و تکلیفی که افزون بر توانم باشد برمن تحمیل مکن.

خداوندا، مرا از کسانی قرار بده برای رسیدن به تو تلاش کردند و از این تلاش دست بردار نبودند. و به راهی گام نهادند که تو ختم می شود

و هرگز از این راه بیراهه نرفتند. و در رسیدن به تو، به خود تو تکیه کردند تا این که رسید ند و تو قلب های آنان را از محبت خود سیراب، و جان هایشان را با معرفت خود مأنوس ساختی. و هیچ چیز موجب گسست آنان از تو نشد و هیچ عاملی نتوانست مانع رسیدن آنان به آن چه درنزد تو امید داشتند، گردد. پس آنان در شرایط دلخواه خود از نعمت های تو برخوردار و جاودانه هستند. وحشت بزرگ آنان را اندوهگین نمی سازد. و فرشتگان به استقبالشان می آیند و می گویند این همان روزی است که به شما وعده داده می شد.

خداوندا، قلب و زبان از آن توست و نجات و امان من نیز با کمک توست. تو به آن چه من دردل دارم و آن چه اظهار می کنم آگاهی پس کینه را در دل من بمیران و زبانم را از گفتار زشت باز دار و دل مرا از بند خواهش ها رها ساز. و با امان خود، مرا در مقابل مشکلاتی که مانع راه من است، کفایت نما. خداوندا، تنهایی و پنهانی های مرا با نظارت خودت پیوند ده و کارهای ظاهری‌ام را با اطاعت خود موافق گردان. و جسمی روحانی و قلبی آسمانی و همتی وابسته به خود و یقینی راستین در دوستی ات، به من عطا کن. و ستایش هایت، آن را که بیشتر با آن ستوده می شوی، به من الهام کن. خداوندا مناسب ترین و سازگارترین فایده را نصیب من گردان که تو صاحب ستایش و سپاسی و مجد و بزرگواری در اختیار توست.

ای کسی که سرکشی متمردین از اقتدار حکومتش نمی‌کاهد و ایمان موحدین چیزی به جبروتش نمی افزاید. کرم و بزرگواری ات را شفیع خود قرار می دهم که نعمت های بزرگی که به من ارزانی داشته‌ای از من نگیری. و با حسن نظری که بر من داری مرا از ورطه هلاکت ها بازداری و مرا از روی لطف انتخاب نموده و راه های نجات را به من بشناسانی.

ای که رحمت او به نیکوکاران نزدیک است و بخشایش او برای توبه کنندگان واجب. خداوندا، با رحمت خود، نیکی و احسان را نصیب ما کن. با نعمت خود لباس عفو و غفران برما بپوشان. خواهش های ما را همراه با حیا قرار بده تا حیا خواهش های ما را از شهوت ها جدا سازد. قلب ما را از نوری آکنده ساز که آن را از شبهه ها باز دارد. و ترس کسانی را که از سختی روز حساب هراس دارند، برجان ما مسلط کن. به ما امید کسانی را که به ثواب امید و یقین دارند، عطا کن. تا مهلت دادنت ما را نفریبد و درانجام اعمال صالح کوتاهی نکنیم و از تسبیح و ستایش تو در صبحگاهان و شامگاهان خسته نگردیم.

ای کسی که عارفان را با گواری مناجاتت انس دادی و به گنهکاران لباس دوستی پوشاندی کسی که همتش در راهی غیر از تو باشد، کی شادمان گردد ؟ و کسی که عزم و اراده اش در طلب کسی غیر از توباشد، کی راحتی بیند ؟ و کیست آن که با اراده راستین قصد تو نمود و تو او را برای رسیدن به مقصودش یاری ننمودی ؟ و کیست آن که درکارخود به تو توکل نمود و تو او را به خوشبختی نرساندی و کیست آن که از تو راهنمایی خواست و تو او را راه نشان نداده‌ای ؟ خداوندا، این بنده ضعیف و بی چیز و درمانده و حسرت به دل و بی پناهت خوب می داند که تدبیر امور در دست تو و تقدیر روزی بر اساس اراده توست.و تو با قدسیت خود، حیات همه موجودات را رقم زدی و آن را نجات هر موجود زنده ای قرار داده ای. پس به این بنده ات، از شیرینی مودتت که او را به خشنودی ات می رساند، روزی ده. و به او خشوع و خضوعی عطا کن که در روی آوردن به درگاهت خود را کم بنگرد. به او سلامت درزندگی و مرگ عطا کن و به او آن چه توکل کنندگان را کفایت کند و سرپرستی افراد تحت تکفل او را کافی باشد.عزت و ولایت نمازگزارانی که نمازشان مقبول است به او عطا کن.

ای کسی که از پدر دلسوز نسبت به من مهربانتر هستی و از یار همراه به من نزدیکتری. تو مونس تنهایی من هستی آن زمان که در مکانی تنها بمانم و از دیار و کاشانه ام بیرون رانده شوم و همراهان و همسایگان مرا تنها گذارند و من تنهای تنها درجایی که محدوده آن اندک و سقف آن کوتاه و ضریح آن تنگ، و پوشیده شده با سنگ قرار گیرم. همان جایی که منظر آن ترسناک و خاک آن سنگین و فضای آن آکنده از وحشت و ساخت آن پوشیده شده با ظلمت، نه تخت خوابی در آن است و نه بالشی. نه توشه ای برای آن ذخیره کرده ام و نه زادی. پس ای خداوند، به وسیله رحمتت مرا درآن شرایط دریاب همان رحمتی که اکناف آن هم اشیا را دربر گرفته و اطراف آن همه موجودات زنده را جمع کرده و الطاف آن همه مردم را تحت پوشش قرار داده است. وای خداوند کریم عفو و بخششت را به من بازگردان و مرا به خاطر نادانیهایم مؤاخذه مکن. ای خداوند مهربان.

خداونـدا، بـه کسـی کـه گناهـانش او را دربرگرفته، و خطاهـایش وی را احـاطه نمـوده و جنـایت هـایش گرداگرد او را گرفته انـد، رحم کن. خداونـدا، به عفو خودت قسم، به کسـی که هیـچ کسـی نمی توانـد به خاطر کارهایش شـفاعتش کند، و هیچ چیز نمی تواند او را از عذاب تو نجات دهـد، رحم کن. خداونـدا، به عفو خودت قسم، به کسی که هیـچ کسـی نمی توانـد به خاطر کارهایش شـفاعتش کند، و هیچ چیز نمی توانـد او را از عـذاب تو نجات دهـد، رحم کن. خداونـدا، به این بنـده‌ات که از آن چه که بر وی سایه افکنـده غافل مانده و فراموش کرده که برای چه منظوری آفریده است، رحم کن. بر کسـی که پیمان شکنی کرد و آن را توجیه کرد و به معصیت تو روی آورد و بر آن اصرار ورزید و درآشـکار و نهـان نادانی کرد، رحم کن. بر کسـی که نقاب حیا را از چهره کنار زده و لباس تقوا کاران را از روی شانه هایش کنار زده و با ارتکـاب کارهای ناپسـند جسارت نموده و خشم تو را سـبب شـده است، رحم کن. ای کسـی که همراه بخشاینـده و آمرزنـده ای بر کسـی که همواره دچار لغزش و خطا می شود، رحم کن.

خداوندا، گناهان گذشـته ام را بیامرز و پایان کارم را چنان قرار بده که رضایت تو درآن است. خداوندا، عزمم را چنان قرار بده که بسویت تو به نمـایم، توبه ای مانـدگار که مورد قبول تو باشـد و به واسـطه این توبه لغزش هـایم را ببخشـی و زشتی هایم را بپوشانی و بر اشک هایم رحم کنی و از انتقـام هلاـکت بـار به خود، پنـاهم دهی، و بـا نعمت هـایی که به من عطـا می کنی مرا شادمـان می‌سـازی؟ در روزی که همه خبرها آشکار شده و خطرات هولناک پدید آید و نهانها بر ملا شود و پرده ها فرو افتد و قلب ها و چشم ها از شدت ترس از حرکت باز ایستد. روزی که عـذر خواهی ظالمان سودی به حالشان نمی بخشـد و لعنت خـدا بر آن ها و جایگاه بسیار بـدی نیز بر آنان است . تو سرچشـمه نعمت ها و بخشـش هستی و سـختی ها و عـذاب را تنها تو از بندگان باز می داری. خدایی جز تو نیست بر تو تکیه می کنم و از تو یاری می جویم و تو را کافی می‌دانم و کافی است که تو یار و مدافع من باشی.

ای خدایی که خزانه روزی همه آفریده هایت در اختیار توست و تو آفریننده گونه های مختلف مخلوقات هستی. وای کسـی که هفت آسـمان را که راه فرشـتگان است برروی هفت طبقه زمین بنـا نهـادی و ای خداونـدی که در اوج وقـار عزت هسـتی و همیشه هیبت و بزرگواری از آن توست. و در بخشش روزی به بندگانت کریم و بخشنده ای. و هیچ حد و مرزی برای تو قابل تصور نیست و هیچ عددی و هیچ توصیفی نمی... تواند حد و اندازه قدرت و بخشش تو را خلاصه کند.

ای مالک خزانه های روزی، ای خالق انواع جانـداران، ای آفریننـده هفت راه پیموده شده بر فراز هفت زمین، (همان راه هایی) که در برابر آن عـالی مقـامی که در اوج وقـار و عزت و منعت به سـر می برد، خوار و ناچیز است. همان که بر رفعت و هیبت کبریایی‌اش همیشه پایـدار است. همان بخشـنده‌ای که بر بندگانش بی حساب می بخشاید، هیچ جوینده ای او را در نمی یابد و کسـی توان وصف او را ندارد، حمد و سپاس از آنِ خداونـدی است که آفریننده ی گونه های انسان است، همان که نور را به تاریکی وارد می سازد و موجودات را از عدم به وجود می آورد و خودش در وجود بر همگان سـبقت گرفته و قدیم است. نسبت به بندگان بخشنده است و بدیشان نعمات ارزانی می دارد و دوباره با فضل و بخشـش به سوی آن ها باز می گردد، با فضل و کرمی که هر چقـدر هم از آن انفاق کنـد به پایان نمی رسد. ترس فقر برای او معنایی ندارد و این روزی پراکنی هرگز در کرم و جـود او خللی وارد نمی آورد، آدمیـان هرگز نتواننـد او را بـا چشم سـر ببیننـد و هرگز به بـدی وصف نمی شود. او را به خـاطر نعمت هـای بسیارش ثنـا می گویم و از این که یـاریش را از من بردارد به او پنـاه می برم و به نور برهـان و راهبریش از او هـدایت می طلبم و کاملا به او ایمان دارم و شـهادت می دهم که هیـچ خدایی جز خدای یگانه نیست. یگانه است و هیچ شـریکی ندارد.همان که بخشـش تمام خلق را در بر گرفته و حکم او در باب آن بنـدگانی که از راه خداوند گمراه شده اند و همین طور آنانی که هدایت یافته اند، قاطع و حتمی است. او نسـبت به تمام کسانی که اطاعتش نمایند و یا عصیان و سرکشی کنند، عالم است و با عزتی فراگیر و همیشگی بر ملک و ملکوت حـاکم است. همه آسـمان هـا، زمین و اطراف و حواشـی آن هـا، کوه هـا و راه هـای کوهسـتانی، درختـان و شاخه هایشان، دریاها و جانداران موجود در آن ها،

ستارگـان در جایگـاه ظهورشـان، باران ها در آن هنگام که می بارنـد، حیوانات وحشـی زمین، رود های نیرومنـد به همراه امواج آن ها، آبهای

گوارا چه تلخ و چه شور، بادهای غبارآلود و هر چیزی که در این خلقت در نام و وصف گنجد یا بتوان حد و مرزی برایش قائل شد، هر چه که به ذهن آید یا بتوان به چیزی او را تمثیل زد، همه آن چیزی که به عرض و جوهر نسبت داده می شوند، چه کوچک باشد و چه بزرگ، حقیر یا عظیم، همگی به عبودیت و خاشعانه به بندگی خویش اعتراف دارند و در وحدانیت او هیچ شکی ندارند، جمله ی اینان مطیع و گوش به فرمان خداوند هستند و در برابر خواست و اراده ی او خاضع و تسلیم هستند، تمام این ملک هستی یکپارچه در دست اوست همانی که همیشه باقیست و این دوام را پایانی نیست و عدد او را پایانی نیست، شهادت می دهم که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده ی بخشنده و پیامبر پاک و معصوم اوست که خداوند او را به پیغامبری مبعوث نمود در حالی که مردم آن روزگار در کشاکش گمراهی و غرور جهالت به سر می بردند. نه به صدق سخن می گفتند و نه به حق عمل می کردند، قساوت و سنگدلی آنان را در بر گرفته بود و شقاوت بر روح آنان مسلط گردیده بود البته غیر از کسانی که خداوند خود می خواست تا نجاتشان بخشد و آنان را مورد رحمت خود قرار داده، یاریشان نماید. محمد صلی الله علیه وآله و سلم، (در این چنین فضایی) به پا خواست و پی در پی با عزمی راسخ و حکمی قاطع به انذار این قوم پرداخت و آنان را به سوی انوار الهی رهنمون گردید. تا این که شهاب ایمان تابیدن گرفت و انجمن شیطان پراکنده گردید و خداوند به سربازانش عزت عطا نمود و (آنگاه) تنها خداوند پرستیده می شد، پس از آن خداوند او را برگزید و تا مرتبه شادی بهشت و کرم بی نهایتش بالا برد و در حالی روح او را قبض کرد که پاک، مزکّی، خشنود و پاک بود. کلام صادقانه و عادلانه ی پروردگارت به انتها رسید همان سخنانی که هیچ تغییری در آن ها راه ندارد. خداوند شنوای دانا بر او، خاندان، نزدیکان و خویشاوندان و زیر دستانش درودی باشکوه و پسندیده بفرستد. درودی که پی در پی بر آن افزوده گردد، بلندای او را فرودی و اوج گرفتن او را مانعی نیست. همان درودی که تا جایگاه رفیع ارواح و مقام رستگاری ایشان بالا رفته و خداوند (هر لحظه) بر تحیات این درود بیافزاید و صلوات آن را نزدشان شریف گرداند. و آنان این درودهای پی در پی را در همان مقام عالیشان همراه با سروری الهی دریافت خواهند داشت. و این سرور همواره در ردای طراوت، تازگی و نوری مدام پیچیده شده است. خداوندا همواره کامل ترین و شریف ترین درودها، زیباترین و لطیف ترین تهنیت ها، وسیع ترین و بهترین برکات و شایسته ترین و والاترین مواهبت را بر محمد صلی الله علیه وآله و سلم فرو فرست، همان که خاتم پیامبران و اشرف امیّان است و همچنین از این عطای باشکوهت بر خاندان مطهر و برگزیده اش، همان عترتی که نجیبند و تو ایشان را برگزیده ای و بر پیروان وفادار و یاران برجسته او از انصار و مهاجر نیز نازل کن. و او را در روز قیامت شفیع ما قرار ده همراه تمام کسانی که به مانند او در زمره ی یکتا پرستان قرار می گیرند ای بهترینِ کریمان و ای بهترینِ رحم کنندگان! خداوندا تو همان مالکی هستی که هیچ کس بر تو مالکیت ندارد و یگانه ای هستی که شریکی ندارد. ای شنوای اسرار نهانی و ای دفع کننده ی مضرات و بلایا، ای از بین برنده ی سختی و اندوه و ای پذیرنده ی عذر و توبه، ای عیب پوش بندگان! عیوب مرا به لطف و رأفت خویش بپوشان و به بزرگی رسان و از روی رعایت و حفاظت، مرا به مقام بقاء رسان و از روی عنایت و لطف مرتبه ی نهایی ایمان را نصیبم کن. به حکم رحمت و شفقتی که بر بندگان داری مرا از آنانی قرار ده که به عهد و پیمانی که با تو بستند وفادارند و قلبم را همیشه سرشار از مهربانی و شفقت بر نیازمندان کن. ای کسی که همواره رفتارش با من در غایت نیکویی بوده است و هرگز عیب پوشیش را از من دریغ ننموده و در عقوبت من عجله ای نداشته است. فضل و کرمت را بر من تمام کن و مرا به موجب آن چه از من پوشاندی و مخفی نگاه داشتی، مؤاخذه ننمای. ای مولای من! چه بسیار نعماتی که به خاطر بهجت و سرور پنهان در آن ها، پوشیده داشتی. و چندین بار دستم را گرفتی تا هدایتم نمایی و بارها با مهرورزی خود باری بر شانه های من گذاشتی که حمل آن برایم دشوار است و من هرگز نمی توانم این فضل و کرم را به درستی بر زبان آورم و قدرت سپاسگزاری من در برابر این همه نعمت بسیار عاجز و قاصر است. این نعمات از حد شمارش خارجند اما من با تمام این ها در برابر تو سرکشی کردم و فراموش کردم که تو را به خاطر داده ها و احسانت شکر گویم و وای بر من که چه بد حالی خواهم داشت اگر مرا با غفران و بخشش مورد رحمت قرار ندهی و شکرگذاری نعماتت را به من یاد ندهی چرا که اگر توفیقی از جانب تو مرا در نیابد،

نمی توانم حق تو را آن طور که شایسته ی توست ادا کنم. ای مولای من! اگر نور هدایت تو نبود من هر آینه راه را گم می کردم و اگر روشنگری تو نبود من از راه راست منحرف می شدم و اگر آگاهی رسانی تو نبود من هرگز به مقام مورد قبول هدایت نمی شدم و چنآن چه توفیق تو نبود من نمی توانستم به معرفت تاویل دست یابم. ای کسی که مرا به توحید و یگانگی خود گرامی داشت و با ارشاد و هدایت مرا از

گمراهی رهانید و مرا مکلف نمود تا حدود او را رعایت نمایم، آن چه را که از معرفت نصیبم نمودی از من دریغ مدار و مرا به نور یقین زنده گردان همان یقینی که به موجب آن از هر گونه الحاد و شرک نسبت به تو دور باشم. ای بهترین کسی که امیدواران می توانند به او امید داشته باشند و ای مهربان ترین کسی که بندگان می توانند به او پناه آورند و ای بخشنده ترین کسی که نیاز نیازمندان را مرتفع می سازی! خدایا! در آن هنگام که عمرم به پایان آمد و یاد من از خاطره ها رفت و آثارم دیگر محو گردید، آن هنگام که مرا در قبر گذاشته، اسیر اعمال خویش و در قبال هر آن چه که در دنیا از روی لغزش و غفلت انجام داده ام مسئول هستم و به مانند تمام مردگان پیش از من به فراموشی سپرده شده ام، توبه را برایم آسان نما و مرا بدان توانا گردان و آن را به نشانه تواضع و خشیت من در برابر خودت بدان و مرا به سوی آن هدایت کن همانا هر توان و توشه ای همه به کمک توست و ثبات و انتقال نیز در دستان توست. ای کسی که حتی از پدر و مادر نیز نسبت به من مهربان تری و از فرزند بیشتر به من نیکی می کنی و از همسایه دیوار به دیوار به من نزدیک تری! خیر و نیکی را به من نزدیک گردان و هر آن چه را که در قضای الهی بر ای من مقدّر نمودی خیر قرار ده و عاقبتم را به تقوا و احسان ختم کن و مرا از هر مانع یا هر حرف و رفتاری که میان ما فاصله می اندازد حفظ کن و بر من رحم کن چنان که دلم از هر شبهه و بدعتی شفا یابد.

ای مولای من! هرکس به غیر تو امید بست نا امید شد و هر که به تو ابراز نیاز کرد با دست پر بازگشت و هرکه غیر از تو ادعا نمود که می تواند مردم را از غم رهایی بخشد، به گمراهی کشیده شد. تو همانی که در سختی و آسانی می توان به او پناه برد، تو ملجأ بندگان در هنگام رویارویی با سختی ها هستی، همان که در زمان مصائب و گرفتاری ها به او پناهنده می شوند. تنها کافران و عاصیان از رحمت تو ناامید می گردند. فاش می گویم که تو در دنیا و آخرت ولی و صاحب اختیار من هستی. مرا بر اسلام بمیران و با صالحان و نیکان محشورم کن.

ای کسی که زائرانش را از عطایا و بخشش های خود محروم نمی کند و هر که را به او پناه ببرد به حال خود رها نمی سازد. من به جود و کرم تو امید دارم و به درگاه هیچ کس جز تو دست نیاز دراز نمی کنم تو می توانی نیازها را آسان کنی و اشتیاق ها را فزونی بخشی. از روی فضل و کرمت هر آن چه را که بدان نیازمندم به من عطا کن و چنان چه از بذل و جودت بر می آید از این نیاز بهترینش را به من عنایت نما. ای مولای من! بدنم نحیف گشته و استخوان هایم پوسیده گردیده، عدد سال های عمرم بالا رفته و روزگار بر من چیره شده و زمانم به سر رسیده،

شعله ی شهوتم خاموش شده و تنها سرانجام راه برایم باقی مانده است، به بردباری خود قلم بر جهلم بکش و با عفو و بخشش بی پایانت از رفتار ناپسندم درگذر و مرا به خاطر هر آن چه که این استخوان ها در گذشته مرتکب شده اند مؤاخذه ننمای.

ای مولای من! من به گناه خویش معترفم و به خطای خود اقرار می کنم، من زندانی جرم هایی هستم که مرتکب شده ام و مسئول گناهان ریز و درشت، در بدکاری افراط کردم و از راه درست منحرف شدم و عمرم به گمراهی گذشت و تمام دلایلم در توجیه گناهان باطل گردید. به لطف و کرم خویش بر من ببخشای و بر من احسان کن. تو نسبت به آنانی که به تو دست نیاز می آورند با غفران و بخشایش برخورد می کنی اما نسبت به آنانی که به درگاهت عصیان کرده اند بسیار سخت کیفر هستی.

ای مولای من! اگر طاعت من به درگاه تو کوچک و ناچیز است اما به تو بسیار امیدوارم و این آرزو در کنار امیدی که به تو دارم بسیار بزرگ است. ای مولای من! چگونه از محضر تو ناامید بازگردم و ظن من به تو به گونه ایست که تو به من رحمت می کنی و نجاتم می دهی. هرگز یأس و ناامیدی بر این حسن ظن غلبه نمی کند و هیچ گاه امیدم را به تو از دست نمی‌دهم. ای مولای من! آن زمانی که در حضور تو آشکارا گناه کردم، جرمم سنگین شد و آن هنگام که گناهم را بی هیچ پرده پوشی در برابرت انجام دادم، بزرگ شد. هیچ امیدی نیست مگر این که تو به عفو و خطا پوشیت معترفین به گناه را ببخشایی و مغفرتت توبه کنندگان را فرابگیرد. ای مولای من! اگر مرا به سوی جهنم فرابخوانی از عقوبتت می هراسم و اگر مرا به سمت بهشت بخوانی به ثواب و پاداشت امیدوارم. اگر خطایا باعث شود که من از لطف و محبت های تو غافل شوم اما یقینی در من وجود دارد که باعث می شود با خوبی های تو مانوس شوم و اگر غفلت سبب شود تا از دیدار تو محروم گردم، شناخت نشانه های همیشگی ات مرا بیدار می کند و اگر صلاح و مصلحتم، مرا از تو دور کند، باز در دل یقین دارم که تو مرا می بینی و منفعت مرا می خواهی و اگر روزهای من در غیر آن چیزی که مورد پسند توست، سپری شود، به وسیله ی ایمانی که به تو دارم تمام گذشته

را جبران می کنم. ای مولای من! من مشتاقانه به درگاه تو آمده ام و لباس فقر و نیازمندی خویش را بر تن کرده ام و نیازم مرا در برابر تو در مقام ذلت و فرومایگی قرار داده است. ای مولای من! اگر از تو حاجتی طلبیدم کرم نما و بر من کرم نمای و مصاحبت با اهل بخششت را به من عطا کن. خدایا! به این حاجتمندی که هیچ پناهی جز کرم و عطای تو ندارد، فقیری که تنها جود تو او را بی نیاز می سازد، رحم کن. ای مولای من! من بر درگاه تو به گدایی آمده ام و از روی آوردن به غیر تو اجتناب کرده ام و به هیچ وجه برازنده تو نیست که نیازمندی را که بی صبرانه بر درگاهت منتظر تفقّد و فضل توست، ناامید بازگردانی. ای مولای من! اگر در روز قیامت، مرا از دیدار محمد صلی الله علیه و آله و سلم محروم کنی و چنان چه مرا از همراهی با خدمتگزاران و خادمان بازداری و در سرای باقی امید مرا ناامید سازی، نفسم به خاطر تو بر من منت خواهد گذاشت و در برابر من رخ می‌نماید. ای دادنده ی نعمت های فراوان! ای مولای من! به عزتت سوگند که اگر مرا به غل و زنجیر کشی و از نعماتی که به بندگانت می‌دهی، محرومم بداری، باز هم امیدم را از تو قطع نمی کنم و همچنان به انتظار می مانم تا مرا مورد عفو قرار دهی. ای مولای من! اگر مرا به سوی اسلام هدایت نکنی، گمراه می شوم و اگر ثباتم نبخشی، می لغزم و اگر ایمان به خودت را به من نچشانی، ایمان نمی آورم و تو را باور نمی کنم و اگر زبانم را به دعا باز نکنی، تو را نمی خوانم و اگر حقیقت معرفتت را بر من آشکار نسازی، تو را نمی شناسم و اگر مرا به ثوابت راهنمایی نکنی، اشتیاقی نخواهم داشت و اگر عذابت را به من نشان ندهی، نمی هراسم. پس از تو توفیق می طلبم تا (بتوانم انجام دهم) هر آن چه را که باعث جذب ثواب تو می شود و از هر آن چه که عقوبت تو را در پی دارد رها شوم. ای مولای من! اگر خطا و گناهی باعث شود تا من از مسابقه با گروه نیکان محروم شوم، باز هم اعتمادی که به رحمت تو دارم مرا در مرتبه ی اخیار و برگزیدگان جای می دهد. ای مولای من! اگر در نگاه کردن به هر آن چیزی که کرامت نفس را در پی دارد، دچار خطا شدم، به راهی برخورد کردم تا راه فرج و سلامت نفس در آن نهفته بود. ای مولای من! اگر نفس سرکش من، مرا بنده ی امری ساخت که خوشایند او بود، اما اکنون من او را بنده ی امری ساختم که او را نجات می بخشد. ای مولای من! چنان چه توشه ام در راهی که مرا به تو می رساند از بین برود، من آن را به همان ذخایری که به مدد تکیه بر تو به دست آورده ام، متصل می کنم. ای مولای من! هر گاه رحمت تو را به یاد آوردم، چشم تمام مسائل از شادی برق زد و هر گاه عقوبت تو را به یاد آوردم چشم همه ی راه ها و ابزار گریان شدند. ای مولای من! تو آن گونه می خوانم که گویی دیگر کسی وجود ندارد تا او را بخوانم و چنان به تو امید دارم که گویی جز تو کسی مطمع نظر نیست.

چگونه از بخشش تو نظر برگردانم، من در این عالم خلقت یکی از خانواده تو هستم. ای مولای من! چگونه با دلیل و منطق زبان عجز و ناتوانیم را ساکت کنم و اما آن چه که مرا نگران ساخته ابهامی است که بر عاقبتم سایه افکنده است. ای مولای من! تو نیاز جسمم را به اندازه ی روزی قرار دادی که برای من تعیین نمودی و دانستی که تا چه اندازه بعد از مرگ به آن نیازمندم. ای کسی که روزی آینده مرا نیز مهیا نموده ای، آن هنگام که به این روزی نیاز دارم، آن را از من دریغ مکن. نشانه های نعمات خداوند اتمام آن هاست و کمال آن ها، نشان از حسن این نعمات دارد. خداوندا! اگر نسبت به حال خود جاهل نمی شدم، لغزش هایم را نادیده نمی گرفتم و اگر از شدت تفریط و کم کاری به یاد تو نمی افتادم هرگز اشک از دیده نمی باریدم. ای مولای من! این لغزش های پایدار را با این اشک ها محو کن و به خاطر این نیکی های قلیل، زشتی های بسیارم را ببخش. ای مولای من! اگر تنها عبادت کنندگان و فرمانبردان درگاهت را مورد رحمت قرار دهی، پس گنهکاران به چه کسی پناه برند و اگر تنها عبادت تلاشگران را بپذیری پس خطاکاران به چه کسی روی آورند و اگر تنها اهل احسان را تکریم کنی و گرامی بداری پس نابکاران چه کنند و اگر در روز قیامت تنها تقوا پیشگان به فوز و پیروزی رسند پس گنهکاران به درگاه چه کسی استغاثه برند. ای مولای من! اگر تنها کسی اجازه عبور از صراط را داشته باشد که اعمالش نیک است پس تکلیف آنانی که پیش از رسیدن اجلشان فرصت توبه نیافتند، چه می شود و چنان چه جود و کرم تو تنها از آن کسانی باشد که عمری را به زهد گذرانده‌اند، پس بر سر آن مضطر و درمانده ای که سعیش او را راضی نمی کند چه می آید. ای مولای من! اگر نظر خطاپوشت را از اهل توحیدت پنهان کنی، غضب تو با مشرکین تمام اندوه آنان را از بین می برد. ای مولای من! اگر در روز قیامت احسانت ما را در برنگیرد، در آن روز با منکرین در می آمیزیم پس دل ما را به اسلام روشن کن همان که خزانه بخشش های توست و به روشنی همین صله ها و هدایا کدورت گناهان را از دلم پاک کن. ای مولای من! من نه سابقه ای نزد تو دارم تا آن را مایه آبرو قرار دهم و نه کار بزرگی انجام داده ام که بخواهم خالصش نمایم اما به رفتارهای کریمانه تو اعتماد دارم همان طور که به بخشش بی کرانه ات امیدوارم. تو مرا به مهربانی ها و الطاف زیبایت عادت داده ای و

هیچ کس جز تو شایسته ی به انتها رساندن این امر نیست و از معرفت خالصانه خویش حقیقتی را به من چشاندی که برای آن تنها باید شاکر و سپاسگزار تو بود. ای مولای من! این چشم ها از فرط گریه خشک نشده است و اشکشان هم به خاطر فیضان آب نبوده همان طور که فغان و فریادِ زنی که فرزندش را از دست داده او را تسکین نمی‌دهد، بلکه تمام این امور زمانی محقق می شود که انسان به گام ها و کارهایی که در گذشته انجام داده بیاندیشد. ای مولای من! تو توان این را داری تا به زوایای پنهان نفس آگاه شوی. ای مولای من! تو امر به معروف کرده ای که خودت در انجام آن نسبت به همه بندگان شایسته تر هستی. تو مشتاق هستی تا به درخواست کنندگان آن چه را که می خواهمد عطا کنی، تو بهترین کسی هستی که می تواند مسئولیتی را به عهده بگیرد. تو بندگان را از اسارت رها می کنی و هیچ آزاد کننده ای بهتر از تو نیست. تو بسیار مایلی تا خطاکاران و گنهکاران را ببخشی و تو گرامی ترین بخشندگان هستی. ای مولای من! اگر رحمت واسعه تو را از کتاب بخوانیم و دریابیم دیگر توان مخالفت با تو را نداریم و از این همه بذل رحمت و مهربانی خوشحال می شویم و آنگاه که از عقوبتت می خوانیم بار دیگر به اطاعت تو گردن می نهیم و (تلاش می کنیم) که از درد این عذاب کم کنیم. نه رحمت تو ما را ایمن می دارد و نه عذاب تو ما را ناامید می سازد. ای مولای من! چگونه انسانی که در این دنیا زندگی می کند می تواند از بلایا و مصیبت ها دور باشد و در هر خانه ای سهمی از دشواری ها و سختی ها قرار داده شده است.

ای مولای من! اگر به درگاه تو گناهی انجام دهم، این مرا می ترساند. اما حسن ظنی که به تو دارم مرا در پناه می گیرد و اگر این خوف و ترس مرا نابود کند و حسن نظر تو مرا از این رنج می رهاند. ای مولای من! اگر اجل من نزدیک شده باشد و عملم مرا به تو نزدیک نکرده باشد، به گناهم اعتراف می کنم و این اعتراف را را وجیه ترین روش برای عذر از کرده هایم می دانم. ای مولای من! چنان چه که بنگانت را مورد رحمت قرار دهی،

چه کسی بیشتر از تو شایسته رحمت است و آن هنگام که بندگانت را عذاب می کنی، هیچ کس از تو عادل تر نیست. تو همیشه در طول زندگیم با من به نیکی رفتار کردی و این خیر لطیفت را پس از مرگ نیز از من دریغ مکن. ای مولای من! چگونه از حسن نظر تو بعد از مرگ ناامید شوم. تو همیشه در طول عمرم به نیکی مرا سرپرستی کرده ای. ای مولای من! عفو تو از هر جرم و گناهی بیشتر است و نعمتت هر خطایی را از بین می برد. ای مولای من! چنان چه گناهانم مرا بهراساند، اما محبتی که نسبت به تو در دل دارم مرا ایمن می دارد. مرا چنان اداره کن که خودت می پسندی و اهل آن هستی و به فضل خویش کسی را که در پرده ی جهل پیچیده شده است به راه خود بازگردان. ای کسی که اسرار نزد تو فاش می شوند و هیچ چیزِ پنهان و پوشیده ای برای تو وجود ندارد. هر آن چه را که از من نزد مردم پنهان است بر من ببخش و به رحمت خویش از سنگینی بار گناهانم بکاه.

ای مولای من! تو در این دنیا گناهان مرا پوشاندی و آنان را آشکار نساختی پس از تو می خواهم تا مرا در قیامت نیز رسوا نکنی و همچنان گناهانم را پوشیده بداری، چه کسی از تو بیشتر شایسته ی ستّار بودن است. ای ستار العیوب و ای کسی که از همه نسبت به عفو گناهکاران شایسته تر هستی. ای بخشاینده! خدایا! جود تو سبب شد تا آرزو و خواسته ام وسعت یابد و در هنگام نزدیک شدن مرگم مرا به دیدار تو خشنود ساخت .

ای مولای من! عذر من به درگاه تو مانند عذر خواستن کسی نیست که از قبول عذرش بی نیاز است همان طور که تضرّعم به درگاهت چون کسی نیست که غرورش به او اجازه نمی دهد تا از تو درخواست کند مشکلش را رفع کنی پس ای بهترین کسی که بدکاران می توانند به درگاهش عذر بردند، عذر مرا بپذیر و ای آن که خطاکاران از او طلب بخشش و غفران می کنند. ای مولای من! آن درخواستی که عمرم را در طلبش فنا کردم، به من عنایت کن چرا که جز تو کسی را نمی یابم که بتواند نیاز مرا برآورده سازد. ای مولای من! اگر می خواهی به من توهین کنی، مرا از هدایت محروم بدار و اگر می خواهی مرا رسوا سازی گناهان مرا نپوشان. اما همچنان مرا از آن چه با آن هدایتم نمودی برخوردار ساز، و آن چه را که با آن مرا پوشاندی نابود مساز. ای مولای من! اگر گناهی مرتکب نمی شدم از عقوبتت نمی ترسیدم و اگر میزان کرمت را نمی دانستم هرگز به ثوابت امید نداشتم. تو بهترین کریمان هستی چرا که آرزوهای آرزومندان را برآورده می سازی. پس ای

کسی که همواره از او رحم طلب می شود، از گنهکاران بگذر و بر ایشان رحم نما.

ای مولای من! نیکی ها در میانه بخشش و احسان تو و بدی‌ها بین عفو و غفران توست. امیدوارم که این جا و آن جا هیچ گنهکاری که در برابر جرمش مسئول است، و هیچ نیکوکاری که اخلاص و بصیرت دارد، (حقش) ضایع نشود. ایمان به یگانگی تو نزد من شهادت داد و زبانم به حمد و ثنای تو می گردد و قرآن کریم مرا به سمت خوبی های تو دلالت می کند پس چگونه امید من به محقق شدن وعده تو مسرور نباشد و آزوی من به حسن داده های تو خوشحال نشود. ای مولای من! چنان چه ببخشی از فضل توست و اگر عذاب کنی از عدل توست پس ای جر فضل او امیدی نیست و جز عدل او از هیچ چیز نباید ترسید، به فضلت بر من منت گذار و به عدلت مرا بازخواست مکن. ای مولای من! من تو را آن گونه که می خوانم که داعی مصرّی، اربابش را می‌خواند و این اصرار مولایش را ملول نمی کند و مانند کسی به درگاهت تضرّع می کنم که بر خطای خود اقرار می کند و چنان در برابرت خضوع می کند که گویی برای دنیا و آخرتش تنها به تو امید دارد. امیدم را قطع مکن و تضرّعم را بشنو و دعایم را بپذیر و برهان را بر دعایم ثابت بدار. ای مولای من! اگر هر نوع عذری را به درگاه تو بشناسم، بی شک ان را به درگاه تو ارائه می دهم، من خودم به تمام آن چه را که مرتکب شده ام و تو همه آن ها را حساب کرده ای، اقرار دارم و با امر تو مخالفت نمودم و از آن تعدّی کردم، با این اعتراف گناه را بر منم ببخش و درخواست مرا رد نکن. ای مولای من! هر چه از گناهانم را که بدان آگاهی یافتم جبران نمودم و در آن چیزی که دانستم اسراف کردم. مرا عبد خود قرار ده، اگر مطیع بودم که آن را گرامی می داری و اگر گنهکار باشم او را مورد رحمت قرار می دهی. ای مولای من! گویی من خودم تمام زوایای نفسم را خالی نموده ام و باقی همراهان نفسم از از همسایگی رها شدند و غریبان به دلیل غربت بی حدشان، بر آن گریه می کنند و هر کس که از خاندان او که بر او دلسوز است، اشک می ریزند و علاقه مندان او از درون قبر او را صدا می زنند و دشمن او در زندگی با او از در رحم و رحمت در می آید و شدت فقرش او را از نگاه کنندگان نمی ترسد و همان طور که دیگر از هرکسی که او را ببیند نمی هراسد. عجز خاک در برابرش نمایان گشته. گفتنی: فرشتگان من، او یکی است و تمام نزدیکان دور است و دوری که اهل او از او روی برتافته اند و تنهاست و مال و فرزندان از او جدا گشته اند. به زودی بر من فرود می آید و در قبر جای می گیرد و در این سرای فانی دعوت کننده ای مرا می‌خواند و به او چشم امید دارم، تو به نیکی در این سرا از من پذیرایی می کنی و از تمام اهل و خانواده ان نسبت به من دلسوز تر هستی.

خدایا! ای مولای من! اگر گناهان مرا در بین طبقات آسمان هاو زمین جای دهی و ستارگان را تا به انتها بشکافی هرگز امیدم از غفران و بخشش تو ناامید نمی شود و هیچ گاه یاس و ناامیدی مرا از انتظار بهشت و رضوانت بازنمی دارد. ای مولای من! من تو با همان ذکری یاد می کنم که خودت آن را به من الهام کردی و تو را به همان یگانگی می شناسم که تو به هم عطا نمودی و تو را با همان دعایی می خوانم که تو به من آموختی پس مرا از به رحمت خود از پاداش محروم مساز همان پاداشی که خودت وعده اش را دادی و این که مرا به حسن دعایت هدایت نمودی، نعمتی از جانب توست و از آن جا که پاداشی پسندیده برای من در نظر گرفته ای، این نشان از آن است که تو نعمت را در حق من تمام کرده ای .

ای مولای من! همان طور که گنهاران در انتظار رحمت تو به سر می برند من نیز به عفو تو نظر دارم و هرگز از آن رحمتی که تمام نیکوکاران به آن امید دارند ناامید نمی شوم. ای خدا و مولای من! آن هنگام که خطاها و لغزش های خود را به خاطر می آورم اشک از چشمانم جاری می شود و چرا نباید اشک بریزد و آب از آن جاری گردد چرا که نمی دانم سرانجامم به کجا ختم خواهد شد و در لحظه ی رسیدن راه من به کدام سو می رود. ای انیس غریبان تنها! در قبر یار و مونس تنهاییم باش و ای نفر دوم هر شخص تنها! در خاک به تنهایی طولانی مدتم رحم کن.

ای مولای من! تو در بین ساکنان خاک چگونه به من می نگری و در خانه تنهایی چگونه با من رفتار می کنی، تو در دنیا و در طول عمرم با من به لطافت رفتار کردی. ای بهترین نعمت دهندگان و ای فاضل ترین منعمان! آفریده های تو فزونی گرفت که از شمارش خارجند و من نمی توام آن طور که شایسته است تو را شکر کنم تو به واسطه ی هر آن چه که به من عنایت نمودی شایسته ی حمد و ثنا هستی. ای بهترین

کسی که می توان او را خواند و ای بهترین کسی که می توان به امید داشت، به اسلامی که در دل دارم به تو متوسل می شوم و به حرمت قرآن به تو، محمد و اهل بیتش تکیه می کنم. از آنان طلب شفاعت دارم و به آنان نزدیکی می جویم و ایشان را جلودار نیازهایم به درگاه تو قرار می دهم. خدایا! بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان پاکش درود فرست و به محبت آنان مرا در روز حشر به خودت آگاه و پاک از کثافات و ناپسندی ها و با توسل بدیشان مرا به خودت نزدیک قرار ده. ای بخشنده ی کریم و ای خزانه ی احسان و نیکی! از گناهانم بگذر و مراقبتت را بین من و معصیت مانع قرار ده. ای مولای من! هر آنکس که به تو نزدیک شود از دوستداران تو خواهد بود و هر کس را دوست بداری راضیم به رضای تو و هر کس تو را بشناسد دیگر ناشناخته نیست و هر کس به تو پناه ببرد خوار نمی گردد. ای مولای من! آیا صورتی را می سوزانی که همیشه در حالت سجده به درگاهت، بر خاک ساییده می شود و آیا دستی را به گردن می آویزی که همیشه به حالت تضرع به درگاهت بلند است و آیا پاهایی را که همیشه در طمع تو از خانه خارج می شد، به عذاب جهنم دچار می‌کنی همان پاهایی را که منتی بر تو ندارد اما تو بر آن ها منت داری.

ای مولای من! چه بسیار نعمت که به من عطا نمودی و من در قبال آن چه قدر کم به درگاهت شکرگزاری نمودم. چه بسیار بلایی که تو مرا بدان گرفتار کردی و من در برابر آن صبرم را از دست دادم. ای کسی که شکر من در برابر نعمتش ناچیزست! و تو مرا از آن نعمت محروم نداشتی و آن هنگام که صبرم در زمان بلاـ کم شد، تو مرا خوار نکردی، فضل زیبایت مرا حیران نمود، بردباریت مرا مغرور کرد. ای مولای من! من به عافیتی که تو بر معصیت و گناه داری قدرت گرفته ام و نعمتت را در راه مخالفتت صرف کردم و عمرم را در راهی جز اطاعت تو به تباه کردم. من جرأت پیدا کردم و به آن چه که تو مرا از آن نهی کردی اقدام کنم و آن چه را که تو مرا از آن برحذر داشتی، انجام دادم اما هیچ کدام از این ها باعث نشد تا تو مرا با صبر مخصوص به خود، نپوشانی و از دید بینندگان محفوظم نداری. آن هنگام که از معصیت تو بازگشتم، به امید کرم تو آمدم. تو به احسان و نیکی عادت کرده ای و من به معصیت و گناه خو کرده ام.

ای مولای من! درحالی به سوی تو آمدم که به کرده ناشایست خود معترفم و خاضعانه به درگاهت آمده ام تا در مقابلت ابراز ذلت و خواری کنم. به خاطر فضل بی مانندی که از خودت به من شناساندی، به تو امید بسته ام همان فضلی که خودت مرا بدان عادت داده ای پس امیدم را ناامید مکن و کاری نکن که فکر کنم این حسن ظنی که به تو داشتم دروغ بوده است.

ای مولای من! آرزوهایی که در باب تو دارم از آرزوی تمام آرزومندان پیشی گرفته است و خواسته ای که من از تو دارم به هیچ وجه شبیه درخواست های دیگر طالبان درگاهت نیست چرا که درخواست کننده اگر خواسته اش رد شود، دیگر مایوس شده و از طلب باز می ایستد اما من همیشه به تو نیاز دارم.

ای مولای من! بردباری که در برابر من از خود نشان می دهی و آن زمان که گناهم را می بخشایی، مرا غرّه ساخته است و به این علم پیدا کردم که تو چنان قدرتی داری که اگر به زمین بگویی مرا در بگیرد بی درنگ چنین می کند و اگر به آسمان بگویی بر من سنگ بباراند، خواهد بارید و اگر به کسی امر کنی که دیگری را بگیرد، به من فرصت نمی دهد. با عفو و گذشتت بر من منت بگذار و نعمت توبه ی نصوحی را به من عطا کن تا قلبم را تطهیر کند.

ای مولای من! تو در هر تاریکی، نور راهگشای من هستی و در هر گرفتاری پشتوانه ام هستی و در سختی ها چون ستونی محکم تکیه گاه من هستی و در تنهایی مونسم هستی و مرا از این که در سلک ناکامان باشم برهان و از ذلت این که جزء دروغ گویان باشم، نجاتم ده.

ای مولای من! تو برای هر کسی که راهش را گم کرده، دلیل و راهبر هستی و برای هر کسی که آرزویش را از دست داده مظهر امید و آرزو هستی. اگر گناهانم میان دعای من و اجابت تو مانعی ایجاد کرده اما کرم و جودت بین من و مغفرتت فاصله نینداخته است. تو کسی را که هدایت کنی به گمراهی نمی بری و کسی را که سرپرستی کنی به ذلت نمی اندازی و کسی را که بی نیاز سازی، به فقر مبتلایش نمی کنی و کسی را به شقاوت انداختی، سعادت را به او نشان نمی دهی. به عزتت سوگند تو را با چنان محبتی دوست می دارم که شیرینیش در دلم

پایدار است و و نفسم با بشارت این عشق انیس گشته است و از عدالت تو به دور است که رحمتت را از کسانی که به محبت تو اعتقاد دارند دریغ داری. اگر توفیق تو نبود سرگشتگان هر آینه گمراه می شوند و اگر پوشاندن تو نبود صاحبان بصیرت نجات نمی یافتند. تو راه را برای آن ها آسان نمودی تا جایی که به تو رسیدند و چنان با تقوا آنان را ثابت قدم نمودی که (ندانسته ها را) دانستند. تو نعمت فراوانی به آن ها دادی و بر آنان منت نهادی. ای مولای من! از تو چنان طلب می کنم که گویی فقیری درمانده ی عاجز از تو مسئلت دارد تا مرا از آنانی قرار دهی که به تو یقین دارند و تو را کامل می شناسند و به تو علم دارند. تو کتاب های آسمانیت را به حق فروفرستادی و پیامبرانت را از روی صدق به سوی مردم فرستادی و هیچ گاه از بندگانت غافل نشدی و آنان را به حال خود وانگذاشته ای و ایشان را بدون هدایت و روشن گری رها ننموده و به جهالت و نابودی ایشان راضی نشده ای بلکه آنان را خلق کردی تا تو را عبادت کنند و به ایشان روزی دادی تا تو را حمد گویند و آنان را به وحدانیت و یگانگیت راهنما شدی تا کسی را شریک تو قرار ندهند و بیشتر از حد توانشان به آنان امری را تکلیف نکردی و آنان را مخاطب آن چه که نمی دانند قرار ندادی بلکه ایشان به راه و روش تو آگاهند و به دلیل و برهان تو متصلند. امر تو در میان آنان نفوذ دارد و قهر تو، ایشان را به مؤاخذه می گیرد. تو هر که را بخواهی برمی گزینی و دین را به او هدیه می دهی و هر که را که به درگاهت از گناهانش توبه نماید، هدایت می کنی و او را نجات می‌دهی. تو به هر کسی را که در رحمت واسعه ات وارد می‌کنی از روی فضل نعمت بسیار سترگی را به او می بخشی. ای بهترین کریمان و ای مهربان ترین رحم کنندگان!

ای مولای من! مرا خلق کردی و سرنوشتم را کامل نمودی، مرا صورتی بخشیدی و در این تصویر گری به نحو احسن عمل نمودی به گونه ای که بعد از عدم نیز به وجود آمدم و بعد از غیبت به شهادت رسیدم و مرا به سبب رأفت بی کرانه ات تمام و متعادل قرار دادی و آنگاه که کودک بودم مرا حفظ نمودی و از غذای سالم و گوارا به من روزی دادی و سپس چون والدین به من رحمت نمودی و قلب مربیان و پرورش دهندگانم را نسبت به من نرم و معطوف کردی و شر جن و انس را از من زدودی و زیادت و نقصان را تسلیم من کردی تا آن جا که توانستم سخن بگویم سپس هر سال مرا پروریدی و لباس نعمت به من پوشاندی و از لطیف ترین و متنوع ترین ارزاقت به من روزی دادی و در تمام مراحل حیاتم مرا تحت لوای عنایت خود قرار دادی و مرا به نهایت آن چه که می خواستم رساندی تا نعمتت را بر من تمام کنی و تو آنقدر به من نعمت داده ای که هیچ کس نمی تواند آن را به شمارش آورد یا از پس شکر آن ها برآید. من با هر آن چه که به تو نزدیکم می گرداند مخالفت کردم و هر آن چیزی را که باعث دوری من از تو می شود، مرتکب شدم و به زیباترین شکل گناهان مرا پوشاندی و با حسن نظر و احسانت، مرا به خود نزدیک کردی و روی آوردن من به گناهت، باعث نشد تا از احسان تو دور شوم بلکه همچنان با نعماتت از من مراقبت نمودی و از روی فضلت به سوی من بازگشتی و اگر مرا بخوانی تو را اجابت می کنم و اگر از تو درخواستی کنم، به من می بخشی و اگر تو را سپاس گویم، روزیم را افزون می کنی و اگر از آوردن طلب به درگاهت امتناع کنم تو خودت دوباره این مسئلت را آغاز می کنی. به خاطر تمام نعمات پی در پی، حمد و سپاس تنها از آن توست به گونه ای که به نعماتت شبیه باشد و آنان را جبران کند.

ای مولای من! گناهان مرا در این دنیا پوشاندی چنان که خروج از آن برایم دشوار شد و من به این که در آن دنیا اعمالم را بپوشانی، نیازمندتر هستم. ای کسی که با پوشاندن گناهانم مرا در نگاه بینندگان بزرگ گردانیدی، این پرده ی پوشاننده را در میان مردم،

زائل مکن.

ای مولای من! تو به من نعمت عطا کردی و به موجب آن سهم و نصیب مرا درخشان نمودی و مرا به نیکوترین شکل حفظ نمودی و تغذیه ام کردی و به من روزی دادی و مرا در پناهت گرفتی و گرامیم داشتی و با احسان و اکرام با من رفتار کردی و فضل و نعمتت را به من اختصاص دادی. به خاطر جود و کرم فراوانت حمد و سپاس از آن توست حمدی که کاملا از شکر نعمات تو سربلند بیرون بیاید و از عذاب سخت تو جلوگیری کند تا هر آن چه را که به من بخشیدی جبران کند.

ای مولای من! تو مرا عادت دادی هر آن چه را که از تو می خواهم برآورده سازی و هر آن چه را که برای به دست آوردنش تلاش می کنم، برایم آسان نمودی و من در تمام نیازهایی که برایم پیش می آید، به تو تکیه می کنم و هر چیزی را که به ذهنم می رسد با تو در میان می...

گذارم چرا که به قدرت و بخشش تو مطمئن هستم و به فضل و کرم تو ایمان دارم و من همیشه خیر و احسان را از جایی طلب می کنم که به آن عادت کرده ام و پیروزی را از معدن و چشمه ای که آن را شناخته ام، درخواست می کنم و می دانم که کسانی را که به تو پناه آورده اند به کسی جز خودت واگذار نمی کنی و به فضل و بخششت را از آنانی که به تو پناهنده شده اند، دریغ نمی کنی.

ای مولای من! نیکی و احسان تو تداوم یافت و بر من واجب شد تا تو را به خاطر آن ها شکر و ثنا بگویم. چیزی وجود ندارد که آن را نسبت به تو منتشر نمودم یا گردآورده ام و یا کلامی نیست که در باب تو پنهان کرده و یا آشکار نمودم مگر این که تو لایق و شایسته ی آن بوده ای و تمام این گفته‌ها و کارها همگی در کنار احسان تو بسیار کوچک و کم اهمیت است .

ای مولای من! از تو می خواهم که نعماتت را بر من فزونی دهی و این احسان را از روی کرم با سرعت انجامدهی. و از تو می خواهم که مرا در برابر سختی ها و دشواری ها پناه دهی چرا که این شایسته عدل توست. ای مولای من! قدر هر کسی که به انتخاب تو برگزیده شد، بالا رفت و هر آن کس را که از خانه ات برانی، یاری نخواهد شد. ای مولای من! چه قدر قلب آنانی که بر تو توکل می کنند، شاد و مسرور است و سعی آنانی که به هر آن چه نزد توست امید دارند، به پیروزی ختم می شود. تو بودی که اولیائت را از شر شک و تردید رهانیدی و حس و شادی پادشاهان را به آنان القاء کردی و آنان را به زینت وقار و هیبت آراستی و پرده عصمت و توبه را بر آنان پوشاندی و راه آنان را در میان ملکوت آسمان قرار دادی و خاطر آنان را به تحصیل معرفت گرامی داشتی و با بخشش‌های فراوان آن ها را دربرگرفتی و به واسطه ی محبتی که به بندگانت داری، اراده شان را محکم گردانیدی. آنان در خدمت تو هستند و مطیع امر و نهی تو هستند، با مناجات به درگاه تو مأنوسند و با اراده ای صادقانه همنشین توانند و تمام این ها به دلیل رأفت و مهری است که به آن ها داری و بخشش زیبایی که نسبت به آن ها به خرج می دهی. ای مولای من! با تو به رضای تو رسیدند و به کرمت محبت تو را دریافتند. ای مولای من! مرا جز آنانی قرار ده که از اهل طاعت تو هستند و مرا در جمع معصیت کارانت قرار مده و اعتقاد مرا از شبه فتنه ها پاک و از این که امور اشکار و پنهان مرا نفریبند، سالم بدار. این ذکر را آمیخته با خشیتت در همه زمان ها و نزدیک به طاعتت در ظاهر و باطن قرار ده و داخل در آن چه دین را یاری و حفظ کند و خارج از آن چه دنیا آن را می سازد و از بین می برد و از این که جز تو را طلب کنم پاک باشم و نزد تو در آن روزی که به درگاهت برمی خیزم و ملاقاتت می کنم آبرومند باشم، ایمن از پی آمدهای ریا و پاک از هواهای نفس، صعود کننده به سمت تو با اعمال صالح در شبانه روز بگونه ای بلا انقطاع که اول و آخرش پیدا نباشد و مرا از آنانی قرار ده که نامشان در کتاب های بلند مرتبه در علیین ثبت است و در دیوان پنهانی که نزدیکانت آن را می بینند نگهداری می شود همان کتابی که فقط پاکان ان را لمس می کنند؛ خداوندا تو مولای پاکان و برگزیدگان هستی و خلق و اختیار به دست توست؛ تو مرا در دنیا لباس عافیت پوشانده ای و در قلب من شناخت صحیحت را به ودیعه نهادی پس مرا در آخرت از مهر و رأفتت دور مکن و مرا از آنانی قرار ده که بخششت شامل حالشان می شود و خشم تو به آنان نمی رسد.

ای کسی که علل حرکات و سکون را می دانی و حتی آن چه از اذهان هنگام ظن می گذرد نیز بر او پوشیده نیست، ما را از آنانی قرار ده که نشانه های هدایت به سمت خودت را بر ایشان آشکار کردی و راه های رسیدن به خودت را بر آنان گشودی پس آنان حکمت را حس کردند و راه های توبه را دریافتند تا آن که در باغ های رحمت خرامان شدند و از اعتراض به عصمت مصون ماندند تو مولای کسی هستی که به نصرتت پناه جوید و جزا دهنده به کسی هستی که به وجوب شکرت اقرار کند؛ از فضل و بخشش دریغ نمی کنی و در کارهای تو کسی چون و چرا نمی کند، ثنایت بلند مرتبه است و عطایت بی پایان و نعمت هایت ظاهر است و اسم هایت پاک است و به مدد توست که کارها به استواری انجام می یابد و به تقدیر توست که تدبیرها صورت می گیرد، پناه می دهی و پناهنده نمی شوی. پاک و منزهی و خدایی جز تو نیست توکلم بر توست و امیدم به توست و اعتمادم به توست و تکیه ام به توست و مرا قدرتی برای دوری از معصیتت نیست مگر به یاری تو و مرا نیرویی برای طاعتت نیست مگر به تایید تو. خدایی جز تو نیست و تو پاک هستی؛ من از ستمکاران بودم ای ارحم الراحمین و بهترین بخشندگان و درود خدا بر محمد خاتم پیامبران و بر خاندان پاکش و اصحاب برگزیده اش باد و الله به تنهایی برای ما بس است و او بهترین یاری کنندگان است ای بهترین کسی که از او درخواست می شود و ای کسی که بهترین بخشندگانی و بهترین امیدگاهی، مرا رزق ده و روزی مرا افزون گردان و همچنین رزقم را مبارک و پاک و حلال گردان و مرا به خاطر آن به رنج مینداز. بی شک تو بر همه چیز توانایی .

**[ترجمه]

باب ۳۳ أدعیه التمجید و الشکر

الأخبار

«۱»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، وَ یُرْوَی عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ: دَفَعَ إِلَیَّ جَبْرَئِیلُ علیه السلام عَنِ اللَّهِ تَعَالَی هَذِهِ الْمُنَاجَاهَ فِی الشُّکْرِ لِلَّهِ اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی مَرَدِّ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ وَ مُلِمَّاتِ الضَّرَّاءِ وَ کَشْفِ نَوَازِلِ اللَّأْوَاءِ وَ تَوَالِی سُبُوغِ النَّعْمَاءِ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی هَنِیءِ عَطَائِکَ وَ مَحْمُودِ بَلَائِکَ وَ جَلِیلِ آلَائِکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی إِحْسَانِکَ الْکَثِیرِ وَ خَیْرِکَ الْغَزِیرِ وَ تَکْلِیفِکَ الْیَسِیرَ وَ دَفْعِکَ الْعَسِیرَ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی تَثْمِیرِکَ قَلِیلَ الشُّکْرِ وَ إِعْطَائِکَ وَافِرَ الْأَجْرِ وَ حَطِّکَ مُثْقِلَ الْوِزْرِ وَ قَبُولِکَ ضِیقَ الْعُذْرِ وَ وَضْعِکَ فَادِحَ الْإِصْرِ وَ تَسْهِیلِکَ مَوْضِعَ الْوَعِرِ وَ مَنْعِکَ مُفْظِعَ الْأَمْرِ وَ لَکَ الْحَمْدُ رَبِّ عَلَی الْبَلَاءِ الْمَصْرُوفِ وَ وَافِرِ الْمَعْرُوفِ وَ دَفْعِ الْمَخُوفِ وَ إِذْلَالِ الْعَسُوفِ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَلَی قِلَّهِ التَّکْلِیفِ وَ کَثْرَهِ التَّخْوِیفِ وَ تَقْوِیَهِ الضَّعِیفِ وَ إِغَاثَهِ اللَّهِیفِ وَ لَکَ الْحَمْدُ رَبِّ عَلَی سَعَهِ إِمْهَالِکَ وَ دَوَامِ إِفْضَالِکَ وَ صَرْفِ مِحَالِکَ وَ حَمِیدِ فِعَالِکَ وَ تَوَالِی نَوَالِکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ رَبِّ عَلَی تَأْخِیرِ مُعَاجَلَهِ الْعِقَابِ وَ تَرْکِ مُغَافَصَهِ الْعَذَابِ وَ تَسْهِیلِ طُرُقِ الْمَآبِ وَ إِنْزَالِ غَیْثِ السَّحَابِ.

**[ترجمه]دعوات راوندی:

از پیامبر اکرم روایت شده که فرمود: جیرئیل امین از جانب خداوند بر من نازل شد و این مناجات را که در مورد شکر و سپاس خداست، بر من فرود آورد:

خدایا!حمدو سپاس از آنِ توست که بلا و سختی زندگی را از ما برداشتی و پی در پی بر نعماتت (نسبت به ما) افزودی.

(خدایا!) حمد و سپاس از آنِ توست که بخششهای گوارا، بلایای شیرین و نعمت های فراخ و عظیمت را (از ما) دریغ نداشتی.

(خدایا!) حمد و سپاس از آنِ توست به خاطر احسان فراوان، خیر بی پایان، وظایف آسان و حمایت بی وقفه ای که در حق بندگانت روا داشتی.

(خدایا!) حمد و سپاس از آن تویی است که در ازای شکر اندکی که به درگاه تو می آوریم، ما را اجر و صواب فراوان عطا می کنی و از بار گناهانمان می کاهی.اندك عذرِ تقصیر ما را می پذیری و از کیفرمان درمی گذری.تویی که ناهمواری ها را بر ما هموار کرده ومانع رسواییمان در برابر خلق می شوی.

خداوند !احمد و سپاس از آنِ توست که بلاـ را از ما دور نمودی، بر ما نعمت فراوان عطا کرده، ما را از هر ترس و هراسی ایمن داشتی و ستمگران را خوار کردی.

خداوند ! حمدو سپاس از آن تویی است که فرصتمان دادی و با بزرگواری با ما مدارا نمودی.پی در پی بر ما فضل و مواهبت را جاری کرده و غذابت را از بندگانت برداشتی.تویی که به افعال نیک و پسندیده شهره ای و جُود و کرمت را پایانی نیست .

خداوند ! حمد و سپاس از آن تویی است که مجازات و عقوبت ما را به تاخیر انداختی و عذابت را از ما برداشتی.تویی که راه های بازگشت به سوی خودت را آسان نموده و باران رحمتت را بر ما نازل کردی.

**[ترجمه]

«۲»

ق، کتاب العتیق الغروی: دُعَاءُ التَّمْجِیدِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُحِیطُ بِکُلِّ شَیْ ءٍ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ الرَّقِیبُ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ الْوَکِیلُ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ الْحَسِیبُ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ الْمُقِیتُ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ الْقَائِمُ عَلی کُلِّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ بَدِیعُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ فاطِرُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ الْفَعَّالُ لِمَا یُرِیدُهُ عَلَّامُ الْغُیُوبِ الْحَاکِمُ بِالْحَق فالِقُ الْحَبِّ وَ النَّوی فالِقُ الْإِصْباحِ وَ جاعِلُ اللَّیْلِ سَکَناً وَ النَّهارِ مُبْصِراً غَافِرُ الذَّنْبِ وَ قَابِلُ التَّوْبِ شَدِیدُ الْعِقَابِ ذُو الطَّوْلِ رَفِیعُ الدَّرَجاتِ شَدِیدُ الْمِحالِ أَهْلُ التَّقْوی وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَهِ وَ الْمُیَسِّرُ

ص: ۱۷۴

لِلْيُسْرَى الَّذِی هُوَ خَيْرٌ وَ أَبْقی.

مُنْزِلُ الْغَيْثِ زَارِعُ الْحَرْثِ أَحْسَنُ الْخالِقِينَ وَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ وَ خَيْرُ الْغافِرِينَ وَ أَسْرَعُ الْحاسِبِينَ وَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَ خَيْرُ الْفاصِلِينَ سَمِيعُ الدُّعاءِ الْفَعَّالُ لِمَا يَشَاءُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ذُو الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ذُو الانْتِقَامِ شَدِيدُ الْعِقابِ سَرِيعُ الْحِساب ذُو الْمَعَارِجِ ذُو الْقُوَّهِ الْمَتِينُ بَاعِثُ مَنْ فِی الْقُبُورِ يُحْيِی وَ يُمِيتُ مُحْيِی الْعِظَامِ وَ هِیَ رَمِيمٌ ذُو الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ ذُو الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى وَ إِلَيْكَ الْمُنْتَهَی وَ لَكَ الْآخِرَهُ وَ الْأُولَی تَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفَی وَ لَكَ الْعِزَّهُ جَمِيعاً وَ لَكَ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكَ الْقُوَّهُ جَمِيعاً وَ عِنْدَكَ حُسْنُ الْمَآبِ وَ إِلَيْكَ الرُّجْعَی بِيَدِكَ الْفَضْلُ وَ لَكَ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ وَ لَكَ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ قَوْلُكَ الْحَقُّ وَ لَكَ الْمُلْكُ وَ عِنْدَكَ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ وَ أَمْرُكَ قِسْطٌ وَ كَلِمَتُكَ الْعُلْيَا تُدَبِّرُ الْأَمْرَ وَ تَفْصِلُ الْآيَاتِ وَ كُلُّ شَیْ ءٍ عِنْدَكَ بِمِقْدَارٍ لَكَ دَعْوَهُ الْحَقِّ وَ عِنْدَكَ خَزَائِنُ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ بِيَدِكَ مَلَكُوتُ كُلِّ شَیْ ءٍ بِذِكْرِكَ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ لَكَ الشَّفَاعَهُ جَمِيعاً وَ لَكَ الدِّينُ وَاصِباً وَ

لَكَ الدِّينُ خَالِصاً وَ لَكَ الْمَثَلُ الْأَعْلَی وَ لَكَ الْحَمْدُ فِی الْآخِرَهِ وَ الْأُولَی وَ إِلَيْكَ الْمُنْقَلَبُ وَ لَكَ وَلَايَهُ الْحَقِّ وَ لَكَ عُقْبَی الدَّارِ وَ لَكَ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ اسْتَوَيْتَ عَلَی الْعَرْشِ لَا يَخْفَی عَلَيْكَ شَیْ ءٌ تُجِيرُ وَ لَا يُجَارُ عَلَيْكَ وَ لَا يُجِيرُ مِنْكَ أَحَدٌ وَ لَيْسَ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحَدٌ وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ رَبُّ الْبَلْدَهِ الَّتِی حَرَّمَهَا وَ ذِكْرُكَ الْأَكْبَرُ وَ أَمْرُكَ كَلَمْحِ الْبَصَرِ وَ إِذَا قُلْتَ لِشَیْ ءٍ كُنْ كَانَ وَ أَنْتَ وَلِیُّ الْمُؤْمِنِينَ وَعْدُكَ الْحَقُّ لَكَ مَقالِيدُ السَّماوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَسِعْتَ كُلَّ شَیْ ءٍ رَحْمَهً وَ عِلْماً وَ أَنْتَ أَقْرَبُ إِلَيْنَا مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ وَ أَنْتَ مَعَ كُلِّ ذِی نَجْوَی وَ أَنْتَ رَبُّ الشِّعْرَی وَ أَنْتَ مَعَنَا أَيْنَمَا كُنَّا وَ عِنْدَكَ أَجْرٌ عَظِيمٌ وَ أَنْتَ كُلَّ يَوْمٍ فِی شَأْنٍ قَدْ أَحَطْتَ بِكُلِّ شَیْ ءٍ عِلْماً وَ أَحْصَيْتَ كُلَّ شَیْ ءٍ عَدَداً وَ أَحْصَيْتَ كُلَّ شَیْ ءٍ كِتَاباً لَمْ تَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَیْ ءٌ لا تُخْلِفُ الْمِيعادَ وَ لَا تُحِبُّ الْفَسَادَ

وَ لَا تُرِيدُ ظُلْمَ الْعِبَادِ مالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِی الْمُلْكَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْ‏ءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِی النَّهارِ وَ تُولِجُ النَّهارَ فِی اللَّيْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ عَلَيْكَ الْهُدَى تَهْدِی إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ لَا تُدْرِكُكَ الْأَبْصارُ وَ أَنْتَ تُدْرِكُ الْأَبْصارَ وَ أَنْتَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْ‏ءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ لَا تَضِلُّ وَ لَا تَنْسَى وَ أَنْتَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ لَمْ تَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ شَرِيكٌ فِی الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ لَا تَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَ إِنْ تَكُ حَسَنَةً تُضَاعِفْهَا وَ تُؤْتِ مِنْ لَدُنْكَ أَجْراً عَظِيماً لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِكَ وَ أَنْتَ تَهْدِی السَّبِيلَ لَا مُكْرِمَ مَنْ أَهَنْتَ وَ عِنْدَكَ عِلْمُ السَّاعَةِ وَ تُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ تَعْلَمُ مَا فِی الْأَرْحَامِ وَ تَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ تَقْدِرُ جَعَلْتَ الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا لَا مُمْسِكَ لِمَا تَفْتَحُ مِنْ رَحْمَةٍ وَ لَا مُرْسِلَ لِمَا تُمْسِكُ مِنْ رَحْمَةٍ إِلَيْكَ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ تَرْفَعُهُ وَ أَنْتَ تُطْعِمُ وَ لَا تُطْعَمُ وَ لَا تُحْصَى نِعَمُكَ تَهَبُ لِمَنْ تَشَاءُ إِنَاثاً وَ تَهَبُ لِمَنْ تَشَاءُ الذُّكُورَ وَ تَجْعَلُ مَنْ تَشَاءُ عَقِيماً خَلَقْتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِی سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ مَا مَسَّكَ مِنْ لُغُوبٍ أَضْحَكْتَ وَ أَبْكَيْتَ وَ أَمَتَّ وَ أَحْيَيْتَ وَ أَغْنَيْتَ وَ أَقْنَيْتَ وَ عَلَيْكَ النَّشْأَةُ الْأُخْرَى يَسَّرْتَ الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ وَ خَلَقْتَ كُلَّ شَيْ‏ءٍ بِقَدَرٍ وَ جَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْ‏ءٍ قَدْراً لَيْسَ فِی خَلْقِكَ تَفَاوُتٌ وَ لَا فُطُورٌ خَلَقْتَ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ خَلَقْتَ الْإِنْسَانَ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ خَلَقْتَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ عَلَّمْتَ بِالْقَلَمِ أَطْعَمْتَ مِنْ جُوعٍ وَ آمَنْتَ مِنْ خَوْفٍ لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُواً أَحَدٌ وَ أَنْتَ رَبُّ الْفَلَقِ وَ أَنْتَ رَبُّ النَّاسِ وَ أَنْتَ مَلِكُ النَّاسِ وَ أَنْتَ إِلَهُ النَّاسِ وَ أَنْتَ مَلِكُ يَوْمِ الدِّينِ تَخْتَصُّ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ تُغَشِّی اللَّيْلَ النَّهَارَ تُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَ تُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ لَكَ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ تَعْلَمُ خَائِنَةَ

الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِی الصُّدُورُ وَ کَانَ أَمْرُکَ مَفْعُولًا وَ کَانَ أَمْرُکَ قَدَراً مَقْدُوراً وَ کَفَی بِکَ وَکِیلًا وَ کَفَی بِکَ حَسِیباً وَ کَفَی بِکَ وَلِیّاً وَ کَفَی بِکَ نَصِیراً وَ کَفَی بِکَ رَقِیباً وَ کَانَ وَعْدُکَ مَأْتِیّاً وَ أَنْتَ أَشَدُّ بَأْساً وَ أَشَدُّ تَنْکِیلًا یَدَاکَ مَبْسُوطَتَانِ تُنْفِقُ کَیْفَ تَشَاءُ وَ تَقْضِی تَمَّتْ کَلِمَهُ رَبِّکَ صِدْقاً وَ عَدْلًا لا مُبَدِّلَ لِکَلِماتِهِ وَ لَکَ ما سَکَنَ فِی اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ تُحِقُّ الْحَقَّ بِکَلِمَاتِکَ وَ تَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ تَدْعُو إِلَی دَارِ السَّلَامِ وَ تَهْدِی مَنْ تَشَاءُ إِلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ عَلَیْکَ رِزْقُ کُلِّ دَابَّهٍ تَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا وَ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَکَ أُمُّ الْکِتَابِ کَانَ وَعْدُکَ مَفْعُولًا وَ أَنْتَ خَیْرٌ ثَوَاباً وَ خَیْرٌ عُقْباً لَکَ عَاقِبَهُ الْأُمُورِ تُجِیبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاکَ وَ تَکْشِفُ السُّوءَ وَ تَهْدِی فِی ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ تَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ تُعِیدُهُ وَ تُرِینَا الْبَرْقَ خَوْفاً وَ طَمَعاً وَ تُنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ وَ یُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِکَ وَ الْمَلَائِکَهُ مِنْ خِیفَتِکَ وَ تُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَتُصِیبُ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَ بَدَأْتَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِینٍ ثُمَّ جَعَلْتَهُ نُطْفَهً فِی قَرَارٍ مَکِینٍ ثُمَّ خَلَقْتَ النُّطْفَهَ عَلَقَهً فَخَلَقْتَ الْعَلَقَهَ مُضْغَهً فَخَلَقْتَ الْمُضْغَهَ عِظَاماً فَکَسَوْتَ الْعِظَامَ لَحْماً ثُمَّ أَنْشَأْتَهُ خَلْقاً آخَرَ فَتَبَارَکَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِینَ لَا تُشْرِکُ فِی حُکْمِکَ أَحَداً ذُو الْمَغْفِرَهِ وَ ذُو الْعِقَابِ الْأَلِیمِ لَا تَسْتَحْیِی مِنَ الْحَقِّ تُحْیِی الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا تُحْیِی الْمَوْتَی وَ أَنْتَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ خَلَقْتَ الْأَرْضَ فِرَاشاً وَ جَعَلْتَهَا قَرَاراً وَ جَعَلْتَهَا ذَلُولًا وَ جَعَلْتَ السَّمَاءَ بِنَاءً وَ جَعَلْتَهَا سَقْفاً مَحْفُوظاً خَلَقْتَنِی وَ أَنْتَ تَهْدِینِی وَ أَنْتَ تُطْعِمُنِی وَ تَسْقِینِی وَ إِذَا مَرِضْتُ فَأَنْتَ تَشْفِینِی وَ أَنْتَ تُمِیتُنِی وَ تُحْیِینِی وَ أَنْتَ الَّذِی أَطْمَعُ أَنْ تَغْفِرَ لِی خَطِیئَتِی یَوْمَ الدِّینِ وَ أَنْتَ الَّذِی أَنْبَتَّنَا مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتاً ثُمَّ تُعِیدُنَا فِیهَا وَ تُخْرِجُنَا إِخْرَاجاً وَ شَدَدْتَ أَسْرَنَا وَ إِذَا شِئْتَ بَدَّلْتَ أَمْثَالَنَا تَبْدِیلًا جَعَلْتَ الْأَرْضَ مِهَاداً وَ الْجِبَالَ أَوْتَاداً وَ جَعَلْتَ الْأَرْضَ کِفَاتاً أَحْیَاءً

وَ أَمْواتاً وَ أَنْتَ بِالْمِرْصَادِ وَ لَکَ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَخْرَجْتَ الْمَرْعَی فَجَعَلْتَهُ غُثَاءً أَحْوَی لَیْسَ مِنْ دُونِکَ وَلِیٌّ وَ لَا شَفِیعٌ وَ لَا وَالٍ وَ لَا وَاقٍ وَ لَا نَصِیرٌ وَ لَا عَاصِمٌ مِنْکَ جَعَلْتَ یَوْمَ الْفَصْلِ مِیقَاتاً وَ جَعَلْتَ جَهَنَّمَ مِرْصَاداً لِلطَّاغِینَ مَآباً وَ جَعَلْتَ لِلْمُتَّقِینَ مَفَازاً وَ أَنْتَ تَدْعُو إِلَی الْجَنَّهِ وَ الْمَغْفِرَهِ تُحِبُّ التَّوَّابِینَ وَ تُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِینَ وَ أَنْتَ مَعَ الصَّابِرِینَ تُسَلِّطُ رُسُلَکَ عَلَی مَنْ تَشَاءُ وَ تُؤَیِّدُ بِنَصْرِکَ مَنْ تَشَاءُ تُحِبُّ الْمُتَوَکِّلِینَ وَ لَا تُضِیعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِینَ کَتَبْتَ عَلَی نَفْسِکَ الرَّحْمَهَ وَ رَحْمَتُکَ قَرِیبٌ مِنَ الْمُحْسِنِینَ جَعَلْتَ الْعَاقِبَهَ لِلْمُتَّقِینَ نَزَّلْتَ الْکِتَابَ وَ أَنْتَ تَتَوَلَّی الصَّالِحِینَ وَ مَا عِنْدَکَ خَیْرٌ وَ أَبْقَی وَ عَلَیْکَ قَصْدُ السَّبِیلِ تُثَبِّتُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ فِی الْآخِرَهِ وَ أَنْتَ الَّذِی أَعْطَی کُلَّ شَیْ ءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدی وَ أَنْتَ مَعَ الْمُحْسِنِینَ تَهْدِی الْمُهْتَدِینَ وَ تُضِلُّ الضَّالِّینَ وَ أَنْتَ الَّذِی أَنْزَلْتَ السَّکِینَهَ فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ وَ أَنْتَ جَاعِلُ النَّارِ بَرْداً وَ سَلاماً عَلی إِبْراهِیمَ وَ أَنْتَ مُلَیِّنُ الْحَدِیدِ لِدَاوُدَ وَ أَنْتَ مُسَخِّرُ الرِّیحِ لِسُلَیْمَانَ اتَّخَذْتَ إِبْرَاهِیمَ خَلِیلًا وَ قَرَّبْتَ مُوسَی نَجِیّاً وَ جَعَلْتَ إِسْمَاعِیلَ نَبِیّاً وَ رَفَعْتَهُ مَکَاناً عَلِیّاً وَ اصْطَفَیْتَ إِسْحَاقَ وَ یَعْقُوبَ وَ کُلّا جَعَلْتَ نَبِیّاً وَ جَعَلْتَ عِیسَی نَبِیّاً وَ أَیَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَ أَرْسَلْتَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله بِالْهُدَی وَ دِینِ الْحَقِّ لِتُتِمَّ بِهِ نُورَکَ وَ تُظْهِرُ بِهِ دِینَکَ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ عَلَی آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً.

**[ترجمه]کتاب عتیق غروی دعای ستایش :

خداوندا تو بر همه چیز احاطه داری، تویی که عدل را به پاکرده برهمه چیز ناظر هستی. همه چیز در دست با کفایت توست، حساب سراسر خلقتت را داری، مرگ همه چیز در دست توست، تویی که از کرده ی بندگانت آگاهی، خالق آسمان هاو زمین و شکافنده ی آن ها هستی.تو به هر فعلی که بخواهی قادری، نا دیده ها را می دانی و به حق حکم می کنی.تویی که دانه را می شکافی و صبح را برمی آوری. شب را مایه ی آرامش و روز را نگهبان قرار دادی. گناهان را می بخشی و توبه گنهکاران را می پذیری، اما نسبت به گنهکارانی که توبه نمی کنند بسیار سخت کیفری، جایگاه تو در بالاترین درجات است و در حیله و چاره سازی، کسی نمی تواند فراتر از تو باشد، تو اهل تقوا و بخششی و آن آسانی را که به صلاح بندگانت باشد، واقع می سازی. تویی که پیوسته باران رحمت را فرو می فرستی و بر این کار مداومت می ورزی، کِشته ها را می‌رویانی، تو بهترینِ آفرینندگان، نیکوترینِ رزق دهندگان، والاترینِ بخشندگان، سریع ترینِ حسابگران، بهترینِ رحمتگران و برترینِ حکم کنندگان هستی. تویی که دعا ها را می شنوی و به هر چه که بخواهی توانا هستی. تو صاحب فضل و کرم بی نهایتی و عرش کبریایی در ید قدرت توست. تو از خطاکاران درگاهت انتقام می کشی و بسیار سخت کیفری، دارای معارج و قدرت بسیاری هستی، تو هر که را در قبر باشد بر می انگیزی، زنده می کنی و می میرانی، تو استخوان ها را از نو احیاء می کنی در حالی که از هم پاشیده است. تو دارای جلال و کرم بسیاری، نام های نیکو داری و مُنتهای همه به تو ختم می شود. ابتدا و انتها از آن توست، آشکار و نهان را می دانی تمام عزت متعلق به توست، بهترین منزل و پناهگاه نزد توست و و رجوع و بازگشت همه ما به سوی توست. بخشش و کرم در دست توست و تمام خلقت به فرمان تو هستند. میراث آسمان هاو زمین متعلق به توست. کلامت حق است، ملك و ملکوت برای توست و کلید های عالم غیب نیز به دست توست. فرمان تو از روی عدالت است و آن کلمه ی بلند مرتبه ات همه چیز را اداره می کند، آیات و نشانه ها را تفصیل می دهی و هر چیزی نزد تو به اندازه است. دعوت تو حق است و خزانه هر چیز نیز نزد تو محفوظ است. ملکوت هرچیز در ید قدرت توست، قلب ها به یاد تو آرام می گیرند و شفاعت تنها متعلق به توست. تو صاحب دینی پایدار و استوار هستی و دین خالص نیز برای توست. مثل والا متعلق به تو و حمد و سپاس در دنیا و آخرت از آن توست. انسان متحول شده به سمت تو می آید و تو به حق بر بندگان ولایت داری. تو مالك دار آخرت هستی. اختلاف شب و روز نیز در دست توست تو (محکم و استوار) بر عرش کبریائیت ایستاده ای و هیچ چیز از نگاه و احاطه ی تو خارج نیست، تو به همه پناه می دهی و از همه حمایت می کنی واز تو کسی حمایت نتواند کرد. کسی از تو پناهنده نشود (کسی را از تو گریزی نیست). پناهگاهی جز تو وجود ندارد. راه همه به تو ختم می شود، تو پروردگار عرش کبریایی هستی، تو خداوندگار سرزمینی هستی که برای آن حرمت قرار دادی. یاد تو بزرگ تر از هر یاد و ذکر دیگری است و فرمان تو در یک چشم بر هم زدن به انجام می رسد و آن زمان که به چیزی گفتی باش، شد. تو ولیّ مومنان هستی، وعده ات حق است و سنت آسمان هاو زمین از آن توست، از روی رحمت و علم همه چیز را گستردی، تو از رگ گردن هم به ما نزدیکتری، تو در کنار هر رازی حضور داری، تویی خداوندِ ستاره شعری، هر کجا که هستیم تو با ما هستی و ثواب بزرگ عمل نیک، نزد توست. تو هر روز به هیئتی هستی، به همه چیز علم داری و عدد و حساب همه چیز برایت به وضوح آشکار است. حساب همه آن ها را به صورت مکتوب داری. هرگز فرزندی نداشتی و هیچ چیز در خلقت مانند تو نیست تو هرگز خلف وعده نمی کنی و فساد را دوست نمی داری.

نمی پسندی که بندگانت ظلم پیشه کنند، تو مالك تمام ملك و ملکوتی و مالکیت آن را به هر کس که بخواهی می دهی. در مقابل، این مالکیت را از هر کس که بخواهی می ستانی. تو هر کس را که بخواهی عزت می بخشی و هر کس را که بخواهی به خاك مذلت می کشانی، خیر و خوبی به دست توست و تو بر هر کاری توانایی شب را در روز و روز را در شب وارد می کنی، زنده را از مرده و مرده را از زنده خارج می کنی، و به هر کس که بخواهی بی حساب عطا می کنی، هدایت به دست توست تو بندگان را به سمت حق و صراط مستقیم هدایت می کنی، دیده ها تو را در نمی یابند، اما تو دیده ها را درمی یابی، تو آن لطیف آگاهی هستی که مانند آن چیزی نیست. او شنوای بیناست نه گمراه می شود نه فراموش می کند. از جن و انس بی نیازی و هیچ گاه همسر و فرزندی برای خود نگرفته ای، در این ملك و ملکوت هیچ شریکی نداشته ای و هرگز ذلت و خواری تو را در بر نگرفته است. تو کوچك ترین ظلمی درحق بندگانت نمی کنی ولی چنان

چه خیری از آنان سر بزند، آن را دو برابر می کنی و از جانب خودت پاداش بزرگ و قابل توجهی (به بندگانت) عطا می کنی. برای حکم تو رد کننده و ناقصی وجود ندارد. تو هدایتگر خلق به سوی هدایت هستی، اما کسی که به تو اهانت ورزد، هرگز گرامی داشته نمی شود. علم روز قیامت تنها نزد توست، تویی که باران از ابر فرو می فرستی و از آن چه در رحم مادران می گذرد، آگاه هستی. تو به هر کس که از تو بخواهد، روزی بی پایان عطا می کنی و بر این امر توانایی داری. فرشتگان را پیام آوران خود قرار دادی، اما نه این که بتواند به رحمت تو آویزد و نه این که پیام آور رحمت تو باشند. کلام نیک به سمت تو می آید و عمل صالح این کلام را بالا برده تا به عرش رساند. تو بندگانت را طعام می دهی اما خود از طعام بی نیاز هستی. عدد نعمات تو در شمارش نمی گنجد، تو به هر کس که بخواهی، چه زن باشد چه مرد، می بخشی. هر که را بخواهی بی ثمر و عقیم می گذاری. تو آسمان هاو زمین و هر آن چه که در میان آن دو هست را در شش روز آفریدی و هرگز افعال بی فایده ای همچون خنده، گریه، مرگ، زنده شدن، بی نیاز شدن و یا فقر در تو راه ندارد. جهان آخرت از آن توست. تو قرآن را برای ذکر و یادآوری بندگانت فرستادی. همه چیز در نظام خلقت تو دارای مکان و سرنوشت خاص خویش است همان طور که برای هر چیزی در این خلقت اندازه و مقداری معیّن کرده ای. در خلقت تو اختلاف و گسستگی و یا اثری از سستی وجود ندارد. تو خالق مرگ و حیات هستی، انسان را از آبی بی ارزش و پست خلق کردی. تو انسان را به قلم، علم آموختی. او را از گرسنگی رهاندی و سیر نمودی و از ترس و هراس ایمنش داشتی. نه زاییده و نه زاده شده ای و هیچ کس با تو هم کفو نیست. تو پروردگار صبحدم، پروردگار مردم، مالک آنان، خدای انسان ها و مالک روز قیامت هستی. هر که را بخواهی مورد رحمت قرار می دهی، شب را با روز می پوشانی و با شب روز را تیره می سازی. روز را بر شب مسلط می کنی. تو نهان آسمان هاو زمین را می دانی. تو مطمع نظر چشم ها و هر آن چه را که در سینه ها پنهان است، می دانی. امر و خواسته تو همیشه تحقق می یابد چرا که امر تو، محتوم است. تو بندگانت را کفایت می کنی و تنها تو سرپرست، یاور و مراقب آنان هستی. وعده ی تو بی شک محقق می گردد و عذاب و شکنجه ات بسیار شدید است. دستان تو برای بخشش باز است و هرگونه که بخواهی انفاق می کنی. کلام و حکم تو در منتهای صدق و عدالت است. تو همانی که هرگز به سخنش تغییر راه ندارد. هر آن چه که شبانه روز در این عالم هستی ساکن است، از آن توست. تو با کلامت حق را ادا می کنی. میان انسان و قلبش قرار داری و او را به سوی دارالسلام فرا می خوانی. هر که را که بخواهی به راه مستقیم هدایت می کنی. روزی تمام خلایق از انسان و حیوان بر ذمّه ی توست. تو مکان و قرارگاه تمام حیوانات و چهارپایان موجود بر زمین را می دانی و آن ها را حفظ می کنی. هرچه را بخواهی محو می کنی و هرچه را بخواهی به ثبات و اثبات می‌رسانی. قرآن نزد توست. وعده تو بی شک محقق می گردد. تو پاداش هر نیکی هستی. عاقبت امور به دست توست، تو آنگاه که انسانی مضطر و درمانده به درگاهت دست نیاز برآورد، به او پاسخ می دهی و بدی را برطرف می سازی. تو مخلوقت را در تاریکی خشکی و دریا هدایت می کنی و هر که را در آسمان هاو زمین که بخواهی روزی می دهی، خلق را می آفرینی و سپس او را بازمی گردانی. برق آسمان را برای ترس و خوف بر ما نمایان نمودی. تویی که ابرهای متراکم خلق می نمایی و رعد و برق تو را تسبیح و ثنا می گویند و فرشتگان از ترس تو را تسبیح می کنند. تو صاعقه ها را می فرستی و به هر که بخواهی اصابتش می دهی. تو شروع کردی به خلقت انسان و پس از آن او را به شکل نطفه ای در مکان امنی قرار دادی. سپس نطفه را به شکل خون بسته درآورده و از آن خون بسته نطفه را خلق نموده و از آن نطفه نیز استخوان هایی ساختی که با گوشت پوشانده شده و سپس از این گوشت و استخوان موجودی دیگر خلق نمودی که آفرین بر خداوند به خاطر این خلقت کامل و نیکویش باد.در حکمت با هیچ کس شریک نیستی. هم دارای مغفرت وسیع هستی و هم عذابی دردناک داری. از حق و حقیقت شرمنده نمی شوی. تو زمین را پس از آن که مرد، دوباره زنده می کنی، همان طور که مردگان را زنده می کنی. تو به هر عملی قادر و توانا هستی. زمین را گستردی و آن را جای قرار و امن قرار دادی. تو زمین را به شکلی هموار خلق کردی، آسمان را آفریدی و آن را سقفی امن و محفوظ قرار دادی. تو مرا خلق نمودی و سپس هدایتم کردی مرا طعام خوراندی و سیرابم کردی. آنگاه که مریض شدم تو مرا شفا دادی. تویی که مرا می میرانی و سپس زنده می کنی. تو همان هستی که چشم دارم در روز قیامت از خطایم درگذری. تو همانی که ما را مانند گیاه از زمین رویاندی سپس به همان جا بازمان می گردانی و ما را از آن خارج می سازی. تو ما را به نیکوترین شکل آفریدی و چنان چه بخواهی قادری تا ما را به هر صورتی درآوری، تو زمین را چون بساطی گستردی و کوه ها را چون میخ های محکمی تا این بساط را نگه دارد و همین زمین را دربرگیرنده ی مردگان و زندگان قرار دادی. تو در کمین هستی و هر آنکس که در آسمان هاو زمین است، تسلیم توست. تو برای حیوانات از دل زمین گیاه رویاندی و آن را مانند چیزی بی ارزش قرار دادی. جز تو هیچ کس صاحب اختیار، شفیع،

دوست، مراقب و یاور (بندگان) نیست. از تو هیچ مفر و پناه گاهی نیست. روز مرگ و جدایی را وعده گاه قرار داده و با جهنم در کمین بندگان خطاکار نشستی (جهنم را مأوای طاغوتیان قرار دادی). اما تقواپیشه گان را از آن رهاندی (جهنم را رستگاری متقین قرار دادی). تو مدام بندگان را به سوی بهشت و غفران خویش می خوانی. تو توبه کنندکان و پاکان را دوست داری. تو همیشه همراه صابرین هستی. پیام آورانت را بر هر کس که بخواهی چیره می سازی همان طور که به هر کس اراده کنی یاری می رسانی. تو آنانی را که برتو توکّل دارند دوست داری و هیچ گاه اجر مؤمنی را ضایع نمی کنی. تو رحمت را بر خود واجب نموده ای و این رحمت به نیکوکاران بسیار نزدیک است. عاقبت(نیک) را برای تقواپیشه گان مقرّر کردی. قرآن را (برای هدایت مردم) فروفرستادی. تو بر صالحان و نیکان ولایت داری و هرچه که نزد توست خیر و نیکی ماندگار است .

صراط مستقیم متعلق به توست. حکمت را در دنیا و آخرت ثابت و استوار نگاه می داری (و تغییری در سنت ایجاد نمی کنی) این تو هستی که همه چیز را خلق کردی و سپس هدایتشان نمودی. تو با نیکوکاران هستی هدایت شوندگان را هدایت می کنی و گمراهان را (بیش از پیش) به گمراهی می کشانی. این تو بودی که آرامش را به دلهای مؤمنین هدیه نمودی. تو آتش را بر ابراهیم سرد و سلامت نمودی. تو آهن را برای داوود نرم کردی. تو باد را به تسخیر سلیمان درآوردی. ابراهیم را به دوستی گرفتی و موسی را همراز و هم کلام خود قرار دادی. تو اسماعیل به پیام آوری انتخاب کردی و او را به مقام و مرتبه ای بلند رساندی. تو اسحاق و یعقوب را برای نبوت برگزیدی. عیسی را پیامبر خود کردی و روح القدس را برای تاییدش همراه او فرستادی. محمد (ص) را با پیام هدایت و دینِ حق به سوی مردم گسیل داشتی تا به واسطه ی پیام او، نور رحمتت را کامل کنی و دین برحقت را بر تمام ادیان دیگر برتری دهی حتی اگر برای مشرکان ناخوشایند باشد. خدایا بر محمد و خاندان پاکش درود فرست .

**[ترجمه]

باب ۳۴ أدعیه الشهادات و العقائد

الأخبار

«۱»

د- ب، [قرب الإسناد] هَارُونُ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: کَانَ مِنْ شَهَادَتِهِ عَلَیْهِ السَّلَامُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَشْهَدُ أَنَّکَ کَمَا تَقُولُ وَ فَوْقَ مَا یَقُولُ الْقَائِلُونَ وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ کَمَا شَهِدْتَ لِنَفْسِکَ وَ شَهِدَتْ لَکَ مَلَائِکَتُکَ وَ أُولُو الْعِلْمِ بِأَنَّکَ قَائِمٌ بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ کَمَا أَثْنَیْتَ عَلَی نَفْسِکَ سُبْحَانَکَ وَ بِحَمْدِکَ (۱).

**[ترجمه]قرب الإسناد: ابن صدقه گوید: شهادت امام صادق علیه‌السلام این گونه بود: خداوندا، من شهادت می‌دهم که تو همان گونه هستی که می‌گویی و بالاتر از آن چه که گویندگان می‌گویند. و شهادت می‌دهم که تو همان گونه‌ای که خودت شهادت داده ای و نیز همان گونه‌ای که فرشتگانت و صاحبان دانش شهادت داده‌اند به این که برپادارنده‌ی عدل هستی و هیچ خدایی جز تو نیست و همان گونه‌ای که خودت را ستوده‌ای تو پاکی و تو را سپاس میگویم - . قرب الاسناد : ۴ - .

**[ترجمه]

«۲»

ید، [التوحید] ابْنُ الْمُتَوَکِّلِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ قَالَ: کَتَبَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام إِلَی رَجُلٍ بِخَطِّهِ وَ قَرَأْتُهُ فِی دُعَاءٍ کَتَبَ بِهِ أَنْ یَقُولَ یَا ذَا الَّذِی کَانَ قَبْلَ کُلِّ شَیْ ءٍ ثُمَّ خَلَقَ کُلَّ شَیْ ءٍ ثُمَّ یَبْقَی وَ یَفْنَی کُلُّ شَیْ ءٍ وَ یَا ذَا الَّذِی لَیْسَ فِی

السَّمَاوَاتِ الْعُلَى وَ لَا فِي الْأَرَضِينَ السُّفْلَى وَ لَا فَوْقَهُنَّ وَ لَا بَيْنَهُنَّ وَ لَا تَحْتَهُنَّ إِلَهٌ يُعْبَدُ غَيْرُهُ (۲).

**[ترجمه]توحید: علی بن مهزیار گوید امام محمد تقی علیه‌السلام با خط خویش برای مردی دعایی نوشته بود و من آن دعا را خواندم این گونه بود: ای آن که پیش از هر چیز بوده سپس هر چیز را آفرید و او باقی است و هر چیز فانی شود؛ ای آن که به مانند او چیزی نیست ای آن که نه در آسمان های بلند و نه در زمین های پست و نه بالای آن ها و نه در زیر آن ها و نه در میان آن ها معبود به حقی که پرستش شود جز او نیست - . توحید:۲۲ - .

**[ترجمه]

«۳»

ید، [التوحید] الدَّقَّاقُ عَنِ الْأَسَدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ سَهْلٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِلَهِي تَاهَتْ أَوْهَامُ الْمُتَوَهِّمِينَ وَ قَصُرَ طَرْفُ الطَّارِفِينَ وَ تَلَاشَتْ أَوْصَافُ الْوَاصِفِينَ وَ اضْمَحَلَّتْ أَقَاوِيلُ الْمُبْطِلِينَ عَنِ الدَّرْكِ لِعَجِيبِ شَأْنِكَ أَوِ الْوُقُوعِ بِالْبُلُوغِ إِلَى عُلُوِّكَ فَأَنْتَ فِي الْمَكَانِ الَّذِي لَا تَتَنَاهَى وَ لَمْ يَقَعْ عَلَيْكَ عُيُونٌ بِإِشَارَةٍ وَ لَا عِبَارَةٍ هَيْهَاتَ ثُمَّ هَيْهَاتَ يَا أَوَّلِيُّ يَا وَحْدَانِيُّ يَا فَرْدَانِيُّ شَمَخْتَ فِي الْعُلُوِّ بِعِزِّ الْكِبْرِ وَ ارْتَفَعْتَ مِنْ وَرَاءِ كُلِّ غَوْرَةٍ وَ نِهَايَةٍ بِجَبَرُوتِ الْفَخْرِ(۳).

**[ترجمه]توحید: امام حسن عسکری علیه‌السلام فرمود: ای خدای من خیال های خیال کنندگان حیران و سرگردان شده و نگاه بینندگان کوتاه گشته و توصیف توصیف کنندگان، از هم گسسته و سخنان بیهوده گویان ناچیزند از این که ژرفای شگفتی مرتبه وجودی تو را دریابند یا به سوی بلندایت دست یابند؛ پس تو در جایی هستی که به پایان نمی‌رسی و چشم‌ها با اشاره و تفسیر بر تو رهنمون نمی شوند و این امر بسی دور است، بسی دور؛ ای برتر، ای یگانه، ای تک، به عزت بزرگی و بزرگواری بلند گشتی و به جبروت و عظمتِ فخری که داری، از پس هر نشیب و پایانی برآمدی - . توحید :۳۱ و ۳۲ - .

**[ترجمه]

«۴»

ن (۴)،

[عیون أخبار الرضا] علیه السلام ید، [التوحید] ابْنُ عُبْدُوسٍ عَنِ ابْنِ قُتَيْبَةَ عَنِ الْفَضْلِ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا

۱- ۱. قرب الإسناد ص ۴.

۲- ۲. التوحید ص ۲۲.

۳- ۳. التوحید ص ۳۱ و ۳۲ و الغوره: القعر من كل شی ء.

۴- ۴. عیون الأخبار ج ۱ ص ۱۱۸.

عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي دُعَائِهِ: سُبْحَانَ مَنْ خَلَقَ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِهِ وَ أَتْقَنَ مَا خَلَقَ بِحِكْمَتِهِ وَ وَضَعَ كُلَّ شَيْ ءٍ مِنْهُ مَوْضِعَهُ بِعِلْمِهِ سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ ما تُخْفِي الصُّدُورُ وَ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْ ءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ(۱).

**[ترجمه]توحید: فضل گوید: شنیدم که امام رضا علیه السلام در دعای خود می فرمود: منزه است خدایی که آفریدگان را با قدرت خود خلق نمود و با حکمت خود، نیک آفرید. و با علم خود هر چیز را در جای خودش قرار داد. و منزه است خداوندی که نسبت به خیانت چشم ها و آن چه که در دل ها نهان است، آگاه است. و او شنوا و بیناست - . توحید :۸۶ - .

**[ترجمه]

«۵»

ثو، [ثواب الأعمال] أَبِي عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْعَمْرَكِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ قَالَ رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبّاً وَ بِالْإِسْلَامِ دِيناً وَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله رَسُولًا وَ بِأَهْلِ بَيْتِهِ أَوْلِيَاءَ كَانَ حَقّاً عَلَى اللَّهِ أَنْ يُرْضِيَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ(۲).

**[ترجمه]ثواب الأعمال: امام کاظم علیه‌السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم می‌فرماید: هر کسی بگوید خشنودم به خداوندی خدا، و اینکه دینم را اسلام، پیامبرم را محمد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و زمامدارانم را اهل بیت رسول خدا قرار داد؛ خداوند بر خود لازم می داند که او را در روز قیامت خشنود سازد - . ثواب الاعمال: ۲۴ - .

**[ترجمه]

«۶»

سن، [المحاسن] صَالِحُ بْنُ السِّنْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ هُشَيْمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَوْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَ كَفَى بِكَ شَهِيداً وَ أُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ وَ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ جَمِيعَ خَلْقِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ مَرَّةً وَاحِدَةً أُعْتِقَ رُبُعُهُ وَ مَنْ قَالَ مَرَّتَيْنِ أُعْتِقَ نِصْفُهُ وَ مَنْ قَالَ ثَلَاثاً أُعْتِقَ ثُلُثَاهُ وَ مَنْ قَالَ أَرْبَعاً أُعْتِقَ كُلُّهُ (۳).

**[ترجمه]المحاسن: اما صادق علیه السلام فرمود: هر کس یک بار بگوید: خدایا تو را به شهادت می گیرم و شهادت تو کافی است و هم چنین ملائکه، انبیاء، رسولان و جمیع آفریدگان تو را به شهادت می گیرم که تو خدای یگانه و بی شریک هستی و محمد بنده و رسول توست، خداوند یک چهارم او از آتش آزاد می سازد و اگر دو بار بگوید، نصف و اگر سه بار بگوید، دو سوم را و اگر چهار بار بگوید، همه اش را از عذاب نجات می‌دهد - . محاسن :۳۳ - .

**[ترجمه]

«۷»

یر، [بصائر الدرجات] إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَقَدْ أَسْرَى بِي رَبِّي فَأَوْحَى إِلَيَّ مِنْ وَرَاءِ الْحِجَابِ مَا أَوْحَى وَ كَلَّمَنِي فَكَانَ مِمَّا كَلَّمَنِي أَنْ قَالَ يَا مُحَمَّدُ عَلِيٌّ الْأَوَّلُ

وَ عَلِيٌّ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عَلِيمٌ فَقَالَ يَا رَبِّ أَ لَيْسَ ذَلِكَ أَنْتَ قَالَ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ لِيَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لِي مَنْ

فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِینَ وَ أَنَا الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ یَا مُحَمَّدُ إِنِّی أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا الْأَوَّلُ وَ لَا شَیْ ءَ قَبْلِی وَ أَنَا الْآخِرُ فَلَا شَیْ ءَ بَعْدِی

ص: ۱۸۰

۱- ۱. التوحید ص ۸۶.

۲- ۲. ثواب الأعمال ص ۲۴.

۳- ۳. المحاسن ص ۳۳.

وَ أَنَا الظَّاهِرُ فَلَا شَيْ ءَ فَوْقِي وَ أَنَا الْبَاطِنُ فَلَا شَيْ ءَ تَحْتِي وَ أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا بِكَلِّ شَيْ ءٍ عَلِيمٌ يَا مُحَمَّدُ عَلِيٌّ الْأَوَّلُ أَوَّلُ مَنْ أَخَذَ مِيثَاقِي مِنَ الْأَئِمَّهِ يَا مُحَمَّدُ عَلِيٌّ الْآخِرُ آخِرُ مَنْ أَقْبِضُ رُوحَهُ مِنَ الْأَئِمَّهِ وَ هِيَ الدَّابَّهُ الَّتِي تُكَلِّمُهُمْ يَا مُحَمَّدُ عَلِيٌّ الظَّاهِرُ أُظْهِرُ عَلَيْهِ جَمِيعَ مَا أَوْحَيْتُهُ إِلَيْكَ لَيْسَ عَلَيْكَ أَنْ تَكْتُمَ مِنْهُ شَيْئاً يَا مُحَمَّدُ عَلِيٌّ الْبَاطِنُ أَبْطَنْتُهُ سِرِّيَ الَّذِي أَسْرَرْتُهُ إِلَيْكَ فَلَيْسَ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَكَ سِرٌّ أَزْوِيهِ يَا مُحَمَّدُ عَنْ عَلِيٍّ مَا خَلَقْتُ مِنْ حَلَالٍ أَوْ حَرَامٍ عَلِيٌّ عَلِيمٌ بِهِ (۱).

**[ترجمه]بصائر الـدرجات: پیامبر صـلی اله علیه و آله و سـلم فرمود: آن شب که پروردگارم مرا به معراج برد، از پشت پرده ای وحی نموده و سخن گفت. از جمله آن سخنان این بود که ای محمد علی اول،

علی آخر و ظاهر و باطن است و او بر هر چیزی داناست، پیامبر فرمود پروردگارا آن چه گفته شد خودت نیستی؟ خداوند فرمود: ای محمد من خـدایی هسـتم که جز من معبودی نیست همـان فرمـانروای پـاک سـلامت [بخش، و] مؤمن [به حقیقت حقّه خود که] نگهبـان، عزیز، جبّار [و] متکبر [است]. پاک است خـدا از آن چه [با او] شـریک می گردانند؛ من خدایی هسـتم که جز من معبودی نیست، خدای خالق نوساز صورتگر [که] بهترین نام ها [و صـفات] از آنِ من است. آن چه در آسـمان هاو زمین ها است تسبیح من می گویند و من عزیز حکیم هسـتم؛ من خدایی هسـتم که معبودی جز من نیست من اولی هسـتم که چیزی قبل از من نیست و آخری هسـتم که چیزی بعد از من نیست و من ظاهری هسـتم که چیزی بالای من نیست و باطنی هستم که چیزی در زیر من نیست؛ من خدایی هستم که جز من معبودی نیست، و من بر هر چیزی دانا هستم.

ای محمد! علی اول است اولین کسی است در میان امامان که میثاق (پیمان) مرا گرفت، ای محمّد،

علی آخرین امامی است که قبض روحش می‌نمایم و او جنبده‌ای است که با مردم سخن می‌گوید؛ ای محمد علی ظاهر است و هر آن چه را بر تو وحی نمودم بر وی آشـکار شـده است؛ نبایـد چیزی را از وی پنهـان داری؛ ای محمـد، علی بـاطن است او را از سـر پنهانی که با تو در میان گذاردم آگاه ساختم پس میان من و تو سری که آن را پنهان دارم نیست؛ ای محمد هر حلال و حرامی که خلق کردم علی از آن آگاه است - . بصائر الدرجات : ۱۵۱ - .

**[ترجمه]

«۸»

شی، [تفسیر العیاشی] عَنْ سَمَاعَهَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: أَكْثِرُوا مِنْ أَنْ تَقُولُوا رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا-(۲)

وَ لَا تَأْمَنُوا الزَّيْغَ (۳).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: امام صادق علیه‌السلام فرمود؛ فراوان بگویید: پروردگارا دل های ما را از حق باز مگردان، پس از آن که ما را هدایت نمودی - . آل عمران: ۸ - ، و از زیغ و انحراف دل ایمن نباشید - . تفسیر عیاشی ۱ : ۱۶۵ - .

**[ترجمه]

«۹»

ق، [الكتاب العتيق الغروی]: دُعَاءٌ لِمَوْلَانَا الرِّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِلَهِي بَدَتْ قُدْرَتُكَ وَ لَمْ تَبْدُ هَيْئَهٌ لَكَ فَجَهِلُوكَ وَ قَدَّرُوكَ وَ التَّقْدِيرُ عَلَى غَيْرِ مَا بِهِ شَبَّهُوكَ فَأَنَا بَرِي ءٌ يَا إِلَهِي مِنَ الَّذِينَ بِالتَّشْبِيهِ طَلَبُوكَ لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْ ءٌ وَ لَنْ يُدْرِكُوكَ ظَاهِرُ مَا بِهِمْ مِنْ نِعْمَتِكَ دَلَّهُمْ عَلَيْكَ لَوْ عَرَفُوكَ وَ فِي خَلْقِكَ يَا إِلَهِي مَنْدُوحَهٌ أَنْ يَتَنَاوَلُوكَ بَلْ شَبَّهُوكَ بِخَلْقِكَ فَمِنْ ثَمَّ لَمْ يَعْرِفُوكَ وَ اتَّخَذُوا بَعْضَ آيَاتِكَ رَبّاً فَبِذَلِكَ وَصَفُوكَ

فَتَعَالَیْتَ یَا إِلَهِی وَ تَقَدَّسْتَ عَمَّا بِهِ الْمُشَبِّهُونَ نَعَتُوکَ یَا سَامِعَ کُلِّ صَوْتٍ وَ یَا سَابِقَ کُلِّ فَوْتٍ یَا مُحْیِیَ الْعِظَامِ وَ هِیَ رَمِیمٌ وَ مُنْشِئَهَا بَعْدَ الْمَوْتِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ لِی مِنْ کُلِّ هَمٍّ فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ جَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ.

**[ترجمه]کتاب العتیق الغروی: امام رضا علیه‌السلام فرمود: قدرت تو آشکار شد؛ اما چگونگی تو معلوم نشد و برای تو اندازه تصور کردند و تو را برخلاف آن چه هستی، وصف نمودند و خدایا! من از کسانی که تو را با تشبیه می طلبند، بیزارم. چیزی مثل تو نیست. خدایا! هرگز تو را درک نکردند. نعمت های تو که در میان آن هاست، باعث می شد به طرف تو راهنمایی شوند و تو را بشناسند و این توان در مخلوقات تو وجود دارد که در حقیقت و ذات تو تفکّر کنند، اما تو را با مخلوقات برابر دانستند و به همین دلیل، تو را نشناختند و بعضی از نشانه های تو را (مثل خورشید و ماه و ستاره و...) به عنوان خدا گرفتند وبه آن نشانه ها تو را وصف نمودند. پروردگارا تو از آن چه تشبیه کننده ها وصفش می کنند، برتری، ای شنونده ی صداها، ای آن که هیچ چیز از او فوت نمی شود، ای پوشاننده استخوان های فرسوده بعد از مرگ، بر محمد و آل محمد درود فرست و برای من و تمامی مؤمنان از غم و اندوه گشایش و رهایی قرار بده که تو بر هر چیزی توانایی.

**[ترجمه]

«۱۰»

أَعْلَامُ الدِّینِ، عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْخُدْرِیِّ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: مَنْ قَالَ رَضِیتُ بِاللَّهِ رَبّاً وَ بِالْإِسْلَامِ دِیناً وَ بِالْقُرْآنِ کِتَاباً وَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله نَبِیّاً وَ بِعَلِیٍّ وَلِیّاً وَ إِمَاماً وَ بِوُلْدِهِ الْأَئِمَّهِ أَئِمَّهً وَ سَادَهً وَ هُدَاهً کَانَ حَقّاً عَلَی اللَّهِ أَنْ یُرْضِیَهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ.

ص: ۱۸۱

۱- ۱. بصائر الدرجات ص ۱۵۱ ط حجر.

۲- ۲. آل عمران: ۸.

۳- ۳. تفسیر العیّاشیّ ج ۱ ص ۱۶۵.

**[ترجمه]اعلام الدین: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس بگوید: خشنودم به خداوندی خدا، که دینم را اسلام، کتابم را قرآن و پیامبرم را محمد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم و علی علیه السلام را ولی و امام و فرزندانش از ائمه را پیشوایان، زمامدارانم و راهبرانم قرار داد، خداوند بر خود لازم می داند که او را در روز قیامت خشنود سازد.

**[ترجمه]

«11»

ق، [الکتاب العتیق الغرویّ] مهج، [مهج الدعوات] دُعَاءُ الِاعْتِقَادِ عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ یُوسُفَ الْحَرَّانِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ النُّعْمَانِیِّ عَنْ أَبِی عَلِیِّ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ إِسْحَاقَ النَّهَاوَنْدِیِّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ الْأَهْوَازِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ قَالَ: سَمِعْتُ مَوْلَایَ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ یَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ هُوَ دُعَاءُ الِاعْتِقَادِ إِلَهِی إِنَّ ذُنُوبِی وَ کَثْرَتَهَا قَدْ غَبَّرَتْ وَجْهِی عِنْدَکَ وَ حَجَبَتْنِی عَنِ اسْتِیهَالِ رَحْمَتِکَ وَ بَاعَدَتْنِی عَنِ اسْتِنْجَازِ(1) مَغْفِرَتِکَ وَ لَوْ لَا تَعَلُّقِی بِآلَائِکَ وَ تَمَسُّکِی بِالرَّجَاءِ لِمَا وَعَدْتَ أَمْثَالِی مِنَ الْمُسْرِفِینَ وَ أَشْبَاهِی مِنَ الْخَاطِئِینَ بِقَوْلِکَ یا عِبادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ (2) وَ حَذَّرْتَ الْقَانِطِینَ مِنْ رَحْمَتِکَ فَقُلْتَ وَ مَنْ یَقْنَطُ مِنْ رَحْمَهِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ (3) ثُمَّ نَدَبْتَنَا بِرَحْمَتِکَ إِلَی دُعَائِکَ فَقُلْتَ ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ إِنَّ الَّذِینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِینَ (4) إِلَهِی لَقَدْ کَانَ ذُلُّ الْإِیَاسِ عَلَیَّ مُشْتَمِلًا وَ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِکَ بِی مُلْتَحِفاً إِلَهِی قَدْ وَعَدْتَ الْمُحْسِنَ ظَنَّهُ بِکَ ثَوَاباً وَ أَوْعَدْتَ الْمُسِی ءَ ظَنَّهُ بِکَ عِقَاباً اللَّهُمَّ وَ قَدْ أَسْبَلَ دَمْعِی حُسْنُ ظَنِّی (5) بِکَ فِی عِتْقِ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ وَ تَغَمُّدِ زَلَلِی وَ إِقَالَهِ عَثْرَتِی وَ قُلْتَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ لَا خُلْفَ لَهُ وَ لَا تَبْدِیلَ یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ (6) ذَلِکَ یَوْمُ النُّشُورِ إِذَا نُفِخَ فِی الصُّورِ وَ بُعْثِرَتِ الْقُبُورُ(7)

اللَّهُمَّ إِنِّی أُقِرُّ وَ أُشْهِدُ وَ أَعْتَرِفُ وَ لَا أَجْحَدُ وَ أُسِرُّ وَ أُظْهِرُ وَ أُعْلِنُ وَ أُبْطِنُ بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ وَ أَنَّ عَلِیّاً أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَ سَیِّدُ الْوَصِیِّینَ وَ وَارِثُ عِلْمِ النَّبِیِّینَ وَ قَاتِلُ الْمُشْرِکِینَ وَ إِمَامُ الْمُتَّقِینَ وَ مُبِیرُ الْمُنَافِقِینَ وَ مُجَاهِدُ النَّاکِثِینَ وَ الْقَاسِطِینَ وَ الْمَارِقِینَ إِمَامِی

1- 1. استیجاب خ ل.

2- 2. الزمر: 53.

3- 3. الحجر: 56.

4- 4. غافر: 60.

5- 5. حسن الظنّ خ ل.

6- 6. أسری: 71.

7- 7. بعثر ما فی القبور خ ل.

وَ مَحَجَّتِی وَ مَنْ لَا أَثِقُ بِالْأَعْمَالِ وَ إِنْ زَكَتْ وَ لَا أَرَاهَا مُنْجِيَةً وَ إِنْ صَلَحَتْ إِلَّا بِوَلَايَتِهِ وَ الِايتِمَامِ بِهِ وَ الْإِقْرَارِ بِفَضَائِلِهِ وَ الْقَبُولِ مِنْ حَمَلَتِهَا وَ التَّسْلِيمِ لِرُوَاتِهَا اللَّهُمَّ وَ أُقِرُّ بِأَوْصِيَائِهِ مِنْ أَبْنَائِهِ أَئِمَّةً وَ حُجَجاً وَ أَدِلَّةً وَ سُرُجاً وَ أَعْلَاماً وَ مَنَاراً وَ سَادَةً وَ أَبْرَاراً وَ أَدِينُ بِسِرِّهِمْ وَ جَهْرِهِمْ وَ ظَاهِرِهِمْ وَ بَاطِنِهِمْ وَ حَيِّهِمْ وَ مَيِّتِهِمْ وَ شَاهِدِهِمْ وَ غَائِبِهِمْ لَا شَكَّ فِی ذَلِکَ وَ لَا ارْتِيَابَ وَ لَا تَحَوُّلَ عَنْهُمْ وَ لَا انْقِلَابَ اللَّهُمَّ فَادْعُنِی يَوْمَ حَشْرِی وَ حِينَ نَشْرِی بِإِمَامَتِهِمْ وَ احْشُرْنِی فِی زُمْرَتِهِمْ وَ اكْتُبْنِی فِی أَصْحَابِهِمْ وَ اجْعَلْنِی مِنْ إِخْوَانِهِمْ وَ أَنْقِذْنِی بِهِمْ يَا مَوْلَایَ مِنْ حَرِّ النِّيرَانِ فَإِنَّکَ إِنْ أَعْفَيْتَنِی مِنْهَا كُنْتُ مِنَ الْفَائِزِينَ اللَّهُمَّ وَ قَدْ أَصْبَحْتُ فِی يَوْمِی هَذَا لَا ثِقَةَ لِی وَ لَا مَفْزَعَ وَ لَا مَلْجَأَ وَ لَا مُلْتَجَأَ(۱)

غَيْرُ مَنْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ إِلَيْکَ مِنْ آلِ رَسُولِکَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ عَلِیٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَتِی فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِمْ وَ الْحُجَجِ الْمَسْتُورَةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِمْ وَ الْمَرْجُوِّ لِلْأُمَّةِ مِنْ بَعْدِهِمْ وَ خِيَرَتِکَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهُمْ حِصْنِی مِنَ الْمَكَارِهِ وَ مَعْقِلِی مِنَ الْمَخَاوِفِ وَ نَجِّنِی بِهِمْ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ وَ طَاغٍ وَ فَاسِقٍ وَ بَاغٍ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَعْرِفُ وَ مَا أُنْكِرُ وَ مَا اسْتَتَرَ عَنِّی وَ مَا أَبْصُرُ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّی آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّی عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ تَوَسُّلِی إِلَيْکَ بِهِمْ وَ تَقَرُّبِی بِمَحَبَّتِهِمْ افْتَحْ عَلَیَّ رَحْمَتَکَ وَ مَغْفِرَتَکَ وَ حَبِّبْنِی إِلَى خَلْقِکَ وَ جَنِّبْنِی عَدَاوَتَهُمْ وَ بُغْضَهُمْ إِنَّکَ عَلى كُلِّ شَیْ ءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ وَ لِكُلِّ مُتَوَسِّلٍ ثَوَابٌ وَ لِكُلِّ ذِی شَفَاعَةٍ حَقٌّ فَأَسْأَلُکَ بِمَنْ جَعَلْتَهُ إِلَيْکَ سَبَبِی وَ قَدَّمْتُهُ أَمَامَ طَلِبَتِی أَنْ تُعَرِّفَنِی بَرَكَةَ يَوْمِی هَذَا وَ عَامِی هَذَا وَ شَهْرِی هَذَا اللَّهُمَّ فَهُمْ مُعَوَّلِی فِی شِدَّتِی وَ رَخَائِی وَ عَافِيَتِی وَ بَلَائِی وَ نَوْمِی وَ يَقَظَتِی وَ ظَعْنِی وَ إِقَامَتِی وَ عُسْرِی وَ يُسْرِی وَ صَبَاحِی وَ مَسَائِی وَ مُنْقَلَبِی وَ مَثْوَایَ اللَّهُمَّ فَلَا تُخْلِنِی بِهِمْ مِنْ نِعْمَتِکَ وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِی مِنْ رَحْمَتِکَ وَ لَا تَفْتِنِّی بِإِغْلَاقِ أَبْوَابِ الْأَرْزَاقِ وَ انْسِدَادِ مَسَالِكِهَا وَ افْتَحْ لِی مِنْ لَدُنْکَ فَتْحاً يَسِيراً وَ اجْعَلْ لِی مِنْ كُلِّ ضَنْکٍ مَخْرَجاً وَ إِلَى كُلِّ سَعَةٍ

۱- ۱. يا منجا خ ل.

مَنْهَجاً بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اللَّهُمَّ وَ اجْعَلِ اللَّیْلَ وَ النَّهَارَ مُخْتَلِفَیْنِ عَلَیَّ بِرَحْمَتِکَ وَ مُعَافَاتِکَ وَ مَنِّکَ وَ فَضْلِکَ وَ لَا تُفْقِرْنِی إِلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ إِنَّکَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ مُحِیطٌ وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ (۱).

**[ترجمه]کتاب العتیق الغروی: علی بن مهزیار گوید موسی بن جعفر علیه‌السلام ای گونه دعا می‌فرمود: خداوندا گناهان من و بسیاری آن ها روی مرا در پیشگاه تو به غبار خود پوشانده، و مرا از شایستگی رحمتت محروم نموده و مرا از غفران و بخشش تو دور نموده است ، و اگر نبود که به نعمت های تو آویخته ام و به امیدواری به تو چنگ زده ام- به این خاطر که امثال من از اسرافکاران و اشباه من از خطاکاران را به این فرمایش خود وعده فرموده ای: «ای بندگان من که بر خود اسراف روا داشته اید، از رحمت خدا نا‌امید مشوید، همانا خداوند تمام گناهان را می آمرزد، همانا که او آمرزنده و مهربان است» - . زمر/ ۵۳ - و نا‌امیدان از رحمت خود را حذر داده ای و فرموده ای: «و چه کسی از رحمت پروردگارش نا‌امید می شود جز گمراهان؟» - . حجر/ ۵۶ -

سپس از روی رحمت خود ما را به سوی دعای خویش فرا خوانده و فرموده ای: «مرا بخوانید تا دعای شما را استجابت کنم، همانا کسانی که از عبادت من استکبار می ورزند بزودی با حالت خواری و زبونی داخل دوزخ می شوند». - . غافر/ ۶۰ -

خدای من، هر آینه ذلت یأس مرا فرا می گرفت و نومیدی از رحمتت مرا در می‌پیچید، خداوندا به کسی که به تو حسن ظن داشته باشد وعده ثواب دادی و به بدگمان به خود وعده عقاب دادی، حسن ظن من به تو در این که از آتش دوزخ رهایم سازی، و خطاهایم را (به آمرزش خود) بپوشانی، و از لغزش هایم درگذری، اشکم را جاری ساخته است؛ تو که سخنت حق است و خلف وعده و تغییری در آن نیست فرموده ای که: «روزی را که هر دسته از مردم را به نام امامشان فراخوانیم» - . اسری/ ۷۱ - .

خداوندا من اقرار می کنم و گواهی می دهم و اعتراف می دارم و انکار ندارم و در پنهان و آشکار و ظاهر و باطن گواهم که تویی آن خداوندی که معبودی جز تو نیست، یگانه ای و شریکی نداری، و این که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده توست، و همانا علی که امیرمؤمنان و سید اوصیاء و وارث علم پیامبران و کشنده مشرکان و پیشوای پرهیزکاران و جهادکننده با عهدشکنان و ستمگران و از دین بیرون روندگان است، امام و حجت و راه و رهنما و جاده پهناور من (به سوی تو) است، و کسی است که جز با ولایت او و پیروی از او و اقرار به فضائل او و پذیرش آن ها از حاملان ولایت او و تسلیم در برابر راویان آن ها به هیچ یک از اعمال هر چند پاکیزه باشد اطمینان ندارم، و آن ها را هر چند صالح و درست بوده باشد نجات بخش نمی بینم.

خداوندا به اوصیاء از فرزندان او که همه پیشوایان و حجت ها و رهنمایان و چراغ ها و نشانه ها و مناره ها و سروران نیکو کردارند اقرار می کنم، و به نهان و آشکار و ظاهر و باطن و زنده و مرده و حاضر و غایب آنان دینداری می نمایم، که شک و دو دلی در آن نیست، و بازگشت و دگرگونی ای از آن وجود ندارد خداوندا مرا در روز حشر و هنگام نشرم به امامت آنان فراخوان، و در دسته و گروه ایشان محشورم گردان، و نامم را در زمره اصحابشان بنویس، و ای مولای من به حق ایشان مرا از گرمای آتش دوزخ رهایی بخش که اگر مرا از آتش دوزخ معاف بداری از رستگاران خواهم بود خداوندا من امروز صبح کردم در حالی که هیچ پشتیبان و پناهگاه و ملجئی ندارم جز کسانی که به آنان متوسل شده ام از آل رسولت علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان آنها وحجت های پنهان از ذریه آنها وامید امت بعد از آنان وبرگزیده تو- درود تو بر تمامی آنان باد- خداوندا آنان را دژ من از ناخوشایندی ها، و پناهگاهم از چیزهای هراسناک قرار ده، و مرا به حق آنان از هر دشمن سرکش، و هر فاسق ستم کار، و از شر آن چه که می شناسم یا نمی شناسم، و از شر آن چه که بر من پوشیده است و آن چه که می بینم، و از شر هر جنبنده ای که اختیارش به دست پروردگار من است- که همانا پروردگارم بر راه راست است- نجات بخش خداوندا به سبب این که من آنان را وسیله خودم به سوی تو قرار داده و با دوستی ایشان خود را به تو نزدیک ساخته ام درهای رحمت و آمرزش خود را بر من بگشا، و مرا به نزد آفریدگانت محبوب گردان، و دشمنی و کینه آنان را از من دور دار، که تو بر هر چیزی توانایی خداوندا هر توسل پیداکننده ای را پاداشی است، و هر صاحب شفاعتی را حقی، پس به حق آنانی که وسیله خودم به سوی تو قرارشان داده، و آنان را در پیش حاجت و نیاز خویش واداشته ام از تو می خواهم که برکت این روز و این ماه و این سال مرا به من بشناسانی خداوندا اینان تکیه گاه من در هر

ناراحتی و آسایش، و سلامتی و گرفتاری، و خواب و بیداری، و سفر و حضر، و سختی و راحتی، و روز و شب، و حرکت و سکون من هستند. خداوندا به حق آنان مرا از نعمت خویش بیرون مبر، و به حق آنان از بخشش خود محرومم مساز، و امیدم را از رحمت خود مبر، و با بستن درهای روزی و مسدود کردن راه ها و بستن روش های آن امتحانم مکن، و از جانب خود گشایشی آسان برایم قرار ده، و برایم از هر سختی و تنگی یی راه خروج، و به سوی هر فراخی یی راهی پهناور قرار ده، به رحمت خودت ای مهربان ترین مهربانان خداوندا شب و روز را به گونه ای قرار ده که با رحمت و سلامتی و عطا و بخشش تو بر من در آمد و شد باشند، و مرا به هیچ یک از خلق خود نیازمند مساز، به رحمت خودت ای مهربان ترین مهربانان، که تو بر هر چیز توانایی، و به همه چیز احاطه داری خدا ما را بس است و نیکو حمایت گری است - . مهج الدعوات :۲۸۹- ۲۹۲ - .

**[ترجمه]

باب ۳۵ الأدعیه المختصره المختصه بکل إمام علیهم السلام بنوع خصوصیه بکل واحد واحد منهم صلوات الله علیهم زائدا علی ما سبق و سیجیء فی أبواب أدعیه کل واحد منهم علیهم السلام أیضا و إن کان الأدعیه جلها بل کلها مأثوره عنهم علیهم السلام

الأخبار

«۱»

ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام] أَحْمَدُ بْنُ ثَابِتٍ الدَّوَالِیبِیُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ عَاصِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الثَّانِی عَنْ آبَائِهِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ علیهم السلام قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ عِنْدَهُ أُبَیُّ بْنُ کَعْبٍ فَقَالَ لِی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَرْحَباً بِکَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ یَا زَیْنَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِینَ قَالَ لَهُ أُبَیٌّ وَ کَیْفَ یَکُونُ یَا رَسُولَ اللَّهِ زَیْنَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَحَدٌ غَیْرُکَ فَقَالَ یَا أُبَیُّ وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ نَبِیّاً إِنَّ الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ فِی السَّمَاءِ أَکْبَرُ مِنْهُ فِی الْأَرْضِ وَ إِنَّهُ لَمَکْتُوبٌ عَنْ یَمِینِ عَرْشِ اللَّهِ مِصْبَاحُ هُدًی وَ سَفِینَهُ نَجَاهٍ وَ إِمَامٌ غَیْرُ وَهْنٍ (۲) وَ عِزٌّ وَ فَخْرٌ وَ عِلْمٌ وَ ذُخْرٌ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَکَّبَ فِی صُلْبِهِ نُطْفَهً طَیِّبَهً مُبَارَکَهً زَکِیَّهً وَ لَقَدْ لُقِّنَ دَعَوَاتٌ مَا یَدْعُو بِهِنَّ مَخْلُوقٌ إِلَّا حَشَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَعَهُ وَ کَانَ شَفِیعَهُ فِی آخِرَتِهِ وَ فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ کَرْبَهُ وَ قَضَی بِهَا دَیْنَهُ وَ یَسَّرَ أَمْرَهُ وَ أَوْضَحَ سَبِیلَهُ وَ قَوَّاهُ عَلَی

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۲۸۹- ۲۹۲.

۲- ۲. فی هامش المصدر المطبوع:« و امام خیر و هو فخر» بدل« و امام غیر وهن و عز و فخر» نقلا من بعض النسخ العتیقه المصحّحه.

عَدُوِّهِ وَ لَمْ يَهْتِكْ سِتْرَهُ.

فَقَالَ لَهُ أُبَيُّ بْنُ كَعْبٍ مَا هَذِهِ الدَّعَوَاتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ تَقُولُ إِذَا فَرَغْتَ مِنْ صَلَاتِكَ وَ أَنْتَ قَاعِدٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمَاتِكَ وَ مَعَاقِدِ عَرْشِكَ وَ سُكَّانِ سَمَاوَاتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ أَنْ تَسْتَجِيبَ لِي فَقَدْ رَهِقَنِي مِنْ أَمْرِي عُسْراً فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ عُسْرِي يُسْراً فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُسَهِّلُ أَمْرَكَ وَ يَشْرَحُ صَدْرَكَ وَ يُلَقِّنُكَ شَهَادَةَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسِكَ قَالَ لَهُ أُبَيٌّ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا هَذِهِ النُّطْفَهُ الَّتِي فِي صُلْبِ حَبِيبِي الْحُسَيْنِ قَالَ مَثَلُ هَذِهِ النُّطْفَهِ كَمَثَلِ الْقَمَرِ وَ هِيَ نُطْفَهُ تَبْيِينٍ وَ بَيَانٍ يَكُونُ مَنِ اتَّبَعَهُ رَشِيداً وَ مَنْ ضَلَّ عَنْهُ هَوِيّاً قَالَ فَمَا اسْمُهُ وَ مَا دُعَاؤُهُ قَالَ اسْمُهُ عَلِيٌّ وَ دُعَاؤُهُ يَا دَائِمُ يَا دَيْمُومُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا كَاشِفَ الْغَمِّ وَ يَا فَارِجَ الْهَمِّ وَ يَا بَاعِثَ الرُّسُلِ وَ يَا صَادِقَ الْوَعْدِ مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ حَشَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَعَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ كَانَ قَائِدَهُ إِلَى الْجَنَّهِ قَالَ لَهُ أُبَيٌّ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَهَلْ لَهُ مِنْ خَلَفٍ وَ وَصِيٍّ قَالَ نَعَمْ لَهُ مَوَارِيثُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ قَالَ مَا مَعْنَى مَوَارِيثِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْقَضَاءُ بِالْحَقِّ وَ الْحُكْمُ بِالدِّيَانَهِ وَ تَأْوِيلُ الْأَحْكَامِ وَ بَيَانُ مَا يَكُونُ قَالَ فَمَا اسْمُهُ قَالَ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَ إِنَّ الْمَلَائِكَهَ لَتَسْتَأْنِسُ بِهِ فِي السَّمَاوَاتِ وَ يَقُولُ فِي دُعَائِهِ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ لِي عِنْدَكَ رِضْوَانٌ وَ وُدٌّ فَاغْفِرْ لِي وَ لِمَنْ تَبِعَنِي مِنْ إِخْوَانِي وَ شِيعَتِي وَ طَيِّبْ مَا فِي صُلْبِي فَرَكَّبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي صُلْبِهِ نُطْفَهً مُبَارَكَهً زَكِيَّهً وَ أَخْبَرَنِي عليه السلام أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى طَيَّبَ هَذِهِ النُّطْفَهَ وَ سَمَّاهَا عِنْدَهُ جَعْفَراً وَ جَعَلَهُ هَادِياً مَهْدِيّاً رَاضِياً مَرْضِيّاً يَدْعُو رَبَّهُ فَيَقُولُ فِي دُعَائِهِ يَا دَانِ غَيْرَ مُتَوَانٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اجْعَلْ لِشِيعَتِي مِنَ النَّارِ وِقَاءً وَ لَهُمْ عِنْدَكَ رِضًا وَ اغْفِرْ ذُنُوبَهُمْ وَ يَسِّرْ أُمُورَهُمْ وَ اقْضِ دُيُونَهُمْ وَ اسْتُرْ عَوْرَاتِهِمْ وَ هَبْ لَهُمُ الْكَبَائِرَ الَّتِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ يَا مَنْ لَا يَخَافُ الضَّيْمَ وَ لَا تَأْخُذُهُ سِنَهٌ وَ لَا نَوْمٌ اجْعَلْ لِي مِنْ كُلِّ غَمٍّ فَرَجاً.

مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ حَشَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَبْيَضَ الْوَجْهِ مَعَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِلَى

ص: ١٨٥

الْجَنَّهِ يَا أَبَيُّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى رَكَّبَ عَلَى هَذِهِ النُّطْفَهِ نُطْفَهً زَكِيَّهً مُبَارَكَهً طَيِّبَهً أَنْزَلَ عَلَيْهَا الرَّحْمَهَ وَ سَمَّاهَا عِنْدَهُ مُوسَى قَالَ لَهُ أَبَيٌّ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَأَنَّهُمْ يَتَوَاصَفُونَ وَ يَتَنَاسَلُونَ وَ يَتَوَارَثُونَ وَ يَصِفُ بَعْضُهُمْ بَعْضاً فَقَالَ وَصَفَهُمْ لِي جَبْرَئِيلُ عَنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ جَلَالُهُ قَالَ فَهَلْ لِمُوسَى مِنْ دَعْوَهٍ يَدْعُو بِهَا سِوَى دُعَاءِ آبَائِهِ قَالَ نَعَمْ يَقُولُ فِي دُعَائِهِ يَا خَالِقَ الْخَلْقِ وَ بَاسِطَ الرِّزْقِ وَ فَالِقَ الْحَبِّ وَ بَارِئَ النَّسَمِ وَ مُحْيِيَ الْمَوْتَى وَ مُمِيتَ الْأَحْيَاءِ وَ دَائِمَ الثَّبَاتِ وَ مُخْرِجَ النَّبَاتِ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَهُ وَ حَشَرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ مَعَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى رَكَّبَ فِي صُلْبِهِ نُطْفَهً مُبَارَكَهً طَيِّبَهً زَكِيَّهً مَرْضِيَّهً وَ سَمَّاهَا عِنْدَهُ عَلِيّاً يَكُونُ لِلَّهِ فِي خَلْقِهِ رَضِيّاً فِي عِلْمِهِ وَ حُكْمِهِ وَ يَجْعَلُهُ حُجَّهً لِشِيعَتِهِ يَحْتَجُّونَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ لَهُ دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ اللَّهُمَّ أَعْطِنِي الْهُدَى وَ ثَبِّتْنِي عَلَيْهِ وَ احْشُرْنِي عَلَيْهِ آمِناً أَمْنَ مَنْ لَا خَوْفَ عَلَيْهِ وَ لَا حَزَنَ وَ لَا جَزَعَ إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَهِ وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ رَكَّبَ فِي صُلْبِهِ نُطْفَهً مُبَارَكَهً زَكِيَّهً مَرْضِيَّهً وَ سَمَّاهَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ فَهُوَ شَفِيعُ شِيعَتِهِ وَ وَارِثُ عِلْمِ جَدِّهِ لَهُ عَلَامَهٌ بَيِّنَهٌ وَ حُجَّهٌ ظَاهِرَهٌ إِذَا وُلِدَ يَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ يَقُولُ فِي دُعَائِهِ يَا مَنْ لَا شَبِيهَ لَهُ وَ لَا مِثَالَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ لَا خَالِقَ إِلَّا أَنْتَ تُفْنِي الْمَخْلُوقِينَ وَ تَبْقَى أَنْتَ حَلُمْتَ عَمَّنْ عَصَاكَ وَ فِي الْمَغْفِرَهِ رِضَاكَ مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ كَانَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى رَكَّبَ فِي صُلْبِهِ نُطْفَهً لَا بَاغِيَهً وَ لَا طَاغِيَهً بَارَّهً مُبَارَكَهً طَيِّبَهً طَاهِرَهً سَمَّاهَا عِنْدَهُ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ فَأَلْبَسَهَا السَّكِينَهَ وَ الْوَقَارَ وَ أَوْدَعَهَا الْعُلُومَ وَ كُلَّ سِرٍّ مَكْتُومٍ مَنْ لَقِيَهُ وَ فِي صَدْرِهِ شَيْ ءٌ أَنْبَأَهُ بِهِ وَ حَذَّرَهُ مِنْ عَدُوِّهِ وَ يَقُولُ فِي دُعَائِهِ يَا نُورُ يَا بُرْهَانُ يَا مُنِيرُ يَا مُبِينُ يَا رَبِّ اكْفِنِي شَرَّ الشُّرُورِ وَ آفَاتِ الدُّهُورِ وَ أَسْأَلُكَ النَّجَاهَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ كَانَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ شَفِيعَهُ وَ قَائِدَهُ إِلَى الْجَنَّهِ.

وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى رَكَّبَ فِي صُلْبِهِ نُطْفَةً وَ سَمَّاهَا عِنْدَهُ الْحَسَنَ فَجَعَلَهُ نُوراً فِي بِلَادِهِ وَ خَلِيفَةً فِي أَرْضِهِ وَ عِزّاً لِأُمَّةِ جَدِّهِ وَ هَادِياً لِشِيعَتِهِ وَ شَفِيعاً لَهُمْ عِنْدَ رَبِّهِ وَ نَقِمَةً عَلَى مَنْ خَالَفَهُ وَ حُجَّةً لِمَنْ وَالاهُ بُرْهَاناً لِمَنِ اتَّخَذَهُ إِمَاماً يَقُولُ فِي دُعَائِهِ يَا عَزِيزَ الْعِزِّ فِي عِزِّهِ مَا أَعَزَّ عَزِيزَ الْعِزِّ فِي عِزِّهِ يَا عَزِيزُ أَعِزَّنِي بِعِزِّكَ وَ أَيِّدْنِي بِنَصْرِكَ وَ أَبْعِدْ عَنِّي هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَ ادْفَعْ عَنِّي بِدَفْعِكَ وَ مَنِّعْ مِنِّي بِمَنْعِكَ وَ اجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ خَلْقِكَ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا فَرْدُ يَا صَمَدُ مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ حَشَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَعَهُ وَ نَجَّاهُ مِنَ النَّارِ وَ لَوْ وَجَبَتْ عَلَيْهِ وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى رَكَّبَ فِي صُلْبِ الْحَسَنِ نُطْفَةً مُبَارَكَةً زَكِيَّةً طَيِّبَةً طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً يَرْضَى بِهَا كُلُّ مُؤْمِنٍ مِمَّنْ قَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ فِي الْوَلَايَةِ وَ يَكْفُرُ بِهَا كُلُّ جَاحِدٍ فَهُوَ إِمَامٌ تَقِيٌّ نَقِيٌّ سَارٌّ مَرْضِيٌّ هَادٍ مَهْدِيٌّ يَحْكُمُ بِالْعَدْلِ وَ يَأْمُرُ بِهِ (١).

**[ترجمه]عیون الاخبار: امام حسین علیه السلام فرمود: خدمت جدم رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه و آله رسیدم، در هنگامی که ابیّ بن کعب هم در آن جا بودند، حضرت فرمود: خوش آمدی ای ابو عبد اللّٰه و ای زینت آسمان و زمین. ابیّ گفت: یا رسول اللّٰه چگونه کسی با وجود تو می توانـد زینت آسـمان و زمین باشد، حضـرت فرمود: سوگند به خداوندی که مرا به پیغمبری برانگیخت، حسین بن علی علیه السلام در آسـمان عظمتش از زمین بیشتر است. در طرف راست عرش نوشـته اند: «حسـین چراغ هدایت و کشتی نجات است، حسین امامی است که در امامت او هیـچ سـستی نباشـد بـا عزت، افتخـار آفرین، دریای علم وذخیره (ای گرانبها) می باشـد،» خداونـد در صـلب او نطفه ای قرار داده که طیب و با برکت و پـاک است. به حسـین بن علی دعاهـایی تفهیم شـده که هیـچ مخلوقی بـا آن هـا خـدا را نمی خوانـد، مگر آن که خـدای متعـال با او محشورش می فرمایـد و او در آخرت، شـفیعش باشـد، و خداونـد غم هـای وی را زائل نموده و دینش را اداء می نمایـد و امورش را آسان می سازد و راهش را روشن می گرداند و بر دشمنانش چیره می کند، و معایب او را فاش نمی سازد .

ابیّ عرض کرد: یـا رسول اللّٰه این دعاهـا کـدام است؟ حضـرت فرمود: هر گـاه از نماز فارغ شـدی همان طور که نشسـته ای بخوان: «اللهم إنی أسـئلک بکلماتک و معاقد عرشک و سـکان سـماواتک، و أنبیائک و رسلک، أن تستجیب لی؛ فقد رهقنی من أمری عسرا، فأسألک أن تصلّی علی محمّـد و آل محمّـد و أن تجعـل لی من عسـری یسـرا» - یعنی خداونـدا! به حقّ کلمـات و به حقّ پیمان گاه های عرشت و به حقّ ساکنین آسمان هایت و به حقّ انبیاء و پیامبرانت از تو می خواهم که دعای مرا مستجاب کنی، زیرا که، در کارهایم سختی بر من روآورده لذا از تو می خواهم بر محمّـد و آل محمّـد درود فرستی و برای من در امور و کارهایم آسانی و راحتی قرار دهی - خداونـد کارهای تو را آسان می کند و به تو شرح صدر عطا می کند و در هنگام مرگ کلمه شهادت « لا اله الا الله» را به تو تلقین می‌کند.

ابیّ عرض کرد: یا رسول اللّٰه این نطفه ای که در صلب حبیب من حسین قرار داده شده چیست؟ فرمود: مثل این نطفه مانند ماه است و این نطفه ی تبیین وبیان است، هر کس از وی پیروی کنـد به رشد وکمال می رسد، و هر که از وی دوری گزیند به هلاکت می پیوندد. ابیّ عرض کرد: اسم او و دعای او چیست؟. حضـرت رسول صـلی اللّٰه علیه و آله فرمود: نام وی «علی» است و دعایش هم این است «یا دائم یا دیموم، یا حی یا قیوم، یا کاشف الغمّ و یا فارج الهمّ، و یا باعث الرسل و یا صادق الوعـد» - ای دائم همیشـگی، ای زنده پا برجا، ای که همّ و غمّ را برطرف می کنی، ای مبعوث کننـده پیـامبران، ای که در وعـده هـایت همیشه صـادق بوده و هستی - هر کس این دعـا را بخوانـد خداونـد او را بـا علی بن الحسین محشور می کند، و به اتفاق وی داخل بهشت می شود.

ابیّ عرض کرد: یا رسول اللّٰه آیا وی جانشـین و وصـیّی هم دارد؟ فرمود: آری ارث های زمین و آسـمان به وی تعلق دارد. گفت: ارث زمین و آسـمان کدام است؟ حضرت فرمود: به حق داوری کردن، با دینداری فرمانروایی نمودن، و تاویل احکام و بیان آن چه پس از وی ظاهر گردد. گفت: نام او چیست؟ فرمود: «محمـد» که ملائکه به وی در آسـمان هاانس می‌گیرنـد، و او در دعای خود می گوید: «اللهم ان کان لی عندک رضـوان و ودّ فـاغفر لی و لمن تبعنی من اخوانی و شیعتی و طیّب مـا فی صـلبی - خـدایا اگر برای من نزد تـو خشـنودی و دوسـتی است مرا و کسانی از برادران و شـیعه‌ام که از من پیروی می‌کننـد را بیامرز و آن چه در صـلب من است پاکیزه گردان» خداونـد در صـلب او نطفه پاک و مبـارکی قرار داد؛ و جبرئیل علیه السـلام به من اطلاع داده است که خـدای متعال این نطفه را پاک گردانیـده و نامش را نزد خود «جعفر» نهاده است و او را هدایت کننده ی هدایت شده وخشـنود پسندیده قرار داده است، پروردگارش را می خواند و در دعای خود می گوید: «یا دان غیر

متوان، یا ارحم الراحمین،

اجعل لشیعتی من النار وقاء و لهم عندک رضا، و اغفر ذنوبهم، و استر عیوبهم، و یسّر امورهم، و استر عوراتهم، و اقض دیونهم، و هب لی الکبائر التی بینک و بینهم، یا من لا یخاف الضیم، و لا تأخذه سنه و لا نوم اجعل لی من کل غمّ فرجا» - ای که نزدیک هستی و مسامحه نمی کنی، ای أرحم الرّاحمین، به شیعیانم، وسیله ای که با آن از شرّ آتش در امان باشند مرحمت فرما و از آن ها راضی باش و گناهانشان را بیامرز و امورشان را آسان گردان و قرض هایشان را أداء نما و زشتی هایشان را بپوشان و گناهان بزرگشان را که میان تو وآنان است ببخشای. ای آن که بیم ستمش نیست و خواب و خواب آلودگی در او راهی ندارد، برای من از هر سختی و مشکلی فرجی قرار ده - هر کس این دعا را بخواند خداوند او را با چهره نورانی با جعفر بن محمد داخل بهشت می کند. ای ابیّ خداوند به این نطفه، نطفه پاک دیگری آمیخته و رحمت خود را بر وی نازل کرده و نام او را «موسی» نهاده است. ابیّ عرض کرد: یا رسول اللَّه گویا آنان همانند هم، از نسل هم و میراث بر یکدیگرند وهر یک دیگری را توصیف می کند؛ حضرت رسول صلی اللَّه علیه و آله فرمود: جبرئیل حالات آن ها را برای من از طرف خداوند وصف کرده است، ابیّ گفت: موسی دعائی هم دارد که غیر از دعای پدرانش باشد؟ فرمود: آری دعای موسی این است: «یا خالق الخلق، و یا باسط الرزق، و یا فالق الحبّ و النوی، و یا بارئ النسم، و محیی الموتی و ممیت الاحیاء، و یا دائم الثبات و مخرج النبات افعل بی ما أنت أهله» - ای آفریننده خلق، ای که رزق و روزی را گسترانده ای، ای که دانه هسته را می شکافی و می رویانی، ای خالق جانداران، و زنده کننده مردگان! و ای که زنده ها را می میرانی، ای پا بر جای همیشگی، ای خارج کننده گیاه [از زمین] با من آن کن که شایسته حضرت توست - هر که این دعا را بخواند خداوند حوائج او را برآورد، و روز قیامت او را با موسی بن جعفر محشور می کند، و خداوند در صلب او نطفه مبارک، پاکیزه خشنود وپسندیده قرار داده و او را «علی» نام گذاری کرده است، و خداوند از رفتار و کردار وی رضایت دارد و به وی علم و حکمت مرحمت فرموده و وی را برای شیعیانش حجت قرار داده و در روز قیامت به او استدلال و احتجاج می‌کنند، و دعای او از این قرار است «اللهم اعطنی الهدی و ثبّتنی علیه و احشرنی علیه آمنا أمن من لا خوف علیه و لا حزن و لا جزع إنک أَهْلُ التَّقْوی وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَهِ» - خدایا به من هدایت عطا کن و مرا بر آن ثابت قدم بدار، و مرا با امن و امان در حالی که بر هدایت هستم محشور کن همچون کسی که هیچ ترس و حزن و بی تابی ندارد، به راستی که تو شایسته تقوا وسزاوار آمرزشی - خداوند متعال در صلب او نطفه مبارک، پاکیزه، نیکو، خشنود وپسندیده قرار داده و او را «محمد بن علی» نام گذاشته است، این محمد شفیع شیعیان خواهد بود و علم جدش را هم به ارث خواهد برد، او دارای علامتی روشن و برهان واضحی است، هنگامی که متولد شود می گوید: «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمّد رسُول الله» و در دعای خود هم می گوید: «یا من لا شبیه له و لا مثال، أنت اللَّه لا إله إلا أنت، و لا خالق إلا أنت، تفنی المخلوقین و تبقی أنت حلمت عمّن عصاک و فی المغفره رضاک» - ای که هیچ مثل و مانندی نداری تو همان خدایی هستی که معبودی و خالقی جز تو وجود ندارد، تو آفریده ها را فنا می کنی و خود باقی هستی، تویی که با گنهکاران بردباری می ورزی وبا آمرزش آنان، خشنود می شوی-. هر کس این دعا را بخواند محمد بن علی علیهما السلام در روز قیامت شفیع وی خواهد شد.

خداوند در صلب او هم نطفه‌ای قرار داده که از ظلم و طغیان دور است، و همواره نیکوکار و با برکت و پاکیزه و پاک می باشد، خداوند او را نزد خود «علی بن محمد» نام گذاشته و لباس آرامش و وقار بر او پوشانیده و علوم و اسرار پنهان را در او به ودیعت نهاده است. هر کس او را ملاقات کند و در سینه چیزی مخفی داشته باشد، او را به آن مطلب خبر می دهد و از دشمنش بر حذر می دارد و در دعایش چنین می گوید: : «یا نور یا برهان، یا مبین، یا منیر، یا رب اکفنی شر الشرور، و آفات الدهور، و أسألک النجاه یوم ینفخ فی الصور» - ای نور و ای برهان، ای نورانی و ای آشکار، ای پروردگار من، مرا از شرّ شرور و آفات روزگار بسنده باش و از تو می خواهم در روزی که صور دمیده می شود مرا از اهل نجات قرار دهی-. هر کس این دعا را بخواند علی بن محمد علیهما السلام شفیع او شده و او را به بهشت خواهد برد. خداوند در صلب او نیز نطفه‌ای آفریده و او را «حسن» نام گذاشته، و او را وسیله روشنائی بلاد خود قرار داده و در زمین جانشین خود کرده است و برای امت جدش عزت و برای شیعیانش چراغ هدایت نصب نموده و او را شفیع آنان در پیشگاه خود معرفی کرده است، او عذابی است برای دشمنان و مخالفین، و برهانی است برای کسی که او را دوست بدارد و برهانی است برای کسی که او را امام بداند. وی در دعای خود می گوید: «یا

عزیز العز فی عزه، ما اعزّ عزیز العز فی عزه، یا عزیز اعزّنی بعزک و أیدنی بنصرک و أبعد عنی همزات الشیاطین و ادفع عنی بدفعک و امنع عنی بمنعک و اجعلنی من خیار خلقک، یا واحد، یا احد، یا فرد،

یـا صـمد». - ای که در عزّت خود عزیزی چقـدر عزیز است کسـی که در عزّت خود عزیز است! مرا با عزّت خود عزیز گردان و با یاریت تأیید کن، و بـا قـدرت خویش وسوسه های شـیاطین را از من دور گردان، و مرا حفظ کن و از بهترین خلق خود قرار ده، ای یگانه! ای یکتا! ای تنها! ای بی نیاز! - هر که این دعا را بخواند خداوند او را با وی محشور خواهد کرد و از آتش نجات خواهد داد و لو از اهل آتش باشد.

خداونـد در صـلب حسن نیز نطفه‌ای مبارک، نیکو، پاکیزه، پاک شـده قرار داده هر مؤمنی که خداوند میثاق او را در ولایت گرفته باشد از وی راضـی خواهـد شـد، و لیکن منکران از وی روی می‌گرداننـد. وی امام با تقوی، پاک، نیکوکار، پسـندیده، هدایت گر و هدایت شده، به عدل حکم می کند و به عدالت دستور می دهد - . عیون اخبار الرضا ۱ : ۵۹- ۶۲ - .

**[ترجمه]

أقول

تمامه فی باب النص علی الاثنی عشر من کتاب الإمامه.

وَ رَوَی الشَّهِیدُ رَحِمَهُ اللَّهُ نَقْلًا مِنْ کِتَابِ الْإِسْتِدْرَاکِ لِبَعْضِ قُدَمَاءِ الْأَصْحَابِ عَنِ الشَّیْخِ عَبْدِ اللَّهِ الدُّورْیَسْتِیِّ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَابَوَیْهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ ثَابِتٍ إِلَی آخِرِ السَّنَدِ وَ ذَکَرَ الْأَدْعِیَهَ فَقَطْ إِلَی أَنْ قَالَ: دُعَاءُ الْمَهْدِیِّ علیه السلام یَا نُورَ النُّورِ یَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ یَا بَاعِثَ مَنْ فِی الْقُبُورِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ لِی وَ لِشِیعَتِی مِنْ کُلِّ ضِیقٍ فَرَجاً وَ مِنْ کُلِّ هَمٍّ مَخْرَجاً وَ أَوْسِعْ لَنَا الْمَنْهَجَ وَ أَطْلِقْ لَنَا مِنْ عِنْدِکَ وَ افْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ یَا کَرِیمُ.

**[ترجمه]تمام این حدیث در کتاب امامت و در بحث نص بر امامت دوازده امام آمده است.

شهید رحمه الله علیه، به نقل از کتاب استدراک، فقط ادعیه هایی که در حدیث بالا آمده را نقل نموده و آورده است که دعای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین است: «ای نور نورها، و ای تدبیر کننده امور، و ای کسی که خفتگان در گورها را بر می انگیزی، بر محمد و آل محمـد درود و رحمت بفرست و مشـکلات من و شـیعیانم را هموار فرما. و راه برون رفتی از غصه ها برایمان قرار بده و عرصه را برای ما مهیا فرما. و از جانب خود برای ما روزی عطا فرما و با ما چنان رفتار کن که خودت شایسته آنی، ای کریم و ای بزرگوار.

**[ترجمه]

«۲»

ک، [إکمال الـدین] الْهَمْدَانِیُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ الْعَلَوِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَحْمَدَ الْعَقِیقِیِّ عَنْ أَبِی نُعَیْمٍ الْأَنْصَارِیِّ الزَّیْدِیِّ قَالَ: کُنْتُ بِمَکَّهَ عِنْدَ الْمُسْتَجَارِ وَ جَمَاعَهً مِنَ الْمُقَصِّرَهِ فِیهِمُ الْمَحْمُودِیُّ وَ عَلَّانٌ الْکُلَیْنِیُّ وَ أَبُو الْهَیْثَمِ الدِّینَارِیُّ وَ أَبُو جَعْفَرٍ الْأَحْوَلُ وَ کُنَّا زُهَاءً مِنْ ثَلَاثِینَ رَجُلًا وَ لَمْ یَکُنْ فِیهِمْ مُخْلِصٌ عَلِمْتُهُ غَیْرَ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ الْعَلَوِیِّ الْعَقِیقِیِّ فَبَیْنَا نَحْنُ کَذَلِکَ فِی الْیَوْمِ السَّادِسِ مِنْ ذِی الْحِجَّهِ سَنَهَ ثَلَاثٍ وَ تِسْعِینَ وَ مِائَتَیْنِ مِنَ الْهِجْرَهِ إِذْ خَرَجَ عَلَیْنَا شَابٌّ مِنَ الطَّوَافِ عَلَیْهِ إِزَارَانِ مُحْرِمٌ بِهِمَا وَ فِی یَدِهِ

١- ١. عيون الأخبار ج ١ ص ٥٩- ٦٢.

نَعْلَانِ فَلَمَّا رَأَيْنَاهُ قُمْنَا جَمِيعاً هَيْبَهً لَهُ فَلَمْ يَبْقَ مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا قَامَ وَ سَلَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَعَدَ وَ الْتَفَتَ يَمِيناً وَ شِمَالًا ثُمَّ قَالَ أَ تَدْرُونَ مَا كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ فِي دُعَاءِ الْإِلْحَاحِ قُلْنَا وَ مَا كَانَ يَقُولُ قَالَ كَانَ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تَقُومُ السَّمَاءُ وَ بِهِ تَقُومُ الْأَرْضُ وَ بِهِ تُفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ وَ بِهِ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ وَ بِهِ تُفَرِّقُ بَيْنَ الْمُجْتَمِعِ وَ بِهِ أَحْصَيْتَ عَدَدَ الرِّمَالِ وَ زِنَهَ الْجِبَالِ وَ كَيْلَ الْبِحَارِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجاً وَ مَخْرَجاً ثُمَّ نَهَضَ فَدَخَلَ الطَّوَافَ فَقُمْنَا لِقِيَامِهِ حِينَ انْصَرَفَ وَ أُنْسِينَا أَنْ نَقُولَ لَهُ مَنْ هُوَ فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ خَرَجَ عَلَيْنَا مِنَ الطَّوَافِ فَقُمْنَا كَقِيَامِنَا الْأَوَّلِ بِالْأَمْسِ ثُمَّ جَلَسَ فِي مَجْلِسِهِ وَ تَوَسَّطْنَا ثُمَّ نَظَرَ يَمِيناً وَ شِمَالًا ثُمَّ قَالَ أَ تَدْرُونَ مَا كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ فِي الدُّعَاءِ بَعْدَ صَلَاهِ الْفَرِيضَهِ قُلْنَا وَ مَا كَانَ يَقُولُ قَالَ كَانَ يَقُولُ إِلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَصْوَاتُ وَ دُعِيَتِ الدَّعْوَهُ وَ لَكَ عَنَتِ الْوُجُوهُ وَ لَكَ خَضَعَتِ الرِّقَابُ وَ إِلَيْكَ التَّحَاكُمُ فِي الْأَعْمَالِ يَا خَيْرَ مَسْئُولٍ وَ خَيْرَ مَنْ أَعْطَى يَا صَادِقُ يَا بَارِئُ يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ يَا مَنْ أَمَرَ بِالدُّعَاءِ وَ تَكَفَّلَ بِالْإِجَابَهِ يَا مَنْ قَالَ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ يَا مَنْ قَالَ وَ إِذا سَأَلَكَ عِبادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَهَ الدَّاعِ إِذا دَعانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ يَا مَنْ قَالَ يا عِبادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلى أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.

ثُمَّ نَظَرَ يَمِيناً وَ شِمَالًا بَعْدَ هَذَا الدُّعَاءِ ثُمَّ قَالَ: أَ مَا تَدْرُونَ مَا كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ فِي سَجْدَهِ الشُّكْرِ قُلْنَا وَ مَا كَانَ يَقُولُ قَالَ كَانَ يَقُولُ يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ إِلَّا جُوداً وَ كَرَماً يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ مَا دَقَّ وَ جَلَّ لَا يَمْنَعُكَ إِسَاءَتِي مِنْ إِحْسَانِكَ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ أَنْتَ أَهْلُ الْجُودِ وَ الْكَرَمِ وَ الْعَفْوِ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ أَنْتَ قَادِرٌ عَلَى الْعُقُوبَهِ وَ قَدِ اسْتَحْقَقْتُهَا لَا حُجَّهَ لِي وَ لَا عُذْرَ لِي عِنْدَكَ أَبُوءُ إِلَيْكَ بِذُنُوبِي كُلِّهَا وَ أَعْتَرِفُ بِهَا كَيْ تَعْفُوَ عَنِّي

وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنِّی بُؤْتُ إِلَیْکَ بِکُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَ بِکُلِّ خَطِیئَهٍ أَخْطَأْتُهَا وَ بِکُلِّ سَیِّئَهٍ عَمِلْتُهَا یَا رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّکَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَکْرَمُ وَ قَامَ فَدَخَلَ الطَّوَافَ فَقُمْنَا لِقِیَامِهِ وَ عَادَ مِنْ غَدٍ فِی ذَلِکَ الْوَقْتِ فَقُمْنَا لِإِقْبَالِهِ کَقِیَامِنَا فِیمَا مَضَی فَجَلَسَ مُتَوَسِّطاً وَ نَظَرَ یَمِیناً وَ شِمَالًا فَقَالَ کَانَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ سَیِّدُ الْعَابِدِینَ علیه السلام یَقُولُ فِی سُجُودِهِ فِی هَذَا الْمَوْضِعِ وَ أَشَارَ بِیَدِهِ إِلَی الْحِجْرِ نَحْوَ الْمِیزَابِ عُبَیْدُکَ بِفِنَائِکَ یَسْأَلُکَ مَا لَا یَقْدِرُ عَلَیْهِ سِوَاکَ ثُمَّ نَظَرَ یَمِیناً وَ شِمَالًا وَ نَظَرَ إِلَی مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ الْعَلَوِیِّ فَقَالَ یَا مُحَمَّدَ بْنَ الْقَاسِمِ أَنْتَ عَلَی خَیْرٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ قَامَ فَدَخَلَ الطَّوَافَ فَمَا بَقِیَ أَحَدٌ مِنَّا إِلَّا وَ قَدْ تَعَلَّمَ مَا ذَکَرَ مِنَ الدُّعَاءِ وَ أُنْسِینَا أَنْ نَتَذَاکَرَ أَمْرَهُ إِلَّا فِی آخِرِ یَوْمٍ فَقَالَ لَنَا الْمَحْمُودِیُّ یَا قَوْمِ أَ تَعْرِفُونَ هَذَا قُلْنَا لَا قَالَ هَذَا وَ اللَّهِ صَاحِبُ الزَّمَانِ فَقُلْنَا وَ کَیْفَ ذَاکَ یَا أَبَا عَلِیٍّ فَذَکَرَ أَنَّهُ مَکَثَ یَدْعُو رَبَّهُ وَ یَسْأَلُهُ أَنْ یُرِیَهُ صَاحِبَ الْأَمْرِ سَبْعَ سِنِینَ قَالَ فَبَیْنَا أَنَا یَوْمٌ فِی عَشِیَّهِ عَرَفَهَ فَإِذَا بِهَذَا الرَّجُلِ بِعَیْنِهِ فَدَعَا بِدُعَاءٍ وَعَیْتُهُ فَسَأَلْتُهُ مِمَّنْ هُوَ قَالَ مِنَ النَّاسِ فَقُلْتُ مِنْ أَیِّ النَّاسِ مِنْ عَرَبِهَا أَوْ مِنْ مَوَالِیهَا فَقَالَ مِنْ عَرَبِهَا فَقُلْتُ مِنْ أَیِّ عَرَبِهَا قَالَ مِنْ أَشْرَفِهَا وَ أَسْمَحِهَا فَقُلْتُ وَ مَنْ هُمْ فَقَالَ بَنُو هَاشِمٍ فَقُلْتُ مِنْ أَیِّ بَنِی هَاشِمٍ فَقَالَ مِنْ أَعْلَاهَا ذِرْوَهً وَ أَسْنَاهَا رِفْعَهً فَقُلْتُ مِمَّنْ هُمْ فَقَالَ مِمَّنْ فَلَقَ الْهَامَ وَ أَطْعَمَ الطَّعَامَ وَ صَلَّی وَ النَّاسُ نِیَامٌ فَعَلِمْتُ أَنَّهُ عَلَوِیٌّ فَأَحْبَبْتُهُ عَلَی الْعَلَوِیَّهِ ثُمَّ افْتَقَدْتُهُ مِنْ بَیْنِ یَدَیَّ فَلَمْ أَدْرِ کَیْفَ مَضَی فِی السَّمَاءِ أَمْ فِی الْأَرْضِ فَسَأَلْتُ الْقَوْمَ الَّذِینَ کَانُوا حَوْلَهُ أَ تَعْرِفُونَ هَذَا الْعَلَوِیَّ قَالُوا نَعَمْ یَحُجُّ مَعَنَا کُلَّ سَنَهٍ مَاشِیاً فَقُلْتُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ اللَّهِ مَا أَرَی بِهِ أَثَرَ الْمَشْیِ ثُمَّ انْصَرَفْتُ إِلَی الْمُزْدَلِفَهِ کَئِیباً حَزِیناً عَلَی فِرَاقِهِ وَ بِتُّ فِی لَیْلَتِی تِلْکَ فَرَأَیْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ رَأَیْتَ طَلِبَتَکَ فَقُلْتُ وَ مَنْ ذَاکَ یَا سَیِّدِی قَالَ الَّذِی رَأَیْتَهُ فِی عَشِیَّتِکَ هُوَ صَاحِبُ زَمَانِکُمْ فَلَمَّا سَمِعْنَا ذَلِکَ مِنْهُ عَاتَبْنَاهُ عَلَی

أَنْ لَا يَكُونَ أَعْلَمَنَا ذَلِكَ فَذَكَرَ أَنَّهُ كَانَ نَاسِياً أَمْرَهُ إِلَى وَقْتِ مَا حَدَّثَنَا بِهِ (۱).

و حدثنا بهذا الحديث عمار بن الحسين بن إسحاق الأسروشي رضي الله عنه بجبل بوبك من أرض فرغانه قال حدثنا أبو العباس أحمد بن الخضر عن محمد بن عبد الله الإسكافي عن سليم بن أبي نعيم الأنصاري: مثله و حدثنا محمد بن محمد بن علي بن حاتم عن عبيد الله بن محمد بن جعفر القصباني عن علي بن محمد بن أحمد بن الحسين المازرائي عن أبي جعفر محمد بن علي المنقذي الحسني قال: كنت بالمستجار و ذكر مثله سواء(۲)

ق، [الكتاب العتيق الغرويّ] رَوَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ جَعْفَرٍ النُّعْمَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّام بْنِ سُهَيْلٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ الْفَزَارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي نُعَيْمٍ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: كُنْتُ حَاضِراً عِنْدَ الْمُسْتَجَارِ بِمَكَّةَ وَ جَمَاعَةٌ مِنَ الْمِصْرِيِّينَ فِيهِمُ الْمَحْمُودِيُّ وَ ذَكَرَ نَحْوَهُ.

**[ترجمه]كمال الدين: ابو نعيم محمد بن احمد انصاری نقل می کند که: در مکه معظمه جنب «مستجار» حضور داشتم و عده ای در حدود سی مرد هم بودند، در میان آن ها جز محمد بن قاسم علوی عقیقی با اخلاص نبود. روز ششم ذی الحجه سال ۲۹۳ در اثنای این که بدین گونه اجتماع داشتیم،

ناگاه دیدیم جوانی که دو لباس احرام پوشیده و نعلین خود را در دست گرفته به نزد ما آمد. وقتی او را دیدیم طوری تحت تأثیر مهابت وی قرار گرفتیم که همه برای او برخاستیم. او به ما سلام کرد و در وسط جمع ما نشست و ما نیز در اطراف وی نشستیم. آن گاه به سمت راست و چپ خود نگریست و سپس گفت: آیا می دانید حضرت ابا عبد اللَّه در دعای الحاح چه می گفت؟ گفتیم: چه می فرمود؟ گفت: می فرمود: اللّهم انّی أسئلك باسمك الّذی تقوم به السّماء و به تقوم الأرض و به تفرّق بین الحقّ و الباطل و به تجمع بین المتفرق و تفرق بین المجتمع و به أحصیت عدد الرّمال و زنه الجبال و کیل البحار ان تصلّی علی محمّد و آل محمّد و ان تجعل لی من أمری فرجا و مخرجا.

- خدایا تو را می خوانم، به آن نامت که آسمان و زمین را با آن پایدار می داری و حق و باطل را از هم جدا می کنی، و پراکندگان را گرد می آوری و جمع شدگان را پراکنده می‌کنی و عدد ریگ های بیابان و وزن کوه ها و پیمانه دریاها را با آن می شماری، بر محمد و آل او درود بفرست و در کارم فرج وگشایشی قرار دهی.-

سپس برخاست و مشغول طواف شد ما هم با وی برخاستیم تا او رفت و ما فراموش کردیم که از او بپرسیم نامش چیست؟ فردا در همان وقت نیز از طواف فراغت یافت و نزد ما آمد و مانند روز گذشته ما به احترامش برخاستیم و او هم در وسط و ما اطراف او را گرفته نشستیم. مجددا به سمت راست و چپ خود نگاه کرد و گفت: آیا می دانید امیر المؤمنین علیه السّلام بعد از هر نماز واجب چه دعایی را می خواند؟ پرسیدیم چه دعایی را می خواند؟

گفت: می‌فرمود: خداوندا، صداها به سوی تو بلند شده و دعاها همه به سوی توست. صورت های بندگان بر خاضع و گردن هایشان در مقابل تو خم گشته است. داوری بندگان در دست توست. ای بهترین کسی که مورد پرسش قرار گرفته ای و ای بهترین عطا کننده ای راستگو ای آفریننده و ای کسی که خلف وعده نمی کند و ای کسی که دستور داده ای که دعا کنیم و وعده اجابت هم داده ای و فرموده ای: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. و ای کسی که فرموده ای: ای رسول ما، هرگاه بندگانم از تو درباره من سؤال کردند، پس همانا من به آنان نزدیک هستم و هرکسی را که دعای کند، اجابت می کنم. پس بندگان باید، دستور مرا بپذیرند و به من ایمان آورند باشد که راه یابند. ای خدایی که فرمودی: ای بندگانم و ای کسانی که بر خود اسراف کرده اید، از رحمت خداوند نا امید نشوید چرا که خداوند تمامی گناهان را می آمرزد و خداوند آمرزنده و مهربان است.

سپس نگاهی به راست و چپ خود کرد و گفت: آیا می دانید امیر المؤمنین علیه السّلام در سجده شکر چه می فرمود؟ گفتیم: نه! چه می

فرمود؟ گفت: حضرت می فرمود:

ای خدایی که اصرار زیاد بندگانش، جز بر بخشش نمی افزاید. و ای کسی که گنجینه های روزی اش تمام شدنی نیست، ای کسی که خزانه های زمین و آسمان از اوست. و ای کسی که نافرمانی ام، مانع از این نمی شود که او به من روزی دهد. تو ای خدا، از تو می خواهم آن گونه با من رفتار کنی که خود شایسته آن هستی. تو بخشنده و بزرگوار و اهل گذشت هستی. ای پروردگار، با من آن کن که شایسته توست، تو بر عقوبتم توانایی و خودم این عقاب را برای خودم مهیا ساختم و هیچ عذر و بهانه ای به درگاهت ندارم. من به همه گناهان خود اعتراف می کنم. پروردگارا، به من رحم کن و از گناهانم که تو از آن آگاهی درگذر. چرا که تو بزرگوارترین و بخشاینده ترین هستی .

سپس برخاست و مشغول طواف شد. ما نیز به احترام او از جا برخاستیم. فردا در همان وقت برگشت و ما نیز مانند روزهای گذشته به استقبالش شتافتیم. تا این که آمد و در وسط نشست و ما هم در اطراف او نشستیم. آن گاه نظری به سمت راست و چپ خود کرد و گفت: علی بن الحسین علیه السّلام وقتی به این جا می آمد (در این وقت با دست اشاره به سنگ به طرف ناودان کرد) در سجود خود می‌فرمود:

ای خدا، این بنده توست که به درگاه خانه ات آمده و این بنده بی نوای توست که این جا آمده. این گدای توست که به خانه تو آمده و درخواستی دارد که از هیچ کسی غیر از خودت ساخته نیست.

آن گاه به راست و چپ خود نگریست و در بین ما محمد علوی را مخاطب ساخت و فرمود: «ای محمد بن قاسم؛ تو ان شاء الله بر عقیده ثابت استواری».

سپس برخاست و مشغول طواف شد. همه ما این دعاها را حفظ کردیم ولی هیچ کدام به یاد نیاوردیم که راجع به او با هم صحبت کنیم، جز این که در روز آخر یکی از حضار بنام ابو علی محمودی بما گفت: ای مردم! آیا این شخص را می شناسید به خدا قسم این شخص صاحب الزمان شماست پرسیدیم: تو چگونه دانستی که او امام زمان است؟.

او توضیح داد که هفت سال تضرع و زاری می کردم و از خداوند می خواستم که حضرت صاحب الزمان علیه السّلام را به من بنمایاند. تا این که وقتی در عصر روز عرفه دیدم، این مرد آمد و همین دعایی را که شنیدیم خواند. من از وی پرسیدم شما کیستید؟ او گفت: از مردم هستم. گفتم: از کدام تیره مردم؟ گفت: از تیره عرب. پرسیدم از کدام تیره عرب؟ گفت از اشراف آن ها. پرسیدم اشراف طایفه کیستند؟ گفت بنی هاشم. گفتم شما از کدام دسته بنی هاشم می باشید؟ گفت از دسته والا و بلند قدر آن ها. گفتم: از اولاد کدام یک از آن ها؟ گفت: از کسی که سرهای گردنکشان را می شکافت و به مردم طعام می داد و بوقتی که مردم در خواب بودند، نماز می گذارد.

من دانستم که او علوی است سپس دیدم ناپدید گشت و نفهمیدم به کجا رفت. پس از مردمی که در اطراف او بودند پرسیدم آیا این مرد را شناختید؟ گفتند: آری، هر سال پیاده با ما به حج می آید. گفتم: سبحان اللّه بخدا قسم اثر پیاده روی در وی ندیدم.

سپس من به مزدلفه رفتم در حالی که از فراق او غمگین و افسرده بودم چون آن شب را خوابیدم دیدم پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله به خوابم آمد و فرمود: ای احمد مطلوب خود را دیدی؟ گفتم: آقا! او کیست؟ فرمود: همان کسی که دیروز عصر دیدی امام زمان تو بود.

ابو نعیم محمد بن احمد انصاری راوی این حکایت گفت: وقتی این مطلب را از ابو علی محمودی شنیدیم او را مورد سرزنش قرار دادیم که چرا به موقع بما نگفت. ابو علی گفت: من هم فراموش کردم، تا موقعی که شما در باره او به سخن گفتن پرداختید. - . کمال الدین ۲ :۱۴۴ و نیز رجوع شود به غیبه شیخ طوسی: ۶۷- ۷۰ -

عمار بن حسین با سندی همین حدیث را از سلیم بن ابی نعیم روایت کرده است.

محمـد بن محمد بن علی بن حاتم با سـندی از ابوجعفر محمد بن علی المنقذی حسـنی روایت نموده که گفت: من در مسـتجار بودم و بعد هم بقیه حدیث را همانند آن چه در بالا آمده ذکر نموده است - . کمال الدین ۲ : ۱۴۸ - .

عـتیق غروی: ابونعیم محمـد انصـاری گویـد: در مکه و در مسـتجار در جمعی از مصـری هـا بودم که محمودی نیز در میـان مـا بود. و بعـد بقیه حدیث را همانند حدیث پیشین نقل می کند.

**[ترجمه]

«۳»

ق، [الکتاب العتیق الغرویّ] مهج، [مهج الدعوات]: دُعَاءٌ لِمَوْلَانَا الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیهم السلام اللَّهُمَّ إِنَّکَ الْخَلَفُ مِنْ جَمِیعِ خَلْقِکَ وَ لَیْسَ فِی خَلْقِکَ خَلَفٌ مِنْکَ إِلَهِی مَنْ أَحْسَنَ فَبِرَحْمَتِکَ وَ مَنْ أَسَاءَ فَبِخَطِیئَتِهِ فَلَا(۳) الَّذِی أَحْسَنَ اسْتَغْنَی عَنْ رِفْدِکَ وَ مَعُونَتِکَ وَ لَا الَّذِی أَسَاءَ اسْتَبْدَلَ بِکَ وَ خَرَجَ مِنْ قُدْرَتِکَ إِلَهِی بِکَ عَرَفْتُکَ وَ بِکَ اهْتَدَیْتُ إِلَی أَمْرِکَ وَ لَوْ لَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ فَیَا مَنْ هُوَ هَکَذَا وَ لَا هَکَذَا غَیْرُهُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنِی الْإِخْلَاصَ فِی عَمَلِی وَ السَّعَهَ فِی رِزْقِی اللَّهُمَّ اجْعَلْ خَیْرَ عُمُرِی آخِرَهُ وَ خَیْرَ عَمَلِی خَوَاتِمَهُ وَ خَیْرَ أَیَّامِی یَوْمَ أَلْقَاکَ إِلَهِی أَطَعْتُکَ وَ لَکَ الْمَنُّ (۴) عَلَیَّ فِی أَحَبِّ الْأَشْیَاءِ إِلَیْکَ الْإِیمَانِ بِکَ وَ التَّصْدِیقِ بِرَسُولِکَ وَ لَمْ أَعْصِکَ فِی أَبْغَضِ الْأَشْیَاءِ الشِّرْکِ بِکَ وَ التَّکْذِیبِ بِرَسُولِکَ فَاغْفِرْ لِی

۱- ۱. کمال الدین ج ۲ ص ۱۴۴، و تراه فی غیبه الشیخ الطوسیّ ص ۶۷- ۷۰.

۲- ۲. المصدر ص ۱۴۸.

۳- ۳. لا الذی خ ل.

۴- ۴. المنه خ ل کما فی المصدر.

مَا بَيْنَهُمَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ (۱).

**[ترجمه]دعای مولای ما حضرت امام حسن بن علی علیهما السّلام:

خداونـدا به درستی که تویی باقی مانـده ای بعـد از همه آفریدگان خود و نیست در آفریدگان تو کسـی که باقی ماند بعد از تو. ای خدای من کسـی که کـار نیکی کرده باشـد، پس به سبب رحمت توست و کسـی که بـدی کرده باشـد، پس به جهت گنـاه خود اوست نه آن کسـی که نیکویی نموده بی نیاز است از نعمت تو و از یاری تو و نه آن کسـی که بدی کرده از کسی غیر از تو روزی گرفته و از سلطه و قدرت تو بیرون گشـته است. ای خـدای من، به یـاری تو شـناخته ام تو را و به راهنمـایی تو راه یـافته ام به سوی فرمـان تو و اگر یـاری تو نباشـد، من تو را نمی شناسم پس ای کسی که چنین صفاتی دارد و هیچ کسی غیر از او چنین صفاتی ندارد، بر محمد و آل محمد درود فرست و اخلاص در عمل و روزی زیـاد را نصـیب من نمـا. خداونـدا، روزهای آخر عمرم را بهترین دوران زنـدگی ام قرار بـده. پایان کارم را بهترین کارهایم قرار بـده. و روزی را که به ملاقات تو بشـتابم بهترین روزهایم قرار بـده. خداوندا، به برکت منتی که بر من نهادی، من در بهترین چیز تو را اطاعت کردم و آن ایمـان به تو و اقرار به پیـامبرت می باشـد. در مورد بـد ترین چیز، هم از تو نافرمـانی نکردم و آن شـرک ورزیـدن به تو و تکـذیب پیامبرت هست. پس ای بخشـنده ترین بخشـندگان و ای بهترین بخشاینده، از دیگر خطاهایم که بین این دو چیز است، در گذر - . مهج الدعوات : ۱۷۸ - .

**[ترجمه]

«۴»

مهـج، [مهـج الـدعوات]: دُعَاءٌ عَلَّمَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لِابْنِهِ الْحَسَنِ علیهما السـلام يَا عُـدَّتِی عِنْـدَ كُرْبَتِی يَا غِيَاثِی عِنْـدَ شِـدَّتِی وَ يَا وَلِيِّی فِی نِعْمَتِی يَا مُنْجِحِی فِی حَاجَتِی يَا مَفْزَعِی فِی وَرْطَتِی يَا مُنْقِـذِی مِنْ هَلَكَتِی يَا كَالِئِی فِی وَحْدَتِی اغْفِرْ لِی خَطِيئَتِی وَ يَسِّرْ لِی أَمْرِی وَ اجْمَعْ لِی شَـمْلِی وَ أَنْجِحْ لِی طَلِبَتِی وَ أَصْـلِحْ لِی شَأْنِی وَ اكْفِنِی مَا أَهَمَّنِی وَ اجْعَلْ لِی مِنْ أَمْرِی فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِی وَ بَيْنَ الْعَافِيَهِ أَبَـداً مَا أَبْقَيْتَنِی وَ فِی الْآخِرَهِ إِذَا تَوَفَّيْتَنِی بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات: دعایی که آن را حضرت امیر المؤمنین صلوات اللَّه علیه به فرزند خود حضرت امام حسن علیه السّلام تعلیم نمود: ای سرمـایه و پشتیبـان من در هنگـام گرفتـاری. و ای فریادرس من در هنگام دشواری. ای صاحب نعمت من ای کسـی که حاجت مرا برآورده می سـازد. ای فریاد رس من در هنگام بلا و ای نجات بخش من از هلاکت، ای نگاهدارنـده من در تنهاییام، گناهانم را بیامرز و کارهایم را برایم آسان گردان و امور پراکنـده ام را مرتب نموده و سامان بـده و حاجتم را روا نموده و حالی نیک به من عطا کن. و مرا در مقابل هرچه که مایه انـدوه است، محافظت بفرما و برای برون رفت از مشـکلات برایم راه چاره ای مهیا نما. و تا زمانی که مرا زنـده نگه می داری، و نیز در آخرت هم میان من و عافیت جدایی مینداز. ای رحم کننده ترین رحم کنندگان - . مهج الدعوات : ۱۷۹ - .

**[ترجمه]

«۵»

مهـج، [مهـج الـدعوات]: دُعَاءٌ لِمَوْلَانَا الْحُسَـيْنِ بْنِ عَلِيٍّ علیهما السـلام اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ تَوْفِيقَ أَهْلِ الْهُدَى وَ أَعْمَالَ أَهْلِ التَّقْوَى وَ مُنَاصَـحَهَ أَهْلِ التَّوْبَهِ وَ عَزْمَ أَهْـلِ الصَّبْرِ وَ حِـذْرَ أَهْـلِ الْخَشْـيَهِ وَ طَلَبَ أَهْـلِ الْعِلْمِ وَ زِينَهَ أَهْـلِ الْوَرَعِ وَ خَـوْفَ أَهْـلِ الْجَزَعِ حَتَّى أَخَافَكَ اللَّهُمَّ مَخَافَهً تَحْجُزُنِی عَنْ مَعَاصِـيكَ وَ حَتَّى أَعْمَـلَ بِطَاعَتِـكَ عَمَلًا أَسْـتَحِقُّ بِهِ كَرَامَتَكَ وَ حَتَّى أُنَاصِـحَكَ فِی التَّوْبَهِ خَوْفاً لَكَ وَ حَتَّى أُخْلِصَ لَكَ فِی النَّصِـيحَهِ حُبّاً لَكَ وَ حَتَّى أَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فِی الْأُمُورِ حُسْنَ ظَنٍّ بِكَ سُبْحَانَ خَالِقِ النُّورِ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ (۳).

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۷۸.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۱۷۹.

۳- ۳. مهج الدعوات ص ۱۹۵.

**[ترجمه]مهج الدعوات: دعای مولای ما امام حسین علیه السلام:

خداوندا، من از تو می خواهم که به من همان توفیقی را عطا کنی که به هدایت شدگان عطا نموده ای. و اعمال پرهیگاران و نیز خیرخواهی توبه کاران و عزم شکیبایان و احتیاط خائفان و طلب عالمان و زینت پرهیزگاران و احتیاط زاری کنندگان را به من عطا کنی. تا این که از تو چنان بترسم که این ترس مرا از گناهان باز دارد و چنان در اطاعت و بندگی تو بکوشم که مستحق پاداش و بخشندگی تو گردم و از ترس تو پندهایت در مورد توبه را بپذیرم. و به خاطر عشق به تو در خیرخواهی خالص باشم. و با اطمینانی که به تو دارم در تمام کارها به تو توکل کنم. منزه است آفریدگار نور و منزه است خداوند بزرگ مرتبه و من او را ستایش می کنم. -، مهج الدعوات : ۱۹۵ -

**[ترجمه]

باب ۳۶ عوذات الأئمه علیهم السلام للحفظ و غیره من الفوائد

الأخبار

«۱»

ن، [عیون أخبار الرضا] علیه السلام ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَاسِرٍ الْخَادِمِ قَالَ: لَمَّا نَزَلَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَصْرَ حُمَيْدِ بْنِ قَحْطَبَهَ نَزَعَ ثِيَابَهُ وَ نَاوَلَهَا حُمَيْداً فَاحْتَمَلَهَا وَ نَاوَلَهَا جَارِيَهً لَهُ لِتَغْسِلَهَا فَمَا لَبِثَتْ إِذْ جَاءَتْ وَ مَعَهَا رُقْعَهٌ فَنَاوَلَتْهَا حُمَيْداً وَ قَالَتْ وَجَدْتُهَا فِي جَيْبِ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ حُمَيْدٌ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّ الْجَارِيَهَ وَجَدَتْ رُقْعَهً فِي جَيْبِ قَمِيصِكَ فَمَا هِيَ قَالَ يَا حُمَيْدُ هَذِهِ عُوذَهٌ لَا نُفَارِقُهَا فَقَالَ لَوْ شَرَّفْتَنِي بِهَا قَالَ علیه السلام هَذِهِ عُوذَهٌ مَنْ أَمْسَكَهَا فِي جَيْبِهِ كَانَ مَدْفُوعاً عَنْهُ وَ كَانَتْ لَهُ حِرْزاً مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ثُمَّ أَمْلَى عَلَى حُمَيْدٍ الْعُوذَهَ وَ هِيَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا أَوْ غَيْرَ تَقِيٍّ أَخَذْتُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْبَصِيرِ عَلَى سَمْعِكَ وَ بَصَرِكَ لَا سُلْطَانَ لَكَ عَلَيَّ وَ لَا عَلَى سَمْعِي وَ لَا عَلَى بَصَرِي وَ لَا عَلَى شَعْرِي وَ لَا عَلَى بَشَرِي وَ لَا عَلَى لَحْمِي وَ لَا عَلَى دَمِي وَ لَا عَلَى مُخِّي وَ لَا عَلَى عَصَبِي وَ لَا عَلَى عِظَامِي وَ لَا عَلَى مَالِي وَ لَا عَلَى أَهْلِي وَ لَا عَلَى مَا رَزَقَنِي رَبِّي سَتَرْتُ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ بِسِتْرِ النُّبُوَّهِ الَّذِي اسْتَتَرَ بِهِ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ مِنْ سُلْطَانِ الْفَرَاعِنَهِ جَبْرَئِيلُ عَنْ يَمِينِي وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِي وَ إِسْرَافِيلُ مِنْ وَرَائِي وَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله أَمَامِي وَ اللَّهُ مُطَّلِعٌ عَلَيَّ يَمْنَعُكَ مِنِّي وَ يَمْنَعُ الشَّيْطَانَ مِنِّي اللَّهُمَّ لَا يَغْلِبُ جَهْلُهُ أَنَاتَكَ أَنْ يَسْتَفِزَّنِي وَ يَسْتَخِفَّنِي اللَّهُمَّ إِلَيْكَ الْتَجَأْتُ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ الْتَجَأْتُ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ الْتَجَأْتُ (۱).

**[ترجمه]عیون الاخبار: محمّد بن موسی بن متوکل روایت کرد، آنگاه که علی بن موسی الرّضا علیهماالسّلام به قصر حمید بن قحطبه وارد شد، لباس خود را از تن بیرون کرد و به حمید داد، و حمید آن را به کنیز خود داد تا آن را بشوید، طولی نکشید که کنیز با رقعه ای در دست بازگشت و اظهار کرد که این رقعه در جیب لباس ابو الحسن علی بن موسی بوده و آن را به حمید داد. حمید گوید: من به آن حضرت عرض کردم: فدایت گردم! این کنیز این رقعه را آورده و می‌گوید که در جیب شما یافته است، این چیست؟ فرمود: این رقعه حرز و دعائی است که من هیچ گاه از خود جدا نمی سازم؛ عرض کردم که ای کاش مرا بدان مشرف می‌ساختی، فرمود: این حرزی است که هر کس آن را به همراه داشته باشد، بلاها از او دفع شده و از هر بلیّه در امان خواهد بود، و پناهی است برای او از شرّ شیطان ملعون، سپس آن دعا و حرز را به حمید دیکته کرد و آن چنین بود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ، به نام خدا، پناه می‌برم به خداوند رحمان از تو، چه خدا ترس باشی و چه نباشی، چشم و گوش تو را به یاری خداوند شنوا و بینا بستم، و تو هیچ گونه بر من قدرت و توانائی و غلبه نخواهی داشت، نه بر من و نه بر گوشم، و نه بر چشمم، و نه بر مویم و نه بر پوستم و نه بر گوشتم و نه بر خونم، و نه بر مغزم، و نه بر عصبم، و نه بر استخوانم، و نه بر اهل و عیالم، و نه بر مالم، و نه بر آن چه پروردگارم روزی‌ام فرموده، تو بر هیچ یک از این امور من راهی نداری، من میان خود و تو به وسیله حجاب نبوت پرده کشیدم؛ آن ستری که پیامبران الهی خود را به وسیله آن از شرّ فرعون های زمان حفظ کردند، جبرئیل در جانب راست من و میکائیل جانب چپ و اسرافیل در پشت سر، و محمّد- صلی اللّه علیه و آله- در پیش روی من است، و خداوند بر من آگاه است و تو را و شیطان را از من مانع می شود، پروردگارا! ناآگاهی او بر صبر و شکیب تو غالب نمی‌شود تا مرا به وحشت اندازد و کوچک و حقیرم شمارد، بار الها! به تو پناه

آوردم،

بار الها! به تو پناه آوردم، بار الها! به تو پناه آوردم» - . عیون الاخبار ۲ : ۱۳۸ - .

**[ترجمه]

«۲»

ب، [قرب الإسناد] ابْنُ طَرِيفٍ عَنِ ابْنِ عُلْوَانَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام: أَنَّ عَلِيّاً صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ سُئِلَ عَنِ التَّعْوِيذِ يُعَلَّقُ عَلَى الصِّبْيَانِ فَقَالَ عَلِّقُوا مَا شِئْتُمْ إِذَا كَانَ

ص: ۱۹۲

۱- ۱. عیون الأخبار ج ۲ ص ۱۳۸.

فِيهِ ذِكْرُ اللَّهِ (۱).

**[ترجمه]قرب الاسناد: از اميرالمؤمنين عليه السلام درباره حرزهايى كه بر كودكان آويخته مى‌شود، سؤال شد، حضرت فرمود: هر حرزى بخواهيد آويزان كنيد، اگر در آن ذكر خدا باشد - . قرب الاسناد : ۷۰ و ۷۱ - .

**[ترجمه]

«۳»

مكا، [مكارم الأخلاق]: حِرْزٌ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لِلْمَسْحُورِ وَ التَّوَابِعِ (۲)

وَ الْمَصْرُوعِ وَ السَّمِّ وَ السُّلْطَانِ وَ الشَّيْطَانِ وَ جَمِيعِ مَا يَخَافُهُ الْإِنْسَانُ وَ مَنْ عَلَّقَ عَلَيْهِ هَذَا الْكِتَابَ لَا يَخَافُ اللُّصُوصَ وَ السَّارِقَ وَ لَا شَيْئاً مِنَ السِّبَاعِ وَ الْحَيَّاتِ وَ الْعَقَارِبِ وَ كُلَّ شَيْ ءٍ يُؤْذِي النَّاسَ وَ هَذِهِ كِتَابَتُهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أي كنوش أي كنوش ارشش عطنيطنيطح يا ميططرون فريالسنون ما و ما ساما سويا طيطشالوش خيطوش مشفقيش مشاصعوش أو طيعينوش ليطفيتكش هَذَا هَذَا وَ ما كُنْتَ بِجانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنا إِلى مُوسَى الْأَمْرَ وَ ما كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ اخْرُجْ بِقُدْرَةِ اللَّهِ مِنْهَا أَيُّهَا اللَّعِينُ بِعِزَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اخْرُجْ مِنْهَا وَ إِلَّا كُنْتَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ اخْرُجْ مِنْهَا فَما يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيها فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ اخْرُجْ مِنْها مَذْؤُماً مَدْحُوراً مَلْعُوناً كَمَا لُعِنَ أَصْحَابُ السَّبْتِ وَ كانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا اخْرُجْ يَا ذَوِي الْمَخْزُونِ اخْرُجْ يَا سوراسور بِالاسْمِ الْمَخْزُونِ يَا ميططرون طرحون مراعون تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخالِقِينَ يَاهِيّاً شَرَاهِيَّا حَيّاً قَيُّوماً بِالاسْمِ الْمَكْتُوبِ عَلَى جَبْهَةِ إِسْرَافِيلَ اطْرُدْ عَنْ صَاحِبِ هَذَا الْكِتَابِ كُلَّ جِنِّيٍّ وَ جِنِّيَّةٍ وَ شَيْطَانٍ وَ شَيْطَانَةٍ وَ تَابِعٍ وَ تَابِعَةٍ وَ سَاحِرٍ وَ سَاحِرَةٍ وَ غُولٍ وَ غُولَةٍ وَ كُلِّ مُتَعَبِّثٍ وَ عَابِثٍ يَعْبَثُ بِابْنِ آدَمَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ:


و فصل الخطاب فاغثني الحي الذي لا تنام و انتم حكماء الله و بكم حكم الله و بكم عرف حق الله
لا اله الا الله محمد رسول الله انتم نور الله من بين ايدينا و من خلفنا انتم سنة الله التي
بها سبق القضاء يا امير المؤمنين انا لكم مسلم تسليما لا اشرك بالله شيئا و لا اتخذ
من دونه وليا الحمد لله الذي هداني بكم و ما كنت لاهتدي لولا ان هداني الله الله
اكبر الله اكبر الله اكبر الحمد لله على ما هدانا ذكر الصلوة و الدعاء على دكة القضاء ثم امض الى دكة
القضاء فصل عليها ركعتين تقرا فيهما بعد الحمد ما اردت فاذا فرغت منهما فسلم و سبح تسبيح الزهراء
عليها السلام و قل يا مالكي و مملكي و متغمدي بالنعم الجسام من غير استحقاق وجهي خاضع لما تعلوه الانوار
لجلال وجهك الكريم لا تجعل هذه الشدة و لا هذه المحنة متصلة باستيصال الشافة
و امنحني من فضلك ما لم تمنح به احدا من غير مسالة انت القديم الذي لم تزل و لا تزال صل
على محمد و آل محمد و اغفر لي و ارحمني و زك عملي و بارك لي في اجلي و اجعلني من عتقائك
و طلقائك من النار برحمتك يا ارحم الراحمين ذكر الصلوة و الدعاء في بيت الطشت المتصل
بدكة القضاء تصلي هناك ركعتين فاذا سلمت و سبحت فقل اللهم اني ذخرت توحيدي اياك
و معرفتي بك و اخلاصي لك و اقراري بربوبيتك و ذخرت ولاية من انعمت علي بمعرفتهم
من بريتك محمد و عترته صلى الله عليهم ليوم فزعي اليك عاجلا و آجلا و قد فزعت اليك و اليهم
يا مولاي في هذا اليوم و في موقفي هذا و سالتك ما زكى من نعمتك و ازاحة ما اخشاه من
نقمتك و البركة فيما رزقتنيه و تحصين صدري من كل هم و جائحة و معصية في ديني و
دنياي و آخرتي يا ارحم الراحمين ذكر الصلوة و الدعاء في وسط المسجد تصلي هناك ركعتين تقرا
في الاولى الحمد و الصمد و الثانية الحمد و الكافرون فاذا سلمت و سبحت فقل اللهم انت السلام و منك
السلام و اليك يعود السلام و دارك دار السلام حينا ربنا منك بالسلام اللهم اني صليت
هذه الصلوة ابتغاء رحمتك و رضوانك و مغفرتك و تعظيما لمسجدك اللهم فصل على محمد
و آل محمد و ارفعها في عليين و تقبلها مني يا ارحم الراحمين ثم امض الى الاسطوانة السابعة
و قف عندها مستقبل القبلة و قل بسم الله و بالله و على ملة رسول الله صلى الله عليه و آله و لا اله الا الله محمد
رسول الله السلام على ابينا آدم و امنا حواء السلام على هابيل المقتول ظلما و عدوانا

حِرْزُ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ سَدَدْتُ أَفْوَاهَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّيَاطِينِ

ص: ١٩٣

١- ١. قرب الإسناد ص ٧٠ و ٧١.

٢- ٢. جمع تابع: الجنى يتبع الإنسان حيث ذهب.

وَ السَّحَرَهِ وَ أَبَالِسَهِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ السَّلَاطِينِ وَ مَنْ يَلُوذُ بِهِمْ بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْأَعَزِّ وَ بِاللَّهِ الْكَبِيرِ الْأَكْبَرِ بِسْمِ اللَّهِ الظَّاهِرِ وَ الْبَاطِنِ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الَّذِی أَقَامَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ ثُمَّ اسْتَوی عَلَی الْعَرْشِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ وَ وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِما ظَلَمُوا فَهُمْ لا يَنْطِقُونَ قالَ اخْسَؤُا فِيها وَ لا تُكَلِّمُونِ وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ قَدْ خابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْماً وَ خَشَعَتِ الْأَصْواتُ لِلرَّحْمنِ فَلا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْساً وَ جَعَلْنا عَلى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِی آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِذا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِی الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلى أَدْبارِهِمْ نُفُوراً وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجاباً مَسْتُوراً وَ جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لا يُبْصِرُونَ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلى أَفْواهِهِمْ وَ تُكَلِّمُنا أَيْدِيهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ لَوْ أَنْفَقْتَ ما فِی الْأَرْضِ جَمِيعاً ما أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۱).

حِرْزُ الرِّضَا علیه السلام وَ هُوَ رُقْعَهُ الْجَيْبِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أَعُوذُ بِالرَّحْمنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا اخْسَؤُا فِيها وَ لا تُكَلِّمُونِ أَخَذْتُ بِسَمْعِكَ وَ بَصَرِكَ بِسَمْعِ اللَّهِ وَ بَصَرِهِ وَ أَخَذْتُ قُوَّتَكَ وَ سُلْطَانَكَ بِقُوَّهِ اللَّهِ وَ سُلْطَانِ اللَّهِ الْحَاجِزِ بَيْنِی وَ بَيْنَكَ بِمَا حَجَزَ بِهِ أَنْبِيَاءَهُ وَ رُسُلَهُ وَ سَتَرَهُمْ مِنَ الْفَرَاعِنَهِ وَ سَطَوَاتِهِمْ جَبْرَئِيلُ عَنْ يَمِينِی وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِی وَ مُحَمَّدٌ أَمَامِی وَ اللَّهُ مُحِيطٌ بِی يَحْجُزُكَ عَنِّی وَ يَحُولُ بَيْنَكَ وَ بَيْنِی بِحَوْلِهِ وَ قُوَّتِهِ وَ حَسْبِیَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ وَ يُكْتَبُ آيَهُ الْكُرْسِيِّ عَلَى التَّنْزِيلِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ يَحْمِلُهَا(۲).

حِرْزٌ آخَرُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ رَبِّ احْتَرَزْتُ بِكَ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ وَ فَوَّضْتُ أَمْرِی إِلَيْكَ

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۴۷۷- ۴۷۸.

۲- ۲. مكارم الأخلاق ص ۴۷۹.

رَبِّ أَلْجَأْتُ ضَعْفَ رُكْنِی إِلَی قُوَّهِ رُكْنِکَ مُسْتَجِیراً بِکَ مُسْتَنْصِراً لَکَ مُسْتَعِیناً بِکَ عَلَی ذَوِی التَّعَزُّزِ عَلَیَّ وَ الْقَهْرِ لِی وَ الْقُوَّهِ عَلَی ضَیْمِی وَ الْإِقْدَامِ عَلَی ظُلْمِی یَا رَبِّ إِنِّی فِی جِوَارِکَ فَإِنَّهُ لَا ضَیْمَ عَلَی جَارِکَ رَبِّ فَاقْهَرْ عَنِّی قَاهِرِی بِقُوَّتِکَ وَ أَهِنْ عَنِّی مُسْتَوْهِنِی بِقُدْرَتِکَ وَ اقْصِمْ عَنِّی ضَائِمِی بِبَطْشِکَ رَبِّ وَ أَعِذْنِی بِعِیَاذِکَ بِکَ امْتَنَعَ عَائِذُکَ رَبِّ وَ أَدْخِلْ عَلَیَّ فِی ذَلِکَ كُلِّهِ سَتْرَکَ وَ مَنْ تَسَتَّرَ بِکَ فَهُوَ الْآمِنُ الْمَحْفُوظُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ یَكُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَ لَمْ یَكُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِیراً وَ مَنْ یَکُ ذَا حِیلَهٍ فِی نَفْسِهِ أَوْ حَوْلٍ فِی تَقَلُّبِهِ أَوْ قُوَّهٍ فِی أَمْرِهِ فِی شَیْ ءٍ سِوَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنَّ حَوْلِی وَ قُوَّتِی وَ كُلُّ حِیلَتِی بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِی لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ كُلُّ ذِی مِلْکٍ فَمَمْلُوکُ اللَّهِ (۱)

وَ كُلُّ مُقْتَدِرٍ قُوَاهُ لِقُدْرَهِ اللَّهِ وَ كُلُّ ظَالِمٍ فَلَا مَحِیصَ لَهُ مِنْ عَدْلِ اللَّهِ وَ كُلُّ مُتَسَلِّطٍ فَهَامِدٌ لِسَطْوَهِ اللَّهِ (۲)

وَ كُلُّ شَیْ ءٍ فَفِی قَبْضَهِ اللَّهِ صَغُرَ كُلُّ جَبَّارٍ فِی عَظَمَهِ اللَّهِ ذَلَّ كُلُّ عَنِیدٍ لِبَطْشِ اللَّهِ اسْتَظْهَرْتُ عَلَی كُلِّ عَدُوٍّ وَ دَرَأْتُ فِی نَحْرِ كُلِّ عَاتٍ بِاللَّهِ ضَرَبْتُ بِإِذْنِ اللَّهِ بَیْنِی وَ بَیْنَ كُلِّ مُتْرَفٍ ذِی سَطْوَهٍ وَ جَبَّارٍ ذِی نَخْوَهٍ وَ مُتَسَلِّطٍ ذِی قُدْرَهٍ وَ عَاتٍ ذِی مُهْلَهٍ(۳) وَ وَالٍ ذِی إِمْرَهٍ وَ حَاسِدٍ ذِی صَنِیعَهٍ وَ مَاكِرٍ ذِی مَكِیدَهٍ وَ كُلِّ مُعَانٍ أَوْ مُعِینٍ عَلَیَّ بِقَالَهٍ مُغْرِیَهٍ أَوْ حِیلَهٍ مُوذِیَهٍ أَوْ سِعَایَهٍ مُشْلِیَهٍ(۴)

أَوْ عَیْلَهٍ مُرْدِیَهٍ وَ كُلِّ طَاغٍ ذِی كِبْرِیَاءَ

۱- ۱. کل ذی قدره فمقدور اللّه خ کما فی المصدر المطبوع.

۲- ۲. فمقهور لسطوه اللّه خ کما فی المصدر، و الهامد: المتکسر الذی لا قوام له کالثوب الذی تقطع و بلی من طول الطی، لکنه بحیث یحسبه الناظر صحیحا جدیدا فإذا مسه تناثر من البلی.

۳- ۳. عاق ذی مثلبه خ کما فی المصدر.

۴- ۴. مثلبه خ، السعایه: النمیمه و الوشایه، و المثلبه من باب الافعال ما یثلب عرض الرجل بعار أو فضیحه، و أمّا المشلیه اما بمعنی المغضبه، أو السعایه التی تجعل الإنسان شلوا شلوا تفرق بین اعضائه.

أَوْ مُعْجَبٍ ذِی خُیَلَاءَ عَلَی کُلِّ نَفْسٍ فِی کُلِّ مَذْهَبٍ.

وَ أَعْدَدْتُ لِنَفْسِی وَ ذُرِّیَّتِی مِنْهُمْ حِجَاباً بِمَا أَنْزَلْتَ فِی کِتَابِکَ وَ أَحْکَمْتَ مِنْ وَحْیِکَ الَّذِی لَا تُؤْتَی بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَ هُوَ الْکِتَابُ الْعَدْلِ الْعَزِیزِ الْجَلِیلِ الَّذِی لا یَأْتِیهِ الْباطِلُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِیلٌ مِنْ حَکِیمٍ حَمِیدٍ خَتَمَ اللَّهُ عَلی قُلُوبِهِمْ وَ عَلی سَمْعِهِمْ وَ عَلی أَبْصارِهِمْ غِشاوَةٌ وَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِیمٌ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً کَثِیراً(۱).

حِرْزٌ آخَرُ وَ رُوِیَ أَنَّهُ یُکْتَبُ لِلْحُمَّی: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ بِسْمِ اللَّهِ نُورِ النُّورِ بِسْمِ اللَّهِ نُورٌ عَلَی نُورٍ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ وَ أَنْزَلَ النُّورَ عَلَی الطُّورِ فِی کِتَابٍ مَسْطُورٍ بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ عَلَی نَبِیٍّ مَحْبُورٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هُوَ بِالْعِزِّ مَذْکُورٌ وَ بِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَ عَلَی السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ مَشْکُورٌ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ هَذَا مِمَّا عَلَّمَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام سَلْمَانَ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَیْهِ فَذَکَرَ سَلْمَانُ أَنَّهُ عَلَّمَ ذَلِکَ أَکْثَرَ مِنْ أَلْفِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ مَکَّةَ وَ الْمَدِینَةِ مِمَّنْ بِهِمْ عِلَلُ الْحُمَّی فَکُلُّهُمْ بَرَءُوا بِإِذْنِ اللَّهِ (۲)

مَا یُفْعَلُ لِلرَّهْصَةِ وَ التَّمَائِمِ تَأْخُذُ قِطْعَةً مِنْ صُوفٍ لَمْ یُصِبْهَا مَاءٌ فَتَفْتِلُهَا ثُمَّ تَعْقِدُهَا سَبْعَ عُقَدٍ وَ تَقُولُ کُلَّمَا عَقَدْتَ عُقْدَةً خَرَجَ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ عَلَی حِمَارٍ أَقْمَرَ لَمْ یَدْحَسْ وَ لَمْ یَرْهَصْ أَنَا أَرْقِیکَ وَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ یَشْفِیکَ یَشُدُّهُ عَلَی مَوْضِعِ الرَّهْصَةِ(۳).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: حرز امیرالمؤمنین علیه السلام برای فرد جادو شده و دیوانه و مصروع و دفع سمّ و خطر سلطان و شیطان و هر چه که انسان از او می‌ترسد: هر که این نامه را به گردن آویزد، از دزد و درّنده و مار و عقرب و هر چیز موذی نترسد، و حرز حضرت این است:

«به نام خداوند رحمان و رحیم؛ ای کنوش ای کنوش ارشش عطنیطنیطح میططرون فریالسنون ما و ما ساما سویا طیطشالوش خیطوش مشفقیش مشاصعوش او طیعینوش لیطفیتکش هذا هذا، {و چون امر را به موسی واگذاشتیم، تو در جانب غربی طور حضور نداشتی و از گواهان نبودی - . قصص / ۴۴ ۳ - }. ای ملعون به قدرت خداوند عالمیان از این جان خارج شو، خارج شو از آن وگرنه از زندانیان می‌شوی؛ خارج شو. {تو را نرسد که در آن تکبر نمایی. پس بیرون شو که تو از خوارشدگانی - ۴. اعراف / ۱۳ - }؛ با حقارت و دوری و ملعونی خارج شو، { همان گونه که اصحاب سبت را لعن کردیم و امر خداوند شدنی است - . نساء / ۴۷[۵] - }. ای ذوی‌المحزون خارج شو، ای سوراسور به اسم مخزون خارج شو، ای میططرون طرحون مراعون. {فرخنده خدایی است که پروردگار عالمیان است - . مؤمنون / ۱۴[۱] - }. یَا هیّاً شَرَاهیّاً حیّاً قَیُّوماً به اسم نوشته شده بر پیشانی اسرافیل دور کن از صاحب این نوشته هر جن و جنیه و شیطان و شیطانه و تابع و تابعه و ساحر و ساحره و و غول و غوله را و هر به بازی گیرنده و بازی کننده‌ای که فرزندان آدم را به بازی می گیرد و هیچ قدرتی و توانی نیست مگر به دست خداوند بزرگ و بلندمرتبه و درود خداوند بر محمد و آل مطهر و مبارک او».

حرز امام زین العابدین علیه السلام:

بسم الله الرحمن الرحیم، به نام خدا و به یاری خدا دهان جن و انس و شیاطین و سلاطین و هر که را به آن ها پناه می برد می بندم، به یاری خداوند عزیز و اعزّ و کبیر و اکبر، بسم الله الظاهر الباطن المکنون المخزون الذی اقام السماوات و الأرض « ثُمَّ اسْتَوی عَلَی الْعَرْشِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ وَ وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَیْهِمْ بِما ظَلَمُوا فَهُمْ لا یَنْطِقُونَ قالَ اخْسَؤُا فِیها وَ لا تُکَلِّمُونِ وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَیِّ الْقَیُّوم وَ قَدْ خابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْماً وَ خَشَعَتِ الْأَصْواتُ لِلرَّحْمنِ فَلا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْساً وَ جَعَلْنا عَلی قُلُوبِهِمْ أَکِنَّةً أَنْ یَفْقَهُوهُ وَ فِی آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِذا ذَکَرْتَ رَبَّکَ فِی الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلی أَدْبارِهِمْ نُفُوراً وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَیْنَکَ وَ بَیْنَ الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجاباً مَسْتُوراً وَ جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ أَیْدِیهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لا یُبْصِرُونَ الْیَوْمَ نَخْتِمُ عَلی أَفْواهِهِمْ وَ تُکَلِّمُنا أَیْدِیهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِما کانُوا یَکْسِبُونَ لَوْ أَنْفَقْتَ ما فِی الْأَرْضِ جَمِیعاً ما أَلَّفْتَ بَیْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لکِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَیْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِیزٌ حَکِیمٌ» - . مکارم الاخلاق : ۲۷۷، ۲۷۸ - .

حرز امام رضا علیه‌السلام که رقعه‌ای برای جیب است:

بسم الله الرحمن الرحیم، اگر متقی باشی، از شرّ تو به خداوند پناه می‌برم، ساکت شوید و سخن نگویید، به یاری گوش و چشم خدا گوش و چشم تو را می گیرم، و قدرت و سیطره تو را به قدرت و سیطره خداوند تسخیر می کنم، سیطره خداوندی که میان من و تو مانع است و با آن پیامبران و فرستادگانش را از فراعنه و شرّ ایشان حفظ فرمود. جبرئیل در طرف راست من است و میکائیل در طرف چپ و محمد صلوات الله علیه وآله در پیش روی من، و خداوند بر من احاطه دارد و ترا از من می‌راند و به قدرت و توان خود میان من و تو مانع می‌شود و خداوند برایم کافی است و او بهترین وکیل است، هر چه خداوند بخواهد می‌شود و هر چه نخواهد نمی‌شود. و آیه الکرسی را به صورتی که نازل شده است، به همراه لا حول ولا قوه إلا بالله العظیم می‌نویسد و با خود نگه می‌دارد.

حرز دیگری از امیرالمؤمنین علیه‌السلام:

به نام خدا و به یاری خدا، خداوندا به مدد تو از بلاها می گریزم و بر تو توکل می کنم و کار خود را به دست تو می سپارم. خداوندا ضعف پشتوانه ام را به پشتوانه محکمت پناه آورده‌ام در حالی که از تو امان می‌خواهم و از تو یاری می‌طلبم و از تو استعانت می‌جویم علیه کسانی که بر من قهر و غلبه می‌جویند و بر کوبیدن من و ظلم بر من اقدام می‌نمایند، از تو کمک می خواهم، خداوندا در پناه توام و آن کس که به پناه تو درآید، ظلم نمی‌بیند. خداوندا به نیروی خود هر که را که قصد کوبیدن مرا دارد، بکوب و به قدرت خود آن کس را که می‌خواهد مرا خوار سازد، خوار کن، و هر که خواهد مرا درهم شکند او را با بطش خود درهم شکن، خداوندا مرا پناه ده تا محفوظ گردم چرا که پناه برنده به تو در امان است، و خداوندا در همه این مراحل، پوشش خود را بر من قرار ده که هر کس تو را پوشش خود قرار دهد، در امن و حفاظت باشد، و هیچ توان و قدرتی نیست مگر از سوی خداوند بلند مرتبه و بزرگ، خدایی که فرزند اختیار نکرده و در سلطنت خود دارای شریک نیست و از روی ذلت و ضعف و ذلت یاور و همکاری ندارد و او را بسیار بزرگ شمار. و کیست غیر از خدا که از خود نقشه ای و اراده ای و در کارش قوّتی داشته باشد و همه حول و قوّه و اراده من از خداوند واحد بی نیازی است که نزاییده و زاییده نشده و همتایی ندارد، هر مالکی مملوک خداست و هر قدرتمندی اسیر قدرت خداست، و هیچ ستمگری نمی‌تواند از عدالت خدا فرار کند و هر سلطه جویی مقهور سطوت خداست، و هر چیزی در قبضه قدرت خداست، هر جبّاری در جنب عظمت خدا ذلیل است و هر معاند و دشمنی ذلیل بطش خداست. بر علیه هر دشمنی خدا را پناه می‌گیرم و به قدرت خدا هر سرکشی را از پا در آورده و دور می کنم و به اذن خدا میان خود و هر خوشگذران مسلط و جبّار گردنکش و هر قدرتمند صاحب ریاست و هر مستکبر صاحب فرصت و حاکم صاحب امارت و حسود کارشکن و بداندیش حیله گر و هر کسی که با سخنان گمراه کننده یا نیرنگ زیان انگیز یا سخن چینی و بدگویی به ضرر من کار می کند و یا کسی را به ضرر من یاری می... رساند و از شرّ هر طاغی متکبر یا مغرور خودخواه، هر کس و اهل هر مذهبی که باشد، مانع و سپر قرار می‌دهم و برای خود و فرزندانم حجابی سپر و مانعی می سازم با آن چه که در کتاب خود فرستاده و با وحی خود استحکام بخشیده‌ای که سوره‌ای مانند آن آورده نمی‌شود و آن کتاب عادل و عزیز و جلیل است که از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی‌آید وحی نامه‌ای است از حکیمی ستوده [صفات]، خداوند بر دل‌های ایشان و بر شنوایی‌شان مهر نهاده و بر دیدگانشان پرده‌ای است و آنان را عذابی بزرگ است و سلام و صلوات بسیار خداوند بر محمد و آل او - . مکارم الاخلاق: ۴۷۹ - ۴۸۰ - .

حرزی دیگری است که بر اساس روایت برای رفع تب نوشته می‌شود:

به نام خداوند رحمان و رحیم، به نام خداوند نور نور، به نام خداوند نور علی نور، به نام خدایی که نور را از نور آفرید و نور را بر طور نازل فرمود، در کتابی نگاشته شده به اندازه مقدر بر پیامبری مکرم. سپاس خدایی را با عزت یاد می‌شود و به فخر مشهور است و در پنهان و آشکار شکر می‌شود و درود خداوند بر محمد و آل مطهر او.

و این حرزی است که حضرت فاطمه سلام الله علیها آن را به سلمان آموخت، و سلمان روایت کرده است که آن را به بیش از هزار نفر از مردم مبتلا به تب در مکه و مدینه آموخته و همگی به اذن خدا از بیماری شفا یافته‌اند - . مکارم الاخلاق : ۴۸۰ - .

برای بیماری رهصه (ورم زیر سم چهار پایان)، یک تکه پشم آب ندیده برمی‌داری و آن را می‌تابی و هفت گره بر آن می‌زنی و به هنگام زدن هر گره می گویی: عیسی بن مریم بر روی الاغ سفیدی بیرون آمد که ورم و عارضه‌ای در سُم نداشت، من بر تو تعویض می‌بندم و خداوند عزوجل شفایت می‌دهد، پس آن را محکم در موضع رهصه می‌بندی - . مکارم الاخلاق: ۴۷۴، ۴۷۵ - .

**[ترجمه]

«۴»

مِنْ خَطِّ الشَّهِيدِ قُدِّسَ سِرُّهُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يُعَوِّذُ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ علیهما السلام يَقُولُ أُعِيذُكُمَا بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّهِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَ هَامَّهٍ وَ مِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّهٍ وَ يَقُولُ هَكَذَا كَانَ أَبِي إِبْرَاهِيمُ يُعَوِّذُ ابْنَيْهِ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ.

ص: ۱۹۶

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۷۹- ۴۸۰.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۸۰.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۷۴، ۴۷۵، و الرهصه: و قره تصيب باطن حافر الفرس و كل ذى حافر، و الرواهص من الحجاره: التى تنكب الدوابّ.

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ: مِثْلَهُ إِلَى قَوْلِهِ لَامَّةٍ.

**[ترجمه]از ابن عباس روایت شده که رسول خدا صلوات الله علیه وآله حسن و حسین علیهما السلام را تعویذ می‌فرمود و می گفت: «اعیذکما بکلمات الله التامه، من کل شیطان و هامه و من کل عین لامّه» - شما را به وسیله کلمات تامه خداوند، تعویذ می کنم از شر تمامی شیاطین و حیوانات سمی و از هر چشم بد. - سپس پیغمبر صلوات الله علیه وآله می‌فرمود: پدرم ابراهیم این گونه دو فرزندش اسماعیل و اسحاق را در پناه خدا می نهاد.

در کتاب دعوات راوندی عین روایت تا کلمه لامه ذکر شده است.

**[ترجمه]

«۵»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ عَنْ رَبِيعَةَ بْنِ كَعْبٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعَ مَرَّاتٍ أَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ أَعُوذُ بِهِ مِنَ النَّارِ إِلَّا قَالَتِ النَّارُ يَا رَبِّ أَعِذْهُ مِنِّي.

**[ترجمه]دعوات راوندی: ربیعه بن کعب گوید از رسول خدا صلوات الله علیه وآله شنیدم که می فرمود: هیچ بنده‌ای نیست که این عبارت را روزانه هفت مرتبه بگوید: از خداوند بهشت می‌خواهم و از آتش جهنم به او پناه می‌برم، مگر این که جهنم گوید: خدایا از من به او پناه بده.

**[ترجمه]

«۶»

نهج، [نهج البلاغه] قَالَ علیه السلام: لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ لِأَنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا وَ هُوَ مُشْتَمِلٌ عَلَى فِتْنَةٍ وَ لَكِنْ مَنِ اسْتَعَاذَ فَلْيَسْتَعِذْ مِنْ مَضَلَّاتِ الْفِتَنِ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَقُولُ وَ اعْلَمُوا أَنَّما أَمْوالُكُمْ وَ أَوْلادُكُمْ فِتْنَةٌ(۱) قَالَ السَّيِّدُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ مَعْنَى ذَلِكَ أَنَّهُ سُبْحَانَهُ يَخْتَبِرُهُم بِالْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ لِيَتَبَيَّنَ السَّاخِطُ لِرِزْقِهِ وَ الرَّاضِي بِقِسْمِهِ وَ إِنْ كَانَ سُبْحَانَهُ أَعْلَمَ بِهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ لَكِنْ لِتَظْهَرَ الْأَفْعَالُ الَّتِي بِهَا يُسْتَحَقُّ الثَّوَابُ وَ الْعِقَابُ لِأَنَّ بَعْضَهُمْ يُحِبُّ الذُّكُورَ وَ يَكْرَهُ الْإِنَاثَ وَ بَعْضُهُمْ يُحِبُّ تَثْمِيرَ الْمَالِ وَ يَكْرَهُ انْثِلَامَ الْحَالِ وَ هَذَا مِنْ غَرِيبِ مَا سُمِعَ مِنْهُ علیه السلام فِي التَّفْسِيرِ(۲).

۱- ۱. الأنفال: ۲۸.

۲- ۲. نهج البلاغه قسم الحکم تحت الرقم ۹۳، و فی نسخ النهج قوله« و معنی ذلک» الی قوله:« انثلام الحال» من تتمه کلامه علیه السلام.

**[ترجمه]امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه فرمود: کسی از شما نگوید: «الهی، از امتحان به تو پناه می برم» چرا که کسی نیست مگر این که مشمول امتحان است. اما اگر کسی خواست از خدا پناه جوید، باید از فتنه های گمراه کننده پناه جوید، خداوند سبحان می فرماید: بدانید که اموال و فرزندانتان مایه آزمایش شمایند - . انفال/ ۲۸ - . سید رضی رضی الله عنه می گوید: معنی آیه این است که خداوند آنان را به اموال و فرزندان آزمایش می کند تا ناخشنود از رزق او و راضی به نصیب او را معلوم سازد، اگر چه خداوند سبحان از خود آن ها به آن ها آگاهتر است، ولی آزمایش برای این است که کارهایی که سزاوار ثواب و اعمالی که موجب کیفر است آشکار گردد، زیرا بعضی از مردم عاشق فرزند پسر و متنفر از دخترند، و برخی عاشق افزایش مال و ناراحت از نقصان دارایی‌اند. و این از تفسیرهای اعجاب آور است که از حضرت شنیده شده است. - . نهج البلاغه، حکمت ۹۳ -

**[ترجمه]

باب ۳۷ عوذات الأيام

الأخبار

أقول

قد مر كثير من عوذات الأيام و أدعيتها في كتاب الصلاه فارجع إليها.

**[ترجمه]بسیاری از بخش های کتاب عوذات الایام و دعاهای آن در کتاب نماز بیان شد، پس به آن مراجعه کنید.

**[ترجمه]

«۱»

طب، [طب الأئمه عليهم السلام] عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام: أَوَّلُهَا عُوذَهُ يَوْمِ السَّبْتِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أُعِيذُ نَفْسِي أَوْ فُلَانَ بْنَ فُلَانَه بِاللَّهِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبِّ الْعالَمِينَ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ مالِكِ يَوْمِ الدِّينِ إِلَى قَوْلِهِ وَ لَا الضَّالِّينَ وَ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَ الْوَسْواسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّهِ وَ النَّاسِ وَ مِنْ شَرِّ غاسِقٍ إِذا وَقَبَ إِلَى إِذا حَسَدَ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ إِلَى كُفُواً أَحَدٌ نُورُ النُّورِ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكاهٍ فِيها مِصْباحٌ الْمِصْباحُ فِي زُجاجَهٍ الزُّجاجَهُ كَأَنَّها كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَهٍ مُبارَكَهٍ زَيْتُونَهٍ لا شَرْقِيَّهٍ وَ لا غَرْبِيَّهٍ يَكادُ زَيْتُها يُضِي ءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عَلِيمٌ الَّذِي خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِ ... قَوْلُهُ الْحَقُّ وَ لَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَهِ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَماواتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحاطَ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عِلْماً وَ أَحْصى كُلَّ شَيْ ءٍ عَدَداً مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ يُعْلِنُ أَوْ يُسِرُّ وَ مِنْ شَرِّ الْجِنَّهِ وَ الْبَشَرِ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَطِيرُ بِاللَّيْلِ وَ يَسْكُنُ بِالنَّهَارِ وَ مِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَسْكُنُ الْحَمَّامَاتِ وَ الوحوش [الْحُشُوشَ] وَ الْخَرَابَاتِ وَ الْأَوْدِيَهَ وَ يَسْكُنُ الْبَرَارِيَ وَ الغِيَاضَ وَ الْأَشْجَارَ وَ مِمَّا يَكُونُ فِي الْأَنْهَارِ.

وَ أُعِيذُهُ بِاللَّهِ مالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشاءُ وَ تُعِزُّ

مَنْ تَشاءُ إِلَى قَوْلِهِ بِغَيْرِ حِسابٍ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْ ءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ لَهُ مَقالِيدُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشاءُ وَ يَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عَلِيمٌ وَ أُعِيذُهُ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ وَ السَّماواتِ الْعُلى الرَّحْمنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوى لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ وَ ما بَيْنَهُما وَ ما تَحْتَ الثَّرى وَ إِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفى اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنى أَلا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِينَ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْيَةً إِلَى قَوْلِهِ إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۱) وَ أُعِيذُهُ بِمُنَزِّلِ التَّوْرَاةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ طَاغٍ وَ بَاغٍ وَ شَيْطَانٍ وَ سُلْطَانٍ وَ سَاحِرٍ وَ كَاهِنٍ وَ نَاظِرٍ وَ طَارِقٍ وَ مُتَحَرِّكٍ وَ سَاكِنٍ وَ صَامِتٍ وَ مُتَخَيِّلٍ وَ مُتَمَثِّلٍ وَ مُتَلَوِّنٍ وَ مُخْتَلِفٍ سُبْحَانَ اللَّهِ حِرْزُكَ وَ نَاصِرُكَ وَ مُونِسُكَ وَ هُوَ يَدْفَعُ عَنْكَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ لَا مُعِزَّ لِمَنْ أَذَلَّ وَ لَا مُذِلَّ لِمَنْ أَعَزَّ وَ هُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ (۲)

عُوذَةُ يَوْمِ الْأَحَدِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اسْتَوَى الرَّبُّ عَلَى الْعَرْشِ وَ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ بِحُكْمِهِ وَ هَدَأَتِ النُّجُومُ بِأَمْرِهِ وَ رَسَتِ الْجِبَالُ بِإِذْنِهِ لَا يُجَاوِزُ اسْمُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ الَّذِي دَانَتْ لَهُ الْجِبَالُ وَ هِيَ طَائِعَةٌ وَ انْبَعَثَتْ لَهُ الْأَجْسَادُ وَ هِيَ بَالِيَةٌ أَحْجُبُ كُلَّ ضَارٍّ وَ حَاسِدٍ بِبَأْسِ اللَّهِ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ وَ بِمَنْ جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حاجِزاً وَ جَعَلَ فِي السَّماءِ بُرُوجاً وَ جَعَلَ فِيها سِراجاً وَ قَمَراً مُنِيراً وَ أُعِيذُهُ بِمَنْ زَيَّنَهَا لِلنَّاظِرِينَ وَ حَفِظَهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ وَ أُعِيذُهُ بِمَنْ جَعَلَ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ جِبالًا وَ أَوْتَاداً أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ أَوْ فَاحِشَةٍ أَوْ بَلِيَّةٍ حم حم حم عسق كَذلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَ إِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ حم حم حم تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً(۳)

۱- ۱. الأعراف: ۵۶.

۲- ۲. طبّ الأئمّه ص ۴۱.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۴۲.

عُوذَهُ يَوْمِ الإثْنَيْنِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أُعِيذُ نَفْسَ فُلَانِ بْنِ فُلَانَهَ بِرَبِّيَ الْأَكْبَرِ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا خَفِيَ وَ ظَهَرَ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ أُنْثَى وَ ذَكَرٍ وَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَتِ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَهِ وَ الرُّوحِ أَدْعُوكُمْ أَيُّهَا الْجِنُّ إِنْ كُنْتُمْ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ أَدْعُوكُمْ أَيُّهَا الْإِنْسُ إِلَى اللَّطِيفِ الْخَبِيرِ وَ أَدْعُوكُمْ أَيُّهَا الْإِنْسُ وَ الْجِنُّ إِلَى الَّذِي دَانَتْ لَهُ الْخَلَائِقُ أَجْمَعِينَ خَتَمْتُهُ بِخَاتَمِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ خَاتَمِ جَبْرَئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ خَاتَمِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ خَاتَمِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَخَذْتُ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانَهَ كُلَّ تَابِعَهٍ ذِي رُوحٍ مَرِيدٍ جِنِّيٍّ أَوْ عِفْرِيتٍ أَوْ سَاحِرٍ مَرِيدٍ أَوْ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ أَوْ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ أَخَذْتُ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانَهَ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى وَ مَا رَأَتْ عَيْنُ نَائِمٍ أَوْ يَقْظَانَ بِإِذْنِ اللَّهِ اللَّطِيفِ الْخَبِيرِ لَا سَبِيلَ لَكُمْ عَلَيْهِ وَ لَا عَلَى مَا يُخَافُ عَلَيْهِ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ.

عُوذَهُ يَوْمِ الثَّلَاثَاءِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أُعِيذُ نَفْسِي بِاللَّهِ الْأَكْبَرِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ الْقَائِمَاتِ وَ بِالَّذِي خَلَقَهَا فِي يَوْمَيْنِ وَ قَضَى فِي كُلِّ سَماءٍ أَمْرَها وَ خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَ قَدَّرَ فِيها أَقْواتَها وَ جَعَلَ فِيهَا جِبالًا وَ جَعَلَهَا فِجَاجاً وَ سُبُلًا وَ أَنْشَأَ السَّحابَ الثِّقالَ وَ سَخَّرَهُ وَ أَجْرَى الْفُلْكَ وَ سَخَّرَ الْبَحْرَ وَ جَعَلَ فِي الْأَرْضِ رَواسِيَ وَ أَنْهاراً مِنْ شَرِّ مَا يَكُونُ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ يَعْقِدُ عَلَى الْقُلُوبِ وَ تَرَاهُ الْعُيُونُ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ كَفَانَا اللَّهُ كَفَانَا اللَّهُ كَفَانَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً(۱)

عُوذَهُ يَوْمِ الْأَرْبِعَاءِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أُعِيذُكَ يَا فُلَانَ بْنَ فُلَانَهَ بِالْأَحَدِ الصَّمَدِ مِنْ شَرِّ مَا نَفَثَ وَ عَقَدَ وَ مِنْ شَرِّ أَبِي مُرَّهَ وَ مَا وَلَدَ أُعِيذُكَ بِالْوَاحِدِ الْأَعْلَى مِنْ مَا رَأَتْ عَيْنٌ وَ مَا لَا يُرَى وَ أُعِيذُكَ بِالْفَرْدِ الْكَبِيرِ مِنْ شَرِّ مَا أَرَادَكَ بِأَمْرِ الْمَلِكِ عسير [الْعَسِيرِ] أَنْتَ

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۴۳.

يَا فُلَانَ بْنَ فُلَانَهَ فِی جِوَارِ اللَّهِ الْعَزِیزِ الْجَبَّارِ الْمَلِکِ الْقُدُّوسِ الْقَهَّارِ السَّلَامِ الْمُؤْمِنِ الْمُهَیْمِنِ الْعَزِیزِ الْغَفَّارِ عَالِمِ الْغَیْبِ وَ الشَّهَادَهِ الْکَبِیرِ الْمُتَعَالِ هُوَ اللَّهُ لَا شَرِیکَ لَهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ.

عُوذَهُ یَوْمِ الْخَمِیسِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ أُعِیذُ نَفْسِی أَوْ فُلَانَ بْنَ فُلَانَهَ بِرَبِّ الْمَشارِقِ وَ الْمَغارِبِ مِنْ شَرِّ کُلِّ شَیْطَانٍ مَارِدٍ وَ قَائِمٍ وَ قَاعِدٍ وَ حَاسِدٍ وَ مُعَانِدٍ وَ یُنَزِّلُ عَلَیْکُمْ مِنَ السَّماءِ ماءً لِیُطَهِّرَکُمْ بِهِ وَ یُذْهِبَ عَنْکُمْ رِجْزَ الشَّیْطانِ وَ لِیَرْبِطَ عَلی قُلُوبِکُمْ وَ یُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدامَ ارْکُضْ بِرِجْلِکَ هذا مُغْتَسَلٌ بارِدٌ وَ شَرابٌ وَ أَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً طَهُوراً لِنُحْیِیَ بِهِ بَلْدَهً مَیْتاً وَ نُسْقِیَهُ مِمَّا خَلَقْنا أَنْعاماً وَ أَناسِیَّ کَثِیراً الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْکُمْ ذلِکَ تَخْفِیفٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ رَحْمَهٌ یُرِیدُ اللَّهُ أَنْ یُخَفِّفَ عَنْکُمْ فَسَیَکْفِیکَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ لَا غَالِبَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ غالِبٌ عَلی أَمْرِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً.

عُوذَهُ یَوْمِ الْجُمُعَهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ اللَّهُ رَبُّ الْمَلَائِکَهِ وَ الرُّوحِ وَ النَّبِیِّینَ وَ الْمُرْسَلِینَ وَ قَاهِرُ مَنْ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِینَ وَ خَالِقُ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ مَالِکُهُ کُفَّ بَأْسَهُمْ وَ أَعْمِ أَبْصَارَهُمْ وَ قُلُوبَهُمْ وَ اجْعَلْ بَیْنَنَا وَ بَیْنَهُمْ حَرَساً وَ حِجَاباً وَ مَدْفَعاً إِنَّکَ رَبُّنَا لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِکَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْنا وَ إِلَیْکَ أَنَبْنا وَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ عَافِ فُلَانَ بْنَ فُلَانَهَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّهٍ أَنْتَ آخِذٌ بِناصِیَتِها وَ مِنْ شَرِّ ما سَکَنَ فِی اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ سُوءٍ آمِینَ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ نَبِیِّ الرَّحْمَهِ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ (۱).

**[ترجمه]طب الأئمه علیهم السلام: از امام صادق علیه السلام روایت شده و در ابتدای آن تعویذ روز شنبه آمده است:

تعویذ روز شنبه:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ خودم یا فلانی فرزنـد فلانی را در پناه خـدایی قرار می‌دهم که هیـچ خدایی جز او نیست «رَبِّ الْعالَمِینَ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ مالِکِ یَوْمِ الدِّینِ إِلَی قَوْلِهِ وَ لَا الضَّالِّینَ وَ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَ الْوَسْواسِ الْخَنَّاسِ الَّذِی یُوَسْوِسُ فِی صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّهِ وَ النَّاسِ وَ مِنْ شَرِّ غاسِقٍ إِذا وَقَبَ إِلَی إِذا حَسَدَ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ إِلَی کُفُواً أَحَدٌ نُورُ النُّورِ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکاهٍ فِیها مِصْباحٌ الْمِصْباحُ فِی زُجاجَهٍ الزُّجاجَهُ کَأَنَّها کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ یُوقَدُ مِنْ شَجَرَهٍ مُبارَکَهٍ زَیْتُونَهٍ لا شَرْقِیَّهٍ وَ لا غَرْبِیَّهٍ یَکادُ زَیْتُها یُضِی ءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نارٌ نُورٌ عَلی نُورٍ یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ یَشاءُ وَ یَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلِیمٌ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِ ... قَوْلُهُ الْحَقُّ وَ لَهُ الْمُلْکُ یَوْمَ یُنْفَخُ فِی الصُّورِ عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ وَ هُوَ الْحَکِیمُ الْخَبِیرُ اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَماواتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ یَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَیْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحاطَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عِلْماً وَ أَحْصی کُلَّ شَیْ ءٍ عَدَدا»

از شـر هر صاحب شـر آشـکار یا پنهانی، و از بـدی های انسان ها و جنیان و از بـدی هر آن چه در شب به پرواز درآیـد و روز آرام گیرد، و از بـدی های حوادث شب و روز و از بدی هرآن چه در گرمابه ها و نخلسـتان ها و خرابه ها و بیابان ها جای گرفته است، و آن چه در دشت ها و بیشه زارها و درختان قرار گرفته و آن چه که در رودها جاری است.

و پناه می برم از همه آن ها به خداونـد «مالِکَ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ إِلَی قَوْلِهِ بِغَیْرِ حِسابٍ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ لَهُ مَقالِیدُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ یَشاءُ وَ یَقْدِرُ إِنَّهُ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلِیمٌ» و پناه می‌برم به کسـی که «خَلَقَ الْأَرْضَ وَ السَّماواتِ الْعُلی الرَّحْمنُ عَلَی الْعَرْشِ اسْتَوی لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ وَ ما بَیْنَهُما وَ ما تَحْتَ الثَّری وَ إِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ یَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفی اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنی أَلا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبارَکَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِینَ ادْعُوا رَبَّکُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْیَهً إِلَی قَوْلِهِ إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِیبٌ مِنَ الْمُحْسِنِینَ» - . الأعراف/ ۵۶. - . و پناه می برم به کسـی که تورات و انجیل و زبور و فرقان عظیم را فروفرسـتاد از شـر هر طغیان گر سـتم پیشه، و هر شـیطان و پادشاه، و هر جادوگر و پیش گو، و هر بیننـده و هر کوبنده، و هر جنبنده و هر آرام گرفته و هر خاموش و هر پندارنـده و صورت گر و به هر رنگ و هر شـکل مختلف درآمـده. پروردگار، پاک و منزه است، این حرز تو و یاری رساننده تو و آرامش

دهنـده توست که از تو پشتیبـانی می کنـد. او را همتایی نیست و کسـی را که او خوار کنـد نمی توان عزیز کرد و کسـی را که او عزیز گرداند خوار شدنی نیست، و او یگانه چیره است. خداوند بر محمد و خاندانش درود فرستد - . طب الأئمه: ۴۱ - .

تعویذ روز یک شنبه:

به نام خداونـد بخشـنده مهربان. خداونـد بزرگ تر است، خداوند بزرگ تر است، خداوند بزرگ تر است، پروردگار بر عرش مسـلط گشـته و آسـمان هاو زمین به فرمان او ایسـتاده انـد و سـتارگان به دسـتور او آرام گرفته انـد و کوه ها به اجازه او فرورفته اند، هیچ کس در آسـمان هاو زمین از نـام او درنمی گـذرد، او که کوه هـا برایش پست گردیـده و به فرمـانش درآمـده انـد و اجساد به سویش برانگیخته شـده در حالی که پوسـیده اند، با نیروی خداوند، هر ضرر رساننده و حسودی را از فلانی فرزند فلانی می پوشانم، با نیروی کسی که میان دو دریا حائلی قرار داد و در آسمان برج هایی گماشت و چراغ و ماه تابانی در آن قرار داد.

و پناه می برم به آن کس که آسمان را آراست و آن را از هر شیطان رانده شده ای حفظ نمود. و پناه می برم به آن کس که کو ه ها را محکم و استوار قرار داد، از این که بدی و زشتی و یا گرفتاری به او برسد، حم حم حم عسق، این چنین خداوند عزیز و حکیم بر تو و کسانی که پیش از تو بودند وحی فرستاد. حم حم حم، گفتاری که از جانب بخشنده مهربان فرو فرستاده شده است، و درود خداوند بر محمد و خاندانش باد - . طب الأئمه: ۴۲ - .

تعویذ روز دوشنبه:

به نام خداونـد بخشـنده مهربان، پناه می برم به خداونـد بزرگ من، از شـر هر پنهان و آشـکار، و از شـر هر مرد و زنی، و از شـر هر آن چه که خورشید و ماه بر آن تابیده است، پاک و مبارک است، آفریدگار فرشتگان و روح، ای جنیان شما را می خوانم اگر شنوا و فرمان بردار هستید، ای انسان ها شـما را به سوی مهربان آگاه فرامی خوانم، و ای گروه جن و انس، شـما را به سوی کسـی فرامی خوانم که همه مخلوقات برای او خوار گشـته انـد، با مهر پروردگار عالمیان و مهر جبرئیل و میکائیل و اسـرافیل و با مهر سـلیمان پیامبر و مهر محمد صـلی الله علیه و آله، بزرگ پیـامبران و خانـدان پـاک و پاکیزه ایشان آن را مهر کردم. از فلانی فرزنـد فلانی هر تابعه (جن یا پری که همزاد انسان باشـد.) موجود جان دار سرکش را گرفتم، جن باشـد یا عفریت یا جادوگر سـرکش یا پادشاه سـتمگر یا شـیطان رانـده شـده، به فرمان خداوند مهربان و آگاه، از فلانی فرزنـد فلانی گرفتم هر آن چه را که دیـده می شود و یا از دیده ها پنهان است، هرآن چه چشـمان بیدار یا خواب ببینند، راهی به سوی او برای شما وجود ندارد و نمی توانید او را بترسانید. الله الله شریکی ندارد و درود خداوند بر محمد و خاندانش باد .

تعویذ روز سه شنبه:

به نام خداوند بخشـنده مهربان، خود را در پناه خداوند بزرگ قرار می‌دهم، پروردگار آسمان های برافراشته، آن کس که آن ها را در دو روز آفرید و حکم هر یک را درآن جاری ساخت. او که زمین را در دو روز آفرید و و روزی های آن را در آن تعیین کرد و کوه ها را در آن قرار داد و گردنه ها و راه ها را در آن قرار داد و ابرهای باران زا را پدیـد آورد و آن را به اختیار درآورد و کشتی را به جریان انداخت و دریا را به اختیار درآورد و در زمین کوه های اسـتوار و رودها را قرار داد، از بـدی هرآن چه در روز و شب قرار دارد و در دل ها محکم می شود و دیده ها آن را می بیننـد، از جنیان و انسان ها. خداوند برای ما کافی است، خداوند برای ما کافی است، خداوند برای ما کافی است، پروردگاری جز الله نیست و محمد فرستاده اوست صلی الله علیه و آله و سلم تسلیما. - . طب الأئمه : ۴۳ -

تعویذ روز چهارشنبه:

به نام خداوند بخشـنده مهربان، ای فلانی فرزند فلانی، تو را پناه می دهم به یگانه بی همتا، از شـر هرجادویی و هر گره ای و هر از شر ابلیس و

فرزنـدانش، تو را پنـاه می دهم به یکتـای بلنـد مرتبه، از شـر هر آن چه دیـدگان ببیننـد و هرآن چه دیـده نشود، و پنـاه می دهم تو را به یگـانه بزرگ، از شـر هر کار دشواری که به دسـتور پادشاه برایت پیش آید. ای فلانی فرزند فلانی، تو در پناه خداوند عزیز و قدرتمند هستی، پادشاه پاک و چیره، با سـلامت و ایمنی و بزرگی، عزیز و آمرزنـده، دانای پیدا و پنهان، بزرگ و بلندمرتبه، او خدایی است که شـریکی ندارد، محمد که درود خدا براو و خاندانش باد، فرستاده خداست و رحمت و برکت های خداوند بر آن ها باد.

تعویذ روز پنج شنبه:

به نام خداوند بخشـنده مهربان، خودم و یا فلانی فرزند فلان زن را را پناه می دهم به خداوند پروردگار مشـرق ها و مغرب ها، از شر هر شیطان سرکش، هر ایستاده و نشسته و هر حسد ورزنده و دشمنی کننده ای، و برایتان از آسمان آبی فرو فرستاد تا به وسیله آن شما را پاکیزه گرداند و پلیدی شـیطان را از شـما پاک کند و دل هایتان را به وسیله آن نیرومند گرداند و گام هایتان را استوار گرداند. پایت را در این چشمه آب سرد بزن که برای شسـتشو و نوشـیدن است. و از آسـمان آب پاکیزه ای فرستادیم تا زمین مرده را به وسیله آن زنده کنیم و چارپایانی که آفریدیم و انسان های فراوانی را سیراب گردانیم. اکنون خداوند بر شما آسان گرفت، این رحمت و سبک گرفتن از جانب خداست تا بر شما آسان گرفته شود، پس خداوند برای تو کافی خواهد بود و او شـنوا و داناست. هیچ نیرو و توانی به جز از جانب خدا نیست، هیچ پیروزی جز خداوند نیست و خداوند برکار خود چیره است، معبودی جز الله نیست و محمد پیامبر اوست که درود خداوند براو و خاندانش باد.

تعویذ روز جمعه:

به نـام خداونـد بخشـنده مهربـان، هیـچ نیرو و توانی جز به فرمـان خداونـد بزرگ و بلنـد مرتبه نیست، پروردگار فرشـتگان و روح و پیامبران و فرسـتادگان، آن کس که در آسمان هاو زمین چیره است، آفریننده همه چیز و صاحب آن ها، بدی های آنان را بازدار و دیده ها و دل هایشان را نابینـا گردان و میـان مـا و آن ها نگهبانانی و مانع و حجابی قرار ده که ما را حفظ کنـد به راستی که تو آفریـدگار مایی. نیرو و توانی نیسـت مگر از جـانب تو، مـا به تو تکیه کردیم و به سویت پنـاه آوردیم و تو عزیز و حکیم هستی. فلانی فرزنـد فلان زن را از بـدی هر جنبنـده ای که جانش در دست توست حفظ کن و از شـر هر آن چه در شب و روز قرار گرفته و از هر شـر و بدی او را نگاه دار، آمین ای پروردگار عالمیان، درود خداوند بر محمد پیامبر مهربانی و خاندان پاکش باد - . طب الأئمه : ۴۴- ۴۵ - .

**[ترجمه]

«۲»

الـدَّعَوَاتُ لِلرَّاوَنْدِيِّ: عُوَذُ الْأُسْبُوعِ عُوذَهُ يَوْمِ السَّبْتِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَلَائِكَهِ وَ الرُّوحِ وَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ قَاهِرَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ كُفَ

۱- ۱. طبّ الأئمّه ص ۴۴- ۴۵.

عَنِّى يَأْسَ الْأَشْرَارِ وَ أَعْمِ أَبْصَارَهُمْ وَ قُلُوبَهُمْ وَ اجْعَلْ بَيْنِى وَ بَيْنَهُمْ حِجَاباً إِنَّکَ أَنْتَ رَبُّنَا وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ تَوَكُّلَ عَائِذٍ بِهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّى آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا وَ مِنْ شَرِّ مَا سَكَنَ فِى اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سُوءٍ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

عُوذَةُ يَوْمِ الْأَحَدِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اسْتَوَى الرَّبُّ عَلَى الْعَرْشِ وَ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ بِحِكْمَتِهِ وَ مُدَّتِ الْبُحُورُ وَ ظَهَرَتِ النُّجُومُ بِأَمْرِهِ وَ رَسَتِ الْجِبَالُ (۱) بِإِذْنِهِ لَا يُجَاوِزُ اسْمَهُ مَنْ فِى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ الَّذِى دَانَتْ لَهُ الْجِبَالُ وَ هِىَ طَائِعَةٌ وَ انْبَعَثَتْ لَهُ الْأَجْسَادُ وَ هِىَ بَالِيَةٌ وَ بِهِ أَحْتَجِبُ عَنْ ظُلْمِ كُلِّ بَاغٍ وَ طَاغٍ وَ عَادٍ وَ جَبَّارٍ وَ حَاسِدٍ وَ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِى جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حاجِزاً وَ أَحْتَجِبُ بِاللَّهِ الَّذِى جَعَلَ فِى السَّمَاءِ بُرُوجاً وَ جَعَلَ فِيهَا سِراجاً وَ قَمَراً مُنِيراً وَ زَيَّنَهَا لِلنَّاظِرِينَ وَ حِفْظاً مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ وَ جَعَلَ فِى الْأَرْضِ رَوَاسِىَ جِبَالًا أَوْتَاداً أَنْ يُوصَلَ إِلَيَّ سُوءٌ أَوْ فَاحِشَةٌ أَوْ بَلِيَّةٌ حم حم تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ حم حم حم عسق كَذلِكَ يُوحِى إِلَيْكَ وَ إِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

عُوذَةُ يَوْمِ الِاثْنَيْنِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أُعِيذُ نَفْسِى بِرَبِّىَ الْأَكْبَرِ مِمَّا يَخْفَى وَ مَا يَظْهَرُ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ أُنْثَى وَ ذَكَرٍ وَ مِنْ شَرِّ مَا وَارَتِ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ أَدْعُوكُمْ أَيُّهَا الْجِنُّ إِنْ كُنْتُمْ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ وَ أَدْعُوكُمْ أَيُّهَا الْإِنْسُ إِلَى اللَّطِيفِ الْخَبِيرِ وَ أَدْعُوكُمْ أَيُّهَا الْجِنُّ وَ الْإِنْسُ إِلَى الَّذِى خَتَمْتُهُ بِخَاتَمِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ خَاتَمِ جَبْرَئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ خَاتَمِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عليهما السلام وَ خَاتَمِ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ النَّبِيِّينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِمْ أَخِّرْ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ كُلَّمَا يَغْدُو وَ يَرُوحُ مِنْ ذِى حَيٍّ أَوْ عَقْرَبٍ أَوْ سَاحِرٍ أَوْ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ أَوْ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ أَخَذْتُ عَنْهُ مَا يُرَى وَ مَا لَا يُرَى وَ مَا رَأَتْ عَيْنُ نَائِمٍ أَوْ يَقْظَانَ بِإِذْنِ اللَّهِ

۱- ۱. و سيرت الجبال خ.

اللَّطِيفِ الْخَبِيرِ لَا سُلْطَانَ لَكَمْ عَلَى اللَّهِ لَا شَرِيکَ لَهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً.

عُوذَةُ يَوْمِ الثَّلَاثَاءِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أُعِيذُ نَفْسِی بِاللَّهِ الْأَكْبَرِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ الْقَائِمَاتِ بِلَا عَمَدٍ وَ الَّذِی خَلَقَهَا فِی يَوْمَيْنِ وَ قَضَی فِی كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَها وَ خَلَقَ الْأَرْضَ فِی يَوْمَيْنِ وَ قَدَّرَ فِيهَا أَقْواتَها وَ جَعَلَ فِيهَا جِبالًا وَ أَوْتَاداً وَ جَعَلَهَا فِجَاجاً وَ سُبُلًا وَ أَنْشَأَ السَّحَابَ وَ سَخَّرَهُ وَ أَجْرَى الْفُلْکَ وَ سَخَّرَ الْبَحْرَ وَ جَعَلَ فِی الْأَرْضِ رَوَاسِیَ وَ أَنْهاراً فِی أَرْبَعَهِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِلسَّائِلِينَ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَكُونُ فِی اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ يَعْقِدُ عَلَيْهِ الْقُلُوبُ وَ تَرَاهُ الْعُيُونُ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ كَفَانَا اللَّهُ كَفَانَا اللَّهُ كَفَانَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً.

عُوذَةُ يَوْمِ الْأَرْبِعَاءِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أُعِيذُ نَفْسِی بِالْأَحَدِ الصَّمَدِ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثاتِ فِی الْعُقَدِ وَ مِنْ شَرِّ ابْنِ فِتْرَهٍ وَ مَا وَلَدَ بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْفَرْدِ الْكَبِيرِ الْأَعْلَى مِنْ شَرِّ مَا رَأَتْ عَيْنِی وَ مَا لَمْ تَرَ أَسْتَعِيذُ بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْفَرْدِ مِنْ شَرِّ مَنْ أَرَادَنِی بِأَمْرٍ عَسِيرٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی فِی جِوَارِکَ وَ حِصْنِکَ الْحَصِينِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ الْمَلِکِ الْقُدُّوسِ الْقَهَّارِ السَّلَامِ الْمُؤْمِنِ الْمُهَيْمِنِ الْغَفَّارِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَهِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ هُوَ اللَّهُ هُوَ اللَّهُ هُوَ اللَّهُ لَا شَرِيکَ لَهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ سَلَّمَ كَثِيراً دَائِماً.

عُوذَةُ يَوْمِ الْخَمِيسِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أُعِيذُ نَفْسِی بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَ الْمَغارِبِ مِنْ كُلِّ شَيْطانٍ مارِدٍ وَ قَائِمٍ وَ قَاعِدٍ وَ عَدُوٍّ وَ حَاسِدٍ وَ مُعَانِدٍ وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّماءِ ماءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَ يُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلى قُلُوبِكُمْ وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدامَ ارْكُضْ بِرِجْلِکَ هذا مُغْتَسَلٌ بارِدٌ وَ شَرابٌ وَ أَنْزَلْنا مِنَ السَّماءِ ماءً طَهُوراً لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَهً مَيْتاً وَ نُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنا أَنْعاماً وَ أَناسِيَّ كَثِيراً الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ ذلِکَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَهٌ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ لَا إِلَهَ

إِلَّا اللَّهُ [(١)](#) وَ لَا غَالِبَ إِلَّا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً.

عُوذَةُ يَوْمِ الْجُمُعَهِ:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَلَائِکَهِ وَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ قَاهِرَ مَنْ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ وَ خَالِقَ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ مَالِكَهُ كُفَّ عَنِّی بَأْسَ أَعْدَائِنَا وَ مَنْ أَرَادَنَا بِسُوءٍ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ أَعْمِ أَبْصَارَهُمْ وَ قُلُوبَهُمْ وَ اجْعَلْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ حِجَاباً وَ حَرَساً وَ مَدْفَعاً إِنَّكَ رَبُّنَا لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْهِ أَنَبْنَا وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ رَبَّنَا عَافِنَا مِنْ شَرِّ كُلِّ سُوءٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّهٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا وَ مِنْ شَرِّ مَا سَكَنَ فِی اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سُوءٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِی شَرٍّ رَبَّ الْعَالَمِينَ وَ إِلَهَ الْمُرْسَلِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ وَ صَلِّ عَلَى أَوْلِيَائِكَ وَ خُصَّ مُحَمَّداً وَ آلَهُ بِأَتَمِّ ذَلِكَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ أُومِنُ بِاللَّهِ وَ بِاللَّهِ أَعُوذُ وَ بِاللَّهِ أَعْتَصِمُ وَ بِاللَّهِ أَسْتَجِيرُ وَ بِعِزَّهِ اللَّهِ وَ مَنَعَهِ اللَّهِ أَمْتَنِعُ مِنْ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ رَجِلِهِمْ وَ خَيْلِهِمْ وَ رَكْضِهِمْ وَ عَطْفِهِمْ وَ رَجْعِهِمْ وَ كَيْدِهِمْ وَ شَرِّهِمْ وَ شَرِّ مَا يَأْتُونَ بِهِ تَحْتَ اللَّيْلِ وَ تَحْتَ النَّهَارِ مِنَ الْبُعْدِ وَ الْقُرْبِ وَ مِنْ شَرِّ الْغَائِبِ وَ الْحَاضِرِ وَ الشَّاهِدِ وَ الزَّائِرِ أَحْيَاءً وَ أَمْوَاتاً وَ أَعْمَى وَ بَصِيراً وَ مِنْ شَرِّ الْعَامَّهِ وَ الْخَاصَّهِ وَ مِنْ نَفْسِی وَ وَسْوَسَتِهَا وَ مِنْ شَرِّ الدَّيَاهِشِ وَ الْحِسِّ وَ اللَّمْسِ وَ اللُّبْسِ وَ مِنْ عَيْنِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ بِالاسْمِ الَّذِی اهْتَزَّ لَهُ عَرْشُ بِلْقِيسَ وَ أُعِيذُ دِينِی وَ نَفْسِی وَ جَمِيعَ مَا تَحُوطُهُ عِنَايَتِی مِنْ شَرِّ كُلِّ صُورَهٍ وَ خَيَالٍ وَ بَيَاضٍ أَوْ سَوَادٍ أَوْ مِثَالٍ أَوْ مُعَاهَدٍ أَوْ غَيْرِ مُعَاهَدٍ مِمَّنْ يَسْكُنُ الْهَوَاءَ وَ السَّحَابَ وَ الظُّلُمَاتِ وَ النُّورَ وَ الظِّلَّ وَ الْحَرُورَ وَ الْبَرَّ وَ الْبُحُورَ وَ السَّهْلَ وَ الْوُعُورَ وَ الْخَرَابَ وَ الْعُمْرَانَ وَ الْآكَامَ وَ الْآجَامَ وَ الْمَغَايِضَ وَ الْكَنَائِسَ وَ النَّوَاوِيسَ وَ الْفَلَوَاتِ وَ الْجَبَّانَاتِ مِنَ الصَّادِرِينَ وَ الْوَارِدِينَ مِمَّنْ يَبْدُو بِاللَّيْلِ وَ يَنْتَشِرُ بِالنَّهَارِ وَ بِالْعَشِيِّ وَ الْإِبْكَارِ وَ الْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ وَ الْمُرِيبِينَ وَ الْأَسَامِرَهِ وَ الْأَفَاتِنَهِ وَ الْفَرَاعِنَهِ وَ الْأَبَالِسَهِ وَ مِنْ جُنُودِهِمْ

۱- ۱. و اللّه غالب على أمره خ صح.

وَ أَزْوَاجِهِمْ وَ عَشَائِرِهِمْ وَ قَبَائِلِهِمْ وَ مِنْ هَمْزِهِمْ وَ لَمْزِهِمْ وَ نَفْثِهِمْ وَ وِقَاعِهِمْ وَ أَخْذِهِمْ وَ سِحْرِهِمْ وَ ضَرْبِهِمْ وَ عَبَثِهِمْ وَ لَمْحِهِمْ وَ احْتِيَالِهِمْ وَ اخْتِلَافِهِمْ وَ أَخْلَاقِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ مِنَ السَّحَرَهِ وَ الْغِيلَانِ وَ أُمِّ الصِّبْيَانِ وَ مَا وَلَدَا وَ مَا وَرَدْنَا وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ دَاخِلٍ وَ خَارِجٍ وَ عَارِضٍ وَ مُعْتَرِضٍ وَ سَاكِنٍ وَ مُتَحَرِّكٍ وَ ضَرَبَانِ عِرْقٍ وَ صُدَاعٍ وَ شَقِيقَهٍ وَ أُمِّ مِلْدَمٍ (۱) وَ الْحُمَّى وَ الْمُثَلَّثَهِ وَ الرِّبْعِ وَ الْغِبِّ وَ النَّافِضَهِ وَ الصَّالِبَهِ وَ الدَّاخِلَهِ وَ الْخَارِجَهِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّهٍ أَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّى عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً وَ هَذِهِ الْعُوذَهُ الْأَخِيرَهُ كَتَبَهَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عليهما السلام لِابْنِهِ أَبِى الْحَسَنِ عليه السلام وَ هُوَ صَبِيٌّ فِى الْمَهْدِ وَ كَانَ يُعَوِّذُهُ بِهَا رَوَاهَا عَبْدُ الْعَظِيمِ الْحَسَنِيُّ رَضِىَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْهُ عليه السلام.

**[ترجمه]دعوات راوندی: دعاهای هفته.

تعویذ روز شنبه:

به نام خداوند بخشنده مهربان. هیچ نیرو و توانی نیست مگر از خدای بزرگ بلند مرتبه، بارالها، ای پروردگار فرشتگان و روح و پیامبران و فرستادگان، و ای چیره بر هرآن چه در آسمان هاو زمین است، مرا از آسیب بدان بازدار و دیده ها و دل هایشان را نابینا گردان و میان من و آن ها حجابی قرار ده، به راستی تو پروردگار ما هستی و نیرویی جز از خداوند نیست، به او تکیه کردم مانند کسی که از بدی هر جنبنده ای که جانش در دست پروردگار است به او پناه برده و از شر هرآن چه در شب و روز آرام گرفته و از شر هر بدی به او پناه می برم. و درود خداوند بر محمد و خاندانش باد.

تعویذ روز یک شنبه:

به نام خداوند بخشنده مهربان، خداوند بزرگ است، خداوند بزرگ است، پروردگار بر عرش جای گرفته و آسمان هاو زمین به دانش او برپاداشته شده اند و دریاها به فرمان او کشیده و ستارگان به دستور او آشکار شده اند و و کوه ها به اجازه ی او افراشته شده اند. هیچ کس در آسمان هاو زمین از نامش نمی گذرد، او که کوه ها برایش پست گردیده و به فرمانش درآمده اند و اجساد به سویش برانگیخته شده در حالی که پوسیده اند، با نیروی خداوند، به وسیله او پناه می گیرم از هر ستمگر و طغیانگر و ضرر رساننده و جبّار و حسود، با نیروی کسی که میان دو دریا حائلی قرار داد و پناه میگیرم به در آسمان برج هایی گماشت و چراغ و ماه تابانی در آن قرار داد. و به آن کس که آسمان را آراست و آن را از هر شیطان رانده شده ای حفظ نمود. و پناه می برم به آن کس که کو ه ها را محکم و استوار قرار داد، از این که بدی و زشتی و یا گرفتاری به او برسد، حم حم حم، گفتاری که از جانب بخشنده مهربان فرو فرستاده شده است، حم حم حم عسق، این چنین خداوند عزیز و حکیم بر تو و کسانی که پیش از تو بودند وحی می‌فرستد. و درود خداوند بر محمد و خاندانش باد.

تعویذ روز دوشنبه:

به نام خداوند بخشنده مهربان، پناه می برم به پروردگار بزرگترینم، از شر هر پنهان و آشکار، و از شر هر نر و ماده‌ای، و از شر هر آن چه که خورشید و ماه آن را پوشانیده است، پاک و مبارک است، آفریدگار فرشتگان و روح، ای جنیان شما را می خوانم اگر شنوا و فرمان بردار هستید، ای انسان ها شما را به سوی مهربان آگاه فرامی خوانم، و ای گروه جن و انس، شما را فرامی خوانم به آن چه با مهر پروردگار عالمیان و مهر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و با مهر سلیمان پیامبر و مهر محمد صلی الله علیه و آله و علیهم، بزرگ پیامبران و خاندان پاک و پاکیزه ایشان مهر کردم. از فلانی فرزند فلانی در هر صبح که می‌رود و هر غروب که بازمی‌گردد هر جان دار یا عقرب یا جادوگر یا شیطان رانده شده یا پادشاه ستمگر را بازدار، به فرمان خداوند مهربان و آگاه، از او گرفتم هر آن چه را که دیده می شود و یا از دیده ها پنهان است، هرآن چه چشمان بیدار یا خواب ببینند. شما بر خداوند توانایی ندارید، شریکی برای خداوند نیست و درود او بر پیامبرش باد، مولای ما محمد و خاندان پاکش باد.

تعویذ روز سه شنبه:

به نام خداوند بخشنده مهربان، پناه می برم به خداوند بزرگترین، پروردگار آسمان های افراشته بدون ستون، آن کس که آن ها را در دو روز آفرید و حکم هر یک را درآن جاری ساخت. او که زمین را در دو روز آفرید و و روزی های آن را در آن تعیین کرد و کوه ها را در آن قرار داد و گردنه ها و راه ها را در آن قرار داد و ابرهای باران زا را پدید آورد و آن را به اختیار درآورد و کشتی را به جریان انداخت و دریا را به اختیار درآورد و در زمین کوه های استوار و رودها را قرار داد، همگی در چهار روز و برای پرسش کنندگان یکسان قرار داد. از بدی هرآن چه در روز و شب قرار دارد و در دل ها محکم می شود و دیده ها آن را می بینند، از جنیان و انسان ها. خداوند برای ما کافی است، خداوند برای ما کافی است، خداوند برای ما کافی است، پروردگاری جز الله نیست و محمد صلی الله علیه و آله فرستاده اوست صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین.

تعویذ روز چهارشنبه:

به نام خداوند بخشنده مهربان، پناه می برم به یگانه بی همتا، از شر آن کس که در جادوها می دمد و از شر ابلیس و فرزندانش، پناه می برم به یکتای بلند مرتبه، از شر هر آن چه دیدگانم ببینند و هرآن چه ندیدند، و پناه می برم به یگانه یکتا، از شر هر که بخواهد مشکلی برایم پیش آورد. پروردگارا درود فرست بر محمد و خاندانش، و مرا در پناه و همسایگی و دژ محکم خود قرار ده که عزیز و جبار و پادشاه و پاک و چیره و آرامش آور و امنیت بخش و دارای هیمنه و بخشنده و دانای نهان و آشکار و بزرگ و بلند مرتبه است، او الله است، او الله است، شریکی ندارد، محمد که درود خدا بسیار و همواره براو و خاندانش باد، فرستاده اوست.

تعویذ روز پنج شنبه:

به نام خداوند بخشنده مهربان، پناه می برم به خداوند پروردگار مشرق ها و مغرب ها، از شر هر شیطان سرکش، هر ایستاده و نشسته و هر دشمن حسد ورزنده و دشمنی کننده ای، و برایتان از آسمان آبی فرو می‌فرستد تا به وسیله آن شما را پاکیزه گرداند و پلیدی شیطان را از شما پاک کند و دل هایتان را به وسیله آن نیرومند گرداند و گام هایتان را استوار گرداند. پایت را در این چشمه آب سرد بزن که آبش برای شستشو و نوشیدن است. و از آسمان آب پاکیزه ای فرستادیم تا زمین مرده را به وسیله آن زنده کنیم و چارپایانی که آفریدیم و انسان های فراوانی را سیراب گردانیم. اکنون خداوند بر شما آسان گرفت، این رحمت و سبک گرفتن از جانب خداست تا بر شما آسان گرفته شود، پس خداوند برای تو کافی خواهد بود و او شنوا و داناست. معبودی جز الله نیست، هیچ پیروزی جز خداوند نیست، معبودی جز الله نیست و محمد پیامبر اوست صلی الله علیه و آله و سلم تسلیما.

تعویذ روز جمعه:

به نام خداوند بخشنده مهربان، هیچ نیرو و توانی جز به فرمان خداوند بزرگ و بلند مرتبه نیست، خدایا، ای پروردگار فرشتگان و روح و پیامبران و فرستادگان، ای چیره در آسمان هاو زمین و آفریننده همه چیز و صاحب آن ها، بدی های دشمنان ما را بازدار و هر آن کس از جن و انس که بدی برای ما خواهد، دیده ها و دل هایشان را نابینا گردان و میان ما و آن ها مانع و حجابی قرار ده که ما را حفظ کند به راستی که تو آفریدگار مایی. نیرو و توانی نیست مگر از جانب الله ، ما به تو تکیه کردیم و به سویت پناه آوردیم و تو عزیز و حکیم هستی. خداوندا، از بدی هر بدی و هر جنبنده ای که جانش در دست توست ما را حفظ کن و از شر هرآن چه در شب و روز پنهان گشته و از هر شر و بدی و بدی هر دارای بدی ما را نگاه دار، ای پروردگار عالمیان، و معبود فرستادگان، و درود فرست بر محمد و خاندان پاکش، که از اولیاء تو بودند و محمد و خاندانش را با کامل ترین آن مخصوص گردان و هیچ نیرو و توانی نیست مگر از خداوند بزرگ و بلندمرتبه.

به نام خداوند، و به یاری او، به خدا ایمان دارم و به او پناه می برم و به ریسمانش چنگ می زنم و به او پناهنده می شوم و به عزت و ایمنی

خداونـد از شـیطان های انس و جن ایمن می شوم، از پیاده و سواره و دونده آن ها و از انحراف و بازگشت و حیله و بدی آن ها و بدی هر آن چه در شب و روز از نزدیک و دور می آورند و از شر غایب و حاضر و ساکن و زیارت کننده و زنده و مرده و بینا و نابینا و از شر عام و خاص آن هـا و از شـر خودم و گمـان های آن و از شـر سرگشـتگی ها و حواس و لمس کردنی ها و پوشـیدنی ها و از چشم جن و انس به او پناه می برم. به نـامی که تخت بلقیس بـا آن لرزیـد و دینم را و خودم را و همه آن چه را که به من متوجه است پناه می دهم از شـر هر نقش و گمان و هر سپیدی و سیاهی، یا مثال یا هم پیمان یا غیر هم پیمان، از آن چه در هوا قرار دارد یا در ابرها و روشنایی و سایه و آفتاب و خشکی و دریا و دشت و ناهمواری و خرابه و آبادی و پشته ها و قلعه ها و آبگیرها و کنیسه ها و مقبره ها و دره ها و مرغزارهاست، از کسانی که بیرون روند و وارد شونـد، از هر که در شب آشکار شود و در روز پراکنـده گردد و در شامگاهان و سپیده دمان و هنگام غروب یا طلوع، از هرکه بدگمانی آورد و افسانه گویـد و فتنه کنـد و از فرعونیان و ابلیس‌ها و سـربازان و همسـران و خاندان و قبیله آن ها و از تحریک و عیب جویی و دمیدن و فتنه و افسون و ضـربت و بازی و نگاه و حیله گری و رفت و آمـد و خوی آن ها، از شـر هر صاحب شـری از جادوگران و دیوها و ام الصبیان و آنچه زاییدند و آنچه وارد کنند و از شر هر صاحب شری، درون و بیرون، وارد شونده و جلوگیرنده، ساکن و متحرک و تپش رگ ها و صداع و شـقیقه و أم ملدم - (۱) ام ملـدم کنیه ی تب است و مثلثه چیزی است که یـک روز از سه روز را بگیرد و ربع در مقابـل سه، چیزی است که یک روز از چهار روز را بگیرد. گفته شـده: تب ربعی تبی است که یک روز را گرفته و دوروز را ترک کند. و آن چیزی است که در سه روز هجـده ساعت را بگیرد و آن یک چهارم ساعات روزهاست، پس به اعتبار ساعت ها نام گـذاری شد. و غب چیزی است که یک روز را گرفته و یک روز را رها کنـد. و نافضه تب و لرز است و صالبه بسیار سوزان و با حرارت زیاد است که همراه با لرز باشـد و مخالف رعده است. - و تب و مثلثه و ربع و غبّ و نـافضه و صـالبه و داخله و خـارجه، و از شـر هر جنبنـده ای که جانش به دست توست و به راستی پروردگارم در راه راست است. درود خداوند بر محمد و خاندانش باد و درود فراوان بر آن ها باد.

و این تعویذ آخر را أبو جعفر محمد بن علی علیه السـلام برای فرزندش ابوالحسن علیه السـلام که نوزادی در گهواره بود نوشت و به وسیله آن او را محافظت می نمود و عبد العظیم حسنی خداوند از او راضی گردد آن را از ایشان روایت نموده است.

**[ترجمه]

«۳»

الدَّعَوَاتُ لِلرَّاوَنْدِیِّ، تَسَابِیحُ النَّبِیِّ وَ الْأَئِمَّهِ علیهم السلام.

تَسْبِیحُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فِی أَوَّلِ یَوْمٍ مِنَ الشَّهْرِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ رِضَاهُ سُبْحَانَ اللَّهِ مِلْ ءَ سَمَاوَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ مِلْ ءَ أَرْضِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ مِثْلَ ذَلِکَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِکَ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِثْلَ ذَلِکَ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ مِثْلَ ذَلِکَ تَسْبِیحُ عَلِیٍّ علیهما السلام فِی الْیَوْمِ الثَّانِی سُبْحَانَ مَنْ تَعَالَی جَدُّهُ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ إِلَی غَیْرِ غَایَهٍ یَدُومُ بَقَاؤُهُ سُبْحَانَ مَنِ اسْتَنَارَ بِنُورِ حِجَابِهِ دُونَ سَمَائِهِ سُبْحَانَ مَنْ قَامَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ بِلَا عَمَدٍ سُبْحَانَ مَنْ تَعَظَّمَ بِالْکِبْرِیَاءِ وَ النُّورِ سَنَاؤُهُ سُبْحَانَ مَنْ تَوَحَّدَ بِالْوَحْدَانِیَّهِ فَلَا إِلَهَ سِوَاهُ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهَاءَ وَ الْفَخْرُ رِدَاؤُهُ سُبْحَانَ مَنِ اسْتَوَی عَلَی عَرْشِهِ بِوَحْدَانِیَّتِهِ.

تَسْبِیحُ فَاطِمَهَ علیها السلام فِی الْیَوْمِ الثَّالِثِ سُبْحَانَ مَنِ اسْتَنَارَ بِالْحَوَلِ وَ الْقُوَّهِ

ص: ۲۰۵

۱- ۱. ام ملـدم کنیه الحمی، و المثلثه ما تأخـذ فی ثلاثه أیّام یوما و الربع إذا قابل بالثلث کان ما تأخـذ فی أربعه أیّام یوما، و قیل: الحمی الربع ما تنوب یومـا و تترک یومین و ذلک أنها تأخـذ فی الأیّام الثلاثه ثمانی عشـره ساعه، و هی ربع ساعات الایام، فسمیت باعتبار الساعات، و الغب ما

تأخذ يوما و تدع يوما، و النافضه الحمى الرعده، و الصالبه المحرقه الشديده الحراره معها رعده و هى خلاف النافضه.

سُبْحَانَ مَنِ احْتَجَبَ فِی سَبْعِ سَمَاوَاتٍ فَلَا عَیْنٌ تَرَاهُ سُبْحَانَ مَنْ أَذَلَّ الْخَلَائِقَ بِالْمَوْتِ وَ أَعَزَّ نَفْسَهُ بِالْحَیَاهِ سُبْحَانَ مَنْ یَبْقَی وَ یَفْنَی کُلُّ شَیْ ءٍ سِوَاهُ سُبْحَانَ مَنِ اسْتَخْلَصَ الْحَمْدَ لِنَفْسِهِ وَ ارْتَضَاهُ سُبْحَانَ الْحَیِّ الْعَلِیمِ سُبْحَانَ الْحَلِیمِ الْکَرِیمِ سُبْحَانَ الْمَلِکِ الْقُدُّوسِ سُبْحَانَ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ.

تَسْبِیحُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام فِی الْیَوْمِ الرَّابِعِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مُطَّلِعٌ عَلَی خَوَازِنِ الْقُلُوبِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مُحْصِی عَدَدِ الذُّنُوبِ سُبْحَانَ مَنْ لَا یَخْفَی عَلَیْهِ خَافِیَهٌ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ سُبْحَانَ الْمُطَّلِعِ عَلَی السَّرَائِرِ عَالِمِ الْخَفِیَّاتِ سُبْحَانَ مَنْ لا یَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقالُ ذَرَّهٍ فِی الْأَرْضِ وَ لا فِی السَّماءِ سُبْحَانَ مَنِ السَّرَائِرُ عِنْدَهُ عَلَانِیَهٌ وَ الْبَوَاطِنُ عِنْدَهُ ظَوَاهِرُ سُبْحَانَ اللَّهِ بِحَمْدِهِ تَسْبِیحُ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام فِی الْیَوْمِ الْخَامِسِ سُبْحَانَ الرَّفِیعِ الْأَعْلَی سُبْحَانَ الْعَظِیمِ الْأَعْظَمِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَکَذَا وَ لَا یَکُونُ هَکَذَا غَیْرُهُ وَ لَا یَقْدِرُ أَحَدٌ قُدْرَتَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَوَّلُهُ عِلْمٌ لَا یُوصَفُ وَ آخِرُهُ عِلْمٌ لَا یَبِیدُ سُبْحَانَ مَنْ عَلَا فَوْقَ الْبَرِیَّاتِ بِالْإِلَهِیَّهِ فَلَا عَیْنٌ تُدْرِکُهُ وَ لَا عَقْلٌ یُمَثِّلُهُ وَ لَا وَهْمٌ یُصَوِّرُهُ وَ لَا لِسَانٌ یَصِفُهُ بِغَایَهٍ مَا لَهُ الْوَصْفُ سُبْحَانَ مَنْ عَلَا فِی الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ قَضَی الْمَوْتَ عَلَی الْعِبَادِ سُبْحَانَ الْمَلِکِ الْقَادِرِ سُبْحَانَ الْمَلِکِ الْقُدُّوسِ سُبْحَانَ الْبَاقِی الدَّائِمِ تَسْبِیحُ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیه السلام فِی الْیَوْمِ السَّادِسِ سُبْحَانَ مَنْ أَشْرَقَ نُورُهُ کُلَّ ظُلْمَهٍ سُبْحَانَ مَنْ قَدَرَ بِقُدْرَتِهِ کُلَّ قُدْرَهٍ سُبْحَانَ مَنِ احْتَجَبَ عَنِ الْعِبَادِ وَ لَا شَیْ ءٌ یَحْجُبُهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ تَسْبِیحُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام فِی الْیَوْمِ السَّابِعِ سُبْحَانَ الْخَالِقِ الْبَارِئِ سُبْحَانَ الْقَادِرِ الْمُقْتَدِرِ سُبْحَانَ الْبَاعِثِ الْوَارِثِ سُبْحَانَ مَنْ خَضَعَتْ لَهُ الْأَشْیَاءُ سُبْحَانَ مَنْ یُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَ الْمَلائِکَهُ مِنْ خِیفَتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِیمِ وَ بِحَمْدِهِ تَسْبِیحُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام فِی الْیَوْمِ الثَّامِنِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ عَظِیمٌ لَا یَرَامُ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا یَلْهُو سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَافِظٌ لَا یَنْسَی سُبْحَانَ مَنْ هُوَ عَالِمٌ لَا یَسْهُو سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مُحِیطٌ بِخَلْقِهِ لَا یَغِیبُ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مُحْجَبٌ لَا یُرَی سُبْحَانَ مَنِ اسْتَتَرَ

بِالضِّيَاءِ فَلَا شَيْ ءٌ يُدْرِكُهُ سُبْحَانَ مَنِ النُّورُ مَنَارُهُ وَ الضِّيَاءُ بَهَاؤُهُ وَ الْبَهْجَهُ جَمَالُهُ وَ الْجَلَالُ عِزُّهُ وَ الْعِزَّهُ قُدْرَتُهُ وَ الْقُدْرَهُ صِفَتُهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ تَسْبِيحُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليهما السلام فِي الْيَوْمِ التَّاسِعِ سُبْحَانَ مَنْ مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَغْشَى الْأَمَدُ نُورَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَشْرَقَ كُلُّ ظُلْمَهٍ بِضَوْئِهِ سُبْحَانَ مَنْ يَدِينُ لِدِينِهِ كُلُّ دَيِّنٍ سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ كُلَّ شَيْ ءٍ بِقُدْرَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ لِخَالِقِيَّتِهِ حَدٌّ وَ لَا لِقَادِرِيَّتِهِ نَفَادٌ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ تَسْبِيحُ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عليه السلام فِي الْعَاشِرِ وَ الْحَادِيَ عَشَرَ سُبْحَانَ خَالِقِ النُّورِ سُبْحَانَ خَالِقِ الظُّلْمَهِ سُبْحَانَ خَالِقِ الْمِيَاهِ سُبْحَانَ خَالِقِ السَّمَاوَاتِ سُبْحَانَ خَالِقِ الْأَرَضِينَ سُبْحَانَ خَالِقِ الرِّيَاحِ وَ النَّبَاتِ سُبْحَانَ خَالِقِ الْحَيَاهِ وَ الْمَوْتِ سُبْحَانَ خَالِقِ الثَّرَى وَ الْفَلَوَاتِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ تَسْبِيحُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليهما السلام فِي الثَّانِي عَشَرَ وَ الثَّالِثَ عَشَرَ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يُؤَاخِذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِأَلْوَانِ الْعَذَابِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ تَسْبِيحُ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام فِي الرَّابِعَ عَشَرَ وَ الْخَامِسَ عَشَرَ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا يَسْهُو سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَلْهُو سُبْحَانَ مَنْ هُوَ غَنِيٌّ لَا يَفْتَقِرُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ تَسْبِيحُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليهما السلام فِي السَّادِسَ عَشَرَ وَ السَّابِعَ عَشَرَ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ فِي عُلُوِّهِ دَانٍ وَ فِي دُنُوِّهِ عَالٍ وَ فِي إِشْرَاقِهِ مُنِيرٌ وَ فِي سُلْطَانِهِ قَوِيٌّ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ تَسْبِيحُ صَاحِبِ الزَّمَانِ عليه السلام مِنَ الْيَوْمِ الثَّامِنَ عَشَرَ إِلَى آخِرِ الشَّهْرِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رِضَا نَفْسِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ زِنَهَ عَرْشِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ.

**[ترجمه]دعوات راوندی،

تسبیحات پیامبر و امامان علیهم السلام.

تسبیح محمد صلی الله علیه و آله در روز اول ماه:

پاک و منزه است خداوند به مقدار خوشنودی اش. پاک و منزه است به وسعت آسمان ها، پاک و منزه است خداوند به اندازه ی زمینش، منزه است خداوند مانند آن و سپاسی مانند آن مخصوص خداوند است و پروردگاری جز الله نیست مانند آن و بزرگ تر است خداوند به اندازه آن.

تسبیح علی علیه السلام در روز دوم:

منزه است خدایی که بزرگ است و نام هایش مبارک است. منزه است آن کس که تا بی نهایت جاودان است. منزه است آن کس که آسمان ها از نور حجابش روشن می گردند. منزه است آن کس که آسمان هارا بدون ستون برافراشته است، منزه است آن کس که روشنایی‌اش با کبریاء و نور عظمت یافته است، منزه است آن کس که به وحدانیت یگانه شد، پس معبودی جز او نیست. منزه است کسی که ردایش با بزرگی و فخر پوشیده شده است. منزه است آن کس که با یگانگی اش بر عرش تکیه زده است.

تسبیح فاطمه علیها السلام در روز سوم:

پاک و منزه است کسی که با حول و قوه خود نورانی گردید منزه است کسی که در حجاب هفت آسمان است، و هیچ چشمی او را نمی‌بیند. منزه است کسی که بندگان را با مرگ خوار و خود را با حیات عزتمند می کند. منزه است کسی که می‌ماند و هر چیزی جز او نابود می‌شود. منزه است کسی که حمد را خاص خود قرار داد و آن را پسندید. منزه است خداوند زنده دانا، منزه است خداوند بردبار گرامی، منزه است پادشاه مقدس، منزه است بلند مرتبه بزرگ. منزه است خداوند و او را سپاس می گویم.

تسبیح حسن بن علی علیه‌السلام در روز چهارم: منزه است کسی که بر راز دل‌ها آگاه است. منزه است کسی که شمار گناهان در نزد اوست. منزه است کسی که هیچ چیزی در آسمان هاو زمین بر او پوشیده نیست. منزه است خداوند آگاه از نهاد انسان ها و دانای امور پوشیده و منزه است کسی که به اندازه ذره‌ای در آسمان هاو زمین از او پوشیده نمی‌ماند، منزه است کسی که رازها در نزد او عیان است و باطن در نزد او ظاهر است. منزه است خداوند و او را سپاس می گویم.

تسبیح حسین بن علی در روز پنجم: منزه است خداوند رفیع والاترین، منزه است خداوند بزرگ بزرگترین، منزه است خداوندی که این چنین است و هیچ کس جز او اینگونه نیست و هیچ کس قدرت او را ندارد. منزه است کسی که اول او علم وصف ناپذیر و آخر او علم لایتناهی است. منزه است کسی که با الهیت خود از همه مخلوقات بالاتر است، نه چشمی او را می‌بیند و نه عقلی او را درک می کند و نه در تصور کسی در می‌آید و نه هیچ زبانی قدرت توصیف او را دارد هر آن قدر که توصیف کند . منزه است کسی که در آسمان هابالا رفت. منزه است کسی که مرگ را بربندگان حکم فرمود. منزه است پادشاه توانا، منزه است پادشاه مقدس، منزه است ماندنی جاودان.

تسبیح علی بن حسین علیه‌السلام در روز ششم: منزه است کسی که نور او هر ظلمتی را روشن کرد منزه است کسی که قدرتش هر قدرتی را خوار کرد منزه است کسی که از بندگان پوشیده است و هیچ چیز او را نمی‌پوشاند منزه است خداوند و او را سپاس می گویم.

تسبیح محمد بن علی علیه‌السلام در روز هفتم: منزه است خالق باری منزه است قادر مقتدر منزه است برانگیزاننده وارث منزه است کسی که همه چیز برای او خاضع گشت منزه است کسی که رعد به حمد او و فرشتگان جملگی از بیمش تسبیح می گویند، منزه است خداوند عظیم و

او را سپاس می گویم.

تسبیح جعفر بن محمد علیه‌السلام در روز هشتم: منزه است کسی که عظیم است و نابود نمی شود منزه است کسی که قائم است و به لهو و لعب نمی‌پردازد، منزه است کسی که حافظ است و فراموش نمی کند، منزه است کسی که داناست است و دچار خطا نمی‌شود، منزه است کسی که به خلق خود احاطه دارد است و همیشه حاضر است، منزه است کسی که پوشیده است و دیده نمی‌شود، منزه است کسی که با نور خود پوشیده است و هیچ چیز او را درنمی‌یابد، منزه است کسی که نور و ضیاء، چهره اوست، و بهجت، جمال اوست و جلال، عزت او و عزت،

قدرت او و قدرت، صفت اوست. منزه است خداوند و او را سپاس می گویم.

تسبیح موسی بن جعفر علیه‌السلام در روز نهم: منزه است کسی که قدس و پاکی او روزگار را پر کرده است. منزه است کسی که زمان نور او را نمی‌پوشاند. منزه است کسی که با نور خود هر ظلمتی را روشن کرده است، منزه است کسی که هر دینی به دین اوست، منزه است کسی که با قدرت خود هر چیز را اندازه مخصوصی بخشیده، منزه است کسی که برای خالقیت او حدی و برای قادریت او پایانی وجود ندارد. منزه است خداوند عظیم.

تسبیح علی بن موسی علیه‌السلام در روز دهم و یازدهم: منزه است خالق نور منزه است خالق ظلمت منزه است خالق آب‌ها منزه است خالق آسمان هامنزه است خالق زمین‌ها منزه است خالق بادها و گیاهان. منزه است خالق زندگی و مرگ، منزه است خالق خاک و دشت‌ها منزه است خداوند و او را سپاس می گویم.

تسبیح محمد بن علی علیه‌السلام در روز دوازدهم و سیزدهم: منزه است کسی که بر اهل مملکت خود ستم نمی کند منزه است کسی که اهل زمین را به انواع عذاب دچار نمی کند منزه است خداوند و او را سپاس می گویم.

تسبیح علی بن محمد علیه‌السلام در روز چهاردهم و پانزدهم: منزه است کسی که دائم است و دچار سهل‌انگاری نمی‌شود منزه است کسی که قائم است و به لهوو و لعب نمی‌پردازد منزه است کسی که غنی است و فقیر نمی‌شود. منزه است خداوند و او را سپاس می گویم.

تسبیح حسن بن علی علیه‌السلام در روز شانزدهم و هفدهم: منزه است کسی که در علوّ و بالایی خود نزدیک است و در دنوّ و نزدیکی خود بلند مرتبه است و در اشراق خود نورانی، و در سلطنت خود قوی است . منزه است خداوند و او را سپاس می گویم.

تسبیح صاحب الزمان علیه‌السلام در روز هجدهم تا آخر ماه: منزه است خداوند به تعداد مخلوقات خود، منزه است خداوند به اندازه رضایت خود، منزه است خدوند به اندازه کلمات خود، منزه است خداوند به اندازه عرش خود و سپاس برای خداست مانند آن .

**[ترجمه]

أبواب أحراز النبی و الأئمه و عوذاتهم و أدعیتهم علیهم السلام زائدا علی ما سبق و یأتی

باب ۳۸ أحراز النبی صلی الله علیه و آله و أزواجه الطاهرات و عوذاته و بعض أدعیته علیه السلام أیضا

الأخبار

أقول

و سیجی ء بعض أحرازه صلی الله علیه و آله فی باب الاحتجابات أیضا.

**[ترجمه]رخی از حرزهای آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم در باب احتجاجات نیز خواهد آمد.

**[ترجمه]

«۱»

مهج، [مهج الدعوات] عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ عَنِ الثَّقَفِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُظَفَّرِ الْبَغْدَادِیِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَوْصِلِیِّ عَنْ أَبِی عَمْرٍو الدُّورِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْقُرَشِیِّ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ عَمْرِو بْنِ سَعِیدٍ الْمُؤَدِّبِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِی كُرْزٍ الْمَوْصِلِیِّ عَنْ عَقِیلِ بْنِ أَبِی عَقِیلٍ عَنْ آمِنَةَ أُمِّ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: أَنَّهَا لَمَّا حَمَلَتْ بِهِ صلی الله علیه و آله أَتَاهَا آتٍ فِی مَنَامِهَا فَقَالَ لَهَا حَمَلْتِ سَیِّدَ الْبَرِیَّهِ فَسَمِّیهِ مُحَمَّداً اسْمُهُ فِی التَّوْرَاهِ أَحْمَدُ وَ عَلِّقِی عَلَیْهِ هَذَا الْكِتَابَ فَاسْتَیْقَظَتْ مِنْ مَنَامِهَا وَ عِنْدَ رَأْسِهَا قَصَبَهٌ حَدِیدٍ فِیهَا رَقٌّ فِیهِ كِتَابٌ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ أَسْتَرْعِیكَ رَبَّكَ وَ أُعَوِّذُكَ بِالْوَاحِدِ مِنْ شَرِّ كُلِّ حَاسِدٍ قَائِمٍ أَوْ قَاعِدٍ وَ كُلِّ خَلْقٍ رَائِدٍ فِی طُرُقِ الْمَوَارِدِ وَ لَا تَضُرُّوهُ فِی یَقَظَهٍ وَ لَا مَنَامٍ وَ لَا فِی ظَعْنٍ وَ لَا فِی مَقَامٍ سَجِیسَ اللَّیَالِی (۱) وَ أَوَاخِرَ الْأَیَّامِ یَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَیْدِیهِمْ وَ حِجَابُ اللَّهِ فَوْقَ عَادِیَتِهِمْ.

۱- ۱. سجیس اللیالی: أی أبدا.

**[ترجمه]مهج الدعوات: آمنه مادر پیغمبر صلی اللّه علیه و آله گوید: چون پیغمبر صلوات الله علیه را حامله شدم در خواب دیدم که شخصی آمد و گفت: ای آمنه حامله شده ای به شخصی که بهترین مخلوقات است، پس باید که او را محمد نام گذاری زیرا که نام او در تورات احمد است و بعد از تولدش این دعا را بر او بیاویز. پس چون بیدار شدم در نزد بالینم قصبه ای از فولاد را یافتم که در آن پوستی بود که این دعا و تعویذ بر او نوشته شده بود:

به نام خدای بخشنده مهربان، تو را به کسی می سپارم که پروردگار توست. و تو را از شر حسودان ایستاده و نشسته و موجودات تیز رونده که در راههاست، در تمام طول شب و پایان روزها، به خداوند پناه می‌دهم که نه در بیداری و نه در خواب و نه در سفر و حضر به تو هیچ زیانی نرسانند. قدرت خدای تعالی بالاتر از قدرتهای ایشان است و محافظت خدای تعالی بالاتر از دشمنی نمودن ایشان است.

**[ترجمه]

«۲»

حِرْزٌ آخَرُ عَنِ النَّبِيِّ ص، [قصص الأنبياء] عليهم السلام مهج، [مهج الدعوات] عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الصَّمَدِ عَنْ جَدِّهِ وَ عُثْمَانَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَحْمَدَ وَ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي صَالِحٍ قِرَاءَةً عَلَيْهِمْ عَنْ عَبْدِ الْغَفَّارِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الدَّرْبَنْدِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عُثْمَانَ الدِّمَشْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَالِحِ بْنِ خَلَفٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله لِعَلِيٍّ عليه السلام يَا عَلِيُّ إِذَا هَالَكَ أَمْرٌ أَوْ نَزَلَتْ بِكَ شِدَّةٌ فَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُنْجِيَنِي مِنْ هَذَا الْغَمِ (۱).

حِرْزٌ آخَرُ لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: وُجِدَ فِي مَهْدِهِ تَحْتَ كَرِيمِهِ الشَّرِيفِ فِي حَرِيرَةٍ بَيْضَاءَ مَكْتُوبٌ أُعِيذُ مُحَمَّدَ بْنَ آمِنَةَ بِالْوَاحِدِ مِنْ شَرِّ كُلِّ حَاسِدٍ قَائِمٍ أَوْ قَاعِدٍ أَوْ نَافِثٍ عَلَى الْفَسَادِ جَاهِدٍ وَ كُلِّ خَلْقٍ مَارِدٍ يَأْخُذُ بِالْمَرَاصِدِ فِي طُرُقِ الْمَوَارِدِ أَذُبُّهُمْ عَنْهُ بِاللَّهِ الْأَعْلَى وَ أَحُوطُهُ مِنْهُمْ بِالْكَنَفِ الَّذِي لَا يُؤْذَى أَنْ لَا يَضُرُّوهُ وَ لَا يَطَّيَّرُوهُ فِي مَشْهَدٍ وَ لَا مَنَامٍ وَ لَا مَسِيرٍ وَ لَا مَقَامٍ سَجِيسَ اللَّيَالِي وَ آخِرَ الْأَيَّامِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَبَدَّدَ أَعْدَاءُ اللَّهِ وَ بَقِيَ وَجْهُ اللَّهِ لَا يُعْجِزُ اللَّهَ شَيْ ءٌ اللَّهُ أَعَزُّ مِنْ كُلِّ شَيْ ءٍ حَسْبُهُ اللَّهُ وَ كَفَى وَ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا وَ أُعِيذُهُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ نُورِ اللَّهِ وَ بِعِزَّهِ مَا يَحْمِلُ الْعَرْشَ مِنْ جَلَالِ اللَّهِ وَ بِالاسْمِ الَّذِي يُفَرِّقُ بَيْنَ النُّورِ وَ الظُّلْمَةِ وَ احْتَجَبَ بِهِ دُونَ خَلْقِهِ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْمُحِيطِ بِكُلِّ شَيْ ءٍ وَ لَا يُحِيطُ بِهِ شَيْ ءٌ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْ ءٍ مُحِيطٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله (۲).

حِرْزٌ آخَرُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِرِوَايَةٍ أُخْرَى: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِاسْمِكَ وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَ الْهَامَّةِ وَ أَعُوذُ بِاسْمِكَ وَ كَلِمَاتِكَ (۳) التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ عَذَابِكَ وَ شَرِّ عِبَادِكَ

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۴.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۵.

۳- ۳. كلمتك خ ل في المواضع.

وَ أَعُوذُ بِاسْمِكَ وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّهِ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّهِ مِنْ خَيْرِ مَا تُعْطِی وَ مَا تُسْأَلُ وَ خَيْرِ مَا تُخْفِی وَ مَا تُبْدِی اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِاسْمِكَ وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّهِ مِنْ شَرِّ مَا يَجْرِی بِهِ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ إِنَّ رَبِّيَ اللَّهُ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ أَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلی كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحاطَ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عِلْماً وَ أَحْصی كُلَّ شَيْ ءٍ عَدَداً اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِی وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّهٍ أَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

حِرْزٌ خَدِيجَهَ عليها السلام: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ يَا اللَّهُ يَا حَافَظُ يَا حَفِيظُ يَا رَقِيبُ.

حِرْزٌ آخَرُ لِخَدِيجَهَ عليها السلام (۱): بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ فَأَغِثْنِی وَ لَا تَكِلْنِی إِلَی نَفْسِی طَرْفَهَ عَيْنٍ أَبَداً وَ أَصْلِحْ لِی شَأْنِی كُلَّهُ (۲).

مهج، [مهج الدعوات] حِرْزٌ آخَرُ(۳)

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِرِوَايَهٍ أُخْرَی: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِاسْمِكَ وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّهِ مِنْ شَرِّ السَّامَّهِ وَ الْهَامَّهِ وَ أَعُوذُ بِاسْمِكَ وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّهِ مِنْ شَرِّ عَذَابِكَ وَ شَرِّ عِبَادِكَ وَ أَعُوذُ بِاسْمِكَ وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّهِ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّهِ مِنْ خَيْرِ مَا تُعْطِی وَ مَا تُسْأَلُ وَ خَيْرِ مَا تُخْفِی وَ مَا تُبْدِی اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِاسْمِكَ وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّهِ مِنْ شَرِّ مَا يَجْرِی بِهِ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ إِنَّ رَبِّيَ اللَّهُ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ أَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللَّهُ

۱- ۱. فی المصدر: حرز فاطمه الزهراء علیهما السلام.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۶.

۳- ۳. مر آنفا.

كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحاطَ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عِلْماً وَ أَحْصى كُلَّ شَيْ ءٍ عَدَداً اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّي عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

**[ترجمه]مهج الدعوات: حرز دیگری از پیغمبر صلّی اللَّه علیه و آله: موسی بن ابراهیم، گفت: حکایت نموده به ما حضرت امام موسی بن جعفر بن محمّد صادق، از پدران بزرگوارش که حضرت رسول خدا به امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: یا علی هر گاه امری تو را به هول بیندازد که از آن بترسی، یا شدّت و سختی بر تو فرود آمد ، بگو: خداوندا، به حق محمد و آل محمد از تو درخواست می کنم که بر محمد و آل محمد درود و رحمت بفرستی و مرا از این اندوه رها نمایی - . مهج الدعوات: ۴ - .

حرز دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که در گهواره ایشان پیدا شده و بر روی ابریشم سفید رنگ نوشته شده بود:

پناه می دهم محمد پسر آمنه را به آن خدای یگانه از بدی هر رشک برنده ایستاده یا نشسته یا ساحری که برای فساد نمودن چیزی خواند و دمد و در این راه تلاش کند. و هر مخلوق سرکشی که در کمینگاه است . منع می کنم ایشان را از آن حضرت به مدد خدای تعالی که بلندتر است از همه چیز. و او را به پناه دهنده ای می سپارم که هیچ آزاری به آنجا راه ندارد و فال بد نزنند او را در حضور و بیداری و نه در محل خواب و نه در محل حرکت و نه در ایستادن ، آخر شبها و آخر روزها. نیست معبودی مگر خدا، هلاک می شوند دشمنان خدا و باقی است قدرت و عزّت خدا، هیچ چیزی نمی تواند خداوند را عاجز کند. خدای تعالی قوی تر است از همه چیز. خداوند برای او کفایت می کند. می شنود خدا سخن شخصی را که بخواند.

و پناه می دهم او را به عزت و نور الهی و به بزرگی آنچه از جلال خداوند که عرش آن را حمل میکند. و پناه می دهم به آن اسمی که فرق می گذارد میان روشنی و تاریکی و بوسیله آن اسم، و از دید بندگانش نهان است. شهادت می دهد خدا که نیست معبودی جز او و شهادت می دهند فرشتگان و صاحبان که خداوند تعالی به عدالت حکم می راند. نیست معبودی به غیر از او که مقتدر و حکیم است. به خداوندی پیام می برم که بر همه چیز احاطه دارد و هیچ چیز بر او اشراف و احاطه ندارد. خداوندی جز الله نیست و محمد فرستاده اوست - . مهج الدعوات: ۵ - .

حرز دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله به روایتی دیگر: بسم الله الرحمن الرحیم. خداوندا، من از شر هر گزنده سمی و کشنده، به نام تو و به کلمات تامه ات پناه می برم. خداوندا، من از عذاب تو و از شر بندگانت به نام تو و کلمات تامه ات پناه می برم. خداوندا، من از شر شیطان رانده شده، به نام تو و کلمات تامه ات پناه می برم. خداوندا، من به برکت نام تو و کلمات تامه ات، بهترین چیزی را که عطا نمودهای و بهترین چیزی که از تو درخواست شده است را و نیز بهترین چیزی که آشکار ساختهای و بهترین چیزی که نهان داشتهای را درخواست می... نمایم. خداوندا، من از هر شری که در شب و روز جریان دارد، به نام تو و به کلمات تامه ات پناه می برم. پروردگار من همان الله است که هیچ خدایی جز او نیست. بر او توکل می کنم و او پروردگار عرش بزرگ است. آنچه خداوند بخواهد، همان خواهد شد. خداوندا، تو پروردگار من هستی و هیچ خدایی جز تو نیست. و من بر تو توکل می کنم که تو پروردگار عرش بزرگ هستی. هیچ حرکت و جنبشی جز با اراده خداوند نیست. و آنچه او خواهد، اتفاق خواهد اتفاد و آنچه که او نخواهد، اتفاق نخواهد افتاد. می‌دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست و علم او بر همه چیز احاطه دارد. و تمام موجودات را به شمارش در آورده است. خداوندا، من از شر نفس خودم و از شر هر جنبده ای که اختیارش در دست توست، به تو پناه می برم چرا که پروردگار من بر راه راست است. و اگر آنها روی برگرداندند، بگو: خداوند برایم کافی است همان خدایی که خدایی جز او نیست بر او توکل می کنم و او پروردگار عرش بزرگ است.

حرز حضرت خدیجه علیها السلام:

بسم الله الرحمن الرحیم. یا الله یا حافظ یا حفیظ یا رقیب.

حرز دیگری از حضرت خدیجه علیها السلام:

بسم الله الرحمن الرحیم. یا حی یا قیوم، از رحمت تو فریاد خواهی می کنم پس به فریاد من برس و مرا به حتی به اندازه چشم بر هم زدن نیز به حال خودم وامگذار. و تمام امورات مرا سامان بده - . مهج الدعوات: ۶ - .

مهج الدعوات: حرز دیگری از رسول خدا که به روایت دیگری نقل شده است:

بسم الله الرحمن الرحیم. خداوندا، من از شهر هر گزنده سمی و کشنده، به نام تو و به کلمات تامه ات پناه می برم. خداوندا، من از عذاب تو و از شر بندگانت به نام تو و کلمات تامه ات پناه می برم. خداوندا، من از شر شیطان رانده شده، به نام تو و کلمات تامه ات پناه می برم. خداوندا، من به برکت نام تو و کلمات تامه ات، بهترین چیزی را که عطا نموده ای و بهترین چیزی که از تو درخواست شده است را و نیز بهترین چیزی که آشکار ساخته ای و بهترین چیزی که نهان داشته ای را درخواست می نمایم. خداوندا، من از هر شری که در شب و روز جریان دارد، به تو پناه می برم. پروردگار من همان الله است که هیچ خدایی جز او نیست. بر او توکل می کنم و او پروردگار عرش بزرگ است. آنچه خداوند بخواهد، همان خواهد شد. خداوندا، تو پروردگار من هستی و هیچ خدایی جز تو نیست. و من بر تو توکل می‌کنم که تو پروردگار عرش بزرگ هستی. هیچ حرکت و جنبشی جز با اراده خداوند نیست. و آنچه او خواهد، اتفاق خواهد افتاد و آنچه که او نخواهد، اتفاق نخواهد افتاد. می‌دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست و علم او بر همه چیز احاطه دارد. و تمام موجودات را به شمارش در آورده است. خداوندا، من از شر نفس خودم و از شر هر جنبده ای که اختیارش در دست توست، پناه می برم چرا که پروردگار من بر راه راست است. و اگر آنها روی برگرداندند، بگو: خداوند برایم کافی است همان خدایی که خدایی جز او نیست بر او توکل می کنم و او پروردگار عرش بزرگ است.

**[ترجمه]

«۳»

ق، [الکتاب العتیق الغرویّ]: عُوذَةٌ عَوَّذَ بِهَا جَبْرَئِیلُ علیه السلام لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَمَّا عَانَهُ إِنْسَانٌ یَهُودِیٌّ وَ هِیَ کَلِمَاتٌ أَرْسَلَهَا رَبُّ الْعِزَّةِ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أُعِیذُکَ بِکَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ وَ أَسْمَائِهِ کُلِّهَا مِنْ شَرِّ کُلِّ عَیْنٍ لَامَّةٍ وَ مِنْ شَرِّ أَبِی قِتْرَةَ(۱) وَ أَبِی عُرْوَةَ وَ دَنْهَشَ وَ مَا وَلَدُوا وَ مِنْ شَرِّ الطَّیَّارَاتِ الْمَرَدَةِ وَ مِنْ شَرِّ مَنْ یَعْمَلُ الْخَطِیئَةَ وَ یَهُمُّ بِهَا وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثاتِ فِی الْعُقَدِ وَ مِنْ شَرِّ حاسِدٍ إِذا حَسَدَ وَ مِنْ شَرِّ الْخَفِیَّاتِ فِی الرَّصَدِ اللَّاتِی یُحِطْنَ (۲)

الْإِنْسَانَ کَالْبَلَدِ بَعْدَ مَا کَانَ کَالْأَسَدِ.

**[ترجمه]عتیق غروی: وقتی که یک فرد یهودی حضرت روسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را چشم نمود، جبرئیل از جانب خداوند این تعویذ را برای آن حضرت آورد: تو را پناه می دهم به کلمات تامه خداوند و به تمامی اسمهای خداوند از شر هر چشم بد و از هر شرّ ابی‌قتره (کنیه شیطان) و ابی‌عروه و دنهش و فرزندانشان و از شر پرندگان سرکش و از شر هر کسی که خطا می‌کند و بر آن اهتمام می‌ورزد و از شر افسونگرانی که در گره ها می‌دمند و و از شر حسودی که حسادت می‌کند و از شر موجوداتی که پنهانی در کمینگاهها نشسته اند همان موجوداتی که انسان دلیر همچون شیر را به ضعف دچار می‌سازند.

**[ترجمه]

«۴»

مهج، [مهج الدعوات]: دُعَاءُ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله يَوْمَ بَدْرٍ اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَ أَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ(۳) وَ أَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَ عُدَّةٌ كَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤَادُ وَ تَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَ يَخْذُلُ فِيهِ الْقَرِيبُ وَ يَشْمَتُ بِهِ الْعَدُوُّ وَ تُعْيِينِي فِيهِ الْأُمُورُ أَنْزَلْتُهُ بِكَ وَ شَكَوْتُهُ إِلَيْكَ رَاغِباً فِيهِ إِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ فَفَرَّجْتَهُ وَ كَشَفْتَهُ عَنِّي وَ كَفَيْتَنِيهِ فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ صَاحِبُ كُلِّ حَاجَةٍ وَ مُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ فَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيراً وَ لَكَ الْمَنُّ فَاضِلًا(۴).

**[ترجمه]مهج الدعوات: دعای پیامبر صلوات الله علیه در جنگ بدر: خداوندا! تو پشتیبان منی در هر غمی، و امید منی در هر شدتی، و در هر امر ناگواری که بر من فرود آید تو پشتیبان و ساز و برگ منی، چه غمها که دل در برابر آنها سست گشته، و چاره جوئی اندک، و کارها گنگ و زبون ساز باشند، و به هنگام هجوم آنها دوستان دور و نزدیک دست از یاری بکشند، و دشمن به گستاخی برخیزد، و من همه را به نزد تو آوردم، و گلایه آنها را بتو نمودم، در حالی که در باره همه آنها از جز تو دل‌بریده و تنها روی دل سوی تو داشتم، و تو همه را بر طرف ساختی، و از من زدودی، و از آنها کفایتم نمودی پس تو اختیاردار هر نعمت، و صاحب هر حاجت، و منتهای هر میل و آرزو هستی. پس سپاس فراوان از آن توست و منّت افزون از برای توست - . مهج الدعوات: ۸۷ -

**[ترجمه]

«۵»

مهج، [مهج الدعوات] دُعَاءُ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله يَوْمَ أُحُدٍ رَوَيْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام وَ عَنْ غَيْرِهِ: أَنَّهُ لَمَّا تَفَرَّقَ النَّاسُ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله يَوْمَ أُحُدٍ قَالَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ إِلَيْكَ الْمُشْتَكَى وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ فَنَزَلَ جَبْرَئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَالَ يَا مُحَمَّدُ لَقَدْ دَعَوْتَ بِدُعَاءِ إِبْرَاهِيمَ حِينَ أُلْقِيَ فِي النَّارِ وَ دَعَا بِهِ يُونُسُ حِينَ صَارَ فِي بَطْنِ الْحُوتِ قَالَ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله يَدْعُو فِي دُعَائِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي صَبُوراً وَ اجْعَلْنِي شَكُوراً وَ اجْعَلْنِي فِي أَمَانِكَ (۵).

۱- ۱. أبو قتره بالكسر كنيه الشيطان.

۲- ۲. يجعلن خ ل.

۳- ۳. شديده خ ل.

۴- ۴. مهج الدعوات ص ۸۷.

۵- ۵. مهج الدعوات ص ۸۷.

**[ترجمه]مهج الـدعوات: دعاى پيغمبر صـلى الله عليه و آله در جنگ احـد: امام صادق عليه السـلام فرمود: در جنگ احـد كه مردم از پيغمبر صلى الله عليه و آله متفرّق و پراكنـده شدنـد يعنى همگى گريختنـد و آن حضـرت را تنها گذاردنـد پس پيامبر اين دعا را خواندنـد: «الهى لك الحمـد و إليـك المشـتكى و عليـك المسـتعان» - خداونـدا از براى تـوست سپاس و به سوى توست شـكوه و مـدد از تو طلب مى شود .- پس جبرئيل عليه السّـلام نازل شده و عرض كرد: اى محمّد! به خدا قسم، همانا دعائى را كه ابراهيم عليه السّـلام هنگامى كه در آتش انداخته شد و نيز يونس عليه السّـلام وقتى در شـكم ماهى بود، خوانـدى. سـپس حضـرت امام صادق عليه السّـلام فرمودنـد كه پيغمبر صـلى الله عليه و آله در دعاى خود مى‌فرمودند: خداوندا، مرا صابر و شكرگزار و در پناه خودت قرار ده - . مهج الدعوات: ۸۷ - .

**[ترجمه]

«۶»

مهـج، [مهـج الدعوات] دُعَاءُ النَّبِيِّ صـلى الله عليه و آله لَيْلَةَ الْأَحْزَابِ رَوَيْنَاهُ عَنْ كِتَابِ الدُّعَاءِ وَ الذِّكْرِ تَأْلِيفِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ بِإِسْنَادِنَا إِلَيْهِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السـلام قَالَ: كَانَ دُعَاءُ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله لَيْلَةَ الْأَحْزَابِ يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَ مفرج [مُفَرِّجاً] عَنِ الْمَغْمُومِينَ اكْشِفْ عَنِّي هَمِّي وَ غَمِّي وَ كُرْبَتِي فَإِنَّكَ تَعْلَمُ حَالِي وَ حَالَ أَصْحَابِي فَاكْفِنِي هَوْلَ عَدُوِّي قَالَ فَقَالَ فِي حَدِيثِهِ فَإِنَّهُ لَا يَكْشِفُ ذَلِكَ غَيْرُكَ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: حضرت امام محمّد باقر عليه السّلام كه فرمودند: پيغمبر صلّى اللّه عليه و آله در شب احزاب اين دعا را مى خواندند: اى فريادرس انـدوهناكان و اى برآورنده حاجت بيچارگان، برطرف نماى از من همّ و غمّ مرا و مكروه مرا پس بدرستى كه مى دانى حال مرا و حالت اصـحاب مرا و كفايت نماى مرا از ترس دشـمن من. راوى گويد كه سپس در حديث خود اين دعا را فرمود: چرا كه كسى غير از تو همّ و اندوه مرا برطرف نمى كند.

**[ترجمه]

«۷»

مهج، [مهج الدعوات]: دُعَاءُ النَّبِيِّ صـلى الله عليه و آله يَوْمَ الْأَحْزَابِ وَ فِيهِ زِيَادَةٌ يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ وَ مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَ مفرج [مُفَرِّجاً] عَنِ الْمَغْمُومِينَ اكْشِفْ عَنِّي هَمِّي وَ غَمِّي وَ كَرْبِي فَقَدْ تَرَى حَالِي وَ حَالَ أَصْحَابِي اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الصَّلَاةَ وَ الصَّوْمَ وَ الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ وَ صِلَةَ الرَّحِمِ وَ عَظِّمْ رِزْقِي وَ رِزْقَ أَهْلِ بَيْتِي فِي عَافِيَةٍ اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ قَبْلَ كُلِّ شَيْ‌ءٍ وَ أَنْتَ اللَّهُ بَعْدَ كُلِّ شَيْ‌ءٍ وَ أَنْتَ اللَّهُ تَبْقَى وَ يَفْنَى كُلُّ شَيْ‌ءٍ إِلَهِي أَنْتَ الْحَلِيمُ الَّذِي لَا يَجْهَلُ وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَبْخَلُ وَ أَنْتَ الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَظْلِمُ وَ أَنْتَ الْحَكِيمُ الَّذِي لَا يَجُورُ وَ أَنْتَ الْمَنِيعُ الَّذِي لَا يُرَامُ وَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الَّذِي لَا يَسْتَذِلُّ وَ أَنْتَ الرَّفِيعُ الَّذِي لَا يُرَى وَ أَنْتَ الدَّائِمُ الَّذِي لَا يَفْنَى وَ أَنْتَ الَّذِي أَحَطْتَ بِكُلِّ شَيْ‌ءٍ عِلْماً وَ أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْ‌ءٍ عَدَداً أَنْتَ الْبَدِيعُ قَبْلَ كُلِّ شَيْ‌ءٍ وَ الْبَاقِي بَعْدَ كُلِّ شَيْ‌ءٍ خَالِقُ مَا يُرَى وَ خَالِقُ مَا لَا يُرَى عَالِمُ كُلِّ شَيْ‌ءٍ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ أَنْتَ الَّذِي تُعْطِي الْغَلَبَةَ مَنْ شِئْتَ تُهْلِكُ مُلُوكاً وَ تُمَلِّكُ آخَرِينَ بِيَدِكَ الْخَيْرُ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْ‌ءٍ قَدِيرٌ أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ وَ أَدْخِلْنَا بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَ اخْتِمْ لِي بِالسَّعَادَةِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ عُتَقَائِكَ وَ طُلَقَائِكَ مِنَ النَّارِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (۲).

**[ترجمـه]مهـج الـدعوات: دعـاى ديگرى از پيغمـبر صـلى اللّه عليـه و آلـه در روز احزاب كه اين دعـا، جملات بيشـترى دارد: اى فريـادرس انـدوهناكان و برآورنـده حـاجت بيچارگان و برطرف كننـده انـدوه از انـدوه گينان، زايل گردان از من انـدوه مرا و غم مرا و مكروه مرا پس به تحقيق كه مى بينى حال مرا و حال اصحاب مرا. خداوندا روزى كن به من نماز و روزه را و حج و عمره را و صله رحم را و فراخ گردان روزى مرا و روزى اهل خانه مرا در سـلامتى، بار خـدايا توئى خداى پيش از همه چيز و تويى خداى بعد از هر چيز و توئى خداى كه باقى مى مانى و

فانی می شود همه چیز، ای خدای من توئی آن مداراکننده ای که نادانی نمی کند و توئی آن بخشنده ای که بخل نمی کند و توئی آن عدل تمامی که ستم نمی کند و توئی آن دانای به تدبیر که ظلم نمی نماید و توئی آن قوی منیع که سست گردیده نمی شود. و توئی آن غلبه کننده ای که ذلیل و خوار نمی شود و توئی آن بلند مرتبه ای که دیده نمی شود و توئی آن دائمی که فانی نمی گردد و توئی آن که دانش و علمش بر همه چیز احاطه دارد. و تعداد و شمارش تمام موجودات را می دانی، توئی آن آفریدگاری که بدون اینکه الگویی داشته باشی، جهان را خلق نمودی. خالق آنچه که دیده می شود و آفریننده آنچه که دیده نمی شود، بدون اینکه کسی به تو چیزی بیاموزد، تو خود همه چیز را می دانی. تو به هر که بخواهی غلبه می‌بخشی، پادشاهانی را هلاک می‌سازی و پادشاهی را به کسان دیگری می‌دهی، خوبی به دست توست و تو بر همه چیز بسیار توانائی، توئی خداوند ما پس یاری کن ما را بر جماعت کافران و ما را به جهت رحمت خود در جمع بندگان صالح خود داخل گردان و ما را عاقبت به خیر گردان و از جمله آزاد شدگان از آتش قرار بده. ای پروردگار عالمیان، دعای مرا مستجاب نما - . مهج الدعوات، ص ۸۷ - .

**[ترجمه]

«۸»

دُعَاءٌ آخَرُ لِلنَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فِي يَوْمِ الْأَحْزَابِ رَوَيْنَاهُ مِنْ كِتَابِ الدُّعَاءِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِنُورِ قُدْسِكَ وَ عَظَمَهِ طَهَارَتِكَ وَ بَرَكَهِ جَلَالِكَ مِنْ كُلِ

ص: ۲۱۲

۱- ۱. فی المصدر المطبوع: لا یوجد الادعاء واحد، و هو الدعاء الطویل الآتی بهذا السند، فراجع.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۸۷.

آفَهٍ وَ عَاهَهٍ مِنْ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقاً يَطْرُقُ بِخَيْرٍ اللَّهُمَّ أَنْتَ غِيَاثِي فَبِكَ أَسْتَغِيثُ وَ أَنْتَ مَلَاذِي فَبِكَ أَلُوذُ وَ أَنْتَ مَعَاذِي فَبِكَ أَعُوذُ يَا مَنْ ذَلَّتْ لَهُ رِقَابُ الْجَبَابِرَهِ وَ خَضَعَتْ لَهُ مَقَالِيدُ الْفَرَاعِنَهِ أَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِكَ وَ مِنْ كَشْفِ سَتْرِكَ وَ مِنْ نِسْيَانِ ذِكْرِكَ وَ الِانْصِرَافِ مِنْ شُكْرِكَ أَنَا فِي حِرْزِكَ فِي لَيْلِي وَ نَهَارِي وَ ظَعْنِي وَ أَسْفَارِي وَ نَوْمِي وَ قَرَارِي ذِكْرُكَ شِعَارِي وَ ثَنَاؤُكَ دِثَارِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَعْظِيماً لِوَجْهِكَ وَ تَكْرِيماً لِسُبُحَاتِ نُورِكَ أَجِرْنِي مِنْ خِزْيِكَ وَ مِنْ كَشْفِ سِتْرِكَ وَ سُوءِ عِقَابِكَ وَ اضْرِبْ عَلَيَّ سُرَادِقَاتِ حِفْظِكَ وَ أَدْخِلْنِي فِي حِفْظِ عِنَايَتِكَ وَ عِدْنِي بِخَيْرٍ مِنْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱).

**[ترجمه]دعای دیگری که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز احزاب خوانده اند و ما آن را از «کتاب الدعاء» نقل می کنیم: خداوندا من به نور مقـدس تو و به بزرگی پاکی تو و به برکت عظمت تو پناه می برم از هر بلیه و آفتی از واردشوندگان در شب و روز مگر وارد شونده ای که وارد شود به خوبی ، بـار خـدایا توئی فریـادرس من پس به تو طلب فریادرسـی می کنم و توئی پناهگـاه من پس به تو پناه می آورم و توئی ایمن گـاه من پس به تو پنـاه می برم ای کسـی که گردنهای متکبران در مقابل او خم گشـته و خزانه های همه فراعنه در سـتان اوست ، پناه می برم به تو از اینکه مرا رسوا نمـایی و پرده هـا را از من برداری و به تو پنـاه می برم از اینکه از یـاد تو غافـل گردم و از سپاسـگزاری تو منصـرف گردم. من در پناه توام در شب خود و روز خود و در کوچ و سـفر و در خواب و سـکوت ، یادآوری تو جامه پایین من است و سـپاس تو جامه بالائی من است. خـدایی جز تو نیست. به جهت تعظیم ذات تو و به جهت تعظیم نورت، تو را به پـاکی یـاد می کنم. خداونـدا، مرا امان بـده از اینکه مرا خوار سازی و پرده از من برداری. و مجازاتم نمایی. پرده های محافظت را بر من بزن. و مرا در حفظ شـفقت خود داخل گردان و مرا به نیکویی از جانب خود اکرام نما، ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان - . مهج الدعوات: ۸۸ - .

**[ترجمه]

«۹»

مهج، [مهـج الدعوات] دُعَاءٌ آخَرُ لِلنَّبِيِّ صلی الله علیه و آله يَوْمَ الْأَحْزَابِ نَقَلْتُهُ مِنَ الْجُزْءِ الْخَامِسِ مِنْ كِتَابِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله دَعَا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْأَحْزَابِ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيُجِيبُنِي وَ إِنْ كُنْتُ بَطِيئاً حِينَ يَدْعُونِي وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَ إِنْ كُنْتُ بَخِيلًا حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْتَغْفِرُهُ فَيُعَافِينِي وَ إِنْ كُنْتُ مُتَعَرِّضاً لِلَّذِي نَهَانِي عَنْهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَخْلُو بِهِ كَمَا(۲) شِئْتُ فِي سِرِّي وَ أَضَعُ عِنْدَهُ مَا شِئْتُ مِنْ أَمْرِي مِنْ غَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي رَبِّي حَاجَتِي وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَلَنِي إِلَيْهِ النَّاسُ فَأَكْرَمَنِي وَ لَمْ يَكِلْنِي إِلَيْهِمْ فَيُهِينُونِي وَ كَفَانِي رَبِّي بِرِفْقٍ وَ لُطْفٍ بِي رَبِّي لَمَّا جَفَوْا ذَلِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَضِيتُ بِلُطْفِكَ رَبِّي لَطِيفاً وَ رَضِيتُ بِكَنَفِكَ رَبِّي خَلَفاً(۳).

**[ترجمه]مهج الدعوات: دعای دیگری که پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله در روز احزاب خواندند. ابن طاوس گوید که نقل نمودم این دعا را از جزء پنجم کتاب عبـد اللّه بن حماد انصاری که او روایت نموده از ابن سـنان، از حضـرت امام جعفر صادق علیه السّلام که فرمودند که: پیغمبر صلّی اللّه علیه و آله خدای تعالی را در روز احزاب به این دعا خواندند:

سپاس خداوندی را که یگانه است و شریکی ندارد. سپاس خداوندی را که هرگاه او را می خوانم، اجابت می‌کند؛ هرچند که هر وقت او مرا می‌خوانـد، من کوتـاهی می‌کنم. سپاس خداونـدی را که هرگـاه از او چیزی بخواهم، به من عطـا می‌کنـد، هرچنـد که هرگـاه او از من قرض بخواهد، من بخل می‌ورزم. سپاس خداوندی را که هرگاه از او بخشش می‌طلبم، مرا می بخشد ، هرچند که من به آنچه نهی نموده، پرداخته‌ام. سپاس خداوندی را که هرگاه اراده کنم، در ضـمیرم با او خلوت می‌کنم. و هر چه از امور خود را که خواسـته باشم به او می‌سـپارم بدون اینکه کسـی را دراین باره شـفیع قرار دهم پس خداوند حاجت مرا برآورده می‌سازد. سپاس خداوندی را که مردم مرا به او سپرده و او هم مرا گرامی داشت و به مردم نسپرد که مرا خوار سازنـد. هنگامی که مردم به من ظلم و درشت رفتاری نمودنـد، خداوند مرا با مهربانی خود کفایت نمود و به من لطف و مهربانی کرد. سـپاس و شـکر فقط برای توست.ای پروردگار، من به مهربانی و تو که مهربان هستی راضـی گشتم و به حمایت و

پشتیبانی‌ات رضایت دادم. - . مهج الدعوات: ۸۹ -

**[ترجمه]

«۱۰»

مهج، [مهج الدعوات]: دُعَاءُ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله يَوْمَ حُنَيْنٍ رَبِّ كُنْتَ وَ تَكُونُ حَيّاً لَا تَمُوتُ تَنَامُ الْعُيُونُ وَ تَنْكَدِرُ النُّجُومُ وَ أَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ.

وَ عَنْهُ عليه السلام: أَمَانٌ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ

ص: ۲۱۳

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۸۸.

۲- ۲. كلما خ ل.

۳- ۳. المصدر ص ۸۹.

عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحاطَ بِكُلِّ شَيْ ءٍ عِلْماً اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسِی وَ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّی عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در روز جنگ حنین:

ای پروردگار من، تو زنده بوده‌ای و زنده خواهی بود و هرگز مرگ در تو راه ندارد. چشمها به خواب می‌روند و ستارگان بی فروغ می گردند اما تو همچنان زنده و پایداری و نه چرت تو را فرا می گیرد و نه خواب.

دعای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای امان از شرّ جن و انس:

بسم الله الرحمن الرحیم. خدایی جز الله نیست. من بر او توکل نمودم که او پروردگار عرش بزرگ است. آنچه خدا بخواهد اتفاق خواهد افتاد و آنچه که خداوند نخواهد، اتفاق نخواهد افتاد. گواهی می‌دهم که خداوند بر هر چیزی تواناست و علم او بر هر چیزی احاطه دارد. خداوندا من از شر نفس خودم و از شر هر جنبده ای که اختیارش در دست توست، به تو پناه می‌برم. به درستی که پروردگار من بر راه راست است - . مهج الدعوات: ۹۰ - .

**[ترجمه]

«۱۱»

مهج، [مهج الدعوات] دُعَاءٌ رُوِیَ: أَنَّهُ نَزَلَ بِهِ جَبْرَئِیلُ علیه السلام عَلَى النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله یَوْمَ حُنَیْنٍ (۲)

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ تَعْجِیلَ عَافِیَتِکَ وَ صَبْراً عَلَى بَلِیَّتِکَ وَ خُرُوجاً مِنَ الدُّنْیَا إِلَى رَحْمَتِکَ (۳).

**[ترجمه]دعایی که گفته می شود جبرئیل در روز جنگ حنین بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد نازل کرد: خداوندا، من از تو درخواست می‌نمایم تعجیل در عافیت و صبر بر بلاهایت و اینکه مرا از دنیا به سوی رحمت خود خارج گردانی - . مهج الدعوات: ۹۱ - .

**[ترجمه]

«۱۲»

مهج، [مهج الدعوات] دُعَاءٌ رُوِیَ: أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله عَلَّمَهُ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ فَأَرَادَ الْحَجَّاجُ قَتْلَهُ فَلَمَّا قَرَأَهُ لَمْ یَسْتَطِعْ صَاحِبُ سَیْفِهِ أَنْ یَقْتُلَهُ وَ هُوَ یَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ یَا مُحْیِیَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ یَا مَنْ لَا یُعَجِّلُ لِأَنَّهُ لَا یَخَافُ الْفَوْتَ یَا دَائِمَ الثَّبَاتِ یَا مُخْرِجَ النَّبَاتِ یَا مُحْیِیَ الْعِظَامِ الرَّمِیمِ الدَّارِسَاتِ بِسْمِ اللَّهِ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ وَ رَمَیْتُ كُلَّ مَنْ یُؤْذِینِی بِلَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ (۴).

**[ترجمه]این دعایی است که گفته می شود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به یکی از اصحاب خود تعلیم فرمود. و زمانی که حجاج دستور قتل این صحابی را داد، آن صحابی این دعا را خواند و جلاد نتوانست او را بکشد و آن دعا این است:

ای کسی که تمامی صدا ها را می‌شنوی. و ای کسی که تمام جانها را بعد از مرگ زنده می کنی. ای کسی که عجله و شتاب نمی کند چرا که بیمی از فوت شدن ندارد. ای کسی که همیشه پابرجا هستی و ای کسی که گیاهان را می‌رویانی. ای کسی که استخوانهای پوسیده را زنده می گردانی. به نام خدا، به خداوند پناه بردم و بر خدایی که زنده است و هیچگاه نمی‌میرد، توکل نمودم. و با قدرت لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم، هرچه را که موجب آزار من شود، راندم - . مهج الدعوات :۹۴ - .

**[ترجمه]

«۱۳»

مهج، [مهج الدعوات] عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ التَّمِيمِيُّ عَنِ الثَّقَفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُظَفَّرِ بْنِ مُوسَى الْبَغْدَادِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَوْصِلِيِّ عَنْ أَبِی عَمْرٍو الدُّورِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْقُرَشِیِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِیدٍ الْمُؤَدِّبِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِی كُرْزٍ الْمَوْصِلِیِّ عَنْ عَقِیلِ بْنِ أَبِی عَقِیلٍ عَنْ آمِنَهَ أُمِّ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: أَنَّهَا لَمَّا حَمَلَتْ بِهِ صلی الله علیه و آله أَتَاهَا آتٍ فِی مَنَامِهَا فَقَالَ لَهَا حَمَلْتِ سَیِّدَ الْبَرِیَّهِ فَسَمِّیهِ مُحَمَّداً اسْمُهُ فِی التَّوْرَاهِ أَحْمَدُ وَ عَلِّقِی عَلَیْهِ هَذَا الْكِتَابَ فَاسْتَیْقَظَتْ مِنْ مَنَامِهَا وَ عِنْدَ رَأْسِهَا قَصَبَهُ حَدِیدٍ فِیهَا رَقٌّ فِیهِ كِتَابٌ:

ص: ۲۱۴

۱- ۱. المصدر ص ۹۰.

۲- ۲. یوم خیبر خ ل.

۳- ۳. مهج الدعوات ص ۹۱.

۴- ۴. مهج الدعوات ص ۹۴.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أَسْتَرْعِيكَ رَبَّكَ وَ أُعَوِّذُكَ بِالْوَاحِدِ مِنْ شَرِّ كُلِّ حَاسِدٍ قَائِمٍ أَوْ قَاعِدٍ وَ كُلِّ خَلْقٍ رَائِدٍ فِي طُرُقِ الْمَوَارِدِ لَا تَضُرُّوهُ فِي يَقَظَةٍ وَ لَا مَنَامٍ وَ لَا فِي ظَعْنٍ وَ لَا فِي مُقَامٍ سَجِيسَ اللَّيَالِي وَ أَوَاخِرَ الْأَيَّامِ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ وَ حِجَابُ اللَّهِ فَوْقَ عَادِيَتِهِمْ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: آمنه مادر پیغمبر صلی اللَّه علیه و آله گوید: چون پیغمبر صلّی الله علیه و آله را حامله شدم در خواب دیدم که شخصی آمد و گفت: ای آمنه حامله شده ای به شخصی که بهترین مخلوقات است، پس باید که نام گذاری او را محمّد زیرا که نام او در تورات احمد است و بعد از تولد او ببند بر او این دعا را. پس چون بیدار شدم در نزد بالینم قصبه ای از فولاد را یافتم که در آن پوستی بود که این دعا و تعویذ بر او نوشته شده بود:

به نام خدای بخشنده مهربان، تو را به کسی می سپارم که پروردگار توست. و تو را از شر حسودان ایستاده و نشسته و موجودات تیز رونده که در راههاست، در تمام طول شب و پایان روزها، به خداوند پناه می دهم که نه در بیداری و نه در خواب و نه در سفر و نه در حضر به تو هیچ زیانی نرسانند. قدرت خدای تعالی بالاتر از قدرتهای ایشان است و محافظت خدای تعالی بالاتر از دشمنی نمودن ایشان است - . مهج الدعوات: ۴ - .

**[ترجمه]

«۱۴»

مهج، [مهج الدعوات]: حِرْزٌ آخَرُ لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وُجِدَ فِي مَهْدِهِ تَحْتَ كَرِيمِهِ الشَّرِيفِ فِي حَرِيرَةٍ بَيْضَاءَ مَكْتُوبٌ أُعِيذُ مُحَمَّدَ بْنَ آمِنَةَ بِالْوَاحِدِ مِنْ شَرِّ كُلِّ حَاسِدٍ قَائِمٍ أَوْ قَاعِدٍ أَوْ نَافِثٍ عَلَى الْفَسَادِ جَاهِدٍ وَ كُلِّ خَلْقٍ مَارِدٍ يَأْخُذُ بِالْمَرَاصِدِ فِي طُرُقِ الْمَوَارِدِ أَذُبُّهُمْ عَنْهُ بِاللَّهِ الْأَعْلَى وَ أَحُوطُهُ مِنْهُمْ بِالْكَنَفِ الَّذِي لَا يُؤْذَى أَنْ لَا يُضِرُّوهُ وَ لَا يَطَّيَّرُوهُ فِي مَشْهَدٍ وَ لَا مَنَامٍ وَ لَا مَسِيرٍ وَ لَا مَقَامٍ سَجِيسَ اللَّيَالِي وَ آخِرَ الْأَيَّامِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَبَدَّدَ أَعْدَاءُ اللَّهِ وَ بَقِيَ وَجْهُ اللَّهِ لَا يُعْجِزُ اللَّهَ شَيْ ءٌ اللَّهُ أَعَزُّ مِنْ كُلِّ شَيْ ءٍ حَسْبُهُ اللَّهُ وَ كَفَى سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا وَ أُعِيذُهُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ نُورِ اللَّهِ وَ بِعِزَّةِ مَا يَحْمِلُ الْعَرْشَ مِنْ جَلَالِ اللَّهِ وَ بِالاسْمِ الَّذِي يُفَرِّقُ بَيْنَ النُّورِ وَ الظُّلْمَةِ وَ احْتَجَبَ بِهِ دُونَ خَلْقِهِ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْمُحِيطِ بِكُلِّ شَيْ ءٍ وَ لَا يُحِيطُ بِهِ شَيْ ءٌ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْ ءٍ مُحِيطٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله (۲).

**[ترجمه]حرز دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که در گهواره ایشان پیدا شده و بر روی ابریشم سفید رنگ نوشته شده بود:

پناه می دهم محمد پسر آمنه را به آن خدای یگانه از بدی هر رشک برنده ایستاده یا نشسته یا ساحری که برای فساد نمودن چیزی خواند و دمد و در این راه تلاش کند. و هر مخلوق سرکشی که شروع نماید بنشستن در راههای عداوت در راه جایهای ورود. منع می کنم ایشان را از آن حضرت به مدد خدای تعالی که بلندمرتبه تر است از همه چیز. و او را به پناه دهنده ای می سپارم که هیچ آزاری به آنجا راه ندارد. و فال بد نزنند او را نه در حضور و بیداری و نه در محل خواب و نه در محل حرکت و نه در ایستادن آخر شبها و آخر روزها. نیست معبودی مگر خدا، هلاک می شوند دشمنان خدا و باقی است قدرت و عزّت خدا، هیچ چیزی نمی تواند خداوند را عاجز کند. خدای تعالی قوی تر است از همه چیز. خداوند برای او کفایت می کند. می شنود خدا سخن شخصی را که بخواند. و پناه می دهم او را به غلبه خدا و روشنی خدا و به بزرگی جلال خداوند که عرش را بر می دارد. و پناه می دهم به آن اسمی که فرق می گذارد میان روشنی و تاریکی و بوسیله آن اسم، از دید بندگانش نهان است. شهادت می دهد خدا که نیست معبودی جز او و شهادت می دهند فرشتگان و صاحبان علم که خداوند تعالی به عدالت حکم می راند. نیست معبودی به غیر از او که مقتدر و حکیم است. به خداوندی پیام می برم که بر همه چیز احاطه دارد و هیچ چیز بر او اشراف و احاطه ندارد. خداوندی جز الله نیست و محمد فرستاده اوست - . مهج الدعوات: ۴ - .

**[ترجمه]

«۱۵»

مهج، [مهج الدعوات]: دُعَاءُ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله حِينَ عَايَنَ الْعِفْرِيتَ وَ مَعَهُ شُعْلَةُ نَارٍ فَانْكَبَّ الشَّيْطَانُ لِوَجْهِهِ رُوِيَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ جَبْرَئِيلُ مَعَهُ عليه السلام فَجَعَلَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله يَقْرَأُ فَإِذَا بِعِفْرِيتٍ مِنْ مَرَدَةِ الْجِنِّ قَدْ أَقْبَلَ وَ فِي يَدِهِ شُعْلَةٌ مِنْ نَارٍ وَ هُوَ يَقْرُبُ مِنَ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَقَالَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام يَا مُحَمَّدُ أَ لَا أُعَلِّمُكَ كَلِمَاتٍ تَقُولُهُنَّ فَيَنْكَبَّ الْعِفْرِيتُ لِوَجْهِهِ وَ تَطْفَأَ شُعْلَتُهُ قَالَ نَعَمْ يَا حَبِيبِي جَبْرَئِيلُ قَالَ قُلْ:

أَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِ اللَّهِ وَ كَلِمَاتِهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ مِنْ

ص: ۲۱۵

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۴، و قد مر ص ۲۰۸.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۴، و قد مر أيضا.

شَرِّ مَا ذَرَأَ فِی الْأَرْضِ وَ ما یَخْرُجُ مِنْها وَ مِنْ شَرِّ ما یَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَ ما یَعْرُجُ فِیها وَ مِنْ شَرِّ فِتَنِ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ وَ مِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّیْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقاً یَطْرُقُ بِخَیْرٍ یَا رَحْمَانُ فَقَالَهَا النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله فَانْکَبَّ الْعِفْرِیتُ لِوَجْهِهِ وَ طَفِئَتْ شُعْلَتُهُ (۱).

**[ترجمه]دعای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام دیدن عفریتی از سرکشان جن همراه با شعله ای از آتش، پس شیطان باصورت بر زمین افتاد: از عبد اللّه بن مسعود روایت شده که گفت: در خدمت رسول خدا صلی اللّه علیه و آله بودم و جبرئیل علیه السّلام با ایشان بود. پس حضرت شروع به خواندن دعائی نمودند، ناگاه دیدم عفریتی از سرکشان جنّ به طرف آن حضرت می آمد و در دست او شعله ای از آتش بود و چون نزدیک آن حضرت رسید جبرئیل علیه السّلام عرض کرد: یا محمد آیا می خواهی که به تو کلماتی تعلیم نمایم که هر گاه آنها بگوئی این عفریت به صورت بیفتد و شعله آتش او خاموش گردد؟ پس آن حضرت فرمودند: بلی ای دوست من. جبرئیل عرض کرد: این دعا را بخوان. پس چون آن حضرت این کلمات را خواندند. عفریت به روی افتاد و شعله آتش او خاموش گردید و دعا این است:

«پناه می‌برم به نور وجه خداوند و کلمات تامه او که هیچ نیکوکار و بدکاری از حیطه این کلمات خارج نتوان شد. پناه می‌برم از شر آنچه که در زمین خلق شده و از شر آنچه که از زمین بیرون می‌آید و از شر آنچه که از آسمان فرود می‌آید و آنچه که با آسمان می رود . و پناه می... برم از شر فتنه های شب و روز و از شر واردشونده در شب و روز مگر واردشونده ای که به خوبی و با برکت وارد گردد ای بسیار بخشنده» و چون پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم این کلمات را خواند، آن شیطان با صورت بر زمین خورد شعله او نیز خاموش گشت - . مهج الدعوات: ۹۰ - .

**[ترجمه]

«۱۶»

مهج، [مهج الدعوات]: ذُکِرَ رِوَایَهٌ أُخْرَی بِدُعَاءِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله عِنْدَ رُؤْیَهِ الْعِفْرِیتِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مَفَاتِیحَ الْخَیْرِ وَ خَوَاتِیمَهُ وَ أَسْأَلُکَ دَرَجَاتِ الْعُلَی مِنَ الْجَنَّهِ بِاللَّهِ أَعُوذُ وَ بِاللَّهِ أَعْتَصِمُ وَ بِاللَّهِ أَمْتَنِعُ وَ بِعِزَّهِ اللَّهِ وَ سُلْطَانِهِ وَ مَلَکُوتِهِ وَ اسْمِهِ الْعَظِیمِ أَسْتَجِیرُ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ وَ مِنْ عَمَلِهِ وَ رَجِلِهِ وَ خَیْلِهِ وَ شَرِکِهِ وَ بِاللَّهِ أَعُوذُ وَ بِکَلِمَاتِهِ التَّامَّاتِ الَّتِی لَا یُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ ما یَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَ ما یَعْرُجُ فِیها وَ ما یَلِجُ فِی الْأَرْضِ وَ ما یَخْرُجُ مِنْها وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ ذِی شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ الْعَامَّهِ وَ الْخَاصَّهِ إِنَّ رَبِّی سَمِیعُ الدُّعاءِ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ کُلِّ ذِی عَیْنٍ نَاظِرَهٍ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ ذِی أُذُنٍ سَامِعَهٍ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ ذِی أَلْسُنٍ نَاطِقَهٍ وَ مِنْ شَرِّ أَیْدٍ بَاطِشَهٍ وَ مِنْ شَرِّ أَرْجُلٍ مَاشِیَهٍ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَخْفَیْتُ فِی نَفْسِی وَ أَعْلَنْتُ بِاللَّیْلِ وَ النَّهَارِ اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَنِی مِنْ خَلِیقَتِکَ بَغْیاً أَوْ عَطَباً أَوْ عَیْباً أَوْ مَکْرُوهاً أَوْ سُوءاً أَوْ مَسَاءَاتٍ (۲) مِنْ إِنْسِیٍّ أَوْ جِنِّیٍّ صَغِیراً أَوْ کَبِیراً فَأَسْأَلُکَ أَنْ تُحَرِّجَ صَدْرَهُ وَ أَنْ تُفْحِمَ لِسَانَهُ وَ أَنْ تُقَصِّرَ یَدَهُ وَ أَنْ تَدْفَعَ فِی صَدْرِهِ وَ أَنْ تَکُفَّ یَمِینَهُ وَ أَنْ تَجْعَلَ کَیْدَهُ فِی نَحْرِهِ وَ أَنْ تُنْذِرَ بَصَرَهُ وَ أَنْ تَقْمَعَ رَأْسَهُ وَ أَنْ تُمِیتَهُ بِغَیْظِهِ وَ أَنْ تَجْعَلَ لَهُ شُغُلًا فِی نَفْسِهِ وَ أَنْ تَکْفِیَنِیهِ بِحَوْلِکَ وَ قُوَّتِکَ إِنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ صَاحِبِ سَوْءٍ فِی الْمَغِیبِ وَ الْمَحْضَرِ قَلْبُهُ یَرَانِی وَ عَیْنَاهُ تَبْصُرَانِی وَ أُذُنَاهُ تَسْمَعَانِی إِنْ رَأَی حَسَنَهً أَخْفَاهَا وَ إِنْ رَأَی فَاحِشَهً أَبْدَاهَا

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۹۰.

۲- ۲. مساءه خ.

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ طَمَعٍ یَرُدُّ إِلَی طَبَعٍ (١)

وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ هَوًی یُرْدِینِی وَ غِنًی یُطْغِینِی وَ فَقْرٍ یُنْسِینِی وَ مِنْ خَطِیئَهٍ لَا تَوْبَهَ لَهَا وَ مِنْ مَنْظَرِ سَوْءٍ فِی أَهْلٍ أَوْ مَالٍ (٢).

**[ترجمه]دعای پیامبر صلّی اللّه علیه و آله به هنگام دیدن عفریت جن به روایتی دیگر:

خداونـدا، من آغاز نیک و پایان نیک را از تو خواهانم و نیز درجات بلنـد در بهشت را از تو می‌خواهم. به خدا پناه می برم و به خدا چنگ می زنم و به خدا دفع می کنم شـر چیزها را و به اقتدار خدا و به قدرت خدا و به پادشاهی خدا و به نام بزرگ او پناه می برم از شـر شیطان رجیم و از کردار او و پیاده نظام او و سواره نظام او و دام او (یعنی حیله او). و به خدا پناه می برم و به صـفات او که تمامند (یعنی عیب و نقص ندارند) آن صـفاتی که هیچ نیکوکار و هیچ بدکار از احاطه آنها فراتر نمی رود، به خدا پنام می‌برم از ضـرر آنچه فرود آید از آسـمان و آنچه بالا رود به سوی آسـمان. و آنچه داخل شود در زمین و آنچه بیرون آید از آن. و از شر هر صاحب شری و از شر عام و خاص. به درستی که پروردگار من دعا را می‌شـنود، پناه می برم به خدا از شر هر صاحب چشم بینا و از شر هر صاحب گوش شنوا و از شر هر زبان گویایی و از شر دستهای با قوت و از شـر پای های راه رونده و از شـر آنچه پنهان نموده ام آن را در نفس خود و ظاهر کرده ام آن را در شب و روز. بار خدایا هرآنچه از مخلوقاتت ؛ که قصد ستم یا هلاک مرا یا عیب جویی از من کند، از جن باشد یا از انس ، کوچک باشد یا بزرگ ، خداوند ا، از تو درخواست می کنم که سـینه او را تنـگ نمـایی و زبـان او را گنـگ سـازی و دست او را کوتـاه نمایی و طعن و عیب جویی او را به خود او بازگردانـده و جلوی قوت و قـدرت او را بگیری. و مکر او را به گردنش بزنی و چشـمش را کور ساخته و گردنش را بزنی و او را با خشـمش بمیرانی و او را درمانده خودش گردانی. و به قدرت و توانایی ات مرا از شر او کفایت نمایی. که تو خداوند قدرتمند و حکیم هستی.

خداونـدا، من از هر دوست بـد – چه در حضورم باشـد چه در غیـابم- به تو پنـاه می‌برم. همـان دوسـتی که قلب و دل او مرا رصـد می کنـد و چشمانش مرا می‌بیند و گوشهایش مرا می‌شنود.اگر خوبی از من ببیند، آن را نهان می دارد و اگر کار زشتی از من دید، آن را بر ملا می‌سازد. خداوندا، من از طمعی که مرا به سوی پستی سوق دهد، و از هوسـی که مرا به سوی هلاکت ببرد و از بی‌نیازی ای که مرا به سوی طغیان سوق دهـد و از فقری که تو را از یادم ببرد و از خطایی که توبه ای بـدنبال آن نباشـد و از زشتی در اهل و مالم به تو پناه می‌برم - . مهج الدعوات : ٩١ - .

**[ترجمه]

«۱۷»

مهـج، [مهـج الـدعوات]: عُوذَهُ النَّبِیِّ صـلی الله علیه و آله یَوْمَ وَادِی الْقُرَی تَصْـلُحُ لِکُـلِّ شَـیْ ءٍ مَنْ کَتَبَهَا وَ عَلَّقَهَا عَلَیْهِ کَانَ فِی أَمَانِ اللَّهِ وَ کَنَفِهِ وَ حِجَابِهِ وَ عِزِّهِ وَ مَنْعِهِ وَ کَانَتِ الْمَلَائِکَهُ تَحْفَظُهُ وَ هِیَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ مالِکِ یَوْمِ الدِّینِ إِیَّاکَ نَعْبُدُ وَ إِیَّاکَ نَسْتَعِینُ اهْدِنَا الصِّراطَ الْمُسْتَقِیمَ صِراطَ الَّذِینَ أَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ غَیْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَیْهِمْ وَ لَا الضَّالِّینَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَهٌ وَ لا نَوْمٌ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِی یَشْـفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ یَعْلَمُ ما بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ وَ لا یُحِیطُونَ بِشَیْ ءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِما شاءَ وَسِعَ کُرْسِـیُّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ لا یَؤُدُهُ حِفْظُهُما وَ هُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ شَـهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِکَهُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلَّا هُـوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ هُـوَ اللَّهُ الَّذِی لا ـ إِلهَ إِلَّا هُـوَ عـالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهـادَهِ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِیمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِی لا ـ إِلهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِـکُ الْقُـدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا یُشْـرِکُونَ هُوَ اللَّهُ الْخـالِقُ الْبـارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْـماءُ الْحُسْـنی یُسَـبِّحُ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ قُلِ اللَّهُمَّ مالِکَ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَ تُـذِلُّ مَنْ تَشاءُ بِیَـدِکَ الْخَیْرُ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَـیْ ءٍ قَدِیرٌ تُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهارِ وَ تُولِجُ النَّهارَ فِی اللَّیْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ هُوَ اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهاً وَاحِـداً أَحَـداً فَرْداً صَـمَداً لَمْ یَتَّخِـذْ صَاحِبَهً وَ لَا وَلَداً وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَـرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ

الذَّلِّ وَ كَبِّرْهُ

ص: ۲۱۷

۱- ۱. الطبع: الشين و العيب و الدنس.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۹۱.

تَكْبِيراً وَ هُوَ اللَّهُ الَّذِى لَا نَعْرِفُ لَهُ سَمِيّاً وَ هُوَ الرَّجَاءُ وَ الْمُرْتَجَى وَ الْمُلْتَجَى وَ إِلَيْهِ الْمُشْتَكَى وَ مِنْهُ الْفَرَجُ وَ الرَّجَاءُ: وَ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الْجَلِيلَهِ الرَّفِيعَهِ عِنْدَكَ الْعَالِيَهِ الْمَنِيعَهِ الَّتِى اخْتَرْتَهَا لِنَفْسِكَ وَ اخْتَصَصْتَهَا لِذِكْرِكَ وَ مَنَعْتَهَا جَمِيعَ خَلْقِكَ وَ أَفْرَدْتَهَا عَنْ كُلِّ شَيْ ءٍ دُونَكَ وَ جَعَلْتَهَا دَلِيلَهً عَلَيْكَ وَ سَبَباً إِلَيْكَ فَهِىَ أَعْظَمُ الْأَسْمَاءِ وَ أَجَلُّ الْأَقْسَامِ وَ أَفْخَرُ الْأَشْيَاءِ وَ أَكْبَرُ الْعَزَائِمِ وَ أَوْثَقُ الدَّعَائِمِ وَ لَا تَرُدُّ دَاعِيَكَ بِهَا وَ لَا تُخَيِّبُ رَاجِيَكَ وَ الْمُتَوَسِّلَ إِلَيْكَ وَ لَا يَذِلُّ مَنِ اعْتَمَدَ عَلَيْكَ وَ لَا يُضَامُ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكَ وَ لَا يَفْتَقِرُ سَائِلُكَ وَ لَا يَنْقَطِعُ رَجَاءُ مُؤَمِّلِكَ وَ لَا تُخْفَرُ ذِمَّتُهُ وَ لَا تُضَيَّعُ حُرْمَتُهُ فَيَا مَنْ لَا يُعَانُ وَ لَا يُضَامُ وَ لَا يُغَالَبُ وَ لَا يُنَازَعُ وَ لَا يُقَاوَمُ اغْفِرْ لِى ذُنُوبِى كُلَّهَا وَ أَصْلِحْ لِى شُئُونِى كُلَّهَا وَ اكْفِنِى الْمُهِمَّ فِى الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ عَافِنِى فِى الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ احْفَظْنِى فِى الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ اسْتُرْنِى فِى الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ قَرِّبْ جِوَارِى مِنْكَ فَأَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ بِاسْمِكَ الْجَلِيلِ الْعَظِيمِ تَوَسَّلْتُ وَ بِهِ تَعَلَّقْتُ وَ عَلَيْهِ اعْتَمَدْتُ وَ هُوَ الْعُرْوَهُ الْوُثْقَى الَّتِى لَا انْفِصَامَ لَهَا فَلَا تُخْفِرْ ذِمَّتِى وَ لَا تَرُدَّ مَسْأَلَتِى وَ لَا تَحْجُبْ دَعْوَتِى وَ لَا تَنْقُصْ رَغْبَتِى وَ ارْحَمْ ذُلِّى وَ تَضَرُّعِى وَ فَقْرِى وَ فَاقَتِى فَمَا لِى رَجَاءٌ غَيْرُكَ وَ لَا أَمَلٌ سِوَاكَ وَ لَا حَافِظٌ إِلَّا أَنْتَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ أَنْتَ رَبُّ الْأَرْبَابِ وَ مَالِكُ الرِّقَابِ وَ صَاحِبُ الْعَفْوِ وَ الْعِقَابِ أَسْأَلُكَ بِالرُّبُوبِيَّهِ الَّتِى انْفَرَدْتَ بِهَا أَنْ تُعْتِقَنِى مِنَ النَّارِ بِقُدْرَتِكَ وَ تُدْخِلَنِى الْجَنَّهَ بِرَحْمَتِكَ وَ تَجْعَلَنِى مِنَ الْفَائِزِينَ عِنْدَكَ اللَّهُمَّ احْجُبْنِى بِسِتْرِكَ وَ اسْتُرْنِى بِعِزِّكَ وَ اكْنُفْنِى بِحِفْظِكَ وَ احْفَظْنِى بِحِرْزِكَ وَ احْرُزْنِى فِى أَمْنِكَ وَ اعْصِمْنِى بِحِيَاطَتِكَ وَ حُطَّنِى بِعِزِّكَ وَ امْنَعْ مِنِّى بِقُوَّتِكَ وَ قَوِّنِى بِسُلْطَانِكَ وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ عَدُوّاً بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ(۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: تعویذ که پیغمبر صلی الله علیه و آله در روز جنگ وادی القری. این تعویذ برای امور گوناگون مفید است و هر کسی آن را نوشته و به خود بیاویزد در امان خدای متعال، در حفظ خدا، در حجاب او، در غلبه او و حمایت او خواهد بود و فرشتگان او را محافظت می کنند:

بسم الله الرحمن الرحیم. سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان و بخشنده و مهربان است. صاحب روز جزاست. تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو کمک می‌طلبیم. ما را به راه راست هدایت فرما. راه کسانی‌که به آنها نعمت داده‌ای نه راه کسانی بر آنها خشم گرفته‌ای و نه راه گمراهان.

هیچ معبودی نیست جز خداوند یگانه زنده، ؛ هیچگاه خواب سبک و سنگینی او را فرانمی گیرد؛ (و لحظه ای از تدبیر جهان هستی، غافل نمی ماند؛) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست؛ کیست که در نزد او، جز به فرمان او شفاعت کند؟! (بنا بر این، شفاعت شفاعت کنندگان، برای آنها که شایسته شفاعتند، از مالکیت مطلقه او نمی کاهد.) آنچه را در پیش روی آنها[بندگان] و پشت سرشان است می داند؛ (و گذشته و آینده، در پیشگاه علم او، یکسان است.) و کسی از علم او آگاه نمی گردد؛ جز به مقداری که او بخواهد. تخت(حکومت) او، آسمانها و زمین را دربرگرفته؛ و نگاهداری آن دو[آسمان و زمین]، او را خسته نمی‌کند. بلندی مقام و عظمت، مخصوص اوست.

خداوند، گواهی می دهد که معبودی جز او نیست؛ و فرشتگان و صاحبان دانش، (هر کدام به گونه ای بر این مطلب،) گواهی می دهند؛ در حالی که(خداوند در تمام عالم) قیام به عدالت دارد؛ معبودی جز او نیست، که هم توانا و هم حکیم است. او خدایی است که معبودی جز او نیست، دانای آشکار و نهان است، و او رحمان و رحیم است. و خدایی است که معبودی جز او نیست، حاکم و مالک اصلی اوست، از هر عیب منزّه است، به کسی ستم نمی کند، امنیّت بخش است، مراقب همه چیز است، قدرتمندی شکست ناپذیر که با اراده نافذ خود هر امری را اصلاح می کند، و شایسته عظمت است؛ خداوند منزّه است از آنچه شریک برای او قرار می دهند. او خداوندی است خالق، آفریننده ای بی سابقه، و صورتگری(بی نظیر)؛ برای او نامهای نیک است؛ آنچه در آسمانها و زمین است تسبیح او می گویند؛ و او عزیز و حکیم است. بگو: «بارالها! مالک حکومتها تویی؛ به هر کس بخواهی، حکومت می بخشی؛ و از هر کس بخواهی، حکومت را می گیری؛ هر کس را بخواهی، عزت می دهی؛ و هر که را بخواهی خوار می کنی. تمام خوبیها به دست توست؛ تو بر هر چیزی قادری. شب را در روز داخل می کنی، و روز را در شب؛ و زنده را از مرده بیرون می آوری، و مرده را زنده؛ و به هر کس بخواهی،

بدون حساب، روزی می بخشی. او خداوندی است که هیچ خدایی جز او نیست و او یکتا و تنها و بی‌همتاست که نه همسری و نه فرزندی

برای خود انتخاب کرده، و نه شریکی در حکومت دارد، و نه به خاطر ضعف و ذلّت، (حامی و) سرپرستی برای اوست!» و او را بسیار بزرگ بشمار. و او خداوندی است که هیچ هم‌نامی برای او سراغ نداریم و او آرزو و امید و پناهگاه ماست و ما به سو درد دل می‌کنیم و از او امید فرج و گشایش داریم.

ای خدا به حق این نامها که بزرگ و بلند مرتبه اند در نزد تو و شریف و عزیزند که برگزیده ای آنها را برای خودت و آنها را مخصوص ذکر خود قرار داده ای و منع نموده ای آنها را از همه مخلوقات خود و جدا ساخته ای آنها را از هر چیزی غیر تو و آنها را راهنمای به سوی خودت و وسیله ای به سوی خودت قرا ر داده ای، پس این نامها، بزرگترین نامها و فاخر ترین اقسام و والاترین چیزها و بزرگترین عزائم و محکم‌ترین ستونها هستند. تو کسی را که تو را با این نامها بخواند، هرگز نمی‌رانی. و کسی را که به تو امید بسته و توسل جسته است، نومید نمی‌سازی. و کسی که بر تو تکیه نموده و به سوی تو پناه آورده، خوار نمی‌گردد. و کسی که از تو درخواست نماید، فقیر نمی‌گردد و کسی که به تو امید بسته، نومید نمی‌گردد. و عهدش شکسته نمی‌شود و احترامش زیرپا گذاشته نمی‌شود.

پس ای کسی که هیچگاه کمک یا ستم بر او نمی شود و مغلوب نمی گردد و منازعه نموده نمی شود و برابری کرده نمی شود، گناهانم را بیامرز و کارهایم را اصلاح کن و امورات دنیوی و اخروی ام را کفایت نما. و در دنیا و آخرت به من عافیت عطا نما و در دنیا و آخرت مرا در پناه خود محفوظ و مستور بدار ، مرا در جوار قرب خودت جای بده که تو خدایی هستی که هیچ خدایی جز تو نیست. به تو توسل جسته و به تو چنگ زده و بر تو اعتماد و دل خوش نمودم و این همان دستگیره محکمی است که هرگز گسستنی نیست. پس عهد و پیمان مرا پایدار بدار و درخواست مرا رد مکن و دعایم را سد مکن و رغبتم را کم مگردان به این خواری و زاری و ناداری و بی چیزی من رحم نما که من امید جز تو ندارم و آرزویی جز تو و نگهداری جز تو ندارم. یا الله، یا الله، یا الله، یا الله، یا الله، یا الله، یا الله، یا الله، یا الله، هیچ خدایی جز تو نیست تو بی همتا و بی‌شریکی. هیچ خدایی جز تو نیست تو پروردگار همه اربابها هستی. گردنهای بندگان همه دراختیار توست و عقاب و عذاب آنها هم در اختیار توست. تو را به همان ربوبیتی که تنها از آن خود ساخته‌ای سوگند می‌دهم که با قدرت خود مرا از آتش جهنم آزاد سازی. و با رحمت خود را در بهشت داخل نمایی و مرا از جمله رستگاران و رسیدگان به قرب خودت قرار دهی. خداوندا، مرا در حفظ پرده‌ات محافظت نما. و با عزت و اقتدارت مرا بپوشان و مرا در کنف خود قرار دهی با حرز خودت مرا حفظ نمایی و مرا در مأمن خود محروز بداری. و نگاهدار مرا به محافظت خود و حمایت نمای مرا به غلبه خود و منع کن از من به توانائی خود و قوّت ده مرا به قدرت خود، و به حق بخشش و کرمت، دشمن را بر من مسلّط مساز که تو بر همه چیز توانایی - . مهج الدعوات : ۹۱-۹۴ -

**[ترجمه]

«۱۸»

كِتَابُ دَلَائِلِ الْإِمَامَهِ لِلطَّبَرِيِّ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ

ص: ۲۱۸

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۹۱- ۹۴.

جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ الْعَلَوِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ مُوسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أُمِّهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله قَالَتْ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ يَا فَاطِمَةُ أَ لَا أُعَلِّمُكِ دُعَاءً لَا يَدْعُو بِهِ أَحَدٌ إِلَّا اسْتُجِيبَ لَهُ وَ لَا يَحِيكُ (۱) فِي صَاحِبِهِ سَمٌّ وَ لَا سِحْرٌ وَ لَا يَعْرِضُ لَهُ شَيْطَانٌ بِسُوءٍ وَ لَا تُرَدُّ لَهُ دَعْوَةٌ وَ تُقْضَى حَوَائِجُهُ كُلُّهَا الَّتِي يَرْغَبُ إِلَى اللَّهِ فِيهَا عَاجِلُهَا وَ آجِلُهَا قُلْتُ أَجَلْ يَا أَبَهْ لَهَذَا وَ اللَّهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا قَالَ تَقُولِينَ:

يَا اللَّهُ يَا أَعَزَّ مَذْكُورٍ وَ أَقْدَمَهُ قِدَماً فِي الْعِزَّةِ وَ الْجَبَرُوتِ يَا اللَّهُ يَا رَحِيمَ كُلِّ مُسْتَرْحِمٍ وَ مَفْزَعَ كُلِّ مَلْهُوفٍ يَا اللَّهُ يَا رَاحِمَ كُلِّ حَزِينٍ يَشْكُو بَثَّهُ وَ حُزْنَهُ إِلَيْهِ يَا اللَّهُ يَا خَيْرَ مَنْ طُلِبَ الْمَعْرُوفُ مِنْهُ وَ أَسْرَعَهُ إِعْطَاءً يَا اللَّهُ يَا مَنْ تَخَافُ الْمَلَائِكَةُ الْمُتَوَقِّدَةُ بِالنُّورِ مِنْهُ أَسْأَلُكَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي تَدْعُو بِهَا حَمَلَةُ عَرْشِكَ وَ مَنْ حَوْلَ عَرْشِكَ يُسَبِّحُونَ بِهَا شَفَقَةً مِنْ خَوْفِ عَذَابِكَ وَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي يَدْعُوكَ بِهَا جَبْرَئِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ إِلَّا أَجَبْتَنِي وَ كَشَفْتَ يَا إِلَهِي كُرْبَتِي وَ سَتَرْتَ ذُنُوبِي يَا مَنْ يَأْمُرُ بِالصَّيْحَةِ فِي خَلْقِهِ فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ أَسْأَلُكَ بِذَلِكَ الِاسْمِ الَّذِي تُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ أَنْ تُحْيِيَ قَلْبِي وَ تَشْرَحَ صَدْرِي وَ تُصْلِحَ شَأْنِي يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالْبَقَاءِ وَ خَلَقَ لِبَرِيَّتِهِ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ يَا مَنْ فِعْلُهُ قَوْلٌ وَ قَوْلُهُ أَمْرٌ وَ أَمْرُهُ مَاضٍ عَلَى مَا يَشَاءُ أَسْأَلُكَ بِالاسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ خَلِيلُكَ حِينَ أُلْقِيَ فِي النَّارِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ قُلْتَ يا نارُ كُونِي بَرْداً وَ سَلاماً عَلى إِبْراهِيمَ وَ بِالاسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ وَ بِالاسْمِ الَّذِي كَشَفْتَ بِهِ عَنْ أَيُّوبَ الضُّرَّ وَ تُبْتَ عَلَى دَاوُدَ وَ سَخَّرْتَ لِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ وَ الشَّيَاطِينَ وَ عَلَّمْتَهُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَ بِالاسْمِ الَّذِي وَهَبْتَ لِزَكَرِيَّا يَحْيَى وَ خَلَقْتَ عِيسَى مِنْ رُوحِ الْقُدُسِ مِنْ غَيْرِ أَبٍ وَ بِالاسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْعَرْشَ وَ الْكُرْسِيَّ وَ بِالاسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الرُّوحَانِيِّينَ وَ بِالاسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ وَ بِالاسْمِ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ جَمِيعَ الْخَلْقِ وَ جَمِيعَ

۱- ۱. أی لا یؤثر و لا یمضی.

مَـا أَرَدْتَ مِنْ شَـیْ ءٍ وَ بِالاسْمِ الَّذِی قَدَرْتَ بِهِ عَلَی کُلِّ شَـیْ ءٍ أَسْأَلُکَ بِهَـذِهِ الْأَسْـمَاءِ لَمَّا أَعْطَیْتَنِی سُؤْلِی وَ قَضَـیْتَ بِهَا حَوَائِجِی فَإِنَّهُ یُقَالُ لَکِ یَا فَاطِمَهُ نَعَمْ نَعَمْ.

**[ترجمه]دلائل الامامه: حضـرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، روایت نموده و فرموده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: ای فـاطمه، آیـا می‌خواهی دعـایی به تو بیـاموزم که هرکس آن دعا را بخوانـد، حاجتش برآورده شـده و سم و سـحر در او اثر گـذار نگردد و شیطان به او آسـیبی نرسانـد و خواسـته اش رد نشده بلکه تمام حاجتهای دنیوی و اخروی اش که از خداوند خواسـته، برآورده شود؟ گفتم: بله پدرم. به خدا سوگند که این دعا برایم از همه دنیا و آنچه در آن است، عزیز تر است. حضرت فرمود: بخوان:

ای خدا ای گرامی ترین کسی که یاد شده، و دیرینه ترین نام در عزّت و فرمانروایی، ای رحم کننده بر هر که از او طلب رحمت کند، و پناه هر که به او پناهنده شود، ای خدا ای رحم کننده بر هر محزونی که شکوه و شکایت به سوی او برد، ای خدا ای بهترین کسی که از او نیکی طلب شده و به سرعت آن را اجابت فرمود، ای خدا ای کسی که فرشتگان نورانی از او در هراسند! به حقّ نامهایی که حاملان عرشت، و آنان که در اطراف آن قرار دارنـد، و از هراس عقاب تو تسبیح و تنزیه تو را می گویند، تو را بدان نامها می خوانند، و به حقّ نامهایی که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل تو را بدان نامها می خوانند، از تو می خواهم دعایم را اجابت کنی، و مشکلم را برطرف کرده، و گناهانم را بپوشانی.

ای کسـی که فرمـان می دهـد نفخه صور در میـان موجودات دمیـده شود، تـا آنان در اجتماع بزرگ قیامت گرد هم آینـد، به حقّ آن نامی که استخوانهای پوسیده را زنده می کنی، از تو می خواهم که قلبم را زنده،

سینه ام را گشاده، و امورم را اصـلاح فرمایی. ای کسـی که بقا و جاودانگی را ویژه خود قرار داده، و مرگ و زندگی و فنا را برای موجوداتش خلق فرموده، ای کسـی که عملش همان گفتارش و گفتارش همان فرمانش است، و فرمانش بر هر چه خواهد جاری می باشد. به حقّ آن نامی که [حضـرت ابراهیم] خلیل تو، آنگاه که در آتش انداخته می شد تو را بدان نام خواند، و تو دعایش را اجابت فرمودی، و گفتی: «ای آتش بر ابراهیم سـرد و سـلامت شو»، و به نـامی که موسـی از کنار طور ایمن تو را بـدان نام خوانـد، و تو او را اجابت فرمودی، و به نامی که عیسـی را بـدون پدر از روح القدس آفریدی. و به نامی که یحیی را به زکریّا بخشـیدی، و به نامی که رنج و مشـقّت را از ایّوب مرتفع ساختی، و به نامی که توبه داود را پـذیرفتی، و بادهـا را برای سـلیمان مسـخّر نمودی که به فرمان او به گردش در آینـد، همچنین جنّ را برای او مسـخّر کردی، و زبان پرندگان را به او آموختی.

و به نامی که عرش را با آن آفریدی، و جهان را به آن خلق فرمودی، و فرشـتگان را با آن ایجاد کردی، و به نامی که جنّ و انس را با آن خلق کردی، و به نـامی که تمامی مخلوقات را پدیـد آوردی. و به نامی که آنچه خواستی خلق فرمودی، و به نامی که بر هر چیز قادر شـدی، به حقّ این نامها از تو می خواهم که حاجتم را برآوری، و خواسته هایم را اجابت فرمایی، ای بخشنده ... آنگاه حضرت رسول فرمود: ای فاطمه بعد از خواندن این دعا، برایت گفته می‌شود: ای فاطمه، بله بله.

**[ترجمه]

«۱۹»

أَقُولُ وَ مِنَ الْأَحْرَازِ الْمَشْهُورَهِ الْمَرْوِیَّهِ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله الْحِرْزُ الْمَعْرُوفُ بِحِرْزِ أَبِی دُجَانَهَ الْأَنْصَارِیِّ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ لِدَفْعِ الْجِنِّ وَ السِّحْرِ وَ قَدْ رَأَیْتُ فِی بَعْضِ الْکُتُبِ مَا صُورَتُهُ حَدَّثَنَا الشَّیْخُ الْفَقِیهُ أَبُو مُحَمَّدٍ بْنُ الْحُسَـیْنِ بْنِ جَامِعِ بْنِ أَبِی سَاجٍ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَبِی الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَبِی الْعَبَّاسِ الشـقَانِیِّ قَالَ حَـدَّثَنَا أَحْمَـدُ بْنُ مَنْصُورِ بْنِ خَلَفٍ الْمَغْرِبِیُّ قَالَ حَـدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَـیْنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَـی السُّلَمِیُّ مِنْ أَصْلِ کِتَابِهِ قِرَاءَهً عَلَیْنَا بِلَفْظِهِ قَالَ حَـدَّثَنَا أَبُو الْفَتْحِ یُوسُفُ بْنُ عُمَرَ بْنِ مَسْرُوقٍ الْقَوَّاسُ الزَّاهِدُ بِبَغْدَادَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَکْرٍ عُمَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّبَّاحِ الْمُقْرِی قَالَ حَـدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَحْمَـدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ غَالِبٍ غُلَامُ الْخَلِیلِ قَالَ حَدَّثَنَا یَزِیدُ بْنُ صَالِحٍ قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ الْحَجَّاجِ حَدَّثَنَا بِهِ عُمَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ

عَنْ عَمْرِو بْنِ مُرَّةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَمَةَ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ حَدَّثَنِی الشَّيْخُ عُثْمَانُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَحْمَدَ الْحَاجُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ السَّمَرْقَنْدِیُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بِشْرٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ النَّيْشَابُورِیُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ السُّلَمِیُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَحْمُودِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ سَلَمَةَ بْنِ يَحْيَى بْنِ سَلَمَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَيْدِ بْنِ خَالِدِ بْنِ أَبِی دُجَانَهَ قَالَ حَدَّثَنِی أَبُو دُجَانَهَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِی عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ سَلَمَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ خَالِدٍ عَنْ أَبِی دُجَانَهَ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ: أَنَّهُ شَكَا إِلَی النَّبِیِّ صلی الله عليه و آله فَقَالَ لَهُ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّی خَرَجْتُ فِی بَعْضِ اللَّيْلِ فَإِذَا طَارِقٌ يَطْرُقُ فَمَسِسْتُ جِلْدَهُ فَإِذَا هُوَ جِلْدُ الْقُنْفُذِ فَالْتَفَتَ إِلَی عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ اكْتُبْ حِرْزاً لِأَبِی دُجَانَهَ الْأَنْصَارِیِّ وَ لِمَنْ بَعْدَهُ مِنْ أُمَّتِی مَنْ يَخَافُ الْعَوَارِضَ وَ التَّوَابِعَ فَقَالَ عَلِیٌّ عليه السلام وَ مَا أَكْتُبُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ اكْتُبْ يَا عَلِیُّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُماتِ وَ النُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ هَذَا كِتَابٌ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله عليه و آله

الْعَرَبِيِّ الْهَاشِمِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ الْأَبْطَحِيِّ الْأُمِّيِّ صَاحِبِ التَّاجِ وَ الْهَرَاوَةِ وَ الْقَضِيبِ وَ النَّاقَةِ صَاحِبِ قَوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَى مَنْ طَرَقَ الدَّارَ إِلَّا طَارِقاً يَطْرُقُ بِخَيْرٍ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ لَنَا وَ لَكُمْ فِي الْحَقِّ سَعَةً فَإِنْ لَمْ يَكُنْ طَارِقاً مُولَعاً أَوْ دَاعِياً مُبْطِلًا أَوْ مُؤْذِياً مُقْتَصِماً فَاتْرُكُوا حَمَلَةَ الْقُرْآنِ وَ انْطَلِقُوا إِلَى عَبَدَةِ الْأَوْثَانِ يُرْسَلُ عَلَيْكُما شُواظٌ مِنْ نارٍ وَ نُحاسٌ فَلا تَنْتَصِرانِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ لَا غَالِبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا أَحَدَ سِوَى اللَّهِ وَ لَا أَحَدَ مِثْلَ اللَّهِ وَ أَسْتَفْتِحُ بِاللَّهِ وَ أَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ صَاحِبُ كِتَابِي هَذَا فِي حِرْزِ اللَّهِ حَيْثُ مَا كَانَ وَ حَيْثُ مَا تَوَجَّهَ لَا تَقْرَبُوهُ وَ لَا تَفْزَعُوهُ وَ لَا تُضَارُّوهُ قَاعِداً وَ لَا قَائِماً وَ لَا فِي أَكْلٍ وَ لَا فِي شُرْبٍ وَ لَا فِي جِبَالٍ وَ لَا فِي اغْتِسَالٍ وَ لَا بِاللَّيْلِ وَ لَا بِالنَّهَارِ وَ كُلَّمَا سَمِعْتُمْ ذِكْرَ كِتَابِي هَذَا فَأَدْبِرُوا عَنْهُ بِلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ غَالِبُ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ هُوَ أَعْلَى مِنْ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ هُوَ أَعَزُّ مِنْ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ.

ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام يَا أَبَا الْحَسَنِ اكْتُبِ اللَّهُمَّ احْفَظْ يَا رَبِّ مَنْ عَلَّقَ عَلَيْهِ كِتَابِي هَذَا بِالاسْمِ الَّذِي هُوَ مَكْتُوبٌ عَلَى سُرَادِقِ الْعَرْشِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْغَالِبُ الَّذِي لَا يَغْلِبُهُ شَيْ ءٌ وَ لَا يَنْجُو مِنْهُ هَارِبٌ وَ أُعِيذُهُ بِالْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ بِالْعَيْنِ الَّتِي لَا تَنَامُ وَ بِالْكُرْسِيِّ الَّذِي لَا يَزُولُ وَ بِالْعَرْشِ الَّذِي لَا يُضَامُ وَ أُعِيذُهُ بِالاسْمِ الْمَكْتُوبِ فِي التَّوْرَاةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ بِالاسْمِ الَّذِي هُوَ مَكْتُوبٌ فِي الزَّبُورِ وَ بِالاسْمِ الَّذِي هُوَ مَكْتُوبٌ فِي الْفُرْقَانِ.

وَ أُعِيذُهُ بِالاسْمِ الَّذِي حُمِلَ بِهِ عَرْشُ بِلْقِيسَ إِلَى سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ عليه السلام قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْهِ طَرْفُهُ وَ بِالاسْمِ الَّذِي نَزَلَ بِهِ جَبْرَئِيلُ عليه السلام إِلَى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله فِي يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ وَ بِالْأَسْمَاءِ الثَّمَانِيَةِ الْمَكْتُوبَةِ فِي قَلْبِ الشَّمْسِ وَ بِالاسْمِ الَّذِي يَسِيرُ بِهِ السَّحَابُ الثِّقَالُ وَ بِالاسْمِ الَّذِي يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَ الْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَ بِالاسْمِ الَّذِي تَجَلَّى الرَّبُّ عَزَّ وَ جَلَّ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَتَقَطَّعَ الْجَبَلُ مِنْ أَصْلِهِ وَ خَرَّ مُوسى صَعِقاً وَ بِالاسْمِ الَّذِي كُتِبَ عَلَى وَرَقِ الزَّيْتُونِ وَ أُلْقِيَ فِي النَّارِ فَلَمْ يَحْتَرِقْ وَ بِالاسْمِ الَّذِي يَمْشِي بِهِ الْخَضِرُ عليه السلام عَلَى الْمَاءِ فَلَمْ تَبْتَلَّ قَدَمَاهُ وَ بِالاسْمِ الَّذِي نَطَقَ بِهِ عِيسَى عليه السلام فِي الْمَهْدِ صَبِيّاً وَ أَبْرَأَ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أَحْيَا الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ.

وَ أَعِيذُهُ بِالاسْمِ الَّذِى نَجَا بِهِ يُوسُفُ عليه السلام مِنَ الْجُبِّ وَ بِالاسْمِ الَّذِى نَجَا بِهِ يُونُسُ عليه السلام مِنَ الظُّلْمَهِ وَ بِالاسْمِ الَّذِى فُلِقَ بِهِ الْبَحْرُ لِمُوسَى عليه السلام وَ بَنِى إِسْرَائِيلَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ وَ أُعِيذُهُ بِالتِّسْعِ آيَاتٍ الَّتِى نَزَلَتْ عَلَى مُوسَى بِطُورِ سَيْنَاءَ وَ أُعِيذُ صَاحِبَ كِتَابِى هَذَا مِنْ كُلِّ عَيْنٍ نَاظِرَهٍ وَ آذَانٍ سَامِعَهٍ وَ أَلْسُنٍ نَاطِقَهٍ وَ أَقْدَامٍ مَاشِيَهٍ وَ قُلُوبٍ وَاعِيَهٍ وَ صُدُورٍ خَاوِيَهٍ وَ أَنْفُسٍ كَافِرَهٍ وَ عَيْنٍ لَازِمَهٍ ظَاهِرَهٍ وَ بَاطِنَهٍ وَ أُعِيذُهُ مِمَّنْ يَعْمَلُ السُّوءَ وَ يَعْمَلُ الْخَطَايَا وَ يَهُمُّ لَهَا مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثَى وَ أُعِيذُهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ عَقْدِهِمْ وَ مَكْرِهِمْ وَ سِلَاحِهِمْ وَ بَرِيقِ أَعْيُنِهِمْ وَ حَرِّ أَجْسَادِهِمْ وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الشَّيَاطِينِ وَ التَّوَابِعِ وَ السَّحَرَهِ وَ مِنْ شَرِّ مَنْ يَكُونُ فِى الْجِبَالِ وَ الغِيَاضِ وَ الْخَرَابِ وَ الْعُمْرَانِ وَ مِنْ شَرِّ سَاكِنِ الْعُيُونِ أَوْ سَاكِنِ الْبِحَارِ أَوْ سَاكِنِ الطُّرُقِ وَ أُعِيذُهُ مِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ غُولٍ وَ غُولَهٍ وَ سَاحِرٍ وَ سَاحِرَهٍ وَ سَاكِنٍ وَ سَاكِنَهٍ وَ تَابِعٍ وَ تَابِعَهٍ وَ مِنْ شَرِّهِمْ وَ شَرِّ آبَائِهِمْ وَ أُمَّهَاتِهِمْ وَ مِنْ شَرِّ الطَّيَّارَاتِ وَ أُعِيذُهُ بِيَا آهِيًا شَرَاهِيًا وَ أُعِيذُ صَاحِبَ كِتَابِى هَذَا مِنْ شَرِّ الدَّيَاهِشِ وَ الْأَبَالِسِ وَ مِنْ شَرِّ الْقَابِلِ وَ الْفَاعِلِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ عَيْنٍ سَاحِرَهٍ وَ خَاطِيَهٍ وَ مِنْ شَرِّ الدَّاخِلِ وَ الْخَارِجِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ طَارِقٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ عَادٍ وَ بَاغٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ عَفَارِيتِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ الرِّيَاحِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ عَجَمِيٍّ وَ نَائِمٍ وَ يَقْظَانَ وَ أُعِيذُ صَاحِبَ كِتَابِى هَذَا مِنْ شَرِّ سَاكِنِ الْأَرْضِ وَ مِنْ شَرِّ سَاكِنِ الْبُيُوتِ وَ الزَّوَايَا وَ الْمَزَابِلِ وَ مِنْ شَرِّ مَنْ يَصْنَعُ الْخَطِيئَهَ أَوْ يُولَعُ بِهَا وَ أُعِيذُهُ مِنْ شَرِّ مَا تَنْظُرُ إِلَيْهِ الْأَبْصَارُ وَ أُضْمِرَتْ عَلَيْهِ الْقُلُوبُ وَ أُخِذَتْ عَلَيْهِ الْعُهُودُ وَ مِنْ شَرِّ مَنْ يُولَعُ بِالْفِرَاشِ وَ الْمُهُودِ وَ مِنْ شَرِّ مَنْ لَا يَقْبَلُ الْعَزِيمَهَ وَ مِنْ شَرِّ مَنْ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ ذَابَ كَمَا يَذُوبُ الرَّصَاصُ وَ الْحَدِيدُ وَ أُعِيذُ صَاحِبَ كِتَابِى هَذَا مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَ مِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ وَ مِنْ شَرِّ مَنْ يَعْمَلُ الْعُقَدَ وَ مِنْ شَرِّ مَنْ يَسْكُنُ الْهَوَاءَ وَ الْجِبَالَ وَ الْبِحَارَ وَ مَنْ فِى الظُّلُمَاتِ وَ مَنْ

فِی النُّورِ وَ مِنْ شَرِّ مَنْ یَسْکُنُ الْعُیُونَ وَ مِنْ شَرِّ مَنْ یَمْشِی فِی الْأَسْوَاقِ وَ مَنْ یَکُونُ مَعَ الدَّوَابِّ وَ الْمَوَاشِی وَ الْوُحُوشِ وَ مِنْ شَرِّ مَنْ یَکُونُ فِی الْأَرْحَامِ وَ الْآجَامِ وَ مِنْ شَرِّ مَنْ یُوَسْوِسُ فِی صُدُورِ النَّاسِ وَ یَسْتَرِقُ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ: وَ أُعِیذُ صَاحِبَ کِتَابِی هَذَا مِنَ النَّظْرَهِ وَ اللَّمْحَهِ(۱) وَ الْخُطْوَهِ وَ الْکَرَّهِ وَ النَّفْخَهِ وَ أَعْیُنِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ الْمُتَمَرِّدَهِ وَ مِنْ شَرِّ الطَّائِفِ وَ الطَّارِقِ وَ الْغَاسِقِ وَ الْوَاقِبِ وَ أُعِیذُهُ مِنْ شَرِّ کُلِّ عَقْدٍ أَوْ سِحْرٍ أَوِ اسْتِیحَاشٍ أَوْ هَمٍّ أَوْ حُزْنٍ أَوْ فِکْرٍ أَوْ وَسْوَاسٍ وَ مِنْ دَاءٍ یُفْتَرَی لِبَنِی آدَمَ وَ بَنَاتِ حَوَّاءَ مِنْ قِبَلِ الْبَلْغَمِ أَوِ الدَّمِ أَوِ الْمِرَّهِ السَّوْدَاءِ وَ الْمِرَّهِ الْحَمْرَاءِ وَ الصَّفْرَاءِ أَوْ مِنَ النُّقْصَانِ وَ الزِّیَادَهِ وَ مِنْ کُلِّ دَاءٍ دَاخِلٍ فِی جِلْدٍ أَوْ لَحْمٍ أَوْ دَمٍ أَوْ عِرْقٍ أَوْ عَصَبٍ أَوْ فِی نُطْفَهٍ أَوْ فِی رُوحٍ أَوْ فِی سَمْعٍ أَوْ فِی بَصَرٍ أَوْ فِی شَعْرٍ أَوْ فِی بَشَرٍ أَوْ ظُفْرٍ أَوْ ظَاهِرٍ أَوْ بَاطِنٍ وَ أُعِیذُهُ بِمَا اسْتَعَاذَ بِهِ آدَمُ علیه السلام أَبُو الْبَشَرِ وَ شِیثٌ وَ هَابِیلُ وَ إِدْرِیسُ وَ نُوحٌ وَ لُوطٌ وَ إِبْرَاهِیمُ وَ إِسْمَاعِیلُ وَ إِسْحَاقُ وَ یَعْقُوبُ وَ الْأَسْبَاطُ وَ عِیسَی وَ أَیُّوبُ وَ یُوسُفُ وَ مُوسَی وَ هَارُونُ وَ دَاوُدُ وَ سُلَیْمَانُ وَ زَکَرِیَّا وَ یَحْیَی وَ هُودٌ وَ شُعَیْبٌ وَ إِلْیَاسُ وَ صَالِحٌ وَ الْیَسَعُ وَ لُقْمَانُ وَ ذُو الْکِفْلِ وَ ذُو الْقَرْنَیْنِ وَ طَالُوتُ وَ عُزَیْرٌ وَ عِزْرَائِیلُ وَ الْخَضِرُ علیه السلام وَ مُحَمَّدٌ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ أَجْمَعِینَ وَ کُلُّ مَلَکٍ مُقَرَّبٍ وَ نَبِیٍّ مُرْسَلٍ إِلَّا مَا تَبَاعَدْتُمْ وَ تَفَرَّقْتُمْ وَ تَنَحَّیْتُمْ عَمَّنْ عُلِّقَ عَلَیْهِ کِتَابِی هَذَا:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ الْجَلِیلِ الْجَمِیلِ الْمُحْسِنِ الْفَعَّالِ لِمَا یُرِیدُ وَ أُعِیذُهُ بِاللَّهِ وَ بِمَا اسْتَنَارَ بِهِ الشَّمْسُ وَ أَضَاءَ بِهِ الْقَمَرُ وَ هُوَ مَکْتُوبٌ تَحْتَ الْعَرْشِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ أَجْمَعِینَ فَسَیَکْفِیکَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ نَفَذَتْ حُجَّهُ اللَّهِ وَ ظَهَرَ سُلْطَانُ اللَّهِ وَ تَفَرَّقَ أَعْدَاءُ اللَّهِ وَ بَقِیَ وَجْهُ اللَّهِ وَ أَنْتَ یَا صَاحِبَ کِتَابِی هَذَا فِی حِرْزِ اللَّهِ وَ کَنَفِ اللَّهِ تَعَالَی وَ جِوَارِ اللَّهِ وَ أَمَانِ اللَّهِ اللَّهُ جَارُکَ وَ وَلِیُّکَ وَ حَاذِرُکَ اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ کَانَ وَ مَا لَمْ یَشَأْ لَمْ یَکُنْ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحاطَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عِلْماً وَ أَحْصی کُلَّ شَیْ ءٍ عَدَداً وَ أَحَاطَ بِالْبَرِیَّهِ خُبْراً

ص: ۲۲۳

۱- ۱. اللحظه خ.

إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً خَتَمْتُ هَذَا الْكِتَابَ بِخَاتَمِ اللَّهِ الَّذِي خَتَمَ بِهِ أَقْطَارَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ خَاتَمِ اللَّهِ الْمَنِيعِ وَ خَاتَمِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ خَاتَمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ أَلا إِنَّ أَوْلِياءَ اللَّهِ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ وَ كُلِّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ أَوْ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ بِاللَّهِ الَّذِي لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ثُمَّ دَفَعَهُ إِلَى أَبِي دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيِّ فَوَضَعَهُ فِي وَسَطِ الْبَيْتِ فَقَالَ لَهُ أَحْرَقْتَنَا بِالْكِتَابِ وَ الَّذِي قَالَ لِمُحَمَّدٍ قُمْ فَأَنْذِرْ قَالَ فَلَمَّا أَصْبَحَ أَبُو دُجَانَةَ جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَّةَ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله ارْفَعِ الْكِتَابَ وَ احْرُزْهُ فَإِنْ عَادَ فَضَعْهُ فِي الدَّارِ فَقَالَ أَبُو دُجَانَةَ الْأَنْصَارِيُّ فَوَ اللَّهِ مَا رَأَيْتُ فَزْعَةً لِأَهْلِي وَ لَا وُلْدِي وَ لَا عَادَ حَتَّى قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله.

**[ترجمه]از جمله حرزهای مشهوری که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده، حرز ابی دجانه است که برای دفع جن و سحر مفید است. ابو دجانه گوید: به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم: یا رسول الله، من در ساعتی از شب از خانه بیرون شدم ناگاه کسی وارد شد و من پوست او را لمس کردم که مثل پوست خارپشت بود. آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم رو به علی علیه السلام نمود و فرمود: برای ابو دجانه انصاری و دیگر افراد از امت من که از عوارض و توابع می ترسند حرزی بنویس. علی علیه السلام پرسید: ای رسول خدا، چه بنویسم؟ فرمود: بنویس:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُماتِ وَ النُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ این دست نوشته‌ای از محمد پیامبر عربی هاشمی مکّی مدنی ابطحی امیّ، صاحب تاج و عصا و شمشیر و ناقه است، صاحب قول لا إلهَ إلا اللّه تا آنجا که می گوید: فقط کسی که صاحب خیر است در را بکوبد. اما بعد، ما و شما گشایشی در حق داریم. پس اگر شبرو شیفته یا داعی باطل کننده سحر یا آزاررسان بود پس حافظان قرآن را رها کنید و به سوی بت‌پرستان بروید (که اگر این کار را نکنید) يُرْسَلُ عَلَيْكُما شُواظٌ مِنْ نارٍ وَ نُحاسٌ فَلا تَنْتَصِرانِ بسم الله و بالله، همه از آن خداییم و به سوی خدا می‌رویم. و فقط خدا پیروز است و هیچکس جز خدا وجود (استقلالی) ندارد و کسی مثل خدا نیست و کلام خود را با نام خداوند آغاز می‌کنم و به خدا توکل می کنم ، صاحب این نوشته در حرز الهی است ، هر جا بود و به هر سمتی که رهسپار شد. پس به او نزدیک نشوید و او را نترسانید و در نشستن و ایستادن و خوردن و آشامیدن و شست و شو و در کوه‌ها و نه در روز و شب به او زیانی نرسانید. و هر گاه این سخنان مرا شنیدید، از آن دوری

کنید به لا اله الا الله ، او بر هر چیزی غالب است و از هر چیزی برتر است و از هر چیزی عزیزتر است. وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه‌السلام فرمود: ای ابا الحسن، بنویس: خداوندا هر کس این نوشته مرا با خود به همراه داشت حفظ کن ، به نامی که بر سراپرده عرش نوشته شده است که لا إلهَ إلا اللّه، خداوند غالبی که هیچ چیز بر او غلبه نمی‌کند و هیچ کس راه فراری از او ندارد و امر او را واگذار می‌کنم به حیّ قیّومی که نمی‌میرد و به چشمی که نمی‌خوابد و به کرسی ای که فنا نمی‌پذیرد و به عرشی که مورد ظلم کسی واقع نمی‌شود. و او را پناه می‌دهم به نام مکتوب در تورات و انجیل و به اسمی که در زبور نوشته شده و به اسمی که در فرقان نوشته شده و او را در امان می‌دارم به اسمی که با آن تخت بلقیس به سوی سلیمان بن داوود علیه‌السلام حمل شد پیش از آن‌که پلک بزند و به اسمی که جبرییل در روز دوشنبه با آن بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و با هشت اسم نوشته شده در دل خورشید و به اسمی که ابرهای پر باران با آن به حرکت درمی‌آیند و به اسمی که رعد با صدایش آن را تسبیح می گوید و ملائکه از آن هراسانند و به اسمی که خداوند عز و جل با آن بر موسی بن عمران تجلی کرد و کوه شکافته شد وَ خَرَّ مُوسى صَعِقاً و به اسمی که بر برگ زیتون نوشته شد و در آتش انداخته شد و نسوخت و به اسمی که خضر علیه‌السلام با آن بر روی آب راه رفت و پاهایش خیس نشد و به اسمی که عیسی علیه‌السلام با آن در گهواره با کودک سخن گفت و نابینا و مبتلا به برص را شفا داد و به اذن خداوند مردگان را زنده کرد و او را در امان می‌دارم به اسمی که یوسف علیه‌السلام با آن از چاه نجات پیدا کرد و به اسمی که یونس علیه‌السلام با آن از تاریکی نجات یافت و به اسمی که دریا با آن برای موسی علیه‌السلام و بنی اسراییل شکافته شد و هر قسمت از آن مانند یک کوه بزرگ شد و او را در امان می‌دارم با نه آیه‌ای که در طور سینا بر موسی علیه‌السلام نازل شد و صاحب این نوشته را در پناه می‌دارم از هر چشم بینا و گوش شنوا و زبان گویا، و پایی که می‌رود و دلی که غرض‌ورزی دارد و سینه‌ای که کینه دارد و نفسی که کافر است و چشمی که همیشه در خفا و ظاهر به دنبال اوست و او را در امان

می‌دارم از کسی که بدکار و گناهکار است و نسبت به هر زن و مردی که نیت انجام آن را دارد. و او را در امان می‌دارم از هر شر و هر کینه و مکر و سلاحی و از چشم زخم آنان و حرارت جسمشان و از شر جن و انس و شیاطین و یاران آن‌ها و ساحران، و از شر هر کسی که در کوه‌ها و برکه‌ها و آبادی‌ها و ویرانه‌هاست و از شـر ساکن چشـمه‌ها دریاها و راه‌ها. و او را در پناه می‌دارم از شـر شـیاطین و از شـر هر غول و ساحر و ساکن و پیروان آنان و از شـر آن‌ها و شـر پدران و مادران آن‌ها و پرندگان. و او را در پناه می‌دارم از شر هر جنبنده‌ای و در پناه می‌دارم حامل این حرز را از شـر ابـالیس و شـیاطین و پذیرنـده و کننـده و از شـر هر چشم سـاحر و گناهکـاری و از شـر داخـل و خارج و از شـر هر رونـده و بازآینده و فتنه‌گری و از شـر جن و انس و از شر بادها و از شر هر عجم و خوابیده و بیدار، و در امان می‌دارم صاحب این حرز را از شر ساکنان زمین و از شـر ساکنان خانه‌ها و گوشه‌ها ی پنهان و زباله دانها و از شـر هر گناهکاری که شیفته انجام گناهان است و در امانت می‌دارم او را از شر آن‌چه که چشم‌ها به آن می‌نگرد و در دل‌ها مخفی است و بر آن پیمان گرفته شـده است و از شـر کسـی که بستر خود را دوست دارد و از شر کسـی که عزم و اراده راسخ را نمی‌پذیرد و از شـر کسی که وقتی خدا را یاد می‌کنند، مانند آهن و سرب ذوب می‌شود و صاحب این حرز را در پناه می‌دارم از شـر ابلیس و از شـر شـیاطین و از شر کسی که جادو می‌کند و از شر کسی که در هوا و کوه‌ها و دریاها و تاریکی‌ها و نور ساکن است و از شـر کسـی که در چشمه‌ها ساکن است و از شر کسی که در بازارها راه می‌رود و کسی که با جانداران و چهارپایان و وحوش است و از شـر کسـی که در رحم و بیشه است و از شر کسی که در دل مردم وسوسه می اندازد و استراق سمع می‌کند و دزدانه نگاه می‌کند: و در امان می‌دارم صاحب این حرز را از چشم زخم و لمحه و هر اقدام و حمله و نفَس و چشم جن و انس سـرکش و گردنده و شبرو و کسی که در تـاریکی شب راه می‌رود و او را در امان می‌دارم از شـر هر جادو و سـحری و از هر ترس و وحشت و انـدوه و فکر و وسواس و از هر دردی که اولاد آدم و دختران حوّاء به آن مبتلا می‌شونـد، مانند بلغم یا خون یا سودا و حمرا و صـفرا، یا هر کم و بیش و از هر دردی که به پوست یا گوشت یـا رگ یا عصب یا نطفه یا روح یا گوش و چشم یا مو و صورت و ناخن و ظاهر و باطن می‌رسـد و او را در امان می‌دارم از آن‌چه که آدم ابوالبشـر و شـیث و هابیل و ادریس و نوح و لوط و ابراهیم و اسـماعیل و اسـحاق و یعقوب و اسـباط و عیسـی و ایّوب و یوسف و موسی و هارون و داود و سلیمان و زکریا و یحیی و هود و شعیب و الیاس و صالح و یسع و لقمان و ذو الکفل و ذو القرنین و طالوت و عزیر و عزراییل و خضـر علیه‌السـلام و محمـد صـلوات علیه و آله و آل او و هر فرشـته مقرّب و پیـامبر فرسـتاده شـده‌ای از آن پنـاه جست پس ای گروه جنّیان، از پیرامون هر کس که این حرز مرا به همراه دارد متفرق شویـد. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ الجلیل الجمیل المحسن که هر چه بخواهد انجام می‌دهد و در امان می‌دارم او را به خداونـد و به آن‌چه که نور خورشـید بر آن افتاد و ماه آن را روشن کرد و این حرز بر زیر عرش نوشـته شده است لَا إله إلا اللّه محمّد رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله اجمعین فَسَیَکْفِیکَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ حجت خداوند تمام گشت و قدرت او آشکار شد و دشـمنان او متفرق شدنـد و فقط خداوند باقی ماند و تو ای صاحب این نوشـته در پناه خدای تعالی و در امان او و در جوار او هستی. خداوند همسایه تو و ولیّ توست و خداونـد تو را از هر چه بخواهد در امان می‌دارد. هر چه او بخواهد می‌شود و هر چه نخواهد نمی‌شود. گواهی می... دهم که خداونـد بر همه چیز تواناست و علمش بر همه چیز احاطه دارد و تعداد همه چیز را می داند و از همه امور مخلوقات آگاه است إِنَّ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَیْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِیماً این نوشته را مهر زدم با مهر خداوند که به وسیله آن سراسر آسمان‌ها و زمین را مهر زد و با مهر بلند مرتبه خداوند و مهر سلیمان بن داود و مهر محمد صلی الله علیه و آله و اجمعین ، همانا که اولیاء الله هیچ ترس و حزنی ندارند و همچنین هر فرشته مقرب یا نبی مرسَل ، لا إِلهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ .

سپس آن را به ابو دجانه انصاری داد و او حرز را در وسط خانه گـذاشت ، جن به او گفت: قسم به آن کس که به محمـد صـلی الله علیه و آله گفت : قم فأنـذر ، ما را سوزانـدی ، گفت در هنگام صبح ابو دجانه به نزد پیامبر صـلی الله علیه وآله و سـلم آمـد و این ماجرا را برایش بازگو کرد. پیـامبر صـلی الله علیه وآله و سـلم به او فرمود: حرز را از آنجا بردار و نگهـداری کن و اگر باز هم جن دیـدی، آن را در خانه بگـذار. ابو دجانه انصاری گفت: به خـدا سوگنـد که از آن روز به بعـد ترس خانواده و فرزنـدان خود را ندیدم و تا هنگام رحلت نبی اکرم دیگر جنی در آن خانه مشاهده نشد.

**[ترجمه]

مهـج، [مهج الدعوات] حِرْزُ خَدِيجَهَ عليها السـلام: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ يَا اللَّهُ يَا حَافَظُ يَا حَفِيظُ يَا رَقِيبُ حِرْزٌ آخَرُ لِخَدِيجَهَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ فَأَغِثْنِي وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَهَ عَيْنٍ أَبَداً وَ أَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ (۱).

ص: ۲۲۴

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۶ و فيه نسبه الحرز الثانى الى فاطمه الزهراء سلام اللّه عليها و قد مر قبل ذلك أيضا، و كل ما تكرر فى هذا الباب، كان مطابقا لنسخه الأصل، تاره بخط المؤلّف قدّس سرّه و تاره بخط كتابه.

**[ترجمه]مهج الدعوات حرز خديجه عليها السلام: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ يا الله يا حافظ يا حفيظ يا رقيب»

حرز ديگرى براى خديجه سلام الله عليها: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ يا حىّ يا قيّوم به رحمت تو از تو يارى مى‌خواهم پس به داد من برس و مرا به خود وامگذار، حتى چشم به هم زدنى و همه امور مرا اصلاح كن. - . مهج الدعوات: ۶ و در اين كتاب حرز دوم به فاطمه زهرا سلام الله عليها نسبت داده شده و پيش از اين نيز ذكر شد، و هر مطلبى كه در اين باب تكرار شد، با نسخه اصلى مطابق بود، يك بار با خط مولف قدس سره و يك بار با خط كتاب او. -

**[ترجمه]

باب ۳۹ أحراز مولاتنا فاطمه الزهراء صلوات الله عليها و بعض أدعيتها و عوذاتها

الأخبار

أقول

و سيجى ء فى باب عوذه الحمى و أنواعها بعض أحرازها عليها السلام إن شاء الله تعالى.

**[ترجمه]برخى از تعويذات ايشان در باب تعويذهاى تب و انواع آن، نقل خواهد شد.

**[ترجمه]

«۱»

اخْتِيَارُ ابْنِ الْبَاقِي،: دُعَاءٌ عَنْ سَيِّدَتِنَا فَاطِمَهَ الزَّهْرَاءِ عليها السلام اللَّهُمَّ بِعِلْمِكَ الْغَيْبِ وَ قُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ أَحْيِنِى مَا عَلِمْتَ الْحَيَاهَ خَيْراً لِى وَ تَوَفَّنِى إِذَا كَانَتِ الْوَفَاهُ خَيْراً لِى اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْأَلُكَ كَلِمَهَ الْإِخْلَاصِ وَ خَشْيَتَكَ فِى الرِّضَا وَ الْغَضَبِ وَ الْقَصْدَ فِى الْغِنَى وَ الْفَقْرِ وَ أَسْأَلُكَ نَعِيماً لَا يَنْفَدُ وَ أَسْأَلُكَ قُرَّهَ عَيْنٍ لَا تَنْقَطِعُ وَ أَسْأَلُكَ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَ أَسْأَلُكَ بَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ أَسْأَلُكَ النَّظَرَ إِلَى وَجْهِكَ وَ الشَّوْقَ إِلَى لِقَائِكَ مِنْ غَيْرِ ضَرَّاءَ مُضِرَّهٍ وَ لَا فِتْنَهٍ مُظْلِمَهٍ اللَّهُمَّ زَيِّنَّا بِزِينَهِ الْإِيمَانِ وَ اجْعَلْنَا هُدَاهً مَهْدِيِّينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

وَ مِنْهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ جَعْفَرٍ عليه السلام: اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَسْمَعُ كَلَامِى وَ تَرَى مَكَانِى وَ تَعْلَمُ سِرِّى وَ عَلَانِيَتِى وَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ شَيْ ءٌ مِنْ أَمْرِى وَ أَنَا الْبَائِسُ الْفَقِيرُ الْمُسْتَغِيثُ الْمُسْتَجِيرُ الْوَجِلُ الْمُشْفِقُ الْمُقِرُّ الْمُعْتَرِفُ بِذَنْبِهِ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَهَ الْمِسْكِينِ وَ أَبْتَهِلُ إِلَيْكَ ابْتِهَالَ الْمُذْنِبِ الذَّلِيلِ وَ أَدْعُوكَ دُعَاءَ الْخَائِفِ الضَّرِيرِ دُعَاءَ مَنْ خَضَعَتْ لَكَ رَقَبَتُهُ وَ فَاضَتْ لَكَ عَبْرَتُهُ وَ ذَلَّ لَكَ خِيفَتُهُ (۱) وَ رَغِمَ لَكَ أَنْفُهُ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِى بِدُعَائِكَ شَقِيّاً وَ كُنْ لِى رَءُوفاً رَحِيماً يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَ يَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَ مِنْهُ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام (۲):

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَشْكُو ضَعْفَ قُوَّتِى وَ قِلَّهَ حِيلَتِى وَ هَوَانِى عَلَى النَّاسِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ إِلَى مَنْ تَكِلُنِى إِلَى عَدُوٍّ يَتَجَهَّمُنِى أَمْ إِلَى قَرِيبٍ مَلَّكْتَهُ أَمْرِى إِنْ لَمْ

۱- ۱. صفيحه ظ.

۲- ۲. و كان المناسب عنوانه فى باب الآتى.

تَكَنْ سَاخِطاً عَلَيَّ فَلَا أُبَالِي غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ عَلَيَّ أَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الَّذِی أَضَاءَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ أَشْرَقَتْ لَهُ الظُّلُمَاتُ وَ صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ أَنْ تَحُلَّ عَلَيَّ غَضَبُكَ أَوْ تَنْزِلَ عَلَيَّ سَخَطُكَ لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِكَ.

وَ مِنْهُ دُعَاءٌ لِمَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ يُصْبِحْ بِی مَيِّتاً وَ لَا سَقِيماً وَ لَا مَضْرُوباً عَلَى عُرُوقِی بِسُوءٍ وَ لَا مَأْخُوذاً بِسُوءِ عَمَلِی وَ لَا مَقْطُوعاً دَابِرِی وَ لَا مُرْتَدّاً عَنْ دِينِی وَ لَا مُنْكِراً لِرَبِّی وَ لَا مُسْتَوْحِشاً مِنْ إِيمَانِی وَ لَا مُلَبَّساً عَلَى عُنُقِی (۱)

وَ لَا مُعَذَّباً بِعَذَابِ الْأُمَمِ مِنْ قَبْلِی أَصْبَحْتُ عَبْداً مَمْلُوكاً ظَالِماً لِنَفْسِی لَكَ الْحُجَّهُ عَلَيَّ وَ لَا حُجَّهَ لِی لَا أَسْتَطِيعُ أَنْ آخُذَ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَنِی وَ لَا أَتَّقِی إِلَّا مَا وَقَيْتَنِی اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَفْتَقِرَ فِی غِنَاكَ أَوْ أَضِلَّ فِی هُدَاكَ أَوْ أُضَامَ فِی سُلْطَانِكَ أَوْ أُضْطَهَدَ وَ الْأَمْرُ لَكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِی أَوَّلَ كَرِيمَهٍ تَرْتَجِعُهَا مِنْ وَدَائِعِكَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذْهَبَ عَنْ قَوْلِكَ أَوْ نَفْتَتِنَ عَنْ دِينِكَ أَوْ تَتَتَابَعَ بِنَا أَهْوَاءُنَا دُونَ الْهُدَى الَّذِی جَاءَ مِنْ عِنْدِكَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

**[ترجمه]اختیار ابن الباقی : دعای حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها: پروردگارا! به علم غیب و قدرتت بر آفریدگان، تا آنجا که زندگی را برایم خیر می دانی، زنده ام بدار و آن هنگام که مرگ برایم بهتر است، مرا بمیران. بار خدایا، از تو کلمه اخلاص و ترس از خودت چه در حال رضا و خوشنودی و چه در حال غضب و خشم را خواستارم و همچنین میانه روی و اعتدال در تهیدستی و بی نیازیم را. و نیز نعمت جاویدان و روشنی چشم همیشگی و پایدار و پیوسته را خواهانم چنان که خوشنودی نسبت به قضای تو را می طلبم. پروردگارا! زندگی خوش بعد از مرگ و دیدار جمال و چهره ات و شوق وصال و لقای تو را بی آنکه در حالت زیان و ضرر و یا فتنه ای ظلمانی و تاریک باشد خواستارم، بار الها! ما را به زینت و زیور ایمان مزیّن فرما و از راهنمایان راه یافته قرارمان ده، ای آفریدگار و خالق جهانیان.

از امام جعفر صادق علیه السلام هم این دعا نقل شده است:

خداوندا، تو سخنانم را می‌شنوی و جایگاه مرا می‌بینی و از آشکار و نهان من آگاهی و هیچ یک از کارهای من از تو پوشیده نیست. من بینوا و فقیرم و من فریاد می کنم و از تو پناه می‌خواهم هراسان و بیمناکم و به گناه خود اعتراف می‌کنم. همچون یک مسکین از درگاه تو گدایی می‌کنم وهمچون یک گناهکار ذلیل و پشیمان به درگاه تو زاری می‌کنم و همچون یک فرد ضرر کرده و هراسان تو را می‌خوانم. همچون کسی که گردنش در مقابل تو خم گشته و اشک چشمش جاری گشته و در مقابل تو خوار و ذلیل شده و بینی اش در مقابل تو به خاک مالیده شده است، تو را می‌خوانم. خداوند ا، به برکت این دعایی که من به درگاه تو دارم، مرا نگون بخت قرار نده و نسبت به من دلسوز و مهربان باش؛ ای بهترین کسی که درخواست بندگان به درگاه او برده می‌شود و ای بهترین عطا کنندگان و الحمد لله رب العالمین.

و نیز دعایی که از حضرت علی علیه السلام نقل شده است: خداوندا، داد ناتوانی و بی کسی و بی ارج و قرب شدنم در میان مردم را از تو می خواهم. ای بخشاینده ترین بخشایندگان . مرا به که می سپاری، به بیگانه ای که روی ترش کرده به استقبالم آید، یا به دشمنی که خود، او را بر کار من قدرت و توان داده ای؟ اگر تو را بر من خشمی نباشد، چه باک، بلکه عافیت تو برای من [از همه چیز] فراگیرتر است. از آنکه خشم تو بر من فرود یا ناخشنودی ات بر من لازم آید به نور روی تو که تاریکیها بدان روشن گردند و کار دنیا و آخرت به آن راست آید،

پناه می برم. عذرخواهی از تو تا آنگاه که خشنود گردی، ضروری است. و جز از سوی تو طاقت و توانی نیست.

و نیز دعایی که از امام علی علیه السلام روایت شده است: سپاس خدایی را سزاوار، که به بامدادم در آورد، نه مرده و نه بیمار و نه رگهایم به بیماری دچار، و نه به کیفر کردار بدم گرفتار. نه بی فرزند و تبار، و نه از دین برگشته و نه منکر پروردگار. نه از ایمانم نگرانم، و نه خردم آشفته و سرگردان، و نه در عذابی هستم که امّتهای پیش از من گرفتار بودند بدان. بامداد کردم در حالی که بنده ای هستم بی اختیار، بر نفس خود ستمکار. تو راست که بر من حجت آری و مرا چه جای عذر- در خطاکاری-. نتوانم گرفتن جز آنچه تو عطا فرمایی، و نه از گزندی خود را واپایم جز تو که تو مرا واپایی. خدایا به تو پناه می برم از آن که در سایه بی نیازی ات نادار مانم، یا در روشنی هدایتت به گمراهی دچار، یا

در پناه قـدرتت به سـتمی گرفتار، یا کار به دست تو باشـد و من خوار. خـدایا جانم را نخستین نعمت گرانبهایی کن که داده ای و می سـتانی و نخستین سپرده از سپرده هایت که نزد من است و باز می گردانی. خدایا ما به تو پناه می بریم که از گفته تو به یکسو شویم،

یـا از دین تو به دین دیگر رویم، یـا خواهشـهای پیـاپی بر ما روی آرد و به راه هـدایتی که از جانب تو آمـده است رفتن نگـذارد. خداونـدا، بر محمد و ال ممحد درود و رحمت بفرست.

**[ترجمه]

«۲»

الدَّلَائِلُ لِلطَّبَرِیِّ، قَالَ رَوَی عَلِیُّ بْنُ الْحَسَنِ الشَّافِعِیُّ عَنْ یُوسُفَ بْنِ یَعْقُوبَ الْقَاضِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَوْنٍ الطَّائِیِّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ أَبِی هِنْدٍ عَنِ ابْنِ أَبَانٍ عَنْ سَلْمَانَ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: کُنْتُ خَارِجاً مِنْ مَنْزِلِی ذَاتَ یَوْمٍ بَعْدَ وَفَاهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذْ لَقِیَنِی أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام فَقَالَ مَرْحَباً یَا سَلْمَانُ صِرْ إِلَی مَنْزِلِ فَاطِمَهَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ فَإِنَّهَا إِلَیْکَ مُشْتَاقَهٌ وَ إِنَّهَا قَدْ أُتْحِفَتْ بِتُحْفَهٍ مِنَ الْجَنَّهِ تُرِیدُ أَنْ تُتْحِفَکَ مِنْهَا قَالَ سَلْمَانُ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ فَمَضَیْتُ إِلَیْهَا فَطَرَقْتُ الْبَابَ وَ اسْتَأْذَنْتُ فَأَذِنَتْ لِی بِالدُّخُولِ فَدَخَلْتُ فَإِذَا هِیَ جَالِسَهٌ فِی صَحْنِ الْحُجْرَهِ عَلَیْهَا قِطْعَهُ عَبَاءٍ قَالَتْ اجْلِسْ فَجَلَسْتُ فَقَالَتْ کُنْتُ بِالْأَمْسِ جَالِسَهً فِی صَحْنِ الْحُجْرَهِ شَدِیدَهَ الْغَمِّ عَلَی

۱- ۱. فی النهج کما سیأتی« و لا ملتبسا علی عقلی».

النَّبِيِّ أَبْكِيهِ وَ أَنْدُبُهُ وَ كُنْتُ رَدَدْتُ بَابَ الْحُجْرَهِ بِيَدِي إِذَا انْفَتَحَ الْبَابُ وَ دَخَلَ عَلَيَّ ثَلَاثُ جَوَارِي لَمْ أَرَ كَحُسْنِهِنَّ وَ لَا نَضَارَهِ وُجُوهِهِنَّ فَقُمْتُ إِلَيْهِنَّ مُنْكِرَهً لِشَأْنِهِنَّ وَ قُلْتُ مِنْ أَيْنَ أَنْتُنَّ مِنْ مَكَّهَ أَوْ مِنَ الْمَدِينَهِ فَقُلْنَ لَا مِنْ أَهْلِ مَكَّهَ وَ لَا مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَهِ نَحْنُ مِنْ أَهْلِ دَارِ السَّلَامِ بَعَثَ بِنَا إِلَيْكِ رَبُّ الْعَالَمِينَ يُسَلِّمُ عَلَيْكِ وَ يُعَزِّيكِ بِأَبِيكِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله.

قَالَتْ فَاطِمَهُ فَجَلَسْتُ أَمَامَهُنَّ وَ قُلْتُ لِلَّتِي أَظُنُّ أَنَّهَا أَكْبَرُهُنَّ مَا اسْمُكِ قَالَتْ ذَرَّهُ قُلْتُ وَ لِمَ سُمِّيتِ ذَرَّهَ قَالَتْ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَنِي لِأَبِي ذَرٍّ الْغِفَارِيِّ وَ قُلْتُ لِأُخْرَى مَا اسْمُكِ قَالَتْ مِقْدَادَهُ فَقُلْتُ وَ لِمَ سُمِّيتِ مِقْدَادَهَ قَالَتْ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَنِي لِمِقْدَادَ وَ قُلْتُ لِلثَّالِثَهِ مَا اسْمُكِ قَالَتْ سَلْمَى قُلْتُ وَ لِمَ سُمِّيتِ سَلْمَى قَالَتْ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَنِي لِسَلْمَانَ وَ قَدْ أَهْدَوْا إِلَيَّ هَدِيَّهً مِنَ الْجَنَّهِ وَ قَدْ خَبَأْتُ لَکَ مِنْهَا فَأَخْرَجَتْ إِلَيَّ طَبَقاً مِنْ رُطَبٍ أَبْيَضَ مَا يَكُونُ مِنَ الثَّلْجِ وَ أَزْكَى رَائِحَهً مِنَ الْمِسْكِ فَدَفَعَتْ إِلَيَّ خَمْسَ رُطَبَاتٍ وَ قَالَتْ لِي كُلْ يَا سَلْمَانُ هَذَا عِنْدَ إِفْطَارِکَ وَ أَقْبَلْتُ أُرِيدُ الْمَنْزِلَ فَوَ اللَّهِ مَا مَرَرْتُ بِمَلَإٍ مِنَ النَّاسِ إِلَّا قَالُوا تَحْمِلُ الْمِسْکَ يَا سَلْمَانُ حَتَّى أَتَيْتُ الْمَنْزِلَ فَلَمَّا كَانَ وَقْتُ الْإِفْطَارِ أَفْطَرْتُ عَلَيْهِنَّ فَلَمْ أَجِدْ لَهُنَّ نَوًى وَ لَا عَجَماً حَتَّى إِذَا أَصْبَحْتُ بَكَّرْتُ إِلَى مَنْزِلِ فَاطِمَهَ فَأَخْبَرْتُهَا فَتَبَسَّمَتْ ضَاحِكَهً وَ قَالَتْ يَا سَلْمَانُ مِنْ أَيْنَ يَكُونُ لَهُ نَوًى وَ إِنَّمَا هُوَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَهُ لِي تَحْتَ عَرْشِهِ بِدَعَوَاتٍ كَانَ عَلَّمَنِيهَا النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله فَقُلْتُ حَبِيبَتِي عَلِّمِينِي تِلْکَ الدَّعَوَاتِ فَقَالَتْ إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ وَ هُوَ عَنْکَ غَيْرُ غَضْبَانَ فَوَاظِبْ عَلَى هَذَا الدُّعَاءِ وَ هُوَ بِسْمِ اللَّهِ النُّورِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي يَقُولُ لِلشَّيْ ءِ كُنْ فَيَكُونُ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي يَعْلَمُ خائِنَهَ الْأَعْيُنِ وَ ما تُخْفِي الصُّدُورُ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْمَعْرُوفِ مَذْكُورٌ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ النُّورَ عَلَى الطُّورِ بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ عَلَى نَبِيٍّ مَحْبُورٍ(۱).

۱- ۱. الحديث مختصر هاهنا، و تمامه فى مهج الدعوات ص ۷- ۹ و أخرجه المؤلّف العلامه فى مناقب الزهراء سلام اللّه عليها راجع ج ۴۳ ص ۶۶- ۶۸.

**[ترجمه]دلائل الامامه طبری:سلمان فارسی گفت: ده روز بعد از رحلت پیغمبر عزیز اسلام صلی اللّٰه علیه و آله و سلم از منزل خود خارج و با حضرت علی بن ابی طالب علیه السّلام مواجه شدم و به من فرمود: خوش آمدی ای سلمان بیا در منزل فاطمه زهرا زیرا او به تو لطف دارد، می‌خواهد از آن تحفه ای که از بهشت برایش آمده به تو عطا کند، سلمان می گوید: من به خانه زهرای اطهر رفتم، پس از ورود دیدم فاطمه نشسته و یک قطعه عباء در بر دارد. به من فرمود: من دیروز در همین مکان نشسته بودم، در خانه بسته بود، من بر غم از دست دادن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، گریه می‌کردم. ناگاه دیدم در خانه بدون آنکه احدی آن را باز کند باز شد و سه دختر وارد شدند که تا به حال به زیبایی آنان ندیده بودنم. وقتی چشم من به ایشان افتاد بدون اینکه آنان را بشناسم از جای برخاستم و گفتم: شما از کجا آمدید؟، آیا از اهل مکه یا اهل مدینه می باشید!؟ گفتند: ما اهل مکه و مدینه و اهل زمین نیستیم، بلکه از حوریه های بهشت می‌باشیم که خدای مهربان ما را برای زیارت تو فرستاده، که رحلت پدرت را به تو تسلیت بگوییم. من به یکی از ایشان که گمان می‌کردم از لحاظ سن بزرگتر بود گفتم: نام تو چیست؟ گفت: نام من ذره است، گفتم: برای چه نام تو ذره است ؟ گفت: بجهت اینکه برای ابوذر که صحابه رسول خدا است آفریده شده ام. به دیگری گفتم نامت چیست؟ گفت: مقداده، گفتم: برای چه باین نام نامیده شدی؟ گفت: برای اینکه من از برای مقداد بن اسود کندی صحابه رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله آفریده شده ام. به سومی گفتم: نام تو چیست؟ گفت: نامم سلمی می باشد، گفتم: چرا نام تو سلمی نهاده شده؟ گفت: برای اینکه من برای سلمان دوست پیامبر اسلام صلی اللّٰه علیه و آله و سلم خلق شده ام .

فاطمه اطهر می‌گوید: سپس آن حوریه ها رطب کبود رنگی که نظیر نان قندی بزرگ و از برف سفیدتر و از مشک خوشبوتر بود به من دادند، سپس زهرای اطهر، آن رطب را نزد من آورد و فرمود: امشب با این رطب افطار کن و فردا هسته آن را نزد من بیاور.

سلمان می‌گوید: پس از گرفتن آن رطب به هر گروهی از اصحاب پیامبر خدا عبور می‌کردم به من می گفتند: آیا مشک و عنبر همراه داری!؟ تا اینکه به منزل رسیدم. هنگامی که وقت افطار رسید و من با آن رطب افطار کردم هسته ای در آن نیافتم، روز دوم به حضور دختر پیغمبر خدا رفتم و به وی گفتم: من به وسیله آن تحفه ای که به من عطا کردی افطار نمودم ولی هسته ای در میان آن نیافتم!؟ فرمود: ای سلمان آن رطب هرگز دارای هسته نخواهد بود، زیرا درخت این رطب را خدا در بهشت برای این دعائی که پدرم به من تعلیم داده و من آن را صبح و شام می‌خوانم در بهشت غرس کرده است.

سلمان گفت: آن دعا را به من یاد بده فاطمه زهرا فرمود: اگر دوست داری که به خضور خداوند برسی در حالی خداوند از تو غضبناک نباشد، به خواندن این دعا مواظبت کن :

بسم الله النور. به نام خداوندی که به هر چیز بگوید، موجود باش، آن چیز موجود می‌گردد. به نام خداوندی که حرکات مخفیانه چشمها و آنچه را که سینه ها نهان است می‌داند،

می‌داند. به نام خداوندی که نور را از نور آفرید. به نام خداوندی که نامش را به نیکی می‌برند. به نام خداوندی که نور را بر کوه طور نازل کرد. و وحی خود را به مقدار مقدر شده در کتابی نگاشته شده بر پیامبر نیکویش نازل نمود - . این حدیث در اینجا بطور مختصر آمده ولی در مهج الدعوات ص۷-۹ بطور کامل آمده است. و مؤلف این کتاب علامه مجلسی این حدیث را در مناقب حضرت زهرا سلام الله علیها در جلد ۴۳ ص۶۶-۶۸ آورده است. - .

**[ترجمه]

باب ۴۰ أحراز مولانا أمیر المؤمنین صلوات الله علیه و بعض أدعیته و عوذاته و من جملتها دعاء الصباح و المساء له علیه السلام و ما یناسب ذلک المعنی و فی مطاویها بعض أدعیه النبی صلی الله علیه و آله أیضا

الأخبار

«۱»

مهج، [مهج الدعوات]: حِرْزُ مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يُكْتَبُ وَ يُشَدُّ عَلَى الْعَضُدِ الْأَيْمَنِ وَ هُوَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أی كنوش أی كنوش أره شش عطيطسفيخ يا مطيطرون قربالسيون ما و ما ساما سوما طيسطالوس (۱) حنطوس مسفقلس مساصعوس اقرطيعوس (۲) لطفيكس (۳)

هَذَا وَ ما كُنْتَ بِجانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنا إِلى مُوسَى الْأَمْرَ وَ ما كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ اخْرُجْ بِقُدْرَهِ اللَّهِ مِنْهَا أَيُّهَا اللَّعِينُ بِقُوَّهِ(۴) رَبِّ الْعَالَمِينَ اخْرُجْ مِنْهَا وَ إِلَّا كُنْتَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ اخْرُجْ مِنْهَا فَما يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيها فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ اخْرُجْ مِنْها مَذْؤُماً مَدْحُوراً مَلْعُوناً كَما لَعَنَّا أَصْحابَ السَّبْتِ وَ كانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا اخْرُجْ يَا ذَا الْمَحْزُونِ اخْرُجْ يَا سُورَا يَا سُوراسُورُ بِالاسْمِ الْمَخْزُونِ يَا ططرون طرعون مراعون تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخالِقِينَ يَاهِيّاً يَاهِيّاً شَرَاهِيّا حَيّاً قَيُّوماً بِالاسْمِ الْمَكْتُوبِ عَلَى جَبْهَهِ إِسْرَافِيلَ اطْرُدُوا عَنْ صَاحِبِ هَذَا الْكِتَابِ كُلَّ جِنِّيٍّ وَ جِنِّيَّهٍ وَ شَيْطَانٍ وَ شَيْطَانَهٍ وَ تَابِعٍ وَ تَابِعَهٍ وَ سَاحِرٍ وَ سَاحِرَهٍ وَ غُولٍ وَ غُولَهٍ وَ كُلَّ مُتَعَبِّثٍ وَ عَابِثٍ يَعْبَثُ بِابْنِ آدَمَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

ص: ۲۲۸

۱- ۱. طيطسالوس خ ل.

۲- ۲. افطيعوش خ ل.

۳- ۳. لطيفكس خ ل.

۴- ۴. بعزه خ ل.

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ (۱).



**[ترجمه]مهج الدعوات : حرز امام علی علیه السلام که این حرز نوشته شده و بر روی بازوی راست بسته می‌شود.

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. ای کنوش ای کنوش اره شش عطیطسفیخ یا مطیطرون قربالسیون ما و ما سا ما سو ما طیسطالوس حنطوس مسقلس مساصعوس اقرطیعوس لطفیکس؛ تو در جانب غربی نبودی هنگامی که ما فرمان نبوّت را به موسی دادیم؛ و تو از شاهدان نبودی (در آن هنگام که معجزات را در اختیار موسی گذاردیم). ای لعین، به قدرت پروردگار جهانیان از آنجا خارج شو وگرنه از زندانی ها خواهی بود. از آنجا خارج شو که تو اجازه نداری در آن بزرگنمایی کنی ، با ننگ و خواری و مورد نفرین شده، از آنجا خارج شو؛ همچنان که ما مردمی را که در روز شنبه ماهی می‌گرفتند، لعنت کردیم. و دستور خداوند عملی خواهد شد. خارج شو ای ذا المحزون اخرج یا سورا یا سورا سور بالإسم المخزون یا ططرون طرعون مراعون تبارک اللّه احسن الخالقین یاهیّا یاهیّا شراهیا حیا قیوما. به نامی که بر پیشانی اسرافیل نوشته شده است، از صاحب این حرز، همه جنیان و شیاطین و تابعان و ساحران و غول‌های نر و ماده و هر فسادگری که بنی آدم را به فساد می‌کشاند، دور کنید. و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم، و صلی الله علی محمد و آله اجمعین - . مهج الدعوات : ۱۰ - .

**[ترجمه]

«۲»

ق، [الکتاب العتیق الغرویّ] مهج، [مهج الدعوات]: حِرْزٌ آخَرُ عَنْ مَوْلَانَا وَ عُرْوَتِنَا أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام اللَّهُمَّ بِتَأَلُّقِ نُورِ بَهَاءِ عَرْشِکَ مِنْ أَعْدَائِی (۲) اسْتَتَرْتُ وَ بِسَطْوَهِ الْجَبَرُوتِ مِنْ کَمَالِ عِزِّکَ مِمَّنْ یَکِیدُنِی احْتَجَبْتُ وَ بِسُلْطَانِکَ الْعَظِیمِ مِنْ شَرِّ کُلِّ سُلْطَانٍ وَ شَیْطَانٍ اسْتَعَذْتُ وَ مِنْ فَرَائِضِ نِعْمَتِکَ (۳) وَ جَزِیلِ عَطِیَّتِکَ (۴)

یَا مَوْلَایَ طَلَبْتُ کَیْفَ أَخَافُ وَ أَنْتَ أَمَلِی وَ کَیْفَ أُضَامُ وَ عَلَیْکَ مُتَّکَلِی أَسْلَمْتُ إِلَیْکَ نَفْسِی وَ فَوَّضْتُ إِلَیْکَ أَمْرِی وَ تَوَکَّلْتُ فِی کُلِّ أَحْوَالِی عَلَیْکَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اشْفِنِی وَ اکْفِنِی وَ اغْلِبْ لِی مَنْ غَلَبَنِی یَا غَالِباً غَیْرَ مَغْلُوبٍ زَجَرْتُ کُلَّ رَاصِدٍ رَصَدَ وَ مَارِدٍ مَرَدَ وَ حَاسِدٍ حَسَدَ وَ عَدُوٍّ کَنَدَ وَ عَانِدٍ عَنَدَ بِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ کَذَلِکَ اللَّهُ رَبُّنَا کَذَلِکَ اللَّهُ رَبُّنَا کَذَلِکَ اللَّهُ رَبُّنَا عَزَّ وَ جَلَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ إِنَّهُ أَقْوَی مُعِینٍ (۵).

**[ترجمه]عتیق غروی و مهج الدعوات: حرز دیگری از مولا و دست‌آویز ما علی بن ابی طالب علیه السلام: خدایا به درخشش نور بهاء عرش تو، از دشمنانم خود را بپوشانم و به سطوت جبروت کمال عزتت از هر که نقشه برایم کشید در پرده شوم و به سلطنت بزرگ تو از شر هر سلطان و شیطان سرکشی پناهنده گردم، و نعمتهای ریزان و عطای شایانت را- ای مولای من- جویایم، چگونه بترسم که آرزویم توئی، و چگونه مورد ستم قرار گیرم که اعتمادم بر تو است، خود را به تو سپردم، و کارم را به تو واگذاردم، و در هر حالی به تو توکل دارم.

درود فرست بر محمد و خاندان محمد، و شفایم ده، و کارم را کفایت کن، و مرا بر هر کس که بر من پیروز گشته پیروز گردان، ای پیروزی که هرگز مغلوب نگردد، من هر دیده بانی را که بر من دیده بانی کند، و هر سرکشی را که سرکشی کند، و هر حسودی را که حسودی کند، و هر دشمنی را که دشمنی کند همه را (از خود دور کردم و) بانگ بر آنها زدم به وسیله «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ،

اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ و لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ، کذلک الله ربنا کذلک الله ربنا کذلک الله ربنا، خدا برایمان کافی است و او بهترین کارگزار و او قدرتمندترین یاری گر است - . مهج الدعوات : ۱۱- ۱۲ - .

**[ترجمه]

«۳»

نهج، [نهج البلاغه] وَ مِنْ کَلِمَاتٍ کَانَ یَدْعُو بِهَا علیه السلام: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِی مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّی فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ لِی بِالْمَغْفِرَهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِی مَا وَأَیْتُ مِنْ نَفْسِی وَ لَمْ تَجِدْ لَهُ وَفَاءً عِنْدِی اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِی مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَیْکَ

ص: ۲۲۹

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۰، و بعد صوره أحرف هکذا شبیها بما فی ص ۱۹۳.

۲- ۲. عداتی خ ل.

۳- ۳. نعمک خ ل نعمائک خ ل.

۴- ۴. عطائک خ ل، عطایاک خ ل.

۵- ۵. مهج الدعوات ص ۱۱ و ۱۲.

بِلِسَانِی ثُمَّ خَالَفَهُ قَلْبِی اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِی رَمَزَاتِ الْأَلْحَاظِ وَ سَقَطَاتِ الْأَلْفَاظِ وَ شَهَوَاتِ الْجَنَانِ وَ هَفَوَاتِ اللِّسَانِ (۱).

**[ترجمه]نهج البلاغه: دعایی که امیرالمؤمنین علیه السلام می خواند: خدایا بیامرز آنچه (گناهی) را از من که تو به آن داناتری، پس اگر من باز گردم (دوباره مرتکب آن شوم) تو آمرزش را بمن بازگردان، خدایا بیامرز آنچه که من با خود وعده کرده ام (اطاعت و بندگی که انجام آنرا عهده گرفتم) و وفای به آن عهد را از من نیافتی، خدایا بیامرز آنچه که من بآن بسوی تو به زبانم تقرّب می جویم و دلم بر خلاف آنست خدایا بیامرز اشاره های گوشه های چشم را و گفتارهای بیهوده و آرزوهای دل و لغزشهای زبان مرا - . نهج البلاغه، خطبه ۷۶ - .

**[ترجمه]

«۴»

نهج، [نهج البلاغه] وَ مِنْ دُعَائِهِ کَانَ یَدْعُو بِهِ علیه السلام کَثِیراً: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یُصْبِحْ بِی مَیِّتاً وَ لَا سَقِیماً وَ لَا مَضْرُوباً عَلَی عُرُوقِی بِسُوءٍ وَ لَا مَأْخُوذاً بِأَسْوَإِ عَمَلِی وَ لَا مَقْطُوعاً دَابِرِی وَ لَا مُرْتَدّاً عَنْ دِینِی وَ لَا مُنْکِراً لِرَبِّی وَ لَا مُسْتَوْحِشاً مِنْ إِیمَانِی وَ لَا مُلْتَبِساً

عَقْلِی وَ لَا مُعَذَّباً بِعَذَابِ الْأُمَمِ مِنْ قَبْلِی أَصْبَحْتُ عَبْداً مَمْلُوکاً ظَالِماً لِنَفْسِی لَکَ الْحُجَّةُ عَلَیَّ وَ لَا حُجَّةَ لِی لَا أَسْتَطِیعُ أَنْ آخُذَ إِلَّا مَا أَعْطَیْتَنِی وَ لَا أَتَّقِی إِلَّا مَا وَقَیْتَنِی اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَفْتَقِرَ فِی غِنَاکَ أَوْ أَضِلَّ فِی هُدَاکَ أَوْ أُضَامَ فِی سُلْطَانِکَ أَوْ أُضْطَهَدَ وَ الْأَمْرُ لَکَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِی أَوَّلَ کَرِیمَةٍ تَنْتَزِعُهَا مِنْ کَرَائِمِی وَ أَوَّلَ وَدِیعَةٍ تَرْتَجِعُهَا مِنْ وَدَائِعِ نِعَمِکَ عِنْدِی اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ أَنْ نَذْهَبَ عَنْ قَوْلِکَ أَوْ نَفْتَتِنَ عَنْ دِینِکَ أَوْ تَتَابَعَ بِنَا أَهْوَاؤُنَا دُونَ الْهُدَی الَّذِی جَاءَ مِنْ عِنْدِکَ (۲).

**[ترجمه]دعایی که امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار می خواندند:

ستایش خداوندی را سزاست که شبم را به صبح آورد بی آن که مرده یا بیمار باشم، نه دردی بر رگ های تنم باقی گذارد، و نه به کیفر بدترین کردارم گرفتار کرد، نه بی فرزند و خاندان مانده، و نه از دین خدا روی گردانم، نه منکر پروردگار، نه ایمانم دگرگون، و نه عقلم آشفته، و نه به عذاب امّت های گذشته گرفتارم. در حالی صبح کردم که بنده ای بی اختیار و بر نفس خود ستمکارم. خدایا بر تو است که مرا محکوم فرمایی در حالی که عذری ندارم، و توان فراهم آوردن چیزی جز آنچه که تو می بخشایی ندارم، و قدرت حفظ خویش ندارم جز آن که تو مرا حفظ کنی. خدایا به تو پناه می برم از آن که در سایه بی نیازی تو، تهیدست باشم، یا با وجود هدایت تو گمراه گردم، یا در پناه قدرت تو بر من ستم روا دارند، یا خوار و ذلیل باشم در حالی که کار در دست تو باشد! خدایا جانم را نخستین نعمت گرانبهایی قرار ده که می ستانی، و نخستین سپرده ای قرار ده که از من باز پس می گیری! خدایا ما به تو پناه می بریم از آن که از فرموده تو بیرون شویم، یا از دین تو خارج گردیم، یا هواهای نفسانی پیاپی بر ما فرود آید، که از هدایت ارزانی شده از جانب تو سرباز زنیم.

**[ترجمه]

«۵»

نهج، [نهج البلاغه] مِنْ دُعَاءٍ لَهُ علیه السلام: اللَّهُمَّ صُنْ وَجْهِی بِالْیَسَارِ وَ لَا تَبَذَّلْ جَاهِی بِالْإِقْتَارِ فَأَسْتَرْزِقَ طَالِبِی رِزْقِکَ وَ أَسْتَعْطِفَ شِرَارَ خَلْقِکَ وَ أَبْتَلِیَ بِحَمْدِ مَنْ أَعْطَانِی وَ أُفْتَتِنَ بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِی وَ أَنْتَ مِنْ وَرَاءِ ذَلِکَ کُلِّهِ وَلِیُّ الْإِعْطَاءِ وَ الْمَنْعِ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ(۳).

**[ترجمه]یکی دیگر از دعاهای آن حضرت علیه السلام: خدایا آبرویم را با بی نیازی نگهدار، و با تنگدستی شخصیّت مرا لکّه دار مفرما، که از روزی خواران تو روزی خواهم، و از بدکاران عفو و بخشش طلبم! و مبتلا به سپاس کسی شوم که چیزی به من بدهد و دچار بدگویی از کسی بشوم که چیزی را از من منع کرده ، در صورتی که در پشت پرده، اختیار هر بخشش و دریغی در دست تو است و تو بر همه چیز توانایی

- . نهج البلاغه، خطبه ۲۲۳ - .

**[ترجمه]

«۶»

نهج، [نهج البلاغه] وَ مِنْ دُعَاءٍ لَهُ علیه السلام: اللَّهُمَّ إِنَّکَ آنَسُ الْآنِسِینَ بِأَوْلِیَائِکَ (۴)

وَ أَحْضَرُهُمْ بِالْکِفَایَهِ لِلْمُتَوَکِّلِینَ عَلَیْکَ تُشَاهِدُهُمْ فِی سَرَائِرِهِمْ وَ تَطَّلِعُ عَلَیْهِمْ فِی ضَمَائِرِهِمْ وَ تَعْلَمُ مَبْلَغَ بَصَائِرِهِمْ فَأَسْرَارُهُمْ لَکَ مَکْشُوفَهٌ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَیْکَ مَلْهُوفَهٌ إِنْ أَوْحَشَتْهُمُ الْغُرْبَهُ آنَسَهُمْ ذِکْرُکَ وَ إِنْ صُبَّتْ عَلَیْهِمُ الْمَصَائِبُ لَجَئُوا إِلَی الِاسْتِجَارَهِ

۱- ۱. نهج البلاغه تحت الرقم ۷۶ من قسم الخطب.

۲- ۲. نهج البلاغه تحت الرقم ۲۱۳ من قسم الخطب.

۳- ۳. نهج البلاغه قسم الخطب تحت الرقم ۲۲۳.

۴- ۴. لاولیائک خ ل.

بِکَ عِلْماً بِأَنَّ أَزِمَّهَ الْأُمُورِ بِیَدِکَ وَ مَصَادِرَهَا عَنْ قَضَائِکَ اللَّهُمَّ إِنْ فَهِهْتُ عَنْ مَسْأَلَتِی أَوْ عَمِیتُ عَنْ طَلِبَتِی فَدُلَّنِی عَلَی مَصَالِحِی وَ خُذْ بِقَلْبِی إِلَی مَرَاشِدِی فَلَیْسَ ذَاکَ بِنُکْرٍ مِنْ هِدَایَتِکَ (۱) وَ لَا بِبِدْعٍ مِنْ کِفَایَتِکَ (۲) اللَّهُمَّ احْمِلْنِی عَلَی عَفْوِکَ وَ لَا تَحْمِلْنِی عَلَی عَدْلِکَ (۳).

**[ترجمه]نهج البلاغه: از دعاهای آن حضرت علیه السلام: خدایا! تو با دوستانت از همه انس گیرنده تری، و بر طرف کننده نیازهای توکّل کنندگانی، بر اسرار پنهانشان آگاه، و به آنچه در دل دارند آشنایی، و از دیدگاه های آنان با خبر، و رازشان نزد تو آشکار، و دل هایشان در حسرت دیدار تو داغدار است، اگر تنهایی و غربت به وحشتشان اندازد یاد تو آرامشان می کند، اگر مصیبت ها بر آنان فرود آید، به تو پناه می برند، و روی به درگاه تو دارند، زیرا می دانند که سررشته کارها به دست توست، و همه کارها از خواست تو نشأت می گیرد. خدایا! اگر برای خواستن درمانده شوم، یا راه پرسیدن را ندانم، تو مرا به اصلاح کارم راهنمایی فرما، و جانم را به آنچه مایه رستگاری من است هدایت کن، که چنین کاری از راهنمایی های تو بدور، و از کفایت های تو ناشناخته نیست.خدایا، مرا با بخشش خود بپذیر، و با عدل خویش، با من رفتار مکن - . همان، خطبه ۲۲۵ - !

**[ترجمه]

«۷»

نهج، [نهج البلاغه] قَالَ علیه السلام: اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ أَنْ تُحَسِّنَ فِی لَامِعَهِ الْعُیُونِ عَلَانِیَتِی وَ تُقَبِّحَ فِیمَا أَبْطُنُ لَکَ سَرِیرَتِی مُحَافِظاً عَلَی رِئَاءِ النَّاسِ مِنْ نَفْسِی بِجَمِیعِ مَا أَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَیْهِ مِنِّی فَأُبْدِی لِلنَّاسِ حُسْنَ ظَاهِرِی وَ أُفْضِی إِلَیْکَ بِسُوءِ عَمَلِی تَقَرُّباً إِلَی عِبَادِکَ وَ تَبَاعُداً مِنْ مَرْضَاتِکَ (۴).

**[ترجمه]آن حضرت علیه السلام که فرمود: خدایا به تو پناه می برم که ظاهر من در برابر دیده ها نیکو، و درونم در آنچه که از تو پنهان می دارم، زشت باشد، و بخواهم با اعمال و رفتاری که تو از آن آگاهی، توجّه مردم را به خود جلب نمایم، و چهره ظاهرم را زیبا نشان داده با اعمال نادرستی که درونم را زشت کرده به سوی تو آیم، تا به بندگانت نزدیک، و از خشنودی تو دور گردم.

**[ترجمه]

«۸»

مهج، [مهج الدعوات] دُعَاءٌ لِمَوْلَانَا أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ: الْحَمْدُ لِلَّهِ أَوَّلَ مَحْمُودٍ وَ آخِرَ مَعْبُودٍ وَ أَقْرَبَ مَوْجُودٍ الْبَدِیءِ بِلَا مَعْلُومٍ لِأَزَلِیَّتِهِ وَ لَا آخِرٍ لِأَوَّلِیَّتِهِ وَ الْکَائِنِ قَبْلَ الْکَوْنِ بِغَیْرِ کِیَانٍ وَ الْمَوْجُودِ فِی کُلِّ مَکَانٍ بِغَیْرِ عَیَانٍ وَ الْقَرِیبِ مِنْ کُلِّ نَجْوَی بِغَیْرِ تَدَانٍ عَلَنَتْ عِنْدَهُ الْغُیُوبُ وَ ضَلَّتْ فِی عَظَمَتِهِ الْقُلُوبُ فَلَا الْأَبْصَارُ تُدْرِکُ عَظَمَتَهُ وَ لَا الْقُلُوبُ عَلَی احْتِجَابِهِ تُنْکِرُ مَعْرِفَتَهُ تَمَثَّلَ فِی الْقُلُوبِ بِغَیْرِ مِثَالٍ تَحُدُّهُ الْأَوْهَامُ أَوْ تُدْرِکُهُ الْأَحْلَامُ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ نَفْسِهِ دَلِیلًا عَلَی تَکَبُّرِهِ عَنِ الضِّدِ وَ النِّدِّ وَ الشَّکْلِ وَ الْمِثْلِ فَالْوَحْدَانِیَّهُ آیَهُ الرُّبُوبِیَّهِ وَ الْمَوْتُ الْآتِی عَلَی خَلْقِهِ مُخْبِرٌ عَنْ خَلْقِهِ وَ قُدْرَتِهِ ثُمَّ خَلَقَهُمْ مِنْ نُطْفَهٍ وَ لَمْ یَکُونُوا شَیْئاً دَلِیلٌ عَلَی إِعَادَتِهِمْ خَلْقاً جَدِیداً بَعْدَ فَنَائِهِمْ کَمَا خَلَقَهُمْ أَوَّلَ مَرَّهٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ الَّذِی لَمْ یَضُرُّهُ بِالْمَعْصِیَهِ الْمُتَکَبِّرُونَ وَ لَمْ یَنْفَعْهُ بِالطَّاعَهِ الْمُتَعَبِّدُونَ الْحَلِیمِ عَنِ الْجَبَابِرَهِ الْمُدَّعِینَ وَ الْمُمْهِلِ الزَّاعِمِینَ لَهُ شَرِیکاً فِی مَلَکُوتِهِ الدَّائِمِ فِی سُلْطَانِهِ بِغَیْرِ أَمَدٍ وَ الْبَاقِی فِی مُلْکِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ الْأَبَدِ وَ الْفَرْدِ

۱- ۱. ببکر من هدایاتک خ ل.

۲- ۲. کفایاتک خ ل.

۳- ۳. نهج البلاغه قسم الخطب تحت الرقم ۲۲۵.

۴- ۴. نهج البلاغه قسم الحکم تحت الرقم ۲۷۶.

الْوَاحِدِ الصَّمَدِ وَ الْمُتَكَبِّرِ عَنِ الصَّاحِبَةِ وَ الْوَلَدِ رَافِعِ السَّمَاءِ بِغَيْرِ عَمَدٍ وَ مُجْرِی السَّحَابِ بِغَيْرِ صَفَدٍ قَاهِرِ الْخَلْقِ بِغَيْرِ عَدَدٍ لَكِنَّ اللَّهَ الْأَحَدُ الْفَرْدُ الصَّمَدُ الَّذِی لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ يَخْلُ مِنْ فَضْلِهِ الْمُقِيمُونَ عَلَی مَعْصِيَتِهِ وَ لَمْ يُجَازِهِ لِأَصْغَرِ نِعَمِهِ الْمُجْتَهِدُونَ فِی طَاعَتِهِ الْغَنِیُّ الَّذِی لَا يَضَنُّ بِرِزْقِهِ عَلَی جَاحِدِهِ وَ لَا يَنْقُصُ عَطَايَاهُ أَرْزَاقَ خَلْقِهِ خَالِقُ الْخَلْقِ وَ مُغْنِيهِ وَ مُعِيدُهُ وَ مُبْدِيهِ وَ مُعَافِيهِ عَالِمُ مَا أَكَنَّتْهُ السَّرَائِرُ وَ أَخْبَتْهُ الضَّمَائِرُ وَ اخْتَلَفَتْ بِهِ الْأَلْسُنُ وَ أَنْسَتْهُ الْأَزْمُنُ الْحَیُّ الَّذِی لَا يَمُوتُ وَ الْقَيُّومُ الَّذِی لَا يَنَامُ وَ الدَّائِمُ الَّذِی لَا يَزُولُ وَ الْعَدْلُ الَّذِی لَا يَجُورُ وَ الصَّافِحُ عَنِ الْكَبَائِرِ بِفَضْلِهِ وَ الْمُعَذِّبُ مَنْ عَذَّبَ بِعَدْلِهِ لَمْ يَخَفِ الْفَوْتَ فَحَلُمَ وَ عَلِمَ الْفَقْرَ فَرَحِمَ وَ قَالَ فِی مُحْكَمِ كِتَابِهِ وَ لَوْ يُؤاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِما كَسَبُوا ما تَرَكَ عَلی ظَهْرِها مِنْ دَابَّةٍ أَحْمَدُهُ حَمْداً أَسْتَزِيدُهُ فِی نِعْمَتِهِ وَ أَسْتَجِيرُ بِهِ مِنْ نِقْمَتِهِ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْهِ بِالتَّصْدِيقِ لِنَبِيِّهِ الْمُصْطَفَی لِوَحْيِهِ الْمُتَخَيَّرُ لِرِسَالَتِهِ الْمُخْتَصُّ بِشَفَاعَتِهِ الْقَائِمُ بِحَقِّهِ مُحَمَّدٌ صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَی أَصْحَابِهِ وَ عَلَی النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْمَلَائِكَةِ أَجْمَعِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً إِلَهِی دَرَسَتِ الْآمَالُ وَ تَغَيَّرَتِ الْأَحْوَالُ وَ كَذَبَتِ الْأَلْسُنُ وَ أُخْلِفَتِ الْعِدَاتُ إِلَّا عِدَتَكَ فَإِنَّكَ وَعَدْتَ مَغْفِرَةً وَ فَضْلًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِی مِنْ فَضْلِكَ وَ أَعِذْنِی مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ سُبْحَانَكَ وَ بِحَمْدِكَ مَا أَعْظَمَكَ وَ أَحْلَمَكَ وَ أَكْرَمَكَ وَسِعَ بِفَضْلِكَ حِلْمُكَ تَمَرُّدَ الْمُسْتَكْبِرِينَ وَ اسْتَغْرَقَتْ نِعْمَتُكَ شُكْرَ الشَّاكِرِينَ وَ عَظُمَ حِلْمُكَ عَنْ إِحْصَاءِ الْمُحْصِينَ وَ جَلَّ طَوْلُكَ عَنْ وَصْفِ الْوَاصِفِينَ كَيْفَ لَوْ لَا فَضْلُكَ حَلُمْتَ عَمَّنْ خَلَقْتَهُ مِنْ نُطْفَةٍ وَ لَمْ يَكُ شَيْئاً فَرَبَّيْتَهُ بِطِيبِ رِزْقِكَ وَ أَنْشَأْتَهُ فِی تَوَاتُرِ نِعْمَتِكَ وَ مَكَّنْتَ لَهُ فِی مِهَادِ أَرْضِكَ وَ دَعَوْتَهُ إِلَی طَاعَتِكَ فَاسْتَنْجَدَ عَلَی عِصْيَانِكَ بِإِحْسَانِكَ وَ جَحَدَكَ وَ عَبَدَ غَيْرَكَ فِی سُلْطَانِكَ.

كَيْفَ لَوْ لَا حِلْمُكَ أَمْهَلْتَنِی وَ قَدْ شَمَلْتَنِی بِسِتْرِكَ وَ أَكْرَمْتَنِی بِمَعْرِفَتِكَ وَ أَطْلَقْتَ لِسَانِی بِشُكْرِكَ وَ هَدَيْتَنِی السَّبِيلَ إِلَی طَاعَتِكَ وَ سَهَّلْتَنِی الْمَسْلَكَ إِلَی كَرَامَتِكَ

وَ أَحْضَرْتَنِی سَبِیلَ قُرْبَتِکَ فَکَانَ جَزَاؤُکَ مِنِّی أَنْ کَافَأْتُکَ عَنِ الْإِحْسَانِ بِالْإِسَاءَهِ حَرِیصاً عَلَی مَا أَسْخَطَکَ مُنْتَقِلًا فِیمَا أَسْتَحِقُّ بِهِ الْمَزِیدَ مِنْ نَقِمَتِکَ سَرِیعاً إِلَی مَا أَبْعَدَ مِنْ رِضَاکَ مُغْتَبِطاً بِغُرَّهِ الْأَمَلِ مُعْرِضاً عَنْ زَوَاجِرِ الْأَجَلِ لَمْ یَنْفَعْنِی حِلْمُکَ عَنِّی وَ قَدْ أَتَانِی تَوَعُّدُکَ بِأَخْذِ الْقُوَّهِ مِنِّی حَتَّی دَعَوْتُکَ عَلَی عَظِیمِ الْخَطِیئَهِ أَسْتَزِیدُکَ فِی نِعَمِکَ غَیْرَ مُتَأَهِّبٍ لِمَا قَدْ أَشْرَفْتُ عَلَیْهِ مِنْ نَقِمَتِکَ مُسْتَبْطِئاً لِمَزِیدِکَ وَ مُتَسَخِّطاً لِمَیْسُورِ رِزْقِکَ مُقْتَضِیاً جَوَائِزَکَ بِعَمَلِ الْفُجَّارِ کَالْمُرَاصِدِ رَحْمَتَکَ بِعَمَلِ الْأَبْرَارِ مُجْتَهِداً أَتَمَنَّی عَلَیْکَ الْعَظَائِمَ کَالْمُدِلِّ الْآمِنِ مِنْ قِصَاصِ الْجَرَائِمِ فَ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ مُصِیبَهٌ عَظُمَ رُزْؤُهَا وَ جَلَّ عِقَابُهَا بَلْ کَیْفَ لَوْ لَا أَمَلِی وَ وَعْدُکَ الصَّفْحَ عَنْ زَلَلِی أَرْجُو إِقَالَتَکَ وَ قَدْ جَاهَرْتُکَ بِالْکَبَائِرِ مُسْتَخْفِیاً عَنْ أَصَاغِرِ خَلْقِکَ فَلَا أَنَا رَاقَبْتُکَ وَ أَنْتَ مَعِی وَ لَا رَاعَیْتُ حُرْمَهَ سَتْرِکَ عَلَیَّ بِأَیِّ وَجْهٍ أَلْقَاکَ وَ بِأَیِّ لِسَانٍ أُنَاجِیکَ وَ قَدْ نَقَضْتُ الْعُهُودَ وَ الْأَیْمَانَ بَعْدَ تَوْکِیدِهَا وَ جَعَلْتُکَ عَلَیَّ کَفِیلًا ثُمَّ دَعَوْتُکَ مُقْتَحِماً فِی الْخَطِیئَهِ فَأَجَبْتَنِی وَ دَعَوْتَنِی وَ إِلَیْکَ فَقْرِی فَلَمْ أُجِبْ فَوَا سَوْأَتَاهْ وَ قُبْحَ صَنِیعَاهْ أَیَّهُ جُرْأَهٍ تَجَرَّأْتُ وَ أَیَّ تَغْرِیرٍ غَرَّرْتُ نَفْسِی سُبْحَانَکَ فَبِکَ أَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ وَ بِحَقِّکَ أُقْسِمُ عَلَیْکَ وَ مِنْکَ أَهْرُبُ إِلَیْکَ بِنَفْسِی اسْتَخْفَفْتُ عِنْدَ مَعْصِیَتِی لَا بِنَفْسِکَ وَ بِجَهْلِی اغْتَرَرْتُ لَا بِحِلْمِکَ وَ حَقِّی أَضَعْتُ لَا عَظِیمَ حَقِّکَ وَ نَفْسِی ظَلَمْتُ وَ لِرَحْمَتِکَ الْآنَ رَجَوْتُ وَ بِکَ آمَنْتُ وَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ وَ إِلَیْکَ أَنَبْتُ وَ تَضَرَّعْتُ فَارْحَمْ إِلَیْکَ فَقْرِی وَ فَاقَتِی وَ کَبْوَتِی لِحَرِّ وَجْهِی وَ حَیْرَتِی فِی سَوْأَهِ ذُنُوبِی إِنَّکَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ: یَا أَسْمَعَ مَدْعُوٍّ وَ خَیْرَ مَرْجُوٍّ وَ أَحْلَمَ مقض [مُغْضٍ] وَ أَقْرَبَ مُسْتَغَاثٍ أَدْعُوکَ مُسْتَغِیثاً بِکَ اسْتِغَاثَهَ الْمُتَحَیِّرِ الْمُسْتَیْئِسِ مِنْ إِغَاثَهِ خَلْقِکَ فَعُدْ بِلُطْفِکَ عَلَی ضَعْفِی وَ اغْفِرْ بِسَعَهِ رَحْمَتِکَ کَبَائِرَ ذُنُوبِی وَ هَبْ لِی عَاجِلَ صُنْعِکَ إِنَّکَ أَوْسَعُ الْوَاهِبِینَ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ یَا اللَّهُ یَا أَحَدُ یَا اللَّهُ یَا صَمَدُ یَا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ اللَّهُمَّ أَغِثْنِی

الْمَطَالِبُ وَ ضَاقَتْ عَلَيَّ الْمَذَاهِبُ وَ أَقْصَانِي الْأَبَاعِدُ وَ مَلَّنِي الْأَقَارِبُ وَ أَنْتَ الرَّجَاءُ إِذَا انْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ الْمُسْتَعَانُ إِذَا عَظُمَ الْبَلَاءُ وَ اللَّجَأُ فِي الشِّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ فَنَفِّسْ كُرْبَةَ نَفْسٍ إِذَا ذَكَّرَهَا الْقُنُوطُ مَسَاوِيَهَا أَيْأَسَتْ مِنْ رَحْمَتِكَ لَا تُؤْيِسْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱).

**[ترجمه]دعای امیرالمؤمنین علیه السلام: ستایش خاص خداوندی است که نخستین ستوده و آخرین پرستیده شده و نزدیکترین موجودات است ،آن پدید آرنده ای که ازلیّت او (و همیشگی بودنش) معلوم نیست (چون شروع و آغاز نداشته) و آغاز او انجام ندارد ،آنکه پیش از بود- بی آنکه آفریده شده باشد- بوده، و در هر جا بی آنکه دیده شود موجود است، آنکه بهر راز در گوشی نزدیک است نه بنزدیکی تن و مکان. هر نادیده ای نزدش عیان و آشکار، و دلها در عظمتش حیران و سرگردان، نه دیده ها پی بعظمتش برند، و نه دلها با اینکه از آنها در حجاب است انکار شناسائیش توانند، در دلها خود را بنماید اما نه بدانسان که پندارها او را محدود ساخته و اندازه گیرند، و نه آنکه خیالها درکش کنند. آنگاه از پیش خود نشانه ای برای برتریش بر هر ضدّ و مانند، و هم شکل و مشابهی قرار داده، پس یگانگیش نشانه ربوبیت او است، و مرگی که گریبانگیر خلق او می شود گزارش دهنده ای از وضع آفرینش و قدرت او است. و همان آفریدنشان از قطره ای نطفه- در صورتی که هیچ نبودند- دلیلی است بر آنکه پس از نابودیشان آنها را دوباره بیافرینند چنانچه نخستین بار آفرید. و ستایش خاص خدائی است که گردنکشان (نافرمان) با نافرمانی بدو زیانی نزنند، و پرستش کنندگان (فرمانبردار) با فرمانبرداری خویش سودی باو نرسانند، آنکه نسبت به سرکشان پر مدّعا بردبار است، و به آنان که برایش در فرمانروائی شریکانی پندارند فرصت داده و مدارا کند، آنکه سلطنتش همیشه پایدار بوده و انتهائی ندارد، و پس از گذشت هر زمانی در فرمانروائی خویش پا برجا و باقی است، آن یگانه یکتای بی نیاز، فرازمند از همسر و فرزند، بر فرازنده آسمان بی ستون، و روان کننده ابرها بدون زنجیر و وسیله، آن قاهر (و چیره) بر خلق بدون لشکر و عدد، او است خدای یکتای فرد یگانه ای که نزاده و زائیده نشده و هیچ کس همتایش نیست. و ستایش خاص خدائی است که فضل خود را حتی از اصرارورزان در نافرمانیش دریغ ندارد، و پاداش کوچکترین نعمتش را تلاش کنندگان در طاعتش نتوانند بدهند، آن بی نیاز (توانگر) ی که روزی خود را (حتی) از منکرش دریغ ندارد، و روزیهای (بیشمار) خلق (که از آنها بهره مند گردند) از (خزانه) عطایای او (چیزی) نکاهد. آفریدگار آفریدگان و نابودکننده آنان، و بازگرداننده و آغازنده و از پی در آینده آنها، دانای به هر چیزی که نیتهای دل بپوشانندش، و نهادها پنهانش دارند، و زبانها در بیانش اختلاف پیدا کنند، و زمان آنها را از یاد برد، آن زنده ای که نمیرد، و آن پاینده ای که نخوابد، آن جاویدانی که زوال نپذیرد، آن عادل و دادگری که ستم نکند، آنکه بفضل خویش از گناهان بزرگ چشم بپوشد، و هر که را عذاب کند از روی عدل اوست، آنکه اگر (در باره کسی) حلم ورزد نه از باب این است که میترسد (آن شخص) از تحت فرمان و قدرتش بدر رود، و اگر (بکسی) رحم کند نه از آن جهت است که نیازمندیش را به خویش دانسته است، و خود در آیه محکم قرآنش فرموده: «و اگر خدا مردم را بکردار و رفتارشان مؤاخذه میفرمود جانوری بر پشت زمین بجای نمیگذارد». ستایشش کنم ستایشی که (ضمنا بدان وسیله) افزایش نعمتش را خواهم ، در برابر عذابش به خودش پناه می برم ، و تقرب جویم بدرگاه او بوسیله تصدیق پیامبرش، آنکه برای وحی خویش وی را برگزید، و برای رسالت خود اختیارش فرمود، و بشفاعت ویژه اش نمود، آن (پیامبر بزرگواری) که بحق او قیام فرمود (یعنی حضرت) محمد که درود خدا بر او و بر خاندان و یارانش و بر پیامبران و رسولان دیگر و فرشتگان همگی، و سلامی مخصوص (نیز بر همه آنها باد). معبودا: (خدایا) آرزوها کهنه شده، و احوال دگرگون گشته، و زبانها دروغ گویند، و وعده ها بخلاف گرائیده و تنها وعده تو است که خلف ندارد، و تو نیز وعده آمرزش و فضل داده ای، خدایا پس درود فرست بر محمد و آلش، و از فضل خویش بمن عطا فرما. و از شیطان رانده (درگاهت) مرا پناه ده. منزهی تو و من به ستایشت مشغولم، چه اندازه بزرگ و بردبار و کریمی! بردباریت (حتی) سرپیچی گردنکشان را (نیز) فراگرفته، و نعمتت سپاسگزاران را در خویش فرو برده، و حلم تو از شماره و حساب شمارندگان بیشتر، و عطایت از توصیف اهل توصیف برتر گشته، چسان! که به راستی اگر فضل تو نبود چگونه حلم می‌ورزیدی نسبت بکسی که از نطفه او را آفریدی و پیش از آن هیچ نبود، پس او را به روزی پاک خود پروریدی، و در (میان) نعمتهای پی در پیت نشو و نمایش دادی، و در زمین (چون) بسترت جایش دادی، و وی را بطاعت خویش خواندی، ولی او بوسیله احسان تو بر نافرمانی و عصیانت نیرو گرفت، و تو را انکار کرده و در سایه سلطنت تو دیگری را پرستش کرد؟! چسان! که به راستی اگر حلم و بردباریت نبود چگونه بمن مهلت میدادی با اینکه تو پرده (لطف) خویش بر من پوشاندی، و بوسیله شناساندن خود و معرفتت مرا گرامی داشتی و زبانم را برای سپاسگزاریت باز (و آزاد) گذاری، و مرا براه رسیدن بطاعتت راهنمائی کردی، و طریق

وصول بکرامت خویش را برایم هموار ساختی، و وسیله تقرب بـدرگاهت را برایم آماده ساختی، ولی در برابر (این همه نیکی و نعمت) پاداش تو از من این بود که احسان تو را ببدی کیفر دادم، و بر آنچه تو را به خشم می آورد حریص و آزمند گشتم، و آنچه را موجب فزونی عذاب و عقوبتت گردد اندک شـمردم، و بدان چه مرا از خشـنودیت دور کند شـتابان گشتم، به آرزوی گول زن شادان گشتم، و از هشداردهندگان (و باز دارندگان) عمر رو گرداندم، حلم و بردباریت نسبت بمن مرا قانع نکرد،

در صورتی که تهدیـدت با گرفتن نیروی تنم بمن رسـید، تا آنجا که با آلودگی بخطای بزرگ باز هم تو را خواندم و همواره فزونی نعمتت را جویم، و از آن سو برای آن عذاب و عقوبتت که نزدیکش رفته ام خود را آماده نکرده ام، عطای فراوانت را دیررس دانستم و روزی اندازه ات خشـمگینم ساخت، و با کردار مردمان بدکار جایزه های شایانت را خواسـتار گشـتم، همانند آن کسـی که با کردار نیکان چشم براه رحمت تو نشسـته است! بـا تلاش، گناهـان بزرگ را آرزو کنم چونـان که کاملاـ از خود مطمئن گشـته و از کیفر جرائم (و بزهکاریهای خویش) آسوده خاطر شده است. همه از آن خداییم و به سوی خدا بازمی گردیم (پس وای بر این مصیبت!) مصیبتی که ناگواریش سخت و کیفر و عقابش زیاد است، و به راستی اگر آرزوی من همراه با وعـده چشم پوشـی تو از لغزشم نبود چگونه من امیـد بازگشت و توجه مجدد تو را داشـتم، در صورتی که گناهان بزرگی را که از خردترین بنـدگانت پنهان میکنم به عیان در حضورت انجام دادم! و با اینکه (همه جا) با من بودی تو را از نظر دور داشـتم، و حرمت پرده پوشـیت را بر خویشـتن مراعات نکردم. راستی که با چه رو تو را دیـدار کنم؟ و با چه زبان با تو راز گویم؟ که من هر عهـد و پیمـان محکمی را که بـا تو بسـتم و تو را هم بر آن گواه گرفتم بشکسـتم، و در همـان وقتی که غرق در خطـا و گناه بودم تو را خوانـدم و تو اجابت کردی، ولی تو در حـال نیازمنـدیم به تو مرا خوانـدی و من اجـابتت نکرده (و نپـذیرفتم). ای بـدا بحال من با این کارهای زشـتم! راستی که چه جراتی کردم! و چگونه خود را گول زدم! (ای خدا) منزهی تو و من اینک بوسیله خودت بتو تقرب جویم، و بحق خودت تو را سوگنـد دهم، و از تو بسوی خودت بگریزم، (خـدایا من خود میـدانم که) در هنگام گنهکاری و نافرمانیم خودم را زبون و خوار کردم نه آنکه تو را کوچک و خوار بشـمارم، و بنادانیم مغرور گشـتم نه ببردباری تو، و حق خود را تباه ساختم نه حق بزرگ تو را، و بخود ستم کردم، و اینک امیـدوار رحمت توأم، و بتو ایمان آورده و گرویـدم، و بر تو توکل کنم و بـدرگاه تو بازگشـته و زاری کنم، پس ای خدا ترحم فرما به بینوائی و نیازم بـدرگاهت، و افتادنم بگونه رویم، و بسرگردانیم در بدی گناهانم، که به راستی توئی مهربانترین مهربانان. ای بهترین کسـی که خواننـدش، و بهترین مایه امیـد، و بردبارترین رو اکننـد و نزدیکترین فریادرس، تو را در حال فریادرسـی خوانم، فریادرسـی شـخص سـرگردان ناامیـد از فریادرسـی خلق و آفریـدگانت پس (ای خـدا) بلطف خویش بر ناتوانی من عنایت فرما، و با فراخ رحمتت گناهان بزرگم را بیامرز، و سازندگی زودرس خود را بمن ببخش که بخشـش تو فراخترین بخششـها است.معبودی جز تو نیست، منزهی تو، و من به راستی از ستمکارانم، ای خـدا، ای یگانه، ای خـدا، ای بی نیاز، ای که نزاده، و نه زائیـده شده و نیست برایش همتائی هیچ کس، خدایا خواسـته ها خسـته ام کرده، و راهها بر من تنگ گشـته (و بسـته شده) و آنان که از همه (بمن) دورتر بودند مرا بخود نزدیک کرده، و خویشان مرا ملول و خسته کرده اند، و آنگـاه که امیـدها قطع شود تنهـا مایه امیـد توئی، و هر گاه بلا و گرفتاری بزرگ و سـخت شود تنها کمک کارم توئی، و در سـختی و خوشـی یگانه پناه توئی، پس ای خدا برطرف کن اندوه کسـی را که چون ناامیدیش او را بیاد بدیهایش می‌اندازد یکسره از خویش مأیوس گردد، و از رحمت خویش ناامیدم مکن ای مهربانترین مهربانان - . مهج الدعوات: ۱۳۹-۱۴۲ - .

**[ترجمه]

«۹»

مهج، [مهج الدعوات]: دُعَاءٌ لِمَوْلَانَا أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام رُوِیَ أَنَّهُ دَعَا بِهِ یَوْمَ الْجَمَلِ قَبْلَ الْوَاقِعَهِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَحْمَدُکَ وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ أَهْلٌ عَلَی حُسْنِ صُنْعِکَ إِلَیَّ وَ تَعَطُّفِکَ عَلَیَّ وَ عَلَی مَا وَصَلْتَنِی (۲) بِهِ مِنْ نُورِکَ وَ تَدَارَکْتَنِی بِهِ مِنْ رَحْمَتِکَ وَ أَسْبَغْتَ عَلَیَّ مِنْ نِعْمَتِکَ فَقَدِ اصْطَنَعْتَ عِنْدِی یَا مَوْلَایَ مَا یَحِقُّ لَکَ بِهِ جُهْدِی وَ شُکْرِی لِحُسْنِ عَفْوِکَ وَ بَلَائِکَ الْقَدِیمِ عِنْدِی وَ تَظَاهُرِ نَعْمَائِکَ عَلَیَّ وَ تَتَابُعِ أَیَادِیکَ لَدَیَّ لَمْ أَبْلُغْ إِحْرَازَ حَظِّی وَ لَا إِصْلَاحَ نَفْسِی وَ لَکِنَّکَ یَا مَوْلَایَ بَدَأْتَنِی أَوَّلًا بِإِحْسَانِکَ فَهَدَیْتَنِی لِدِینِکَ وَ عَرَّفْتَنِی نَفْسَکَ وَ ثَبَّتَّنِی فِی أُمُورِی کُلِّهَا بِالْکِفَایَهِ وَ الصُّنْعِ

لِی فَصَرَفْتَ عَنِّی جَهْدَ الْبَلَاءِ وَ مَنَعْتَ مِنِّی مَحْذُورَ الْقَضَاءِ فَلَسْتُ أَذْكُرُ مِنْکَ إِلَّا جَمِیلًا وَ لَمْ أَرَ مِنْکَ إِلَّا تَفْضِیلًا یَا إِلَهِی کَمْ مِنْ بَلَاءٍ وَ جَهْدٍ صَرَفْتَهُ عَنِّی وَ أَرَیْتَنِیهِ فِی غَیْرِی وَ کَمْ مِنْ نِعْمَهٍ أَقْرَرْتَ بِهَا عَیْنِی وَ کَمْ مِنْ صَنِیعَهٍ شَرِیفَهٍ لَکَ عِنْدِی إِلَهِی أَنْتَ الَّذِی تُجِیبُ عِنْدَ الِاضْطِرَارِ دَعْوَتِی وَ أَنْتَ الَّذِی تُنَفِّسُ عِنْدَ الْغُمُوم کُرْبَتِی وَ أَنْتَ الَّذِی تَأْخُذُ لِی مِنَ الْأَعْدَاءِ بِظُلَامَتِی فَمَا وَجَدْتُکَ وَ لَا أَجِدُکَ بَعِیداً مِنِّی حِینَ أُرِیدُکَ وَ لَا مُتَقَبِّضاً عَنِّی حِینَ أَسْأَلُکَ وَ لَا مُعْرِضاً عَنِّی حِینَ أَدْعُوکَ فَأَنْتَ إِلَهِی أَجِدُ صَنِیعَکَ عِنْدِی مَحْمُوداً وَ حُسْنَ بَلَائِکَ عِنْدِی مَوْجُوداً وَ جَمِیعَ فِعْلِکَ (٣)

عِنْدِی جَمِیلًا یَحْمَدُکَ لِسَانِی وَ عَقْلِی وَ جَوَارِحِی وَ جَمِیعُ مَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّی.

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۳۹- ۱۴۲.

۲- ۲. فضلتنی خ ل.

۳- ۳. أفعالک خ ل.

يَا مَوْلَايَ أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ (١) الَّذِي اشْتَقَقْتَهُ مِنْ عَظَمَتِكَ وَ عَظَمَتِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ مَشِيَّتِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَلَا أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِوَاجِبِ شُكْرِي نِعْمَتَكَ رَبِّ مَا أَحْرَصَنِي عَلَى مَا زَهَّدْتَنِي فِيهِ وَ حَثَثْتَنِي عَلَيْهِ إِنْ لَمْ تُعِنِّي عَلَى دُنْيَايَ بِزُهْدٍ وَ عَلَى آخِرَتِي بِتَقْوَى هَلَكْتُ رَبِّي دَعَتْنِي دَوَاعِي الدُّنْيَا مِنْ حَرْثِ النِّسَاءِ وَ الْبَنِينَ فَأَجَبْتُهَا سَرِيعاً وَ رَكَنْتُ إِلَيْهَا طَائِعاً وَ دَعَتْنِي دَوَاعِي الْآخِرَةِ مِنَ الزُّهْدِ وَ الِاجْتِهَادِ فَكَبَوْتُ لَهَا وَ لَمْ أُسَارِعْ إِلَيْهَا مُسَارَعَتِي إِلَى الْحُطَامِ الْهَامِدِ وَ الْهَشِيمِ الْبَائِدِ وَ السَّرَابِ الذَّاهِبِ عَنْ قَلِيلٍ رَبِّ خَوَّفْتَنِي وَ شَوَّقْتَنِي وَ احْتَجَجْتَ عَلَيَّ فَمَا خِفْتُكَ حَقَّ خَوْفِكَ وَ أَخَافُ أَنْ أَكُونَ قَدْ تَثَبَّطْتُ عَنِ السَّعْيِ لَكَ وَ تَهَاوَنْتُ بِشَيْ ءٍ مِنِ احْتِجَابِكَ (٢)

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا سَعْيِي لَكَ وَ فِي طَاعَتِكَ وَ امْلَأْ قَلْبِي خَوْفَكَ وَ حَوِّلْ تَثْبِيطِي وَ تَهَاوُنِي وَ تَفْرِيطِي وَ كُلَّ مَا أَخَافُهُ مِنْ نَفْسِي فَرَقاً مِنْكَ وَ صَبْراً عَلَى طَاعَتِكَ وَ عَمَلًا بِهِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ اجْعَلْ جُنَّتِي مِنَ الْخَطَايَا حَصِينَةً وَ حَسَنَاتِي مُضَاعَفَةً فَإِنَّكَ تُضَاعِفُ لِمَنْ تَشَاءُ اللَّهُمَّ اجْعَلْ دَرَجَاتِي فِي الْجِنَانِ رَفِيعَةً وَ أَعُوذُ بِكَ رَبِّي مِنْ رَفِيعِ الْمَطْعَمِ وَ الْمَشْرَبِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَعْلَمُ وَ مِنْ شَرِّ مَا لَا أَعْلَمُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَوَاحِشِ كُلِّهَا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ وَ أَعُوذُ بِكَ رَبِّي أَنْ أَشْتَرِيَ الْجَهْلَ بِالْعِلْمِ كَمَا اشْتَرَى غَيْرِي أَوِ السَّفَهَ بِالْحِلْمِ أَوِ الْجَزَعَ بِالصَّبْرِ أَوِ الضَّلَالَةَ بِالْهُدَى أَوِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ يَا رَبِّ مُنَّ عَلَيَّ بِذَلِكَ فَإِنَّكَ تَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ وَ لَا تُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (٣).

وَ مِنْ ذَلِكَ: دُعَاءٌ لِمَوْلَانَا وَ مُقْتَدَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عِنْدَ ابْتِدَاءِ الْقِتَالِ يَوْمَ صِفِّينَ مِنْ كِتَابِ صِفِّينَ لِعَبْدِ الْعَزِيزِ الْجَلُودِيِّ مِنْ أَصْحَابِنَا رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى قَالَ فَلَمَّا زَحَفُوا بِاللِّوَاءِ قَالَ عَلِيٌّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَ إِيَّاكَ

١- ١. باسمك خ ل.

٢- ٢. احتجاجك خ ل.

٣- ٣. مهج الدعوات ص ١٢٠- ١٢١.

نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا إِلَهَ مُحَمَّدٍ إِلَيْكَ نُقِلَتِ الْأَقْدَامُ وَ أَفْضَتِ الْقُلُوبُ وَ شَخَصَتِ الْأَبْصَارُ وَ مُدَّتِ الْأَعْنَاقُ وَ طُلِبَتِ الْحَوَائِجُ وَ رُفِعَتِ الْأَيْدِي اللَّهُمَ افْتَحْ بَيْنَنا وَ بَيْنَ قَوْمِنا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفاتِحِينَ ثُمَّ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ ثَلَاثاً.

وَ مِنْ ذَلِكَ فِي رِوَايَةٍ مِنْ كِتَابِ الْجَلُودِيِّ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام إِذَا سَارَ إِلَى الْقِتَالِ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ تَعَالَى حَتَّى يَرْكَبَ ثُمَّ يَقُولُ سُبْحانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَ إِنَّا إِلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى نِعَمِهِ (۱) عَلَيْنَا وَ فَضْلِهِ الْعَظِيمِ عِنْدَنَا.

ثُمَّ يَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ بِبَغْلِهِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ وَ يَدْعُو الدُّعَاءَ الْأَوَّلَ وَ فِيهِ تَقْدِيمٌ وَ تَأْخِيرٌ(۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات: دعای امام علی علیه السلام در روز جنگ جمل و قبل از واقعه: خدایا تو را سپاس گویم که تو شایسته سپاس و ستایشی به خاطر رفتار نیکویت نسبت به من و عطوفت و مهرت در باره ام، و برای آنچه از نور خود که بر من عطا فرمودی، و بدان مهرت که از دنبال (خلقتم) به من تفضل کردی، و آن نعمتت که بر من کامل نمودی که به راستی ای آقای من در باره من چنان بزرگی کردی که تمام کوشش و سپاسگزاریم حق تو گشت به خاطر همان گذشت و آزمایش نیکوی دیرینه ات نزد من، و پشت هم رسیدن نعمتهایت، و پی در پی آمدن کرمهایت نزد من ، بدان حد که من به احراز بهره ام و اصلاح نفسم نرسم، ولی تو ای آقای من در ابتداء به احسان خویش آغازم کردی و مرا بدین و آئین خود رهنمونم ساختی، و خود را شناساندی، و همه کارهایم را به کفایت و تثبیت فرمودی و انجام دادی، و در نتیجه سختی بلا را از من گرداندی، و گرفتاری قضا و قدر را از من بازداشتی، و بدین ترتیب من جز نیکی از تو یاد نکنم، و جز زیاده بخشی از تو ندیدم.

خدایا چه بسیار بلا و سختی را که از من گرداندی و در دیگری آنها را به من نمایاندی (و نشانم دادی) و چه بسیار نعمتی که دیده ام را بدان روشن کردی، و چه بسیار کارهای نیکی که (نسبت به من انجام داده و) در پیش من داری. خدایا توئی که در وقت ماندگی دعایم را اجابت می کنی، و توئی که در وقت رسیدن اندوهها گرفتگی و غم را از من برطرف می کنی، و توئی که حق مرا از دشمنان بازستانی من تو را نیافته و نیابم که هنگام دعا از من دور باشی، و نه در وقتی که از تو درخواست کنم نسبت به من خوددار و گرفته باشی، و در وقتی که تو را بخوانم از من روی بگردانی، تو را ای خدای من چنان یافتم که رفتارت با من پسندیده، و نیکو آزمایشت پیش من موجود، و همه کارهایت نسبت به من زیبا است، ستایشت کند زبانم و خرد و اعضایم، و تمامی آنچه را زمین از من بر خود گرفته (و دارا هستم).

ای مولای من از تو خواهم بدان نورت که آن را از بزرگی خود برگرفته ای، و از تو خواهم بدان نامت که برتری گرفته، که بر من منت گذارده چنانم کنی که لازمه سپاسگزاری نعمتت را انجام دهم، پروردگارا چه اندازه حریصم بر آنچه مرا از آن برکنار کرده و بدوری آن وادارم کردی، و اگر تو بپارسائی در دنیا و پرهیزکاری در امور آخرت کمکم ندهی هلاک گردم، پروردگارا انگیزه های دنیا از آمیزش زنان و نیز فرزندان مرا به سوی خود خواند و من بشتاب دعوتش را پذیرفتم و بدلخواه خود بدانها دل بستم ولی انگیزه های آخرت از پارسائی و کوشش مرا (بدان) دعوت کرد و من توجهی بدان نکردم، و چنان شتابی را که نسبت به متاع بی ارزش و پوسیده و خشک دنیا و آن سرابی که بزودی از بین می‌رود داشتم، آن شتاب را برای آخرت مبذول نداشتم، پروردگارا مرا (از عذاب) ترساندی، و (به پاداش نیک) تشویق کردی و بر من حجت تمام کردی پس من آن طور که باید از تو بیم داشته باشم بیم نکردم، و من ترس آن را دارم که از کوشش در باره تو کوتاهی کرده باشم و نسبت به یکی از حجتهای تو سستی ورزیده باشم.

خدایا (از تو خواهم که) چنان مقرر داری که کوششم در این دنیا خالص برای تو باشد و در راه اطاعت و فرمانبرداری تو باشد، و دلم را سرشار از خوف خود گردان، و کوتاهی کردن و سستی و تقصیر کاری و (بطور کلی) هر آنچه را بر خویشتن میترسم همه را به ترس و بیم از خود و شکیبائی در مورد طاعت و فرمانبرداری و عمل بدان مبدل فرما، ای دارای شوکت و بزرگواری. سپرم را در برابر گناهان محکم، و کارهای نیکم را مضاعف گردان که به راستی تو چنانی که اعمال هر که را خواهی مضاعف کنی . خدایا رتبه و درجه مرا در بهشت بلند گردان، و به تو پناه برم پروردگارا از (شر) خوراکی و آشامیدنی خوش و به تو پناه برم از شر آنچه میدانم و از شر آنچه نمیدانم، و بتو پناه برم از همه زشتیها چه آشکارش و چه پنهانش، و به تو پناه برم پروردگارا از اینکه نادانی را بدانائی بخرم- چنانچه دیگری جز من این کار را

کرده- یا سفاهت و نابخردی را بخردورزی خریداری کنم، یا بیتابی را به بردباری، یا گمراهی را به هدایت، یا کفر را به ایمان. پروردگارا به انجام خواسته هایم بر من منت گذار، که تو مردمان شایسته و صالح را دوست داری، و پاداش نیکوکاران را ضایع نسازی.و الحمد لله رب العالمین. - . مهج الدعوات: ۱۲۰-۱۲۱ -

دعای آن حضرت علیه السلام در جنگ صفین و در آغاز درگیری. از کتاب صفین (عبدالعزیز جلودی رحمه الله) نقل کردیم که آنگاه که پرچم را به حرکت در آوردند، حضرت اینگونه دعا نمود:

به نام خدای بخشاینده مهربان و جنبش و نیروئی نیست جز به خدای والای بزرگ، خدایا تو را می پرستم و از تو کمک گیرم، ای خدا، ای بخشاینده، ای مهربان، ای یکتا، ای بی نیاز، ای خدای محمد! بسوی تو گامها برداشته شود، و دلها روانه شود، و دیدگان بازگردد، و گردنها کشیده شود، و حاجتها خواسته شود، و دستها بالا رود، خدایا برگشا میان ما و قوم ما را بحق که تو بهترین گشایندگانی. آنگاه گفت: لا اله الا الله و سه بار گفت : الله اکبر.

از جمله روایتی از کتاب جلودی: روایت شده است که هرگاه امام علی علیه السلام به سوی جنگ می‌رفت،

همچنان خدا را یاد می‌کرد تا اینکه سوار بر مرکب خود می‌شد، این دعا را می‌خواند: «پاک و منزّه است کسی که این را مسخّر ما ساخت، و گر نه ما توانایی تسخیر آن را نداشتیم؛ و ما به سوی پروردگارمان رهسپاریم. خدا را به خاطر نعمتهایی که به ما داده و منتی که بر ما گذاشته سپاس می‌گوییم .

آنگاه، سوار بر استر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، رو به قبله می‌نمود و دستها را بلند نموده و همان دعای پیشین را می‌خواند. البته در این حدیث یک مقدار عبارات پس و پیش شده است - . مهج الدعوات، ص۱۲۲ - .

**[ترجمه]

فَصلٌ

وَجَدْتُ فِي آخِرِ كِتَابٍ قَالَبُهُ نِصْفُ ثُمُنِ الْوَرَقِ بِخَطِّ ابْنِ الْبَاقِلَانِيِّ الْمُتَكَلِّمِ النَّحْوِيِّ مَنَاماً بِغَيْرِ خَطِّهِ هَذَا لَفْظُهُ: حَدَّثَنِي السَّيِّدُ الْأَجَلُّ الْأَوْحَدُ الْعَالِمُ مُؤَيِّدُ الدِّينِ شَرَفُ الْقُضَاةِ عَبْدُ الْمَلِكِ أَدَامَ اللَّهُ عُلُوَّهُ أَنَّهُ كَانَ مَرِيضاً فَجَاءَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام وَ كَأَنَّهُ قَدْ نَزَلَ مِنَ الْهَوَاءِ فَأَرَادَ أَنْ يَسْأَلَهُ الدُّعَاءَ لِكَوْنِهِ مَرِيضاً فَلَمْ يَسْأَلْهُ فَقَالَ لَهُ الشِّفَاءَ وَ مَرَّ يَدَهُ عَلَى ذِرَاعِهِ الْأَيْمَنِ ثُمَّ قَالَ لَهُ قُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ يَحْفَظْكَ اللَّهُ بِهَا قُلْ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ الَّذِينَ قالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزادَهُمْ إِيماناً وَ قالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ (۳) أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبادِ(۴) قُلْ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ما يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلا مُمْسِكَ لَها وَ ما يُمْسِكْ فَلا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ

۱- ۱. نعمائه خ ل.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۱۲۲.

۳- ۳. آل عمران: ۱۷۳.

۴- ۴. غافر: ۴۴.

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (١) وَ إِذَا قُلْتَ الَّذِينَ الْآيَهَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَهٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَ إِذَا قُلْتَ أُفَوِّضُ أَمْرِی إِلَی اللَّهِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَی فَوَقاهُ اللَّهُ سَيِّئاتِ ما مَكَرُوا وَ حاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذابِ وَ إِذَا قُلْتَ ما يَفْتَحِ اللَّهُ الْآيَهَ وَ هَذَا الْإِيمَانُ التَّامُّ هَذَا تَفْسِيرُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ سَلَامُهُ أَقُولُ أَنَا وَ قَدْ سَقَطَ تَمَامُ تَفْسِيرِ الْآيَهِ الْأَخِيرَهِ(٢).

وَ مِنْ ذَلِكَ دُعَاءُ مَوْلَانَا وَ مُقْتَدَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام يَوْمَ الْهَرِيرِ بِصِفِّينَ رَوَيْنَا بِإِسْنَادِنَا إِلَی سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ فِی كِتَابِ الدُّعَاءِ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمِسْمَعِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ وَ حَدَّثَنِی مُوسَی بْنُ جَعْفَرِ بْنِ وَهْبٍ الْبَغْدَادِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُّونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ الْأَحْوَلِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: دَعَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يَوْمَ الْهَرِيرِ حِينَ اشْتَدَّ عَلَی أَوْلِيَائِهِ الْأَمْرُ دُعَاءَ الْكَرْبِ مَنْ دَعَا بِهِ وَ هُوَ فِی أَمْرٍ قَدْ كَرَبَهُ وَ غَمَّهُ نَجَّاهُ اللَّهُ مِنْهُ وَ هُوَ اللَّهُمَّ لَا تُحَبِّبْ إِلَيَّ مَا أَبْغَضْتَ وَ لَا تُبَغِّضْ إِلَيَّ مَا أَحْبَبْتَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَرْضَی سَخَطَكَ أَوْ أَسْخَطَ رِضَاكَ أَوْ أَرُدَّ قَضَاءَكَ أَوْ أَعْدُوَ قَوْلَكَ أَوْ أُنَاصِحَ أَعْدَاءَكَ أَوْ أَعْدُوَ أَمْرَكَ فِيهِمْ اللَّهُمَّ مَا كَانَ مِنْ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ يُقَرِّبُنِی مِنْ رِضْوَانِكَ وَ يُبَاعِدُنِی مِنْ سَخَطِكَ فَصَيِّرْنِی لَهُ وَ احْمِلْنِی عَلَيْهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ لِسَاناً ذَاكِراً وَ قَلْباً شَاكِراً وَ يَقِيناً صَادِقاً وَ إِيمَاناً خَالِصاً وَ جَسَداً مُتَوَاضِعاً وَ ارْزُقْنِی مِنْكَ حُبّاً وَ أَدْخِلْ قَلْبِی مِنْكَ رُعْباً اللَّهُمَّ فَإِنْ تَرْحَمْنِی فَقَدْ حَسُنَ ظَنِّی بِكَ وَ إِنْ تُعَذِّبْنِی فَبِظُلْمِی وَ جَوْرِی وَ جُرْمِی وَ إِسْرَافِی عَلَی نَفْسِی فَلَا عُذْرَ لِی إِنِ اعْتَذَرْتُ وَ لَا مُكَافَاةَ أَحْتَسِبُ بِهَا اللَّهُمَّ إِذَا حَضَرَتِ الْآجَالُ وَ نَفِدَتِ الْأَيَّامُ وَ كَانَ لَا بُدَّ مِنْ لِقَائِكَ فَأَوْجِبْ لِی مِنَ الْجَنَّهِ مَنْزِلًا يَغْبِطُنِی بِهِ الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ لَا حَسْرَهَ بَعْدَهَا وَ لَا رَفِيقَ بَعْدَ رَفِيقِهَا فِی أَكْرَمِهَا مَنْزِلًا

۱- ۱. فاطر ص ۲.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۱۲۲.

اللَّهُمَّ أَلْبِسْنِی خُشُوعَ الْإِیمَانِ بِالْعِزِّ قَبْلَ خُشُوعِ الذُّلِّ فِی النَّارِ أَثْنِی عَلَیْکَ رَبِّ أَحْسَنَ الثَّنَاءِ لِأَنَّ بَلَاءَکَ عِنْدِی أَحْسَنُ الْبَلَاءِ اللَّهُمَّ فَأَذِقْنِی مِنْ عَوْنِکَ وَ تَأْیِیدِکَ وَ تَوْفِیقِکَ وَ رِفْدِکَ وَ ارْزُقْنِی شَوْقاً إِلَی لِقَائِکَ وَ نَصْراً فِی نَصْرِکَ حَتَّی أَجِدَ حَلَاوَهَ ذَلِکَ فِی قَلْبِی وَ اعْزِمْ لِی عَلَی أَرْشَدِ أُمُورِی فَقَدْ تَرَی مَوْقِفِی وَ مَوْقِفَ أَصْحَابِی وَ لَا یَخْفَی عَلَیْکَ شَیْ ءٌ مِنْ أَمْرِی اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ النَّصْرَ الَّذِی نَصَرْتَ بِهِ رَسُولَکَ وَ فَرَّقْتَ بِهِ بَیْنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ حَتَّی أَقَمْتَ بِهِ دِینَکَ وَ أَفْلَجْتَ بِهِ حُجَّتَکَ یَا مَنْ هُوَ لِی فِی کُلِّ مَقَامٍ (۱)

وَ ذَکَرَ سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ أَنَّ هَذَا الدُّعَاءَ دَعَا بِهِ عَلِیٌّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ قَبْلَ رَفْعِ الْمَصَاحِفِ الشَّرِیفَهِ ثُمَّ قَالَ مَا مَعْنَاهُ أَنَّ إِبْلِیسَ صَرَخَ صَرْخَهً سَمِعَهَا بَعْضُ الْعَسْکَرِ یُشِیرُ عَلَی مُعَاوِیَهَ وَ أَصْحَابِهِ بِرَفْعِ الْمَصَاحِفِ الْجَلِیلَهِ لِلْحِیلَهِ فَأَجَابَهُ الْخَوَارِجُ لِمُعَاوِیَهَ إِلَی شُبُهَاتِهِ فَرَفَعُوهَا فَاخْتَلَفَ أَصْحَابُ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیٍّ علیه السلام کَمَا اخْتَلَفُوا فِی طَاعَهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِی حَیَاتِهِ فَدَعَا علیه السلام فَقَالَ:

اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الْعَافِیَهَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَ مِنْ شَمَاتَهِ الْأَعْدَاءِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِی ذَنْبِی وَ زَکِّ عَمَلِی وَ اغْسِلْ خَطَایَایَ فَإِنِّی ضَعِیفٌ إِلَّا مَا قَوَّیْتَ وَ اقْسِمْ لِی حِلْماً تَسُدُّ بِهِ بَابَ الْجَهْلِ وَ عِلْماً تُفَرِّجُ بِهِ الْجَهَلَاتِ وَ یَقِیناً تُذْهِبُ بِهِ الشَّکَّ عَنِّی وَ فَهْماً تُخْرِجُنِی بِهِ مِنَ الْفِتَنِ الْمُعْضِلَاتِ وَ نُوراً أَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ وَ أَهْتَدِی بِهِ فِی الظُّلُمَاتِ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِی سَمْعِی وَ بَصَرِی وَ شَعْرِی وَ بَشَرِی وَ قَلْبِی صَلَاحاً بَاقِیاً تَصْلُحُ بِهَا مَا بَقِیَ مِنْ جَسَدِی أَسْأَلُکَ الرَّاحَهَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ أَیَّ عَمَلٍ کَانَ أَحَبَّ إِلَیْکَ وَ أَقْرَبَ لَدَیْکَ أَنْ تَسْتَعْمِلَنِی فِیهِ أَبَداً ثُمَّ لَقِّنِّی أَشْرَفَ الْأَعْمَالِ عِنْدَکَ وَ آتِنِی فِیهِ قُوَّهً وَ صِدْقاً وَ جِدّاً وَ عَزْماً مِنْکَ وَ نَشَاطاً ثُمَّ اجْعَلْنِی أَعْمَلُ ابْتِغَاءَ وَجْهِکَ وَ مَعَاشَهً فِیمَا آتَیْتَ صَالِحِی عِبَادِکَ ثُمَّ اجْعَلْنِی لَا أَشْتَرِی بِهِ ثَمَناً قَلِیلًا وَ لَا أَبْتَغِی بِهِ بَدَلًا وَ لَا تُغَیِّرْهُ فِی سَرَّاءَ وَ لَا ضَرَّاءَ

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۲۳- ۱۲۴.

وَ لَا كَسَلًا وَ لَا نِسْيَاناً وَ لَا رِيَاءً وَ لَا سُمْعَةً حَتَّى تَتَوَفَّانِی عَلَيْهِ وَ ارْزُقْنِی أَشْرَفَ الْقَتْلِ فِی سَبِيلِكَ أَنْصُرُكَ وَ أَنْصُرُ رَسُولَكَ أَشْتَرِی الْحَيَاةَ الْبَاقِيَةَ بِالدُّنْيَا وَ أَغْنِنِی بِمَرْضَاهٍ مِنْ عِنْدِكَ اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ قَلْباً سَلِيماً حَفِيظاً مُنِيباً يَعْرِفُ الْمَعْرُوفَ فَيَتَّبِعُهُ وَ يُنْكِرُ الْمُنْكَرَ فَيَجْتَنِبُهُ لَا فَاجِراً وَ لَا شَقِيّاً وَ لَا مُرْتَاباً يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَهِ يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ حَيَاتِی زِيَادَةً لِی فِی كُلِّ خَيْرٍ وَ اجْعَلِ الْوَفَاهَ نَجَاةً لِی مِنْ كُلِّ شَرٍّ وَ اخْتِمْ لِی عَمَلِی بِالشَّهَادَهِ يَا عُدَّتِی فِی كُرْبَتِی وَ يَا صَاحِبِی فِی حَاجَتِی وَ وَلِيِّی فِی نِعْمَتِی وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْزُقَنِی شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَ صَبْراً عَلَى بَلِيَّتِكَ وَ رِضًا بِقَدَرِكَ وَ تَصْدِيقاً بِوَعْدِكَ وَ حِفْظاً لِوَصِيَّتِكَ وَ وَرَعاً وَ تَوَكُّلًا عَلَيْكَ وَ اعْتِصَاماً بِحَبْلِكَ وَ تَمَسُّكاً بِكِتَابِكَ وَ مَعْرِفَةً بِحَقِّكَ وَ قُوَّةً فِی عِبَادَتِكَ وَ نَشَاطاً لِذِكْرِكَ مَا اسْتَعْمَرْتَنِی فِی أَرْضِكَ فَإِذَا كَانَ مَا لَا بُدَّ مِنْهُ الْمَوْتُ فَاجْعَلْ مَنِيَّتِی قَتْلًا فِی سَبِيلِكَ بِيَدِ شَرِّ خَلْقِكَ وَ اجْعَلْ مَصِيرِی فِی الْأَحْيَاءِ الْمَرْزُوقِينَ عِنْدَكَ فِی دَارِ الْحَيَوَانِ: اللَّهُمَّ اجْعَلِ النُّورَ فِی بَصَرِی وَ الْيَقِينَ فِی قَلْبِی وَ خَوْفَكَ فِی نَفْسِی وَ ذِكْرَكَ عَلَى لِسَانِی اللَّهُمَّ اجْعَلْ رَغْبَتِی فِی مَسْأَلَتِی إِيَّاكَ رَغْبَهَ أَوْلِيَائِكَ فِی مَسَائِلِهِمْ وَ اجْعَلْ رَهْبَتِی إِيَّاكَ فِی اسْتِجَارَتِی مِنْ عَذَابِكَ رَهْبَهَ أَوْلِيَائِكَ اللَّهُمَّ وَ اسْتَعْمِلْنِی فِی مَرْضَاتِكَ وَ طَاعَتِكَ عَمَلًا لَا أَتْرُكُ شَيْئاً مِنْ مَرْضَاتِكَ وَ طَاعَتِكَ مَخَافَهَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ دُونَكَ اللَّهُمَّ مَا آتَيْتَنِی مِنْ خَيْرٍ فَآتِنِی مَعَهُ شُكْراً تُحْدِثُ بِهِ لِی ذِكْراً وَ أَحْسِنْ لِی بِهِ ذُخْراً وَ مَا زَوَيْتَ عَنِّی مِنْ عَطَاءٍ آتَيْتَنِی عَنْهُ غِنًى فَاجْعَلْ لِی فِيهِ أَجْراً وَ آتِنِی عَلَيْهِ صَبْراً اللَّهُمَّ سُدَّ فَقْرِی فِی الدُّنْيَا وَ لَا تُلْهِنِی عَنْ عِبَادَتِكَ وَ لَا تُنْسِنِی ذِكْرَكَ وَ لَا تُقَصِّرْ رَغْبَتِی فِيمَا عِنْدَكَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْغَمِّ وَ الْحَزَنِ وَ الْعَجْزِ وَ الْكَسَلِ وَ الْجُبْنِ وَ الْبُخْلِ وَ سُوءِ الْخُلُقِ وَ ضَلَعِ الدَّيْنِ (۱)

وَ غَلَبَهِ الرِّجَالِ وَ غَلَبَهِ الْعَدُوِّ

۱- ۱. يقال: أخذه ضلع الدين: ای ثقله حتّی يميل بصاحبه عن الاستواء لثقله و فی المصدر المطبوع: ظلع الدين، و هو تصحيف.

وَ تَوَالِی الْأَیَّامِ وَ مِنْ شَرِّ مَا یَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِی الْأَرْضِ وَ مِنْ بَلِیَّهٍ لَا أَسْتَطِیعُ عَلَیْهَا صَبْراً وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ زَحْزَحَ بَیْنِی وَ بَیْنَکَ أَوْ بَاعَدَ مِنْکَ أَوْ صَرَفَ عَنِّی وَجْهَکَ أَوْ نَقَصَ بِهِ مِنْ حَظِّی عِنْدَکَ وَ أَعُوذُ بِکَ أَنْ تَحُولَ خَطَایَایَ وَ ظُلْمِی أَوْ إِسْرَافِی عَلَی نَفْسِی وَ اتِّبَاعُ هَوَایَ وَ اسْتِعْمَالُ شَهْوَتِی دُونَ رَحْمَتِکَ (۱) وَ بِرِّکَ وَ فَضْلِکَ وَ بَرَکَاتِکَ وَ مَوْعُودِکَ عَلَی نَفْسِکَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ صَاحِبِ سَوْءٍ فِی الْمَغِیبِ وَ الْمَحْضَرِ فَإِنَّ قَلْبَهُ یَرْعَانِی وَ عَیْنَاهُ تَنْظُرَانِی وَ أُذُنَاهُ تَسْمَعَانِی إِنْ رَأَی حَسَنَهً أَطْفَأَهَا(۲)

وَ إِنْ رَأَی سَیِّئَهً أَبْدَاهَا وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ طَمَعٍ یُدْنِی (۳)

إِلَی طَبَعٍ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ ضَلَالَهٍ تُرْدِینِی وَ مِنْ فِتْنَهٍ تَعْرُضُ لِی وَ مِنْ خَطِیئَهٍ لَا تَوْبَهَ مَعَهَا وَ مِنْ مَنْظَرِ سَوْءٍ فِی الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ وَ عِنْدَ غَضَاضَهِ الْمَوْتِ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْکُفْرِ وَ الشَّکِّ وَ الْبَغْیِ وَ الْحَمِیَّهِ وَ الْغَضَبِ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ غِنًی یُطْغِینِی وَ مِنْ فَقْرٍ یُنْسِینِی وَ مِنْ هَوًی یُرْدِینِی وَ مِنْ عَمَلٍ یُخْزِینِی وَ مِنْ صَاحِبٍ یُغْوِینِی اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ یَوْمٍ أَوَّلُهُ فَزَعٌ وَ أَوْسَطُهُ وَجَعٌ وَ آخِرُهُ جَزَعٌ تَسْوَدُّ فِیهِ الْوُجُوهُ وَ تَجِفُّ فِیهِ الْأَکْبَادُ وَ أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَعْمَلَ ذَنْباً مُحْبِطاً لَا تَغْفِرُهُ أَبَداً وَ مِنْ ذَنْبٍ یَمْنَعُ خَیْرَ الْآخِرَهِ وَ مِنْ أَمَلٍ یَمْنَعُ خَیْرَ الْعَمَلِ وَ حَیَاهٍ تَمْنَعُ خَیْرَ الْمَمَاتِ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْجَهْلِ وَ الْهَزْلِ وَ مِنْ شَرِّ الْقَوْلِ وَ الْفِعْلِ وَ مِنْ سَقَمٍ یَشْغَلُنِی وَ مِنْ صِحَّهٍ تُلْهِینِی وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ التَّعَبِ وَ النَّصَبِ وَ الْوَصَبِ وَ الضِّیقِ وَ الضَّلَالَهِ وَ الْقَائِلَهِ وَ الذِّلَّهِ وَ الْمَسْکَنَهِ وَ الرِّیَاءِ وَ السُّمْعَهِ وَ النَّدَامَهِ وَ الْحَزَنِ وَ الْخُشُوعِ وَ الْبَغْیِ وَ الْفِتَنِ وَ مِنْ جَمِیعِ الْآفَاتِ وَ السَّیِّئَاتِ وَ بَلَاءِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْفَوَاحِشِ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ وَسْوَسَهِ الْأَنْفُسِ مِمَّا لَا تُحِبُّ مِنَ الْقَوْلِ وَ الْفِعْلِ وَ الْعَمَلِ.

ص: ۲۴۰

۱- ۱. توبتک خ ل.

۲- ۲. أخفاها خ ل.

۳- ۳. یؤدی خ ل، و الطبع محرکه: الدنس.

اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الْحَسِّ وَ اللَّبْسِ وَ مِنْ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ أَنْفُسِ الْجِنِّ وَ أَعْيُنِ الْإِنْسِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسِی وَ مِنْ شَرِّ لِسَانِی وَ مِنْ شَرِّ سَمْعِی وَ مِنْ شَرِّ بَصَرِی وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ بَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ مِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَ صَلَاهٍ لَا تُرْفَعُ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِی (۱)

فِی شَیْ ءٍ مِنْ عَذَابِکَ وَ لَا تَرُدَّنِی فِی ضَلَالَهٍ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِشِدَّهِ مُلْکِکَ وَ عِزَّهِ قُدْرَتِکَ وَ عَظَمَهِ سُلْطَانِکَ وَ مِنْ شَرِّ خَلْقِکَ أَجْمَعِينَ.

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام هَذَا الدُّعَاءُ وَ هُوَ لِکُلِّ أَمْرٍ مُهِمٍّ شَدِيدٍ وَ کَرْبٍ وَ هُوَ دُعَاءٌ لَا يُرَدُّ مَنْ دَعَا بِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى (۲).

دُعَاءٌ آخَرُ لِمَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ الصَّلَاهُ وَ السَّلَامُ يَوْمَ صِفِّينَ وَجَدْنَاهُ وَ رَوَيْنَاهُ مِنْ کِتَابِ الدُّعَاءِ وَ الذِّکْرِ تَصْنِيفِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ الْأَهْوَازِیِّ رَحِمَهُ اللَّهُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: کَانَ مِنْ دُعَاءِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَوْمَ صِفِّينَ اللَّهُمَّ رَبَّ هَذَا السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ الْمَکْفُوفِ الْمَحْفُوظِ الَّذِی جَعَلْتَهُ مَغِيضَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ جَعَلْتَ فِيهَا مَجَارِیَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ وَ مَنَازِلَ الْکَوَاکِبِ وَ النُّجُومِ وَ جَعَلْتَ سَاکِنَهُ سِبْطاً مِنَ الْمَلَائِکَهِ لَا يَسْأَمُونَ الْعِبَادَهَ وَ رَبَّ هَذِهِ الْأَرْضِ الَّتِی جَعَلْتَهَا قَرَاراً لِلنَّاسِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْهَوَامِّ وَ مَا نَعْلَمُ وَ مَا لَا نَعْلَمُ مِمَّا يُرَى وَ مِمَّا لَا يُرَى مِنْ خَلْقِکَ الْعَظِيمِ وَ رَبَّ الْجِبَالِ الَّتِی جَعَلْتَهَا لِلْأَرْضِ أَوْتَاداً وَ لِلْخَلْقِ مَتَاعاً وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ الْمُحِيطِ بِالْعَالَمِ وَ رَبَّ السَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ رَبَ الْفُلْکِ الَّتِی تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِما يَنْفَعُ النَّاسَ إِنْ أَظْفَرْتَنَا عَلَى عَدُوِّنَا فَجَنِّبْنَا الْکِبْرَ وَ سَدِّدْنَا لِلرُّشْدِ وَ إِنْ أَظْفَرْتَهُمْ عَلَيْنَا فَارْزُقْنَا الشَّهَادَهَ وَ اعْصِمْ بَقِيَّهَ أَصْحَابِی مِنَ الْفِتْنَهِ وَ هَذَا آخِرُ الدُّعَاءِ وَ کَانَ فِيهِ أَظْفَرْتَنَا وَ أَظْفَرْتَهُمْ وَ لَعَلَّهَا أَظْهَرْتَنَا وَ أَظْهَرْتَهُمْ

۱- ۱. لا تحملنی خ ل.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۱۲۴- ۱۲۷.

لِأَجْلِ أَنَّهُ قَالَ بَعْدَهَا عَلَى وَ لَوْ كَانَتْ أَظْفَرْتَنَا كَانَتْ بَعْدَهَا بَا بِأَعْدَائِنَا وَ إِنْ كَانَتْ حُرُوفُ الْخَفْضِ يَقُومُ بَعْضُهَا مَقَامَ بَعْضٍ (۱) رَأَيْتُ فِي آخِرِ مَجْمُوعٍ لِأَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سُلَيْمَانَ مَا هَذَا لَفْظُهُ مِنْ دُعَاءِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَفْتَقِرَ فِي غِنَاكَ أَوْ أَضِلَّ فِي هُدَاكَ أَوْ أَذِلَّ فِي عِزِّكَ أَوْ أُضَامَ فِي سُلْطَانِكَ أَوْ أُضْطَهِدَ وَ الْأَمْرُ إِلَيْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَقُولَ زُوراً أَوْ أَغْشَى فُجُوراً أَوْ أَنْ أَكُونَ بِكَ مَغْرُوراً(۲).

وَ مِنْ ذَلِكَ دُعَاءٌ لِمَوْلَانَا وَ مُقْتَدَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ علیه السلام فِي صِفِّينَ وَجَدْتُهُ فِي الْجُزْءِ الرَّابِعِ مِنْ كِتَابِ دَفْعِ الْهُمُومِ وَ الْأَحْزَانِ لِأَحْمَدَ بْنِ دَاوُدَ النُّعْمَانِ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: قُلْتُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام لَيْلَةَ صِفِّينَ أَ مَا تَرَى الْأَعْدَاءَ قَدْ أَحْدَقُوا بِنَا فَقَالَ وَ قَدْ رَاعَكَ هَذَا قُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُضَامَ فِي سُلْطَانِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَضِلَّ فِي هُدَاكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَفْتَقِرَ فِي غِنَاكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُضَيَّعَ فِي سَلَامَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُغْلَبَ وَ الْأَمْرُ إِلَيْكَ (۳).

lt;meta info=": در کتابی به خط ابن الباقلانی خوابی یافتم که به خط خود او نبود و آن این بود که : مؤید الدین عبدالملک گفت: او مریض بود و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بصورتی که گویی از آسمان نازل شده، نزد او آمد. او خواست که از حضرتش دعایی بخواهد که از مریضی شفا یابد. اما دعا نخواست و فقط گفت: شفاء بده. امام علی علیه السلام دست مبارک را روی بازوی راست مؤید الدین کشید و فرمود: سه بار این دعا را بخوان تا خداوند تو را حفظ کند. و آن دعا این است:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. آنها کسانی بودند که(بعضی از) مردم، به آنان گفتند: «مردم[لشکر دشمن] برای(حمله به) شما اجتماع کرده اند؛ از آنها بترسید!» اما این سخن، بر ایمانشان افزود؛ و گفتند: «خدا ما را کافی است؛ و او بهترین حامی ماست - . آل عمران/ ۱۷۳ - .

پناه می برم به خداوند از شر شیطان رانده شده. ! من کار خود را به خدا واگذارم که خداوند نسبت به بندگانش بیناست - . غافر /۴۴ - .

از شر شیطان رانده شده به خداوند پناه می‌برم. هر رحمتی را خدا به روی مردم بگشاید،

کسی نمی تواند جلو آن را بگیرد؛ و هر چه را امساک کند، کسی غیر از او قادر به فرستادن آن نیست؛ و او عزیز و حکیم است - . فاطر/۲ - .

آنگاه امام علی علیه السلام فرمود: هرگاه آیه الذین قال لهم الناس... را بخوانی، خداوند در جواب تو می‌فرماید: به همین جهت،آنها (از این میدان،) با نعمت و فضل پروردگارشان،

بازگشتند؛ در حالی که هیچ ناراحتی به آنان نرسید؛ به همین جهت، آنها (از این میدان،) با نعمت و فضل پروردگارشان، بازگشتند؛ در حالی که هیچ ناراحتی به آنان نرسید. و هرگاه آیه افوض امری... را بخوانی، خداوند می‌فرماید: خداوند او را از نقشه های سوء آنها نگه داشت، و عذاب شدید بر آل فرعون وارد شد .

و هرگاه آیه ما یفتح الله... را بخوانی، این ایمان کامل است. این تفسیر امام علی علیه السلام است.

می گویم: ادامه تفسیر آیه اخیر موجود نیست - . مهج الدعوات: ۱۲۲ - .

از جمله ادعیه دعای مولا و راهبر ما امیرالمومنین علی علیه السلام در روز هریر در صفین است که ما آن را به اسناد خودمان از کتاب الدعاء سعد بن عبدالله نقل می کنیم :

امام صادق علیه السلام فرمود: در روز هریر وقتی که عرصه بر امام علی علیه السلام و یارانش تنگ شد، حضرت این دعا را خواندند و این دعای کرب نامیده شده است، هر کس دچار گرفتاری و اندوه شده باشد و این دعا را بخواند، خداوند او را از گرفتاری اش نجات می‌بخشد و

دعا این است:

خدایا برای من مپسند آنچه را تو ناخوش داری، و ناپسند مدار برایم آنچه را تو خوش داری، خدایا به تو پناه برم از اینکه به خشم تو راضی باشم یا پسند تو مورد خشم من باشد، یا آنکه قضا و حکم تو را بازگردانم، و یا از گفتارت تجاوز کنم، یا خیر خواهی دشمنان تو را کرده و در نتیجه از فرمان تو در مورد آنها تجاوز نمایم، خدایا هر آن کردار و یا گفتاری که مرا بخشنودی تو نزدیک سازد و از خشم تو دورم گرداند مرا بدان وادار، ای مهربانترین مهربانان. خدایا از تو خواهم: زبانی گویای بذکر، و دلی سپاسگزار، و یقین از روی صدق و درستی، و ایمانی پاک و خالص، و تنی فروتن، و از دوستی خود به من روزی دار، و ترس خود را در دلم درآر. خدایا اگر به من مهرورزی که به همان خوش گمانی که (نسبت) به تو دارم رفتار کرده ای، و اگر عذابم کنی به خاطر همان ستم و تجاوز و جنایتی است که خود من بر خویشتن روا داشته ام، و عذری ندارم که بدان عذر خواهی کنم، و مکافاتی نیست که آن را به حساب تو گذارم. خدایا آنگاه که أجل در رسد، و روزها سپری گردد، و (با تمام شدن عمر) چاره ای جز دیدار تو نباشد منزلگاهی در بهشت برای من مقرر فرما، که مورد غبطه پیشینیان و پسینیان باشد، و پس از آن منزلگاه دیگر افسوسی در کار نباشد، و همدمی پس از همدمان آنجا (و بهتر از آنها) نباشد، در گرامی‌ترین منزلگاههایش . خدایا جامه خشوع ایمان را با عزت بر من بپوشان پیش از آنکه در آتش دوزخ جامه خواری به من

پوشانده شود. تو را ای پروردگار (بزرگ) به بهترین ثناها ثنا گویم زیرا بلای تو در نزد من بهترین بلاها است. خدایا لذت کمک و یاری و توفیق و عطای خود را به من بچشان، و شوق دیدار خود، و نصرتی را که از یاری تو است روزیم گردان تا شیرینی آن را در دل خویش دریابم، و مرا به راهنماترین کارهایم مصمم فرما که تو (خود) جایگاه من و جایگاه یارانم را (در این روز) می بینی، و چیزی از کار من بر تو پوشیده نیست. خدایا از تو آن نصرتی را خواهانم که پیامبرت را بدان نصرت دادی، و بدان میان حق و باطل را جدا ساختی تا آنجا که دین و آئین خود را بدان پا برجا کرده و دلیل روشن خود را بدان آشکار کردی. ای خدائی که در هر جایگاه یار و یاورم بوده و هستی - . مهج الدعوات : ۱۲۳-۱۲۴ - .

سعد بن عبدالله گوید این دعای آن حضرت (در جنگ صفین) است پیش از آنکه قرآنها را بر سر نیزه کنند. سپس سخنی گفت که نقل به معنا چنین است: ابلیس فریادی کشید که برخی از سپاهیان آن فریاد را شنیدند. ابلیس با این فریاد خود به معاویه اشاره کرد که قرآنها را برای حیله و چاره بر سر نیزه کنند. خوارج که در سپاه معاویه بودند شبهه و تلبیس او را اجابت کردند و قرآنها را بالا بردند. پس اصحاب علی علیه السلام اختلاف کردند همچنان که در اطاعت از رسول خدا صلوات الله علیه اختلاف کردند. پس آن حضرت دعا کرد و دعای حضرت این بود:

خدایا از تو خواهم تندرستی از بلای جانفرسا و از شماتت دشمنان، خدایا گناهم بیامرز و کردارم را پاک گردان، و خطا کاریهایم را بشوی که من ناتوانم جز بدان چه توأم نیرو داده ای، و آن چنان بردباری به من بده که بدان درب نادانی را ببندی، و دانشی به من ده که بدان نادانیها را برگشائی، و یقینی که بدان شک و تردید را از من دور سازی، و فهمی که بدان مرا از فتنه های سخت و در هم بیرون آری، و نوری که بدان در میان تاریکی (بهدایت) راه روم. خدایا گوش و چشم و مو و پوست و دلم را برای من شایسته و صالح گردان بدان سان که سایر اعضایم را بدان شایسته و صالح گردانی. من از تو راحتی در وقت مرگ و گذشت در هنگام حساب را خواستارم. خدایا از تو خواهم که هر کرداری را که از همه پیش تو محبوبتر و بدرگاهت نزدیکتر است همیشه مرا بدان واداری، آنگاه شریفترین کارها را در نزد خود به من یاد دهی، و نیرو و راستی و کوشش و تصمیمی از جانب خود و نشاطی برای انجامش به من عطا فرمائی، و چنانم کنی که کردار من تنها به خاطر جلب رضای تو، و زندگیم همان زندگی که به بندگان شایسته ات داده ای باشد، آنگاه چنانم گردانی که آن را بچیزی نفروشم و آن را بچیز دیگری برابر نخواهم، و آن نعمت را در خوشی و ناخوشی بر من دگرگون مساز، و به کسالت و فراموشی و خودنمائی و شهرت طلبی دچارم مساز تا آنگاه که مرا بر آن بمیرانی، و بهترین کشته شدنهای در راهت را روزی من گردانی یعنی براهی که تو و رسول تو را یاری کنم، و زندگانی جاویدان آن جهان را بزندگانی (عاریت) دنیا خریداری کنم، و مرا به موجبات خوشنودی خود کمک فرما. خدایا از تو خواهم دلی

سالم، پا برجا، خوددار، بازگرد، که کار نیک را نیک داند و پیرویش کند، و کار زشت را زشت شمارد و از آن دوری گزیند، نه دلی که بزهکار باشد و نه سخت و نه (آن دلی که) بشک و تردید (گرفتار) باشد، ای که دو دست احسانش برحمت باز است، ای که مهرش بر خشمش پیشی جسته، از تو خواهم که زندگی مرا چنان مقرر فرمائی که فزاینده در هر کار نیکی باشد، و مرگم را رهائی از هر شری برایم مقرر فرما، و کردارم را به (مقام) شهادت (و جانبازی در راه تو) ختم فرما، ای ذخیره ام در سختی، و ای همراه من در هر حاجت، و ای ولی نعمتم، از تو خواهم که روزیم گردانی: سپاسگزاری نعمتت، و شکیبائی در بلا و گرفتاریت، و خوشنودی نسبت بمقدراتت، و تصدیق بوعده ات، و محافظت سفارشاتت، و پارسائی و توکل بر تو، و دست زدن بریسمان محکم تو، و تمسک بکتابت (قرآن) و شناسائی حقت، و نیروئی در عبادت و پرستشت، و نشاطی برای ذکرت، تا هر زمانی که در زمین خود به من عمر می دهی ، و هر گاه بناچار مرگم در رسد پس آن را شهادت و کشته شدن در راه خود قرار ده که به دست بدترین خلق تو انجام شود، و راه مرا در (دوران زندگی و) در میان زندگان راه آن دسته مردمانی قرار ده که در خانه زندگانی (و سرای ابدی) در پیشگاه تو روزی خورند خدایا در دیده ام نور و روشنائی قرار ده، و در دلم یقین بنه، و ترس و هراست را در خویشتن، و ذکر خود را بر زبانم جاری فرما. خدایا خواسته ام را در آنچه از تو میخواهم آن خواسته و میلی که دوستانت از تو میخواهند قرار ده، و ترسم را از تو در مورد پناه خواهی از عذاب و شکنجه ات همان ترس اولیاء و دوستانت گردان. خدایا مرا در مورد جلب خوشنودیت بکاری وادار که چیزی از موجبات خوشنودی و فرمانبرداری تو را به خاطر ترس و واهمه از یکی از خلق و آفریدگانت وانگذارم. خدایا هر آن خیر و نعمتی که به من عطا فرموده ای بهمراه آن سپاسگزاری و شکری به من بده که بدان وسیله ذکر تازه ای از تو برایم پیدا شود، و ذخیره ام را بدان نیکو گردانی، و هر عطائی را که از من بازداری و مرا از آن بی نیاز سازی پاداشی برای من در آن عطا مقرر فرما و صبر و شکیبائی در محرومیت آن به من عنایت کن.

خدایا فقر و نداری دنیا را بروی من ببند، و مرا از عبادت و پرستش خویش (به چیز دیگری) سرگرم مکن، و ذکر خود را فراموشم مکن، و میل و رغبتم را در آنچه نزد تو است کم مفرما. خدایا به تو پناه برم از غم و اندوه و ناتوانی و بیحالی و بزدلی و بخل و بدخلقی، و انحراف در دین، و غلبه یافتن دیگران و استیلاء دشمنان، و دگرگونی روزگار، و از شر آنچه ستمکاران در زمین انجام دهند، و از آن بلا و گرفتاری که توانائی صبر بر آن را ندارم، و پناه برم به تو از هر چه میان من و تو جدائی افکند یا مرا از تو دور سازد، و یا آنکه روی مرا از درگاه تو بازگرداند، یا از بهره ام در پیش تو بکاهد، و پناه برم به تو از اینکه خطا کاریهایم یا ستم و زیاده رویم بر خود و پیرویم از کارهای دلخواهم و به کار انداختن شهوت و هوای نفسم میان من و مهر و رحمتت و احسان و فضلت و برکتها و وعده هائی که برای من بر خویش مقرر فرموده حائل گردد. خدایا به تو پناه برم از همدم بد در غیاب و حضور، زیرا که دلش متوجه من گردد، و دیدگانش مرا زیر نظر گیرد، و گوشهایش سخنان مرا بشنود، اگر کار نیکی از من ببیند پنهانش کند، و اگر کار بدی ببیند آشکارش سازد، و به تو پناه برم از طمع و آزی که (مرا) به ننگ و پستی کشاند، و پناه برم به تو از آن گمراهی که بنابودیم در اندازد، و از فتنه ای که بر من عارض گردد (یا از کار خیر بازم دارد) و از خطا و گناهی که توبه ندارد، و از مناظر ناراحت کننده (و پیش آمدهای ناگوار) در مورد خانواده و مال و فرزند و هنگام خواری مرگ (و سختی جان دادن)، و به تو پناه برم از کفر و تردید، و ستم و تعصب (بیجا) و خشم، و به تو پناه برم از ثروتی که مرا بسرکشی و طغیان وادارد، و از فقر و نداری که مرا بفراموشی اندازد، و از هوا و هوسی که بهلاکت و نابودیم کشاند، و از آن کاری که خوارم سازد، و از رفیق و همدمی که گمراهم کند. خدایا به تو پناه برم از شر آن روزی که آغازش بیم و فزع ، میانه اش رنج و پایانش بیتابی و جزع است، رویها در آن سیاه گردد و جگرها در آن خشک شود، و به تو پناه برم از اینکه بگناهی محوکننده (کارهای نیک) آلوده گردم، گناهی که هرگز آن را نیامرزی، و از گناهی که از خیر و نعمت آخرت جلوگیری کند، و از آرزوئی که بهترین کارها را مانع گردد، و از زندگانی که جلوی بهترین مردنها را بگیرد، و به تو پناه می برم از نادانی و یاوه گوئی و از گفتار و کردار بد، و از بیماری و دردی که بخود مشغولم کند، و از آن تندرستی که به غفلتم دچار گرداند (و بخود سرگرمم سازد) و به تو پناه برم از خستگی و رنج و سختی (یا ماندگی) و تنگی و گمراهی و گرفتاری و خواری و نداری و خودنمائی و شهرت طلبی و پشیمانی، و اندوه، و خواری کردن، و ستمگری، و ترس، و از فتنه ها، و از تمامی آفات و بدیها و بلاهای دنیائی و آخرتی. و به تو پناه برم از کارهای زشت آشکار و نهان، و به تو پناه برم از وساوس نفسانی آنها که مورد رضایت تو نیست چه در گفتار و چه در کردار. خدایا به تو پناه برم از (شر) جنیان و آدمیان، و نیرنگ، و اشتباه کاری، و از شر حوادث کوبنده شب و روز، و

فوت و دم جنیان، و چشم زخم آدمیان. خدایا به تو پناه برم از شر نفس خود و از شر زبانم، و از شر گوشم، و از شر دیده ام، و به تو پناه برم از نفسی که سیر نشود، و از دلی که نرم نگردد، و از دعائی که باجابت نرسد، و از نمازی که مورد قبول درگاهت واقع نشود. خدایا مرا به هیچ نوعی از عذاب خود دچار مکن، و در گمراهی بازم مگردان. خدایا به تو پناه برم بسختی و محکمی فرمانروائیت، و شوکت قدرت و نیرویت، و بزرگی سلطنتت از شر همه آفریدگان و مخلوقت .

آنگاه امام صادق علیه السلام فرمود: این دعا برای گشایش کارهای مهم و گرفتاریها مفید است هرکس این دعا را بخواند، و خواسته اش را از خداوند بخواند، ان شاء الله که دعایش رد نمی‌شود - . مهج الدعوات : ۱۲۴-۱۲۷ -

دعای دیگر آن حضرت علیه السلام در جنگ صفین، این دعا را از کتاب الدعاء و الذکر حسین بن سعید اهوازی نقل کردیم که امام صادق علیه السلام فرمود: از دعاهای امیرالمؤمنین علی علیه السلام در روز صفین این بود :

خدایا ای پروردگار آسمان بلند پوشیده و محفوظی که آن را مرکز اجتماع شب و روز قرار دادی و مجرای خورشید و ماهش ساختی، و منزلگاه ستارگانش کردی، و ساکنانش را گروهی از فرشتگان کردی که از پرستش خسته نشوند. و ای پروردگار این زمینی که آن را قرارگاهی برای مردم و چهارپایان و سایر حشرات و آنچه را ما میدانیم و آنچه را نمیدانم از دیدنیها و نادیدنیهای آفریدگان بزرگت ساختی، و ای پروردگار کوهها که آنها را میخهائی برای زمین و اسبابی برای خلق خود کردی، و ای پروردگار دریای پر میانی که بر جهان احاطه دارد، و ای پروردگار ابرهائی که در میان آسمان و زمین بخدمت اندرند، و ای پروردگار کشتیهائی که در دریا به سود مردم روانند، (از تو خواهم) که ما را بر دشمن پیروز گردانی و از کبر و نخوت بازمان داری، و به راه رشد و هدایت پا بر جا و محکم داری، و اگر آنها را بر ما پیروز داری شهادت را روزی ما گردان و باقیماندگان یاران ما را از فتنه (و گمراهی) نگاه داری.

این آخر دعا بود و شاید عبارت «اظفرتنا و اظفرتهم» در اصل اینگونه باشد: اظهرتنا و اظهرتهم. چرا که بعد از عبارت اظفرتنا حرف جر «علی» آمده است و درست این است که بای حرف جاره بیاید « بأعدائنا»؛ گرچه در برخی موارد حروف جاره به جای همدیگر استعمال می‌شوند - . مهج الدعوات : ۱۲۸ - .

در آخر کتاب «مجموع» احمد بن حسین بن سلیمان دعایی را دیدم که لفظ آن این است: از دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: خداوند ا، من به تو پناه می‌برم از اینکه در غنای تو من فقیر بمانم و از اینکه در هدایت تو، من گمراه بمانم و از اینکه با وجود عزت تو من ذلیل شوم و از اینکه در مملکت تو مورد ستم قرار گیرم و از اینکه تمام کارها به دست تو باشد و به من ستم گردد. خداوندا، من از اینکه گفتاری دروغ بر زبان رانم و یا اینکه کای ناشایست انجام دهم، به تو پناه می‌برم و پناه می‌برم از اینکه نسبت به تو فریفته گردم (یعنی : رحمت و بخشندگی تو مایه فریفتگی من شود) - . مهج الدعوات : ۱۲۸ - .

از جمله این دعاها دعایی است از حضرت امیر علیه السلام در جنگ صفین، که من آن را در جلد چهارم کتاب دفع الهموم و الاحزان نوشته احمد بن داود نعمان یافتم . در آن آورده است: ابن عباس گوید: در شب صفین به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردم: آیا نمی بینی که دشمنان دور تا دور ما را فرا گرفته اند؟ حضرت فرمود: آیا ترسیده ای؟ گفتم بله. آنگاه حضرت فرمود: این دعا را بخوان:

خداوندا، از اینکه در حکومت تو به من ستم شود، به تو پناه می‌برم. و از اینکه در هدایت تو، من گمراه بمانم، به تو پناه می‌برم. خداوندا، من به تو پناه می‌برم از اینکه در غنای تو من فقیر بمانم. خداوندا، از اینکه در سلامت و تندرستی که تو عطا می کنی، من ضایع شوم به تو پناه می... برم. خداوندا، من به تو پناه می‌برم از اینکه مغلوب گردم در حالی که همه کارها به دست توست - . مهج الدعوات: ۱۲۹ - .

**[ترجمه]

«۱۰»

ق، [الکتـاب العتیق الغرویّ] رُوِیَ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: أَنَّهُ رَأَی رَجُلًا یَدْعُو مِنْ دَفْتَرٍ دُعَاءً طَوِیلًا فَقَالَ لَهُ یَا هَذَا الرَّجُلُ إِنَّ الَّذِی یَسْمَعُ الْکَثِیرَ هُوَ یُجِیبُ عَنِ الْقَلِیلِ فَقَالَ الرَّجُلُ یَا مَوْلَایَ فَمَا أَصْنَعُ قَالَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی کُلِّ نِعْمَةٍ وَ أَسْأَلُ اللَّهَ مِنْ کُلِّ خَیْرٍ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ کُلِّ شَرٍّ وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ کُلِّ ذَنْبٍ.

**[ترجمه]عیتق غروی: روایت شده است که امام علی علیه السلام مردی را دید که از روی کتابی یک دعای طولانی را قرائت می کرد. حضرت فرمود: ای فلانی، همان خدایی که این دعای طولانی را می‌شنود، دعای مختصر را هم اجابت می کند. او پرسید: مولای من، چه کنم؟ حضرت فرمود: این دعا را بخوان: خدا را به خاطر تمام نعمتایش سپاس می گویم. و تمام خوبیها را از او طلب می کنم و از تمام بدی ها به او پناهنده می‌شوم. و به خاطر تمام گناهانم از او بخشش می‌طلبم.

**[ترجمه]

«۱۱»

إِخْتِیَارُ السَّیِّدِ بْنِ الْبَاقِی دُعَاءُ الصَّبَاحِ لِمَوْلَانَا أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام:

ص: ۲۴۲

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۲۸.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۱۲۸.

۳- ۳. مهج الدعوات ص ۱۲۹.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ تَبَلُّجِهِ وَ سَرَّحَ قِطَعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِغَيَاهِبِ تَلَجْلُجِهِ وَ أَتْقَنَ صُنْعَ الْفَلَكِ الدَّوَّارِ فِی مَقَادِيرِ(۱)

تَبَرُّجِهِ وَ شَعْشَعَ ضِيَاءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَأَجُّجِهِ يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ وَ تَنَزَّهَ عَنْ مُجَانَسَهِ مَخْلُوقَاتِهِ وَ جَلَّ عَنْ مُلَائَمَهِ كَيْفِيَّاتِهِ يَا مَنْ قَرُبَ مِنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ وَ بَعُدَ عَنْ مُلَاحَظِهِ(۲) الْعُيُونِ وَ عَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ يَا مَنْ أَرْقَدَنِی فِی مِهَادِ أَمْنِهِ وَ أَمَانِهِ وَ أَيْقَظَنِی إِلَى مَا مَنَحَنِی بِهِ مِنْ مِنَنِهِ وَ إِحْسَانِهِ وَ كَفَّ أَكُفَّ السُّوءِ عَنِّی بِيَدِهِ وَ سُلْطَانِهِ صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى الدَّلِيلِ إِلَيْكَ فِی اللَّيْلِ الْأَلْيَلِ وَ الْمُتَمَسِّكِ (۳)

مِنْ أَسْبَابِكَ بِحَبْلِ الشَّرَفِ الْأَطْوَلِ وَ النَّاصِعِ الْحَسَبِ فِی ذِرْوَهِ الْكَاهِلِ الْأَعْبَلِ وَ الثَّابِتِ الْقَدَمِ عَلَى زَحَالِيفِهَا فِی الزَّمَنِ الْأَوَّلِ وَ عَلَى آلِهِ الْأَخْيَارِ(۴)

الْمُصْطَفَيْنَ الْأَبْرَارِ(۵) وَ افْتَحِ اللَّهُمَّ لَنَا مَصَارِيعَ الصَّبَاحِ بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَهِ وَ الْفَلَاحِ وَ أَلْبِسْنِی اللَّهُمَّ مِنْ أَفْضَلِ خِلَعِ الْهِدَايَهِ وَ الصَّلَاحِ وَ اغْرِسِ اللَّهُمَّ بِعَظَمَتِكَ فِی شِرْبِ جَنَانِی يَنَابِيعَ الْخُشُوعِ وَ أَجْرِ اللَّهُمَّ لِهَيْبَتِكَ (۶) مِنْ آمَاقِی زَفَرَاتِ الدُّمُوعِ وَ أَدِّبِ اللَّهُمَّ نَزَقَ الْخُرْقِ مِنِّی بِأَزِمَّهِ الْقُنُوعِ إِلَهِی إِنْ لَمْ تَبْتَدِئْنِی الرَّحْمَهُ مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ فَمَنِ السَّالِكُ

۱- ۱. بمقادير خ ل.

۲- ۲. لحظات خ ل.

۳- ۳. الماسك خ ل.

۴- ۴. الطاهرين الابرار خ ل.

۵- ۵. الأخيار خ.

۶- ۶. بهيبتك فی خ ل.

بِی إِلَیْکَ فِی وَاضِحِ الطَّرِیقِ وَ إِنْ أَسْلَمَتْنِی أَنَاتُکَ لِقَائِدِ الْأَمَلِ وَ الْمُنَی فَمَنِ الْمُقِیلُ عَثَرَاتِی مِنْ کَبَوَاتِ الْهَوَی وَ إِنْ خَذَلَنِی نَصْرُکَ عِنْدَ(۱) مُحَارَبَهِ النَّفْسِ وَ الشَّیْطَانِ فَقَدْ وَکَلَنِی خِذْلَانُکَ (۲)

إِلَی حَیْثُ النَّصَبِ وَ الْحِرْمَانِ إِلَهِی أَ تَرَانِی مَا أَتَیْتُکَ إِلَّا مِنْ حَیْثُ الْآمَالِ أَمْ عَلِقْتُ (۳)

بِأَطْرَافِ حِبَالِکَ إِلَّا حِینَ بَاعَدَتْ بِی (۴)

ذُنُوبِی عَنْ دَارِ(۵) الْوِصَالِ فَبِئْسَ الْمَطِیَّهُ الَّتِی امْتَطَتْ نَفْسِی مِنْ هَوَاهَا فَوَاهاً لَهَا لِمَا سَوَّلَتْ لَهَا ظُنُونُها وَ مُنَاهَا وَ تَبّاً لَهَا لِجُرْأَتِهَا عَلَی سَیِّدِهَا وَ مَوْلَاهَا إِلَهِی قَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِکَ بِیَدِ رَجَائِی وَ هَرَبْتُ إِلَیْکَ لَاجِئاً مِنْ فَرْطِ أَهْوَائِی وَ عَلَّقْتُ بِأَطْرَافِ حِبَالِکَ أَنَامِلَ وَلَائِی فَاصْفَحِ اللَّهُمَّ عَمَّا کُنْتُ أَجْرَمْتُهُ مِنْ زَلَلِی وَ خَطَائِی وَ أَقِلْنِی مِنْ صَرْعَهِ دَائِی إِنَّکَ سَیِّدِی وَ مَوْلَایَ وَ مُعْتَمَدِی وَ رَجَائِی (۶) وَ أَنْتَ غَایَهُ مَطْلُوبِی وَ مُنَایَ فِی مُنْقَلَبِی وَ مَثْوَایَ إِلَهِی کَیْفَ تَطْرُدُ مِسْکِیناً الْتَجَأَ إِلَیْکَ مِنَ الذُّنُوبِ هَارِباً أَمْ کَیْفَ تُخَیِّبُ مُسْتَرْشِداً قَصَدَ إِلَی جَنَابِکَ سَاعِیاً(۷) أَمْ کَیْفَ تَرُدُّ ظَمْآنَ وَرَدَ عَلَی (۸) حِیَاضِکَ شَارِباً کَلَّا وَ حِیَاضُکَ مُتْرَعَهٌ فِی ضَنْکِ الْمُحُولِ وَ بَابُکَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ وَ الْوُغُولِ وَ أَنْتَ غَایَهُ

۱- ۱. عن خ ل.

۲- ۲. نصرک خ ل.

۳- ۳. علقت ناملی خ ل.

۴- ۴. باعدتنی خ ل.

۵- ۵. ضربه خ ل.

۶- ۶. مطلوبی خ ل.

۷- ۷. صاقبا خ ل.

۸- ۸. الی خ ل.

السَّئُولِ (۱)

وَ نِهَایَهُ الْمَأْمُولِ إِلَهِی هَذِهِ أَزِمَّهُ نَفْسِی عَقَلْتُهَا بِعِقَالِ مَشِیَّتِکَ وَ هَذِهِ أَعْبَاءُ ذُنُوبِی دَرَأْتُهَا بِعَفْوِکَ وَ رَحْمَتِکَ وَ هَذِهِ أَهْوَائِیَ الْمُضِلَّهُ وَکَلْتُهَا إِلَی جَنَابِ لُطْفِکَ وَ رَأْفَتِکَ فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِی هَذَا نَازِلًا عَلَیَّ بِضِیَاءِ الْهُدَی وَ بِالسَّلَامَهِ فِی الدِّینِ وَ الدُّنْیَا وَ مَسَائِی جُنَّهً مِنْ کَیْدِ الْأَعْدَاءِ(۲) وَ وِقَایَهً مِنْ مُرْدِیَاتِ الْهَوَی إِنَّکَ قَادِرٌ عَلَی مَا تَشَاءُ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ بِیَدِکَ الْخَیْرُ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ تُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهارِ وَ تُولِجُ النَّهارَ فِی اللَّیْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِکَ مَنْ ذَا یَعْرِفُ قَدْرَکَ فَلَا یَخَافُکَ وَ مَنْ ذَا یَعْلَمُ مَا أَنْتَ فَلَا یَهَابُکَ (۳) أَلَّفْتَ بِقُدْرَتِکَ (۴)

الْفِرَقَ وَ فَلَقْتَ بِلُطْفِکَ (۵) الْفَلَقَ وَ أَنَرْتَ بِکَرَمِکَ (۶) دَیَاجِیَ الْغَسَقِ وَ أَنْهَرْتَ الْمِیَاهَ مِنَ الصُّمِّ الصَّیَاخِیدِ عَذْباً وَ أُجَاجاً وَ أَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِراتِ ماءً ثَجَّاجاً وَ جَعَلْتَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ لِلْبَرِیَّهِ سِراجاً وَهَّاجاً مِنْ غَیْرِ أَنْ تُمَارِسَ فِیمَا

ص: ۲۴۵

۱- ۱. المسئول خ ل.

۲- ۲. العدی خ ل، اعدائی خ ل.

۳- ۳. من ذا یعلم قدرک فلا یخافک، أم من ذا الذی یقدر قدرتک فلا یهابک خ ل.

۴- ۴. بمشیتک خ ل.

۵- ۵. برحمتک خ ل.

۶- ۶. بقدرتک خ ل بلطفک خ ل.

ابْتَدَأْتَ بِهِ لُغُوباً وَ لَا عِلَاجاً فَيَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ وَ الْبَقَاءِ وَ قَهَرَ الْعِبَادَ(۱) بِالْمَوْتِ وَ الْفَنَاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْأَتْقِيَاءِ وَ اسْمَعْ (۲)

نِدَائِي وَ اسْتَجِبْ دُعَائِي وَ حَقِّقْ بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَ رَجَائِي يَا خَيْرَ مَنِ انْتُجِعَ (۳) لِكَشْفِ الضُّرِّ وَ الْمَأْمُولِ لِكُلِ (۴) عُسْرٍ وَ يُسْرٍ بِكَ أَنْزَلْتُ حَاجَتِي فَلَا تَرُدَّنِي مِنْ سَنِي (۵)

مَوَاهِبِكَ خَائِباً يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ (۶)

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ ثُمَّ يَسْجُدُ وَ يَقُولُ إِلَهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ وَ نَفْسِي مَعْيُوبٌ وَ عَقْلِي مَغْلُوبٌ وَ هَوَائِي غَالِبٌ وَ طَاعَتِي قَلِيلٌ وَ مَعْصِيَتِي كَثِيرٌ وَ لِسَانِي مُقِرٌّ وَ مُعْتَرِفٌ بِالذُّنُوبِ فَكَيْفَ حِيلَتِي يَا سَتَّارَ الْعُيُوبِ وَ يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ وَ يَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ اغْفِرْ ذُنُوبِي كُلَّهَا بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

**[ترجمه]اختیار ابن الباقی: دعای امیرالمؤمنین علیه السلام که معروف است به دعای صباح: بسم الله الرحمن الرحیم. خدایا، ای آن که زبان صبح را به گویایی تابش و روشنایی اش برآورد، شب تار را با تیرگیهای شدید به هم پیچیده اش به اطراف جهان فرستاد، و ساختمان سپهر گردون را در اندازه های زیبایش محکم نمود، و پرتو خورشید را به روشنایی شعله ورش در همه جا برافروزد، ای آن ذاتش که بر ذاتش دلیل است و از شباهت و هم گونگی با آفریده گانش منزّه است و شأنش از سازگاری با کیفیّات مخلوقاتش برتر است، ای آن که به باورهای گذرا بر دل نزدیک و از چشم انداز دیدگان سر دور است، و آنچه از هستی پیش از آنکه پدید آید می داند، ای آن که در گهواره أمن و امانش خوابانید مرا و به جانب آنچه از نعمتها و احسانش که بی دریغ به من بخشید بیدارم کرد و دستهای حوادث و آفات را با دست لطف و قدرتش از من بازداشت.خدایا، درود فرست به آن راهنمای به سویت در شب تیره و تار جاهلیت و آن چنگ زننده از میان ریسمانهایت به بلندترین رشته شرف و آن دارنده حسب پاک و ناب که برگرده استوارترین روشن شرافت قرار دارد، و آن ثابت قدم در لغزشگاههای دوران پیش از بعثت، و نیز بر خاندان او که بهترین انتخاب شدگان و برگزیدگان و نیکانند.خدیا!درهای روز را با کلیدهای رحمت و رستگاری به روی ما بگشا، و بر من از بهترین لباسهای هدایت و صلاح بپوشان، به عظمتت در آبشخور قلبم چشمه های فروتنی را بجوشان، و در برابر هیبتت از گوشه های دیدگانم رودهای اشک سوزان جاری ساز، و مرا از بی پروایی و نادانی به مهارهای قناعت و ادب فرما.

خدایا اگر رحمت تو با توفیق نیکو از ابتدا شامل حال من نبود چه کسی رهنمای من به سویت در این راه روشن می بود؟ و اگر مهلتت مرا تسلیم آمال و آرزوهای باطل کند آنگاه چه کسی لغزشهایم را از فروافتادن در هوای نفس جبران می کند؟و اگر به هنگام جنگ با نفس و شیطان یاریت مرا واگذارد این یاری نکردنت مرا در آغوش رنج و محرومیت اندازد.

خدای من، می بینی که به پیشگاهت نیامدم مگر از جهتی که نسبت به رحمتت اروزها داشتم، یا چنگ نزدم به اطراف رشته استوارت مگر آنگاه که گناهانم مرا از خانه وصال تو دور ساخت، پس چه بد مرکبی است مرکب خواسته های باطل که نفسم بر آن سوار شده، وای بر این نفس که گمانهای بی مورد و آرزوهای نابجایش با همه زشتی در برابرش زیبا جلوه کرده! و مرگ بر او که سرور و مولایش جرأت نموده! خدایا با دست امید در رحمتت را کوبیدم و از کثرت هوسرانی ام به پناهندگی به سویت گریختم و به امتداد رشته استوارت انگشتان محبّتم را آویختم.بار خدایا از آنچه در گذشته مرتکب شدم، از لغزش و خطایم چشم پوشی کن و از درافتادن به جامه تنگ گناه رهایم ساز که به یقین تویی سرور و مولا، و پشتیبان و امید من، و تویی منتهای خواسته و آرزوی من، در دنیا و آخرت، خدای من چسان درمانده ای را که در حال گریز از گناهان خویش به تو پناه جسته از خود می رانی؟یا چگونه رهجویی را که شتابان قصد آستانت نموده ناامید می کنی؟یا چگونه تشنه ای را باز می گردانی که وارد حوضهایت شده؟، البته که چنین نخواهی کرد زیرا حوضهای رحمتت در سخت ترین خشک سالیها لبریز و درگاه لطفت همواره برای درخواست و وارد شدن باز است، تویی منتهای خواسته و نهایت آرزو.خدای من این مهار نفس من است که به پایبند مشیّتت بستم، و این بارهای سنگین گناهان من است که به پیشگاه عفو و رحمتت انداختم، و این هوسهای گمراه کننده من است که به درگاه لطف و مهرت واگذاشتم.بار خدایا ! این صبح مرا آنگونه آغاز کن که با پرتو هدایت و با سلامت دین و دنیا همراه باشد و شبم را

سپری ساز از نیرنگ دشمنان و نگاهبانی گردان از هلاکتهای هوای نفس، که به یقین تو به هر چه بخواهی توانایی، فرمانروایی را به هر که بخواهی عنایت می کنی، و از هر که بخواهی باز می ستانی، و هرکه بخواهی عزت می بخشی، و هرکه اراده کنی به ذلت می نشانی، خوبی به دست توست، همانا بر همه چیز توانایی، شب را در روز درمی آوری، و روز را در شب، زنده را از مرده بیرون می آوری، و مرده را از زنده، زنده، و هر که را بخواهی بی حساب روزی می دهی . معبودی جز تو نیست . بار خدایا ! تنها تو را منزّه می دارم و سپاس و ستایش می گویم، کیست که قدر تو را بشناسد و از مقام تو نترسد؟

و کیست که بداند تو کسیتی آنگاه از تو نهراسد ؟ با قدرت خود پراکنده را الفت بخشیدی و با مهربانیت سپیده دم را شکافتی و با کرمت تاریکیهای شب را روشن نمودی، و آبهای شیرین و شور را از دل سنگهای سخت و خارا جاری کردی و از ابرهای گران بارانی فراوان فرو ریختی و خورشید و ماه را برای مردمان چراغی فروزان قرار دادی، بی آنکه در آنچه آغازگر پیدایششان بودی دچار خستگی و ناتوانی و چاره جویی شوی ای آن که در عزت و بقا یگانه است و بندگانش را به مرگ و فنا مقهور خود ساخته است، درود فرست بر محمّد و خاندان پرهیزگارش و ندای مرا بشنو، و دعایم را اجابت گو، و به فضل خود آرزو و امیدم را محقق فرما، ای بهترین کسی که برای برطرف ساختن هر بدحالی خوانده و برای هر سختی و آسانی آرزو شدی، نیازم را به پیشگاه تو فرود آوردم، پس از موهبتهای بلندپایه خود ناامیدانه ردّم مکن ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار، به رحمتت ای مهربان ترین مهربانان، و درود خدا بر بهترین آفریده اش محمّد و همه اهل بیت او.

سپس سجده می‌کند و می‌گوید: خدای من، دلم در پرده های ظلمت پوشیده شده و جانم دچار کاستی گشته و عقلم مغلوب هوای نفسم شده و هوای نفسم بر من چیره آمده، طاعتم اندک، و نافرمانیم بسیار، و زبانم اقرارکننده به گناهان است، چاره من چیست ای پرده پوش عیبها، ای دانای نهان ها، ای برطرف کننده غمها، همه گناهان مرا بیامرز، به احترام محمّد و خاندان محمّد، ای آمرزنده، ای آمرزنده، ای آمرزنده به مهربانیت ای مهربان ترین مهربانان.

**[ترجمه]

بیان

هذا الدعاء من الأدعیه المشهوره و لم أجده فی الکتب المعتبره إلا فی مصباح السید ابن الباقی رحمه الله و وجدت منه نسخه قرأه المولی الفاضل مولانا درویش محمد الأصبهانی جد والدی من قبل أمه علی العلامه مروج المذهب

ص: ۲۴۶

۱- ۱. عباده خ ل.
۲- ۲. و استمع خ ل.
۳- ۳. دعی لدفع خ ل.
۴- ۴. فی کل خ ل.
۵- ۵. باب خ ل.
۶- ۶. یا کریم لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم خ ل.

نور الدين على بن عبد العالى الكركى قدس الله روحه فأجازه و هذه صورته.

الحمد لله قرأ على هذا الدعاء و الذى قبله عمده الفضلاء الأخيار الصلحاء الأبرار مولانا كمال الدين درويش محمد الأصفهانى بلغه الله ذروه الأمانى قراءه تصحيح كتبه الفقير على بن عبد العالى فى سنه تسع و ثلاثين و تسعمائه حامدا مصليا.

و وجدت فى بعض الكتب سندا آخر له هكذا قال الشريف يحيى بن قاسم العلوى ظفرت بسفينه طويله مكتوب فيها بخط سيدى و جدى أمير المؤمنين و قائد الغر المحجلين ليث بنى غالب على بن أبى طالب عليه أفضل التحيات ما هذه صورته بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ هَذَا دُعَاءٌ عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ كَانَ يَدْعُو بِهِ فِي كُلِّ صَبَاحٍ وَ هُوَ اللَّهُمَّ يَا مَن دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ إلى آخره و كتب فى آخره كتبه على بن أبى طالب فى آخر نهار الخميس حادى عشر شهر ذى الحجه سنه خمس و عشرين من الهجره.

و قال الشريف نقلته من خطه المبارك و كان مكتوبا بالقلم الكوفى على الرق فى السابع و العشرين من ذى القعده سنه أربع و ثلاثين و سبعمائه.

**[ترجمه]این دعا از دعاهای مشهور است که من در کتاب های معتبر آن را ندیدم، به جز در مصباح سیدبن باقی –رحمت خدا بر او باد- و نسخه ای از آن را نیز دیدم که عالم فاضل مولانا درویش محمد اصفهانی جد مادری پدرم برای علامه مروّج مذهب، نورالدین علی بن عبدالعالی کرکی – رحمت خدا بر او باد- خوانده بود، پس او اجازه آن را داده بود که به این شکل است:

خداوند را سپاس. این دعا و ماقبل آن را دانشمند برجسته و درست کار مولانا کمال الدین درویش محمد اصفهانی–خداوند اورا به بالاترین آرزوها برساند- خواند و تصحیح کرد که علی بن عبدالعالی در سال نهصد و سی و نه با حال حمد و نماز آن را نوشت. و در برخی کتاب ها سند دیگری برای آن دیدم که به این شرح است: شریف یحیی بن قاسم علوی گفت: پوستین درازی یافتم که در آن به خط مولاـ و جدم امیرمؤمنان و پیشوای سفیدرویان، شیر شجاعان، علی بن ابی طالب -بالاترین درود خدا بر او باد- چنین نوشته شده بود: به نام خداوند بخشنده مهربان. این دعایی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلّم به من یاد داد و در آغاز هر روز آن را می خواند و این است: پروردگارا، ای کسی که زبان صبح را بیرون آورد... تا پایان دعا. و در پایان آن نوشت: علی بن ابی طالب در پایان روز پنجشنبه یازدهم ماه ذی حجه سال بیست و پنج پس از هجرت آن را نوشت. و شریف گفت: آن را از خط مبارک ایشان بیان کردم که با خط کوفی روی پوست نازکی و در بیست وهفتم ذی قعده سال هفتصد و سی و چهار نوشته شده بود.

**[ترجمه]

إيضاح

بعض ما ربما يشتبه على القارئ فإن شرحه كما ينبغى لا يناسب هذا الكتاب (۱).

قوله عليه السلام يا من دلع أى أخرج يقال دلع لسانه فاندلع أى أخرجه فخرج و دلع لسانه أى خرج يتعدى و لا يتعدى قيل و إنما لم يجعله هاهنا لازما إذ لا بد لمن من ضمير راجع إليها لسان الصباح هو ضد المساء و المراد بلسان الصباح الشمس عند طلوعها و النور المرتفع عن الأفق قبل طلوعها بنطق تبلجه النطق هو التكلم و قد يطلق على الأعم فإن المراد به فى قولهم ما له صامت و لا ناطق الحيوان و بالصامت ما سواه و التبلج الإضاءه و الإشراق و إضافه النطق إليه بيانيه أى بنطق هو إشراق ذلك اللسان و تشبيه الإشراق بالنطق لأجل دلالته على كمال الصانع و يقال بلج الصبح يبلج بالضم أى أضاء و ابتلج

١- ١. ما بين العلامتين لا يوجد فى نسخه الأصل و بيان الحديث إلى آخره لا يشبه بيانه كما أنّه ليس بخطه قدّس سرّه بل بخط بعض العلماء لا أعرفه لكنه شبيه بخط المؤلّف.

و تبلج مثله.

و هذه الفقره موافقه لقوله تعالى وَ إِنْ مِنْ شَيْ ءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ (۱) فإن كل شى ء يدل على أنه تعالى متصف بصفات الكمال مقدس عن سمات النقص فكأنه يحمده و يسبحه و ذهب الكبراء إلى أن ذلك الحمد و التسبيح حقيقيان لا مجازيان و الإعجاز فى تسبيح الحصى فى كف النبى صلى الله عليه و آله إنما هو باعتبار إسماع المحجوبين و يساعد هذا قوله تعالى قالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنا قالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْ ءٍ(۲) و قد ناسب إثبات النطق للصبح قوله تعالى وَ الصُّبْحِ إِذا تَنَفَّسَ (۳).

و يا من سرح بالتخفيف أو التشديد و الأول أنسب لفظا بقوله دلع أى أرسل يقال سرحت فلانا إلى موضع كذا إذا أرسلته إليه و قال الله تعالى أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسانٍ (۴) أقول و يحتمل أن يكون من تسريح الشعر قطع الليل المظلم القطع بكسر القاف و فتح الطاء جمع قطعه و الظلمه عدم النور و ظلم الليل بالكسر و أظلم بمعنى و فى بعض النسخ المدلهم بدل المظلم و ليله مدلهمه أى مظلمه بغياهب هى جمع غيهب و هو الظلمه و الباء إما بمعنى مع و متعلقه بقوله سرح أو للسببيه و متعلقه بقوله المظلم و المعنى يا من أذهب القطع المختلفه من الليل المظلم مع ظلماته المحسوسه فى تردده أو المظلم بسبب هذه الظلمات تلجلجه التلجلج التردد و

الاضطراب و قيل يقال يلجلج فى فمه مضغه أى يرددها فى فمه للمضغ و معنى قولهم الحق أبلج و الباطل لجلج أن الحق ظاهر و الباطل غير مستقيم بل متردد و لجه البحر تردد أمواجه و لجه الليل تردد ظلامه.

و يا من أتقن أى أحكم صنع الفلك الدوار الصنع بالضم الفعل و الفلك ما سوى العنصريات من الأجسام و الدوار أى المتحركه بالاستداره بمقادير تبرجه المقادير جمع مقدور من القدره و هى ضد العجز و التبرج هو إظهار

ص: ۲۴۸

۱- ۱. أسرى: ۴۴.

۲- ۲. فصّلت: ۲۱.

۳- ۳. التكوير: ۱۸.

۴- ۴. البقره: ۲۲۹.

المرأه زينتها و محاسنها للرجال (۱) قال تعالى وَ قَرْنَ فِی بُیُوتِکَنَّ وَ لا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجاهِلِیَّهِ(۲) و المراد بمقادیر تبرج الفلک ما یمکن من تزینه و هذه الفقره موافقه لقوله تعالى صُنْعَ اللَّهِ الَّذِی أَتْقَنَ کُلَّ شَیْ ءٍ وَ زَیَّنَّا السَّماءَ الدُّنْیا بِمَصابِیحَ (۳).

و يا من شعشع يقال شعشعت التراب أى مزجته أى مزج ضياء الشمس القائم بها بنور تأججه يعنى بنور يحصل من تلهب ذلك الضياء و هو شعاع الشمس أى ما يرى من ضوئها عند طلوعها كالأغصان أو نقول التشعشع مأخوذ من الشعاع كما أن التلجلج مأخوذ من اللجه و هو مطاوع الشعشعه أى جعل ضياء الشمس القائم بها ذا شعاع بسبب نور ظهوره الذى هو مقتضى ذاته أزلا و أبدا فالضمير على الأول راجع إلى الضياء و على الثانى إلى من و الأجيج تلهب النار و قد أجت تأج أجيجا و أججتها فتأججت.

يا من دل على ذاته بذاته أبرز حرف النداء لتغيير الفاصله يعنى يا من كان نور ذاته دليلا موصلا للطالبين إلى ذاته المتعاليه من مدارك الأفهام و مسالك الأوهام و هذا مشهد عظيم مخصوص بالكاملين و أما الناقصون فيستدلون من الأثر على المؤثر و الفرق بين الفريقين كالفرق بين من رأى الشمس بنور الشمس و بين من استدل على وجود الشمس بظهور أشعتها و يقال دله على الطريق يدله

ص: ۲۴۹

۱- ۱. و يحتمل أن يكون المراد هنا انتقال الكواكب فيه من برج الى برج، و الأول أيضا يرجع الى ذلك فان تبرج الفلك حركته مع زينه الكواكب و ظهوره بها للخلق و الظرف اما متعلق بأتقن أى الاتقان فى مقادير حركات كل فلك، و انتظامها الموجب اصلاح أحوال جميع المواليد و المخلوقات أو حال عن الفلك، أى أحكم خلقه كائنا فى تلك المقادير أو متلبسا بها، و المعنى أحكم خلقه و مقادير حركاته، و هو إشاره الى قوله تعالى« صُنْعَ اللَّهِ الَّذِی أَتْقَنَ کُلَّ شَیْ ءٍ» كذا أفاده قدّس سرّه فى شرح هذه الفقره فى مجلد كتاب الصلاه. ذكره السيّد الجليل محمّد خليل الموسوى مصحح طبعه الكمبانىّ فى الهامش.

۲- ۲. الأحزاب: ۳۳.

۳- ۳. النمل: ۸۸، فصلت: ۱۲.

دلاله و دلاله و دلاله مثلثه الدال و الفتح أولى و قال الراغب فى تأنيث ذو ذات و فى تثنيته ذواتا و فى جمعها ذوات و قد استعار أصحاب المعانى الذات فجعلوها عباره عن عين الشى ء جوهرا كان أو عرضا و ليس ذلك من كلام العرب.

و يا من تنزه أى تباعد قال ابن السكيت مما يضعه الناس فى غير موضعه قولهم تنزهوا أى أخرجوا إلى البساتين و إنما التنزه أى التباعد عن المياه و المزارع و فيه قيل فلان يتنزه عن الأقذار و ينزه نفسه عنها أى يباعدها عنها عن مجانسه مخلوقاته أى عن

أن يكون من جنسها إذ لا يشاركه شى ء فى الماهيه و الخلق أصله التقدير المستقيم و يستعمل فى إبداع الشى ء من غير أصل و لا احتذاء قال تعالى خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ (١) و فى إيجاد الشى ء من الشى ء نحو خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ نُطْفَهٍ(٢) و ليس الخلق بمعنى الإبداع إلا لله و لذا قال أَ فَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لا يَخْلُقُ (٣) و أما الخلق الذى يكون بمعنى الاستحاله فعام قال تعالى وَ إِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَهِ الطَّيْرِ بِإِذْنِى (۴) و يا من جل أى ترفع عن ملاءمه كيفياته أى عن أن يكون ملائما و مناسبا بكيفيات المخلوق فالضمير راجع إلى المخلوق المذكور فى ضمن مخلوقاته كما رجع هو فى قوله تعالى اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوى (۵) إلى العدل المذكور فى ضمن اعدلوا و كيف للاستفهام عن الحال و الكيفيه منسوبه إلى الكيف أى الحال المنسوب إلى كيف و التأنيث له باعتبار الحال فإنها تؤنث سماعا.

يا من قرب من خطرات الظنون أى من كان قريبا من الظنون الذى تخطر بالقلوب و فيه إيماء إلى أن العلم بذاته و صفاته مستحيل و غايه الأمر فى هذا المقام هو الظن و الخطرات جمع خطره و هى الخطور.

۱- ۱. الأنعام: ۱.

۲- ۲. النحل: ۴.

۳- ۳. النحل: ۱۷.

۴- ۴. المائده: ۱۱۰.

۵- ۵. المائده: ۸.

و یـا من بعـد عن ملاـحظه العیون یلوح منه أن الله تعـالی یمکن إدراکه بالعقـل و لاـ یمکن إبصاره بالعین کما هو مـذهب المعتزله و یؤیـده قوله تعالی لا تُـدْرِکُهُ الْأَبْصارُ وَ هُوَ یُدْرِکُ الْأَبْصارَ(۱) و التحقیق أنه لاـ یمکن أن یحوم الأبصـار حول جنـابه فی مرتبه إطلاقه و إن أمکن إبصاره فی مرتبه التمثـل و التنزل إلی مراتب الظهور و مـدارج البروز و لـذا قـال النبی صـلی الله علیه و آله إنکم سترون ربکم کمـا ترون القمر لیله البـدر لا تضامون فی رؤیته و الکلام السابق ینادی بأنه علیه السـلام فی هـذا المقام بصـدد التنزیه فاللائق به نفی الإبصار و لا یبقی فی هذا المشـهد السـنی نزاع بین الأشـاعره و المعتزله فی مسأله اللقاء و فی بعض النسـخ و کان بلا کیف مکنون أی مسـتور عن العقول فکیف بالکیف الظاهر و لا کیف هاهنا بمنزله کلمه واحده و لذا دخل علیه حرف الجر و جعلها مجروره.

و یا من علم بما کان قبل أن یکون الکون المسـتعمل هاهنا تام أی تعلق علمه بما وجـد فی الخارج قبل أن یوجـد فیه و ذلک لأن لجمیع الأشـیاء صورا علمیه أزلیه فی ذات الحق و یسـمی تلک الصور أعیانا ثابته و شـئونا إلهیه و هی التی سـماها الحکماء بالماهیات و تخرج من مکمن الغیب العلمی إلی مشهد الشهاده العینیه تدریجا علی حسب استعداداتها.

یـا من أرقـدنی أی أنـامنی قبـل هـذا الصـباح فی مهـاد أمنه و أمانه المهـد مهـد الصبی و المهاد الفراش و الأمن طمأنینه النفس و زوال الخوف و الأمان و الأمانه فی الأصل مصدران و قد یستعمل الأمان فی الحاله التی یکون علیها الإنسان فی الأمن.

و یـا من أیقظنی أی نبهنی من النوم متوجهـا إلی ما منحنی أی أعطانی یقال منحه یمنحه و یمنحه بالفتـح و الکسـر و الاسم المنحه بالکسـر و هی العطیه به الضمیر راجع إلی ما من مننه و إحسانه بیان لما و المنن جمع منه و هی النعمه الثقیله.

۱- ۱. الأنعام: ۱۰۳.

و یـا من کف أکف السوء عنی الأـکف بضم الکـاف جمع الکف و السوء مـا یغم الإنسان و أثبت للسوء أکفا کما یثبتون للمنیه أظفارا و مخالب بیـده أی قـدرته الباهره و سـلطانه أی سـلطنته القاهره قال تعالی وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَـدْ جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُـلْطاناً(۱). صـل الصـلاه من الله الرحمه و من الملک الاسـتغفار و من البشـر الدعاء و الصـلاه التی هی العباده المخصوصه أصـلها الدعاء و صـلیت علیه أی دعوت له و یقال صـلیت صلاه و لا یقال تصـلیه اللهم أی یا الله و المیم عوض عن یا و لذلک لا یجتمعان و قیل أصله یا الله أمنا بخیر فخفف بحذف حرف النداء و متعلقات الفعل و همزته و الأم القصد و بعضـهم زعموا أن الأصل اللهم یا الله آتنا بالخیر و أورد الرضـی رحمه الله النقض بما إذا قلنا یا الله (۲) لا تأتهم بالخیر و لا یبعـد أن یقـال لاـ نسـلم إطلاـق لفظه اللهم فی غیر مقام الاسترحام بل لا یبعـد أن یقال إن المیم اختصار من ارحم و التشدیـد عوض عما أسـقط تقدیره یا الله ارحم و الحاصل أنا لم نظفر باستعمالهم هذه اللفظه فی غیر مقام الدعاء و الاسترحام.

فإن قیل کثیرا ما ورد فی مقام الدعوه علی العدو قلنا الدعاء علی العدو یرجع إلی الدعاء لنفسه و قیل لو کان اللهم أصله یا الله أو آتنا بالخیر لجاز أن یقال حاله الذکر اللهم اللهم اللهم کما یقال یا الله یا الله یا الله.

علی الـدلیل إلیـک أی من کـان هادیا لنا و المراد به النبی صـلی الله علیه و آله فی اللیل الألیل أی البالغ فی الظلمه و هـذا مثل قولهم ظل ظلیل و عرب عرباء و المراد به زمان انقطاع العلم و المعرفه و الماسک عطف علی الدلیل و إمساک الشـی ء التعلق به و حفظه من أسبابک السبب الحبل و کل شی ء یتوصل به إلی غیره بحبل الشرف أی العلو(۳) الأطول صفه الحبل و المراد الذی یمسک من حبالک

۱- ۱. أسری: ۳۳.

۲- ۲. اللّهمّ لا تأتهم ظ.

۳- ۳. أی العلو و المکان العالی و المجد و علو الحسب، کذا أفاده فی کتاب الصلاه.

بالحبل الأطول من الشرف.

و الناصع أی الخالص من کل شـی ء یقال أبیض ناصع و أصفر ناصع و نصح الأمر وضح و بان الحسب هو ما یعده الإنسان من مفاخر آبائه و قال ابن السکیت الحسب و الکرم یکونان فی الرجل و إن لم یکن آباء لهم شرف و الشرف و المجد لا یکونان إلا بالآباء فی ذروه الکاهل هو ما بین الکتفین و ذری الشـی ء بالضم أعالیه الواحـده ذروه بکسـر الذال و ذروه بالضم أیضا و هی أیضا أعلی السـنام و فلان یذری حسـبه أی یمدحه و یرفع شأنه و الأعبل أی الضخیم الغلیظ(۱) و المراد النبی الخالص حسبه أو الواضح حسبه فی أعلی مراتب المجد الراسخ و الشرف الشامخ.

و الثابت القـدم علی زحالیفها الضـمیر للقدم فإنها مؤنث سـماعی و الزحلفه بضـم الزاء آثار تزلج الصبیان من فوق التل إلی أسـفله و هی لغه أهل العـالیه و تمیـم یقـوله بالقـاف و الجمـع زحـالف و زحـالیف و قـال ابن الأـعرابی الزحلـوفه مکـان منحـدر یملس لأـنهم یزحلفـون فیه و الزحلفه کالـدحرجه و الـدفع یقـال زحلفته فتزحلف فی الزمن أی الزمـان الأول المراد النبی صـلی الله علیه و آله الـذی ثبت قـدمه علی المواضع التی هی مظان مزله القدم قبل النبوه أو فی أوائل زمان النبوه.

و علی آله هو من یئول إلیه بـالقرابه الصوریه أو المعنویه الأخیـار جمع خیر کشـر و أشـرار و قیل جمع خیر أو خیر علی تخفیفه کأموات فی جمع میت أو میت المصـطفین من النـاس یقـال اصـطفیته أی اخترته الأبرار قال صاحب الکشاف هو جمع بر و بار فلا یصـح ما ذکره الجوهری من أن فاعلاـ لاـ یجمع علی أفعـال و عن علی علیه السـلام کـل دعـاء محجوب حـتی یصـلی علی محمـد صـلی الله علیه و آله رواه الطیرانی فی المعجم الأوسط و قال أبو سلیمان الدارانی إذا سألت الله حاجه فابدأ بالصلاه علی النبی صلی الله علیه و آله ثم ادع ما شئت ثم اختم بالصلاه علیه فإن الله

۱- ۱. یقال رجل عبل الذراعین: ای ضخمهما، و فرس عبل الشوی أی غلیظ القوائم و امرأه عبله أی تامّه الخلق. کذا أفاده فی کتاب الصلاه.

سبحانه يقبل الصلاتين و هو أكرم من أن يدع بينهما و لذا بدأ على عليه السلام هذا الدعاء بالصلاه على النبى صلى الله عليه و آله و صلى عليه فى آخره.

و افتح اللهم لنا عطف على صل مصاريع الصباح جمع مصراع و المصراعان من الأبواب و به شبه المصراعان فى الشعر بمفاتيح هو جمع مفتاح الرحمه و هى رقه فى القلب تقتضى الإحسان و يضاف إليها باعتبار غايتها و الفلاح هو الظفر و إدراك البغيه و فى بعض النسخ بدل الفلاح النجاح و النجح و النجاح الظفر بالحوائج.

و ألبسنى من الإلباس أى ألبسنى خلعه من أفضل خلع و هى جمع خلعه الهدايه قد تطلق على إراءه الطريق كما فى قوله تعالى وَ أَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْناهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمى عَلَى الْهُدى (۱) و قد تطلق على الإراءه و الإيصال إلى المقصد كما فى قوله تعالى إِنَّكَ لا تَهْدِى مَنْ أَحْبَبْتَ (۲) و الصلاح هو ضد الفساد.

و اغرز اللهم إما بتقديم الراء المهمله على المعجمه يقال غرزت الجراده بذنبها فى الأرض تغريزا و غرزت الشى ء بالإبره أغرزه غرزا و إما بتقديم المعجمه من باب الإفعال كما فى بعض النسخ و الغزاره الكثره و قد غزر الشى ء بالضم يغزر فهو غزر و غزرت الناقه غزاره كثر لبنها بعظمتك عظم الشى ء و أصله كبر عظمه ثم استعير لكل كبير فأجرى مجراه محسوسا كان أو معقولا عينا كان أو معنى فى شرب هو بكسر الشين الحظ من الماء جنانى هو بالفتح القلب ينابيع جمع ينبوع و هو عين الماء من نبع الماء ينبع و نبع نبوعا أى خروجا الخشوع هو الضراعه و أكثر ما يستعمل فيما يوجد فى الجوارح و الضراعه أكثر ما يستعمل فيما

يوجد فى القلب و أجر من الإجراء بهيبتك على الإجلال و المخافه من آماقى موق العين طرفها مما يلى الأنف و الأذن و اللحاظ طرفها الذى يلى الأذن و الجمع آماق و أمآق زفرات الدموع هى جمع دمع

۱- ۱. فصّلت: ۱۷.

۲- ۲. القصص: ۵۶.

و الزفره بالكسر القربه و منه قيل للإماء اللواتى يحملن القرب زوافر.

و أدب اللهم من التأديب نزق الخرق منى النزق هو الخفه و الطيش و الخرق ضد الرفق و قد خرق يخرق خرقا و الاسم الخرق بالضم و قال فى القاموس الخرق بالضم و بالتحريك ضد الرفق انتهى و قال فى النهايه و فى الحديث الرفق يمن و الخرق شوم الخرق بالضم الجهل و الحمق بأزمه جمع زمام و هو الخيط الذى فى البره أو فى الخشاش ثم يشد فى طرفه المقود و قد يسمى المقود زماما و الخشاش بالكسر الذى فى أنف البعير و هو من خشب و البره من صفر و الخزامه من شعر القنوع هى بالضم السؤال و التذلل للمسأله و قد شبه عليه السلام نزق الخرق أى الطيش الناشى من غلظه الطبيعه بحيوان يحتاج إلى أن يؤدب بالأزمه.

اللهم إن لم تبتدئنى الرحمه منك أى لم تبتدئنى شأنى رحمتك بحسن التوفيق هو جعل الله تدبيرنا موافقا لتقديره فمن بالفتح للاستفهام السالك السلوك النفاذ فى الطريق بى المشهور أن مثل هذه الباء للتعديه و يمكن أن يقال المراد فمن السالك معى أى بمصاحبتى و لا يخفى أنه أبعد عن التكلف واضح الطريق من إضافه الصفه إلى الموصوف أى الطريق الواضح.

و إن أسلمتنى أى سلمتنى أناتك أى حلمك و يقال تأنى فى الأمر ترفق و انتظر و الاسم الأناه مثل قناه لقائد الأمل أى الرجاء و يقال قدت الفرس و غيره أقوده قودا و مقاوده و قيدوده و المنى بالضم جمع منيه و هى الصوره الحاصله فى النفس من تمنى الشى ء فمن المقيل يقال أقلت البيع إقاله أى فسخته عثراتى العثره الزله أى فمن يفسخ و يمحو زلاتى الحاصله من كبوات يقال كبا بوجهه يكبو سقط الهوى هو بالقصر هوى النفس و جمعه أهواء.

و إن خذلنى نصرك يقال خذله خذلانا أى ترك عونه و نصره عند محاربه النفس أى وقت محاربتى للنفس الأماره بالسوء و محاربه الشيطان و هو عند الصوفيه النفس الكليه التى تتمثل أحيانا بالصور الجسمانيه و قيل هو القوه الواهمه فقد وكلنى يقال وكله إلى نفسه وكلا و وكولا و هذا الأمر موكول

ص: ۲۵۵

إلى رأيک نصرک و فی بعض النسخ خذلانک إلى حيث النصب أی إلى مکان فيه النصب و هو بفتح النون و الصاد التعب و الحرمان أی المحروم الذی لم يوسع عليه فی الرزق کما وسع على غيره إلهی أی يا معبودی من أله إلهيه أی عبد أ ترانی من الرؤيه و همزه الاستفهام هاهنا للإنکار ما أتيتک من الإتيان و المراد به التوجه إليه تعالى إلا من حيث الآمال أی ليس توجهی إليک إلا لأجل الآمال و أما التوجه الخالص الصافی عن الأغراض النفسانيه فلم يوجد منی أم ترانی علقت بکسر اللام أی تعلقت يقال علق به علقا أی تعلق به بأطراف حبالک أی حبال فضلک و کرمک إلا حين باعدتنی أی أبعدتنی و فی بعض النسخ أبعدتنی ذنوبی جمع ذنب و هو الکدوره الحاصله لمرآه القلب من ارتکاب القبائح عن ضربه الوصال الضربه بالکسر أبيات مجتمعه فبئس المطيه هی واحد المطی يذکر و يؤنث التی امتطأت نفسی أی امتطأته نفسی يقال امتطأتها أی اتخذتها مطيه من هواها بيان المطيه و الضمير راجع إلى النفس فإنها مؤنث سماعی.

فواها لها کلمه تعجب فإذا تعجبت من شی ء قلت واها له لما سولت لها ما مصدريه و سولت له نفسه أی زينته ظنونها الباطله و مناها العاطله و تبا لها التباب الخسران و الهلاک تقول تبا لفلان تنصبه على المصدر بإضمار فعل أی ألزمه الله هلاکا و خسرانا له لجرأتها أی شجاعتها على سيدها المراد به هو الله تعالى يقال ساد قومه يسودهم سياده و سؤددا و سيدوده فهو سيد و مولاها هو المعتق و المعتق و ابن العم و الجار و الحليف و الناصر و المتولی للأمر و المراد هاهنا الناصر أو المتولی للأمر قال النبی صلى الله عليه و آله من کنت مولاه فعلی مولاه و المولی فی هذا الحديث يختص بالمعنى الأخير. إلهی قرعت أی ضربت ضربا شديدا باب روضه رحمتک بيد رجائی أصل يد يدی بسکون الدال و هربت أی فررت إليک هذا ناظر إلى قوله

تعالی فَفِرُّوا إِلَی اللَّهِ (۱) لاجیا أی ملتجیا یقال لجأت لجأ بالتحریک و ملجأ من فرط أهوائی الفرط بسکون الراء التجاوز عن الحد و قد عرفت أن الهوی بالقصر هوی النفس و الأهواء جمعه و علقت أی تعلقت بأطراف حبالک أی حبال کرمک أنامل ولائی أنامل جمع أنمله و هی رءوس الأصابع و یقال بینهما ولاء بالفتح أی قرابه.

فاصفح اللهم یقال صفحت عن فلان إذا أعرضت عن ذنبه عما أجرمته الجرم و الجریمه الذنب یقال جرم و اجترم بمعنی و فی بعض النسخ عما کان من زللی یقال زللت یا فلان تزل زلیلا إذا زل فی الطین أو منطق و قال الفراء زللت بالکسر تزل زللا و الاسم الزله و خطائی الخطاء بالقصر نقیض الصواب و قد یمد و قرئ بهما وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِناً خَطَأً(۲).

و أقلنی من الإقاله أی خلصنی من صرعه دائی أی مرضی یقال صارعته فصرعته صرعا بالکسر لقیس و صرعا بالفتح لتمیم و الصرعه مثل الرکبه و الجلسه و الصرع عله معروفه سیدی و مولای أی ناصری و متولی أمری و معتمدی أی محل اعتمادی أو الذی اعتمدت علیه و رجائی أی مرجوی و غایه منای أی نهایه مقاصدی فی منقلبی قلبت الشی ء فانقلبت أی انکب و المنقلب یکون مصدرا و مکانا مثل منصرف و المراد هاهنا هو المکان قال الله تعالی وَ سَیَعْلَمُ الَّذِینَ ظَلَمُوا أَیَّ مُنْقَلَبٍ یَنْقَلِبُونَ (۳) و مثوای یقال ثوی بالمکان یثوی ثواء و ثویا أی أقام.

إلهی کیف تطرد الطرد الإبعاد و الطرد بالتحریک تقول طردته فذهب مسکینا قیل هو الذی لا شی ء له و هو أبلغ من الفقر و قوله تعالی أَمَّا السَّفِینَهُ فَکانَتْ لِمَساکِینَ (۴) فإنه جعلهم مساکین بعد ذهاب سفینتهم أو لأن

۱- ۱. الذاریات: ۵۰.

۲- ۲. النساء: ۹۲.

۳- ۳. الشعراء: ۲۲۷.

۴- ۴. الکهف: ۷۹.

سفینتهم غیر معتد بها فی جنب ما کان بهم من المسکنه و قوله تعالی ضُرِبَتْ عَلَیْهِمُ الذِّلَّهُ وَ الْمَسْکَنَهُ(۱) فالمیم فی ذلک زائده فی أصح القولین التجأ إلیک من الذنوب متعلق بقوله هاربا أی ما یباعد عنها.

أم کیف تخیب یقال خاب الرجل خیبه إذا لم ینل ما طلب و خیبته أنا تخییبا مسترشـدا أی طالبا للرشاد و هو ضد الغی قصد القصد إتیان الشـی ء تقول قصدته و قصدت إلیه بمعنی إلی جنابک الجناب بالفتح الفناء و بالکسـر ما قرب من محله القوم صاقبا یقال صقب داره بالکسر أی قریب و فی بعض النسخ ساعیا و یقال سعی الرجل یسعی سعیا إذا عدا و کذا إذا عمل و کتب.

أم کیف ترد یقال رده عن وجهه یرده ردا و مردا صـرفه ظمآن أی عطشان یقال ظمأ ظمأ أی عطش ورد الورود أصـله قصد الماء ثم یستعمل فی غیره قال الله تعالی وَ لَمّا وَرَدَ ماءَ مَدْیَنَ (۲) إلی حیاضک هی جمیع حوض.

شاربـا کلا۔ أی لا۔ طرد و لا تخییب و لا رد و حیاضک الواو للحال مترعه یقال حوض ترع بالتحریک و کوز ترع أیضا أی ممتل و قـد ترع الإناء بالکسـر ترعا أی امتلأ و أترعته أنا و جفنه مترعه فی ضنک المحول أی فی زمان ضیق حاصل من المحول و المحل الجدب و هو انقطاع المطر و یبس الأـرض و بابـک مفتوح للطلب أی لطلب السـائلین و الوغول أی الـدخول و التواری یقـال وغـل الرجـل یغـل وغولا أی دخل فی الشـجر و تواری فیه و أنت غایه المسئول أی نهایه ما یسأل و لیس قبلک مسـئول سألته الشی ء و سألته عن الشی ء سؤالا و مسأله و فی بعض النسخ السؤل و هو ما یسأله الإنسان و نهایه المأمول أی المرجو و لیس بعدک مأمول.

إلهی هذه أزمه نفسی عقلتها العقل الإمساک و الضمیر للنفس بعقال

ص: ۲۵۸

۱- ۱. البقره: ۶۱.

۲- ۲. القصص: ۲۳.

مشيتک أی إرادتک و العقال بالکسر خيط يکون آله لإمساک البعير و هذه أعباء ذنوبی العباء بالکسر الحمل و الجمع أعباء درأتها أی دفعتها عن نفسی بعفوک يقال عفوت عن ذنبه إذا ترکته و لم تعاقبه و رحمتک و هذه أهوائی المضله أی الموجبه للضلاله و أصله أضاعه و أهلکه وکلتها أی جعلتها موکوله إلی جناب لطفک الهادی لکل شی ء إلی ما يستعده و رأفتک هی أشد الرحمه.

فاجعل اللهم صباحی هذا هو صفه صباحی نازلا علی النزول الحلول تقول نزلت نزولا و منزلا بضياء الهدی هو الرشاد و الدلاله يذکر و يؤنث و السلامه هی التعری عن الآفات فی الدين و هو الطاعه و الجزاء و استعير للشريعه قال الله تعالی إِنَّ الدِّينَ عِنْدَاللَّهِ الْإِسْلامُ (١) و الدنيا مؤنث أدنی من الدنو أو الدناءه أی الدار التی لها زياده قرب إلينا بالنسبه إلی الآخره أو لها زياده دناءه بالنسبه إلی الآخره و الدار مؤنث سماعی.

و اجعل مسائی هو ضد الصباح جنه بضم الجيم هو ما استترت به من سلاح من کيد الأعداء أی مکرهم و الأعداء جمع عدو و هو ضد الصديق و وقايه هی حفظ الشی ء مما يضره و قد يطلق علی ما به ذلک الحفظ و هو المراد هاهنا من مرديات الهوی أی المهالک الناشئه من هوی النفس يقال ردی بالکسر ردی أی هلک و أرداه غيره فإنک قادر القدره ضد العجز علی ما تشاء أی تريد.

تُؤْتِی أی تعطی من الإتيان و هو الإعطاء الْمُلْکِ هو التصرف بالأمر و النهی فی الجمهور و ذلک مختص بسياسه الناطقين و لذا يقال مَلِکِ النَّاسِ و لا يقال ملک الأشياء مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشاءُ يقال نزعت الشی ء من مکانه أنزعه نزعا قلعته وَ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ العزه حاله مانعه للإنسان من أن يغلب من قولهم أرض عزاز أی صلبه وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ الذل بالضم ضد العز و بالکسر اللين و أذله و استذله و ذلله بمعنی بِيَدِکَ الْخَيْرُ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ ذکر الخير

١- ١. آل عمران: ١٩.

وحده لأنه المقضی بالذات و الشر مقضی بالعرض إذ لا یوجد شر جزئی ما لم یتضمن خیرا کلیا أو لمراعاه الأدب فی الخطاب و نبه علی أن الشر أیضا بیده بقوله إنک علی اه.

تُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهارِ أی تنقص من قوس اللیل و تزید فی قوس النهار و الولوج الدخول فی مضیق وَ تُولِجُ النَّهارَ فِی اللَّیْلِ أی تنقص من قوس النهار و تزید فی قوس اللیل وَ تُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ بتشدید الیاء و تسکینها و ذلک بإنشاء الحیوان من النطفه وَ تُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِ و ذلک بإنشاء النطفه من الحیوان وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ الرزق یقال للعطاء الجاری و للنصیب و لما یصل إلی الجوف و یتغذی به قال الله تعالی أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْناکُمْ وَ تَجْعَلُونَ رِزْقَکُمْ أَنَّکُمْ فَلْیَأْتِکُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ (۱) بِغَیْرِ حِسابٍ هو استعمال العدد.

لا إله أی لا معبود بالحق إلا أنت و إنما خصصنا المعبود بالحق لأن غیر الله قد یعبد بالباطل کالأصنام و الکواکب و بعض الصوفیه یطلقون المعبود و یقولون کل ما یعبد فهو الله فی الحقیقه لأن الموجود الحقیقی نور واحد ظهر بصوره العالم و نسبه الحق إلی العالم کنسبه البحر إلی الأمواج سبحانک اللهم التسبیح التنزیه و سبحان فی الأصل مصدر کغفران و هو هاهنا مفعول مطلق أی أسبحک تسبیحا و بحمدک أی و کان ذلک التسبیح مقرونا بحمدک و الحمد عند الصوفیه إظهار صفات الکمال.

من ذا یعرف ذا هاهنا بمعنی الذی و المعرفه و العرفان إدراک الشی ء بفکر و تدبر لأثر و هو أخص من العلم و یضاده الإنکار قدرک قدر الشی ء مبلغه و فی بعض النسخ قدرتک فلا یخافک الخوف ضد الرجاء و من ذا یعلم العلم إدراک الشی ء بحقیقته و ذلک ضربان إدراک ذات الشی ء و الحکم بوجود الشی ء له أو نفی الشی ء عنه و الأول یتعدی إلی مفعول واحد نحو لا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ یَعْلَمُهُمْ (۲).

ص: ۲۶۰

۱- ۱. البقره ۲۵۴ الواقعه: ۸۲، الکهف: ۱۹.

۲- ۲. الأنفال: ۶۰.

و الثـانى يتعـدى إلى مفعولين نحو فَـإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِناتٍ (١) مـا أنت أَىْ أَىُّ شـى ء أنت فلاـ يهابـك أى لاـ يخافك ألفت قال الإمام الراغب المؤلف مـا جمع من أجزاء مختلفه و رتب ترتيبـا قـدم فيه مـا حقه أن يقـدم و أخر فيه مـا حقه أن يؤخر بمشـيتك أى إرادتك الأزليه الفرق هى القطعه المنفصـله و منه الفرق للجماعه المنفرده من الناس و فلقت بقـدرتك الفلق هو شق الشـى ء و إبانه بعضه عن بعض الفلق هو الصـبح و قيل الأنهار المذكوره فى قوله تعالى أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَراراً وَ جَعَلَ خِلالَها أَنْهاراً(٢). و أنرت من الإناره بكرمك دياجى الغسق قال الجوهرى دياجى الليل حنادسه و الحنـدس بالكسـر الليل الشديد الظلمه و الغسق هو أول ظلمه الليل و أنهرت المياه يقال أنهرت الدم أى أسـلته و فى بعض النسـخ أهمرت و الهمر الصب و قـد همر الـدمع و الماء يهمره همرا من الصم يقال حجر صم أى صـلب مصـمت الصـياخيد هى جمع صـيخود و صـخره صيخود أى شديـده عذبا هو الماء الطيب و قد عذب عذوبه و أُجاجاً ماء أجاج أى ملح و أنزلت مِنَ الْمُعْصِراتِ هى السـحاب التى تعصـر بالمطر ماءً هو الـذى يشـرب و الهمزه فيه مبـدله من الهاء بدليل مويه و أصـله موه بالتحريك لأنه يجمع على أمواه فى القله و مياه فى الكثره ثَجّاجاً يقال ثججت الدم و الماء إذا أسلته بالوادى يثججه أى يسيله و مطر ثجاج إذا انصب جدا.

و جعلت الشمس و القمر للبريه يقال برأ الله الخلق برءا و هو البارئ و البريه الخلق و قد ترك العرب همزه و قال الفراء إن أخذت البريه من البرى و هو التراب فأصـلها غير الهمز سِراجاً هو الزاهر بفتيله و دهن و يعبر به عن كل مضـى ء وَهّاجاً الوهـج بالتسـكين مصـدر وهجت النار وهجانا إذا اتقدت

ص: ٢٦١

١- ١. الممتحنه: ١٠.

٢- ٢. النمل: ٦١.

من غير أن تمارس المراس و الممارسه المعالجه و المراد من غير أن ترتكب فيما ابتدأت به لغوبا هو التعب و الإعياء و لا علاجا يقال عالجت الشی ء معالجه و علاجا إذا زاولته.

فيا من توحد أی تفرد بالعز و البقاء هو دوام الوجود و توحده بالعز لأن كل ممكن فوجوده و جميع صفاته مستعاره من الله فهو فی حد ذاته ذليل و إنما العزه لله و توحده بالبقاء لأن كل شی ء هالك إلا وجهه و قهر أی غلب عباده العبوديه التذلل و العباده أبلغ منها لأنها غايه التذلل بالموت هو مفارقه الروح من البدن و الفناء هو العدم بعد الوجود.

صل علی محمد و آله الأتقياء التقی المتقی يقال اتقی يتقی و توهموا أن التاء من نفس الكلمه و قالوا تقی يتقی مثل قضی يقضی و ناسب هذا الوصف قول النبی صلی الله عليه و آله كل تقی آلی و استمع يقال استمعت له أی أصغيت إليه ندائی أی صوته و استجب دعائی الإجابه و الاستجابه بمعنی و الدعاء واحد الأدعيه و أصله دعاو لأنه من دعوت إلا أن الواو لما جاءت بعد الألف همزت و حقق أی ثبت من حق يحق بمعنی ثبت بفضلك هو و الإفضال الإحسان أملی فی الدنيا و رجائی فی الآخره.

يا خير من دعی يقال دعوت فلانا أی صحت به و استدعيته لدفع الضر هو بالضم الهزال و سوء الحال و فی بعض النسخ لكشف الضر يقال كشفت الثوب عن الوجه و كشفت غمه قال الله تعالی وَ إِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلا كاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ(۱) و المأمول أی المرجو فی كل عسر يراد دفعه و العسر نقيض اليسر قال عيسی بن عمر كل اسم علی ثلاثه أحرف أوله مضموم و أوسطه ساكن فمن العرب من يثقله و منهم من يخففه مثل عسر و عسر و رحم و رحم و حكم و حكم.

ص: ۲۶۲

۱- ۱. الأنعام: ۱۷ و يونس: ۱۰۷.

و فی کـل یسـر بـک لا بغیرک أنزلت حاجتی الحاجه إلی الشـی ء الفقر إلیه مع محبته فلا تردنی صـیغه نهی للـدعاء من باب موهبتک وهبت له الشـی ء وهبـا و وهبـا بالتحریک و هبه و الاسم الموهب و الموهبه بکسـر الهاء فیهما خائبا أی غیر واجـد للمطلوب یا کریم یا کریم یا کریم کرر النداء بعنوان الکریم إظهارا للاعتماد علی کرم الحق لا حول أی لا قوه فی الظاهر و لا قوه أی فی الباطن إلا بالله العلی بذاته العظیم بصفاته (۱).

و اعلم أنا قـد أوردنا هـذا الدعاء الشـریف مع شـرحه فی کتاب الصـلاه فی أبواب أدعیه الصـباح و المساء و إنما کررناه للفاصـله الکثیره و لشده مناسبته بهذا المقام أیضا(۲).

۱- ۱. ثم اعلم أن السجود و الدعاء فیه غیر موجود فی أکثر النسخ، و فی بعضها موجود و کان فی الاختیار مکتوبا علی الهامش هکذا: الهی قلبی محجوب، و عقلی مغلوب، و نفسـی معیوبه، و لسـانی مقر بالـذنوب، و أنت سـتار العیوب، فاغفر لی ذنوبی یا غفار الـذنوب، یا شدیـد العقاب، یا غفور یا شـکور، یا حلیم اقض حاجتی بحق الصادق رسولک الکریم و آله الطاهرین برحمتک یا أرحم الراحمین. و المشـهور قراءته بعد فریضـه الفجر، و ابن الباقی رواه بعد النافله، و الکل حسن، کذا أفاده قدّس سرّه فی کتاب الصلاه، و نقلته من هامش طبعه الکمبانیّ.

۲- ۲. فی نسـخه الأصل المحفوظه بمکتبه ملک بطهران تحت الرقم ۱۰۰۱ هاهنا ورقه علی حده الصـقت بالکراسه و مضمونها ما مر أن الدعاء- دعـاء الصـباح- وجـد بخـط مولانا أمیر المؤمنین بالتاریـخ المـذکور، لا بأس بمراجعته، و انما أضـربنا عن نقلها لما کتب فی هامش تلک الورقه« مکرر نوشته شده و باید بعد از مقابله ...» یعنی أنّها کتبت مکرّرا و لا بد أن یقابل مع ما مر فی صدر البیان.

**[ترجمه]برخی از چیزهایی که ممکن است برای خواننده اشتباه شود، چرا که توضیح کامل آن مناسب حجم این کتاب نیست:

«یا من دلع» یعنی بیرون کرد. گفته می شود: «دلع لسانه فاندلع» یعنی زبانش را بیرون کرد پس بیرون آمد. و «دلع لسانه» یعنی بیرون آمد. هم به صورت فعل لازم گفته می شود و هم متعدی. گفته شده: در اینجا فعلا لازم آورده نشده چرا که ضمیر «من» باید مرجعی داشته باشد. «لسان الصباح» مخالف شب است. و منظور از زبان صبح، خورشید در هنگام طلوع کردن است و نوری که پیش از طلوع آن از افق برمی خیزد. «بنطق تبلجه» نطق یعنی سخن گفتن و گاه برای اعم به کار می رود. پس در این سخن که «هیچ سخن گو و خاموشی نداشت» منظور از سخن گو حیوان است و منظور از خاموش، هرچیزی به جز آن است. و «تبلج» یعنی نورافشانی و روشن شدن، و اضافه کردن «نطق» به آن «بیانیه» است، یعنی با نطقی که نورافشانی آن زبان است. و تشبیه نورافشانی به سخن گفتن، به خاطر دلیل بر کمال آفریننده است. و گفته می شود: «بلج الصبح یبلج» با ضمه، یعنی روشن شد. و «ابتلج و تبلج» نیز مانند آن است. و این فراز دعا با گفته خداوند سازگار است که {هیچ چیز نیست مگر آن که تسبیح پروردگارش را می کند} - . اسری : ۴۴[۱] -

پس همانا هرچیز دلیل بر این است که خداوند آراسته به صفات کمال و پیراسته از صفات نقص است. پس گویی که خداوند را ستایش و سپاس می گوید. بزرگان عقیده دارند این سپاس و ستایش، حقیقی است نه مجازی و معجزه بودن تسبیح سنگریزه در دست پیامبر تنها برای شنوا کردن کسانی است که نمی شنوند. و سخن خداوند نیز آن را تأیید می کند: {به پوست هایشان گفتند: چرا علیه ما شهادت دادید؟ گفتند: پروردگاری که همه چیز را گویا کرد ما را نیز به زبان آورد} - . فصلت / ۲۱[۱] -

و اثبات سخن گفتن صبح نیز با این آیه مناسب است {و صبح هنگامی که نفس می کشد}. - . تکویر / ۱۸[۲] -

و «یا من سرح» بدون تشدید و با تشدید آورده شده، و اولی از نظر لفظی مناسب تر است چرا که پیش از آن «دلع» آمده است، یعنی فرستاد. گفته می شود: «سرحت فلانا إلی موضع کذا» یعنی او را به آن جا فرستادم. و خداوند متعال فرمود: «یا فرستادن به نیکی». می گویم : ممکن است از تسریح الشعر به معنای شانه زدن موی باشد.« قطع اللیل المظلم» قطع به کسره قاف و فتحه طاء جمع قطعه است. و نور مخالف تاریکی و «ظلم اللیل» با کسره است و «أظلم» به همان معناست. و در برخی نسخه ها به جای «المظلم» گفته شده «المدلهم» که یعنی شب تاریک. «بغیاهب» جمع غیهب است که یعنی تاریکی. و «باء» یا به معنای همراهی است و به «سرح» برمی گردد و یا سببیه است و به «المظلم» بازمی گردد. و یعنی ای کسی که پاره های گوناگون شب تاریک با تاریکی های دیده شده در رفت و آمد آن، یا تیره به سبب این تاریکی ها را از میان برد. «تلجلجه» یعنی رفت و آمد و دگرگونی. و گفته شده: «یلجلج فی فمه مضغه» یعنی آن را برای جویدن در دهانش گرداند. و معنای این که «الحق أبلج و الباطل لجلج» یعنی حق آشکار و باطل همواره جاودان نیست بلکه در آمد و شد است. و «لجه البحر» به گردش امواج دریا گفته می شود، و «لجه اللیل» دگرگونی تاریکی شب است.

«یا من أتقن» یعنی استوار گردانید. «صنع الفلک الدوار» صنع با ضمه انجام دادن است و «فلک» اجسام است به جز عناصر . و «الدوار» یعنی در حال دوران و گردش، «بمقادیر تبرجه» مقادیر جمع مقدور و از قدره است که مخالف ناتوانی است. و «التبرج» آشکار کردن زیور و زیبایی های زنان برای مردان است، خداوند متعال فرمود: «و در خانه هایتان بنشینید و مانند آرایش زمان جاهلیت خود را نیارایید - . احزاب / ۳۳[۱] - » و منظور از «مقادیر تبرج الفلک» مقدار ممکن در آرایش آن است . و این فراز از دعا با فرموده خداوند متعال سازگار است که «آفرینش خدا که هرچیز را استوار گرداند، و آسمان دنیا را با زیورهایی آراستیم - . نمل / ۸۸[۲] - ».

و «یا من شعشع» گفته می شود «شعشعت التراب» یعنی آن را مخلوط کردم، یعنی نور خورشید را آمیخت «بنور تأججه» با فروغ روشن آن، یعنی با نوری که از فروزش چراغ به وجود می آید، و آن نور خورشید است. یعنی هرچه که هنگام طلوع آن به وسیله نور دیده می شود مانند برگ ها. یا این که بگوییم تشعشع از شعاع گرفته شده، مانند تلجلج که از لجه گرفته شده و آن گوش به فرمان نور است یعنی برای نور خورشید پرتوهایی قرار داد که از خورشید به وجود آمده و به خاطر نوری است که هنگام آشکار شدن و همواره از گذشته و تا پایان دارد.

پس ضـمیر بر اساس دلیل اول به «ضیاء» بازمی گردد و براساس دلیل دوم به «من» بازمی گردد. و «الأجیـج» فروزش آتش است «قـد أجت تأج أجیجا» یعنی آتش زبانه کشید و برافروخته شد، و «أججتها فتأججت» یعنی آتش را برافروختم پس زبانه کشید.

«یـا من دل علی ذاته بـذاته» حرف نـداء برای تغییر فاصـله آمـده یعنی ای کسـی که نور وجودش راهنمایی است که درخواست کننـدگان را به وجود بلنـدمرتبه اش می رسانـد که بالاتر از فهم و درک گمان هاست، و این جایگاه مشاهده بزرگی است که تنها مخصوص کسانی است که به کمال رسیده اند، اما ناقصان باید به وسیله اثری راهنمایی شوند و تفاوت میان این دو گروه مانند تفاوت کسی است که خورشید را به وسیله نور آن می بیند و کسی که از وجود پرتوهای نور پی به وجود خورشید می برد. و گفته می شود: دله علی الطریق یدله دلاله و دلاله و دلاله، با سه حرکت دال است و فتحه بهـتر است. و راغب برای تـأنیث «ذو ذات» گفته و در تثنیه اش «ذواتـا» و برای جمع نیز «ذوات». و اصـحاب معـانی ذات را استعاره دانسته و عبارتی از خود جسم قرار داده اند، خواه جوهر باشد یا عرض و این در زبان عربی نیست .

و «یـا مـن تنزه» یعنی دور شـد. ابن سـکیت گفته: یکی از چیزهـایی که مردم در غیر جایگـاه خـود اسـتفاده می کننـد این است که می گوینـد: «تنزهوا» یعنی خارج شدند به سوی باغ ها، درحالی که تنزه به معنای دورشدن از آب ها و مزارع است. و درباره آن گفته شده: «فلان یتنزه عن الأقذار و ینزه نفسه عنها» یعنی خود را از آن دور می کند. «عن مجانسه مخلوقاته» یعنی از این که هم جنس مخلوقاتش باشد،

چون چیزی در ماهیتش شـریک و هماننـد او نیست. و خلق کردن در اصل تدبیر مسـتقیم است و برای آفرینش چیزها بدون اصل و یا پیروی از کسی نیز به کار می رود. خداوند متعال فرمود: «آسمان ها و زمین را آفرید - .انعام /۱[۱] - ».

و در به وجود آوردن چیزی از چیز دیگر، مانند «انسان را از نطفه آفرید - . نحل /۴[۲] - »

و خلق به معنای به وجود آوردن تنها درمورد خداونـد به کار می رود، به همین دلیل فرمود: «آیا آن کس که می آفرینـد با آن که نمی آفریند برابر است؟ - . نحل /۱۷[۳] - » اما خلق به معنای تغییر شکل، کلی است (و مخصوص خداوند نیست). خداوند فرمود: «و هنگامی که با اجازه من از گل صورت پرنـده پدیـد آوردی - . مائده / ۱۱۰[۴] - » و «یـا من جـل» یعنی بالاـ رفت «عن ملاءمه کیفیاته» یعنی از این که هماهنگ و سازگار با چگونگی آفریـده ها باشـد، پس ضـمیر به مخلوقی بازمی گردد که در جمله مخلوقات از آن یاد شـد، مانند ضـمیر «آن» در این آیه: «عدالت داشته باشید که آن به تقوی نزدیک تر است - . مائده / ۸[۵] - »

که به عـدالت یاد شـده در «عـدالت پیشه کنید» بازمی گردد. و «کیف» برای پرسـش از چگونگی است و«الکیفیه» به «کیف» بازمی گردد یعنی حالتی که به چگونگی مربوط است. و تأنیث آن به خاطر حال است، چرا که مؤنث سـماعی است. «یا من قرب من خطرات الظنون» یعنی کسی که به گمان هایی که بر قلب می گـذرد نزدیک است، و در آن اشاره ای است به این که آگاهی از ذات و صـفات او غیرممکن است و نهایت کـار در این جایگاه گمان است. و «الخطرات» جمع خطره به معنای گمان هاست. و «یا من بعـد عن ملاحظه العیون» چنین برداشت می شود که دریافت خداوند با عقل ممکن است اما دیدنش با چشم میسر نیست، هم چنان که معتزله اعتقاد به آن دارند. و فرموده خداوند آن را تأیید می کنـد: «دیـده ها او را درنیابنـد و او دیـده ها را می بیند - . انعام / ۱۰۳[۱] - » امـا درست این است که چشم هـا نمی تواننـد در مرتبه ی اطلاق پیرامون حضرتش بگردند، هر چند در مرتبه ی تمثل و تنزل به مراتب آشکار شدن آن بنگرند. و به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه و آله وسلّم فرمودند: «شـما پروردگارتان را خواهید دید همان طور که ماه را در شب چهاردهم می بینید و چیزی از آن را کم نمی بینید» و سـخن گذشـته چنین بیان می کند که امام علیه السـلام درصدد منزه دانستن بوده، پس شایسته است که دیده شدن را نفی کند. و در این جایگاه میان اشاعره و معتزله اختلافی در مورد دیـدار خداونـد باقی نمی مانـد . و در برخی نسـخه ها چنین است: «و کان بلا کیف مکنون» یعنی پوشـیده از عقل ها، پس «کیف» برای چگونگی ظـاهری است. و «لاـ کیف» در این جـا یک کلمه است و به همین دلیل حرف جر بر سـر آن آمـده و آن را مجرور کرده است.

«یا من علم بما کـان قبـل أن یکون» کون که در این جا به کار رفته تام است، یعنی علم او به آن چه در خارج وجود دارد تعلق گرفته پیش از آن که به وجود آید. و این به خاطر آن است که همه چیزها صورتی علمی دارند که از ازل در ذات حق وجود داشته و به این صورت ها اعیان ثـابت و شـئون الهی گفته می شود، و این همان چیزی است که حکماء آن را ماهیت ها می داننـد و به تدریـج و بر اساس توانایی های خود از مخزن علم غیب به سوی جایگاه آشکار شدن عینی خارج می شود.

«یا من أرقدنی» یعنی پیش از این صبح مرا به خواب فرو برد، «فی مهاد أمنه و أمانه» مهد، گهواره نوزاد است و مهاد، بستر است و امن، آرامش روح و نبود ترس است و «الأمان و الأمانه» در اصل مصدر هستند و به حالتی گفته می شوند که انسان در آسایش باشد. و «یا من أیقظنی» یعنی مرا بیـدار کرد و آگـاه کرد از آن چه «منحنی» یعنی به من عطا کرد. گفته می شود: «منحه یمنحه و یمنحه» با فتحه و کسـره و اسم آن «المنحه» است بـا کسـره، به معنـای هـدیه است. ضـمیر به «مـا» بازمی گردد. «من مننه و إحسانه» توضـیحی است برای «ما» و «المنن» جمع منه و به معنای نعمت بسـیار بزرگ است. و «یا من کف أکف السوء عنی» الأکف با ضمه کاف جمع کف است و «السوء» چیزی است که انسان را اندوهگین سـازد و انـدوه را دارای دست دانسته هم چنان که برای آرزو چنگ و پنجه آورده می شود. «بیـده» یعنی با قـدرت چشم گیر خود و «سـلطانه» یعنی با سلطنت چیره خود. خداوند فرمود: «و هر کس با ظلم کشته شد، برای ولی او قدرتی قرار می دهیم - . اسری / ۳۳[۱] - ».

«صل» درود از طرف خداونـد یعنی رحمت و از جانب فرشـته طلب آمرزش و از طرف انسان دعاست. و «الصـلاه» به معنای نوع خاص عبادت، اصـل آن دعـاست و «صـلیت علیه» یعنی برای او دعـا کردم. و چنین گفته می شـود: «صـلیت صـلاه» و گفته نمی شـود: تصـلیه «اللهم» یعنی ای پروردگار و «میم» به جای «یا» آورده شـده و به همین دلیل با هم نمی آینـد. و نیز گفته شـده اصل آن «یا الله أمنا بخیر» بوده که با حـذف یاء و وابستگان فعل و همزه آن سـبک شده و «الأم» قصد است. و برخی گمان می کنند اللهم در اصل چنین بوده: «یا الله آتنا بالخیر» و رضـی —خدا او را رحمت کنـد- نقض آن را وارد کرده بر این اساس که می گوییم «یا الله لا تأتهم بالخیر» و بعیـد نیست که بگوییم کلمه اللهم را در غیر از جایگاه طلب رحمت به کار نمی بریم،

بلکه بعید نیست که بگوییم میم کوتاه شده ارحم باشد وتشدید به جای چیزی است که حذف شده است، بیان آن چنین است که «یا الله ارحم» و نـتیجه این که این کلمه را در غیر از دعـا و طلب رحمت نمی تـوان به کـار برد. و اگر گفته شود: بسـیار است آن چه در جایگـاه نفرین برای دشـمن اسـتفاده شـده، می گوییم نفرین دشـمن به منزله دعـا برای خود فرد است. و گفته شـده اگر ریشه اللهم یا الله، یا آتنا بالخیر بوده باشـد، رواست که برای ذکر گفته شود «اللهم اللهم اللهم» هم چنان که گفته می شود «یا الله یا الله یا الله» .

«علی الـدلیل إلیـک» یعنی آن کس که راهنمـای مـا بوده و منظور پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلّم است. «فی اللیل الألیل» یعنی بسـیار تیره و تاریـک. و این ماننـد سـخن آن هـاست که می گوینـد: «ظل ظلیل» و «عرب عرباء» و منظور از آن زمان پایان یافتن آگاهی و شـناخت است. و «الماسـک» به دلیـل بازمی گردد. و «إمساک الشـی ء» تعلق به آن و نگهـداری آن است. «من أسـبابک» سـبب ریسـمان است و هرچیزی که به وسـیله آن به چیز دیگری وصل می شوند. «بحبل الشرف» یعنی بزرگی. «الأطول» ویژگی ریسمان است. و منظور آن چیزی است که با ریسمان بلنـد شـرف حفظ می کند. و «الناصع» یعنی هر چیز خالصـی. گفته می شود: «أبیض ناصع و أصـفر ناصع» و «نصح الأمر» یعنی واضح و آشـکار شـد. «الحسب» چیزی است که انسان به پدران خود افتخار می کند. و ابن سـکیت گفته است: حسب و بزرگواری در انسان وجود دارد هرچند در پدران او نبوده باشد، و شـرف و بزرگی تنها از طریق پدران است. «فی ذروه الکاهل» آن چه میان دو کتف است. و «ذری الشـی ء» با ضـمه بالا-ترین بخش آن است، مفرد آن ذروه بـا کسـره ی ذال است و بـا ضـمه نیز گفته می شود، و نیز بالا-ترین نقطه ی کوهان شتر است. و «فلان یـذری حسـبه» یعنی آن را می سـتاید و جایگـاه خود را بزرگ می شـمارد. و «الأعبـل» یعنی ضـخیم و درشت، و منظور پیامبر است که نسـبش روشن و یا خالص است و در بالاترین مراتب بزرگی و شرافت است.

«الثابت القـدم علی زحالیفها» ضـمیر برای «قدم» است چرا که آن مؤنث سـماعی است. و «الزحلفه» با ضـمه زاء اثر لیز خوردن کودکان از روی بلنـدی به پـایین آن است. و این زبـان اهـل عـالیه است، و تمیم آن را با قاف می گوینـد (الزحلقه). و جمع آن زحالف و زحالیف است و ابن

اعرابی گفته است: زحلوفه مکان سراشیب و لیز بوده است، چون از روی آن سر می خورند. و «الزحلفه» مانند «الدحرجه و الدفع» است. گفته می شود: «زحلفته فتزحلف». «فی الزمن» یعنی در زمان های ابتدایی. منظور پیامبر صلی الله علیه و آله است که پیش از پیامبری یا در ابتدای آن گام های خود را در جایگاهی استوار کرد که گمان می رفت لغزشگاه است .

«و علی آله» کسانی است که با خویشاوندی ظاهری یا معنوی به او می رسند. «الأخیار» جمع خیر است مانند «شر و أشرار» و گفته می شود جمع خیر یا خیر بدون تشدید است، مانند «أموات که جمع میت یا میت است. «المصطفین من الناس» گفته می شود: «اصطفیته» یعنی او را برگزیدم. «الأبرار» صاحب کشاف گفته: جمع بر و بار است. پس آن چه جوهری آورده در باره این که جمع فاعل با افعال بسته نمی شود، درست نیست. و از علی علیه السلام آورده شده که هر دعایی پوشیده می ماند تا این که بر محمد و خاندان او درود فرستاده شود. و طبرانی در معجم اوسط آن را آورده است. و أبو سلیمان دارانی گفته: وقتی حاجتی را از خدا درخواست می کنی، ابتدا بر پیامبر و خاندان ایشان درود فرست، سپس هر دعایی که می خواهی بخوان و پس از آن نیز با صلوات بر ایشان به پایان برسان. پس به راستی که خداوند هر دو صلوات را اجابت می کند و او بزرگوارتر است از آن که مابین آن دو را رها کند. و به همین دلیل علی علیه السلام این دعا را با صلوات آغاز نموده و در پایان نیز صلوات فرستاده است.

«افتح اللهم لنا» عطف به صل است. «مصاریع الصباح» جمع مصراع است. و المصراعان دو لنگه در است . و مصراع در شعر هم به آن تشبیه شده است. «بمفاتیح» جمع مفتاح است. «الرحمه» زلال بودن قلب است که باعث نیکی می شود و به واسطه پایانش به آن اضافه می شود. و «الفلاح» همان پیروزی و رسیدن به آرزو است. و در برخی نسخه ها به جای الفلاح، النجاح آورده شده و «النجح و النجاح» رسیدن به حاجت است. و «ألبسنی» از إلباس است، یعنی من را پوشاند با یکی از بهترین «خلع» که جمع خلعه است. «الهدایه» به نمایاندن راه گفته می شود، مانند سخن خداوند که «اما مردم ثمود را هدایت کردیم، و آنان نابینایی را بر هدایت ترجیح دادند - . فصلت / ۱۷[۱] - »

و نیز به نمایاندن راه و رساندن به مقصد گفته می شود، مانند این سخن خداوند: «تو هر که را دوست بداری هدایت نمی کنی - . قصص / ۵۶[۲] - »

و «الصلاح» مخالف فساد است. و «اغرز اللهم» یا با مقدم کردن راء بر زاء است: مانند: «غرزت الجراده بذنبها فی الأرض تغریزا» و یا «غرزت الشی ء بالإبره أغرزه غرزا» و یا با مقدم داشتن زاء در باب افعال است،

آن گونه که در برخی نسخه ها آورده شده است. و «الغزاره» به معنای فراوانی است. و «قد غزر الشی ء» با ضمه «یغزر فهو غزر» و «غزرت الناقه غزاره» یعنی شیر آن فراوان شد. «بعظمتک» بزرگی چیزی است. و در اصل بزرگی استخوان بوده و سپس برای هر چیز بزرگی به کار گرفته شده و مانند آن گفته شده، خواه از حس شدنی ها باشد یا از اندیشه ها، و عین هرچیز باشد یا معنای آن. «فی شرب» با کسره شین، یعنی بهره از آب. «جنانی» با فتحه قلب است. «ینابیع» جمع ینبوع و به معنای چشمه آب است. از ریشه: نبع الماء. «ینبع و نبع نبوعا» یعنی خارج شدن. «الخشوع» یعنی فروتنی و بیشتر در مورد اعضای و جوارح به کار می رود و «الضراعه» بیشتر درمورد قلب استفاده می شود. و «أجر» از إجراء است. «بهیبتک» برای بزرگی و ترس است. «من آماقی» موق چشم به کناره آن گفته می شود که به سمت بینی و گوش می رود. و «لحاظ» کناره ای است که به سوی گوش می رود. و جمع آن آماق و أمآق است. «زفرات الدموع» جمع دمع است و «الزفره» با کسره مَشک است. و به همین دلیل به کنیزانی که مشک برمی دارند گفته می شود «زوافر».

«أدب اللهم» از تأدیب است. «نزق الخرق منی» نزق همان سبک سری است. «الخرق» مخالف رفق و ملائمت است. و «قد خرق یخرق خرقا» و اسم آن الخرق با ضمه است. و در قاموس آمده: خرق با ضمه و با حرکت مخالف رفق است. پایان. و در نهایه گفت: و در حدیث آمده است: رفق مبارک و خرق شوم است. «الخرق» با ضمه نادانی و حماقت است «بأزمه» جمع زمام و آن نخی است که در بره یا در خشاش است، سپس مقود را به کنار آن می بندند، و به مقود زمام گفته می شود. و خشاش با کسره چیزی است که در بینی شتر می کنند و از چوب خشک است،

و بره از برنز و خزامه از موی درست می شود.

«القنوع» با ضمه یعنی سؤال و التماس در درخواست، و امام علیه السلام خرق، یعنی بی باکی ناشی از درشتی طبیعت را به حیوانی تشبیه نموده که نیازمند افسار است .

«اللهم إن لم تبتدئنی الرحمه منک» یعنی اگر مهربانی ات کارم را با توفیق نیک آغاز نکند. یعنی خداوند تدبیر ما را در کارها با تقدیر خود سازگار قرار داد. پس «من» با فتحه برای پرسش است . «السالک» سلوک به معنای راه رفتن استوار است. «بی» مشهور این است که مانند این باء برای تعدیه است، و ممکن است گفته شود منظور این است که: چه کسی در این راه با من است، یعنی مرا همراهی می کند. و پوشیده نیست که آن دورتر از تکلف است. «واضح الطریق» اضافه صفت به موصوف، یعنی راه روشن.

«إن أسلمتنی» یعنی مرا تسلیم کند. «أناتک» یعنی بردباری ات، و گفته می شود: «تأنی فی الأمر» یعنی مهربانی کرد و منتظر ماند. و اسم آن «الأناه» است، مانند «قناه». «لقائد الأمل» یعنی امید، و گفته می شود: «قدت الفرس و غیره، أقوده قودا و مقاوده و قیدوده». و «المنی» با ضمه جمع منیه است و یعنی حالت به وجود آمده در روح از آرزوی رسیدن به چیزی. «فمن المقیل» گفته می شود: «أقلت البیع إقاله» یعنی آن را به هم زدم، «عثراتی» عثره به معنای لغزش است، یعنی پس چه کسی نابود می کند و برهم می زند لغزش های مرا که به وجود آمده از «کبوات» گفته می شود: «کبا بوجهه یکبو» یعنی افتاد. «الهوی» به معنای میل نفس است، و جمع آن أهواء است. «و إن خذلنی نصرک» گفته می شود: «خذله خذلانا» یعنی او را یاری نکرد، «عند محاربه النفس» یعنی هنگامی که با نفس اماره و «شیطان» می جنگم، و آن در نزد صوفیه نفس کلی است که گاهی به شکل جسم درمی آید. و نیز گفته شده قوه خیال پردازی است. «فقد وکلنی» گفته می شود: «وکله إلی نفسه وکلا و وکولا» و «هذا الأمر موکول إلی رأیک» این کار به نظر تو واگذار شده است. «نصرک» و در برخی نسخه ها «خذلانک إلی حیث النصب» یعنی در مکانی که در آن «نصب» است، و آن با فتحه نون و صاد یعنی رنج و سختی. و «الحرمان» یعنی محرومی که به او همانند غیر او مال و روزی داده نشده است.

«إلهی» یعنی ای پروردگار من، از ریشه «أله إلهیه» یعنی پرستیده شد. «أ ترانی» از ریشه الرؤیه است و همزه استفهام در این جا به معنای انکار آورده شده است. «ما أتیتک» از ریشه الإتیان و منظور از آن توجه به سوی خداوند متعال است .

«إلاـ من حیث الآمال» یعنی توجه من به سوی تو تنها برای رسیدن به آرزوهاست، اما توجه پاک و خالص از اهداف نفسانی در من وجود ندارد. «أم (ترانی) علقت» با کسره لام یعنی آویخته شدم، گفته می شود: «علق به علقا» یعنی خود را آویخت به آن. «بأطراف حبالک» یعنی ریسمان بخشش و بزرگواری ات، «إلا حین باعدتنی» یعنی دورم کرد، و در برخی نسخه ها به جای آن «أبعدتنی» آمده است، «ذنوبی» جمع ذنب و به معنای تیرگی به وجود آمده در آینه دل است که به سبب انجام زشتی هاست. «عن ضربه الوصال» الضربه با کسره خانه های جمع شده در یک مکان است، «فبئس المطیه» مفرد «المطی» است که هم مؤنث و هم مذکر به کار می رود، «التی امتطأت نفسی» یعنی آن را مرکب نفسم قرار دادم، گفته می شود: «امتطأتها» یعنی آن را مرکب خود نمودم، «من هواها» توصیف مطیه است و ضمیر به نفس بازمی گردد، چون مؤنث سماعی است. «فواها لها» کلمه ی تعجب است، پس وقتی از چیزی متعجب شوند، گویند: «واها له».

«لما سولت لها» ما مصدری است و «سولت له نفسه» یعنی گمان های باطل و آرزوهای بی فایده اش آن را زینت داد، و «تبا لها» التباب زیان و نابودی است، گفته می شود:«تبا لفلان» و منصوب مصدر به خاطر پوشیده بودن فعل است، یعنی خدا او را نابود و زیان دیده کند. «لجرأتها» یعنی برای شجاعتش، «علی سیدها» منظور خداوند متعال است، گفته می شود: «ساد قومه یسودهم سیاده و سؤددا و سیدوده فهو سید» و «مولاها» همان آزادکننده است و آزاد شده و پسر عمو و هم پیمان و هم سایه و یاری رسان و سرپرست همه امور، و در این جا منظور یاری رسان یا سرپرست همه امور . پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه» هر کس من مولای او هستم، این علی نیز مولای اوست. و مولی در این حدیث به معنای آخر اختصاص دارد.

«إلهی قرعت» یعنی به شدت کوبیدم «در» بوستان «مهربانی ات را با دست امیدم» ید در اصل «یدی» بوده با سکون دال. و «هربت» یعنی گریختم به سویت .

این مانند فرموده خداوند است که {به سوی خداوند بگریزید - . ذاریات / ۵۰[۱] - }.

«لاجیا» یعنی پناه جوینده، گفته می شود: «لجأت لجأ» با حرکت، و «ملجأ». «من فرط أهوائی» الفرط با سکون راء یعنی از حد گذراندن، و دانستی که «الهوی» با یاء مقصوره یعنی میل نفس و جمع آن الأهواء است. و «علقت» یعنی درآویختم «بأطراف حبالک» یعنی ریسمان بخشندگی ات. «أنامل ولائی» أنامل جمع أنمله و به معنای سرانگشتان است. و گفته می شود: «بینهما ولاء»

با فتحه یعنی خویشاوندی.

«فاصفح اللهم» گفته می شود: «صفحت عن فلان» وقتی که از گناه او چشم پوشی می کنم. «عما أجرمته» الجرم و الجریمه به معنای گناه است، گفته می شود: «جرم و اجترم» هر دو به یک معنی. و در برخی نسخه ها چنین آمده: «عما کان من زللی» گفته می شود: «زللت یا فلان تزل زلیلا» وقتی در گل لغزد یا در سخن گفتن اشتباه کند. و فراء گفته: «زللت بالکسر تزل زللا» و اسم آن الزله است. و «خطائی» الخطاء به صورت مقصور، ضد صواب است، و با حرکت کشیده نیز خوانده می شود و به هر دو صورت نیز خوانده شده مانند آیه «وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِناً خَطَأً - . نساء / ۹۲[۲] - ».

و «أقلنی» از ریشه الإقاله یعنی مرا رها کن. «من صرعه دائی» یعنی از بیماری ام. گفته می شود: «صارعته فصرعته صرعا» با کسره لهجه ی قیس است و صرعا با فتحه برای قبیله تمیم است. و «الصرعه» مانند «الرکبه و الجلسه» و صرع بیماری شناخته شده ای است. «سیدی و مولای» یعنی ای یاری رساننده و برعهده گیرنده کارم، و «معتمدی» یعنی ای جایگاه تکیه من یا ای کسی که به او اعتماد نموده ام. و «رجائی» یعنی ای مورد امیدم، و «غایه منای» یعنی پایان مقصدم. «فی منقلبی» گفته می شود «قلبت الشی ء فانقلبت» یعنی پشت و رو شد، «المنقلب» مصدر و اسم مکان می باشد مانند «منصرف» و در این جا منظور مکان است، خداوند متعال فرمود: {و کسانی که ظلم نمودند به زودی خواهند دانست به چه جایگاهی بازخواهند گشت - . شعراء / ۲۲۷[۳] - }.

«مثوای» گفته می شود: «ثوی بالمکان یثوی ثواء و ثویا» یعنی اقامت گزید .

«إلهی کیف تطرد» الطرد یعنی دور ساختن، و الطرد با حرکت، گفته می شود: «طردته فذهب». «مسکینا» گفته شده: او کسی است که چیزی ندارد، و از فقر شدیدتر است. و فرموده خداوند که: {اما کشتی برای تهیدستان بود - . کهف / ۷۹[۱] - }.

یعنی مسکین هستند اگر کشتی از دستشان برود ، یا دلیل بکار بردن مسکین برای آنها این باشد که باوجود شدت فقر و مسکنتی که آنان داشتند ، داشتند کشتی چیزی محسوب نمیشد . و فرموده خداوند متعال: {خواری و تهیدستی بر آنان نوشته شد - . بقره / ۶۱[۲] - }.

پس بر اساس درست ترین گفته ها میم در آن اضافه است. «التجأ إلیک من الذنوب» باز می گردد به «هاربا» یعنی چیزی که از آن دور شود. «أم کیف تخیب» گفته می شود: «خاب الرجل خیبه» هنگامی که به خواسته خود نرسد. و «خیبته أنا تخییبا». «مسترشدا» یعنی جویای راهنمایی که مخالف گمراهی است. «قصدا» القصد یعنی چیزی را آوردن، می گویند: «قصدته و قصدت إلیه» هر دو به یک معنی هستند. «إلی جنابک» جناب با فتحه به معنای پیشگاه خانه، و با کسره یعنی آن چه به محله مردم نزدیک باشد، «صاقبا» گفته می شود: «صقب داره» با کسره یعنی نزدیک، و در برخی نسخه ها ساعیا آورده شده، و گفته می شود: «سعی الرجل یسعی سعیا» هنگامی که کوشش کند، و نیز هنگامی که کاری را انجام داده یا چیزی بنویسد.

«أم کیف ترد» گفته می شود: «رده عن وجهه یرده ردا و مردا» یعنی او را بازگرداند. «ظمآن» یعنی تشنه، گفته می شود: «ظمأ ظمأ» یعنی تشنه

شـد، «ورد» الورود در اصل به آب خواسـتن بوده، سـپس برای غیر آن نیز اسـتفاده شده است. خداوند متعال فرمود: و هنگامی که به آب مدین وارد شـد. «إلی حیاضک» جمع حوض است. «شاربا کلا» یعنی نه دور شـدن و نه ناامیـدی و نه رانـده شـدن. «و حیاضک» واو برای حال است، «مترعه» گفته می شود: «حوض تَرَع» بـا حرکت و نیز «کوز تَرَع» یعنی پرشـده. و «قـد ترع الإنـاء» بـا کسـره یعنی پر شـد، و «أترعته أنـا» آن را پر کردم، و «جفنه مترعه» خوشه پرآب .

«فی ضنک المحول» یعنی در زمان تنگنا که نتیجه قحطی است، و المحل یعنی خشکسالی، که عبارت است از نباریدن باران و خشکی زمین، و «بابک مفتوح للطلب» یعنی برای درخواستِ درخواست کنندگان، و «الوغول» یعنی وارد شدن و پنهان گشتن، گفته می شود: «وغل الرجل یغل وغولا» یعنی به درون درخت رفت و در آن پنهـان شـد، «و أنت غـایه المسئول» یعنی بالاـترین چیزی که درخـواست می شـود و پیش از تو از کسـی درخواست نمی شود. «سـألته الشـی ء و سألته عن الشـی ء سؤالا و مسأله» و در برخی نسـخه ها « السؤل» آمـده است، که به معنای چیزی است که انسان درخواست می کنـد، و «نهایه المأمول» یعنی امیـد بسـته شـده و پس از تو به کسـی امید بسـته نمی شود. «إلهی هذه أزمه نفسـی عقلتهـا» العقـل یعنی نگاه داشـتن، و ضـمیر برای نفس است، «بعقال مشـیتک» یعنی اراده ات، و «العقال» با کسـره عبارت است از نخی که برای نگـاه داشـتن شـتر به کـار می رود، «و هـذه أعبـاء ذنوبی» العبـاء بـا کسـره یعنی بـار، و جمع آن أعبـاء است، «درأتهـا» یعنی از خود دور کردم، «بعفوک» گفته می شود: «عفوت عن ذنبه» هنگـامی که او را رهـا کرده و مجـازات نکننـد، و «رحمتـک و هـذه أهوائی المضـله» یعنی به وجود آورنـده گمراهی، و در اصـل چنین بوده: آن را ضـایع کرد و نـابود سـاخت. «وکلتهـا» یعنی آن را سپردم، «إلی جنـاب لطفک» هـدایت کننـده هرچیز به سوی آن چه آمادگی آن را دارد، و «رأفتک» بالاترین مرتبه مهربانی است.

«فاجعـل اللهم صباحی هـذا» که آن صـفت برای «صـباحی» است، «نازلا علی» النزول یعنی فروآمـدن، می گوینـد: «نزلت نزولا و منزلا».«بضـیاء الهـدی» یعنی رشـد و راهنمایی، هم مـذکر و هم مؤنث می آید. و «السـلامه» همان دوری از آفت هاست «فی الدین» که همان اطاعت و پاداش است، و به جـای شـریعت نیز اسـتفاده می شود. خداونـد متعـال فرمود: {همانـا دین در نزد خداونـد اسـلام است – . آل عمران / ۱۹[۱] – }، و «الدنیا» مؤنث أدنی است که از ریشه الدنو یا الدناءه است، یعنی خانه ای که نسـبت به آخرت بسیار به ما نزدیک تر باشد، و یا نسبت به آخرت پایین تر باشد، و دار مؤنث سماعی است .

و «اجعل مسائی» مخالف صـباح است، «جنه» با ضمه جیم چیزی از سلاح هاست که با آن خود را می پوشانند. «من کید الأعداء» یعنی حیله آن ها، و الأعداء جمع عدو است که مخالف صدیق می باشد. و «وقایه» یعنی نگه داشـتن هر چیز از آن چه به آن آسـیب رساند، و نیز به چیزی که آن را حفـظ کنـد نیز گفته می شود و در این جا منظور همین است. «من مردیات الهوی» یعنی چیزهایی از امیال نفسانی که باعث نابودی شود، گفته می شود: «ردی» با کسره یعنی نابود کرد، و «أرداه غیره». «فإنک قادر» القدره مخالف ناتوانی است، «علی ما تشاء» یعنی اراده کنی.

«تُؤْتِی» یعنی عطـا کنی، ریشه آن «الإتیـان» و به به معنـای بخشـش است. «الْمُلْـک» یعنی قـدرت دسـتور دادن و بازداشـتن مردم از کارها، و آن مخصوص مـدیریت عاقلاـن است و به همین دلیـل گفته می شود: « مَلِـکِ النَّاسِ» و نمی گوینـد: «ملـک الأشـیاء» «مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشـاءُ» گفته می شود: « نزعت الشـی ء من مکـانه أنزعه نزعـا» یعنی بیرون آوردم، «وَ تُعِزُّ مَنْ تَشـاءُ» العزه حـالتی است که مانع شـکست خوردن انسان می شود، ماننـد این سـخن که: «أرض عزاز» یعنی سـخت، «وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ» الذل با ضـمه مخالف عزت است، و با کسـره به معنای نرمی است. و «أذله و اسـتذله و ذلله» هر سه یک معنی دارند. «بِیَدِکَ الْخَیْرُ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ» خیر را به تنهایی آورده، چرا که خیر ذاتا قصد و انجام میشود و شر به عرض انجام می شود ، چرا که هیچ شر اندکی وجود ندارد که دربردارنده خیری کلی نباشد. و یا برای رعایت ادب در سخن بوده است. و هم چنین اشاره کرده به این که بدی نیز در اختیار اوست، با این سخن که «تو بر هر چیز... تا پایان آیه»

«تُولِـجُ اللَّیْلَ فِی النَّهـارِ» یعنی از نیمه شب کاسـته و به نیمه روز اضافه می کنی. و «الولوج» یعنی وارد شـدن در مکان تنگ، «وَ تُولِـجُ النَّهارَ فِی اللَّیْلِ» یعنی از نیمه روز کاسته و به نیمه شب اضافه می کنی. «وَ تُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ» با تشدید یاء و نیز بدون تشدید آن خوانده می شود. و آن به وجود آوردن حیوان از نطفه است. «وَ تُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ» و آن با ایجاد حیوان از نطفه است. «وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ» رزق به بخشش دائم

و بهره و چیزی که به درون می رسد و از آن تغذیه می شود گفته می شود. خداوند متعال فرمود: «و انفقوا مما رزقناکم» «و تجعلون رزقکم أنکم» «بغیر حساب» - . بقره / ۲۵۴، واقعه / ۸۲، کهف / ۱۹[۱] -

به معنای شمارش است، «لا إله» یعنی هیچ معبود راستینی جز تو نیست، و معبود را با راستی مخصوص گردانديم زيرا هركس جز خدا پرستيده شود، باطل است، مانند بت ها و ستارگان. و برخی از صوفیه معبود را کلی می دانند و می گویند هرچیزی که پرستیده شود در حقیقت خداست، زیرا موجود حقیقی نور واحد است که در نقش عالم آشکار شده، و نسبت حق به عالم مانند نسبت دریا به امواج است. «سبحانک اللهم» تسبیح یعنی پاک دانستن، و سبحان در اصل مصدر است، مانند غفران و در این جا مفعول مطلق است، یعنی تو را پاک و منزه می دانم پاک دانستنی. و «بحمدک» یعنی این تسبیح با سپاس از تو همراه است، و حمد در نزد صوفیه عبارت است از بیان صفات کمال خداوند.

«من ذا یعرف» ذا در این جا به معنای «الذی» است. و معرفه و عرفان دریافتن چیزی با فکر و اندیشه در آثار است. و آن بالاتر از علم است و مخالف انکار است. «قدرک» قدر هر چیز مقدار آن است، و در برخی نسخه ها «قدرتک» آمده است. «فلا یخافک» خوف مخالف رجاء است. و «من ذا یعلم» علم یعنی دریافت حقیقت هر چیز، و آن بر دو نوع است: دریافت ذات هر چیز و حکم به وجود آن یا نبودن آن. و معنای اول با یک مفعول می آید، مانند این آیه: «لاتَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ یَعْلَمُهُمْ - . انفال / ۶۰[۲] - »

آن ها را نمی شناسید، اما خداوند به آن ها آگاه است. و مورد دوم با دو مفعول می آید، مانند این آیه: «فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِناتٍ - . ممتحنه /۱۰[۳] - » پس اگر آن زنان را مؤمن یافتید. «ما أنت» یعنی تو چه چیزی هستی. «فلا یهابک» یعنی از تو نترسد.

«ألفت» امام راغب گفته است: مؤلَّف چیزی است که از اجزاء متفاوت تشکیل شده باشد، و ترتیب در آن رعایت شده باشد، آن چه شایستگی پیشی گرفتن دارد پیشی گرفته و هرکدام که باید دیرتر بیاید، دیرتر آمده باشد. «بمشیتک» یعنی به اراده ازلی تو. «الفرق» یعنی تکه های جدا از هم، و مانند آن است «الفرق» به معنای گروه جدایی از مردم. و «فلقت بقدرتک الفلق» یعنی پاره کردن چیزی و جدا کردن قسمتی از آن از بخش دیگر. «الفلق» همان صبح است، و نیز گفته شده به معنای «انهار» در این آیه است: «أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَراراً وَ جَعَلَ خِلالَها أَنْهاراً - . نمل/ ۶۱[۱] - ».

«أنرت» از ریشه الإناره است، «بکرمک دیاجی الغسق» جوهری گفته است: دیاجِی شب به معنای حنادس آن است، و حندس با کسره یعنی شب بسیار تاریک. و «الغسق» به ابتدای تاریکی شب گفته می شود. و «أنهرت المیاه» گفته می شود: «أنهرت الدم» یعنی خون را جاری کردم، و در برخی نسخه ها «أهمرت» آمده است، و «الهمر» به معنای فروریختن است. مانند «قد همر الدمع» «و الماء یهمره همرا». «من الصم» گفته می شود: «حجر صم» یعنی سفت و سخت. «الصیاخید» جمع صیخود است، و «صخره صیخود» یعنی سخت. «عذبا» به آب گوارا گفته می شود، و «قد عذب عذوبه». و «أُجاجاً» ماء أجاج یعنی آب شور، و «أنزلت مِنَ الْمُعْصِراتِ» به ابرهای باران زا گفته می شود. «ماءً» چیزی است که نوشیده می شود. و همزه در آن به جای هاء آمده است. به دلیل مویه و در اصل موه با حرکت است، چرا که برای آب های اندک و آب زیاد جمع بسته می شود. «ثَجّاجاً» گفته می شود: «ثجحت الدم و الماء» وقتی آن را روی زمین جاری می کند، «یثجحه» یعنی آن را روان می سازد، و «مطر ثجاج» زمانی گفته می شود که بسیار ریزش داشته باشد.

«جعلت الشمس و القمر للبریه» گفته می شود: یقال «برأ الله الخلق برءا و هو البارئ» و بریه یعنی آفریده ها. و عرب همزه آن را ترک کرده است. و فراء گفته است: اگر بریه از بری به معنای خاک گرفته شده باشد، اصل آن بدون همزه است. «سِراجاً» به معنای درخشان به وسیله شعله یا روغن که به هرچیز درخشان گفته می شود. «وَهّاجاً» الوهج با سکون مصدر است. گفته می شود: «وهجت النار وهجانا» هنگامی که شعله ور شود. «من غیر أن تمارس» المراس و الممارسه یعنی اقدام به انجام کار، و منظور این است که بدون آن که کاری انجام دهی. «فیما ابتدأت به لغوبا» به معنای خستگی است، و «لا علاجا» گفته می شود: «عالجت الشی ء معالجه و علاجا» هنگامی که آن کار را از پیش ببرد .

«فیـا من توحـد» یعنی یگـانه شـد، «بالعز و البقاء» به معنای ادامه وجود است، و یگانگی او به عزت از این روست که هر موجودی، وجود و همه ویژگی های خود را از خداوند گرفته است، پس هر یک در حد ذات خود ذلیل است و عزت تنها برای خداست. و یگانگی او به جاودانگی از این جهت است که هرچیزی جز خداونـد متعـال محکوم به نابودی است، و «قهر» یعنی چیره گشت، «عباده» عبودیت به معنای اظهار خاکساری است و عبادت بالاتر از آن است، زیرا نهایت خاکساری با مرگ است که روح از بدن خارج می شود، و «الفناء» به معنای نابودی پس از وجود است.

«صل علی محمد و آله الأتقیاء» التقی المتقی گفته می شود: «اتقی یتقی» و چنین پنداشتند که تاء از خود کلمه است و گفتند: «تقی یتقی» مانند «قضـی یقضـی» و این فرموده پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم مناسب آن است که: «کل تقی آلی» هر انسان پرهیزکار از خانـدان من است. و «اسـتمع» گفته می شود: «اسـتمعت له» یعنی به آن گوش فرا دادم. «نـدائی» یعنی صـدایم، و «اسـتجب دعـائی» الإجابه و الاستجابه به یک معنی هستند. و الـدعاء مفرد الأدعیه و أصـل آن دعاو است، چون از دعوت آمـده است، جز این که واو چون پس از الف آمـده تبـدیل همزه شـده است، و «حقق» یعنی پایدار گردان، از ریشه «حق یحق» به معنای اسـتوار کردن. «بفضـلک» یعنی نیکی و بخشـش. «أملی» در دنیا و «رجائی» در آخرت.

«یا خیر من دعی» گفته می شود: «دعوت فلانا» یعنی او را صدا زدم و او را خواندم، «لدفع الضر» با ضمه به معنای ضعف و بدحالی است، و در برخی نسـخه ها چنین آمـده: «لکشف الضـر» گفته می شود: «کشـفت الثوب عن الوجه و کشـفت غمه» خداونـد متعال فرمود: و اگر خداوند از بـدی به تو برسانـد کسـی جز او نمی تواند آن را برطرف کند. «المأمول» یعنی چیزی که بدان امید بسـته باشـند. «فی کل عسـر» منظور برطرف کردن آن است، و عسـر مخالف یسـر و آسایش است. عیسـی بن عمر گفت: هر اسـمی که سه حرف باشد که ابتدای آن ضـمه داشـته و حرف وسط آن ساکن باشـد، برخی از اعراب آن را سـنگین می خواننـد و برخی دیگر آن را سـبک می خواننـد. مانند عُسـر و عُسُر و رُحم و رُحُم و حُکم و حُکُم .

و «فی کـل» در هر آسایشـی «بـک» نه به غیر تو «أنزلت حاجتی» حاجتم را عرضه می کنم. حاجت به هر چیز، یعنی نیاز به آن و همراه با محبت آن، «فلا تردنی» صـیغه نهی در دعاء است. «من باب موهبتک» گفته می شود: «وهبت له الشی ء وهبا و وهبا» با حرکت خوانده می شود و «هبه» و اسم آن الموهب و الموهبه با کسـره هاء است. «فیهما خائبا» یعنی بدون دستیابی به خواسـته ام. «یا کریم یا کریم یا کریم» این خطاب را به نام کریم تکرار کرده تـا به بخشـش خداونـد تکیه کنـد، «لا حول» یعنی در ظاهر نیرویی نیست، و «لا قوه» یعنی در باطن، «إلا بالله العلی» به ذات او «العظیم» و به صفات او.

و بدان که این دعای شـریف را به همراه شـرح آن در کتاب نماز و در ابواب دعاهای روز و شب آوردیم و تنها به دلیل فاصله بسیار با آن باب و نیز به خاطر بسیار مناسب بودنش در این جایگاه، آن را دوباره تکرار کردیم .

**[ترجمه]

باب ۴۱ أحراز مولانا الإمامین الهمامین الحسن و الحسین صلوات الله علیهما و بعض أدعیتهما و عوذاتهما علیهما السلام

الأخبار

«۱»

مهـج، [مهـج الـدعوات] حِرْزٌ لِلْإِمَامَیْنِ الْهُمَامَیْنِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ علیهما السلام عَلِیُّ بْنُ عَبْدِ الصَّمَدِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ الصَّمَدِ التَّمِیمِیِّ عَنْ وَالِدِهِ أَبِی الْحَسَنِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُعَاذِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنِ ابْنِ الْوَلِیدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ یَحْیَی عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ

بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: کَانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله یُعَوِّذُ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ علیهما السلام بِهَذِهِ الْعُوذَهِ وَ کَانَ یَأْمُرُ علیه السلام ذَلِکَ أَصْحَابَهُ وَ هُوَ هَذَا الدُّعَاءُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ أُعِیذُ نَفْسِی وَ دِینِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ وُلْدِی وَ خَوَاتِیمَ عَمَلِی وَ مَا رَزَقَنِی رَبِّی وَ خَوَّلَنِی بِعِزَّهِ اللَّهِ وَ عَظَمَهِ اللَّهِ وَ جَبَرُوتِ اللَّهِ وَ سُلْطَانِ اللَّهِ وَ رَحْمَهِ اللَّهِ وَ رَأْفَهِ اللَّهِ وَ عِزَّهِ اللَّهِ وَ غُفْرَانِ اللَّهِ وَ قُوَّهِ اللَّهِ وَ قُدْرَهِ اللَّهِ وَ بِآلَاءِ اللَّهِ وَ بِصَنِیعِ اللَّهِ وَ بِأَرْکَانِ اللَّهِ وَ بِجَمْعِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ قُدْرَهِ اللَّهِ عَلَی مَا یَشَاءُ مِنْ شَرِّ السَّامَّهِ وَ الْهَامَّهِ وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ مَا دَبَّ فِی الْأَرْضِ وَ مِنْ شَرِّ مَا یَخْرُجُ مِنْهَا وَ مِنْ شَرِّ ما یَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَ ما یَعْرُجُ فِیها وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّهٍ رَبِّی آخِذٌ بِناصِیَتِها إِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِینَ (۱).

ص: ۲۶۴

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۳ و ما جعل فی صدر الصفحه الآتیه من تتمه هذا الحرز کما فی الأصل و هکذا طبعه الکمبانیّ، لکنه فی المصدر من تتمه حرز أمیر المؤمنین علیه السلام کما مرّ فی ذیل ص ۲۲۹.

تصویر



دائمة كثيرة متصلة لا انقطاع لها ولا زوال وأسأله بكم وأقدمكم أمام حوائجي فكونوا
لي شفعاء يا سادتي في فكاك رقبتي من النار وأن يقضي لي بكم حوائجي كلها للآخرة والدنيا
وأن يكفيني وأهلي وولدي والمؤمنين والمؤمنات شر كل ذي شر من الجن والإنس
من صغير أو كبير فقد رجوت أن لا أنصرف من مشهدك يا مولاي صلوات الله عليك إلا
بقضاء حوائجي وما فزعت إليك فيه ورجوته من حسن معونته وبركته بزيارتك
صلوات الله عليك وعلى الأئمة من آبائك والأئمة من ولدك ورحمة الله وبركاته
ثم قبل الضريح وقل السلام عليكم يا آل محمد يا آل الله وأنصاره وظلال الله وأولاده لأبذلن
لكم مودتي ومهجتي ومواساتي ومالي فإنها مذخورة ونصرتي لكم معدة حتى يأذن الله
لكم فإن أمرتموني يا موالي أطعت وإن نهيتموني يا سادتي كففت وإن استنصرتموني
يا قادتي نصرت وإن استعنتموني يا سادتي أعنت وإن استنجدتموني يا هداتي أنجدت
وإن استعبدتموني يا ولاتي تعبدت فلكم يا أئمتي عبوديتي بعد الله تعالى طوعا
سرمدا وعليكم سلامي وتحياتي سلاما مجددا وصلوات الله عليكم ورحمة الله وبركاته
فإذا أردت الوداع فقل قد قضيت يا مولاي بعض الأرب من زيارتك ولو فعلت
يا مولاي ما يجب علي لجعلت عرصتك دار إقامة ولكنني من أبناء الدنيا الذي عبتها
كما جرت عادة من مضى فأسأل الله البار الرحيم أن يصلي على محمد وآله وأن لا يجعله
آخر العهد من زيارتكم وجميع المؤمنين إنه أرحم الراحمين وهو على كل شيء قدير
ثم ادع الله كثيرا بما أردت إن شاء الله تعالى أقول أوردت في هذا الكتاب من الجوامع بعدد المعصومين
صلوات الله عليهم أجمعين لكن أفضلها وأوثقها الثانية ثم الأولى والرابعة والخامسة والسادسة
والسابعة ثم العاشرة والثالثة ورأيت في بعض الكتب زيارات جامعة أخرى تركتها
إما لعدم الوثوق بها أو لتكرر مضامينها مع ما نقلناه وقد ذكر الكفعمي أيضا جامعة كبيرة
في البلد الأمين أوردتها في أعمال يوم الجمعة وفيما ذكرناه كفاية إن شاء الله تعالى باب
آخر في زيارتهم عليهم السلام في أيام الأسبوع والصلاة والسلام عليهم مفصلا ثم بالإسناد
إلى الصدوق عن ابن المتوكل عن علي بن إبراهيم عن عبد الرحمن بن أحمد الموصلي عن الصقر بن أبي دلف

بركته بزيارتك ظ

وقد مرت جامعة في باب زيارة النبي صلى الله عليه وآله من البلد ص

**[ترجمه]مهج الدعوات: حرزی از دو امام همام، حسن و حسین علیهما السلام: امام صادق علیه السلام از پدرش از پدرانش نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم، حسن و حسین علیهما السلام را به این دعا پناه می دادند و یاران خود را نیز به آن دستور می دادند و آن این دعاست: به نام خداوند بخشنده مهربان. خودم را و دین و مال و خانواده ام و پایان کارم را و هرچه خداوند روزی ام کرده و به من واگذارده را پناه می دهم به عزت خداوند و بزرگی و جبروت و سلطنت و رحمت و مهربانی و عزت و آمرزش و نیرو و توانایی و بخشش ها و ساخته ها و پشتوانه های او و به جمع خداوند عز و جل و به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و قدرت خداوند بر هر چه می خواهد، از شر هر جانور زهرآگین و گزنده و از شر جن و انسان و هرچه در زمین می جنبد و از آن بیرون می رود و از شر هرچه از آسمان فرومی آید و به سوی آن بالا۔ می رود و از شر هر جنبنده ای که جانش به دست پروردگارم است، همانا پروردگارم بر مسیر مستقیم است و او بر هر کار تواناست، و هیچ نیرو و جنبشی مگر از جانب خداوند بزرگ و بلند مرتبه نیست. و درود خداوند بر آقای ما محمد و همه خاندانش باد - .
مهج الدعوات: ۱۳ - .

**[ترجمه]

«۲»

مهج، [مهج الدعوات] حِرْزٌ لِلْإِمَامِ الْحَسَنِ علیه السلام: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِمَکَانِکَ وَ مَعَاقِدِ عِزِّکَ وَ سُکَّانِ سَمَاوَاتِکَ وَ أَنْبِیَائِکَ وَ رُسُلِکَ أَنْ تَسْتَجِیبَ لِی فَقَدْ رَهِقَنِی مِنْ أَمْرِی عُسْرٌ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ لِی مِنْ عُسْرِی یُسْراً(۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: حرزی از امام حسن علیه السلام. به نام خداوند بخشنده مهربان، پروردگارا، از تو درخواست می کنم به مکانت و جایگاه های عزتت و ساکنان آسمانت و پیامبران و فرشتگانت، که دعای مرا مستجاب کنی. پس به راستی که سختی کارم مرا ناتوان کرده است. خداوندا، از تو می خواهم بر محمد و خاندانش درود فرستی و سختی کارم را آسان گردانی - . مهج الدعوات : ۱۳ - .

**[ترجمه]

«۳»

مهج، [مهج الدعوات] حِرْزٌ لِلْإِمَامِ الْحُسَیْنِ علیه السلام: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ یَا دَائِمُ یَا دَیْمُومُ یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ یَا کَاشِفَ الْغَمِّ یَا فَارِجَ الْهَمِّ یَا بَاعِثَ الرُّسُلِ یَا صَادِقَ الْوَعْدِ اللَّهُمَّ إِنْ کَانَ لِی عِنْدَکَ رِضْوَانٌ وَ وُدٌّ فَاغْفِرْ لِی وَ مَنِ اتَّبَعَنِی مِنْ إِخْوَانِی وَ شِیعَتِی وَ طَیِّبْ مَا فِی صُلْبِی بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِینَ (۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات: حرزی از امام حسین علیه السلام. به نام خداوند بخشنده مهربان. ای همیشگی، ای پایدار، ای زنده، ای استوار، ای برطرف کننده ی اندوه، ای گشایش دهنده ی گرفتاری، ای برانگیزاننده ی فرستادگان، ای راست گو در وعده، پروردگارا، اگر نزد تو دوستی و خرسندی دارم مرا بیامرز و پیروان مرا از برادرانم و یارانم بیامرز. و نسلم را پاکیزه گردان، به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان. و درود خداوند بر محمد و همه خاندانش باد - . مهج الدعوات : ۱۳ - .

**[ترجمه]

باب ۴۲ أحراز السجاد صلوات الله علیه و بعض أدعیته و عوذاته

الأخبار

«۱»

مهج، [مهج الدعوات] حِرْزُ الْإِمَامِ زَیْنِ الْعَابِدِینَ علیه السلام: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ یَا أَسْمَعَ السَّامِعِینَ یَا أَبْصَرَ النَّاظِرِینَ یَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِینَ یَا أَحْکَمَ الْحَاکِمِینَ یَا خَالِقَ الْمَخْلُوقِینَ یَا رَازِقَ الْمَرْزُوقِینَ یَا نَاصِرَ الْمَنْصُورِینَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ یَا دَلِیلَ الْمُتَحَیِّرِینَ یَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیثِینَ أَغِثْنِی

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۳.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۱۳.

يَا مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ الْكِبْرِيَاءُ رِدَاؤُكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ عَلَى عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى وَ الْحَسَنِ الْمُجْتَبَى وَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ بِكَرْبَلَاءَ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْكَاظِمِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ التَّقِيِّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

الْعَسْكَرِيِّ وَ الْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالاهُمْ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُمْ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُمْ وَ الْعَنْ مَنْ ظَلَمَهُمْ وَ عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ انْصُرْ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِكْ أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنِي رُؤْيَةَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَتْبَاعِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ الرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات حرز امام زین العابدین علیه السلام. به نام خداوند بخشنده مهربان. ای شنواترین شنوایان، ای بیناترین بینایان، ای شتابان ترین حسابرسان، ای عادل ترین حاکمان، ای آفریدگار آفریدگان، ای یاری رسان پیروزمندان، ای مهربان ترین مهربانان، ای رهنمای گمگشتگان، ای پناه پناه جویان، مرا پناه ده ای مالک روز جزا، تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جوییم. ای فریادرس گرفتاران، ای پاسخ دهنده ی دعای پریشان حالان، تو الله هستی، پروردگار عالمیان. تو الله هستی، که معبودی جز تو نیست. پادشاه راستین و آشکار، در کبریاء پوشیده شده ای. خداوندا، درود فرست بر محمد مصطفی و بر علی مرتضی و فاطمه زهراء و خدیجه کبری و حسن مجتبی و حسین شهید کربلاء و علی بن حسین زین العابدین و محمد بن علی باقر و جعفر بن محمد صادق و موسی بن جعفر کاظم و علی بن موسی رضا و محمد بن علی تقی و علی بن محمد نقی و حسن بن علی عسکری و حجه قائم مهدی امام منتظر صلوات الله علیهم أجمعین. خداوندا، دوستان آنان را دوست بدار و کسانی را که با ایشان دشمنی کنند دشمن دار. هر کس آن ها را یاری کند یاری کن و آن را که حق ایشان را نادیده بگیرد، خوار گردان. کسانی را که به آن ها ستم کنند لعنت کن و گشایش کار خاندان محمد را نزدیک گردان. پیروان محمد و خاندان محمد را پیروز گردان و دشمنان آن ها را نابود گردان و دیدار قائم آل محمد را روزی من کن و مرا از پیروان و یاران و خشنودان از کار ایشان قرار بده. به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان - . مهج الدعوات :۱۹ - .

**[ترجمه]

باب ۴۳ أحراز الباقر علیه السلام و بعض أدعیته و عوذاته صلوات الله علیه

الأخبار

«۱»

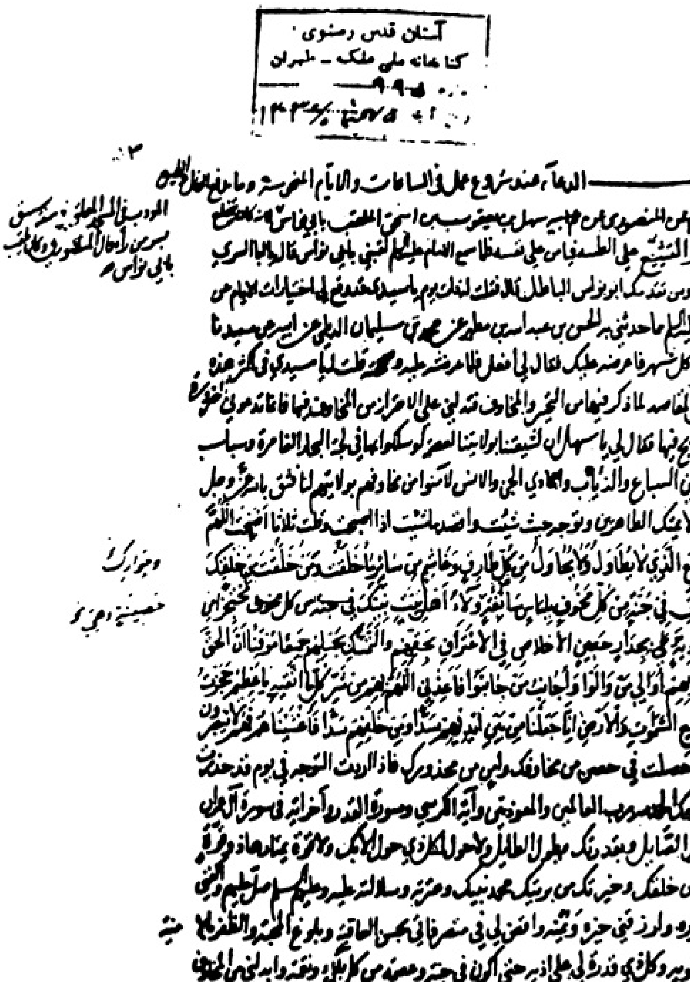
مهج، [مهج الدعوات]: حِرْزُ الْإِمَامِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يُكْتَبُ وَ يُشَدُّ عَلَى الْعَضُدِ أُعِيذُ نَفْسِي بِرَبِّيَ الْأَكْبَرِ مِمَّا يَخْفَى وَ يَظْهَرُ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ أُنْثَى وَ ذَكَرٍ وَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَتِ (۲) الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ قُدُّوسٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ أَدْعُوكُمْ أَيُّهَا الْجِنُّ وَ الْإِنْسُ إِلَى اللَّطِيفِ الْخَبِيرِ وَ أَدْعُوكُمْ أَيُّهَا الْجِنُّ وَ الْإِنْسُ إِلَى الَّذِي خَتَمْتُهُ بِخَاتَمِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ بِخَاتَمِ جَبْرَئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ بِخَاتَمِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ خَاتَمِ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ النَّبِيِّينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اخْسَئُوا فِيهَا

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۱۹.

۲- ۲. وارت ظ.

وَ لَا تُكَلِّمُونِ اخْسَئُوا عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ كُلَّمَا يَغْدُو وَ يَرُوحُ مِنْ ذِی حَیٍّ أَوْ عَقْرَبٍ أَوْ سَاحِرٍ أَوْ شَیْطَانٍ رَجِیمٍ أَوْ سُلْطَانٍ عَنِیدٍ أَخَذْتُ عَنْهُ مَا یُرَی وَ مَا لَا یُرَی وَ مَا رَأَتْ عَیْنُ نَائِمٍ أَوْ یَقْظَانَ تَوَكَّلْتُ عَلَی اللَّهِ لَا شَرِیكَ لَهُ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ الرَّسُولِ النَّبِیِّ الْأُمِّیِّ سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ وَ سَلَّمَ تَسْلِیماً كَثِیراً

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ وَ مِنْ قَوْمِ مُوسی أُمَّةٌ یَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ یَعْدِلُونَ



أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الطَّاهِرَهِ الْمُطَهَّرَهِ أَنْ تَدْفَعَ عَنْ صَاحِبِ هَذَا الْكِتَابِ جَمِیعَ الْبَلَایَا وَ تَقْضِی حَوَائِجَهُ إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ وَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ اللَّهُمَّ كهكهیج هسط مهجها مسلع دوره مهفتام وَ بِعَوْنِكَ إِلَّا مَا أَخَذْتَ لِسَانَ جَمِیعِ بَنِی آدَمَ وَ بَنَاتِ حَوَّاءَ عَلَی فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ إِلَّا بِالْخَیْرِ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ فَسَیَكْفِیكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ (۱).

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۲۰- ۲۲.

**[ترجمه]مهج الدعوات: حرز امام محمد بن علی باقر صلوات الله علیه. آن را می نویسند و بر بازو می بندند. خودم را به پروردگار بزرگم پناهنده می سازم از آن چه پیدا و آشکار است و از شر هر مؤنث و مذکر، و از شر هر آن چه خورشید و ماه دیده اند. مقدس است، مقدس است، پروردگار فرشتگان و روح. ای جن و انس، شما را به مهربان آگاه می خوانم. و شما را به آن چه با مهرپروردگار عالمیان مهر کردم و با مهر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، و با نگین انگشتر سلیمان بن داود و نگین انگشتر محمد، آقای پیامبران و فرستادگان صلی الله علیه و علیهم أجمعین، دور شوید در آن و سخن نگویید. دور شوید از فلانی فرزند فلانی، هر جان دار یا عقرب یا جادوگر یا شیطان رانده شده یا پادشاه ستمگر را بازدار، از او گرفتم هر آن چه را که دیده می شود و یا از دیده ها پنهان است، هرآن چه چشمان بیدار یا خواب ببینند، به خداوند توکل کردم که شریکی ندارد. و درود خداوند بر پیامبر و فرستاده درس نخوانده، آقای ما محمد و بر خاندان پاک او باد و سلام فراوان بر او باد. به نام خداوند بخشنده مهربان. و از مردمان موسی گروهی به سوی حق راه یافتند و به وسیله آن عدل پیشه کردند. یا حی یا قیوم یا دیان یا دیان یا اهیا یا شراهیا آذونا اصباؤث آل شدای از تو درخواست می کنم به حق این نام های پاک و پاک شده، که همه بلاها را از صاحب این نوشته دور کنی و حاجت های او را برآورده سازی. همانا تو مهربان ترین مهربانان هستی. و درود خداوند بر محمد و خاندان پاک او باد. پروردگارا، کهکهیج هسط مهجها مسلع دوره مهفتام و به یاری ات که زبان همه پسران آدم و دختران حوا را از فلانی فرزند فلانی بگیری مگر به نیکی. ای مهربان ترین مهربانان. پس خداوند آن ها را کفایت خواهد نمود و او شنوا و داناست. و درود خداوند بر محمد و خاندان پاک او باد - . مهج الدعوات :۲۰- ۲۲. - .

**[ترجمه]

«۲»

مهج، [مهج الدعوات] حِرْزٌ آخَرُ لِلْبَاقِرِ علیه السلام: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ یَا دَانٍ غَیْرَ مُتَوَانٍ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اجْعَلْ لِشِیعَتِی مِنَ النَّارِ وِقَاءً وَ لَهُمْ عِنْدَکَ رِضًا فَاغْفِرْ ذُنُوبَهُمْ وَ یَسِّرْ أُمُورَهُمْ وَ اقْضِ دُیُونَهُمْ وَ اسْتُرْ عَوْرَاتِهِمْ وَ هَبْ لَهُمُ الْکَبَائِرَ الَّتِی بَیْنَکَ وَ بَیْنَهُمْ یَا مَنْ لَا یَخَافُ الضَّیْمَ وَ لَا تَأْخُذُهُ سِنَهٌ وَ لَا نَوْمٌ اجْعَلْ لِی مِنْ کُلِّ غَمٍّ فَرَجاً وَ مَخْرَجاً إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ(۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: حرز دیگری از امام باقر علیه السلام.

به نام خداوند بخشنده مهربان. ای نزدیکی که سستی نمی کند، ای مهربان ترین مهربانان. برای پیروان من پوششی از آتش قرار بده و از آنان خشنود شو. گناهان آن ها را ببخش و کارهایشان را آسان گردان و قرض هایشان را ادا کن و عیب هایشان را بپوشان و گناهان بزرگی را که میان تو و آن هاست به آن ها ببخش. ای آن که از ستم او نمی ترسند و خواب و سال او را درنمی یابد. از هر غصه و اندوه برایم گشایش و راه نجاتی قرار بده، به درستی که تو بر هر کار توانایی - . مهج الدعوات :۲۲. - .

**[ترجمه]

«۳»

مهج، [مهج الدعوات] دُعَاءٌ آخَرُ عَنِ الْبَاقِرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام رَوَیْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَی مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ فِی کِتَابِ فَضْلِ الدُّعَاءِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ فَضَّالٍ وَ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ أَبِی جَمِیلَهَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قَالَ جَبْرَئِیلُ یَا نَبِیَّ اللَّهِ اعْلَمْ أَنِّی لَمْ أُحِبَّ نَبِیّاً مِنَ الْأَنْبِیَاءِ کَحُبِّی إِیَّاکَ فَأَکْثِرْ أَنْ تَقُولَ اللَّهُمَّ إِنَّکَ تَرَی وَ لَا تُرَی وَ أَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَی وَ أَنَّ إِلَیْکَ الْمُنْتَهَی وَ الرُّجْعَی وَ أَنَّ لَکَ الْآخِرَهَ وَ الْأُولَی وَ أَنَّ لَکَ الْمَمَاتَ وَ الْمَحْیَا رَبِّ أَعُوذُ بِکَ أَنْ أَذِلَّ أَوْ أَخْزَی (۲).

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءٌ آخَرُ عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام وَ کَانَ یُسَمِّیهِ الْجَامِعَ رَوَیْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَی سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ

هِلَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِی حَمْزَةَ الثُّمَالِیِّ قَالَ أَخَذْتُ هَذَا الدُّعَاءَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام وَ كَانَ یُسَمِّیهِ الْجَامِعَ وَ رُوِّینَاهُ أَیْضاً بِإِسْنَادِنَا إِلَی مُحَمَّدِ بْنِ یَعْقُوبَ الْكُلَیْنِیِّ بِإِسْنَادِهِ إِلَی أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ بِجَمِیعِ رُسُلِ اللَّهِ وَ بِجَمِیعِ مَا أُرْسِلَ بِهِ رُسُلُ اللَّهِ وَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لِقَاءَهُ حَقٌّ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ بَلَّغَ الْمُرْسَلُونَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهَ شَیْ ءٌ وَ كَمَا یُحِبُّ اللَّهُ أَنْ یُسَبَّحَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كُلَّمَا حَمِدَ اللَّهَ شَیْ ءٌ وَ كَمَا یُحِبُّ اللَّهُ أَنْ یُحْمَدَ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كُلَّمَا هَلَّلَ اللَّهَ شَیْ ءٌ وَ كَمَا یُحِبُّ اللَّهُ

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۲۲.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۲۱۳.

أَنْ يُهَلَّلَ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ كُلَّمَا كَبَّرَ اللَّهَ شَيْ ءٌ وَ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُكَبَّرَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَفَاتِيحَ الْخَيْرِ وَ خَوَاتِيمَهُ وَ شَرَائِعَهُ وَ سَوَابِغَهُ وَ فَوَائِدَهُ وَ بَرَكَاتِهِ وَ مَا بَلَغَ عِلْمَهُ عِلْمِي وَ مَا قَصُرَ عَنْ إِحْصَائِهِ حِفْظِي اللَّهُمَّ أَنْهِجْ لِي أَسْبَابَ مَعْرِفَتِهِ وَ افْتَحْ لِي أَبْوَابَهُ وَ غَشِّنِي بَرَكَاتِ رَحْمَتِكَ وَ مُنَّ عَلَيَّ بِعِصْمَةٍ عَنِ الْإِزَالَةِ عَنْ دِينِكَ وَ طَهِّرْ قَلْبِي مِنَ الشَّكِّ وَ لَا تَشْغَلْ قَلْبِي بِدُنْيَايَ وَ عَاجِلِ مَعَاشِي عَنْ آجِلِ ثَوَابِ آخِرَتِي وَ اشْغَلْ قَلْبِي بِحِفْظِ مَا لَا تَقْبَلُ مِنِّي جَهْلَهُ وَ ذَلِّلْ لِكُلِّ خَيْرٍ لِسَانِي وَ طَهِّرْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَ لَا تُجْرِهِ فِي مَفَاصِلِي وَ اجْعَلْ عَمَلِي خَالِصاً لَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ وَ أَنْوَاعِ الْفَوَاحِشِ كُلِّهَا ظَاهِرِهَا وَ بَاطِنِهَا وَ غَفَلَاتِهَا وَ جَمِيعِ مَا يُرِيدُنِي بِهِ الشَّيْطَانُ الرَّجِيمُ وَ مَا يُرِيدُنِي بِهِ السُّلْطَانُ الْعَنِيدُ مِمَّا أَحَطْتُ بِعِلْمِهِ وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى صَرْفِهِ عَنِّي اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ طَوَارِقِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ زَوَابِعِهِمْ وَ تَوَابِعِهِمْ وَ بَوَائِقِهِمْ وَ مَكَائِدِهِمْ وَ مَشَاهِدِ الْفَسَقَةِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ أَنْ أُسْتَزَلَّ عَنْ دِينِي فَتَفْسُدَ عَلَيَّ آخِرَتِي وَ يَكُونُ ذَلِكَ مِنْهُمْ ضَرَراً عَلَيَّ فِي مَعَاشِي أَوْ يَعْرِضُ بَلَاءٌ يُصِيبُنِي مِنْهُمْ لَا قُوَّةَ لِي بِهِ وَ لَا صَبْرَ لِي عَلَى احْتِمَالِهِ فَلَا تَبْتَلِنِي يَا إِلَهِي بِمُقَاسَاتِهِ فَيَمْنَعَنِي ذَلِكَ مِنْ ذِكْرِكَ وَ يَشْغَلَنِي عَنْ عِبَادَتِكَ أَنْتَ الْعَاصِمُ الْمَانِعُ وَ الدَّافِعُ الْوَاقِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الرَّفَاهِيَهَ فِي مَعِيشَتِي مَا أَبْقَيْتَنِي فِي مَعِيشَهٍ أَقْوَى بِهَا عَلَى طَاعَتِكَ وَ أَبْلُغُ بِهَا رِضْوَانَكَ وَ أَصِيرُ بِهَا مِنْكَ إِلَى دَارِ الْحَيَوَانِ غَداً وَ لَا تَرْزُقْنِي رِزْقاً يُطْغِينِي وَ لَا تَبْتَلِنِي بِفَقْرٍ أَشْقَى بِهِ مُضَيِّقاً عَلَيَّ أَعْطِنِي حَظّاً وَافِراً فِي آخِرَتِي وَ مَعَاشاً وَاسِعاً هَنِيئاً مَرِيئاً فِي دُنْيَايَ وَ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا عَلَيَّ سِجْناً وَ لَا تَجْعَلْ فِرَاقَهَا عَلَيَّ حُزْناً أَجِرْنِي مِنْ فِتْنَتِهَا مَرْضِيّاً عَنِّي وَ اجْعَلْ عَمَلِي فِيهَا مَقْبُولًا وَ سَعْيِي فِيهَا مَشْكُوراً اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ بِمِثْلِهِ وَ مَنْ كَادَنِي فِيهَا فَكِدْهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي هَمَّ مَنْ أَدْخَلَ عَلَيَّ هَمَّهُ وَ امْكُرْ بِمَنْ مَكَرَ بِي فَإِنَّكَ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ وَ افْقَأْ عَنِّي عُيُونَ الْكَفَرَهِ الظَّلَمَهِ الطُّغَاهِ الْحَسَدَهِ اللَّهُمَّ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْكَ السَّكِينَهَ وَ الْوَقَارَ

وَ أَلْبِسْنِی دِرْعَکَ الْحَصِینَهَ وَ احْفَظْنِی بِسِتْرِکَ الْوَاقِی وَ جَلِّلْنِی عَافِیَتَکَ النَّافِعَهَ وَ صَدِّقْ قَوْلِی وَ فِعَالِی وَ بَارِکْ لِی فِی وُلْدِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ مَا قَدَّمْتُ وَ مَا أَخَّرْتُ وَ مَا أَغْفَلْتُ وَ مَا تَعَمَّدْتُ وَ مَا تَوَانَیْتُ وَ مَا أَعْلَنْتُ وَ مَا أَسْرَرْتُ فَاغْفِرْ لِی یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ (۱).

أَقُولُ هَذَا آخِرُ رِوَایَتِنَا عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ مِنْ کِتَابِ فَضْلِ الدُّعَاءِ وَ رُوِّینَاهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام أَنَّهُ کَانَ یَقُولُ: اللَّهُمَّ مَنْ کَانَتْ لَهُ حَاجَهٌ هَاهُنَا وَ هَاهُنَا فَإِنَّ حَاجَتِی إِلَیْکَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ (۲).

حِرْزٌ آخَرُ لِمَوْلَانَا الصَّادِقِ علیه السلام بِرِوَایَهٍ أُخْرَی: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ یَا خَالِقَ الْخَلْقِ وَ یَا بَاسِطَ الرِّزْقِ یَا فَالِقَ الْحَبِّ وَ یَا بَارِئَ النَّسَمِ وَ مُحْیِیَ الْمَوْتَی وَ مُمِیتَ الْأَحْیَاءِ وَ دَائِمَ الثَّبَاتِ وَ مُخْرِجَ النَّبَاتِ افْعَلْ بِی مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ لَا تَفْعَلْ بِی مَا أَنَا أَهْلُهُ وَ أَنْتَ أَهْلُ التَّقْوی وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَهِ(۳) انْتَهَی کَلَامُ ابْنِ طَاوُسٍ فِی الْمُهَجِ (۴).

**[ترجمه]مهج الدعوات: دعاء دیگری از محمد بن علی باقر علیه السلام: جابر از ابو جعفر علیه السلام نقل می کند: جبرئیل گفت: ای پیامبر خدا، بدان که من هیچ یک از پیامبران خدا را به اندازه تو دوست نمی دارم. پس بسیار بگو: پروردگارا، تو می بینی و دیده نمی شوی و تو در جایگاه والا قرار داری، و پایان و بازگشت به سوی توست و دنیا و آخرت و مرگ و زندگی برای توست. پروردگارا، به تو پناه می برم از این که خوار و ناامید شوم - . مهج الدعوات :۲۱۳. - .

و دعای دیگری از امام باقر علیه السلام که دعای جامع نام دارد: محمد بن یعقوب کلینی با اسناد خود از ابوجعفر محمد بن علی علیه السلام نقل کرده است: به نام خداوند بخشنده مهربان. گواهی می دهم که معبودی جز الله نیست، یگانه است و شریکی ندارد، و گواهی می دهم محمد بنده و فرستاده اوست. به خدا و همه پیامبرانش ایمان آوردم و به همه آن چه پیامبران او آوردند، وعده خداوند راست است و دیدار او راست است. خداوند راست گفت و فرستادگان پیام را رساندند و سپاس مخصوص خداوند پروردگار عالمیان است. خداوند منزه است هرگاه چیزی تسبیح خداوند را می گوید و همان گونه که او دوست می دارد تسبیحش گفته شود. و سپاس مخصوص خداوند است، هرگاه چیزی خداوند را سپاس می گوید و همان گونه که او دوست می دارد سپاس گزارده شود. معبودی جز خداوند نیست، هرگاه چیزی لااله الا الله می گوید و همان گونه که او دوست می دارد لااله الا الله گویند. و خداوند بزرگ تر است، هرگاه که او را تکبیر میکنند و همان گونه که دوست می دارد بزرگ داشته شود. پروردگارا، از تو کلیدهای خوبی را درخواست می کنم و پایان های آن را، و راه های آن را و گستردگی و فواید و فراوانی اش را و هرچه را که دانش من به آن رسیده ویا از شمارش آن ناتوان شده ام. خداوندا، اسباب شناخت آن را به من بنمایان و درهای آن را برایم بگشا و برکت های رحمتت را بر من بپوشان. بر من منت گذار و مرا از بی دینی نگاه دار، و قلبم را از شک پاک گردان و قلبم را به دنیا مشغول نساز و با زندگی دنیا از پاداش آخرت بازندار، و قلبم را به حفظ آن چه نادانی آن را از من نمی پذیری مشغول کن، زبانم را برای هر خوبی رام گردان و قلبم را از ریا پاک گردان و آن را در بندهایم جاری نساز و عملم را برای خودت خالص گردان. بارالها، از هر بدی و انواع زشتی ها، آشکار و پنهان وفراموشی های آن، و از هر چه شیطان رانده شده و یا حاکم ستم کار برایم می خواهد به تو پناه می برم. هرآن چه از آن آگاهی و در برطرف کردن آن توانایی. خداوندا، به تو پناه می برم از آفت های جن و انس و حرکت ها و زیردستان و سختی ها و فریب های آن ها، و از گواهان فاسق جن و انس، و از لغزش در دینم که آخرتم را نابود گرداند، و یا ضرری که در زندگی دنیا به من وارد کنند یا بلایی که از سوی آنان به من برسد و نیرو و شکیبایی در آن ندارم. پس مرا مبتلا به رنج آن نکن ای پروردگارم که مرا از یاد تو بازدارد و مرا از عبادت تو مشغول کند. تو نگهدارنده و بازدارنده ای، و دور کننده و حفظ کننده از همه آن هستی. از تو آسایش در دنیا می خواهم تا زمانی که مرا زنده می داری، زندگی که در فرمانبرداری از تو نیرومند باشم و با آن به خشنودی تو دست یابم و از آن به سرای جاودانگی درآیم. و روزی ام مرا به سرکشی وادار نسازد و مرا با فقر و تنگ دستی آزمایش نکن. بهره فراوان در آخرت و روزی گسترده و گوارا در دنیا به من ببخش و دنیا را برایم زندان قرار نده و دوری از آن را مایه اندوهم نگردان. مرا از بلاهای آن در امان بدار و از من راضی باش، عملم را درآن بپذیر و تلاشم را در آن مورد سپاس قرار ده. بارالها، هر که را اراده بدی برایم داشته، با همان اراده بد و هر که برای من حیله ای نموده همان حیله را برایش قرار ده. و تلاش هرآنکه را علیه من کاری کرده باطل کن و با فریب کاران فریب کن، چرا که تو

بهترین مکرکنندگانی. دیدگان کافران ستم کار و سرکشان حسود را از من کور گردان. خدایا، از سوی خودت برای من آرامشی قرار بده و زره محکم خودت را بر من بپوشان و با پرده پوشیت مرا حفظ فرما و با عافیت سودمندت مرا گرامی دار. کردار و گفتارم را راست کن و در فرزندان و خانواده و مالم برکت ده، و هرآنچه از من که گذشته و پیش آید، و هر چه آن را فراموش کردم یا به عمد انجام دادم و آن چه در آن سستی نمودم و هر چه نهانی و آشکار داشتم را بر من ببخش، ای مهربان ترین مهربانان - . مهج الدعوات :۲۱۴ - .

می گویم: این روایت پایانی از سعد بن عبد الله از کتاب فضیلت دعا است که آن را روایت کردیم. محمد بن حسن صفار با اسناد خود از امام باقر علیه السلام روایت می کند که می گفت: بارالها، هر کس از این و آن حاجتی دارد، اما حاجت من از توست، یگانه ای و شریکی نداری - . مهج الدعوات :۲۱۵ - .

حرز دیگری از مولای ما صادق علیه السلام به روایتی دیگر:

به نام خداوند بخشنده مهربان. ای آفریدگار مردم و ای گستراننده روزی، ای شکافنده بذر و ای پدید آرنده موجودات، و زنده کننده مردگان و میراننده زنده ها، ای همیشگی و بیرون آورنده گیاهان. آن چه را خودت شایسته آنی با من انجام بده و چنان که من شایسته ام با من مکن. و تو شایسته پرهیزکاری و آمرزشی - . مهج الدعوات :۲۸ ، ۲۹ - . پایان سخن ابن طاوس در مهج .

**[ترجمه]

باب ۴۴ الأحراز المرویه عن الصادق صلوات الله علیه و بعض أدعیته و عوذاته علیه السلام

الأخبار

أقول

قد مضی بعض أحرازه علیه السلام فی جمله أحراز أبیه الباقر علیه السلام.

**[ترجمه]برخی از حرزهای ایشان در باب حرزهای پدرش امام باقر آمده است.

**[ترجمه]

«۱»

مهج، [مهج الدعوات] بِالْإِسْنَادِ إِلَی هَارُونَ بْنِ مُوسَی التَّلَّعُكْبَرِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الصَّیْرَفِیِّ عَنِ ابْنِ أَبِی نَجْرَانَ عَنْ یَاسِرٍ مَوْلَی الرَّبِیعِ قَالَ سَمِعْتُ الرَّبِیعَ یَقُولُ: لَمَّا حَجَّ الْمَنْصُورُ وَ صَارَ بِالْمَدِینَهِ سَهِرَ لَیْلَهً فَدَعَانِی فَقَالَ یَا رَبِیعُ انْطَلِقْ فِی وَقْتِكَ هَذَا عَلَی

ص: ۲۷۰

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۲۱۴.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۲۱۵.

۳- ۳. مهج الدعوات ص ۲۸ و ۲۹.

۴- ۴. كذا فی الأصل.

أَخْفَضِ جَنَاحٍ وَ أَلْيَنِ مَسِيرٍ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ وَحْدَکَ فَافْعَلْ حَتَّى تَأْتِيَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ فَقُلْ لَهُ هَذَا ابْنُ عَمِّکَ يَقْرَأُ عَلَيْکَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَکَ إِنَّ الدَّارَ وَ إِنْ نَأَتْ وَ الْحَالَ وَ إِنِ اخْتَلَفَتْ فَإِنَّا نَرْجِعُ إِلَى رَحِمٍ أَمَسَّ مِنْ يَمِينٍ بِشِمَالٍ وَ نَعْلٍ بِقِبَالٍ (۱) وَ هُوَ يَسْأَلُکَ الْمَصِيرَ إِلَيْهِ فِي وَقْتِکَ هَذَا فَإِنْ سَمَحَ بِالْمَسِيرِ مَعَکَ فَأَوْطِهِ خَدَّکَ وَ إِنِ امْتَنَعَ بِعُذْرٍ أَوْ غَيْرِهِ فَارْدُدِ الْأَمْرَ إِلَيْهِ فِي ذَلِکَ فَإِنْ أَمَرَکَ بِالْمَصِيرِ إِلَيْهِ فِي تَأَنٍّ فَيَسِّرْ وَ لَا تُعَسِّرْ وَ اقْبَلِ الْعَفْوَ وَ لَا تُعَنِّفْ فِي قَوْلٍ وَ لَا فِعْلٍ قَالَ الرَّبِيعُ فَصِرْتُ إِلَى بَابِهِ فَوَجَدْتُهُ فِي دَارِ خَلْوَتِهِ فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ مِنْ غَيْرِ اسْتِئْذَانٍ فَوَجَدْتُهُ مُعَفِّراً خَدَّيْهِ مُبْتَهِلًا بِظَهْرِ يَدَيْهِ قَدْ أَثَّرَ التُّرَابُ فِي وَجْهِهِ وَ خَدَّيْهِ فَأَكْبَرْتُ أَنْ أَقُولَ شَيْئاً حَتَّى فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ وَ دُعَائِهِ ثُمَّ انْصَرَفَ بِوَجْهِهِ فَقُلْتُ السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ وَ عَلَيْکَ السَّلَامُ يَا أَخِي مَا جَاءَ بِکَ فَقُلْتُ ابْنُ عَمِّکَ يَقْرَأُ عَلَيْکَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ حَتَّى بَلَغْتُ آخِرَ الْکَلَامِ فَقَالَ وَيْحَکَ يَا رَبِيعُ أَ لَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَ ما نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَ لا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتابَ مِنْ قَبْلُ فَطالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَيْحَکَ يَا رَبِيعُ أَ فَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنا بَياتاً وَ هُمْ نائِمُونَ أَ وَ أَمِنَ أَهْلُ الْقُرى أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنا ضُحًى وَ هُمْ يَلْعَبُونَ أَ فَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخاسِرُونَ قَرَأْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى صَلَاتِهِ وَ انْصَرَفَ إِلَيَّ بِوَجْهِهِ فَقُلْتُ هَلْ بَعْدَ السَّلَامِ مِنْ مُسْتَعْتَبٍ عَلَيْهِ أَوْ إِجَابَةٍ فَقَالَ نَعَمْ قُلْ لَهُ أَ فَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى وَ أَعْطى قَلِيلًا وَ أَكْدى أَ عِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرى أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِما فِي صُحُفِ مُوسى وَ إِبْراهِيمَ الَّذِي وَفَّى أَلَّا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرى وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسانِ إِلَّا ما سَعى وَ أَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرى إِنَّا وَ اللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ خِفْنَاکَ وَ خَافَتْ لِخَوْفِنَا النِّسْوَةُ اللَّاتِي أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِنَّ وَ لَا بُدَّ لَنَا مِنَ الْإِيضَاحِ بِهِ فَإِنْ كَفَفْتَ وَ إِلَّا أَجْرَيْنَا اسْمَکَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ وَ أَنْتَ حَدَّثْتَنَا عَنْ أَبِيکَ عَنْ جَدِّکَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله قَالَ أَرْبَعُ دَعَوَاتٍ لَا يُحْجَبْنَ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى دُعَاءُ الْوَالِدِ لِوَلَدِهِ وَ الْأَخِ

۱- ۱. قبال النعل ككتاب زمام بين الاصبع الوسطى و التى تليها.

لِظَهْرِ الْغَيْبِ لِأَخِيهِ وَ الْمَظْلُومُ وَ الْمُخْلِصُ.

قَالَ الرَّبِيعُ فَمَا اسْتَتَمَّ الْكَلَامَ حَتَّى أَتَتْ رُسُلُ الْمَنْصُورِ تَقْفُو أَثَرِى وَ تَعْلَمُ خَبَرِى فَرَجَعْتُ وَ أَخْبَرْتُهُ بِمَا كَانَ فَبَكَى ثُمَّ قَالَ ارْجِعْ إِلَيْهِ وَ قُلْ لَهُ الْأَمْرُ فِى لِقَائِكَ إِلَيْكَ وَ الْجُلُوسُ عَنَّا وَ أَمَّا النِّسْوَةُ اللَّاتِى ذَكَرْتَهُنَّ فَعَلَيْهِنَّ السَّلَامُ فَقَدْ آمَنَ اللَّهُ رَوْعَهُنَّ وَ جَلَّى هَمَّهُنَّ قَالَ فَرَجَعْتُ إِلَيْهِ فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا قَالَ الْمَنْصُورُ فَقَالَ لَهُ وَصَلْتَ رَحِماً وَ جُزِيتَ خَيْراً ثُمَّ اغْرَوْرَقَتْ عَيْنَاهُ حَتَّى قَطَرَ مِنَ الدَّمْعِ فِى حَجْرِهِ قَطَرَاتٌ ثُمَّ قَالَ يَا رَبِيعُ إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا وَ إِنْ أَمْتَعَتْ بِبَهْجَتِهَا وَ غَرَّتْ بِزِبْرِجِهَا فَإِنَّ آخِرَهَا لَا يَعْدُو أَنْ يَكُونَ كَآخِرِ الرَّبِيعِ الَّذِى يَرُوقُ بِخُضْرَتِهِ ثُمَّ يَهِيجُ عِنْدَ انْتِهَاءِ مُدَّتِهِ وَ عَلَى مَنْ نَصَحَ لِنَفْسِهِ وَ عَرَفَ حَقَّ مَا عَلَيْهِ وَ لَهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهَا نَظَرَ مَنْ عَقَلَ عَنْ رَبِّهِ جَلَّ وَ عَلَا وَ حَذِرَ سُوءَ مُنْقَلَبِهِ فَإِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ خَدَعَتْ قَوْماً فَارَقُوهَا أَسَرَّ مَا كَانُوا إِلَيْهَا وَ أَكْثَرَ مَا كَانُوا اغْتِبَاطاً بِهَا طَرَقَتْهُمْ آجَالُهُمْ بَيَاتاً وَ هُمْ نَائِمُونَ أَوْ ضُحًى وَ هُمْ يَلْعَبُونَ فَكَيْفَ أُخْرِجُوا عَنْهَا وَ إِلَى مَا صَارُوا بَعْدَهَا أَعْقَبَتْهُمُ الْأَلَمَ وَ أَوْرَثَتْهُمُ النَّدَمَ وَ جَرَّعَتْهُمْ مُرَّ الْمَذَاقِ وَ غَصَّصَتْهُمْ بِكَأْسِ الْفِرَاقِ فَيَا وَيْحَ مَنْ رَضِيَ عَنْهَا بِهَا أَوْ أَقَرَّ عَيْناً أَ مَا رَأَى مَصْرَعَ آبَائِهِ وَ مَنْ سَلَفَ مِنْ أَعْدَائِهِ وَ أَوْلِيَائِهِ يَا رَبِيعُ أَطْوِلْ بِهَا حَسْرَةً وَ أَقْبِحْ بِهَا كَثْرَةً وَ أَخْسِرْ بِهَا صَفْقَةً وَ أَكْبِرْ بِهَا تَرَحَةً(۱)

إِذَا عَايَنَ الْمَغْرُورُ بِهَا أَجَلَهُ وَ قُطِعَ بِالْأَمَانِيِّ أَمَلُهُ وَ لْيَعْمَلْ عَلَى أَنَّهَا أُعْطِيَ أَطْوَلَ الْأَعْمَارِ وَ أَمَدَّهَا وَ بَلَغَ فِيهَا جَمِيعَ الْآمَالِ هَلْ قُصَارَاهُ إِلَّا الْهَرَمُ أَوْ غَايَتُهُ إِلَّا الْوَخَمُ (۲) نَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَ لَكَ عَمَلًا صَالِحاً بِطَاعَتِهِ وَ مَآباً إِلَى رَحْمَتِهِ وَ نُزُوعاً عَنْ مَعْصِيَتِهِ وَ بَصِيرَةً فِى حَقِّهِ فَإِنَّمَا ذَلِكَ لَهُ وَ بِهِ فَقُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ حَقٍّ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ جَلَّ وَ عَلَا إِلَّا عَرَّفْتَنِى مَا ابْتَهَلْتَ بِهِ إِلَى رَبِّكَ تَعَالَى وَ جَعَلْتَهُ حَاجِزاً بَيْنَكَ وَ بَيْنَ حَذَرِكَ وَ خَوْفِكَ لَعَلَّ اللَّهَ يَجْبُرُ بِدَوَائِكَ كَسِيراً وَ يُغْنِى بِهِ فَقِيراً وَ اللَّهِ مَا أُغْنِى غَيْرَ نَفْسِى قَالَ الرَّبِيعُ فَرَفَعَ

۱- ۱. الترح محركه: الهم.

۲- ۲. طعام و خيم: غير موافق.

يَدَهُ وَ أَقْبَلَ عَلَى مَسْجِدِهِ كَارِهاً أَنْ يَتْلُوَ الدُّعَاءَ صُحُفاً وَ لَا يَحْضُرَ ذَلِكَ بِنِيَّةٍ(١) فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ يَا مُدْرِكَ الْهَارِبِينَ وَ يَا مَلْجَأَ الْخَائِفِينَ وَ يَا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَ يَا مُنْتَهَى غَايَةِ السَّائِلِينَ وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا حَقُّ يَا مُبِينُ يَا ذَا الْكَيْدِ الْمَتِينِ يَا مُنْصِفَ الْمَظْلُومِينَ مِنَ الظَّالِمِينَ يَا مُؤْمِنَ أَوْلِيَائِهِ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ يَا مَنْ يَعْلَمُ خائِنَةَ الْأَعْيُنِ بِخَافِيَاتِ لَحْظِ الْجُفُونِ (٢) وَ سَرَائِرِ الْقُلُوبِ وَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ يَا رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ وَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْأَنْبِيَاءِ الْمُرْسَلِينَ وَ رَبَّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ أَجْمَعِينَ يَا شَاهِداً لَا يَغِيبُ يَا غَالِباً غَيْرَ مَغْلُوبٍ يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ رَقِيبٌ (٣)

وَ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ حَسِيبٌ وَ مِنْ كُلِّ عَبْدٍ قَرِيبٌ وَ لِكُلِّ دَعْوَةٍ مُسْتَجِيبٌ يَا إِلَهَ الْمَاضِينَ وَ الْغَابِرِينَ وَ الْمُقِرِّينَ وَ الْجَاحِدِينَ وَ إِلَهَ الصَّامِتِينَ وَ النَّاطِقِينَ وَ رَبَّ الْأَحْيَاءِ وَ الْمَيِّتِينَ يَا اللَّهُ يَا رَبَّاهْ يَا عَزِيزُ يَا حَكِيمُ يَا غَفُورُ يَا رَحِيمُ يَا أَوَّلُ يَا قَدِيمُ يَا شَكُورُ يَا حَلِيمُ يَا قَاهِرُ يَا عَلِيمُ يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ يَا لَطِيفُ يَا خَبِيرُ يَا عَالِمُ يَا قَدِيرُ يَا قَهَّارُ يَا غَفَّارُ يَا جَبَّارُ يَا خَالِقُ يَا رَازِقُ يَا رَاتِقُ يَا فَاتِقُ يَا صَادِقُ يَا أَحَدُ يَا صَمَدُ يَا وَاحِدُ يَا مَاجِدُ يَا رَحْمَانُ يَا فَرْدُ يَا مَنَّانُ يَا سُبُّوحُ يَا حَنَّانُ يَا قُدُّوسُ يَا رَءُوفُ يَا مُهَيْمِنُ يَا حَمِيدُ يَا مَجِيدُ يَا مُبْدِئُ يَا مُعِيدُ يَا وَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا قَوِيُّ يَا غَنِيُّ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا مَلِكُ يَا مُقْتَدِرُ يَا بَاعِثُ يَا وَارِثُ يَا مُتَكَبِّرُ يَا عَظِيمُ يَا بَاسِطُ يَا قَابِضُ يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا بَارُّ يَا وَتْرُ يَا مُعْطِی يَا مَانِعُ يَا ضَارُّ يَا نَافِعُ يَا مُفَرِّقُ يَا جَامِعُ يَا حَقُّ يَا مُبِينُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا وَدُودُ يَا مُعِيدُ يَا طَالِبُ يَا غَالِبُ يَا مُدْرِكُ يَا جَلِيلُ يَا مُفْضِلُ يَا كَرِيمُ يَا مُتَفَضِّلُ يَا مُتَطَوِّلُ يَا أَوَّابُ يَا سَمِحُ.

١- ١. التلاوه صحفا: القراءه عن ظهر قلب لاه ساه.

٢- ٢. العيون: خ ل.

٣- ٣. قدير، خ ل.

يَا فَارِجَ الْهَمِّ وَ يَا كَاشِفَ الْغَمِّ يَا مُنْزِلَ الْحَقِّ يَا قَابِلَ الصِّدْقِ يَا فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَا عِمَادَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَا مُمْسِكَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَا ذَا الْبَلَاءِ الْجَمِيلِ وَ الطَّوْلِ الْعَظِيمِ يَا ذَا السُّلْطَانِ الَّذِى لَا يَذِلُّ وَ الْعِزِّ الَّذِى لَا يُضَامُ يَا مَعْرُوفاً بِالْإِحْسَانِ يَا مَوْصُوفاً بِالامْتِنَانِ يَا ظَاهِراً بِلَا مُشَافَهَةٍ يَا بَاطِناً بِلَا مُلَامَسَةٍ يَا سَابِقَ الْأَشْيَاءِ بِنَفْسِهِ يَا أَوَّلًا بِغَيْرِ غَايَةٍ يَا آخِراً بِغَيْرِ نِهَايَةٍ يَا قَائِماً بِغَيْرِ انْتِصَابٍ يَا عَالِماً بِلَا اكْتِسَابٍ يَا ذَا الْأَسْمَاءِ الْحُسْنَى وَ الصِّفَاتِ الْمُثْلَى وَ الْمَثَلِ الْأَعْلَى يَا مَنْ قَصُرَتْ عَنْ وَصْفِهِ أَلْسُنُ الْوَاصِفِينَ وَ انْقَطَعَتْ عَنْهُ أَفْكَارُ الْمُتَفَكِّرِينَ وَ عَلَا وَ تَكَبَّرَ عَنْ صِفَاتِ الْمُلْحِدِينَ وَ جَلَّ وَ عَزَّ عَنْ عَيْبِ الْعَائِبِينَ وَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَنْ كِذْبِ الْكَاذِبِينَ وَ أَبَاطِيلِ الْمُبْطِلِينَ وَ أَقَاوِيلِ الْعَادِلِينَ يَا مَنْ بَطَنَ (۱)

فَخَبَرَ وَ ظَهَرَ فَقَدَرَ وَ أَعْطَى فَشَكَرَ وَ عَلَا فَقَهَرَ: يَا رَبَّ الْعَيْنِ وَ الْأَثَرِ وَ الْجِنِّ وَ الْبَشَرِ وَ الْأُنْثَى وَ الذَّكَرِ وَ الْبَحْثِ وَ النَّظَرِ وَ الْقَطْرِ وَ الْمَطَرِ وَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ يَا شَاهِدَ النَّجْوَى وَ كَاشِفَ الْغُمَّى وَ دَافِعَ الْبَلْوَى وَ غَايَةَ كُلِّ شَكْوَى يَا نِعْمَ النَّصِيرُ وَ الْمَوْلَى يَا مَنْ هُوَ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوى لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ وَ ما بَيْنَهُما وَ ما تَحْتَ الثَّرى يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ يَا مُجْمِلُ يَا مُحْسِنُ يَا كَافِي يَا شَافِي يَا مُحْيِي يَا مُمِيتُ يَا مَنْ يَرَى وَ لَا يُرَى وَ لَا يَسْتَعِينُ بِسَنَاءِ الضِّيَاءِ يَا مُحْصِيَ عَدَدِ الْأَشْيَاءِ يَا عَلِيَّ الْجَدِّ يَا غَالِبَ الْجُنْدِ يَا مَنْ لَهُ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ يَدٌ وَ فِي كُلِّ شَيْ ءٍ كَبِدٌ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ صَغِيرٌ عَنْ كَبِيرٍ وَ لَا حَقِيرٌ عَنْ خَطِيرٍ وَ لَا يَسِيرٌ عَنْ عَسِيرٍ يَا فاعل [فَاعِلًا] بِغَيْرِ مُبَاشَرَةٍ يَا عالم [عَالِماً] مِنْ غَيْرِ تَعَلُّمٍ (۲)

يَا مَنْ بَدَأَ بِالنِّعْمَةِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا وَ الْفَضِيلَةِ قَبْلَ اسْتِيجَابِهَا يَا مَنْ أَنْعَمَ عَلَى الْمُؤْمِنِ وَ الْكَافِرِ وَ اسْتَصْلَحَ الْفَاسِدَ وَ الصَّالِحَ عَلَيْهِ وَ رَدَّ الْمُعَانِدَ وَ الشَّارِدَ عَنْهُ يَا مَنْ أَهْلَكَ بَعْدَ الْبَيِّنَةِ وَ أَخَذَ بَعْدَ قَطْعِ الْمَعْذِرَةِ وَ أَقَامَ الْحُجَّةَ وَ دَرَأَ عَنِ الْقُلُوبِ الشُّبْهَةَ وَ أَقَامَ الدَّلَالَةَ وَ قَادَ إِلَى

۱- ۱. نطق خ ل.

۲- ۲. معلم خ ل.

مُعَايَنَهِ الْآيَهِ.

يَا بَارِئَ الْجَسَدِ وَ مُوسِعَ الولد [الْبَلَدِ] وَ مُجْرِيَ الْقُوتِ وَ مُنْشِرَ الْعِظَامِ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ مُنْزِلَ الْغَيْثِ يَا سَامِعَ الصَّوْتِ وَ سَابِقَ الْفَوْتِ يَا رَبَّ الْآيَاتِ وَ الْمُعْجِزَاتِ مَطَرٍ وَ نَبَاتٍ وَ آبَاءٍ وَ أُمَّهَاتٍ وَ بَنِينَ وَ بَنَاتٍ وَ ذَاهِبٍ وَ آتٍ وَ لَيْلٍ دَاجٍ وَ سَمَاءٍ ذَاتِ أَبْرَاجٍ وَ سِرَاجٍ وَهَّاجٍ وَ بَحْرٍ عَجَّاجٍ وَ نُجُومٍ تَمُورُ وَ أَرْوَاحٍ تَدُورُ وَ مِيَاهٍ تَفُورُ وَ مِهَادٍ مَوْضُوعٍ وَ سِتْرٍ مَرْفُوعٍ وَ رِيَاحٍ وَ بَلَاءٍ مَدْفُوعٍ وَ كَلَامٍ مَسْمُوعٍ وَ مَنَامٍ وَ سِبَاعٍ وَ أَنْعَامٍ وَ دَوَابَّ وَ هَوَامَّ وَ غَمَامٍ وَ آكَامٍ وَ أُمُورٍ ذَاتِ نِظَامٍ مِنْ شِتَاءٍ وَ مَصِيفٍ وَ رَبِيعٍ وَ خَرِيفٍ أَنْتَ أَنْتَ خَلَقْتَ هَذَا يَا رَبِّ فَأَحْسَنْتَ وَ قَدَّرْتَ فَأَتْقَنْتَ وَ سَوَّيْتَ فَأَحْكَمْتَ وَ نَبَّهْتَ عَلَى الْفِكْرَهِ فَأَنْعَمْتَ وَ نَادَيْتَ الْأَحْيَاءَ فَأَفْهَمْتَ فَلَمْ يَبْقَ عَلَيَّ إِلَّا الشُّكْرُ لَكَ وَ الذِّكْرُ لِمَحَامِدِكَ وَ الِانْقِيَادُ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الِاسْتِمَاعُ لِلدَّاعِي إِلَيْكَ فَإِنْ عَصَيْتُكَ فَلَكَ الْحُجَّهُ وَ إِنْ أَطَعْتُكَ فَلَكَ الْمِنَّهُ يَا مَنْ يُمْهِلُ فَلَا يَعْجَلُ وَ يَعْلَمُ فَلَا يَجْهَلُ وَ يُعْطِي فَلَا يَبْخَلُ يَا أَحَقَّ مَنْ عُبِدَ وَ حُمِدَ وَ سُئِلَ وَ رُجِيَ وَ اعْتُمِدَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ مُقَدَّسٍ مُطَهَّرٍ مَكْنُونٍ اخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ كُلِّ ثَنَاءٍ عَالٍ رَفِيعٍ كَرِيمٍ رَضِيتَ بِهِ مِدْحَهً لَكَ وَ بِحَقِّ كُلِّ مَلَكٍ قَرِيبٍ مَنْزِلَتُهُ عِنْدَكَ وَ بِحَقِّ كُلِّ نَبِيٍّ أَرْسَلْتَهُ إِلَى عِبَادِكَ وَ بِكُلِّ شَيْءٍ جَعَلْتَهُ مُصَدِّقاً لِرُسُلِكَ وَ بِكُلِّ كِتَابٍ فَصَّلْتَهُ وَ بَيَّنْتَهُ وَ أَحْكَمْتَهُ وَ شَرَعْتَهُ وَ نَسَخْتَهُ وَ بِكُلِّ دُعَاءٍ سَمِعْتَهُ فَأَجَبْتَهُ وَ عَمَلٍ رَفَعْتَهُ وَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَنْ عَظَّمْتَ حَقَّهُ وَ أَعْلَيْتَ قَدْرَهُ وَ شَرَّفْتَ بُنْيَانَهُ مِمَّنْ أَسْمَعْتَنَا ذِكْرَهُ وَ عَرَّفْتَنَا أَمْرَهُ وَ مِمَّنْ لَمْ تُعَرِّفْنَا مَقَامَهُ وَ لَمْ تُظْهِرْ لَنَا شَأْنَهُ مِمَّنْ خَلَقْتَهُ مِنْ أَوَّلِ مَا ابْتَدَأْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَ مِمَّنْ تَخْلُقُهُ إِلَى انْقِضَاءِ عِلْمِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِتَوْحِيدِكَ الَّذِي فَطَرْتَ عَلَيْهِ الْعُقُولَ وَ أَخَذْتَ بِهِ الْمَوَاثِيقَ وَ أَرْسَلْتَ بِهِ الرُّسُلَ وَ أَنْزَلْتَ عَلَيْهِ الْكُتُبَ وَ جَعَلْتَهُ أَوَّلَ فُرُوضِكَ وَ نِهَايَهَ طَاعَتِكَ فَلَمْ تَقْبَلْ حَسَنَهً إِلَّا مَعَهَا وَ لَمْ تَغْفِرْ سَيِّئَهً إِلَّا بَعْدَهَا وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَ مَجْدِكَ وَ كَرَمِكَ وَ عِزِّكَ وَ جَلَالِكَ وَ عَفْوِكَ وَ امْتِنَانِكَ وَ تَطَوُّلِكَ وَ بِحَقِّكَ الَّذِي هُوَ أَعْظَمُ مِنْ حُقُوقِ خَلْقِكَ.

ص: ۲۷۵

وَ أَسْأَلُکَ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ یَا رَبَّاهْ یَا رَبَّاهْ یَا رَبَّاهْ یَا رَبَّاهْ یَا رَبَّاهْ وَ أَرْغَبُ إِلَیْکَ خَاصّاً وَ عَامّاً وَ أَوَّلًا وَ آخِراً وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ الْأَمِینِ رَسُولِکَ سَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ وَ نَبِیِّکَ إِمَامِ الْمُتَّقِینَ وَ بِالرِّسَالَهِ الَّتِی أَدَّاهَا وَ الْعِبَادَهِ الَّتِی اجْتَهَدَ فِیهَا وَ الْمِحْنَهِ الَّتِی صَبَرَ عَلَیْهَا وَ الْمَغْفِرَهِ الَّتِی دَعَا إِلَیْهَا وَ الدِّیَانَهِ الَّتِی أَحْرَضَ عَلَیْهَا مُنْذُ وَقْتِ رِسَالَتِکَ إِیَّاهُ إِلَی أَنْ تَوَفَّیْتَهُ بِمَا بَیْنَ ذَلِکَ مِنْ أَقْوَالِهِ الْحَکِیمَهِ وَ أَفْعَالِهِ الْکَرِیمَهِ وَ مَقَامَاتِهِ الْمَشْهُورَهِ وَ سَاعَاتِهِ الْمَعْدُودَهِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَیْهِ کَمَا وَعَدْتَهُ مِنْ نَفْسِکَ وَ تُعْطِیَهُ أَفْضَلَ مَا أَمَّلَ مِنْ ثَوَابِکَ وَ تُزْلِفَ لَدَیْکَ مَنْزِلَتَهُ وَ تُعْلِیَ عِنْدَکَ دَرَجَتَهُ وَ تَبْعَثَهُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ وَ تُورِدَهُ حَوْضَ الْکَرَمِ وَ الْجُودِ وَ تُبَارِکَ عَلَیْهِ بَرَکَهً عَامَّهً تَامَّهً خَاصَّهً مَاسَّهً زَاکِیَهً عَالِیَهً سَامِیَهً لَا انْقِطَاعَ لِدَوَامِهَا وَ لَا نَقِیصَهَ فِی کَمَالِهَا وَ لَا مَزِیدَ إِلَّا فِی قُدْرَتِکَ عَلَیْهَا وَ تَزِیدَهُ بَعْدَ ذَلِکَ مِمَّا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ وَ أَقْدَرُ عَلَیْهِ وَ أَوْسَعُ لَهُ وَ تُؤْتِیَ ذَلِکَ حَتَّی ازْدَادَ فِی الْإِیمَانِ بِهِ بَصِیرَهً وَ فِی مَحَبَّتِهِ ثَبَاتاً وَ حُجَّهً وَ عَلَی آلِهِ الطَّاهِرِینَ الطَّیِّبِینَ الْأَخْیَارِ الْمُنْتَجَبِینَ الْأَبْرَارِ وَ عَلَی جَبْرَئِیلَ وَ مِیکَائِیلَ وَ الْمَلَائِکَهِ الْمُقَرَّبِینَ وَ حَمَلَهِ عَرْشِکَ أَجْمَعِینَ وَ عَلَی جَمِیعِ النَّبِیِّینَ وَ الْمُرْسَلِینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِینَ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ.

اللَّهُمَّ إِنِّی أَصْبَحْتُ لَا أَمْلِکُ لِنَفْسِی ضَرّاً وَ لَا نَفْعاً وَ لَا مَوْتاً وَ لَا حَیَاهً وَ لَا نُشُوراً قَدْ زَلَّ مَصْرَعِی وَ انْقَطَعَ مَسْأَلَتِی وَ ذَلَّ نَاصِرِی وَ أَسْلَمَنِی أَهْلِی وَ وُلْدِی بَعْدَ قِیَامِ حُجَّتِکَ وَ ظُهُورِ بَرَاهِینِکَ عِنْدِی وَ وُضُوحِ دَلَائِلِکَ اللَّهُمَّ إِنَّهُ قَدْ أَکْدَی الطَّلَبُ وَ أَعْیَتِ الْحِیَلُ إِلَّا عِنْدَکَ وَ انْغَلَقَتِ الطُّرُقُ وَ ضَاقَتِ الْمَذَاهِبُ إِلَّا إِلَیْکَ وَ دَرَسَتِ الْآمَالُ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْکَ وَ کَذَبَ الظَّنُّ وَ أُخْلِفَتِ الْعِدَاتُ إِلَّا عِدَتَکَ اللَّهُمَّ إِنَّ مَنَاهِلَ الرَّجَاءِ لِفَضْلِکَ مُتْرَعَهٌ وَ أَبْوَابَ الدُّعَاءِ لِمَنْ دَعَاکَ مُفَتَّحَهٌ وَ الِاسْتِغَاثَهَ لِمَنِ اسْتَغَاثَ بِکَ مُبَاحَهٌ وَ أَنْتَ لِدَاعِیکَ بِمَوْضِعِ الْإِجَابَهِ وَ الصَّارِخِ إِلَیْکَ وَلِیُّ الْإِغَاثَهِ وَ الْقَاصِدَ إِلَیْکَ قَرِیبُ الْمَسَافَهِ وَ إِنَّ مَوْعِدَکَ عِوَضٌ عَنْ مَنْعِ الْبَاخِلِینَ وَ مَنْدُوحَهٌ عَمَّا فِی أَیْدِی الْمُسْتَأْثِمِینَ وَ دَرَکٌ مِنْ حَبْلِ الْمَوَازِینِ وَ الرَّاحِلَ إِلَیْکَ یَا رَبِّ قَرِیبُ الْمَسَافَهِ مِنْکَ وَ أَنْتَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِکَ إِلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمَالُ السَّیِّئَهُ

دُونَکَ وَ مَا أُبَرِّئُ نَفْسِی مِنْهَا وَ لَا أَرْفَعُ قَدْرِی عَنْهَا إِنِّی لِنَفْسِی یَا سَیِّدِی لَظَلُومٌ وَ بِقَدْرِی لَجَهُولٌ إِلَّا أَنْ تَرْحَمَنِی وَ تَعُودَ بِفَضْلِکَ عَلَیَّ وَ تَدْرَأَ عِقَابَکَ عَنِّی وَ تَرْحَمَنِی وَ تَلْحَظَنِی بِالْعَیْنِ الَّتِی أَنْقَذْتَنِی بِهَا مِنْ حَیْرَهِ الشَّکِّ وَ رَفَعْتَنِی مِنْ هُوَّهِ الضَّلَالَهِ وَ أَنْعَشْتَنِی مِنْ مِیْتَهِ الْجَهَالَهِ وَ هَدَیْتَنِی بِهَا مِنَ الْأَنْجَاحِ (۱) الْحَائِرَهِ اللَّهُمَّ وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ أَفْضَلَ زَادِ الرَّاحِلِ إِلَیْکَ عَزْمُ إِرَادَهٍ وَ إِخْلَاصُ نِیَّهٍ وَ قَدْ دَعَوْتُکَ بِعَزْمِ إِرَادَتِی وَ إِخْلَاصِ طَوِیَّتِی وَ صَادِقِ نِیَّتِی فَهَا أَنَا ذَا مِسْکِینُکَ بَائِسُکَ أَسِیرُکَ فَقِیرُکَ سَائِلُکَ مُنِیخٌ بِفِنَائِکَ قَارِعٌ بَابَ رَجَائِکَ وَ أَنْتَ آنَسُ الْآنِسِینَ لِأَوْلِیَائِکَ وَ أَحْرَی بِکِفَایَهِ الْمُتَوَکِّلِ عَلَیْکَ وَ أَوْلَی بِنَصْرِ الْوَاثِقِ بِکَ وَ أَحَقُّ بِرِعَایَهِ الْمُنْقَطِعِ إِلَیْکَ سِرِّی لَکَ (۲) مَکْشُوفٌ وَ أَنَا إِلَیْکَ مَلْهُوفٌ وَ أَنَا عَاجِزٌ وَ أَنْتَ قَدِیرٌ وَ أَنَا صَغِیرٌ وَ أَنْتَ کَبِیرٌ وَ أَنَا ضَعِیفٌ وَ أَنْتَ قَوِیٌّ وَ أَنَا فَقِیرٌ وَ أَنْتَ غَنِیٌّ إِذَا أَوْحَشَتْنِی الْغُرْبَهُ آنَسَنِی ذِکْرُکَ وَ إِذَا صُبَّتْ عَلَیَّ الْأُمُورُ اسْتَجَرْتُ بِکَ وَ إِذَا تَلَاحَکَتْ عَلَیَّ الشَّدَائِدُ أَمَّلْتُکَ وَ أَیْنَ یُذْهَبُ بِی عَنْکَ وَ أَنْتَ أَقْرَبُ مِنْ وَرِیدِی وَ أَحْصَنُ مِنْ عَدِیدِی وَ أَوْجَدُ مِنْ مَکَانِی وَ أَصَحُّ فِی مَعْقُولِی وَ أَزِمَّهُ الْأُمُورِ کُلِّهَا بِیَدِکَ صَادِرَهٌ عَنْ قَضَائِکَ مُذْعِنَهٌ بِالْخُضُوعِ لِقُدْرَتِکَ فَقِیرَهٌ إِلَی عَفْوِکَ ذَاتُ فَاقَهٍ إِلَی قَارِبٍ مِنْ رَحْمَتِکَ وَ قَدْ مَسَّنِی الْفَقْرُ وَ نَالَنِی الضُّرُّ وَ شَمِلَتْنِی الْخَصَاصَهُ وَ عَرَّتْنِی الْحَاجَهُ وَ تَوَسَّمْتُ بِالذِّلَّهِ وَ غَلَبَتْنِی الْمَسْکَنَهُ وَ حَقَّتْ عَلَیَّ الْکَلِمَهُ وَ أَحَاطَتْ بِیَ الْخَطِیئَهُ وَ هَذَا الْوَقْتُ الَّذِی وَعَدْتَ أَوْلِیَاءَکَ فِیهِ الْإِجَابَهَ فَامْسَحْ مَا بِی بِیَمِینِکَ الشَّافِیَهِ وَ انْظُرْ إِلَیَّ بِعَیْنِکَ الرَّاحِمَهِ وَ أَدْخِلْنِی فِی رَحْمَتِکَ الْوَاسِعَهِ وَ أَقْبِلْ عَلَیَّ بِوَجْهِکَ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ فَإِنَّکَ إِذَا أَقْبَلْتَ عَلَی أَسِیرٍ فَکَکْتَهُ وَ عَلَی ضَالٍّ هَدَیْتَهُ وَ عَلَی حَائِرٍ آوَیْتَهُ وَ عَلَی ضَعِیفٍ قَوَّیْتَهُ وَ عَلَی خَائِفٍ آمَنْتَهُ اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَنْعَمْتَ عَلَیَّ فَلَمْ أَشْکُرْهُ وَ ابْتَلَیْتَنِی فَلَمْ أَصْبِرْ فَلَمْ یُوجِبْ عَجْزِی عَنْ شُکْرِکَ مَنْعَ الْمُؤَمِّلِ مِنْ فَضْلِکَ وَ أَوْجَبَ عَجْزِی عَنِ الصَّبْرِ عَلَی بَلَائِکَ کَشْفَ ضُرِّکَ وَ إِنْزَالَ رَحْمَتِکَ فَیَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ بَلَائِهِ صَبْرِی فَعَافَانِی وَ عِنْدَ نَعْمَائِهِ شُکْرِی فَأَعْطَانِی أَسْأَلُکَ الْمَزِیدَ مِنْ فَضْلِکَ

۱- ۱. الانهاج، خ ل.

۲- ۲. الیک خ ل.

وَ الْإِيزَاعَ لِشُكْرِكَ وَ الِاعْتِدَادَ بِنَعْمَائِكَ فِي أَعْفَى الْعَافِيَهِ وَ أَسْبَغِ النِّعْمَهِ إِنَّکَ علی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ اللَّهُمَّ لَا تُخَلِّنِی مِنْ یَدِکَ وَ لَا تَتْرُكْنِی لِقَاءَ عَدُوِّكَ وَ لَا لِعَدُوِّی وَ لَا تُوحِشْنِی مِنْ لَطَائِفِکَ الْخَفِیَّهِ وَ کِفَایَتِکَ الْجَمِیلَهِ وَ إِنْ شَرَدْتُ عَنْکَ فَارْدُدْنِی إِلَیْکَ وَ إِنْ فَسَدْتُ عَلَیْکَ فَأَصْلِحْنِی لَکَ فَإِنَّکَ تَرُدُّ الشَّارِدَ وَ تُصْلِحُ الْفَاسِدَ وَ أَنْتَ عَلَى کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ اللَّهُمَّ هَذَا مَقَامُ الْعَائِذِ بِکَ اللَّائِذِ بِعَفْوِکَ الْمُسْتَجِیرِ بِعِزِّ جَلَالِکَ قَدْ رَأَی أَعْلَامَ قُدْرَتِکَ فَأَرِهِ آثَارَ رَحْمَتِکَ فَإِنَّکَ تُبْدِئُ الْخَلْقَ ثُمَّ تُعِیدُهُ وَ هُوَ أَهْوَنُ عَلَیْکَ وَ لَکَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَنْتَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ اللَّهُمَّ فَتَوَلَّنِی وَلَایَهً تُغْنِینِی بِهَا عَنْ سِوَاهَا وَ أَعْطِنِی عَطِیَّهً لَا أَحْتَاجُ إِلَی غَیْرِکَ مَعَهَا فَإِنَّهَا لَیْسَتْ بِبِدْعٍ مِنْ وَلَایَتِکَ وَ لَا بِنُکْرٍ مِنْ عَطِیَّتِکَ وَ لَا بِأَوْلَی مِنْ کِفَایَتِکَ ادْفَعِ الصَّرْعَهَ وَ انْعَشِ السَّقْطَهَ وَ تَجَاوَزْ عَنِ الزَّلَّهِ وَ اقْبَلِ التَّوْبَهَ وَ ارْحَمِ الْهَفْوَهَ وَ أَنْجِ مِنَ الْوَرْطَهِ وَ أَقِلِ الْعَثْرَهَ یَا مُنْتَهَی الرَّغْبَهِ وَ غِیَاثَ الْکُرْبَهِ وَ وَلِیَّ النقمه [النِّعْمَهِ] وَ صَاحِبِی فِی الشِّدَّهِ وَ رَحْمَانَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ أَنْتَ رَحْمَانِی إِلَی مَنْ تَکِلُنِی إِلَی بَعِیدٍ یَتَجَهَّمُنِی أَوْ عَدُوٍّ یَمْلِکُ أَمْرِی وَ إِنْ لَمْ تَکُ (۱)

عَلَیَّ سَاخِطاً فَمَا أُبَالِی غَیْرَ أَنَّ عَفْوَکَ لَا یَضِیقُ عَنِّی وَ رِضَاکَ یَنْفَعُنِی وَ کَنَفَکَ یَسَعُنِی وَ یَدَکَ الْبَاسِطَهَ تَدْفَعُ عَنِّی فَخُذْ بِیَدِی مِنْ دَحْضِ الذِّلَّهِ فَقَدْ کَبَوْتُ فَثَبِّتْنِی عَلَی الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِیمِ وَ اهْدِنِی وَ إِلَّا غَوَیْتُ یَا هَادِیَ الطَّرِیقِ یَا فَارِجَ الْمَضِیقِ یَا إِلَهِی بِالتَّحْقِیقِ یَا جَارِیَ اللَّصِیقَ یَا رُکْنِیَ الْوَثِیقَ یَا کَنْزِیَ الْعَتِیقَ احْلُلْ عَنِّی الْمَضِیقَ وَ اکْفِنِی شَرَّ مَا أُطِیقُ وَ مَا لَا أُطِیقُ یَا أَهْلَ التَّقْوَی وَ أَهْلَ الْمَغْفِرَهِ وَ ذَا الْعِزِّ وَ الْقُدْرَهِ وَ الْآلَاءِ وَ الْعَظَمَهِ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَ خَیْرَ الْغَافِرِینَ وَ أَکْرَمَ النَّاظِرِینَ وَ رَبَّ الْعَالَمِینَ لَا تَقْطَعْ مِنْکَ رَجَائِی وَ لَا تُخَیِّبْ دُعَائِی وَ لَا تُجْهِدْ بَلَائِی وَ لَا تُسِئْ قَضَائِی وَ لَا تَجْعَلِ النَّارَ مَأْوَایَ وَ اجْعَلِ الْجَنَّهَ مَثْوَایَ وَ أَعْطِنِی مِنَ الدُّنْیَا سُؤْلِی وَ مُنَایَ وَ بَلِّغْنِی مِنَ الْآخِرَهِ

ص: ۲۷۸

۱- ۱. لم تکن خ ل.

أَمَلِی وَ رِضَایَ وَ آتِنِی فِی الدُّنْیَا حَسَنَهً وَ فِی الْآخِرَهِ حَسَنَهً وَ قِنَا بِرَحْمَتِکَ عَذَابَ النَّارِ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ بِکَلِّ شَیْ ءٍ مُحِیطٌ وَ أَنْتَ حَسْبِی وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ (۱) قَالَ مُؤَلِّفُهُ کَتَبْتُهُ مِنْ مَجْمُوعٍ بِخَطِّ الشَّیْخِ الْجَلِیلِ أَبِی الْحُسَیْنِ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ التَّلَّعُکْبَرِیِّ أَدَامَ اللَّهُ تَأْیِیدَهُ هَکَذَا کَانَ فِی الْأَصْلِ.

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءُ الصَّادِقِ علیه السلام لَمَّا اسْتَدْعَاهُ الْمَنْصُورُ مَرَّهً ثَانِیَهً بَعْدَ عَوْدِهِ مِنْ مَکَّهَ إِلَی الْمَدِینَهِ حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ النَّوْفَلِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی الرَّبِیعُ صَاحِبُ أَبِی جَعْفَرٍ الْمَنْصُورِ قَالَ: حَجَجْتُ مَعَ أَبِی جَعْفَرٍ الْمَنْصُورِ فَلَمَّا کُنَّا فِی بَعْضِ الطَّرِیقِ قَالَ لِیَ الْمَنْصُورُ یَا رَبِیعُ إِذَا نَزَلْتُ الْمَدِینَهَ فَاذْکُرْ لِی جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ فَوَ اللَّهِ الْعَظِیمِ لَا یَقْتُلُهُ أَحَدٌ غَیْرِی احْذَرْ [أَنْ] تَدَعَ أَنْ تُذَکِّرَنِی بِهِ قَالَ فَلَمَّا صِرْنَا إِلَی الْمَدِینَهِ أَنْسَانِیَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذِکْرَهُ: قَالَ فَلَمَّا صِرْنَا إِلَی مَکَّهَ قَالَ لِی یَا رَبِیعُ أَ لَمْ آمُرْکَ أَنْ تُذَکِّرَنِی بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِذَا دَخَلْنَا الْمَدِینَهَ قَالَ فَقُلْتُ نَسِیتُ ذَلِکَ یَا مَوْلَایَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ فَقَالَ لِی إِذَا رَجَعْتُ إِلَی الْمَدِینَهِ فَاذْکُرْنِی بِهِ فَلَا بُدَّ مِنْ قَتْلِهِ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ لَأَضْرِبَنَّ عُنُقَکَ فَقُلْتُ نَعَمْ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ ثُمَّ قُلْتُ لِغِلْمَانِی وَ أَصْحَابِی اذْکُرُونِی بِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِذَا دَخَلْنَا الْمَدِینَهَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی فَلَمْ یَزَلْ غِلْمَانِی وَ أَصْحَابِی یُذَکِّرُونِی بِهِ فِی کُلِّ وَقْتٍ وَ مَنْزِلٍ نَدْخُلُهُ وَ نَنْزِلُ فِیهِ حَتَّی قَدِمْنَا الْمَدِینَهَ فَلَمَّا نَزَلْنَا بِهَا دَخَلْتُ إِلَی الْمَنْصُورِ فَوَقَفْتُ بَیْنَ یَدَیْهِ وَ قُلْتُ لَهُ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ قَالَ فَضَحِکَ وَ قَالَ لِی نَعَمْ اذْهَبْ یَا رَبِیعُ فَأْتِنِی بِهِ وَ لَا تَأْتِنِی بِهِ إِلَّا مَسْحُوباً قَالَ فَقُلْتُ لَهُ یَا مَوْلَایَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ حُبّاً وَ کَرَامَهً وَ أَنَا أَفْعَلُ ذَلِکَ طَاعَهً لِأَمْرِکَ قَالَ ثُمَّ نَهَضْتُ وَ أَنَا فِی حَالٍ عَظِیمٍ مِنِ ارْتِکَابِی ذَلِکَ قَالَ فَأَتَیْتُ الْإِمَامَ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ علیهما السلام وَ هُوَ جَالِسٌ فِی وَسَطِ دَارِهِ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنَّ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ یَدْعُوکَ إِلَیْهِ فَقَالَ لِیَ السَّمْعَ وَ الطَّاعَهَ ثُمَّ نَهَضَ وَ هُوَ مَعِی یَمْشِی قَالَ:

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۲۱۶- ۲۲۶.

فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّهُ أَمَرَنِی أَنْ لَا آتِیَهُ بِکَ إِلَّا مَسْحُوباً قَالَ فَقَالَ الصَّادِقُ امْتَثِلْ یَا رَبِیعُ مَا أَمَرَکَ بِهِ قَالَ فَأَخَذْتُ بِطَرَفِ کُمِّهِ أَسُوقُهُ إِلَیْهِ فَلَمَّا أَدْخَلْتُهُ إِلَیْهِ رَأَیْتُهُ وَ هُوَ جَالِسٌ عَلَی سَرِیرِهِ وَ فِی یَدِهِ عَمُودُ حَدِیدٍ یُرِیدُ أَنْ یَقْتُلَهُ بِهِ وَ نَظَرْتُ إِلَی جَعْفَرٍ علیه السلام وَ هُوَ یُحَرِّکُ شَفَتَیْهِ فَلَمْ أَشُکَّ أَنَّهُ قَاتِلُهُ وَ لَمْ أَفْهَمِ الْکَلَامَ الَّذِی کَانَ جَعْفَرٌ علیه السلام یُحَرِّکُ بِهِ شَفَتَیْهِ بِهِ فَوَقَفْتُ أَنْظُرُ إِلَیْهِمَا قَالَ الرَّبِیعُ فَلَمَّا قَرُبَ مِنْهُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ لَهُ الْمَنْصُورُ ادْنُ مِنِّی یَا ابْنَ عَمِّی وَ تَهَلَّلَ وَجْهُهُ وَ قَرَّبَهُ مِنْهُ حَتَّی أَجْلَسَهُ مَعَهُ عَلَی السَّرِیرِ ثُمَّ قَالَ یَا غُلَامُ ائْتِنِی بِالْحُقَّهِ فَأَتَاهُ بِالْحُقَّهِ فَإِذَا فِیهَا قَدَحُ الْغَالِیَهِ فَغَلَفَهُ (۱) مِنْهَا بِیَدِهِ ثُمَّ حَمَلَهُ عَلَی بَغْلَهٍ وَ أَمَرَ لَهُ بِبَدْرَهٍ وَ خِلْعَهٍ ثُمَّ أَمَرَهُ بِالانْصِرَافِ قَالَ فَلَمَّا نَهَضَ مِنْ عِنْدِهِ خَرَجْتُ بَیْنَ یَدَیْهِ حَتَّی وَصَلَ إِلَی مَنْزِلِهِ فَقُلْتُ لَهُ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّی لَمْ أَشُکَّ فِیهِ سَاعَهَ تَدْخُلُ عَلَیْهِ یَقْتُلُکَ وَ رَأَیْتُکَ تُحَرِّکُ شَفَتَیْکَ فِی وَقْتِ دُخُولِکَ فَمَا قُلْتَ قَالَ لِی نَعَمْ یَا رَبِیعُ اعْلَمْ أَنِّی قُلْتُ حَسْبِیَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِینَ حَسْبِیَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِینَ حَسْبِی مَنْ لَمْ یَزَلْ حَسْبِی حَسْبِیَ اللَّهُ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ حَسْبِیَ الَّذِی لَمْ یَزَلْ حَسْبِی حَسْبِی حَسْبِیَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ اللَّهُمَّ احْرُسْنِی بِعَیْنِکَ الَّتِی لَا تَنَامُ وَ اکْنُفْنِی بِرُکْنِکَ الَّذِی لَا یُرَامُ وَ احْفَظْنِی بِعِزِّکَ وَ اکْفِنِی شَرَّهُ بِقُدْرَتِکَ وَ مُنَّ عَلَیَّ بِنَصْرِکَ وَ إِلَّا هَلَکْتُ وَ أَنْتَ رَبِّی اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَجَلُّ وَ أَخْیَرُ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَدْرَأُ بِکَ فِی نَحْرِهِ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّهِ وَ أَسْتَعِینُکَ عَلَیْهِ وَ أَسْتَکْفِیکَ إِیَّاهُ یَا کَافِیَ مُوسَی فِرْعَوْنَ وَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله الْأَحْزَابَ الَّذِینَ قالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَکُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزادَهُمْ إِیماناً وَ قالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ أُولئِکَ الَّذِینَ طَبَعَ اللَّهُ عَلی قُلُوبِهِمْ وَ سَمْعِهِمْ وَ أَبْصارِهِمْ وَ أُولئِکَ هُمُ الْغافِلُونَ لا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِی الْآخِرَهِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ وَ جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ أَیْدِیهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لا یُبْصِرُونَ (۲).

ص: ۲۸۰

۱- ۱. أی طیبه بالغالیه.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۲۲۶- ۲۲۸.

وَ وَجَدْتُ عَقِيبَ هَذَا الدُّعَاءِ مَا هَذَا لَفْظُهُ عُوذَةُ مَوْلَانَا جَعْفَرِ الصَّادِقِ علیه السلام حِينَ اسْتَدْعَاهُ الْمَنْصُورُ بِرِوَايَهِ الرَّبِيعِ: بِاللَّهِ أَسْتَفْتِحُ وَ بِاللَّهِ أَسْتَنْجِحُ وَ بِرَسُولِهِ صلی الله علیه و آله (۱) وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ أَتَشَفَّعُ وَ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا أَتَقَرَّبُ اللَّهُمَّ لَيِّنْ لِي صُعُوبَتَهُ وَ سَهِّلْ لِي حُزُونَتَهُ وَ وَجِّهْ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ جَمِيعَ جَوَارِحِهِ إِلَيَّ بِالرَّأْفَهِ وَ الرَّحْمَهِ وَ أَذْهِبْ عَنِّي غَيْظَهُ وَ بَأْسَهُ وَ مَكْرَهُ وَ جُنُودَهُ وَ أَحْزَابَهُ وَ انْصُرْنِي عَلَيْهِ بِحَقِّ كُلِّ مَلَكٍ سَائِحٍ فِي رِيَاضِ قُدْسِكَ وَ فَضَاءِ نُورِكَ وَ شَرِبَ مِنْ حَيْوَانِ مَائِكَ وَ أَنْقِذْنِي بِنَصْرِكَ الْعَامِّ الْمُحِيطِ جَبْرَئِيلُ عَنْ يَمِينِي وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِي وَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله أَمَامِي وَ اللَّهُ وَلِيِّي وَ حَافِظِي وَ نَاصِرِي وَ أَمَانِي فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ اسْتَتَرْتُ وَ احْتَجَبْتُ وَ امْتَنَعْتُ وَ تَعَزَّزْتُ بِكَلِمَهِ اللَّهِ الْوَحْدَانِيَّهِ الْأَزَلِيَّهِ الْإِلَهِيَّهِ الَّتِي مَنِ امْتَنَعَ بِهَا كَانَ مَحْفُوظاً إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ قَالَ الرَّبِيعُ فَكَتَبْتُهُ فِي رَقٍّ وَ جَعَلْتُهُ فِي حَمَائِلِ سَيْفِي فَوَ اللَّهِ مَا هِبْتُ الْمَنْصُورَ بَعْدَهَا.

ق، كتاب العتيق الغروی حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ النَّوْفَلِيُّ: وَ ذَكَرَهُ نَحْوَهُ إِلَى قَوْلِهِ مَا هِبْتُ الْمَنْصُورَ بَعْدَهَا(۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات: یاسر غلام ربیع گفت: شنیدم که ربیع می گفت: هنگامی که منصور به حج رفت و وارد مدینه شد گفت: ای ربیع، هم اکنون بـا نهـایت فروتنی و نرمش روانه شو و اگر می توانی تنها برو تا به ابوعبـدالله جعفر بن محمـد برسـی و بگو: عموزاده ات به تو سـلام رسانـده و می گویـد: هرچنـد خانه دور و حال دگرگون شده است، اما خویشاوندی بین ما از دست راست به چپ و حلقه کفش بدان چسبیده تر است - . قبال النعل ، بندی است میان انگشت وسط و انگشت کناری آن . -

و او از تو می خواهد هم اکنون به سویش بروی. پس اگر همراه تو آمد با او فروتن باش، و اگر با بهانه یا بدون آن خودداری کرد کار را به او واگـذار کن. پس اگر به تـو دسـتور به رفتن در آرامش داد بر او آسـان بگیر و سـخت گیری نکن، گـذشت را پیش بگیر و در گفتـار و رفتـار درشتی نکن. ربیع گفت: به در خانه ایشان رفتم و امام را در اتاقشان تنها دیـدم، پس بـدون اجازه وارد شـدم و دیدم ایشان صورت را بر خاک نهـاده، با پشت دسـتان زاری می کنـد و جای خاک در صورت و پیشانی ایشان نقش بسته است. برایم سـخت بود که چیزی بگویم، تا این که نماز و دعایشان به پایان رسـید. سپس به من رو کرد و گفتم: سـلام بر شـما ای اباعبدالله. فرمود: سلام برتو برادر، چه چیز باعث شده به این جا بیایی؟ گفتم: پسر عمویت سلام رسانده و گفت:... تا پایان سخن او .

پس گفت: وای بر تو ای ربیع، آیا زمان آن نرسـیده که دل های مؤمنان برای یاد خـدا و آن چه از حق نازل کرده فروتن گردد و ماننـد کسانی نباشد که در گذشته به آنان کتاب آسمانی داده شد، سپس زمانی طولانی بر آنان گذشت و قلب هایشان قساوت پیدا کرد. وای بر تو ای ربیع، آیا مردم آبادی ها ایمننـد از این که عـذاب ما شـبانه و در خواب به سـراغشان بیاید؟ آیا اهل آبادی ها ایمنند از این که عذاب ما در روز و در حالی که مشـغول بازی هستند به سراغشان آید؟ آیا آن ها خود را از مکر الهی در امان می دانند؟ در حالی که تنها زیان کاران خود را از مکر خداوند ایمن می دانند. سـلام و رحمت و برکات خداوند به امیرالمومنین برسان . سـپس به نماز برخاست و روی خود را از من برگرداند. پس گفتم: آیا به جز سـلام، عتاب یا پاسخی برای او دارید؟ گفت: بله، به او بگو: آیا دیدی آن کس را که روی گردان شد؟ و کمی عطا کرد و از بیشتر خودداری نمود؟ آیـا او از غیب آگـاه است و می بینـد؟ آیـا از آن چه در صـحف موسـی نازل شـده باخبر نگردیـده است؟ و ابراهیم که وظیفه خود را به طور کامل ادا کرد. که هیچ کسـی بار گناه دیگری را به دوش نمی کشد، و برای انسان بهره ای جز سعی و کوشش او نیست، و این که تلاش او دیـده می شود. به خـدا قسم ای امیرمؤمنـان مـا از شـما ترسـیدیم و به خـاطر ترس مـا زنـانی هم که تو به آن هـا آگـاه تری ترسـیدند و ما چاره ای جز توضیح آن نداریم. پس اگر دست برنداری روزی پنج بار به هنگام نماز، نامت را نزد خداوند عز و جل می بریم. و تو خودت از پـدرت از جـدت روایت کردی که پیامبر خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: دعای چهار کس از خداونـد متعال پوشـیده نمی ماند، دعای پـدر برای فرزنـدش، برادر که در نبود برادرش برای او دعا کند، کسـی که مورد سـتم قرار گرفته و کسـی که اخلاص دارد. ربیع گفت: سخنش به پایان نرسـیده بود که فرسـتادگان منصور به دنبالم آمدند و از من خبر می گرفتند. پس بازگشتم و او را از آن چه رخ داده بود آگاه کردم. پس گریست و گفت: به سوی او بـازگرد و به او بگو: دربـاره دیـدار بـا شـما و نیامـدن نزد ما اختیار با توست، اما زنانی که گفتی، پس سلام بر آنان باد که خداونـد ترس و انـدوهشان را برطرف کنـد. گفت: پس به سوی ایشان بازگشـتم و سـخن منصور را رسانـدم. پس فرمود:

خداوند تو را رحمت کند و خیر ببینی. سپس چشمانش پر از اشک گردید تا آن که اشک هایش بر زمین ریخت. سپس گفت: ای ربیع، همانا این دنیا هرچه از زیبایی های آن بهره منـد گردی و زیورهای آن تو را بفریبـد، چیزی نیست جز بهاری که سبزی هایش چشم نواز است اما در پایان زرد و خشک می شود. پس هر کس خیرخواه خویش است و حق و وظیفه خود را می شـناسد بایـد با دیـده کسـی که پروردگار خود را می شناسد به آن بنگرد و از بازگشت بد خود را دور دارد، پس همانا این دنیا گروهی را فریب داده است که از آن جدا شدند پس از آنکه در آن بسـیار شادمان و خوش حال بودنـد، مرگ هایشان به سـراغشان رفت شـبانه و درحالی که خواب بودند، یا در روز که سـرگرم بازی بودند. پس چگونه از آن بیرون شدنـد و پس از آن به سوی چه چیزی رفتنـد؟ رنـج ها آنان را دنبال کرد و پشـیمانی بر جای گذاشـتند. به آن ها تلخ کامی را چشانـد و آن ها را با جام جـدایی گلوگیر کرد. پس وای بر آن که در دنیا به آن خشـنود گردد یا دیـده اش را به آن روشن دارد. آیا مرگ پدرانش را و دوسـتان و دشمنان گذشته اش را ندید؟ ای ربیع، چه حسرت طولانی و چه فراوانی زشتی و چه معامله زیانباری و چه اندوه بزرگی است آن گاه که فریفته آن مرگ خود را ببینـد و آرزوهایش قطع گردد. و او چنان بود که گمان می کرد طولانی ترین عمر به او داده شـده و به همه آرزوهـایش خواهـد رسـید. آیـا پایـان کوشـش او چیزی جز سالخوردگی و نهایت کارش چیزی جز نابودی است؟ از خـدا می خواهیم ما و تو را به کار نیک در فرمانبرداری اش و بازگشت به سوی رحمتش و دوری از نافرمانی اش و شناخت حق خودش موفق کند. پس همانا که این به دست او و برای اوست. پس گفتم: ای ابوعبدالله، از تو می خواهم به همه حقی که میان تو و خداوند بزرگ و والاست، دعایی را که به هنگام زاری به درگاه خداونـد می خوانـدی و آن را مانعی میان خودت و ترس از دشـمنت قرار دادی به من بیاموزی. شاید خداوند با داروی تـو شکسـته ای را بهبـود بخشـد و نیازمنـدی را بی نیـاز گردانـد، به خـدا قسم من کسـی جز خود را بی نیـاز نمی کنم. ربیع گفت: پس دسـتانش را بلند کرده و به محل سـجده خود روی کرد، در حالی که خواندن دعا را بدون حضور قلب و بدون نیت ، ناپسـند می دانست، پس گفت: پروردگارا، از تو درخواست می کنم ای دریابنـده فراریان، ای پناه دهنـده بیمناکان، ای فریادرس فریاد زنان، ای دادرس پناهندگان، ای هـدف نهایی درخواست کننـدگان، و ای پاسخ دهنده صدای پریشان حالان، ای مهربان ترین مهربانان، ای راستین، ای آشکار، ای دارای کید پایدار، ای سـتاننده حق ستم دیدگان از ستم کاران، ای ایمن گرداننده دوستانش از عذاب خوار کننده، ای آن که نگاه های پنهانی چشم ها را بـا اشـاره گوشه هـای پلک و نهـان قلب هـا و آن چه را بوده و خواهـد بود می دانـد. ای پروردگار آسـمان ها و زمین ها و فرشـتگان مقرب و پیامبران فرسـتاده و پروردگار همه جن و انس، ای حاضـری که پنهان نمی شود، ای پیروزمندی که شـکست نمی خورد، ای آن که مراقب همه چیز است و حسـاب همه چیز را دارد، به هر بنـده ای نزدیـک است و هر دعـایی را پاسـخ می دهـد، ای معبـود گذشـتگان و سـپری شـدگان و اعتراف کننـدگان و انکـار کننـدگان، ای معبود خاموشان و سـخن گویان و پروردگار زنـده ها و مردگان، ای الله، ای پروردگار، ای عزیز، ای حکیم، ای آمرزنـده، ای مهربان، ای ابتـدا، ای همیشـگی، ای سـپاس گزار، ای بردبار، ای شـنوا، ای بینا، ای دارای لطف، ای آگاه، ای دانا، ای توانا، ای چیره دست، ای آمرزنده، ای جبار، ای آفریدگار، ای روزی دهنده، ای اصـلاح گر، ای شکافنده، ای راست گو، ای یکتا، ای بی نیاز، ای یگانه، ای بزرگ، ای بخشـنده، ای تنها، ای منت گذار، ای منزه، ای دلسوز، ای مقدس، ای مهربان، ای نگاهبان، ای سـتوده، ای شکوهمند، ای آغـازگر، ای بازگرداننـــده، ای ســرپرست، ای والاـ ای توانمنـــد، ای تـوانگر، ای پدیـــدآور، ای تصـویرگر، ای پادشـاه، ای قدرتمنـــد، ای برانگیزاننده، ای برجای گذارنده، ای متکبر، ای بزرگ، ای گستراننده، ای بازدارنده، ای سـلامتی، ای ایمن دهنده، ای نیکی کننده، ای یگانه، ای عطا بخش، ای منع کننـده، ای زیان دهنده، ای سودرسان، ای پراکنده کننده، ای جمع آوری کننده، ای راستین، ای آشـکار، ای پاینده، ای دوست دار، ای بازگرداننـده، ای خواهنـده، ای پیروزمنـد، ای دریابنـده، ای شـکوه منـد، ای بخشـنده، ای بزرگوار، ای سـخاوت مند، ای لطف کننده، ای رفع کننده ناراحتی ها، ای برطرف کننده غم و اندوه، ای فرو فرستاننده حق، ای پذیرنده راستی، ای آفریدگار آسمان ها و زمین، ای اسـتوار کننـده آسـمان ها و زمین، ای نگهدارنده آسـمان ها و زمین، ای صاحب آزمون زیبا و بخشـش بزرگ، ای دارای سـلطنتی که رام نمی شود و عزتی که به آن سـتم نمی شود، ای شناخته شده به نیکی، ای وصف شده با نعمت ها، ای آشکار بدون رویارویی، ای پنهان بدون لمس کردن، ای پیشـی گرفته از چیزها، ای آغازین بـدون آغاز ، ای پاینده بی پایان، ای برپای بدون برپاداشـتن ، ای دانای بدون دریافت کردن، ای دارنده نام های نیکو و صـفات بی نظیر و مثال والا، ای آن که زبان های وصف کنندگان از توصیف او ناتوان است و اندیشه های اندیشمندان از او بازمانـده و از صـفت هـای ملحـدان برتر است و از نقص عیب جویـان دور است و از دروغ هـای دروغ گویـان و باطـل گویی هـای باطل کنندگان و گفته های منحرفان برتر است، ای آن که پنهان شد و باز آگاهی یافت، و آشـکار شد و توانمند گردید و بخشید و سپاس گزارد و

برتری یافت و چیره شد . ای پروردگار چشم و نشانه، و جن و انسان، و زن و مرد، و جستجو و نگریستن، و قطره و باران، و خورشید و ماه. ای بیننده ی هر نجوا، ای برطرف کننده اندوه ها، ای دور کننده ی بلا، ای نهایت هر شکایت، ای بهترین یاری رسان و مولا، ای آن که بر عرش راست گردیده و هر چه در آسمان ها و زمین و میان آن ها و زیر زمین است برای اوست. ای نعمت بخش، ای بخشنده، ای گرد آورنده، ای نیکوکار، ای کفایت کننده، ای شفابخش، ای زنده کننده، ای میراننده، ای آن که می بیند و دیده نمی شود و از روشنایی نور یاری نمی گیرد. ای شمارنده ی تعداد اشیاء، ای دارای جدّیت و سپاه پیروز، ای آن که بر همه چیز قدرت دارد و در همه چیز نیرومند است، ای آن که نه کوچک او را از بزرگ بازمی دارد و نه بی ارزش از مهم و نه آسان از دشوار. ای آن که بدون رویارویی انجام می دهد و بدون آموزش داناست. ای آن که پیش از شایستگی نعمت می بخشد و پیش از پاسخ خواستن برتری می بخشد، ای آن که بر مؤمن و کافر نعمت می بخشد، و نیکوکار و بدکار از او نیکی می خواهند و دشمن و رانده شده از او بازگردانده می شوند، ای آن که پس از دلیل نابود می کند و پس از پایان عذر مؤاخذه می کند ، دلیل را برپاداشت و شبهه را از دل ها بیرون کرد، دلیل را استوار کرد و برای دیدن نشانه رهنمون شد. ای پدید آرنده ی کالبد و گسترش دهنده ی فرزندان و جریان دهنده روزی و پراکنده کننده استخوان ها پس از مرگ، ای فرستاننده باران و شنونده ی صدا و دریابنده گذشته. ای پروردگار نشانه ها و معجزه ها، باران و گیاه و پدران و مادران و پسران و دختران و رونده و آینده و شب تیره و آسمان دارای برج ها و چراغ فروزان، دریای دودآلود و ستارگان پراکنده و روح های در گردش و آب های خروشان و گهواره های قرار گرفته و پرده برافراشته و بادها و بلای برطرف شده و سخن شنیده شده و رؤیا و درندگان و چارپایان و جنبندگان و شیرها و ابرها و خزندگان و کارهای منظم از زمستان و تابستان و بهار و پاییز. تو، ای پروردگارم تو این ها را آفریدی و نیکو کردی، اندازه گیری نمودی و کامل کردی، راست گرداندی و حکم نمودی، به اندیشیدن آگاه نمودی و نعمت دادی، زندگان را صدا زدی و فهماندی، بنابراین چیزی جز سپاس تو و یادآوری نیکی هایت و گردن نهادن به فرمانت و گوش سپردن به دعوت کننده ات بر من باقی نمانده است. پس اگر نافرمانی ات کنم حجت از آن توست و اگر تو را اطاعت کنم تو بر من منت داری. ای آن که مهلت می دهد و شتاب نمی کند، و می داند و ناآگاه نیست، می بخشد و بخل نمی ورزد. ای سزاوارترین کس به پرستش و سپاس و درخواست و امید و اطمینان، از تو درخواست می کنم به همه نام های مقدس و پاک و نهفته که برای خودت برگزیدی و همه ستایش های والا و ارزشمند و بزرگ که به ستوده شدن با آن خشنود شوی، و به حق همه فرشتگانی که جایگاهی نزدیک به تو دارند و به حق همه پیامبرانی که به سوی بندگانت فرستادی و به حق هر چیزی که تصدیق کننده پیامبرانت قرار دادی و به حق هر کتابی که آن را شرح دادی و بیان کردی و استوار کردی و آشکار کردی و باطل نمودی و به هر دعایی که شنیدی و اجابت کردی و عملی که بالا بردی. و از تو می خواهم به حق هر کس که حقش را بزرگ گرداندی و ارزشش را بالا بردی و پایه اش را شرافت دادی، از همه کسانی که یادش را به ما گوش ما رساندی و او را به ما شناساندی و هر کس که جایگاهش را به ما نشناساندی و شأن او را برای ما آشکار نکردی، از هر کس که او را در آغاز آفرینش آفریدی و تا پایان علمت می آفرینی. و از تو درخواست می کنم به یگانگی ات که عقل ها را با دانستن آن آفریدی و پیمان ها را بر آن گرفتی و پیامبران را برای آن فرستادی و کتاب ها را برای آن نازل کردی و آن را اولین واجباتت و نهایت فرمانت قرار دادی. پس نیکی ها را تنها با آن می پذیری و گناهان را تنها پس از پذیرش آن می آمرزی. و به تو توجه می کنم به سخاوتت و بزرگی ات و بزرگواری ات و عزتت و شکوهت و گذشت و نعمت ها و توانگری ات و به حقی که بزرگ تر از حقوق آفریدگان توست. و از تو می خواهم ای الله، ای الله، ای الله، ای پروردگارم، ای پروردگارم، ای پروردگارم، ای پروردگارم، و به تو روی می آورم ویژه و عمومی، در آغاز و پایان، و به حق محمد امین فرستاده ات، آقای فرستادگان و پیامبرت، پیشوای پرهیزکاران، و به رسالتی که به انجام رساند و عبادتی که در آن کوشش نمود و رنجی که بر آن شکیبایی کرد و آمرزشی که به سوی آن دعوت کرد، و آیینی که از زمان برانگیخته شدن به آن تشویق کرد، تا آن که او را از دنیا بردی، به حق آن چه بیان کرد از گفتارهای حکیمانه و کارهای بزرگوارانه اش و مقام های شناخته شده اش و ساعت های مشخصش (از نظر تعداد)، تا آن چنان که به او وعده دادی بر او درود فرستی، و برترین پاداشی را که به آن امید بسته به او عطا کنی و جایگاهش را نزد خودت نزدیک گردانی و درجه اش را نزد خودت ارجمند سازی و او را به مقام شایسته برسانی و بر حوض کرامت و بخشش واردش گردانی و برکتی عام و کامل و ویژه و مهم و پاک و بلندمرتبه و عالی به او بدهی، که پایداری اش پایان نیابد و کمالش کم نگردد و چیزی جز قدرت تو بر آن نیفزاید، و پس از آن از آن چه تو به آن آگاه تر و تواناتر و بخشنده تری بیفزایی. و همه آن را ببخشی تا بصیرت را در ایمان به او و پایداری و حجت را در دوستی اش بیفزاید. و بر خاندان

پـاک و پـاکیزه و نیـک و برگزیـده و نیکوکـارش و بر جبرئیـل و میکائیـل و فرشـتگان مقرب و حاملان عرشـت، بر همگی و همـه پیـامبران و فرسـتادگان و صـدیقان و شـهیدان و شایسـتگان، بر او و بر همه آن ها سـلام و رحمت و برکات خداوند باد. خدایا، شب را به روز رسانیدم در حالی که هیچ سود و زیانی و مرگ و حیات و برانگیخته شدنی را در اختیار ندارم. مرگم فرارسیده و خواهشم قطع شده و یاری کننده ام خوار گشـته و خانواده و فرزنـدانم مرا واگـذار کرده اند ، پس از اقامه دلیل و آشـکار شدن نشانه هایت نزد من و روشـنی دلیل هایت. پروردگارا، به راستی خواهش بی نتیجه مانـده و چاره ها جز از نزد تو ناتوان شـده اند. راه ها بسـته شده و روش ها جز به سوی تو تنگ گشـته است. آرزوها نابود شده و تنها امید به توست که باقی مانده، گمان دروغ شده و همه وعده ها جز وعده تو عملی نشده است. خداوندا، همانا دیدگان امید به فضـل تو سـرشار اشـک است، و درهـای دعا برای کسانی که تو را می خواننـد گشوده است و دادرسـی برای کسـی که فریادش را به سوی تو آورد مجاز است. و تو برای کسی که تو را بخواند در جایگاه پاسخ گویی هستی، و آن کس که فریادش را به سوی تو آورد دارای فریادرسی است. آن کس که تو را قصـد کنـد زود به مقصـد می رسـد و وعـده تو جانشینی بهتر از بخـل بخیلان و بی نیازی از انـدوخته ای است که در دست گنهکاران و پیوسـتن به ریسـمان سـنجش هاست. و آن کس که به سوی تو سفر کند راهش نزدیک است و تو از بندگانت پوشیده نمی مـانی مگر این که کارهـای بـدشان آن هـا را از تو پنهان کنـد. و من خویشـتن را از آن بی گناه نمی دانم و خود را برتر از آن نمی پنـدارم. به راستی من بر خودم بسـیار سـتمکارم و به مرتبه ی خویش بسـیار نادان هستم، مگر این که بر من رحم کنی و با فضل خود به سویم بازگردی و مجازاتت را از من دور کنی و با من مهربان باشـی و با دیده ات که با آن مرا از سـرگردانی شک و گمراهی و مرگ با نادانی و از پیروزی (یا راه هـای) گمراه کننـده نجـات دادی به من نگـاه کنی. پروردگارا، دانسـتم که بهترین توشه ی مسافر به سوی تو اراده قوی و نیت پاک است، پس با اراده محکم و درون پاک و نیت راسـتم تو را می خوانم. پس این منم، نیازمندت، درمانده ات، اسـیرت، فقیرت، درخواست کننده از تو که خود را برابرت افکنده و درگاه امیدت را می کوبد و تو هم نشین دوستانت هستی که با تو انس می گیرند، و بر بی نیاز کردن توکل کننده بر خودت سـزاوارتری، و به یاری امیدوار به خودت شایسـته تری و به رسیدگی به آن کس که از همه بریده و به تو پیوسته سزاوارتری. راز من برای تو آشـکار است و فریادم را به درگاه تو آورده ام، من ناتوانم و تو توانایی، و کوچکم و تو بزرگی، و ضعیفم و تو قوی هستی، نیازمندم و تو توانگری. آن هنگام که تنهایی مرا به وحشت انـداخت یاد تو همراهم شـد، و آن گاه که کارم سـخت شد به تو پناهنده شدم، و هنگامی که سختی ها به هم پیوست و محکم شـد به تو امید بسـتم. و غیر از تو به کجا روم که تو از رگ گردن به من نزدیک تری و از همدسـتانم مطمئن تری و از مکانم حاضـرتری و از آن چه در انـدیشه ام می گـذرد درست تری، و افسار همه کارها به دست توست، با اختیار تو انجام می شود و برای قدرت تو اظهار فروتنی می کند، به گذشت تو نیازمند است و به اندک مقداری از رحمت تو بسـیار نیازمند است. و به راستی که من فقیر شـده ام و پریشانی و نـداری به من رسـیده و نیازمندی و احتیاج حالتم شده و ذلت نشانه ام ، درماندگی بر من چیره شده و عذاب بر من واجب شده و گناهان مرا در بر گرفته، و این زمانی است که وعده اجابت در آن را به دوسـتانت داده بودی، پس با آن چه در دست شفابخش توست ما را عافیت ببخش، و با دیده مهربانی ات به من بنگر و مرا در رحمت بی کرانت داخل کن و به من روی آور ای دارای شـکوه و بزرگی؛ پس همانـا هنگـامی که تـو بر اسیری روی آوری او را آزاد می کنی و چون به گمشـده ای رو کنی او را هـدایت می کنی و سـرگردان را پنـاه می دهی، و نـاتوان را نیرو می بخشـی و بیمنـاک را ایمن می گردانی. خداونـدا، به من نعمت دادی و من سـپاست نگفتم، مرا آزمودی و شـکیبایی نکردم، پس نـاتوانی ام در شـکرت بـاعث نشـد بخشـش خود را از امیـدوارانت دریغ کنی، بلکه ناتوانی ام از شـکیبایی در بلاها باعث برطرف کردن آن و بارش رحمتت شد. پس ای آن که به هنگام آزمونش شـکیبایی ام اندک بود و او مرا عافیت داد، و در هنگام نعمت هایش شـکرم انـدک بود و او بر من عطا کرد، از تو می خواهم لطفت را بر من بیفزایی و سـپاس گزاری ات را و شـمار کردن نعمت هایت را به من ببخشـی، در بهترین عـافیت و گسترده ترین نعمت، همانا تو بر هر چیز توانایی. بارالها، مرا از دست خودت رها نکن، و در برابر دشـمنت و دشـمن خودم تنها مگـذار، و از لطف های پنهانت و حمایت زیبایت محرومم نساز، اگر از تو دور شدم مرا بازگردان و اگر فساد کردم نیکویم کن. به راستی که تو رانـده را بـاز می گردانی و فاسـد را نیکو می گردانی و تو بر هرکار توانایی. خداونـدا، این جایگاه کسـی است که به تو پناه آورده و به گذشـتت پناهنـده شـده و به عزت شـکوهت پناه آورده، نشانه های قـدرتت را دیـده است، پس آثار مهربانی ات را نیز به او نشان بـده، پس به راستی که تو آفرینش را آغاز می کنی و آن را باز می گردانی و آن برایت آسان تر است. و نشانه والاتر در آسـمان ها و زمین از آن توست و تو دارای عزت و حکمت هستی. بارخـدایا، پس مرا چنان تحت سـرپرستی بگیر که از غیر تو بی نیاز شوم، و به من هـدیه ای عطا کن که با آن

به دیگری نیازمند نگردم،

چرا که این کار از نوآوری های سرپرستی تو نیست و در بخشش هایت ناشناخته نیست و از کفایت تو سزاوارتر نیست. بلا را برطرف ساز و افتاده را جان تازه ببخش، و از لغزش درگذر، توبه را بپذیر و به درماندگی رحم کن، از نابودی نجات بده و از خطا درگذر، ای نهایت آرزو و فریادرس اندوه و صاحب بلاـ[نعمت] و همراه من در سختی، و بخشنده دنیا و آخرت. تو بر من بخشنده ای، مرا به که وامی گذاری؟ به بیگانگانی که با من کینه و دشمنی کنند؟ یا دشمنی که کارم را به عهده گیرد؟ و اگر بر من خشمگین نباشی به چیز دیگری توجه ندارم، جز این که گذشتت بر من تنگ نمی گیرد و خشنودی ات به من سود می رساند و حمایتت مرا دربرمی گیرد و دست گسترده ات از من دفاع می کند. پس با دست خودت مرا از نابودی خواری نگاه دار. پس به راستی لغزیده ام، مرا بر راه راست استوار بدار و راه را به من نشان بده که در غیر این صورت گمراه می شوم، ای نمایان کننده راه، ای رها کننده از تنگی، ای معبود راستین من، ای همسایه به من پیوسته، ای پشتوانه محکم من، ای گنج گرانبهای من، سختی را از من بردار و شر آن چه بر آن توانایی دارم و آن چه از آن ناتوانم کفایت کن، ای شایسته پرهیزکاری و آمرزش، و ای صاحب عزت و توانایی و نعمت و بزرگی. ای مهربان ترین مهربانان و بهترین آمرزندگان و بزرگوارترین بینندگان و پروردگار عالمیان، امیدم را از خودت نبر و دعایم را نومید نگردان، آزمونم را دشوار نگردان و سرنوشتم را تباه نکن و آتش را جایگاهم نساز و بهشت را خانه ام گردان و خواهشم را در دنیا به من ببخش و امید و خرسندی ام را در آخرت به من عطا کن. و در دنیا و آخرت به من نیکی عطا کن و به مهربانی ات ما را از عذاب آتش حفظ کن، ای مهربان ترین مهربانان، به راستی که تو بر هر کار توانایی و به همه چیز احاطه داری و بهترین جانشین هستی - . مهج الدعوات :۲۱۶– ۲۲۶ - . نویسنده آن گفت: آن را از جمع آوری شده ی دست خط شیخ بزرگوار ابو حسین محمد بن هارون تلعکبری أدام الله تأییده نوشتم و در اصل چنین بود.

و از آن جمله دعای امام صادق علیه السلام است زمانی که منصور پس از بازگشت از مکه به مدینه برای دومین بار ایشان را فراخواند. ابومحمد حسن بن محمد بن نوفلی گفت: ربیع دوست ابوجعفر منصور گفت: به همراه ابوجعفر منصور به حج رفتم، پس هنگامی که بین راه بودیم منصور به من گفت: ای ربیع، وقتی به مدینه رسیدیم جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی را به یاد من بیاور، پس به خدای بزرگ قسم کسی جز من او را نخواهد کشت، بترس از این که او را به من یادآوری نکنی. گفت: پس وقتی به مدینه رسیدیم خداوند عزوجل یادآوری را از یاد من برد. گفت: سپس هنگامی که به مکه رسیدیم به من گفت: ای ربیع، آیا به تو دستور ندادم وقتی وارد مدینه شدیم جعفربن محمد را به من یادآوری کنی؟ گفت: گفتم: ای امیر مؤمنان آن را فراموش کردم، گفت: به من گفت: هنگامی که به مدینه بازگشتیم آن را به من یادآوری کن که چاره ای جز کشتن او ندارم. پس اگر چنین نکنی گردنت را می زنم. پس گفتم: بله ای امیرمؤمنان، سپس به برده ها و یارانم گفتم اگر خدای متعال خواست و وارد مدینه شدیم جعفربن محمد را به من یادآوری کنید. پس برده ها و یارانم پیوسته و در هر منزلی که فرود می آمدیم او را به یاد من می آوردند تا این که به مدینه رسیدیم، پس هنگامی که فرود آمدیم به سوی منصور رفتم و به او گفتم: ای امیرمؤمنان، جعفربن محمد. گفت: پس خندید و به من گفت: بله ای ربیع، برو و او را نزد من بیاور، و باید او را کشان کشان نزد من بیاوری. گفت: پس گفتم: ای امیرمؤمنان، از روی دوستی و بزرگواری و من این کار را برای فرمانبرداری از دستور تو انجام می دهم. گفت: سپس برخاستم در حالی که به خاطر انجام این کار حالم دگرگون بود، گفت: پس نزد امام صادق جعفر بن محمد علیهما السلام رفتم و ایشان در وسط خانه نشسته بودند. پس به ایشان گفتم: فدایت شوم، امیرمؤمنان شما را می خواند که به سویش بروید. پس از دستور اطاعت کرد و برخاست و همراه من به راه افتاد، گفت: پس به ایشان گفتم: ای فرزند پیامبرخدا، او به من دستور داده شما را کشان کشان نزدش ببرم، گفت: پس امام فرمود: ای ربیع، آن چه را به تو دستور داده انجام بده، گفت: پس گوشه آستین ایشان را گرفتم و ایشان را به سویش بردم، وقتی بر او وارد شدم دیدم روی تختش نشسته و گرزی آهنی در دست دارد و می خواهد با آن امام را بکشد، به جعفربن محمد علیهما السلام نگاه کردم و دیدم لب هایش تکان می خورد، شک نداشتم که ایشان را خواهد کشت و نمی فهمیدم امام زیر لب چه می گوید. پس ایستادم و آن دو را تماشا می کردم. ربیع گفت: پس هنگامی که جعفربن محمد علیهماالسلام به او نزدیک شد، منصور به او گفت: ای عموزاده ام نزدیک من بیا، و چهره اش از خوشحالی روشن شد و او را به خود نزدیک کرد تا همراه خود بر تخت نشانید. سپس گفت: ای غلام، کوزه را بیاور. پس

کوزه ای برایش آوردند که درآن ظرف مشکی بود. پس با دست خود ایشان را خوشبو نمود. سپس امام را بر استری سوار کرد و دستور داد به ایشان لباسی گرانبها و کیسه ای درهم و دینار بدهند و دستور به بازگشت داد. گفت: هنگامی که از نزد او برخاست به دنبالش رفتم تا به خانه اش رسید. پس به ایشان گفتم: پدر و مادرم فدایتان باد ای فرزند پیامبر خدا، من شک نداشتم که وقتی بر او وارد شوید شما را خواهد کشت و هنگامی که وارد شدید دیدم لب هایتان تکان می خورد، پس چه گفتید؟ گفت: بله ای ربیع، بدان که من گفتم: پروردگار برای من از پرورده ها بس است، آفریدگار برای من از آفریده ها بس است، آن کس که همواره برایم کافی بوده برایم بس است، خداوندی برایم بس است که معبودی جز او نیست و به او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است. آن کس که همواره برایم کافی بوده برایم بس است، برایم بس است، برایم بس است، برایم بس است، الله برایم بس است و او بهترین جانشین است. بارالها، با چشمت که هرگز به خواب نمی رود نگهبان من باش و با پشتوانه ات که خمیده نمی شود مرا حمایت کن، و با عزت خود مرا حفظ کن، و با قدرتت شر او را از من دور گردان، با یاری ات بر من منت گذار که اگر چنین نکنی نابود می شوم و تو پروردگار منی. خداوندا، تو بزرگ تر و بهتری از آن چه از آن می ترسم و نگرانم. خدایا، با کمک تو او را از خود دور می کنم و از شر او به تو پناه می برم و دربرابر او از تو یاری می جویم و از تو کفایت می طلبم. ای کفایت کننده ی موسی از شر فرعون ، و احزاب از محمد صلی الله علیه و آله، کسانی که مردم به آن ها گفتند: همانا مردم برای جنگ با شما گرد هم آمده اند، پس از ایشان بترسید، و این سخن بر ایمانشان افزود و گفتند: خداوند برای ما بس است و او بهترین جانشین است. آن ها کسانی هستند که خداوند بر دل ها و گوش ها و دیده هایشان مهر زده و آن ها همان غافلان هستند. شکی نیست که در آخرت آن ها همان زیان کارانند. و از مقابل ایشان مانعی قرار دادیم و از پشت سرشان هم مانعی و آن ها را پوشانیدیم ، بنابراین نمی بینند - . مهج الدعوات :۲۲۶- ۲۲۸ - .

و پس از این دعا چیزی به نام عوذه (پناه) مولای ما جعفر صادق علیه السلام دیدم، زمانی که منصور ایشان را فراخواند، به نقل از ربیع: از خداوند گشایش می جویم و از خداوند پیروزی می خواهم و از پیامبرش و امیر مؤمنان صلی الله علیه شافعت می خواهم و از حسن و حسین صلی الله علیهما نزدیکی می خواهم، پروردگارا، دشواری آن را بر من آسان گردان و اندوهش را برایم ساده کن و گوش و چشم و همه اعضای او را با مهربانی و رحمت به من متوجه گردان، و خشمش را از من دور کن و آسیبش را و حیله و سربازان و گروه هایش را از من دور گردان، و مرا بر او پیروز کن به حق هر فرشته ای که در باغ های قدسی ات و فضای نورانی ات در گردش است و از آب جاودانگی ات می نوشد. و با یاری همه گیرت مرا نجات بده. جبرئیل از سمت راستم و میکائیل از سمت چپم و محمد صلی الله علیه و آله در مقابلم و خداوند سرپرست و نگهدارم و یاری رسانم و امانم، پس به راستی که گروه خداوند پیروزمندان هستند. خود را پنهان کردم و پوشاندم و بازداشتم و عزیز گرداندم با کلمه ی یگانگی و ازلی و الهی خداوند که هر که با آن خود را بپوشاند حفظ می شود. به راستی سرپرست من خداوندی است که کتاب آسمانی را فرو فرستاد و او سرپرست شایستگان است. ربیع گفت: پس آن را در کاغذی نوشتم و در حمایل شمشیرم قرار دادم. و به خدا سوگند پس از آن هرگز از منصور نترسیدم.

کتاب عتیق غروی ابو محمد حسین بن محمد نوفلی مانند آن را نقل کرده تا آن جا که: پس از آن هرگز از منصور نترسیدم - . مهج الدعوات :۲۲۸- ۲۲۹ - .

**[ترجمه]

«۲»

مهج، [مهج الدعوات] أَقُولُ وَ قَدْ رَأَیْتُ فِی کِتَابٍ عَتِیقٍ مِنْ وَقْفِ أُمِّ الْخَلِیفَهِ النَّاصِرِ أَوَّلُهُ أَخْبَارُ وَقْعَهِ الْحَرَّهِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَرَأْتُ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ حِینَ دَخَلْتُ عَلَی أَبِی جَعْفَرٍ وَ هُوَ یُرِیدُ قَتْلِی فَحَالَ اللَّهُ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ ذَلِکَ فَلَمَّا قَرَأَهَا حِینَ نَظَرَ إِلَیْهِ لَمْ یَخْرُجْ إِلَیْهِ حَتَّی أَلْطَفَهُ وَ قِیلَ لَهُ بِمَا احْتَرَسْتَ (۳)

قَالَ بِاللَّهِ وَ بِقِرَاءَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ ثُمَّ قُلْتُ یَا اللَّهُ یَا اللَّهُ سَبْعاً إِنِّی أَتَشَفَّعُ إِلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله مِنْ أَنْ تُقَلِّبَهُ لِی فَمَنِ ابْتُلِیَ بِمِثْلِ ذَلِکَ فَلْیَصْنَعْ

ص: ۲۸۱

۱- ۱. برسول اللّه خ ل.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۲۲۸- ۲۲۹.

۳- ۳. احترزت خ ل.

بِمِثْلِ صُنْعِي وَ لَوْ لَا أَنَّنَا نَقْرَؤُهَا وَ نَأْمُرُ بِقِرَاءَتِهَا شِيعَتَنَا لَتَخْطَفُهُمُ النَّاسُ وَ لَكِنْ هِيَ وَ اللَّهِ لَهُمْ كَهْفٌ (۱).

وَ مِنْ ذَلِكَ دُعَاءُ الصَّادِقِ عليه السلام لَمَّا اسْتَدْعَاهُ الْمَنْصُورُ مَرَّةً ثَالِثَةً بِالرَّبَذَةِ رَوَيْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ بِإِسْنَادِهِ فِي كِتَابِ الدُّعَاءِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ مكرمه(۲)

[مَخْرَمَةَ] الْكِنْدِيِّ قَالَ: لَمَّا نَزَلَ أَبُو جَعْفَرٍ الْمَنْصُورُ الرَّبَذَةَ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ يَوْمَئِذٍ بِهَا قَالَ مَنْ يَعْذِرُنِي مِنْ أَبِي جَعْفَرٍ هَذَا قَدَّمَ رِجْلًا وَ أَخَّرَ أُخْرَى (۳)

يَقُولُ أَتَنَحَّى عَنْ مُحَمَّدٍ أَقُولُ يَعْنِي مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ فَإِنْ يَظْفَرْ فَإِنَّمَا الْأَمْرُ لِي وَ إِنْ تَكُنِ الْأُخْرَى فَكُنْتُ قَدْ أَحْرَزْتُ نَفْسِي أَمَا وَ اللَّهِ لَأَقْتُلَنَّهُ ثُمَّ الْتَفَتَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ بْنِ جَبَلَةَ قَالَ يَا ابْنَ جَبَلَةَ قُمْ إِلَيْهِ فَضَعْ فِي عُنُقِهِ ثِيَابَهُ ثُمَّ ائْتِنِي بِهِ سَحْباً قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَخَرَجْتُ حَتَّى أَتَيْتُ مَنْزِلَهُ فَلَمْ أُصِبْهُ فَطَلَبْتُهُ فِي مَسْجِدِ أَبِي ذَرٍّ فَوَجَدْتُهُ فِي بَابِ الْمَسْجِدِ قَالَ فَاسْتَحْيَيْتُ أَنْ أَفْعَلَ مَا أُمِرْتُ بِهِ فَأَخَذْتُ بِكُمِّهِ فَقُلْتُ لَهُ أَجِبْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ دَعْنِي حَتَّى أُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ بَكَى بُكَاءً شَدِيداً وَ أَنَا خَلْفَهُ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَ أَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَ عُدَّةٌ فَكَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤَادُ وَ تَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَ يَخْذُلُ فِيهِ الْقَرِيبُ وَ يَشْمَتُ بِهِ الْعَدُوُّ وَ تُعْيِينِي فِيهِ الْأُمُورُ أَنْزَلْتُهُ بِكَ وَ شَكَوْتُهُ إِلَيْكَ رَاغِباً فِيهِ إِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ فَفَرَّجْتَهُ وَ كَشَفْتَهُ

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۲۲۹.

۲- ۲. مخرمه خ ل.

۳- ۳. يعنى انه وافق محمّد بن عبد اللّه بن الحسن(و هو الخارج على المنصور بعنوان أنه المهدى و انه النفس الزكيه) فى بعض الامر و حثه على الخروج و تنحى عنه ظاهرا أو حرف الناس عن ناحيتنا و لم يوافقه فى الخروج[يقول] أى الصادق(ع) أتنحى عن محمّد بن عبد اللّه بن الحسن فان يظفر محمّد فالامر لى لكثره شيعتى و علم الناس بأنى أعلم و أصلح لذلك و ان انهزم و قتل فقد نجيت نفسى من القتل، منه رحمه اللّه.

وَ كَفَيْتَنِيهِ فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ صَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ وَ مُنْتَهَى كُلِّ حَاجَةٍ فَلَكَ الْحَمْدُ كَثِيراً وَ لَكَ الْمَنُّ فَاضِلًا.

أَقُولُ وَ وَجَدْتُ زِيَادَةَ هَذَا الدُّعَاءِ عَنْ مَوْلَانَا الرِّضَا عليه السلام: بِنِعْمَتِكَ اللَّهُمَّ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ يَا مَعْرُوفاً بِالْمَعْرُوفِ يَا مَنْ هُوَ بِالْمَعْرُوفِ مَوْصُوفٌ أَنِلْنِي مِنْ مَعْرُوفِكَ مَعْرُوفاً تُغْنِينِي بِهِ عَنْ مَعْرُوفِ مَنْ سِوَاكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ثُمَّ قَالَ اصْنَعْ مَا أُمِرْتَ بِهِ فَقُلْتُ وَ اللَّهِ لَا أَفْعَلُ وَ لَوْ ظَنَنْتُ أَنِّي أُقْتَلُ فَأَخَذْتُ بِيَدِهِ فَذَهَبْتُ بِهِ لَا وَ اللَّهِ مَا أَشُكُّ إِلَّا أَنَّهُ يَقْتُلُهُ قَالَ فَلَمَّا انْتَهَيْتُ إِلَى بَابِ السِّتْرِ قَالَ يَا إِلَهَ جَبْرَئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله تَوَلَّ فِي هَذِهِ الْغَدَاةِ عَافِيَتِي وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ فِي هَذِهِ الْغَدَاةِ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ بِشَيْ ءٍ لَا طَاقَةَ لِي بِهِ ثُمَّ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَلَمَّا أَدْخَلْتُهُ عَلَيْهِ قَالَ فَاسْتَوَى جَالِساً ثُمَّ أَعَادَ عَلَيْهِ الْكَلَامَ فَقَالَ قَدَّمْتَ رِجْلًا وَ أَخَّرْتَ أُخْرَى أَمَا وَ اللَّهِ لَأَقْتُلَنَّكَ فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا فَعَلْتُ فَارْفُقْ بِي فَوَ اللَّهِ لَقَلَّ مَا أَصْحَبُكَ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ انْصَرِفْ ثُمَّ قَالَ الْتَفَتَ إِلَى عِيسَى بْنِ عَلِيٍّ فَقَالَ لَهُ يَا أَبَا الْعَبَّاسِ الْحَقْهُ فَسَلْهُ أَ بِي أَمْ بِهِ قَالَ فَخَرَجَ يَشْتَدُّ حَتَّى لَحِقَهُ فَقَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ لَكَ أَ بِكَ أَمْ بِهِ فَقَالَ لَا بَلْ بِي فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ صَدَقَ قَالَ إِبْرَاهِيمُ ثُمَّ خَرَجْتُ فَوَجَدْتُهُ قَاعِداً يَنْتَظِرُنِي يَتَشَكَّرُ لِي صُنْعِي بِهِ وَ إِذَا بِهِ يَحْمَدُ اللَّهَ وَ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيُجِيبُنِي وَ إِنْ كُنْتُ بَطِيئاً حِينَ يَدْعُونِي وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَ إِنْ كُنْتُ بَخِيلًا حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَوْجَبَ الشُّكْرَ عَلَيَّ بِفَضْلِهِ وَ إِنْ كُنْتُ قَلِيلًا شُكْرِي وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَلَنِي النَّاسُ إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي وَ لَمْ يَكِلْنِي إِلَيْهِمْ فَيُهِينُونِي فَرَضِيتُ بِلُطْفِكَ يَا رَبِّ لُطْفاً وَ بِكِفَايَتِكَ خَلَفاً اللَّهُمَّ يَا رَبِّ مَا أَعْطَيْتَنِي مِمَّا أُحِبُّ فَاجْعَلْهُ قُوَّةً لِي فِيمَا تُحِبُّ اللَّهُمَ

وَ مَا زَوَیْتَ عَنِّی مِمَّا أَحِبُّ فَاجْعَلْهُ قَوَاماً فِیمَا تُحِبُّ اللَّهُمَّ أَعْطِنِی مَا أَحِبُّ وَ اجْعَلْهُ خَیْراً لِی وَ اصْرِفْ عَنِّی مَا أَکْرَهُ وَ اجْعَلْهُ خَیْراً لِی اللَّهُمَّ مَا غَیَّبْتَ عَنِّی مِنَ الْأُمُورِ فَلَا تُغَیِّبْنِی عَنْ حِفْظِکَ وَ مَا فَقَدْتُ فَلَا أَفْقِدُ عَوْنَکَ وَ مَا نَسِیتُ فَلَا أَنْسَی ذِکْرَکَ وَ مَا مَلَکْتُ فَمَا أَمَلُّ شُکْرَکَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ حَسْبِیَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ (۱).

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءُ الصَّادِقِ علیه السلام لَمَّا اسْتَدْعَاهُ الْمَنْصُورُ مَرَّةً رَابِعَةً إِلَی الْکُوفَهِ حَدَّثَ الشَّیْخُ الْعَالِمُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِی الْقَاسِمِ الطَّبَرِیُّ بِمَشْهَدِ مَوْلَانَا أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فِی شَوَّالٍ مِنْ سَنَهِ خَمْسٍ وَ خَمْسِینَ وَ خَمْسِمِائَهٍ قَالَ حَدَّثَنَا الشَّیْخُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ شَهْرِیَارَ الْخَازِنُ بِمَشْهَدِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فِی صَفَرٍ سَنَهَ سِتَّهَ عَشَرَ وَ خَمْسِمِائَهٍ قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّیْخُ أَبُو مَنْصُورٍ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِیزِ الْعُکْبَرِیُّ الْمُعَدِّلُ بِبَغْدَادَ فِی ذِی الْقَعْدَهِ مِنْ سَنَهِ سَبْعِینَ وَ أَرْبَعِمِائَهٍ قَالَ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْحُسَیْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ بْنِ حلویه الْقَطَّانُ قِرَاءَهً عَلَیْهِ بِعُکْبَرَا قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ خَلَفِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ ملیح الشروطی بِعُکْبَرَا عَنِ الْقَاضِی أَبِی بَکْرٍ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ الْهَمْدَانِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْبَصْرِیِّ عَنِ الْهَیْثَمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الرُّمَّانِیِّ وَ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْعَظِیمِ الْعَنْبَرِیِّ قَالَ

حَدَّثَنَا(۲)

الْفَضْلُ بْنُ الرَّبِیعِ قَالَ قَالَ أَبِی الرَّبِیعُ الْحَاجِبُ بَعَثَ الْمَنْصُورُ إِبْرَاهِیمَ بْنَ جَبَلَهَ إِلَی الْمَدِینَهِ لِیُشْخِصَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ فَحَدَّثَنِی إِبْرَاهِیمُ بَعْدَ قُدُومِهِ بِجَعْفَرٍ أَنَّهُ لَمَّا دَخَلَ إِلَیْهِ فَأَخْبَرَهُ بِرِسَالَهِ الْمَنْصُورِ سَمِعْتُهُ یَقُولُ: اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِی فِی کُلِّ کَرْبٍ (۳)

وَ رَجَائِی فِی کُلِّ شِدَّهٍ وَ اتِّکَالِی فِی کُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِی عَلَیْکَ ثِقَهٌ وَ بِکَ عُدَّهٌ فَکَمْ مِنْ کَرْبٍ یَضْعُفُ فِیهِ الْقُوَی وَ تَقِلُّ فِیهِ الْحِیلَهُ وَ تَعْیَا فِیهِ الْأُمُورُ وَ یَخْذُلُ فِیهِ الْقَرِیبُ وَ یَشْمَتُ فِیهِ الْعَدُوُّ وَ أَنْزَلْتُهُ بِکَ وَ شَکَوْتُهُ إِلَیْکَ رَاغِباً فِیهِ إِلَیْکَ عَمَّنْ سِوَاکَ فَفَرَّجْتَهُ وَ کَشَفْتَهُ فَأَنْتَ وَلِیُّ کُلِّ نِعْمَهٍ وَ مُنْتَهَی کُلِّ حَاجَهٍ لَکَ الْحَمْدُ کَثِیراً وَ لَکَ الْمَنُّ فَاضِلًا

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۲۲۹- ۲۳۱.

۲- ۲. عن الفضل خ ل.

۳- ۳. کربه خ ل.

فَلَمَّا قَدَّمُوا رَاحِلَتَهُ وَ خَرَجَ لِيَرْكَبَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ اللَّهُمَّ بِكَ أَسْتَفْتِحُ وَ بِكَ أَسْتَنْجِحُ وَ بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله أَتَوَجَّهُ اللَّهُمَّ ذَلِّلْ لِي حُزُونَتَهُ وَ كُلَّ حُزُونَةٍ وَ سَهِّلْ لِي صُعُوبَتَهُ وَ كُلَّ صُعُوبَةٍ وَ ارْزُقْنِي مِنَ الْخَيْرِ فَوْقَ مَا أَرْجُو وَ اصْرِفْ عَنِّي مِنَ الشَّرِّ فَوْقَ مَا أَحْذَرُ فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ قَالَ فَلَمَّا دَخَلْنَا الْكُوفَهَ نَزَلَ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ رَفَعَ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا أَظَلَّتْ وَ رَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ مَا أَقَلَّتْ وَ الرِّيَاحِ وَ مَا ذَرَأَتْ وَ الشَّيَاطِينِ وَ مَا أَضَلَّتْ وَ الْمَلَائِكَهِ وَ مَا عَمِلَتْ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَرْزُقَنِي خَيْرَ هَذِهِ الْبَلْدَهِ وَ خَيْرَ مَا فِيهَا وَ خَيْرَ أَهْلِهَا وَ خَيْرَ مَا قَدِمْتُ لَهُ وَ أَنْ تَصْرِفَ عَنِّي شَرَّهَا وَ شَرَّ مَا فِيهَا وَ شَرَّ أَهْلِهَا وَ شَرَّ مَا قَدِمْتُ لَهُ: قَالَ الرَّبِيعُ فَلَمَّا وَافَى إِلَى حَضْرَهِ الْمَنْصُورِ دَخَلْتُ فَأَخْبَرْتُهُ بِقُدُومِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ إِبْرَاهِيمَ فَدَعَا الْمُسَيَّبَ بْنَ زُهَيْرٍ الضَّبِّيَّ فَدَفَعَ إِلَيْهِ سَيْفاً وَ قَالَ لَهُ إِذَا دَخَلَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ فَخَاطَبْتُهُ وَ أَوْمَأْتُ إِلَيْكَ فَاضْرِبْ عُنُقَهُ وَ لَا تَسْتَأْمِرْ فَخَرَجْتُ إِلَيْهِ وَ كَانَ صَدِيقاً لِي أُلَاقِيهِ وَ أُعَاشِرُهُ إِذَا حَجَجْتُ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ هَذَا الْجَبَّارَ قَدْ أَمَرَ فِيكَ بِأَمْرٍ كَرِهْتُ أَنْ أَلْقَاكَ بِهِ وَ إِنْ كَانَ فِي نَفْسِكَ شَيْ ءٌ تَقُولُ أَوْ تُوصِينِي بِهِ فَقَالَ لَا يَرُوعُكَ ذَلِكَ فَلَوْ قَدْ رَآنِي لَزَالَ ذَلِكَ كُلُّهُ ثُمَّ أَخَذَ بِمَجَامِعِ السِّتْرِ فَقَالَ يَا إِلَهَ جَبْرَئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ تَوَلَّنِي فِي هَذِهِ الْغَدَاهِ وَ لَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ بِشَيْ ءٍ لَا طَاقَهَ لِي بِهِ ثُمَّ دَخَلَ بِهِ فَحَرَّكَ شَفَتَيْهِ بِشَيْ ءٍ لَمْ أَفْهَمْهُ فَنَظَرْتُ إِلَى الْمَنْصُورِ فَمَا شَبَّهْتُهُ إِلَّا بِنَارٍ صُبَّ عَلَيْهَا مَاءٌ فَخَمَدَتْ ثُمَّ جَعَلَ يَسْكُنُ غَضَبُهُ حَتَّى دَنَا مِنْهُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليهما السلام وَ صَارَ مَعَ سَرِيرِهِ فَوَثَبَ الْمَنْصُورُ فَأَخَذَ بِيَدِهِ وَ رَفَعَهُ عَلَى سَرِيرِهِ ثُمَ

قَالَ لَهُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَعِزُّ عَلَيَّ تَعَبُکَ وَ إِنَّمَا أَحْضَرْتُکَ لِأَشْکُوَ إِلَيْکَ أَهْلَکَ قَطَعُوا رَحِمِی وَ طَعَنُوا فِی دِينِی وَ أَلَّبُوا النَّاسَ عَلَيَّ وَ لَوْ وَلِيَ هَذَا الْأَمْرَ غَيْرِی مِمَّنْ هُوَ أَبْعَدُ رَحِماً مِنِّی لَسَمِعُوا لَهُ وَ أَطَاعُوا فَقَالَ جَعْفَرٌ علیه السلام يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَأَيْنَ يُعْدَلُ بِکَ عَنْ سَلَفِکَ الصَّالِحِ إِنَّ أَيُّوبَ علیه السلام ابْتُلِيَ فَصَبَرَ وَ إِنَّ يُوسُفَ ظُلِمَ فَغَفَرَ وَ إِنَّ سُلَيْمَانَ أُعْطِيَ فَشَکَرَ فَقَالَ الْمَنْصُورُ قَدْ صَبَرْتُ وَ غَفَرْتُ وَ شَکَرْتُ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ حَدِّثْنَا حَدِيثاً کُنْتُ سَمِعْتُهُ مِنْکَ فِی صِلَةِ الْأَرْحام قَالَ نَعَمْ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ جَدِّی قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُنْسَأَ فِی أَجَلِهِ وَ يُعَافَى فِی بَدَنِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ قَالَ لَيْسَ هَذَا هُوَ قَالَ نَعَمْ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ جَدِّی أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ

رَأَيْتُ رَحِماً مُتَعَلِّقاً بِالْعَرْشِ يَشْکُو إِلَى اللَّهِ تَعَالَى عَزَّ وَ جَلَّ قَاطِعَهَا فَقُلْتُ يَا جَبْرَئِيلُ کَمْ بَيْنَهُمْ فَقَالَ سَبْعَةُ آبَاءٍ فَقَالَ لَيْسَ هَذَا هُوَ قَالَ نَعَمْ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ جَدِّی قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله احْتَضَرَ رَجُلٌ بَارٌّ فِی جِوَارِهِ رَجُلٌ عَاقٌّ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِمَلَکِ الْمَوْتِ يَا مَلَکَ الْمَوْتِ کَمْ بَقِيَ مِنْ أَجَلِ الْعَاقِّ قَالَ ثَلَاثُونَ سَنَةً قَالَ حَوِّلْهَا إِلَى هَذَا الْبَارِّ فَقَالَ الْمَنْصُورُ يَا غُلَامُ ائْتِنِی بِالْغَالِيَةِ فَأَتَاهُ بِهَا فَجَعَلَ يُغَلِّفُهُ بِيَدَيْهِ ثُمَّ دَفَعَ إِلَيْهِ أَرْبَعَةَ آلَافٍ وَ دَعَا بِدَابَّتِهِ فَأَتَاهُ بِهَا فَجَعَلَ يَقُولُ قَدِّمْ قَدِّمْ إِلَى أَنْ أَتَى بِهَا إِلَى عِنْدِ سَرِيرِهِ فَرَکِبَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ علیهما السلام وَ عَدَوْتُ بَيْنَ يَدَيْهِ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَدْعُوهُ فَيُجِيبُنِی وَ إِنْ کُنْتُ بَطِيئاً حِينَ يَدْعُونِی وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِی وَ إِنْ کُنْتُ بَخِيلًا حِينَ يَسْأَلُنِی وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی اسْتَوْجَبَ مِنِّی الشُّکْرَ وَ إِنْ کُنْتُ قَلِيلًا شُکْرِی وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی وَکَلَنِی النَّاسُ إِلَيْهِ فَأَکْرَمَنِی وَ لَمْ يَکِلْنِی إِلَيْهِمْ فَيُهِينُونِی يَا رَبِّ کَفَى بِلُطْفِکَ لُطْفاً وَ بِکِفَايَتِکَ خَلَفاً فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ هَذَا الْجَبَّارَ يَعْرِضُنِی عَلَى السَّيْفِ کُلَّ قَلِيلٍ (۱)

وَ قَدْ دَعَا الْمُسَيَّبَ بْنَ زُهَيْرٍ فَدَفَعَ إِلَيْهِ سَيْفاً وَ أَمَرَهُ أَنْ يَضْرِبَ عُنُقَکَ وَ إِنِّی رَأَيْتُکَ تُحَرِّکُ شَفَتَيْکَ حِينَ دَخَلْتَ بِشَيْ ءٍ لَمْ أَفْهَمْهُ عَنْکَ فَقَالَ لَيْسَ هَذَا مَوْضِعُهُ.

۱- ۱. يعنى أنّه سفاك: يأمر بالقتل لكل أمر قليل، أو فى كل زمان قليل.

فَرُحْتُ إِلَيْهِ عَشِیّاً قَالَ نَعَمْ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ جَدِّی أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَمَّا أَلَّبَتْ عَلَیْهِ الْیَهُودُ وَ فَزَارَهُ وَ غَطَفَانُ وَ هُوَ قَوْلُهُ تَعَالَی إِذْ جاؤُکُمْ مِنْ فَوْقِکُمْ وَ مِنْ أَسْفَلَ مِنْکُمْ وَ إِذْ زاغَتِ الْأَبْصارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَناجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا(۱) وَ کَانَ ذَلِکَ الْیَوْمُ مِنْ أَغْلَظِ یَوْمٍ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَجَعَلَ یَدْخُلُ وَ یَخْرُجُ وَ یَنْظُرُ إِلَی السَّمَاءِ وَ یَقُولُ ضِیقِی تَتَّسِعِی ثُمَّ خَرَجَ فِی بَعْضِ اللَّیْلِ فَرَأَی شَخْصاً حَفِیّاً فَقَالَ لِحُذَیْفَهَ انْظُرْ مَنْ هَذَا فَقَالَ یَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَا أَبَا الْحَسَنِ أَ مَا خَشِیتَ أَنْ تَقَعَ عَلَیْکَ عَیْنٌ قَالَ إِنِّی وَهَبْتُ نَفْسِی لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ خَرَجْتُ حَارِساً لِلْمُسْلِمِینَ فِی هَذِهِ اللَّیْلَهِ فَمَا انْقَضَی کَلَامُهُمَا حَتَّی نَزَلَ جَبْرَئِیلُ علیه السلام وَ قَالَ یَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ یُقْرِئُکَ السَّلَامَ وَ یَقُولُ لَکَ قَدْ رَأَیْتُ مَوْقِفَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام مُنْذُ اللَّیْلَهِ وَ أَهْدَیْتُ لَهُ مِنْ مَکْنُونِ عِلْمِی کَلِمَاتٍ لَا یَتَعَوَّذُ بِهَا عِنْدَ شَیْطَانٍ مَارِدٍ وَ لَا سُلْطَانٍ جَائِرٍ وَ لَا حَرَقٍ وَ لَا غَرَقٍ وَ لَا هَدْمٍ وَ لَا رَدْمٍ وَ لَا سَبُعٍ ضَارٍ وَ لَا لِصٍّ قَاطِعٍ إِلَّا آمَنَهُ اللَّهُ مِنْ ذَلِکَ وَ هُوَ أَنْ یَقُولَ اللَّهُمَّ احْرُسْنَا بِعَیْنِکَ الَّتِی لَا تَنَامُ وَ اکْنُفْنَا بِرُکْنِکَ الَّذِی لَا یُرَامُ وَ أَعِزَّنَا(۲)

بِسُلْطَانِکَ الَّذِی لَا یُضَامُ وَ ارْحَمْنَا بِقُدْرَتِکَ عَلَیْنَا وَ لَا تُهْلِکْنَا فَأَنْتَ الرَّجَاءُ رَبِّ کَمْ مِنْ نِعْمَهٍ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَیَّ قَلَّ لَکَ عِنْدَهَا شُکْرِی وَ کَمْ بَلِیَّهٍ ابْتَلَیْتَنِی بِهَا قَلَّ لَکَ عِنْدَهَا صَبْرِی فَیَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ نِعْمَتِهِ شُکْرِی فَلَمْ یَحْرِمْنِی وَ یَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ بَلِیَّتِهِ (۳)

صَبْرِی فَلَمْ یَخْذُلْنِی یَا ذَا الْمَعْرُوفِ الدَّائِمِ الَّذِی لَا یَنْقَضِی أَبَداً وَ یَا ذَا النَّعْمَاءِ الَّتِی لَا تُحْصَی عَدَداً أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ (۴)

وَ أَدْرَأُ بِکَ فِی نُحُورِ الْأَعْدَاءِ وَ الْجَبَّارِینَ اللَّهُمَّ أَعِنِّی عَلَی دِینِی بِدُنْیَایَ وَ عَلَی آخِرَتِی بِتَقْوَایَ وَ احْفَظْنِی فِیمَا غِبْتُ عَنْهُ وَ لَا تَکِلْنِی إِلَی

نَفْسِی فِیمَا حَضَرْتُهُ یَا مَنْ لَا تَنْقُصُهُ الْمَغْفِرَهُ وَ لَا تَضُرُّهُ الْمَعْصِیَهُ أَسْأَلُکَ فَرَجاً عَاجِلًا وَ صَبْراً جَمِیلًا وَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ الْعَافِیَهَ مِنْ جَمِیعِ الْبَلَاءِ وَ الشُّکْرَ عَلَی الْعَافِیَهِ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

۱- ۱. الأحزاب: ۱۰.

۲- ۲. و أعذنا خ ل.

۳- ۳. بلائه خ ل.

۴- ۴. و آل محمّد خ ل.

قَالَ الرَّبِیعُ وَ اللَّهِ لَقَدْ دَعَانِی الْمَنْصُورُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ یُرِیدُ قَتْلِی فَتَعَوَّذْتُ بِهَذِهِ الْکَلِمَاتِ فَیَحُولُ اللَّهُ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ قَتْلِی قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ قَالَ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْعَظِیمِ مَا انْصَرَفْتُ لَیْلَةً مِنْ حَانُوتِی إِلَّا دَعَوْتُ بِهَذِهِ الْکَلِمَاتِ فَأُنْسِیتُ لَیْلَةً مِنَ اللَّیَالِی أَنْ أَقْرَأَهَا قَبْلَ انْصِرَافِی فَلَمَّا کَانَ فِی بَعْضِ اللَّیْلِ وَ أَنَا نَائِمٌ اسْتَیْقَظْتُ فَذَکَرْتُ أَنِّی لَمْ أَقْرَأْهَا فَجَعَلْتُ أُعَوِّذُ حَانُوتِی بِهَا وَ أَنَا فِی فِرَاشِی وَ أُدِیرُ یَدِی عَلَیْهِ فَلَمَّا کَانَ فِی الْغَدِ بَکَّرْتُ فَوَجَدْتُ فِی حَانُوتِی رَجُلًا وَ إِذَا الْحَانُوتُ مُغْلَقٌ عَلَیْهِ فَقُلْتُ لَهُ مَا شَأْنُکَ وَ مَا تَصْنَعُ هَاهُنَا فَقَالَ دَخَلْتُ إِلَی حَانُوتِکَ لِأَسْتَرِقَ مِنْهُ شَیْئاً وَ کُلَّمَا أَرَدْتُ الْخُرُوجَ حِیلَ بَیْنِی وَ بَیْنَ ذَلِکَ بِسُورٍ مِنْ حَدِیدٍ(۱).

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءٌ لِمَوْلَانَا الصَّادِقِ علیه السلام لَمَّا اسْتَدْعَاهُ الْمَنْصُورُ مَرَّةً خَامِسَةً إِلَی بَغْدَادَ قَبْلَ قَتْلِ مُحَمَّدٍ وَ إِبْرَاهِیمَ ابْنَیْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ علیهم السلام وَجَدْتُهَا فِی کِتَابٍ عَتِیقٍ فِی آخِرِهِ وَ کَتَبَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ هِنْدٍ بِخَطِّهِ فِی شَوَّالٍ سَنَةَ سِتٍّ وَ تِسْعِینَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ صَفْوَةَ الْهَمْدَانِیُّ بِالْمِصِّیصَهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ دَاوُدَ الْعَاصِمِیُّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ یَقْطِینٍ عَنْ أَبِیهِ قَالَ حَدَّثَنِی مُحَمَّدُ بْنُ الرَّبِیعِ الْحَاجِبِ قَالَ: قَعَدَ الْمَنْصُورُ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ یَوْماً فِی قَصْرِهِ فِی الْقُبَّهِ الْخَضْرَاءِ وَ کَانَتْ قَبْلَ قَتْلِ مُحَمَّدٍ وَ إِبْرَاهِیمَ تُدْعَی الْحَمْرَاءَ وَ کَانَ لَهُ یَوْمٌ یَقْعُدُ فِیهِ یُسَمَّی ذَلِکَ الْیَوْمُ یَوْمَ الذَّبْحِ وَ قَدْ کَانَ أَشْخَصَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ علیهما السلام مِنَ الْمَدِینَهِ فَلَمْ یَزَلْ فِی الْحَمْرَاءِ نَهَارَهُ کُلَّهُ حَتَّی جَاءَ اللَّیْلُ وَ مَضَی أَکْثَرُهُ قَالَ ثُمَّ دَعَا أَبِی الرَّبِیعَ فَقَالَ لَهُ یَا رَبِیعُ إِنَّکَ تَعْرِفُ مَوْضِعَکَ مِنِّی وَ أَنِّی یَکُونُ لِیَ الْخَبَرُ وَ لَا تُظْهِرْ عَلَیْهِ أُمَّهَاتِ الْأَوْلَادِ وَ تَکُونُ أَنْتَ الْمُعَالِجَ لَهُ فَقَالَ قُلْتُ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ ذَلِکَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَیَّ وَ فَضْلِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ مَا فَوْقِی فِی النُّصْحِ غَایَهٌ قَالَ کَذَلِکَ أَنْتَ سِرِ السَّاعَهَ إِلَی جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ فَاطِمَهَ فَأْتِنِی بِهِ عَلَی الْحَالِ الَّذِی تَجِدُهُ عَلَیْهِ لَا تُغَیِّرْ شَیْئاً مِمَّا هُوَ عَلَیْهِ فَقُلْتُ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ هَذَا وَ اللَّهِ هُوَ الْعَطَبُ إِنْ

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۲۳۳- ۲۳۵.

أَتَیْتُ بِهِ عَلَی مَا أَرَاهُ مِنْ غَضَبِهِ قَتَلَهُ وَ ذَهَبَتِ الْآخِرَهُ وَ إِنْ لَمْ آتِ بِهِ وَ أَدْهَنْتُ فِی أَمْرِهِ قَتَلَنِی وَ قَتَلَ نَسْلِی وَ أَخَذَ أَمْوَالِی فَخُیِّرْتُ بَیْنَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فَمَالَتْ نَفْسِی إِلَی الدُّنْیَا قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الرَّبِیعِ فَدَعَانِی أَبِی وَ کُنْتُ أَفَظَّ وُلْدِهِ وَ أَغْلَظَهُمْ قَلْباً(۱) فَقَالَ لِیَ امْضِ إِلَی جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ فَتَسَلَّقْ (۲)

عَلَی حَائِطِهِ وَ لَا تَسْتَفْتِحْ عَلَیْهِ بَاباً فَیُغَیِّرَ بَعْضَ مَا هُوَ عَلَیْهِ وَ لَکِنْ انْزِلْ عَلَیْهِ نُزُولًا فَأْتِ بِهِ عَلَی الْحَالِ الَّتِی هُوَ فِیهَا قَالَ فَأَتَیْتُهُ وَ قَدْ ذَهَبَ اللَّیْلُ إِلَّا أَقَلَّهُ فَأَمَرْتُ بِنَصْبِ السَّلَالِیمِ وَ تَسَلَّقْتُ عَلَیْهِ الْحَائِطَ فَنَزَلْتُ عَلَیْهِ دَارَهُ فَوَجَدْتُهُ قَائِماً یُصَلِّی وَ عَلَیْهِ قَمِیصٌ وَ مِنْدِیلٌ قَدِ ائْتَزَرَ بِهِ فَلَمَّا سَلَّمَ مِنْ صَلَاتِهِ قُلْتُ لَهُ أَجِبْ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ فَقَالَ دَعْنِی أَدْعُو وَ أَلْبَسُ ثِیَابِی فَقُلْتُ لَهُ لَیْسَ إِلَی تَرْکِکَ وَ ذَلِکَ سَبِیلٌ قَالَ وَ أَدْخُلُ الْمُغْتَسَلَ فَأَتَطَهَّرُ قَالَ قُلْتُ وَ لَیْسَ إِلَی ذَلِکَ سَبِیلٌ فَلَا تَغْسِلْ نَفْسَکَ فَإِنِّی لَا أَدَعُکَ تُغَیِّرَ شَیْئاً قَالَ فَأَخْرَجْتُهُ حَافِیاً حَاسِراً فِی قَمِیصِهِ وَ مِنْدِیلِهِ وَ کَانَ علیه السلام قَدْ جَاوَزَ السَّبْعِینَ فَلَمَّا مَضَی بَعْضُ الطَّرِیقِ ضَعُفَ الشَّیْخُ فَرَحِمْتُهُ فَقُلْتُ لَهُ ارْکَبْ فَرَکِبَ بَغْلَ شَاکِرِیٍ (۳)

کَانَ مَعَنَا ثُمَّ صِرْنَا إِلَی الرَّبِیعِ فَسَمِعْتُهُ وَ هُوَ یَقُولُ لَهُ وَیْلَکَ یَا رَبِیعُ قَدْ أَبْطَأَ الرَّجُلُ وَ جَعَلَ یَسْتَحِثُّهُ اسْتِحْثَاثاً شَدِیداً فَلَمَّا أَنْ وَقَعَتْ عَیْنُ الرَّبِیعِ عَلَی جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ هُوَ بِتِلْکَ الْحَالِ بَکَی وَ کَانَ الرَّبِیعُ یَتَشَیَّعُ فَقَالَ لَهُ جَعْفَرٌ علیه السلام یَا رَبِیعُ أَنَا أَعْلَمُ مَیْلَکَ إِلَیْنَا فَدَعْنِی أُصَلِّی رَکْعَتَیْنِ وَ أَدْعُو قَالَ شَأْنَکَ وَ مَا تَشَاءُ فَصَلَّی رَکْعَتَیْنِ خَفَّفَهُمَا ثُمَّ دَعَا بَعْدَهُمَا بِدُعَاءٍ لَمْ أَفْهَمْهُ إِلَّا أَنَّهُ دُعَاءٌ طَوِیلٌ وَ الْمَنْصُورُ فِی ذَلِکَ کُلِّهِ یَسْتَحِثُّ الرَّبِیعَ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَی طُولِهِ أَخَذَ الرَّبِیعُ بِذِرَاعَیْهِ فَأَدْخَلَهُ عَلَی الْمَنْصُورِ فَلَمَّا صَارَ فِی صَحْنِ الْإِیوَانِ وَقَفَ ثُمَّ حَرَّکَ شَفَتَیْهِ بِشَیْ ءٍ مَا لَمْ

۱- ۱. الفظ: الغلیظ السیئ الخلق، الخشن الکلام و الجمع افظاظ، و الغلیظ القلب: ذو القساوه الذی لا یرحم.

۲- ۲. تسلق هنا فعل امر، یقال: تسلق الجدار: تسوره و علاه.

۳- ۳. الشاکری: الاجیر و المستخدم معرب چاکر- بالفتح.

أَدْرِ مَا هُوَ ثُمَّ أَدْخَلْتُهُ فَوَقَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ قَالَ وَ أَنْتَ يَا جَعْفَرُ مَا تَدَعُ حَسَدَكَ وَ بَغْيَكَ وَ إِفْسَادَكَ عَلَى أَهْلِ هَذَا الْبَيْتِ مِنْ بَنِی الْعَبَّاسِ وَ مَا يَزِيدُكَ اللَّهُ بِذَلِكَ إِلَّا شِدَّةَ حَسَدٍ وَ نَكَدٍ مَا يُبْلَغُ بِهِ مَا تَقْدِرُهُ فَقَالَ لَهُ وَ اللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا فَعَلْتُ شَيْئاً مِنْ هَذَا وَ لَقَدْ كُنْتُ فِی وِلَايَهِ بَنِی أُمَيَّهَ وَ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُمْ أَعْدَى الْخَلْقِ لَنَا وَ لَكُمْ وَ أَنَّهُمْ لَا حَقَّ لَهُمْ فِی هَذَا الْأَمْرِ فَوَ اللَّهِ مَا بَغَيْتُ عَلَيْهِمْ وَ لَا بَلَغَهُمْ عَنِّی سُوءٌ مَعَ جَفَاهُمُ الَّذِی كَانَ بِی وَ كَيْفَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَصْنَعُ الْآنَ هَذَا وَ أَنْتَ ابْنُ عَمِّی وَ أَمَسُّ الْخَلْقِ بِی رَحِماً وَ أَكْثَرُهُمْ عَطَاءً وَ بِرّاً فَكَيْفَ أَفْعَلُ هَذَا فَأَطْرَقَ الْمَنْصُورُ سَاعَهً وَ كَانَ عَلَى لِبْدٍ وَ عَنْ يَسَارِهِ مِرْفَقَهٌ جُرْمُقَانِيَّهٌ(۱)

وَ تَحْتَ لِبْدِهِ سَيْفٌ ذُو فَقَارٍ كَانَ لَا يُفَارِقُهُ إِذَا قَعَدَ فِی الْقُبَّهِ قَالَ أَبْطَلْتَ وَ أَثِمْتَ ثُمَّ رَفَعَ ثَنِيَّ الْوِسَادَهِ فَأَخْرَجَ مِنْهَا إِضْبَارَهَ كُتُبٍ (۲) فَرَمَى بِهَا إِلَيْهِ وَ قَالَ هَذِهِ كُتُبُكَ إِلَى أَهْلِ خُرَاسَانَ تَدْعُوهُمْ إِلَى نَقْضِ بَيْعَتِی وَ أَنْ يُبَايِعُوكَ دُونِی فَقَالَ وَ اللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا فَعَلْتُ وَ لَا أَسْتَحِلُّ ذَلِكَ وَ لَا هُوَ مِنْ مَذْهَبِی وَ إِنِّی لَمِمَّنْ يَعْتَقِدُ طَاعَتَكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ قَدْ بَلَغْتُ مِنَ السِّنِّ مَا قَدْ أَضْعَفَنِی عَنْ ذَلِكَ لَوْ أَرَدْتُهُ فَصَيِّرْنِی فِی بَعْضِ جُيُوشِكَ حَتَّى تَأْتِيَنِی الْمَوْتُ فَهُوَ مِنِّی قَرِيبٌ فَقَالَ لَا وَ لَا كَرَامَهَ ثُمَّ أَطْرَقَ وَ ضَرَبَ يَدَهُ إِلَى السَّيْفِ فَسَلَّ مِنْهُ مِقْدَارَ شِبْرٍ وَ أَخَذَ بِمِقْبَضِهِ فَقُلْتُ إِنَّا لِلَّهِ ذَهَبَ وَ اللَّهِ الرَّجُلُ ثُمَّ رَدَّ السَّيْفَ ثُمَّ قَالَ يَا جَعْفَرُ أَ مَا تَسْتَحْيِی مَعَ هَذِهِ الشَّيْبَهِ وَ مَعَ هَذَا النَّسَبِ أَنْ تَنْطِقَ بِالْبَاطِلِ وَ تَشُقَّ عَصَا الْمُسْلِمِينَ تُرِيدُ أَنْ تُرِيقَ الدِّمَاءَ وَ تَطْرَحَ الْفِتْنَهَ بَيْنَ الرَّعِيَّهِ وَ الْأَوْلِيَاءِ فَقَالَ لَا وَ اللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا فَعَلْتُ وَ لَا هَذِهِ كُتُبِی وَ لَا خَطِّی وَ لَا خَادِمِی فَانْتَضَى مِنَ السَّيْفِ ذِرَاعاً فَقُلْتُ إِنَّا لِلَّهِ مَضَى الرَّجُلُ وَ جَعَلْتُ فِی نَفْسِی إِنْ أَمَرَنِی فِيهِ

۱- ۱. اللبد: الصوف المتلبد، و المرفقه: المتكأ و المخده و الجرمقانی منسوب الى الجرامقه: و هم قوم من الاعاجم صاروا بالموصل و نزلوا بها فی اوائل الإسلام.

۲- ۲. الاضباره بالفتح و الكسر: الحزمه من الصحف.

بِأَمْرٍ أَنْ أَعْصِيَهُ لِأَنَّنِی ظَنَنْتُ أَنَّهُ یَأْمُرُنِی أَنْ آخُذَ السَّیْفَ فَأَضْرِبَ بِهِ جَعْفَراً فَقُلْتُ إِنْ أَمَرَنِی ضَرَبْتُ الْمَنْصُورَ وَ إِنْ أَتَی ذَلِکَ عَلَیَّ وَ عَلَی وُلْدِی وَ تُبْتُ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِمَّا کُنْتُ نَوَیْتُ فِیهِ أَوَّلًا: فَأَقْبَلَ یُعَاتِبُهُ وَ جَعْفَرٌ یَعْتَذِرُ ثُمَّ انْتَضَی السَّیْفَ إِلَّا شَیْئاً یَسِیراً مِنْهُ فَقُلْتُ إِنَّا لِلَّهِ مَضَی وَ اللَّهِ الرَّجُلُ ثُمَّ أَغْمَدَ السَّیْفَ وَ أَطْرَقَ سَاعَةً ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ قَالَ أَظُنُّکَ صَادِقاً یَا رَبِیعُ هَاتِ الْعَیْبَهَ مِنْ مَوْضِعِ کَانَتْ فِیهِ مِنَ الْقُبَّهِ فَأَتَیْتُهُ بِهَا فَقَالَ أَدْخِلْ یَدَکَ فِیهَا فَکَانَتْ مَمْلُوءَةً غَالِیَةً وَ ضَعْهَا فِی لِحْیَتِهِ وَ کَانَتْ بَیْضَاءَ فَاسْوَدَّتْ وَ قَالَ لِی احْمِلْهُ عَلَی فَارِهٍ (۱) مِنْ دَوَابِّیَ الَّتِی أَرْکَبُهَا وَ أَعْطِهِ عَشَرَةَ آلَافِ دِرْهَمٍ وَ شَیِّعْهُ إِلَی مَنْزِلِهِ مُکَرَّماً وَ خَیِّرْهُ إِذَا أَتَیْتَ بِهِ إِلَی الْمَنْزِلِ بَیْنَ الْمُقَامِ عِنْدَنَا فَنُکْرِمُهُ وَ الِانْصِرَافِ إِلَی مَدِینَةِ جَدِّهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَخَرَجْنَا مِنْ عِنْدِهِ وَ أَنَا مَسْرُورٌ فَرِحٌ بِسَلَامَةِ جَعْفَرٍ علیه السلام وَ مُتَعَجِّبٌ مِمَّا أَرَادَ الْمَنْصُورُ وَ مَا صَارَ إِلَیْهِ مِنْ أَمْرِهِ فَلَمَّا صِرْنَا فِی الصَّحْنِ قُلْتُ لَهُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّی لَأَعْجَبُ مِمَّا عَمَدَ إِلَیْهِ هَذَا فِی بَابِکَ (۲)

وَ مَا أَصَارَکَ اللَّهُ إِلَیْهِ مِنْ کِفَایَتِهِ وَ دِفَاعِهِ وَ لَا عَجَبَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَدْ سَمِعْتُکَ تَدْعُو فِی عَقِیبِ الرَّکْعَتَیْنِ بِدُعَاءٍ لَمْ أَدْرِ مَا هُوَ إِلَّا أَنَّهُ طَوِیلٌ وَ رَأَیْتُکَ قَدْ حَرَّکْتَ شَفَتَیْکَ هَاهُنَا أَعْنِی الصَّحْنَ بِشَیْ ءٍ لَمْ أَدْرِ مَا هُوَ فَقَالَ لِی أَمَّا الْأَوَّلُ فَدُعَاءُ الْکَرْبِ وَ الشَّدَائِدِ لَمْ أَدْعُ بِهِ عَلَی أَحَدٍ قَبْلَ یَوْمِئِذٍ جَعَلْتُهُ عِوَضاً مِنْ دُعَاءٍ کَثِیرٍ أَدْعُو بِهِ إِذَا قَضَیْتُ صَلَاتِی لِأَنِّی لَمْ أَتْرُکْ أَنْ أَدْعُوَ مَا کُنْتُ أَدْعُو بِهِ وَ أَمَّا الَّذِی حَرَّکْتُ بِهِ شَفَتِی فَهُوَ دُعَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَوْمَ الْأَحْزَابِ حَدَّثَنِی بِهِ أَبِی عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ قَالَ لَمَّا کَانَ یَوْمُ الْأَحْزَابِ کَانَتِ الْمَدِینَهُ کَالْإِکْلِیلِ مِنْ جُنُودِ الْمُشْرِکِینَ کَانُوا کَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ إِذْ جاؤُکُمْ مِنْ فَوْقِکُمْ وَ مِنْ أَسْفَلَ مِنْکُمْ وَ إِذْ زاغَتِ الْأَبْصارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَناجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا هُنالِکَ ابْتُلِیَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُوا

ص: ۲۹۱

۱- ۱. الفاره من الدوابّ: الحسن الجمیل منها، و یقال للبرذون و البغل و الحمار فاره و لا یقال للفرس فاره.

۲- ۲. شأنک خ ل.

زِلْزالًا شَدِيداً(۱) فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَدْعُو بِهِ إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَ اكْنُفْنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ وَ اغْفِرْ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ رَبِّ لَا أَهْلِكُ وَ أَنْتَ الرَّجَاءُ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَعَزُّ وَ أَكْبَرُ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ بِاللَّهِ أَسْتَفْتِحُ وَ بِاللَّهِ أَسْتَنْجِحُ وَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله أَتَوَجَّهُ يَا كَافِيَ إِبْرَاهِيمَ نُمْرُودَ وَ مُوسَى فِرْعَوْنَ اكْفِنِي مِمَّا أَنَا فِيهِ (۲) اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ حَسْبِيَ الْمَانِعُ مِنَ الْمَمْنُوعِينَ حَسْبِي مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي مُذْ قَطُّ حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ثُمَّ قَالَ لَوْ لَا الْخَوْفُ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ لَدَفَعْتُ إِلَيْكَ هَذَا الْمَالَ وَ لَكِنْ قَدْ كُنْتَ طَلَبْتَ مِنِّي أَرْضِي بِالْمَدِينَةِ وَ أَعْطَيْتَنِي بِهَا عَشَرَةَ آلَافِ دِينَارٍ فَلَمْ أَبِعْكَ وَ قَدْ وَهَبْتُهَا لَكَ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّمَا رَغْبَتِي فِي الدُّعَاءِ الْأَوَّلِ وَ الثَّانِي فَإِذَا فَعَلْتَ هَذَا فَهُوَ الْبِرُّ وَ لَا حَاجَةَ لِيَ الْآنَ فِي الْأَرْضِ فَقَالَ إِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ لَا نَرْجِعُ فِي مَعْرُوفِنَا نَحْنُ نَنْسَخُكَ الدُّعَاءَ وَ نُسَلِّمُ إِلَيْكَ الْأَرْضَ صِرْ مَعِي إِلَى الْمَنْزِلِ فَصِرْتُ مَعَهُ كَمَا تَقَدَّمَ الْمَنْصُورُ وَ كَتَبَ لِي بِعَهْدِهِ الْأَرْضَ وَ أَمْلَى عَلَيَّ دُعَاءَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ أَمْلَى عَلَيَّ الَّذِي دَعَا هُوَ بَعْدَ الرَّكْعَتَيْنِ ثُمَّ ذَكَرَ فِي هَذِهِ الرِّوَايَهِ الدُّعَاءَ الَّذِي قَدَّمْنَاهُ نَحْنُ فِي الرِّوَايَهِ الْأُولَى الَّذِي أَوَّلُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مُدْرِكَ الْهَارِبِينَ يَا مَلْجَأَ الْخَائِفِينَ وَ هُوَ فِي النُّسْخَهِ الْعَتِيقَهِ نَحْوَ سِتِّ قَوَائِمَ بِالطَّالِبِيِّ إِلَى آخِرِهِ ثُمَّ قَالَ وَ قَوْلُهُ أَنْتَ رَبِّي وَ أَنْتَ حَسْبِي وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ وَ الْمُعِينُ قَالَ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَقَدْ كَثُرَ اسْتِحْثَاثُ الْمَنْصُورِ وَ اسْتِعْجَالُهُ إِيَّايَ وَ أَنْتَ تَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ الطَّوِيلِ مُتَمَهِّلًا كَأَنَّكَ لَمْ تَخْشَهُ قَالَ فَقَالَ لِي نَعَمْ قَدْ كُنْتُ أَدْعُو بِهِ بَعْدَ صَلَاهِ الْفَجْرِ بِدُعَاءٍ لَا بُدَّ مِنْهُ وَ أَمَّا الرَّكْعَتَانِ

۱- ۱. الأحزاب ص ۱۰.

۲- ۲. ما أنا فيه خ ل.

فَهُمَا صَلَاةُ الْغَدَاةِ خَفَّفْتُهُمَا وَ دَعَوْتُ بِذَلِكَ الدُّعَاءِ بَعْدَهُمَا فَقُلْتُ لَهُ أَ مَا خِفْتَ أَبَا جَعْفَرٍ وَ قَدْ أَعَدَّ لَكَ مَا أَعَدَّ قَالَ خِيفَةُ اللَّهِ دُونَ خِيفَتِهِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي صَدْرِي أَعْظَمَ مِنْهُ قَالَ الرَّبِيعُ كَانَ فِي قَلْبِي مَا رَأَيْتُ مِنَ الْمَنْصُورِ وَ مِنْ غَضَبِهِ وَ حَنَقِهِ عَلَى جَعْفَرٍ وَ مِنَ الْجَلَالَةِ لَهُ فِي سَاعَةٍ مَا لَمْ أَظُنُّهُ يَكُونُ فِي بَشَرٍ فَلَمَّا وَجَدْتُ مِنْهُ خَلْوَةً وَ طِيبَ نَفْسٍ قُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ رَأَيْتُ مِنْكَ عَجَباً قَالَ مَا هُوَ قُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ رَأَيْتُ غَضَبَكَ عَلَى جَعْفَرٍ غَضَباً لَمْ أَرَكَ غَضِبْتَهُ عَلَى أَحَدٍ قَطُّ وَ لَا عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ وَ لَا عَلَى غَيْرِهِ مِنْ كُلِّ النَّاسِ حَتَّى بَلَغَ بِكَ الْأَمْرُ أَنْ تَقْتُلَهُ بِالسَّيْفِ وَ حَتَّى أَنَّكَ أَخْرَجْتَ مِنْ سَيْفِكَ شِبْراً ثُمَّ أَغْمَدْتَهُ ثُمَّ عَاتَبْتَهُ ثُمَّ أَخْرَجْتَ مِنْهُ ذِرَاعاً ثُمَّ عَاتَبْتَهُ ثُمَّ أَخْرَجْتَهُ كُلَّهُ إِلَّا شَيْئاً يَسِيراً فَلَمْ أَشُكَّ فِي قَتْلِكَ لَهُ ثُمَّ انْجَلَى ذَلِكَ كُلُّهُ فَعَادَ رِضًى حَتَّى أَمَرْتَنِي فَسَوَّدْتُ لِحْيَتَهُ بِالْغَالِيَةِ الَّتِي لَا يَتَغَلَّفُ مِنْهَا إِلَّا أَنْتَ وَ لَا يغلف [يَتَغَلَّفُ][(١)](#)

مِنْهَا وَلَدُكَ الْمَهْدِيُّ وَ لَا مَنْ وَلَّيْتَهُ عَهْدَكَ وَ لَا عُمُومَتُكَ وَ أَجَزْتَهُ وَ حَمَلْتَهُ وَ أَمَرْتَنِي بِتَشْيِيعِهِ مُكَرَّماً فَقَالَ وَيْحَكَ يَا رَبِيعُ لَيْسَ هُوَ كَمَا يَنْبَغِي أَنْ تُحَدِّثَ بِهِ وَ سَتْرُهُ أَوْلَى وَ لَا أُحِبُّ أَنْ يَبْلُغَ وُلْدَ فَاطِمَةَ عليها السلام فَيَفْتَخِرُونَ وَ يَتِيهُونَ بِذَلِكَ عَلَيْنَا حَسْبُنَا مَا نَحْنُ فِيهِ وَ لَكِنْ لَا أَكْتُمُكَ شَيْئاً انْظُرْ مَنْ فِي الدَّارِ فَنَحِّهِمْ قَالَ فَنَحَّيْتُ كُلَّ مَنْ فِي الدَّارِ ثُمَّ قَالَ لِي ارْجِعْ وَ لَا تُبْقِ أَحَداً فَفَعَلْتُ ثُمَّ قَالَ لِي لَيْسَ إِلَّا أَنَا وَ أَنْتَ وَ اللَّهِ لَئِنْ سَمِعْتُ مَا أَلْقَيْتُهُ إِلَيْكَ مِنْ أَحَدٍ لَأَقْتُلَنَّكَ وَ وُلْدَكَ وَ أَهْلَكَ أَجْمَعِينَ وَ لَآخُذَنَّ مَالَكَ قَالَ قُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أُعِيذُكَ بِاللَّهِ قَالَ يَا رَبِيعُ قَدْ كُنْتُ مُصِرّاً عَلَى قَتْلِ جَعْفَرٍ وَ لَا أَسْمَعَ لَهُ قَوْلًا وَ لَا أَقْبَلَ لَهُ عُذْراً وَ كَانَ أَمْرُهُ وَ إِنْ كَانَ مِمَّنْ لَا يَخْرُجُ بِسَيْفٍ أَغْلَظَ عِنْدِي وَ أَهَمَّ عَلَيَّ مِنْ أَمْرِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ وَ قَدْ كُنْتُ أَعْلَمُ هَذَا مِنْهُ وَ مِنْ آبَائِهِ عَلَى عَهْدِ بَنِي أُمَيَّةَ فَلَمَّا هَمَمْتُ بِهِ فِي الْمَرَّةِ الْأُولَى تَمَثَّلَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَإِذَا هُوَ

١- ١. غلف لحيته بالغاليه: ضمخها بها، و عن ابن دريد أنّها عاميّه، و الصواب غللها تغلليه.

حَائِلٌ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ بَاسِطٌ كَفَّيْهِ حَاسِرٌ عَنْ ذِرَاعَيْهِ قَدْ عَبَسَ وَ قَطَبَ (۱)

فِي وَجْهِي فَصَرَفْتُ وَجْهِي عَنْهُ ثُمَّ هَمَمْتُ بِهِ فِي الْمَرَّهِ الثَّانِيَهِ وَ انْتَضَيْتُ مِنَ السَّيْفِ أَكْثَرَ مِمَّا انْتَضَيْتُ مِنْهُ فِي الْمَرَّهِ الْأُولَى فَإِذَا أَنَا بِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله قَدْ قَرُبَ مِنِّي وَ دَنَا شَدِيداً وَ هَمَّ بِي أَنْ لَوْ فَعَلْتُ لَفَعَلَ فَأَمْسَكْتُ ثُمَّ تَجَاسَرْتُ وَ قُلْتُ هَذَا بَعْضُ أَفْعَالِ الرَّئِي (۲)

ثُمَّ انْتَضَيْتُ السَّيْفَ فِي الثَّالِثَهِ فَتَمَثَّلَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله بَاسِطَ ذِرَاعَيْهِ قَدْ تَشَمَّرَ وَ احْمَرَّ وَ عَبَسَ وَ قَطَبَ حَتَّى كَادَ أَنْ يَضَعَ يَدَهُ عَلَيَّ فَخِفْتُ وَ اللَّهِ لَوْ فَعَلْتُ لَفَعَلَ وَ كَانَ مِنِّي مَا رَأَيْتَ وَ هَؤُلَاءِ مِنْ بَنِي فَاطِمَهَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ لَا يَجْهَلُ حَقَّهُمْ إِلَّا جَاهِلٌ لَا حَظَّ لَهُ فِي الشَّرِيعَهِ فَإِيَّاكَ أَنْ يَسْمَعَ هَذَا مِنْكَ أَحَدٌ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الرَّبِيعِ فَمَا حَدَّثَنِي بِهِ أَبِي حَتَّى مَاتَ الْمَنْصُورُ وَ مَا حَدَّثْتُ أَنَا بِهِ حَتَّى مَاتَ الْمَهْدِيُّ وَ مُوسَى وَ هَارُونُ وَ قُتِلَ مُحَمَّدٌ(۳).

وَ مِنْ ذَلِكَ دُعَاءٌ لِمَوْلَانَا الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ أَفْضَلُ الصَّلَاهِ وَ السَّلَام لَمَّا اسْتَدْعَاهُ الْمَنْصُورُ بِهِ مَرَّهً سَادِسَهً وَ هِيَ ثَانِي مَرَّهٍ إِلَى بَغْدَادَ بَعْدَ قَتْلِ مُحَمَّدٍ وَ إِبْرَاهِيمَ ابْنَيْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ وَجَدْتُهَا فِي الْكِتَابِ الْعَتِيقِ الَّذِي قَدَّمْتُ ذِكْرَهُ بِخَطِّ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ هِنْدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الرَّزَّازُ الْقُرَشِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى بْنِ عُبَيْدِ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ حَدَّثَنَا بَشِيرُ بْنُ حَمَّادٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: رَفَعَ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشِ الْمَدِينَهِ مِنْ بَنِي مَخْزُومٍ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ الْمَنْصُورِ وَ ذَلِكَ بَعْدَ قَتْلِهِ لِمُحَمَّدٍ وَ إِبْرَاهِيمَ ابْنَيْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ أَنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ بَعَثَ مَوْلَاهُ الْمُعَلَّى بْنَ خُنَيْسٍ بِجِبَايَهِ الْأَمْوَالِ مِنْ شِيعَتِهِ وَ أَنَّهُ كَانَ يُمِدُّ بِهَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ فَكَادَ الْمَنْصُورُ أَنْ يَأْكُلَ كَفَّهُ عَلَى جَعْفَرٍ غَيْظاً وَ كَتَبَ إِلَى عَمِّهِ دَاوُدَ وَ دَاوُدُ إِذْ ذَاكَ أَمِيرُ

۱- ۱. قطب و قطب: أي زوى ما بين عينيه و كلح.

۲- ۲. الرئي: التابع من الجن يرى فيحب، و في نسخه المصدر و هكذا في نسخه الكمبانيّ« الذي» و هو تصحيف ظاهر، و قد صححنا الكلمه طبقا لما صححه المؤلّف قدّس سرّه في تاريخ مولانا الصادق عليه السلام راجع ج ۴۷ ص ۲۰۰.

۳- ۳. مهج الدعوات ص ۲۳۶- ۲۴۳.

الْمَدِينَهِ أَنْ يُسَيِّرَ إِلَيْهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ لَا يُرَخِّصَ لَهُ فِی التَّلَوُّمِ (۱)

وَ الْمُقَامِ فَبَعَثَ إِلَيْهِ دَاوُدُ بِكِتَابِ الْمَنْصُورِ وَ قَالَ اعْمَلْ فِی الْمَسِيرِ إِلَی أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فِی غَدٍ وَ لَا تَتَأَخَّرْ قَالَ صَفْوَانُ وَ كُنْتُ بِالْمَدِينَهِ يَوْمَئِذٍ فَأَنْفَذَ إِلَيَّ جَعْفَرٌ عليه السلام فَصِرْتُ إِلَيْهِ فَقَالَ لِی تَعَهَّدْ رَاحِلَتَنَا فَإِنَّا غَادُونَ فِی غَدٍ هَذَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ الْعِرَاقَ وَ نَهَضَ مِنْ وَقْتِهِ وَ أَنَا مَعَهُ إِلَی مَسْجِدِ النَّبِیِّ صلی الله عليه و آله وَ كَانَ ذَلِكَ بَيْنَ الْأُولَی وَ الْعَصْرِ فَرَكَعَ فِيهِ رَكَعَاتٍ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ فَحَفِظْتُ يَوْمَئِذٍ مِنْ دُعَائِهِ: يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ ابْتِدَاءٌ وَ لَا انْتِهَاءٌ يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ أَمَدٌ وَ لَا نِهَايَهٌ وَ لَا مِيقَاتٌ وَ لَا غَايَهٌ يَا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِيدِ وَ الْبَطْشِ الشَّدِيدِ يَا مَنْ هُوَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ يَا مَنْ لَا يَخْفَی عَلَيْهِ اللُّغَاتُ وَ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ يَا مَنْ قَامَتْ بِجَبَرُوتِهِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاوَاتُ يَا حَسَنَ الصُّحْبَهِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَهِ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ احْرُسْنِی فِی سَفَرِی وَ مُقَامِی وَ فِی حَرَكَتِی وَ انْتِقَالِی بِعَيْنِكَ الَّتِی لَا تَنَامُ وَ اكْنُفْنِی بِرُكْنِكَ الَّذِی لَا يُضَامُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَتَوَجَّهُ فِی سَفَرِی هَذَا بِلَا ثِقَهٍ مِنِّی لِغَيْرِكَ وَ لَا رَجَاءٍ يَأْوِی بِی إِلَّا إِلَيْكَ وَ لَا قُوَّهَ لِی أَتَّكِلُ عَلَيْهَا وَ لَا حِيلَهَ أَلْجَأُ إِلَيْهَا إِلَّا ابْتِغَاءَ فَضْلِكَ وَ الْتِمَاسَ عَافِيَتِكَ وَ طَلَبَ فَضْلِكَ وَ إِجْرَائِكَ لِی عَلَی أَفْضَلِ عَوَائِدِكَ عِنْدِی اللَّهُمَّ وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا سَبَقَ لِی فِی سَفَرِی هَذَا مِمَّا أُحِبُّ وَ أَكْرَهُ فَمَهْمَا أَوْقَعْتَ عَلَيْهِ قَدَرَكَ فَمَحْمُودٌ فِيهِ بَلَاؤُكَ مُنْتَصِحٌ فِيهِ قَضَاؤُكَ وَ أَنْتَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ اللَّهُمَّ فَاصْرِفْ عَنِّی فِيهِ مَقَادِيرَ كُلِّ بَلَاءٍ وَ مَقْضِیَّ كُلِّ لَأْوَاءٍ وَ ابْسُطْ عَلَيَّ كَنَفاً مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لُطْفاً مِنْ عَفْوِكَ وَ تَمَاماً مِنْ نِعْمَتِكَ حَتَّی تَحْفَظَنِی فِيهِ بِأَحْسَنِ مَا حَفِظْتَ بِهِ غَائِباً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ خَلَقْتَهُ فِی سَتْرِ كُلِّ عَوْرَهٍ وَ كِفَايَهِ كُلِّ مَضَرَّهٍ وَ صَرْفِ كُلِّ مَحْذُورٍ وَ هَبْ لِی فِيهِ أَمْناً وَ إِيمَاناً وَ عَافِيَهً وَ يُسْراً وَ صَبْراً وَ شُكْراً وَ ارْجِعْنِی فِيهِ سَالِماً إِلَی سَالِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ قَالَ صَفْوَانُ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ عليه السلام بِأَنْ يُعِيدَ الدُّعَاءَ عَلَيَّ فَأَعَادَهُ وَ

۱- ۱. التلوم: التمكث و الانتظار.

كَتَبْتُهُ فَلَمَّا أَصْبَحَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام رَحَّلْتُ لَهُ النَّاقَهَ وَ سَارَ مُتَوَجِّهاً إِلَى الْعِرَاقِ حَتَّى قَدِمَ مَدِينَهَ أَبِى جَعْفَرٍ وَ أَقْبَلَ حَتَّى اسْتَأْذَنَ فَأَذِنَ لَهُ قَالَ صَفْوَانُ فَأَخْبَرَنِى بَعْضُ مَنْ شَهِدَ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍ قَالَ فَلَمَّا رَآهُ أَبُو جَعْفَرٍ قَرَّبَهُ وَ أَدْنَاهُ ثُمَّ اسْتَدْعَى قِصَّهَ الرَّافِعِ عَلَى أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ فِى قِصَّتِهِ إِنَّ مُعَلَّى بْنَ خُنَيْسٍ مَوْلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ يَجْبِى لَهُ الْأَمْوَالَ مِنْ جَمِيعِ الْآفَاقِ وَ أَنَّهُ مَدَّ بِهَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ فَدَفَعَ إِلَيْهِ الْقِصَّهَ فَقَرَأَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَأَقْبَلَ عَلَيْهِ الْمَنْصُورُ فَقَالَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ مَا هَذِهِ الْأَمْوَالُ (١) الَّتِى يَجْبِيهَا لَكَ مُعَلَّى بْنُ خُنَيْسٍ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَعَاذَ اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ لَهُ تَحْلِفُ عَلَى بَرَاءَتِكَ مِنْ ذَلِكَ قَالَ نَعَمْ أَحْلِفُ بِاللَّهِ أَنَّهُ مَا كَانَ مِنْ ذَلِكَ شَىْ ءٌ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ لَا بَلْ تَحْلِفُ بِالطَّلَاقِ وَ الْعَتَاقِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَ مَا تَرْضَى يَمِينِى بِاللَّهِ الَّذِى لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ فَلَا تَفَقَّهْ عَلَيَّ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَ أَيْنَ تَذْهَبُ بِالْفِقْهِ مِنِّى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ لَهُ دَعْ عَنْكَ هَذَا فَإِنِّى أَجْمَعُ السَّاعَهَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الرَّجُلِ الَّذِى رَفَعَ عَنْكَ حَتَّى يُوَاجِهَكَ فَأَتَوْا بِالرَّجُلِ وَ سَأَلُوهُ بِحَضْرَهِ جَعْفَرٍ فَقَالَ نَعَمْ هَذَا صَحِيحٌ وَ هَذَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ الَّذِى قُلْتُ فِيهِ كَمَا قُلْتُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام تَحْلِفُ أَيُّهَا الرَّجُلُ أَنَّ هَذَا الَّذِى رَفَعْتَهُ صَحِيحٌ قَالَ نَعَمْ ثُمَّ ابْتَدَأَ الرَّجُلُ بِالْيَمِينِ فَقَالَ وَ اللَّهِ الَّذِى لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الطَّالِبُ الْغَالِبُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ فَقَالَ لَهُ جَعْفَرٌ عليه السلام لَا تَعْجَلْ فِى يَمِينِكَ فَإِنِّى أَنَا أَسْتَحْلِفُ قَالَ الْمَنْصُورُ وَ مَا أَنْكَرْتَ مِنْ هَذِهِ الْيَمِينِ قَالَ عليه السلام إِنَّ اللَّهَ حَيِيٌّ كَرِيمٌ يَسْتَحْيِى مِنْ عَبْدِهِ إِذَا أَثْنَى عَلَيْهِ أَنْ يُعَاجِلَهُ بِالْعُقُوبَهِ لِمَدْحِهِ لَهُ وَ لَكِنْ قُلْ يَا أَيُّهَا الرَّجُلُ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ حَوْلِهِ وَ قُوَّتِهِ وَ أَلْجَأُ إِلَى حَوْلِى وَ قُوَّتِى إِنِّى لَصَادِقٌ بَرٌّ فِيمَا أَقُولُ

۱- ۱. ما بين العلامتين ساقط من نسخه الكمبانىّ و هكذا فى تاريخ مولانا الصادق عليه السلام ج ۴۷ ص ۲۰۱ فراجع.

فَقَالَ الْمَنْصُورُ لِلْقُرَشِيِّ احْلِفْ بِمَا اسْتَحْلَفَکَ بِهِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ فَحَلَفَ الرَّجُلُ بِهَذِهِ الْیَمِینِ فَلَمْ یَسْتَتِمَّ الْکَلَامَ حَتَّی أَجْذَمَ وَ خَرَّ مَیِّتاً فَرَاعَ أَبَا جَعْفَرٍ ذَلِکَ وَ ارْتَعَدَتْ فَرَائِصُهُ فَقَالَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ سِرْ مِنْ غَدٍ إِلَی حَرَمِ جَدِّکَ إِنِ اخْتَرْتَ ذَلِکَ وَ إِنِ اخْتَرْتَ الْمُقَامَ عِنْدَنَا لَمْ نَأْلُ فِی إِکْرَامِکَ وَ بِرِّکَ فَوَ اللَّهِ لَا قَبِلْتُ عَلَیْکَ قَوْلَ أَحَدٍ بَعْدَهَا أَبَداً(۱).

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۲۴۳- ۲۴۷. و هاهنا فی هامش طبعه الکمبانیّ ما یلی: یقول: أحقر السادات علما و عملا محمّد خلیل بن محمّد حسین الموسوی الأصفهانیّ غفر لهما المتصدی لجمع نسخ مجلدات بحار الأنوار بتمامه فی أقطار البلاد و مقابلته باعتضاد العلماء الاعلام بقدر الوسع و الطاقه و جمع کتب أخبار المتقدمین و الرجوع إلیها فی تصحیح الاخبار و غیره من کتب التفسیر و اللغه و غیرهما فی مده زمان احدی عشر سنه و بذل کمال جهده فی اللیل و النهار فی طبعه و تنقیحه و غیره طلبا لمرضات اللّه و ذخیره لیوم معاده. انی رایت فی سنه سبعین و مأتین بعد الالف بعد صلاه الفجر خلف شیخنا المحقق المدقق استاد العلماء و المجتهدین الرئیس الذی لیس له ثانی أستادنا و مولانا الشیخ عبد الحسین الطهرانیّ الملقب بشیخ العراقین نور اللّه ضریحه و خلد فی جنان الخلد روحه حین قراءتی دعاء التوسل بالائمه الاطهار علیهم سلام اللّه الملک الغفار فی الیوم و الیقظه دخلت فی حدیقه أنیقه لم یر مثلها فی الدنیا و أنا أسیر فیها فإذا فی وسط تلک الحدیقه دکه عظیمه و فی وسط تلک الدکه رجل عظیم الشأن جلیل القدر و رجلان جلیلان قائمان بین یدیه. فسألتهما من هذا السیّد؟ فقالا هذا امامنا و امامک بالحق جعفر بن محمّد الصادق صلوات اللّه علیه فلما عرفته خررت علی رجلیه مغشیا و شرعت بالبکاء و الحنین فقمت و قلت له بأبی أنت و امی یا ابن رسول اللّه انی غریب فی هذا البلد و أستوحش من اهله و تلاطم علی الهموم و الغموم فاسألک بحق آبائک المعصومین أن تعلمنی دعاء لدفع الهموم و الغموم. فقال(ع) علیک بقراءه الدعاء الذی قرأته حین أحضرنی المنصور الدوانیقی و أراد قتلی فببرکه قراءتی هذا الدعاء حفظنی اللّه من شره و من القتل فانتبهت. و أنا اسأل الدعاء منکم أیها الناظرون.

وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءُ الصَّادِقِ علیه السلام لَمَّا اسْتَدْعَاهُ الْمَنْصُورُ مَرَّةً سَابِعَةً وَ قَدْ قَدَّمْنَا فِی الْأَحْرَازِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام لَکِنْ فِیهِ هَاهُنَا زِیَادَةٌ عَمَّا ذَکَرْنَا وَ لَعَلَّ هَذِهِ الزِّیَادَهَ کَانَتْ قَبْلَ اسْتِدْعَائِهِ لِسِعَایَهِ الْقُرَشِیِّ وَ هَذِهِ بِرِوَایَهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْإِسْکَنْدَرِیِّ وَ هُوَ دُعَاءٌ جَلِیلٌ مَضْمُونُ الْإِجَابَهِ نَقَلْنَاهُ مِنْ کِتَابٍ قَالَبُهُ نِصْفُ الثُّمْنِ یَشْتَمِلُ عَلَی عِدَّهِ کُتُبٍ أَوَّلُهَا کِتَابُ التَّنْبِیهِ لِمَنْ یَتَفَکَّرُ فِیهِ وَ هَذَا الدُّعَاءُ فِی آخِرِهِ فَقَالَ مَا هَذَا لَفْظُهُ رَوَی مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْإِسْکَنْدَرِیُّ أَنَّهُ قَالَ: کُنْتُ مِنْ جُمْلَهِ نُدَمَاءِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ الْمَنْصُورِ أَبِی جَعْفَرٍ وَ خَوَاصِّهِ وَ کُنْتُ صَاحِبَ سِرِّهِ مِنْ بَیْنِ الْجَمِیعِ فَدَخَلْتُ عَلَیْهِ یَوْماً فَرَأَیْتُهُ مُغْتَمّاً وَ هُوَ یَتَنَفَّسُ نَفَساً بَارِداً فَقُلْتُ مَا هَذِهِ الْفِکْرَهُ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ فَقَالَ لِی یَا مُحَمَّدُ لَقَدْ هَلَکَ مِنْ أَوْلَادِ فَاطِمَهَ مِقْدَارُ مِائَهٍ أَوْ یَزِیدُونَ وَ قَدْ بَقِیَ سَیِّدُهُمْ وَ إِمَامُهُمْ فَقُلْتُ لَهُ مَنْ ذَلِکَ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ فَقُلْتُ لَهُ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ إِنَّهُ رَجُلٌ أَنْحَلَتْهُ الْعِبَادَهُ وَ اشْتَغَلَ بِاللَّهِ عَنْ طَلَبِ الْمُلْکِ وَ الْخِلَافَهِ فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّکَ تَقُولُ بِهِ وَ بِإِمَامَتِهِ وَ لَکِنَّ الْمُلْکَ عَقِیمٌ وَ قَدْ آلَیْتُ عَلَی نَفْسِی أَنْ لَا أُمْسِیَ عَشِیَّتِی هَذِهِ أَوْ أَفْرُغَ مِنْهُ قَالَ مُحَمَّدٌ وَ اللَّهِ لَقَدْ ضَاقَتْ عَلَیَّ الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا ثُمَّ دَعَا سَیّافاً وَ قَالَ لَهُ إِذَا أَنَا أَحْضَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ وَ شَغَلْتُهُ بِالْحَدِیثِ وَ وَضَعْتُ قَلَنْسُوَتِی عَنْ رَأْسِی فَهُوَ الْعَلَامَهُ بَیْنِی وَ بَیْنَکَ فَاضْرِبْ عُنُقَهُ ثُمَّ أَحْضَرَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَیْهِ الصَّلَاهُ وَ السَّلَامُ فِی تِلْکَ السَّاعَهِ وَ لَحِقْتُهُ فِی الدَّارِ وَ هُوَ یُحَرِّکُ شَفَتَیْهِ فَلَمْ أَدْرِ مَا الَّذِی قَرَأَ فَرَأَیْتُ الْقَصْرَ یَمُوجُ کَأَنَّهُ سَفِینَهٌ فِی لُجَجِ الْبِحَارِ فَرَأَیْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْمَنْصُورَ وَ هُوَ یَمْشِی بَیْنَ یَدَیْهِ حَافِیَ الْقَدَمَیْنِ مَکْشُوفَ الرَّأْسِ قَدِ اصْطَکَّتْ أَسْنَانُهُ وَ ارْتَعَدَتْ فَرَائِصُهُ یَحْمَرُّ سَاعَهً وَ یَصْفَرُّ أُخْرَی وَ أَخَذَ بِعَضُدِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ علیه السلام وَ أَجْلَسَهُ عَلَی سَرِیرِ مُلْکِهِ وَ جَثَا بَیْنَ یَدَیْهِ کَمَا یَجْثُو الْعَبْدُ بَیْنَ یَدَیْ مَوْلَاهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا الَّذِی جَاءَ بِکَ فِی هَذِهِ السَّاعَهِ قَالَ جِئْتُکَ

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ طَاعَةً لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَدَامَ اللَّهُ عِزَّهُ قَالَ مَا دَعَوْتُكَ وَ الْغَلَطُ مِنَ الرَّسُولِ ثُمَّ قَالَ سَلْ حَاجَتَكَ فَقَالَ أَسْأَلُكَ أَنْ لَا تَدْعُوَنِي لِغَيْرِ شُغُلٍ قَالَ لَكَ ذَلِكَ وَ غَيْرُ ذَلِكَ ثُمَّ انْصَرَفَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ سَرِيعاً وَ حَمِدْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَثِيراً وَ دَعَا أَبُو جَعْفَرٍ الْمَنْصُورُ بِالدَّوَاوِيجِ (1) وَ نَامَ وَ لَمْ يَنْتَبِهْ إِلَّا فِي نِصْفِ اللَّيْلِ فَلَمَّا انْتَبَهَ كُنْتُ عِنْدَ رَأْسِهِ جَالِساً فَسَرَّهُ ذَلِكَ وَ قَالَ لِي لَا تَخْرُجْ حَتَّى أَقْضِيَ مَا فَاتَنِي مِنْ صَلَاتِي فَأُحَدِّثُكَ بِحَدِيثٍ فَلَمَّا قَضَى صَلَاتَهُ أَقْبَلَ عَلَيَّ وَ قَالَ لِي لَمَّا أَحْضَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ وَ هَمَمْتُ بِهِ مَا هَمَمْتُ مِنَ السُّوءِ رَأَيْتُ تِنِّيناً قَدْ حَوَى بِذَنَبِهِ جَمِيعَ دَارِي وَ قَصْرِيْ وَ قَدْ وَضَعَ شَفَتَيْهِ الْعُلْيَا فِي أَعْلَاهَا وَ السُّفْلَى فِي أَسْفَلِهَا وَ هُوَ يُكَلِّمُنِي بِلِسَانٍ طَلْقٍ ذَلْقٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ يَا مَنْصُورُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَدُّهُ قَدْ بَعَثَنِي إِلَيْكَ وَ أَمَرَنِي إِنْ أَنْتَ أَحْدَثْتَ فِي أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عليه السلام حَدَثاً فَأَنَا أَبْتَلِعُكَ وَ مَنْ فِي دَارِكَ جَمِيعاً فَطَاشَ عَقْلِي وَ ارْتَعَدَتْ فَرَائِصِي وَ اصْطَكَّتْ أَسْنَانِي قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْإِسْكَنْدَرِيُّ قُلْتُ لَهُ لَيْسَ هَذَا بِعَجِيبٍ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَارِثُ عِلْمِ النَّبِيِّ وَ جَدُّهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ عِنْدَهُ مِنَ الْأَسْمَاءِ وَ سَائِرِ الدَّعَوَاتِ الَّتِي لَوْ قَرَأَهَا عَلَى اللَّيْلِ لَأَنَارَ وَ لَوْ قَرَأَهَا عَلَى النَّهَارِ لَأَظْلَمَ وَ لَوْ قَرَأَهَا عَلَى الْأَمْوَاجِ فِي الْبَحْرِ لَسَكَنَتْ قَالَ مُحَمَّدٌ فَقُلْتُ لَهُ بَعْدَ أَيَّامٍ أَ تَأْذَنُ لِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْ أَخْرُجَ إِلَى زِيَارَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عليه السلام فَأَجَابَ فَلَمْ يَأْبَ فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ سَلَّمْتُ وَ قُلْتُ لَهُ أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ بِحَقِّ جَدِّكَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله أَنْ تُعَلِّمَنِي الدُّعَاءَ الَّذِي كُنْتَ تَقْرَؤُهُ عِنْدَ دُخُولِكَ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ الْمَنْصُورِ قَالَ لَكَ ذَلِكَ.

۱- ۱. الدواويج جمع دواج كرمان و غراب: اللحاف يلبس، ذكره الفيروزآبادى و فى المصدر كما فى طبعه الكمبانىّ« بالرواويح» و التصحيح من المؤلّف قدّس سرّه فى تاريخ مولانا الصادق عليه السلام ج ۴۷ ص ۳۰۳.

ثُمَّ قَالَ لِی یَا مُحَمَّدُ هَذَا الدُّعَاءُ حِرْزٌ جَلِیلٌ وَ دُعَاءٌ عَظِیمٌ حَفِظْتُهُ عَنْ آبَائِیَ الْکِرَام علیهم السلام وَ هُوَ حِرْزٌ مُسْتَخْرَجٌ مِنْ کِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ الْعَزِیزِ الَّذِی لَا یَأْتِیهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِیلٌ مِنْ حَکِیمٍ حَمِیدٍ وَ قَالَ اکْتُبْ وَ أَمْلَی عَلَیَّ ذَلِکَ وَ هُوَ حِرْزٌ جَلِیلٌ وَ دُعَاءٌ عَظِیمٌ مُبَارَکٌ مُسْتَجَابٌ فَلَمَّا وَرَدَ أَبُو مَخْلَدٍ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ یَحْیَی مِنْ بَغْدَادَ لِرِسَالَهِ خُرَاسَانَ إِلَی عِنْدِ الْأَمِیرِ أَبِی الْحَسَنِ نَصْرِ بْنِ أَحْمَدَ بِبُخَارَا کَانَ هَذَا الْحِرْزُ مَکْتُوباً فِی دَفْتَرٍ أَوْرَاقُهَا مِنْ فِضَّهٍ وَ کِتَابَتُهَا بِمَاءِ الذَّهَبِ وَهَبَهَا مِنَ الشَّیْخِ أَبِی الْفَضْلِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَلْعَمِیِّ وَ قَالَ لَهُ إِنَّ هَذِهِ مِنْ أَسْنَی التُّحَفِ وَ أَجَلِّ الْهِبَاتِ فَمَنْ وَفَّقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِقِرَاءَتِهَا صَبِیحَهَ کُلِّ یَوْمٍ حَفِظَهُ اللَّهُ مِنْ جَمِیعِ الْبَلَایَا وَ أَعَاذَهُ مِنْ شَرِّ مَرَدَهِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّیَاطِینِ وَ السُّلْطَانِ الْجَائِرِ وَ السِّبَاعِ وَ مِنْ شَرِّ الْأَمْرَاضِ وَ الْآفَاتِ وَ الْعَاهَاتِ کُلِّهَا وَ هُوَ مُجَرَّبٌ إِلَّا أَنْ لَا یُخْلِصَ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هَذَا أَوَّلُ الدُّعَاءِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَبَداً حَقّاً حَقّاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِیمَاناً وَ صِدْقاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعَبُّداً وَ رِقّاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَلَطُّفاً وَ رِفْقاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقّاً حَقّاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ أُعِیذُ نَفْسِی وَ شَعْرِی وَ بَشَرِی وَ دِینِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ وُلْدِی وَ ذُرِّیَّتِی وَ دُنْیَایَ وَ جَمِیعَ مَنْ أَمْرُهُ یَعْنِینِی مِنْ شَرِّ کُلِّ مَنْ یُؤْذِینِی أُعِیذُ نَفْسِی وَ جَمِیعَ مَا رَزَقَنِی رَبِّی وَ مَا أُغْلِقَتْ عَلَیْهِ أَبْوَابِی وَ أَحَاطَتْ بِهِ جُدْرَانِی وَ جَمِیعَ مَا أَتَقَلَّبُ فِیهِ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِحْسَانِهِ وَ جَمِیعِ إِخْوَانِی وَ أَخَوَاتِی مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وَ بِأَسْمَائِهِ التَّامَّهِ الْکَامِلَهِ الْمُتَعَالِیَهِ الْمُنِیفَهِ الشَّرِیفَهِ الشَّافِیَهِ الْکَرِیمَهِ الطَّیِّبَهِ الْفَاضِلَهِ الْمُبَارَکَهِ الطَّاهِرَهِ الْمُطَهَّرَهِ الْعَظِیمَهِ الْمَخْزُونَهِ الْمَکْنُونَهِ الَّتِی لَا یُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لَا فَاجِرٌ وَ بِأُمِّ الْکِتَابِ وَ فَاتِحَتِهِ وَ خَاتِمَتِهِ وَ مَا بَیْنَهُمَا مِنْ سُورَهٍ شَرِیفَهٍ وَ آیَهٍ کَرِیمَهٍ مُحْکَمَهٍ وَ شِفَاءٍ وَ رَحْمَهٍ وَ عُوذَهٍ وَ بَرَکَهٍ وَ بِالتَّوْرَاهِ وَ الْإِنْجِیلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْقُرْآنِ الْعَظِیمِ وَ بِصُحُفِ إِبْرَاهِیمَ وَ مُوسَی وَ بِکُلِّ کِتَابٍ أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بِکُلِّ رَسُولٍ أَرْسَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بِکُلِّ بُرْهَانٍ أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بِآلَاءِ اللَّهِ وَ عِزَّهِ اللَّهِ وَ قُدْرَهِ اللَّهِ وَ جَلَالِ اللَّهِ وَ قُوَّهِ اللَّهِ وَ عَظَمَهِ اللَّهِ

وَ سُلْطَانِ اللَّهِ وَ مَنَعَهِ اللَّهِ وَ مَنِّ اللَّهِ وَ حِلْمِ اللَّهِ وَ عَفْوِ اللَّهِ وَ غُفْرَانِ اللَّهِ وَ مَلَائِكَهِ اللَّهِ وَ كُتُبِ اللَّهِ وَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِ اللَّهِ وَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله.

وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ غَضَبِ اللَّهِ وَ عِقَابِهِ وَ سَخَطِ اللَّهِ وَ نَكَالِهِ وَ مِنْ نَقِمَتِهِ وَ إِعْرَاضِهِ وَ صُدُودِهِ وَ خِذْلَانِهِ وَ مِنَ الْكُفْرِ وَ النِّفَاقِ وَ الْحَيْرَهِ وَ الشِّرْكِ وَ الشَّكِّ فِي دِينِ اللَّهِ وَ مِنْ شَرِّ يَوْمِ الْحَشْرِ وَ النُّشُورِ وَ الْمَوْقِفِ وَ الْحِسَابِ وَ مِنْ شَرِّ كِتَابٍ قَدْ سَبَقَ وَ مِنْ زَوَالِ النِّعْمَهِ وَ حُلُولِ النِّقْمَهِ وَ تَحَوُّلِ الْعَافِيَهِ وَ مُوجِبَاتِ الْهَلَكَهِ وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ وَ الْفَضِيحَهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ هَوًى مُرْدٍ وَ قَرِينِ سَوْءٍ مُكْدٍ(۱)

وَ جَارٍ مُوذٍ وَ غِنًى مُطْغٍ وَ فَقْرٍ مُنْسٍ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَ صَلَاهٍ لَا تَنْفَعُ وَ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ وَ بَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَ مِنْ نَصَبٍ وَ اجْتِهَادٍ يُوجِبَانِ الْعَذَابَ وَ مِنْ مَرَدٍّ إِلَى النَّارِ وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي النَّفْسِ وَ الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ وَ عِنْدَ مُعَايَنَهِ مَلَكِ الْمَوْتِ عليه السلام.

وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّهٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ وَ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَهِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَهِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَ جُنُودِهِ وَ أَشْيَاعِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ مِنْ شَرِّ السَّلَاطِينِ وَ أَتْبَاعِهِمْ وَ مِنْ شَرِّ ما يَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَ ما يَعْرُجُ فِيها وَ مِنْ شَرِّ ما يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ ما يَخْرُجُ مِنْها وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سُقْمٍ وَ آفَهٍ وَ غَمٍّ وَ هَمٍّ وَ فَاقَهٍ وَ عُدْمٍ وَ مِنْ شَرِّ مَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مِنْ شَرِّ الْفُسَّاقِ وَ الْفُجَّارِ وَ الذُّعَّارِ وَ الْحُسَّادِ وَ الْأَشْرَارِ وَ السُّرَّاقِ وَ اللُّصُوصِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّهٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْتَجِزُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْ ءٍ خَلَقْتَهُ وَ أَحْتَرِسُ بِكَ مِنْهُمْ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنَ الْحَرَقِ وَ الْغَرَقِ وَ الشَّرَقِ وَ الْهَدْمِ وَ الْخَسْفِ وَ الْمَسْخِ وَ الْحِجَارَهِ وَ الصَّيْحَهِ وَ الزَّلَازِلِ وَ الْفِتَنِ وَ الْعَيْنِ وَ الصَّوَاعِقِ وَ الْجُنُونِ وَ الْجُذَامِ وَ الْبَرَصِ وَ الْأَمْرَاضِ وَ الْآفَاتِ

۱- ۱. مله خ ل.

وَ الْمُصِيبَاتِ وَ الْعَاهَاتِ وَ أَكْلِ السَّبُعِ وَ مِيتَهِ السَّوْءِ وَ جَمِيعِ أَنْوَاعِ الْبَلَايَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ الْمَلَائِكَهُ الْمُقَرَّبُونَ وَ الْأَنْبِيَاءُ الْمُرْسَلُونَ وَ خَاصَّهً مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ بِهِ مُحَمَّدٌ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صلى الله عليه و آله أَسْأَلُكَ أَنْ تُعْطِيَنِي مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلُوا وَ أَنْ تُعِيذَنِي مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذُوا وَ أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَ آجِلِهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَ مَا لَمْ أَعْلَمْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ وَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ وَ ما تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ وَ ما شاءَ اللَّهُ وَ أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ مَا صَبْرِي إِلَّا بِاللَّهِ وَ نِعْمَ الْقَادِرُ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْمَوْلَى اللَّهُ وَ نِعْمَ النَّصِيرُ اللَّهُ وَ لَا يَأْتِي بِالْحَسَنَاتِ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا يَصْرِفُ السَّيِّئَاتِ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا يَسُوقُ الْخَيْرَ إِلَّا اللَّهُ وَ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ بِيَدِ اللَّهِ وَ أَسْتَكْفِي اللَّهَ بِاللَّهِ وَ أَسْتَغْنِي بِاللَّهِ وَ أَسْتَقِيلُ اللَّهَ وَ أَسْتَغِيثُ بِاللَّهِ وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ عَلَى رُسُلِ اللَّهِ وَ مَلَائِكَهِ اللَّهِ وَ عَلَى الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمانَ وَ إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَ أْتُونِي مُسْلِمِينَ كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ لا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِما يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيراً إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكافِرِينَ كُلَّما أَوْقَدُوا ناراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ قُلْنا يا نارُ كُونِي بَرْداً وَ سَلاماً عَلى إِبْراهِيمَ وَ زادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصْطَهً فَاذْكُرُوا آلاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصِيراً وَ قَرَّبْناهُ نَجِيًّا وَ رَفَعْناهُ مَكاناً عَلِيًّا سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدًّا وَ أَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّهً مِنِّي وَ لِتُصْنَعَ عَلى عَيْنِي إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلى مَنْ يَكْفُلُهُ فَرَجَعْناكَ إِلى أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُها وَ لا تَحْزَنَ وَ قَتَلْتَ نَفْساً فَنَجَّيْناكَ مِنَ الْغَمِّ وَ فَتَنَّاكَ فُتُوناً لا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ لا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلى لا تَخافُ دَرَكاً وَ لا تَخْشى لا تَخافا إِنَّنِي مَعَكُما أَسْمَعُ وَ أَرى لا تَخَفْ ... إِنَّا مُنَجُّوكَ

وَ أَهْلَكَ وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْراً عَزِيزاً وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْ ءٍ قَدْراً فَوَقاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذلِكَ الْيَوْمِ وَ لَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَ سُرُوراً وَ يَنْقَلِبُ إِلى أَهْلِهِ مَسْرُوراً وَ رَفَعْنا لَكَ ذِكْرَكَ يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ رَبَّنا أَفْرِغْ عَلَيْنا صَبْراً وَ ثَبِّتْ أَقْدامَنا وَ انْصُرْنا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرِينَ الَّذِينَ قالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزادَهُمْ إِيماناً وَ قالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ رَبَّنا ظَلَمْنا أَنْفُسَنا وَ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنا وَ تَرْحَمْنا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخاسِرِينَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذابَها كانَ غَراماً إِنَّها ساءَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقاماً رَبَّنا ما خَلَقْتَ هذا باطِلًا سُبْحانَكَ فَقِنا عَذابَ النَّارِ وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيراً وَ ما لَنا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَ قَدْ هَدانا سُبُلَنا وَ لَنَصْبِرَنَّ عَلى ما آذَيْتُمُونا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ إِنَّما أَمْرُهُ إِذا أَرادَ شَيْئاً أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ أَ وَ مَنْ كانَ مَيْتاً فَأَحْيَيْناهُ وَ جَعَلْنا لَهُ نُوراً يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ أَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ ما فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ما أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَ نَجْعَلُ لَكُما سُلْطاناً فَلا يَصِلُونَ إِلَيْكُما بِآياتِنا أَنْتُما وَ مَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغالِبُونَ عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنا وَ بَيْنَ قَوْمِنا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفاتِحِينَ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ ما مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّي عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ فَسَتَذْكُرُونَ ما أَقُولُ لَكُمْ وَ أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبادِ حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ الم اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الم ذلِكَ الْكِتابُ

لا رَيْبَ فِيهِ هُدىً لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلاهَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَهٌ وَ لا نَوْمٌ لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ ما بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ وَ لا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِما شاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ لا يَؤُدُهُ حِفْظُهُما وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ لا إِكْراهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقى لَا انْفِصامَ لَها وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِكَهُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلامُ قُلِ اللَّهُمَّ مالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهارِ وَ تُولِجُ النَّهارَ فِي اللَّيْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَهً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ ما عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنا لَغَفُورٌ شَكُورٌ الَّذِي أَحَلَّنا دارَ الْمُقامَهِ مِنْ فَضْلِهِ لا يَمَسُّنا فِيها نَصَبٌ وَ لا يَمَسُّنا فِيها لُغُوبٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لِهذا وَ ما كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللَّهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنا عَلى كَثِيرٍ مِنْ عِبادِهِ الْمُؤْمِنِينَ فَقُطِعَ دابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّماواتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعالَمِينَ وَ لَهُ الْكِبْرِياءُ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَسُبْحانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ وَ لَهُ الْحَمْدُ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ يُحْيِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَ كَذلِكَ تُخْرَجُونَ فَسُبْحانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ فِي سِتَّهِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوى عَلَى

الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثاً وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِأَمْرِهِ أَلا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِينَ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعاً وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ وَ لا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها وَ ادْعُوهُ خَوْفاً وَ طَمَعاً إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ وَ الَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَ يَسْقِينِ وَ إِذا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ وَ الَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ وَ الَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ رَبِّ هَبْ لِي حُكْماً وَ أَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ وَ اجْعَلْ لِي لِسانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ وَ اغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كانَ مِنَ الضَّالِّينَ وَ لا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ يَوْمَ لا يَنْفَعُ مالٌ وَ لا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ جَعَلَ الظُّلُماتِ وَ النُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ وَ الصَّافَّاتِ صَفًّا فَالزَّاجِراتِ زَجْراً فَالتَّالِياتِ ذِكْراً إِنَّ إِلهَكُمْ لَواحِدٌ رَبُّ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ ما بَيْنَهُما وَ رَبُّ الْمَشارِقِ إِنَّا زَيَّنَّا السَّماءَ الدُّنْيا بِزِينَةٍ الْكَواكِبِ وَ حِفْظاً مِنْ كُلِّ شَيْطانٍ مارِدٍ لا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ الْأَعْلى وَ يُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ جانِبٍ دُحُوراً وَ لَهُمْ عَذابٌ واصِبٌ إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَأَتْبَعَهُ شِهابٌ ثاقِبٌ يا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطارِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ فَانْفُذُوا لا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطانٍ فَبِأَيِّ آلاءِ رَبِّكُما تُكَذِّبانِ يُرْسَلُ عَلَيْكُما شُواظٌ مِنْ نارٍ وَ نُحاسٌ فَلا تَنْتَصِرانِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ فاطِرِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ جاعِلِ الْمَلائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنى وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ ما يَشاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلى كُلِّ شَيْ‌ءٍ قَدِيرٌ ما يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلا مُمْسِكَ لَها وَ ما يُمْسِكْ فَلا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ واسِعٌ عَلِيمٌ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَةٌ

لِلْمُؤْمِنِينَ.

وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجاباً مَسْتُوراً وَ جَعَلْنا عَلى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِذا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلى أَدْبارِهِمْ نُفُوراً أَ فَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلى عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلى بَصَرِهِ غِشاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَ فَلا تَذَكَّرُونَ أُولئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلى قُلُوبِهِمْ وَ سَمْعِهِمْ وَ أَبْصارِهِمْ وَ أُولئِكَ هُمُ الْغافِلُونَ وَ جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لا يُبْصِرُونَ: وَ ما تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ وَ لا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ لا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ وَ قالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنا مَكِينٌ أَمِينٌ وَ خَشَعَتِ الْأَصْواتُ لِلرَّحْمنِ فَلا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْساً فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ ما مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّي عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ إِلهُكُمْ إِلهٌ واحِدٌ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِيمُ ذلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ خالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ قُلْ هُوَ رَبِّي لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ مَتابِ يا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّماءِ وَ الْأَرْضِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ذلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِينَ هُوَ الْحَيُّ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا رَبَّنا أَفْرِغْ عَلَيْنا صَبْراً وَ ثَبِّتْ أَقْدامَنا وَ انْصُرْنا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرِينَ لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنى يُسَبِّحُ

لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَ مِنْ شَرِّ غاسِقٍ إِذا وَقَبَ وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثاتِ فِی الْعُقَدِ وَ مِنْ شَرِّ حاسِدٍ إِذا حَسَدَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِکِ النَّاسِ إِلهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْواسِ الْخَنَّاسِ الَّذِی یُوَسْوِسُ فِی صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّهِ وَ النَّاسِ اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَ بِی شَرّاً أَوْ بِأَهْلِی شَرّاً أَوْ بَأْساً أَوْ ضَرّاً فَاقْمَعْ رَأْسَهُ وَ اصْرِفْ عَنِّی سُوءَهُ وَ مَکْرُوهَهُ وَ اعْقِدْ عَنِّی لِسَانَهُ وَ احْبِسْ کَیْدَهُ وَ ارْدُدْ عَنِّی إِرَادَتَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا هَدَیْتَنَا بِهِ مِنَ الْکُفْرِ أَفْضَلَ مَا صَلَّیْتَ عَلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ(۱) کَمَا ذَکَرَکَ الذَّاکِرُونَ وَ اغْفِرْ لَنَا وَ لِآبَائِنَا وَ لِأُمَّهَاتِنَا وَ ذُرِّیَّاتِنَا وَ جَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِینَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْیَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ وَ تَابِعْ بَیْنَنَا وَ بَیْنَهُمْ بِالْخَیْرَاتِ إِنَّکَ مُجِیبُ الدَّعَوَاتِ وَ مُنْزِلُ الْبَرَکَاتِ وَ دَافِعُ السَّیِّئَاتِ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْدِعُکَ دِینِی وَ دُنْیَایَ وَ أَهْلِی وَ أَوْلَادِی وَ عِیَالِی وَ أَمَانَتِی وَ جَمِیعَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ فَإِنَّهُ لَا تَضِیعُ صَنَائِعُکَ وَ لَا تَضِیعُ وَدَائِعُکَ وَ لَا یُجِیرُنِی مِنْکَ أَحَدٌ اللَّهُمَ رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً وَ فِی الْآخِرَهِ حَسَنَهً وَ قِنا عَذابَ النَّارِ إِلَی هُنَا وَ الزِّیَادَهُ عَلَی هَذَا مِنَ الْکِتَابِ فَإِنِّی أَرْجُوکَ وَ لَا أَرْجُو أَحَداً سِوَاکَ فَإِنَّکَ اللَّهُ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ اللَّهُمَّ أَدْخِلْنِی الْجَنَّهَ وَ نَجِّنِی مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَ ذُکِرَ فِی النُّسْخَهِ الَّتِی نُقِلَ مِنْهَا إِلَی هَاهُنَا آخِرُ الدُّعَاءِ وَ الزِّیَادَهُ مِنْ کِتَابِ النُّسْخَهِ الَّتِی نُقِلَ مِنْهَا(۲).

أَقُولُ وَجَدْتُ بِخَطِّ الشَّیْخِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْجُبَعِیِّ رَحِمَهُ اللَّهُ نَقْلًا مِنْ خَطِّ الشَّهِیدِ مُحَمَّدِ بْنِ مَکِّیٍّ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ لِلصَّادِقِ علیه السلام وَ قَدْ کَانَ فِیهِ أَدْعِیَهٌ لِلْکَاظِمِ

ص: ۳۰۷

۱- ۱. کلما ظ.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۲۴۷- ۲۶۰.

وَ الرِّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَيْضاً وَ هَذَا لَفْظُهُ هَذِهِ مِنْ دَعَوَاتِ مَوْلَانَا الْإِمَامِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ علیه السلام فِی دَخَلَاتِهِ عَلَی الْمَنْصُورِ وَ قَدْ ذَکَرَ صَاحِبُ الِاسْتِدْرَاکِ مِنْهَا ثَلَاثاً وَ عِشْرِینَ وَ هُوَ یَرْوِی عَنِ الشَّیْخِ أَبِی الْقَاسِمِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ قُولَوَیْهِ وَ طَبَقَتِهِ وَ عَنْ جَمَاعَهٍ بِمِصْرَ وَ خُرَاسَانَ وَ قَدْ کَانَ فِی الرِّوَایَهِ تَهَدُّدُ الْمَنْصُورِ لَهُ بِالْقَتْلِ وَ مُشَافَهَتُهُ بِهِ بَعْضَ الْأَحْیَانِ: دُعَاؤُهُ عَلَیْهِ السَّلَامُ لَمَّا قَدِمَ إِبْرَاهِیمُ بْنُ جَبَلَهَ إِلَی الْمَدِینَهِ عَنِ الْمَنْصُورِ وَ أَبْلَغَهُ رِسَالَتَهُ اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِی فِی کُلِّ کَرْبٍ إِلَی آخِرِ مَا مَرَّ بِرِوَایَهِ السَّیِّدِ ثُمَّ قَالَ دُعَاؤُهُ علیه السلام عِنْدَ خُرُوجِهِ إِلَیْهِ لِلرُّکُوبِ اللَّهُمَّ بِکَ أَسْتَفْتِحُ إِلَی آخِرِ الدُّعَاءِ ثُمَّ قَالَ لَمَّا دَخَلَ الْکُوفَهَ وَ صَلَّی رَکْعَتَیْنِ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ إِلَی آخِرِ الدُّعَاءِ ثُمَّ قَالَ دُعَاؤُهُ علیه السلام وَ قَدْ أَخَذَ بِمَجَامِعِ سِتْرِ الْمَنْصُورِ وَ کَانَ أَمَرَ الْمُسَیَّبَ بْنَ زُهَیْرٍ بِقَتْلِهِ إِذَا دَخَلَ یَا إِلَهَ جَبْرَئِیلَ إِلَی قَوْلِهِ تَوَلَّنِی فِی هَذِهِ الْغَدَاهِ وَ لَا تُسَلِّطْهُ عَلَیَّ وَ لَا عَلَی أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ بِشَیْ ءٍ لَا طَاقَهَ لِی بِهِ ثُمَّ قَالَ دُعَاؤُهُ علیه السلام عِنْدَ نَظَرِهِ إِلَی الْمَنْصُورِ وَ رَوَاهُ عَنْ جَدِّهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّ جَبْرَئِیلَ أَهْدَاهُ إِلَی عَلِیٍّ علیه السلام لَیْلَهَ الْأَحْزَابِ لِدَفْعِ الشَّیْطَانِ وَ السُّلْطَانِ وَ الْغَرَقِ وَ الْحَرَقِ وَ الْهَدْمِ وَ السَّبُعِ وَ اللِّصِّ فَصُرِفَ عَنْهُ کَیْدُ الْمَنْصُورِ وَ اعْتَذَرَ إِلَیْهِ وَ حَبَاهُ اللَّهُمَّ احْرُسْنَا بِعَیْنِکَ الَّتِی لَا تَنَامُ إِلَی آخِرِ الدُّعَاءِ ثُمَّ قَالَ تَحْمِیدُهُ علیه السلام عِنْدَ انْصِرَافِهِ عَنْهُ مُکَرَّماً الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَدْعُوهُ فَیُجِیبُنِی إِلَی آخِرِ الدُّعَاءِ ثُمَّ قَالَ دُعَاؤُهُ علیه السلام فِی دَخْلَهٍ أُخْرَی فَأَکْرَمَهُ رَوَاهُ وَلَدُهُ مُوسَی علیه السلام اللَّهُمَّ یَا خَالِقَ الْخَمْسَهِ وَ رَبَّ الْخَمْسَهِ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ الْخَمْسَهِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَصْرِفَ أَذِیَّتَهُ وَ مَعَرَّتَهُ عَنِّی وَ تَرْزُقَنِی مَعْرُوفَهُ وَ مَوَدَّتَهُ.

ص: ۳۰۸

دُعَاؤُهُ علیه السلام فِی دَخْلَهٍ أُخْرَی عَلَیْهِ رَوَاهُ الْفَضْلُ بْنُ الرَّبِیعِ وَ أَخْبَرَهُ أَنَّهُ أَمَانٌ مِنَ الْغَرَقِ وَ الْحَرَقِ وَ الْأَعْدَاءِ وَ أَنَّهُ نَزَلَ بِهِ جَبْرَئِیلُ علیه السلام یَوْمَ الْأَحْزَابِ جَمَعْتُهُ مِنْ رِوَایَاتٍ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ إِلَی سَرِیعُ الْحِساب (۱) اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِنُورِ قُدْسِکَ وَ عَظَمَهِ طَهَارَتِکَ وَ تَزْکِیَهِ جَلَالِکَ مِنْ کُلِّ آفَهٍ وَ عَاهَهٍ وَ طَارِقِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ إِلَّا طَارِقاً یَطْرُقُ بِخَیْرٍ اللَّهُمَّ أَنْتَ عِیَاذِی فَبِکَ أَعُوذُ وَ أَنْتَ مَلَاذِی فَبِکَ أَلُوذُ یَا مَنْ ذَلَّتْ لَهُ رِقَابُ الْجَبَابِرَهِ وَ خَضَعَتْ لَهُ مَغَالِیظُ الْفَرَاعِنَهِ أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِکَ وَ کَرَمِ جَلَالِکَ مِنْ خِزْیِکَ وَ کَشْفِ سِتْرِکَ وَ نِسْیَانِ ذِکْرِکَ وَ الْإِضْرَابِ عَنْ شُکْرِکَ أَنَا فِی کَنَفِکَ مِنْ لَیْلِی وَ نَهَارِی وَ نَوْمِی وَ قَرَارِی وَ ظَعْنِی وَ اسْتِقْرَارِی ذِکْرُکَ شِعَارِی وَ ثَنَاؤُکَ دِثَارِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تَنْزِیهاً لِوَجْهِکَ وَ کَرَماً لِسُبُحَاتِ وَجْهِکَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَجِرْ لِی کَنَفَکَ وَ قِنِی شَرَّ عَذَابِکَ وَ اضْرِبْ عَلَیَّ سُرَادِقَاتِ حِفْظِکَ وَ وَقِّ رُوعِی بِحُرْمَتِکَ وَ احْفَظْ عِنَایَتَکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَ وَقِّ رَوْعَتِی بِخَیْرٍ وَ أَمْنٍ وَ سَتْرٍ وَ حِفْظٍ مِنْکَ سُبْحَانَکَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ الرَّمْلِ وَ الْحَصَی سُبْحَانَکَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ قَطَرَاتِ مَاءِ الْبِحَارِ سُبْحَانَکَ وَ لَکَ الْحَمْدُ عَدَدَ قَطَرَاتِ الْأَمْطَارِ سُبْحَانَکَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا أَحْصَاهُ الْمُحْصُونَ وَ تَکَلَّمَ بِهِ الْمُتَکَلِّمُونَ وَ فَوْقَ ذَلِکَ وَ قَدْرَ ذَلِکَ إِلَی مُنْتَهَی قُدْرَتِکَ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَام.

دُعَاؤُهُ علیه السلام فِی دَخْلَهٍ أُخْرَی رَوَاهُ الرَّبِیعُ: وَ قَدْ أَغْلَظَ لَهُ الْقَوْلَ وَ جَذَبَ السَّیْفَ إِلَی آخِرِهِ فَأَکْرَمَهُ: اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِعَیْنِکَ الَّتِی لَا تَنَامُ وَ بِرُکْنِکَ الَّذِی لَا یُضَامُ وَ بِقُدْرَتِکَ عَلَی خَلْقِکَ وَ بِاخْتِصَاصِکَ نَبِیَّکَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله أَنْتَ الْمُنْجِی مِنَ الْهَلَکَاتِ أَتَقَرَّبُ إِلَیْکَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ أَدْرَأُ بِکَ فِی نَحْرِهِ فَاکْفِنِیهِ یَا کَافِیَ مُحَمَّدٍ الْأَحْزَابَ وَ إِبْرَاهِیمَ النُّمْرُودَ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّی لَا أُشْرِکُ بِهِ شَیْئاً حَسْبِیَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِینَ حَسْبِیَ الرَّبُّ مِنَ

۱- ۱. آل عمران ص ۱۸- ۱۹.

الْمَرْبُوبِينَ حَسْبِیَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِینَ حَسْبِی مَنْ لَمْ یَزَلْ حَسْبِی حَسْبِی ثُمَّ هُوَ حَسْبِی وَ حَسْبِیَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِیلُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ اللَّهُمَّ احْرُسْنِی بِعَیْنِكَ الَّتِی لَا تَنَامُ وَ احْفَظْنِی بِرُكْنِكَ الَّذِی لَا یُرَامُ وَ بِقُدْرَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ اللَّهُمَّ لَا أَهْلِكُ وَ أَنْتَ رَجَائِی أَنْتَ أَجَلُّ وَ أَكْبَرُ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ بِاللَّهِ أَسْتَفْتِحُ وَ بِاللَّهِ أَسْتَنْجِحُ وَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله أَثِقُ اللَّهُمَّ رَبَّ جَبْرَئِیلَ وَ مِیكَائِیلَ فَإِنِّی أَدْرَأُ بِكَ فِی نَحْرِهِ وَ أَسْتَعِینُ بِكَ عَلَیْهِ فَاكْفِنِیهِ یَا كَافِیَ مُوسَى فِرْعَوْنَ وَ یَا كَافِیَ مُحَمَّدٍ الْأَحْزَابَ.

دُعَاؤُهُ علیه السلام فِی دَخْلَهٍ أُخْرَى رَوَاهُ عَنِ السَّیِّدِ زَیْدٍ الْعَلَوِیِّ الْعُرَیْضِیِّ بِمِصْرَ: یَا مَنْ لَا یُضَامُ وَ لَا یُرَامُ یَا مَنْ تَوَاصَلَتْ بِهِ الْأَرْحَامُ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الَّذِینَ حَقُّهُمْ عَلَیْكَ مِنْ فَضْلِ حَقِّكَ عَلَیْهِمْ یَا حَافِظَ الْغُلَامَیْنِ لِصَلَاحِ أَبِیهِمَا احْفَظْنِی لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله.

قَالَ الْمُؤَلِّفُ یَنْبَغِی إِذَا قَالَ الدَّاعِی احْفَظْنِی لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنْ یَقُولَ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ الطَّاهِرِینَ لِأَنَّهُ لَا وُصُولَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ إِلَّا بِأَهْلِ بَیْتِهِ وَ لَا وُصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا بِنَبِیِّهِ صلی الله علیه و آله وَ لِأَنَّا لَسْنَا لَهُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِمْ.

دُعَاؤُهُ علیه السلام فِی دَخْلَهٍ أُخْرَى رُوِیَ أَنَّهُ عَلَّمَهُ إِیَّاهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِی مَنَامِهِ: اللَّهُمَّ قَدْ أَكْدَى الطَّلَبُ وَ أَعْیَتِ الْحِیلَهُ إِلَّا إِلَیْكَ وَ دَرَسَتِ الْآمَالُ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ وَ خَابَتِ الثِّقَهُ وَ أَخْلَفَ الظَّنُّ إِلَّا بِكَ وَ كَذَبَتِ الْأَلْسُنُ وَ أُخْلِفَتِ الْعِدَاتُ إِلَّا عِدَتَكَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَیْكَ مُشْرَعَهً وَ مَنَاهِلَ الدُّعَاءِ(۱) لَكَ مُفَتَّحَهً(۲)

وَ أَجِدُكَ لِدُعَاتِكَ بِمَوْضِعِ إِجَابَهٍ وَ لِلصَّارِخِ إِلَیْكَ بِمَرْصَدِ إِغَاثَهٍ وَ أَنَّ فِی اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ مِنَ الرِّضَا بِضَمَانِكَ عِوَضاً مِنْ مَنْعِ الْبَاخِلِینَ وَ مَنْدُوحَهً عَمَّا فِی أَیْدِی الْمُسْتَأْثِرِینَ وَ أَعْلَمُ أَنَّكَ لَا تَحْجُبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ فَاعْلَمْ أَنَّ أَفْضَلَ زَادِ الرَّاحِلِ إِلَیْكَ عَزْمُ الْإِرَادَهِ وَ خُضُوعُ الِاسْتِغَاثَهِ وَ قَدْ نَاجَاكَ بِعَزْمِ الْإِرَادَهِ وَ خُضُوعِ الِاسْتِكَانَهِ قَلْبِی فَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِكُلِّ دَعْوَهٍ دَعَاكَ بِهَا رَاجٍ بَلَّغْتَهُ بِهَا أَمَلَهُ أَوْ صَارِخٌ أَغَثْتَ صَرْخَتَهُ أَوْ مَلْهُوفٌ مَكْرُوبٌ فَرَّجْتَ عَنْهُ (۳)

۱- ۱. الرجاء خ ل.

۲- ۲. مترعه خ ل.

۳- ۳. كربته، أو غنی أتممت نعمك علیه، أو فقیر أهدیت إلیه غناك.

وَ لِتِلْکَ الدَّعْوَهِ عَلَیْکَ حَقٌّ وَ عِنْدَکَ مَنْزِلَهٌ إِلَّا صَلَّیْتَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ خَلَّصْتَنِی مِنْ کُلِّ مَکْرُوهٍ وَ فَعَلْتَ بِی کَذَا وَ کَذَا.

دُعَاؤُهُ علیه السلام فِی دَخْلَهٍ أُخْرَی: اللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ وَ إِلَیْکَ الْمُشْتَکَی وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ الْقَدِیمُ وَ الْآخِرُ الدَّائِمُ وَ الدَّیَّانُ یَوْمَ الدِّینِ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ بِلَا مُغَالَبَهٍ وَ تُعْطِی مَنْ تَشَاءُ بِلَا مَنٍّ وَ تَقْضِی مَا تَشَاءُ بِلَا ظُلْمٍ وَ تُدَاوِلُ الْأَیَّامَ بَیْنَ النَّاسِ وَ یَرْکَبُونَ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ وَ أَسْأَلُکَ مِنْ خَیْرِکَ خَیْرَ مَا أَرْجُو وَ مَا لَا أَرْجُو وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا أَحْذَرُ وَ مَا لَا أَحْذَرُ إِنْ خَذَلْتَ فَبَعْدَ تَمَامِ الْحُجَّهِ وَ إِنْ عَصَمْتَ فَتَمَامُ النِّعْمَهِ یَا صَاحِبَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله یَوْمَ حُنَیْنٍ وَ یَا صَاحِبَ عَلِیٍّ یَوْمَ صِفِّینَ وَ یَا مُبِیرَ الْجَبَّارِینَ وَ یَا عَاصِمَ النَّبِیِّینَ أَسْأَلُکَ بِیس وَ الْقُرْآنِ الْحَکِیمِ وَ أَسْأَلُکَ بِطه وَ الْقُرْآنِ الْعَظِیمِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ تَرْزُقَنِی تَأْیِیداً تَرْبِطُ بِهِ أجاشی [جَأْشِی] وَ تَسُدُّ بِهِ خَلَلِی وَ أدروؤک [أَدْرَأُ بِکَ] فِی نُحُورِ الْأَعْدَاءِ یَا کَرِیمُ هَا أَنَا ذَا فَاصْنَعْ بِی مَا شِئْتَ لَنْ یُصِیبَنِی إِلَّا مَا کَتَبْتَ لِی أَنْتَ حَسْبِی وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ وَ أُفَوِّضُ أَمْرِی إِلَی اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِیرٌ بِالْعِبادِ ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ.

دُعَاؤُهُ علیه السلام فِی دَخْلَهٍ أُخْرَی رَوَاهُ عَنْ جَدِّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ هِیَ السَّبْعُ الْکَلِمَاتُ الْمُنَزَّلَهُ عَلَیْهِ مَعَ السَّبْعِ الْمَثَانِی: اللَّهُمَّ یَا کَافِیَ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ لَا یَکْفِی مِنْهُ شَیْ ءٌ یَا رَبَّ کُلِّ شَیْ ءٍ اکْفِنَا کُلَّ شَیْ ءٍ حَتَّی لَا یَضُرَّ مَعَ اسْمِکَ شَیْ ءٌ.

دُعَاؤُهُ علیه السلام فِی دَخْلَهٍ أُخْرَی عَقِیبَ صَلَاهِ أَرْبَعِ رَکَعَاتٍ قَالَهُ ثَلَاثاً اللَّهُمَّ یَا کَافِیَ مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ لَا یَکْفِی مِنْکَ شَیْ ءٌ اکْفِنِی عَادِیَهَ فُلَانٍ.

دُعَاؤُهُ علیه السلام عَلَی النَّجَفِ عَقِیبَ الصَّلَاهِ وَ کَانَ قَدْ اسْتَدْعَاهُ الْمَنْصُورُ إِلَی الْکُوفَهِ وَ وَقَّعَ بِدَمِهِ یَا نَاصِرَ الْمَظْلُومِینَ الْمَبْغِیِّ عَلَیْهِمْ یَا حَافِظَ الْغُلَامَیْنِ لِأَبِیهِمَا

ص: ۳۱۱

احْفَظْنِي الْيَوْمَ لِآبَائِي مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ بَيْنَ عَيْنَيْهِ بِاللَّهِ أَسْتَفْتِحُ وَ بِهِ أَسْتَنْجِحُ وَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله أَتَوَجَّهُ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ.

قَالَ الْمُؤَلِّفُ لِيَقُلِ الدَّاعِي احْفَظْنِي الْيَوْمَ بِآبَاءِ مَوْلَايَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ إِلَى آخِرِهِمْ.

دُعَاؤُهُ علیه السلام فِي دَخْلَةٍ أُخْرَى وَ قَدْ أُمِرَ بِضَرْبِ عُنُقِهِ عِنْدَ رَفْعِ رَأْسِهِ اللَّهُمَّ لَا يَكْفِينِي مِنْكَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَنْتَ تَكْفِي مِنْ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ فَاكْفِنِي شَرَّ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مَا نَصَبَ لِي مِنْ حَرْبِهِ فَقَالَ الْغُلَامُ وَ اللَّهِ مَا أَبْصَرْتُكَ وَ لَقَدْ حِيلَ بَيْنِي وَ بَيْنَكَ.

دُعَاؤُهُ علیه السلام فِي دَخْلَةٍ أُخْرَى يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ خَلْقِهِ كُلِّهِ وَ لَا يَكْفِيهِ أَحَدٌ اكْفِنِي شَرَّ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ.

دُعَاؤُهُ علیه السلام عَلَّمَهُ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ لِدَفْعِ الْهَوْلِ وَ الْغَمِّ أَعْدَدْتُ لِكُلِّ عَظِيمَةٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لِكُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ مُحَمَّدٌ النُّورُ الْأَوَّلُ وَ عَلِيٌّ النُّورُ الثَّانِي وَ الْأَئِمَّةُ الْأَبْرَارُ عُدَّةٌ لِلِقَاءِ اللَّهِ وَ حِجَابٌ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ ذَلَّ كُلُّ شَيْ ءٍ لِعَظَمَهِ اللَّهِ وَ أَسْأَلُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ الْكِفَايَهَ.

دُعَاءٌ عَلَّمَهُ علیه السلام لِحَسَنِ الْعَطَّارِ وَ كَانَ قَدْ أَخَذَ السُّلْطَانُ ضِيَاعَهُ يُدْعَى بِهِ عَقِيبَ رَكْعَتَيِ الْفَجْرِ وَ الْخَدُّ الْأَيْمَنُ عَلَى الْأَرْضِ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَتَّى يَنْقَطِعَ النَّفَسُ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ حَتَّى يَنْقَطِعَ النَّفَسُ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ حَتَّى يَنْقَطِعَ النَّفَسُ ارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ حَتَّى يَنْقَطِعَ النَّفَسُ قَالَ فَفَعَلْتُ ذَلِكَ ثَلَاثَهَ أَيَّامٍ فَرُدَّ عَلَيَّ مَالِي وَ زِيدَ مِائَهَ أَلْفِ دِرْهَمٍ.

دُعَاؤُهُ علیه السلام عِنْدَ دُخُولِهِ عَلَى الْمَنْصُورِ مِنْ غَيْرِ الْكِتَابِ وَ رَوَاهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ عَلَّمَهُ عَلِيّاً علیه السلام عِنْدَ النَّائِبَهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِهِ وَ أَسْتَعِيذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَ أَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِ يَا كَافِي يَا شَافِي يَا مُعَافِي اكْفِنِي كُلَّ شَيْ ءٍ حَتَّى لَا أَخَافَ

مَعَکَ شَیْئاً.

دُعَاؤُهُ علیه السلام فِی دُخُولٍ آخَرَ عَلَیْهِ وَ کَانَ قَدْ أَمَرَ بِقَتْلِهِ فَلَقِیَهُ وَ أَمَرَ لَهُ بِثَلَاثِینَ بَدْرَةً بَعْدَ أَنْ قَامَ لَهُ وَ جَلَسَ بَیْنَ یَدَیْهِ أَهْدَاهُ جَبْرَئِیلُ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِمَا وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ یَا سَابِغَ النِّعَمِ یَا دَافِعَ النِّقَمِ یَا بَارِئَ النَّسَمِ وَ عَالِماً غَیْرَ مُعَلَّمٍ وَ عَالِماً بِجَمِیعِ الْأُمَمِ وَ یَا مُونِسَ الْمُسْتَوْحِشِینَ فِی الظُّلَمِ ادْفَعْ عَنِّی کُلَّ بَأْسٍ وَ أَلَمٍ وَ عَافِنِی مِنْ کُلِّ عَاهَةٍ وَ سُقْمٍ وَ مِنْ شَرٍّ مَنْ لَا یَخْشَاکَ مِنْ جَمِیعِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ فَسَیَکْفِیکَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ.

دُعَاءُ مَوْلَانَا الصَّادِقِ علیه السلام بِرِوَایَةٍ أُخْرَی وَ قَدْ مَرَّ بِبَعْضِ التَّغْیِیرِ وَ هَذَا ذَکَرَهُ ابْنُ أَنْجَبَ فِی تَوَارِیخِ الْأَئِمَّةِ الِاثْنَیْ عَشَرَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ: لَمَّا أَمَرَ الْمَنْصُورُ الرَّبِیعَ بِإِحْضَارِهِ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَ عَزَمَ عَلَی قَتْلِهِ فَلَمَّا بَصُرَ بِهِ قَالَ مَرْحَباً بِالنَّقِیِّ السَّاحَةِ الْبَرِیءِ مِنَ الدَّغَلِ وَ الْخِیَانَةِ أَخِی وَ ابْنِ عَمِّی وَ أَجْلَسَهُ عَلَی سَرِیرِهِ وَ سَأَلَهُ عَنْ حَالِهِ وَ حَوَائِجِهِ وَ طَیَّبَهُ بِالْغَالِیَةِ فَقَالَ الرَّبِیعُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَتَیْتُ بِکَ وَ لَا أَشُکُّ أَنَّهُ قَاتِلُکَ وَ کَانَ مِنْهُ مَا رَأَیْتَ وَ قَدْ رَأَیْتُکَ تُحَرِّکُ شَفَتَیْکَ بِشَیْءٍ عِنْدَ الدُّخُولِ فَمَا هُوَ قَالَ قُلْتُ اللَّهُمَّ احْرُسْنِی بِعَیْنِکَ الَّتِی لَا تَنَامُ وَ اکْنُفْنِی بِرُکْنِکَ الَّذِی لَا یُرَامُ وَ احْفَظْنِی بِقُدْرَتِکَ عَلَیَّ وَ لَا تُهْلِکْنِی وَ أَنْتَ رَجَائِی رَبِّ کَمْ مِنْ نِعْمَةٍ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَیَّ قَلَّ لَکَ عِنْدَهَا شُکْرِی وَ کَمْ مِنْ بَلِیَّةٍ ابْتَلَیْتَنِی بِهَا قَلَّ لَکَ عِنْدَ بَلِیَّتِی صَبْرِی فَیَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ نِعْمَتِهِ شُکْرِی فَلَمْ یَحْرِمْنِی وَ یَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ بَلِیَّتِهِ صَبْرِی فَلَمْ یَخْذُلْنِی وَ یَا مَنْ رَآنِی عَلَی الْمَعَاصِی فَلَمْ یَفْضَحْنِی یَا ذَا النَّعْمَاءِ الَّتِی لَا تُحْصَی عَدَداً وَ یَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِی لَا یَنْقَطِعُ أَبَداً أَعِنِّی عَلَی دِینِی بِدُنْیَا وَ عَلَی آخِرَتِی بِتَقْوَی وَ احْفَظْنِی فِیمَا غِبْتُ عَنْهُ وَ لَا تَکِلْنِی إِلَی نَفْسِی فِیمَا حَضَرْتُ یَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ الذُّنُوبُ وَ لَا تَنْقُصُهُ الْمَغْفِرَةُ اغْفِرْ لِی مَا لَا یَضُرُّکَ وَ أَعْطِنِی مَا لَا یَنْقُصُکَ یَا وَهَّابُ أَسْأَلُکَ لِی فَرَجاً قَرِیباً وَ صَبْراً جَمِیلًا وَ الْعَافِیَةَ مِنْ کُلِّ بَلَاءٍ وَ شُکْرَ الْعَافِیَةِ.

مِنَ الْکِتَابِ (۱): دُعَاءُ الْإِمَامِ أَبِی الْحَسَنِ الْکَاظِمِ علیه السلام تَحْتَ الْمِیزَابِ وَ رُوِیَ

۱- ۱. فی هامش نسخه الأصل مکتوب هکذا: لا بد أن یکتب فی أدعیه الکاظم علیه السلام ان شاء اللّه».

أَنَّهُ فِيهِ الِاسْمُ الْأَعْظَمُ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ ثَلَاثاً يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ ثَلَاثاً يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ ثَلَاثاً يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيَّ ثَلَاثاً يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ثَلَاثاً أَسْأَلُكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَرْبَعاً يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ثَلَاثاً أَسْأَلُكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَرَّتَيْنِ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْعَزِيزِ الْمُبِينِ ثَلَاثاً.

دُعَاؤُهُ علیه السلام فِی حَبْسِ الرَّشِيدِ فَأُطْلِقَ أَخْرَجَهُ إِلَيَّ أَبُو الْحَسَنِ الرَّازِيُّ الْمُؤَذِّنُ بِمَشْهَدِ الْحُسَيْنِ علیه السلام يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ يَا مُحْيِيَ النُّفُوسِ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ مَا لِی إِلَهٌ غَيْرُکَ فَأَدْعُوَهُ وَ لَا شَرِيکَ لَکَ فَأَرْجُوَهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ خَلِّصْنِی يَا رَبِّ مِمَّا أَنَا فِيهِ وَ مِمَّا

أَخَافُ وَ أَحْذَرُ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَمَا تُخَلِّصُ الْوَلَدَ مِنْ ضِيقِ الْمَشِيمَهِ وَ اللَّحْم (1) بِرَحْمَتِکَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ خَلِّصْنِی يَا رَبِّ مِمَّا أَنَا فِيهِ وَ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ بِمَشِيَّتِكَ وَ إِرَادَتِکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا تُخَلِّصُ الثَّمَرَهَ مِنْ بَيْنِ مَاءٍ وَ طِينٍ وَ رَمْلٍ بِقُدْرَتِكَ وَ جَلَالِكَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ خَلِّصْنِی يَا رَبِّ مِمَّا أَنَا فِيهِ وَ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَمَا تُخَلِّصُ الْبَيْضَهَ مِنْ جَوْفِ الطَّائِرِ بِعَفْوِكَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ خَلِّصْنِی يَا رَبِّ مِمَّا أَنَا فِيهِ وَ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ بِنِعْمَتِكَ وَ تَكَبُّرِكَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ خَلِّصْنِی مِمَّا أَنَا فِيهِ وَ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ بِقُوَّتِكَ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا تُخَلِّصُ الطَّائِرَ مِنْ جَوْفِ الْبَيْضَهِ بِعِزَّتِكَ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ.

دُعَاؤُهُ علیه السلام حِينَ دَخَلَ عَلَى الْمَهْدِيِّ امْتَنَعْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ أَقُولُ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

دُعَاؤُهُ علیه السلام مَحْبُوساً وَ هُوَ سَاجِدٌ يَقْلِبُ خَدَّيْهِ عَلَى التُّرَابِ يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ

۱- ۱. الرحم ظ.

وَ مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَ حَقِّكَ بَلَغَ مَجْهُودِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ فَرِّجْ عَنِّي.

دُعَاءُ(۱)

مَوْلَانَا الْإِمَامِ الرِّضَا عليه السلام وَ قَدْ غَضِبَ عَلَيْهِ الْمَأْمُونُ فَسَكَنَ بِاللَّهِ أَسْتَفْتِحُ وَ بِاللَّهِ أَسْتَنْجِحُ وَ بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله أَتَوَجَّهُ اللَّهُمَّ سَهِّلْ لِي حُزُونَهَ أَمْرِي كُلَّهُ وَ يَسِّرْ لِي صُعُوبَتَهُ إِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ وَ أَسْنَدَهُ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ مَا أَهَمَّنِي أَمْرٌ قَطُّ وَ لَا ضَاقَ عَلَيَّ مَعَاشِي قَطُّ وَ لَا بَارَزْتُ قِرْناً قَطُّ فَقُلْتُهُ إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ هَمِّي وَ غَمِّي وَ رَزَقَنِي النَّصْرَ عَلَى أَعْدَائِي هَذَا آخِرُ مَا وَجَدْنَاهُ بِخَطِّ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجُبَعِيِّ.

**[ترجمه]مهج الدعوات: می گویم در کتاب عتیق وقف مادر خلیفه ناصر که آغاز آن داستان واقعه حره است ، دیدم با اسناد آن به ابوعبد الله علیه السلام گفت: در شب قدر که بر ابو جعفر وارد شدم و او می خواست مرا بکشد، سوره قدر را خواندم. پس خداوند میان من و او مانع شد. (راوی می گوید) هنگامی که آن را خواند (منصور) به او نگریست وقتی به سوی او رفت با او مهربانی کرد. پس به ایشان گفته شد: چگونه خود را حفظ کردید؟ فرمود: با خداوند و با خواندن سوره قدر، و سپس هفت بار گفتم: یا الله، همانا من به وسیله محمد صلی الله علیه و آله از تو درخواست شفاعت می کنم که او را از من برگردانی، پس هرکس به مانند آن دچار شد باید مانند کار مرا انجام دهد. و اگر چنین نبود که ما آن را می خواندیم و شیعیانمان را به خواندن آن دستور می دادیم، مردم آنان را می ربودند، اما به خدا سوگند این پناه گاه آن هاست - . مهج الدعوات :۲۲۹ - .

و از آن جمله دعای امام صادق علیه السلام است هنگامی که منصور برای سومین بار در ربذه ایشان را فراخواند. آن را با اسناد خود از محمد بن حسن صفار با اسناد او از کتاب دعاء از ابراهیم بن جبله عن مکرمه [مخرمه] کندی نقل می کنیم که گفت: هنگامی که ابوجعفر منصور به ربذه رسید و جعفر بن محمد علیهما السلام نیز در آن روز آن جا بود، گفت: چه کسی عذر ابوجعفر را از من می خواهد که یک پایش را پیش گذاشته و دیگری را عقب تر داشته - . یعنی او با محمد بن عبد الله بن حسن (و او بر منصور قیام کرده بود به این عنوان که او مهدی و نفس زکیه است) در برخی مسائل موافق است و او را تشویق به قیام کرده و در ظاهر از او دوری می کند، یا مردم را از اطراف ما منحرف می کند و با او در قیام موافق نیست. [می گوید] یعنی امام صادق علیه السلام: از محمد بن عبد الله بن حسن بیزاری می جویم؛ پس اگر پیروز شود، به دلیل فراوانی پیروانم حکومت به من می رسد، چون مردم می دانند من از او داناتر و برای حکومت شایسته تر هستم. اگر هم شکست خورده و کشته شود من خود را از مرگ نجات داده ام. از اوست که خداوند رحمتش کند. - می گوید:

از محمد دوری می کنم. می گویم: یعنی محمد بن عبد الله بن حسن. پس اگر پیروز شود تنها به فرمان من خواهد بود، و اگر طور دیگری شود پس من خود را از او دور داشته ام. به خدا قسم که او را خواهم کشت. سپس به ابراهیم بن جبله ور کرد و گفت: ای ابن جبله، به سوی او برو و لباسش را بر گردنش بپیچ و او را کشان کشان نزد من آور. ابراهیم گفت: بیرون رفتم تا به خانه ایشان رسیدم، اما آن جا نبود. پس در مسجد ابوذر به دنبالشان گشتم و او را مقابل در مسجد دیدم. گفت پس شرم کردم که آن چه را به من دستور داده بود انجام دهم، پس آستین ایشان را گرفتم و گفتم: امیرمؤمنان را پاسخ بده. پس فرمود: همانا ما از آن خداییم و به سوی او بازمی گردیم. رهایم کن تا دو رکعت نماز بخوانم. سپس گریه شدید کرد و من پشت سرش بودم. سپس گفت: پروردگارا، تو در هر اندوهی پشتیبان منی و در هر سختی امیدم هستی. و تو در هر کاری که برایم پیش آید پشتوانه و مورد اطمینان من هستی. پس چه بسیار اندوهی که قلب ها از تحمل آن ناتوانند و چاره ها در آن اندک می شوند و نزدیک را خوار می کند و دشمن را شاد می سازد و کارها را بر من دشوار می کند، آن را بر تو عرضه کردم و از آن به تو شکایت آوردم، در آن به تو توجه کردم و از دیگران نومید شدم، پس آن را برطرف نمودی و گشایش دادی و مرا از آن بی نیاز کردی. پس تو صاحب هر نعمت و پاداشی و نهایت هر حاجتی هستی. سپاس فراوان و منت برتر از آن توست.

می گویم: اضافه این دعا را از مولایمان امام رضا علیه السلام یافتم: پروردگارا، نیکی ها با نعمت تو کامل می شوند، ای آن که با نیکی

شناخته شـده و با نیکی وصف می شود، از نیکی هایت به من ببخش آن چنان که مرا از نیکی های دیگران بی نیاز گردانـد. به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

سپس گفت: آن چه را به تو دسـتور داده اند انجام بده. پس گفتم: به خدا قسم چنین نمی کنم هر چند مرا به قتل رساند. پس دستش را گرفتم و بـا او رفتم، به خـدا قسم شـک نداشـتم که او را خواهـد کشت. گفت: پس هنگـامی که به پرده درگـاه رسـیدیم، گفت: ای معبود جبرئیـل و میکائیل و اسـرافیل و خدای ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و محمد صلی الله علیه و آله، در این روز عافیت مرا بر عهده گیر و هیچ یک از بندگانت را با چیزی که بر آن توانایی ندارم بر من مسلط نساز. سپس ابراهیم گفت: پس هنگامی که او را وارد کردم نشست و همان سخن را تکرار کرد. پس گفت: یـک پایت را پیش گـذاشتی و پای دیگرت را پس می کشـی، به خـدا قسم تو را خواهم کشت. پس امام گفت: ای امیرمؤمنـان، دست از من بردار و مهربان باش که به خـدا سوگنـد از زمان همراهی من با تو انـدک زمانی باقی مانـده است. پس ابو جعفر به او گفت: بـازگرد. سـپس به عیسـی بن علی رو کرد و گفت: ای ابوعبـاس، به دنبـالش برو و از او بپرس با مرگ من یا مرگ او؟ گفت: پس او به سرعت بیرون رفت تـا به امـام رسـید و گفت: امیرمؤمنـان می پرسـد: آیـا بـا مرگ شـما یا مرگ او؟ فرمود: نه، بلکه با مرگ من. پس ابوجعفر گفت: راست گفت. ابراهیم گفت: سپس بیرون رفتم و ایشان را دیدم که ایستاده و از کار من با ایشان از من سپاس گزاری می کنند و خداوند را سـپاس می گزارد و می گوید: سـپاس خداوندی را سزاست که او را خواندم و پاسخم داد، هرچند هنگامی که او مرا خواند کندی نمودم، و سپـاس خداونـدی را سـزاست که چون از او درخواست کردم به من عطـا کرد، هر چنـد به هنگـام قرض گرفتن او از من بخیـل بودم، و سـپاس مخصوص خداوندی است که سپاس از لطفش بر من واجب شده هرچند سپاس من از او اندک بوده است. و سپاس مخصوص خدایی است که مردم مرا به او واگذاردنـد و او گرامی ام داشت و مرا به آن هـا واگـذار نکرد تا خوارم کننـد. پس در میان لطف ها به لطف تو و به کفایت تو برای جانشـینی راضـی شـدم. بارالهـا، ای پروردگـارم، آن چه را دوست می داشـتم و به من بخشـیدی نیرویی برای انجام آن چه تو دوست می داری قرار بـده. خداونـدا، و آن چه را دوست داشـتم و به من نرسـید وسـیله پایداری در آن چه دوست می داری قرار بده. بارخدایا، آن چه را دوست می دارم به من عطا کن و آن را برایم خیر قرار بـده، و آن چه را دوست نمی دارم از من دور گردان و آن را برایم خیر قرار بده. خدایا، هر کاری را که از من پنهان شـده پس مرا از حفظ خودت پنهان نگردان و هر چه را از دست دادم پس یاری تو را از دست نمی دهم و آن چه را فراموش کردم پس یادت را فراموش نمی کنم. و آن چه را مالک شـدم پس از شـکر تو خسـته نمی شوم. بر تو توکل نمودم و خداوند برایم کافی است و او بهترین جانشین است - . مهج الدعوات :۲۲۹- ۲۳۱ - .

و از آن جمله دعـای امـام صـادق علیه السـلام است هنگـامی که منصور برای چهـارمین بار ایشان را به کوفه فراخوانـد. ابوربیع پرده دار گفت: منصور ابراهیم بن جبله را به مـدینه فرسـتاد تـا جعفر بن محمـد را همراه خود بیـاورد. پس ابراهیم بعـد از آوردن امام صادق علیه السـلام به من گفت: هنگامی که بر او وارد شدم و پیغام منصور را به ایشان دادم شـنیدم که می گفت: پروردگارا، در هر اندوه تو مورد اطمینان من هستی، و در هر سختی تو امید منی، و در هر بلایی که به من رسد تکیه گاهم تویی، اطمینان و نیروی من به توست. پس چه بسیار اندوهی که نیروها در آن ناتوان می شونـد و چاره ها انـدک می گردد و نزدیک را خوار می کنـد و دشـمن را به شـماتت وادار می کند، آن را به تو عرضه کردم و شکایت آن را به درگاهت آوردم، به تو روی آوردم و از غیر تو بریـدم، پس آن را برطرف نمودی و گشایش دادی. تو سـرپرست هر نعمت و منتهای هر حاجتی هستی سپاس فراوان و منت برتر برای توست. پس آن گاه که مرکب ایشان را آوردند و برای سوار شدن بیرون رفت، شنیدم که می گفت: بارالها، از تو گشایش و پیروزی می طلبم، و به وسـیله محمـد صـلی الله علیه و آله به تو توجه می کنم. پروردگارا، اندوه آن را و هر انـدوهی را برایـم رام گردان، و دشـواری آن را و هر دشـواری را برایـم آسـان کـن و از خیر بـه من روزی بـده بیش تر از آن چه که به آن امیـدوارم و بـدی ها را از من برطرف کن بیش از آن چه از آن می ترسم، پس به راستی که تو هر چه را بخواهی ناپدیـد می کنی و پایدار می گردانی و ام الکتاب نزد توست. گفت: پس هنگامی که وارد کوفه شدیم، پیاده شد و دو رکعت نماز خواند، سـپس دستش را به سوی آسمان بلنـد کرد و گفت: خداونـدا، ای پروردگار آسـمان های هفت گانه و آن چه بر آن سایه افکنده و پروردگار زمین های هفت گانه و آن چه بر آن قرار گرفته، و بادها و آن چه پراکنده است، و شـیطان ها و آن چه گمراه نموده اند، و فرشـتگان و آن چه انجام داده اند. و از تو درخواست

می کنم بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و خوبی این شهر را و ساکنان آن را و آن چه برای آن پیش داشته ای نصیبم کنی، و شر آن را و آن چه در آن است و هر چه برای آن پیش داشته ای از من برطرف سازی. ربیع گفت: پس هنگامی که به حضور منصور رسید من داخل رفتم و خبر آمدن جعفر بن محمد و ابراهیم را به او دادم، پس مسیب بن زهیر ضبی را فراخواند و شمشیری به او داد و به او گفت: هنگامی که جعفربن محمد وارد شد و با او سخن گفتم و به تو اشاره کردم گردنش را بزن و مشورت نکن. پس به سوی امام بیرون رفتم و با ایشان دوست بودم و هنگامی که به حج می رفتم با ایشان رفت و آمد و ملاقات می کردم. پس گفتم: ای فرزند پیامبر خدا، این ستمگر دستور به کاری درباره شما داده است که من کراهت دارم به شما بگویم . اگر سخنی یا وصیتی دارید به من بگویید. پس گفت: تو را نترساند، اگر مرا ببیند همه این ها برطرف می‌شود. سپس پرده ها را گرفت و گفت:

ای خدای جبرئیل و میکائیل و إسرافیل و خدای ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و محمد صلی الله علیه و علیهم، در این روز سرپرست من باش و هیچ یک از بندگانت را با آن چه توانایی ندارم بر من مسلط نگردان. سپس وارد شد و زیر لب چیزی گفت که آن را نفهمیدم. پس به منصور نگریستم و شبیه آتشی بود که آبی بر آن ریخته باشند و خاموش شده است. سپس خشمش فرو نشست تا این که جعفر بن محمد علیه السلام به او و به تخت او نزدیک شد. پس منصور ایستاد و او را بر تخت نشاند و به او گفت: ای ابوعبدالله، خستگی ات برای من سخت است و تو را فراخواندم تا فقط از خاندانت به تو شکایت کنم که خویشاوندی ما را بریده اند و در دین من عیب جویی می کنند و مردم را دچار شک و تردید می کنند. و اگر کسی جز من حکومت را در دست می داشت که در خویشاوندی دورتر از من می بود از او اطاعت می کردند. پس امام گفت: ای امیرمؤمنان، چه چیز باعث شده از پیشینیان شایسته ات منحرف شوی؟ همانا ایوب مبتلا شد و شکیبایی کرد، و به یوسف ستم شد و او بخشید، و به سلیمان عطا شد و او سپاس گزاری کرد. پس منصور گفت: به راستی که شکیبایی کردم و بخشیدم و سپاس گزاردم. سپس گفت: ای ابوعبدالله، حدیثی را برایمان بگو که درباره نزدیکی با خویشان از تو شنیده ام. گفت: بله، پدرم از جدم روایت کرد که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که دوست می دارد عمرش طولانی گردد و بدنش سالم باشد باید به خویشانش نیکی کند. گفت: آن این نیست. گفت: بله، پدرم از جدم روایت کرد که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خویشاوندی را دیدم که به عرش آویخته و از کسی که او را بریده به خدا شکایت می کند. پس گفتم: ای جبرئیل، میان آن ها چه مقدار فاصله است؟ گفت: هفت نسل. پس منصور گفت: آن این نیست. امام فرمود : پدرم از جدم روایت کرد که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مردی نیکوکار که در همسایگی او مرد عاق شده ای بود در بستر مرگ افتاد. خداوند به فرشته مرگ گفت: ای فرشته مرگ، چه قدر تا زمان مرگ مرد عاق شده مانده است؟ گفت: سی سال، فرمود: آن را به این مرد نیکوکار بده. پس منصور گفت: ای غلام، مشک را برایم بیاور، پس آن را آورد. پس با دستان خود امام را خوشبو نمود و پس از آن چهار هزار درهم به ایشان داد و مرکب خود را خواست و آن را آوردند. پس می گفت: پیش بیا،

پیش بیا، تا آن که آن را نزدیک تخت آوردند. پس جعفر بن محمد علیهما السلام را سوار کرد و من مقابل ایشان می دویدم و شنیدم که می گوید: سپاس خداوندی را سزاست که او را خواندم و پاسخم داد، هرچند هنگامی که او مرا خواند کندی نمودم، و سپاس خداوندی را سزاست که چون از او درخواست کردم به من عطا کرد، هر چند به هنگام قرض گرفتن او از من بخیل بودم، و سپاس مخصوص خداوندی است که سپاس از لطفش بر من واجب شده هرچند سپاس من از او اندک بوده است. و سپاس مخصوص خدایی است که مردم مرا به او واگذاردند و او گرامی ام داشت و مرا به آن ها واگذار نکرد تا خوارم کنند. پروردگارا، در میان لطف ها برای من لطف تو کافی است و کفایت تو در جانشینی من بس است. پس گفتم: ای فرزند پیامبر خدا، این ستمگر برای هر کار کوچکی شمشیر می کشد - .[۱] یعنی او خون ریز است: برای هر کار کوچکی به قتل دستور می دهد، یا در هر زمان اندکی. - و مسیب بن زهیر را فراخوانده بود و شمشیری به او داده و به او دستور داده بود گردنت را بزند. و من دیدم هنگامی که وارد شدی، لب هایت تکان می خورد و چیزی می گفتی که من نفهمیدم. پس گفت: این جا جایش نیست. پس شب هنگام به سویش رفتم. گفت: بله،

پدرم از جدم روایت کرده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که یهودیان و فزاره و غطفان به جنگ ایشان رفتند و آن سخن خداست

که فرمود: {هنگـامی که از بالاـ و پـایین بر شـما وارد شدنـد و چشم ها از شـدت وحشت خیره شـده و جان ها به لب رسـیده بود و گمان های گوناگونی به خدا بردید} - .[۲] احزاب: ۱۰ - .

و آن روز سـخت ترین روز برای پیامبر خـدا بود، پیوسـته بیرون رفته و داخل می شدنـد و به آسـمان نگاه می کردنـد و می گفتنـد: تنگ شو و گسترده شو. سـپس نیمه های شب بیرون رفت و مردی را دیـد که مشـغول نگهبانی و جسـتجو بود . پس به حذیفه فرمود: برو و ببین او کیست. پس گفت: ای پیامبر خدا، او علی بن ابی طالب است. پس پیامبر فرمود: ای ابوالحسن، آیا نمی ترسی چشمی بر تو بیفتد؟ گفت: من جان خود را برای خدا و پیامبرش بخشیده ام و امشب برای نگهبانی از مسـلمانان بیرون آمده ام. پس سخنشان به پایان نرسیده بود که جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد، همانا خداوند به تو سلام می رساند و می گوید: جایگاه علی بن ابی طالب را در امشب دیدم و کلماتی را از نهان گاه دانشم برای او هدیه کردم که اگر به آن پناه ببرد ، هیچ شـیطان سرکش و هیچ حاکم ستمگر ، و نه آتش سوزی و نه غرق شدن و نه خرابی و نه آوار و نه حیوان درنـده ونه دزدی نیست مگر این که خداوند او را از آنها ایمن گرداند و دعا این است که بگوید: پروردگارا، با چشـمت که هرگز به خواب نرود نگهدار ما باش، و با پشتوانه ات که خمیده نگردد ما را حمایت کن، و با سلطنتت که مورد ستم قرار نمی گیرد ما را عزیز دار، و با قـدرتت بر ما رحم نما، و ما را نابود نکن که تو امیـد ما هستی. پروردگارا ، چه بسـیار نعمتی که به من عطا کردی و شـکرم در آن کم بود و چه بسـیار بلایی که مرا با آن آزمودی و صبرم در آن اندک بود . پس ای آن که شکر من در نعمت هایش کم بود و او مرا محروم نساخت، و به هنگام بلا صبرم انـدک بود و او مرا خوار نکرد، ای دارای نیکی همیشـگی که هرگز به پایان نمی رسد، و ای صاحب نعمت هایی که تعداد آن به شـماره نیایـد، از تو درخواست می کنم بر محمد و خاندان پاک او درود فرستی. به وسـیله تو دشـمنان و سـتمگران را از خود را دور می گردانم. خداوندا، به وسـیله دنیایم مرا در دینم یاری کن و با پرهیزکاری در آخرت یاری ام کن، و در آن چه از آن غایب هستم مرا حفظ کن و در آن چه نزد خود دارم مرا به خودم وامگـذار. ای آن که آمرزش چیزی از او نمی کاهـد و نافرمانی به او زیانی نمی رسانـد. از تو گشایش نزدیـک و صبری زیبـا و روزی گسترده و عـافیت از هر بلاـ و شـکر در عـافیت می خواهم، ای مهربان ترین مهربانان. ربیع گفت: به خـدا قسـم منصور تا کنون سه بار مرا فراخوانده و قصد کشتن مرا داشته و من به این کلمات پناهنده شده ام و خداوند میان او و کشتن من مانع شده است. حسن بن علی گفت: عبـاس بن عبـد العظیم گفت: هر بار که شب هنگام از دکان خود خارج می شـدم این کلمات را می خوانـدم. اما یکی از شب هـا فراموش کردم پیش از بازگشت آن را بخوانم، پس نیمه های شب که خوابیـده بودم بیـدار شـدم و به یادم آمـد که آن را نخوانـده ام. پس برخاسـتم و دکانم را با آن پناه دادم در حالی که در بستر خود خوابیـده بودم و دسـتم را گرد آن می چرخانـدم. پس وقتی روز شـد بیدار شـدم و مردی را در دکـانم دیـدم در حالی که در دکان بسـته بود. پس به او گفتم: چه می خواهی و این جا چه می کنی؟ گفت: وارد دکانت شدم تا دزدی کنم، اما هر بار می خواستم بیرون روم حصاری از آهن مانع می شد - .[۱] مهج الدعوات :۲۳۳- ۲۳۵ - .

و از آن جمله دعـای مولاـی مـا امام صادق علیه السـلام است هنگامی که منصور برای بار پنجم او را به بغـداد فراخوانـد، پیش از کشـته شـدن محمـد و ابراهیم پسـران عبـد الله بن حسن علیه السـلام، و آن را در پایـان کتـاب عتیق یـافتم: محمـد بن ربیع پرده دار گفت: امیرمؤمنان منصور روزی به قصـر خود، گنبـد سبزرنگ رفت، که پیش از کشـته شدن محمد و ابراهیم به آن قصـر سـرخ رنگ می گفتند، و روزی بود که به آن قصـر می رفت و آن روز را روز ذبح می گفتند. و جعفربن محمد علیهما السـلام را از مدینه احضار کرده بود. پس تمام روز را در قصـر سـرخ رنگ خود باقی ماند تا شب فرارسید و بیش تر شب نیز گذشت. سپس ربیع را صدا زد و به او گفت: ای ربیع، تو جایگاه خودت را نزد من می دانی و بسـیار رازهـایی را برای تو آشکار می کنم که خانواده ام از آن آگاه نیسـتند. پس گفت: گفتم ای امیرمؤمنان، این از لطف خداونـد و امیرمؤمنـان بر من است و در خیرخواهی برای حکومت نیز کسـی از من بالاـتر نیست. گفت: همین طور است. هم اکنون به نزد جعفر بن محمد فرزنـد فاطمه برو و در هر حالتی که او را یافتی نزد من بیاور و اجازه ی هیـچ تغییری به او نـده. پس گفتم: همانا ما از خـدا هستیم و به سوی او بازمی گردیم. به خـدا سوگنـد این همان نابودی است. اگر با این خشـمی که اکنون دارد امام را برایش بیاورم او را خواهد کشت، و اگر او را نیاورم و در کارش سـستی کنم مرا و همه فرزندانم را خواهد کشت و اموالم را خواهد گرفت. پس میان دنیا و آخرت مخیر شدم، پس نفسم به دنیا تمایل پیـدا کرد. محمـد بن ربیع گفت: پـدرم مرا صدا زد و من بد خلق ترین فرزندان او و سـنگدل ترین آن ها بودم، پس به من گفت: به

سوی جعفر بن محمد بن علی روانه شو و از دیوارش بالا برو و دری را بر ایشان نگشا که حالت خود را تغییر خواهد داد، بلکه یکباره براو فرود بیا و در همان حالتی که قرار دارد او را بیاور. گفت: پس رفتم در حالی که بیشتر شب گذشته بود، پس دستور دادم نردبان هایی گذاشتند و از دیوار بالا رفتم، پس وارد خانه شدم و او را دیدم که به نماز ایستاده و پیراهن و دستاری دارد که با آن خود را پوشانده است. پس هنگامی که سلام نماز را گفت، به او گفتم: امیرمؤمنان را پاسخ بده، پس گفت: رهایم کن تا دعا بخوانم و لباسم را بپوشم. گفتم: نه، راهی برای انجام این کار نیست. پس گفت: به حمام بروم و خود را پاک کنم،

گفت: گفتم: برای این کار هم راهی نیست، خود را نشوی که من اجازه هیچ تغییری به تو نمی دهم. گفت: پس او را که بیش از هفتاد سال از عمرش گذشته بود با پای برهنه و پیراهن و دستاری بر سر بیرون آوردم. در میانه راه ضعف بر او چیره شد، پس دلم برایش به رحم آمد و او را بر استر خدمتکار خود سوار کردم سپس به سوی ربیع رفتیم و شنیدم که خلیفه به او می گفت: وای بر تو ای ربیع، مرد دیر کرده و نیامد. پس هنگامی که چشم ربیع به جعفربن محمد علیهما السلام افتاد و ایشان را در آن حالت دید گریست، چرا که او از پیروان امام بود. پس جعفربن محمد علیهما السلام گفت: ای ربیع من میل تو را به خودمان می دانم، پس اجازه بده دو رکعت نماز بخوانم و دعا کنم. ربیع گفت: آن چه می خواهی انجام بده، پس دو رکعت نماز به سرعت خواند و پس از آن دعایی خواند که آن را نفهمیدم جز این که دعایی طولانی بود، و منصور در تمام این مدت به ربیع اصرار می کرد. پس هنگامی که دعای امام به پایان رسید ربیع بازوان ایشان را گرفت و او را بر منصور وارد کرد، پس هنگامی که به آستان ایوان رسید ایستاد و زیر لب چیزی گفت که نفهمیدم چه بود. سپس او را وارد کردم و مقابل او ایستاد، پس هنگامی که به او نگریست گفت: تو ای جعفر، چرا حسادت و دشمنی و فساد درباره اهل این خانه و بنی عباس را ترک نمی کنی؟ و خداوند نتیجه ای جز حسادت و رنج بیشتر از این کار به تو نخواهد داد. پس گفت: ای امیرمؤمنان، به خدا قسم من چنین نکرده ام، و من پیش از این در زمان بنی امیه که دشمن ترین مردم برای ما و شما بودند و هیچ حقی در حکومت نداشتند هرگز دشمنی نکردم و با وجود ستم آن ها به ما هیچ بدی از جانب من به آنان نرسید، پس ای امیرمؤمنان چگونه اکنون چنین کنم در حالی که تو پسر عموی من و نزدیک ترین مردم در خویشاوندی و بخشنده ترین آنان به من هستی. پس چگونه چنین کنم؟ پس منصور ساعتی ساکت ماند و در آن زمان بر نمدی نشسته بود و بر بالشی جرمقانی - . الجرمقانی منسوب به جرامقه است: و آن ها مردمی از عجم هستند که در آغاز اسلام به موصل رفتند و آن جا ماندند. -

تکیه داده بود و زیر نمدش شمشیری دوسر بود که وقتی به آن قصر می رفت آن را از خود جدا نمی کرد. گفت: دروغ گفتی،سپس دست در زیر تکیه گاه خود کرد و از آن جا نامه های بسیاری بیرون آورد پس آن ها را به سوی او انداخت و گفت: این ها نامه های تو برای مردم خراسان است، آن ها را برای شکستن پیمانشان با من و بیعت با خودت دعوت کردی. پس گفت: ای امیر مؤمنان، به خدا قسم من چنین نکردم و آن را جایز نیز نمی دانم و نه این روش من است. و به راستی من از کسانی هستم که به فرمانبرداری از تو در هر حال اعتقاد دارند. اگر هم چنین کاری را بخواهم اکنون پیر شده ام و از این کار ناتوانم، اگر می خواهی مرا در میان سپاهیان خودت قرار بده تا مرگم فرا رسد، چرا که آن به من نزدیک است. پس گفت: نه، و نه از روی بزرگداشت، و دستش را به شمشیر برد و به اندازه یک شبر آن را از غلاف بیرون آورد، پس گفتم: ما از آنِ خداییم، به خدا قسم او را شهید خواهد کرد، سپس شمشیر را برگرداند و گفت: ای جعفر، آیا با این کهولت سن و این نسب شرم نمی کنی که سخن باطل بگویی و جمع مسلمانان را پراکنده می کنی که خون ها ریخته شود و میان مردم فتنه به پا شود؟ گفت: قسم به خدا نه ای امیر مؤمنان، من چنین نکرده ام و این نامه ها را ننوشته ام و این خط من و مهر من نیست، پس به اندازه ی یک ذراع از شمشیر را بیرون آورد. پس گفتم: ما از آنِ خداییم، به خدا سوگند او را شهید خواهد کرد، و با خود تصمیم گرفتم اگر مرا دستور به کاری داد فرمانش را انجام ندهم، چرا که گمان کردم به من دستور دهد شمشیر را بگیرم و جعفر را با آن بکشم، پس گفتم: اگر به من دستور داد منصور را خواهم کشت، هرچند بلایی سر من و فرزندانم آورد، و از آن چه پیش تر درباره ایشان قصد کرده بودم به درگاه خداوند توبه کردم. پس منصور امام را سرزنش می کرد و ایشان پیوسته عذر می آورد تا این که منصور بیشتر شمشیر را از غلاف بیرون کشیده و تنها کمی از آن در غلاف مانده بود، پس گفتم: ما از آنِ خداییم، به خدا قسم او را خواهد کشت. سپس شمشیر را فروبرد و مدتی ساکت بود، سپس سرش را بلند کرد و گفت: گمان می کنم راست بگویی. ای ربیع، از فلان مکان بسته را بیاور، پس آن را برایش آوردم و گفت: دستت را

داخل آن ببر، پس درون آن پر از مشک گرانبها بود، و آن را به محاسن ایشان مالید و آن را که سفید بود سیاه گرداند. و به من گفت: او را بر بهترین مرکب من که همواره بر آن سوار می شوم سوار کن و ده هزار درهم به او بده و او را با احترام تا خانه اش همراهی کن و هنگامی که او را به خانه اش رساندی او را مخیر کن بین این که نزد ما بماند و او را گرامی بداریم یا این که به مدینه جدش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برود. پس از نزد او بیرون آمدیم و من برای سلامتی موسی بن جعفر علیهما السلام بسیار خوشحال و شادمان بودم و از آن چه منصور می خواست انجام دهد و آن چه پیش آمد شگفت زده بودم. پس هنگامی که به حیاط رسیدیم به ایشان گفتم: ای فرزند پیامبر خدا، من از آن چه او در ابتدا برای شما اراده کرده بود و آن چه خداوند از کفایت و دفاع خود برایتان پیش آورد شگفت زده ام، و از فرمان خداوند بزرگ و بلندمرتبه جای شگفتی نیست، و من شنیدم که پس از نماز دعایی می خواندی که نفهمیدم چه بود جز این که دعایی طولانی بود و دیدم در همین جا یعنی حیاط، لب هایتان به گفتن چیزی جنبید که نفهمیدم چه بود. پس به من فرمود: اما اولی دعای اندوه و سختی ها بود که پیش از این برای کسی نخوانده بودم و آن را در ازای دعای زیادی قرار دادم که وقتی نمازم به پایان می رسد آن را می خوانم. زیرا من خواندن این دعا را ترک نمی کنم. اما آن چه لب هایم به گفتن آن حرکت کرد دعای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است که در جنگ احزاب خواند. پدرم آن را از جدش از امیرمؤمنان صلوات الله علیه برایم گفته است که در روز احزاب مدینه از سربازان مشرکان مانند ابری پرده مانند شده بود، همان گونه که خداوند متعال فرمود: {آن هنگام که از بالا ـ و پایین شهر بر شما وارد شوند و چشم ها از ترس خیره شود و جان ها به گلوگاه رسد، و شما گمان هایی گوناگون به خداوند بردید. آن جا بود که مؤمنان آزموده شدند و تکان سختی خوردند} - . احزاب آیه ۱۰. - . پس پیامبرخدا صلی الله علیه و آله این دعا را خواندند و امیرمؤمنان نیز هر گاه چیزی ایشان را اندوهگین می کرد آن را می خواندند:

خداوندا ، با چشمت که به خواب نمی رود نگهبان من باش و با پشتوانه ات که خمیده نشود حمایتم کن، و با قدرتت مرا بیامرز پروردگارا نابود نشوم حال آن که تو امیدم هستی. پروردگارا، تو عزیزتر و بزرگ تری از آن چه از آن می ترسم و بیم دارم. از خداوند گشایش می طلبم و پیروزی می خواهم و به محمد صلی الله علیه و آله توجه می کنم، ای کفایت کننده ی ابراهیم بر برابر نمرود، و موسی از فرعون، مرا از آن چه درآن هستم کفایت کن . خداوند پروردگار من است و چیزی همراه او نیست. پروردگار برای من از پرورده ها کافی است، آفریدگار برایم از آفریده ها بس است. بازدارنده برایم از بازداشته های کافی است. آن کس برایم بس است که همواره برایم کافی بوده است. خداوندی که معبودی جز او نیست برایم بس است، بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است.

سپس گفت: اگر ترس از امیرمؤمنان نبود این مال را به تو می دادم، اما پیش از این زمینی را که در مدینه دارم از من خواستی و ده هزار دینار برای آن به من دادی و من آن را به تو ندادم، اکنون آن را به تو می بخشم. گفتم: ای فرزند پیامبر خدا، من دعای اول را و دوم می خواهم. پس اگر آن ها را به من بدهی نیکی کرده ای و اکنون نیازی به زمین ندارم. پس فرمود: ما اهل بیت کار نیکی را که انجام داده ایم باز پس نمی گیریم، دعا را به تو می آموزم و زمین را نیز به تو می دهم. با من به خانه ام بیا. پس همراه ایشان رفتم همان گونه که نزد منصور آمد. نوشته ای برای مالکیت زمین به من داد و دعای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را و دعایی را که پس دو رکعت نماز خوانده بود برایم املا کرد و من نوشتم.

سپس در این روایت دعایی را که ما در روایت اول بیان کردیم آورده است، و ابتدای آن دعا چنین بود: پروردگارا، از تو درخواست می کنم ای دریابنده نابود شوندگان، ای پناه گاه بیمناکان، و در نسخه قدیمی نزدیک شش ورق کتاب است، تا پایان دعا. سپس گفت: و سخن او که: و تو پروردگار منی و تو برایم بس هستی و بهترین جانشین و یاوری، گفت: گفتم: ای فرزند پیامبر خدا، منصور اصرار زیادی برای آمدن شما داشت و شما با آرامش این دعای طولانی را می خواندی،

گویی از منصور نمی ترسیدی. گفت: پس فرمود: بله، پس از نماز صبح دعایی است که باید آن را بخوانم. اما دو رکعت، نماز صبح بود که آن را کوتاه کردم و آن دعا را پس از آن خواندم. پس گفتم: آیا از ابوجعفر نترسیدی در حالی که او آن چه را در سر داشت برایت آماده کرده بود؟ گفت: ترس از خدا به جای ترس از اوست. و خداوند عز و جل در قلب من بزرگ تر از اوست.

ربیع گفت: خشم و کینه ای که از منصور بر امام صادق علیه السلام در آن ساعت دیده بودم را در هیچ انسانی گمان نمی کردم. پس هنگامی که پنداشتم خلوت کرده و خوش حال است گفتم: ای امیرمؤمنان، از تو کار شگفتی دیدم، تو را در حال خشمی بر جعفربن محمد علیهما السلام دیدم که تا کنون برای هیچ کس چنین خشمی نکرده بودی، نه برای عبد الله بن حسن و نه کس دیگری از مردم. تا آن که می خواستی او را با شمشیر بکشی و حتی به اندازه یک وجب از شمشیر را بیرون آوردی، سپس آن را در غلاف فرو بردی، سپس او را سرزنش کردی و دوباره به اندازه یک ذراع از شمشیر را بیرون آوردی و سپس غلافش کردی، سپس همه آن را مگر مقدرا اندکی بیرون آوردی و من شک نداشتم که او را خواهی کشت، اما به یک باره همه آن برطرف شد و خشنود شدی تا آن که به من دستور دادی محاسن ایشان را مشک اندود کنم، با مشکی که تنها خودت از آن استفاده می کنی و فرزندت مهدی یا ولی عهد تو و دیگر نزدیکانت هم با آن خود را خوشبو نمی کنند. سپس او را پاداش دادی و سوارش نمودی و به من دستور دادی او را با احترام همراهی کنم. گفت: وای بر تو ای ربیع، چیزی نیست که بتوانی از آن سخن بگویی، بلکه باید آن را پوشیده داری تا باعث افتخار و مباهات فرزندان فاطمه سلام الله علیها نشود، آن چه در آن هستیم برای ما کافی است. اما من چیزی را از تو پنهان نمی کنم. ببین کسی در خانه نباشد. پس همه را بیرون کردم. سپس به من گفت: بازگرد و هیچ کس را نگذار بماند. چنین کردم. پس گفت: غیر از من و تو کسی این جا نیست و به خدا قسم اگر آن چه را نزد تو می گویم بشنوم تو را و همه خانواده و فرزندانت را خواهم کشت و اموالت را نیز می گیرم. گفت: گفتم: ای امیرمؤمنان، پناه می برم به خدا. گفت: ای ربیع، من اصرار داشتم جعفر بن محمد را بکشم و هیچ سخنی را از او نشنوم و هیچ بهانه ای را نپذیرم، وکار او برای من از عبد الله بن حسن سخت تر بود و خشم من بر او بیشتر بود؛ هرچند او بر من شمشیر نکشیده بود. و من درباره ی او و پدرانش در زمان بنی امیه نیز آگاه تر بودم، اما همین که قصد کشتن او را برای بار اول نمودم گویی پیامبر خدا برابرم مجسم شد در حالی که میان من و او مانع شده بود و دست ها را گشوده بود و آستین ها را بالا زده و ترش روی به من می نگریست، پس صورتم را از او برگرداندم، سپس برای بار دوم قصد او را نمودم و شمشیر را بیش از آن چه بار اول بیرون آورده بودم بیرون کشیدم، پس دیدم پیامبر خدا به من نزدیک شده و بسیار خشم گین است، و چنان است که اگر کاری می کردم او نیز مرا می کشت. پس دست نگه داشتم. سپس جسارت کردم و گفتم: این ها از کارهای جن است. سپس برای بار سوم شمشیر را کشیدم، پس پیامبر خدا را دیدم که آستین ها را بالا زده و برافروخته شده و اخم و تندی می کند و نزدیک است دستش به من برسد، پس ترسیدم و به خدا قسم اگر کاری می کردم او نیز می کرد. و با آن چه من از فرزندان فاطمه صلوات الله علیهم دیدم، تنها نادانی که هیچ بهره ای از اسلام نبرده است حق آن ها را نادیده می گیرد. برحذر باش از این که کسی این ها را از تو بشنود. محمد بن ربیع گوید: پدرم آن را برایم نگفت تا زمانی که منصور مرد و من نیز آن را برای کسی نگفتم تا زمانی که مهدی و موسی و هارون مردند و محمد کشته شد - . مهج الدعوات :۲۳۶- ۲۴۳ - .

و از آن جمله دعایی است از مولای ما جعفر بن محمد صادق که برترین درودها بر او باد، هنگامی که منصور برای ششمین بار او را فراخواند و دومین بار بود که پس از قتل محمد و ابراهیم، پسران عبدالله بن حسن ایشان را به بغداد دعوت می کرد. آن را به خط حسین بن علی بن هند در کتاب عتیق غروی دیدم که پیش تر نامش را آوردم. گفت: محمد بن جعفر رزاز قرشی از محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین از بشیر بن حماد از صفوان بن مهران جمال نقل کرده است که مردی از قریش مدینه، از بنی مخزوم پس از کشته شدن محمد و ابراهیم پسران عبدالله بن حسن به دست ابوجعفر منصور، به او خبر رساند که جعفربن محمد غلام خود معلی بن خنیس را به همراه محمد بن عبدالله برای جمع آوری اموال پیروانش فرستاده است. و منصور از شدت خشم بر امام صادق علیه السلام دست خود را می گزید و نزدیک بود آن را بخورد. به عمویش داود که در آن زمان فرمانروای مدینه بود نوشت که جعفربن محمد را به سویش روانه کند و به او اجازه ی ایستادن و درنگ کردن را ندهد. پس داود نامه ی منصور را برای امام فرستاد و گفت فردا برای حرکت به سوی امیر مؤمنان آماده شو و دیر نکن. صفوان می گوید: آن روز در مدینه بودم که ابوجعفر کسی را به سویم فرستاد و نزد ایشان رفتم. فرمودند: وسایل سفر ما را آماده کن که ما فردا به سوی عراق خواهیم رفت. در آن هنگام برخاستیم و به مسجد پیامبر رفتیم و بین نماز ظهر و عصر بود و ایشان دو رکعت نماز خوانده و دست ها را به سوی آسمان بلند کردند و دعایی خواندند که جملاتی از آن را به خاطر سپردم:

ای کسی که آغاز و پایانی ندارد، ای کسی که حد و کرانه ای ندارد، ای صاحب عرش بزرگ و انتقام سخت، ای کسی که بر هر کار که بخواهد تواناست. ای آن که هیچ سخنی از او پوشیده نیست و صداها بر او مشتبه نمی شوند و ای آن که آسمان ها و زمین با قدرت او برافراشته شده اند، ای نیکو همنشین ، ای آمرزنده و ای بخشنده، بر محمد و خاندانش درود فرست و در سفر و جایگاهم، و در حرکت و جابجایی ام با دیده ات که به خواب نمی رود نگهدار من باش و با پشتوانه ات که مورد ظلم قرار نمی گیرد مرا پشتیبانی کن. بارالها، در این سفر به تو توجه دارم و به کسی جز تو اطمینان ندارم و امیدم تنها به سوی توست که پناهم دهی. و نیرویی برای تکیه دادن و چاره ای برای پناهنده شدن ندارم به جز درخواست بخشش تو و خواهش از عافیت و لطف تو و پاداشی که با بهترین نیکی ات به من بدهی. خداوندا، تو به آن چه در این سفرم بر من گذشت از آن چه دوست داشتم یا ناپسند دانستم آگاه تری، پس هرچه به تقدیر تو بوده، آزمایشت در آن نیکو است و فرمانت خیرخواهانه است و تو آن چه را بخواهی ناپدید می کنی و آن چه را بخواهی پایدار می گردانی و ام الکتاب در نزد توست. خدایا، هر آسیب و بلایی را از من دور گردان و یاوری از مهربانی خود بر من بگمار و لطفی از گذشت خود و کامل کننده ی نعمت هایت را بر من ببخش تا به بهترین شکلی که مؤمنی را در نبودش نگهداری کرده ای و بدی هایش را پوشانده و او را از آسیب حفظ نموده ای، مرا حفظ کنی و در این سفر به من امنیت و ایمان و بهبودی و آسایش و شکیبایی و سپاس گزاری عطا کن و مرا در سلامت به سالمان بازگردان ای مهربان ترین مهربانان.

صفوان می گوید: از ابوعبدالله صادق علیه السلام درخواست کردم دعا را تکرار کند، پس ایشان چنین کرد و من آن را نوشتم. هنگامی که صبح شد، امام صادق علیه السلام سوار بر شتری شده و به سوی عراق روانه شدند تا به شهر ابوجعفر رسیده و آمدند و اجازه خواستند و او نیز اجازه داد. صفوان گوید: برخی از حاضران به من گفتند: هنگامی که ابوجعفر امام را دید، ایشان را نزدیک خود گرداند و داستانی را که به او رسانده بودند بیان کرد که در آن گفته بود: همانا معلی بن خنیس غلام جعفربن محمد اموالی را برای ایشان جمع آوری می کند و محمد بن عبد الله نیز او را همراهی می کند. پس داستان را به ابوعبدالله داده و امام آن را خواندند. سپس منصور به امام رو کرده و گفت: ای جعفر بن محمد، این اموالی که معلی بن خنیس برایت جمع می کند چیست؟ امام فرمودند: پناه بر خدا از آن ای امیرمؤمنان. او گفت: آیا به بی گناهی ات سوگند یاد میکنی ؟ امام فرمود: بله، به خدا سوگند چیزی نبوده است. ابوجعفر گفت: نه، بلکه باید به طلاق و آزاد کردن برده قسم بخوری. امام فرمود: آیا راضی نمی شوی به سوگند من به خداوندی که معبودی جز او نیست؟ ابوجعفر گفت: مرا آموزش نده. امام صادق علیه السلام فرمود: تو ای امیرمؤمنان، از آگاهی من به کجا فرار می کنی؟ او گفت: این سخنان را رها کن که اکنون مردی را که از تو شکایت کرده با تو روبرو می کنم. پس مرد را آوردند و در محضر امام صادق علیه السلام از او پرسیدند. پس گفت: بله درست است، او جعفربن محمد است و آن چه درباره او گفتم همان گونه است که بیان کردم. امام صادق علیه السلام فرمودند: ای مرد، قسم بخور آن چه گفتی راست است. سپس مرد شروع به سوگند کرده و گفت: سوگند به خدایی که معبودی جز او نیست و او توانا و درخواست کننده و زنده و پایدار است. امام علیه السلام به او فرمودند: در سوگند خود عجله نکن که من به تو می گویم چگونه سوگند یاد کنی. منصور گفت: در این سوگند چه چیز را ناپسند دیدی؟ امام فرمود: همانا خداوند بزرگوار است و از مجازات بنده ای که او را ستایش کرده شرم دارد، اما ای مرد چنین بگو: از نیرو و جنبش خداوند دوری کرده و به نیرو و جنبش خود تکیه می کنم که در سخن خود راست گو و نیکوکردار هستم. منصور به مرد قریشی گفت: چنان که ابوعبدالله از تو خواسته سوگند یاد کن. پس مرد به همین شکل قسم خورد و سخنش به پایان نرسیده بود که به جذام مبتلا شده و افتاد و مرد. ابوجعفر از این حادثه ترسید و بدنش به لرزه افتاد و گفت: ای ابوعبدالله، اگر می خواهی همین فردا به سوی حرم جدت روانه شو و اگر هم مایلی بمانی ما در نیکی و بزرگداشت تو کوتاهی نمی کنیم و از این پس هیچ سخنی را علیه تو نخواهم پذیرفت – مهج الدعوات :۲۴۳– ۲۴۷

– .

و از آن جمله دعای امام صادق علیه السلام است هنگامی که برای هفتمین بار منصور ایشان را فراخواند و آن را در دعاها از امام صادق علیه السلام آوردیم. اما در این جا چیزی بیشتر از آن می آوریم و ممکن است آن پیش از ماجرای بدگویی مرد قریشی باشد و به روایت محمد بن

عبد الله اسکندری است که گفت: من از خدمت گزاران نزدیک به امیرمؤمنان، ابوجعفر منصور بودم و از میان همه رازدار او بودم. روزی بر او وارد شدم و دیدم اندوهگین نشسته و آه سردی می کشد. گفتم: به چه می اندیشی ای امیرمؤمنان؟ پس به من گفت: ای محمد، تا کنون بیش از صد تن از فرزندان فاطمه را کشته ایم و آقا و پیشوای آن ها زنده مانده است. پرسیدم: او کیست؟ گفت:جعفر بن محمد صادق. پس گفتم: ای امیر مؤمنان، او مردی است که عبادت فراوان او را لاغر و نحیف کرده و به جای درخواست حکومت به خدا مشغول شده است. پس گفت: ای محمـد، می دانم تـو او و امـامتش را قبـول داری، امـا حکومت فرزنـدی نـدارد و من قسم خورده ام امروز را به شب نرسـانم مگر این که از دست او خلاص شـده باشم. محمـد گویـد: به خدا قسم گویی زمین با همه وسـعتش بر من تنگ شد. سـپس جلادی را فراخواند و به او گفت: هنگـامی که ابوعبـدالله صـادق را احضـار کردم و مشغول سـخن گفتن شـدیم و کلاهم را از سـرم برداشـتم، این علامتی میان من و تو باشـد و گردنش را بزن. سـپس ابوعبدالله-درود خداوند بر او باد- را در آن زمان حاضر کرده و ایشان را در اتاقی قرار داد در حالی که لب های او می جنبید و من نمی دانستم چه می خواند. پس دیدم قصر مانند کشتی در میان امواج خروشان دریا در تلاطم است. سپس ابوجعفر منصور را دیدم که با سـر و پای برهنه مقابل ایشان راه می رود و دندان هایش به هم می خورد و بدنش می لرزد، چهره اش گاهی سرخ و گاهی زرد می شود و بازوی امام صادق علیه السـلام را گرفته و او را بر تخت خود نشانده و مانند برده ای که مقابل مولای خود زانو زده، مقابل امام بر زمین افتاده بود. سـپس گفت: ای فرزنـد پیامبر خدا، چه چیز باعث شده در این ساعت به این جا بیایید؟ امام فرمود: ای امیر مؤمنان، برای پیروی از خداوند و پیامبرش و امیر مؤمنان که خداوند عزتش را پایدار کند، به این جا آمدم. گفت: من شما را دعوت نکردم و فرستاده اشتباه کرده است. سپس گفت: حاجت خود را بخواه. پس گفت: از تو می خواهم بدون کاری مرا فرانخوانی. گفت: این و غیر از این برای تو باشد. سـپس ابوعبدالله به سرعت بازگشت و من بسـیار خدا را شـکر کردم و ابوجعفر منصور لحافی خواست و خوابید و نیمه های شب برخاست و هنگامی که بیدار شد من بالای سـرش بودم و او خوشـحال شـد و گفت: بیرون نرو تا من نمازم را که قضا شـده به جای آورم. پس وقتی نمازش را خوانـد به من رو کرد و گفت: هنگامی که ابوعبدالله صادق را احضار کردم و آن چه از بدی که در سر داشـتم درباره او قصد کردم، اژدهایی را دیدم که تمام خـانه و قصـرم را بـا دمش دربرگرفته و لب بالاـیی اش را در بالاـترین مکـان گذاشـته و لب پـایینی اش را در پایین ترین مکان و با زبان عربی فصـیح و واضح و آشکار به من می گوید: ای منصور، همانا خداوند بلند مرتبه مرا فرسـتاده و دسـتور داده اگر پیشامدی برای ابوعبدالله صادق علیه السـلام به وجود آوری تو را و هرچه در خانه توست ببلعم. پس من شـگفت زده شـدم و بدنم به لرزه افتاد و دندان هایم به هم می خورد. محمـدبن عبـدالله اسـکندری گویـد: به او گفتم: ای امیرمؤمنـان، این جـای شـگفتی نـدارد، به راستی که ابوعبـدالله وارث علم پیـامبر و جـدش امیرمؤمنان علی بن ابی طالب است و از اسماء خداوند و دعاهای دیگر چیزهایی دارد که اگر بر شب خوانده شود روشن می شود و اگر بر روز بخواننـد تاریک گردد و اگر بر موج های دریا خوانـده شود آرام می گیرنـد. محمـد می گوید: چند روز بعد به او گفتم:ای امیرمؤمنان، آیا به من اجازه می دهی به زیارت ابوعبـدالله صادق علیه السـلام بروم؟ پس پاسـخ داد و مانع نشـد. سـپس نزد ابوعبدالله علیه السـلام رفتم و به ایشان سلـام کردم و گفتم: ای مولـای من، به حق جـدت از تو درخواست می کنم دعایی را که هنگام وارد شـدن بر ابوجعفر منصور خوانـدی به من بیـاموزی. گفت: آن را به تو می دهم. سـپس به من فرمود: ای محمـد، این دعاء، حرزی با ارزش و دعایی بزرگ است که از پـدران بزرگوارم آن را گرفته ام و حرزی است که از کتاب خداوند عزیز و بلندمرتبه به دست آمده، کتابی که نه از مقابل آن و نه از پشت سر باطلی در آن راه نـدارد و سـخنی است که از جانب حکیم و پسـندیده فروفرسـتاده شده است. و فرمود: من می خوانم و تو بنویس و آن حرزی باارزش و دعایی بزرگ و بـابرکت و مسـتجاب است، پس هنگامی که ابو مخلـد عبـد الله بن یحیی از بغـداد برای پیغامی به خراسان و نزد امیر ابوحسن نصـر بن احمـد در بخارا آمد، این حرز در دفتری که کاغذهای آن از نقره بود، با آب طلا نوشـته شده بود و از شـیخ ابوالفضل محمد بن عبد الله بلعمی آن را گرفته بود و گفت: این از باارزش ترین هـدیه هاست و هرکس که خداونـد توفیق خوانـدن آن را هر روز صـبح به او بدهد، او را از همه بلاها در امان می دارد و از شـر جنیان و انسان های سـرکش و شیاطین و حاکم ستم گر و درندگان و از شر بیماری ها و آسیب ها و همه اندوه ها او را حفظ می کند. و این تجربه شده است، مگر این که برای خداوند خالص نشده باشد. و این ابتدای دعا است:

معبودی جز الله نیست به راستی و برای همیشه، معبودی جز الله نیست از روی ایمان و راستی، معبودی جز الله نیست از روی پرسـتش و بنـدگی، معبـودی جز الله نیست از روی مهربـانی و لطف، معبودی جز الله نیست به حقیقت و درسـتی. معبودی جز الله نیست و محمـد فرسـتاده اوست —

درود و سلام خداوند بر او باد- خودم را و مو و پوستم و دین و خانواده و مال و فرزندان و نسلم را به او پناهنده می سازم، از هر آن چه مرا به رنج و سختی اندازد یا آزارم دهد،

خودم را و هرآن چه را پروردگارم به من بخشیده به او پناه می دهم و هرآن چه را که پشت درهایم قرار گرفته و دیوارهایم آن را در برگرفته انـد و هرنعمت و لطفی که از جانب خداوند بزرگ و بلندمرتبه به من می رسد، خود را و همه برادران و خواهران مؤمن خود را به خداوند والا و بزرگ پناه می دهم، و به نام های کامل و درست و بلندمرتبه و بزرگ و با شرافت و شفابخش و بزرگوار و پاکیزه و برتر و بابرکت و پاک و پاک شده و بزرگ و پنهان شده ی خداوند که هیچ نیکوکردار و هیچ سرکشی از آن نمی گذرد، و به ام الکتاب و آغاز و پایان آن و آن چه میان آن هاست از سوره های شریف و آیه های کریمه و استوار آن و شفاء و رحمت و پناه و برکت؛ و به تورات و انجیل و زبور و قرآن بزرگ و به صحف ابراهیم و موسی و به همه کتاب هایی که خداوند بزرگ و والا فروفرستاده است و به همه پیامبرانی که خداوند بزرگ فرستاده است و به همه نشانه هایی که آشکار کرده است و به نعمت های خداوند و عزت او، و قدرت و شکوه و توانایی و بزرگی و سلطه او، و به ارجمندی و منت و بردباری و گذشت و آمرزش خداوند و به فرشتگان و کتاب ها و پیامبران و فرستادگان خداوند و محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرستاده خداوند پناه می دهم.

و به خدا پناه می برم از خشم او و مجازات و ناخشنودی و عقوبت و کینه جویی و روی گردانی و خوار کردن و کفر و نفاق و سرگردانی و شرک و شک در دین خداوند و از بدی روز برانگیخته شدن و برخاستن و جایگاه توقف و حساب و از شر نامه ای که از پیش فرستاده شده و از پایان نعمت و رسیدن بلا و دگرگونی عافیت و اسباب نابودی و جایگاه های خواری و رسوایی در دنیا و آخرت به او پناه می برم. و پناه می برم به خدا از امیال سرکش و همراه بد و حیله گر و همسایه آزار دهنده و دارایی هایی که به نافرمانی کشاند و فقری که به فراموشی وادار کند. و به خدای بزرگ پناه می برم از قلبی که فروتن نشود و نمازی که سودی نداشته باشد. دعایی که شنیده نشود و چشمی که نمی گرید و شکمی که سیر نمی شود و از زحمت و کوششی که باعث عذاب شود و از بازگشت به سوی آتش و ظاهر بد در خویش و خانواده و فرزندان و به هنگام دیدن فرشته مرگ .

و پناه می برم به خداوند بزرگ از شر هر جنبنده ای که جانش به دست اوست و از شر هر صاحب شری و شر هرچه از آن پرهیز دارم و می ترسم و از شر فاسقان عرب و عجم و فاسقان جن وانسان و شیطان ها و از شر ابلیس و سربازانش و پیروان و همراهانش و از شر حاکمان و پیروان آن ها و از شر هر چه از آسمان نازل می شود و به سوی آن بالا می رود و از شر هر چه در زمین فرو می رود و از آن بیرون می آید و از شر هر بیماری و آسیب و غم و اندوه و نداری و نبودی و از شر هر چه در خشکی و دریاست و از شر گنهکاران و ستم گران و ترسندگان و حسودان و بدکاران و دزدان و از شر هر جنبنده ای که جانش در اختیار خداست. همانا پروردگارم در مسیر درست است. خداوندا، من از شر هر آن چه آفریده ای به وسیله تو خود را نگاه می دارم و حفظ می کنم و به خداوند بزرگ پناه می برم از سوختن و غرق شدن و شکاف و فرو ریختن و فرو بردن زمین و تغییر صورت و سنگ و عذاب و زلزله و فتنه ها و چشم زخم و رعد و برق و دیوانگی و جذام و پیسی و بیماری ها و آسیب ها و مصیبت ها و اندوه ها و خورده شدن توسط درندگان و مرگ بد و همه بلاها در دنیا و آخرت. و به خدا پناه می برم از شر هرآن چه فرشتگان مقرب خداوند از آن پناه برده اند و هرچه پیامبران و فرستادگان خداوند از آن به او پناه برده اند و به ویژه از شر هر چه محمد بنده و فرستاده تو از آن به تو پناهنده شده است، از تو درخواست می کنم بهترین چیزهایی را که آن ها از تو درخواست کرده اند به من ببخشی و از شر هر آن چه آن ها از آن پناهنده شده اند مرا پناه دهی و از همه خوبی های دنیا و آخرت، هر آن چه من می دانم و هر چه از آن آگاهی ندارم به من عطا کنی.

به نام خداوند و به یاری او، و سپاس مخصوص خداوند است و من به او متوسل شده ام و به او پناهنده شده ام و توفیقی ندارم مگر از جانب خداوند و آن چه او بخواهد و کارم را به او واگذار می کنم و پیروزی تنها از جانب اوست و شکیبایی ام تنها برای خداوند است و چه نیکو توانایی است چه نیکو مولا و یاری رسانی است و کسی جز او نیکی نمی کند و تنها اوست که بدی ها را برطرف می کند و تنها او به سوی

خیر راهنمایی می کند و همه کارها به اراده ی خداست و از خداوند کفایت می خواهم و از او بی نیازی می جویم و از او طلب بخشش کرده و پناه می جویم و آمرزش می خواهم و درود خداوند بر محمد فرستاده اش و تمامی پیامبران و فرستادگان و فرشتگان او باد و بر بندگان او.

این از جانب سلیمان است و به نام خداوند بخشنده مهربان است که بر من برتری نجویید و با تسلیم به سوی من آیید، خداوند چنین نوشته است که من وفرستادگانم پیروز می شویم، به راستی که خداوند عزیز و توانا است. حیله آنان آسیبی به شما نمی رساند، همانا خداوند به آن چه انجام می دهند احاطه دارد. و از سوی خود برای ما یاوری قرار ده در آن هنگام که گروهی از ایشان خواستند دست هایشان را به سوی شما دراز کنند، پس دست های آن ها را از شما بازداشت و خداوند تو را از مردم حفظ می کند، به درستی که خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند. هرگاه آتشی برای جنگ برافروختند خداوند آن را فرونشاند. گفتیم ای آتش، برای ابراهیم سرد و سلامت باش، ودر آفرینش به شما وسعت و افزونی داد، پس نعمت های خداوند را به یاد آرید باشد که رستگار شوید. او فرشتگانی دسته دسته دارد که شب و روز فرود آیند و به فرمان خدا او را حفظ می کنند.

بارالها، مرا از ورودی درست وارد کن و از خروجی درست خارج گردان و و برای من از سوی خودت نیروی یاری کننده ای قرار ده. و او را نزدیک گردانده و نجات دادیم و به جایگاه بلندی برتری دادیم، خداوند مهربان برای آن ها دوستی و محبتی قرار خواهد داد، و از جانب خود محبتی بر تو افکندم تا در مقابل دیدگان من بزرگ شوی، هنگامی که خواهرت راه می رفت و می گفت: آیا کسی را به شما نشان دهم که سرپرستی او را به عهده بگیرد؟ پس تو را به مادرت بازگرداندیم تا دیدگانش روشن شود و غمگین نباشد، و تو کسی را به قتل رساندی، پس از اندوه نجاتت دادیم و به آزمون هایی تو را آزمایش کردیم. نترس که از گروه ستمگر نجات یافتی، نترس که تو برتری، از پایان هیچ چیز نمی ترسی و هراسان نمی شوی، نترسید که من با شما دو نفر هستم، می بینم و می شنوم، نترس که ما تو را و خانواده ات را نجات می دهیم. و خداوند پیروزی با عزتی به تو می دهد، و هر کس به خداوند توکل کند خدا برایش کافی است، به راستی خداوند فرمانش را اجرا می کند و همانا خداوند برای هر چیز اندازه ای تعیین کرده است. پس خداوند آن ها را از شر آن روز نگه داشت و به آن ها شادمانی و خوشنودی عطا کرد و شادمان به سوی خانواده اش بازمی گردد. و نام تو را بلندمرتبه گرداندیم، او را دوست می دارند مانند دوستی خداوند، و کسانی که ایمان آورده اند خدا را بیشتر دوست دارند. پروردگارا، بر ما شکیبایی فرو ریز و گام هایمان را استوار گردان و ما را بر گروه کافران پیروز گردان. کسانی که مردم به آن ها گفتند: به راستی مردم علیه شما جمع شده اند پس از آن ها بترسید، پس این سخن ایمانشان را بیش تر کرد و گفتند: خداوند برای ما کافی است. پس با نعمت و بخششی از جانب خداوند باز گشتند و هیچ بدی به آن ها نرسید، پروردگارا، ما به خود ستم روا داشتیم و اگر تو ما را نبخشی و به ما رحم نکنی به یقین از زیان کاران خواهیم بود. بارخدایا، عذاب جهنم را از ما دور گردان که همانا عذاب آن هلاک کننده است، به راستی که آن بد جایگاه و محل قرار گرفتنی است. خداوندا، این ها را بیهوده نیافریدی، تو پاک و منزهی و ما را از عذاب آتش نگاه دار. و بگو سپاس مخصوص خداوندی است که که فرزندی ندارد و در پادشاهی شریکی برای او نیست و کسی او را یاری نمی کند و او را به بزرگی یاد کن. و چرا به خدا تکیه نکنیم در حالی که او ما را به راه هایمان هدایت کرده و ما بر آزارهای شما شکیبایی می کنیم و مؤمنان بایستی بر خدا تکیه کنند. فرمان او تنها این گونه است که وقتی چیزی را بخواهد به آن می گوید: باش، پس می شود. پس منزه است کسی که توانایی همه چیز به دست اوست و به سوی او باز می گردید. و کسی که مرده بوده و او را زنده گردانیدیم و نوری به او بخشیدیم که با آن در میان مردم راه برود. اوست آن کس که با پیروزی خود و مؤمنان تو را یاری کرد و دل های آنان را به هم نزدیک گرداند. اگر همه آن چه را در زمین است بخشش می کردی نمی توانستی دل های آنان را مهربان گردانی اما خداوند دل هایشان را به یکدیگر نزدیک گرداند، به راستی او عزیز و دارای حکمت است. بازوی تو را به وسیله برادرت محکم می کنیم و برای شما نیرویی قرار می دهیم، پس آن ها با نشانه های ما به شما نخواهند رسید و شما و هر که از شما پیروی کند پیروز خواهید بود.

به خدا تکیه کردیم، پرودگارا میان ما و مردمان ما با حق گشایش کن که تو بهترین گشایندگانی. من به خداوند توکل کردم، پروردگار من و شما، هیچ جنبنده ای نیست مگر این که جانش به دست خداوند است، همانا پروردگارم در راه راست است. پس به یاد خواهید آورد آن چه را به شما می گویم و من کارم را به خداوند واگذار می کنم که همانا او بر بندگانش بینا است. خداوند برای ما کافی است، معبودی جز او

نیست، به او توکل نمودم و او پروردگار عرش بزرگ است. همانا مصیبتی به من رسیده است و تو مهربان ترین مهربانانی، معبودی جز تو نیست، منزهی و من از ستم کاران بودم.

به نام خداوند بخشنده مهربان، الف لام میم، معبودی جز خداوند زنده و پایدار نیست. الف لام میم، آن کتابی است که هیچ شکی در آن نیست و هدایتی برای پرهیزکاران است، کسانی که به غیب ایمان دارند و نماز را به پا می دارند. خداوندی که معبودی جز او نیست، زنده و پاینده است و چرت و خواب او را درنمی یابند. آن چه در آسمان ها و زمین است برای اوست، کیست که بدون اجازه ی او شفاعت کند؟ هرچه مقابل آن هاست یا پشت سرشان است را می داند و آن ها به چیزی از دانش او احاطه ندارند مگر آن چه را که او بخواهد. پادشاهی اش آسمان ها و زمین را در برگرفته و کسی جز او آن ها را نگاه نمی دارد و او بزرگ و بلند مرتبه است. اجباری در دین نیست، چرا که فهم از گمراهی آشکار شده است، پس هر که به طاغوت کافر شود و به خداوند ایمان آورد همانا به ریسمان محکمی چنگ زده که جداشدنی نیست و خدا شنوا و داناست. خداوند گواه است که معبودی جز او نیست و فرشتگان و دانشمندانی که با عدالت رفتار می کنند، معبودی جز الله نیست و او دارای عزت و حکمت است. به راستی که دین در نزد خداوند اسلام است.

بگو ای خداوند و مالک حکومت که آن را به هر که بخواهی می بخشی و از هر که بخواهی باز پس می گیری، و هر که را بخواهی بزرگ می گردانی و هر که را بخواهی خوار می کنی، خوبی ها به اراده توست و همانا تو بر هر کار توانایی. شب را در روز وارد می کنی و روز را داخل در شب می گردانی و زنده را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده خارج می کنی و به هر کس که بخواهی بی حساب روزی می دهی. بارالها، پس از آن که مارا هدایت کردی دل هایمان را به زنگار آلوده نگردان و از سوی خودت رحمتی بر ما فرست، به راستی که تو بسیار بخشنده ای. همانا پیامبری از خودتان به سوی شما آمد که زحمت شما برایش سخت است و به شما مشتاق است و با مؤمنان مهربان و دلسوز است. پس اگر سرپیچی کردند، پس بگو خداوند برای من کافی است، معبودی جز او نیست و به او تکیه کردم و او پروردگار عرش بزرگ است.

سپاس مخصوص خدایی است که ما را از گروه ستم کار نجات داد. سپاس مخصوص خدایی است که اندوه را از ما برداشت، به راستی که پروردگار ما آمرزنده و سپاس گزار است. آن کس که از بخشش خود ما را در جایگاه امنی قرار داد که در آن به ما سختی نمی رسد و خستگی در آن احساس نمی کنیم. سپاس از آن خدایی است که ما را به این امر هدایت کرد، و اگر او ما را هدایت نمی کرد ما هرگز هدایت نمی شدیم، سپاس مخصوص خدایی است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمنش برتری داد. پس گروه ستم گر را از ریشه کند و حمد مخصوص خداوند پروردگار عالمیان است. پس سپاس برای پروردگار آسمان ها و زمین است و او دارای عزت و حکمت است. خداوند منزه است آن هنگام که شبانگاه بر شما می رسد و هنگامی که صبح می کنید و سپاس از آن اوست در شامگاهان و آن هنگام که پرده ها را برمی دارید. زنده را از مرده بیرون می آورد و زمین را پس از مرگ آن زنده می گرداند و این چنین شما را بیرون می آورد. منزه است خدایی که توانایی همه چیز به دست اوست و به سوی او باز می گردید. همانا پروردگار شما خداوندی است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید و سپس بر عرش خود قرار گرفت. شب را به روز می پوشاند و شتابان از پی آن می رود و خورشید و ماه و ستارگان تحت فرمان او هستند. همانا آفرینش و دستور ازجانب اوست و مبارک است خداوند، پروردگار عالمیان. پروردگارتان را به التماس و پنهانی بخوانید، به درستی که او تجاوزکاران را دوست ندارد. و پس از آبادانی زمین، در آن فساد نکنید و او را از روی ترس و طمع بخوانید، به درستی که مهربانی اش به نیکوکاران نزدیک است.

همان کس که مرا آفرید و اوست که هدایتم می کندو همان کس که به من خوراک داده و سیرابم می کند و چون بیمار می شوم بهبودی ام می بخشد و آن کس که مرا می میراند سپس زنده ام می کند و همان کس که طمع دارم در روز قیامت گناهان مرا ببخشد. پروردگارا، به من دانشی عطا کن و مرا به نیکوکاران ملحق گردان و زبان راست گویی با دیگران به من ببخش و مرا از وارثان بهشت پرنعمت قرار ده و پدرم را ببخش که او از گمراهان بوده است. و در آن روز که برانگیخته شوند مرا خوار نکن،روزی که مال و فرزندان سودی ندارد مگر آن کس که

با قلب سلیم نزد خداوند آید. به نام خداوند بخشنده مهربان، سپاس مخصوص خدایی است که آسمان ها و زمین را آفرید و روشنایی و تاریکی را قرار داد، سپس کافران از پرورگار خود منحرف شدند.

به نام خداوند بخشنده مهربان، قسم به فرشتگان صف در صف، و قسم به فرشتگان منع کننده باران، و قسم به تلاوت کنندگان قرآن، همانا معبودتان یگانه است، پروردگار آسمان ها و زمین و آن چه میان آن هاست و پروردگار مشرق ها. همانا آسمان را با زیور ستارگان آراستیم و از هر شیطان سرکشی آن را حفظ کردیم. آن ها به عالم بالاتر گوش نمی سپارند و از هر سو به آن ها سنگ پرتاب شده و رانده می شوند و عذابی همیشگی برایشان است. مگر کسی که برباید پس او را با سنگ سوراخ کننده ای دنبال می کنیم. ای گروه جنیان و انسان ها، اگر می توانید در لایه های آسمان ها و زمین نفوذ کنید، چنین کنید. نخواهید توانست مگر به وسیله نیروی خداوند. پس کدام یک از نعمت های پروردگارتان را دروغ می شمارید؟ شعله ای از آتش و دود بر شما می فرستد و کسی یاری تان نمی کند.

به نام خداوند بخشنده ی مهربان. سپاس مخصوص خداوندی است که آسمان ها و زمین را شکافت و برای فرشتگان دو یا سه و یا چهار بال قرار داد، هر چه بخواهد در آفرینش خود می افزاید، به راستی خداوند بر هرچه بخواهد تواناست. اگر خدا برای مردم رحمتی بفرستد کسی نمی تواند آن را بازگیرد و آن چه را که او مانع شود کسی نمی تواند پس از او بفرستد و او دارای بزرگی و دانش است. لطف و بخشش در اختیار خداست، به هر که بخواهد عطا می کند و او بزرگ و داناست. هر کس را که بخواهد با رحمت خود مخصوص می گرداند و خداوند صاحب بخشش بزرگ است. و در قرآن شفا و رحمتی برای مؤمنان فرو فرستادیم، و هنگامی که قرآن می خوانی میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند پرده پوشیده ای قرار دادیم و بر دل هایشان پرده هایی قرار دادیم که مانع فهمیدن آن ها شود و گوش هایشان را نیز سنگین کردیم. و هنگامی که پروردگارت را به تنهایی در قرآن یاد می کنی با نفرت روی می گردانند. آیا دیدی آن کس را که میل خود را به عنوان معبود می پرستد و خداوند او را با آگاهی گمراه نموده و بر گوش و قلبش مهر زده و دیده اش را نابینا کرده، پس چه کسی پس از خدا او را هدایت می کند، آیا پند نمی گیرید؟ آن ها کسانی هستند که خدا بر دل ها و گوش و دیده هایشان مهر زده و آن ها غافلان هستند. و در مقابلشان و پشت سرشان مانعی قرار دادیم که آن ها را پوشانده پس آن ها نمی بینند.

توفیقی جز از سوی خداوند ندارم و به او توکل کرده و به درگاه او پناهنده می شوم. بر آن ها اندوهگین نشو و از حیله هایشان دلتنگ نباش، همانا خداوند همراه کسانی است که تقوا دارند و نیکوکارند. و پادشاه گفت: او را نزد من بیاورید تا برای خود خالصش گردانم. پس هنگامی که با او سخن گفت، گفت: امروز تو نزد ما محترم و امین هستی. و صداها برای خداوند مهربان فروتن شده است، پس چیزی به جز نجوایی آهسته نمی شنوی. پس خداوند تو را در برابر آن ها کفایت خواهد کرد و او شنوای بیناست. من به خداوند پروردگار خودم و شما تکیه کرده ام. جنبنده ای نیست مگر این که جانش در دست اوست و همانا پروردگارم در راه راست قرار دارد. معبودتان خداوند یگانه ای است که خدایی جز او نیست و او بخشنده و مهربان است. پروردگار شما چنین است و او آفریدگار همه چیز است، پس او را بپرستید و او هرچیز را بر عهده گرفته است. بگو او پروردگار من است که معبودی جز او نیست و به او تکیه کرده ام و به سوی او باز می گردم. ای مردم، نعمت خدا را بر خودتان به یاد آرید، آیا آفریدگاری جز او هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ معبودی جز او نیست پس چگونه دروغ می بندید؟ پروردگار شما چنان است، پس مبارک است خداوند پروردگار عالمیان. او زنده است معبودی جز او نیست، پس با اخلاص او را بخوانید که دین برای اوست، سپاس مخصوص پروردگار عالمیان، پروردگار مشرق و مغرب است. معبودی جز او نیست، پس کار خود را به او واگذار .

خداوندا، بر ما شکیبایی فروریز و گام هایمان را استوار گردان و بر گروه کافران پیروزمان کن.

اگر این قرآن را بر کوه نازل می کردیم، می دیدی که از فروتنی و ترس از خدا شکاف می خورد، و این ها مثل هایی است که برای مردم می زنیم باشد که اندیشه کنند. اوست خداوندی که معبودی جز او نیست و آگاه بر پیدا و پنهان است، اوست بخشنده مهربان، اوست خدایی که معبودی جز او نیست و حاکم و مالک اصلی اوست، از هر عیب پاک و منزه است، به کسی ستم نمی کند، امنیت بخش است، مراقب همه چیز

و قدرتمنـدی شـکست ناپـذیر است که با اراده ی نافـذ خود همه چیز را اصـلاح می کند و شایسـته ی عظمت است. خداوند از آن چه برای او شریـک قرار می دهنـد منزه است. او خـالق و آفریننـده ای بی سـابقه است و صورت گری بیماننـد که نـام های نیک برای اوست، آن چه در آسمان ها و زمین است تسبیح او را می گویند و دارای عزت و حکمت است.

به نام خداونـد بخشـنده مهربان، بگو اوست خـدای یکتا، خـدایی که بی نیاز است ، نه زاده و نه زاییـده شـده و نه همتایی ندارد. به نام خداوند بخشـنده مهربان، بگو پناه می برم به خداوند سپیده دم، از شر هرآن چه آفریده است، و از شر هر موجود شرور که شبانه وارد می شود، و از شر افسون گرانی که در گره ها می دمند و از شـر حسود هنگامی که حسد می ورزد. به نام خداوند بخشنده مهربان، بگو پناه می برم به پروردگار مردم، پادشاه مردم، معبود مردم، از شـر وسوسه گر پنهان کار، که درون سینه های انسان ها وسوسه می کند، از جنیان و انسان ها. خداوندا، هر کس برای من بدی خواسته یا برای خانواده ام بدی و آسیب و زیانی خواسته است، پس سرش را قطع کن و بدی او را از من بازدار و زبانش را دربـاره مـن ببنـد و حیلـه اش را بگیر و اراده اش را از مـن برگردان. خداونـدا برتریـن درودهـایی را کـه بر بنـدگانت فرسـتاده ای بر محمـد و خانـدانش فرست، هم چنان که به وسیله او ما را از کفر هـدایت کردی. و بر محمـد و خاندانش درود فرست چنان که ذکر کنندگان تو را یاد کردنـد. و ما و پـدران و مادران و فرزنـدان ما را بیامرز و همه مردان و زنان مؤمن و مسـلمان را، زندگان و مردگان را بیامرز و میان ما و آن ها نیکی هـای پی درپی قرار بـده. همانـا تو برآورده کننـده دعاهـا و نـازل کننـده برکت هـا و برطرف کننـده ی بـدی هـای هستی و تو بر هر کار توانایی. خداوندا، دینم و دنیایم را و خانواده و فرزندان و همسرم و امانت هایم را و همه آن چه را که در دنیا و آخرت به من نعمت داده ای را به تو می سپارم، به راستی که تو کـار خود را ضـایع نمی کنی و امـانت هـای خود را نابود نمی کنی و کسـی مرا از تو پناه نمی دهـد. خـدایا، بارالها،

در دینا و آخرت به ما نیکی عطا کن و از عذاب آتش ما را نگه دار.

تا این جا، و اضافه بر این از کتاب است: پس من به تو امیـد بسـته ام و به کسـی جز تو امیـدی نـدارم، پس به راستی که تو خداونـد آمرزنده و مهربـانی. خداونـدا، مرا وارد بهشت گردان و بـا مهربانی ات از آتش نجاتم بـده، ای مهربان ترین مهربانان. در نسـخه ای که تا این جا را از آن نقل کردیم، آورده شده پایان دعا، و اضافه آن از نسخه کتاب است که از آن نقل شد - ۱. مهج الدعوات :۲۴۷ - ۲۶۰ - .

می‌گویم: به خـط شیـخ محمـد علی جبعی رحمه الله به نقـل از خـط شـهید محمـد بن مکی رحمه الله دعاهایی از امام صادق دیـدم که در آنها دعاهایی از امام کاظم و امام رضا علیهم السلام وجود داشت و این لفظ آن است:

این یکی از دعاهـای امـام صـادق علیه السـلام در زمان ورود ایشان بر منصور دوانیقی است که صاحب اسـتدراک بیست و سه مورد از آنها را ذکر کرده است. دراین روایت از تهدید امام به قتل توسط منصور و رویارویی گهگاه وی با حضرت سخن به میان آمده است. وقتی ابراهیم بن جبله از سوی منصور عازم مدینه شد و پیام او را ابلاغ نمود، حضرت این دعا را خواند:

خداوندا! تو در هر سختی مورد اعتماد منی، تا آخر بر اساس روایت سید.

سپس دعای حضرت را به هنگام خروج و سوار شدن بر مرکب اینگونه نقل کرد: خداوندا! به یاری تو آغاز می‌کنم تا آخر دعا؛

سپس گفت: وقتی حضـرت داخـل کوفه شـد و دو رکعت نماز خوانـد، اینگونه عرضه داشت: خداونـدا! ای پروردگار آسـمانهای هفت گانه تا آخر دعا .

سپس گفت: منصور، مسیب بن زهیر را به کشـتن حضرت مأمور کرده بود و حضرت در حالی که پرده‌های آویخته بر خانه منصور را به دست گرفته بود، اینگونه در لحظه ورود دعا می کنـد: ای خداوند جبرئیل تا عرض کرد: در این بامداد متولی من باش و او را بر من و بر هیچ یک از

بندگانت به چیزی که طاقت آن را ندارم، مسلط نفرما.

سپس گفت: و وقتی نگاهش در منصور افتاد، دعایی خواند که از جدش رسول خدا صلوات الله علیه وآله روایت فرموده بود که جبرئیل در شب جنگ احزاب برای دفع شرّ شیطان و حکام و غرق شدن و سوختن و ماندن زیر آوار و حیوانات وحشی و دزد به امیرالمؤمنین هدیه کرد. و اینگونه مکر منصور از ایشان برگشت و به پوزش و کرنش در مقابل حضرت وادار شد: خداوندا ما را با آن چشمان مراقبت فرما که خواب ندارند تا آخر دعا.

سپس گفت: و وقتی با اکرام از نزد منصور برمی‌گشت، اینگونه حمد خدا می‌گفت: شکر خدایی را که آنگاه که می خوانمش، مرا اجابت می کند تا آخر دعا.

سپس گفت: دعایی از ورود دیگر امام به نزد منصور و تکریم امام روایت می‌کند که عرض کرد: خدایا ای آفریدگار پنج تن و ای پروردگار پنج تن! به حق پنج تن از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و آزار و بدیهای او را از من دور سازی و نیکی و محبتش را به من روزی کنی.

دعای دیگری مربوط به ورود دیگر امام بر منصور است که فضل بن ربیع آن را روایت کرده و حضرت به او خبر داده که این دعا امان است از غرق شدن و سوختن و شر دشمنان و جبرئل آن را در جنگ احزاب نازل کرد، و من آن را از روایات جمع کردم:

گواهی داد خداوند که خدایی جز او نیست – تا - و او در حسابرسی سریع است.

خداوندا از شر تمامی آفات و آلودگی ها و هر جن و انسی که شبانگاهان جز به خیر بر من وارد شود، به نور قدس تو و عظمت طهارتت و پاکی جلالت پناه می‌آورم. خداوندا پناه من تویی، پس به تو پناه می‌آورم و ایمن گاهمن تویی، پس به تو امان می‌آورم. ای کسی که گردنکشان در مقابل او سر ذلت فرود آوردند و گردنکشی فرعونها در مقابل او خاضع شد، از رسوا کردن و کنار زدن حجاب و فراموشی یادت و رویگردانی از شکرت به جلال وجهت و کرامت جلالت پناه می‌آورم. من در شب و روزم و خواب و قرارم و در زمان کارها و آرامشم در سایه حمایت توام. یاد تو لباس زیرین من است و ثنای تو لباس رویینم. گواهی می‌دهم خدایی جز تو نیست تا وجهت را منزه سازم و تسبیح تو را تکریم نمایم. بر محمد و آل او درود فرست و سایه حمایتت را بر من بگستران و مرا از شر عذابت در امان دار و خیمه های حفظ خود را بر سرم برافراز و به حرمت خودت مرا از ترسها و نگرانی‌هایم برهان و عنایت خود را برایم باقی دار ای مهربانترین مهربانان. و اضطرابم را به خیر و امان و حجاب و حفظ خود از من دور ساز.

خداوندا تسبیح و سپاس از آن توست به عدد ریگها و سنگریزه ها، تسبیح و حمد از آن توست به عدد قطرات آب دریاها، تسبیح و حمد تو را سزاست به عدد قطرات باران، تسبیح و حمد از آن توست به تعداد شمارش شمارش کنندگان و سخن سخنوران و بیشتر از آن و به مقدار آن تا نهایت قدرتت ای صاحب جلالت و کرم.

دعای حضرت به روایت ربیع در ورود دیگری در مجلس منصور که به تندی با حضرت سخن گفته بود و شمشیرش را کامل از غلاف بیرون کشیده بود، و بر اثر دعا به تکریم حضرت پرداخته بود:

خدایا از تو به واسطه چشمت می‌خواهم که خواب ندارد و تکیه‌گاهت که فرو نمی‌پاشد و به قدرتت بر آفریده‌هایت و به صفاتی که پیامبرت محمد صلوات الله علیه وآله را بدان مخصوص کرده ای؛ خدایا تویی که از هلاکتها نجات می‌بخشی. به حرمت محمد صلوات الله علیه وآله به تو نزدیکی می‌جویم و تو را پیش می‌اندازم، پس مرا از شر او کفایت کن ای کفایت کننده محمد صلوات الله علیه وآله در جنگ احزاب و ابراهیم در مقابل نمرود. خدا را می‌خوانم، خدا را می‌خوانم، خدا را می خوانم، خدایی که پروردگار من است و چیزی را شریک او قرار نمی...

دهم. خـدای روزی دهنـده مرا از روزی خوران کـافی است، پروردگـارم مرا از پرورش یافتگـان کـافی است، خداونـد آفریننـده مرا از آفریـده شـدگان کـافی است، کـافی است برای من آن کسـی که همیشه کـافی است، کـافی است و باز کافی است، خـدا برایم کافی است و او بهترین وکیل است. خدایی جز او نیست، بر او توکل کردم و او پروردگار عرش عظیم است. خدایا مرا با چشمت که خواب ندارد محافظت فرما، و در رکن شکست ناپذیرت و به قدرتت بر بندگانت حفظ کن،

خدایا امیدم تویی پس هلاک نمی‌شوم، تو برتر و بزرگتر از چیزی هستی که من از آن بیم و هراس دارم، با یاد خدا آغاز می کنم و از او توفیق می‌خواهم و به محمد صلوات الله علیه وآله اعتماد می کنم. خداوندا ای پروردگار جبرئیل و میکائیل، تو را برای رفع شرّ او پیشقدم می کنم و از تو بر ضد او مدد می‌جویم، پس مرا از شر او کفایت کن ای کفایت کننده کننده موسی از فرعون و محمد صلوات الله علیه وآله از احزاب.

دعای حضـرت در ورود دیگرش به روایت سـید زیـد علوی عریضـی در مصـر: ای آن که بر او سـتم نمی‌شود و نابود نمی شود ، ای آن که به دست او ارحام به هم ارتباط پیـدا می کننـد، از تو می‌خواهم به حق محمـد و آل محمد که حقشان بر تو از فضل حق تو بر ایشان است، ای نگه دارنده دو فرزند برای صلاح پدرشان، مرا برای رسول خدا صلی الله علیه وآله حفظ فرما.

مؤلف گوید: شایسـته است فردی که دعا را می‌خواند، در وقت گفتن مرا برای رسول خدا حفظ کن، اضافه کند و برای اهل بیت پاک او، چرا که راه رسـیدن به رسول خـدا، فقـط از طریق اهـل بیت اوست و تنهـا راه رسـیدن به خداونـد عز و جـل پیـامبر اوست و مـا جزو اهل بیت پیامبر صلوات الله علیهم نیستیم.

دعای حضـرت در ورود دیگرش بر مجلس منصور که در روایت آمـده است که رسول خـدا صـلی الله علیه وآله این دعا را در خواب به ایشان آموخته است:

خـدایا خواسـته‌هـای مـا به سـختی افتـاد و گریزگـاه جز بسوی تو تنگ گشت، آرزوهایمان رنگ کهنگی گرفت و امیـدها از غیر تو قطع شـد، اطمینان از بین رفت و گمانها جز به تو نادرست گشت و زبانها دروغ گفت و وعده ها جز وعده تو عمل نشد. خداوندا آبراههای درخواستها را بسوی تو روان می‌بینم و سرچشـمه‌های دعا را برای تو گشوده می‌یابم، و تو را برای دعاکننـدگانت در موضع اجابت و برای کمک طلبان از تو در گـذرگاه فریـاد رسـی می‌بینم. خداونـدا سوز و عطش به بخشـش تو و رضـایت به ضـمانت تو، جایگزین بخل اهل بخل و گسترده تر از آن چیزی است که در دست خودخواهان و سودجویان وجود دارد. خدایا می‌دانم که تو از مخلوقات خود در حجاب نیستی و این اعمال آنهاسـت که میان تو و ایشان فاصـله انداخته است. خدایا بهترین توشه مسافر بسوی تو سختی اراده و فروتنی در مددجویی از توست، درونم تو را با اراده قوی و اسـتغاثه خاشـعانه نجوا کرده است، خـدایا از تو می‌خواهم به همه دعاهـایی که هر امیـدواری تو را به آن خوانـده و تو او را به آرزویش رسانده‌ای، یا با فریاد از تو کمک خواسته و به فریاد او پاسخ داده‌ای یا دردمند غمگینی تو را خوانده و او را گشایش داده‌ای و آن دعاها حقی بر تو و در نزدت جایگاهی دارنـد، از تو می‌خواهم که بر محمـد و آل او درود فرستی و مرا از هر بـدی رهایی بخشـی و فلان و فلان حاجتم را برآورده سازی.

دعایی امام در ورود دیگرش بر منصور:

خـدایا حمـد از آن تو و شـکایتها بسوی توست و هیـچ توان و قـدرتی نیست مگر به دست خداوند بزرگ و بلند مرتبه. خداوندا تو اول ازلی و آخر همیشـگی و حکمران روز قیـامتی. هر چه را خـواهی بـدون رقـابت انجـام می‌دهی و به هر که بخـواهی بـدون منت می‌بخشـی، در هر چه خواهی بـدون ظلم حکم می کنی و روزها را به نوبت میان مردم می گردانی و مردم از حالی به حال دیگر می‌نشـینند. خدایا و از خیر تو، خیری که امیـد آن را دارم و نـدارم، طلب می کنم و از شـر بـدی‌هایی که از آن حـذر دارم و نـدارم، به تو پناه می‌آورم. اگر خوارم کنی بعد از اتمام حجت است و اگر حفظم کنی، نعمتت را تمام کرده‌ای. ای یاور محمد صلی الله علیه وآله در جنگ حنین و ای یاور علی علیه السلام در جنگ

صفین، ای هلاک کننـده ظالمان و ای نگه دارنده پیامبران، از تو به حرمت یس والقرآن الحکیم می‌خواهم، از تو به حرمت طه والقرآن العظیم می‌خواهم که بر محمـد و آل او درود فرسـتی و تأییـدی بر من روزی کنی که دلم را قوی دارد و ضـعفهایم را برطرف سـازد و بـا آن تو را در مقابـل دشـمنان پیش روی خـود قرار دهم. ای کریم! این منم که روبروی تـو ایسـتاده‌ام، بـا من آنگونه که می‌خواهی معـامله کن که هرگز جز آنچه نوشـته‌ای، بر من نخواهـد رسـید. تو مرا کفـایت می‌کنی و بهترین وکیـل هستی، خـدایی جز تو نیست، از هر عیبی منزهی و من از ظالمان بودم. سـرنوشت خود را به خـدا وامی‌گـذارم که خداونـد به احوال بنـدگانش بیناست، هر چه خـدا بخواهـد می‌شود که قدرتی جز قدرت خدا نیست، او ما را کافی است و او بهترین وکیلان است.

دعای دیگری از حضـرت در ورود دیگری بر مجلس منصور که حضرت آن را از جدش صلی الله علیه وآله روایت کرده است که شامل هفت کلمه‌ای است که به همراه سوره حمـد بر حضـرت نازل گشـته است: خداوندا ای کفایت کننده همه اشیاء که چیزی از او کفایت نمی‌کند، ای پروردگار همه اشیاء ما را از همه چیز کفایت کن تا با وجود اسمت، چیزی ما را زیان نرساند.

دعای حضـرت در ورود دیگری بر مجلس منصور که در تعقیب نماز چهار رکعتی سه مرتبه خوانـد: خداوندا ای کفایت کننده از هر چیزی که چیزی از تو کفایت نمی‌کند، مرا از شر و خشم فلانی حفظ کن.

دعـای حضـرت در نجـف در تعقیب نمـاز، زمـانی که منصـور ایشـان را به کوفه فرا خوانـده و حکم قتـل حضـرت را امضـا کرده بود: ای یـاور مظلومانی که در حقشان سـتم شـده است، ای حافظ دو فرزنـد برای پـدرشان، امروز مرا برای پـدرانم محمد و علی و حسن و حسـین و علی بن حسـین و محمد بن علی صلی الله علیهم أجمعین حفظ فرما و مهر ذلت بر صورت و پیشانی او [منصور] بزن. به یاری خدا رفتن را آغاز می‌کنم و از او توفیق می‌خواهم و به واسـطه محمدصـلی الله علیه وآله به خدا روی می‌کنم. خداوندا تو هر چه را خواهی محو یا اثبات می‌کنی و اصـل کتاب نزد توست.

مؤلف می‌گویـد: کسـی که این دعا را می‌خوانـد، بایـد اینگونه بگویـد که مرا امروز حفظ کن به حق پـدران مولایم امام صادق محمـد و علی علیهم السلام تا انتها.

دعای امام صادق در ورود دیگرش بر منصور که دسـتور داده بود وقتی حضـرت سرش را بالا آورد، گردنش را بزنند: خداوندا مراهیچ یک از مخلوقات کفایت نمی‌کند، و تو مرا از همه مخلوقات کفایت می‌کنی، مرا از شـر عبدالله بن محمد و آنچه از سلاح بر من آماده کرده، کفایت فرما. عبدالله بن محمد گفت: به خدا قسم تو را ندیدم و میان و من تو مانعی پدید آمد .

دعای حضـرت در ورود دیگرش بر منصور: ای خدایی که از همه بندگانش کفایت می‌کند و کسی از او کفایت نمی‌کند، مرا از شر عبدالله بن محمد بن علی حفظ کن.

دعایی از حضرت که آن را به برخی از اصحابش برای رفع نگرانی و اندوه آموخت: برای هر پیشامد بزرگ جمله لا اله الا الله را آماده کردم و برای هر غم و اندوهی لا حول و لا قوه إلا بالله را. محمد صلی الله علیه وآله نور اول است و علی علیه السلام نور دوم و ائمه اطهار علیهم السلام ذخیره‌ای برای روز ملاقات با خـدا و حجاب از دشـمنان خدایند. همه اشیاء در برابر عظمت خدا ذلیلند و من از خداوند عز و جل کفایت او را می‌خواهم.

دعایی است که حضـرت آن را به حسن عطار آموخت که حاکم وقت دارایی‌اش – زمین زراعتی – را از دسـتش گرفته بود. بعد از نماز صـبح جـانب راست صورت بر زمین نهاده می‌شود و این جمله گفته می‌شود: یَاحَیُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ تا نفس تمام شود، سـپس این جمله انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْکَ تـا نفس تمـام شود، سـپس این جمله یَـا أَحَـدَ مَنْ لَـا أَحَـدَ لَهُ تا نفس قطع شود، سـپس این جمله ارْزُقْنِی مِنْ حَیْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَیْثُ لَا أَحْتَسِبُ إِنَّکَ عَلى کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ تـا نفس قطع شود. حسن عطـار می گویـد: این کار را سه روز انجام دادم، تا اینکه همه اموالم با صـدهزار

درهم اضافه به من برگردانیده شد.

دعـای حضـرت به هنگـام ورود بر مجلس منصور بـدون نامه از جانب منصور و حضـرت آن را از رسول خـدا صـلی الله علیه وآله روایت کرده است که ایشان آن را به علی علیه السـلام آموخت تا در سختی‌ها بخواند:خدایا تو را برای مقابله با او پیشقدم می‌کنم و از شر او به تو پناه می‌برم واز تو بر ضد او یاری می‌طلبم ای کفایت کننده، ای شفابخش، ای عافیت بخش، مرا از همه چیز کفایت کن تا با وجود تو از چیزی نترسم.

دعـای حضـرت در ورود دیگری بر منصور که به قتـل امـام فرمـان داده بود، اما با دیـدن حضـرت از جای خود برخاست و پیش روی حضـرت نشسـت و دسـتور داد سـی بـدره به حضـرت بدهنـد. این دعا را جبرئیل به رسول خدا صـلی الله علیه وآله هدیه کرد: خدایا از تو می‌خواهم ای فروریزنده نعمتها، ای برطرف کننده سختی‌ها، ای آفریننده انسانها، ای دانای بدون آموزگار، ای آگاه به همه امتها، ای همنشین وحشت زدگان در دل تاریکی‌ها،

همه سـختی‌ها و درد را از من دور ساز و از هر عیب و بیماری و از شـر هر عرب و عجمی که از تو نمی‌ترسـد، رهایم کن. و به زودی خـداوند شر آنان را از تو کفایت خواهد کرد، که او شنوای داناست.

دعـای مولایمان امام صادق علیه السـلام به روایت دیگر و با برخی تغییرات که ابن انجب در تاریـخ دوازده امام علیهم السـلام ذکر کرده است. منصور به ربیع دسـتور داد امام علیه السـلام را احضار کنـد و قصد کشـتن او را داشت. اما آنگاه که نگاهش به حضـرت افتاد، عرض کرد: خیر مقدم به آقای پاک آسـتان و منزه از حیله و خیانت، برادر و پسـر عمویم. سپس امام را بر تخت خود نشانید و از احوال و نیازهای امام جویا شد و با مشک و عنبر حضرت را معطر کرد. ربیع خدمت امام عرض کرد: ای فرزند رسول خدا در حالی شما را آوردم که یقین داشتم منصور شما را به قتل می‌رسانـد، اما این حرکات را از او دیـدم و شـما را هم می‌دیدم که در لحظه ورود چیزی را زیر لبهایت زمزمه می‌کردی. آن جملات چه بود؟ حضـرت فرمود: اینها را می‌خوانـدم که خداونـدا مرا با چشـمانی که خواب در آنها راه ندارد، حفاظت فرما و مرا در پناه رکن آسـیب ناپـذیرت محـافظت کن و با قـدرت خود از من نگهـداری کن و مرا هلاک نکن که امیـدم تویی. خـدایا چه بسـیار نعمتی که با آن بر من انعام کردی و شـکر من بر آنها اندک شد، و چه بسیار بلایی که مرا بدان مبتلا نمودی و من بر آنها کم صبری نمودم. پس ای خدایی که بر نعمتش کم شـکری نمودم امـا محرومم نسـاخت و بـا وجود ناشـکیبایی‌ام بر بلاها مرا خوار و ذلیل نساخت، و ای خـدایی که مرا در حال گناه دیـد، اما رسوایم نسـاخت. ای صـاحب نعمتهای بی‌شـمار و ای صاحب نیکی‌هایی که هرگز قطع نمی‌شود، با امکانات دنیا مرا بر دینم و با تقوا بر آخرتم یـاری کن و از چیزهـایی که بر من پوشـیده است، حفظ کن. و در اموری که بر آن واقفم به خودم وامگـذار. ای کسـی که گناهان زیانی به او نمی‌رسانـد و آمرزیدن گناهان چیزی از او نمی کاهد، آنچه را که برایت زیانی ندارد بر من ببخش و آنچه را که از تو نمی‌کاهد بر من ارزانی دار. ای بسیار بخشنده، از تو گشایشی زود هنگام و صبری زیبا و عافیت از هر بلا و شکر عافیت مسألت می‌نمایم.

در کتاب دعایی از امام کاظم علیه السـلام در زیر ناودان کعبه وارد شـده و روایت شده است که در آن اسم اعظم وجود دارد: یا نور یا قدوس سه مرتبه، یَـا حی یـا قیوم سه مرتبه، یَـا حَیُّ لاـ یَموتُ سه مرتبه، یَـا حیُّ حینَ لا حَیّ سه مرتبه، یَاحَیُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سه مرتبه، أَسْأَلُکَ یَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ چهـار مرتبه، یَـا حَیُّ لَـا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْأَلُـکَ بِلَـاإِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سه مرتبه، أَسْأَلُکَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ دو مرتبه، أَسْأَلُکَ بِاسْـمِکَ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ الْعَزِیزِ الْمُبِینِ سه مرتبه.

دعای حضرت در زندان رشید که موجب آزادی حضرت شد و آن را ابوالحسن رازی مؤذن حرم امام حسین علیه السلام برایم روایت کرد:

ای شـنوای همه صـداها، ای زنده کننده جانها پس از مرگ، من خدایی جز تو ندارم تا او را بخوانم، و شـریکی نداری تا به او امیدوار باشم، بر محمـد و آل او درود فرست و مرا از بلایی که در آنم رهایی بخش و از آنچه از آن هراسـناک و نگرانم حفظ فرما به توان و قـدرتت و به حق محمـد و آل محمـد، همـانگونه که با رحمتت بچه را از تنگی پرده رحم و گوشت رهایی می بخشـی، بر محمـد و آل او درود فرست و به حق

محمد و آل محمد علیهم السلام به مشیت و ارادهات مرا از بلایی که در آنم و از آن هراسناک و نگرانم نجات بده، همانگونه که به قدرت و جلال خود میوه را از میان آب و گِل و شن خارج می کنی. و بر محمد و آل محمد درود فرست و همانگونه که تخم را از شکم پرنده رها می‌سازی، به توان و قدرتت مرا از بلایی که در آنم واز آن بیمناک و نگرانم رهایی بخش، و بر محمد و آل او درود فرست و به حق محمد و آل محمد علیهم السلام به نعمت و بزرگی ات مرا از بلایم و از آنچه از آن نگران و ترسانم خلاص کن. و بر محمد و آل او درود فرست و و به حق محمد و آل محمد، همانگونه که به عزتت پرنده را از داخل تخم رها می کنی، به قدرتت مرا از این بلاـ و از آنچه از آن خائف و نگرانم خلاص عطا فرما که تو بر همه چیز توانایی .

دعای حضرت در لحظه ورود بر مهدی عباسی: به قدرت و اراده خدا، اراده و قدرت تو را از خود باز می‌دارم و به پروردگار سپیده‌دم پناه می‌برم از شر همه مخلوقاتش و اینگونه می گویم هر چه خدا بخواهد می‌شود و هیچ توان و نیرویی نیست مگر به دست خداوند بلند مرتبه و عظیم.

دعای حضرت در زندان که در سجده و در حالی که گونه هایش را بر خاک می مالید، می خواند: ای ذلیل کننده هر گردنکش و عزیز کننده هر ذلیل، به حقت قسم، رنج و سختی‌ام به اوج رسیده است، پس بر محمد وآل محمد درود فرست و مرا رهایی ببخش.

دعای آقایمان امام رضا علیه السلام زمانی که مأمون بر ایشان خشم گرفته بود و بر اثر دعا آرام شد: به نام خدا آغاز می کنم و از خدا نجات می‌خواهم و به وسیله محمد صلی الله علیه وآله رو می کنم. خداوندا تمامی غصه‌های امورم را بر من راحت ساز و و سختی هایش را بر من آسان ساز که تو هر چه را خواهی محو یا اثبات می کنی و اصل کتاب در نزد توست.

و به سند از علی علیه السلام روایت کرده که فرمود: هیچ امری مرا غمگین نکرد و هیچ تنگنایی در معیشتم پدید نیامد و با هیچ سختی رو به رو نشدم مگر اینکه این دعا را در آن خواندم و خداوند غم و غصه‌ام را برطرف ساخت و مرا بر دشمنانم پیروز کرد. این آخرین مطلبی بود که به خط شیخ محمد بن علی جُبَعی یافتم.

**[ترجمه]

«۳»

الْعَدَدُ الْقَوِیَّهُ، لِأَخِی الْعَلَّامَهِ نَقْلًا مِنْ کِتَابِ الرَّوْضَهِ بِحَذْفِ الْإِسْنَادِ عَنِ الرَّبِیعِ حَاجِبِ الْمَنْصُورِ قَالَ: لَمَّا اسْتَوَتِ الْخِلَافَهُ لَهُ قَالَ یَا رَبِیعُ ابْعَثْ إِلَی جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ مَنْ یَأْتِینِی بِهِ ثُمَّ قَالَ بَعْدَ سَاعَهٍ أَ لَمْ أَقُلْ لَکَ أَنْ تَبْعَثَ إِلَی جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ فَوَ اللَّهِ لَتَأْتِیَنِّی بِهِ وَ إِلَّا قَتَلْتُکَ فَلَمْ أَجِدْ بُدّاً فَذَهَبْتُ إِلَیْهِ فَقُلْتُ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَجِبْ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ فَقَامَ مَعِی فَلَمَّا دَنَوْنَا مِنَ الْبَابِ رَأَیْتُهُ یُحَرِّکُ شَفَتَیْهِ ثُمَّ دَخَلَ فَسَلَّمَ عَلَیْهِ فَلَمْ یَرُدَّ عَلَیْهِ وَ وَقَفَ فَلَمْ یُجْلِسْهُ ثُمَّ رَفَعَ إِلَیْهِ رَأْسَهُ فَقَالَ یَا جَعْفَرُ أَنْتَ الَّذِی ألبیت [أَلَّبْتَ] عَلَیَّ وَ کَثَّرْتَ فَقَدْ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله قَالَ یُنْصَبُ لِکُلِّ غَادِرٍ لِوَاءٌ یَوْمَ الْقِیَامَهِ یُعْرَفُ بِهِ فَقَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ علیهما السلام وَ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله قَالَ یُنَادِی مُنَادٍ یَوْمَ الْقِیَامَهِ مِنْ بُطْنَانِ الْعَرْشِ أَلَا فَلْیَقُمْ کُلُّ مَنْ أَجْرُهُ عَلَیَّ فَلَا یَقُومُ إِلَّا مَنْ عَفَا عَنْ أَخِیهِ فَمَا زَالَ یَقُولُ حَتَّی سَکَنَ مَا بِهِ وَ لَانَ لَهُ فَقَالَ اجْلِسْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ارْتَفِعْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ثُمَّ دَعَا بِمِدْهَنٍ مِنْ غَالِیَهٍ فَجَعَلَ یُغَلِّفُهُ بِیَدِهِ وَ الْغَالِیَهُ تَقْطُرُ مِنْ بَیْنِ أَنَامِلِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ ثُمَّ قَالَ انْصَرِفْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فِی حِفْظِ اللَّهِ وَ قَالَ لِی یَا رَبِیعُ أَتْبِعْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَائِزَتَهُ وَ أَضْعِفْهَا لَهُ قَالَ فَخَرَجْتُ فَقُلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ تَعْلَمُ مَحَبَّتِی لَکَ قَالَ نَعَمْ یَا رَبِیعُ أَنْتَ مِنَّا حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ مَوْلَی الْقَوْمِ مِنْ أَنْفُسِهِمْ فَأَنْتَ مِنَّا قُلْتُ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ شَهِدْتُ مَا لَمْ نَشْهَدْ وَ سَمِعْتُ مَا لَمْ نَسْمَعْ وَ قَدْ دَخَلْتَ

۱- ۱. فی هامش الأصل: لا بد ان یکتب فی ادعیه الرضا علیه السلام ان شاء اللّه».

عَلَيْهِ وَ رَأَيْتُكَ تُحَرِّكُ شَفَتَيْكَ عِنْدَ الدُّخُولِ عَلَيْهِ قَالَ نَعَمْ دُعَاءٌ كُنْتُ أَدْعُو بِهِ فَقُلْتُ أَ دُعَاءٌ كُنْتَ تَلْقَنُهُ عِنْدَ الدُّخُولِ أَوْ بِشَيْ ءٍ تَأْثُرُهُ عَنْ آبَائِكَ الطَّيِّبِينَ فَقَالَ بَلْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله كَانَ إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ كَانَ يُقَالُ لَهُ دُعَاءُ الْفَرَجِ وَ هُوَ اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَ اكْنُفْنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ وَ ارْحَمْنِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ وَ لَا أَهْلِكُ وَ أَنْتَ رَجَايَ فَكَمْ مِنْ نِعْمَةٍ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ قَلَّ لَكَ بِهَا شُكْرِي وَ كَمْ مِنْ بَلِيَّةٍ ابْتَلَيْتَنِي قَلَّ لَكَ بِهَا صَبْرِي فَيَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ نِعْمَتِهِ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَ يَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ بَلِيَّتِهِ صَبْرِي فَلَمْ يَخْذُلْنِي وَ يَا مَنْ رَآنِي عَلَى الْخَطَايَا فَلَمْ يَفْضَحْنِي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى دِينِي بِالدُّنْيَا وَ عَلَى آخِرَتِي بِالتَّقْوَى وَ احْفَظْنِي فِيمَا غِبْتُ عَنْهُ وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فِيمَا حَضَرْتُهُ يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ الذُّنُوبُ وَ لَا تَنْقُصُهُ الْمَغْفِرَةُ هَبْ لِي مَا لَا يَنْقُصُكَ وَ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ إِنَّكَ رَبٌّ وَهَّابٌ أَسْأَلُكَ فَرَجاً قَرِيباً وَ صَبْراً جَمِيلًا وَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ الْعَافِيَةَ مِنَ الْبَلَاءِ وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ وَ فِي رِوَايَةٍ وَ أَسْأَلُكَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ أَسْأَلُكَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ وَ أَسْأَلُكَ الْغِنَى عَنِ النَّاسِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ قَالَ الرَّبِيعُ فَكَتَبْتُهُ مِنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام فِي رُقْعَةٍ وَ هَا هُوَ ذَا فِي جَيْبِي وَ قَالَ مُوسَى بْنُ سَهْلٍ كَتَبْتُهُ مِنَ الرَّبِيعِ وَ هَا هُوَ فِي جَيْبِي وَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ كَتَبْتُهُ مِنَ الْعَبْسِيِّ وَ هَا هُوَ فِي جَيْبِي وَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الْمُحْتَسِبُ كَتَبْتُهُ مِنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ وَ هَا هُوَ فِي جَيْبِي وَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ كَتَبْتُهُ مِنَ الْمُحْتَسِبِ وَ هَا هُوَ فِي جَيْبِي وَ قَالَ السُّلَمِيُّ مِثْلَهُ وَ قَالَ أَبُو صَالِحٍ مِثْلَهُ وَ قَالَ الْحَافِظُ أَبُو مَنْصُورٍ مِثْلَهُ.

**[ترجمه]العدد القویه. پرده دار منصور روایت می کند، آنگاه که خلافت او مستقر گشت، به ربیع گفت: فردی را دنبال جعفر بن محمد بفرست. سپس بعد از ساعتی گفت: مگر به تو نگفتم دنبال جعفر بن محمد بفرستی؟ به خدا قسم او را نزد من می‌آوری وگرنه تو را می‌کشم. من نیز چاره‌ای ندیدم و پیش امام رفتم و گفتم: یا اباعبدالله، دعوت امیرالمومنین را اجابت فرما. حضرت با من به راه افتاد. وقتی نزدیک در رسیدیم، حضرت را دیدم که لبانش را حرکت می‌داد. سپس امام داخل شد و بر منصور سلام کرد، اما او جواب امام را نداد، حضرت ایستاد اما منصور او را دعوت به نشستن نکرد. سپس سرش را بلند کرد و به امام عرض کرد: ای جعفر! تویی که مدتهاست برضد من سخن می گویی و نیرو جمع می کنی ، پدرم از پدرش از جدش از پیامبر نقل کرد که : نقل می‌کند که هر پیمان شکنی در روز قیامت پرچمی دارد که بدان شناخته می شود؟! حضرت فرمود: و پدرم از پدرش از جدش روایت کرد که پیامبر فرمود: در روز قیامت یک منادی از دل عرش ندا در می... دهد که هر کسی پاداشی بر گردن من دارد، برخیزد؛ و هیچ کسی بر نمی‌خیزد مگر کسی که برادرش را عفو کند. حضرت سخنانش را ادامه داد تا اینکه خشم منصور فرو نشست و با امام نرم شد و گفت: یا اباعبدالله بنشین، یا اباعبدالله برخیز. سپس روغن عطری خواست و با دست خود بر امام زد، به طوری که روغن از میان انگشتان امیرالمومنین منصور فرو می‌ریخت. سپس به امام عرض کرد: یا اباعبدالله در پناه خدا برگرد. و به من گفت: هدیه امام صادق علیه السلام را به دنبالش ببر و آن را برایش دو برابر کن. ربیع می گوید: به دنبال حضرت رفتم و به او گفتم: یا اباعبدالله از محبتم به خودتان خبر دارید. فرمود: بلی ای ربیع تو از مایی و من از پدرم از پدرش از جدش از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که حضرت فرمود: دوستدار یک قوم از آنهاست، و تو نیز از مایی. عرض کردم: چیزی دیدم که قبلاً ندیده بودیم و چیزی شنیدم که قبلاً نشنیده بودیم. شما در حالی بر منصور وارد شدی که لبانتان به هم می‌خورد. حضرت فرمود: دعایی را می‌خواندم. عرض کردم: آیا آن را در هنگام ورود حفظ کردید یا از پدران پاکتان به شما رسیده است؟ فرمود: از خودم نبود، بلکه پدرم از پدرش از جدش از رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت کرد که هرگاه چیزی حضرت را غمگین می‌ساخت، این دعا را می‌خواند که به آن دعای فرج گفته می‌شد و دعا این است:

خداوند ا مرا با چشمانی که خواب در آنها راه ندارد، حفاظت فرما و مرا در پناه رکن آسیب ناپذیرت محافظت کن و با قدرت خود بر من رحم کن و مرا هلاک نکن که امیدم تویی. خدایا چه بسیار نعمتی که با آن بر من انعام کردی و شکر من بر آنها اندک شد، و چه بسیار بلایی که مرا بدان مبتلا نمودی که بر آنها کم صبری نمودم. پس ای خدایی که بر نعمتش کم شکری نمودم، اما محرومم نساخت و با وجود ناشکیبایی ام بر بلاها مرا خوار و دلیل نساخت، و ای خدایی که مرا در حال گناه دید ولی رسوایم نساخت. از تو می خواهم که بر محمد وآل محمد درود فرستی، خدایا با امکانات دنیا مرا بر دینمم و با تقوا بر آخرتمیاری کن و از چیزهایی که بر من پوشیده است، حفظ کن و در اموری که بر آن واقفم به خودم وامگذار. ای کسی که گناهان به او زیانی نمی رساند و آمرزیدن گناهان چیزی از او نمی‌کاهد، آنچه را که

برایت زیانی ندارد بر من ببخش و آنچه را که از تو نمی‌کاهد بر من ارزانی دار. که تو پروردگار بسیار بخشنده ای، از تو گشایشی زود هنگام و صبری زیبا و روزی فراخ عافیت از هر بلا و شکر عافیت مسألت می‌نمایم.

و در روایت دیگر و از تو عافیتی کامل و دائمی می‌خواهم و بی‌نیازی از مردم را از تو مسألت دارم و هیچ توان و اراده ای جز به دست خداوند بلند مرتبه و عظیم نیست.

ربیع گوید: این دعا را از امام صادق علیه السلام در کاغذی نوشتم و الان در جیبم است. موسی بن سهل نیز می گوید: من نیز آن را از روی ربیع نوشتم و الان در جیبم است. محمد بن هارون نیز می گوید: من هم از روی عیسی نوشتم و در جیبم است و علی بن احمد حسابدار نیز می گوید که من هم از روی نسخه محمد بن هارون نوشتم و الان در جیبم دارم. علی بن حسن نیز گفت: من از روی محتسب نوشتم و الان در جیبم دارم. و سُلّمی و ابوصالح و ابومنصور نگهبان نیز مانند این مطلب را گفته اند.

**[ترجمه]

أقول

و هذا الدعاء من الأدعیه الجلیله العظیمه الشأن و لکن الروایات فی ألفاظها و فقراتها مختلفه جدا ففی بعضها کما نقلناه أولا من المهج لابن طاوس رضوان الله علیه و فی بعضها کما ذکرناه فی طی ما وجدناه من خط الشیخ محمد بن علی الجبعی من أدعیته علیه السلام و فی بعضها کما حکیناه من کتاب العدد القویه المشار إلیه و قد

ص: ۳۱۶

وقع فی بعض الکتب هکذا

اللَّهُمَّ احْرُسْنَا بِعَيْنِکَ الَّتِی لَا تَنَامُ وَ اكْنُفْنَا بِرُكْنِکَ الَّذِی لَا يُرَامُ وَ ارْحَمْنَا بِقُدْرَتِکَ وَ لَا تُهْلِكْنَا فَأَنْتَ الرَّجَاءُ رَبِّ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ قَلَّ لَکَ عِنْدَهَا شُكْرِی وَ كَمْ مِنْ بَلِيَّةٍ ابْتَلَيْتَنِی بِهَا قَلَّ لَکَ عِنْدَهَا صَبْرِی فَيَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ نِعْمَتِهِ شُكْرِی فَلَمْ يَحْرِمْنِی وَ يَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ بَلَائِهِ صَبْرِی فَلَمْ يَخْذُلْنِی وَ يَا مَنْ رَآنِی عَلَى الْمَعَاصِی فَلَمْ يَفْضَحْنِی وَ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الدَّائِمِ الَّذِی لَا يَنْقَضِی أَبَداً وَ يَا ذَا النَّعْمَاءِ الَّتِی لَا تُحْصَى عَدَداً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ وَ أَدْرَأُ بِکَ فِی نَحْرِ الْأَعْدَاءِ وَ الْجَبَّارِينَ اللَّهُمَّ أَعِنِّی عَلَى دِينِی بِدُنْيَایَ وَ عَلَى آخِرَتِی بِتَقْوَایَ وَ احْفَظْنِی فِيمَا غِبْتُ عَنْهُ وَ لَا تَكِلْنِی إِلَى نَفْسِی فِيمَا حَذَّرْتَهُ يَا مَنْ لَا تَنْقُصُهُ الْمَغْفِرَةُ وَ لَا تَضُرُّهُ الْمَعْصِيَةُ أَسْأَلُکَ فَرَجاً عَاجِلًا وَ صَبْراً جَمِيلًا وَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ الْعَافِيَةَ مِنْ جَمِيعِ الْبَلَاءِ وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ بِرَحْمَتِکَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ.

**[ترجمه]این دعا از از ادعیه عظیم الشأن است، اما اختلافات اساسی در الفاظ و فقرات آن در روایات وجود دارد. برخی روایات مطابق نخستین روایتمان از مهج سید بن طاووس رضوان الله علیه است، و برخی از آنها مطابق روایتی است که به خط شیخ محمد بن علی جبعی از دعاهای حضرت یافتیم. و برخی دیگر نیز مطابق روایتمان از کتاب العدد القویه است. البته در برخی کتب نیز دعا اینگونه روایت شده است:

خداوندا ما را با چشمانی که خواب در آنها راه ندارد، حفاظت فرما و در پناه رکن آسیب ناپذیرت محافظت کن و با قدرت خود بر ما رحم کن و ما را هلاک نکن که امید ما تویی. خدایا چه بسیار نعمتی که با آن بر من انعام کردی و شکر من بر آنها اندک شد، و چه بسیار بلایی که مرا بدان مبتلاـ نمودی و بر آنها کم صبری نمودم. پس ای خدایی که بر نعمتش کم شکری نمودم اما محرومم نساخت و با وجود ناشکیبایی ام بر بلاها مرا خوار و دلیل نساخت، و ای خدایی که مرا در حال گناه دید ولی رسوایم نساخت. ای اهل نیکی‌های دائمی و تمام ناشدنی، و ای صاحب نعماتی که قابل شمارش نیست، بر محمد وآل مطهر او درود فرست، خدایا تو را در مقابله با دشمنان و گردنکشان پیشقدم می کنم. خدایا با امکانات دنیا مرا بر دینم و با تقوا بر آخرتم یاری کن و از چیزهایی که بر من پوشیده است، حفظ کن. و در اموری که بر آن واقفم به خودم وامگذار.ای کسی که بخشش چیزی از او نمی کاهد و گناه زیانی به او نمی‌رساند، از تو گشایشی زود هنگام و صبری زیبا و روزی فراخ و عافیت از هر بلاـ و شکر عافیت مسألت می‌نمایم ای صاحب عافیت. به رحمتت ای مهربانترین مهربانان و درود خداوند بر مولایمان محمد و اهل بیت مطهر او. خداوندا ما را ببخش و بر ما رحم کن .

**[ترجمه]

باب ۴۵ بعض أدعیه موسی بن جعفر صلوات الله علیه و أحرازه و عوذاته

الأخبار

أقول

قد سبق بعض أدعیته علیه السلام فی طی باب أدعیه أبیه الصادق علیه السلام أیضا فتذکر.

فمنها الدعاء المعروف بالجوشن الصغیر.

**[ترجمه]برخی از دعاهای ایشان در باب دعاهای پدرشان امام صادق علیه السلام نیز آمده بود که یادآوری می شود. از آن جمله دعای معروف به جوشن صغیر است.

**[ترجمه]

«۱»

مهج، [مهج الدعوات] أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الطُّوسِيُّ وَ عَبْدُ الْجَبَّارِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ الرَّازِيُّ وَ أَبُو الْفَضْلِ مُنْتَهَى بْنُ أَبِي زَيْدٍ الْحُسَيْنِيُّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ شَهْرِيَارَ الْخَازِنُ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الطُّوسِيِّ عَنِ ابْنِ الْغَضَائِرِيِّ وَ أَحْمَدَ

بْنِ عُبْدُونٍ وَ أَبِی طَالِبِ بْنِ الْغَرُورِ وَ أَبِی الْحَسَنِ الصَّفَّارِ وَ الْحَسَنِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ أَشْنَاسَ جَمِیعاً عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ الشَّیْبَانِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَزِیدَ بْنِ أَبِی الْأَزْهَرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ النَّهْشَلِیِّ عَنْ أَبِیهِ قَالَ سَمِعْتُ الْإِمَامَ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ: التَّحَدُّثُ بِنِعَمِ اللَّهِ شُکْرٌ وَ تَرْکُ ذَلِکَ کُفْرٌ فَارْتَبِطُوا نِعَمَ رَبِّکُمْ تَعَالَی بِالشُّکْرِ وَ حَصِّنُوا أَمْوَالَکُمْ بِالزَّکَاهِ وَ ادْفَعُوا الْبَلَاءَ بِالدُّعَاءِ فَإِنَّ الدُّعَاءَ جُنَّهٌ مُنْجِیَهٌ یَرُدُّ الْبَلَاءَ وَ قَدْ أُبْرِمَ إِبْرَاماً.

قَالَ أَبُو الْوَضَّاحِ وَ أَخْبَرَنِی أَبِی قَالَ: لَمَّا قُتِلَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ صَاحِبُ فَخٍّ وَ هُوَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحَسَنِ بِفَخٍّ وَ تَفَرَّقَ النَّاسُ عَنْهُ حُمِلَ رَأْسُهُ وَ الْأَسْرَی مِنْ أَصْحَابِهِ إِلَی مُوسَی بْنِ الْمَهْدِیِّ فَلَمَّا بَصُرَ بِهِمْ أَنْشَأَ یَقُولُ مُتَمَثِّلًا:

بَنِی عَمِّنَا لَا تَنْطِقُوا الشِّعْرَ بَعْدَ مَا***دَفَنْتُمْ بِصَحْرَاءِ الْغَمِیمِ الْقَوَافِیَا

فَلَسْنَا کَمَنْ کُنْتُمْ تُصِیبُونَ نَیْلَهُ (۱)***فَنَقْبَلُ ضَیْماً أَوْ نُحَکِّمُ قَاضِیاً

وَ لَکِنَّ حُکْمَ السَّیْفِ فِینَا مُسَلَّطٌ***فَنَرْضَی إِذَا مَا أَصْبَحَ السَّیْفُ رَاضِیاً

وَ قَدْ سَاءَنِی مَا جَرَتِ الْحَرْبُ بَیْنَنَا***بَنِی عَمِّنَا لَوْ کَانَ أَمْراً مُدَانِیاً

فَإِنْ قُلْتُمْ إِنَّا ظَلَمْنَا فَلَمْ نَکُنْ***ظَلَمْنَا وَ لَکِنْ قَدْ أَسَأْنَا التَّقَاضِیَا

ثُمَّ أَمَرَ بِرَجُلٍ مِنَ الْأَسْرَی فَوَبَّخَهُ ثُمَّ قَتَلَهُ ثُمَّ صَنَعَ مِثْلَ ذَلِکَ بِجَمَاعَهٍ مِنْ وُلْدِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام وَ أَخَذَ مِنَ الطَّالِبِیِّینَ وَ جَعَلَ یَنَالُ مِنْهُمْ إِلَی أَنْ ذَکَرَ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ علیه السلام فَنَالَ مِنْهُ ثُمَّ قَالَ وَ اللَّهِ مَا خَرَجَ حُسَیْنٌ إِلَّا عَنْ أَمْرِهِ لَا اتَّبَعَ إِلَّا مَحَبَّتَهُ لِأَنَّهُ صَاحِبُ الْوَصِیَّهِ فِی أَهْلِ هَذَا الْبَیْتِ قَتَلَنِی اللَّهُ إِنْ أَبْقَیْتُ عَلَیْهِ فَقَالَ لَهُ أَبُو یُوسُفَ یَعْقُوبُ بْنُ إِبْرَاهِیمَ الْقَاضِی وَ کَانَ جَرِیّاً عَلَیْهِ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ أَقُولُ أَمْ أَسْکُتُ فَقَالَ قَتَلَنِی اللَّهُ إِنْ عَفَوْتُ عَنْ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ وَ لَوْ لَا مَا سَمِعْتُ مِنَ الْمَهْدِیِّ الْمَنْصُورِ(۲)

فِیمَا أَخْبَرَ بِهِ الْمَنْصُورُ مَا کَانَ بِهِ جَعْفَرٌ مِنَ الْفَضْلِ الْمُبَرِّزِ عَنْ أَهْلِهِ فِی دِینِهِ وَ عِلْمِهِ وَ فَضْلِهِ وَ مَا بَلَغَنِی عَنِ السَّفَّاحِ فِیهِ مِنْ تقریضه [تَقْرِیظِهِ] وَ تَفْضِیلِهِ لَنَبَشْتُ قَبْرَهُ وَ أَحْرَقْتُهُ بِالنَّارِ إِحْرَاقاً.

ص: ۳۱۸

۱- ۱. سله خ ل.

۲- ۲. کذا و لعله وصف للمهدی.

فَقَالَ أَبُو يُوسُفَ نِسَاؤُهُ طَوَالِقُ وَ عَتَقَ جَمِيعُ مَا يَمْلِكُ مِنَ الرَّقِيقِ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَا يَمْلِكُ مِنَ الْمَالِ وَ حَبَسَ دَوَابَّهُ وَ عَلَيْهِ الْمَشْيُ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ إِنْ كَانَ مَذْهَبُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليهما السلام الْخُرُوجَ وَ لَا يَذْهَبُ إِلَيْهِ وَ لَا مَذْهَبُ أَحَدٍ مِنْ وُلْدِهِ وَ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ هَذَا مِنْهُمْ ثُمَّ ذَكَرَ الزَّيْدِيَّهَ وَ مَا يَنْتَحِلُونَ فَقَالَ وَ مَا كَانَ بَقِيَ مِنَ الزَّيْدِيَّهِ إِلَّا هَذِهِ الْعِصَابَهُ الَّذِينَ كَانُوا قَدْ خَرَجُوا مَعَ حُسَيْنٍ وَ قَدْ ظَفِرَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ بِهِمْ وَ لَمْ يَزَلْ يَرْفُقُ بِهِ حَتَّى سَكَنَ غَضَبُهُ قَالَ وَ كَتَبَ عَلِيُّ بْنُ يَقْطِينٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليهما السلام بِصُورَهِ الْأَمْرِ فَوَرَدَ الْكِتَابُ فَلَمَّا أَصْبَحَ أَحْضَرَ أَهْلَ بَيْتِهِ وَ شِيعَتَهُ فَأَطْلَعَهُمْ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام عَلَى مَا وَرَدَ عَلَيْهِ مِنَ الْخَبَرِ وَ قَالَ لَهُمْ مَا تُشِيرُونَ فِي هَذَا فَقَالُوا نُشِيرُ عَلَيْكَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ وَ عَلَيْنَا مَعَكَ أَنْ تُبَاعِدَ شَخْصَكَ عَنْ هَذَا الْجَبَّارِ وَ تُغَيِّبَ شَخْصَكَ دُونَهُ فَإِنَّهُ لَا يُؤْمَنُ شَرُّهُ وَ عَادِيَتُهُ وَ غَشْمُهُ سِيَّمَا وَ قَدْ تَوَعَّدَكَ وَ إِيَّانَا مَعَكَ فَتَبَسَّمَ مُوسَى عليه السلام ثُمَّ تَمَثَّلَ بِبَيْتِ كَعْبِ بْنِ مَالِكٍ أَخِي بَنِي سَلِمَهَ(1) وَ هُوَ:

زَعَمَتْ سَخِينَهُ أَنْ سَتَغْلِبُ رَبَّهَا***فَلَيُغْلَبَنَّ مُغَالِبُ الْغَلَّابِ

ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَى مَنْ حَضَرَهُ مِنْ مَوَالِيهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ فَقَالَ لِيُفْرِخْ رَوْعُكُمْ (2)

إِنَّهُ لَا يَرِدُ أَوَّلُ كِتَابٍ مِنَ الْعِرَاقِ إِلَّا بِمَوْتِ مُوسَى بْنِ الْمَهْدِيِّ وَ هَلَاكِهِ فَقَالُوا وَ مَا ذَاكَ أَصْلَحَكَ اللَّهُ فَقَالَ قَدْ وَ حُرْمَهِ هَذَا الْقَبْرِ مَاتَ فِي يَوْمِهِ هَذَا وَ اللَّهِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ ما أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ سَأُخْبِرُكُمْ بِذَلِكَ بَيْنَمَا أَنَا جَالِسٌ فِي مُصَلَّايَ بَعْدَ فَرَاغِي مِنْ وِرْدِي وَ قَدْ تَنَوَّمَتْ (3)

عَيْنَايَ إِذْ سَنَحَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فِي مَنَامِي فَشَكَوْتُ إِلَيْهِ مُوسَى

۱- ۱. هو كعب بن مالك بن أبي كعب عمرو بن القين بن كعب بن سواد بن غنم بن كعب ابن سلمه بن سعيد بن عليّ بن أسد بن سارده بن يزيد بن جشم بن الخزرج الأنصاريّ السلمي يكنى أبا عبد اللّه كان أحد شعراء رسول اللّه الذين كانوا يردون عنه الاذى، و قوله:« زعمت سخينه» يعني قريشا، و السخينه طعام يتّخذ من الدقيق دون العصيده في الرقه و فوق الحساء لقبت به قريش لاتخاذها اياه.

۲- ۲. فرخ روعه: أي زال.

۳- ۳. و في بعض النسخ: هومت، و التهويم: النعاس.

بْنَ الْمَهْدِیِّ وَ ذَکَرْتُ مَا جَرَی مِنْهُ فِی أَهْلِ بَیْتِهِ وَ أَنَا مُشْفِقٌ مِنْ غَوَائِلِهِ فَقَالَ لِی لِتَطِبْ نَفْسُکَ یَا مُوسَی فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لِمُوسَی عَلَیْکَ سَبِیلًا فَبَیْنَمَا هُوَ یُحَدِّثُنِی إِذْ أَخَذَ بِیَدِی وَ قَالَ لِی قَدْ أَهْلَکَ اللَّهُ آنِفاً عَدُوَّکَ فَلْیَحْسُنْ لِلَّهِ شُکْرُکَ قَالَ ثُمَّ اسْتَقْبَلَ أَبُو الْحَسَنِ الْقِبْلَهَ وَ رَفَعَ یَدَیْهِ إِلَی السَّمَاءِ یَدْعُو.

فَقَالَ أَبُو الْوَضَّاحِ فَحَدَّثَنِی أَبِی قَالَ: کَانَ جَمَاعَهٌ مِنْ خَاصَّهِ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام مِنْ أَهْلِ بَیْتِهِ وَ شِیعَتِهِ یَحْضُرُونَ مَجْلِسَهُ وَ مَعَهُمْ فِی أَکْمَامِهِمْ أَلْوَاحُ آبَنُوسٍ لِطَافٌ وَ أَمْیَالٌ (۱)

فَإِذَا نَطَقَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام بِکَلِمَهٍ أَوْ أَفْتَی فِی نَازِلَهٍ أَثْبَتَ الْقَوْمُ مَا سَمِعُوا مِنْهُ فِی ذَلِکَ قَالَ فَسَمِعْنَاهُ وَ هُوَ یَقُولُ فِی دُعَائِهِ شُکْراً لِلَّهِ جَلَّتْ عَظَمَتُهُ الدُّعَاءُ إِلَهِی کَمْ مِنْ عَدُوٍّ انْتَضَی عَلَیَّ سَیْفَ عَدَاوَتِهِ وَ شَحَذَ لِی ظُبَهَ مُدْیَتِهِ وَ أَرْهَفَ لِی شَبَا حَدِّهِ وَ دَافَ لِی قَوَاتِلَ سُمُومِهِ وَ سَدَّدَ نَحْوِی صَوَائِبَ (۲) سِهَامِهِ وَ لَمْ تَنَمْ عَنِّی عَیْنُ حِرَاسَتِهِ وَ أَضْمَرَ أَنْ یَسُومَنِی الْمَکْرُوهَ وَ یُجَرِّعَنِی ذُعَافَ مَرَارَتِهِ فَنَظَرْتَ إِلَی ضَعْفِی عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَادِحِ وَ عَجْزِی عَنِ الِانْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِی بِمُحَارَبَتِهِ وَ وَحْدَتِی فِی کَثِیرِ مَنْ نَاوَانِی وَ إِرْصَادِهِمْ لِی فِیمَا لَمْ أُعْمِلْ فِیهِ فِکْرِی فِی الْإِرْصَادِ لَهُمْ بِمِثْلِهِ فَأَیَّدْتَنِی بِقُوَّتِکَ وَ شَدَدْتَ أَزْرِی بِنَصْرِکَ وَ فَلَلْتَ شَبَا حَدِّهِ وَ خَذَلْتَهُ بَعْدَ جَمْعِ عَدِیدِهِ (۳) وَ حَشْدِهِ وَ أَعْلَیْتَ کَعْبِی عَلَیْهِ وَ وَجَّهْتَ مَا سَدَّدَ إِلَیَّ مِنْ مَکَائِدِهِ إِلَیْهِ وَ رَدَدْتَهُ وَ لَمْ یَشْفِ غَلِیلَهُ وَ لَمْ تَبْرُدْ حَزَازَاتُ غَیْظِهِ وَ قَدْ عَضَّ عَلَیَّ أَنَامِلَهُ وَ أَدْبَرَ مُوَلِّیاً قَدْ أَخْفَقَتْ سَرَایَاهُ فَلَکَ الْحَمْدُ یَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاهٍ لَا یَعْجَلُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی لِأَنْعُمِکَ مِنَ الشَّاکِرِینَ وَ لِآلَائِکَ مِنَ الذَّاکِرِینَ إِلَهِی وَ کَمْ مِنْ بَاغٍ بَغَانِی بِمَکَائِدِهِ وَ نَصَبَ لِی أَشْرَاکَ مَصَائِدِهِ وَ وَکَّلَ بِی تَفَقُّدَ رِعَایَتِهِ وَ أَضْبَأَ إِلَیَّ إِضْبَاءَ السَّبُعِ (۴)

لِطَرِیدَتِهِ انْتِظَاراً لِانْتِهَازِ فُرْصَتِهِ وَ هُوَ

۱- ۱. جمع میل: الململول الذی یکتحل به، و کانوا یکتبون به علی الالواح.

۲- ۲. انتضی سیفه: استله من غمده، و المدیه: الشفره: و الظبه بالضم و التخفیف: حد السیف و السنان و مثله الشبا و الشحذ: التحدید کالتشحیذ و مثله الارهاف. و الدوف: تخلیط الدواء، و الصوائب جمع الصائب: و هو من السهام: الذی لا یخطئ.

۳- ۳. عدده خ ل.

۴- ۴. أضبأ الصائد: اختبأ و استتر لیختل.

يُظْهِرُ لِی بَشَاشَةَ الْمَلَقِ وَ یَبْسُطُ لِی وَجْهاً غَیْرَ طَلِقٍ فَلَمَّا رَأَیْتَ دَغَلَ سَرِیرَتِهِ وَ قُبْحَ مَا انْطَوَی عَلَیْهِ لِشَرِیکِهِ فِی مُلْکِهِ وَ أَصْبَحَ مُجْلِباً إِلَیَّ فِی بَغْیِهِ أَرْکَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ وَ أَتَیْتَ بُنْیَانَهُ مِنْ أَسَاسِهِ فَصَرَعْتَهُ فِی زُبْیَتِهِ وَ أَرْدَیْتَهُ فِی مَهْوَی حُفْرَتِهِ (۱)

وَ جَعَلْتَ خَدَّهُ طَبَقاً لِتُرَابِ رِجْلِهِ وَ شَغَلْتَهُ فِی بَدَنِهِ وَ رِزْقِهِ وَ رَمَیْتَهُ بِحَجَرِهِ وَ خَنَقْتَهُ بِوَتَرِهِ وَ ذَکَّیْتَهُ بِمَشَاقِصِهِ وَ کَبَبْتَهُ لِمَنْخِرِهِ وَ رَدَدْتَ کَیْدَهُ فِی نَحْرِهِ وَ وَثَّقْتَهُ بِنَدَامَتِهِ وَ فَنَیْتَهُ (۲)

بِحَسْرَتِهِ فَاسْتَخْذَلَ وَ اسْتَخْذَأَ وَ تَضَاءَلَ بَعْدَ نَخْوَتِهِ وَ انْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ ذَلِیلًا مَأْسُوراً فِی رِبْقِ حَبَائِلِهِ الَّتِی کَانَ یُؤَمِّلُ أَنْ یَرَانِی فِیهَا یَوْمَ سَطْوَتِهِ وَ قَدْ کِدْتُ یَا رَبِّ لَوْ لَا رَحْمَتُکَ یَحُلُّ بِی مَا حَلَّ بِسَاحَتِهِ فَلَکَ الْحَمْدُ یَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاةٍ لَا یَعْجَلُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی لِأَنْعُمِکَ مِنَ الشَّاکِرِینَ وَ لِآلَائِکَ مِنَ الذَّاکِرِینَ إِلَهِی وَ کَمْ مِنْ حَاسِدٍ

شَرِقَ بِحَسَدِهِ وَ شَجِیَ بِغَیْظِهِ وَ سَلَقَنِی بِحَدِّ لِسَانِهِ وَ وَخَزَنِی بِمُوقِ عَیْنِهِ وَ جَعَلَ عِرْضِی غَرَضاً لِمَرَامِیهِ وَ قَلَّدَنِی خِلَالًا لَمْ تَزَلْ فِیهِ فَنَادَیْتُ (۳) یَا رَبِّ مُسْتَجِیراً بِکَ وَاثِقاً بِسُرْعَةِ إِجَابَتِکَ مُتَوَکِّلًا عَلَی مَا لَمْ أَزَلْ أَعْرِفُهُ مِنْ حُسْنِ دِفَاعِکَ عَالِماً أَنَّهُ لَمْ یُضْطَهَدْ مَنْ أَوَی إِلَی ظِلِّ کَنَفِکَ وَ أَنْ لَا تَقْرَعَ الْفَوَادِحُ مَنْ لَجَأَ إِلَی مَعْقِلِ الِانْتِصَارِ بِکَ فَحَصَّنْتَنِی مِنْ بَأْسِهِ بِقُدْرَتِکَ فَلَکَ الْحَمْدُ یَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاةٍ لَا یَعْجَلُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی لِأَنْعُمِکَ مِنَ الشَّاکِرِینَ وَ لِآلَائِکَ مِنَ الذَّاکِرِینَ إِلَهِی وَ کَمْ مِنْ سَحَائِبِ مَکْرُوهٍ قَدْ جَلَّیْتَهَا وَ سَمَاءِ نِعْمَةٍ أَمْطَرْتَهَا وَ جَدَاوِلِ کَرَامَةٍ أَجْرَیْتَهَا وَ أَعْیُنِ أَحْدَاثٍ طَمَسْتَهَا وَ نَاشِئَةِ رَحْمَةٍ نَشَرْتَهَا وَ جُنَّةِ عَافِیَةٍ أَلْبَسْتَهَا وَ غَوَامِرِ کُرُبَاتٍ کَشَفْتَهَا وَ أُمُورٍ جَارِیَةٍ قَدَّرْتَهَا لَمْ تُعْجِزْکَ إِذْ طَلَبْتَهَا وَ لَمْ تَمْتَنِعْ عَلَیْکَ إِذْ أَرَدْتَهَا فَلَکَ الْحَمْدُ یَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاةٍ لَا یَعْجَلُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی لِأَنْعُمِکَ مِنَ الشَّاکِرِینَ وَ لِآلَائِکَ مِنَ الذَّاکِرِینَ.

۱- ۱. حفیرته خ ل و هی بمعنی الزبیه تحفر لصید الفرس.

۲- ۲. و فتنته خ ل.

۳- ۳. فنادیتک خ ل.

إِلَهِی وَ کَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنٍ حَقَّقْتَ وَ مِنْ عُدْمِ إِمْلَاقٍ جَبَرْتَ وَ مِنْ مَسْکَنَهٍ فَادِحَهٍ حَوَّلْتَ وَ مِنْ صَرْعَهٍ مُهْلِکَهٍ أَنْعَشْتَ وَ مِنْ مَشَقَّهٍ أَزَحْتَ لَا تُسْأَلُ یَا سَیِّدِی عَمَّا تَفْعَلُ وَ هُمْ یُسْئَلُونَ وَ لَا یَنْقُصُکَ مَا أَنْفَقْتَ وَ لَقَدْ سُئِلْتَ فَأَعْطَیْتَ وَ لَمْ تُسْأَلْ فَابْتَدَأْتَ وَ اسْتُمِیحَ بَابُ فَضْلِکَ فَمَا أَکْدَیْتَ أَبَیْتَ إِلَّا إِنْعَاماً وَ امْتِنَاناً وَ إِلَّا تَطَوُّلًا یَا رَبِّ وَ إِحْسَاناً وَ أَبَیْتَ یَا رَبِّ إِلَّا انْتِهَاکاً لِحُرُمَاتِکَ وَ اجْتِرَاءً عَلَی مَعَاصِیکَ وَ تَعَدِّیاً لِحُدُودِکَ وَ غَفْلَهً عَنْ وَعِیدِکَ وَ طَاعَهً لِعَدُوِّی وَ عَدُوِّکَ لَمْ یَمْنَعْکَ یَا إِلَهِی وَ نَاصِرِی إِخْلَالِی بِالشُّکْرِ عَنْ إِتْمَامِ إِحْسَانِکَ وَ لَا حَجَزَنِی ذَلِکَ عَنِ ارْتِکَابِ مَسَاخِطِکَ اللَّهُمَّ فَهَذَا مَقَامُ عَبْدٍ ذَلِیلٍ اعْتَرَفَ لَکَ بِالتَّوْحِیدِ وَ أَقَرَّ عَلَی نَفْسِهِ بِالتَّقْصِیرِ فِی أَدَاءِ حَقِّکَ وَ شَهِدَ لَکَ بِسُبُوغِ نِعْمَتِکَ عَلَیْهِ وَ جَمِیلِ عَادَاتِکَ [(۱)](#) عِنْدَهُ وَ إِحْسَانِکَ إِلَیْهِ فَهَبْ لِی یَا إِلَهِی وَ سَیِّدِی مِنْ فَضْلِکَ مَا أُرِیدُهُ إِلَی رَحْمَتِکَ وَ أَتَّخِذُهُ سُلَّماً أَعْرُجُ فِیهِ إِلَی مَرْضَاتِکَ وَ آمَنُ بِهِ مِنْ سَخَطِکَ بِعِزَّتِکَ وَ طَوْلِکَ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَ الْأَئِمَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ فَلَکَ الْحَمْدُ یَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاهٍ لَا یَعْجَلُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی لِأَنْعُمِکَ مِنَ الشَّاکِرِینَ وَ لِآلَائِکَ مِنَ الذَّاکِرِینَ إِلَهِی وَ کَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَی وَ أَصْبَحَ فِی کَرْبِ الْمَوْتِ وَ حَشْرَجَهِ الصَّدْرِ وَ النَّظَرِ إِلَی مَا تَقْشَعِرُّ مِنْهُ الْجُلُودُ وَ تَفْزَعُ إِلَیْهِ الْقُلُوبُ وَ أَنَا فِی عَافِیَهٍ مِنْ ذَلِکَ کُلِّهِ فَلَکَ الْحَمْدُ یَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاهٍ لَا یَعْجَلُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی لِأَنْعُمِکَ مِنَ الشَّاکِرِینَ وَ لِآلَائِکَ مِنَ الذَّاکِرِینَ إِلَهِی وَ کَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَی وَ أَصْبَحَ سَقِیماً مُوجَعاً مُدْنِفاً فِی أَنِینٍ وَ عَوِیلٍ یَتَقَلَّبُ فِی غَمِّهِ وَ لَا یَجِدُ مَحِیصاً وَ لَا یُسِیغُ طَعَاماً وَ لَا یَسْتَعْذِبُ شَرَاباً وَ لَا یَسْتَطِیعُ ضَرّاً وَ لَا نَفْعاً وَ هُوَ فِی حَسْرَهٍ وَ نَدَامَهٍ وَ أَنَا فِی صِحَّهٍ مِنَ الْبَدَنِ وَ سَلَامَهٍ مِنَ الْعَیْشِ کُلُّ ذَلِکَ مِنْکَ فَلَکَ الْحَمْدُ یَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاهٍ لَا یَعْجَلُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی لِأَنْعُمِکَ مِنَ الشَّاکِرِینَ وَ لِآلَائِکَ مِنَ الذَّاکِرِینَ.

۱- ۱. عادتک خ صح.

إِلَهِی وَ کَمْ عَبْدٍ أَمْسَی وَ أَصْبَحَ خَائِفاً مَرْعُوباً مُسَهَّداً مُشْفِقاً وَحِیداً وَجِلًا هَارِباً طَرِیداً وَ مُنْحَجِزاً فِی مَضِیقٍ أَوْ مَخْبَأَهٍ مِنَ الْمَخَابِی قَدْ ضَاقَتْ عَلَیْهِ الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا لَا یَجِدُ حِیلَهً وَ لَا مَنْجًی وَ لَا مَأْوًی وَ لَا مَهْرَباً وَ أَنَا فِی أَمْنٍ وَ طُمَأْنِینَهٍ وَ عَافِیَهٍ مِنْ ذَلِکَ کُلِّهِ فَلَکَ الْحَمْدُ یَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاهٍ لَا یَعْجَلُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی لِأَنْعُمِکَ مِنَ الشَّاکِرِینَ وَ لِآلَائِکَ مِنَ الذَّاکِرِینَ: إِلَهِی وَ سَیِّدِی وَ کَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَی وَ أَصْبَحَ مَغْلُولًا مُکَبَّلًا بِالْحَدِیدِ بِأَیْدِی الْعُدَاهِ لَا یَرْحَمُونَهُ فَقِیداً مِنْ أَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ مُنْقَطِعاً عَنْ إِخْوَانِهِ وَ بَلَدِهِ یَتَوَقَّعُ کُلَّ سَاعَهٍ بِأَیِّهِ قَتْلَهٍ یُقْتَلُ وَ بِأَیِّ مُثْلَهٍ یُمَثَّلُ بِهِ وَ أَنَا فِی عَافِیَهٍ مِنْ ذَلِکَ کُلِّهِ فَلَکَ الْحَمْدُ یَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاهٍ لَا یَعْجَلُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی لِأَنْعُمِکَ مِنَ الشَّاکِرِینَ وَ لِآلَائِکَ مِنَ الذَّاکِرِینَ إِلَهِی وَ سَیِّدِی وَ کَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَی وَ أَصْبَحَ یُقَاسِی الْحَرْبَ وَ مُبَاشَرَهَ الْقِتَالِ بِنَفْسِهِ قَدْ غَشِیَتْهُ الْأَعْدَاءُ مِنْ کُلِّ جَانِبٍ وَ السُّیُوفُ وَ الرِّمَاحُ وَ آلَهُ الْحَرْبِ یَتَقَعْقَعُ فِی الْحَدِیدِ مَبْلَغَ مَجْهُودِهِ وَ لَا یَعْرِفُ حِیلَهً وَ لَا یَجِدُ مَهْرَباً قَدْ أُدْنِفَ بِالْجِرَاحَاتِ أَوْ مُتَشَحِّطاً بِدَمِهِ تَحْتَ السَّنَابِکِ وَ الْأَرْجُلِ یَتَمَنَّی شَرْبَهً مِنْ مَاءٍ أَوْ نَظْرَهً إِلَی أَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ وَ لَا یَقْدِرُ عَلَیْهَا وَ أَنَا فِی عَافِیَهٍ مِنْ ذَلِکَ کُلِّهِ فَلَکَ الْحَمْدُ یَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاهٍ لَا یَعْجَلُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی لِأَنْعُمِکَ مِنَ الشَّاکِرِینَ وَ لِآلَائِکَ مِنَ الذَّاکِرِینَ إِلَهِی وَ کَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَی وَ أَصْبَحَ فِی ظُلُمَاتِ الْبِحَارِ وَ عَوَاصِفِ الرِّیَاحِ وَ الْأَهْوَالِ وَ الْأَمْوَاجِ یَتَوَقَّعُ الْغَرَقَ وَ الْهَلَاکَ لَا یَقْدِرُ عَلَی حِیلَهٍ أَوْ مُبْتَلًی بِصَاعِقَهٍ أَوْ هَدْمٍ أَوْ غَرَقٍ أَوْ حَرَقٍ أَوْ شَرَقٍ أَوْ خَسْفٍ أَوْ مَسْخٍ أَوْ قَذْفٍ وَ أَنَا فِی عَافِیَهٍ مِنْ ذَلِکَ کُلِّهِ فَلَکَ الْحَمْدُ یَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاهٍ لَا یَعْجَلُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی لِأَنْعُمِکَ مِنَ الشَّاکِرِینَ وَ لِآلَائِکَ مِنَ الذَّاکِرِینَ إِلَهِی وَ کَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَی وَ أَصْبَحَ مُسَافِراً شَاخِصاً(۱) عَنْ أَهْلِهِ وَ وَطَنِهِ وَ وُلْدِهِ مُتَحَیِّراً فِی الْمَفَاوِزِ تَائِهاً مَعَ الْوُحُوشِ وَ الْبَهَائِمِ وَ الْهَوَامِّ وَحِیداً فَرِیداً لَا یَعْرِفُ حِیلَهً وَ لَا یَهْتَدِی

۱- ۱. شاحطا خ، کما فی المصدر.

سَبِيلًا أَوْ مُتَأَذِّياً بِبَرْدٍ أَوْ حَرٍّ أَوْ جُوعٍ أَوْ عُرْيٍ أَوْ غَيْرِهِ مِنَ الشَّدَائِدِ مِمَّا أَنَا مِنْهُ خِلْوٌ وَ فِي عَافِيَةٍ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَ ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَ لِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ إِلَهِي وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ فَقِيراً عَائِلًا عَارِياً مُمْلِقاً مُخْفِقاً مَهْجُوراً(۱)

خَائِفاً جَائِعاً ظَمْآنَ يَنْتَظِرُ مَنْ يَعُودُ عَلَيْهِ بِفَضْلٍ أَوْ عَبْدٍ وَجِيهٍ هُوَ أَوْجَهُ مِنِّي عِنْدَكَ وَ أَشَدُّ عِبَادَةً لَكَ مَغْلُولًا مَقْهُوراً قَدْ حُمِّلَ ثِقْلًا مِنْ تَعَبِ الْعَنَاءِ وَ شِدَّةِ الْعُبُودِيَّةِ وَ كُلْفَةِ الرِّقِّ وَ ثِقْلِ الضَّرِيبَةِ أَوْ مُبْتَلًى بِبَلَاءٍ شَدِيدٍ لَا قِبَلَ لَهُ بِهِ إِلَّا بِمَنِّكَ عَلَيْهِ وَ أَنَا الْمَخْدُومُ الْمُنْعَمُ الْمُعَافَى الْمُكَرَّمُ فِي عَافِيَةٍ مِمَّا هُوَ فِيهِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَ ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَ لِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ إِلَهِي مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ شَرِيداً طَرِيداً حَيْرَانَ مُتَحَيِّراً جَائِعاً خَائِفاً خَاسِراً(۲) فِي الصَّحَارِي وَ الْبَرَارِي قَدْ أَحْرَقَهُ الْحَرُّ وَ الْبَرْدُ وَ هُوَ فِي ضُرٍّ مِنَ الْعَيْشِ وَ ضَنْكٍ مِنَ الْحَيَاةِ وَ ذُلٍّ مِنَ الْمُقَامِ يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَقْدِرُ لَهَا عَلَى ضَرٍّ وَ لَا نَفْعٍ وَ أَنَا خِلْوٌ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَ ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَ لِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَ ارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۳)

مَوْلَايَ وَ سَيِّدِي وَ كَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَى وَ أَصْبَحَ عَلِيلًا مَرِيضاً سَقِيماً مُدْنِفاً عَلَى فُرُشِ الْعِلَّةِ وَ فِي لِبَاسِهَا يَتَقَلَّبُ يَمِيناً وَ شِمَالًا لَا يَعْرِفُ شَيْئاً مِنْ لَذَّةِ الطَّعَامِ وَ لَا مِنْ لَذَّةِ الشَّرَابِ يَنْظُرُ إِلَى نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا يَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرّاً وَ لَا نَفْعاً وَ أَنَا خِلْوٌ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا يُغْلَبُ وَ ذِي أَنَاةٍ لَا يَعْجَلُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْعَابِدِينَ وَ لِأَنْعُمِكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَ لِآلَائِكَ مِنَ الذَّاكِرِينَ وَ ارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ يَا مَالِكَ الرَّاحِمِينَ (۴)

۱- ۱. مجهودا خ ل.

۲- ۲. حاسرا خ ل.

۳- ۳. زاد في المصدر: يا مالك الراحمين.

۴- ۴. يا أرحم الراحمين خ ل.

مَوْلَایَ وَ سَیِّدِی وَ کَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَی وَ أَصْبَحَ قَدْ دَنَا یَوْمُهُ مِنْ حَتْفِهِ وَ قَدْ أَحْدَقَ بِهِ مَلَکُ الْمَوْتِ فِی أَعْوَانِهِ یُعَالِجُ سَکَرَاتِ الْمَوْتِ وَ حِیَاضَهُ تَدُورُ عَیْنَاهُ یَمِیناً وَ شِمَالًا لا یَنْظُرُ إِلَی أَحِبَّائِهِ وَ أَوِدَّائِهِ وَ أَخِلَّائِهِ قَدْ مُنِعَ مِنَ الْکَلَامِ وَ حُجِبَ عَنِ الْخِطَابِ یَنْظُرُ إِلَی نَفْسِهِ حَسْرَةً فَلَا یَسْتَطِیعُ لَهَا نَفْعاً وَ لَا ضَرّاً وَ أَنَا خِلْوٌ مِنْ ذَلِکَ کُلِّهِ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَکَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاةٍ لَا یَعْجَلُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی لَکَ مِنَ الْعَابِدِینَ وَ لِأَنْعُمِکَ (۱)

مِنَ الشَّاکِرِینَ وَ لِآلَائِکَ مِنَ الذَّاکِرِینَ وَ ارْحَمْنِی بِرَحْمَتِکَ یَا مَالِکَ الرَّاحِمِینَ (۲) مَوْلَایَ وَ سَیِّدِی وَ کَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَی وَ أَصْبَحَ فِی مَضَایِقِ الْحُبُوسِ وَ السُّجُونِ وَ کُرَبِهَا(۳) وَ ذُلِّهَا وَ حَدِیدِهَا تَتَدَاوَلُهُ أَعْوَانُهَا وَ زَبَانِیَتُهَا فَلَا یَدْرِی أَیُّ حَالٍ یُفْعَلُ بِهِ وَ أَیُّ مُثْلَةٍ یُمَثَّلُ بِهِ فَهُوَ فِی ضُرٍّ مِنَ الْعَیْشِ وَ ضَنْکٍ مِنَ الْحَیَاةِ یَنْظُرُ إِلَی نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا یَسْتَطِیعُ لَهَا ضَرّاً وَ لَا نَفْعاً وَ أَنَا خِلْوٌ مِنْ ذَلِکَ کُلِّهِ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَکَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاةٍ لَا یَعْجَلُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی لَکَ مِنَ الْعَابِدِینَ وَ لِنَعْمَائِکَ مِنَ الشَّاکِرِینَ وَ لِآلَائِکَ مِنَ الذَّاکِرِینَ وَ ارْحَمْنِی بِرَحْمَتِکَ یَا مَالِکَ الرَّاحِمِینَ (۴)

مَوْلَایَ وَ سَیِّدِی وَ کَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَی وَ أَصْبَحَ قَدِ اسْتَمَرَّ عَلَیْهِ الْقَضَاءُ وَ أَحْدَقَ بِهِ الْبَلَاءُ وَ فَارَقَ أَوِدَّاءَهُ وَ أَحِبَّاءَهُ وَ أَخِلَّاءَهُ وَ أَمْسَی حَقِیراً أَسِیراً ذَلِیلًا فِی أَیْدِی الْکُفَّارِ وَ الْأَعْدَاءِ یَتَدَاوَلُونَهُ یَمِیناً وَ شِمَالًا قَدْ حُصِّلَ فِی الْمَطَامِیرِ وَ ثُقِّلَ بِالْحَدِیدِ لَا یَرَی شَیْئاً مِنْ ضِیَاءِ الدُّنْیَا وَ لَا مِنْ رَوْحِهَا یَنْظُرُ إِلَی نَفْسِهِ حَسْرَةً لَا یَسْتَطِیعُ لَهَا ضَرّاً وَ لَا نَفْعاً وَ أَنَا خِلْوٌ مِنْ ذَلِکَ کُلِّهِ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَکَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاةٍ لَا یَعْجَلُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی لَکَ مِنَ

۱- ۱. و لنعمائک خ ل کما فی المصدر.

۲- ۲. یا أرحم الرحمین خ ل.

۳- ۳. و کرهها خ ل.

۴- ۴. یا أرحم الراحمین خ ل. و هکذا فی کل المواضع.

الْعَابِدِينَ وَ لِنَعْمَائِکَ مِنَ الشَّاکِرِینَ وَ لِآلَائِکَ مِنَ الذَّاکِرِینَ وَ ارْحَمْنِی بِرَحْمَتِکَ یَا مَالِکَ الرَّاحِمِینَ.

مَوْلَایَ وَ سَیِّدِی وَ کَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَی وَ أَصْبَحَ قَدِ اشْتَاقَ إِلَی الدُّنْیَا لِلرَّغْبَهِ فِیهَا إِلَی أَنْ خَاطَرَ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ حِرْصاً مِنْهُ عَلَیْهَا قَدْ رَکِبَ الْفُلْکَ وَ کُسِرَتْ بِهِ وَ هُوَ فِی آفَاقِ الْبِحَارِ وَ ظُلَمِهَا یَنْظُرُ إِلَی نَفْسِهِ حَسْرَهً لَا یَقْدِرُ لَهَا عَلَی ضَرٍّ وَ لَا نَفْعٍ وَ أَنَا خِلْوٌ مِنْ ذَلِکَ کُلِّهِ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَکَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاهٍ لَا یَعْجَلُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی لَکَ مِنَ الْعَابِدِینَ وَ لِنَعْمَائِکَ مِنَ الشَّاکِرِینَ وَ لِآلَائِکَ مِنَ الذَّاکِرِینَ وَ ارْحَمْنِی بِرَحْمَتِکَ یَا مَالِکَ الرَّاحِمِینَ مَوْلَایَ وَ سَیِّدِی وَ کَمْ مِنْ عَبْدٍ أَمْسَی وَ أَصْبَحَ قَدِ اسْتَمَرَّ عَلَیْهِ الْقَضَاءُ وَ أَحْدَقَ بِهِ الْبَلَاءُ وَ الْکُفَّارُ وَ الْأَعْدَاءُ وَ أَخَذَتْهُ الرِّمَاحُ وَ السُّیُوفُ وَ السِّهَامُ وَ جُدِّلَ صَرِیعاً وَ قَدْ شَرِبَتِ الْأَرْضُ مِنْ دَمِهِ وَ أَکَلَتِ السِّبَاعُ وَ الطَّیْرُ مِنْ لَحْمِهِ وَ أَنَا خِلْوٌ مِنْ ذَلِکَ کُلِّهِ بِجُودِکَ وَ کَرَمِکَ لَا بِاسْتِحْقَاقٍ مِنِّی یَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَکَ مِنْ مُقْتَدِرٍ لَا یُغْلَبُ وَ ذِی أَنَاهٍ لَا یَعْجَلُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی لِنَعْمَائِکَ مِنَ الشَّاکِرِینَ وَ لِآلَائِکَ مِنَ الذَّاکِرِینَ وَ ارْحَمْنِی بِرَحْمَتِکَ یَا مَالِکَ الرَّاحِمِینَ وَ عِزَّتِکَ یَا کَرِیمُ لَأَطْلُبَنَّ مِمَّا لَدَیْکَ وَ لَأُلِحَّنَّ عَلَیْکَ وَ لألجن (۱) [لَأُلْجِئَنَ] إِلَیْکَ وَ لَأَمُدَّنَ یَدِی نَحْوَکَ مَعَ جُرْمِهَا إِلَیْکَ فَبِمَنْ أَعُوذُ یَا رَبِّ وَ بِمَنْ أَلُوذُ لَا أَحَدَ لِی إِلَّا أَنْتَ أَ فَتَرُدُّنِی وَ أَنْتَ مُعَوَّلِی وَ عَلَیْکَ مُتَّکَلِی وَ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی وَضَعْتَهُ عَلَی السَّمَاءِ فَاسْتَقَلَّتْ وَ عَلَی الْجِبَالِ فَرَسَتْ وَ عَلَی الْأَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَ عَلَی اللَّیْلِ فَأَظْلَمَ وَ عَلَی النَّهَارِ فَاسْتَنَارَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَقْضِیَ لِی جَمِیعَ حَوَائِجِی وَ تَغْفِرَ لِی ذُنُوبِی کُلَّهَا صَغِیرَهَا وَ کَبِیرَهَا وَ تُوَسِّعَ عَلَیَّ مِنَ الرِّزْقِ مَا تُبَلِّغُنِی بِهِ شَرَفَ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ مَوْلَایَ بِکَ اسْتَعَنْتُ (۲) فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعِنِّی (۳) وَ بِکَ اسْتَجَرْتُ

۱- ۱. و لألجئن، خ کما فی المصدر.

۲- ۲. استغثت خ ل.

۳- ۳. و أغثنی خ ل.

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَجِرْنِی وَ أَغْنِنِی بِطَاعَتِکَ عَنْ طَاعَهِ عِبَادِکَ وَ بِمَسْأَلَتِکَ عَنْ مَسْأَلَهِ خَلْقِکَ وَ انْقُلْنِی مِنْ ذُلِّ الْفَقْرِ إِلَی عِزِّ الْغِنَی وَ مِنْ ذُلِّ الْمَعَاصِی إِلَی عِزِّ الطَّاعَهِ فَقَدْ فَضَّلْتَنِی عَلَی کَثِیرٍ مِنْ خَلْقِکَ جُوداً مِنْکَ وَ کَرَماً لَا بِاسْتِحْقَاقٍ مِنِّی إِلَهِی فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی ذَلِکَ کُلِّهِ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِی لِنَعْمَائِکَ مِنَ الشَّاکِرِینَ وَ لِآلَائِکَ مِنَ الذَّاکِرِینَ وَ ارْحَمْنِی بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ قَالَ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَیْنَا مَوْلَانَا أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام ثُمَّ قَالَ سَمِعْتُ مِنْ أَبِی جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ یُحَدِّثُ عَنْ أَبِیهِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ أَنَّهُ سَمِعَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ اعْتَرِفُوا بِنِعْمَهِ اللَّهِ رَبِّکُمْ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تُوبُوا إِلَیْهِ مِنْ جَمِیعِ ذُنُوبِکُمْ فَإِنَّ اللَّهَ یُحِبُّ الشَّاکِرِینَ مِنْ عِبَادِهِ قَالَ ثُمَّ قُمْنَا إِلَی الصَّلَاهِ وَ تَفَرَّقَ الْقَوْمُ فَمَا اجْتَمَعُوا إِلَّا لِقِرَاءَهِ الْکِتَابِ الْوَارِدِ بِمَوْتِ مُوسَی الْمَهْدِیِّ وَ الْبَیْعَهِ لِهَارُونَ الرَّشِیدِ(۱).

ق، [الکتاب العتیق الغرویّ] أبو المفضل الشیبانی بالإسناد المذکور: مثله أقول وجدت فی نسخ المهج بعد إتمام شرح الجوشن ما هذا لفظه و من ذلک الشرح المعروف بدعاء الجوشن یقول کاتبه الفقیر إلی الله تعالی أبو طالب بن رجب وجدت دعاء الجوشن و

خبره و فضله فی کتاب من کتب جدی السعید تقی الدین الحسن بن داود بغیر هذه الروایه فأحببت إثباته فی هذا المکان (۲)

ثم ذکر الخبر الذی أوردناه فی شرح دعاء الجوشن الصغیر(۳)

و هذا لیس من کلام السید ابن طاوس و إنما زاده ابن الشیخ رجب و لعله روی فی کلیهما و إن کان الظاهر أنه اشتبه علی هذا الشیخ.

**[ترجمه]مهج الدعوات: محمد بن عبدالله نهشلی از پدر خود روایت می کند که گفت: از امام ابوحسن موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمود: سخن گفتن از نعمت های خداوند شکر است و انجام ندادن این کار کفر است. پس از نعمت های پروردگارتان سپاس گزاری کنید و اموالتان را با زکات بیمه کنید و بلاها را با دعا برطرف سازید، به راستی که دعا سپری نجات بخش است که بلا را برطرف می کند، هرچند سخت و شدید شده باشد. هنگامی که حسین بن علی صاحب فخّ کشته شد، - او حسین بن علی بن حسن بن حسن بود - بر سر چاه فخّ، و مردم از اطرافش

پراکنده شدند، سر او را به همراه یارانش که اسیر شده بودند، نزد موسی بن مهدی بردند. هنگامی که چشمش به آن ها افتاد چنین سرود:

ای عموزادگان ما، پس از این شعری نگویید

چرا که قافیه ها را در دشت غمیم دفن کرده اید

پس ما هم چون کسی نیستیم که آرزوی رسیدن به او را داشته اید

تا ستم را بپذیریم یا کسی را قاضی کنیم

بلکه شمشیر میان ما حکم می کند و اگر شمشیر راضی شود، ما هم راضی هستیم

جنگی که میان ما در گرفت، برایم ناپسند بود

ای عموزادگان ما، اگر این کار نزدیک شده بود

پس اگر بگویید ما ستم کردیم ما ظلمی نکرده ایم

اما در داوری اشتباه و بدی کردیم

سپس یکی از اسیران را آورده و او را توبیخ کرد و کشت، و همین کار را با گروهی از فرزندان امیرمؤمنان علیه السلام انجام داد و به سراغ طالبیین رفت و آن ها را دشنام می داد. پس وقتی نام موسی بن جعفر علیه السلام را برد او را نیز دشنام داد.

سپس گفت: به خدا سوگند حسین – صاحب فخ – تنها به فرمان او قیام کرد و فقط از دوستی ایشان پیروی کرده است، چرا که او صاحب وصیت – جانشینی پیامبر– در این خاندان است و خدا مرا بکشد اگر او را زنده بگذارم. پس ابویوسف یعقوب بن ابراهیم قاضی که با جرأت و جسارت بود پرسید: ای امیرمؤمنان، آیا بگویم یا ساکت شوم؟ گفت: خدا مرا بکشد اگر موسی بن جعفر را ببخشم، اما اگر نبود چیزی که از مهدی منصور شنیدم درباره برتری آشکاری که جعفر –علیه السلام– در خاندان خود در دین و دانش و بزرگی دارد، و آن چه سفاح در ستایش و برتری او گفته است، قبر او را می شکافتم و او را به شدت با آتش می سوزاندم. پس ابویوسف گفت: زنان او همگی مطلقه باشند و جمیع کنیزان و غلامان او آزاد باشند و همه اموال او در راه خدا صدقه باشد و تمام چهار پایان او در راه خدا وقف باشد و بر او حج خانه پیاده لازم باشد که اگر شیوه عمل موسی بن جعفر علیه السلام یا کسی از فرزندان او خروج نمودن بر تو باشد. و سزاوار نیست آنکه این خیال در خاطر ایشان گذرد. سپس زیدیه و عقیده آنان را یادکرد و گفت: از زیدیه کسی باقی نمانده به جز همین گروهی که به همراه حسین قیام کرده بودند و امیرمؤمنان بر آن ها پیروز شده است، و پیوسته با او مهربانی نمود تا خشم او آرام گرفت.

راوی گوید: علی بن یقطین همه این حکایت و صورت واقعه را نوشته، به خدمت حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرستاد. پس چون کتابت به خدمت آن حضرت رسید و صبح گردید، آن حضرت اهل بیت و شیعیان خود را حاضر نمودند و همگی را از مضمون کتابت مطلع گردانیده، فرمودند که چه مصلحت می دانید و رأی شما در این باب چیست؟ پس همگی گفتند که: خدای تعالی حال ترا و ما را اصلاح کند، چنین صلاح می دانیم که باید بدن خود را از این جبار لعین دور سازی و پنهان نمایی. زیرا از شرّ او و دشمنی او و خشم او ایمن نمی توان بود. خصوصا آنکه ترا و ما را تهدید نموده است. پس موسی بن جعفر علیهما السلام لبخندی زده و این شعر را از کعب بن مالک از قبیله بنی سلمه – . او از شاعران پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بوده که آزارها را از ایشان بازمی داشته است، و سخن او: «زعمت سخینه» یعنی قریش، و السخینه غذایی است که از آرد درست می شود، غلظت آن از حلوا کمتر و از شوربا بیشتر است. قریش را به خاطر خوردن آن به این نام می... خوانند. –

خواندند:

سخینه

پنداشت بر آفریننده خود پیروز می شود

پس باید

بر ستیزه جویی بسیار چیره دست پیروز گردد

سپس به کسانی از خاندان و پیروان ایشان که حاضر بودند رو کرده و فرمودند: نباید بترسید چرا که اولین نامه ای که از عراق برسد، خبر مرگ و نابودی موسی بن مهدی را خواهد آورد. گفتند: خداوند کار تو را نیکو گرداند، چگونه چنین است؟ پس فرمود: سوگند به حرمت این قبر که او همین امروز مرده است و به خدا سوگند این خبر مانند سخن گفتن شما راست است، به شما خواهم گفت که من در نمازخانه خود نشسته بودم و از ذکر فارغ شده بودم که چشمانم را خواب فراگرفت و جدم پیامبر خدا را در خواب دیدم، پس به ایشان از موسی بن مهدی شکایت کردم و آن چه درباره خاندان او انجام داده گفتم و از ظلم و ستم او بیمناک بودم، پس به من فرمودند: شادمان باش ای موسی، چرا که خداوند راهی به سوی تو برایش نخواهد گذاشت. و ایشان در حال سخن گفتن با من بودند تا این که دستم را گرفته و فرمودند: همانا خداوند دشمنت را نابود کرده است پس باید به شایستگی از او سپاس گزاری نمایی. گفت: سپس ابوحسن رو به قبله کرد و دستانش را به

سوی آسمان بلند کرده و دعا کرد.

ابو وضاح از پـدرش روایت کرده که گفت: گروهی از نزدیکان ابوالحسن علیه السلام از پیروان و خانواده ایشان در مجلس او حاضـر بودند و در آستین هـای خود ورق هـای نـازک آبنوس و قلم هـایی داشـتند و هنگامی که ابوالحسن سـخنی می گفت یا درمورد مسئله‌ای فتوا می داد، مردم آن چه را شنیده بودند می نوشتند. گفت: و شنیدیم که در دعای خود می گفت: سپاس از آن خداست که بزرگی اش شکوهمند است:

دعـاء: پروردگارا، چه بسـیار دشـمنانی که شمشـیر دشـمنی خود بر من کشـیده و سـرنیزه و شمشـیرش را برای من تیز نموده و کناره های آن را صیقل داده و زهری کشنده برایم حل کرده و تیرهایی که به خطا نمی رود به سویم روانه کرده و چشم دیده بانی اش از من به خواب نمی رود و انـدیشه بـدترین آزارهـا را برایم دارد و جـام سـختی هـای کشـنده را به من می نوشانـد. پس ناتوانی ام را در تحمل ناگواری ها و پیروزی بر کسـی که قصد جنگ با مرا دارد و تنهایی ام را در برابر تعداد زیاد آن ها دیدم و کمین هایی برایم گذاشـته اند که اندیشه ام به آن نمی رسد، امـا تو بـا نیروی خود یـاری ام کردی و بـازویم را بـا کمکی از جانب خودت نیرومنـد ساختی و تیزی شمشـیرش را کنـد کردی و پس از جمع آوری نفرات بسیار، او را خوار نمودی و مرا بر آنان برتری بخشیدی و حیله هایی را که برای من اندیشیده بود به خودش بازگرداندی، جوش و خروش او آرام نگرفـت و شـعله هـای خشـمش فروکش نکرد و از شـدت خشـم سـرانگشت را به دنـدان می گزیـد و در حـالی که سپاهیانش شکست خورده بودند بازگشت.

پس سـپاس برای توست پروردگـارم، توانمنـدی هستی که هرگز شـکست نمی خورد و بردباری هستی که هرگز تنـدی نمی کنـد. بر محمـد و خاندانش درود فرست و مرا سـپاس گزار نعمت های خود و یادکننده بخشـش هایت قرار ده. بارالها، چه بسـیار سـتمکاری که با حیله هایش به من ستم کرده و دام های خود را برای من گسترانده و پیوسته در جستجوی من است و مانند درنده ای که خود را برای شکار پنهان می کند در انتظـار فرصت است، در حـالی که بـا چاپلوسـی تظـاهر به خوشـرویی می کنـد و به دروغ گشـاده رویی می نمایـد. پس هنگـامی که تبهکاری درونش را دیـدی و زشتی هایی را که برای شـریک خود پنهان داشـته و در سـتم کاری خود بر من پرخاش و تنـدی کرد، او را با سـر واژگون کردی و از اساس او را ریشه کن نمودی، پس او را در گودالی که خودش برای شـکار کنده بود بر زمین زدی و در حفره خودش او را هلاک کردی و گونه اش را ظرف خاک کف پایش قرار دادی و او را با بدن و روزی اش مشـغول کردی و او را با سـنگ خودش زدی و با ریسـمان خودش گریبـانش را گرفتی و بـا تیرهای او گلویش را بریـدی و او را به روی بینی اش افکنـدی و حیله اش را به مقابل خودش بازگردانـدی و پشیمانی اش را بر او ثابت نمودی و با حسرتش او را نابود کردی، و بعد از خودبینی و غرور احساس خواری و ناتوانی و حقارت کرد و پس از تکبر با ذلت و خواری با ریسـمانی که در روز چیرگی امیدوار بود مرا با آن ببیند، درهم شکسته شد و تو با او حیله کردی ای پروردگارم، اگر مهربانی تو نبود آن چه بر سـر او آمـد اکنون برای من رخ داده بود. پس سـپاس مخصوص توست، ای نیرومنـدی که شـکست نمی خورد و ای بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و یادکننده نیکی هایت قرار ده.

پروردگـارا، چه بسـیار حسودی که بـا حسـادت خود به من روی کرده و بـا خشم خود اختلاف افکنـد و با زبان تنـد خود مرا آزرد و با گوشـه چشـمش مرا اندوهگین کرد و آبرویم را هدف مقاصد خود قرار داده و غلاف شمشـیری را که پیوسـته با آن بود بر گردنم آویخت، پس تو را خوانـدم ای پروردگارم در حالی که به تو پناهنـده شده بودم و به پاسخ سـریع تو اطمینان داسـتم و به دفاع نیکویی که از تو می شـناختم توکل کرده بودم و می دانسـتم آن کس که به سایه حمایت تو پناه آورد سـتمدیده نخواهد شد، و بلاها به کسـی که خود را در پناهگاه یاری تو پناه دهـد روی نمی کنـد. پس بـا قـدرت خودت مرا از آسیب او نگاه داشتی. پس سـپاس مخصوص توست، ای توانایی که شـکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده.

بارالهـا، چه بسـیار ابرهـای بلایی که آن را دور کردی و آسـمان نعمتی که آن را به بارش واداشتی و سـتون های بزرگواری که آنها را جاری ساختی و چشم های گورسـتان هایی که آن را کور کردی و ابرهای رحمتی که آن را گسترانـدی و لباس عافیتی که آن را پوشانـدی و ویرانی های اندوهی که آن را برطرف نمودی و کارهای پیوسته ای که وقتی آن را درخواست نمودم از آن ناتوان نبودی و چون آن را خواستم برایت

غیرممکن نبود. پس سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و یادکننده نیکی هایت قرار ده. خداوندا، چه بسیار گمان نیکی که آن را راست گرداندی و بدون تنگ دستی توانگر کردی و چه بسیار بلای سختی که آن را دگرگون ساختی و چه بسیار زمین خورده ای که او را زنده گرداندی و سختی هایی که برطرف نمودی. آقای من، از کرده تو سؤال نمی شود و آن ها مورد سؤال قرار می گیرند. نیکی های تو چیزی از تو نمی کاهد، چرا که از تو درخواست شده و تو بخشیدی و آن جا که درخواستی از تو نشد نیز آغاز کننده بخشش بودی، آستان بخششت مورد خواهش بوده و هرگاه چیزی درخواست کردم جز نیکی و منت و بخشش نکردی ای پروردگارم، و من کاری جز نادیده گرفتن حرمت های تو و نافرمانی ات و دست اندازی به حدود و فراموشی وعده ات و فرمانبرداری از دشمن تو و دشمن خودم نکردم، ای معبود و ای یاری کننده ام، سستی من در سپاس تو مانع کامل کردن نیکی هایت نشد و نیکی های تو نیز مرا از انجام کارهایی که تو را به خشم وامی دارد بازنداشت. بارالها، پس این جایگاه بنده خواری است که به یگانگی ات اعتراف کرده و به کوتاهی خویش در ادا کردن حق تو اقرار می کند و به نعمت های فراوان و به رفتار نیک تو با خودش و نیکی های تو به او گواهی می دهد. پس ای پروردگار و معبود و آقای من، از فضل خودت آن چه را خواسته ام به سوی مهربانی ات به من ببخش تا آن را پله ای سازم که به سوی خشنودی ات بالا روم و از خشمت ایمن گردم، به عزت و بخشندگی ات و به حق پیامبرت محمد و امامان صلوات الله علیه و علیهم. پس سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده.

خداوندا، چه بسیار بنده ای که صبح و شام می کند در اندوه مرگ و رفت و آمد روح در گلو و نگریستن به آن چه لرزه بر اندام می اندازد و دل ها را می ترساند و من از همه آن ها در امان هستم. پس سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده.

پروردگارا، چه بسیار بنده ای که صبح و شب را در بیماری و ناراحتی و با ناله و زاری سپری می کند، در غم و اندوه خود پهلو به پهلو می شود و هیچ گریزی ندارد و هیچ غذایی از گلویش پایین نمی رود و هیچ نوشیدنی برایش شیرین نیست، نه بر سودی توانایی دارد و نه می تواند زیانی را برطرف سازد و پیوسته در حسرت و پشیمانی است. و من در سلامتی جسم و آسودگی از همه آن ها هستم و این ها همه از جانب توست. پس سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده.

معبودا، چه بسیار بنده ای که صبح و شب در ترس و وحشت و بیم بیداری می کشد و نگران و تنها و هراسان و رانده شده و گریزان است، در تنگنایی گرفتار شده و یا در پناه گاهی پنهان شده است. زمین با همه وسعتش برای او تنگ گردیده و هیچ چاره و راه نجات و جان پناه و گریز گاهی نمی یابد. و من از همه آن ها در امان و آرامش و عافیت هستم و همگی از سوی توست. پس سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده.

پروردگارم و آقای من، چه بسیار بنده ای که پیوسته در غل و زنجیرهای آهنین در اختیار دشمنانی است که به او رحم نمی کنند، از خانواده و فرزندانش دور افتاده و از برادران و سرزمینش جدا شده، همواره در انتظار است که چگونه کشته می شود و چگونه او را قطعه قطعه می کنند . و من از همه آن در عافیت هستم. پس سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمی‌خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده. بارخدایا، ای مولای من، چه بسیار بنده ای که به تنهایی و از نزدیک جنگ و درگیری را تحمل می کند در حالی که دشمنان از هر طرف او را در بر گرفته اند و شمشیرها و نیزه ها و ابزار جنگی با همه توان خود در یکدیگر می پیچند و او هیچ چاره ای ندارد و راه فراری نمی یابد، زخم ها او را سنگین کرده و یا در خون خود می غلطد و زیر سم چارپایان و پای سواران افتاده است، آرزوی جرعه ای آب دارد یا این که خانواده و فرزندان خود را ببیند اما نمی تواند. و من از همه آن

در امان هستم و این از جانب توست. پس سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده.

بارخدایا، چه بسیار بنده ای که روز و شب را در تاریکی های دریاها و برابر تندبادها و امواج و بلاها سپری می کند. در انتظار غرق شدن و نابودی است و بر هیچ چاره ای توانایی ندارد. یا دچار صاعقه یا خرابی یا غرق شدن یا سوختگی و یا شکافتگی یا فرورفتن زمین یا تغییر صورت و یا سنگ شده است و من از همه آن ها در عافیت هستم و این از جانب توست. پس سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده.

خدایا، چه بسیار بنده ای که صبح و شام در حال سفر و دور از خانواده و سرزمین و فرزندان خود به سر می برد، در صحراهای سوزان سرگردان است و یکه و تنها با حیوانات وحشی و چارپایان و شیران بیشه راه می سپارد و نه چاره ای دارد و نه راهی را می شناسد. یا به وسیله سرما یا گرما، گرسنگی و یا برهنگی و سختی های دیگر آزار می بیند که من از آن در امان و عافیت هستم و همه آن از جانب توست. پس سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده.

پروردگارا، چه بسیار بنده ای که پیوسته فقیرو نیازمند و بدهکار و تهیدست و پریشان و هراسان و گرسنه و تشنه است و در انتظار کسی است که به او نیکی کند. و یا بنده ای آبرومندتر از من نزد تو که عبادات بیش تری از من دارد اما در بند و شکست خورده است، از رنج عبادت طولانی یا شدت بندگی و یا خسارت فراوان، پشتش سنگین شده است. یا این که دچار بلای سختی شده که جز به لطف تو نمی تواند بر آن طاقت بیاورد. ومن خدمت گزارده دارای نعمت و بزرگ داشته شده در عافیت از همه آن ها هستم، پس سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده.

بارخدایا، ای آقا و مولای من، چه بسیار بنده ای که پیوسته رانده شده و فراری و سرگشته و حیران و گرسنه و بیمناک و زیان دیده در صحرا و خشکی هاست. گرما و سرما او را سوزانده و زندگی سخت و دشوار و جایگاه فرومایه ای دارد. با دیده حسرت به خویش می نگرد و بر سود و زیان خود توانایی ندارد. و من با لطف و بخشش تو از آن در امان هستم. پس معبودی جز تو نیست، منزهی و سپاس مخصوص توست، ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده و با مهربانی ات بر من رحم کن ای مهربان ترین مهربانان.

مولاـ و آقای من، چه بسیار بنده ای که ناتوان و بیمار و ناخوش در بستر بیماری افتاده و پیوسته پهلو به پهلو می شود. از لذت خوراک و نوشیدنی ها چیزی درک نمی کند و با دیده حسرت به خود می نگرد و قادر به هیچ سود و زیانی برای خویش نیست. و من با لطف و بخشش تو از همه آن در عافیت هستم. پس نیست معبودی جز تو، منزهی ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده و با مهرت خود بر من رحم فرما ای پادشاه همه مهربانان.

ای مولا و آقای من، چه بسیار بنده ای که روز و شب بر او می گذرد در حالی که روز مرگش نزدیک شده و فرشته ی مرگ در میان یارانش به او چشم دوخته، با سختی های مرگ روبرو شده و چشمانش به راست و چپ می گردند، به دوستان و یارانش نگاه نمی کند. قادر به سخن گفتن نیست و با دیده ی حسرت به خود می نگرد و قادر به هیچ سود و زیانی برای خویش نیست. و من با لطف و بخشش تو از همه آن در عافیت هستم. پس نیست معبودی جز تو، منزهی ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا عبادت کننده ات و سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده و با مهر خود بر من رحم فرما ای پادشاه همه مهربانان.

مولا و آقای من، چه بسیار بنده ای که در تنگنای زندان ها و بندها و با اندوه و خواری و پاره های آهن سپری می کند. شعله هاو زندانبانان او را میان خود می گردانند و نمی داند با او چه می کنند و چه مجازاتی در انتظار اوست. او در پریشانی و زندگی بسیار سختی است. با دیده حسرت به خود می نگرد و قادر به هیچ سود و زیانی برای خویش نیست. و من با لطف و بخشش تو از همه آن در عافیت هستم. پس نیست معبودی جز تو، منزهی ای توانایی که شکست نمی‌خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا عبادت کننده ات و سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده و با مهربانی خود بر من رحم فرما ای پادشاه همه مهربانان.

مولا و آقای من، چه بسیار بنده ای که صبح و شام را سپری می کند در حالی که قضا و بلا او را دربرگرفته و دوستان و یارانش از او جدا شده اند. خوار و کوچک و اسیر دست کافران شده و پیوسته او را به راست و چپ می گردانند. در سیاه چال ها افکنده شده و آهن ها بر او سنگینی می کند. روشنایی و آرامش دنیا را نمی بیند و با دیده حسرت به خود می نگرد و قادر به هیچ سود و زیانی برای خویش نیست. و من با لطف و بخشش تو از همه آن در عافیت هستم. پس نیست معبودی جز تو، منزهی ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا عبادت کننده ات و سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده و با مهر خود بر من رحم فرما ای پادشاه همه مهربانان.

مولا و آقای من، چه بسیار بنده ای که صبح و شام را می گذراند در حالی که مشتاق و آرزومند دنیاست تا جایی که خودش و اموالش را از روی حرص به آن به خطر انداخته و سوار بر کشتی شده و آن را شکسته است و اکنون روی کناره های دریاها و تاریکی های آن است. با دیده حسرت به خود می نگرد و قادر به هیچ سود و زیانی برای خویش نیست. و من با لطف و بخشش تو از همه آن در عافیت هستم. پس نیست معبودی جز تو، منزهی ای توانایی که شکست نمی خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا عبادت کننده ات و سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده و با مهرت بر من رحم فرما ای پادشاه همه مهربانان.

مولا و آقای من، چه بسیار بنده ای که صبح و شام را سپری می کند درحالی که قضا بر او تداوم یافته و بلا و کافران و دشمنان به او چشم دوخته اند. نیزه ها و شمشیرها و تیرها او را گرفته اند و بر زمین افتاده و زمین از خونش نوشیده و درندگان و پرندگان گوشتش را خورده اند و من با لطف و بخشش تو از همه آن در عافیت هستم نه با شایستگی خویش. ای آن که معبودی جز تو نیست، منزهی ای توانایی که شکست نمی‌خورد و بردباری که تندی نمی کند. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده و با مهر خود بر من رحم فرما ای پادشاه همه مهربانان.

قسم به عزتت ای بخشنده، آن چه را نزد توست درخواست می کنم و به تو اصرار می ورزم و به تو پناهنده می شوم و دستانم را با همه گناهکاری اش به سویت دراز می کنم. پس به چه کس پناهنده شوم و به که پناه ببرم من که جز تو کسی را ندارم. آیا مرا رد می کنی در حالی که تکیه گاه من تویی؟ از تو درخواست می کنم به نامت که آن را بر آسمان قرار دادی و آرام گرفت، و بر کوهها پس ثابت شدند و بر زمین پس اسقرار یافت و بر شب نهادی پس تاریک شد، و بر روز گذاشتی و نورانی گردید، تا بر محمد و خاندانش درود فرستی و همه حاجت هایم را برآورده سازی و همه گناهانم را از بزرگ و کوچک ببخشی و روزی ام را چنان گسترده سازی که با آن مرا به بزرگی دنیا و آخرت برسانی. ای مهربان ترین مهربانان.

مولای من، از تو یاری خواستم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و یاری ام کن. و به تو پناه آوردم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و پناهم بده و با فرمانبرداری از خودت مرا از فرمانبرداری بندگانت بی نیاز گردان، و با درخواست از خودت مرا از درخواست از آفریدگانت بی نیاز کن و از خواری فقر مرا به عزت بی نیازی و از فرومایگی گناهان به عزت اطاعتت منتقل فرما. پس به راستی که از روی بخشش و لطف و نه از روی شایستگی ام مرا بر بسیاری از آفریدگانت برتری دادی. پس سپاس برای همه آن ها مخصوص توست. بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا سپاس گزار نعمت هایت و به یاد نیکی هایت قرار ده و با مهرت بر من رحم کن ای مهربان ترین مهربانان.

گفت: پس از آن مولای ما ابوالحسن علیه السلام به ما رو کرد. سپس گفت: شنیدم از ابوجعفر بن محمد که از پدرش علی بن حسین نقل می کرد از پدرش از جدش أمیرمؤمنان علیه و علیهم السلام که از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله شنید که فرمود: به نعمت خداوند پروردگارتان اعتراف کنید و از همه گناهانتان به سوی او بازگردید و توبه کنید، پس به راستی که خداوند بندگان سپاس گزار خود را دوست می دارد.

گفت: سپس برای نماز برخاستیم و مردم پراکنده شدند و گرد هم نیامدند تا این که نامه مرگ موسی بن مهدی و بیعت برای هارون الرشید رسید - . مهج الدعوات :۲۶۸- ۲۸۱ - .

کتاب عتیق غروی: ابومفضل شیبانی با اسناد یاد شده مانند آن را آورده است.

می گویم: در نسخه های مهج پس از پایان شرح جوشن مطلبی را با این لفظ دیدم: و از جمله، شرح معروف برای دعای جوشن است. نویسنده آن که نیازمند به درگاه خداوند متعال است، أبو طالب بن رجب می گوید: دعای جوشن را و داستان و فضیلت آن را در یکی از کتاب های جد رستگارم تقی الدین حسن بن داود با روایتی جز این دیدم، و دوست داشتم آن را در آین جا به ثبت برسانم - . مهج الدعوات :۲۸۱ - . سپس حدیثی را که ما در شرح دعاء جوشن صغیر - . در شرح دعای جوشن کبیر خواهد آمد. -

آورده ایم بیان می کند. و این از سخنان سید بن طاوس نیست و فقط فرزند شیخ رجب آن را آورده و شاید در هر دوی آن ها آمده باشد، هرچند به نظر می رسد شیخ در مورد آن به اشتباه افتاده است.

**[ترجمه]

«۳»

مهج، [مهج الدعوات]: عُوذَةُ مَوْلَانَا الْكَاظِمِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَمَّا أُلْقِيَ فِي بِرْكَةِ السِّبَاعِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ أَعَزَّ جُنْدَهُ وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ

ص: ۳۲۷

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۲۶۸- ۲۸۱.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۲۸۱.

۳- ۳. بل سيأتي في شرح دعاء الجوشن الكبير.

أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ فِی حِمَی اللَّهِ الَّذِی لَا یُسْتَبَاحُ وَ سِتْرِهِ الَّذِی لَا تَهْتِكَهُ الرِّیَاحُ وَ لَا تُخْرِقُهُ الرِّمَاحُ وَ ذِمَّهِ اللَّهِ الَّتِی لَا تُخْفَرُ وَ فِی عِزِّهِ اللَّهِ الَّتِی لَا تُسْتَذَلُّ وَ لَا تُقْهَرُ وَ فِی حِزْبِهِ الَّذِی لَا یُغْلَبُ وَ فِی جُنْدِهِ الَّذِی لَا یُهْزَمُ بِاللَّهِ اسْتَفْتَحْتُ وَ بِهِ اسْتَنْجَحْتُ وَ تَعَزَّزْتُ وَ انْتَصَرْتُ وَ تَقَوَّیْتُ وَ احْتَرَزْتُ وَ اسْتَعَنْتُ بِاللَّهِ وَ بِقُوَّهِ اللَّهِ ضَرَبْتُ عَلَی أَعْدَائِی وَ قَهَرْتُهُمْ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ اسْتَعَنْتُ عَلَیْهِمْ بِاللَّهِ وَ فَوَّضْتُ أَمْرِی إِلَی اللَّهِ حَسْبِیَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ وَ تَراهُمْ یَنْظُرُونَ إِلَیْکَ وَ هُمْ لا یُبْصِرُونَ شَاهَتْ وُجُوهُ أَعْدَائِی فَهُمْ لَا یُبْصِرُونَ صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لا یَرْجِعُونَ غُلِبَتْ أَعْدَاءُ اللَّهِ بِكَلِمَهِ اللَّهِ (۱) فَلَجَتْ حُجَّهُ اللَّهِ عَلَی أَعْدَاءِ اللَّهِ الْفَاسِقِینَ وَ جُنُودِ إِبْلِیسَ أَجْمَعِینَ لَنْ یَضُرُّوکُمْ إِلَّا أَذیً وَ إِنْ یُقاتِلُوکُمْ یُوَلُّوکُمُ الْأَدْبارَ ثُمَّ لا یُنْصَرُونَ ضُرِبَتْ عَلَیْهِمُ الذِّلَّهُ أَیْنَ ما ثُقِفُوا أُخِذُوا وَ قُتِّلُوا تَقْتِیلًا لا یُقاتِلُونَکُمْ جَمِیعاً إِلَّا فِی قُریً مُحَصَّنَهٍ أَوْ مِنْ وَراءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَیْنَهُمْ شَدِیدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِیعاً وَ قُلُوبُهُمْ شَتَّی ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لا یَعْقِلُونَ: تَحَصَّنْتُ مِنْهُمْ بِالْحِصْنِ الْحَصِینِ فَمَا اسْطاعُوا أَنْ یَظْهَرُوهُ وَ مَا اسْتَطاعُوا لَهُ نَقْباً فَأَوَیْتُ إِلی رُکْنٍ شَدِیدٍ وَ الْتَجَأْتُ إِلَی الْکَهْفِ الْمَنِیعِ الرَّفِیعِ وَ تَمَسَّکْتُ بِالْحَبْلِ الْمَتِینِ وَ تَدَرَّعْتُ بِهَیْبَهِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ تَعَوَّذْتُ بِعُوذَهِ سُلَیْمَانَ بْنِ دَاوُدَ علیه السلام وَ احْتَرَزْتُ بِخَاتَمِهِ فَأَنَا أَیْنَ کُنْتُ کُنْتُ آمِناً مُطْمَئِنّاً وَ عَدُوِّی فِی الْأَهْوَالِ حَیْرَانُ وَ قَدْ حُفَّ بِالْمَهَانَهِ وَ أُلْبِسَ الذُّلَّ وَ قُمِّعَ بِالصَّغَارِ وَ ضَرَبْتُ عَلَی نَفْسِی سُرَادِقَ الْحِیَاطَهِ وَ عَلِقْتُ (۲) عَلَی هَیْکَلِ الْهَیْبَهِ وَ تَتَوَّجْتُ بِتَاجِ الْکَرَامَهِ وَ تَقَلَّدْتُ بِسَیْفِ الْعِزِّ الَّذِی لَا یُفَلُّ وَ خَفِیتُ عَنِ الظُّنُونِ وَ تَوَارَیْتُ عَنِ الْعُیُونِ وَ أَمِنْتُ عَلَی رُوحِی وَ سَلِمْتُ مِنْ أَعْدَائِی وَ هُمْ لِی خَاضِعُونَ وَ مِنِّی خَائِفُونَ وَ عَنِّی نَافِرُونَ کَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَهٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَهٍ قَصُرَتْ أَیْدِیهِمْ عَنْ بُلُوغِی وَ صَمَّتْ آذَانُهُمْ عَنِ اسْتِمَاعِ کَلَامِی وَ عَمِیَتْ أَبْصَارُهُمْ عَنْ رُؤْیَتِی وَ خَرِسَتْ أَلْسِنَتُهُمْ عَنْ ذِکْرِی وَ ذَهَلَتْ عُقُولُهُمْ عَنْ مَعْرِفَتِی وَ تَخَوَّفَتْ قُلُوبُهُمْ وَ ارْتَعَدَتْ

۱- ۱. زاد فی المصدر: ان من یغلب بكلمه اللّه.

۲- ۲. و دخلت فی هیكل الهیبه خ ل.

فَرَائِصُهُمْ مِنْ مَخَافَتِي وَ انْفَلَّ حَدُّهُمْ وَ انْكَسَرَتْ شَوْكَتُهُمْ وَ نُكِسَتْ رُءُوسُهُمْ وَ انْحَلَّ عَزْمُهُمْ وَ تَشَتَّتْ جَمْعُهُمْ وَ اخْتَلَفَتْ كَلِمَتُهُمْ وَ تَفَرَّقَتْ أُمُورُهُمْ وَ ضَعُفَ جُنْدُهُمْ وَ انْهَزَمَ جَيْشُهُمْ وَلَّوْا مُدْبِرِينَ سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَ يُوَلُّونَ الدُّبُرَ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَ السَّاعَةُ أَدْهى وَ أَمَرُّ عَلَوْتُ عَلَيْهِمْ بِمُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ وَ بِعُلُوِّ اللَّهِ الَّذِي كَانَ يَعْلُو بِهِ عَلِيٌّ صَاحِبُ الْحُرُوبِ مُنَكِّسُ الْفُرْسَانِ وَ مُبِيدُ الْأَقْرَانِ وَ تَعَزَّزْتُ مِنْهُمْ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ الْحُسْنَى وَ كَلِمَاتِهِ الْعُلْيَا وَ تَجَهَّزْتُ عَلَى أَعْدَائِي بِبَأْسِ اللَّهِ بَأْسٍ شَدِيدٍ وَ أَمْرٍ عَتِيدٍ وَ أَذْلَلْتُهُمْ وَ جَمَعْتُ رُءُوسَهُمْ وَ وَطِئْتُ رِقَابَهُمْ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لِي خَاضِعِينَ خَابَ مَنْ نَاوَانِي وَ هَلَكَ مَنْ عَادَانِي وَ أَنَا الْمُؤَيَّدُ الْمَحْبُورُ الْمُظَفَّرُ الْمَنْصُورُ قَدْ كَرَّمَتْنِي كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ اسْتَمْسَكْتُ بِالْعُرْوَهِ الْوُثْقَى وَ اعْتَصَمْتُ بِالْحَبْلِ الْمَتِينِ فَلَا يَضُرُّنِي بَغْيُ الْبَاغِينَ وَ لَا كَيْدُ الْكَائِدِينَ وَ لَا حَسَدُ الْحَاسِدِينَ أَبَدَ الْآبِدِينَ فَلَنْ يَصِلَ إِلَيَّ أَحَدٌ وَ لَنْ يَضُرَّنِي أَحَدٌ وَ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيَّ أَحَدٌ بَلْ أَنَا أَدْعُوا رَبِّي وَ لا أُشْرِكُ بِهِ أَحَداً يَا مُتَفَضِّلُ تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِالْأَمْنِ وَ السَّلَامَهِ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ حُلْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ بِالْمَلَائِكَهِ الْغِلَاظِ الشِّدَادِ وَ مُدَّنِي بِالْجُنْدِ الْكَثِيفِ وَ الْأَرْوَاحِ الْمُطِيعَهِ يَحْصِبُونَهُمْ بِالْحُجَّهِ الْبَالِغَهِ وَ يَقْذِفُونَهُمْ بِالْأَحْجَارِ الدَّامِغَهِ وَ يَضْرِبُونَهُمْ بِالسَّيْفِ الْقَاطِعِ وَ يَرْمُونَهُمْ بِالشِّهَابِ الثَّاقِبِ وَ الْحَرِيقِ الْمُلْتَهِبِ وَ الشُّوَاظِ الْمُحْرِقِ وَ النُّحَاسِ النَّافِذِ وَ يُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ جانِبٍ دُحُوراً وَ لَهُمْ عَذابٌ واصِبٌ ذَلَّلْتُهُمْ وَ زَجَرْتُهُمْ وَ عَلَوْتُهُمْ بِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ بِ طه وَ يس وَ الذَّارِياتِ وَ الطَّوَاسِينِ وَ تَنْزِيلِ وَ الْحَوَامِيمِ وَ كهيعص وَ حم عسق وَ ق وَ الْقُرْآنِ الْمَجِيدِ وَ تَبَارَكَ وَ ن وَ الْقَلَمِ وَ ما يَسْطُرُونَ وَ بِمَواقِعِ النُّجُومِ وَ بِ الطُّورِ وَ كِتابٍ مَسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ وَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ وَ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ إِنَّ عَذابَ رَبِّكَ لَواقِعٌ ما لَهُ مِنْ دافِعٍ فَ وَلَّوْا مُدْبِرِينَ وَ عَلَى أَعْقَابِهِمْ نَاكِصِينَ وَ فِي دِيارِهِمْ

جاثِمِينَ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ ما كانُوا يَعْمَلُونَ فَغُلِبُوا هُنالِكَ وَ انْقَلَبُوا صاغِرِينَ وَ أُلْقِيَ السَّحَرَةُ ساجِدِينَ فَوَقاهُ اللَّهُ سَيِّئاتِ ما مَكَرُوا وَ حاقَ بِهِمْ ما كانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤُنَ وَ حاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذابِ وَ مَكَرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْماكِرِينَ الَّذِينَ قالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزادَهُمْ إِيماناً وَ قالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَ اتَّبَعُوا رِضْوانَ اللَّهِ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ شُرُورِهِمْ وَ أَدْرَأُ بِکَ فِی نُحُورِهِمْ وَ أَسْأَلُکَ خَيْرَ مَا عِنْدَکَ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ جَبْرَئِيلُ عَنْ يَمِينِی وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِی وَ إِسْرَافِيلُ مِنْ وَرَائِی وَ مُحَمَّدٌ صلى الله عليه و آله شَفِيعِی مِنْ بَيْنِ يَدَیَّ وَ اللَّهِ مُطِلٌّ عَلَیَّ يَا مَنْ جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حاجِزاً احْجُزْ بَيْنِی وَ بَيْنَ أَعْدَائِی فَلَنْ يَصِلُوا إِلَیَّ بِسُوءٍ أَبَداً بَيْنِی وَ بَيْنَهُمْ سِتْرُ اللَّهِ الَّذِی سَتَرَ بِهِ الْأَنْبِيَاءَ عَنِ الْفَرَاعِنَهِ وَ مَنْ كَانَ فِی سِتْرِ اللَّهِ كَانَ مَحْفُوظاً حَسْبِیَ اللَّهُ الَّذِی يَكْفِينِی مَا لَا يَكْفِينِی أَحَدٌ مِنْ خَلْقِهِ وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجاباً مَسْتُوراً إِنَّا جَعَلْنا فِی أَعْناقِهِمْ أَغْلالًا فَهِیَ إِلَى الْأَذْقانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ وَ جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لا يُبْصِرُونَ اللَّهُمَّ اضْرِبْ عَلَى سُرَادِقِ حِفْظِكَ الَّذِی لَا تَهْتِكُهُ الرِّيَاحُ وَ لَا تَخْرِقُهُ الرِّمَاحُ وَ وَقِّ رُوحِی بِرُوحِ قُدْسِكَ الَّذِی مَنْ أَلْقَيْتَهُ عَلَيْهِ كَانَ مُعْظَماً فِی أَعْيُنِ النَّاظِرِينَ وَ كَبِيراً فِی صُدُورِ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَ وَفِّقْنِی بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَ أَمْثَالِكَ الْعُلْيَا لِصَلَاحِی فِی جَمِيعِ مَا أُؤَمِّلُهُ مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ اصْرِفْ عَنِّی أَبْصَارَ النَّاظِرِينَ وَ اصْرِفْ عَنِّی قُلُوبَهُمْ مِنْ شَرِّ مَا يُضْمِرُونَ إِلَى مَا لَا يَمْلِكُهُ أَحَدٌ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ مَلَاذِی فَبِكَ أَلُوذُ وَ أَنْتَ مَعَاذِی فَبِكَ أَعُوذُ اللَّهُمَّ إِنَّ خَوْفِی أَمْسَى وَ أَصْبَحَ مُسْتَجِيراً بِوَجْهِكَ الْبَاقِی الَّذِی لَا يَبْلَى يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ سُبْحَانَ مَنْ أَلْجَمَ الْبِحَارَ بِقُدْرَتِهِ وَ أَطْفَأَ نَارَ إِبْرَاهِيمَ بِكَلِمَتِهِ وَ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ بِعَظَمَتِهِ

وَ قَالَ لِمُوسَى أَقْبِلْ وَ لا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ إِنِّی لا یَخافُ لَدَیَّ الْمُرْسَلُونَ لا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ لا تَخافُ دَرَكاً وَ لا تَخْشى لا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلى وَ ما تَوْفِيقِی إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْ ءٍ قَدْراً أَ لَيْسَ اللَّهُ بِكافٍ عَبْدَهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ .(۱)

**[ترجمه]مهج الدعوات: حرز مولای ما حضرت کاظم صلوات الله علیه هنگامی که ایشان را در گودال درندگان افکندند:

به نام خداونـد بخشـنده مهربان، معبودی جز الله نیست، یکتا و یگانه است، وعده خود را به انجام رسانده و بنده اش را یاری نموده و سـپاه خود را ارجمنـد کرده و گروه هـا را به تنهـایی شـکست داد . و سـپاس برای خداونـد پروردگـار عالمیـان است. روز و شب را سپری کردم در پنـاه خداوند که آسـیبی در آن راه ندارد و پرده او که بادها آن را نمی درند و نیزه ها آن را نمی شکافند و پناه خداوند که هرگز شکسته نمی شود و عزتش که خـواری در آن نیست و شـکست نمی خـورد و در حزب او که کسـی بر آن پیروز نمی شود و سپاه او که پراکنـده نمی گردد. از خداوند گشایش می طلبم و از او پیروزی می جویم و بزرگی و پیروزی و نیرومندی می طلبم و پناهنده می شوم و از خداوند یاری می جویم و به نیروی خدا دشـمنان خود را می زنم و با جنبشـی از سوی خداوند بر آن ها پیروز می گردم و از خداوند در برابر آنان یاری می طلبم و کارم را به او وامی گزارم، خداونـد برای من کافی است و او بهترین برعهـده گیرنده است. آن ها را می بینی که به تو می نگرند و چیزی نمی بینند. چهره های دشمنانم سیاه شد و آن ها چیزی نمی بینند. آن ها کر و گنگ و کورند و به همین دلیل بازنمی گردند.

با کلمه خدا بر دشـمنان پیروز شدم، حجت خداوند بر دشمنان بدکار و همه سربازان ابلیس پیروز شد. به شما آزاری نمی رسانند جز اندکی، و اگر با شـما بجنگند به شـما پشت کرده و می گریزند و کسی آن ها را یاری نخواهد کرد. هر جا یافت شوند مهر خواری بر آنان خورده است، آن هـا را می گیرنـد و به قتل می رساننـد. آن ها هرگز با همه شـما نمی جنگنـد مگر در دژهای مستحکم یا از پشت دیوارها، پیکار آن ها در میـان خودشـان شدیـد است، آن هـا را متحـد می پنـداری در حـالی که دل هایشـان پراکنـده است، این به خاطر آن است که آنان قومی نادان هسـتند. از شـر آن ها در پناه مسـتحکمی پناه گرفتم، پس قادر نبودند از آن بالاروند و نمی توانسـتند در آن سوراخی ایجاد کنند. پس به تکیه گاه محکمی پناهنده شدم و به غار بلند و نگهدارنده ای پناه بردم و به ریسـمان استواری چنگ زدم و هیبت امیرمؤمنان را بر خود پوشاندم و به پناه سـلیمان بن داود پناهنده شدم و با انگشتر او خود را نگاه می دارم. پس هر کجا که باشم در امنیت و آرامش هستم و دشمنم در وحشت ها سرگردان است و با خواری و پستی پوشیده شده و به دست کو چک ها نابود شده است .

پرده های قدرت را بر خود انداختم و کالبد هیبت را به خود آویختم و تاج کرامت را بر سر گذاشتم و شمشیر عزت را که هرگز کند نمی شود حمایل کردم، و از گمان ها پنهان شـدم و از دیـده ها خود را پوشاندم و روحم را ایمن گرداندم و از دشـمنانم در سـلامت ماندم، در حالی که آنان از من می ترسـند و برایم فروتنی می کنند و می گریزند. گویی گورخرانی رمیده اند که از مقابل شـیران می گریزند. دستانشان از رسیدن به من کوتاه مانـده و گوش هایشان از شـنیدن سـخنم ناتوان است و دیـده هایشان از دیدن من نابینا شده و زبان هایشان از یاد من لال گشـته و خردهایشـان از شـناختن مـن غافـل شـده و دل هایشـان هراسـان اسـت و بنـدهایشان از ترس مـن به خـود می لرزد، تیزی هایشـان کنـد شـده و شکوهشان در هم شکسـته و سـرهایشان به زیر افکنـده و اراده هایشان سـست شـده و اجتماعشان پراکنده شده و سـخنانشان متفاوت گردیده و کارهایشان پراکنده شده و سـپاهشان ناتوان گشـته است، پشت کرده و می گریزند، به زودی جمعشان شکست خورده و پا به فرار می گذارند، رستاخیز موعد آن هاست، و مجازات قیامت تلخ تر و دردناک تر است.

به برتری محمـد بن عبـد الله صـلی الله علیه و آله و سـلم و با برتری خداوند که با آن بر صاحبان جنگ ها برتری یافته بر آنان برتری یافتم، سـر فروافکننده اسبان و نابودکننده تیرها و شمشیرها. با نام های نیکوی خدا و کلمات والای او بر آن ها عزت می جویم و با نیروی خداوند خود را دربرابر دشمنانم آماده می کنم، آسیبی سخت و فرمانی آماده. آنان را خوار کردم و سرهایشان را جمع نمودم و گردن هایشان را پایمال کردم، پس با فروتنی گردن ها را برایم خم نمودند.

هر کس انـدیشه بـدی درباره من کرد ناامیـد شد و هر که با من دشـمنی نمود نابود شد. من تأیید شده و شادمان و پیروزمند یاری شده هسـتم. کلمه تقوی مرا گرامی داشت و به ریسـمان محکم چنگ زدم، پس تا همیشه نه سـتم ستمگران به من آسیبی می رساند و نه فریب فریب کاران و نه حسادت حسودان. هیچ کسـی به من دسترسـی نخواهد داشت و هیچ کسـی ضـرری برایم نداشته و کسی بر من توانایی نمی یابد. بلکه من پروردگارم را می خوانم و برای او هیچ کس را شریک قرار نمی دهم .

ای بخشـنده، با امنیت و سـلامت از دشـمنان بر من لطف کن و میان من و آن ها فرشـتگان سخت گیر و تندخو را حائل قرار بده و و با سربازان انبوه و ارواح فرمـانبردار مرا یـاری کن تـا آن ها را با دلایل رسا براننـد (سـنگسار کننـد) و سـنگ های خردکننـده به سویشان پرتاب کننـد و با شمشـیر بران آن ها را بزنند و با شـهاب سوراخ کننده و آتش سوزان و شعله های گدازان و دود نافذ آن ها را برانند. از هر سو رانده می شوند و عذاب دائمی و همیشگی برای آن هاست.

آن ها را خوار گردانـدم و شـکنجه دادم و بر آنان برتری یافتم با بسم الله الرحمن الرحیم، با طه و یس و ذاریات و طواسـین و تنزیل و حوامیم و کهیعص و حم عسق و ق و قرآن بزرگ و تبارک و ن و قلم و آن چه با آن می نویسند و با جایگاه های ستارگان و با طور و کتاب نوشته شده در سطرها در صفحه ای گسترده و بیت المعمور و سقف برافراشته و دریای مملو برافروخته،

که عذاب پروردگارت واقع می شود و چیزی از آن مانع نخواهد بود. پس پشت کرده و می گریزند و عقب نشینی می کنند و در خانه هایشان با سـینه می افتند. پس حق آشـکار شده و آن چه ساخته بودند باطل شد. پس آن جا بود که همگی شکست خورده و خوار شدند و ساحران به سجـده افتادنـد. پس خداونـد بـدی هـای نیرنگ آنان را از او بازداشت و آن چه را مسـخره می کردنـد بر آن ها فرود آورد. عـذاب سـخت بر خاندان فرعون فرود آمد. و حیله کردند و خداوند نیز حیله کرد و او بهترین مکرکنندگان است.

کسانی که مردم به آن ها گفتنـد: «به راستی مردم علیه شـما جمع شـده اند، پس از ایشان بترسـید» و ایمانشان از شـنیدن این سـخن بیشتر شد و گفتند: خدا برای ما کافی است و او بهترین برعهده گیرندگان است. سـپس با نعمتی از جانب خداوند بازگشـتند و هیچ بدی به آن ها نرسید و خشنودی خدا را دنبال کردند و خداوند دارای بخشش بی کران است.

خداونـد ا، از بـدی هـای آن هـا به تو پنـاه می آوردم و به وسـیله تو آنـان را دفع می کنم و بهترین هایی را که نزد توست از تو درخواست می کنم. و خداوند شـر آن ها را بازخواهد داشت و او شنوا و داناست. جبرئیل از جانب راست من و میکائیل از جانب چپم و اسرافیل از پشت سرم و محمـد صـلی الله علیه و آله شـفیع من در مقـابلم باشـد و خداونـد بر من اشـراف دارد. ای آن که میـان دو دریـا مانعی قرار دادی، میان من و دشـمنانم مانعی بگذار تا هرگز با هیچ بدی به من نرسـند. میان من و آن ها پوشش خداوند است که با آن پیامبران را از فرعون ها پوشاند و هر کس در پوشش خدا درآید حفظ می شود.

خداونـد برای من کـافی است، او که مرا کفایت می کنـد از آن چه هیـچ کس از خلقش مرا کفایت نمی کنـد. و هنگامی که قرآن می خوانی میـان تو و آنـان که به آخرت ایمـان ندارنـد حجابی پوشـیده قرار می دهیم. در گردن هایشان زنجیرهایی افکنـده ایم که تا چانه ها ادامه دارد، پس سرهایشان به بالا نگاه داشته شده است. و در مقابل و پشت سر آنان مانعی قرار دادیم و آنان را پوشانیدیم و آنان چیزی نمی بینند .

خداوند ا، پرده های نگهبانی ات را که بادها آن را نمی درد و نیزه ها آن را نمی شـکافد بر من بیفکن، و روحم را با روح قدسـی خودت نگاه دار که هر که را با آن نگاه داشتی در دیـده ها و در قلب های همه مردم بزرگ گشـته است. و با نام های نیکو و نقش های والایت مرا در خیر همه آن چه در دنیا و آخرت به آن امیـد دارم موفق گردان. دیـده های بیننـدگان را از من بازدار و قلب هایشان را از بـدی هایی که درباره من پنهان می دارند برگردان به سوی آن چه کسی جز تو مالک آن نیست.

خداونـد ا، پناه من تویی و به تو پناه آورم، و تو پناه گاه من هستی و به تو پناهنده می شوم. پروردگارا، همانا ترس من شب و روز را سپری می

کند در حالی که به چهره پایدار تو که هرگز نابود نمی شود پناهنده شده، ای مهربان ترین مهربانان. منزه است خدایی که با قدرت خود دریاها را به تلاطم واداشت و با سخن خود آتش را بر ابراهیم خاموش کرد و با بزرگی اش بر عرش راست گردیده، و به موسی گفت: پیش بیا و نترس که تو از ایمن شدگان هستی. به راستی فرستادگان نزد من نمی ترسند. نترس که از گروه ستمگران نجات یافته ای. تو از پایان و عاقبت هیچ چیز نمی ترسی و هراسان نمی شوی. نترس که همانا تو برتری. و توفیق من تنها از جانب خداست، به او توکل کردم و به درگاه او زاری می کنم. و هر کس از خدا پروا کند برایش راه نجاتی قرار می دهد و او را از جایی که گمان نمی کند روزی می دهد. و هر کس بر خدا توکل کند، خداوند برایش کافی است، همانا خداوند فرمان خود را می رساند و به راستی که او برای هر چیز اندازه ای قرار داده است. آیا خداوند برای بنده اش کافی نیست؟ و هیچ نیرو و جنبشی مگر از سوی خدای بزرگ و بلند مرتبه نیست و هر چه او بخواهد می شود - . مهج الدعوات :۳۰۰- ۳۰۴ - .

**[ترجمه]

«۴»

مهج، [مهج الدعوات]: وَ مِنْ ذَلِکَ الدُّعَاءُ الَّذِی عَلَّمَهُ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله لِمُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام فِی السِّجْنِ بِإِسْنَادٍ صَحِیحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَالِکٍ الْخُزَاعِیِّ قَالَ دَعَانِی هَارُونُ الرَّشِیدُ فَقَالَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ کَیْفَ أَنْتَ وَ مَوْضِعَ السِّرِّ مِنْکَ فَقُلْتُ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ مَا أَنَا إِلَّا عَبْدٌ مِنْ عَبِیدِکَ فَقَالَ امْضِ إِلَی تِلْکَ الْحُجْرَهِ وَ خُذْ مَنْ فِیهَا وَ احْتَفِظْ بِهِ إِلَی أَنْ أَسْأَلَکَ عَنْهُ قَالَ فَدَخَلْتُ فَوَجَدْتُ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ علیه السلام فَلَمَّا رَآنِی سَلَّمْتُ عَلَیْهِ وَ حَمَلْتُهُ عَلَی دَابَّتِی إِلَی مَنْزِلِی فَأَدْخَلْتُهُ دَارِی وَ جَعَلْتُهُ عَلَی حَرَمِی وَ قَفَّلْتُ عَلَیْهِ وَ الْمِفْتَاحُ مَعِی وَ کُنْتُ أَتَوَلَّی خِدْمَتَهُ وَ مَضَتِ الْأَیَّامُ فَلَمْ أَشْعُرْ إِلَّا بِرَسُولِ الرَّشِیدِ یَقُولُ أَجِبْ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ فَنَهَضْتُ وَ دَخَلْتُ عَلَیْهِ وَ هُوَ جَالِسٌ وَ عَنْ یَمِینِهِ فِرَاشٌ وَ عَنْ یَسَارِهِ فِرَاشٌ فَسَلَّمْتُ عَلَیْهِ فَلَمْ یَرُدَّ غَیْرَ أَنَّهُ قَالَ مَا فَعَلْتَ بِالْوَدِیعَهِ فَکَأَنِّی لَمْ أَفْهَمْ مَا قَالَ فَقَالَ مَا فَعَلَ صَاحِبُکَ فَقُلْتُ صَالِحٌ فَقَالَ امْضِ إِلَیْهِ وَ ادْفَعْ إِلَیْهِ ثَلَاثَهَ آلَافِ دِرْهَمٍ وَ اصْرِفْهُ إِلَی مَنْزِلِهِ وَ أَهْلِهِ فَقُمْتُ وَ هَمَمْتُ بِالانْصِرَافِ فَقَالَ لَهُ أَ تَدْرِی مَا السَّبَبُ فِی ذَلِکَ وَ مَا هُوَ قُلْتُ لَا یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ نِمْتُ عَلَی الْفِرَاشِ الَّذِی عَنْ یَمِینِی فَرَأَیْتُ فِی مَنَامِی قَائِلًا یَقُولُ لِی یَا هَارُونُ أَطْلِقْ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ فَانْتَبَهْتُ فَقُلْتُ لَعَلَّهَا لِمَا فِی نَفْسِی مِنْهُ فَقُمْتُ إِلَی هَذَا الْفِرَاشِ الْآخَرِ فَرَأَیْتُ ذَلِکَ الشَّخْصَ بِعَیْنِهِ وَ هُوَ یَقُولُ یَا هَارُونُ أَمَرْتُکَ أَنْ تُطْلِقَ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ فَلَمْ تَفْعَلْ فَانْتَبَهْتُ وَ تَعَوَّذْتُ مِنَ الشَّیْطَانِ ثُمَّ قُمْتُ إِلَی هَذَا الْفِرَاشِ الَّذِی أَنَا عَلَیْهِ وَ إِذَا بِذَلِکَ الشَّخْصِ

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۰۰- ۳۰۴.

بِعَيْنِهِ وَ بِيَدِهِ حَرْبَةٌ كَانَ أَوَّلُهَا بِالْمَشْرِقِ وَ آخِرُهَا بِالْمَغْرِبِ وَ قَدْ أَوْمَأَ إِلَيَّ وَ هُوَ يَقُولُ وَ اللَّهِ يَا هَارُونُ لَئِنْ لَمْ تُطْلِقْ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ لَأَضَعَنَّ هَذِهِ الْحَرْبَةَ فِي صَدْرِكَ وَ أُطْلِعُهَا مِنْ ظَهْرِكَ فَأَرْسَلْتُ إِلَيْكَ فَامْضِ فِيمَا أَمَرْتُكَ بِهِ وَ لَا تُظْهِرْهُ إِلَى أَحَدٍ فَأَقْتُلَكَ فَانْظُرْ لِنَفْسِكَ قَالَ فَرَجَعْتُ إِلَى مَنْزِلِي وَ فَتَحْتُ الْحُجْرَةَ وَ دَخَلْتُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ فَوَجَدْتُهُ قَدْ نَامَ فِي سُجُودِهِ فَجَلَسْتُ حَتَّى اسْتَيْقَظَ وَ رَفَعَ رَأْسَهُ وَ قَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ افْعَلْ مَا أُمِرْتَ بِهِ فَقُلْتُ لَهُ يَا مَوْلَايَ سَأَلْتُكَ بِاللَّهِ وَ بِحَقِّ جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ دَعَوْتَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي يَوْمِكَ هَذَا بِالْفَرَجِ فَقَالَ أَجَلْ إِنِّي صَلَّيْتُ الْمَفْرُوضَةَ وَ سَجَدْتُ وَ غَفَوْتُ فِي سُجُودِي فَرَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَقَالَ يَا مُوسَى أَ تُحِبُّ أَنْ تُطْلَقَ فَقُلْتُ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ فَقَالَ ادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ يَا سَابِغَ النِّعَمِ يَا دَافِعَ النِّقَمِ يَا بَارِئَ النَّسَمِ يَا مُجَلِّيَ الْهِمَمِ يَا مُغَشِّيَ الظُّلَمِ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَ الْأَلَمِ يَا ذَا الْجُودِ وَ الْكَرَمِ وَ يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ وَ يَا مُدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ وَ يَا مُحْيِيَ الْعِظَامِ وَ هِيَ رَمِيمٌ وَ مُنْشِئَهَا بَعْدَ الْمَوْتِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجاً وَ مَخْرَجاً يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ فَلَقَدْ دَعَوْتُ بِهِ وَ رَسُولُ اللَّهِ يُلَقِّنُنِيهِ حَتَّى سَمِعْتُكَ فَقُلْتُ قَدِ اسْتَجَابَ اللَّهُ فِيكَ ثُمَّ قُلْتُ لَهُ مَا أَمَرَنِي بِهِ الرَّشِيدُ وَ أَعْطَيْتُهُ ذَلِكَ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: و از آن جمله دعایی است که پیامبر صلی الله علیه و آله در زندان به موسی بن جعفر علیهما السلام آموختند. با سند صحیح از عبدالله بن مالك روایت شده است که گفت: هارون الرشید مرا فراخواند و گفت: ای ابوعبدالله، تو در رازداری چگونه هستی؟ پس گفتم: ای امیرمؤمنان، من تنها بنده ای از بندگان تو هستم. پس گفت: به سوی آن اتاق برو و کسی را که آن جاست بگیر و از او نگه داری کن تا از تو درباره او سؤال کنم. گفت: وارد شدم و موسی بن جعفر علیهما السلام را در آن دیدم، پس هنگامی که مرا دید به ایشان سلام کردم و او را بر مرکب خودم سوار کرده و به خانه ام بردم و او را در سرای خود قرار دادم و در را بر او قفل نمودم و پیوسته به خدمت گزاری ایشان مشغول بودم. روزها گذشت و روزی متوجه شدم فرستاده هارون الرشید آمده و می گوید: پاسخ امیر مؤمنان را بده. پس برخاستم و بر او وارد شدم و دیدم نشسته و در سمت راست و چپش بستری گسترده است. پس به او سلام کردم، تنها پاسخی که داد این بود که گفت: با امانت چه کردی؟ گویی من سخنش را نفهمیدم، پس گفت: همراهت چه کرد؟ گفتم: او نیکوکار است. گفت: به سویش برو و سه هزار درهم به او بده و او را به منزل و خانواده اش بازگردان. بلند شدم و خواستم بازگردم که گفت: می دانی دلیل این کار چیست؟ گفتم: نه ای امیرمؤمنان، گفت: در بستر سمت راست خود خوابیده بودم که در خواب دیدم کسی به من می گوید: ای هارون، موسی بن جعفر را آزاد کن. بیدار شدم و گفتم شاید به خاطر اندیشه ای است که درون خویش داشته ام. پس به بستر دیگرم رفتم و باز همان شخص را دیدم که می گوید: ای هارون به تو دستور دادم موسی بن جعفر را آزاد کنی اما چنین نکردی. پس بیدار شدم و از شیطان به خدا پناه بردم. سپس روی این بستری که اکنون هستم قرار گرفتم و باز همان شخص را دیدم که خنجری در دست دارد که یك سر آن در مشرق و سر دیگر آن در مغرب است و به من اشاره می کند و می گوید: ای هارون به خدا سوگند اگر موسی بن جعفر را آزاد نکنی این خنجر را در سینه ات فرو می کنم و از پشتت بیرون می آورم. پس به سوی تو فرستادم. بنابراین آن چه را به تو فرمان دادم انجام بده و آن را برای کسی آشکار نکن که تو را می کشم، پس به خودت رحم کن. گفت: پس به خانه ام بازگشتم و اتاق را گشودم و بر موسی بن جعفر وارد شدم و دیدم در سجده اش به خواب رفته است. پس کنارش نشستم تا بیدار شد و سرش را بلند کرد و گفت: ای ابوعبدالله، آن چه به تو دستور داده اند انجام بده. پس به ایشان گفت: ای مولای من، شما را به خدا و به حق جدتان قسم، آیا امروز خداوند بلندمرتبه را برای گشایش خواندید؟ گفت: بلی، نماز واجبم را خواندم و سجده کردم، در سجده به خواب رفتم و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که به من گفت: ای موسی آیا دوست داری آزاد شوی؟ گفتم: بله ای پیامبر خدا، درود خداوند بر شما باد. پس فرمود: این دعا را بخوان:

ای فرستنده نعمت ها، ای برطرف کننده بلاها، ای پدیدآورنده جانها، ای از بین برنده اندوه، ای دربرگیرنده تاریکی، ای برطرف کننده بیچارگی و بیماری، ای صاحب سخاوت و بخشش، ای شنوا بر هر صدا و ای دریابنده هر گذشته و ای زنده گرداننده استخوان های پوسیده و برانگیزاننده آن ها پس از مرگ، بر محمد و خاندانش درود فرست و در کار من گشایش و راه نجاتی قرار بده، ای صاحب شکوه و بزرگی. پس به راستی من این دعا را خواندم و پیامبر خدا آن را بر زبانم قرار داد تا این که صدای تو را شنیدم. گفتم: به راستی که خداوند آن را برایت مستجاب کرد. سپس دستور هارون الرشید را به ایشان گفتم و درهم ها را با ایشان دادم – . مهج الدعوات :۳۰۵- ۳۰۶

-.

**[ترجمه]

«۵»

مهج، [مهج الدعوات]: حِرْزٌ لِمَوْلَانَا مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ الشَّيْخُ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الصَّمَدِ رَحِمَهُ اللَّهُ وَجَدْتُ فِی کُتُبِ أَصْحَابِنَا مَرْوِیّاً عَنِ الْمَشَایِخِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ أَنَّهُ لَمَّا هَمَّ هَارُونُ الرَّشِیدُ بِقَتْلِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیهما السلام دَعَا الْفَضْلَ بْنَ الرَّبِیعِ وَ قَالَ لَهُ قَدْ وَقَعَتْ لِی إِلَیْکَ حَاجَهٌ أَسْأَلُکَ أَنْ تَقْضِیَهَا وَ لَکَ مِائَهُ أَلْفِ دِرْهَم قَالَ فَخَرَّ الْفَضْلُ عِنْدَ ذَلِکَ سَاجِداً وَ قَالَ أَمْرٌ أَمْ مَسْأَلَهٌ قَالَ بَلْ مَسْأَلَهٌ ثُمَّ قَالَ أَمَرْتُ بِأَنْ تَحْمِلَ إِلَی دَارِکَ فِی هَذِهِ السَّاعَهِ مِائَهَ أَلْفِ دِرْهَمٍ وَ أَسْأَلُکَ أَنْ تَصِیرَ إِلَی دَارِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ وَ تَأْتِیَنِی بِرَأْسِهِ قَالَ الْفَضْلُ فَذَهَبْتُ إِلَی ذَلِکَ الْبَیْتِ فَرَأَیْتُ فِیهِ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۰۵- ۳۰۶.

وَ هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فَجَلَسْتُ حَتَّى قَضَى صَلَاتَهُ وَ أَقْبَلَ إِلَيَّ وَ تَبَسَّمَ وَ قَالَ عَرَفْتُ لِمَا ذَا حَضَرْتَ أَمْهِلْنِي حَتَّى أُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ قَالَ فَأَمْهَلْتُهُ فَقَامَ وَ تَوَضَّأَ فَأَسْبَغَ الْوُضُوءَ وَ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَ أَتَمَّ الصَّلَاةَ بِحُسْنِ رُكُوعِهَا وَ سُجُودِهَا وَ قَرَأَ خَلْفَ صَلَاتِهِ بِهَذَا الْحِرْزِ فَانْدَرَسَ وَ سَاخَ فِي مَكَانِهِ فَلَا أَدْرِي أَ أَرْضٌ ابْتَلَعَتْهُ أَمِ السَّمَاءُ اخْتَطَفَتْهُ فَذَهَبْتُ إِلَى هَارُونَ وَ قَصَصْتُ عَلَيْهِ الْقِصَّةَ قَالَ فَبَكَى هَارُونُ الرَّشِيدُ ثُمَّ قَالَ قَدْ أَجَارَهُ اللَّهُ مِنِّي وَ رُوِيَ عَنْهُ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ مَنْ قَرَأَهُ كُلَّ يَوْمٍ بِنِيَّةٍ خَالِصَةٍ وَ طَوِيَّةٍ صَادِقَةٍ صَانَهُ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مَحْذُورٍ وَ آفَةٍ وَ إِنْ كَانَتْ بِهِ مِحْنَةٌ خَلَّصَهُ اللَّهُ مِنْهَا وَ كَفَاهُ شَرَّهَا وَ مَنْ لَمْ يُحْسِنِ الْقِرَاءَةَ فَلْيُمْسِكْهُ مَعَ نَفْسِهِ مُتَبَرِّكاً بِهِ حَتَّى يَنْفَعَهُ اللَّهُ بِهِ وَ يَكْفِيهِ الْمَحْذُورَ وَ الْمَخُوفَ إِنَّهُ وَلِيُّ ذَلِكَ وَ الْقَادِرُ عَلَيْهِ الدُّعَاءُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ أَعْلَى وَ أَجَلُّ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ وَ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ يَقُولُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ عَزَّ جَارُ اللَّهِ وَ جَلَّ ثَنَاءُ اللَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَ اكْنُفْنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ وَ اغْفِرْ لِي بِقُدْرَتِكَ فَأَنْتَ رَجَائِي رَبِّ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا شُكْرِي وَ كَمْ مِنْ بَلِيَّةٍ ابْتَلَيْتَنِي بِهَا قَلَّ لَكَ عِنْدَهَا صَبْرِي فَيَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ نِعْمَتِهِ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَ يَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ بَلِيَّتِهِ صَبْرِي فَلَمْ يَخْذُلْنِي وَ يَا مَنْ رَآنِي عَلَى الْخَطَايَا فَلَمْ يَفْضَحْنِي يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَضِي أَبَداً يَا ذَا النِّعَمِ الَّتِي لَا تُحْصَى عَدَداً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ بِكَ أَدْفَعُ وَ أَدْرَأُ فِي نَحْرِهِ وَ أَسْتَعِيذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى دِينِي بِدُنْيَايَ وَ عَلَى آخِرَتِي بِتَقْوَايَ وَ احْفَظْنِي فِيمَا غِبْتُ عَنْهُ وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فِيمَا حَضَرْتُهُ يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ الذُّنُوبُ وَ لَا تَنْقُصُهُ (۱) الْمَغْفِرَةُ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ وَ أَعْطِنِي مَا لَا يَنْقُصُكَ (۲) إِنَّكَ وَهَّابٌ أَسْأَلُكَ فَرَجاً

۱- ۱. تنفعه خ ل.

۲- ۲. ينفعك خ ل.

قَرِيباً وَ مَخْرَجاً رَحِيباً وَ رِزْقاً وَاسِعاً وَ صَبْراً جَمِيلًا وَ عَافِيَةً مِنْ جَمِيعِ الْبَلَايَا إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْأَمْنَ وَ الصِّحَّةَ وَ الصَّبْرَ وَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ وَ الشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُلْبِسَنِي عَافِيَتَكَ فِي دِينِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ إِخْوَانِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ جَمِيعِ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَ أَسْتَوْدِعُكَ ذَلِكَ كُلَّهُ يَا رَبِّ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي فِي كَنَفِكَ وَ فِي جِوَارِكَ وَ فِي حِفْظِكَ وَ حِرْزِكَ وَ عِيَاذِكَ عَزَّ جَارُكَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ فَرِّغْ قَلْبِي لِمَحَبَّتِكَ وَ ذِكْرِكَ وَ انْعَشْهُ بِخَوْفِكَ أَيَّامَ حَيَاتِي كُلَّهَا وَ اجْعَلْ زَادِي مِنَ الدُّنْيَا تَقْوَاكَ وَ هَبْ لِي قُوَّةً أَحْتَمِلُ بِهَا جَمِيعَ طَاعَتِكَ وَ أَعْمَلُ بِهَا جَمِيعَ مَرْضَاتِكَ وَ اجْعَلْ فِرَارِي إِلَيْكَ وَ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ وَ أَلْبِسْ قَلْبِيَ الْوَحْشَةَ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ وَ الْأُنْسَ بِأَوْلِيَائِكَ وَ أَهْلِ طَاعَتِكَ وَ لَا تَجْعَلْ لِفَاجِرٍ وَ لَا لِكَافِرٍ عَلَيَّ مِنَّةً وَ لَا لَهُ عِنْدِي يَداً وَ لَا لِي إِلَيْهِ حَاجَةً إِلَهِي قَدْ تَرَى مَكَانِي وَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَ تَعْلَمُ سِرِّي وَ عَلَانِيَتِي وَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ شَيْ ءٌ مِنْ أَمْرِي يَا مَنْ لَا يَصِفُهُ نَعْتُ النَّاعِتِينَ وَ يَا مَنْ لَا يُجَاوِزُهُ رَجَاءُ الرَّاجِينَ يَا مَنْ لَا يَضِيعُ لَدَيْهِ أَجْرُ الْمُحْسِنِينَ يَا مَنْ قَرُبَتْ نُصْرَتُهُ مِنَ الْمَظْلُومِينَ يَا مَنْ بَعُدَ عَوْنُهُ عَنِ الظَّالِمِينَ قَدْ عَلِمْتَ مَا نَالَنِي مِنْ فُلَانٍ مِمَّا حَظَرْتَ وَ انْهَتَكَ (۱)

مِنِّي مَا حَجَرْتَ بَطَراً فِي نِعْمَتِكَ عِنْدَهُ وَ اغْتِرَاراً بِسَتْرِكَ عَلَيْهِ اللَّهُمَّ فَخُذْهُ عَنْ ظُلْمِي بِعِزَّتِكَ وَ افْلُلْ حَدَّهُ عَنِّي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ وَ اجْعَلْ لَهُ شُغُلًا فِيمَا يَلِيهِ وَ عَجْزاً عَمَّا يَنْوِيهِ اللَّهُمَّ لَا تُسَوِّغْهُ ظُلْمِي وَ أَحْسِنْ عَلَيْهِ عَوْنِي وَ اعْصِمْنِي مِنْ مِثْلِ فِعَالِهِ وَ لَا تَجْعَلْنِي بِمِثْلِ حَالِهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَجَرْتُ بِكَ وَ تَوَكَّلْتُ عليه [عَلَيْكَ] وَ فَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ وَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ وَ ضَعْفَ رُكْنِي إِلَى قُوَّتِكَ مُسْتَجِيراً بِكَ مِنْ ذِي (۲) التَّعَزُّزِ عَلَيَّ

۱- ۱. انتهک خ ل.

۲- ۲. ذوی التعزز خ ل.

وَ الْقُوَّهِ عَلَى ضَيْمِى فَإِنِّى فِى جِوَارِكَ فَلَا ضَيْمَ عَلَى جَارِكَ رَبِّ فَاقْهَرْ عَنِّى قَاهِرِى بِقُوَّتِكَ وَ أَوْهِنْ عَنِّى مُسْتَوْهِنِى بِعِزَّتِكَ وَ اقْبِضْ عَنِّى ضَائِمِى بِقِسْطِكَ وَ خُذْ لِى مِمَّنْ ظَلَمَنِى بِعَدْلِكَ رَبِّ فَأَعِذْنِى بِعِيَاذِكَ فَبِعِيَاذِكَ امْتَنَعَ عَائِذُكَ وَ أَدْخِلْنِى فِى جِوَارِكَ عَزَّ جَارُكَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ وَ أَسْبِلْ عَلَيَّ سِتْرَكَ مَنْ تَسْتُرُهُ فَهُوَ الْآمِنُ الْمُحْصَنُ الَّذِى لَا يُرَاعُ رَبِّ وَ اضْمُمْنِى فِى ذَلِكَ إِلَى كَنَفِكَ فَمَنْ تَكْنُفُهُ فَهُوَ الْآمِنُ الْمَحْفُوظُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ وَ لَا حِيلَهَ إِلَّا بِاللَّهِ الَّذِى لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَهً وَ لَا وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِى الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيراً مَنْ يَكُنْ ذَا حِيلَهٍ فِى نَفْسِهِ أَوْ حَوْلٍ يَتَقَلَّبُهُ [(۱)](#) أَوْ قُوَّهٍ فِى أَمْرِهِ بِشَيْ ءٍ سِوَى اللَّهِ فَإِنَّ حَوْلِى وَ قُوَّتِى وَ كُلَّ حِيلَتِى بِاللَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِى لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ وَ كُلُّ ذِى مِلْكٍ فَمَمْلُوكٌ لِلَّهِ وَ كُلُّ قَوِيٍّ ضَعِيفٌ عِنْدَ قُوَّهِ اللَّهِ وَ كُلُّ ذِى عِزٍّ فَغَالِبُهُ اللَّهُ وَ كُلُّ شَيْ ءٍ فِى قَبْضَهِ اللَّهِ ذَلَّ كُلُّ عَزِيزٍ لِبَطْشِ اللَّهِ صَغُرَ كُلُّ عَظِيمٍ عِنْدَ عَظَمَهِ اللَّهِ خَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ عِنْدَ سُلْطَانِ اللَّهِ وَ اسْتَظْهَرْتُ وَ اسْتَطَلْتُ عَلَى كُلِّ عَدُوٍّ لِى بِتَوَلِّى اللَّهِ دَرَأْتُ فِى نَحْرِ كُلِّ عَادٍ[(۲)](#) عَلَى اللَّهِ ضَرَبْتُ بِإِذْنِ اللَّهِ بَيْنِى وَ بَيْنَ كُلِّ مُتْرَفٍ ذِى سَوْرَهٍ وَ جَبَّارٍ ذِى نَخْوَهٍ وَ مُتَسَلِّطٍ ذِى قُدْرَهٍ وَ وَالٍ ذِى إِمْرَهٍ وَ مُسْتَعْدٍ ذِى أُبَّهَهٍ وَ عَنِيدٍ ذِى ضَغِينَهٍ وَ عَدُوٍّ ذِى غِيلَهٍ وَ مُدْرِئٍ [(۳)](#) ذِى حِيلَهٍ وَ حَاسِدٍ ذِى قُوَّهٍ وَ مَاكِرٍ ذِى مَكِيدَهٍ وَ كُلِّ مُعِينٍ أَعَانَ [(۴)](#) عَلَيَّ بِمَقَالَهٍ مُغْوِيَهٍ أَوْ سِعَايَهٍ مُشْلِيَهٍ[(۵)](#)

أَوْ حِيلَهٍ مُؤْذِيَهٍ أَوْ غَائِلَهٍ مُرْدِيَهٍ أَوْ كُلِّ طَاغٍ ذِى كِبْرِيَاءَ أَوْ مُعْجَبٍ ذِى خُيَلَاءَ عَلَى كُلِّ سَبَبٍ وَ بِكُلِّ مَذْهَبٍ

۱- ۱. فی تقلبه خ ل بتقلبه خ ل.

۲- ۲. عات خ ل.

۳- ۳. أی مدافع مخاتل.

۴- ۴. أو معان خ ل، کما فی المصدر.

۵- ۵. مسلبه خ کما فی المصدر و قد مر فی بعض الأدعیه عن مکارم الأخلاق« مثلبه».

فَأَخَذْتُ لِنَفْسِی وَ مَالِی حِجَاباً دُونَهُمْ بِمَا أَنْزَلْتَ مِنْ کِتَابِکَ وَ أَحْکَمْتَ مِنْ وَحْیِکَ الَّذِی لَا یُؤْتَی مِنْ سُورَهٍ بِمِثْلِهِ وَ هُوَ الْحَکَمُ الْعَدْلُ وَ الْکِتَابُ الَّذِی لا یَأْتِیهِ الْباطِلُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ لا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِیلٌ مِنْ حَکِیمٍ حَمِیدٍ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ حَمْدِی لَکَ وَ ثَنَائِی عَلَیْکَ فِی الْعَافِیَهِ وَ الْبَلَاءِ وَ الشِّدَّهِ وَ الرَّخَاءِ دَائِماً لَا یَنْقَضِی وَ لَا یَبِیدُ تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ اللَّهُمَّ بِکَ أَعُوذُ وَ بِکَ أَلُوذُ وَ بِکَ أَصُولُ وَ إِیَّاکَ أَعْبُدُ وَ إِیَّاکَ أَسْتَعِینُ وَ عَلَیْکَ أَتَوَکَّلُ وَ أَدْرَأُ بِکَ فِی نَحْرِ أَعْدَائِی وَ أَسْتَعِینُ بِکَ عَلَیْهِمْ وَ أَسْتَکْفِیکَهُمْ فَاکْفِنِیهِمْ بِمَا شِئْتَ وَ کَیْفَ شِئْتَ وَ مِمَّا شِئْتَ بِحَوْلِکَ وَ قُوَّتِکَ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ فَسَیَکْفِیکَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ قالَ سَنَشُدُّ عَضُدَکَ بِأَخِیکَ وَ نَجْعَلُ لَکُما سُلْطاناً فَلا یَصِلُونَ إِلَیْکُما بِآیاتِنا أَنْتُما وَ مَنِ اتَّبَعَکُمَا الْغالِبُونَ لا تَخافا إِنَّنِی مَعَکُما أَسْمَعُ وَ أَری قالَ اخْسَؤُا فِیها وَ لا تُکَلِّمُونِ أَخَذْتُ بِسَمْعِ مَنْ یُطَالِبُنِی بِالسُّوءِ بِسَمْعِ اللَّهِ وَ بَصَرِهِ وَ قُوَّتِهِ بِقُوَّهِ اللَّهِ وَ حَبْلِهِ الْمَتِینِ وَ سُلْطَانِهِ الْمُبِینِ فَلَیْسَ لَهُمْ عَلَیْهَا سُلْطَانٌ وَ لَا سَبِیلَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ أَیْدِیهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لا یُبْصِرُونَ اللَّهُمَّ یَدُکَ فَوْقَ کُلِّ ذِی قُدْرَهٍ(۱)

وَ قُوَّتُکَ أَعَزُّ مِنْ کُلِّ قُوَّهٍ وَ سُلْطَانُکَ أَجَلُّ مِنْ کُلِّ سُلْطَانٍ فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ کُنْ عِنْدَ ظَنِّی فِیمَا لَمْ أَجِدْ فِیهِ مَفْزَعاً غَیْرَکَ وَ لَا مَلْجَأَ سِوَاکَ فَإِنَّنِی أَعْلَمُ أَنَّ عَدْلَکَ أَوْسَعُ مِنْ جَوْرِ الْجَبَّارِینَ (۲)

وَ أَنَّ إِنْصَافَکَ مِنْ وَرَاءِ ظُلْمِ الظَّالِمِینَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَجْمَعِینَ وَ أَجِرْنِی مِنْهُمْ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ أُعِیذُ نَفْسِی وَ دِینِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ وُلْدِی وَ مَنْ تَلْحَقُهُ عِنَایَتِی وَ جَمِیعَ نِعَمِ اللَّهِ عِنْدِی بِبِسْمِ اللَّهِ الَّذِی خَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ وَ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی خَافَتْهُ الصُّدُورُ وَ وَجِلَتْ مِنْهُ النُّفُوسُ وَ بِالاسْمِ الَّذِی نَفَّسَ عَنْ دَاوُدَ کُرْبَتَهُ وَ بِسْمِ اللَّهِ (۳) الَّذِی قَالَ لِلنَّارِ

۱- ۱. فوق کل ید خ ل.

۲- ۲. الجائرین خ ل.

۳- ۳. و بالاسم الذی خ ل.

كُونِى بَرْداً وَ سَلاماً عَلى إِبْراهِيمَ وَ أَرادُوا بِهِ كَيْداً فَجَعَلْناهُمُ الْأَخْسَرِينَ وَ بِعَزِيمَهِ اللَّهِ الَّتِى لَا تُحْصَى وَ بِقُدْرَهِ اللَّهِ الْمُسْتَطِيلَهِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ مِنْ شَرِّ فُلَانٍ وَ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَهُ الرَّحْمَنُ وَ مِنْ شَرِّ مَكْرِهِمْ وَ كَيْدِهِمْ وَ حَوْلِهِمْ وَ قُوَّتِهِمْ وَ حِيَلِهِمْ [حِيلَتِهِمْ] إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ بِكَ أَسْتَعِينُ وَ بِكَ أَسْتَغِيثُ وَ عَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ وَ أَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ خَلِّصْنِى مِنْ كُلِّ مُصِيبَهٍ نَزَلَتْ فِى هَذَا الْيَوْمِ وَ فِى هَذِهِ اللَّيْلَهِ وَ فِى جَمِيعِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ وَ اجْعَلْ لِى سَهْماً فِى كُلِّ حَسَنَهٍ نَزَلَتْ فِى هَذَا الْيَوْمِ وَ فِى هَذِهِ اللَّيْلَهِ وَ فِى جَمِيعِ اللَّيَالِي وَ الْأَيَّامِ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ بِكَ أَسْتَفْتِحُ وَ بِكَ أَسْتَنْجِحُ وَ بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله إِلَيْكَ أَتَوَجَّهُ وَ بِكِتَابِكَ أَتَوَسَّلُ أَنْ تَلْطُفَ لِى بِلُطْفِكَ الْخَفِي إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ جَبْرَئِيلُ عَنْ يَمِينِى وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِى وَ إِسْرَافِيلُ أَمَامِى وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ خَلْفِى وَ بَيْنَ يَدَىَ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّى كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً(۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: حرزی از مولای ما موسی بن جعفر علیه السلام. شیخ علی بن عبد الصمد رحمه الله گفت: در کتاب های یاران ما به روایت از بزرگان رحمهم الله دیدم که: هنگامی که هارون الرشید تصمیم به قتل موسی بن جعفر علیهماالسلام گرفت، فضل بن ربیع را فراخواند و به او گفت: حاجتی از تو برایم پیش آمده و از تو می خواهم آن را برآورده کنی و صدهزار درهم به تو می دهم. گفت: پس در این هنگام فضل به سجده افتاد و پرسید: این درخواست است یا دستور؟ گفت: درخواست است. سپس گفت: دستور می دهم هم اکنون صدهزار درهم به خانه ات ببرند و از تو می خواهم به خانه موسی بن جعفر رفته و سر او را برایم بیاوری. فضل گفت: به آن خانه رفتم و موسی بن جعفر را آن جا دیدم که به نماز ایستاده بود. پس نشستم تا این که نمازش تمام شد و به من رو کرده و لبخند زد. و گفت: می دانم برای چه آمده ای. به من فرصت بده دو رکعت نماز بخوانم. پس به او فرصت دادم، برخاست و وضو گرفت و وضو را تمام کرد و دو رکعت خواند و نماز را با رکوع و سجده نیکو به پایان رساند و پس از نماز این دعا را خواند. پس در جایی که بود فرو رفت و ناپدید شد و من ندانستم آیا زمین او را بلعید یا آسمان پنهانش کرد. پس به سوی هارون بازگشتم و داستان را برایش بازگو کردم. گفت: پس هارون گریه شدیدی کرد، سپس گفت: همانا خداوند او را از من پناه داد.

و از ایشان روایت شده که هر کس در هر روز با نیت خالص و درونی راستین آن را بخواند، خداوند او را از هر بلا و آسیبی مصون می دارد و اگر اندوهی داشته باشد خداوند او را از آن اندوه رها می سازد و شر آن را کفایت می کند. و هر کس خواندن بلد نیست باید برای تبرک آن را همراه خود داشته باشد تا خداوند به او سود برساند و به وسیله آن سختی ها و وحشت ها را از او دور گرداند، به راستی که او صاحب آن است و بر این کار تواناست. دعا چنین است:

به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوند بزرگ است، خداوند بزرگ است، خداوند بزرگ و والاتر و باشکوه تر است از هر چه از آن می ترسم و بیمناکم، و به خدا پناه می برم –آن را سه بار بگوید- پناه خداوند قدرتمند است و ستایش او ارجمند است و معبودی جز او نیست،

یگانه است و شریکی ندارد. و درود خداوند بر محمد و خاندان او باد. پروردگارا، با دیده ات که به خواب نمی رود مرا حفظ کن و با پشتوانه ات که خمیده نمی شود مرا حمایت کن و با قدرت خود مرا ببخش که تو امید من هستی. بارالها، چه بسیار نعمتی که به من بخشیدی و سپاس گزاری من برایت اندک بوده و چه بسیار بلاهایی که مرا به آن آزمودی و شکیبایی ام در آن کم بوده است. پس ای آن که در نعمت هایش شکر کمی گزاردم و مرا محروم نساخت، و ای آن که در بلاهایش کم شکیبا بودم و خوارم نکرد، و ای کسی که مرا در حال گناه دید و رسوایم ننمود. ای صاحب نیکی هایی که هرگز به پایان نمی رسد، ای دارنده نعمت هایی که به شمارش درنمی آید، بر محمد و خاندانش درود فرست. پروردگارا، در مواجهه با او به وسیله تو از خود دفاع می کنم و از شر او به تو پناه می برم.

خداوند ا، با دنیا مرا در دینم یاری کن و با پرهیزکاری در آخرت کمکم کن و درپیشامدها مرا به خودم وامگذار. ای کسی که گناهان ضرری برایت ندارد و آمرزش از تو نمی کاهد، آن چه را برایت ضرری ندارد بر من ببخش و آن چه را از تو نمی کاهد به من عطا کن که تو بسیار بخشنده ای. از تو گشایشی نزدیک و راه نجاتی فراخ و روزی گسترده و شکیبایی زیبا و بهبودی از همه بلاها درخواست می کنم، به راستی

که تو بر هر کار توانایی.

پروردگـارا، از تو درخواست گـذشت و عـافیت و امنیت و سـلامت و شـکیبایی و پایـداری عـافیت و سـپاس گزاری در عافیت دارم و از تو می خواهم بر محمـد و خانـدان محمـد درود فرستی و مرا بـا عـافیت در دینم و خودم و خـانواده ام و مالم بپوشانی و نیز درباره برادران و خواهران مؤمنم و همه نعمت هـایی که به من بخشـیده ای، و ای پروردگار، همه آن ها را نزد تو به امانت می نهم و از تو درخواست می کنم مرا در پناه خودت و در نزدیکی خودت و نگهداری و پناه خودت قرار دهی. پناهت نیرومند و ستایشت ارجمند است و معبودی جز تو نیست.

بارخـدایا قلبم را برای محبت و یـاد خـودت فـارغ کن و در همه روزهـای زنـدگی ام بـا ترس از خـودت آن را زنـده کن و توشه ام را از دنیـا، پرهیزکـاری قرار ده و نیرویی بـه من ببخش که به همه دسـتوراتت گردن نهم و همه موجبـات خشـنودی تـو را فراهم آورم و فرارم را به سـوی خودت قرار ده و میلم را به آن چه نزد توست قرار ده، و وحشت از مخلوقـات پلیـدت را و انس بـا دوسـتان و فرمانبردارانت را به قلبم بپوشان و برای هیچ کافر و ستم گری بر من منتی قرار نده و تسلطی برای آن ها بر من نگذار و مرا نیازمند آن ها نگردان .

معبودا، همانا جایگاه مرا می بینی و سخنم را می شنوی و پنهان و آشکارم را می دانی و هیچ چیز از کارهای من بر تو پوشیده نیست. ای کسی که توصـیف وصف کنندگان او را به وصف نمی آورد و امید امیدواران از او نمی گذرد. ای کسـی که پاداش نیکوکاران نزد او نادیده گرفته نمی شود، ای کسی که پیروزی اش برای سـتم دیدگان نزدیک است. ای کسـی که یاری اش از ستم گران دور است. بلایی را که از فلانی به من رسـیده می دانی و پرده دری آن چه بازداشـته بودم از روی طغیان او در نعمت هایت و فریفته شـدن به پرده پوشـی ات، پروردگارا، او را با توانـایی ات از سـتم بر مـن بـازدار و شمشـیرش را بر مـن کنـد گردان، و او را از کـاری که می خواهـد مشـغول گردان و در آن چه نیت کرده ناتوانش کن. خداوندا اجازه ظلم بر من را به او مده و یاری ات را به من دربرابر او نیکو ساز و مرا از کارهای او نگاه دار و حالم را هم چون او قرار نده، ای مهربان ترین مهربانان.

بارالها، به تو پناهنـده شدم و به تو تکیه کردم و کارم را به تو واگذاردم و تو را تکیه گاه خویش قرار دادم و ناتوانی پشـتوانه ام به نیرومندی تو پنـاه آورده، به کسـی که بر من بزرگی و توانـایی دارد، پس من در پناه تو هسـتم و پناهنـده تو مورد ظلم قرار نمی گیرد. پروردگارا، با قـدرت خود بر کسـی که بر من غلبه یافته چیره شو و با عزت خود آن کس را که مرا خوار کرده خوار گردان، و با عدالتت آن کس را که بر من سـتم روا داشته بگیر و حق مرا از او بازستان.

پروردگـارم، مرا در پنـاه خودت پناه ده، و با پناه خود پناهنـده ات را حفظ کن و مرا در همسایگی خودت قرار ده، که همسایگی تو ارجمنـد و سـتایشت شـکوهمند است و معبـودی جز تو نیست و پرده ات را که هرکس به آن پوشـیده شود در امـان است، بر من بیفکن و مرا در حمـایت خـود گیر که هر کس را تو در پنـاه خود گیری حفـظ شـده و در امـان است. نیرو و جنبش و مکری مگر به فرمـان خـدا نیست، او که همسـر و فرزندی ندارد و در پادشاهی شریکی برایش نیست و کسی او را کمک و یاری نمی رساند و او را به بزرگی یاد کن.

چه کسی جز خدا می تواند درباره خویش چاره ای اندیشد یا نیرویی در کارهایش به کار گیرد؟ پس همانا نیرو و جنبش و چاره من همگی از جانب خـدای یگانه و بی نیاز و یکتاست که نه زاده و نه زاییده شده و هیچ کس همتای او نمی باشد. هر دارنده ای خود جزو دارایی خداسـت و هر توانایی در برابر نیروی او ناتوان است و هر نیرومنـدی در مقابل خداوند، شـکست‌پذیر است و همه چیز در اختیار خداست. هر قدرتمندی به هنگام جلوه خداوند خوار می گردد و هر بزرگی در برابر بزرگی او کوچک می شود و هر چیره ای در مقابل سـلطنت او فروتن گردد و من با یاری خداوند بر هر دشمنی پیروزی و سلطه یافتم و دشمنی هر ستمگری را به وسیله خداوند دفع نمودم.

به فرمـان خـدا میـان خود و هر سـتمکار دارای قـدرت و هر سـخت دل متکبری و هر توانمنـد دارای قـدرتی و فرمـانروای صاحب حکمی و هر قدرتمند بزرگ و دشمن کینه توز و حیله گری و هر صیاد حیله گر - . یعنی بازدارنده ی فریبنده.

مسلبه خ چنان که در اصل آمده، و در برخی دعاها از مکارم اخلاق آمده « مثلبه». - و هر حسود قدرتمند و فریب کار نیرنگ بازی و هر کس که با گفتار فریبنده و بدخواهی خشمگین کننده - - یا تزویر آزاردهنده و مصیبت سرکشی علیه من کاری کرده و یا هر گردن کش دارای جاه و هر خودبین متکبری، با هر مذهب و هر وسیله ای، پس برای خود و مالم حجابی از آن چه در کتابت نازل کردی و فرمانی را که با وحی فرو فرستادی دربرابر آن قرار دادم، که هیچ سوره ای مانند آن نیامده و آن فرمان عادلانه و کتابی است که باطلی در آن راه ندارد، نه از مقابل آن و نه از پشت سرش و از جانب حکیم ستوده ای فرو فرستاده شده است.

پروردگارا، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و سپاس و ستایش مرا برای خودت قرار ده همواره و پیوسته، در عافیت و بلا و سختی و آسایش، که پایان نیابد و از بین نرود. توکل می کنم به زنده پاینده ای که هرگز نمی میرد. بارالها، به تو پناه آورم و به تو متوسل می شوم و تنها تو را می پرستم و تنها از تو یاری جویم و به تو توکل می کنم و دشمنانم را دفع می کنم و در برابر آن ها از تو یاری می جویم و از تو کفایت می جویم، پس شر آن ها را از من بازدار با هرچه می خواهی و هر گونه که می خواهی و از هرچه می خواهی. به یاری و نیروی تو، که تو بر هر کار توانایی. پس خداوند آن ها را کفایت خواهد کرد و او شنوا و داناست.

گفت ما بازویت را به وسیله برادرت نیرومند ساختیم و برای شما دو نفر نیرویی قرار خواهیم داد، پس با نشانه های ما به شما نمی رسند. شما و هر که از شما پیروی نماید پیروز هستید، نترسید که من با شما هستم، می بینم و می شنوم. گفت: دور شوید و با من سخن نگویید. شنوایی بدخواهان مرا با شنوایی خداوند و بینایی و توانایی اش را به نیروی خداوند و ریسمان محکم او گرفتم، پس هیچ راهی و نیرویی بر او ندارند. و از مقابل آن ها و از پشتشان مانعی قرار دادیم و آنها را پوشانیدیم پس چیزی نمی بینند.

بارخدایا، دست تو بالای دست هر نیرومندی است و توانایی ات ارجمندتراز هر نیرویی است و سلطنت تو بالاتر از همه سلطنت هاست. پس بر محمد و خاندانش درود فرست و در آن چه پناه و دادرسی جز تو نمی یابم، همراه من باش. به راستی که من می دانم عدالت تو از ستم ستم گران گسترده تر است و انصاف تو فراتر از ظلم ظالمان است. بر محمد و همه خاندانش درود فرست و مرا پناه ده ای مهربان ترین مهربانان. خودم را و دینم و خانواده ام و مالم و فرزندانم و هر کس را که توجه من به او می رسد و همه نعمت های خدا را که در اختیار من است پناه می دهم به نام خداوند که گردن ها در برابرش فروتن شوند، به نام خداوند که دل ها از آن هراسان است و روح ها از آن بیمناک است و به نامی که با آن اندوه داود را برطرف ساخت، و به نام خداوند که به آتش گفت: برای ابراهیم سرد و سلامت باش، و برای او حیله ای کردند پس آن ها را زیان کارترین قرار دادیم. و به اراده خداوند که در شمار نیاید و به نیروی مسلط او بر همه آفریدگانش، از شر فلانی و از شر همه آن چه خداوند مهربان آفریده است و از شر حیله و فریب و جنبش و نیرو و حیله های آنان، به راستی که تو بر هر کار توانایی.

خداوند ا، از تو یاری می جویم و به تو پناه آورم و به تو توکل می کنم و تو پروردگار عرش بزرگ هستی. پروردگارا، بر محمد و خاندان او درود فرست و مرا از هر مصیبتی که در این روز و در این شب بر من فرود آمده آزاد گردان و در تمامی روزها و شب ها از آسمان تا زمین، به راستی که تو بر هر کار توانایی. و برای من سهمی از هر نیکی در امروز و امشب و در همه روزها و شب ها از آسمان تا زمین قرار ده، به راستی که تو بر هر کار توانایی،

بارخدایا، از تو گشایش و پیروزی می طلبم و به وسیله محمد صلی الله علیه و آله به سوی تو روی می آورم و به کتابت توسل می جویم تا با لطف پنهان خود بر من مهر بورزی، به راستی که تو بر هر کار توانایی. جبرئیل از جانب راست من و میکائیل از جانب چپم و اسرافیل از مقابلم می باشد، و هیچ نیرو و جنبشی مگر از خداوند بزرگ و بلندمرتبه نیست، از پشت سر و از مقابلم، معبودی جز تو نیست، منزهی و همانا من از ستمکاران بوده ام، و درود خداوند بر محمد و خاندان پاکش باد و سلام فراوان همراه با تسلیم بر او باد - . مهج الدعوات :۲۹- ۳۴ - .

**[ترجمه]

«۶»

مهج، [مهج الدعوات] حِرْزٌ آخَرُ فِی مَعْنَاهُ عَنْهُ علیه السلام قَالَ عَلِیُّ بْنُ عَبْدِ الصَّمَدِ أَخْبَرَنِی الشَّیْخُ جَدِّی قِرَاءَهً عَلَیْهِ وَ أَنَا أَسْمَعُ فِی شَوَّالٍ سَنَهَ تِسْعٍ وَ عِشْرِینَ وَ خَمْسِمِائَهٍ قَالَ الشَّیْخُ حَدَّثَنِی الشَّیْخُ وَالِدِی الْفَقِیهُ أَبُو الْحَسَنِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنِی السَّیِّدُ أَبُو الْبَرَکَاتِ رَحِمَهُ اللَّهُ فِی سَنَهِ أَرْبَعَ عَشْرَهَ وَ أَرْبَعِمِائَهٍ قَالَ حَدَّثَنِی الشَّیْخُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ مُوسَی بْنِ بَابَوَیْهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَی بْنِ الْمُتَوَکِّلِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِیهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ یَقْطِینٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَلِیِّ بْنِ یَقْطِینٍ قَالَ ابْنُ بَابَوَیْهِ وَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ یَحْیَی الْکَاتِبُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الطَّیِّبِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْوَرَّاقُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِیُّ بْنُ هَارُونَ بْنِ سُلَیْمَانَ النَّوْفَلِیُّ قَالَ حَدَّثَنِی أَبِی

ص: ۳۳۷

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۲۹- ۳۴.

عَنْ عَلِیِّ بْنِ یَقْطِینٍ أَنَّهُ قَالَ: أَنْمِیَ الْخَبَرُ إِلَی أَبِی الْحَسَنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام وَ عِنْدَهُ جَمَاعَهٌ مِنْ أَهْلِ بَیْتِهِ بِمَا عَزَمَ عَلَیْهِ مُوسَی بْنُ الْمَهْدِیِّ فِی أَمْرِهِ فَقَالَ لِأَهْلِ بَیْتِهِ مَا تَرَوْنَ قَالُوا نَرَی أَنْ تَتَبَاعَدَ مِنْهُ وَ أَنْ تُغَیِّبَ شَخْصَکَ عَنْهُ فَإِنَّهُ لَا یُؤْمَنُ مِنْ شَرِّهِ فَتَبَسَّمَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام ثُمَّ قَالَ:

زَعَمَتْ سَخِینَهُ أَنْ سَتَغْلِبُ رَبَّهَا**فَلَیُغْلَبَنَّ مُغَالِبُ الْغَلَّابِ

ثُمَّ رَفَعَ یَدَهُ إِلَی السَّمَاءِ وَ قَالَ:

إِلَهِی کَمْ مِنْ عَدُوٍّ شَحَذَ لِی ظُبَهَ مُدْیَتِهِ وَ أَرْهَفَ لِی شَبَا حَدِّهِ وَ دَافَ لِی قَوَاتِلَ سُمُومِهِ وَ لَمْ تَنَمْ عَنِّی عَیْنُ حِرَاسَتِهِ فَلَمَّا رَأَیْتَ ضَعْفِی عَنِ احْتِمَالِ الْفَوَادِحِ وَ عَجْزِی عَنْ مُلِمَّاتِ الْجَوَائِحِ صَرَفْتَ ذَلِکَ عَنِّی بِحَوْلِکَ وَ قُوَّتِکَ لَا بِحَوْلٍ مِنِّی وَ لَا بِقُوَّهٍ فَأَلْقَیْتَهُ فِی الْحَفِیرِ الَّذِی احْتَفَرَهُ لِی خَائِباً مِمَّا أَمَّلَهُ فِی الدُّنْیَا مُتَبَاعِداً مِمَّا رَجَاهُ فِی الْآخِرَهِ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی ذَلِکَ قَدْرَ اسْتِحْقَاقِکَ سَیِّدِی اللَّهُمَّ فَخُذْهُ بِعِزَّتِکَ وَ افْلُلْ حَدَّهُ عَنِّی بِقُدْرَتِکَ وَ اجْعَلْ لَهُ شُغُلًا فِیمَا یَلِیهِ وَ عَجْزاً عَمَّا یُنَاوِیهِ اللَّهُمَّ وَ أعذنی [أَعْدِنِی] عَلَیْهِ عَدْوَی (۱) حَاضِرَهً تَکُونُ مِنْ غَیْظِی شِفَاءً وَ مِنْ حَنَقِی عَلَیْهِ وَفَاءً(۲) وَ صِلِ اللَّهُمَّ دُعَائِی بِالْإِجَابَهِ وَ انْظِمْ شِکَایَتِی بِالتَّغْیِیرِ وَ عَرِّفْهُ عَمَّا قَلِیلٍ مَا أَوْعَدْتَ الظَّالِمِینَ وَ عَرِّفْنِی مَا وَعَدْتَ فِی إِجَابَهِ الْمُضْطَرِّینَ إِنَّکَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ وَ الْمَنِّ الْکَرِیمِ قَالَ ثُمَّ تَفَرَّقَ الْقَوْمُ فَمَا اجْتَمَعُوا إِلَّا لِقِرَاءَهِ الْکِتَابِ بِمَوْتِ مُوسَی بْنِ الْمَهْدِیِّ (۳).

۱- ۱. العدوی: استغاثتک و طلبک الی زعیم أو وال لیعدیک و یعینک علی من ظلمک فینتقم لک منه، یقال: أعداه علی فلان: ای نصره و أعانه و قواه.

۲- ۲. وقاء خ ل.

۳- ۳. مهج الدعوات ۳۴- ۳۵، و قد مر مثله ص ۳۱۷- ۳۲۷ مع دعاء طویل و فی أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۳۵ مثل ما فی المتن و تراه فی أمالی الصدوق ص ۲۲۶، عیون الأخبار ج ۱ ص ۷۶ و بعدها سته أبیات لبعض أهل البیت فی هذه القصه.

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ: كُنْتُ وَاقِفاً عَلَى رَأْسِ هَارُونَ الرَّشِيدِ إِذْ دَعَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ هُوَ يَتَلَظَّى عَلَيْهِ فَلَمَّا دَخَلَ حَرَّكَ شَفَتَيْهِ بِشَيْءٍ فَأَقْبَلَ هَارُونُ عَلَيْهِ وَ لَاطَفَهُ وَ بَرَّهُ وَ أَذِنَ لَهُ فِي الرُّجُوعِ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ جَعَلَنِيَ اللَّهُ فِدَاكَ إِنَّكَ دَخَلْتَ عَلَى هَارُونَ وَ هُوَ يَتَلَظَّى عَلَيْكَ فَلَمْ أَشُكَّ إِلَّا أَنَّهُ يَأْمُرُ بِقَتْلِكَ فَسَلَّمَكَ اللَّهُ مِنْهُ فَمَا الَّذِي كُنْتَ تُحَرِّكُ بِهِ شَفَتَيْكَ فَقَالَ عليه السلام إِنِّي دَعَوْتُ بِدُعَاءَيْنِ أَحَدُهُمَا خَاصٌّ وَ الْآخَرُ عَامٌّ فَصَرَفَ اللَّهُ شَرَّهُ عَنِّي فَقُلْتُ مَا هُمَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ أَمَّا الْخَاصُّ اللَّهُمَّ إِنَّكَ حَفِظْتَ الْغُلَامَيْنِ لِصَلَاحِ أَبَوَيْهِمَا فَاحْفَظْنِي لِصَلَاحِ آبَائِي وَ أَمَّا الْعَامُّ اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَكْفِي مِنْ كُلِّ أَحَدٍ وَ لَا يَكْفِي مِنْكَ أَحَدٌ فَاكْفِنِيهِ بِمَا شِئْتَ وَ كَيْفَ شِئْتَ وَ أَنَّى شِئْتَ فَكَفَانِيَ اللَّهُ شَرَّهُ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: حرز دیگری در معنای آن از ایشان آمده است: علی بن یقطین گفته است: خبر تصمیم موسی بن مهدی را به ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام رساندم و گروهی از خاندان او نزدش بودند. پس به اهل بیتش فرمود: نظرتان چیست؟ گفتند: به نظر ما از او دوری کن و خودت را از او پنهان کن، چرا که از شر او در امان نخواهی بود. پس ابوالحسن لبخندی زد و گفت:

سخینه

پنداشت بر آفریننده خود پیروز می شود

پس باید بر ستیزه جویی بسیار چیره دست پیروز گردد

سپس دست به آسمان گشود و گفت:

پروردگارا، چه بسیار دشمنانی که شمشیر دشمنی خود بر من کشیده و سرنیزه و شمشیرش را برای من تیز نموده و کناره های آن را صیقل داده و زهری کشنده برایم حل کرده و چشم دیده بانی اش از من به خواب نمی رود پس هنگامی که ناتوانی ام را در برابر تحمل بلاها دیدی با نیرو و جنبش خودت آن را از من دور گرداندی، نه با نیرو و جنبش من. پس او را در گودالی که برای من کنده بود انداختی، از آن چه آرزویش را در دنیا داشت ناامیدش نمودی و از آن چه در آخرت به آن امید بسته بود دورش ساختی. پس سپاسی شایسته تو مخصوص توست برای آن ای آقای من،

پروردگارا، او را با عزت خودت بگیر و با توانایی ات شمشیرش را بر من کند گردان و او را از آن چه می خواهد انجام دهد مشغول کن و در نیتش او را ناتوان گردان. پروردگارا، مرا با شکایت آماده ای پناه ده که خشمم را آرام گرداند و کینه ام را به وفاداری تبدیل کند؛ و دعایم را ای خدا به اجابت برسان، و شکایتم را با تغییر سامان بده و او را بزودی از آنچه که به ستمکاران وعده دادی آگاه کن و مرا به آن چه به پاسخ بیچارگان وعده دادی آگاه گردان، همانا تو دارای بخشش فراوان و منت بزرگوارانه هستی.

گفت: سپس مردم پراکنده شدند و پس از آن فقط برای خواندن نامه مرگ موسی بن مهدی گرد هم آمدند - . مهج الدعوات: ۳۴- ۳۵ - .

و با همین اسناد از علی بن یقطین گوید: من بالای سر هارون الرشید ایستاده بودم هنگامی که موسی بن جعفر را فراخوانده بود و به شدت از ایشان خشمگین بود. پس هنگامی که وارد شد لب هایش به گفتن چیزی جنبید، پس هارون به ایشان رو کرده و با امام مهربانی نموده و به ایشان نیکی کرد و به ایشان اجازه بازگشت داد. پس گفتم: فدایت شوم ای فرزند پیامبر خدا، در حالی بر هارون وارد شدی که از شما خشمگین بود و من شک نداشتم که دستور قتل شما را خواهد داد، اما خداوند شما را از او ایمن کرد، پس چیزی که زیر لب گفتی چه بود؟

امام علیه السلام فرمود: من دو دعا خواندم که یکی از آن ها خاص و دیگری عمومی بود، پس خداوند شر او را از من بازداشت. پس گفتم آن دو چه بودند؟ فرمود: اما دعای خاص این بود: پروردگارا، تو دو فرزند را برای نیکی پدر و مادرشان نگه داشتی، پس مرا نیز برای نیکی پدرانم حفظ کن. اما دعای عام چنین بود: خداوندا، تو از همه کس کفایت می کنی و کسی نیست که از تو کفایت کند، پس مرا با آن چه می خواهی و آن چنان که می خواهی و هرجا که می خواهی کفایت کن. پس خداوند شر او را از من کفایت کرد - . مهج الدعوات :۳۶ - .

**[ترجمه]

«۷»

مهج، [مهج الدعوات] وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ بِرِوَايَتِهِ قَالَ: إِنَّ الصَّادِقَ علیه السلام أَخْرَجَ آيَاتٍ مِنَ الْقُرْآنِ وَ جَعَلَهَا حِرْزاً لِابْنِهِ مُوسَى الْكَاظِمِ علیه السلام وَ كَانَ يَقْرَؤُهُ وَ يُعَوِّذُ نَفْسَهُ بِهِ وَ هُوَ هَذَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَبَداً حَقّاً حَقّاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيمَاناً وَ صِدْقاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعَبُّداً وَ رِقّاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَلَطُّفاً وَ رِفْقاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِسْمِ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ وَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ ما تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ مَا صَبْرِي إِلَّا بِاللَّهِ وَ أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ وَ نِعْمَ الْقَادِرُ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْمَوْلَى اللَّهُ وَ نِعْمَ النَّصِيرُ اللَّهُ وَ لَا يَأْتِي بِالْحَسَنَاتِ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا يَصْرِفُ السَّيِّئَاتِ إِلَّا اللَّهُ وَ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ وَ أَسْتَكْفِي اللَّهَ وَ أَسْتَعِينُ اللَّهَ وَ أَسْتَقِيلُ اللَّهَ وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَسْتَغِيثُ اللَّهَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَ آلِهِ وَ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ عَلَى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَ عَلَى الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمانَ وَ إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَ أْتُونِي مُسْلِمِينَ كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ لا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ

ص: ۳۳۹

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۶.

شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِما يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصِيراً إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكافِرِينَ كُلَّما أَوْقَدُوا ناراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَساداً يا نارُ كُونِي بَرْداً وَ سَلاماً عَلى إِبْراهِيمَ وَ زادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصْطَةً فَاذْكُرُوا آلاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصِيراً وَ قَرَّبْناهُ نَجِيًّا وَ رَفَعْناهُ مَكاناً عَلِيًّا سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدًّا وَ أَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي وَ لِتُصْنَعَ عَلى عَيْنِي إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلى مَنْ يَكْفُلُهُ فَرَجَعْناكَ إِلى أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُها وَ لا تَحْزَنَ وَ قَتَلْتَ نَفْساً فَنَجَّيْناكَ مِنَ الْغَمِّ وَ فَتَنَّاكَ فُتُوناً لا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ لا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلى لا تَخافُ دَرَكاً وَ لا تَخْشى لا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ لا تَخَفْ ... إِنَّا مُنَجُّوكَ وَ أَهْلَكَ لا تَخافا إِنَّنِي مَعَكُما أَسْمَعُ وَ أَرى وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْراً عَزِيزاً وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْ ءٍ قَدْراً فَوَقاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذلِكَ الْيَوْمِ وَ لَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَ سُرُوراً وَ يَنْقَلِبُ إِلى أَهْلِهِ مَسْرُوراً وَ رَفَعْنا لَكَ ذِكْرَكَ يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ رَبَّنا أَفْرِغْ عَلَيْنا صَبْراً وَ ثَبِّتْ أَقْدامَنا وَ انْصُرْنا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرِينَ الَّذِينَ قالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزادَهُمْ إِيماناً وَ قالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَ اتَّبَعُوا رِضْوانَ اللَّهِ أَ وَ مَنْ كانَ مَيْتاً فَأَحْيَيْناهُ وَ جَعَلْنا لَهُ نُوراً يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ أَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ ما فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ما أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَ نَجْعَلُ لَكُما سُلْطاناً فَلا يَصِلُونَ إِلَيْكُما بِآياتِنا أَنْتُما وَ مَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغالِبُونَ عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنا وَ بَيْنَ قَوْمِنا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفاتِحِينَ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ ما مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها

إِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیم فَسَتَذْکُرُونَ ما أَقُولُ لَکُمْ وَ أُفَوِّضُ أَمْرِی إِلَی اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِیرٌ بِالْعِبادِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیم رَب أَنِّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ الم ذلِکَ الْکِتابُ لا رَیْبَ فِیهِ هُدیً لِلْمُتَّقِینَ الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیم اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِی یَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ یَعْلَمُ ما بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ وَ لا یُحِیطُونَ بِشَیْ ءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِما شاءَ وَسِعَ کُرْسِیُّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ لا یَؤُدُهُ حِفْظُهُما وَ هُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَیِّ الْقَیُّوم وَ قَدْ خابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْماً فَتَعالَی اللَّهُ الْمَلِکُ الْحَقُّ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْکَرِیم فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّماواتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعالَمِینَ وَ لَهُ الْکِبْرِیاءُ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَیْنَکَ وَ بَیْنَ الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجاباً مَسْتُوراً وَ جَعَلْنا عَلی قُلُوبِهِمْ أَکِنَّهً أَنْ یَفْقَهُوهُ وَ فِی آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِذا ذَکَرْتَ رَبَّکَ فِی الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلی أَدْبارِهِمْ نُفُوراً أَ فَرَأَیْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلی عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلی سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلی بَصَرِهِ غِشاوَهً وَ جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ أَیْدِیهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لا یُبْصِرُونَ وَ ما تَوْفِیقِی إِلَّا بِاللَّهِ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ إِلَیْهِ أُنِیبُ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِینَ اتَّقَوْا وَ الَّذِینَ هُمْ مُحْسِنُونَ وَ قالَ الْمَلِکُ ائْتُونِی بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِی فَلَمَّا کَلَّمَهُ قالَ إِنَّکَ الْیَوْمَ لَدَیْنا مَکِینٌ أَمِینٌ وَ خَشَعَتِ الْأَصْواتُ لِلرَّحْمنِ فَلا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْساً فَسَیَکْفِیکَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلی جَبَلٍ لَرَأَیْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْیَهِ اللَّهِ وَ تِلْکَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عالِمُ الْغَیْبِ

وَ الشَّهادَةِ هُوَ الرَّحمنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا یُشْرِکُونَ هُوَ اللَّهُ الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنی یُسَبِّحُ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ رَبَّنا ظَلَمْنا أَنْفُسَنا وَ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنا وَ تَرْحَمْنا لَنَکُونَنَّ مِنَ الْخاسِرِینَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذابَها کانَ غَراماً إِنَّها ساءَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقاماً رَبَّنا ما خَلَقْتَ هذا باطِلًا سُبْحانَکَ فَقِنا عَذابَ النَّارِ وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَ لَمْ

یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ کَبِّرْهُ تَکْبِیراً وَ ما لَنا أَلَّا نَتَوَکَّلَ عَلَى اللَّهِ وَ قَدْ هَدانا سُبُلَنا وَ لَنَصْبِرَنَّ عَلى ما آذَیْتُمُونا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُتَوَکِّلُونَ إِنَّما أَمْرُهُ إِذا أَرادَ شَیْئاً أَنْ یَقُولَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ فَسُبْحانَ الَّذِی بِیَدِهِ مَلَکُوتُ کُلِّ شَیْ ءٍ وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَ بِی وَ بِأَهْلِی وَ أَوْلَادِی وَ أَهْلِ عِنَایَتِی شَرّاً أَوْ بَأْساً أَوْ ضَرّاً فَاقْمَعْ رَأْسَهُ وَ اعْقِلْ لِسَانَهُ وَ أَلْجِمْ فَاهُ وَ حُلْ بَیْنِی وَ بَیْنَهُ کَیْفَ شِئْتَ وَ أَنَّى شِئْتَ وَ اجْعَلْنَا مِنْهُ وَ مِنْ کُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا إِنَّ رَبِّی عَلى صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ فِی حِجَابِکَ الَّذِی لَا یُرَامُ وَ فِی سُلْطَانِکَ الَّذِی لَا یُسْتَضَامُ فَإِنَّ حِجَابَکَ مَنِیعٌ وَ جَارَکَ عَزِیزٌ وَ أَمْرَکَ غَالِبٌ وَ سُلْطَانَکَ قَاهِرٌ وَ أَنْتَ عَلَى کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّیْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا هَدَیْتَنَا بِهِ مِنَ الضَّلَالَهِ وَ اغْفِرْ لَنَا وَ لِآبَائِنَا وَ لِأُمَّهَاتِنَا وَ لِجَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْیَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ وَ تَابِعْ بَیْنَنَا وَ بَیْنَهُمْ بِالْخَیْرَاتِ إِنَّکَ مُجِیبُ الدَّعَوَاتِ وَ أَنْتَ عَلَى کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْدِعُکَ نَفْسِی وَ دِینِی وَ أَمَانَتِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ عِیَالِی وَ أَهْلَ حُزَانَتِی وَ خَوَاتِیمَ عَمَلِی وَ جَمِیعَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَیَّ مِنْ أَمْرِ دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی فَإِنَّهُ لَا یَضِیعُ مَحْفُوظُکَ وَ لَا تَرْزَأُ وَدَائِعُکَ وَ لَنْ یُجِیرَنِی مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَ لَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَداً اللَّهُمَ رَبَّنا آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَهً وَ فِی الْآخِرَهِ حَسَنَهً وَ قِنا عَذابَ النَّارِ وَ صَلَّى اللَّهُ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ (۱).

**[ترجمه]مهـج الـدعوات: امام صادق علیه السـلام آیه هایی از قرآن را انتخاب کرده و آن را حرزی برای فرزندش موسـی کاظم علیه السـلام قرار داد و پیوسته آن را می خواند و خود را به آن پناهنده می کرد، و آن ها این است:

به نام خداوند بخشنده مهربان، به تحقیق معبودی جز الله نیست، از روی ایمان و راستی معبودی جز خداوند نیست، پروردگاری جز الله نیست از روی بنـدگی و عبودیت، پروردگاری جز الله نیست در لطف و مهربانی، معبودی جز خداوند نیست. به نام خدا و سپاس از آن خداست و به او پنـاه برده ام و به او تکیه زده ام. هر چه خداونـد بخواهـد، نیرویی جز از سوی خـدا نیست و توفیق تنهـا از جـانب اوست و یـاری تنها از اوست، شکیبایی ام تنها برای اوست و کارم را به او واگـذار می کنم و چه نیکو توانایی است خداونـد و چه نیکو مولا و یاوری است و نیکی ها تنها از جانب خداونـد می آیـد و بـدی ها را تنها او برطرف می کنـد و هر نعمتی به ما می رسد از سوی خداوند است و کارها تنها به دسـتور خداوند است.

از او کفـایت می خواهم و از او یـاری می جویم و از او بخشـش می طلبم و آمرزش می خواهم و به او پنـاه می برم. و درود خداونـد بر محمد پیامبر خـدا و خانـدان ایشان و بر پیامبران و فرشـتگان خـدا و بندگان شایسـته ی او باد، این از جانب سـلیمان است و به نام خداوند بخشـنده ی مهربان است که بر من برتری نجویید و با تسلیم به سوی من آیید، خداوند چنین نوشته است که من وفرستادگانم پیروز می شویم، به راستی که خداوند توانا و شـکست ناپذیر است. حیله آنان آسـیبی به شما نمی رساند، همانا خداوند به آن چه انجام می دهید احاطه دارد. و از سوی خود برای ما یاوری مسـلط قرار ده در آن هنگام که گروهی از ایشان خواستند دست هایشان را به سوی شما دراز کنند، پس دست های آن ها را از شما بازداشت و از خدا پروا کنید و خداوند تو را از مردم حفظ می کند، به درستی که خداوند گروه کافران را هدایت نمی کند .

هرگاه آتشـی برای جنگ برافروختند خداوند آن را فرونشاند و در زمین فساد نمودند، گفتیم ای آتش، برای ابراهیم سـرد و سلامت باش، ودر آفرینش به شما وسعت و افزونی داد، پس نعمت های خداوند را به یاد آرید باشد که رستگار شوید.

او فرشـتگانی دسـته دسـته دارد که شب و روز فرود آینـد از مقابـل و از پشت سـر و به فرمـان خـدا او را حفظ می کننـد. بارالها، مرا از ورودی درسـتی وارد کن و از خروجی درست خـارج گردان و و برای من از سوی خودت نیروی یـاری کننـده ای قرار ده. و او را نزدیـک گردانـده و نجـات دادیم و به جایگـاه بلنـدی برتری دادیم، خداونـد مهربـان برای آن هـا دوسـتی و محبتی قرار خواهـد داد، و از جـانب خود محبتی بر تو افکندم تا در مقابل دیدگان من بزرگ شوی، هنگامی که خواهرت راه می رفت و می گفت: آیا کسی را به شما نشان دهم که سرپرستی او را به عهده بگیرد؟ پس تو را به مادرت بازگرداندیم تا دیدگانش روشن شود و غمگین نباشد، و تو کسی را به قتل رساندی، پس از اندوه نجاتت دادیم و به آزمون هـایی تو را آزمـایش کردیم. نترس که تو در امان هستی ، نترس که تو برتری، از پایان هیـچ چیز نمی ترسـی و هراسان نمی شوی، نترس که از گروه سـتمکاران نجات یافتی ، نترس که که خوت و خانواده ات را نجات خواهیم داد ، نترسید که من با شما دو نفر هستم، می بینم و می شنوم.

و خداونـد پیروزی با عزتی به تو می دهد، و هر کس به خداوند توکل کند خدا برایش کافی است، به راستی خداوند فرمانش را اجرا می کند و همانا خداوند برای هر چیز اندازه ای تعیین کرده است. پس خداوند آن ها را از شر آن روز نگه داشت و به آن ها شادمانی و خوشنودی عطا کرد و شادمان به سوی خانواده اش بازمی گردد. و نام تو را بلنـدمرتبه گردانـدیم، او را دوست می دارنـدماننـد دوستی خداونـد، و کسانی که ایمـان آورده انـد خـدا را بیشتر دوست دارنـد. پروردگارا، بر ما شـکیبایی فرو ریز و گام هایمان را اسـتوار گردان و ما را بر گروه کافران پیروز گردان.

کسـانی که مردم به آن هـا گفتنـد: به راستی مردم علیه شـما جمع شـده انـد پس از آن هـا بترسـید، پس این سـخن ایمانشـان را بیش تر کرد و

گفتنـد: خداونـد برای ما کافی است. پس با نعمت و بخششـی از جانب خداونـد باز گشـتند و هیچ بدی به آن ها نرسـید، و به دنبال خشـنودی خداونـد بودنـد . و کسـی که مرده بوده و او را زنده گردانیدیم و نوری به او بخشـیدیم که با آن در میان مردم راه برود. اوست آن کس که با پیروزی خود و مؤمنـان تو را یـاری کرد و دل هـای آنـان را به هم نزدیک گردانـد. اگر همه آن چه را در زمین است بخشـش می کردی نمی توانستی دل های آنان را مهربان گردانی اما خداوند دل هایشان را به یکدیگر نزدیک گرداند، به راستی او عزیز و دارای حکمت است.

بازوی تو را به وسـیله برادرت محکم می کنیم و برای شـما نیرویی قرار می دهیم، پس آن ها با نشانه های ما به شما نخواهند رسید و شما و هر که از شـما پیروی کنـد پیروز خواهیـد بود. به خـدا تکیه کردیم، پرودگارا میان ما و مردمان ما با حق گشایش کن که تو بهترین گشایندگانی. من به خداونـد توکل کردم، پروردگار من و شـما، هیـچ جنبنـده ای نیست مگر این که جانش به دست خداوند است، همانا پروردگارم در راه راست است. پس به یاد خواهیـد آورد آن چه را به شـما می گویم و من کارم را به خداوند واگذار می کنم که همانا او بر بندگانش بینا است. خداوند برای ما کافی است، معبودی جز او نیست، به او توکل نمودم و او پروردگار عرش بزرگ است.

همانا مصـیبتی به من رسـیده است و تو مهربان ترین مهربانانی، معبودی جز تو نیست، منزهی و من از ستم کاران بودم. الف لام میم، آن کتابی است که هیـچ شـکی در آن نیست و هـدایتی برای پرهیزکاران است، کسانی که به غیب ایمان دارنـد. خداوندی که معبودی جز او نیست و او پروردگـار عرش عظیـم اسـت ، خداونـدی کـه معبـودی جز او نیست و او زنـده و پاینـده است و چرت و خـواب او را درنمی یابنـد. آن چه در آسـمان ها و زمین است برای اوست، کیست که بدون اجازه او شـفاعت کند؟ هرچه را مقابل آن ها یا پشت سـرشان است می داند و آن ها به چیزی از دانش او احاطه ندارند مگر آن چه را که او بخواهد. پادشاهی اش آسـمان ها و زمین را در برگرفته و کسـی جز او آن ها را نگاه نمی دارد و او بزرگ و بلنـد مرتبه است. چهره ها برای زنـده ی پاینده فروتن شده است و هر که سـتمی روا دارد نومید گشـته است. پس بلند مرتبه است پادشـاه راستینی که معبودی جز او نیست و پروردگار عرش بزرگ است. پس سـپاس از آن پروردگار آسـمان هاست، پروردگار زمین و پروردگـار عالمیـان، و اوسـت دارای دانش و بزرگی. و هنگـامی که قرآن می خـوانی میـان تـو و کسـانی که به آخرت ایمـان ندارنـد پرده ی پوشـیده ای قرار دادیم و بر دل هایشان پرده هایی قرار دادیم که مانع فهمیـدن آن ها شود و گوش هایشان را نیز سـنگین کردیم. و هنگامی که پروردگارت را به تنهایی در قرآن یاد می کنی با نفرت روی می گردانند.

آیا دیدی آن کس را که میل خود را به عنوان معبود می پرستد و خداوند او را با آگاهی گمراه نموده و بر گوش و قلبش مهر زده و دیده اش را نابینا کرده، و در مقابلشان و پشت سـرشان مانعی قرار دادیم که آن ها را پوشانده پس آن ها نمی بینند. و توفیقی جز از سوی خداوند ندارم و به او توکل کرده و به درگاه او پناهنـده می شوم. همانا خداوند همراه کسانی است که تقوا دارند و نیکوکارند. و پادشاه گفت: او را نزد من بیاوریـد تا برای خود خالصـش گردانم. پس هنگامی که با او سـخن گفت، گفت: امروز تو نزد ما محترم و امین هستی. و صداها برای خداوند مهربان فروتن شده است، پس چیزی به جز نجوایی آهسته نمی شنوی. پس خداوند تو را از آن ها کفایت خواهد کرد و او شنوای بیناست.

اگر این قرآن را بر کوه نازل می کردیم، می دیدی که از فروتنی و ترس از خدا شکاف می خورد، و این ها مثل هایی است که برای مردم می زنیم باشـد که انـدیشه کنند. اوست خداوندی که معبودی جز او نیست و آگاه بر پیدا و پنهان است، اوست بخشـنده مهربان، اوست خدایی که معبودی جز او نیست و حاکم و مالک اصـلی اوست، از هر عیب پاک و منزه است، به کسی ستم نمی کند، امنیت بخش است، مراقب همه چیز و قدرتمندی شـکست ناپذیر است که با اراده نافذ خود همه چیز را اصـلاح می کند و شایسـته عظمت است. خداوند از آن چه برای او شریک قرار می دهند منزه است. او خالق و آفریننده ای بی سابقه است و صورت گری بی مانند که نام های نیک برای اوست، آن چه در آسـمان ها و زمین است تسبیح او را می گویند و دارای عزت و حکمت است.

پروردگارا، ما به خود ستم روا داشتیم و اگر تو ما را نبخشی و به ما رحم نکنی به یقین از زیان کاران خواهیم بود. بارخدایا، عذاب جهنم را از مـا دور گردان که همانـا عـذاب آن هلاـک کننـده است، به راستی که آن بـد جایگـاه و محـل قرار گرفتنی است. خداونـدا، این هـا را بیهوده نیافریـدی، تو پـاک و منزهی و مـا را از عـذاب آتش نگاه دار. و بگو سـپاس مخصوص خداونـدی است که که فرزنـدی نـدارد و در پادشاهی

شریکی برای او نیست و کسی او را یاری نمی کند و او را به بزرگی یاد کن. و چرا به خدا تکیه نکنیم در حالی که او ما را به راه هایمان هدایت کرده و ما بر آزارهای شما شکیبایی می کنیم و مؤمنان بایستی بر خدا تکیه کنند. فرمان او تنها این گونه است که وقتی چیزی را بخواهد به آن می گوید: باش، پس می شود. پس منزه است کسی که توانایی همه چیز به دست اوست و به سوی او باز می گردید.

خداوند ا، هر کس برای من و خانواده ام و فرزندانم و اهل عنایتم بدی یا آسیب و زیانی خواسته است، پس سرش را قطع کن و بدی او را از من بازدار و زبانش را ببند و دهانش را لگام بزن و بین من و او مانع شو به هر نحو که خواهی و به هر جایی که خواهی و ما را از شرّ او و از شر هر جنبنده ای که جانش به دست توست - و به راستی پروردگارم در راه راست است -. داخل در پرده‌ای بگردان که زایل نمی شود و پادشاهی خودت که ظلم کرده نمی شود، پس همانا حجاب تو بسیار منع کننده است و پناه آورنده به سوی تو عزیز است و فرمان تو غالب است و پادشاهی تو چیره است و تو بر هر چیزی بسیار توانائی.

خداوند ا برترین درودهایی را که بر بندگانت فرستاده ای بر محمد و خاندانش فرست، و بر محمد و خاندانش درود فرست هم چنان که به وسیله او ما را از گمراهی هدایت کردی. و ما و پدران و مادران و فرزندان ما را بیامرز و همه مردان و زنان مؤمن و مسلمان را، زندگان و مردگان را بیامرز و میان ما و آن ها نیکی های پی درپی قرار بده. همانا تو برآورده کننده دعاها و نازل کننده برکت ها و برطرف کننده بدی های هستی و تو بر هر کار توانایی.

خداوند ا، دینم و دنیایم را و خانواده و فرزندان و همسرم و امانت هایم را و همه آن چه را که در دنیا و آخرت به من نعمت داده ای را به تو می سپارم، به راستی کار تو ضایع نمی شود و امانت های تو نابود نمی گردد و کسی مرا از تو پناه نمی دهد و پناهی جز او نمی یابم. خدایا، بارالها، در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا کن و از عذاب آتش ما را نگه دار و بر محمد و همه خاندانش درود فرست - . مهج الدعوات :۳۶-۴۰ - .

**[ترجمه]

«۸»

حِرْزُ الْكَاظِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ أَعْطِنِي الْهُدَى وَ ثَبِّتْنِي عَلَيْهِ وَ احْشُرْنِي عَلَيْهِ آمِناً أَمْنَ مَنْ لَا خَوْفَ عَلَيْهِ وَ لَا حُزْنَ وَ لَا جَزَعَ إِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَهِ(۲).

**[ترجمه]حرز امام کاظم علیه السلام:

به نام خداوند بخشنده مهربان، خداوندا، به من هدایت عطا کن و مرا بر آن استوار بدار و مرا در پناه آن برانگیخته فرما با امنیتی که هیچ ترس و اندوه و نگرانی با آن نباشد. به راستی که تو شایسته آمرزش و پرهیزکاری هستی - . مهج الدعوات :۴۱ - .

**[ترجمه]

باب ۴۶ بعض أدعیه الرضا علیه السلام و أحرازه و عوذاته و ما یناسب ذلک

الأخبار

أقول

قد مضی فی طی باب أدعیه جده الصادق علیه السلام بعض أدعیته علیه السلام أیضا.

**[ترجمه]برخی از ادعیه حضرت، در لابلای دعاهای رسیده از جدشان حضرت صادق علیه السلام ذکر گردید.

**[ترجمه]

«۱»

مهج، [مهج الدعوات] حِرْزُ رُقْعَهِ الْجَیْبِ عَنِ الرِّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ عَلِیُّ بْنُ عَبْدِ الصَّمَدِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ وَالِدِهِ أَبِی الْحَسَنِ عَنِ السَّیِّدِ أَبِی الْبَرَکَاتِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ الْحَسَنِیِّ عَنِ الصَّدُوقِ مُحَمَّدِ بْنِ بَابَوَیْهِ عَنِ ابْنِ الْمُتَوَکِّلِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ یَاسِرٍ الْخَادِمِ قَالَ: لَمَّا نَزَلَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِیُّ بْنُ مُوسَی الرِّضَا علیه السلام قَصْرَ حُمَیْدِ بْنِ قَحْطَبَهَ نَزَعَ ثِیَابَهُ وَ نَاوَلَهَا حُمَیْداً فَاحْتَمَلَهَا وَ نَاوَلَهَا جَارِیَهً لَهُ لِتَغْسِلَهَا فَمَا لَبِثَتْ أَنْ جَاءَتْ وَ مَعَهَا رُقْعَهٌ فَنَاوَلَتْهَا حُمَیْداً وَ قَالَتْ وَجَدْتُهَا فِی جَیْبِ أَبِی الْحَسَنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنَّ الْجَارِیَهَ وَجَدَتْ رُقْعَهً فِی جَیْبِ قَمِیصِکَ فَمَا هِیَ قَالَ یَا حُمَیْدُ هَذِهِ عُوذَهٌ لَا نُفَارِقُهَا فَقُلْتُ لَوْ شَرَّفْتَنِی بِهَا فَقَالَ هَذِهِ عُوذَهٌ مَنْ أَمْسَکَهَا فِی جَیْبِهِ کَانَ الْبَلَاءُ مَدْفُوعاً عَنْهُ وَ کَانَتْ لَهُ حِرْزاً مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ ثُمَّ أَمْلَی عَلَی حُمَیْدٍ الْعُوذَهَ وَ هِیَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ بِسْمِ اللَّهِ إِنِّی أَعُوذُ بِالرَّحْمنِ مِنْکَ إِنْ کُنْتَ تَقِیًّا أَوْ غَیْرَ تَقِیٍّ أَخَذْتُ بِاللَّهِ السَّمِیعِ الْبَصِیرِ عَلَی سَمْعِکَ وَ بَصَرِکَ لَا سُلْطَانَ لَکَ عَلَیَّ وَ لَا

ص: ۳۴۳

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۶- ۴۰.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۴۱.

عَلَی سَمْعِی وَ لَا عَلَی بَصَرِی وَ لَا عَلَی شَعْرِی وَ لَا عَلَی بَشَرِی وَ لَا عَلَی لَحْمِی وَ لَا عَلَی دَمِی وَ لَا عَلَی مُخِّی وَ لَا عَلَی عَصَبِی وَ لَا عَلَی عِظَامِی وَ لَا عَلَی مَالِی وَ لَا عَلَی مَا رَزَقَنِی رَبِّی سَتَرْتُ بَیْنِی وَ بَیْنَکَ بِسِتْرِ النُّبُوَّهِ الَّذِی اسْتَتَرَ أَنْبِیَاءُ اللَّهِ بِهِ مِنْ سَطَوَاتِ الْجَبَابِرَهِ وَ الْفَرَاعِنَهِ جَبْرَئِیلُ عَنْ یَمِینِی وَ مِیکَائِیلُ عَنْ یَسَارِی وَ إِسْرَافِیلُ عَنْ وَرَائِی وَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله أَمَامِی وَ اللَّهُ مُطَّلِعٌ عَلَیَّ یَمْنَعُکَ مِنِّی وَ یَمْنَعُ الشَّیْطَانَ مِنِّی اللَّهُمَّ لَا یَغْلِبُ جَهْلُهُ أَنَاتَکَ أَنْ یَسْتَفِزَّنِی وَ یَسْتَخِفَّنِی اللَّهُمَّ إِلَیْکَ الْتَجَأْتُ (۱)

اللَّهُمَّ إِلَیْکَ الْتَجَأْتُ اللَّهُمَّ إِلَیْکَ الْتَجَأْتُ.

قُلْتُ وَ لِهَذَا الْحِرْزِ قِصَّهٌ مُونِقَهٌ وَ حِکَایَهٌ عَجِیبَهٌ کَمَا رَوَاهُ أَبُو الصَّلْتِ الْهَرَوِیُّ قَالَ: کَانَ ذَاتَ یَوْمٍ جَالِساً فِی مَنْزِلِهِ إِذْ دَخَلَ عَلَیْهِ رَسُولُ هَارُونَ الرَّشِیدِ فَقَالَ أَجِبْ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ فَقَامَ عَلِیُّ بْنُ مُوسَی الرِّضَا علیه السلام فَقَالَ لِی یَا أَبَا الصَّلْتِ إِنَّهُ لَا یَدْعُونِی فِی هَذَا الْوَقْتِ إِلَّا لِدَاهِیَهٍ وَ اللَّهِ لَا یُمْکِنُهُ أَنْ یَعْمَلَ بِی شَیْئاً أَکْرَهُهُ لِکَلِمَاتٍ وَقَعَتْ إِلَیَّ مِنْ جَدِّی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله.

قَالَ فَخَرَجْتُ مَعَهُ حَتَّی دَخَلْنَا عَلَی هَارُونَ الرَّشِیدِ فَلَمَّا نَظَرَ بِهِ (۲) الرِّضَا عَلَیْهِ السَّلَامُ قَرَأَ هَذَا الْحِرْزَ إِلَی آخِرِهِ فَلَمَّا وَقَفَ بَیْنَ یَدَیْهِ نَظَرَ إِلَیْهِ هَارُونُ الرَّشِیدُ وَ قَالَ یَا أَبَا الْحَسَنِ قَدْ أَمَرْنَا لَکَ بِمِائَهِ أَلْفِ دِرْهَمٍ وَ اکْتُبْ حَوَائِجَ أَهْلِکَ فَلَمَّا وَلَّی عَنْهُ عَلِیُّ بْنُ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیهم السلام وَ هَارُونُ یَنْظُرُ إِلَیْهِ فِی قَفَاهُ وَ یَقُولُ أَرَدْتُ وَ أَرَادَ اللَّهُ وَ مَا أَرَادَ اللَّهُ خَیْرٌ(۳).

**[ترجمه]مهج الدعوات: حرز رقعه الجیب از امام رضا علیه السلام: از یاسر خادم روایت است زمانی که امام رضا علیه السّلام وارد قصر حمید بن قحطبه شد، لباس خودشان را درآورده و به حمید دادند و حمید آن را برای شستن به کنیز خود داد. طولی نکشید که کنیز با رقعه‌ای در دست بازگشت. کنیز رقعه را به حمید داد و اظهار کرد این رقعه در جیب لباس حضرت بوده است. حمید می گوید: به آن حضرت عرض کردم: فدایت شوم! کنیز این رقعه را آورده و می گوید در جیب پیراهن شما یافته است. حضرت فرمود: این رقعه، حرزی است که ما از خود جدا نمی کنیم. عرض کردم: ای کاش مرا به تعلیم آن مفتخر می‌فرمودید! حضرت فرمود: این حرزی است که هر کس آن را به همراه داشته باشد، بلاها از او دفع می‌شود و این حرز پناهی است برای او از شرّ شیطان رانده شده. سپس حضرت آن دعا و حرز را اینگونه به حمید املاء فرمود :

بسم الله الرحمن الرحیم، بنام خدا پناه می‌برم به خداوند رحمان از تو، چه خداترس باشی و چه نباشی، چشم و گوش تو را به یاری خداوند شنوا و بینا بستم، و تو هیچ قدرت و غلبه‌ای بر من نخواهی داشت، نه بر من و نه بر گوشم، و نه بر چشمم، و نه بر مویم و نه بر پوستم و نه بر گوشتم و نه بر خونم، و نه بر مغزم، و نه بر عصبم، و نه بر استخوانم، و نه بر مالم، و نه بر آنچه پروردگارم روزیم فرموده. من میان خود و تو را با ستر انبیای الهی پرده کشیدم، همان ستری که پیامبران الهی خود را به آن از شر فرعونهای زمان حفظ کردند، جبرائیل از جانب راستم مانع من از توست و میکائیل از جانب چپ و اسرافیل از پشت سر و محمّد صلی اللّه علیه و آله از پیش رویم، و خداوند بر من آگاه است و ترا و شیطان را از من مانع می شود. پروردگارا! ناآگاهی او بر صبر و شکیب تو غالب نگردد و موجب نشود که مرا از جای برکند و به وحشت اندازد و کوچک و حقیرم شمارد. خداوندا! به تو پناهنده می‌شوم، خداوندا! به تو پناهنده می‌شوم، خداوند ا! به تو پناهنده می‌شوم.

گفتم: این حرز حکایت شیرین و عجیبی دارد. اباصلت هروی اینگونه روایت می کند که روزی در منزل حضرت نشسته بودم که فرستاده هارون الرشید بر ایشان وارد شد و عرض کرد: دعوت امیرالمومنین را اجابت کن. حضرت برخاست و به من فرمود: هارون این ساعت مرا جز برای شرّ دعوت نمی‌کند، اما به خدا قسم، به خاطر کلماتی که از جدم رسول خدا صلی الله علیه وآله به من رسیده، نخواهد توانست بلایی بر سر من بیاورد. اباصلت می‌گوید: با حضرت حرکت کردم تا به نزد هارون داخل شدیم. وقتی نگاه حضرت بر هارون افتاد این حرز را تا انتها خواند. وقتی حضرت مقابل وی ایستاد، هارون نگاهی بر ایشان انداخت و عرض کرد: ای ابالحسن، دستور دادیم صدهزار درهم به تو بدهند، شما نیز نیازهای اهل و عیالت را بنویس. وقتی حضرت از نزد او برگشت، هارون از پشت سر نگاهی به حضرت انداخت و گفت: چیزی را من اراده

نمودم و چیزی را خداوند اراده فرمود و اراده خدا بهتر است - . مهج الدعوات: ۴۱-۴۲[۱] - .

**[ترجمه]

«۲»

مهج، [مهج الدعوات] رُقْعَهُ الْجَیْبِ بِرِوَایَهٍ أُخْرَی حَدَّثَنِی السَّیِّدُ أَبُو الْبَرَکَاتِ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِیلَ الْحُسَیْنِیُّ عَنْ عَبْدِ الْجَبَّارِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُقْرِی عَنْ شَیْخِ الطَّائِفَهِ أَبِی جَعْفَرٍ الطُّوسِیِّ وَ أَخْبَرَنِی الْحَسَنُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجُوَیْنِیُّ وَ أَخْبَرَنِی الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ طَحَّالٍ الْمِقْدَادِیُّ عَنْ أَبِی عَلِیِّ بْنِ شَیْخِ الطَّائِفَهِ عَنْ أَبِیهِ وَ أَخْبَرَنِی جَدِّی عَنْ وَالِدِهِ أَبِی الْحَسَنِ عَنْ شَیْخِ الطَّائِفَهِ عَنْ عِدَّهٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنِ ابْنِ عُقْدَهَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَسَنِ

ص: ۳۴۴

۱- ۱. لجأت خ ل، فی المواضع.

۲- ۲. بصر به ظ.

۳- ۳. مهج الدعوات ص ۴۱- ۴۲.

بْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُورَمَةَ عَنِ الْبَزَنْطِيِّ عَنِ الرِّضَا علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: رُقْعَةُ الْجَيْبِ عُوذَةٌ لِكُلِّ شَيْ ءٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ اخْسَؤُا فِيهَا وَ لا تُكَلِّمُونِ إِنِّی أَعُوذُ بِالرَّحْمنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا أَخَذْتُ بِسَمْعِ اللَّهِ وَ بَصَرِهِ عَلَى أَسْمَاعِكُمْ وَ أَبْصَارِكُمْ وَ بِقُوَّةِ اللَّهِ عَلَى قُوَّتِكُمْ لَا سُلْطَانَ لَكَ عَلَى فُلَانِ بْنِ فُلَانَةَ وَ لَا عَلَى ذُرِّيَّتِهِ وَ لَا عَلَى أَهْلِهِ وَ لَا عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ سَتَرْتُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَكُمْ بِسِتْرِ النُّبُوَّةِ الَّذِی اسْتَتَرُوا بِهِ مِنْ سَطَوَاتِ الْجَبَابِرَةِ وَ الْفَرَاعِنَةِ جَبْرَئِيلُ عَنْ أَيْمَانِكُمْ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِكُمْ وَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله أَمَامَكُمْ وَ اللَّهُ يُظِلُّ (١) [مُطِلٌّ] عَلَيْكُمْ بِمَنْعِهِ نَبِيَّ اللَّهِ وَ بِمَنْعِ ذُرِّيَّتِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ مِنْكُمْ وَ مِنَ الشَّيَاطِينِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يَبْلُغُ جَهْلُهُ أَنَاتَكَ وَ لَا تَبْتَلِهِ (٢) وَ لَا يَبْلُغُ مَجْهُودَ نَفْسِهِ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ أَنْتَ نِعْمَ الْمَوْلى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ حَرَسَكَ اللَّهُ يَا فُلَانَ بْنَ فُلَانَةَ وَ ذُرِّيَّتَكَ مِمَّا يُخَافُ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ يُكْتَبُ آيَةُ الْكُرْسِيِّ عَلَى التَّنْزِيلِ وَ يُكْتَبُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ وَ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ وَ أَسْلَمَ فِی رَأْسِ الشَّهْبَاءِ فِيهَا طالسلسبيلا وَ يُكْتَبُ (٣)

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ (۴).

حِرْزٌ آخَرُ لِلرِّضَا علیه السلام بِغَيْرِ تِلْكَ الرِّوَايَةِ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ يَا مَنْ لَا شَبِيهَ لَهُ وَ لَا مِثَالَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ لَا خَالِقَ إِلَّا أَنْتَ تُفْنِی الْمَخْلُوقِينَ وَ تَبْقَى أَنْتَ حَلُمْتَ عَمَّنْ عَصَاكَ وَ فِی الْمَغْفِرَةِ رِضَاكَ (۵).

**[ترجمه]مهج الدعوات: بزنطی از امام رضا علیه السلام روایت می کند که حضرت فرمود: رقعه جیبی نگاهدارنده از هر چیزی است و آن این است:

بسم الله الرحمن الرحيم، به نام خدا دور شوید و در جهنم باشید و با من سخن نگوئید. همانا پناه می برم به خدای بخشنده از تو اگر پرهیزگار باشی. به سبب شنیدن و دیدن خدا گوشها و چشمهای شما را بستم و به توانائی خدا بر قوّت شما غالب شدم، هیچ قدرتی برای شما بر فلانی پسر فلان زن و بر اولاد و عیال و اهل خانه او نیست. میان او و شما مانع قرار دادم به ستر انبیاء که پوشانیدند خود را به آن از حمله گردنکشان متکبر و ظالمان زورگو. جبرئیل در سمت راست شماست و میکائیل در سمت چپ و حضرت محمّد صلی الله علیه وآله پیش روی شماست و خداوند بر شما مشرف است، همانگونه که پیغمبر و اولاد او را از شر شما و شیاطین حفظ فرمود. آنچه خداوند آن را اراده فرموده، شدنی است و هیچ حرکت و توانائی جز به دست خداوند بلند مرتبه و بزرگ نیست. خداوندا! نادانی او به حلم تو نمی رسد و بر آن کارساز نیست و او را به هدفش نمی‌رساند، بر تو اعتماد نموده ام و تو مولا و یاری‌رسان نیکویی هستی. ای فلانی پسر فلان زن! خداوند، ترا و اولاد ترا از هر مخلوقی که از آن می‌ترسی، محافظت فرماید و رحمت خداوند بر محمّد و آل او.

سپس در ادامه حرز، آیت الکرسی آنگونه که نازل شده، نوشته می‌شود و پس از آن این جملات نوشته می‌شود: هیچ قدرت و حرکتی جز به دست خداوند بلندمرتبه و بزرگ نیست، راه گریزی از خداوند جز به سوی او وجود ندارد، خداوند برایم کافی است و او وکیل نیکویی است «أسلم فی رأس الشهباء فیها طالسلسبیلا» و در پایان جمله و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین نوشته می‌شود - . مهج الدعوات: ۴۲-۴۳[۱] - .

حرز دیگری از امام رضا علیه السلام با روایت دیگر: بسم الله الرحمن الرحيم، ای کسی که شبیه و مانندی ندارد، تو خدایی و خداوندی جز تو وجود ندارد و آفریننده ای جز تو نیست. همه آفریده هایت را فانی می سازی و خود باقی می‌مانی، در مقابل کسی که بر تو نافرمانی کرده شکیبایی می‌ورزی و رضایتت در بخشش است - . مهج الدعوات: ۴۴[۲] - .

حرز دیگری هم از امام رضا علیه السلام هست که با این متفاوت است : بنام خداوند بخشنده مهربان ای کسی که نه مشابهی دارد و نه مانندی تو خدایی هستی که هیچ معبود و هیچ خالقی جز تو نیست ، خلق شدگان جملگی نابود می شوند و فقط تو باقی می مانی ، بردباری کردی در برابر کسی که نافرمانی ات کرد و رضایتت در بخشش است . - - مهج الدعوات : ۴۴ -

**[ترجمه]

«۳»

۹- مهـج، [مهج الدعوات] عُوذَةٌ وَجَدْتُ فِی ثِیَابِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: لَمَّا مَاتَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عَلِیُّ بْنُ مُوسَی صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وُجِدَ عَلَیْهِ تَعْوِیذٌ مُعَلَّقٌ وَ فِی آخِرِهِ عُوذَةٌ ذُکِرَ أَنَّ آبَاءَهُ

ص: ۳۴۵

۱- ۱. مطل خ.

۲- ۲. و لا سبیله خ.

۳- ۳. کذا فی النسخ.

۴- ۴. مهج الدعوات ص ۴۲- ۴۳.

۵- ۵. مهج الدعوات ص ۴۴.

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كَانُوا يَقُولُونَ إِنَّ جَدَّهُمْ عَلِيّاً صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَانَ يَتَعَوَّذُ بِهَا مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ كَانَتْ مُعَلَّقَةً فِي قِرَابِ سَيْفِهِ وَ فِي آخِرِهَا أَسْمَاءُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنَّهُ عليه السلام شَرَطَ عَلَى وُلْدِهِ وَ أَهْلِهِ أَنْ لَا يَدْعُوا بِهَا عَلَى أَحَدٍ فَإِنَّ مَنْ دَعَا بِهِ لَمْ يُحْجَبْ دُعَاؤُهُ عَنِ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ وَ هُوَ اللَّهُمَّ بِكَ أَسْتَفْتِحُ وَ بِكَ أَسْتَنْجِحُ وَ بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله أَتَوَجَّهُ اللَّهُمَّ سَهِّلْ لِي حُزُونَتَهُ وَ كُلَّ حُزُونَةٍ وَ ذَلِّلْ لِي صُعُوبَتَهُ وَ كُلَّ صُعُوبَةٍ وَ اكْفِنِي مَئُونَتَهُ وَ كُلَّ مَئُونَةٍ وَ ارْزُقْنِي مَعْرُوفَهُ وَ وُدَّهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي ضَرَّهُ وَ مَعَرَّتَهُ إِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ أَلا إِنَّ أَوْلِياءَ اللَّهِ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ طه حم لَا يُبْصِرُونَ جَعَلْنا فِي أَعْناقِهِمْ أَغْلالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ وَ جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لا يُبْصِرُونَ أُولئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلى قُلُوبِهِمْ وَ سَمْعِهِمْ وَ أَبْصارِهِمْ وَ أُولئِكَ هُمُ الْغافِلُونَ لا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ ما يُسِرُّونَ وَ ما يُعْلِنُونَ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَ تَراهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَ هُمْ لا يُبْصِرُونَ صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لا يَعْقِلُونَ (۱) طسم تِلْكَ آياتُ الْكِتابِ الْمُبِينِ لَعَلَّكَ باخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّماءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْناقُهُمْ لَها خاضِعِينَ الْأَسْمَاءُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْعَيْنِ الَّتِي لَا تَنَامُ وَ بِالْعِزِّ الَّذِي لَا يُرَامُ وَ بِالْمُلْكِ الَّذِي لَا يُضَامُ وَ بِالنُّورِ الَّذِي لَا يُطْفَى وَ بِالْوَجْهِ الَّذِي لَا يَبْلَى وَ بِالْحَيَاهِ

الَّتِي لَا تَمُوتُ وَ بِالصَّمَدِيَّهِ الَّتِي لَا تَقْهَرُ وَ بِالدَّيْمُومِيَّهِ الَّتِي لَا تَفْنَى وَ بِالاسْم الَّذِي لَا يُرَدُّ وَ بِالرُّبُوبِيَّهِ الَّتِي لَا تُسْتَذَلُّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا وَ تَذْكُرُ حَاجَتَكَ تُقْضَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى (۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات: حرزی است که در میان لباس امام رضا علیه السلام یافت شد : وقتی حضرت رحلت نمودند، تعویذی یافته شد که بر آن حضرت بسته بود و در آخر آن تعویذی بود که گفته شده که پدران حضرت می فرمودند که جد ایشان حضرت علی علیه السلام به برکت این دعا از شر دشمنان پناه می جستند و دائما این تعویذ را در بند شمشیر خود آویخته بودند و در آخر این دعا نامهای خدا عزّ و جلّ است و آن حضرت بر اولاد و اهل خود شرط نمودند آنکه این دعا را بر هلاکت و ضرر مؤمنی نخوانند، پس همانا هر کس این دعا را بخواند دعای او نزد خدا عزّ و جلّ برنمی گردد. و دعا این است:

خداوند ا به وسیله تو طلب فتح و نصرت می نمایم و از تو پیروزی و رستگاری می جویم و به وسیله حضرت محمّد صلی الله علیه وآله به تو روی می کنم. خداوندا، دشواری و ناهمواری دشمن و هر امر دشواری را بر من آسان گردان و سختی و سرکشی او و هر امر سخت و دشوار را رام و نرم فرما و مرا از سلطه او و هر سلطه و تحمیل دیگری کفایت کن و احسان و دوستی او را بر من روزی گردان و زیان و ضرر و بدی و ایذاء او را از من برگردان، بدرستی که تو آنچه را که خواهی برطرف می کنی

و آنچه را که خواهی ثابت می داری و اصل کتاب در نزد توست. آگاه باشید که ترسی بر دوستان خدا نیست و اندوهی بر ایشان نمی رسد، بدرستی که ما فرستادگان پروردگار توایم، دشمنان به تو دست نمی یابند. طه حم ، آنها تو را نمی بینند. ما در گردنهای آنان، تا چانه هایشان غلهایی نهاده ایم، به طوری که سرهایشان را بالا نگاه داشته و دیده فرو هشته اند. و ما از پیش روی ایشان حاجب و مانعی و از پشت سرشان مانع دیگری نهادیم و چشمانشان را پوشانیدیم، پس ایشان نمی بینند. کافران آن جماعتی هستند که خداوند بر دلها و گوشها و چشمهای ایشان مهر نهاده است و ایشان از عذاب خدا غافلانند. حق است کلام خدا که او به همه مکرهای پنهانشان و دشمنی آشکارشان آگاه است، پس خداوند بزودی تو را از شر ایشان کفایت می‌کند و او شنوای بسیار دانا است. و ایشان را می بینی که بسوی تو نگاه می کنند اما تو را نمی بینند، آنها در حقیقت کر و گنگ و کورند و اهل تعقل و اندیشه نیستند. طسم اینها آیات کتاب روشن است. مگر میخواهی خود را به سبب عدم ایمان ایشان هلاک سازی، اگر بخواهیم آیه و نشانه‌ای از آسمان بر ایشان فرو می فرستیم تا گردنهای ایشان در مقابل آن خاضع و خم گردد.

نامها: خداوندا، من از تو به حق آن چشمی می خواهم که به خواب نمی رود و به آن عزّت و غلبه ای که زائل نمی شود و به حق آن پادشاهی که مورد ستم قرار نمی گیرد و به حق آن روشنایی که خاموشی ندارد و به آن ذات دائمی که کهنگی در آن راه ندارد و به حق آن زندگی ای که نمی میرد و به آن بی نیازی ای که مغلوب نمی گردد و به آن ذات همیشگی که فناپذیر نیست و به حرمت آن نامی که برگردانیده نمی

شود و به حق ربوبیتی که ذلیل نمی شود. از تو می خواهم که بر محمّد و بر آل محمّد درود فرستی و این امور را در حق من انجام دهی. پس حاجت خود را ذکر می کنی که ان شاء الله تعالی برآورده می شود. - . مهج الدعوات: ۳۰۷- ۳۰۸[۱] -

**[ترجمه]

«۴»

مهج، [مهج الدعوات] وَ مِنْ ذَلِکَ دُعَاءُ الرِّضَا علیه السلام وَجَدْنَاهُ فِی أَصْلِ یُونُسَ بْنِ بُکَیْرٍ قَالَ: وَ سَأَلْتُ سَیِّدِی أَنْ یُعَلِّمَنِی دُعَاءً أَدْعُو بِهِ عِنْدَ الشَّدَائِدِ فَقَالَ لِی یَا یُونُسُ تَحَفَّظْ مَا

۱- ۱. لا یرجعون خ ل، لا یبصرون خ ل.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۳۰۷- ۳۰۸.

أَكْتُبُهُ لَكَ وَ ادْعُ بِهِ فِی کُلِّ شَدِیدَهٍ تُجَابُ وَ تُعْطَی مَا تَتَمَنَّاهُ ثُمَّ کَتَبَ لِی بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِی وَ کَثْرَتَهَا قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِی عِنْدَکَ وَ حَجَبَتْنِی عَنِ اسْتِئْهَالِ رَحْمَتِکَ وَ بَاعَدَتْنِی عَنِ اسْتِیجَابِ مَغْفِرَتِکَ وَ لَوْ لَا تَعَلُّقِی بِآلَائِکَ وَ تَمَسُّکِی بِالدُّعَاءِ وَ مَا وَعَدْتَ أَمْثَالِی مِنَ الْمُسْرِفِینَ وَ أَمْثَالِی مِنَ الْخَاطِئِینَ وَ وَعَدْتَ الْقَانِطِینَ مِنْ رَحْمَتِکَ بِقَوْلِکَ یا عِبادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَهِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ وَ حَذَّرْتَ الْقَانِطِینَ مِنْ رَحْمَتِکَ فَقُلْتَ- وَ مَنْ یَقْنَطُ مِنْ رَحْمَهِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ثُمَّ نَدَبْتَنَا بِرَأْفَتِکَ إِلَی دُعَائِکَ فَقُلْتَ ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ إِنَّ الَّذِینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِینَ إِلَهِی لَقَدْ کَانَ الْإِیَاسُ عَلَیَّ مُشْتَمِلًا وَ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِکَ عَلَیَّ مُلْتَحِفاً إِلَهِی لَقَدْ وَعَدْتَ الْمُحْسِنَ ظَنَّهُ بِکَ ثَوَاباً وَ أَوْعَدْتَ الْمُسِیءَ ظَنَّهُ بِکَ عِقَاباً اللَّهُمَ (۱)

وَ قَدْ(۲) أَمْسَکَ رَمَقِی حُسْنُ الظَّنِّ بِکَ فِی عِتْقِ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ وَ تَغَمُّدِ زَلَّتِی وَ إِقَالَهِ عَثْرَتِی (۳) اللَّهُمَّ قَوْلُکَ الْحَقُّ الَّذِی لَا خُلْفَ لَهُ وَ لَا تَبْدِیلَ یَوْمَ نَدْعُوا کُلَّ أُناسٍ بِإِمامِهِمْ وَ ذَلِکَ یَوْمُ النُّشُورِ إِذَا نُفِخَ فِی الصُّورِ وَ بُعْثِرَ ما فِی الْقُبُورِ اللَّهُمَّ فَإِنِّی أُوفِی وَ أَشْهَدُ وَ أُقِرُّ وَ لَا أُنْکِرُ وَ لَا أَجْحَدُ وَ أُسِرُّ وَ أُعْلِنُ وَ أُظْهِرُ وَ أُبْطِنُ بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَکَ لَا شَرِیکَ لَکَ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ صلی الله علیه و آله وَ أَنَّ عَلِیّاً أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ سَیِّدُ الْأَوْصِیَاءِ وَ وَارِثُ عِلْمِ الْأَنْبِیَاءِ عَلَمُ الدِّینِ وَ مُبِیرُ الْمُشْرِکِینَ وَ مُمَیِّزُ الْمُنَافِقِینَ وَ مُجَاهِدُ الْمَارِقِینَ إِمَامِی وَ حُجَّتِی وَ عُرْوَتِی وَ صِرَاطِی وَ دَلِیلِی وَ مَحَجَّتِی وَ مَنْ لَا أَثِقُ بِأَعْمَالِی وَ لَوْ زَکَتْ وَ لَا أَرَاهَا مُنْجِیَهً لِی وَ لَوْ صَلَحَتْ إِلَّا بِوَلَایَتِهِ وَ الِائْتِمَامِ بِهِ وَ الْإِقْرَارِ بِفَضَائِلِهِ وَ الْقَبُولِ مِنْ حَمَلَتِهَا وَ التَّسْلِیمِ لِرُوَاتِهَا وَ أُقِرُّ بِأَوْصِیَائِهِ مِنْ أَبْنَائِهِ أَئِمَّهً وَ حُجَجاً وَ أَدِلَّهً وَ سُرُجاً وَ أَعْلَاماً وَ مَنَاراً وَ سَادَهً وَ أَبْرَاراً

ص: ۳۴۷

۱- ۱. الهی خ ل.

۲- ۲. لقد خ ل.

۳- ۳. عثاری خ ل.

وَ أُومِنُ بِسِرِّهِمْ وَ جَهْرِهِمْ وَ ظَاهِرِهِمْ وَ بَاطِنِهِمْ وَ غَائِبِهِمْ وَ شَاهِدِهِمْ وَ حَيِّهِمْ وَ مَيِّتِهِمْ لَا شَكَّ فِي ذَلِكَ وَ لَا ارْتِيَابَ عِنْدَ تَحَوُّلِكَ وَ لَا انْقِلَابَ اللَّهُمَّ فَادْعُنِي يَوْمَ حَشْرِي وَ نَشْرِي بِإِمَامَتِهِمْ وَ أَنْقِذْنِي بِهِمْ يَا مَوْلَايَ مِنْ حَرِّ النِّيرَانِ وَ إِنْ لَمْ تَرْزُقْنِي رُوحَ الْجِنَانِ فَإِنَّكَ إِنْ أَعْتَقْتَنِي مِنَ النَّارِ كُنْتُ مِنَ الْفَائِزِينَ اللَّهُمَّ وَ قَدْ أَصْبَحْتُ يَوْمِي هَذَا لَا ثِقَةَ لِي وَ لَا رَجَاءَ وَ لَا لَجَأَ وَ لَا مَفْزَعَ وَ لَا مَنْجَى غَيْرُ مَنْ تَوَسَّلْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ مُتَقَرِّباً إِلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله ثُمَّ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسَى وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ مَنْ بَعْدَهُمْ تُقِيمُ الْحِجَّةَ إِلَى الْحُجَّةِ الْمَنْشُورَةِ(۱)

مِنْ وُلْدِهِ الْمَرْجُوِّ لِلْأُمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْهُمْ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ مَا بَعْدَهُ حِصْنِي مِنَ الْمَكَارِهِ وَ مَعْقِلِي مِنَ الْمَخَاوِفِ وَ نَجِّنِي بِهِمْ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ وَ طَاغٍ وَ بَاغٍ وَ فَاسِقٍ وَ مِنْ شَرِّ مَا أَعْرِفُ وَ مَا أُنْكِرُ وَ مَا اسْتَتَرَ عَنِّي وَ مَا أُبْصِرُ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّ أَنْتَ (۲) آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ فَبِتَوَسُّلِي بِهِمْ إِلَيْكَ وَ تَقَرُّبِي بِمَحَبَّتِهِمْ وَ تَحَصُّنِي بِإِمَامَتِهِمْ افْتَحْ عَلَيَّ فِي هَذَا الْيَوْمِ أَبْوَابَ رِزْقِكَ وَ انْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ وَ حَبِّبْنِي إِلَى خَلْقِكَ وَ جَنِّبْنِي بُغْضَهُمْ وَ عَدَاوَتَهُمْ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ وَ لِكُلِّ مُتَوَسِّلٍ ثَوَابٌ وَ لِكُلِّ ذِي شَفَاعَةٍ حَقٌّ فَأَسْأَلُكَ بِمَنْ جَعَلْتُهُ إِلَيْكَ سَبَبِي وَ قَدَّمْتُهُ أَمَامَ طَلِبَتِي أَنْ تُعَرِّفَنِي بَرَكَةَ يَوْمِي هَذَا وَ شَهْرِي هَذَا وَ عَامِي هَذَا اللَّهُمَّ وَ هُمْ مَفْزَعِي وَ مَعُونَتِي فِي شِدَّتِي وَ رَخَائِي وَ عَافِيَتِي وَ بَلَائِي وَ نَوْمِي وَ يَقَظَتِي وَ ظَعْنِي وَ إِقَامَتِي وَ عُسْرِي وَ يُسْرِي وَ عَلَانِيَتِي وَ سِرِّي وَ إِصْبَاحِي وَ إِمْسَائِي وَ تَقَلُّبِي وَ مَثْوَايَ وَ سِرِّي وَ جَهْرِي اللَّهُمَّ فَلَا تُخَيِّبْنِي بِهِمْ مِنْ نَائِلِكَ وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تُؤْيِسْنِي مِنْ رَوْحِكَ وَ لَا تَبْتَلِنِي بِانْغِلَاقِ أَبْوَابِ الْأَرْزَاقِ وَ سَدَادِ مَسَالِكِهَا وَ ارْتِتَاجِ مَذَاهِبِهَا

۱- ۱. مقيم المحجه الى الحجه المستوره خ ل.

۲- ۲. في المصدر: ربي آخذ.

وَ افْتَحْ لِی مِنْ لَدُنْکَ فَتْحاً یَسِیراً وَ اجْعَلْ لِی مِنْ کُلِّ ضَنْکٍ مَخْرَجاً وَ إِلَی کُلِّ سَعَهٍ مَنْهَجاً(۱) إِنَّکَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ (۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات: و از آن جمله دعائی است از امام رضا علیه السلام که یافتیم آن را در کتاب اصل از مصنّفات یونس بن بکیر است. یونس گفته که از مولای خود حضرت امام رضا علیه السلام خواستم دعائی را به من تعلیم نماید که آن را در سختیها بخوانم. حضرت به من فرمودند آنچه را که برای تو می نویسم محافظت کن و آن را در هر سختی بخوان که حاجتت برآورده می شود و آنچه را که آرزو نمایی، به دست می آوری. سپس این دعا را برای من نوشتند:

بسم الله الرحمن الرحیم، خداوندا! گناهان من و بسیاری آنها رویم را نزد تو بی طراوت نموده و مانع اهلیت من از رحمت تو شده و مرا از استحقاق آمرزش تو دور نموده است، و اگر تعلق من به نعمتهای تو و دستاویزم به دعا نبود، و اگر نبود آنچه که وعده نموده ای به امثال من از ستمکاران و خطاپیشگان، و به ناامیدان از رحمتت با این کلامت وعده فرموده ای که ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اند، از رحمت خدا ناامید نشوید که در حقیقت، خدا همه گناهان را می آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است. و مأیوسان از رحمتت را برحذر داشته و فرموده‌ای: کیست که از رحمت پروردگار خود ناامید گردد مگر جماعت گمراهان؟ پس با شفقت و مهربانی ات ما را به دعایت فراخوانده و فرموده ای: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. در حقیقت کسانی که از پرستش من کبر می ورزند به زودی خوار در دوزخ درمی آیند.

خداوند ا اگر اینها نبود، ناامیدی بر من مسلط می‌شد و یأس از رحمتت مرا در بر می‌گرفت. خداوندا به کسی که گمان نیک به تو دارد، وعده ثواب و به بدگمانان به تو وعده عذاب داده‌ای. خداوندا خوش گمانی‌ام به رهایی‌ام از آتش و بخشش لغزشها و گناهانم، حیاتم را نگاه داشته است. خداوندا! گفته تو راست و حق است و خلاف و تغییری در آن نیست که فرمودی: روزی که هر قومی را با امامش فرا می‌خوانیم و آن روز قیامت است، وقتی که در صور دمیده شود و همه آنچه در قبرهاست، برانگیخته شوند.

خداوند ا، پس من به عهد خود وفا می کنم و گواهی می دهم و اقرار می کنم و امتناع نمی ورزم و انکار نمی کنم و در پنهان و آشکار و نهان اعتراف می‌کنم که تو خدایی هستی که خدائی جز تو نیست، یگانه‌ای و شریکی نداری و محمد صلوات الله علیه وآله بنده و فرستاده توست و علی بن ابی طالب امیرالمومنین سرور جانشینان پیامبر و وارث علم انبیا، و نشانه و پرچم دین و نابود کننده مشرکان و تمییز دهنده منافقان و جهادکننده با جماعت خارجان از دین، امام و دلیل و دستاویز من است و او همان کسی است که من اعتماد ندارم به کردارهای خود و اگر چه پاکیزه باشند و آنها را نجاتبخش خود نمی‌دانم هر چند که نیکو باشند، مگر به ولایت و پیروی از او و اقرار به فضیلتهای او و قبول آن از راویان و حاملان این اخبار. و اقرار می کنم که جانشینان او از فرزندانش، امام و حجت و دلیل و چراغ هدایت و پرچم و نشانه و بزرگ و نیکوکارند و من به پنهان و آشکار و ظاهر و باطن و غائب و حاضر و زنده و مرده ایشان ایمان دارم و هیچ شک و تغییری و برگشتی در این اعتقاد وجود ندارد.

پس ای خدای من! در روز حشر و نشر مرا با امامت ایشان فرا بخوان و ای مولای من به حق ایشان مرا از حرارت آتش رهایی ببخش هرچند آرامش بهشت را نصیبم نسازی، چرا که اگر مرا از آتش جهنم آزاد سازی، از پیروزمندان خواهم بود. خداوندا! امروز در حالی صبح کردم که امید و اعتماد و پناه و گریزگاه و محل نجاتی ندارم، جز کسانی که به وسیله ایشان به تو متوسّل شده و نزدیکی جسته ام، بسوی فرستاده ات حضرت محمّد صلی الله علیه وآله، سپس به امیرالمومنین علی علیه السلام و سرور زنان عالم حضرت زهرا سلام الله علیها و حضرت امام حسن و امام حسین و علیّ بن الحسین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق و امام موسی کاظم و امام رضا و امام محمّد تقی و امام علیّ نقی و امام حسن عسکری و فرزند او که بعد از ایشان دین را تا به حجت و دلیل روز قیامت برپا می‌دارد و بعد از او امید امت است.

خداوند ا! ایشان را در امروز و روزهای دیگر حصار من از ناخوشیها و پناهم از ترسها قرار بده و به واسطه ایشان مرا از هر دشمن و سرکش و

متجاوز و فاسق و از شر هر آنچه می‌شناسم و نمی‌شناسم و می‌بینم و نمی‌بینم و از شر هر جنبده‌ای که مهار هستی‌اش را در دست داری، در امان دار که تو بر راه راستی.

خداوند ا! پس به حرمت توسلم به ایشان به سوی تو و نزدیکی جستن من به وسیله دوستی ایشان و متحصن شدن من به اقرار به امامت ایشان، در این روز درهای روزی‌ات را بر من بگشای و رحمتت را بر من بگستران و مرا در نزد مخلوقاتت محبوب گردان و کینه و عداوتشان را از من دور بدار که تو بر همه چیز توانائی. خداوندا! هر متوسلی ثوابی دارد و هر صاحب شفاعتی حقی دارد، پس به حق کسی که او را وسیله قرار دادم و او را در مقابل حاجاتم پیش داشته‌ام، از تو می‌خواهم که برکت امروز و این ماه و این سالم را به من بشناسانی. خداوندا! و ایشان در سختی و خوشی و در عافیت و بلا و در خواب و بیداری و در سفر و حضر و در دشواری و آسانی و در صبحگاهان و شامگاهان و درباز گشت و قرار و در پنهان و پیدایم پناهگاه و محل یاری من هستند. خداوند ا پس به برکت ایشان مرا از بخشش خود ناامید نگردان و امیدم را از رحمتت قطع نفرما و مرا از روح و مرحمتت مأیوس مکن و با بستن درهای روزی و بندآوردن راههای آن، مرا امتحان نکن. و از نزد خود گشایش آسانی بر من بگشای و از هر تنگی برایم راه خروجی قرار بده و راهی برای گشایش برایم قرار بده که تو رحم کننده ترین رحم کنندگانی و رحمت و دورد خدا بر محمّد و بر آل پاک و مطهر او آمین یا رب العالمین - . مهج الدعوات: ۳۱۵– ۳۱۷[۱] - .

**[ترجمه]

«۵»

مهج، [مهج الدعوات]: وَ مِنْ ذَلِكَ عُوذَةُ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا علیه السلام الَّتِي تَعَوَّذَ بِهَا لَمَّا أُلْقِيَ فِي بِرْكَةِ السِّبَاعِ وَجَدْتُ مَا هَذَا لَفْظُهُ قَالَ الْفَضْلُ بْنُ الرَّبِيعِ لَمَّا اصْطَبَحَ الرَّشِيدُ يَوْماً ثُمَّ اسْتَدْعَى حَاجِبَهُ فَقَالَ لَهُ امْضِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الْعَلَوِيِّ وَ أَخْرِجْهُ مِنَ الْحَبْسِ وَ أَلْقِهِ فِي بِرْكَةِ السِّبَاعِ فَمَا زِلْتُ أَلْطَفُ بِهِ وَ أَرْفَقُ وَ لَا يَزْدَادُ إِلَّا غَضَباً وَ قَالَ وَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ تُلْقِهِ إِلَى السِّبَاعِ لَأُلْقِيَنَّكَ عِوَضَهُ قَالَ فَمَضَيْتُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا علیه السلام فَدَخَلْتُ عَلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَمَرَنِي بِكَذَا وَ بِكَذَا قَالَ افْعَلْ مَا أُمِرْتَ بِهِ فَإِنِّي مُسْتَعِينٌ بِاللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِ وَ أَقْبَلَ بِهَذِهِ الْعُوذَةِ وَ هُوَ يَمْشِي مَعِي إِلَى أَنِ انْتَهَيْتُ إِلَى الْبِرْكَةِ فَفَتَحْتُ بَابَهَا وَ أَدْخَلْتُهُ فِيهَا وَ فِيهَا أَرْبَعُونَ سَبُعاً وَ عِنْدِي مِنَ الْغَمِّ وَ الْقَلَقِ أَنْ يَكُونَ قَتْلُ مِثْلِهِ عَلَى يَدَيَّ وَ عُدْتُ إِلَى مَوْضِعِي فَلَمَّا انْتَصَفَ اللَّيْلُ أَتَانِي خَادِمٌ فَقَالَ لِي إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَدْعُوكَ فَصِرْتُ إِلَيْهِ فَقَالَ لَعَلِّي أَخْطَأْتُ الْبَارِحَةَ بِخَطِيئَةٍ أَوْ أَتَيْتُ مُنْكَراً فَإِنِّي رَأَيْتُ الْبَارِحَةَ مَنَاماً هَالَنِي وَ ذَاكَ أَنِّي رَأَيْتُ جَمَاعَةً مِنَ الرِّجَالِ دَخَلُوا عَلَيَّ وَ بِأَيْدِيهِمْ سَائِرُ السِّلَاحِ وَ فِي وَسْطِهِمْ رَجُلٌ كَأَنَّهُ الْقَمَرُ وَ دَخَلَ إِلَى قَلْبِي هَيْبَتُهُ فَقَالَ لِي قَائِلٌ هَذَا

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَبْنَائِهِ فَتَقَدَّمْتُ إِلَيْهِ لِأُقَبِّلَ قَدَمَيْهِ فَصَرَفَنِي عَنْهُ وَ قَالَ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَ تُقَطِّعُوا أَرْحامَكُمْ (۳) ثُمَّ حَوَّلَ وَجْهَهُ فَدَخَلَ بَاباً فَانْتَبَهْتُ مَذْعُوراً لِذَلِكَ

۱– ۱. برحمتك و معافاتك، و منك و فضلك، و لا تفقرنی الی أحد من خلقك، برحمتك یا ارحم الراحمین، انك علی كل شیء محیط، و حسبنا اللّه و نعم الوكیل خ.

۲– ۲. مهج الدعوات ص ۳۱۵– ۳۱۷.

۳– ۳. القتال ص ۲۲.

فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَمَرْتَنِی أَنْ أُلْقِیَ عَلِیَّ بْنَ مُوسَی لِلسِّبَاعِ فَقَالَ وَيْلَكَ أَلْقَيْتَهُ فَقُلْتُ إِی وَ اللَّهِ فَقَالَ امْضِ وَ انْظُرْ مَا حَالُهُ فَأَخَذْتُ الشَّمْعَ بَيْنَ يَدَیَّ وَ طَالَعْتُهُ فَإِذَا هُوَ قَائِمٌ يُصَلِّی وَ السِّبَاعُ حَوْلَهُ فَعُدْتُ إِلَيْهِ فَأَخْبَرْتُهُ فَلَمْ يُصَدِّقْنِی وَ نَهَضَ وَ اطَّلَعَ إِلَيْهِ فَشَاهَدَهُ فِی تِلْكَ الْحَالِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَمِّ فَلَمْ يُجِبْهُ حَتَّی فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ ثُمَّ قَالَ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا ابْنَ عَمِّ قَدْ كُنْتُ أَرْجُو أَنْ لَا تُسَلِّمَ عَلَیَّ فِی مِثْلِ هَذَا الْمَوْضِعِ فَقَالَ أَقِلْنِی فَإِنِّی مُعْتَذِرٌ إِلَيْكَ فَقَالَ لَهُ قَدْ نَجَّانَا اللَّهُ تَعَالَی بِلُطْفِهِ فَلَهُ الْحَمْدُ ثُمَّ أَمَرَ بِإِخْرَاجِهِ فَأُخْرِجَ فَقَالَ فَلَا وَ اللَّهِ مَا تَبِعَهُ سَبُعٌ فَلَمَّا حَضَرَ بَيْنَ يَدَیِ الرَّشِيدِ عَانَقَهُ ثُمَّ حَمَلَهُ إِلَی مَجْلِسِهِ وَ رَفَعَهُ إِلَی فَوْقِ سَرِيرِهِ وَ قَالَ لَهُ يَا ابْنَ عَمِّ إِنْ أَرَدْتَ الْمُقَامَ عِنْدَنَا فَفِی الرَّحْبِ وَ السَّعَةِ وَ قَدْ أَمَرْنَا لَكَ وَ لِأَهْلِكَ بِمَالٍ وَ ثِيَابٍ فَقَالَ لَهُ لَا حَاجَةَ لِی فِی الْمَالِ وَ لَا الثِّيَابِ وَ لَكِنْ فِی قُرَيْشٍ نَفَرٌ يُفَرَّقُ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَ ذَكَرَ لَهُ قَوْماً وَ أَمَرَ لَهُ بِصِلَةٍ وَ كِسْوَةٍ ثُمَّ أَمَرَهُ أَنْ يَرْكَبَ عَلَی بِغَالِ الْبَرِيدِ إِلَی الْمَوْضِعِ الَّذِی يُحِبُّ فَأَجَابَهُ إِلَی ذَلِكَ وَ قَالَ لِی شَيِّعْهُ فَشَيَّعْتُهُ إِلَی بَعْضِ الطَّرِيقِ وَ قُلْتُ لَهُ يَا سَيِّدِی إِنْ رَأَيْتَ أَنْ تَطَوَّلَ عَلَیَّ بِالْعُوذَةِ فَقَالَ مُنِعْنَا أَنْ نَدْفَعَ عُوَذَنَا وَ تَسْبِيحَنَا إِلَی كُلِّ أَحَدٍ وَ لَكِنْ لَكَ عَلَیَّ حَقُّ الصُّحْبَةِ وَ الْخِدْمَةِ فَاحْتَفِظْ بِهَا فَكَتَبْتُهَا فِی دَفْتَرٍ وَ شَدَدْتُهَا فِی مِنْدِيلٍ فِی كُمِّی فَمَا دَخَلْتُ إِلَی أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا ضَحِكَ إِلَیَّ وَ قَضَی حَوَائِجِی وَ لَا سَافَرْتُ إِلَّا كَانَتْ حِرْزاً وَ أَمَاناً مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ وَ لَا وَقَعْتُ فِی شِدَّةٍ إِلَّا دَعَوْتُ بِهَا فَفُرِّجَ عَنِّی ثُمَّ ذَكَرَهَا يَقُولُ عَلِیُّ بْنُ مُوسَی بْنِ طَاوُسٍ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ رُبَّمَا كَانَ هَذَا الْحَدِيثُ عَنِ الْكَاظِمِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لِأَنَّهُ كَانَ مَحْبُوساً عِنْدَ الرَّشِيدِ لَكِنَّنِی ذَكَرْتُ هَذَا كَمَا وَجَدْتُهُ الدُّعَاءُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ أَعَزَّ جُنْدَهُ وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ فَ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِ

الْعالَمِينَ أَمْسَيْتُ وَ أَصْبَحْتُ فِی حِمَی اللَّهِ الَّذِی لَا یُسْتَبَاحُ وَ ذِمَّتِهِ الَّتِی لَا تُرَامُ وَ لَا تُخْفَرُ وَ فِی عِزِّهِ الَّذِی لَا یَذِلُّ وَ لَا یُقْهَرُ وَ فِی حِزْبِهِ الَّذِی لَا یُغْلَبُ وَ فِی جُنْدِهِ الَّذِی لَا یُهْزَمُ وَ حَرِیمِهِ الَّذِی لَا یُسْتَبَاحُ بِاللَّهِ اسْتَجَرْتُ وَ بِاللَّهِ أَصْبَحْتُ (۱) وَ بِاللَّهِ اسْتَنْجَحْتُ وَ تَعَزَّزْتُ وَ تَعَوَّذْتُ وَ انْتَصَرْتُ وَ تَقَوَّیْتُ وَ بِعِزَّهِ اللَّهِ قَوِیتُ عَلَی أَعْدَائِی وَ بِجَلَالِ اللَّهِ وَ کِبْرِیَائِهِ ظَهَرْتُ عَلَیْهِمْ وَ قَهَرْتُهُمْ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ اسْتَعَنْتُ عَلَیْهِمْ بِاللَّهِ وَ فَوَّضْتُ أَمْرِی إِلَی اللَّهِ وَ حَسْبِیَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ وَ تَراهُمْ یَنْظُرُونَ إِلَیْکَ وَ هُمْ لا یُبْصِرُونَ أَتی أَمْرُ اللَّهِ فَلَجَتْ حُجَّهُ اللَّهِ وَ غَلَبَتْ کَلِمَهُ اللَّهِ عَلَی أَعْدَاءِ اللَّهِ الْفَاسِقِینَ وَ جُنُودِ إِبْلِیسَ أَجْمَعِینَ لَنْ یَضُرُّوکُمْ إِلَّا أَذیً وَ إِنْ یُقاتِلُوکُمْ یُوَلُّوکُمُ الْأَدْبارَ ثُمَّ لا یُنْصَرُونَ ضُرِبَتْ عَلَیْهِمُ الذِّلَّهُ أَیْنَ ما ثُقِفُوا أُخِذُوا وَ قُتِّلُوا تَقْتِیلًا لا یُقاتِلُونَکُمْ جَمِیعاً إِلَّا فِی قُریً مُحَصَّنَهٍ أَوْ مِنْ وَراءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَیْنَهُمْ شَدِیدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِیعاً وَ قُلُوبُهُمْ شَتَّی ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لا یَعْقِلُونَ تَحَصَّنْتُ مِنْهُمْ بِالْحِفْظِ الْمَحْفُوظِ فَمَا اسْطَاعُوا

أَنْ یُظْهِرُوهُ وَ مَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْباً آوَیْتُ إِلَی رُکْنٍ شَدِیدٍ وَ الْتَجَأْتُ إِلَی کَهْفٍ رَفِیعٍ (۲) وَ تَمَسَّکْتُ بِالْحَبْلِ الْمَتِینِ وَ تَدَرَّعْتُ بِدِرْعِ اللَّهِ الْحَصِینَهِ وَ تَدَرَّقْتُ بِدَرَقَهِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ تَعَوَّذْتُ بِعُوذَهِ سُلَیْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ تَخَتَّمْتُ بِخَاتَمِهِ فَأَنَا حَیْثُمَا سَلَکْتُ آمِنٌ مُطْمَئِنٌّ وَ عِدَایَ فِی الْأَهْوَالِ حَیْرَانُ قَدْ حُفَّ بِالْمَهَانَهِ وَ أُلْبِسَ الذُّلَّ وَ قَنِعَ بِالصَّغَارِ ضَرَبْتُ عَلَی نَفْسِی سُرَادِقَ الْحِیَاطَهِ وَ لَبِسْتُ دِرْعَ الْحِفْظِ وَ عَلِقْتُ عَلَی هَیْکَلِ الْهَیْبَهِ وَ تَتَوَّجْتُ بِتَاجِ الْکَرَامَهِ وَ تَقَلَّدْتُ بِسَیْفِ الْعِزِّ الَّذِی لَا یُفَلُّ وَ خَفِیتُ عَنْ أَعْیُنِ الْبَاغِینَ النَّاظِرِینَ وَ تَوَارَیْتُ عَنِ الظُّنُونِ وَ أَمِنْتُ عَلَی نَفْسِی وَ سَلِمْتُ مِنْ أَعْدَائِی بِجَلَالِ اللَّهِ فَهُمْ لِی خَاضِعُونَ وَ عَنِّی نَافِرُونَ کَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَهٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَهٍ قَصُرَتْ أَیْدِیهِمْ عَنْ بُلُوغِی وَ عَمِیَتْ أَبْصَارُهُمْ عَنْ رُؤْیَتِی وَ خَرِسَتْ أَلْسِنَتُهُمْ عَنْ ذِکْرِی وَ ذَهَلَتْ عُقُولُهُمْ عَنْ مَعْرِفَتِی وَ تَخَوَّفَتْ قُلُوبُهُمْ وَ ارْتَعَدَتْ فَرَائِصُهُمْ وَ نُفُوسُهُمْ مِنْ مَخَافَتِی بِاللَّهِ الَّذِی

۱- ۱. أصبحت و أمسیت، و باللّه استفتحت خ ل.

۲- ۲. منیع خ ل.

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ.

يَا هُوَ يَا مَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ افْلُلْ جُنُودَهُمْ وَ اكْسِرْ شَوْكَتَهُمْ وَ نَكِّسْ رُءُوسَهُمْ وَ أَعْمِ أَبْصَارَهُمْ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لِي خَاضِعِينَ وَ انْهَزَمَ جَيْشُهُمْ وَ وَلَّوْا مُدْبِرِينَ سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَ يُوَلُّونَ الدُّبُرَ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَ السَّاعَةُ أَدْهى وَ أَمَرُّ وَ ما أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ عَلَوْتُ عَلَيْهِمْ بِعُلُوِّ اللَّهِ الَّذِي كَانَ يَعْلُو بِهِ عَلِيٌّ صَاحِبُ الْحُرُوبِ مُنَكِّسُ الرَّايَاتِ وَ مُبِيدُ الْأَقْرَانِ وَ تَعَوَّذْتُ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ الْحُسْنَى وَ كَلِمَاتِهِ الْعُلْيَا وَ ظَهَرْتُ عَلَى أَعْدَائِي بِبَأْسٍ شَدِيدٍ وَ أَمْرٍ رَشِيدٍ وَ أَذْلَلْتُهُمْ وَ قَمَعْتُ رُءُوسَهُمْ وَ ظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لِي خَاضِعِينَ فَخَابَ مَنْ نَاوَانِي وَ هَلَكَ مَنْ عَادَانِي وَ أَنَا الْمُؤَيَّدُ الْمَنْصُورُ وَ الْمُظَفَّرُ الْمُتَوَّجُ الْمَحْبُورُ وَ قَدْ لَزِمْتُ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَ اسْتَمْسَكْتُ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَ اعْتَصَمْتُ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ فَلَنْ يَضُرَّنِي كَيْدُ الْكَائِدِينَ وَ حَسَدُ الْحَاسِدِينَ أَبَدَ الْآبِدِينَ وَ دَهْرَ الدَّاهِرِينَ فَلَنْ يَرَانِي أَحَدٌ وَ لَنْ يُنْذِرَنِي أَحَدٌ قُلْ إِنَّما أَدْعُوا رَبِّي وَ لا أُشْرِكُ بِهِ أَحَداً أَسْأَلُكَ يَا مُتَفَضِّلُ أَنْ تَفَضَّلَ عَلَيَّ بِالْأَمْنِ وَ الْإِيمَانِ عَلَى نَفْسِي وَ رُوحِي بِالسَّلَامَةِ مِنْ أَعْدَائِي وَ أَنْ تَحُولَ بَيْنِي وَ بَيْنَ شَرِّهِمْ بِالْمَلَائِكَةِ الْغِلَاظِ الشِّدَادِ لا يَعْصُونَ اللَّهَ ما أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ ما يُؤْمَرُونَ وَ أَيِّدْنِي بِالْجُنْدِ الْكَثِيفَةِ وَ الْأَرْوَاحِ الْعَظِيمَةِ الْمُطِيعَةِ فَيَجِيبُونَهُمْ بِالْحُجَّةِ الْبَالِغَةِ وَ يَقْذِفُونَهُمْ بِالْحَجَرِ الدَّامِغِ وَ يَضْرِبُونَهُمْ بِالسَّيْفِ الْقَاطِعِ وَ يَرْمُونَهُمْ بِالشِّهَابِ الثَّاقِبِ وَ الْحَرِيقِ الْمُلْتَهِبِ وَ الشُّوَاظِ الْمُحْرِقِ وَ يُقْذَفُونَ مِنْ كُلِّ جانِبٍ دُحُوراً وَ لَهُمْ عَذابٌ واصِبٌ قَذَفْتُهُمْ وَ زَجَرْتُهُمْ بِفَضْلِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ بِ طه وَ يس وَ الذَّارِياتِ وَ الطَّوَاسِينِ وَ تَنْزِيلِ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَ الْحَوَامِيمِ وَ بِ كهيعص وَ بِكَافٍ كُفِيتُ وَ بِهَاءٍ هُدِيتُ وَ بِيَاءٍ يُسِّرَ لِي وَ بِعَيْنٍ عَلَوْتُ وَ بِصَادٍ صَدَقْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ بِ ن وَ الْقَلَمِ وَ ما يَسْطُرُونَ وَ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ وَ بِ الطُّورِ وَ كِتابٍ مَسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ وَ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ وَ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ إِنَّ عَذابَ

رَبِّکَ لَواقِعٌ ما لَهُ مِنْ دافِعٍ فَ وَلَّوْا مُدْبِرِینَ وَ عَلَی أَعْقابِهِمْ ناکِصِینَ وَ فِی دِیارِهِمْ خائِفِینَ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَ بَطَلَ ما کانُوا یَعْمَلُونَ فَغُلِبُوا هُنالِکَ وَ انْقَلَبُوا صاغِرِینَ وَ أُلْقِیَ السَّحَرَهُ ساجِدِینَ فَوَقاهُ اللَّهُ سَیِّئاتِ ما مَکَرُوا وَ حاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذابِ وَ مَکَرُوا وَ مَکَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَیْرُ الْماکِرِینَ الَّذِینَ قالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَکُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزادَهُمْ إِیماناً وَ قالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَهٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ یَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَ اتَّبَعُوا رِضْوانَ اللَّهِ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِیمٍ رَبِّ أَعُوذُ بِکَ مِنْ هَمَزاتِ الشَّیاطِینِ وَ

أَعُوذُ بِکَ رَبِّ أَنْ یَحْضُرُونِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ وَ أَسْأَلُکَ مِنْ خَیْرِ مَا عِنْدَکَ فَسَیَکْفِیکَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ جَبْرَئِیلُ عَنْ یَمِینِی وَ مِیکَائِیلُ عَنْ شِمَالِی وَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله أَمَامِی وَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ یُطِلُّ عَلَیَّ یَمْنَعُکُمْ مِنِّی وَ یَمْنَعُ الشَّیْطَانَ الرَّجِیمَ یَا مَنْ جَعَلَ بَیْنَ الْبَحْرَیْنِ حاجِزاً احْجُزْ بَیْنِی وَ بَیْنَ أَعْدَائِی حَتَّی لَا یَصِلُوا إِلَیَّ بِسُوءٍ سَتَرْتُ بَیْنِی وَ بَیْنَهُمْ بِسِتْرِ اللَّهِ الَّذِی یُسْتَتَرُ بِهِ مِنْ سَطَوَاتِ الْفَرَاعِنَهِ وَ مَنْ کَانَ فِی سِتْرِ اللَّهِ کَانَ مَحْفُوظاً حَسْبِیَ الَّذِی یَکْفِی مَا لَا یَکْفِی أَحَدٌ سِوَاهُ وَ جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ أَیْدِیهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لا یُبْصِرُونَ اللَّهُمَّ اضْرِبْ عَلَیَّ سُرَادِقَاتِ حِفْظِکَ الَّذِی لَا یَهْتِکُهُ الرِّیَاحُ وَ لَا تَخْرِقُهُ الرِّمَاحُ وَ اکْفِنِی شَرَّ مَا أَخَافُهُ بِرُوحِ قُدْسِکَ الَّذِی مَنْ أَلْقَیْتَهُ عَلَیْهِ کَانَ مَسْتُوراً عَنْ عُیُونِ النَّاظِرِینَ وَ کَبِیراً فِی صُدُورِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِینَ وَ وَفِّقْ لِی بِأَسْمَائِکَ الْحُسْنَی وَ کَلِمَاتِکَ الْعُلْیَا صَلَاحِی فِی جَمِیعِ مَا أُؤَمِّلُهُ مِنْ خَیْرِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ اصْرِفْ عَنِّی شَرَّ قُلُوبِهِمْ وَ شَرَّ مَا یُضْمِرُونَ إِلَی خَیْرِ مَا لَا یَمْلِکُهُ غَیْرُکَ اللَّهُمَّ إِنَّکَ أَنْتَ مَوْلَایَ وَ مَلَاذِی فَبِکَ أَلُوذُ وَ أَنْتَ مَعَاذِی فَبِکَ أَعُوذُ یَا مَنْ دَانَ لَهُ رِقَابُ الْجَبَابِرَهِ وَ خَضَعَتْ لَهُ عَمَالِیقُ الْفَرَاعِنَهِ أَجِرْنِی اللَّهُمَّ مِنْ خِزْیِکَ وَ کَشْفِ سِتْرِکَ وَ نِسْیَانِ ذِکْرِکَ وَ الْإِضْرَابِ عَنْ شُکْرِکَ أَنَا فِی کَنَفِکَ لَیْلِی وَ نَهَارِی

وَ نَوْمِی وَ قَرَارِی وَ انْتِبَاهِی وَ انْتِشَارِی ذِکْرُکَ شِعَارِی وَ ثَنَاؤُکَ دِثَارِی اللَّهُمَّ إِنَّ خَوْفِی أَمْسَی وَ أَصْبَحَ مُسْتَجِیراً بِکَ وَ بِأَمَانِکَ مِنْ خَوْفِکَ وَ سُوءِ عَذَابِکَ وَ اضْرِبْ عَلَیَّ سُرَادِقَاتِ حِفْظِکَ وَ ارْزُقْنِی حِفْظَ عِنَایَتِکَ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ آمِینَ آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: از آن جمله حرزی از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است که حضرت در وقتی که در محوطه‌ای انداخته شدند که در آن محوطه جانوران درنده بسته شده بود، به آن پناه جستند.

فضل بن ربیع روایت کرده که روزی هارون الرّشید صبح شراب خورده و مست شده بود، سپس دربان خود را طلبید و به او گفت: به نزد علی بن موسی علوی برو و او را از زندان خارج کن و او را در محوطه حیوانات درنده بینداز. هر چه من التماس و ملایمت نمودم تا خشمش را فرو نشانم، غضب او سخت تر و زیاده تر گردید و گفت: به خدا قسم اگر او را به پیش درندگان نیندازی، من ترا به عوض او می اندازم.

راوی می‌گوید: من به نزد حضرت علیّ بن موسی الرّضا علیه السلام رفتم و چون داخل شدم گفتم: امیر المؤمنین مرا به من چنین و چنین امر فرموده است. حضرت فرمودند: آنچه را که بدان مامور شده ای، انجام بده که من از خداوند متعال طلب یاری می‌کنم. و با خواندن این دعا به راه افتاد و با من آمد تا آنکه به محوطه درندگان رسیدیم. من در را گشودم و حضرت را در حالی که چهل حیوان درنده در آن بود، وارد محوطه نمودم و غم و نگرانی وجودم را فراگرفت که چرا قتل چنین شخصی به دست من واقع شد، و به جای خود برگشتم. چون نصف شب فرا رسید، یکی از ملازمان هارون آمد و گفت: امیرالمؤمنین ترا می طلبد. وقتی نزد او رفتم، گفت: ظاهراً من امشب مرتکب خطا یا کار قبیحی شده‌ام که خواب هولناکی دیدم که مرا به هراس انداخته است، و خواب این است که جماعتی از مردان را دیدم که در حالی که سلاح در دست داشتند و در وسط ایشان مردی بود که در جمال همچون ماه بود و از او هیبتی عظیم در دل من افتاد. کسی گفت که این امیرالمؤمنین علیّ بن ابی طالب صلوات اللّٰه علیه و اولاد او هستند. من پیش رفتم تا قدمهایش را ببوسم، اما حضرت روی از من گردانید و این آیه را خواند: آیا امید بستید که چون سرپرست مردم شدید، در روی زمین فساد کنید و خویشاوندی‌های خود را از هم بگسلید؟ و دوباره روی از من گردانید و از دری بیرون رفت. و من با اضطراب و ترس از خواب بیدار شدم.

راوی می‌گوید: عرض کردم یا امیرالمؤمنین شما به من امر کردید تا علیّ بن موسی الرّضا را نزد جانوران درّنده بیندازم. هارون گفت: وای بر تو! حضرت را در محوطه انداختی؟! گفتم: بلی بخدا قسم. هارون گفت: برو و ببین در چه حالی است. من شمعی در دست گرفتم و به آن محوطه رفتم. ناگهان حضرت را دیدم که به نماز ایستاده و جانوران درّنده گردش را گرفته‌اند. برگشتم و ماجرا را به هارون خبر دادم. هارون حرفم را باور نکرد و برخاست و خود به به مشاهده اوضاع رفت و امام را در همان حال دید و گفت: پسر عمو السّلام علیك. حضرت جواب او را نداد تا وقتی که از نماز فارغ شد و گفت: و علیك السّلام پسرعمو، من از تو انتظار نداشتم که در چنین موضعی بر من سلام کنی. هارون گفت: از تقصیر و گناه من درگذر که از شما معذرت می‌خواهم. حضرت فرمود: خدای متعال به لطف خود مرا نجات داد، شکر و سپاس از آن اوست.

هارون امر کرد حضرت را بیرون آورند. وقتی حضرت را بیرون آوردند، به خدا قسم هیچ درنده ای او را دنبال نکرد. وقتی حضرت نزد هارون رسید، هارون دست در گردن آن حضرت کرد و او را بر بالای تخت خود نشانید و گفت: پسرعمو اگر می‌خواهی در پیش ما اقامت کنی، اقامتت همراه با رفاه و آرامش خواهد بود و دستور دادم تا به تو و خانواده ات مال و لباس بدهند. حضرت فرمود: من نیازی به مال و لباس ندارم اما در میان قریش گروهی هستند که این اموال در بین ایشان توزیع شود، سپس نشانی ایشان را فرمود و هارون دستور داد تا به ایشان صله و لباس بدهند. سپس امر کرد که آن حضرت را بر استری خوش راه سوار کنند و به هر جا که ایشان دوست دارد، ببرند. حضرت با این حرف موافقت فرمود. فضل می‌گوید: هارون به من گفت حضرت را مشایعت کن.

من ایشان را در مقداری از راه مشایعت کردم و به ایشان عرض کردم: لطف کنید و آن تعویذ را به من بیاموزید. حضرت فرمود: ما منع شده‌ایم از اینکه تعویذ و تسبیح خود را به هر کسی بیاموزیم اما تو بر من حق خدمت و رفاقت داری، پس از آن مراقبت کن. فضل می‌گوید: من آن را

در کاغذی نوشتم و در پارچه ای محکم بسته در آستین خود جای دادم و پس از آن هرگز نزد هارون نرفتم مگر آنکه او را نسبت به خودم خندان یافتم و حوائجم را برایم برآورده کرد و به سفری نرفتم مگر اینکه برایم از هر ترسی حرز و امان بود و در هیچ شدّت و بلائی نیفتادم مگر اینکه این دعا را خواندم و سختی از من برطرف شد.

علیّ بن طاوس رحمه اللّٰه مصنف این کتاب می‌گوید: چه بسا این روایت منسوب به حضرت امام موسی کاظم علیه السلام باشد، زیرا که آن حضرت در زندان هارون الرّشید بودند. اما من همانگونه که دیدم نقل کردم و دعا این است:

بسم الله الرحمن الرحیم، خدایی جز الله وجود ندارد، او یگانه است و شریکی ندارد، وعده خود را بجای آورده و بنده خود را یاری فرمود، و سپاه احزاب را به تنهایی شکست داد. ملك و حمد از آن اوست. همه سپاسها از آن پروردگار عالمیان است. در حمایت خداوند داخل در صبح و شام شدم که این حرمت شکستنی نیست و در ذمه اویم که زائل و خوار شدنی نیست و در عزّت خدایم که ذلیل و مقهور نمی شود و در حزب او داخل می شوم که مغلوب شدنی نیست و جزو سپاه اویم که شکست نمی پذیرد و در حریم اویم که برای تجاوز مباح نمی‌شود، بخدا پناه برده و به یاری خدا داخل در صبح شده ام و از خدا طلب رستگاری و عزت و نصرت و قدرت نموده ام و به عزت خدا بر دشمنانم قدرت یافتم و به عظمت خدا و بزرگواری او بر ایشان غالب شدم و به قدرت خدا و توانائی او مقهورشان ساختم، از خداوند بر ضد ایشان مدد جستم و کار خود را به خدا وا گذاشتم که خداوند برایم کافی است و او وکیل نیکویی است. آنان را می بینی که در تو می‌نگرند اما تو را نمی‌بینند. امر خدا فرا رسید، حجت خداوند ظفر یافته و کلمه او بر دشمنان فاسق خداوند و تمامی سربازان شیطان غالب شده است. جز آزاری اندك هرگز به شما زیانی نخواهند رساند؛ و اگر با شما بجنگند، به شما پشت نمایند، سپس یاری نیابند. ذلت و خواری بر آنها نوشته شده و هر کجا یافته شوند گرفته و سخت کشته خواهند شد. آنان، به صورت دسته جمعی، جز در قریه هایی که دارای استحکاماتند، یا از پشت دیوارها، با شما نخواهند جنگید. جنگشان میان خودشان سخت است. آنان را متّحد می پنداری ولی دلهایشان پراکنده است، زیرا آنان مردمانی اند که نمی اندیشند.

قلعه خود قرار دادم از شرّ ایشان نگاه داشتن تو را که محفوظ است برای پناه آورندگان، نه توانستند که از آن بالا روند و نه توانستند سوراخی در آن ایجاد کنند. در حصن محکمی جای گرفتم و به پناهگاه بلندی پناه آوردم و به ریسمان محکم چنگ زدم و زره محکم الهی را تن پوش خود کردم و سپر امیرالمومنین را سپر خود قرار دادم، به حرز سلیمان بن داود پناه بردم و انگشتری او را بر دست کردم. پس من به هر کجا که روم آرام و ایمن هستم و دشمنانم در هول و هراس حیرانند، در ذلت فرو رفته اند و لباس ذلت بر تن و کلاهخود حقارت بر سر دارند. بر جان خود سراپرده محافظت را برافراشتم و زره حفظ بر تن نمودم و مجسمه هیبت را بر خود آویختم و تاج کرامت بر سر نهادم و شمشیر خلل ناپذیر عزت بر میان بستم و از دیدگان ظالمان و متجاوزان پنهان گشتم، از گمانهای بد مخفی شدم و بر نفس خود ایمن گشتم و به بزرگواری خدا از شر دشمنانم ایمن گشتم و آنها در برابر من خاضعند و از من گریزانند، آنان همانند گوره خرهای رم کننده ای هستند که از شیران می گریزند، دستهایشان از رسیدن به من کوتاه و چشمانشان برای دیدنم کور است، عقلهایشان از شناختن من غافل است و دلهایشان ترسان، نفسها و پهلوهایشان از ترس من لرزان و مضطرب است؛ به برکت خدائی که نیست خدائی جز او.

ای خدایی که خدایی جز او نیست! تندی حمله سربازانشان را کند کن و شأن و شوکت ایشان را بشکن و سرهایشان را افکنده ساز و چشمانشان را کور نما. گردنهایشان در مقابل من خاضع شد و سپاهشان به عقب گریخت. بزودی جمع کافران شکست می‌خورند و به عقب فرار می کنند، بلکه روز قیامت وعده گاه عذاب ایشان است و عذاب قیامت سخت تر و تلخ تر است و فرمان قیام قیامت فقط مانند یك چشم برهم زدن است.

به برکت بلندی خدا بر بلندیشان فائق آمدم، همان بلندی که علی بن ابی طالب صاحب جنگهای عظیم و سرنگون کننده بیرق کافران و هلاك کننده سرکرده های دشمنان با آن بر دشمن فائق می آمد و پناه بردم به نامهای نیکوی خدا و به کلمات بلند او، و با عقوبت شدید و امر صحیح بر دشمنانم چیره شدم و آنان را ذلیل ساختم و سرهایشان را کوبیدم و گردنهایشان در مقابل من خاضع گشت، هر که قصد مرا نمود، ناامید باد

و هرکه با من دشـمنی ورزید هلاک شود. من تأیید و یاری شده‌ام و پیروز تاجدار نعمت داده شده هستم. همنشین کلمه تقوا شدم و به دستاویز محکم چنگ زدم و از ریسمان متین آویزان گشتم، پس مکر ماکران و حسد حاسدان تا ابد و آخر روزگار آسیبی به من نمی رساند. هرگز کسی مرا نخواهد دید و نخواهد ترسانید.

بگو خدا را می خوانم و کسی را شریک او قرار نمی‌دهم. ای اهل فضل بسیار از تو می خواهم تا امن و ایمان را بر جانم و سلامت از دشمنان را بر روحم ارزانی کنی و میان من و شرّ آنها توسط ملائکه تندخو و سختگیرنده مانع شوی، ملائکه ای که نافرمانی خدا نمی کنند و هر چه را بدان فرمان داده شوند، انجام می‌دهند. و مرا با سپاهیان پرتعداد و ارواح عظیم فرمانبردار یاری فرما، تا آنکه ایشان دشمنان را با برهان قاطع پاسخ گویند و با سنگهای به دماغ رسیده ایشان را سنگباران کنند و با شمشیرهای بران ایشان را ضربه بزنند و با شهابهای سوزان و آتش شعله ور و زبانه های آتشین آنها را هدف قرار دهند، و دشمنان از هر سو با تیرهای شهاب رانده می شوند و عذابی دائمی در انتظار ایشان است.

ایشان را راندم و تیرباران کردم به فضل بسم الله الرحمن الرحیم و به حق طه و یس و به حق بادهای پراکنده سازنده ابرها و به حق طسم ها و بحق نازل شده که قرآن بزرگ است و به حق حم ها و به حق کهیعص و به حرف کاف کفایت شدم و به حرف هاء هدایت یافتم و به حرف یا امور بر من آسان گشت وبه حرف عین برتری یافتم و به حرف صاد اقرار نمودم من به اینکه خدایی جز او نیست .

و به حق نون و قلم و به حق آنچه فرشتگان می نویسند و به جایگاه ستارگان و به حقّ کوه طور و به حقّ کتاب نوشته شده در صحیفه ای گشوده و به حقّ بیت المعمور و به حقّ سقف برافراشته و به حقّ دریای مملوّ. همانا که عذاب پروردگارت حتمی است و هیچ مانعی در برابر آن نیست پس آنان پشت کرده و فرار کردند و عقب بازگشتند و در شهرهای خود هم ترسانند ، پس حقیقت آشکار گردید و کارهایی که می کردند باطل شد و در آنجا مغلوب و خوار گردیدند و ساحران به سجده درافتادند. پس خدا او را از عواقب سوء آنچه نیرنگ می کردند حمایت فرمود و فرعونیان را عذاب سخت فروگرفت. و دشمنان مکر ورزیدند، و خدا در پاسخشان مکر در میان آورد و خداوند بهترین مکرانگیزان است.

آن کسانی که برخی از مردم به ایشان گفتند: مردمان برای جنگ با شما گرد آمده اند؛ پس از آن بترسید، ولی این سخن بر ایمانشان افزود و گفتند: خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است. پس با نعمت و بخششی از جانب خدا، از میدان نبرد بازگشتند، در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود، و همچنان خشنودی خدا را پیروی کردند، و خداوند دارای بخششی عظیم است.

پروردگارا، از وسوسه های شیطانها به تو پناه می برم. و پروردگارا، از اینکه آنها به پیش من حاضر شوند، به تو پناه می برم. خداوندا! از شر آنچه از آن می ترسم و در حذرم، به تو پناه می برم و از تو بهترین هایی را که در نزد توست طلب می کنم. پس زود باشد که خداوند ترا از شرّ ایشان نگاه دارد و اوست شنوای دانا، هیچ حرکت و قدرتی جز به دست خداوند بلندمرتبه و بزرگ نیست، جبرئیل در سمت راست من است و میکائیل در سمت چپ من و حضرت محمّد صلی الله علیه وآله در پیش روی من است و خدای عز و جل بر من مشرف و مطلع است و مرا از شر شما و شیطان رانده شده حفاظت می‌کند. ای آنکه میان دو دریا حائلی ایجاد کرده است، میان من و دشمنانم حائل شو تا آسیبی به من نرسانند. میان خود و ایشان پرده و حجاب خدا را قرار دادم، آن چنان پرده ای که پیامبران به سبب آن از خشم و حملات فرعونها خود را حفظ کرده اند و هر که در پس پرده حمایت خدا باشد از همه بلاها در امان است .

کفایت می‌کند مرا خدایی که کسی جز او کفایت نمی‌کند. و ما از پیش رویشان و از پشت سرشان پرده زدیم و ایشان را پوشانندیم، پس ایشان نمی‌بینند.

خداوند ا خیمه‌های مراقبتت را که بادها آنها را از هم نمی‌درند و نیزه‌ها آن را سوراخ نمی‌سازند، بر سر من بگستران. و به روح قدست مرا از شر آنچه از آن می ترسم کفایت کن که هر کسی را که توجه روحت را بر او بیفکنی از دیدگان بینندگان پنهان خواهد بود و در دل تمامی

خلائق بزرگ خواهد بود. و مرا به حق نامهای نیکویت و کلمات بلند مرتبهات به صلاح همه آنچه که از خیر دنیا و آخرت آرزومندم موفق دار و شر دورنشان و شر همه آنچه را که پنهان می کنند به سوی خیری که مالک آن جز تو نیست بر گردان.

خداوند ا! تو مولا ـ و پناه منی، به تو پناه میبرم که پناهگاه من تویی و امیدگاه من تویی و به تو امید میآورم، ای خدایی که گردنهای گردنکشان در مقابل او ذلیل است و طاغوتها در مقابل او فروتنی می کنند، خداوند ا مرا از خوار نمودن خودت و برداشتن پردهات و فراموشی یادت و رویگردانی از شکر نعمتت در امان دار. من شب و روز و در خواب و آرام و توجه و مشغولیتم در پناه محافظت توام. یاد تو جامه پایینی من است و ثنایت جامه بالایی من.

خداوند ا! ترسم مرا در حالی وارد صبح و شام می کند که از ترست و بدی عقوبتت به تو و به امانت پناه آوردهام. بر سر من سراپرده های حفظت را بگستران و حفظ در سایه عنایتت را روزی من ساز به رحمتت ای رحم کنندهترین رحم کنندگان، مستجاب گردان مستجاب گردان ای پروردگار عالمیان - . مهج الدعوات: ۳۰۸-۳۱۵[۱] - .

**[ترجمه]

باب ۴۷ أحراز مولانا الجواد و عوذاته و بعض أدعيته صلوات الله عليه

الأخبار

«۱»

أقول (۲).

مهج، [مهج الدعوات] حِرْزُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ عليهما السلام عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الصَّمَدِ عَنْ عَمٍّ وَالِدِهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی الْحَسَنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الدُّورْيَسْتِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّدُوقِ مُحَمَّدِ بْنِ بَابَوَيْهِ قَالَ وَ أَخْبَرَنِی جَدِّی عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ عَنْ جَمَاعَةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا مِنْهُمُ السَّيِّدُ أَبُو الْبَرَكَاتِ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُعَاذِيُّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْمَعْمَرِيُّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْمَدَائِنِيُّ جَمِيعاً عَنِ الصَّدُوقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِی نَصْرٍ الْهَمْدَانِيِّ قَالَ حَدَّثَتْنِی حَكِيمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عليه السلام قَالَتْ: لَمَّا مَاتَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الرِّضَا عليه السلام أَتَيْتُ زَوْجَتَهُ أُمَّ عِيسَى بِنْتَ الْمَأْمُونِ فَعَزَّيْتُهَا فَوَجَدْتُهَا شَدِيدَ الْحُزْنِ وَ الْجَزَعِ عَلَيْهِ تَقْتُلُ نَفْسَهَا بِالْبُكَاءِ وَ الْعَوِيلِ فَخِفْتُ عَلَيْهَا أَنْ تَتَصَدَّعَ مَرَارَتُهَا فَبَيْنَمَا نَحْنُ فِی حَدِيثِهِ وَ كَرَمِهِ وَ وَصْفِ خُلُقِهِ وَ مَا أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الشَّرَفِ وَ الْإِخْلَاصِ وَ مَنَحَهُ مِنَ الْعِزِّ وَ الْكَرَامَهِ إِذْ قَالَتْ أُمُّ عِيسَى أَ لَا أُخْبِرُكِ عَنْهُ بِشَيْ ءٍ عَجِيبٍ وَ أَمْرٍ جَلِيلٍ فَوْقَ الْوَصْفِ وَ الْمِقْدَارِ قُلْتُ وَ مَا ذَاكِ قَالَتْ كُنْتُ أَغَارُ عَلَيْهِ كَثِيراً وَ أُرَاقِبُهُ أَبَداً وَ رُبَّمَا يُسْمِعُنِی الْكَلَامَ فَأَشْكُو ذَلِكِ إِلَى أَبِی فَيَقُولُ يَا بُنَيَّهِ احْتَمِلِيهِ فَإِنَّهُ بَضْعَةٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله.

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۰۸- ۳۱۵.

۲- ۲. كذا فی الأصل.

فَبَیْنَمَا أَنَا جَالِسَهٌ ذَاتَ یَوْمٍ إِذْ دَخَلَتْ عَلَیَّ جَارِیَهٌ فَسَلَّمَتْ عَلَیَّ فَقُلْتُ مَنْ أَنْتِ فَقَالَتْ أَنَا جَارِیَهٌ مِنْ وُلْدِ عَمَّارِ بْنِ یَاسِرٍ وَ أَنَا زَوْجَهُ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الرِّضَا علیه السلام زَوْجِکِ فَدَخَلَنِی مِنَ الْغَیْرَهِ مَا لَا أَقْدِرُ عَلَی احْتِمَالِ ذَلِکِ وَ هَمَمْتُ أَنْ أَخْرُجَ وَ أَسِیحَ فِی الْبِلَادِ وَ کَانَ الشَّیْطَانُ یَحْمِلُنِی عَلَی الْإِسَاءَهِ إِلَیْهَا فَکَظَمْتُ غَیْظِی وَ أَحْسَنْتُ رِفْدَهَا وَ کِسْوَتَهَا فَلَمَّا خَرَجَتْ مِنْ عِنْدِی الْمَرْأَهُ نَهَضْتُ وَ دَخَلْتُ عَلَی أَبِی وَ أَخْبَرْتُهُ بِالْخَبَرِ وَ کَانَ سَکْرَانَ لَا یَعْقِلُ فَقَالَ یَا غُلَامُ عَلَیَّ بِالسَّیْفِ فَأُتِیَ بِهِ فَرَکِبَ وَ قَالَ وَ اللَّهِ لَأَقْتُلَنَّهُ فَلَمَّا رَأَیْتُ ذَلِکَ قُلْتُ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ مَا ذَا صَنَعْتُ بِنَفْسِی وَ بِزَوْجِی وَ جَعَلْتُ أَلْطِمُ حُرَّ وَجْهِی (۱)

فَدَخَلَ عَلَیْهِ وَالِدِی وَ مَا زَالَ یَضْرِبُهُ بِالسَّیْفِ حَتَّی قَطَعَهُ ثُمَّ خَرَجَ مِنْ عِنْدِهِ وَ خَرَجْتُ هَارِبَهً مِنْ خَلْفِهِ فَلَمْ أَرْقُدْ لَیْلَتِی فَلَمَّا ارْتَفَعَ النَّهَارُ أَتَیْتُ أَبِی فَقُلْتُ أَ تَدْرِی مَا صَنَعْتَ الْبَارِحَهَ قَالَ وَ مَا صَنَعْتُ قُلْتُ قَتَلْتَ ابْنَ الرِّضَا فَبَرَقَ عَیْنُهُ وَ غُشِیَ عَلَیْهِ ثُمَّ أَفَاقَ بَعْدَ حِینٍ وَ قَالَ وَیْلَکِ مَا تَقُولِینَ قُلْتُ نَعَمْ وَ اللَّهِ یَا أَبَتِ دَخَلْتَ عَلَیْهِ وَ لَمْ تَزَلْ تَضْرِبُهُ بِالسَّیْفِ حَتَّی قَتَلْتَهُ فَاضْطَرَبَ مِنْ ذَلِکَ اضْطِرَاباً شَدِیداً وَ قَالَ عَلَیَّ بِیَاسِرٍ الْخَادِمِ فَجَاءَ یَاسِرٌ فَنَظَرَ إِلَیْهِ الْمَأْمُونُ وَ قَالَ وَیْلَکَ مَا هَذَا الَّذِی تَقُولُ هَذِهِ ابْنَتِی قَالَ صَدَقَتْ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ فَضَرَبَ بِیَدِهِ عَلَی صَدْرِهِ وَ خَدِّهِ وَ قَالَ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ هَلَکْنَا بِاللَّهِ وَ عَطِبْنَا وَ افْتَضَحْنَا إِلَی آخِرِ الْأَبَدِ وَیْلَکَ یَا یَاسِرُ فَانْظُرْ مَا الْخَبَرُ وَ الْقِصَّهُ عَنْهُ وَ عَجِّلْ عَلَیَّ بِالْخَبَرِ فَإِنَّ نَفْسِی تَکَادُ أَنْ تَخْرُجَ السَّاعَهَ فَخَرَجَ یَاسِرٌ وَ أَنَا أَلْطِمُ حُرَّ وَجْهِی فَمَا کَانَ بِأَسْرَعَ مِنْ أَنْ رَجَعَ یَاسِرٌ فَقَالَ الْبُشْرَی یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ لَکَ الْبُشْرَی فَمَا عِنْدَکَ قَالَ یَاسِرٌ دَخَلْتُ عَلَیْهِ فَإِذَا هُوَ جَالِسٌ وَ عَلَیْهِ قَمِیصٌ وَ دُوَّاجٌ (۲) وَ هُوَ یَسْتَاکُ فَسَلَّمْتُ عَلَیْهِ وَ قُلْتُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أُحِبُّ أَنْ تَهَبَ لِی قَمِیصَکَ هَذَا أُصَلِّی فِیهِ وَ أَتَبَرَّکُ بِهِ وَ إِنَّمَا أَرَدْتُ أَنْ أَنْظُرَ

۱- ۱. حر الوجه- بالضم- ما بدا من الوجنه.

۲- ۲. الدواج کزنار و غراب: اللحاف الذی یلبس.

إِلَيْهِ وَ إِلَى جَسَدِهِ هَلْ بِهِ أَثَرُ السَّيْفِ فَوَ اللَّهِ كَأَنَّهُ الْعَاجُ الَّذِي مَسَّهُ صُفْرَةٌ مَا بِهِ أَثَرٌ فَبَكَى الْمَأْمُونُ طَوِيلًا وَ قَالَ مَا بَقِيَ مَعَ هَذَا شَيْءٌ إِنَّ هَذَا لَعِبْرَةٌ لِلْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ قَالَ يَا يَاسِرُ أَمَّا رُكُوبِي إِلَيْهِ وَ أَخْذِيَ السَّيْفَ وَ دُخُولِي عَلَيْهِ فَإِنِّي ذَاكِرٌ لَهُ وَ خُرُوجِي عَنْهُ فَلَا أَذْكُرُ شَيْئاً غَيْرَهُ وَ لَا أَذْكُرُ أَيْضاً انْصِرَافِي إِلَى مَجْلِسِي فَكَيْفَ كَانَ أَمْرِي وَ ذَهَابِي إِلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى هَذِهِ الِابْنَةِ لَعْناً وَبِيلًا تَقَدَّمْ إِلَيْهَا وَ قُلْ لَهَا يَقُولُ لَكِ أَبُوكِ وَ اللَّهِ لَئِنْ جِئْتِنِي بَعْدَ هَذَا الْيَوْمِ وَ شَكَوْتِ مِنْهُ أَوْ خَرَجْتِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَأَنْتَقِمَنَّ لَهُ مِنْكِ ثُمَّ سِرْ إِلَى ابْنِ الرِّضَا وَ أَبْلِغْهُ عَنِّي السَّلَامَ وَ احْمِلْ إِلَيْهِ عِشْرِينَ أَلْفَ دِينَارٍ وَ قَدِّمْ إِلَيْهِ الشِّهْرِيَ (1)

الَّذِي رَكِبْتُهُ الْبَارِحَةَ ثُمَّ أْمُرْ بَعْدَ ذَلِكَ الْهَاشِمِيِّينَ أَنْ يَدْخُلُوا عَلَيْهِ بِالسَّلَامِ وَ يُسَلِّمُوا عَلَيْهِ قَالَ يَاسِرٌ فَأَمَرْتُ لَهُمْ بِذَلِكَ وَ دَخَلْتُ أَنَا أَيْضاً مَعَهُمْ وَ سَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَ أَبْلَغْتُ التَّسْلِيمَ وَ وَضَعْتُ الْمَالَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ عَرَضْتُ الشِّهْرِيَّ عَلَيْهِ فَنَظَرَ إِلَيْهِ سَاعَةً ثُمَّ تَبَسَّمَ فَقَالَ يَا يَاسِرُ هَكَذَا كَانَ الْعَهْدُ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ أَبِي وَ بَيْنَهُ حَتَّى يَهْجُمَ عَلَيَّ بِالسَّيْفِ أَ مَا عَلِمَ أَنَّ لِي نَاصِراً وَ حَاجِزاً يَحْجُزُ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ دَعْ عَنْكَ هَذَا الْعِتَابَ وَ اللَّهِ وَ حَقِّ جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله مَا كَانَ يَعْقِلُ شَيْئاً مِنْ أَمْرِهِ وَ مَا عَلِمَ أَيْنَ هُوَ مِنْ أَرْضِ اللَّهِ وَ قَدْ نَذَرَ لِلَّهِ نَذْراً صَادِقاً وَ حَلَفَ أَنْ لَا يُسْكِرَ بَعْدَ ذَلِكَ أَبَداً فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ حَبَائِلِ الشَّيْطَانِ فَإِذَا أَنْتَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَتَيْتَهُ فَلَا تَذْكُرْ لَهُ شَيْئاً وَ لَا تُعَاتِبْهُ عَلَى مَا كَانَ مِنْهُ فَقَالَ عليه السلام هَكَذَا كَانَ عَزْمِي وَ رَأْيِي وَ اللَّهِ ثُمَّ دَعَا بِثِيَابِهِ وَ لَبِسَ وَ نَهَضَ وَ قَامَ مَعَهُ النَّاسُ أَجْمَعُونَ حَتَّى دَخَلَ عَلَى الْمَأْمُونِ فَلَمَّا رَآهُ قَامَ إِلَيْهِ وَ ضَمَّهُ إِلَى صَدْرِهِ وَ رَحَّبَ بِهِ وَ لَمْ يَأْذَنْ لِأَحَدٍ فِي الدُّخُولِ عَلَيْهِ وَ لَمْ يَزَلْ يُحَدِّثُهُ وَ يُسَامِرُهُ فَلَمَّا انْقَضَى ذَلِكَ قَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الرِّضَا عليه السلام يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ قَالَ لَكَ عِنْدِي نَصِيحَةٌ فَاقْبَلْهَا قَالَ الْمَأْمُونُ بِالْحَمْدِ وَ الشُّكْرِ فَمَا ذَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ أُحِبُّ لَكَ أَنْ لَا تَخْرُجَ بِاللَّيْلِ فَإِنِّي لَا آمَنُ عَلَيْكَ

۱- ۱. الشهری: بالکسر: ضرب من البراذین.

هَذَا الْخَلْقَ الْمَنْكُوسَ وَ عِنْدِی عَقْدٌ تُحَصِّنُ بِهِ نَفْسَکَ وَ تَحْتَرِزُ بِهِ مِنَ الشُّرُورِ وَ الْبَلَایَا وَ الْمَکَارِهِ وَ الْآفَاتِ وَ الْعَاهَاتِ کَمَا أَنْقَذَنِی اللَّهُ مِنْکَ الْبَارِحَهَ وَ لَوْ لَقِیتَ بِهِ جُیُوشَ الرُّومِ وَ التُّرْکِ وَ اجْتَمَعَ عَلَیْکَ وَ عَلَی غَلَبَتِکَ أَهْلُ الْأَرْضِ جَمِیعاً مَا تَهَیَّأَ لَهُمْ مِنْکَ شَیْ ءٌ بِإِذْنِ اللَّهِ الْجَبَّارِ وَ إِنْ أَحْبَبْتَ بَعَثْتُ بِهِ إِلَیْکَ لِتَحْتَرِزَ بِهِ مِنْ جَمِیعِ مَا ذَکَرْتُ لَکَ قَالَ نَعَمْ فَاکْتُبْ ذَلِکَ بِخَطِّکَ وَ ابْعَثْهُ إِلَیَّ قَالَ نَعَمْ قَالَ یَاسِرٌ فَلَمَّا أَصْبَحَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام بَعَثَ إِلَیَّ فَدَعَانِی فَلَمَّا سِرْتُ إِلَیْهِ وَ جَلَسْتُ بَیْنَ یَدَیْهِ دَعَا بِرَقٍّ ظَبْیٍ مِنْ أَرْضِ تِهَامَهَ ثُمَّ کَتَبَ بِخَطِّهِ هَذَا الْعَقْدَ قَالَ یَا یَاسِرُ احْمِلْ هَذَا إِلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَ قُلْ حَتَّی یُسَاقَ لَهُ قَصَبَهٌ مِنْ فِضَّهٍ مَنْقُوشٌ عَلَیْهَا مَا أَذْکُرُهُ بَعْدَهُ فَإِذَا أَرَادَ شَدَّهُ عَلَی عَضُدِهِ فَلْیَشُدَّهُ عَلَی عَضُدِهِ الْأَیْمَنِ وَ لْیَتَوَضَّأْ وُضُوءاً حَسَناً سَابِغاً وَ لْیُصَلِّ أَرْبَعَ رَکَعَاتٍ یَقْرَأُ فِی کُلِّ رَکْعَهٍ فَاتِحَهَ الْکِتَابِ مَرَّهً وَ سَبْعَ مَرَّاتٍ آیَهَ الْکُرْسِیِّ وَ سَبْعَ مَرَّاتٍ شَهِدَ اللَّهُ وَ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ الشَّمْسِ وَ ضُحَاهَا وَ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ اللَّیْلِ إِذَا یَغْشَی وَ سَبْعَ مَرَّاتٍ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَإِذَا فَرَغَ مِنْهَا فَلْیَشُدَّهُ عَلَی عَضُدِهِ الْأَیْمَنِ عِنْدَ الشَّدَائِدِ وَ النَّوَائِبِ یَسْلَمُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ یَخَافُهُ وَ یَحْذَرُهُ وَ یَنْبَغِی أَنْ لَا یَکُونَ طُلُوعُ الْقَمَرِ فِی بُرْجِ الْعَقْرَبِ وَ لَوْ أَنَّهُ غَزَا أَهْلَ الرُّومِ وَ مَلِکَهُمْ لَغَلَبَهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ بَرَکَهِ هَذَا الْحِرْزِ وَ رُوِیَ أَنَّهُ لَمَّا سَمِعَ الْمَأْمُونُ مِنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام مِنْ أَمْرِ هَذَا الْحِرْزِ هَذِهِ الصِّفَاتِ کُلَّهَا غَزَا أَهْلَ الرُّومِ فَنَصَرَهُ اللَّهُ تَعَالَی عَلَیْهِمْ وَ مَنَحَ مِنْهُمْ مِنَ الْمَغْنَمِ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَمْ یُفَارِقْ هَذَا الْحِرْزَ عِنْدَ کُلِّ غَزَاهٍ وَ مُحَارَبَهٍ وَ کَانَ یَنْصُرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِفَضْلِهِ وَ یَرْزُقُهُ الْفَتْحَ بِمَشِیَّتِهِ إِنَّهُ وَلِیُّ ذَلِکَ بِحَوْلِهِ وَ قُوَّتِهِ (۱)

الْحِرْزُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ إِلَی آخِرِهَا أَ لَمْ تَرَ

۱- ۱. روی القصه باختلاف یسیر فی سردها، القطب الراوندیّ فی الخرائج و الجرائح کما فی مختاره ص ۲۰۷ و ۲۰۸، و قد مر فی ج ۵۰ ص ۶۹- ۷۲ من تاریخ الامام محمّد الجواد علیه الصلاه و السلام، و فیه نقل کلام من صاحب کشف الغمّه ینظر فی صحه هذا الخبر، راجعه.

أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ ما فِی الْأَرْضِ وَ الْفُلْکَ تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ یُمْسِکُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَی الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُفٌ رَحِیمٌ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْوَاحِدُ الْمَلِکُ الدَّیَّانُ (۱)

یَوْمَ الدِّینِ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ بِلَا مُغَالَبَهٍ وَ تُعْطِی مَنْ تَشَاءُ بِلَا مَنٍّ وَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَ

تَحْکُمُ مَا تُرِیدُ وَ تُدَاوِلُ الْأَیَّامَ بَیْنَ النَّاسِ وَ تُرْکِبُهُمْ طَبَقاً عَنْ طَبَقٍ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَکْتُوبِ عَلَی سُرَادِقِ الْمَجْدِ وَ أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَکْتُوبِ عَلَی سُرَادِقِ السَّرَائِرِ السَّابِقِ الْفَائِقِ الْحَسَنِ الْجَمِیلِ النَّضِیرِ رَبَّ الْمَلَائِکَهِ الثَّمَانِیَهِ وَ الْعَرْشِ الَّذِی لَا یَتَحَرَّکُ وَ أَسْأَلُکَ بِالْعَیْنِ الَّتِی لَا تَنَامُ وَ بِالْحَیَاهِ الَّتِی لَا تَمُوتُ وَ بِنُورِ وَجْهِکَ الَّذِی لَا یُطْفَأُ وَ بِالاسْمِ الْأَکْبَرِ الْأَکْبَرِ الْأَکْبَرِ وَ بِالاسْمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِی هُوَ مُحِیطٌ بِمَلَکُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ بِالاسْمِ الَّذِی أَشْرَقَتْ بِهِ الشَّمْسُ وَ أَضَاءَ بِهِ الْقَمَرُ وَ سُجِّرَتْ بِهِ الْبُحُورُ وَ نُصِبَتْ بِهِ الْجِبَالُ وَ بِالاسْمِ الَّذِی قَامَ بِهِ الْعَرْشُ وَ الْکُرْسِیُّ وَ بِاسْمِکَ الْمَکْتُوبِ عَلَی سُرَادِقِ الْعَرْشِ وَ بِاسْمِکَ الْمَکْتُوبِ عَلَی سُرَادِقِ الْعِزَّهِ وَ بِاسْمِکَ الْمَکْتُوبِ عَلَی سُرَادِقِ الْعَظَمَهِ وَ بِاسْمِکَ الْمَکْتُوبِ عَلَی سُرَادِقِ الْبَهَاءِ وَ بِاسْمِکَ الْمَکْتُوبِ عَلَی سُرَادِقِ الْقُدْرَهِ وَ بِاسْمِکَ الْعَزِیزِ وَ بِأَسْمَائِکَ الْمُقَدَّسَاتِ الْمُکَرَّمَاتِ الْمَخْزُونَاتِ (۲)

فِی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ وَ أَسْأَلُکَ مِنْ خَیْرِکَ خَیْراً مِمَّا أَرْجُو وَ أَعُوذُ بِعِزَّتِکَ وَ قُدْرَتِکَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ وَ مَا لَا أَحْذَرُ یَا صَاحِبَ مُحَمَّدٍ یَوْمَ حُنَیْنٍ وَ یَا صَاحِبَ عَلِیٍّ یَوْمَ صِفِّینَ أَنْتَ یَا رَبِّ مُبِیرُ الْجَبَّارِینَ وَ قَاصِمُ الْمُتَکَبِّرِینَ أَسْأَلُکَ بِحَقِ طه وَ یس وَ الْقُرْآنِ الْحَکِیمِ وَ الْفُرْقَانِ الْحَکِیمِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَشُدَّ بِهِ عَضُدَ صَاحِبِ هَذَا الْعَقْدِ وَ أَدْرَأُ بِکَ فِی نَحْرِ کُلِّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ وَ کُلِّ شَیْطَانٍ مَرِیدٍ وَ عَدُوٍّ شَدِیدٍ وَ عَدُوٍّ مُنْکَرِ الْأَخْلَاقِ وَ اجْعَلْهُ مِمَّنْ أَسْلَمَ إِلَیْکَ نَفْسَهُ وَ فَوَّضَ إِلَیْکَ أَمْرَهُ وَ أَلْجَأَ إِلَیْکَ ظَهْرَهُ اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِی ذَکَرْتَهَا وَ قَرَأْتَهَا وَ أَنْتَ أَعْرَفُ بِحَقِّهَا مِنِّی

۱- ۱. دیان یوم الدین خ ل.

۲- ۲. المکنونات خ ل.

وَ أَسْأَلُکَ یَا ذَا الْمَنِّ الْعَظِیمِ وَ الْجُودِ الْکَرِیمِ وَلِیَّ الدَّعَوَاتِ الْمُسْتَجَابَاتِ وَ الْکَلِمَاتِ التَّامَّاتِ وَ الْأَسْمَاءِ النَّافِذَاتِ وَ أَسْأَلُکَ یَا نُورَ النَّهَارِ وَ یَا نُورَ اللَّیْلِ وَ نُورَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ نُورَ النُّورِ وَ نُوراً یُضِی ءُ بِهِ کُلُّ نُورٍ یَا عَالِمَ الْخَفِیَّاتِ کُلِّهَا فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ وَ الْجِبَالِ: وَ أَسْأَلُکَ یَا مَنْ لَا یَفْنَی وَ لَا یَبِیدُ وَ لَا یَزُولُ وَ لَا لَهُ شَیْ ءٌ مَوْصُوفٌ وَ لَا إِلَیْهِ حَدٌّ مَنْسُوبٌ وَ لَا مَعَهُ إِلَهٌ وَ لَا إِلَهَ سِوَاهُ وَ لَا لَهُ فِی مُلْکِهِ شَرِیکٌ وَ لَا تُضَافُ الْعِزَّةُ إِلَّا إِلَیْهِ وَ لَمْ یَزَلْ بِالْعُلُومِ عَالِماً وَ عَلَی الْعُلُومِ وَاقِفاً وَ لِلْأُمُورِ نَاظِماً وَ بِالْکَیْنُونِیَّهِ عَالِماً وَ لِلتَّدْبِیرِ مُحْکِماً وَ بِالْخَلْقِ بَصِیراً وَ بِالْأُمُورِ خَبِیراً أَنْتَ الَّذِی خَشَعَتْ لَکَ الْأَصْوَاتُ وَ ضَلَّتْ فِیکَ الْأَوْهَامُ (۱)

وَ ضَاقَتْ دُونَکَ الْأَسْبَابُ وَ مَلَأَ کُلَّ شَیْ ءٍ نُورُکَ وَ وَجِلَ کُلُّ شَیْ ءٍ مِنْکَ وَ هَرَبَ کُلُّ شَیْ ءٍ إِلَیْکَ وَ تَوَکَّلَ کُلُّ شَیْ ءٍ عَلَیْکَ وَ أَنْتَ الرَّبِیعُ فِی جَلَالِکَ وَ أَنْتَ الْبَهِیُّ فِی جَمَالِکَ وَ أَنْتَ الْعَظِیمُ فِی قُدْرَتِکَ وَ أَنْتَ الَّذِی لَا یُدْرِکُکَ شَیْ ءٌ وَ أَنْتَ الْعَلِیُّ الْکَبِیرُ الْعَظِیمُ وَ مُجِیبُ الدَّعَوَاتِ قَاضِی الْحَاجَاتِ مُفَرِّجُ الْکُرُبَاتِ وَلِیُّ النَّقِمَاتِ (۲)

یَا مَنْ هُوَ فِی عُلُوِّهِ دَانٍ وَ فِی دُنُوِّهِ عَالٍ وَ فِی إِشْرَاقِهِ مُنِیرٌ وَ فِی سُلْطَانِهِ قَوِیٌّ وَ فِی مُلْکِهِ عَزِیزٌ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ احْرُسْ صَاحِبَ هَذَا الْعَقْدِ وَ هَذَا الْحِرْزِ وَ هَذَا الْکِتَابِ بِعَیْنِکَ الَّتِی لَا تَنَامُ وَ اکْنُفْهُ (۳)

بِرُکْنِکَ الَّذِی لَا یُرَامُ وَ ارْحَمْهُ بِقُدْرَتِکَ عَلَیْهِ فَإِنَّهُ مَرْزُوقُکَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ الَّذِی لَا صَاحِبَهَ لَهُ وَ لَا وَلَدَ بِسْمِ اللَّهِ قَوِیِّ الشَّأْنِ عَظِیمِ الْبُرْهَانِ شَدِیدِ السُّلْطَانِ مَا شَاءَ اللَّهُ کَانَ وَ مَا لَمْ یَشَأْ لَمْ یَکُنْ أَشْهَدُ أَنَّ نُوحاً رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّ إِبْرَاهِیمَ

خَلِیلُ اللَّهِ وَ أَنَّ مُوسَی کَلِیمُ اللَّهِ وَ نَجِیُّهُ وَ أَنَّ عِیسَی ابْنَ مَرْیَمَ (۴)

رُوحُ اللَّهِ وَ کَلِمَتُهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ وَ أَنَّ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله خَاتَمُ النَّبِیِّینَ لَا نَبِیَّ بَعْدَهُ

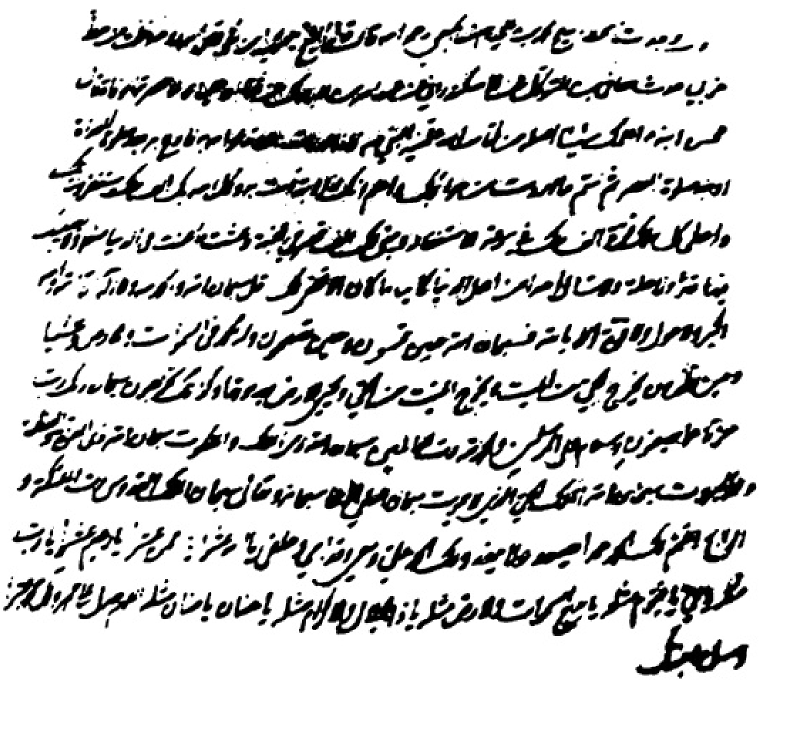
۱- ۱. الاحلام خ ل.

۲- ۲. النعمات خ ل.

۳- ۳. و اکنفنی خ ل.

۴- ۴. و أن عیسی بن مریم صلوات اللّه علیه و علیهم أجمعین کلمته و روحه خ.

وَ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ السَّاعَهِ الَّتِی یُؤْتَی فِیهَا بِإِبْلِیسَ اللَّعِینِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ یَقُولُ اللَّعِینُ فِی تِلْکَ السَّاعَهِ وَ اللَّهِ مَا أَنَا مُهَیِّجُ مَرَدَهٍ اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْقَاهِرُ(۱) وَ هُوَ الْغَالِبُ لَهُ الْقُدْرَهُ السَّابِقَهُ وَ هُوَ الْحَکِیمُ الْخَبِیرُ اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُکَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ کُلِّهَا وَ صِفَاتِهَا وَ صُورَتِهَا وَ هِیَ



سُبْحَانَ اللَّهِ الَّذِی خَلَقَ الْعَرْشَ وَ الْکُرْسِیَّ وَ اسْتَوَی عَلَیْهِ أَسْأَلُکَ أَنْ تَصْرِفَ عَنْ صَاحِبِ کِتَابِی هَذَا کُلَّ سُوءٍ وَ مَحْذُورٍ فَهُوَ عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدِکَ وَ ابْنُ أَمَتِکَ وَ أَنْتَ مَوْلَاهُ فَقِهِ اللَّهُمَّ یَا رَبِّ ادْفَعْ عَنْهُ الْأَسْوَاءَ کُلَّهَا وَ اقْمَعْ عَنْهُ أَبْصَارَ الظَّالِمِینَ وَ أَلْسِنَهَ الْمُعَانِدِینَ وَ الْمُرِیدِینَ لَهُ السُّوءَ وَ الضَّرَّ وَ ادْفَعْ عَنْهُ کُلَّ مَحْذُورٍ وَ مَخُوفٍ وَ أَیُّ عَبْدٍ مِنْ عَبِیدِکَ أَوْ أَمَهٍ مِنْ إِمَائِکَ أَوْ سُلْطَانٍ مَارِدٍ أَوْ شَیْطَانٍ أَوْ شَیْطَانَهٍ أَوْ جِنِّیٍّ أَوْ جِنِّیَّهٍ أَوْ غُولٍ أَوْ غُولَهٍ أَرَادَ صَاحِبَ کِتَابِی هَذَا بِظُلْمٍ أَوْ ضَرٍّ أَوْ مَکْرٍ أَوْ مَکْرُوهٍ أَوْ کَیْدٍ أَوْ خَدِیعَهٍ أَوْ نِکَایَهٍ أَوْ سِعَایَهٍ أَوْ فَسَادٍ أَوْ غَرَقٍ أَوِ اصْطِلَامٍ أَوْ عَطَبٍ أَوْ مُغَالَبَهٍ أَوْ غَدْرٍ أَوْ قَهْرٍ أَوْ هَتْکِ سِتْرٍ أَوِ اقْتِدَارٍ أَوْ آفَهٍ أَوْ عَاهَهٍ أَوْ قَتْلٍ أَوْ حَرَقٍ أَوِ انْتِقَامٍ أَوْ قَطْعٍ أَوْ سِحْرٍ أَوْ مَسْخٍ أَوْ مَرَضٍ أَوْ سُقْمٍ أَوْ بَرَصٍ أَوْ جُذَامٍ أَوْ بُؤْسٍ أَوْ فَاقَهٍ أَوْ آعَهٍ أَوْ سَغَبٍ أَوْ عَطَشٍ أَوْ وَسْوَسَهٍ أَوْ نَقْصٍ فِی دِینٍ أَوْ مَعِیشَهٍ فَاکْفِنِیهِ بِمَا شِئْتَ وَ کَیْفَ شِئْتَ وَ أَنَّی شِئْتَ إِنَّکَ عَلی کُلِ

۱- ۱. و هو القادر و هو الظاهر خ.

شَيْ ءٍ قَدِيرٌ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ فَأَمَّا مَا يُنْقَشُ عَلَى هَذِهِ الْقَصَبَةِ مِنْ فِضَّةٍ غَيْرِ مَغْشُوشَةٍ يَا مَشْهُوراً فِي السَّمَاوَاتِ يَا مَشْهُوراً فِي الْأَرَضِينَ يَا مَشْهُوراً فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ جَهَدَتِ الْجَبَابِرَهُ وَ الْمُلُوكُ عَلَى إِطْفَاءِ نُورِكَ وَ إِخْمَادِ ذِكْرِكَ فَأَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَكَ وَ يَبُوحَ بِذِكْرِكَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَ رَأَيْتُ فِي نُسْخَةٍ وَ أَبَيْتَ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَكَ أَقُولُ وَ أَمَّا قَوْلُهُ فَأَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَكَ لَعَلَّهُ نُورَكَ أَيُّهَا الِاسْمُ الْأَعْظَمُ الْمَكْتُوبُ فِي هَذَا الْحِرْزِ بِصُورَهِ الطِّلِسْمِ وَ وَجَدْتُ فِي الْجُزْءِ الثَّالِثِ مِنْ كِتَابِ الْوَاحِدِ أَنَّ الْمُرَادَ بِقَوْلِهِ يَا مَشْهُوراً فِي السَّمَاوَاتِ إِلَى آخِرِهِ هُوَ مَوْلَانَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام.

حِرْزٌ آخَرُ لِلتَّقِيِّ عليه السلام بِغَيْرِ تِلْكَ الرِّوَايَهِ: يَا نُورُ يَا بُرْهَانُ يَا مُبِينُ يَا مُنِيرُ يَا رَبِّ اكْفِنِي الشُّرُورَ وَ آفَاتِ الدُّهُورِ وَ أَسْأَلُكَ النَّجَاهَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ(۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات حرز محمد بن علی جواد علیه السلام: حکیمه دختر محمد بن علی بن موسی علیهم السلام هنگامی که محمد بن علی رضا علیه السلام از دنیا رفت گفت به نزد همسر او ام عیسی دختر مأمون رفتم و به او تسلیت گفتم و دیدم که بسیار غمگین است و جزع و فزع میکند و نزدیک است که از شدت گریه و شیون خودش را بکشد. من ترسیدم زهره‌اش بترکد. پس در همان حال که ما مشغول صحبت کردن بودیم و اخلاق نیک و کرم او را و آنچه را که خداوند از شرف و اخلاص به او داده است و آنچه که از عزت و کرامت به او داده است توصیف میکردیم، ام عیسی گفت : آیا میخواهی به تو از چیز بزرگ و عجیبی خبر دهم که ماورای توصیف و اندازه است؟ من پرسیدم که آن چیز چیست؟ او گفت که من نسبت به او بسیار غیرت داشتم و بسیار مراقب او بودم و گاهی چیزی می شنیدم و من از این موضوع به پدرم شکایت میبردم و او به من گفت که ای دخترم تحمل کن که او تکه ای از جان رسول الله است. روزی نشسته بودم که کنیزی به نزد من آمد و به من سلام کرد من گفتم تو کیستی؟ گفت من کنیزی از فرزندان عماربن یاسر هستم و همسر ابو جعفر محمد بن علی رضا، شوهر تو

هستم. در اینجا حس غیرت و حسادت به من دست داد که قادر به تحمل آن نبودم. قصد کردم که از آنجا بیرون روم و در شهرها سرگردان شوم و شیطان هم مرا وسوسه میکرد که به آن زن آسیبی برسانم. اما خشم خود را فرو بردم و به او نیکی کردم و بر تن او لباسی پوشاندم .

وقتی آن زن از نزد من رفت، برخاستم و به نزد پدرم رفتم و این خبر را به او رساندم در حالیکه او مست بود و عقل خود را به کلی از دست داده بود. او به من گفت ای غلام شمشیری میخواهم شمشیر را برای او آوردند و او سوار بر مرکب خود شد و گفت به خدا سوگند که او را خواهم کشت. من وقتی این موضوع را دیدم گفتم: همه از آن خداییم و به سوی او باز میگردیم. من با خودم و همسرم چه کردم؟ و شروع به سیلی زدن به صورت خود کردم. پدرم به نزد او رفت و همچنان داشت با شمشیر ضربه میزد تا اینکه او را قطعه قطعه کرد و بعد از نزد او رفت و من هم از پشت سر او گریختم. و آن شب را تا صبح نخوابیدم. وقتی ظهر شد به نزد پدرم رفتم و به او گفتم آیا میدانی که دیشب چه کردی؟ گفت چه کردم؟ گفتم ابن رضا را کشتی. چشمانش برقی زد و بیهوش شد و پس از مدتی هوشیاری او بازگشت و گفت وای بر تو چه میگویی؟ گفتم بله به خدا سوگند ای پدر که به نزد او رفتم و آنقدر او را باشمشیر زدی که او را کشتی او از این گفته من مضطرب شد و گفت یاسر خادم را به نزد من بیاورید. یاسر آمد و مأمون به او نگاهی انداخت گفت وای بر تو اینها چیست که دختر من میگوید؟ خادم گفت که دختر شما راست میگوید. او با دست خود به سینه و گونه اش اش زد و گفت: همه ما از آن خداییم و به سوی خدا باز میگردیم. به خدا سوگند که هلاک گشتیم و نابود شدیم و تا روز قیامت رسوا شدیم. وای بر تو ای یاسر ببین که ماجرا از چه قرار است و خیلی زود خبر آن را برایم بیاور که نزدیک است همین الان جانم از تن به در رود.

یاسر بیرون رفت و من به صورت خود ضربه میزدم و خیلی زود بازگشت و گفت مژده ای امیر مومنان! گفتم بشارت بر تو باد جریان چیست؟ یاسر گفت که به نزد او رفتم درحالیکه او نشسته بود و پیراهنی به تن داشت و بر روی آن کمربندی بسته شده بود. اومسواک میکرد و من به او سلام کردم و گفتم ای فرزند رسول خدا دوست دارم که این پیراهن را به من ببخشی تا با آن نماز بخوانم و به آن تبرک بجویم و منظور من از آن کار این بود که ببینم آیا اثری از زخم شمشیر بر بدن او هست یا نه. به خدا سوگند که بدن او همچون عاج سفیدی بود که کمی زردی به آن رسیده بود و هیچ اثر و ردی بر آن نبود .

مامون بسیار گریه کرد و گفت: پس دراین صورت دیگر حرفی برای گفتن باقی نمی ماند. این عبرتی است برای اولین و آخرین. و گفت ای یاسر من همین قدر به یاد می آورم که شمشیر را برداشته و بر او وارد شدم و بعد هم از نزد او بیرون شدم. و چیزی غیر از آن یادم نیست. و اینکه به مجلس خود بازگشته و از چگونگی رفتنم به سوی او چیزی به یاد ندارم. لعنت بسیار خداوند بر این دختر باد. پس به نزد آن دختر برو و به او بگو که پدرت گفت به خدا سوگند که از این روز به بعد اگر بار دیگربه نزد من آیی و از او شکایت کنی و یا بدون اجازه او به جایی بروی، انتقام او را از تو خواهم گرفت. سپس به نزد ابن رضا برو و سلام مرا به او برسان و بیست هزار دینار برای او ببر و مرکبی را که شب گذشته بر آن سوار بودم به او ببخش. سپس بعد از آن به هاشمی‌ها دستور داد که به نزد او بروند و به او سلام گویند.

یاسر گفت که من این دستور را به آنها دادم و خود نیز به همراه آنان رفتم و به او سلام کردم و سلام بقیه را نیز رساندم و مالی را که به همراه داشتم به او دادم و مرکب را نیز به او بخشیدم. او دقایقی به آن نگاه کرد و لبخند زد و گفت: ای یاسر پیمان بین ما و بین پدرم و او همین بود تا وقتی که با شمشیر به من حمله کرد آیا نمی دانست که من یاورانی دارم و کسانی دارم که از من در برابر او دفاع کنند؟ گفتم ای سرور من، ای فرزند رسول خدا، ماجرا را فراموش کن به خدا سوگند و به حق جد تو رسول الله که او از کار خود آگاه نبود و نمیدانست که کجاست. او برای خدا نذر راستینی کرد و سوگند یاد کرد که از آن زمان به بعد دیگر هیچگاه مست نشود که این یکی از دامهای شیطان است. پس ای رسول الله وقتی تو به سوی او رفتی، چیزی را به یاد او نیاور و او را به خاطر کارهایش سرزنش نکن. اوگفت که من خود نیز همین تصمیم را داشتم.

سپس دستور داد که لباسهایش را برای او بیاورند. و برخاست و همه مردم هم با او برخاستند. سپس به نزد مأمون آمد و مامون وقتی او را دید، به سوی او رفت و او را به سینه اش چسباند و به او خوشامد گفت و به هیچکس اجازه ورود نداد و همچنان با او صحبت میکرد .

وقتی از صحبت فارغ شد، ابو جعفر محمد بن علی رضا به او گفت ای امیر مومنان! پاسخ داد بله گفت: نصیحتی به تو میکنم و تو آن را بپذیر. مأمون گفت با کمال میل. ای فرزند رسول خدا آن نصیحت چیست؟ گفت دوست ندارم که شب به جایی بروی چون از این مردم پیمان شکن احساس خطر میکنم و من دعایی بلدم که به واسطه آن خود را در امان میداری و از شرها و بلایا و مکرها و آفات و مصایب ایمنی. همانطور که خداوند در شب گذشته مرا نجات داد و اگر با این دعا به جنگ سپاه روم و ترک و همه اهل زمین بروی به اذن خداوند قاهر باز هم شکست نخواهی خورد و اگر دوست داشته باشی آن حرز را برایت میفرستم تا از همه چیزهایی که گفتم در امان بمانی. گفت بله آن ذکر را با خط خودت بنویس و برایم بفرست. او هم قبول کرد.

یاسر گفت که وقتی صبح شد ابو جعفر فردی را به نزد من فرستاد و و مرا به نزد خود خواند. وقتی به نزد او رفتم و در مقابلش نشستم، پوست آهویی از سرزمین تهامه طلب کرد و سپس با خط خود این حرز را بر رویش نوشت. و گفت ای یاسر این ذکر را به نزد امیر مومنان ببر و بگو که این ذکر را برایش بر روی قطعه ای از نقره حکاکی کند. و اگر خواست آن را به بازویش ببندد، باید آن ذکر را به بازوی راستش ببندد و وضو بسازد و چهار رکعت نماز گزارد و در هر رکعت یک بار سوره حمد و هفت بار آیه الکرسی را بخواند و هفت بار آیه شهد الله و هفت بار سوره شمس و هفت بار و اللیل إذا یغشی و هفت بار قل هو الله أحد را بخواند و وقتی این اذکار به پایان رسید، در هنگام بلایا و سختیها آن را به بازوی راست خود ببندد تابه حول و قوت خدا از هر آنچه که میترسد در امان بماند و شایسته است که در آن هنگام قمر در عقرب نباشد و در این هنگام حتی اگر به جنگ سپاه روم هم بروی، به اذن خدا و برکت این حرز بر آنها غلبه خواهی کرد.

روایت شده است که وقتی مأمون ماجرای این حرز و خواصش را از ابو جعفر شنید، به جنگ سپاه روم رفت و خداوند او را بر آنها پیروز گردانید و غنایم بسیاری را به آنها داد. و مأمون همیشه در هر جنگی این حرز را به همراه داشت و خداوند به فضل خود او را یاری میکرد و به اراده خود او را پیروز میگردانید. همه اینها با حول و قوه خداوند صورت میگیرد. متن حرز از این قرار است:

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر. شکر و سپاس برای پروردگار جهانیان است تا پایان سوره. آیا ندیدی که خداوند هر آنچه را که در زمین

است مسخر شما نمود؟ و کشتی به امر او در دریا شناور است و اوست که حافظ آسمانهاست تا بر روی زمین نیفتد مگر به اذن او. خداوند نسبت به مومنان رؤوف و رحیم است. خداوندا تو یکتایی و پادشاهی و صاحب روز قیامت هستی و هر چه بخواهی انجام میدهی و هیچکس بر تو غلبه نمیکند و به هر کس بخواهی بدون منت میدهی و هر چه بخواهی میکنی و هر حکمی بخواهی میدهی و روزها را بر مردم میگذرانی و نسل به نسل آنها را بر روی زمین می آوری.

از تو میخواهم که به حق نام ثبت شده خود بر سراپرده مجد و بزرگی و اسم ثبت شده تو بر سراپرده اسرار که پیروز زیبا و نیکو و شاداب است، ای پروردگار هشت فرشته و عرشی که حرکت نمیکند و از تو میخواهم به حق چشمی که نمیخوابد و عمری که تمام نمیشود و به نور روی تو که خاموشی ندارد و به اسم بزرگ بزرگ بزرگ و اسم اعظم اعظم اعظمی که بر ملکوت آسمان و زمین احاطه دارد و به اسمی که خورشید به واسطه آن تابندگی یافت و ماه نورانی گشت و دریاها ژرف گردید و کوهها منصوب گشت و به اسمی که عرش و کرسی به آن قوام یافت و به اسم تو که بر سراپرده عرش نوشته شده است و اسم تو که بر سراپرده عزت و عظمت بهاء و قدرت نوشته شده است و به اسم عزیز تو و به اسم های مقدس و صاحب کرامت تو که در گنجینه علم غیبت مخزون گشته اند.

از خیر تو بهترین آنچه را که امید دارم میخواهم و از شر آنچه که از آن ترس و واهمه دارم و آنچه که نمیترسم به تو پناه میبرم ای یاور محمد صلی الله علیه و آله در روز حنین و ای یاور علی علیه السلام در روز صفین ای پروردگار که در هم شکننده ستمگران و در هم کوبنده متکبران، از تو میخواهم به حق طه و یس و القرآن الحکیم و الفرقان الحکیم بر محمد و آل محمد درود بفرستی و به واسطه او صاحب این حرز را نیرومند گردانی و از تو میخواهم که به قدرت خود گردن هر ستمگر و جباری و هر شیطان رانده شده‌ای و دشمن سرسخت و زیرپاگذارنده اخلاقیات را در برار من پایین بیاوری و او را از کسانی قرار ده که خود را در برابر تو تسلیم کرده‌اند و امر خود را به تو واگذاره‌اند و به تو پناه آورده‌اند. خداوندا به حق این اسم هایی که ذکر کردم و آن را خواندم و تو حق آن را بهتر از من میدانی از تو میخواهم ای صاحب منّتهای فراوان و بخشندگی بسیار و برآورنده دعاها و صاحب کلمات تامه و اسمهای نافذ، از تو میخواهم ای روشنایی روز و ای نور شب و ای نور آسمان و زمین و ای نور النور و ای نوری که همه چیز به واسطه آن روشنایی می یابد ای دانای غیبهای دریا و خشکی و زمین و آسمان و کوهها.

و از تو میخواهم ای کسی که پایان نمیپذیرد و نابود نمیگردد و از بین نمیرود و هیچ صفتی ندارد و هیچ اندازه و حدی ندارد و هیچ معبودی جز او نیست و هیچ شریکی در خدایی ندارد و عزت فقط خاص اوست و او همواره عالم به علوم است و به همه امور آگاه است و نظم دهنده کارها و عالم هستی است و مدبر امور است و بینای خلق است و نسبت به همه چیز داناست.

تو همان کسی هستی که صداها در برابر تو پایین می‌آید و وهمها عظمت تو را درک نمیکنند و راهها به سوی تو بسته است و نور تو همه چیز را پر کرده است و همه چیز در برابر تو خاشع و خاضع است و همه به سوی تو میگریزند و همه به تو توکل دارند و تو درجلال و جبروت خود بلند مرتبه هستی و در زیبایی خود گرانی و در قدرت خود عظیمی و هیچ کس تو را درک نمیکند و تو بزرگ و عظیم هستی و اجابت کننده دعاهایی و برآورنده حاجاتی و گشاینده سختی هایی و از بین برنده بلایایی.

ای کسی که در عین بزرگی متواضعی و در عین تواضع بزرگی و بسیار نورانی هستی و در سلطنت خود قوی هستی و عزت داری. بر محمد و آل او درود فرست و صاحب این حرز و این نامه را نگه دار با چشمت که هرگز نمیخوابد و او را نگه دار با ستون خود که نابود نمی شود . با قدرت خود به او رحم کن که او روزی خوار توست .

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر به نام خدا و به خدایی که هیچ همسر و فرزندی ندارد به نام خداوند قدرتمند عظیم صاحب شان، خداوند ی که صاحب براهین قوی و سلطنت محکم است. هر آنچه که خدا بخواهد به تحقق میرسد و هر چه که نخواهد اتفاق نمی افتد. گواهی میدهم که نوح پیامبر خداست و ابراهیم خلیل الله است و موسی کلیم الله است و عیسی پسر مریم روح الله و کلمه خداوند است. صلوات و درود خدا

بر او و بر همه آنها و محمد خاتم پیامبران است و هیچ پیامبری پس از او نیست.

و از تو میخواهم به حق ساعتی که در روز قیامت ابلیس لعین آورده میشود و آن لعین در آن روز میگوید که به خدا سوگند که من فریب دهنده بندگان نبوده ام. خدا نور آسمانها و زمین است و او قاهر و غالب است و قدرت همیشگی دارد و او حکیم و آگاه است. خداوندا از تو میخواهم که به حق این نامها و صفات آن و تصویر آن که چنین است:

منزه است خداوندی که عرش و کرسی را آفرید و بر آن استوار شد از تو میخواهم که از صاحب این نامه هر بدی و ترسی را دور کنی او بنده توست و پسر بنده توست و فرزند امت توست. و تو مولای او هستی پس او را نگهدار.

ای پروردگار، بدیها را از او دور کن و چشم ستمگران را از او برگردان و زبان دشمنان را از او قطع کن و کسانی که برای او بد میخواهند و هر ترس و هراسی را از او دور کن و شر هر مرد و زن و هر پادشاه ستمگر و شیطان و جن و غول ی که قصد ظلم به صاحب این نامه را داشته باشد و قصد ضرر رساندن یا حیله و فریب یا سخن چینی و بدخواهی یا فساد یا غرق کردن یا غارت یا شکست دادن یا نیرنگ یا افشای راز یا آفت و بلا و قتل و سوزاندن و انتقام و قطع و جادو و سحر و بیماری و پیسی و برص و جذام و فقر و تنگدستی و تشنگی و وسوسه و نقص در دین و معیشت و او را با هر آنچه که خواستی کفایت کن و هرگونه که خواستی و هر کجا که خواستی. تو بر هر چیز توانایی و سلام و درود خدا بر سید ما محمد و آل او و هیچ نیرویی جز قدرت خداوند نیست. و سپاس برای پروردگار عالمیان است.

و اما آنچه که بر روی این قطعه از نقره خالص نوشته شده است: ای کسی درآسمانها و زمین شناخته شده‌ای. ای کسی که در دنیا و آخرت همه تو را میشناسند. ستمگران و پادشاهان همواره سعی داشتند که نور تو را خاموش کنند و ذکر و یاد و را از خاطر ببرند. پس خداوند نور تو را تمام گردانید و نام تو را بر همه زبانها انداخت، حتی اگر مشرکان با آن مخالف باشند.

و در نسخه ای دیگر دیدم که چنین نوشته شده بود: و او اراده کرد که نور تو را تمام گرداند.

می گویم: و اما قول او که گفت «خداوند خواست که نور تو را تمام گرداند» شاید - منظور از تو این باشد : - ای اسم اعظم نوشته شده در این حرزکه به صورت طلسم است.

و در جزء سوم یک کتاب یافتم که مراد از این قول این است که ای کسی که در آسمانها مشهور هستی... تا پایان ذکر، او مولای ما امیر مومنان علی بن ابی طالب علیه السلام است.

حرز دیگری که متعلق به امام نهم است با روایتی دیگر: ای نور، ای برهان، ای روشنگر، ای نورانی ، ای پروردگار! مرا از شرور باز دار و از آفات روزگار در امان بدار. از تو نجات و پیروزی میخواهم در روزی که در صور دمیده میشود - . مهج الدعوات: ۴۴۰۵۲[۱] - .

**[ترجمه]

باب ۴۸ بعض أدعیه الهادی و أحرازه و عوذاته صلوات الله و سلامه علیه

الأخبار

«۱»

مهج، [مهج الدعوات] حِرْزٌ لِمَوْلَانَا عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ التَّقِیِّ علیه السلام عَلِیُّ بْنُ عَبْدِ الصَّمَدِ عَنْ عِدَّهٍ مِنْ أَصْحَابِهِ مِنْهُمْ جَدُّهُ عَنْ أَبِیهِ أَبِی الْحَسَنِ عَنْ شَیْخِ الطَّائِفَهِ قَالَ وَ أَخْبَرَنِی الْحُسَیْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ طَحَّالٍ الْمِقْدَادِیُّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ بَابَوَیْهِ عَنْ شَیْخِ الطَّائِفَهِ عَنْ جَمَاعَهٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عَنْ

أَبِی الْمُفَضَّلِ الشَّیْبَانِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ الْعَلَوِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَبْدِ الْعَظِیمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِیِّ: أَنَ

ص: ۳۶۱

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۴۴- ۵۲.

أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الرِّضَا عليهما السلام كَتَبَ هَذِهِ الْعُوذَهَ لِابْنِهِ أَبِی الْحَسَنِ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام وَ هُوَ صَبِیٌّ فِی الْمَهْدِ وَ كَانَ يُعَوِّذُهُ بِهَا وَ يَأْمُرُ أَصْحَابَهُ بِهَا الْحِرْزُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَلَائِكَهِ وَ الرُّوحِ وَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ قَاهِرَ مَنْ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ وَ خَالِقَ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ مَالِكَهُ كُفَّ عَنَّا بَأْسَ أَعْدَائِنَا وَ مَنْ أَرَادَ بِنَا سُوءاً مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ أَعْمِ أَبْصَارَهُمْ وَ قُلُوبَهُمْ وَ اجْعَلْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ حِجَاباً وَ حَرَساً وَ مَدْفَعاً إِنَّكَ رَبُّنَا لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ لَنَا إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْهِ أَنَبْنَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَهً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ رَبَّنَا عَافِنَا مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّهٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا وَ مِنْ شَرِّ مَا يَسْكُنُ فِی اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِی شَرٍّ رَبَّ الْعَالَمِينَ وَ إِلَهَ الْمُرْسَلِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ وَ أَوْلِيَائِكَ وَ خُصَّ مُحَمَّداً وَ آلَهُ أَجْمَعِينَ بِأَتَمِّ ذَلِكَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ أُومِنُ بِاللَّهِ وَ بِاللَّهِ أَعُوذُ وَ بِاللَّهِ أَعْتَصِمُ وَ بِاللَّهِ أَسْتَجِيرُ وَ بِعِزَّهِ اللَّهِ وَ مَنَعَتِهِ أَمْتَنِعُ مِنْ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ وَ رَجِلِهِمْ وَ خَيْلِهِمْ وَ رَكْضِهِمْ وَ عَطْفِهِمْ وَ رَجْعَتِهِمْ وَ كَيْدِهِمْ وَ شَرِّهِمْ وَ شَرِّ مَا يَأْتُونَ بِهِ تَحْتَ اللَّيْلِ وَ تَحْتَ النَّهَارِ مِنَ الْقُرْبِ وَ الْبُعْدِ وَ مِنْ شَرِّ الْغَائِبِ وَ الْحَاضِرِ وَ الشَّاهِدِ وَ الزَّائِرِ أَحْيَاءً وَ أَمْوَاتاً أَعْمَى وَ بَصِيراً وَ مِنْ شَرِّ الْعَامَّهِ وَ الْخَاصَّهِ وَ مِنْ شَرِّ نَفْسٍ وَ وَسْوَسَتِهَا وَ مِنْ شَرِّ الدَّنَاهِشِ وَ الْحِسِّ وَ اللَّمْسِ وَ اللَّبْسِ وَ مِنْ عَيْنِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ بِالاسْمِ الَّذِی اهْتَزَّ بِهِ عَرْشُ بِلْقِيسَ وَ أُعِيذُ دِينِی وَ نَفْسِی وَ جَمِيعَ مَا تَحُوطُهُ عِنَايَتِی مِنْ شَرِّ كُلِّ صُورَهٍ أَوْ خَيَالٍ أَوْ بَيَاضٍ أَوْ سَوَادٍ أَوْ تِمْثَالٍ أَوْ مُعَاهَدٍ أَوْ غَيْرِ مُعَاهَدٍ مِمَّنْ يَسْكُنُ الْهَوَاءَ وَ السَّحَابَ وَ الظُّلُمَاتِ وَ النُّورَ وَ الظِّلَّ وَ الْحَرُورَ وَ الْبَرَّ وَ الْبُحُورَ وَ السَّهْلَ وَ الْوُعُورَ وَ الْخَرَابَ وَ الْعُمْرَانَ وَ الْآكَامَ وَ الْآجَامَ وَ الْغِيَاضَ وَ الْكَنَائِسَ وَ النَّوَاوِيسَ وَ الْفَلَوَاتِ وَ الْجَبَّانَاتِ وَ مِنْ شَرِّ الصَّادِرِينَ وَ الْوَارِدِينَ مِمَّنْ يَبْدُو بِاللَّيْلِ وَ يَسْتَتِرُ بِالنَّهَارِ وَ بِالْعَشِیِّ وَ الْإِبْكَارِ وَ الْغُدُوِّ وَ الْآصَالِ وَ الْمُرِيبِينَ وَ الْأَسَامِرِهِ وَ الْأَفَاتِرِهِ وَ الْفَرَاعِنَهِ وَ الْأَبَالِسَهِ وَ مِنْ

جُنُودِهِمْ وَ أَزْوَاجِهِمْ وَ عَشَائِرِهِمْ وَ قَبَائِلِهِمْ وَ مِنْ هَمْزِهِمْ وَ لَمْزِهِمْ وَ نَفْثِهِمْ وَ وِقَاعِهِمْ وَ أَخْذِهِمْ وَ سِحْرِهِمْ وَ ضَرْبِهِمْ وَ عَيْثِهِمْ وَ لَمْحِهِمْ وَ احْتِيَالِهِمْ وَ اخْتِلَافِهِمْ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِی شَرٍّ مِنَ السَّحَرَهِ وَ الْغِيلَانِ وَ أُمِّ الصِّبْيَانِ وَ مَا وَلَدُوا وَ مَا وَرَدُوا وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِی شَرٍّ دَاخِلٍ وَ خَارِجٍ وَ عَارِضٍ وَ مُتَعَرِّضٍ وَ سَاكِنٍ وَ مُتَحَرِّكٍ وَ ضَرَبَانِ عِرْقٍ وَ صُدَاعٍ وَ شَقِيقَهٍ وَ أُمِّ مِلْدَمٍ وَ الْحُمَّى وَ الْمُثَلَّثَه وَ الرِّبْعِ

وَ الْغِبِّ وَ النَّافِضَهِ وَ الصَّالِبَهِ وَ الدَّاخِلَهِ وَ الْخَارِجَهِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّهٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: حرز مولای ما امام علی بن محمد تقی علیه السلام: از عبد العظیم بن عبدالله الحسنی نقل است که ابو جعفر محمد بن علی الرضا علیه السلام این حرز را برای پسرش ابو الحسن علی بن محمد علیه السلام که کودکی در گهواره بود نوشت و به وسیله این حرز فرزند خود را از بلایا در امان نگه می‌داشت و به یاران خود نیز دستور می‌داد که از آن استفاده کنند. متن این حرز این بود:

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر. هیچ نیرو و توانی جز به خداوند بزرگ متعال نیست. خداوندا، ای پروردگار فرشتگان و روح و پیامبران و فرستاده شدگان و ای چیره و پیروز بر هر کسی که در آسمان‌ها و زمین است و ای آفریننده هر چیز و مالک همه چیز، ای پروردگار یکتا دشمنی دشمنان و بدخواهان انس و جن را از ما دور نگه دار و چشم‌ها و دل‌های آنان را کور بگردان و بین ما و آنان حجابی قرار ده و شر آنان را از ما دور بگردان. تو پروردگار ما هستی و هیچ نیرو و توانی جز در نزد خداوند نیست. بر او توکل می‌کنیم و به سوی او باز می گردیم و سرنوشت همه به سوی اوست. ای پروردگار ما، ما را مایه آزمایش کافران قرار مده و ما را ببخش و بیامرز که تو عزیز و حکیم هستی. پروردگارا ما را از هر بدی و از شر هر جانداری که اختیار آن در دست توست در امان نگه دار ، و نیز از شر آنانکه در شب زندگی می کنند و آنان که در روز ، و نیز از شر هر دارای شری .

ای پروردگار جهانیان و ای خداوند پیامبران، بر محمد و آل او و دیگر اولیاءت درود فرست و پیامبر اکرم و آل او را به کاملترین درود و سلام اختصاص بده و هیچ نیرو و توانی جز خداوندمتعال نیست .

به نام خدا و پناه می‌برم به خدا و از او امان می‌خواهم و به عزت و بزرگی خدا از خود دور می‌کنم شر شیاطین انس و جن و سپاهیان پیاده و سواره آنها و حمله بردنشان و بازگشتشان و مکرشان و شر آنها و شر هر کاری را که در شب و روز انجام می‌دهند از نزدیک و دور، از شر حاضر و غایب و آنکه هست و آنکه در سفر است و زنده ومرده و کور و بینا و عام و خاص و از شر نفس و وسوسه آن و از شر جن‌هاو تماس با آنان و مشتبه شدن امر بر من در رابطه با آنان و از چشم انس و جن و به اسمی که عرش بلقیس با آن لرزید؛

دینم و خودم و جمیع چیزهایی را که پیرامونم هست، از شر هرگونه خیال یا تصور یا سفید و سیاهی و هر هیبتی، یا هم پیمان و غیر هم پیمان و از هر آنکس که در هوا و ابر و تاریکی و نور و سایه و آفتاب و خشکی و دریا و دشت و تپه و خرابه و آبادی و بیشه و جنگل و برکه و کلیسا و گورستان و دشتها و بیابان‌ها زندگی می‌کند و از شر هر کسی که می‌آید و هر کسی که می‌رود و هرکسی که در شب خود را نمایان می‌.. کند و در روز خود را پنهان می‌کند. در هنگام غروب و صبح، هنگام شامگاه و صبحگاه ما را در امان نگه دار از شر ترسانندگان و جادوگران و شیطان‌ها و فرعون‌ها و ابلیس‌ها و از سپاهیان آنها و همسرانشان و قوم و قبیله آنان و از آسیب رساندن و لطمه زدن آنان و جادوی آنها و کوباندن آنها و گرفتن وسحرشان و زدنشان و نابود کردنشان و تهدیدشان و حیله گریشان و رفت و آمدشان و ازشر هر شر رسانی از جادوگران و غول‌ها و ام صبیان و همه فرزندانشان و هرجا که وارد شدند. و از شر هر شر رسانی که داخل و یا خارج است، عارض و متعرض و ساکن و متحرک است و از هر درد و مرضی و تپیدن رگ (تپش شدید قلب) و سردرد و درد نیمه سر و صورت و انواع تب از جمله تب سخت و شدید و تبی که در روز سوم و یا چهارم بیماری به سراغ انسان می‌آید و تب نوبه و تب سرد و تب گرم (تب و لرز) و درون و بیرون و از شر هر جانداری که تو اختیارش را در دست داری. تو بر راه راست هستی و درود و سلام خداوند بر پیامبرش محمد و بر آل طیب و طاهر او - . مهج الدعوات: ۵۳[۱] - .

**[ترجمه]

«۲»

مهج، [مهج الدعوات] حِرْزٌ لِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ علیه السلام: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ يَا عَزِيزَ الْعِزِّ فِي عِزِّهِ مَا أَعَزَّ عَزِيزَ الْعِزِّ فِي عِزِّهِ يَا عَزِيزُ أَعِزَّنِي بِعِزِّكَ وَ أَيِّدْنِي بِنَصْرِكَ وَ ادْفَعْ عَنِّي هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَ ادْفَعْ عَنِّي بِدَفْعِكَ وَ امْنَعْ عَنِّي بِصُنْعِكَ وَ اجْعَلْنِي مِنْ خِيَارِ خَلْقِكَ يَا وَاحِدُ يَا أَحَدُ يَا فَرْدُ يَا صَمَدُ(۲).

**[ترجمه]مهج الدعوات حرز علی بن محمد نقی علیه السلام:

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر. ای کسی که در عزت خود بسیار عزیز هستی ، عجب عزتی دارد عزت بخشنده ی عزت در عزت خود، ای عزیز ، مرا به عزت خود عزیز گردان و به نصر و ظفر خود پیروز گردان و وسوسه‌های شیاطین را از امن دور گردان و خودت شر آنان را از من دور کن و با خواست و اراده خود، شر آنها را از من دور بگردان و مرا ازبندگان خوبت قرار بده، ای یکتای بی همتا ای تنهای بی‌نیاز - . مهج الدعوات: ۵۵[۲] - .

**[ترجمه]

باب ۴۹ بعض أدعیه العسکری علیه السلام و أحرازه و عوذاته صلوات الله علیه

الأخبار

«۱»

مهج، [مهج الدعوات] حِرْزُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ علیه السلام: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ احْتَجَبْتُ بِحِجَابِ اللَّهِ النُّورِ الَّذِي احْتَجَبَ بِهِ عَنِ الْعُيُونِ وَ أَحَطْتُ عَلَى نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ مَا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ عِنَايَتِي بِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ وَ أَحْرَزْتُ نَفْسِي (۳) [وَ] ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْ كُلِّ مَا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ بِاللَّهِ الَّذِي لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ مَنْ

۱- ۱. و احترزت من ذلک کله، و من کل ما أخاف خ.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۵۳ و قد مر فی ص ۲۰۴ مع توضیح یسیر فی الذیل راجعه.

۳- ۳. مهج الدعوات ص ۵۵.

ذَا الَّذِی یَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ یَعْلَمُ ما بَیْنَ أَیْدِیهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ وَ لا یُحِیطُونَ بِشَیْ ءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِما شاءَ وَسِعَ کُرْسِیُّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ لا یَؤُدُهُ حِفْظُهُما وَ هُوَ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُکِّرَ بِآیاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْها وَ نَسِیَ ما قَدَّمَتْ یَداهُ إِنَّا جَعَلْنا عَلی قُلُوبِهِمْ أَکِنَّهً أَنْ یَفْقَهُوهُ وَ فِی آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِنْ تَدْعُهُمْ إِلَی الْهُدی فَلَنْ یَهْتَدُوا إِذاً أَبَداً أَ فَرَأَیْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلی عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلی سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلی بَصَرِهِ غِشاوَهً فَمَنْ یَهْدِیهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَ فَلا تَذَکَّرُونَ أُولئِکَ الَّذِینَ طَبَعَ اللَّهُ عَلی قُلُوبِهِمْ وَ سَمْعِهِمْ وَ أَبْصارِهِمْ وَ أُولئِکَ هُمُ الْغافِلُونَ وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَیْنَکَ وَ بَیْنَ الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجاباً مَسْتُوراً وَ جَعَلْنا عَلی قُلُوبِهِمْ أَکِنَّهً أَنْ یَفْقَهُوهُ وَ فِی آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِذا ذَکَرْتَ رَبَّکَ فِی الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلی أَدْبارِهِمْ نُفُوراً وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: حرزامام حسن عسکری علیه السلام:

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر به حجاب و پوشش خداوند پوشاندم خود را، همان نوری که به وسیله آن از چشم‌ها پوشیده گشت و خود و خانواده و فرزندانم و هر آنچه را که تحت تصرف من است، به وسیله بسم الله الرحمن الرحیم در امان نگه می‌دارم و خود و همه اینها را از هر آنچه که می‌ترسم و از آن بیم دارم به خدا پناه دادم خدایی که جز او خدایی نیست و او زنده و پاینده است و هیچ چرت و خوابی او را در بر نمی‌گیرد و هر آنچه که در آسمان‌ها و زمین است از آن اوست. هیچکس جز به اذن او اجازه شفاعت کردن برای بندگان را ندارد. او هر آنچه را که در آشکار و نهان مردم است می داند و مردم جز بر آنچه از علمش که اوبخواهد دست نمی‌یابند. قلمرو سلطه او زمین و آسمان‌ها را در بر گرفته و حفظ آن برای او هیچ سختی و مشقتی ندارد. اوست بزرگ و متعال.

و کیست ظالم‌تر از آنکه آیات خداوند را شنید و از آن روی گردانید؟ و آنچه را که از اعمالش پیش فرستاده بود فراموش کرد، ما بر دل‌های آنان مهر زدیم که هیچ چیز را نفهمند و گوش‌هایشان را سنگین گرداندیم و هر چقدر که آنها را به سوی هدایت بخوانی، آنها هیچگاه هدایت نخواهند شد. آیا دیدی کسی را که معبود خود را هوای نفس خود قرار داد و خداوند با علم و آگاهی او را گمراه کرد و بر گوش و قلب او مهر زد و بر چشمانش پرده‌ای کشید و پس از خدا هیچکس نمی‌تواند او را هدایت کند. آیا متذکر نمی‌شوید؟ آنها کسانی هستند که خداوند بر دل‌های آنان و گوش و چشمشان مهر زده است آنها از یاد خدا غافلند و هنگامی که قرآن می‌خوانی، بین تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند، حجابی قرار می‌دهیم و بر دل‌های آنان مهر می‌زنیم تا سخن آن را نفهمند و گوش‌های آنان را سنگین می گردانیم و هنگامی که خداوندت را در قرآن کریم به صفت یکتایی و احدیت می خوانی، آنها رو به فرار گذاشتند و سلام و صلوات خداوند بر محمد و خاندان پاک او. - ۱. مهج الدعوات :۵۵ -

**[ترجمه]

«۲»

مهج، [مهج الدعوات] حِرْزٌ آخَرُ لِلْعَسْکَرِیِّ ع: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ یَا عُدَّتِی عِنْدَ شِدَّتِی وَ یَا غَوْثِی عِنْدَ کُرْبَتِی یَا مُونِسِی عِنْدَ وَحْدَتِی احْرُسْنِی بِعَیْنِکَ الَّتِی لَا تَنَامُ وَ اکْنُفْنِی بِرُکْنِکَ الَّذِی لَا یُرَامُ (۲).

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۵۵.

۲- ۲. مهج الدعوات ص ۵۶.

**[ترجمه]مهج الدعوات: حرز ديگرى از امام حسن عسكرى عليه السلام:

به نـام خداونـد بخشـنده مهربـان. اى توشه من و اى قـدرت من در سـختيها، اى فريـادرس من در هنگـام شدائـد و بلايا، اى همـدم من در حال تنهايى، مرا با چشم خود كه هيچگاه نمى‌خوابد حفظ كن و مرا با ستون خود كه هيچگاه فرو نمى‌ريزد حفظ كن. - ٢. مهج الدعوات :۵۶ -

**[ترجمه]

باب ۵۰ بعض أدعيه القائم عليه السلام و أحرازه و عوذاته صلوات الله عليه

الأخبار

«١»

مهـج، [مهـج الـدعوات] حِرْزٌ لِمَوْلَانَا الْقَائِمِ عليه السلام: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ يَا مَالِكَ الرِّقَابِ وَ يَا هَازِمَ الْأَحْزَابِ يَا مُفَتِّحَ الْأَبْوَابِ يَا مُسَبِّبَ الْأَسْبَابِ سَبِّبْ لَنَا سَبَباً لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ طَلَباً بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ (١).

**[ترجمه]مهج الدعوات، حرز مولاى ما حضرت قائم عليه السلام.

به نام خداوند بخشـنده بخشايشگر، اى صاحب جانها و اى در هم كوبنده لشكرها، اى گشاينده درها اى سبب‌ساز همه كارها، اسباب كارهايى را كه ما قادر به طلب كردن آن نيسـتم، براى ما فراهم كن، به حق كلمه شـهادتين كه مى‌گويـد خـدايى جز خـداى يگانه نيست و محمد نبى و فرستاده اوست و درود و سلام خدا بر پيامبر و آل پاكش باد. - . مهج الدعوات: ۵۶[١] -

**[ترجمه]

«٢»

د، [العـدد القويه] قَالَ (٢) أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: كَأَنِّي بِالْقَائِمِ قَدْ عَبَرَ مِنْ وَادِي السَّلَامِ إِلَى مَسِيلِ السَّهْلَهِ عَلَى فَرَسٍ مُحَجَّلٍ لَهُ شِمْرَاخٌ (٣) يَزْهَرُ يَدْعُو وَ يَقُولُ فِي دُعَائِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقّاً حَقّاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيمَاناً وَ صِدْقاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعَبُّداً وَ رِقّاً اللَّهُمَّ مُعِزَّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَحِيدٍ وَ مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ أَنْتَ كَنَفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ وَ تَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَ كُنْتَ غَنِيّاً عَنْ خَلْقِي وَ لَوْ لَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ يَا مُنْشِرَ الرَّحْمَهِ مِنْ مَوَاضِعِهَا

١- ١. مهج الدعوات ص ۵۶.

٢- ٢. هـذا هو الصـحيح كما فى المصـدر و كما مرّ فى تاريخ الإمام الثانى عشـر عليه السـلام ج ۵۲ ص ۳۹۱ و الدعاء هناك مشـكول بالاعراب راجعه، و أمّا فى طبعه الكمبانىّ« و قال» عطفا على رمز المهج و هو تصحيف.

٣- ٣. التحجيـل: بياض فى قوائم الفرس كلها و يكون فى رجلين و يـد. و فى رجلين فقط و فى رجل و فقط. و لا يكون فى اليـدين خاصّه إلّا مع الرجلين و لا فى يد واحده دون الأخرى إلّا مع الرجلين. و الشمراخ غره الفرس إذا دقت و سالت و جللت الخيشوم و لم تبلغ الجحفله.

وَ مُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَ يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوخِ الرِّفْعَةِ وَ أَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ يَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ(۱) الْمَذَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهَا فَهُمْ مِنْ سَطْوَتِهِ خَائِفُونَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَكَ فَكُلٌّ لَهُ مُذْعِنُونَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُنْجِزَ لِي أَمْرِي وَ تُعَجِّلَ لِي فِي الْفَرَجِ وَ تَكْفِيَنِي وَ تُعَافِيَنِي وَ تَقْضِيَ حَوَائِجِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ اللَّيْلَةَ اللَّيْلَةَ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ.

**[ترجمه]العدد القويه: امير مؤمنان على عليه السلام فرمود كه گويا مى بينم حضرت قائم عليه السلام را وقتى كه از وادى السلام به سمت مسيل سهله بر روى اسبى نشسته كه پاها و پيشانى سفيد دارد و مى‌درخشد او دعا مى كند و گويد:

حقيقتا حقيقتا هيچ خدايى جز خداى يگانه نيست، خدايى جز خداى يگانه نيست به او ايمان داريم و او را تصديق مى‌نماييم خدايى جز خداى يگانه نيست او را مى‌پرستيم و بنده اوييم. خداوندا تو تنها عزت دهنده همه مومنانى و خوار كننده همه زورگويان و ستمگرانى و پناه من هستى، وقتى مكتب‌ها و مذهب‌هاى گوناگون مرا خسته مى‌كنند و زمين با همه گستردگى‌اش بر من تنگ مى‌آيد. خداوندا تو مرا آفريدى در حاليكه از آفرينش من بى‌نياز بودى واگر يار و ياورى تو نبود، من از خاسرين و زيانكاران بودم. اى كسى كه رحم و بخشش را از موضع خود پراكنده مى‌كنى و بركت‌ها و خيرات را از معادنش استخراج مى‌كنى و اى كسى كه خودش را به رفعت و بلندى و دوستان ، خود را به عزت و سربلندى اختصاص داده است. اى كسى كه پادشاهان يوغ بردگى او را بر گردن خود انداخته‌اند و از سلطه او در هراسند. از تو مى‌خواهم به حق اسم خود كه همه بندگانت را به واسطه آن آفريدى و همه به آن اذعان دارند، از تو مى‌خواهم كه بر محمد و آل او درود فرستى و امر مرا محتوم گردانى و فرج مرا نزديك گردانى و مرا كفايت كنى و به من سلامتى و عافيت عطا كنى و نيازها و حوائج مرا برآورده سازى در همين ساعت در همين ساعت و در همين شب در همين شب كه تو برهمه چيز توانايى .

**[ترجمه]

باب ۵۱ سائر الأحراز المرويه و العوذات المنقوله و ما يناسب هذا المعنى

الأخبار

أقول

و سيجى ء الحرز اليمانى و غيره فى باب أدعيه الفرج و غير ذلك.

**[ترجمه]حرز يمانى و حرزهاى ديگر در باب دعاهاى فرج و... مى‌آيد

**[ترجمه]

«۱»

وَ وَجَدْتُ بِخَطِّ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجُبَاعِيِّ نَقْلًا مِنْ خَطِّ الشَّهِيدِ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا: حِرْزٌ مِنْ كُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقّاً حَقّاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَ رِقّاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَوْلًا وَ صِدْقاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ذُخْراً يَبْقَى لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ شَوْقاً شَوْقاً بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ وَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ نِعْمَ الْقَادِرُ اللَّهُ وَ نِعْمَ النَّصِيرُ اللَّهُ

لَا يَأْتِي بِالْخَيْرَاتِ إِلَّا اللَّهُ وَ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ أَسْتَظْهِرُ بِاللَّهِ وَ أَسْتَعِينُ بِاللَّهِ وَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ الصَّلَاةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَى مَلَائِكَتِهِ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِهِ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمانَ وَ إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَ أْتُونِي مُسْلِمِينَ كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ لا يَضُرُّكُمْ

۱- ۱. النیر: الخشبه المعترضه فی عنقی الثورین بأداتها، و یسمی بالفارسیه« یوغ» و« جوغ».

كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِما يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكافِرِينَ كُلَّما أَوْقَدُوا ناراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ قُلْنا يا نارُ كُونِي بَرْداً وَ سَلاماً عَلى إِبْراهِيمَ وَ أَرادُوا بِهِ كَيْداً فَجَعَلْناهُمُ الْأَخْسَرِينَ وَ زادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصْطَةً لَهُ مُعَقِّباتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصِيراً وَ قَرَّبْناهُ نَجِيًّا وَ رَفَعْناهُ مَكاناً عَلِيًّا سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدًّا وَ أَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي لا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلى لا تَخافُ دَرَكاً وَ لا تَخْشى لا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْراً عَزِيزاً وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْراً فَوَقاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذلِكَ الْيَوْمِ وَ لَقَّاهُمْ نَضْرَةً وَ سُرُوراً وَ جَزاهُمْ بِما صَبَرُوا جَنَّةً وَ حَرِيراً وَ رَفَعْنا لَكَ ذِكْرَكَ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْراً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ رَبَّنا أَفْرِغْ عَلَيْنا صَبْراً وَ ثَبِّتْ أَقْدامَنا وَ انْصُرْنا عَلَى الْقَوْمِ الْكافِرِينَ الَّذِينَ قالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزادَهُمْ إِيماناً وَ قالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَ اتَّبَعُوا رِضْوانَ اللَّهِ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ أَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ ما فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ما أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَ نَجْعَلُ لَكُما سُلْطاناً فَلا يَصِلُونَ إِلَيْكُما بِآياتِنا أَنْتُما وَ مَنِ اتَّبَعَكُمَا الْغالِبُونَ رَبَّنا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنا وَ إِلَيْكَ أَنَبْنا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنا وَ بَيْنَ قَوْمِنا بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفاتِحِينَ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكُمْ ما مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّي عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ فَسَتَذْكُرُونَ ما أَقُولُ لَكُمْ وَ أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبادِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ رَبِ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي

كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ الم ذلِكَ الْكِتابُ لا رَيْبَ فِيهِ هُدىً لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلاةَ وَ مِمَّا رَزَقْناهُمْ يُنْفِقُونَ وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِما أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَ ما أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ أُولئِكَ عَلى هُدىً مِنْ رَبِّهِمْ وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ لَهُ ما فِي السَّماواتِ وَ ما فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ ما بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ ما خَلْفَهُمْ وَ لا يُحِيطُونَ بِشَيْ ءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِما شاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ لا يَؤُدُهُ حِفْظُهُما وَ هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ قَدْ خابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْماً فَتَعالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّماواتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعالَمِينَ وَ لَهُ الْكِبْرِياءُ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجاباً مَسْتُوراً وَ جَعَلْنا عَلى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِذا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلى أَدْبارِهِمْ نُفُوراً أَ فَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلى عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلى بَصَرِهِ غِشاوَةً أُولئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلى قُلُوبِهِمْ وَ سَمْعِهِمْ وَ أَبْصارِهِمْ وَ أُولئِكَ هُمُ الْغافِلُونَ وَ جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لا يُبْصِرُونَ وَ ما تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ وَ لا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَ لا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ الَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ وَ خَشَعَتِ الْأَصْواتُ لِلرَّحْمنِ فَلا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْساً فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَ بِي سُوءاً أَوْ مَكْرُوهاً فَاقْمَعْ رَأْسَهُ وَ اعْقِلْ لِسَانَهُ وَ أَلْجِمْ فَاهُ وَ رُدَّ كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ وَ اجْعَلْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ كَيْفَ شِئْتَ وَ أَنَّى شِئْتَ وَ اجْعَلْنِي مِنْهُ وَ مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا فِي حِمَاكَ فَإِنَّ حِمَاكَ عَزِيزٌ وَ جَارَكَ مَنِيعٌ وَ سُلْطَانَكَ قَاهِرٌ وَ أَمْرَكَ غَالِبٌ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ اغْفِرْ لَنَا وَ لِآبَائِنَا

وَ لِأُمَّهَاتِنَا وَ لِذُرِّيَّاتِنَا وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ.

حِرْزٌ وَجَدْتُ بِخَطِّ بَعْضِ الْأَفَاضِلِ: تَحَصَّنْتُ بِالْمَلِكِ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ اعْتَصَمْتُ بِذِي الْقُدْرَهِ وَ الْعِزَّهِ وَ الْجَبَرُوتِ وَ اسْتَعَنْتُ بِذِي الْآلَاءِ وَ الْعَظَمَهِ وَ الْمَلَكُوتِ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيراً يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْ ءٌ يَا مَنْ لَا يُشْبِهُهُ شَيْ ءٌ يَا كَافِيَ كُلِّ شَيْ ءٍ اكْفِنِي كُلَّ شَيْ ءٍ فَإِنَّكَ قَادِرٌ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ يَا خَفِيَّ اللُّطْفِ الْطُفْ بِي بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ خَلْقِهِ جَمِيعاً وَ لَا يَكْفِي مِنْهُ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِهِ يَا أَحَدَ مَنْ لَا أَحَدَ لَهُ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا عَنْكَ أَغِثْنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَداً وَ لَا يُحْصِيهِ غَيْرُهُ.

حِرْزٌ رَوَاهُ السَّيِّدُ الدَّامَادُ عَنْ مَشَايِخِهِ وَ أَسْلَافِهِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قَالَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ وَ الِاعْتِصَامُ بِالْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صَلَوَاتُهُ عَلَى سَيِّدِنَا النَّبِيِّ الْكَرِيمِ وَ عِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ.

حِرْزٌ حَارِزٌ: رَوَيْتُهُ فِيمَا رَوَيْتُهُ بِطُرُقِي وَ أَسَانِيدِي عَنْ مَشْيَخَتِي وَ مَشَايِخِي وَ سُلَّافِي وَ أَسْلَافِي رِضْوَانُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَيْهِمْ وَ نَوَّرَ ضَرَائِحَهُمْ وَ قَدَّسَ أَسْرَارَهُمْ أَوْدَعْتُ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ مَنْ مَعِي وَ مَا مَعِي فِي أَرْضٍ مُحَمَّدٌ سَقْفُهَا وَ عَلِيٌّ بَابُهَا وَ فَاطِمَهُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ عَلِيٌّ وَ مُحَمَّدٌ وَ جَعْفَرٌ وَ مُوسَى وَ عَلِيٌّ وَ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُجَّهُ الْمُنْتَظَرُ حِيطَانُهَا وَ الْمَلَائِكَهُ حُرَّاسُهَا وَ اللَّهُ مُحِيطٌ بِهَا وَ حَفِيظُهَا وَ اللَّهُ مِنْ وَرائِهِمْ مُحِيطٌ بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ.

حِرْزٌ آخَرُ قَرِيبٌ مِنَ الْأَوَّلِ رَوَاهُ السَّيِّدُ الْمَذْكُورُ أَيْضاً وَ مِنْ طَرِيقٍ آخَرَ رَوَيْتُهُ عَنِ السَّيِّدِ الثِّقَهِ الثَّبْتِ الْمَرْكُونِ إِلَيْهِ فِي فِقْهِهِ الْمَأْمُونِ فِي حَدِيثِهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ الْعَامِلِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى قِرَاءَهً وَ سَمَاعاً وَ إِجَازَهً سَنَهَ ٩٨٨ مِنَ الْهِجْرَهِ الْمُبَارَكَهِ النَّبَوِيَّهِ فِي مَشْهَدِ سَيِّدِنَا وَ مَوْلَانَا أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ تَسْلِيمَاتُهُ عَلَيْهِ بِسَنَابَادِ طُوسَ عَنْ زَيْنِ أَصْحَابِنَا الْمُتَأَخِّرِينَ زَيْنِ الدِّينِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ

بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ جَمَالِ الدِّينِ بْنِ تَقِيِّ الدِّينِ صَالِحِ بْنِ شَرَفٍ الْعَامِلِيِّ رَفَعَ اللَّهُ تَعَالَى دَرَجَتَهُ فِي أَعْلَى مَقَامَاتِ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ الصِّدِّيقِينَ: أَوْدَعْتُ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي فِي أَرْضِ اللَّهِ سَقْفُهَا وَ مُحَمَّدٌ حِيطَانُهَا وَ عَلِيٌّ بَابُهَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْأَئِمَّةُ الْمَعْصُومُونَ وَ الْمَلَائِكَةُ حُرَّاسُهَا وَ اللَّهُ مُحِيطٌ بِهَا وَ اللَّهُ مِنْ وَرائِهِمْ مُحِيطٌ بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ.

حِرْزٌ آخَرُ مِمَّا نَقَلَهُ السَّيِّدُ الدَّامَادُ وَ رَوَاهُ عَنْ مَشَايِخِهِ وَ رَآهُ فِي الْمَنَامِ وَ عَرَضَهُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَيْضاً: وَ مِنْ لَطَائِفِ مَا اخْتَلَسْتُهُ وَ اخْتَطَفْتُهُ مِنَ الْفُيُوضِ الرَّبَّانِيَّهِ وَ الْمِنَنِ السُّبْحَانِيَّهِ بِجَزِيلِ فَيْضِهِ وَ سَيْبِهِ سُبْحَانَهُ وَ عَظِيمِ فَضْلِهِ وَ مَنِّهِ جَلَّ مَجْدُهُ وَ عَزَّ سُلْطَانُهُ حَيْثُ كُنْتُ بِمَدِينَهِ الْإِيمَانِ حَرَمِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ قُمَّ الْمَحْرُوسَهِ صِينَتْ عَنْ دَوَاهِي الدَّهْرِ وَ نَوَائِبِ الْأَدْوَارِ فِي بَعْضِ أَيَّامِ شَهْرِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ لِعَامِ ۱۰۱۱ مِنَ الْمُهَاجَرَهِ الْمُبَارَكَهِ الْمُقَدَّسَهِ النَّبَوِيَّهِ أَنَّهُ قَدْ غَشِيَتْنِي ذَاتَ يَوْمٍ مِنْ تِلْكَ الْأَيَّامِ فِي هَزِيعٍ (۱)

بَقِيَ مِنَ النَّهَارِ سِنَةٌ شِبْهُ خَلْسَهٍ وَ أَنَا جَالِسٌ فِي تَعْقِيبِ صَلَاهِ الْعَصْرِ تَاجِهاً(۲) تُجَاهَ الْقِبْلَهِ فَأُرِيتُ فِي سِنَتِي نُوراً شَعْشَعَانِيّاً عَلَى أُبَّهَهٍ ضَوْءَانِيَّهٍ فِي شَبَحٍ هَيْكَلٍ إِنْسَانِيٍّ مُضْطَجِعٍ عَلَى يَمِينِهِ وَ آخَرَ كَذَلِكَ عَلَى هَيَابَهٍ عَظِيمَهٍ وَ مَهَابَهٍ كَبِيرَهٍ فِي بَهَاءِ ضَوْءٍ لَامِعٍ وَ جَلَالِ نُورٍ سَاطِعٍ جَالِساً مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِ الْمُضْطَجِعِ كَأَنِّي أَنَا دَارٍ مِنْ تِلْقَاءِ نَفْسِي أَوْ أَنَّهُ أَدْرَانِي أَحَدٌ غَيْرِي أَنَّ الْمُضْطَجِعَ مَوْلَانَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ تَسْلِيمَاتُهُ عَلَيْهِ وَ الْجَالِسَ مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِهِ سَيِّدُنَا وَ شَفِيعُنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ أَنَا جَاثٍ عَلَى رُكْبَتَيَّ وُجَاهَ الْمُضْطَجِعِ وَ قُبَالَتَهُ وَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ حِذَاءَ صَدْرِهِ فَأَرَاهُ عَلَيْهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ تَسْلِيمَاتُهُ مُتَهَشِّشاً مُتَبَشِّشاً مُتَبَسِّماً فِي وَجْهِي مُمِرّاً يَدَهُ الْمُبَارَكَهَ عَلَى جَبْهَتِي وَ خَدِّي وَ لِحْيَتِي كَأَنَّهُ مُسْتَبْشِرٌ مُتَبَشِّرٌ بِي مُنَفِّسٌ عَنِّي كُرْبَتِي جَابِرٌ

۱- ۱. هزيع من النهار طائفه منه: ثلثه أو ربعه، و قيل ساعه، و الخلسه نومه مختلسه تملك العين من دون اختيار.

۲- ۲. أی مستقبلا متوجها، لغه عاميّه مأخوذه من كلمه التّجاه- مثلثه- و أصلها الوجاه.

انْكِسارَ قَلْبِی مُسْتَنْفِضٌ بِذَلِکَ عَنْ نَفْسِی حُزْنِی وَ عَنْ خَلَدِی کَآبَتِی وَ إِذَا أَنَا عَارِضٌ عَلَیْهِ ذَلِکَ الْحِرْزَ عَلَی مَا هُوَ مَأْخُوذٌ سَمَاعِی وَ مَحْفُوظٌ جَنَانِی فَیَقُولُ لِی هَکَذَا اقْرَأْ أَوْ اقْرَأْ هَکَذَا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَمَامِی وَ فَاطِمَهُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهَا فَوْقَ رَأْسِی وَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَصِیُّ رَسُولِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَیْهِ عَنْ یَمِینِی وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ عَلِیٌّ وَ مُحَمَّدٌ وَ جَعْفَرٌ وَ مُوسَی وَ عَلِیٌّ وَ مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُجَّهُ الْمُنْتَظَرُ أَئِمَّتِی صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَیْهِمْ عَنْ شِمَالِی وَ أَبُو ذَرٍّ وَ سَلْمَانُ وَ الْمِقْدَادُ وَ حُذَیْفَهُ وَ عَمَّارٌ وَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ رَضِیَ اللَّهُ تَعَالَی عَنْهُمْ مِنْ وَرَائِی وَ الْمَلَائِکَهُ علیهم السلام حَوْلِی وَ اللَّهُ رَبِّی تَعَالَی شَأْنُهُ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ مُحِیطٌ بِی وَ حَافِظِی وَ حَفِیظِی وَ اللَّهُ مِنْ وَرائِهِمْ مُحِیطٌ بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِیدٌ فِی لَوْحٍ مَحْفُوظٍ فَاللَّهُ خَیْرٌ حافِظاً وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ وَ إِذْ قَدْ بَلَغَ بِیَ التَّمَامُ فَقَالَ علیه السلام لِی کَرِّرْ فَقَرَأْ وَ قَرَأْتُ عَلَیْهِ بِقِرَاءَتِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ ثُمَّ قَالَ أَبْلِغْ وَ أَعَادَهُ عَلَیَّ فَعُدْتُ فِیهِ وَ هَکَذَا کُلَّمَا بَلَغْتُ مِنْهُ النِّهَایَهَ یُعِیدُهُ عَلَیَّ إِلَی حَیْثُ حَفِظْتُهُ وَ تَحَفَّظْتُهُ فَانْتَبَهْتُ مِنْ سِنَتِی مُتَلَهِّفاً لُهُوفاً عَلَیْهَا شَیِّقاً حَنُوناً إِلَیْهَا إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ فَلَقَدْ کَانَتْ هِیَ الْیَقَظَهُ الْحَقَّهُ وَ مَا لَدَی الْجَمَاهِیرِ یَقَظَهٌ فَهِیَ هَجْعَهٌ عِنْدَهَا وَ لَقَدْ کَانَتْ هِیَ الْحَیَاهَ الصِّرْفَهَ وَ مَا عِنْدَ الْأَقْوَامِ حَیَاهٌ فَهِیَ مَوْتَهٌ بِالنِّسْبَهِ إِلَیْهَا وَ کَتَبَ الْأَحْرُفَ حِکَایَهً وَ عِبَارَهً عَنْهَا بِبَنَانِ یُمْنَاهُ الْفَاقِرَهِ الدَّاثِرَهِ أَفْقَرُ الْمَرْبُوبِینَ وَ أَحْوَجُ الْمُفْتَاقِینَ إِلَی رَحْمَهِ رَبِّهِ الْحَمِیدِ الْغَنِیِّ- مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ یُدْعَی بَاقِرَ الدَّامَادَ الْحُسَیْنِیَّ خَتَمَ اللَّهُ لَهُ فِی نَشْأَتَیْهِ بِالْحُسْنَی وَ سَقَاهُ فِی الْمَصِیرِ إِلَیْهِ مِنْ کَأْسِ الْمُقَرَّبِینَ مِمَّنْ لَهُ لَدَیْهِ الزُّلْفَی وَ جَعَلَ خَیْرَ یَوْمَیْهِ غَدَهُ وَ لَا أَوْهَنَ مِنَ الِاعْتِصَامِ بِحَبْلِ فَضْلِهِ الْعَظِیمِ یَدَهُ حَامِداً مُصَلِّیاً مُسَلِّماً مُسْتَغْفِراً وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ وَحْدَهُ حَقَّ حَمْدِهِ.

**[ترجمه]به نقل از خط شهید رحمه الله علیه مطلبی به خط شیخ محمد بن علی جباعی یافتم. حرزی بود برای در امان ماندن از هر غم و اندوهی.

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر، حقیقتا حقیقتا خدایی جز خدای یگانه نیست خدایی جز خدای یگانه نیست او را می‌پرستم و بنده اویم خدایی جز خدای یگانه نیست و من در قول خود درستی این حقیقت را تصدیق می‌کنم. خدایی جز خدای یگانه نیست او ذخیره‌ای است که باقی می‌ماند. خدایی جز خدای یگانه نیست به سوی او اشتیاق دارم. به نام خداوند و به حق او و شکر و سپاس برای خداست از خدا امان می... خواهم و به او پناه می‌برم و به او تکیه می‌دهم و فقط خداست که مرا توفیق عنایت می‌کند. بهترین توانا فقط خداست و بهترین یاور تنها اوست و فقط اوست که خیر و برکت می‌بخشد و هر آنچه که از نعمت‌ها داریم، از جانب خداست و اختیار همه امور به دست اوست . خدا را پشیبان خود قرار می‌دهم و از او یاری می‌خواهم و از او طلب مغفرت می‌کنم و سلام ودرود بر رسول خدا و بر فرشتگانش و بر بندگان صالحش. این از جانب سلیمان نبی است و آن این است: به نام خداوند بخشنده بخشایشگر در نزد من کبر نورزید و در برابر من سر تسلیم فرود آورید خداوند اینگونه مقررکرده که من و فرستادگانم پیروز گردیم. همانا خداوند صاحب قدرت و عزت است و نقشه های آنان هیچ زیانی به شما نمی‌رساند و خداوند به تمام آنچه که انجام می دهند احاطه دارد .

آن گاه که دست خود را به سوی شما دراز کردند پس او دست آنها را از شما کوتاه کرد و خداوند تو را از شر مردم در امان نگه می‌دارد. خداوند کافران را هدایت نخواهد کرد و هر چقدر که آتش جنگ بیفروزند، خداوند آن را خاموش خواهد کرد. ما به آتش گفتیم که ای آتش سرد و سلامت باش بر ابراهیم و آنها خواستند که در مورد او حیله و مکری به کار برند پس آنها را از جمله زیانکاران قرار دادیم. خداوند تعداد شما را زیاد کرد تا قلمرو فرمانروایی خود را گسترش دهد، اوهمواره نگهبانانی در روبرو و پشت سر خود دارد که به دستور خدا از او مراقبت می‌کنند. پروردگارا مرا در جایگاه صدق وارد کن و خروج مرا نیز ازجایگاه صدق قرار بده و از نزد خود به من قدرت و یاری عطا کن و ما او را به خود نزدیک کردیم و نجاتش دادیم و به او جایگاه ومکانت بلند مرتبه‌ای بخشیدیم. خداوند برای آنها مهری قرار می‌دهد ومحبتی را از جانب خود برای توقرار دادم، نهراس که تو برتری، از هیچ نابودی نترس که تو درامانی و خداوند به تو یاری و عزت خواهد داد و هرکس که به خدا توکل کند خداوند برای او بس است. خداوند امر خود را به انجام می‌رساند و او برای هر چیزی سرنوشتی قرار داده است. خداوند آنها را از شر آن روز در امان نگه داشت و به آنها سرور و شادابی بخشید و به پاداش صبر و تحمل آنان، به آنان بهشت و حریر بخشید. ما نام تو را بلند گرداندیم و با هر سختی آسانی است، محبت آنها نسبت به آن همچون محبتشان نسبت به خداوند است و کسانی که ایمان آورند محبت بیشتری به خداوند دارند. خداوندا به ما صبر و شکیبایی عنایت کن و ما را ثابت قدم گردان، ما را برکافران پیروزگردان . آن کسانی که مردم به آنها گفتند گروه زیادی برای جنگ با شما آماده شده‌اند، از ایشان بترسید و خداوند بر ایمان آنان افزود و گفتند خدا برای ما کافی است و او بهترین حافظ است، پس به برکت فضل و نعمتی از خداوند رهسپار شدند و هیچ شری به آنان نرسید . همان خدایی که با یاری خود و مومنان تو را پیروز گردانید و بین دلهای آنان انس و الفت ایجاد کرد الفتی که اگر هر آنچه در زمین بود را می‌دادی نمی... توانستی آن را ایجاد کنی اما خداوند این کار را انجام داد که او صاحب عزت و داناست. ما تو را به وسیله برادرت قدرتمند می‌گردانیم و برای شما نیرو و سلطه‌ای قرار می‌دهیم و آنها به خاطر نشانه‌هایی که می‌فرستیم، به شما نمی‌رسند و شما و هر کس از شما پیروی کند پیروز است. خداوندا به تو توکل کردیم و به سوی بازگشتیم وسرنوشت همه به سوی توست خداوندا در کار ما و قوم ما گشایشی حاصل کن که تو بهترین گشایش‌دهندگان هستی من به پروردگار خودم و شما توکل کردم، هیچ جانوری در روی زمین نیست مگر اینکه تحت تصرف و قدرت اوست پروردگار من بر راه راست است. به زودی آنچه را که به شما می‌گویم به خاطر خواهید آورد و همه کارهایم را به خدا واگذار می‌کنم که خداوند به بندگانش بیناست اگر به تو پشت کردند ، پس بگو که خدا برای من بس است هیچ خدایی جز او نیست به او توکل کردم و او پروردگار بزرگ عرش است، خداوندا من دچار ضرر و زیان شده‌ام و تو مهربان‌ترین مهربانانی هیچ خدایی جز تو نیست و تو پاک و منزهی، من از ستمگران بودم. «الم»، آن کتاب هدایتی است برای متقین و شکی در آن نیست ، همانانی که ایمان به بع غیب اند و نماز را به پا می دارند و از آنچه با آنان داده ایم انفاق می کنند ، همانانی که به تمام آنچه که بر تو و پیامبران پیش از تو نازل شد ایمان دارند و به

قیامت یقین دارند آنان بر هدایت الهی هستند و همانان رستگارانند . خداست که معبودی جز او نیست؛ زنده و پاینده است؛ نه خوابی سبک او را فرو می گیرد و نه خوابی گران؛ آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد، احاطه نمی یابند. کرسی او آسمانها و زمین را در بر گرفته، و نگهداری آنها بر او دشوار نیست، و اوست والای بزرگ ، و چهره ها برای آن [خدای] زنده پاینده خضوع می کنند، و آن کس که ظلمی بر دوش دارد نومید می ماند پس والاست خدا، فرمانروای برحق، خدایی جز او نیست. [اوست] پروردگار عرش گرانمایه. پس سپاس از آن خداست: پروردگار آسمانها و پروردگار زمین، پروردگار جهانیان. و در آسمانها و زمین، بزرگی از آن اوست، و اوست شکست ناپذیر سنجیده کار .

و چون قرآن بخوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند پرده ای پوشیده قرار می دهیم. و بر دلهایشان پوششها می نهیم تا آن را نفهمند و در گوشهایشان سنگینی [قرار می دهیم] و چون در قرآن پروردگار خود را به یگانگی یاد کنی با نفرت پشت می کنند پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مُهر زده و بر دیده اش پرده نهاده است؟ آنها همان کسانی هستند که خداوند بر دلها و گوشها و چشمهایشان مهر زد و آنها همان غافلان هستند و [ما] فراروی آنها سدی و پشت سرشان سدی نهاده و پرده ای بر [چشمان] آنان فرو گسترده ایم، در نتیجه نمی توانند ببینند .و هیچکس جز خدا توفیق دهنده من نیست بر او توکل کردم و به سوی او توبه میکنم و بر آنان اندوهگین مشو و از آنچه نیرنگ می کنند دل تنگ مدار در حقیقت، خدا با کسانی است که پروا داشته اند و [با] کسانی [است] که آنها نیکوکارند. صداها در مقابل [خدای] رحمان خاشع می گردد، و جز صدایی آهسته نمی شنوی. پس خداوند برای آنها کافی است تو را و اوست شنوای دانا.

خداوند ا هر کس برای من بدی خواست، سر او را قطع گردان و زبانش را بیرون کش و بر دهانش مهر بزن و مکر و حیله او را به خودش بازگردان و بین من و او هرچه خواستی و هرکجا خواستی قرار بده و هرگونه خواستی بین ما حکم کن و من را از او و از هر جنبنده‌ای را که تحت تصرف توست، تحت حمایت خود قرار بده چرا که هر آنکس در حمایت توست عزت دارد و همسایه تو بلند رتبه است و سلطه تو پیروز است و دستور تو غالب و چیره است و تو بر هر چیز توانایی.

خداوند ا بر محمد و آل او درود فرست همانگونه که ما را بوسیله او از گمراهی نجات دادی ، بهترین سلامی را که بر مخلوقاتت فرستادی و بر محمد و آل او درود فرست همانگونه که ما را بوسیله او از نادانی نجات بخشیدی و ما و پدران ما و مادران ما و فرزاندانمان را و جمیع مردان و زنان مومن را ببخش و بیامرز به رحمت خود ای مهربان‌ترین مهربانان و سپاس و ستایش برای خداست به تنهایی و سلام و درود خدا بر محمد و خاندان پاک او.

حرزی که به خط برخی از فضلا یافت شد: پناه می‌برم به پادشاه زنده‌ای که نمیرد و چنگ می‌زنم به دستاویزی که صاحب قدرت و عزت و جبروت است و یاری می‌خواهم از او که صاحب نعمتها و بزرگی و ملکوت است و توکل می‌کنم بر زنده‌ای که نمی‌میرد شکر و سپاس برای خدایی است که هیچ فرزندی اختیار نکرد و هیچ شریکی در پادشاهی ندارد و هیچ شریکی از روی نیاز و ذلت ندارد و او را بزرگ بدار و به بزرگی یاد کن . ای کسی که هیچکس همانند تو نیست ای کسی که هیچکس شبیه تو نیست ای کفایت کننده همه کس مرا از همه چیز کفایت کن که تو بر هر چیز توانایی ای کسی که لطف پنهان داری مرا مورد لطف پنهان خودت قراربده ای تنها کس بی کسان ، امید از همه قطع شد جز تو. ای مهربان‌ترین مهربانان ای صاحب کارهای نیک که هیچگاه قطع نمی‌شود و هیچکس جز او نمی‌تواند آن را به شماره در آورد.

حرزی که سید داماد آن را از استادان و پیشینیان خود رضوان الله تعالی علیهم نقل کرد. متن حرز چنین است:

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر و تمسک می‌جویم به بزرگ عظیم و درود وسلام او بر سید ما و پیامبر کریم و خاندان پاک او.

حرزی بسیار مؤثر که آن را به شیوه خودم و با اسناد خودم از استادانم و پیشینیانم رضوان الله تعالی علیهم که خداوند ضریح آنان را نورانی گرداند روایت کردم:

من خود و خانواده و مالم را و فرزندانم و هر کس و هر چیز را که با من بود به چیزی سپردم که محمد سقف آن است و علی درب آن است و فاطمه و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و احسن و قائم منتظر دیوارهای آن هستند و فرشتگان پاسبانان آنند و خداوند آن را در احاطه خود و تحت حفاظت خود دارد و از پشت سر آنها حافظ همه آنهاست، که آن همان قرآن مجید در لوح محفوظ است.

حرز دیگری که به حرز اول شبیه است و همان سید آن را ذکر کرده است و من با طریق دیگری آن را از سید مطمئنی که مورد اعتماد است و در فقه به او تکیه می‌شود در حدیث مورد اطمینان است از نظر قرائت و سماع و اجازه نقل کردم و او علی بن ابی الحسن عاملی رحمه الله است در سال ۹۸۸ از هجرت مبارک نبوی که در مشهد سید و مولای خود امام رضا صلوات الله و تسلیماته علیه در سناباد طوس بودیم، از زینت اصحاب متأخر، زین الدین احمد بن علی بن احمد بن محمد بن علی بن جمال الدین بن تقی الدین صالح بن شرف عاملی که خداوند مقام و رتبه او را در والاترین مقامات شهدا و صالحین و صدیقین قرار دهد شنیدیم که چنین است:

خود و خانواده و مالم و فرزندانم را به سرزمینی سپردم که خداوند سقف آن است و محمد دیوارهای آن است و علی درب آن است و حسن و حسین و امامان معصوم و فرشتگان پاسبانان آنند و خداوند بر آن احاطه دارد و خداوند از هر سو بر ایشان محیط است، آری آن قرآنی ارجمند است که در لوحی محفوظ است.

حرز دیگری نیز در دست است از آنچه که سید داماد نقل کرده و آن را از استادان خود روایت کرده است. او آن را در خواب دیده و بر امیر مومنان نیز عرضه داشته است. از نکات ظریفی که من آن را از بین فیوضات ربانی و منت‌های خداوند که فیض بسیار دارد و سبحان و منزه است و فضل و منت عظیم دارد و مجد و بزرگی او بیشمار است و سلطان او عزیز است برچیدم، وقتی که در شهر ایمان و در حرم اهل بیت رسول خداوند صلی الله علیه و آله در شهر قم که از مصیبت‌های روزگار و بلایای دوران در امان بماند، در یکی از روزهای ماه اعظم خدا در سال ۱۰۱۱ هجرت مبارک نبوی. در روزی از این روزها بعد از ظهر که نشسته بودم و تعقیب نماز عصر را میخواندم، حالی شبیه به خواب سبک به من دست داد و من رو به قبله نشسته بودم. در خواب دیدم که نور پرتوناکی بر یک هیبت نورانی که شبیه به جسم انسان بود می... درخشد، انسانی که گویا بر سمت راست خود دراز کشیده بود و یک شخص دیگر را نیز دیدم که هیکل بزرگی دارد و نور بسیار تابان و درخشانی از او ساطع است، او پشت سر شخصی که دراز کشیده بود نشسته بود گویا من از پیش خود فهمیدم یا اینکه کسی به من فهماند که آن شخصی که خوابیده امیر مومنان صلوات الله علیه است و آن کسی که پشت سر او نشسته است، سید و شفیع ما رسول الله صلوات الله علیه است. من در مقابل آن شخص زانو زدم و روبروی سینه‌اش بودم و او دراز کشیده بود. پس امام صلوات الله علیه را دیدم در حالیکه بشاش و خنده رو بود و به من لبخند می‌زد و دست مبارک خود را برپیشانی و گونه‌ها و محاسنم کشید، گویا برای من بشارتی داشت از اندوه نجات می یافتم. گویا او قلب شکسته مرا بند می‌زد و با این کار غم واندوه را از جان من می‌زدود و غصه را از خاطرم می‌برد. در این هنگام من آن حرز را همانگونه که شنیده بودم و در یادم مانده بود برای او بیان کردم و او به من گفت که به این صورت بخوان یا بخوان به این صورت:

محمد نبی خدا که صلوات خدا بر او باد روبروی من و فاطمه دختر او که صلوات خدا بر او باد بالای سر من و امیر مومنان علی بن ابیطالب که صلوات خدا بر او باد وصی رسول خدا در سمت راستم و حسن و حسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و قائم منتظر امامان من که درود و سلام خداوند بر آنان باد، روبروی من و ابوذر و سلمان و مقداد و حذیفه و عمار و یاران رسول خدا که خداوند ازآنان راضی باد پشت سر من و فرشتگان پیرامون من هستند و خداوند پروردگار من که شان و منزلت عظیم دارد و نام‌های او پاکیزه و طیب است گرداگرد من و او حافظ من و نگاهدار من است؛ و خداوند از هر سو بر ایشان محیط است، آری آن قرآنی ارجمند است که در لوحی محفوظ است، خدا بهترین حافظ است و او مهربان ترین مهربانان است.

وقتی صحبت من تمام شد، ایشان فرمود: تکرار کن ومن مانند خود او برایش خواندم. سپس فرمود: بس است و خود او آن را برایم تکرار کرد و بدین ترتیب من دعا را برایش می‌خواندم و هر وقت که سخنم به پایان می‌رسید، او آن را تا آنجا که حفظ کرده بودم برایم تکرار می‌کرد تا اینکه کامل حفظ کردم. پس از خواب خود بیدار شدم و آه و ناله سر دادم و تا روز قیامت بسیار به آن شخصی که در خواب دیده بودم مشتاق بودم، این بیداری بیداری حقیقی بود و بیداری مردم عادی دربرابر آن خوابی بیش نبود و زندگی فقط همین بود و زندگی دیگران درمقابل آن مرگی بیش نبود. حروف را به حکایت از خود، با دست راست فقیر و ناتوانش نوشت که حقیرترین بندگان و محتاج ترین آنان به رحم پروردگار حمید و غنی خود است، محمد بن محمد است که باقر الداماد حسینی خوانده می‌شود، خداوند هم در دنیا و هم در آخرت برای او خیر بخواهد و در بازگشت او به سوی خود او را از جام مقربان سیراب کند همانان که به او نزدیکند، و بهترین روزهای او را فرادایش قراردهد و او را ازچنگ زدن به ریسمان فضل خود ناتوان نکند و در حالی که شکرگزار، نمازگزار، مسلمان و توبه کننده است و شکر و سپاس برای خداست و حق، تنها اوست .

**[ترجمه]

باب ۵۲ الاحتجابات المرویه عن الرسول و الأئمه صلوات الله و سلامه علیه و علیهم أجمعین و ما یناسب ذلک من الأدعیه المعروفه و الأحراز المشهوره و فیه ذکر دعاء الجوشن الکبیر و الصغیر و ما شاکلهما أیضا

الأخبار

«۱»

مهج، [مهج الدعوات] ذِکْرُ مَا نَخْتَارُهُ مِنَ الْحُجُبِ الْمَرْوِیَّهِ عَنِ النَّبِیِّ وَ الْأَئِمَّهِ علیهم السلام الَّتِی احْتَجَبُوا بِهَا مِمَّنْ أَرَادَ الْإِسَاءَهَ إِلَیْهِمْ حِجَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ: وَ جَعَلْنا عَلی قُلُوبِهِمْ أَکِنَّهً أَنْ یَفْقَهُوهُ وَ فِی آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِذا ذَکَرْتَ رَبَّکَ فِی الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلی أَدْبارِهِمْ نُفُوراً اللَّهُمَّ بِمَا وَارَتِ الْحُجُبُ مِنْ جَلَالِکَ وَ جَمَالِکَ وَ بِمَا أَطَافَ بِهِ الْعَرْشُ مِنْ بَهَاءِ کَمَالِکَ وَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِکَ وَ بِمَا تُحِیطُ بِهِ قُدْرَتُکَ مِنْ مَلَکُوتِ سُلْطَانِکَ یَا مَنْ لَا رَادَّ لِأَمْرِهِ وَ لَا مُعَقِّبَ لِحُکْمِهِ اضْرِبْ بَیْنِی وَ بَیْنَ أَعْدَائِی بِسِتْرِکَ الَّذِی لَا تُفَرِّقُهُ الْعَوَاصِفُ مِنَ الرِّیَاحِ وَ لَا تَقْطَعُهُ الْبَوَاتِرُ مِنَ الصِّفَاحِ وَ لَا تَنْفُذُهُ عَوَامِلُ الرِّمَاحِ حُلْ یَا شَدِیدَ الْبَطْشِ بَیْنِی وَ بَیْنَ مَنْ یَرْمِینِی بِخَوَافِقِهِ وَ مَنْ تَسْرِی إِلَیَّ طَوَارِقُهُ وَ فَرِّجْ عَنِّی کُلَّ هَمٍّ وَ غَمٍّ یَا فَارِجَ هَمِّ یَعْقُوبَ فَرِّجْ هَمِّی یَا کَاشِفَ ضُرِّ أَیُّوبَ اکْشِفْ ضُرِّی وَ اغْلِبْ لِی مَنْ غَلَبَنِی یَا غَالِباً غَیْرَ مَغْلُوبٍ وَ رَدَّ اللَّهُ الَّذِینَ کَفَرُوا بِغَیْظِهِمْ لَمْ یَنالُوا خَیْراً وَ کَفَی اللَّهُ الْمُؤْمِنِینَ الْقِتالَ وَ کانَ اللَّهُ قَوِیًّا عَزِیزاً فَأَیَّدْنَا الَّذِینَ آمَنُوا عَلی عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظاهِرِینَ حِجَابُ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ قُلِ اللَّهُمَّ مالِکَ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ بِیَدِکَ الْخَیْرُ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ تُولِجُ اللَّیْلَ فِی النَّهارِ وَ تُولِجُ النَّهارَ فِی اللَّیْلِ وَ تُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ

وَ تُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ تَرْزُقُ مَنْ تَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ خَضَعَتِ الْبَرِيَّهُ لِعَظَمِهِ جَلَالِهِ أَجْمَعُونَ وَ ذَلَّتْ لِعَظَمَتِهِ عِزَّهُ كُلِّ مُتَعَاظِمٍ مِنْهُمْ وَ لَا يَجِدُ أَحَدٌ مِنْهُمْ إِلَيَّ مَخْلَصاً بَلْ يَجْعَلُهُمُ اللَّهُ شَارِدِينَ مُتَمَزِّقِينَ فِي عِزِّ طُغْيَانِهِمْ هَالِكِينَ ب قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ إِلهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّهِ وَ النَّاسِ انْغَلَقَ عَنِّي بَابُ الْمُتَأَخِّرِينَ مِنْكُمْ وَ تِهْتُمْ ضَالِّينَ مَطْرُودِينَ بِالصَّافَّاتِ بِالذَّارِيَاتِ بِالْمُرْسَلَاتِ بِالنَّازِعَاتِ أَزْجُرُكُمْ عَنِ الْحَرَكَاتِ كُونُوا رَمَاداً لَا تَبْسُطُوا إِلَيَّ يَداً الْيَوْمَ نَخْتِمُ على أَفْواهِهِمْ وَ تُكَلِّمُنا أَيْدِيهِمْ وَ تَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِما كانُوا يَكْسِبُونَ هذا يَوْمُ لا يَنْطِقُونَ وَ لا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ جَمَدَتِ الْأَعْيُنُ وَ خَرِسَتِ الْأَلْسُنُ وَ خَضَعَتِ الرِّقَابُ لِلْمَلِكِ الْخَلَّاقِ اللَّهُمَّ بِالْعَيْنِ وَ الْمِيمِ وَ الْفَاءِ وَ الْحَاءَيْنِ بِنُورِ الْأَشْبَاحِ وَ بِتَلَأْلُؤِ ضِيَاءِ الْإِصْبَاحِ وَ بِتَقْدِيرِكَ لِي يَا قَدِيرُ فِي الْغُدُوِّ وَ الرَّوَاحِ اكْفِنِي شَرَّ مَنْ دَبَّ وَ مَشَى وَ تَجَبَّرَ وَ عَتَا اللَّهُ اللَّهُ الْغَالِبُ لَا لَجَأَ مِنْهُ لِهَارِبٍ نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ إِذا جاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلا غالِبَ لَكُمْ كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ أَمِنَ مَنِ اسْتَجَارَ بِاللَّهِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ حِجَابُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليهما السلام اللَّهُمَّ يَا مَنْ جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزاً وَ بَرْزَخاً وَ حِجْراً مَحْجُوراً يَا ذَا الْقُوَّهِ وَ السُّلْطَانِ يَا عَلِيَّ الْمَكَانِ كَيْفَ أَخَافُ وَ أَنْتَ أَمَلِي وَ كَيْفَ أُضَامُ وَ عَلَيْكَ مُتَّكَلِي فَغُطَّنِي مِنْ أَعْدَائِكَ بِسِتْرِكَ وَ أَفْرِغْ عَلَيَّ مِنْ صَبْرِكَ وَ أَظْهِرْنِي عَلَى أَعْدَائِي بِأَمْرِكَ وَ أَيِّدْنِي بِنَصْرِكَ إِلَيْكَ اللَّجَأُ وَ نَحْوَكَ الْمُلْتَجَأُ فَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجاً وَ مَخْرَجاً يَا كَافِيَ أَهْلِ الْحَرَمِ مِنْ أَصْحَابِ الْفِيلِ وَ الْمُرْسِلَ عَلَيْهِمْ طَيْراً أَبَابِيلَ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَهٍ مِنْ سِجِّيلٍ ارْمِ مَنْ

عَادَانِي بِالتَّنْكِيلِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الشِّفَاءَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ النَّصْرَ عَلَى الْأَعْدَاءِ وَ التَّوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى يَا إِلَهَ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ مَا تَحْتَ الثَّرَى بِكَ أَسْتَشْفِي وَ بِكَ أَسْتَغْفِي وَ عَلَيْكَ

أَتَوَكَّلُ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ حِجَابُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليهما السلام يَا مَنْ شَأْنُهُ الْكِفَايَهُ وَ سُرَادِقُهُ الرِّعَايَهُ يَا مَنْ هُوَ الْغَايَهُ وَ النِّهَايَهُ يَا صَارِفَ السُّوءِ وَ السَّوَايَهِ وَ الضُّرِّ اصْرِفْ عَنِّى أَذِيَّهَ الْعَالَمِينَ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ أَجْمَعِينَ بِالْأَشْبَاحِ النُّورِيَّهِ(۱)

وَ بِالْأَسْمَاءِ السُّرْيَانِيَّهِ وَ بِالْأَقْلَامِ الْيُونَانِيَّهِ وَ بِالْكَلِمَاتِ الْعِبْرَانِيَّهِ وَ بِمَا نُزِّلَ فِى الْأَلْوَاحِ مِنْ يَقِينِ الْإِيضَاحِ اجْعَلْنِى اللَّهُمَّ فِى حِرْزِكَ وَ فِى حِزْبِكَ وَ فِى عِيَاذِكَ وَ فِى سِتْرِكَ وَ فِى كَنَفِكَ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ وَ عَدُوٍّ رَاصِدٍ وَ لَئِيمٍ مُعَانِدٍ وَ ضِدٍّ كَنُودٍ وَ مِنْ كُلِّ حَاسِدٍ بِبِسْمِ اللَّهِ اسْتَشْفَيْتُ وَ بِسْمِ اللَّهِ اسْتَكْفَيْتُ (۲)

وَ عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ وَ بِهِ اسْتَعَنْتُ (۳)

عَلَى كُلِّ ظَالِمٍ ظَلَمَ وَ غَاشِمٍ غَشَمَ وَ طَارِقٍ طَرَقَ وَ زَاجِرٍ زَجَرَ فَاللَّهُ خَيْرٌ حافِظاً وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ حِجَابُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام بِسْمِ اللَّهِ اسْتَعَنْتُ وَ بِبِسْمِ اللَّهِ اسْتَجَرْتُ وَ بِهِ اعْتَصَمْتُ وَ ما تَوْفِيقِى إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ اللَّهُمَّ نَجِّنِى مِنْ طَارِقٍ يَطْرُقُ فِى لَيْلٍ غَاسِقٍ أَوْ صُبْحٍ بَارِقٍ وَ مِنْ كَيْدِ كُلِّ مَكِيدٍ أَوْ ضِدٍّ أَوْ حَاسِدٍ حَسَدَ زَجَرْتُهُمْ بِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ اللَّهُ الصَّمَدُ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ وَ بِالاسْمِ الْمَكْنُونِ الْمُنْفَرِجِ بَيْنَ الْكَافِ وَ النُّونِ وَ بِالاسْمِ الْغَامِضِ الْمَكْنُونِ الَّذِى تَكُونُ مِنْهُ الْكَوْنُ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ أَتَدَرَّعُ بِهِ مِنْ كُلِّ مَا نَظَرَتِ الْعُيُونُ وَ خَفَقَتِ الظُّنُونُ وَ جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لا يُبْصِرُونَ وَ كَفى بِاللَّهِ شَهِيداً وَ كَفى بِاللَّهِ نَصِيراً حِجَابُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عليه السلام اللَّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ جَمِيعاً خَضَعَ لِنُورِهِ كُلُّ جَبَّارٍ وَ خَمَدَ لِهَيْبَتِهِ

۱- ۱. النورانيه خ ل.

۲- ۲. اكتفيت خ ل.

۳- ۳. استعديت خ ل.

أَهْلُ الْأَقْطَارِ وَ هَمَدَ وَ لَبَدَ جَمِيعُ الْأَشْرَارِ خَاضِعِينَ خَاسِئِينَ لِأَسْمَاءِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لِجَبَّارِى الْهَوَاءِ وَ مُسْتَرِقِى السَّمْعِ مِنَ السَّمَاءِ وَ حُلَّالِ الْمَنَازِلِ وَ الدِّيَارِ وَ الْمُتَغَيِّبِينَ (۱)

فِى الْأَسْحَارِ وَ الْبَارِزِينَ فِى أَظْهَارِ النَّهَارِ حَجَبْتُكُمْ وَ زَجَرْتُكُمْ مَعَاشِرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ خَالِقِ كُلِّ شَىْ ءٍ بِمِقْدَارٍ لا تُدْرِكُهُ الْأَبْصارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ(۲) لَا مَنْجَى لَكُمْ وَ لَا مَلْجَأَ لِوَارِدِكُمْ وَ لَا مُنْقِذَ لِمَارِدِكُمْ جَمِيعاً مِنْ صَوَاعِقِ الْقُرْآنِ الْمُبِينِ وَ عَظِيمِ أَسْمَاءِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ لَا مَنْفَذَ لِهَارِبِكُمْ مِنْ رَكْسِهِ التَّثْبِيطِ وَ نِزَاعِ التَّهْبِيطِ وَ رَوَاجِسِ التَّخْبِيطِ فَرَابِعُكُمْ مَحْبُوسٌ وَ نَجْمُ طَالِعِكُمْ مَنْحُوسٌ مَطْمُوسٌ وَ شَامِخُ عِلْمِكُمْ مَنْكُوسٌ فَاسْتَكِبُّوا أَحْيَاناً وَ تَمَزَّقُوا أَشْتَاتاً وَ تَوَاقَعُوا بِأَسْمَاءِ اللَّهِ أَمْوَاتاً اللَّهُ أَغْلَبُ وَ هُوَ غَالِبٌ وَ إِلَيْهِ يَرْجِعُ كُلُّ شَىْ ءٍ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ حِجَابُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام يَا مَنْ إِذَا اسْتَعَذْتُ بِهِ أَعَاذَنِى وَ إِذَا اسْتَجَرْتُ بِهِ عِنْدَ الشَّدَائِدِ أَجَارَنِى وَ إِذَا اسْتَغَثْتُ بِهِ عِنْدَ النَّوَائِبِ أَغَاثَنِى وَ إِذَا اسْتَنْصَرْتُ بِهِ عَلَى عَدُوِّى نَصَرَنِى وَ أَعَانَنِى إِلَيْكَ الْمَفْزَعُ وَ أَنْتَ الثِّقَةُ فَاقْمَعْ عَنِّى مَنْ أَرَادَنِى وَ اغْلِبْ لِى مَنْ كَادَنِى يَا مَنْ قَالَ إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلا غالِبَ لَكُمْ يَا مَنْ نَجَا نُوحاً مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ يَا مَنْ نَجَا لُوطاً مِنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ يَا مَنْ نَجَا هُوداً مِنَ الْقَوْمِ الْعَادِينَ (۳)

يَا مَنْ نَجَا مُحَمَّداً صلى الله عليه و آله مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ نَجِّنِى مِنْ أَعْدَائِى وَ أَعْدَائِكَ بِأَسْمَائِكَ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ لَا سَبِيلَ لَهُمْ عَلَى مَنْ تَعَوَّذَ بِالْقُرْآنِ وَ اسْتَجَارَ بِالرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الرَّحْمنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوى إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَ يُعِيدُ وَ هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ فَعَّالٌ لِما يُرِيدُ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا

۱- ۱. المتعبثين خ ل.

۲- ۲. و فى نسخه من المهج: لا منجا لكم جميعا من صواعق القرآن المبين، لا ملجأ لواردكم، و لا منقذ لهاربكم، و لا منفذ لما ردكم من ركسه التثبيط، الخ.

۳- ۳. الغادرين خ ل.

هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ حِجَابُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليهما السلام تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ تَحَصَّنْتُ بِذِي الْعِزَّةِ وَ الْجَبَرُوتِ وَ اسْتَعَنْتُ بِذِي الْكِبْرِيَاءِ وَ الْمَلَكُوتِ مَوْلَايَ اسْتَسْلَمْتُ إِلَيْكَ فَلَا تُسَلِّمْنِي وَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ فَلَا تَخْذُلْنِي وَ لَجَأْتُ إِلَى ظِلِّكَ الْبَسِيطِ فَلَا تَطْرَحْنِي أَنْتَ الطَّلَبُ وَ إِلَيْكَ الْمَهْرَبُ تَعْلَمُ مَا أُخْفِي وَ مَا أُعْلِنَ وَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ ما تُخْفِي الصُّدُورُ فَأَمْسِكْ عَنِّي اللَّهُمَّ أَيْدِي الظَّالِمِينَ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ أَجْمَعِينَ وَ اشْفِنِي وَ عَافِنِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ حِجَابُ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عليه السلام اسْتَسْلَمْتُ مَوْلَايَ لَكَ وَ أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَ تَوَكَّلْتُ فِي كُلِّ أُمُورِي عَلَيْكَ وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدَيْكَ اخْبَأْنِي اللَّهُمَّ فِي سِتْرِكَ عَنْ شِرَارِ خَلْقِكَ وَ اعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ أَذًى وَ سُوءٍ بِمَنِّكَ وَ اكْفِنِي شَرَّ كُلِّ ذِي شَرٍّ بِقُدْرَتِكَ اللَّهُمَّ مَنْ كَادَنِي وَ أَرَادَنِي فَإِنِّي أَدْرَأُ بِكَ فِي نَحْرِهِ وَ أَسْتَعِيذُ مِنْهُ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ شُدَّ عَنِّي أَيْدِي الظَّالِمِينَ إِذْ كُنْتَ نَاصِرِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ إِلَهَ الْعَالَمِينَ أَسْأَلُكَ كِفَايَةَ الْأَذَى وَ الْعَافِيَةَ وَ الشِّفَاءَ وَ النَّصْرَ عَلَى الْأَعْدَاءِ وَ التَّوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَ تَرْضَى يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ يَا جَبَّارَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِينَ يَا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ حِجَابُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ الْخَالِقُ أَعْظَمُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ وَ الرَّازِقُ أَبْسَطُ يَداً مِنَ الْمَرْزُوقِينَ وَ نَارُ اللَّهِ الْمُوصَدَةُ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ تَكِيدُ أَفْئِدَةَ الْمَرَدَةِ وَ تَرُدُّ كَيْدَ الْحَسَدَةِ بِالْأَقْسَامِ بِالْأَحْكَامِ بِاللَّوْحِ الْمَحْفُوظِ وَ الْحِجَابِ الْمَضْرُوبِ بِالْعَرْشِ الْعَظِيمِ (۱)

احْتَجَبْتُ وَ اسْتَتَرْتُ وَ اسْتَجَرْتُ وَ اعْتَصَمْتُ وَ تَحَصَّنْتُ بِألم وَ بِ كهيعص وَ بِ طه وَ بِ طسم وَ بِ حم وَ بِ حم عسق وَ ن (۲) وَ بِ طس وَ بِ ق وَ الْقُرْآنِ الْمَجِيدِ وَ إِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ وَ اللَّهُ وَلِيِّي وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.

ص: ۳۷۶

۱- ۱. في المصدر المطبوع: بعرش ربّنا العظيم.

۲- ۲. و بنون ظ.

حِجَابُ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَیْنَکَ وَ بَیْنَ الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجاباً مَسْتُوراً وَ جَعَلْنا عَلی قُلُوبِهِمْ أَکِنَّهً أَنْ یَفْقَهُوهُ وَ فِی آذانِهِمْ وَقْراً فَإِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجِیمِ إِنَّهُ لَیْسَ لَهُ سُلْطانٌ عَلَی الَّذِینَ آمَنُوا وَ عَلی رَبِّهِمْ

یَتَوَکَّلُونَ عَلَیْکَ یَا مَوْلَایَ تَوَکُّلِی وَ أَنْتَ حَسْبِی وَ أَمَلِی وَ مَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ تَبارَکَ إِلَهُ إِبْرَاهِیمَ وَ إِسْمَاعِیلَ وَ إِسْحَاقَ وَ یَعْقُوبَ رَبُّ الْأَرْبَابِ وَ مَالِکُ الْمُلُوکِ وَ جَبَّارُ الْجَبَابِرَهِ وَ مَلِکُ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ رَبِّ أَرْسِلْ إِلَیَّ مِنْکَ رَحْمَهً یَا رَحِیمُ أَلْبِسْنِی مِنْکَ عَافِیَهً وَ ازْرَعْ فِی قَلْبِی مِنْ نُورِکَ وَ اخْبَأْنِی مِنْ عَدُوِّکَ وَ احْفَظْنِی فِی لَیْلِی وَ نَهَارِی بِعَیْنِکَ یَا أُنْسَ کُلِّ مُسْتَوْحِشٍ وَ إِلَهَ الْعَالَمِینَ قُلْ مَنْ یَکْلَؤُکُمْ بِاللَّیْلِ وَ النَّهارِ مِنَ الرَّحْمنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِکْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ حَسْبِیَ اللَّهُ کَافِیاً وَ مُعِیناً وَ مُعَافِیاً فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ.

حِجَابُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْعَسْکَرِیِّ علیهما السلام اللَّهُمَّ إِنِّی أُشْهِدُکَ بِحَقِیقَهِ إِیمَانِی وَ عَقْدِ عَزَمَاتِ یَقِینِی وَ خَالِصِ صَرِیحِ تَوْحِیدِی وَ خَفِیِّ سَطَوَاتِ سِرِّی وَ شَعْرِی وَ بَشَرِی وَ لَحْمِی وَ دَمِی وَ صَمِیمِ قَلْبِی وَ جَوَارِحِی وَ لُبِّی بِأَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ مَالِکُ الْمُلْکِ وَ جَبَّارُ الْجَبَابِرَهِ وَ مَلِکُ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ تُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشاءُ بِیَدِکَ الْخَیْرُ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ فَأَعِزَّنِی بِعِزِّکَ وَ اقْهَرْ لِی مَنْ أَرَادَنِی بِسَطْوَتِکَ وَ اخْبَأْنِی مِنْ أَعْدَائِی بِسِتْرِکَ صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لا یَرْجِعُونَ وَ جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ أَیْدِیهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لا یُبْصِرُونَ بِعِزَّهِ اللَّهِ اسْتَجَرْنَا وَ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ إِیَّاکُمْ طَرَدْنَا وَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْنا وَ هُوَ حَسْبُنَا وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ آلِهِ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَکِیلُ وَ هُوَ نِعْمَ النَّصِیرُ وَ ما لَنا أَلَّا نَتَوَکَّلَ عَلَی اللَّهِ وَ قَدْ هَدانا سُبُلَنا وَ لَنَصْبِرَنَّ عَلی ما آذَیْتُمُونا وَ عَلَی اللَّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُتَوَکِّلُونَ وَ مَنْ یَتَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِکُلِّ شَیْ ءٍ قَدْراً.

ص: ٣٧٧

حِجَابُ مَوْلَانَا صَاحِبِ الزَّمَانِ علیه السلام اللَّهُمَّ احْجُبْنِی عَنْ عُیُونِ أَعْدَائِی وَ اجْمَعْ بَیْنِی وَ بَیْنَ أَوْلِیَائِی وَ أَنْجِزْ لِی مَا وَعَدْتَنِی وَ احْفَظْنِی فِی غَیْبَتِی إِلَی أَنْ تَأْذَنَ لِی فِی ظُهُورِی وَ أَحْیِ بِی مَا دَرَسَ مِنْ فُرُوضِکَ وَ سُنَنِکَ وَ عَجِّلْ فَرَجِی وَ سَهِّلْ مَخْرَجِی وَ اجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنْکَ سُلْطَاناً نَصِیراً وَ افْتَحْ لِی فَتْحاً مُبِیناً وَ اهْدِنِی صِرَاطاً مُسْتَقِیماً وَ قِنِی جَمِیعَ مَا أُحَاذِرُهُ مِنَ الظَّالِمِینَ وَ احْجُبْنِی عَنْ أَعْیُنِ الْبَاغِضِینَ النَّاصِبِینَ الْعَدَاوَةَ لِأَهْلِ بَیْتِ نَبِیِّکَ وَ لَا یَصِلْ مِنْهُمْ إِلَیَّ أَحَدٌ بِسُوءٍ فَإِذَا أَذِنْتَ فِی ظُهُورِی فَأَیِّدْنِی بِجُنُودِکَ وَ اجْعَلْ مَنْ یَتْبَعُنِی لِنُصْرَةِ دِینِکَ مُؤَیَّدِینَ وَ فِی سَبِیلِکَ مُجَاهِدِینَ وَ عَلَی مَنْ أَرَادَنِی وَ أَرَادَهُمْ بِسُوءٍ مَنْصُورِینَ وَ وَفِّقْنِی لِإِقَامَةِ حُدُودِکَ وَ انْصُرْنِی عَلَی مَنْ تَعَدَّی مَحْدُودَکَ وَ انْصُرِ الْحَقَّ و أَزْهِقِ الْبَاطِلَ إِنَّ الْبَاطِلَ کانَ زَهُوقاً وَ أَوْرِدْ عَلَیَّ مِنْ شِیعَتِی وَ أَنْصَارِی [وَ] مَنْ تَقَرُّ بِهِمُ الْعَیْنُ وَ یُشَدُّ بِهِمُ الْأَزْرُ وَ اجْعَلْهُمْ فِی حِرْزِکَ وَ أَمْنِکَ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ.

وَ هَذِهِ الْحُجُبُ مِمَّا أُلْهِمْنَا أَیْضاً تِلَاوَتَهَا یَوْمَ أَحَاطَتِ الْمِیَاهُ وَ الْغَرَقُ وَ أَصْعَبَتِ السَّلَامَةُ بِکَثْرَةِ الْمِیَاهِ وَ زَادَتْ عَلَی إِحَاطَتِهَا بِهَدْمِ مَوَاضِعَ دَخَلَ بِهَا مَاءُ الزِّیَادَاتِ وَ أَمْکَنَ الْمُقَامُ بِإِجَابَةِ الدَّعَوَاتِ وَ رَفْعِ تِلْکَ الْمَحْذُورَاتِ وَ سَلَامَتِنَا مِنَ الدُّخُولِ فِی تِلْکَ الْحَادِثَاتِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ (۱)

هَذَا آخِرُ مَا فِی الْمُهَجِ مِنَ الْحِجَابَاتِ الْمُشَارِ إِلَیْهَا.

**[ترجمه]مهج الدعوات: بیان آن چه که از حجاب های روایت شده از پیامبر و امامان علیهم السلام انتخاب کردیم که با آن از کسانی که به آنان بدی می کردند پنهان می شدند.

حجاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم:

و بر دل هایشان پرده هایی قرار دادیم تا نفهمند و گوش هایشان را سنگین کردیم تا نشنوند. و هنگامی که یگانگی خداوند را در قرآن یاد می کنی از تو روی برمی گردانند و به تو پشت می کنند. پروردگارا، به آن شوکت و زیباییت که پرده ها آن را پوشانده اند سوگند و به آن چه از بزرگی کمالت که عرش تو پیرامون آن در گردش است و به جایگاه های عزت تو در عرشت و به آن چه قدرت و سلطنت تو بر آن احاطه یافته، ای آن که فرمانش بازداشته نمی شود و دستورش نقض نمی شود. میان من و دشمنانم پرده ای بیانداز که نه بادهای تند و نه شمشیرهای برنده آن را نشکافد و سنان نیزه ها نیز به آن راهی نیابد. ای دریابنده ی شدید، میان من و هرکس با حیله و مکر و یا آسیبی به من می رساند حائل شو. و همه غم و اندوهم را برطرف کن، ای آن که اندوه یعقوب را برطرف کرد اندوهم را بر طرف کن، ای آن که پریشانی را از ایوب برداشت، پریشانی ام را درمان کن و بر کسانی که بر من پیروز شده اند غلبه کن، ای پیروزمند شکست ناپذیر. و خداوند کافران را با خشمشان بازگرداند در حالی که به هیچ خیری نمی رسند ، و خداوند مؤمنان را از جنگ بی نیاز کرد و خداوند نیرومند شکست ناپذیر است. پس کسانی را که ایمان آورده بودند در برابر دشمنانشان یاری کردیم و سرانجام پیروز شدند.

حجاب أمیر المؤمنین علی بن أبی طالب صلوات الله علیه:

به نام خداوند بخشنده مهربان. بگو خداوندا، ای مالک حکومت ها، حکومت را به هر کس بخواهی می بخشی و آن را از هر کس بخواهی باز پس می گیری، هر که را بخواهی عزیز می گردانی و هر که را بخواهی خوار می کنی، تمام خوبی ها به دست توست، تو بر هر چیز توانایی. شب را در روز داخل می کنی و روز را در شب، زنده را از مرده بیرون می آوری و مرده را از زنده، و به هر کس بخواهی بدون حساب روزی می دهی. خدا بزرگ است، خدا بزرگ است، خدا بزرگ است، آفریدگان همگی برای بزرگی شکوهش فروتن شده اند و عزت هر متکبری در برابر عظمتش خوار شده است و کسی از آن ها به من نخواهد رسید، بلکه خداوند آن ها را رانده و پراکنده می کند و در سختی گردن کشی شان آن ها را نابود می سازد. به وسیله « بگو پناه می برم به خدای مردم، پادشاه مردم، معبود مردم، از شر وسوسه گر پنهان، که در سینه های مردم وسوسه می کند، از انسان ها و جنیان» درهای کسانی از شما که عقب تر آمدند بسته شده و گمراه و رانده و سرگردان می شوند. با فرشتگان صف در صف، با بادهای به حرکت درآورنده، با فرشتگانی که پیوسته فرومی آیند، با فرشتگان برکشنده ی جان ها، شما را از حرکت باز می دارم. خاکستر شوید و دست از من بردارید. امروز بر دهان هایشان مهر می زنیم و دست هایشان با ما به

سخن می آینـد و پاهایشان بر آن چه به دست آورده انـد گواهی می دهند. این روزی است که سـخنی نمی گویند و به آن ها اجازه داده نمی شود تا عذرخواهی کنند. چشم ها خشک شده و زبان ها لال شده و گردن ها برای پادشاه آفریننده فرود آمده است،

خدایا به عین و میم و فاء و دو حاء، به نور سایه ها و درخشندگی روشنایی سپیده دم، و به تقدیر تو برای من ای توانا. در صبح و شام مرا از شر هر خزنـده و رونـده و سـتمکار و سـرکش نجات بـده. خداونـد، خداونـد پیروز که هیچ گریزانی از او پناهی ندارد. یاری و پیروزی نزدیک از خداوند است، هنگامی که یاری خداوند و پیروزی فرا رسد. اگر خداوند شـما را یاری کند کسـی بر شـما غلبه نمی کند، خداوند چنین نوشـته که من و فرسـتادگانم پیروزیم، به راستی که خداونـد پیروزمنـد شـکست ناپـذیر است. آن کس که به خـدا پناهنـده شـد در امـان است. نیرو و جنبشی مگر از جانب خداوند بزرگ و بلندمرتبه نیست.

حجاب حسن بن علی علیهما السلام:

پروردگـارا، ای کسـی که میان دو دریا مانع و حائلی قرار داد، ای دارای نیرو و سـلطنت، ای دارای جایگاه بلنـد، چگونه بترسم در حالی که تو امید منی و چگونه مورد سـتم واقع شوم با این که تکیه گاهم تویی. پس مرا با پوشـش خودت از دشـمنان بپوشان و شـکیبایی خودت را بر من فرو ریز و بـا فرمـان خودت مرا بر دشـمنانم پیروز کن و بـا یـاری ات مرا تأییـد کن. پنـاه به سوی توست و توسل به تو میشود. پس برای من راه نجات و گشایشـی در کارم قرار ده، ای کفایت کننده ی ساکنان حرم از فیل سواران، و ای فرسـتاننده پرندگان ابابیل به سوی آن ها، که سنگ های سجیل را به سوی آن ها پرتاب کردند، هر کس را که با من دشمنی نماید خوار گردان. خدایا، از تو درمانی برای هر بیماری و پیروزی بر دشـمنان و موفقیت به آن چه تو دوست می داری و خشـنود می شوی درخواست می کنم. ای معبود هر که در آسمان ها و زمین است و هرچه میان آن هاست و هرچه در زیر زمین است، از تو بهبودی می طلبم و از تو بخشش می خواهم و به تو توکل می کنم. پس خداوند تو را از آنها کفایت خواهد کرد و او شنوا و داناست.

حجاب حسین بن علی علیهما السلام:

ای کسـی که کفایت کردن مقام اوست و رسـیدگی کردن سـراپرده اوست و او آغاز و پایان است. ای برطرف کننـده بدی و پریشانی و بلاها، آزارهای همه عالمیان را از جنیان و انسان ها از من برطرف کن، با سایه های نورانی و با نام های سـریانی و قلم های یونانی و کلمات عبرانی و به آن چه از ایمـان روشن در لوح هـا فرو فرسـتادی. خداونـدا مرا در پنـاه خودت قرار ده و در حزب خودت و در پناه گاه و پوشـش و حمایت خودت از هر شیطان سرکش و دشمن در کمین و فرومایه دشمنی کننده و مخالف نافرمان و از شر هر حسودی نگاه دار. به نام خداوند بهبودی می طلبم و به نـام خداونـد درخواست بی نیازی می کنم و به خداونـد توکل کرده ام و از او یاری می جویم در برابر هر ظالمی که ظلم کنـد و هر سـتمگری که سـتم روا دارد و هر کوبنـده ای که ضـربه زنـد و هر آزاردهنـده ای که سـرزنش کنـد. پس خداوند بهترین نگهبان است و او مهربان ترین مهربانان است.

حجاب علی بن حسین علیهما السلام:

به نام خداونـد یاری می جویم و به نام خداوند پناهنده می شوم و به او چنگ زدم و توفیقی جز از سوی او ندارم، به او توکل نمودم. بارخدایا، مرا از هر کوبنده ای که در شب تیره و یا صبح روشن ضربه زند نجات ده و از حیله ی هر فریب کار یا مخالف یا حسودی که حسد ورزد، آن ها را دور ساختم به وسیله «بگو او خدای یکتاست، خداوند بی نیاز است، نزاییده و زاده نشده و هیچ کس همتای او نیست.» و به نام پنهانی که میان کاف و نون قرار گرفته و به نام راز آلودی که همه وجود از آن پدیـد آمده پیش از آن که وجود داشـته باشد، سپر میسازم از آن در برابر همه آن چه دیـده ها بینند و گمان ها به آن راه یابند. و از مقابل آن ها مانعی قرار دادیم و از پشت سـرشان، پس آن ها را پوشاندیم و به همین خاطر نمی بینند. و خداوند برای گواه و یاوری کافی است.

حجاب محمد بن علی باقر علیهما السلام:

خداوند روشنایی همه آسمان ها و زمین است. هر متکبری برای روشنایی او فروتن شده و ساکنان همه سرزمین ها برای بزرگی اش خاموش شده اند و پلیدان همگی نابود و پراکنده شده اند و با نام های پروردگار عالمیان خاضع و رانده شده اند، برای قدرتمندان هوا و آنان که دزدانه به صداهای آسمان گوش می دهند و ساکنان خانه ها و منازل و آنان که هنگام سحر پنهان می شوند و در میانه روز آشکار می گردند. شما را می پوشانم و دور می سازم ای گروه جنیان و انسان ها با نام های خداوند پادشاه نیرومند که هر چیز را به اندازه آفریده است. دیده ها او را درنمی یابند و او دیده ها را دریابد و او مهربان و آگاه است هیچ راه نجاتی برای شما نیست و آن کس از شما که وارد شود پناهی ندارد و هیچ یک از سرکشان شما از صاعقه های قرآن آشکار و نام های بزرگ پروردگار عالمیان نجات نمی یابند، فراریان شما از پلیدی یأس و اختلاف فرود آمدن و پلیدی های بیراهه ها راهی نمی یابد، پس بازمانده ی شما گرفتار شده و ستاره ی سرنوشت شما شوم است، پرچم برافراشته تان سرنگون است، پس گاه و بیگاه واژگون می شوند و گروه گروه و پراکنده می شوند و با نام های خداوند مانند مردگان بر زمین می افتند. خداوند پیروز شده و او قدرتمند است و همه چیز به سوی او باز می گردد و او دانای آگاه است.

حجاب جعفر بن محمد علیهما السلام:

ای کسی که هرگاه به او پناهنده شدم پناهم داد و به هنگام سختی ها به او تضرع نمودم و پاسخم داد و در بلاها فریاد خود به درگاه او بردم و مرا اجابت کرد و در برابر دشمنم از او یاری جستم و یاری ام کرد. دادخواهی به سوی توست و تو مورد اطمینان هستی، پس هر کس را اراده ی بدی برای من دارد نابود گردان و هر کس که برایم حیله ای اندیشد شکست بده. ای آن که فرمود: اگر خداوند شما را یاری کند کسی بر شما پیروز نمی شود، ای آن که نوح را از مردم ستمگر و لوط را از گروه گنهکار نجات داد، ای آن که هود را از مردمانی که با او دشمنی می کردند نجات داد ای آن که محمد صلی الله علیه و آله را از گروه کافران نجات داد، مرا از دشمنانم و دشمنان خودت نجات ده، به حق نام هایت ای بخشنده، ای مهربان، آن ها به سوی کسی که به قرآن پناه آورد و به بخشنده مهربان زاری کند، راهی ندارند، خداوند بخشنده بر عرش راست گردیده، همانا انتقام پروردگارت سخت شدید است، به راستی که او آغاز کننده و بازگرداننده است و او آمرزنده و مهربان است، هر چه را بخواهد انجام می دهد. پس اگر روی گردان شدند بگو خداوند برای من کافی است، معبودی جز الله نیست و به او توکل می کنم و او پروردگار عرش بزرگ است.

حجاب موسی بن جعفر علیهما السلام:

به زنده ای که هرگز نمی میرد توکل نمودم و به دارنده عزت و جبروت پناهنده شدم، و از صاحب کبریاء و ملکوت یاری جستم. مولای من، خود را به تو تسلیم نمودم پس مرا فروگذار نکن، و به تو توکل نمودم، پس خوارم نگردان. به سایه گسترده تو پناهنده شدم، پس مرا از خود مران، تو مورد خواهش هستی و گریز به سوی توست. آن چه را آشکار و نهان داشته ام می دانی و اشارات پنهانی دید ه ها را و آن چه را در دل ها پنهان شده می دانی، پس دستان همه ستمگاران جن و انسان را از من بازدار و مرا بهبودی و عافیت ببخش، ای مهربان ترین مهربانان.

حجاب علی بن موسی علیهما السلام:

خود را به تو تسلیم نمودم و فرمانبردار تو شدم و در همه کارهایم به تو توکل نمودم، من بنده تو و فرزند دو بنده تو (پدرو مادرم) هستم. مرا از آفریدگان شَرورت در پرده خودت پنهان کن و از هر آزار و بدی با منت خودت مرا نگاه دار و با قدرت خود شر هر شروری را از من بازدار. پروردگارا، هر کس اندیشه و اراده ی بدی برای من داشته باشد، به وسیله تو او را از خود دور می سازم و با جنبش و نیروی تو از او به تو پناه می آورم، چون تو یاور من بودی دستان ستمکاران از من ناتوان شد. معبودی جز تو نیست ای مهربان ترین مهربانان و معبود عالمیان، از تو درخواست می کنم آزارها را از من کفایت کنی و عافیت و بهبودی و پیروزی بر دشمنان و موفقیت در انجام آن چه تو را خشنود می کند و

دوست می داری به من ببخشی، ای معبود عالمیان، ای فرمان روای آسمان ها و زمین ها، ای پروردگار محمد و خاندان پاک و پاکیزه اش، درود تو بر همه آنان باد.

حجاب محمد بن علی علیهما السلام.:

آفریننده از آفریدگانش بزرگ تر است، و روزی دهنده از روزی خوران بخشنده تر است و آتش خداوند فروبسته شده، و در ستون هایی کشیده شده است، دل های سرکشان را فریب می دهد و حیله ی حسودان را بازمی گرداند. با قسم ها، با دستورها، با لوح نگه داشته شده و حجاب افکنده، با عرش بزرگ پنهان شدم و خود را مخفی نمودم و پناه بردم و چنگ زدم و سنگر بندی کردم، با الف لام میم و با کهیعص و با طه و با طسم و با حم و با حم عسق و ن و با طس و با ق و سوگند به قرآن مجید، که اگر می دانستید این سوگندی بزرگ است. خداوند یاور من است و او بهترین یاور و برعهده گیرنده است.

حجاب علی بن محمد علیهما السلام: و هنگامی که قرآن را خواندی میان تو وکسانی که به آخرت ایمان ندارند حجابی پوشیده افکندیم، و بر دل هایشان پرده هایی انداختیم تا نفهمند، و گوش هایشان را سنگین کردیم. پس هنگامی که قرآن می خوانی از شر شیطان رانده شده به خداوند پناه ببر، همانا او بر کسانی که ایمان آورده و به پروردگارشان توکل کردند، سلطه ندارد. مولای من، به تو توکل می کنم و تو برایم کافی هستی و امید من تویی. هر کس به خداوند توکل کند پس او برایش کافی است. مبارك است معبود ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب، پروردگار اربابان، مالك پادشاهان، جبار متکبران و پادشاه دنیا و آخرت. پروردگارا، رحمتی از جانب خودت بر من فرست ای مهربان، عافیت از سوی خودت بر من بپوشان و روشنایی ات را در قلب من برویان و مرا از دشمنت پنهان کن و در شب و روزم با دیده ات مرا حفظ فرما. ای مونس هر هراسان و ای معبود عالمیان. بگو چه کس در شب و روز شما را از خداوند بخشنده نگاه می دارد، بلکه آنان از یاد پروردگارشان روی گردانند. خداوند برای کفایت و یاری رسانی و عافیت بخشی من کافی است. پس اگر روی گردان شدند بگو خداوند برای من کافی است،

معبودی جز او نیست به او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است.

حجاب حسن بن علی عسکری علیهما السلام:

پروردگارا، گواهی می دهم با حقیقت ایمانم و تصمیم محکم و متیقنم و توحید روشن و خالصم و رازهای نهانی و پوشیده ام و مو و پوست و گوشت و خونم و صمیم قلبم و اعضای بدنم و اندیشه ام، که تو خداوندی، معبودی جز تو نیست، پادشاه پادشاهی ها و جبار متکبران و پادشاه دنیا و آخرت هستی. هر کس را بخواهی عزیز گردانی و هر که را بخواهی خوار می سازی. همه نیکی به دست توست و بر هر کار توانایی. پس مرا با عزت خودت عزیز دار و با قدرت خودت هرکس اراده ی مرا کرده ی نابود کن، و مرا با پوشش خودت دشمنانم پنهان دار. گنگ و لال و نابینا هستند و به همین دلیل بازنمی گردند. و از مقابلشان و پشت سرشان سدی قرار دادیم، و چشمانشان را پوشاندیم بنابراین نمی بینند. به عزت خداوند پناهنده شدیم و با نام های خدا شما را از خود دور کردیم، بر او توکل نمودیم و او برای ما کافی است و بهترین نماینده است. نیرو و جنبشی مگر از سوی خداوند بزرگ و بلند مرتبه نیست. و درود خداوند بر آقای ما محمد و خاندان نیك و پاکش باد. و خداوند برای ما کافی و او بهترین جانشین و یاری کننده است. چرا به خداوند توکل نکنیم در حالی که او ما را به راه هایمان هدایت نموده، و یقینا بر آزارهای شما شکیبایی می کنیم و توکل کنندگان باید فقط بر خدا توکل کنند. و هر کس به خدا توکل کند او برایش کافی است. به راستی که خداوند فرمانش را به انجام می رساند و همانا او برای هر چیز اندازه ای قرار داده است.

حجاب مولای ما صاحب الزمان علیه السلام.:

خداوند ا، مرا از چشمان دشمنانم پنهان کن و میان من و دوستانت جمع کن، و آن چه را به من وعده دادی محقق گردان، و مرا در غیبتم حفظ

کن تا آن که به من اجازه ی آشکار شدن دهی. و به وسیله من واجبات و سنت هایت را که از بین رفتند زنده گردان، گشایشم را نزدیک کن و راه نجاتم را آسان گردان و از سوی خودت برایم نیروی یاری کننده ای قرار بده، و پیروزی آشکاری برایم بگشا و مرا به راه مستقیم هدایت فرما و مرا از همه ستمگرانی که از آن ها می ترسم نگاه دار و مرا از دیدگان کینه توزان و دشمنان اهل بیت پیامبرت پنهان کن، تا بدی هیچ یک از آن ها به من نرسد . و هنگامی که به من اجازه آشکار شدن دادی مرا با سپاه خودت تأیید کن و پیروانم را برای یاری دینت مؤید بدار و آن ها در راه خودت تلاش گر قرار ده و بر کسانی که اراده ی بدی برای ما و آنان کرده اند پیروز گردان و مرا برای برپاداشتن حدودت موفق بدار و دربرابر کسانی که به حدود تو تجاوز نموده اند یاریم کن و حق را یاری فرما و باطل را نابود گردان. به راستی که باطل نابود شده است. و شیعیان و یارانم و کسانی را که دیده گان را روشن می گردانند و نیرو می بخشند بر من وارد گردان و آنان را در پناه و امن خودت نگاه دار. به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.

و این حجاب ها از جمله چیزهایی است که خواندن آن را بیان کردیم در روزی که آب ها از همه طرف احاطه کنند و خطر غرق شدن باشد و از فراوانی آب مشکلات ایجاد شود و مکان ها از بین روند، و جایگاه اجابت دعاها و برطرف شدن بلا و ایمنی از این حوادث به وجود آید و سپاس مخصوص خداوند است - . مهج الدعوات :۳۶۸- ۳۷۷ - این پایان حجاب هایی است که در کتاب مهج به آن ها اشاره شده است.

**[ترجمه]

«۲»

حِجَابٌ مَنْقُولٌ مِنْ بَعْضِ الْمَوَاضِعِ: احْتَجَبْتُ بِنُورِ وَجْهِ اللَّهِ الْقَدِيمِ الْكَامِلِ وَ تَحَصَّنْتُ بِحِصْنِ اللَّهِ الْقَوِيِّ الشَّامِلِ وَ رَمَيْتُ مَنْ بَغَى عَلَيَّ بِسَهْمِ اللَّهِ وَ سَيْفِهِ الْقَاتِلِ اللَّهُمَّ يَا غَالِباً عَلَى أَمْرِهِ وَ يَا قَائِماً فَوْقَ خَلْقِهِ وَ يَا حَائِلًا بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ حُلْ بَيْنِي وَ بَيْنَ الشَّيْطَانِ وَ نَزْغِهِ وَ بَيْنَ مَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ مِنْ أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ كُفَّ عَنِّي أَلْسِنَتَهُمْ وَ اغْلُلْ أَيْدِيَهُمْ وَ أَرْجُلَهُمْ وَ اجْعَلْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ سَدّاً مِنْ نُورِ عَظَمَتِكَ وَ حِجَاباً مِنْ قُدْرَتِكَ وَ جُنْداً مِنْ

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۳۶۸- ۳۷۷.

سُلْطَانِكَ إِنَّكَ حَيٌّ قَادِرٌ اللَّهُمَّ اغْشُ عَنِّی أَبْصَارَ النَّاظِرِينَ حَتَّی أَرُدَّ الْمَوَارِدَ وَ اغْشُ عَنِّی أَبْصَارَ النُّورِ وَ أَبْصَارَ الظُّلْمَهِ حَتَّی لَا أُبَالِیَ عَنْ أَبْصَارِهِمْ يَكَادُ سَنا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصارِ يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَ النَّهارَ إِنَّ فِی ذلِکَ لَعِبْرَهً لِأُولِی الْأَبْصارِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ كهيعص بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ حم عسق كَماءٍ أَنْزَلْناهُ مِنَ السَّماءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَباتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيماً تَذْرُوهُ الرِّياحُ هُوَ اللَّهُ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَهِ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِيمُ يَوْمَ الْآزِفَهِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَی الْحَناجِرِ كاظِمِينَ ما لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَ لا شَفِيعٍ يُطاعُ عَلِمَتْ نَفْسٌ ما أَحْضَرَتْ فَلا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوارِ الْكُنَّسِ وَ اللَّيْلِ إِذا عَسْعَسَ وَ الصُّبْحِ إِذا تَنَفَّسَ ص وَ الْقُرْآنِ ذِی الذِّكْرِ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِی عِزَّهٍ وَ شِقاقٍ شَاهَتِ الْوُجُوهُ شَاهَتِ الْوُجُوهُ شَاهَتِ الْوُجُوهُ وَ عَمِيَتِ الْأَبْصَارُ وَ كَلَّتِ الْأَلْسُنُ اللَّهُمَّ اجْعَلْ خَيْرَهُمْ بَيْنَ عَيْنَيْهِمْ وَ شَرَّهُمْ تَحْتَ قَدَمَيْهِمْ وَ خَاتَمَ سُلَيْمَانَ بَيْنَ أَكْتَافِهِمْ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ.

**[ترجمه]حجاب روايت شده از برخی كتاب ها:

بـا نور هميشـگی و كامل وجه خداونـد خود را پنهان نمودم، و در پناه مستحكم و گسترده خداونـد پناه گرفتم و كسانی را كه بر من سـتم روا داشـتند با تير خداوند و شمشير نابود كننده ی او زدم. خداوندا، ای آن كه در كار خود پيروز است و بر آفريدگانش پايدار است، و ميان انسان و قلبش حائل می شود، ميان من و شيطان و وسوسه هايش و هر يک از بندگانت كه بر او توانايی ندارم مانع شو، زبان هايشان را از من كفايت كن و دست هـا و پاهايشان را از من بازدار و ميان من و آن ها مانعی از نور بزرگی ات و حجابی از قـدرتت و سپاهی از توانايی ات قرار بـده، كه تو زنـده و توانمنـد هستی. بارالهـا، چشـمان بيننـدگان را از من بپوشـان تا اين كه راه ها وارد شوم. و ديـدگان روشـنايی و تاريكی را از من بپوشان تا از ديـدگان آن ها هراسـی نداشـته باشم. نزديک است درخشـندگی برق آن ديـدگان را نابينا كنـد. خداوند شب و روز را جابجا می كنـد، همانا در آن عبرتی است برای صاحبان بصيرت. به نام خداونـد بخشـنده مهربان. كاف ياء هاء عين صاد. به نام خداوند بخشـنده مهربان. حاء ميم عين سـين قاف، مانند آبی كه از آسمان فرو فرستاديم، پس گياهان زمين با آن درهم فرومی رود؛ اما پس از مدتی می خشكد و بادها آن را به هرسـو پراكنـده می كنـد. اوست خداونـدی كه معبودی جز او نيست، دانـای پيـدا و پنهـان، او بخشـنده و مهربـان است، روز نزديـک، هنگامی كه جان ها از وحشت به گلوگاه برسـد، سـتمگران نه حامی ای دارنـد و نه شـفاعت كننده ای كه شـفاعتش پذيرفته شود. هر كس می داند چه چيزی را آماده كرده است، پس سوگند به سـتارگانی كه بازمی گردند، حركت كرده و از ديده ها پنهان می شوند، و به شب هنگامی كه پايـان يـافته و پنهـان می شود، و قسم به صبح آن گـاه كه تنفس می كنـد. صـاد، سوگنـد به قرآنی كه دارای ذكر است، اما كافران گرفتار غرور و اختلاف هستند. چهره ها زشت شدند، چهره ها زشت شدند، و ديده ها نابينا گشته و زبان ها بند آمدند. بارخدايا، خير آن ها را مقابل ديـدگانشان و شـرشان را زير پاهايشان و نگين انگشتر سـليمان را ميان شانه هايشان قرار بده، پس خداوند آن ها را از تو كفايت خواهد كرد و او شنوا وداناست. و درود خداوند بر محمد و همه خاندان او باد.

**[ترجمه]

«۳»

مهج، [مهج الدعوات] مِنْ كِتَابِ الْخَصَائِصِ تَأْلِيفِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْأَصْفَهَانِيِّ عَنْ عَبْدِ الْوَاحِدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ أَحْمَدَ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَبْدِ الرَّبِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مِهْرَانَ الْأَصْفَهَانِيِّ عَنْ خَلَّادِ بْنِ يَحْيَی عَنْ قَيْسِ بْنِ الرَّبِيعِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: دَعَانِی الْمَنْصُورُ يَوْماً قَالَ أَ مَا تَرَی مَا هُوَ هَذَا يَبْلُغُنِی عَنْ هَذَا الْحَبَشِيِّ قُلْتُ وَ مَنْ هُوَ يَا سَيِّدِی قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ اللَّهِ لَأَسْتَأْصِلَنَّ شَافَتَهُ ثُمَّ دَعَا بِقَائِدٍ مِنْ قُوَّادِهِ فَقَالَ انْطَلِقْ إِلَی الْمَدِينَهِ فِی أَلْفِ رَجُلٍ فَاهْجُمْ عَلَی جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ خُذْ رَأْسَهُ وَ رَأْسَ ابْنِهِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ فِی مَسِيرِکَ فَخَرَجَ الْقَائِدُ مِنْ سَاعَتِهِ حَتَّی قَدِمَ الْمَدِينَهَ- وَ أُخْبِرَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ فَأَمَرَ فَأُتِیَ بِنَاقَتَيْنِ فَأَوْثَقَهُمَا عَلَی بَابِ الْبَيْتِ وَ دَعَا بِأَوْلَادِهِ مُوسَی وَ إِسْمَاعِيلَ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ فَجَمَعَهُمْ وَ قَعَدَ فِی الْمِحْرَابِ وَ جَعَلَ يُهَمْهِمُ قَالَ أَبُو نَصْرٍ فَحَدَّثَنِی سَيِّدِی مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ أَنَّ الْقَائِدَ هَجَمَ عَلَيْهِ فَرَأَيْتُ

أَبِی وَ قَدْ هَمْهَمَ بِالدُّعَاءِ فَأَقْبَلَ الْقَائِدُ وَ كُلُّ مَنْ كَانَ مَعَهُ قَالَ خُذُوا رَأْسَیْ هَذَیْنِ الْقَائِمَیْنِ فَاحْتَزُّوا رَأْسَهُمَا فَفَعَلُوا وَ انْطَلَقُوا إِلَی الْمَنْصُورِ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَیْهِ اطَّلَعَ الْمَنْصُورُ فِی الْمِخْلَاهِ الَّتِی كَانَ فِیهَا الرَّأْسَانِ فَإِذَا هُمَا رَأْسَا نَاقَتَیْنِ فَقَالَ الْمَنْصُورُ وَ أَیُّ شَیْ ءٍ هَذَا قَالَ یَا سَیِّدِی مَا كَانَ بِأَسْرَعَ مِنْ أَنْ دَخَلْتُ الْبَیْتَ الَّذِی فِیهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ فَدَارَ رَأْسِی وَ لَمْ أَنْظُرْ مَا بَیْنَ یَدَیَّ فَرَأَیْتُ شَخْصَیْنِ قَائِمَیْنِ خُیِّلَ إِلَیَّ أَنَّهُمَا جَعْفَرٌ وَ مُوسَی ابْنُهُ فَأَخَذْتُ رَأْسَیْهِمَا فَقَالَ الْمَنْصُورُ اكْتُمْ عَلَیَّ فَمَا حَدَّثْتُ بِهِ أَحَداً حَتَّی مَاتَ قَالَ الرَّبِیعُ فَسَأَلْتُ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ علیهما السلام عَنِ الدُّعَاءِ فَقَالَ سَأَلْتُ أَبِی عَنِ الدُّعَاءِ فَقَالَ هُوَ دُعَاءُ الْحِجَابِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَیْنَكَ وَ بَیْنَ الَّذِینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجاباً مَسْتُوراً وَ جَعَلْنا عَلی قُلُوبِهِمْ أَكِنَّهً أَنْ یَفْقَهُوهُ وَ فِی آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِذا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِی الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلی أَدْبارِهِمْ نُفُوراً اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِالاسْمِ الَّذِی بِهِ تُحْیِی وَ تُمِیتُ وَ تَرْزُقُ وَ تُعْطِی وَ تَمْنَعُ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ مَنْ أَرَادَنَا بِسُوءٍ مِنْ جَمِیعِ خَلْقِكَ فَأَعْمِ عَنَّا عَیْنَهُ وَ أَصْمِمْ عَنَّا سَمْعَهُ وَ اشْغَلْ عَنَّا قَلْبَهُ وَ اغْلُلْ عَنَّا یَدَهُ

وَ اصْرِفْ عَنَّا كَیْدَهُ وَ خُذْهُ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ یَمِینِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ: قَالَ مُوسَی عَلَیْهِ السَّلَامُ قَالَ أَبِی عَلَیْهِ السَّلَامُ إِنَّهُ دُعَاءُ الْحِجَابِ مِنْ جَمِیعِ الْأَعْدَاءِ(۱)

وَ مِنْ ذَلِكَ دُعَاءُ التَّضَرُّعِ وَ كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَیْهِ السَّلَامُ یَدْعُو بِهِ فِی الشَّدَائِدِ وَ یَكْشِفُ عَنْ ذِرَاعَیْهِ وَ یَرْفَعُ بِهِ صَوْتَهُ وَ یَنْتَحِبُ وَ یُكْثِرُ الْبُكَاءَ اللَّهُمَّ لَوْ لَا أَنْ أُلْقِیَ بِیَدِی وَ أُعِینَ عَلَی نَفْسِی وَ أُخَالِفَ كِتَابَكَ وَ قَدْ قُلْتَ ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَكُمْ فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَهَ الدَّاعِ إِذا دَعانِ لَمَا انْشَرَحَ قَلْبِی وَ لِسَانِی لِدُعَائِكَ وَ الطَّلَبِ مِنْكَ وَ قَدْ عَلِمْتَ مِنْ نَفْسِی فِیمَا بَیْنِی وَ بَیْنَكَ مَا عَرَفْتَ اللَّهُمَّ مَنْ أَعْظَمُ جُرْماً مِنِّی وَ قَدْ سَاوَرْتُ مَعْصِیَتَكَ الَّتِی زَجَرْتَنِی عَنْهَا بِنَهْیِكَ

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۲۶۴.

إِیَّایَ وَ كَاثَرْتُ الْعَظِیمَ مِنْهَا الَّتِی أَوْجَبْتَ النَّارَ لِمَنْ عَمِلَهَا مِنْ خَلْقِكَ وَ كُلَّ ذَلِكَ عَلَی نَفْسِی جَنَیْتُ وَ إِیَّایَ أَوْبَقْتُ إِلَهِی فَتَدَارَكْنِی بِرَحْمَتِكَ الَّتِی بِهَا تَجْمَعُ الْخَیرَاتِ لِأَوْلِیائِكَ وَ بِهَا تَصْرِفُ السَّیِّئَاتِ عَنْ أَحِبَّائِكَ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ التَّوْبَهَ النَّصُوحَ فَاسْتَجِبْ دُعَائِی وَ ارْحَمْ عَبْرَتِی وَ أَقِلْنِی عَثْرَتِی اللَّهُمَّ لَوْ لَا رَجَائِی لِعَفْوِكَ لَصَمَتُّ عَنِ الدُّعَاءِ وَ لَكِنَّكَ عَلَی كُلِّ حالٍ یَا إِلَهِی غَایَهَ الطَّالِبِینَ وَ مُنْتَهَی رَغْبَهِ الرَّاغِبِینَ وَ اسْتَعَاذَهَ الْعَائِذِینَ اللَّهُمَّ فَأَنَا أَسْتَعِیذُكَ مِنْ غَضَبِكَ وَ سُوءِ سَخَطِكَ وَ عِقَابِكَ وَ نَقِمَتِكَ وَ مِنْ شَرِّ نَفْسِی وَ شَرِّ كُلِّ ذِی شَرٍّ وَ أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ جَمِیعِ الذُّنُوبِ وَ أَسْأَلُكَ الْغَنِیمَهَ فِیمَا بَقِیَ مِنْ عُمُرِی بِالْعَافِیَهِ أَبَداً مَا أَبْقَیْتَنِی وَ أَسْأَلُكَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّهِ وَ الرَّحْمَهَ إِذَا تَوَفَّیْتَنِی فَإِنَّكَ بِذَلِكَ لَطِیفٌ وَ عَلَیْهِ قَادِرٌ اللَّهُمَّ إِنِّی أَشْكُو إِلَیْكَ كُلَّ حَاجَهٍ لَا یُجِیرُنِی مِنْهَا إِلَّا أَنْتَ یَا مَنْ هُوَ عُدَّتِی فِی كُلِّ عُسْرٍ وَ یُسْرٍ یَا مَنْ هُوَ حَسَنُ الْبَلَاءِ عِنْدِی یَا قَدِیمَ الْعَفْوِ عَنِّی إِنَّنِی لَا أَرْجُو غَیْرَكَ وَ لَا أَدْعُو سِوَاكَ إِذَا لَمْ تُجِبْنِی اللَّهُمَّ فَلَا تَحْرِمْنِی لِقِلَّهِ شُكْرِی وَ لَا تُؤْیِسْنِی لِكَثْرَهِ ذُنُوبِی فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوی وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَهِ إِلَهِی أَنَا مَنْ قَدْ عَرَفْتَ بِئْسَ الْعَبْدُ أَنَا وَ خَیْرُ الْمَوْلَی أَنْتَ فَیَا مَخْشِیَّ الِانْتِقَامِ وَ یَا مَرْهُوبَ الْبَطْشِ یَا مَعْرُوفاً بِالْمَعْرُوفِ إِنَّنِی لَیسَ أَخَافُ مِنْكَ إِلَّا عَدْلَكَ وَ لَا أَرْجُو الْفَضْلَ وَ الْعَفْوَ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ لَا عَبْدَ لَكَ أَحَقُّ بِاسْتِیجَابِ جَمِیعِ الْعُقُوبَهِ بِذُنُوبِهِ مِنِّی وَ لَكِنِّی وَسِعَنِی عَفْوُكَ وَ حِلْمُكَ وَ أَخَّرْتَنِی إِلَی الْیَوْمِ فَلَیْتَ شِعْرِی یَا إِلَهِی أَ لِأَزْدَادَ إِثْماً أَخَّرْتَنِی أَمْ لِیَتِمَّ لِی رَجَائِی مِنْكَ وَ یَتَحَقَّقَ حُسْنُ ظَنِّی بِكَ فَأَمَّا بِعَمَلِی فَقَدْ أَعْلَمْتُكَ إِلَهِی إِنَّنِی مُسْتَحِقٌّ لِجَمِیعِ عُقُوبَتِكَ بِذُنُوبِی غَیْرَ أَنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ وَ أَنْتَ بِی أَعْلَمُ مِنْ نَفْسِی وَ عِنْدَ أَرْحَمِ الرَّاحِمِینَ رَجَاءُ الرَّحْمَهِ فَیَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ لَا تُشَوِّهْ خَلْقِی بِالنَّارِ وَ لَا تَقْطَعْ عَصَبِی بِالنَّارِ یَا اللَّهُ وَ لَا تَفْلِقْ قِحْفَ رَأْسِی بِالنَّارِ یَا رَحْمَانُ وَ لَا تُفَرِّقْ بَیْنَ أَوْصَالِی بِالنَّارِ یَا كَرِیمُ وَ لَا تَهْشِمْ

عِظَامِي بِالنَّارِ يَا عَفُوُّ وَ لَا تَصِلْ شَيْئاً مِنْ جَسَدِي بِالنَّارِ يَا رَحْمَانُ عَفْوَكَ عَفْوَكَ عَفْوَكَ ثُمَّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ فَإِنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ غَيْرُكَ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْ‌ءٍ قَدِيرٌ يَا مُحِيطاً بِمَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مُدَبِّرَ أُمُورِهِمَا أَوَّلِهَا وَ آخِرِهَا أَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ أَصْلِحْ لِي نَفْسِي وَ مَالِي وَ مَا خَوَّلْتَنِي يَا اللَّهُ خَلِّصْنِي مِنَ الْخَطَايَا يَا اللَّهُ مُنَّ عَلَيَّ بِتَرْكِ الْخَطَايَا يَا رَحِيمُ تَحَنَّنْ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ يَا عَفُوُّ تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ يَا حَنَّانُ جُدْ عَلَيَّ بِسَعَةِ عَافِيَتِكَ يَا مَنَّانُ امْنُنْ عَلَيَّ بِالْعِتْقِ مِنَ النَّارِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ أَوْجِبْ لِيَ الْجَنَّةَ

الَّتِي حَشْوُهَا رَحْمَتُكَ وَ سُكَّانُهَا مَلَائِكَتُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ أَكْرِمْنِي وَ لَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ سَبِيلًا أَبَداً مَا أَبْقَيْتَنِي فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْ‌ءٍ قَدِيرٌ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ أَنْتَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ وَ تُسَمِّي حَاجَتَكَ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: از کتاب خصائص تالیف محمد بن علی اصفهانی از قیس بن ربیع از پدرش نقل می کند که گفت: روزی منصور مرا فراخواند و گفت: آیا می بینی از این حبشی چه خبری به من رسیده است؟ گفتم: او کیست مولای من؟ گفت: جعفر بن محمد. و به خدا قسم او را ریشه کن خواهم کرد. سپس یکی از فرماندهانش را فراخواند و گفت: با هزار مرد به سوی مدینه برو و به جعفر بن محمد حمله کرده و سر خودش و فرزندش موسی بن جعفر را برایم بیاور. پس فرمانده همان ساعت به سوی مدینه حرکت کرد تا به آن جا رسید. به جعفر بن محمد خبر داده شد، پس دستور داد دو شتر را آورده و آنها را جلوی در خانه اش بست و فرزندانش موسی و إسماعیل و محمد و عبد الله را فراخوانده و آن ها را جمع کرد. سپس در محراب نشست و شروع کرد به زمزمه کردن. ابونصر گفت: آقایم موسی بن جعفر به من گفت که فرمانده به او هجوم برد، پس پدرم را دیدم که دعا را زمزمه می‌کرد. پس فرمانده و هرکس با او بود نزدیک آمدند. گفت: سرهای این دو نفر را که ایستاده اند از تن جدا کنید، پس سرهای آن ها را بریدند و به سوی منصور بردند.

هنگامی که بر او وارد شدند منصور توبره ای را که سرها در آن بود گشود و دید سر دو شتر در آن است. منصور گفت: این دیگر چیست؟ گفت: مولای من، وقتی وارد خانه ای شدم که جعفر بن محمد در آن بود، چیزی طول نکشید که سرم گیج رفت و مقابلم را ندیدم، پس دو نفر را دیدم که مقابل من ایستاده اند، گمان کردم آن ها جعفر و فرزندش موسی هستند. پس سرشان را جدا کردم. منصور گفت: این حادثه را مخفی نگه دار. پس با کسی در این مورد سخن نگفتم تا زمانی که او مرد. ربیع گفت: از موسی بن جعفر علیهما السلام در مورد دعا پرسیدم. فرمود: از پدرم درباره دعا پرسیدم و ایشان فرمود: این دعای حجاب است: به نام خداوند بخشنده مهربان. و هنگامی که قرآن می خوانی میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند حجابی پوشیده قرار می دهیم و بر دل هایشان پرده هایی می اندازیم تا نفهمند و گوش هایشان را سنگین می کنیم. و هنگامی که خداوند را به یگانگی در قرآن یاد می کنی پشت کرده و با نفرت باز می گردند. پروردگارا، از تو درخواست می کنم به نامی که با آن زنده می گردانی و می میرانی و روزی می دهی و می بخشی و منع می کنی، ای صاحب شکوه و بزرگواری. خداوندا، هر کس از آفریدگانت که اراده بدی برای ما داشت، دیده او را از ما نابینا گردان و گوشش را از ما ناشنوا قرار بده و قلبش را از ما مشغول کن و دستش را از ما بازدار و حیله اش را از ما بازگیر و او را از مقابل و پشت سرش و از سمت راست و چپش و از زیر پایش و بالای سرش بگیر، ای صاحب شکوه و بزرگی.

موسی علیه السلام فرمود: پدرم فرمود: این دعای حجابِ از همه دشمنان است - . مهج الدعوات :۲۶۴ - .

و از آن جمله دعای تضرع است که ابوعبدالله علیه السلام در سختی ها آن را می خواندند و ساق دست ها را برهنه کرده و صدایشان را بلند می نمودند و گریه بلند و شدیدی می کردند: خداوندا و اگر نه آن می بود که انداخته می شدم من بدست خود در هلاکت و خود یاری می نمودم بر ضرر رسانیدن نفس خود و مخالفت می کردم قرآن ترا به سبب ترک نمودن دعا ، و حال آنکه تو گفتی: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، پس به راستی که من نزدیک هستم و ندای کسی را که مرا بخواند پاسخ می گویم، قلبم و زبانم برای خواندن و درخواست کردن از تو گشاده نمی شد، حال آن که آن چه را میان من و توست می دانم. خداوندا، چه کسی از من گناهکارتر است و من گناهی را که مرا از آن بازداشتی انجام دادم و گناهان بزرگی را مرتکب شدم که تو آتش را برای هریک از بندگانت که آن را انجام دهند قرار دادی، و همه این

گناهان را مرتکب شدم و خویش را نابود و خوار نمودم. پروردگارا، پس مرا دریاب با مهربانی ات که با آن همه نیکی ها را برای دوستانت جمع می کنی و بدی ها را از عزیزانت دور می کنی.

پروردگارا، از تو توبه ی حقیقی می خواهم، پس مرا اجابت کن و به اشک دیده ام رحم نما و از لغزش هایم درگذر.

بارالها، اگر امیدم به گذشت تو نبود دعا نمی کردم، اما معبود من، تو در هر حال نهایت آرزوی درخواست کنندگان و پایان شوق مشتاقان و پناه پناهندگان هستی. خداوندا، از خشم تو و شدت مجازات و بلایت و از شر خودم و هر دارای شری به تو پناه می آورم. و از همه گناهان از تو آمرزش می طلبم و از تو درخواست بهره مندی در ادامه ی زندگی ام دارم، همراه با عافیت تا زمانی که زنده ام می داری و از تو درخواست رستگاری با بهشت و رحمت به هنگام مرگم دارم، پس همانا تو مهربانی و بر آن توانایی. خداوندا، از هر حاجتی که هیچ کس جز تو مرا از آن پناه نمی دهد به تو شکایت می کنم. ای آن که در هر سختی و آسایش ذخیره من است، ای آن که آزمایشش نزد من نیکوست، ای آن که گذشتش از من همیشگی است، به راستی من به کسی جز تو امید ندارم و اگر تو پاسخم ندهی غیر تو را نمی خوانم. پروردگارا، پس مرا به خاطر سپاس اندکم محروم نساز و به خاطر گناهان بسیارم مرا ناامید نکن. به راستی که تو شایسته ی پرهیزکاری و آمرزش هستی.

خدایا، من آنم که می دانی بدترین بنده هستم و بهترین سرپرست و مولا تویی. پس ای آن که انتقامش هراس انگیز و مجازاتش وحشت ناک است. ای آن که به نیکی شناخته شده، من از چیزی جز عدل تو نمی ترسم و تنها به گذشت و بخشش تو امید بسته ام. و من بنده تو هستم و هیچ بنده دیگری سزاوارتر از من به عقوبت به خاطر گناهانش نیست. اما گذشت و بردباری تو مرا در بر گرفته و مرا تا امروز مهلت داده است.

پس ای کاش می دانستم آیا برای افزایش گناهانم مرا مهلت داده ای یا برای آن که امیدم را به تو کامل کنم و گمان نیکم به توراست گردد؟ پس اما با عملم تو را آگاه کرده ام که من با گناهانم سزاوار همه مجازاتت هستم، جز این که تو مهربان ترین مهربانان هستی و تو از من به من آگاه تری و امید به رحمت نزد مهربان ترین مهربانان است. پس ای مهربان ترین مهربانان، چهره ام را با آتش زشت نگردان و رگ هایم را با آتش قطع نکن ای الله، و کاسه ی سرم را با آتش نشکاف ای بخشنده، و بندهایم را با آتش از هم جدا نکن ای بزرگوار، و استخوان هایم را با آتش خرد نکن ای باگذشت، و هیچ یک از اعضایم را به آتش نرسان ای مهربان. گذشت تو، گذشت تو، باز هم گذشت تو، گذشت تو. پس به راستی که کسی جز تو بر آن توانایی ندارد و تو بر هر کار توانایی.

ای آن که به ملکوت آسمان ها و زمین احاطه دارد و کارهای آن دو را از آغاز تا پایان تدبیر می کند، دنیا و آخرتم را نیکو گردان و جان و مال و هرچه به من بخشیده ای را نیکو گردان. ای الله مرا از اشتباهاتم رها کن. ای الله، با ترک اشتباهات بر من منت گذار. ای مهربان با لطف خود بر من مهر بورز. ای درگذرنده، با گذشتت بر من ببخش. ای دلسوز، با عافیت گسترده ات به من عطا کن. ای بخشنده، با رهایی از آتش بر من منت گذار. ای صاحب شکوه و بزرگواری، بهشتی را که رحمت تو پیرامون آن را فراگرفته و فرشتگانت در آن ساکن هستند بر من واجب گردان. ای صاحب بزرگی و شکوه، مرا گرامی دار و تا زمانی که مرا زنده می داری برای هیچ یک از آفریدگانت راهی به سوی من قرار نده. به راستی که نیرو و جنبشی جز از سوی تو نیست و تو بر هر چیز توانایی. منزهی و معبودی جز تو نیست و تو پروردگار عرش بزرگ هستی. نام های نیکو برای توست و تو به درون سینه ها آگاهی. سپس حاجتت را یاد کن - . مهج الدعوات :۲۶۵- ۲۶۷ - .

**[ترجمه]

أقول

و من الأدعيه المعروفه دعاء الجوشن الكبير و هو مروى عن النبى صلى الله عليه و آله رواه جماعه من متأخرى أصحابنا رضوان الله عليهم قال الكفعمى و غيره ملخص شرح دعاء الجوشن هذا الدعاء رفيع الشأن عظيم المنزله جليل القدر.

مَرْوِیٌّ عَنِ السَّجَّادِ زَیْنِ الْعَابِدِینَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: نَزَلَ بِهِ جَبْرَئِیلُ عَلَیْهِ السَّلَامُ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وَ هُوَ فِی بَعْضِ غَزَوَاتِهِ وَ قَدِ اشْتَدَّتْ وَ عَلَیْهِ جَوْشَنٌ ثَقِیلٌ آلَمَهُ فَدَعَا اللَّهَ تَعَالَی فَهَبَطَ جَبْرَئِیلُ عَلَیْهِ السَّلَامُ وَ قَالَ یَا مُحَمَّدُ رَبُّکَ یَقْرَأُ عَلَیْکَ السَّلَامَ وَ یَقُولُ لَکَ اخْلَعْ هَذَا الْجَوْشَنَ وَ اقْرَأْ هَذَا الدُّعَاءَ فَهُوَ أَمَانٌ لَکَ وَ لِأُمَّتِکَ فَمَنْ قَرَأَهُ عِنْدَ خُرُوجِهِ مِنْ مَنْزِلِهِ أَوْ حَمَلَهُ حَفِظَهُ اللَّهُ وَ أَوْجَبَ الْجَنَّهَ عَلَیْهِ وَ وَفَّقَهُ لِصَالِحِ الْأَعْمَالِ وَ کَانَ کَأَنَّمَا قَرَأَ الْکُتُبَ الْأَرْبَعَ وَ أُعْطِیَ بِکُلِّ حَرْفٍ زَوْجَتَیْنِ فِی الْجَنَّهِ وَ بَیْتَیْنِ مِنْ بُیُوتِ الْجَنَّهِ وَ أُعْطِیَ مِثْلَ ثَوَابِ إِبْرَاهِیمَ وَ مُوسَی وَ عِیسَی وَ ثَوَابِ خَلْقٍ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ فِی أَرْضٍ بَیْضَاءَ خَلْفَ الْمَغْرِبِ یَعْبُدُونَ اللَّهَ تَعَالَی وَ لَا یَعْصُونَهُ طَرْفَهَ عَیْنٍ قَدْ تَمَزَّقَتْ جُلُودُهُمْ مِنَ الْبُکَاءِ مِنْ خَشْیَهِ اللَّهِ وَ لَا یَعْلَمُ عَدَدَهُمْ إِلَّا اللَّهُ وَ مَسِیرَهُ

ص: ۳۸۲

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۲۶۵- ۲۶۷.

الشَّمْسِ فِی بِلَادِهِمْ الْأَرْبَعُونَ يَوْماً يَا مُحَمَّدُ وَ إِنَّ الْبَيْتَ الْمَعْمُورَ فِی السَّمَاءِ السَّابِعَهِ يَدْخُلُهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ فِی كُلِّ يَوْمٍ وَ يَخْرُجُونَ مِنْهُ وَ لَا يَعُودُونَ إِلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِی لِمَنْ قَرَأَ هَذَا الدُّعَاءَ ثَوَابَ تِلْكَ الْمَلَائِكَهِ وَ يُعْطِيهِ ثَوَابَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ وَ مَنْ كَتَبَهُ وَ جَعَلَهُ فِی مَنْزِلِهِ لَمْ يُسْرَقْ وَ لَمْ يَحْتَرِقْ وَ مَنْ كَتَبَ فِی رَقِّ غَزَالٍ أَوْ كَاغَذٍ وَ حَمَلَهُ كَانَ آمِناً مِنْ كُلِّ شَیْ ءٍ وَ مَنْ دَعَا بِهِ ثُمَّ مَاتَ مَاتَ شَهِيداً وَ كُتِبَ لَهُ ثَوَابُ تِسْعِمِائَهِ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ أَعْطَاهُ مَا سَأَلَهُ وَ مَنْ قَرَأَهُ سَبْعِينَ مَرَّهً بِنِيَّهٍ خَالِصَهٍ عَلَى أَیِّ مَرَضٍ كَانَ لَزَالَ مِنْ جُنُونٍ أَوْ جُذَامٍ أَوْ بَرَصٍ وَ مَنْ كَتَبَ فِی جَامٍ بِكَافُورٍ أَوْ مِسْكٍ ثُمَّ غَسَلَهُ وَ رَشَّهُ عَلَى كَفَنِ مَيِّتٍ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِی قَبْرِهِ أَلْفَ نُورٍ وَ آمَنَهُ مِنْ هَوْلِ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ وَ رَفَعَ عَنْهُ عَذَابَ الْقَبْرِ وَ بَعَثَ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ إِلَى قَبْرِهِ يُبَشِّرُونَهُ بِالْجَنَّهِ وَ يُؤْنِسُونَهُ وَ يَفْتَحُ لَهُ بَاباً إِلَى الْجَنَّهِ وَ يُوَسِّعُ عَلَيْهِ قَبْرَهُ مَدَى بَصَرِهِ وَ مَنْ كَتَبَهُ عَلَى كَفَنِهِ اسْتَحْيَا اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُعَذِّبَهُ بِالنَّارِ وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَتَبَ هَذَا الدُّعَاءَ عَلَى قَوَائِمِ الْعَرْشِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ الدُّنْيَا بِخَمْسِينَ أَلْفَ عَامٍ وَ مَنْ دَعَا بِهِ بِنِيَّهٍ خَالِصَهٍ فِی أَوَّلِ شَهْرِ رَمَضَانَ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى ثَوَابَ لَيْلَهِ الْقَدْرِ وَ خَلَقَ لَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يُسَبِّحُونَ اللَّهَ وَ يُقَدِّسُونَهُ وَ جَعَلَ ثَوَابَهُمْ لِمَنْ دَعَا بِهِ: يَا مُحَمَّدُ مَنْ دَعَا بِهِ لَمْ يَبْقَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ تَعَالَى حِجَابٌ وَ لَمْ يَطْلُبْ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ وَ بَعَثَ اللَّهُ إِلَيْهِ عِنْدَ خُرُوجِهِ مِنْ قَبْرِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ فِی يَدِ كُلِّ مَلَكٍ زِمَامُهُ نَجِيبٍ مِنْ نُورٍ بَطْنُهُ مِنَ اللُّؤْلُؤِ وَ ظَهْرُهُ مِنَ الزَّبَرْجَدِ وَ قَوَائِمُهُ مِنَ الْيَاقُوتِ عَلَى ظَهْرِ كُلِّ نَجِيبٍ قُبَّهٌ مِنْ نُورٍ لَهَا أَرْبَعُمِائَهِ بَابٍ عَلَى كُلِّ بَابٍ سِتْرٌ مِنَ السُّنْدُسِ وَ الْإِسْتَبْرَقِ فِی كُلِّ قُبَّهٍ أَلْفُ وَصِيفَهٍ عَلَى رَأْسِ كُلِّ وَصِيفَهٍ تَاجٌ مِنَ الذَّهَبِ الْأَحْمَرِ تستطع [تَسْطَعُ] مِنْهُنَّ رَائِحَهُ الْمِسْكِ الْأَذْفَرِ فَيُعْطَى جَمِيعَ ذَلِكَ ثُمَّ يَبْعَثُ اللَّهُ إِلَيْهِ بَعْدَ ذَلِكَ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ مَعَ كُلِّ مَلَكٍ كَأْسٌ مِنْ لُؤْلُؤٍ بَيْضَاءَ فِيهَا شَرَابٌ مِنَ الْجَنَّهِ مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ كَأْسٍ مِنْهَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ هَدِيَّهٌ مِنَ الْبَارِئِ عَزَّ وَ جَلَّ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ وَ يُنَادِيهِ اللَّهُ تَعَالَى يَا عَبْدِی ادْخُلِ الْجَنَّهَ بِغَيْرِ حِسَابٍ.

يَا مُحَمَّدُ وَ مَنْ دَعَا بِهِ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَوْ مَرَّةً وَاحِدَةً حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَی النَّارِ وَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّهُ وَ وَكَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَكَيْنِ يَحْفَظَانِهِ مِنَ الْمَعَاصِی وَ كَانَ فِی أَمَانِ اللَّهِ تَعَالَی طُولَ حَيَاتِهِ وَ عِنْدَ مَمَاتِهِ يَا مُحَمَّدُ وَ لَا تُعَلِّمْهُ إِلَّا لِمُؤْمِنٍ تَقِیٍّ وَ لَا تُعَلِّمْهُ مُشْرِكاً فَيَسْأَلَ بِهِ وَ يُعْطَی قَالَ الْحُسَيْنُ عليه السلام أَوْصَانِی أَبِی عليه السلام بِحِفْظِهِ وَ تَعْظِيمِهِ وَ أَنْ أَكْتُبَهُ عَلَی كَفَنِهِ وَ أَنْ أُعَلِّمَهُ أَهْلِی وَ أَحُثَّهُمْ عَلَيْهِ وَ هُوَ أَلْفُ اسْمٍ وَ اسْمٌ (۱)

دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ مَرْوِیٌّ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله عليه و آله وَ هُوَ مِائَهُ فَصْلٍ كُلُّ فَصْلٍ عَشَرَهُ أَسْمَاءٍ وَ تُبَسْمِلُ فِی أَوَّلِ كُلِّ فَصْلٍ مِنْهَا وَ تَقُولُ فِی آخِرِهِ سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

ا- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ يَا كَرِيمُ يَا مُقِيمُ يَا عَظِيمُ يَا قَدِيمُ يَا عَلِيمُ يَا حَلِيمُ يَا حَكِيمُ.

ب- يَا سَيِّدَ السَّادَاتِ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ يَا رَافِعَ الدَّرَجَاتِ يَا وَلِیَّ الْحَسَنَاتِ يَا غَافِرَ الْخَطِيئَاتِ يَا مُعْطِیَ الْمَسْأَلَاتِ يَا قَابِلَ التَّوْبَاتِ يَا سَامِعَ الْأَصْوَاتِ يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ يَا دَافِعَ الْبَلِيَّاتِ

ج- يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ يَا خَيْرَ الْفَاتِحِينَ يَا خَيْرَ النَّاصِرِينَ يَا خَيْرَ الْحَاكِمِينَ يَا خَيْرَ الرَّازِقِينَ يَا خَيْرَ الْوَارِثِينَ يَا خَيْرَ الْحَامِدِينَ يَا خَيْرَ الذَّاكِرِينَ يَا خَيْرَ الْمُنْزِلِينَ يَا خَيْرَ الْمُحْسِنِينَ

د- يَا مَنْ لَهُ الْعِزَّهُ وَ الْجَمَالُ يَا مَنْ لَهُ الْقُدْرَهُ وَ الْكَمَالُ يَا مَنْ لَهُ الْمُلْكُ وَ الْجَلَالُ يَا مَنْ هُوَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالُ يَا مُنْشِئَ السَّحَابِ الثِّقَالِ يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ يَا مَنْ هُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ يَا مَنْ هُوَ شَدِيدُ الْعِقَابِ يَا مَنْ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ يَا مَنْ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ

ه- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا دَيَّانُ يَا بُرْهَانُ يَا

۱- ۱. انتهی ما ذكره الكفعمی فی المصباح، و ما بعده إلی آخر الدعاء روايه الكفعمی فی البلد الأمين ص ۴۰۲، و سيأتی شرح الدعاء نقلا من كتاب مهج الدعوات مفصلا.

سُلْطَانُ يَا رِضْوَانُ يَا غُفْرَانُ يَا سُبْحَانُ يَا مُسْتَعَانُ يَا ذَا الْمَنِّ وَ الْبَيَانِ.

و- يَا مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْ ءٍ لِعَظَمَتِهِ يَا مَنِ اسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْ ءٍ لِقُدْرَتِهِ يَا مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْ ءٍ لِعِزَّتِهِ يَا مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْ ءٍ لِهَيْبَتِهِ يَا مَنِ انْقَادَ كُلُّ شَيْ ءٍ مِنْ خَشْيَتِهِ يَا مَنْ تَشَقَّقَتِ الْجِبَالُ مِنْ مَخَافَتِهِ يَا مَنْ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ بِأَمْرِهِ يَا مَنِ اسْتَقَرَّتِ الْأَرَضُونَ بِإِذْنِهِ يَا مَنْ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ يَا مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ.

ز- يَا غَافِرَ الْخَطَايَا يَا كَاشِفَ الْبَلَايَا يَا مُنْتَهَى الرَّجَايَا يَا مُجْزِلَ الْعَطَايَا يَا وَاهِبَ الْهَدَايَا يَا رَازِقَ الْبَرَايَا يَا قَاضِيَ الْمَنَايَا يَا سَامِعَ الشَّكَايَا يَا بَاعِثَ الْبَرَايَا يَا مُطْلِقَ الْأُسَارَى.

ح- يَا ذَا الْحَمْدِ وَ الثَّنَاءِ يَا ذَا الْفَخْرِ وَ الْبَهَاءِ يَا ذَا الْمَجْدِ وَ السَّنَاءِ يَا ذَا الْعَهْدِ وَ الْوَفَاءِ يَا ذَا الْعَفْوِ وَ الرِّضَا يَا ذَا الْمَنِّ وَ الْعَطَاءِ يَا ذَا الْفَضْلِ وَ الْقَضَاءِ يَا ذَا الْعِزِّ وَ الْبَقَاءِ يَا ذَا الْجُودِ وَ السَّخَاءِ يَا ذَا الْآلَاءِ وَ النَّعْمَاءِ.

ط- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مَانِعُ يَا دَافِعُ يَا رَافِعُ يَا صَانِعُ يَا نَافِعُ يَا سَامِعُ يَا جَامِعُ يَا شَافِعُ يَا وَاسِعُ يَا مُوَسِّعُ.

ي- يَا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ يَا خَالِقَ كُلِّ مَخْلُوقٍ يَا رَازِقَ كُلِّ مَرْزُوقٍ يَا مَالِكَ كُلِّ مَمْلُوكٍ يَا كَاشِفَ كُلِّ مَكْرُوبٍ يَا فَارِجَ كُلِّ مَهْمُومٍ يَا رَاحِمَ كُلِّ مَرْحُومٍ يَا نَاصِرَ كُلِّ مَخْذُولٍ يَا سَاتِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ يَا مَلْجَأَ كُلِّ مَطْرُودٍ.

يا- يَا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي يَا رَجَائِي عِنْدَ مُصِيبَتِي يَا مُونِسِي عِنْدَ وَحْشَتِي يَا صَاحِبِي عِنْدَ غُرْبَتِي يَا وَلِيِّي عِنْدَ نِعْمَتِي يَا غِيَاثِي عِنْدَ كُرْبَتِي يَا دَلِيلِي عِنْدَ حَيْرَتِي يَا غَنَائِي عِنْدَ افْتِقَارِي يَا مَلْجَئِي عِنْدَ اضْطِرَارِي يَا مُغِيثِي عِنْدَ مَفْزَعِي.

يب- يَا عَلَّامَ الْغُيُوبِ يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ يَا سَتَّارَ الْعُيُوبِ يَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ يَا طَبِيبَ الْقُلُوبِ يَا مُنَوِّرَ الْقُلُوبِ يَا أَنِيسَ الْقُلُوبِ يَا مُفَرِّجَ الْهُمُومِ يَا مُنَفِّسَ الْغُمُومِ.

يج- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا جَلِيلُ يَا جَمِيلُ يَا وَكِيلُ يَا كَفِيلُ

یَا دَلِیلُ یَا قَبِیلُ یَا مُدِیلُ یَا مُنِیلُ یَا مُقِیلُ یَا مُحِیلُ.

ید- یَا دَلِیلَ الْمُتَحَیِّرِینَ یَا غِیَاثَ الْمُسْتَغِیثِینَ یَا صَرِیخَ الْمُسْتَصْرِخِینَ یَا جَارَ الْمُسْتَجِیرِینَ یَا أَمَانَ الْخَائِفِینَ یَا عَوْنَ الْمُؤْمِنِینَ یَا رَاحِمَ الْمَسَاکِینَ یَا مَلْجَأَ الْعَاصِینَ یَا غَافِرَ الْمُذْنِبِینَ یَا مُجِیبَ دَعْوَهِ الْمُضْطَرِّینَ

یه- یَا ذَا الْجُودِ وَ الْإِحْسَانِ یَا ذَا الْفَضْلِ وَ الِامْتِنَانِ یَا ذَا الْأَمْنِ وَ الْأَمَانِ یَا ذَا الْقُدْسِ وَ السُّبْحَانِ یَا ذَا الْحِکْمَهِ وَ الْبَیَانِ یَا ذَا الرَّحْمَهِ وَ الرِّضْوَانِ یَا ذَا الْحُجَّهِ وَ الْبُرْهَانِ یَا ذَا الْعَظَمَهِ وَ السُّلْطَانِ یَا ذَا الرَّأْفَهِ وَ الْمُسْتَعَانِ یَا ذَا الْعَفْوِ وَ الْغُفْرَانِ

یو- یَا مَنْ هُوَ رَبُّ کُلِّ شَیْ ءٍ یَا مَنْ هُوَ إِلَهُ کُلِّ شَیْ ءٍ یَا مَنْ هُوَ صَانِعُ کُلِّ شَیْ ءٍ یَا مَنْ هُوَ خَالِقُ کُلِّ شَیْ ءٍ یَا مَنْ هُوَ قَبْلَ کُلِّ شَیْ ءٍ یَا مَنْ هُوَ بَعْدَ کُلِّ شَیْ ءٍ یَا مَنْ هُوَ فَوْقَ کُلِّ شَیْ ءٍ یَا مَنْ هُوَ عَالِمٌ بِکُلِّ شَیْ ءٍ یَا مَنْ هُوَ قَادِرٌ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ یَا مَنْ یَبْقَی وَ یَفْنَی کُلُّ شَیْ ءٍ.

یز- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا مُؤْمِنُ یَا مُهَیْمِنُ یَا مُکَوِّنُ یَا مُلَقِّنُ یَا مُبَیِّنُ یَا مُهَوِّنُ یَا مُمَکِّنُ یَا مُزَیِّنُ یَا مُعْلِنُ یَا مُقَسِّمُ.

یح- یَا مَنْ هُوَ فِی مُلْکِهِ مُقِیمٌ یَا مَنْ هُوَ فِی سُلْطَانِهِ قَدِیمٌ یَا مَنْ هُوَ فِی جَلَالِهِ عَظِیمٌ یَا مَنْ هُوَ عَلَی عِبَادِهِ رَحِیمٌ یَا مَنْ هُوَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلِیمٌ یَا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ حَلِیمٌ یَا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ کَرِیمٌ یَا مَنْ هُوَ فِی صُنْعِهِ حَکِیمٌ یَا مَنْ هُوَ فِی حِکْمَتِهِ لَطِیفٌ یَا مَنْ هُوَ فِی لُطْفِهِ قَدِیمٌ.

یط- یَا مَنْ لَا یُرْجَی إِلَّا فَضْلُهُ یَا مَنْ لَا یُسْأَلُ إِلَّا عَفْوُهُ یَا مَنْ لَا یُنْظَرُ إِلَّا بِرُّهُ یَا مَنْ لَا یُخَافُ إِلَّا عَدْلُهُ یَا مَنْ لَا یَدُومُ إِلَّا مُلْکُهُ یَا مَنْ لَا سُلْطَانَ إِلَّا سُلْطَانُهُ یَا مَنْ وَسِعَتْ کُلَّ شَیْ ءٍ رَحْمَتُهُ یَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ یَا مَنْ أَحَاطَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عِلْمُهُ یَا مَنْ لَیْسَ أَحَدٌ مِثْلَهُ.

ک- یَا فَارِجَ الْهَمِّ یَا کَاشِفَ الْغَمِّ یَا غَافِرَ الذَّنْبِ یَا قَابِلَ التَّوْبِ یَا خَالِقَ الْخَلْقِ یَا صَادِقَ الْوَعْدِ یَا مُوفِیَ الْعَهْدِ یَا عَالِمَ السِّرِّ یَا فَالِقَ الْحَبِّ یَا رَازِقَ

الْأَنَامِ.

كا- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا عَلِیُّ یَا وَفِیُّ یَا غَنِیُّ یَا مَلِیُّ یَا حَفِیُّ یَا رَضِیُّ یَا زَکِیُّ یَا بَدِی ءُ یَا قَوِیُّ یَا وَلِیُّ.

کب- یَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِیلَ یَا مَنْ سَتَرَ الْقَبِیحَ یَا مَنْ لَمْ یُؤَاخِذْ بِالْجَرِیرَهِ یَا مَنْ لَمْ یَهْتِکِ السِّتْرَ یَا عَظِیمَ الْعَفْوِ یَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ یَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَهِ یَا بَاسِطَ الْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَهِ یَا صَاحِبَ کُلِّ نَجْوَی یَا مُنْتَهَی کُلِّ شَکْوَی.

کج- یَا ذَا النِّعْمَهِ السَّابِغَهِ یَا ذَا الرَّحْمَهِ الْوَاسِعَهِ یَا ذَا الْمِنَّهِ السَّابِقَهِ یَا ذَا الْحِکْمَهِ الْبَالِغَهِ یَا ذَا الْقُدْرَهِ الْکَامِلَهِ یَا ذَا الْحُجَّهِ الْقَاطِعَهِ یَا ذَا الْکَرَامَهِ الظَّاهِرَهِ یَا ذَا الْعِزَّهِ الدَّائِمَهِ یَا ذَا الْقُوَّهِ الْمَتِینَهِ یَا ذَا الْعَظَمَهِ الْمَنِیعَهِ.

کد- یَا بَدِیعَ السَّمَاوَاتِ یَا جَاعِلَ الظُّلُمَاتِ یَا رَاحِمَ الْعَبَرَاتِ یَا مُقِیلَ الْعَثَرَاتِ یَا سَاتِرَ الْعَوْرَاتِ یَا مُحْیِیَ الْأَمْوَاتِ یَا مُنْزِلَ الْآیَاتِ یَا مُضَعِّفَ الْحَسَنَاتِ یَا مَاحِیَ السَّیِّئَاتِ یَا شَدِیدَ النَّقِمَاتِ.

که- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا مُصَوِّرُ یَا مُقَدِّرُ یَا مُدَبِّرُ یَا مُطَهِّرُ یَا مُنَوِّرُ یَا مُیَسِّرُ یَا مُبَشِّرُ یَا مُنْذِرُ یَا مُقَدِّمُ یَا مُؤَخِّرُ.

کو- یَا رَبَّ الْبَیْتِ الْحَرَامِ یَا رَبَّ الشَّهْرِ الْحَرَامِ یَا رَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ یَا رَبَّ الرُّکْنِ وَ الْمَقَامِ یَا رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ یَا رَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ یَا رَبَّ الْحِلِّ وَ الْحَرَامِ یَا رَبَّ النُّورِ وَ الظَّلَامِ یَا رَبَّ التَّحِیَّهِ وَ السَّلَامِ یَا رَبَّ الْقُدْرَهِ فِی الْأَنَامِ.

کز- یَا أَحْکَمَ الْحَاکِمِینَ یَا أَعْدَلَ الْعَادِلِینَ یَا أَصْدَقَ الصَّادِقِینَ یَا أَطْهَرَ الطَّاهِرِینَ یَا أَحْسَنَ الْخَالِقِینَ یَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِینَ یَا أَسْمَعَ السَّامِعِینَ یَا أَبْصَرَ النَّاظِرِینَ یَا أَشْفَعَ الشَّافِعِینَ یَا أَکْرَمَ الْأَکْرَمِینَ.

کح- یَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ یَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ یَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ یَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ یَا غِیَاثَ مَنْ لَا غِیَاثَ لَهُ یَا فَخْرَ مَنْ لَا فَخْرَ لَهُ یَا عِزَّ مَنْ لَا عِزَّ لَهُ یَا مُعِینَ مَنْ لَا مُعِینَ لَهُ یَا أَنِیسَ مَنْ لَا أَنِیسَ لَهُ یَا أَمَانَ مَنْ لَا أَمَانَ لَهُ.

كط- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ یَا عَاصِمُ یَا قَائِمُ یَا دَائِمُ یَا رَاحِمُ یَا سَالِمُ یَا حَاکِمُ یَا عَالِمُ یَا قَاسِمُ یَا قَابِضُ یَا بَاسِطُ.

ل- یَا عَاصِمَ مَنِ اسْتَعْصَمَهُ یَا رَاحِمَ مَنِ اسْتَرْحَمَهُ یَا غَافِرَ مَنِ اسْتَغْفَرَهُ یَا نَاصِرَ مَنِ اسْتَنْصَرَهُ یَا حَافِظَ مَنِ اسْتَحْفَظَهُ یَا مُکْرِمَ مَنِ اسْتَکْرَمَهُ یَا مُرْشِدَ مَنِ اسْتَرْشَدَهُ یَا صَرِیخَ مَنِ اسْتَصْرَخَهُ یَا مُعِینَ مَنِ اسْتَعَانَهُ یَا مُغِیثَ مَنِ اسْتَغَاثَهُ.

لا- یَا عَزِیزاً لَا یُضَامُ یَا لَطِیفاً لَا یُرَامُ یَا قَیُّوماً لَا یَنَامُ یَا دَائِماً لَا یَفُوتُ یَا حَیّاً لَا یَمُوتُ یَا مَلِکاً لَا یَزُولُ یَا بَاقِیاً لَا یَفْنَی یَا عَالِماً لَا یَجْهَلُ یَا صَمَداً لَا یُطْعَمُ یَا قَوِیّاً لَا یَضْعُفُ.

لب- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا أَحَدُ یَا وَاحِدُ یَا شَاهِدُ یَا مَاجِدُ یَا حَامِدُ یَا رَاشِدُ یَا بَاعِثُ یَا وَارِثُ یَا ضَارُّ یَا نَافِعُ.

لج- یَا أَعْظَمَ مِنْ کُلِّ عَظِیمٍ یَا أَکْرَمَ مِنْ کُلِّ کَرِیمٍ یَا أَرْحَمَ مِنْ کُلِّ رَحِیمٍ یَا أَعْلَمَ مِنْ کُلِّ عَلِیمٍ یَا أَحْکَمَ مِنْ کُلِّ حَکِیمٍ یَا أَقْدَمَ مِنْ کُلِّ قَدِیمٍ یَا أَکْبَرَ مِنْ کُلِّ کَبِیرٍ یَا أَلْطَفَ مِنْ کُلِّ لَطِیفٍ یَا أَجَلَّ مِنْ کُلِّ جَلِیلٍ یَا أَعَزَّ مِنْ کُلِّ عَزِیزٍ.

لد- یَا کَرِیمَ الصَّفْحِ یَا عَظِیمَ الْمَنِّ یَا کَثِیرَ الْخَیْرِ یَا قَدِیمَ الْفَضْلِ یَا دَائِمَ اللُّطْفِ یَا لَطِیفَ الصُّنْعِ یَا مُنَفِّسَ الْکَرْبِ یَا کَاشِفَ الضُّرِّ یَا مَالِکَ الْمُلْکِ یَا قَاضِیَ الْحَقِّ.

له- یَا مَنْ هُوَ فِی عَهْدِهِ وَفِیٌّ یَا مَنْ هُوَ فِی وَفَائِهِ قَوِیٌّ یَا مَنْ هُوَ فِی قُوَّتِهِ عَلِیٌّ یَا مَنْ هُوَ فِی عُلُوِّهِ قَرِیبٌ یَا مَنْ هُوَ فِی قُرْبِهِ لَطِیفٌ یَا مَنْ هُوَ فِی لُطْفِهِ شَرِیفٌ یَا مَنْ هُوَ فِی شَرَفِهِ عَزِیزٌ یَا مَنْ هُوَ فِی عِزِّهِ عَظِیمٌ یَا مَنْ هُوَ فِی عَظَمَتِهِ مَجِیدٌ یَا مَنْ هُوَ فِی مَجْدِهِ حَمِیدٌ.

لو- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ یَا کَافِی یَا شَافِی یَا وَافِی یَا مُعَافِی یَا هَادِی یَا دَاعِی یَا قَاضِی یَا رَاضِی یَا عَالِی یَا بَاقِی.

لز- یَا مَنْ کُلُّ شَیْ ءٍ خَاضِعٌ لَهُ یَا مَنْ کُلُّ شَیْ ءٍ خَاشِعٌ لَهُ یَا مَنْ کُلُّ شَیْ ءٍ کَائِنٌ لَهُ یَا مَنْ کُلُّ شَیْ ءٍ مَوْجُودٌ بِهِ یَا مَنْ کُلُّ شَیْ ءٍ مُنِیبٌ إِلَیْهِ یَا مَنْ کُلُّ شَیْ ءٍ

خَائِفٌ مِنْهُ يَا مَنْ كُلُّ شَيْ ءٍ قَائِمٌ بِهِ يَا مَنْ كُلُّ شَيْ ءٍ صَائِرٌ إِلَيْهِ يَا مَنْ كُلُّ شَيْ ءٍ يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ يَا مَنْ كُلُّ شَيْ ءٍ هالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ.

لح- يَا مَنْ لَا مَفَرَّ إِلَّا إِلَيْهِ يَا مَنْ لَا مَفْزَعَ إِلَّا إِلَيْهِ يَا مَنْ لَا مَقْصَدَ إِلَّا إِلَيْهِ يَا مَنْ لَا مَنْجَى مِنْهُ إِلَّا إِلَيْهِ يَا مَنْ لَا يُرْغَبُ إِلَّا إِلَيْهِ يَا مَنْ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِهِ يَا مَنْ لَا يُسْتَعَانُ إِلَّا بِهِ يَا مَنْ لَا يُتَوَكَّلُ إِلَّا عَلَيْهِ يَا مَنْ لَا يُرْجَى إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُعْبَدُ إِلَّا إِيَّاهُ.

لط- يَا خَيْرَ الْمَرْهُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمَطْلُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمَرْغُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ يَا خَيْرَ الْمَقْصُودِينَ يَا خَيْرَ الْمَذْكُورِينَ يَا خَيْرَ الْمَشْكُورِينَ يَا خَيْرَ الْمَحْبُوبِينَ يَا خَيْرَ الْمَدْعُوِّينَ يَا خَيْرَ الْمُسْتَأْنِسِينَ.

م- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا غَافِرُ يَا سَاتِرُ يَا قَادِرُ يَا قَاهِرُ يَا فَاطِرُ يَا كَاسِرُ يَا جابِرُ يَا ذَاكِرُ يَا نَاظِرُ يَا نَاصِرُ: ما يَا مَنْ خَلَقَ فَسَوَّى يَا مَنْ قَدَّرَ فَهَدى يَا مَنْ يَكْشِفُ الْبَلْوَى يَا مَنْ يَسْمَعُ النَّجْوَى يَا مَنْ يُنْقِذُ الْغَرْقَى يَا مِنْ يُنْجِي الْهَلْكَى يَا مَنْ يَشْفِي الْمَرْضَى يَا مَنْ أَضْحَكَ وَ أَبْكَى يَا مَنْ أَماتَ وَ أَحْيا يَا مَنْ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثى.

مب- يَا مَنْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ سَبِيلُهُ يَا مَنْ فِي الْآفَاقِ آيَاتُهُ يَا مَنْ فِي الْآيَاتِ بُرْهَانُهُ يَا مَنْ فِي الْمَمَاتِ قُدْرَتُهُ يَا مَنْ فِي الْقُبُورِ عِبْرَتُهُ يَا مَنْ فِي الْقِيَامَهِ مُلْكُهُ يَا مَنْ فِي الْحِسَابِ هَيْبَتُهُ يَا مَنْ فِي الْمِيزَانِ قَضَاؤُهُ يَا مَنْ فِي الْجَنَّهِ ثَوَابُهُ يَا مَنْ فِي النَّارِ عِقَابُهُ.

مج- يَا مَنْ إِلَيْهِ يَهْرَبُ الْخَائِفُونَ يَا مَنْ إِلَيْهِ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ يَا مَنْ إِلَيْهِ يَقْصِدُ الْمُنِيبُونَ يَا مَنْ إِلَيْهِ يَرْغَبُ الزَّاهِدُونَ يَا مَنْ إِلَيْهِ يَلْجَأُ الْمُتَحَيِّرُونَ يَا مَنْ بِهِ يَسْتَأْنِسُ الْمُرِيدُونَ يَا مَنْ بِهِ يَفْتَخِرُ الْمُحِبُّونَ يَا مَنْ فِي عَفْوِهِ يَطْمَعُ الْخَاطِئُونَ يَا مَنْ إِلَيْهِ يَسْكُنُ الْمُوقِنُونَ يَا مَنْ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ.

مد- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَبِيبُ يَا طَبِيبُ يَا قَرِيبُ يَا رَقِيبُ يَا حَسِيبُ يَا مُهِيبُ يَا مُثِيبُ يَا مُجِيبُ يَا خَبِيرُ يَا بَصِيرُ.

مه- يَا أَقْرَبَ مِنْ كُلِّ قَرِيبٍ يَا أَحَبَّ مِنْ كُلِّ حَبِيبٍ يَا أَبْصَرَ مِنْ كُلِّ بَصِيرٍ يَا أَخْبَرَ مِنْ كُلِّ خَبِيرٍ يَا أَشْرَفَ مِنْ كُلِّ شَرِيفٍ يَا أَرْفَعَ مِنْ كُلِّ رَفِيعٍ يَا أَقْوَى مِنْ كُلِّ قَوِيٍّ يَا أَغْنَى مِنْ كُلِّ غَنِيٍّ يَا أَجْوَدَ مِنْ كُلِّ جَوَادٍ يَا أَرْأَفَ مِنْ كُلِّ رَءُوفٍ.

مو- يَا غَالِباً غَيْرَ مَغْلُوبٍ يَا صَانِعاً غَيْرَ مَصْنُوعٍ يَا خَالِقاً غَيْرَ مَخْلُوقٍ يَا مَالِكاً غَيْرَ مَمْلُوكٍ يَا قَاهِراً غَيْرَ مَقْهُورٍ يَا رَافِعاً غَيْرَ مَرْفُوعٍ يَا حَافِظاً غَيْرَ مَحْفُوظٍ يَا نَاصِراً غَيْرَ مَنْصُورٍ يَا شَاهِداً غَيْرَ غَائِبٍ يَا قَرِيباً غَيْرَ بَعِيدٍ.

مز- يَا نُورَ النُّورِ يَا مُنَوِّرَ النُّورِ يَا خَالِقَ النُّورِ يَا مُدَبِّرَ النُّورِ يَا مُقَدِّرَ النُّورِ يَا نُورَ كُلِّ نُورٍ يَا نُوراً قَبْلَ كُلِّ نُورٍ يَا نُوراً بَعْدَ كُلِّ نُورٍ يَا نُوراً فَوْقَ كُلِّ نُورٍ يَا نُوراً لَيْسَ كَمِثْلِهِ نُورٌ.

مح- يَا مَنْ عَطَاؤُهُ شَرِيفٌ يَا مَنْ فِعْلُهُ لَطِيفٌ يَا مَنْ لُطْفُهُ مُقِيمٌ يَا مَنْ إِحْسَانُهُ قَدِيمٌ يَا مَنْ قَوْلُهُ حَقٌّ يَا مَنْ وَعْدُهُ صِدْقٌ يَا مَنْ عَفْوُهُ فَضْلٌ يَا مَنْ عَذَابُهُ عَدْلٌ يَا مَنْ ذِكْرُهُ حُلْوٌ يَا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمٌ.

مط- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ يَا مُسَهِّلُ يَا مُفَصِّلُ يَا مُبَدِّلُ يَا مُذَلِّلُ يَا مُنَزِّلُ يَا مُنَوِّلُ يَا مُفْضِلُ يَا مُجْزِلُ يَا مُمْهِلُ يَا مُجْمِلُ.

ن- يَا مَنْ يَرَى وَ لَا يُرَى يَا مَنْ يَخْلُقُ وَ لَا يُخْلَقُ يَا مَنْ يَهْدِی وَ لَا يُهْدَى يَا مَنْ يُحْيِی وَ لَا يُحْيَا يَا مَنْ يَسْأَلُ وَ لَا يُسْأَلُ يَا مَنْ يُطْعِمُ وَ لا يُطْعَمُ يَا مَنْ يُجِيرُ وَ لا يُجارُ عَلَيْهِ يَا مَنْ يَقْضِی وَ لَا يُقْضَى عَلَيْهِ يَا مَنْ يَحْكُمُ وَ لَا يُحْكَمُ عَلَيْهِ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ.

نا- يَا نِعْمَ الْحَسِيبُ يَا نِعْمَ الطَّبِيبُ يَا نِعْمَ الرَّقِيبُ يَا نِعْمَ الْقَرِيبُ يَا نِعْمَ الْمُجِيبُ يَا نِعْمَ الْحَبِيبُ يَا نِعْمَ الْكَفِيلُ يَا نِعْمَ الْوَكِيلُ يَا نِعْمَ الْمَوْلَى يَا نِعْمَ النَّصِيرُ.

نب- يَا سُرُورَ الْعَارِفِينَ يَا مُنَى الْمُحِبِّينَ يَا أَنِيسَ الْمُرِيدِينَ يَا حَبِيبَ التَّوَّابِينَ يَا رَازِقَ الْمُقِلِّينَ يَا رَجَاءَ الْمُذْنِبِينَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ الْعَابِدِينَ يَا مُنَفِّسَ

عَنِ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُفَرِّجَ عَنِ الْمَغْمُومِينَ يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ.

نج- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ يَا رَبَّنَا يَا إِلَهَنَا يَا سَيِّدَنَا يَا مَوْلَانَا يَا نَاصِرَنَا يَا حَافِظَنَا يَا دَلِيلَنَا يَا مُعِينَنَا يَا حَبِيبَنَا يَا طَبِيبَنَا.

ند- يَا رَبَّ النَّبِيِّينَ وَ الْأَبْرَارِ يَا رَبَّ الصِّدِّيقِينَ وَ الْأَخْيَارِ يَا رَبَّ الْجَنَّهِ وَ النَّارِ يَا رَبَّ الصِّغَارِ وَ الْكِبَارِ يَا رَبَّ الْحُبُوبِ وَ الثِّمَارِ يَا رَبَّ الْأَنْهَارِ وَ الْأَشْجَارِ يَا رَبَّ الصَّحَارِی وَ الْقِفَارِ يَا رَبَّ الْبَرَارِی وَ الْبِحَارِ يَا رَبَّ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ يَا رَبَّ الْأَعْلَانِ وَ الْأَسْرَارِ.

نه- يَا مَنْ نَفَذَ فِی كُلِّ شَیْ ءٍ أَمْرُهُ يَا مَنْ لَحِقَ بِكُلِّ شَیْ ءٍ عِلْمُهُ يَا مَنْ بَلَغَتْ إِلَی كُلِّ شَیْ ءٍ قُدْرَتُهُ يَا مَنْ لَا تُحْصِی الْعِبَادُ نِعَمَهُ يَا مَنْ لَا تَبْلُغُ الْخَلَائِقُ شُكْرَهُ يَا مَنْ لَا تُدْرِکُ الْأَفْهَامُ جَلَالَهُ يَا مَنْ لَا تَنَالُ الْأَوْهَامُ كُنْهَهُ يَا مَنِ الْعَظَمَهُ وَ الْكِبْرِيَاءُ رِدَاؤُهُ يَا مَنْ لَا تَرُدُّ الْعِبَادُ قَضَاءَهُ يَا مَنْ لَا مُلْکَ إِلَّا مُلْكُهُ يَا مَنْ لَا عَطَاءَ إِلَّا عَطَاؤُهُ.

نو- يَا مَنْ لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَی يَا مَنْ لَهُ الصِّفَاتُ الْعُلْيَا يَا مَنْ لَهُ الْآخِرَهُ وَ الْأُولَی يَا مَنْ لَهُ الْجَنَّهُ الْمَأْوَی يَا مَنْ لَهُ الْآيَاتُ الْكُبْرَی يَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَی يَا مَنْ لَهُ الْحُكْمُ وَ الْقَضَاءُ يَا مَنْ لَهُ الْهَوَاءُ وَ الْفَضَاءُ يَا مَنْ لَهُ الْعَرْشُ وَ الثَّرَی يَا مَنْ لَهُ السَّمَاوَاتُ الْعُلَی.

نز- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ يَا عَفُوُّ يَا غَفُورُ يَا صَبُورُ يَا شَكُورُ يَا رَءُوفُ يَا عَطُوفُ يَا مَسْئُولُ يَا وَدُودُ يَا سُبُّوحُ يَا قُدُّوسُ.

نح- يَا مَنْ فِی السَّمَاوَاتِ عَظَمَتُهُ يَا مَنْ فِی الْأَرْضِ آيَاتُهُ يَا مَنْ فِی كُلِّ شَیْ ءٍ دَلَائِلُهُ يَا مَنْ فِی الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ يَا مَنْ فِی الْجِبَالِ خَزَائِنُهُ يَا مَنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ يَا مَنْ إِلَيْهِ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ يَا مَنْ أَظْهَرَ فِی كُلِّ شَیْ ءٍ لُطْفَهُ يَا مَنْ أَحْسَنَ كُلَّ شَیْ ءٍ خَلْقَهُ يَا مَنْ تَصَرَّفَ فِی الْخَلَائِقِ قُدْرَتُهُ.

نط- يَا حَبِيبَ مَنْ لَا حَبِيبَ لَهُ يَا طَبِيبَ مَنْ لَا طَبِيبَ لَهُ يَا مُجِيبَ مَنْ لَا مُجِيبَ لَهُ يَا شَفِيقَ مَنْ لَا شَفِيقَ لَهُ يَا رَفِيقَ مَنْ لَا رَفِيقَ لَهُ يَا مُغِيثَ مَنْ لَا مُغِيثَ لَهُ يَا دَلِيلَ مَنْ لَا دَلِيلَ لَهُ يَا أَنِيسَ مَنْ لَا أَنِيسَ لَهُ يَا رَاحِمَ مَنْ لَا رَاحِمَ لَهُ

يَا صَاحِبَ مَنْ لَا صَاحِبَ لَهُ.

س- يَا كَافِيَ مَنِ اسْتَكْفَاهُ يَا هَادِيَ مَنِ اسْتَهْدَاهُ يَا كَالِيَ مَنِ اسْتَكْلَاهُ يَا رَاعِيَ مَنِ اسْتَرْعَاهُ يَا شَافِيَ مَنِ اسْتَشْفَاهُ يَا قَاضِيَ مَنِ اسْتَقْضَاهُ يَا مُغْنِيَ مَنِ اسْتَغْنَاهُ يَا مُوفِيَ مَنِ اسْتَوْفَاهُ يَا مُقَوِّيَ مَنِ اسْتَقْوَاهُ يَا وَلِيَّ مَنِ اسْتَوْلَاهُ.

سا- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا خَالِقُ يَا رَازِقُ يَا نَاطِقُ يَا صَادِقُ يَا فَالِقُ يَا فَارِقُ يَا فَاتِقُ يَا رَاتِقُ يَا سَابِقُ يَا سَامِقُ.

سب- يَا مَنْ يُقَلِّبُ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ يَا مَنْ جَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَ الْأَنْوَارَ يَا مَنْ خَلَقَ الظِّلَّ وَ الْحَرُورَ يَا مَنْ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ يَا مَنْ قَدَّرَ الْخَيْرَ وَ الشَّرَّ يَا مَنْ خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ شَرِيكٌ فِی الْمُلْكِ يَا مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِ.

سج- يَا مَنْ يَعْلَمُ مُرَادَ الْمُرِيدِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ يَا مَنْ يَسْمَعُ أَنِينَ الْوَاهِنِينَ يَا مَنْ يَرَى بُكَاءَ الْخَائِفِينَ يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ يَا مَنْ يَقْبَلُ عُذْرَ التَّائِبِينَ يَا مَنْ لَا يُصْلِحُ أَعْمَالَ الْمُفْسِدِينَ يَا مَنْ لا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ يَا مَنْ لَا يَبْعُدُ عَنْ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ.

سد- يَا دَائِمَ الْبَقَاءِ يَا سَامِعَ الدُّعَاءِ يَا وَاسِعَ الْعَطَاءِ يَا غَافِرَ الْخَطَاءِ يَا بَدِيعَ السَّمَاءِ يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ يَا جَمِيلَ الثَّنَاءِ يَا قَدِيمَ السَّنَاءِ يَا كَثِيرَ الْوَفَاءِ يَا شَرِيفَ الْجَزَاءِ.

سه- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا سَتَّارُ يَا غَفَّارُ يَا قَهَّارُ يَا جَبَّارُ يَا صَبَّارُ يَا بَارُّ يَا مُخْتَارُ يَا فَتَّاحُ يَا نَفَّاحُ يَا مُرْتَاحُ.

سو- يَا مَنْ خَلَقَنِی وَ سَوَّانِی يَا مَنْ رَزَقَنِی وَ رَبَّانِی يَا مَنْ أَطْعَمَنِی وَ سَقَانِی يَا مَنْ قَرَّبَنِی وَ أَدْنَانِی يَا مَنْ عَصَمَنِی وَ كَفَانِی يَا مَنْ حَفِظَنِی وَ كَلَانِی يَا مَنْ أَعَزَّنِی وَ أَغْنَانِی يَا مَنْ وَفَّقَنِی وَ هَدَانِی يَا مَنْ آنَسَنِی وَ آوَانِی يَا مَنْ أَمَاتَنِی وَ أَحْيَانِی.

سز- يَا مَنْ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِماتِهِ يَا مَنْ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبادِهِ يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ يَا مَنْ لا تَنْفَعُ الشَّفاعَةُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ

سَبِيلِهِ يَا مَنْ لا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ يَا مَنْ لَا رَادَّ لِقَضَائِهِ يَا مَنِ انْقَادَ كُلُّ شَيْ ءٍ لِأَمْرِهِ يَا مَنِ السَّماواتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ يَا مَنْ يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْراً بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ.

سح- يَا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ مِهَاداً يَا مَنْ جَعَلَ الْجِبَالَ أَوْتَاداً يَا مَنْ جَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجاً يَا مَنْ جَعَلَ الْقَمَرَ نُوراً يَا مَنْ جَعَلَ اللَّيْلَ لِبَاساً يَا مَنْ جَعَلَ النَّهَارَ مَعَاشاً يَا مَنْ جَعَلَ النَّوْمَ سُبَاتاً يَا مَنْ جَعَلَ السَّمَاءَ بِنَاءً يَا مَنْ جَعَلَ الْأَشْيَاءَ أَزْوَاجاً يَا مَنْ جَعَلَ النَّارَ مِرْصَاداً.

سط- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا سَمِيعُ يَا شَفِيعُ يَا رَفِيعُ يَا مَنِيعُ يَا سَرِيعُ يَا بَدِيعُ يَا كَبِيرُ يَا قَدِيرُ يَا مُنِيرُ يَا مُجِيرُ.

ع- يَا حَيّاً قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ يَا حَيّاً بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ حَيٌّ يَا حَيُّ الَّذِي لَا يُشَارِكُهُ حَيٌّ يَا حَيُّ الَّذِي لَا يَحْتَاجُ إِلَى حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِي يُمِيتُ كُلَّ حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِي يَرْزُقُ كُلَّ حَيٍّ يَا حَيّاً لَمْ يَرِثِ الْحَيَاةَ مِنْ حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ.

عا- يَا مَنْ لَهُ ذِكْرٌ لَا يُنْسَى يَا مَنْ لَهُ نُورٌ لَا يُطْفَى يَا مَنْ لَهُ نِعَمٌ لَا تُعَدُّ يَا مَنْ لَهُ مُلْكٌ لَا يَزُولُ يَا مَنْ لَهُ ثَنَاءٌ لَا يُحْصَى يَا مَنْ لَهُ جَلَالٌ لَا يُكَيَّفُ يَا مَنْ لَهُ كَمَالٌ لَا يُدْرَكُ يَا مَنْ لَهُ قَضَاءٌ لَا يُرَدُّ يَا مَنْ لَهُ صِفَاتٌ لَا تُبَدَّلُ يَا مَنْ لَهُ نُعُوتٌ لَا تُغَيَّرُ.

عب- يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ يَا مَالِكَ يَوْمِ الدِّينِ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ يَا ظَهْرَ اللَّاجِينَ يَا مُدْرِكَ الْهَارِبِينَ يَا مَنْ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ يَا مَنْ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ.

عج- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا شَفِيقُ يَا رَفِيقُ يَا حَفِيظُ يَا مُحِيطُ يَا مُقِيتُ يَا مُغِيثُ يَا مُعِزُّ يَا مُذِلُّ [يَا مُبْدِئُ] يَا مُعِيدُ.

عد- يَا مَنْ هُوَ أَحَدٌ بِلَا ضِدٍّ يَا مَنْ هُوَ فَرْدٌ بِلَا نِدٍّ يَا مَنْ هُوَ صَمَدٌ بِلَا عَيْبٍ يَا مَنْ هُوَ وِتْرٌ بِلَا كَيْفٍ يَا مَنْ هُوَ قَاضٍ بِلَا حَيْفٍ يَا مَنْ هُوَ رَبٌّ بِلَا وَزِيرٍ يَا مَنْ

هُوَ عَزِيزٌ بِلَا ذُلٍّ يَا مَنْ هُوَ غَنِيٌّ بِلَا فَقْرٍ يَا مَنْ هُوَ مَلِكٌ بِلَا عَزْلٍ يَا مَنْ هُوَ مَوْصُوفٌ بِلَا شَبِيهٍ.

عه- يَا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ يَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ يَا مَنْ حَمْدُهُ عِزٌّ لِلْحَامِدِينَ يَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِيعِينَ يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِلطَّالِبِينَ يَا مَنْ سَبِيلُهُ وَاضِحٌ لِلْمُنِيبِينَ

يَا مَنْ آيَاتُهُ بُرْهَانٌ لِلنَّاظِرِينَ يَا مَنْ كِتَابُهُ تَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ يَا مَنْ رِزْقُهُ عُمُومٌ لِلطَّائِعِينَ وَ الْعَاصِينَ يَا مَنْ رَحْمَتُهُ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ.

عو- يَا مَنْ تَبَارَكَ اسْمُهُ يَا مَنْ تَعَالَى جَدُّهُ يَا مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ يَا مَنْ جَلَّ ثَنَاؤُهُ يَا مَنْ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ يَا مَنْ يَدُومُ بَقَاؤُهُ يَا مَنِ الْعَظَمَةُ بَهَاؤُهُ يَا مَنِ الْكِبْرِيَاءُ رِدَاؤُهُ يَا مَنْ لَا يُحْصَى آلَاؤُهُ يَا مَنْ لَا تُعَدُّ نَعْمَاؤُهُ.

عز- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُعِينُ يَا أَمِينُ يَا مُبِينُ يَا مَتِينُ يَا مَكِينُ يَا رَشِيدُ يَا حَمِيدُ يَا مَجِيدُ يَا شَدِيدُ يَا شَهِيدُ.

عح- يَا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِيدِ يَا ذَا الْقَوْلِ السَّدِيدِ يَا ذَا الْفِعْلِ الرَّشِيدِ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ يَا ذَا الْوَعْدِ وَ الْوَعِيدِ يَا مَنْ هُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ يَا مَنْ هُوَ فَعَّالٌ لِما يُرِيدُ يَا مَنْ هُوَ قَرِيبٌ غَيْرُ بَعِيدٍ يَا مَنْ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ شَهِيدٌ يَا مَنْ هُوَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ.

عط- يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ لَا وَزِيرَ يَا مَنْ لَا شَبِيهَ لَهُ وَ لَا نَظِيرَ يَا خَالِقَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ الْمُنِيرِ يَا مُغْنِيَ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ يَا مَنْ هُوَ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ يَا مَنْ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ.

ف- يَا ذَا الْجُودِ وَ النِّعَمِ يَا ذَا الْفَضْلِ وَ الْكَرَمِ يَا خَالِقَ اللَّوْحِ وَ الْقَلَمِ يَا بَارِئَ الذَّرِّ وَ النَّسَمِ يَا ذَا الْبَأْسِ وَ النِّقَمِ يَا مُلْهِمَ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَ الْأَلَمِ يَا عَالِمَ السِّرِّ وَ الْهِمَمِ يَا رَبَّ الْبَيْتِ وَ الْحَرَمِ يَا مَنْ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ مِنَ الْعَدَمِ.

فا- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا فَاعِلُ يَا جَاعِلُ يَا قَابِلُ يَا كَامِلُ يَا فَاضِلُ يَا فَاصِلُ (۱) يَا عَادِلُ يَا غَالِبُ يَا طَالِبُ يَا وَاهِبُ.

فب- يَا مَنْ أَنْعَمَ بِطَوْلِهِ يَا مَنْ أَكْرَمَ بِجُودِهِ يَا مَنْ جَادَ بِلُطْفِهِ يَا مَنْ تَعَزَّزَ

۱- ۱. فی البلد الأمین: یا فاصل یا واصل.

بِقُدْرَتِهِ يَا مَنْ قَدَّرَ بِحِكْمَتِهِ يَا مَنْ حَكَمَ بِتَدْبِيرِهِ يَا مَنْ دَبَّرَ بِعِلْمِهِ يَا مَنْ تَجَاوَزَ بِحِلْمِهِ يَا مَنْ دَنَا فِی عُلُوِّهِ يَا مَنْ عَلَا فِی دُنُوِّهِ.

فج- يَا مَنْ يَخْلُقُ ما يَشاءُ يَا مَنْ يَفْعَلُ ما يَشاءُ يَا مَنْ يَهْدِی مَنْ يَشاءُ يَا مَنْ يُضِلُّ مَنْ يَشاءُ يَا مَنْ يُعَذِّبُ مَنْ يَشاءُ يَا مَنْ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشاءُ يَا مَنْ يُعِزُّ مَنْ يَشَاءُ يَا مَنْ يُذِلُّ مَنْ يَشَاءُ يَا مَنْ يُصَوِّرُ فِی الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ يَا مَنْ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشاءُ.

فد- يَا مَنْ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَداً يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَیْ ءٍ قَدْراً يَا مَنْ لا يُشْرِكُ فِی حُكْمِهِ أَحَداً يَا مَنْ جَعَلَ الْمَلَائِكَهَ رُسُلًا يَا مَنْ جَعَلَ فِی السَّماءِ بُرُوجاً يَا مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَراراً يَا مَنْ خَلَقَ مِنَ الْماءِ بَشَراً يَا مَنْ جَعَلَ لِكُلِّ شَیْ ءٍ أَمَداً يَا مَنْ أَحاطَ بِكُلِّ شَیْ ءٍ عِلْماً يَا مَنْ أَحْصی كُلَّ شَیْ ءٍ عَدَداً.

فه- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا أَوَّلُ يَا آخِرُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا بَرُّ يَا حَقُّ يَا فَرْدُ يَا وَتْرُ يَا صَمَدُ يَا سَرْمَدُ.

فو- يَا خَيْرَ مَعْرُوفٍ عُرِفَ يَا أَفْضَلَ مَعْبُودٍ عُبِدَ يَا أَجَلَّ مَشْكُورٍ شُكِرَ يَا أَعَزَّ مَذْكُورٍ ذُكِرَ يَا أَعْلَی مَحْمُودٍ حُمِدَ يَا أَقْدَمَ مَوْجُودٍ طُلِبَ يَا أَرْفَعَ مَوْصُوفٍ وُصِفَ يَا أَكْبَرَ مَقْصُودٍ قُصِدَ يَا أَكْرَمَ مَسْئُولٍ سُئِلَ يَا أَشْرَفَ مَحْبُوبٍ عُلِمَ.

فز- يَا حَبِيبَ الْمَسَاكِينِ (۱) يَا سَيِّدَ الْمُتَوَكِّلِينَ يَا هَادِیَ الْمُضِلِّينَ يَا وَلِیَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَنِيسَ الذَّاكِرِينَ يَا مَفْزَعَ الْمَلْهُوفِينَ يَا مُنْجِیَ الصَّادِقِينَ يَا أَقْدَرَ الْقَادِرِينَ يَا أَعْلَمَ الْعَالِمِينَ يَا إِلَهَ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ.

فح- يَا مَنْ عَلَا فَقَهَرَ يَا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ يَا مَنْ بَطَنَ فَخَبَرَ يَا مَنْ عُبِدَ فَشَكَرَ يَا مَنْ عُصِیَ فَغَفَرَ يَا مَنْ لَا تَحْوِيهِ الْفِكَرُ يَا مَنْ لَا تُدْرِكُهُ بَصَرٌ يَا مَنْ لَا يَخْفَی عَلَيْهِ أَثَرٌ يَا رَازِقَ الْبَشَرِ يَا مُقَدِّرَ كُلِّ قَدَرٍ.

فط- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا حَافِظُ يَا بَارِئُ يَا ذَارِئُ يَا بَاذِخُ يَا فَارِجُ يَا فَاتِحُ يَا كَاشِفُ يَا ضَامِنُ يَا آمِرُ يَا نَاهِی.

ص- يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ

۱- ۱. فی البلد الأمين: يا حبيب الباكين.

لَا يَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُتِمُّ النِّعْمَةَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُقَلِّبُ الْقُلُوبَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُدَبِّرُ الْأَمْرَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُنَزِّلُ الْغَيْثَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَبْسُطُ الرِّزْقَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُحْيِي الْمَوْتَى إِلَّا هُوَ.

صا- يَا مُعِينَ الضُّعَفَاءِ يَا صَاحِبَ الْغُرَبَاءِ يَا نَاصِرَ الْأَوْلِيَاءِ يَا قَاهِرَ الْأَعْدَاءِ يَا رَافِعَ السَّمَاءِ يَا أَنِيسَ الْأَصْفِيَاءِ يَا حَبِيبَ الْأَتْقِيَاءِ يَا كَنْزَ الْفُقَرَاءِ يَا إِلَهَ الْأَغْنِيَاءِ يَا أَكْرَمَ الْكُرَمَاءِ.

صب- يَا كَافِياً مِنْ كُلِّ شَيْ ءٍ يَا قَائِماً عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ يَا مَنْ لَا يُشْبِهُهُ شَيْ ءٌ يَا مَنْ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِهِ شَيْ ءٌ يَا مَنْ لا يَخْفى عَلَيْهِ شَيْ ءٌ يَا مَنْ لَا يَنْقُصُ مِنْ خَزَائِنِهِ شَيْ ءٌ يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْ ءٌ يَا مَنْ لَا يَعْزُبُ عَنْ عِلْمِهِ شَيْ ءٌ يَا مَنْ هُوَ خَبِيرٌ بِكُلِّ شَيْ ءٍ يَا مَنْ وَسِعَتْ رَحْمَتُهُ كُلَّ شَيْ ءٍ.

صج- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُكْرِمُ يَا مُطْعِمُ يَا مُنْعِمُ يَا مُعْطِي يَا مُغْنِي يَا مُقْنِي يَا مُفْنِي يَا مُحْيِي يَا مُرْضِي يَا مُنْجِي.

صد- يَا أَوَّلَ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ آخِرَهُ يَا إِلَهَ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ مَلِيكَهُ يَا رَبَّ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ صَانِعَهُ يَا بَارِئَ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ خَالِقَهُ يَا قَابِضَ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ بَاسِطَهُ يَا مُبْدِئَ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ مُعِيدَهُ يَا مُنْشِئَ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ مُقَدِّرَهُ يَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ مُحَوِّلَهُ يَا مُحْيِيَ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ مُمِيتَهُ يَا خَالِقَ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ وَارِثَهُ.

صه- يَا خَيْرَ ذَاكِرٍ وَ مَذْكُورٍ يَا خَيْرَ شَاكِرٍ وَ مَشْكُورٍ يَا خَيْرَ حَامِدٍ وَ مَحْمُودٍ يَا خَيْرَ شَاهِدٍ وَ مَشْهُودٍ يَا خَيْرَ دَاعٍ وَ مَدْعُوٍّ يَا خَيْرَ مُجِيبٍ وَ مُجَابٍ يَا خَيْرَ مُونِسٍ وَ أَنِيسٍ يَا خَيْرَ صَاحِبٍ وَ جَلِيسٍ يَا خَيْرَ مَقْصُودٍ وَ مَطْلُوبٍ يَا خَيْرَ حَبِيبٍ وَ مَحْبُوبٍ.

صو- يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ دَعَاهُ مُجِيبٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ أَطَاعَهُ حَبِيبٌ يَا مَنْ هُوَ إِلَى مَنْ أَحَبَّهُ قَرِيبٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنِ اسْتَحْفَظَهُ رَقِيبٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمٌ يَا هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ حَلِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي عَظَمَتِهِ رَحِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ عَظِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي إِحْسَانِهِ قَدِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ أَرَادَهُ عَلِيمٌ.

صز- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُسَبِّبُ يَا مُرَغِّبُ يَا مُقَلِّبُ يَا مُعَقِّبُ يَا مُرَتِّبُ يَا مُخَوِّفُ يَا مُحَذِّرُ يَا مُذَكِّرُ يَا مُسَخِّرُ يَا مُغَيِّرُ.

صح- يَا مَنْ عِلْمُهُ سَابِقٌ يَا مَنْ وَعْدُهُ صَادِقٌ يَا مَنْ لُطْفُهُ ظَاهِرٌ يَا مَنْ أَمْرُهُ غَالِبٌ يَا مَنْ كِتَابُهُ مُحْكَمٌ يَا مَنْ قَضَاؤُهُ كَائِنٌ يَا مَنْ قُرْآنُهُ مَجِيدٌ يَا مَنْ مُلْكُهُ قَدِيمٌ يَا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمٌ يَا مَنْ عَرْشُهُ عَظِيمٌ.

صط- يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ يَا مَنْ لَا يَمْنَعُهُ فِعْلٌ عَنْ فِعْلٍ يَا مَنْ لَا يُلْهِيهِ قَوْلٌ عَنْ قَوْلٍ يَا مَنْ لَا يُغَلِّطُهُ سُؤَالٌ عَنْ سُؤَالٍ يَا مَنْ لَا يَحْجُبُهُ شَيْ ءٌ عَنْ شَيْ ءٍ يَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ يَا مَنْ هُوَ غَايَةُ مُرَادِ الْمُرِيدِينَ يَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى هِمَمِ الْعَارِفِينَ يَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى طَلَبِ الطَّالِبِينَ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ ذَرَّةٌ فِي الْعَالَمِينَ.

المائه- يَا حَلِيماً لَا يَعْجَلُ يَا جَوَاداً لَا يَبْخَلُ يَا صَادِقاً لَا يُخْلِفُ يَا وَهَّاباً لَا يَمَلُّ يَا قَاهِراً لَا يُغْلَبُ يَا عَظِيماً لَا يُوصَفُ يَا عَدْلًا لَا يَحِيفُ يَا غَنِيّاً لَا يَفْتَقِرُ يَا كَبِيراً لَا يَصْغُرُ يَا حَافِظاً لَا يَغْفُلُ سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۱).

**[ترجمه]و از دعاهای معروف، دعای جوشن کبیر است و آن دعایی است که از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده و گروهی از اصحاب متأخر ما رضوان الله علیهم آن را روایت کرده اند. کفعمی و دیگران گفتند: خلاصه شرع دعای جوشن این است:

این دعا والا، دارای جایگاهی بلندمرتبه و بسیار ارزشمند است. از حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که جبرئیل آن را بر ایشان فروآورد و ایشان در یکی از جنگ ها بود و کار بسیار سخت شده بود، و زرهی سنگین بر تن داشت که ایشان را خسته کرده بود. پس خداوند متعال را خواند و جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد، پروردگارت به تو سلام می رساند و می گوید: این زره را از تن بیرون آور و این دعا را بخوان که برای تو و امت تو امان است. پس هر کس که به هنگام خارج شدن از خانه اش آن را بخواند یا آن را همراه خود دارد، خداوند او را حفظ کرده و بهشت را برایش واجب می کند و او را به کارهای شایسته موفق می گرداند. و او مانند کسی خواهد بود که کتاب های آسمانی چهارگانه را خوانده است و در ازای هر حرف، به او در بهشت دو همسر و دو خانه از خانه های بهشتی داده می شود. و مانند پاداش ابراهیم و موسی و عیسی به او داده می شود، و پاداش همه آفریدگان خداوند در زمین سفید پشت مغرب به او داده می شود که خدا را می پرستند و حتی چشم بر هم زدنی او را نافرمانی نمی کنند؛ پوست هایشان از شدت گریه از ترس خدا تکه تکه شده و کسی جز خداوند تعداد آن ها را نمی داند. مسیر خورشید در سرزمین های آن ها چهل روز است.

ای محمد، همانا بیت المعمور در آسمان هفتم است که در هر روز هفتاد هزار فرشته وارد آن می شوند و از آن بیرون می روند و تا روز قیامت به سوی آن باز نمی گردند. و به راستی خداوند متعال به هرکس که این دعا را بخواند پاداش آن فرشتگان را می دهد و پاداش همه مردان و زنان مؤمن را تا روز قیامت به او می دهد. و هرکه آن را بنویسد و در خانه بگذارد از دزد و آتش سوزی در امان است.

هر کس آن را بر پوست آهو یا کاغذ بنویسد و با خود داشته باشد از همه چیز در امان است. هر کس این دعا را بخواند و بمیرد، مانند شهید مرده است و پاداش نهصد هزار شهید از شهیدان بدر برایش نوشته می شود و خداوند به او نگاه می کند و هر چه درخواست کرده به او می بخشد. و هر کس آن را هفتاد بار با نیت خالص بخواند، هر بیماری داشته برطرف می شود، خواه دیوانگی باشد یا جذام یا پیسی.

هر کس آن را با کافور یا مشک در کاسه ای بنویسد، سپس آن را بشوید و بر کفن مرده بپاشد، خداوند متعال هزار نور بر او فرو می فرستد و از وحشت نکیر و منکر او را در امان می دارد و هفتاد هزار فرشته را به قبرش می فرستد تا به او مژده ی بهشت دهند و با او انس گیرند. و دری به سوی بهشت برایش می گشاید و قبرش را تاجایی که چشمش کار می کند فراخ می گرداند. و هر کس آن را بر کفنش بنویسد خداوند از مجازات او با آتش شرم می کند. و به راستی که خداوند پنجاه هزار سال پیش از آفرینش دنیا این دعا را بر پایه های عرش نوشت. و هر کس در ابتدای ماه رمضان آن را با نیت درست بخواند، خداوند متعال پاداش شب قدر را به او می دهد و هفتاد هزار فرشته برای او می آفریند که پیوسته خدا را سپاس و ستایش می کنند و پاداش آن ها را برای او قرار می دهد.

ای محمد، هر کس این دعا را بخواند میان او و خداوند حجابی باقی نمی ماند و هر درخواستی از خداوند داشته باشد آن را به او می بخشد و هنگام بیرون آمدنش از قبر، خداوند هفتاد هزار فرشته را به سویش روانه می کند که در دست هر یک افسار مرکبی از نور است، شکم آن از مروارید و پشتش از زبرجد و پاهایش یاقوت است و بر پشت هر یک از آن ها گنبدی از نور است که چهارصد در دارد و بر هر یک پرده ای از سندس و استبرق آویخته است. در هر گنبد ندیمه ای است که بر سر هر یک تاجی از طلای سرخ قرار دارد و رایحه مشک تیزبوی از آن ها به مشام می رسد. پس همه آن را به او می بخشد. سپس خداوند هفتاد هزار فرشته را به سوی او می فرستد که همراه هر یک از آن ها کاسه ای از مروارید سفید است و در آن نوشیدنی های بهشتی است. بر روی هر کاسه نوشته شده: معبودی جز الله نیست، یگانه است و شریکی ندارد. هدیه ای از خداوند بزرگ و شکوهمند برای فلانی فرزند فلانی است. و خداوند متعال ندا می دهد: ای بنده ام، بدون حساب وارد بهشت شو.

ای محمد، و هر کس در ماه رمضان سه بار یا یک بار آن را بخواند خداوند بدنش را بر آتش حرام می کند و بهشت را بر او واجب می گرداند. و خداوند دو فرشته را مأمور می کند تا او را از گناهان بازدارند و در تمام مدت زندگی و پس از مرگ در امان خداوند خواهد بود.

ای محمد، آن را جز به مؤمنان پرهیزکار یاد نده و آن را به مشرکان یاد نده که با آن درخواست می کنند و اجابت می شود .

امام حسین علیه السلام می فرماید: پدرم به من سفارش کرد آن را حفظ کنم و گرامی بدارم و بر کفنش بنویسم. و آن را به خانواده ام بیاموزم و آنان را به خواندنش تشویق کنم. و آن هزار و یک اسم است.

دعای جوشن کبیر از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است و صد بند دارد که هر بند شامل ده نام است و ابتدای هر بند بسم الله گفته می شود و در پایان آن گفته می شود: منزهی ای آن که معبودی جز تو نیست، به فریادم برس، به فریادم برس، و ما را از آتش نجات بده ای پروردگار، ای صاحب بزرگی و شکوه، ای مهربان ترین مهربانان.

الف - خدایا از تو خواستارم به نامت، ای خدا، ای بخشنده، ای مهربان، ای گرامی، ای پایدار، ای بزرگ، ای دیرینه ای دانا، ای شکیبا، ای دارای حکمت .

ب - ای سرور سروران، ای برآورنده دعاها، ای بلندی بخش جایگاهها، ای سرچشمه نیکیها، ای درگذرنده از خطاها، ای عطابخش خواسته ها، ای پذیرنده توبه ها، ای شنونده نداها، ای دانای رازها، ای دور کننده بلاها .

ج - ای بهترین آمرزندگان، ای بهترین گشایشگران ای بهترین یاوران، ای بهترین داوران، ای بهترین روزی دهان، ای بهترین وارثان، ای بهترین ستایشگران ای بهترین یادآوران، ای بهترین عطابخشان، ای بهترین نیکوکاران،

د - ای آن که شکوه و زیبایی تنها از آن اوست ای آن که توانایی و برازندگی تنها از آن اوست، ای آن که فرمانروایی و شوکت تنها از آن اوست، ای آنکه اوست بزرگ و برتر، ای پدیدآورنده ابرهای پرباران، ای آن که نیرومند، و پرتوان است، ای آن که حسابرسی چالاک است، ای آن که کیفرش سخت و شدید است، ای آن که پاداش نیک تنها نزد اوست، ای آن که ام الکتاب پیش روی اوست .

ه - خدایا!از تو خواستارم به نامت ای پرمهر، ای بخشایشگر، ای جزادهنده، ای روشنی خرد، ای فرمانروا، ای خشنودی، ای آمرزش، ای پاک، ای پشتوانه، ای صاحب نعمت و بیان .

و - ای آن که همه در برابر عظمتش فروتن، ای آن که همه در برابر قدرتش تسلیم، ای آن که همه در برابر عزّتش خوار، ای آن که همه در برابر هیبتش هراسان، ای آن که همه از ترسش فرمانبردار، ای آن که کوهها از بیمش شکافته، ای آن که آسمانها به امرش بر پا، ای آن که زمینها به اجازه اش بر جا، ای آن که رعد به ستایشش تسبیح گو است، ای آن که بر اهل مملکتش ستم نمی کند .

ز – ای بخشنده خطاها، ای برطرف کننده بلاها، ای اوج امیدواریها، ای بسیاردهنده عطاها، ای بخشنده هدایا، ای روزی رسان آفریده ها، ای برآورنده آرزوها، ای شنوای گلایه ها، ای برانگیزنده بندگان، ای بندگشای دربندان .

ح – ای صاحب سپاس و ستایش، ای صاحب فخر و ارزش، ای صاحب بزرگواری و والایی، ای صاحب پیمان و وفا، ای صاحب گذشت و رضا، ای صاحب بخشش و عطاء، ای صاحب دادرسی و داوری، ای صاحب عزّت و بقا، ای صاحب کرم و بخشش، ای صاحب عطاها و نعمتها .

ط – خدایا از تو خواستارم به نامت ای بازدارنده، ای دور کننده، ای بردارنده، ای سازنده، ای سودبخش، ای شنوا، ای گرد آورنده، ای شفاعت کننده، ای مهرگستر، ای وسعت بخش .

ی – ای سازنده هر ساخته، ای آفریننده هر آفریده، ای روزی بخش هر روزی خوار، ای دارای هر دارایی، ای غمگسار هر غمزده، ای فرج بخش هر اندوهگین، ای مهرورز بر هر مهرجو ای یاور هر بی یاور، ای پرده پوش هر کاستی، ای پناه هر رانده.

یا – ای توشه ام در سختی، ای امیدم در ناگواری، ای همدم در وحشت، ای همرهم در غربت ای سرپرستم در نعمت، ای فریادرسم در گرفتاری، ای رهنمایم در سرگردانی، ای توانگری ام در تنگدستی ای پناهم در دماندگی، ای مددرسانم در پریشانی .

یب – ای دانای نهانها، ای آمرزنده گناهان، ای پرده پوش عیبها، ای غمگسار غمها، ای دگرگون ساز دلها، ای پزشک قلبها، ای روشنی بخش دلها، ای همدم جانها، ای گره گشای اندوهها، ای گشایشگر دلتنگیها .

یج – خدایا!از تو درخواست می کنم به نامت ای والا، ای زیبا، ای وکیل ، ای سرپرست، ای راهنما، ای پذیرا، ای گرداننده، ای عطابخش، ای درگذرنده، ای حال گردان .

ید – ای رهنمای گمگشتگان، ای مددرس مددجویان، ای فریادرس فریادکنان، ای پناه پناهندگان، ای ایمنی بخش هراسندگان، ای یاور مؤمنان، ای مهرورز بر خاک نشستگان، ای پناه عصیانگران، ای آمرزنده گنهکاران، ای اجابت کننده دعای بیچارگان.

یه – ای صاحب جود و نیکی، ای صاحب بخش و عطا، ای صاحب امن و امان، ای صاحب قدس و پاکی، ای صاحب حکمت و بیان، ای صاحب رحمت و رضوان ای صاحب حجّت و برهان، ای صاحب عظمت و سلطان، ای صاحب مهر و ای پشتیبان، ای صاحب گذشت و غفران .

یو – ای آن که پروردگار همه اوست، ای آن که معبود همه، اوست، ای آن که آفریننده همه، اوست ای آن که سازنده همه، اوست، ای آن که پیش از همه بود، ای آن که بعد از همه هست، ای آن که از هر چیز برتر است، ای آن که به همه چیز داناست، ای آن که بر هر چیز توانا است، ای آن که او همیشگی است و همه چیز رفتنی است.

یز – خدایا!از تو می خواهم به نامت ای ایمنی بخش، ای چیره بر همه، ای هستی آفرین، ای الهام کننده، ای روشن کننده ، ای سادگی بخش، ای توان ده، ای زینت بخش، ای نمایانگر، ای تقسیم کننده.

یح – ای آن که در فرمانروایی اش پابرجاست ای آن که در پادشاهی اش دیرینه است، ای آن که در شکوهش بزرگ است، ای آن که بر بندگانش مهربان است، ای ای آن که به هرچیز داناست، ای آن که بر نافرمانان بردبار است، ای آن که بر امیدواران اکرام ورزد، ای آن که در آفرینش حکمت نماید، ای آن که در حکمتش مهر ورزد، ای آن که در مهرش دیرینه است.

یط – ای آن که جز به فضلش امید نیست، ای آن که جز عفوش خواهش نشود، ای آن که جز به نیکی اش چشم ندوزند، ای آن که جز از عدلش نهراسند، ای آن که پایدار نماند جز فرمانروایی اش، ای آن که جز سلطنتش چیزی با دوام نیست، ای آن که رحمتش همه را فرا گرفته، ای آن که رحمتش بر خشمش پیشی گرفته، ای آن که دانشش همه را فرو گرفته، ای آن که هیچکس همانندش نیست.

ک – ای گشاینده اندوه، ای برطرف کننده غم، ای آمرزنده گناه، ای پذیرنده توبه، ای آفریننده آفریدگان، ای راست وعده، ای وفادار به پیمان، ای دانای راز نهان، ای شکافنده دانه، ای روزی دهنده بندگان.

کا – خدایا!از تو خواستارم به نامت ای والا، ای وفادار، ای توانگر، ای امان ده، ای پرمهر، ای خشنود، ای پاک، ای نمایان، ای پرتوان، ای سرپرست.

کب – ای آن که زیبایی را پدیدار نمودی، ای آن که زشتی را پوشاندی ای آن که بر گناه سرزنش نکردی، ای آن که پرده دری ننمودی،ای که گذشتت بزرگ، ای که نیکو درگذری، ای آمرزگانیت فراگیر، ای دستت به مهر گشوده، ای شنوای هر نجوی، ای سرانجام هر گلایه.

کج – ای دارای نعمت فراوان، ای دارای رحمت فراگیر، ای دارای بخشش آغازین، ای دارای حکمت رسا، ای دارای نیروی کامل ، ای دارای برهان قطعی، ای دارای کرامت هویدا، ای دارای عزّت پایدار، ای دارای توان استوار، ای دارای عظمت بلندپایه.

کد – ای پدیدآورنده آسمانها ای برنهنده تاریکیها، ای رحم کننده اشکهای ریزان، ای درگذرنده از لغزشها، ای پوشنده زشتیها، ای زندگی بخش مردگان، ای فرودآور آیات، ای دوچندان کننده خوبیها، ای ناپدید کننده بدیها، ای سخت شکنجه.

که – خدایا!از تو درخواست می کنم به نامت ای صورتگر، ای سنجیده کار، ای گرداننده، ای پاک کننده، ای روشنی بخش، ای ساده ساز، ای مژده ده، ای بیم ده، ای پیش آورنده ، ای پس اندازنده.

کو – ای پروردگار خانه محترم، ای پرودگار ماه محترم، ای پرودگار شهر محترم، ای پروردگار رکن و مقام، ای پروردگار مشعر الحرام، ای پروردگار مسجد الحرام، ای پروردگار حلال و حرام، ای پروردگار روشنی و تاریکی، ای پروردگار تحیّت و سلام، ای پرورنده نیرو در مردمان .

کز – ای داورترین داوران، ای دادگرترین دادگران، ای راستگوترین راستگویان، ای پاکترین پاکان، ای بهترین آفرینندگان، ای چابکترین حسابگران، ای شنواترین شنوندگان، ای بیناترین بینندگان، ای برترین شفاعت کنندگان، ای گرامی ترین گرامیان.

کح – ای تکیه گاه آن که تکیه گاه ندارد، ای پشتیبان آن که پشتیبانی ندارد، ای اندوخته آن که اندوخته ای ندارد ای پناه آن که پناهی ندارد، ای فریادرس آن که فریادرسی ندارد، ای افتخار آن که افتخاری ندارد، ای عزّت آن که عزّتی ندارد ای مددرسان آن که مددی ندارد، ای همدم آن که همدمی ندارد، ای ایمنی بخش آن که ایمنی ندارد .

کط – خدایا!از تو می خواهم به نامت ای نگهدار، ای پایدار، ای پاینده، ای مهرورز، ای سلامتی بخش، ای داور، ای دانا، ای تقسیم کن، ای بازگیر، ای فراخی بخش.

ل – ای نگهدار آن که از او نگهداری جوید، ای مهربان بر آن که از او مهر جوید، ای آمرزنده آن که از او آمرزش خواهد ای یاور آن که از او یاری طلبد، ای حافظ آن که از او حفاظت خواهد، ای اکرام کننده آن که از او اکرام خواهد، ای راهنمای آن که از او راهنمایی جوید، ای دادرس آن که از او دادرسی خواهد، ای مددیار آن که از او مدد جوید، ای فریادرس آن که از او فریادرسی خواهد

لا – ای عزیزی که خوار نگردد، ای لطیفی که دست انـدازی نشود، ای پایـداری که خواب او را درنیابـد، ای پاینده ای که فنا نپذیرد، ای زنده ای که نمی میرد، ای پادشـاهی که از بین نمی رود، ای همیشـگی ای که فانی نمی شود، ای دانایی که نادانی نـدارد، ای بی نیازی که خوراک نخواهد، ای توانایی که ناتوان نمی گردد

لب – خدایا!از تو درخواست می کنم به نامت ای یکتا، ای یگانه، ای گواه، ای بزرگوار، ای سـتایش پذیر، ای راهنما ای برانگیزنده، ای میراث برنده، ای زیان رسان، ای سودبخش

لج – ای بزرگ تر از هر بزرگ، ای کریم تر از هر کریم، ای

مهربـان تر از هر مهربـان، ای دانـاتر از هر دانا، ای حکیم تر از هر حکیم، ای دیرینه تر از هر دیرینه، ای بزرگ تر از هر بزرگ، ای لطیف تر از هر لطیف، ای باشکوه تر از هر باشکوه، ای عزیزتر از هر عزیز.

لد – ای گذشـتت کریمانه، ای نعمتت بزرگ، ای خیرت بسـیار، ای فضـلت دیرینه، ای لطفت همیشـگی، ای صنعت چشم نواز، ای گره گشای گرفتاری، ای بردارنده زیان، ای پادشاه هستی، ای داور بر حق.

له – ای آن که در پیمانش وفادار است، ای آن که در وفاداری اش پایـدار است، ای آن که در پایداری اش والاست، ای آن که در والایی اش نزدیـک است، ای آن که در نزدیکی اش با نرمی است، ای آن که در نرمی اش شـریف است، ای آن که در شـرفش با عزّت است، ای آن که در عزّتش بزرگ است، ای آن که در بزرگی اش شکوهمند است، ای آن که در شکوهش ستوده است.

لو – خدایا!از تو درخواست می کنم به نامت ای بسـنده، ای درمان بخش، ای تمام، ای تندرستی ده ای راهنما، ای به نیکی خوان، ای داور، ای خشنود، ای بلندمرتبه، ای ماندگار.

لز – ای آن کـه هرچیز برایش فروتـن است، ای آن که هر چیز از او هراسـان است، ای آن که هسـتی هرچیز از او است، ای آن که هرچیز به او پدیـدار است، ای آن که هرچیز به سوی او بازگشت کنـد، ای آن که هرچیز از او ترسان است، ای آن که هرچیز به او بر پاست، ای آن که هر چیز به سوی او دگرگون می شود، ای آن که هر چیز به ستایش او تسبیه گو است، ای آن که هرچیز جز جلوه اش نابود است .

لح – ای آن که گریزگاهی نیست جز به بارگاهش، ای آن که پناهی جز به درگاهش نیست، ای آن که مقصدی جز به سوی او نیست، ای آن که از او نجـاتی نیست جز به سوی خودش، ای آن که جز به سوی او میلی نیست، ای آن که جنبش و نیرویی نیست جز به او، ای آن که جز از او مدد نجویند، ای آن که جز بر او توکلّ نشود، ای آن که جز به او امیدی نیست، ای آن که جز او پرستیده نشود.

لط – ای بهترین هراس انگیزان، ای بهترین خواسته شده ها، ای بهترین جویاشدگان، ای بهترین درخواست شده از او ، ای بهترین قصد شدگان ای بهترین یادشدگان، ای بهترین ستودگان، ای بهترین دلبران، ای بهترین خواندگان، ای بهترین همدمان.

م – خـدایا!از تو خواسـتارم به نامت ای آمرزنـده، ای پرده پوش، ای توانا، ای چیره، ای آفریننـده ای شـکننده، ای جبران کننده، ای یادآور، ای بینا، ای یاور.

ما – ای آن که آفرید پس متناسب نمود، ای آن که اندازه نهاد پس رهنمون شد ای آن که بلا را برگیرد، ای آن که زمزمه نهان را بشـنود، ای آن که غرق شـدگان را برهانـد، ای آن که از نابودی رهایی بخشـد، ای آن که بیماران را شـفا دهـد. ای آن که خندانـد و گریانـد، ای آن که میراند و زنده کند، ای آن که دوگونه مرد و زن آفرید.

مب - ای آن که در خشکی و دریا راه اوست، ای آن که در کرانه های هستی نشانه های اوست، ای آن که در نشانه هایش برهان روشن اوست، ای آن که در مرگ آفریدگان قدرت نمایی اوست، ای آن که در قبرها پندآموزی اوست، ای آن که در رستاخیز فرمانروایی بی حدّ اوست، ای آن که در حسابرسی اعمال شکوه اوست، ای آن که در سنجش کردارها داوری اوست، ای آن که در بهشت پاداش اوست، ای آن که در دوزخ کیفر اوست .

مج - ای آن که هراسندگان به درگاه او گریزند، ای آن که گنهکاران به سوی او پناه برند، ای آن که پشیمانان آهنگ او کنند، ای آن که پارسایان به او میل نمایند، ای آن که سرگشتگان به او پناه برند، ای آن که ارادتمندان به او انس گیرند، ای آن که شیفتگان به او افتخار کنند، ای آن که خطاکاران در عفوش طمع ورزند، ای آن که یقین یافتگان به سوی او آرام گیرند، ای آن که توکّل کنندگان بر او توکّل کنند.

مد - خدایا!از تو درخواست می کنم به نامت ای دوست داشتنی، ای شفابخش، ای نزدیک، ای دیده بان، ای حسابرس، ای هراس انگیز، ای پاداش ده، ای اجابت کننده، ای آگاه ای بینا.

مه - ای نزدیک تر از هر نزدیک، ای محبوب تر از هر محبوب، ای بیناتر از هر بینا، ای آگاه تر از هر آگاه، ای شریف تر از هر شریف، ای برتر از هر بلند، ای تواناتر از هر توانا، ای توانگرتر از هر توانگر، ای بخشنده تر از هر بخشنده، ای مهربان تر از هر مهربان .

مو - ای چیره شکست ناپذیر، ای سازنده ناساخته، ای آفریننه ناآفریده، ای مالک غیر مملوک، ای چیره چیره گی ناپذیر، ای بلندی بخش بلندی ناپذیر، ای نگهدار بی نگهدار، ای یاری کننده یاری نشده، ای شاهد بدون غیبت ، ای نزدیک دوری ناپذیر .

مز - ای روشنایی نور، ای روشنی بخش نور ای آفریننده نور، ای گرداننده نور، ای به اندازه ساز نور، ای روشنی هر نور، ای روشنایی پیش از هر نور، ای روشنایی پس از هر نور، ای روشنایی بر فراز هر نور، ای نوری که همانندش نوری نیست .

مح - ای آن که عطایش چشمگیر است، ای آن که کارش نوازشگر است، ای آن که نوازشش پایدار است، ای آن که نیکی اش دیرینه است، ای آن که سخنش حق است ای آن که وعده اش راست است، ای آن که گذشتش فضیلت است، ای آن که کیفرش عدل است، ای آن که یادش شیرین است، ای آن که عطایش همگانی است.

مط - خدایا!از تو درخواست می کنم به نامت ای آسان ساز، ای جدایی بخش، ای دگرگون ساز، ای هموار کن، ای فرودآور، ای عطابخش، ای فزون ده، ای بسیاربخش، ای امان ده، ای زیبایی آفرین .

ن - ای آن که بیند و دیده نشود، ای آن که بیافریند و آفریده نشود، ای آن که راهنمایی کند و راهنمایی نشود، ای آن که زنده کند و زنده اش نکنند، ای آن که پرسد و پرسیده نشود، ای آن که خوراند و خورانده نشو د، ای آن که پناهد دهد و پناه نجوید، ای آن که داوری کند و بر او داوری نشود، ای آن که فرمان دهد و فرمانش ندهند، ای آن که نزاده، و زاده نشده، و برای او همتایی نبوده است.

نا - ای بهترین حسابگر، ای که بهترین طبیب، ای بهترین مراقب ، ای بهترین نزدیک، ای بهترین پاسخ دهنده ، ای بهترین محبوب ، ای بهترین ضامن ، ای بهترین کارگشا، ای بهترین مولا، ای بهترین یاور .

نب - ای شادی عارفان، ای آرزوی شیفتگان، ای همدم مریدان، ای دوست توبه کاران، ای روزی دهنده بی چیزان، ای امید گنهکاران، ای نور چشم عبادت کنندگان، ای گشاینده اندوه دلگیران، ای غمگسار غمزدگان، ای معبود گذشتگان و آیندگان .

نج - خدایا!من از تو درخواست می کنم به نامت ای پروردگار ما، ای معبود ما، ای سرور ما ای مولای ما، ای یاور ما، ای نگهدار ما، ای راهنمای ما، ای مددرسان ما، ای محبوب ما، ای طبیب ما،

ند – ای پروردگار پیامبران و نیکان، ای پروردگار صدّیقان و خوبان، ای پروردگار بهشت و دوزخ، ای پروردگار خردسالان و بزرگسالان، ای پروردگار دانه ها و میوه ها، ای پروردگار نهرها و درختان، ای پروردگار دشتها و بیشه ها، ای پروردگار خشیکیها و دریاها، ای پروردگار شب و روز، ای پروردگار آشکارها و نهانها .

نه – ای آن که فرمانش در هرچیز نفوذ یافته، ای آن که دانشش به هر چیز رسیده، ای آن که قدرتش هر چیز را دربر گرفته، ای آن که بندگان از شمردن نعمتهایش ناتوانند، ای آن که آفریدگان به سپاسش نرسند، ای آن که فهمها بزرگی اش را درنیابند، ای آن که پندارها به ژرفای هستی اش نرسند، ای آن که بزرگی و بزرگ منشی پوشش اوست، ای که بندگان توان برگرداندن حکمش را ندارند، ای آن که فرمانروایی جز فرمانروایی او نیست، ای آن که عطایی جز عطای او نیست .

نو – ای آن که نمونه اعلی از آن اوست، ای آن که صفات برتر برای اوست، ای آن که سرانجام و سرآغاز از آن اوست، ای آن که بهشت پناهگاه از آن اوست، ای آن که نشانه های بزرگ از آن اوست، ای آن که نامهای نیکوتر از آن اوست، ای آن که فرمان و داوری از آن اوست، ای آن هوا و فضا از آن اوست، ای آن که عرش و فرش از آن اوست، ای آن که آسمانهای برافراشته از آن اوست.

نز – خدایا!از تو می خواهم به نامت ای درگذرنده، ای آمرزنده، ای شکیبا، ای ستایش پذیر، ای مهربان، ای مهرورز، ای خواسته شده ، ای دوستدار، ای پاک، ای منزّه.

نح – ای آن که بزرگی اش در آسمان است، ای آن که نشانه هایش در زمین است، ای آن که دلایلش در هرچیز است، ای آن که شگفتیهایش در دریاست، ای آن که گنیجنه هایش در کوههاست، ای آن که آفرینش را آغاز کند سپس بازش گرداند، ای آن که همه امور به سوی او بازگردد، ای آن که لطفش را در هر چیز نمایان ساخته، ای آن که آفرینش هر چیز را نیکو پرداخته، ای آن که توانش در آفریدگان کارگر افتاده است.

نط – ای دوست آن که دوستی ندارد، ای درمانگر آن که درمانگری ندارد، ای پاسخگوی آن که پاسخگویی ندارد، ای مهربان آن که مهربانی ندارد، ای همراه بی همرهان، ای فریادرس آن که فریادرسی ندارد، ای رهنمای آن که رهنمایی ندارد، ای همدم آن که همدمی ندارد، ای رحم کننده آن که رحم کننده ای ندارد ای همنشینی آن که همنشینی ندارد .

س – ای کفایت کننده هرکه از او کفایت خواهد، ای راهنمای هرکه از او راهنمایی جوید، ای نگاهبان هرکه از او نگاهبانی خواهد، ای رعایت کننده هرکه از او رعایت خواهد، ای شفادهنده هرکه از او شفا طلبد، ای داور هرکه از او داوری خواهد، ای بی نیاز کننده هرکه از او بی نیازی جوید، ای وفادار به هر که از او وفا جوید، ای نیروبخش هرکه از او نیرو خواهد، ای سرپرست هرکه از او سرپرستی خواهد.

سا – خدایا!از تو می خواهم به نامت ای آفریننده، ای روزی دهنده، ای گویا، ای راستگو ای شکافنده، ای جدا کننده، ای گشاینده، ای پیونددهنده، ای پیشی گیرنده، ای بلند جایگاه.

سب – ای آن که شب و روز را دگرگون سازد، ای آن که تاریکیها و روشنایی ها را قرار داد، ای آن که سایه خنک و گرما را آفرید، ای آن که خورشید و ماه را مسّخر ساخت، ای آن که خیر و شر را مقدّر نمود، ای آن که مرگ و زندگی را آفرید، ای آن که خلق و امر از آن اوست، ای آن که فرزندی نگرفت، ای آن که در فرمانروای یشریکی برایش نیست، ای آن که از روی خواری سرپرستی نخواهد.

سج – ای آن که خواهش خواهشمندان را می داند، ای آن که از نهاد خاموشان آگاه است، ای آن که ناله درماندگان را می شنود، ای آن که گریه هراسیدگان را می بیند، ای آن که نیازهای نیازمندان به دست اوست، ای آن بهانه توبه کاران را می پذیرد، ای آن که عمل تبهکاران را صلاح نبخشد، ای آن که پاداش نیکوکاران را تباه نکند، ای آن که از دل عارفان دور نباشد ای بخشنده ترین بخشندگان .

سد – ای همیشه ماندگار، ای شنونده دعا، ای گسترده عطا، ای آمرزنده خطا، ای پدید آورنده آسمان، ای نیک آزمون، ای نیکو ستایش، ای دیرینه بر فراز، ای بسیار وفادار، ای شریف پاداش.

سه – خدایا!از تو می خواهم به نامت ای پرده پوش ای آمرزگار، ای چیره، ای جاهمند، ای بس شکیبا، ای نیک بخش، ای برگزیننده، ای گشاینده، ای روح بخش، ای راحتی بخش .

سو – ای آن که مرا آفرید و بیاراست، ای آن که مرا روزی داد و پرورید، ای آن که به من خوراند و نوشانید، ای آن که مرا نزدیک نمود و به کنار خویش برد، ای آن که مرا نگاه داشت و کفایت نمود، ای آن که مرا حفظ کرد و حمایت نمود، ای آن که به من عزّت بخشید و بی نیازم ساخت، ای آن که توفیقم داد و راهنمایی کرد، ای آن که همدمم شد و جایم داد، ای آن که مرا بمیراند و زنده کند.

سز – ای آن که حق را با کلماتش استوار و برجا کند، ای آن که توبه را از بندگانش بپذیرد، ای آن که میان انسان و دلش قرار گیرد، ای آن که شفاعت جز با اجازه اش سود نبخشد، ای آن که به گمراه شدگان راهش داناتر است، ای آن که حکمش دگرگونی نپذیرد، ای آن که رأیش را بازگرداننده ای نیست، ای آن که هرچیز فرمانش را گردن نهد، ای آن که آسمانها به دست قدرتش پیچیده گشته، ای آن که از روی رحمتش بادها را مژده دهنده فرستد.

سح – ای آن که زمین را بستر زندگی قرار داد، ای آن که کوهها را میخهای زمین نهاد، ای آن که خورشیدی را چراغ جهانش کرد، ای آن که ماه را تابان ساخت، ای آن که شب را جامه آرامش گرداند، ای آن که روز را مایه روزی قرار داد، ای آن که خواب را وسیله آرامش ساخت، ای آن که آسمان را بنا نهاد، ای آن که همه اشیاء را جفت قرار داد، ای آن که آتش را کمینگاه قرار داد.

سط – خدایا!از تو می خواهم به نامت ای شنوا، ای همیار، ای بلندپایه، ای فرازمند، ای شتابنده، ای نوآفرین، ای بزرگ، ای توانا، ای آگاه، ای پناه ده .

ع – ای زنده پیش از هر زنده، ای زنده پس از هر زنده، ای زنده ای که مانند او زنده ای نیست، ای زنده ای که هیچ زنده ای شریک او نیست، ای زنده ای که به زنده ای نیاز ندارد، ای زنده ای که همه زندگان را می میراند، ای زنده ای که به زنده ها روزی می دهد، ای زنده ای که زندگی را از زنده ای دیگر به ارث نبرده، ای زنده ای که مردگان را زنده می کند، ای زنده ای به خود پاینده ای که او را چرت و خواب درنگیرد.

عا – ای آن که یادی دارد فراموش نشدنی، ای آن که نوری دارد خاموش نشدنی، ای آن که نعمتهایی بخشیده ناشمردنی، ای آن که فرمانروایی اش بی زوال است، ای آن که ستایشش بی شمار است، ای آن که شکوهش چگونگی نپذیرد، ای آن که کمالی دارد درک ناشدنی، ای آن که داوری اش رد نشدنی است، ای آن که صفاتی دارد دگرگون ناپذیر ای آن که خصوصیاتی دارد غیر قابل تغییر.

عب – ای پروردگار جهانیان، ای مالك روز جزا، ای مقصود جویندگان ای پشت و پناه پناهندگان، ای دریابنده فراریان، ای آن که شکیبایان را دوست دارد، ای آن که توبه کنندگان را دوست دارد ای آن که پاکیزگان را دوست دارد، ای آن که نیکوکاران را دوست دارد، ای آن که اوست داناتر به راه یافتگان.

عج – خدایا!از تو خواستارم به نامت ای مهربان، ای همراه، ای نگهدار، ای فراگیر، ای روزی بخش، ای فریادرس، ای عزّت بخش، ای خوارکن، ای آغازگر، ای برگرداننده.

عد – ای آن که یکتاست و ضدّ ندارد، ای آن که یگانه است و بی مانند، ای آن که بی نیاز و کاستی است، ای آن که بی همتای بدون چگونگی است، ای آن که داوری بی ستم است، ای آن که پروردگاری بی وزیر است، ای آن که عزّتمندی بی خواری است، ای آن که

توانگری بی نیاز است، ای آن که پادشاهی عزل ناپذیر است، ای آن که اوصافش بی مانند است.

عه - ای آن که ذکرش برای ذاکران شرف است، ای آن که شکرش برای شاکران رستگاری است، ای آن که ستایشش برای ستایشگران عزّت است، ای آن که طاعتش برای مطعیان مایه نجات است، ای آن که درگاهش گشوده است به روی جویندگان، ای آن که راهش برای توبه کاران هموار است، ای آن که نشانه هایش برای بینندگان دلیل قاطع است، ای آن که کتابش برای پرواپیشگان مایه پند و یادآوری است، ای آن که روزی اش همه مطیعان و گنهکاران را فراگیرد، ای آن که رحمتش به نیکوکاران نزدیک است.

عو - ای آن که نامش خجسته است، ای آن که عنایتش بس بلند است، ای آن که معبودی جز او نیست، ای آن که ستایشش والا است، ای آن که نامهایش مقدس است، ای آن که هستی اش پایدار است، ای آن که بزرگی جلوه ارزش اوست، ای آن که بزرگمنشی پوشش اوست، ای آن که بخششهایش در شمار نیاید، ای آن که نعمتهایش شمرده نشود.

عز - خدایا! از تو می خواهم به نامت ای مددرسان، ای امین، ای آشکار ای استوار، ای ارجمند، ای راهنما، ای ستوده، ای بزرگوار، ای سختگیر(گنهکاران)، ای گواه.

عح - ای صاحب عرش پرشکوه، ای صاحب سخن استوار، ای صاحب کردار برازنده، ای صاحب کوبش سخت، ای صاحب نوید و و تهدید، ای آن که سرپرست ستوده است، ای آن که به نیکی انجام دهد آنچه را خواهد، ای آن که نزدیک دوری ناپذیر است، ای آن که بر هر چیز گواه است، ای آن که بر بندگان ستمکار نیست.

عط - ای آن که شریک و وزیری ندارد، ای آن که مثل و مانندی ندارد، ای آفریننده خورشید و ماه تابان، ای بی نیاز کننده درمانده تهیدست، ای روزی دهنده کودک خردسال، ای مهرورز بر پیر بزرگسال، ای پیونددهنده استخوان شکسته، ای پناه ترسان پناه جو، ای آن که بر بندگانش آگاه و بیناست، ای آن که بر هر چیز تواناست.

ف - ای صاحب جود و بخشش ای صاحب فضل و کرم، ای آفریننده لوح و قلم، ای پدیدآورنده موران و مردمان، ای صاحب عذاب و انتقام ای الهام بخش عرب و عجم، ای بردارنده زیان و درد، ای دانای رازها و قصدها، ای پروردگار کعبه و حرم، ای آفریننده هرچیز از نیستی.

فا - خدایا!از تو خواستارم به نامت ای کردگار، ای هستی بخش، ای پذیرنده، ای برازنده، ای جدا، ای پیونددهنده، ای دادگر، ای چیره، ای جویا، ای بخشنده، فب - ای آن که به کرمش بخشید، ای آن که به جودش گرامی داشت، ای آن که به لطفش کرم ورزید، ای آن که به نیرویش عزّت داد، ای آن که به حکمتش سامان داد، ای آن که به تدبیر خود حکم کرد، ای آنکه با علم خود تدبیر کرد، ای آن که با بردباری اش درگذرد، ای آن که در عین برتری اش نزدیک است، ای آن که در عین نزدیکی اش برتر است.

فج - ای آن که هرچه خواهد آفریند، ای آن که هرچه بخواهد بکند، ای آن که هرکه را بخواهد راهنمایی کند، ای آن که هرکه را بخواهد گمراه سازد، ای آن که هرکه را بخواهد عذاب کند، ای آن که هرکه را بخواهد بیامرزد، ای آن که هرکه را بخواهد عزّت بخشد، ای آن که هرکه را بخواهد خوار گرداند، ای آن که در رحم مادران هرچه خواهد صورت بخشد، ای آن که هرکه را بخواهد به رحمتش مخصوص گرداند.

فد - ای آن که همسر و فرزندی نگرفت، ای آن که برای هرچیز اندازه نهاد، ای آن که در حکمش کسی را شریک نساخت، ای آن که فرشتگان را فرستادگان خویش قرار داد، ای آن که در آسمانها برجهایی گذارد، ای آن که زمین را زیستگاه شایسته نمود، ای آن که آدمی را از آب آفرید، ای آن که برای هرچیز سرانجامی قرار داد، ای آن که با علم خویش هرچیز را دربر گرفته است، ای آن که تعداد هرچیز را شماره نموده است.

فه – خدایا!از تو درخواست می کنم به نـامت ای آغـاز، ای انجام، ای آشـکار، ای نهان، ای نیکوکار، ای حق، ای یگانه، ای یکتا، ای بی نیاز، ای همیشگی.

فو – ای بهترین شـناخته شده ای که شـناخته شده، ای برترین معبودی که عبادت شده، ای والاترین ثناپذیری که سپاس شده، ای عزیزترین یاد شـده ای که یاد شـده ای برترین سـتوده ای که سـتایش شـده، ای دیرینه ترین موجودی که خواسـته شـده، ای بلنـدترین وصف شـده ای که به وصف آمـده، ای بزرگـترین مقصودی که قصـد شـده، ای گرامی ترین پرسـیده شـده ای که از او خواهش شـده، ای شـریف ترین محبوبی که دانسته شده .

فز – ای محبوب مسکینان، ای سـرور توکّل کننـدگان، ای راهنمای گمراهان، ای سـرپرست مؤمنان، ای همدم ذاکران، ای پناه جان سوختگان ای رهایی بخش راستگویان، ای تواناترین توانایان، ای داناترین دانایان، ای پرستیده همه آفریدگان.

فح – ای آن که بالاـست و چیره گشت، ای آن که داراست و توان یافت، ای آن که نهان شـد و آگاهی یافت، ای آن که پرسـتش شـد و ارج نهاد، ای آن که نافرمانی شـد و آمرزیـد، ای آنکه انـدیشه ها او را فرا نگیرد، ای آن که دیـده ای او را در نیابـد، ای آن که اثری بر او پوشـیده نماند، ای روزی دهنده آدمیان، ای اندازه دهنده هر انداه.

فط – خدایا!از تو درخواست می کنم به نامت ای نگهدار، ای آفریننده، ای پدید آورنده، ای بسـیار بخشـنده، ای گشایشـگر، ای فراخی بخش، ای کشف کننده، ای ضمانت کننده، ای فرمان ده، ای بازدارنده.

ص – ای آن کـه جز او غیـب ندانـد، ای آن کـه برنگردانـد بـدی را جز او، ای آن کـه آفریـدگان را جز او نیافرینـد، ای آن که گنـاه را جز او نیـامرزد، ای آن که نعمت را جز او کامـل نکنـد، ای آن که دلها را جز او دگرگون نکنـد، ای آن که کارها را جز او تـدبیر ننمایـد، ای آن که باران را جز او فرو نبارد، ای آن که روزی را جز او نگستراند، ای آن که مردگان را جز او زنده نسازد.

صا – ای یاور ضـعیفان، ای همراه غریبان، ای یار دوسـتان، ای چیره بر دشـمنان ای بالا برنـده آسـمان، ای مونس برگزیدگان، ای محبوب پروا پیشگان، ای گنجینه تهیدستان، ای معبود توانگران ای کریم ترین کریمان.

صب – ای کفایت کننـده از هرچیز، ای پاینـده بر هرچیز، ای آن که چیزیماننـد او نیست، ای آن که چیزی بر فرمانروایی اش نیفزایـد، ای آن کـه چیزی بر او پوشـیده نیست، ای آن که چیزی از خزانه هـایش نکاهـد، ای آن که ماننـدش کسـی نیست، ای آن که چیزی از علمش پنهـان نماند، ای آن که به همه چیز آگاه است، ای آن که همه رحمتش همه چیز را فرا گرفته است.

صج – خـدایا!از تو درخواست می کنم به نامت ای اکرام کننـده، ای روزی بخش ای نعمت دهنده، ای عطابخش، ای بی نیازکننده، ای ذخیره گذار، ای نابودکننده، ای زنده ساز، ای خشنودکننده، ای رهایی بخش .

صـد – ای آغـاز و انجام هرچیز، ای پرستیـده و دارنـده هرچیز، ای پروردگار و سازنـده هرچیز، ای آفریننـده و برآورنـده هرچیز، ای گیرنـده و گشاینـده هرچیز، ای آغاز کننـده هرچیز و بازگرداننده آن، ای پدیدآورنده و اندازه بخش هرچیز، ای هستی بخش و جنباننده هرچیز، ای زنده کننده و میراننده هرچیز، ای آفریننده و وارث بر هرچیز

صه – ای بهـترین یادکننـده و یادشـده، ای بهـترین ثناپـذیر و ثناشـده، ای بهـترین سـتاینده و سـتوده، ای بهـترین گواه و گواه پـذیر، ای بهـترین خواهنـده و خوانـده شـده، ای بهترین پاسـخ دهنـده و پاسخ داده شده، ای بهترین یار و همدم، ای بهترین همراه و همنشـین، ای بهترین هدف و خواسته، ای بهترین دوستدار و دوستی پذیر.

صو - ای آن که به خواهنده اش پاسخ گوید، ای آن که برای فرمانبرش دوست است، ای آن که به دوستدارش نزدیک است، ای آن که برای کسی که از او نگهداری طلبد دیده بان است، ای آن که به هرکه به او امید بندد کریم است، ای آن که هرکه از او نافرمانی کند بردبار است، ای ان که در بزرگی اش مهربان است، ای آن که در فرزانگی بزرگ است، ای آن که در نیکی اش دیرینه است، ای آن که به هر که او را خواهد دانا است.

صز - خدایا!از تو درخواست می کنم به نامت ای سبب ساز، ای شوق آفرین، ای برگرداننده، ای پیگیر، ای سامان بخش، ای هراس آور، ای برحذردار، ای یادآور، ای تسخیرگر، ای دگرگون ساز

صح - ای آن که علمش پیش است، ای آن که وعده اش راست است، ای آن که لطفش آشکار است، ای آن که فرمانش چیره است، ای آن که کتابش استوار است. ای آن که حکمش شدنی است، ای آن که قرآنش باشکوه است، ای آن که فرمانروایی اش دیرین است، ای آن که بخشش فراگیر است، ای آن که پایگاهش بس بزرگ است.

صط - ای آن که شنیدنی از شنیدن دیگر بازش ندارد، ای آن که کاری از کار دیگر منعش نکند، ای آن که گفتاری از گفتار دیگر سرگرمش نکند، ای آن که درخواستی از درخواست دیگر او را بازندارد، ای آن که چیزی از چیز دیگر پرده اش نشود، ای آن که اصرار اصرارکنندگان او را به ستوه نیاورد، ای آن که آرمان واپسین جویندگان است، ای آن که نهایت همّت عارفان است، ای آن که پایان جستجوی جویندگان است، ای آن که ذره ای در سراسر هستی بر او پوشیده نیست

یکصد - ای بردباری که شتاب نکند، ای بخشنده ای که بخل نورزد، ای راستگویی که تخلّف نکند، ای عطاکننده ای که خستگی نپذیرد، ای چیره ای که شکست ناپذیر است، ای بزرگی که به وصف در نیاید، ای دادگری که ستم ننماید، ای توانگری که نیازمند نشود، ای بزرگی که کوچک نگردد، ای نگهداری که غفلت ننماید.منزّهی تو ای که معبودی جز تو نیست، فریادرس، فریادرس، ما را از آتش رهایی بخش پروردگار. یا ذالجلال و الاکرام یا ارحم الراحمین - . بلد الامین :۴۰۲-۴۱۱ - .

**[ترجمه]

«۴»

مهج، [مهج الدعوات] وَ مِنْ ذَلِکَ الشَّرْحُ الْمَعْرُوفُ بِدُعَاءِ الْجَوْشَنِ یَقُولُ کَاتِبُهُ الْفَقِیرُ إِلَی اللَّهِ تَعَالَی أَبُو طَالِبِ بْنُ رَجَبٍ وَجَدْتُ دُعَاءَ الْجَوْشَنِ وَ خَبَرَهُ وَ فَضْلَهُ فِی کِتَابٍ مِنْ کُتُبِ جَدِّیَ السَّعِیدِ تَقِیِّ الدِّینِ الْحَسَنِ بْنِ دَاوُدَ رَحِمَهُ اللَّهِ عَلَیْهِ یَتَضَمَّنُ مُهَجَ الدَّعَوَاتِ وَ غَیْرَهُ بِغَیْرِ هَذِهِ الرِّوَایَهِ وَ الْخَبَرُ مُقَدَّمٌ عَلَی الدُّعَاءِ الْمَذْکُورِ فَأَحْبَبْتُ إِثْبَاتَهُ فِی هَذَا الْمَکَانِ لِیُعْلَمَ فَضْلُ الدُّعَاءِ الْمَذْکُورِ(۲)

وَ هَذَا

صِفَهُ مَا وَجَدْتُهُ بِعَیْنِهِ خَبَرُ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ وَ فَضْلِهِ وَ مَا لِقَارِئِهِ وَ لِحَامِلِهِ مِنَ الثَّوَابِ بِحَذْفِ الْإِسْنَادِ عَنْ مَوْلَانَا وَ سَیِّدِنَا مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ أَبِیهِ جَعْفَرٍ الصَّادِقِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِیهِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ.

۱- ۱. رواه الکفعمیّ فی البلد الأمین تراه مشکولا بالاعراب ص ۴۰۲- ۴۱۱ و رواه فی مصباحه أیضا لکنه غیر مطبوع، و نقله المحدث الکبیر الشیخ عبّاس القمّیّ فی مفاتیحه ص ۸۶- ۱۰۰ ط المکتبه الإسلامیه.

۲- ۲. قد مر الإشاره الی ذلک فی ص ۳۲۷ و أنّه قد اشتبه علیه دعاء الجوشن الصغیر بالکبیر و دعاء الجوشن الکبیر غیر مذکور فی المهج.

قَالَ قَالَ أَبِی أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: یَا بُنَیَّ أَ لَا أَعَلِّمُکَ سِرّاً مِنْ أَسْرَارِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَّمَنِیهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ کَانَ مِنْ أَسْرَارِهِ لَمْ یَطَّلِعْ عَلَیْهِ أَحَدٌ قُلْتُ بَلَی یَا أَبَاهْ جُعِلْتُ فِدَاکَ قَالَ نَزَلَ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الرُّوحُ الْأَمِینُ جَبْرَئِیلُ علیه السلام فِی یَوْمِ الْأَحَدِ یَوْمَ أُحُدٍ وَ کَانَ یَوْمَ مَهُولٍ شَدِیدَ الْحَرِّ وَ کَانَ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله جَوْشَنٌ لَا یَقْدِرُ حَمْلَهُ لِشِدَّهِ الْحَرِّ وَ حَرَارَهِ الْجَوْشَنِ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله فَرَفَعْتُ رَأْسِی نَحْوَ السَّمَاءِ فَدَعَوْتُ اللَّهَ تَعَالَی فَرَأَیْتُ أَبْوَابَ السَّمَاءِ قَدْ فُتِحَتْ وَ نَزَلَ عَلَیَّ الطَّوْقُ النُّورُ(۱) جَبْرَئِیلُ علیه السلام وَ قَالَ لِی السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ فَقُلْتُ عَلَیْکَ السَّلَامُ یَا أَخِی جَبْرَئِیلُ فَقَالَ الْعَلِیُّ الْأَعْلَی یُقْرِئُکَ السَّلَامَ وَ یَخُصُّکَ بِالتَّحِیَّهِ وَ الْإِکْرَامِ وَ یَقُولُ لَکَ اخْلَعْ هَذَا الْجَوْشَنَ وَ اقْرَأْ هَذَا الدُّعَاءَ فَإِذَا قَرَأْتَهُ وَ حَمَلْتَهُ فَهُوَ مِثْلُ الْجَوْشَنِ الَّذِی عَلَی جَسَدِکَ فَقُلْتُ یَا أَخِی جَبْرَئِیلُ هَذَا الدُّعَاءُ لِی خَاصَّهً أَوْ لِی وَ لِأُمَّتِی قَالَ یَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا هَدِیَّهٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَی إِلَیْکَ وَ إِلَی أُمَّتِکَ قُلْتُ لَهُ یَا أَخِی جَبْرَئِیلُ مَا ثَوَابُ هَذَا الدُّعَاءِ قَالَ یَا نَبِیَّ اللَّهِ ثَوَابُ هَذَا الدُّعَاءِ لَا یَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ لِأَنَّ کُلَّ مَنْ یَقْرَأُ هَذَا الدُّعَاءَ عِنْدَ خُرُوجِهِ مِنْ مَنْزِلِهِ وَقْتَ الصُّبْحِ أَوْ وَقْتَ الْعِشَاءِ أَلْحَقَهُ اللَّهُ تَعَالَی بِصَالِحِ الْأَعْمَالِ وَ هُوَ فِی التَّوْرَاهِ وَ الْإِنْجِیلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ وَ صُحُفِ إِبْرَاهِیمَ قُلْتُ یَا أَخِی جَبْرَئِیلُ کُلُّ مَنْ یَقْرَأُ هَذَا الدُّعَاءَ یُعْطِیهِ اللَّهُ هَذَا الثَّوَابَ قَالَ نَعَمْ وَ یُعْطِیهِ اللَّهُ بِکُلِّ حَرْفٍ زَوْجَتَیْنِ مِنَ الْحُورِ الْعِینِ فَإِذَا فَرَغَ مِنْ قِرَاءَتِهِ بَنَی اللَّهُ لَهُ بَیْتاً فِی الْجَنَّهِ وَ یُعْطِیهِ مِنَ الثَّوَابِ بِعَدَدِ حُرُوفِ التَّوْرَاهِ وَ الْإِنْجِیلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ الْعَظِیمِ قُلْتُ کُلُّ هَذَا الثَّوَابِ لِمَنْ قَرَأَ هَذَا الدُّعَاءَ قَالَ نَعَمْ یَا رَسُولَ اللَّهِ وَ الَّذِی بَعَثَکَ بِالْحَقِّ نَبِیّاً وَ رَسُولًا إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی یُعْطِیهِ مِثْلَ ثَوَابِ إِبْرَاهِیمَ الْخَلِیلِ وَ مُوسَی الْکَلِیمِ وَ عِیسَی الرُّوحِ الْأَمِینِ وَ مُحَمَّدٍ الْحَبِیبِ قُلْتُ کُلُّ هَذَا الثَّوَابِ لِصَاحِبِ هَذَا الدُّعَاءِ قَالَ نَعَمْ یَا رَسُولَ اللَّهِ کُلُّ مَنْ قَرَأَ هَذَا الدُّعَاءَ وَ حَمَلَهُ کَانَ لَهُ أَکْثَرُ مِمَّا ذَکَرْتُ وَ الَّذِی بَعَثَکَ بِالْحَقِّ نَبِیّاً إِنَّ خَلْفَ الْمَغْرِبِ أَرْضَ بَیْضَاءَ

۱- ۱. فی المصدر: الطواف بالنور.

فِيهَا خَلْقٌ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ تَعَالَى يَعْبُدُونَهُ وَ لَا يَعْصُونَهُ قَدْ تَمَزَّقَتْ لُحُومُهُمْ وَ وُجُوهُهُمْ مِنَ الْبُكَاءِ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِمْ لِمَ تَبْكُونَ وَ لَمْ تَعْصُونِي طَرْفَةَ عَيْنٍ قَالُوا نَخْشَى أَنْ يَغْضَبَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَ يُعَذِّبَنَا بِالنَّارِ. فَقَالَ عَلِيٌّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ هُنَاكَ إِبْلِيسُ أَوْ أَحَدٌ مِنْ بَنِي آدَمَ فَقَالَ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيّاً مَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ وَ لَا إِبْلِيسَ وَ لَا يُحْصِي عَدَدَهُمْ إِلَّا اللَّهُ وَ مَسِيرُ الشَّمْسِ فِي بِلَادِهِمْ أَرْبَعِينَ يَوْماً لَا يَأْكُلُونَ وَ لَا يَشْرَبُونَ وَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِي صَاحِبَ هَذَا الدُّعَاءِ ثَوَابَ عَدَدِهِمْ وَ عِبَادَتِهِمْ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله أَ يُعْطِيهِمْ ثَوَابَ هَذَا كُلَّهُ قَالَ وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيّاً إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَنَى فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ بَيْتاً يُقَالُ لَهُ الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ يَدْخُلُهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ يَخْرُجُونَ مِنْهُ وَ لَا يَعُودُونَ إِلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُعْطِيهِ ثَوَابَ هَؤُلَاءِ الْمَلَائِكَةِ وَ يُعْطِيهِ ثَوَاباً بِعَدَدِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ مِنَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ مِنْ يَوْمَ خَلَقَهُمُ اللَّهُ إِلَى يَوْمِ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَ قَالَ وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيّاً مَنْ كَتَبَ هَذَا الدُّعَاءَ فِي إِنَاءٍ نَظِيفٍ بِمَاءِ مَطَرٍ وَ زَعْفَرَانٍ ثُمَّ يَغْسِلُهُ وَ يَشْرَبُهُ بِهِ حَسَبَ مَا يَقْدِرُ أَنْ يَشْرَبَ عَافَاهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ كُلِّ دَاءٍ فِي جَسَدِهِ وَ يَشْفِيهِ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ قُلْتُ يَا أَخِي جَبْرَئِيلُ كُلُّ هَذِهِ الْفَضِيلَةِ لِهَذَا الدُّعَاءِ وَ كُلُّ هَذَا الثَّوَابِ يُعْطِيهِ اللَّهُ لِصَاحِبِهِ قَالَ وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيّاً إِنَّ كُلَّ مَنْ قَرَأَهُ مَاتَ مَوْتَةَ الشُّهَدَاءِ قُلْتُ مِنْ شُهَدَاءِ الْبَحْرِ أَمْ مِنْ شُهَدَاءِ الْبَرِّ قَالَ وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيّاً إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَكْتُبُ لَهُ ثَوَابَ سَبْعِمِائَةِ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ الْبَرِّ قُلْتُ يَا أَخِي جَبْرَئِيلُ أَ يُعْطِيهِ اللَّهُ كُلَّ هَذَا الثَّوَابِ قَالَ وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيّاً إِنَّ لَيْلَةَ يَقْرَأُ الْإِنْسَانُ هَذَا الدُّعَاءَ فَإِنَّ اللَّهَ يُقْبِلُ عَلَيْهِ وَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ يُعْطِيهِ جَمِيعَ مَا يَسْأَلُهُ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ قُلْتُ يَا أَخِي جَبْرَئِيلُ زِدْنِي قَالَ وَ لَيْلَةَ يَقْرَأُ هَذَا الدُّعَاءَ يَدْفَعُ اللَّهُ عَنْهُ شَرَّ الشَّيَاطِينِ وَ كَيْدَهُمْ وَ يَقْبَلُ أَعْمَالَهُ كُلَّهَا وَ يُطَهِّرُ مَالَهُ وَ كَذَلِكَ بِأَعْمَالِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ.

قُلْتُ يَا أَخِي جَبْرَئِيلُ زِدْنِي قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لِي إِسْرَافِيلُ إِنَّ اللَّهَ قَالَ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي إِنَّهُ مَنْ آمَنَ بِي وَ صَدَّقَ بِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ صَدَّقَ بِهَذَا الدُّعَاءِ أَعْطَيْتُهُ مُلْكاً وَ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا يَنْقُصُ خَزَائِنِي وَ لَا يَفْنَى نَائِلِي وَ لَوْ جَعَلْتُ الْجَنَّهَ لِعَبْدٍ مِنْ عِبَادِيَ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَنْقُصْ ذَلِكَ مِنْ خَزَائِنِي قَلِيلًا وَ لَا كَثِيراً يَا مُحَمَّدُ أَنَا الَّذِي إِذَا أَرَدْتُ أَمْراً قُلْتُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ مَا أُرِيدُ إِنِّي إِذَا أَعْطَيْتُ عَبْداً عَطِيَّهً أَعْطَيْتُهُ عَلَى قَدْرِ عَظَمَتِي وَ سُلْطَانِي وَ قُدْرَتِي يَا مُحَمَّدُ لَوْ أَنَّ عَبْداً مِنْ عِبَادِي قَرَأَهُ بِنِيَّهٍ خَالِصَهٍ وَ يَقِينٍ صَادِقٍ سَبْعِينَ مَرَّهً عَلَى رُءُوسِ أَهْلِ الْبَلَاءِ فِي الدُّنْيَا مِنَ الْبَرَصِ وَ الْجُذَامِ وَ الْجُنُونِ لَعَافَيْتُهُمْ مِنْ ذَلِكَ وَ أَخْرَجْتُهَا مِنْ أَجْسَادِهِمْ طُوبَى لِمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ صَدَّقَ بِنَبِيِّهِ وَ صَدَّقَ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ الثَّوَابِ وَ الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ أَنْكَرَهُ وَ جَحَدَهُ وَ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ يَا نَبِيَّ اللَّهِ لَوْ كَتَبَ إِنْسَانٌ هَذَا الدُّعَاءَ فِي جَامٍ بِكَافُورٍ وَ مِسْكٍ وَ غَسَلَهُ وَ رَشَّ ذَلِكَ عَلَى كَفَنِ مَيِّتٍ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ مِائَهَ أَلْفِ نُورٍ وَ يَدْفَعُ اللَّهُ عَنْهُ هَوْلَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ وَ يَأْمَنُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ يَبْعَثُ اللَّهُ إِلَيْهِ فِي قَبْرِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ مَعَ كُلِّ مَلَكٍ طَبَقٌ مِنَ النُّورِ يَنْثُرُونَهُ عَلَيْهِ وَ يَحْمِلُونَهُ إِلَى الْجَنَّهِ وَ يَقُولُونَ لَهُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَمَرَنَا بِهَذَا وَ نُؤْنِسُكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ وَ يُوَسِّعُ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ مَدَّ بَصَرِهِ وَ يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ بَاباً إِلَى الْجَنَّهِ وَ يُوَسِّدُونَهُ مِثْلَ الْعَرُوسِ فِي حَجَلَتِهَا مِنْ حُرْمَهِ هَذَا الدُّعَاءِ وَ عَظَمَتِهِ وَ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّنِي أَسْتَحْيِي مِنْ عَبْدٍ يَكُونُ هَذَا الدُّعَاءُ عَلَى كَفَنِهِ: قَالَ جَبْرَئِيلُ يَا مُحَمَّدُ سَمِعْتُ الْبَارِئَ يَقُولُ كَانَ هَذَا الدُّعَاءُ مَكْتُوباً عَلَى سُرَادِقِ الْعَرْشِ قَبْلَ أَنْ أَخْلُقَ الدُّنْيَا بِخَمْسَهِ آلَافِ عَامٍ وَ أَيُّ عَبْدٍ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ بِنِيَّهٍ صَادِقَهٍ خَالِصَهٍ لَا يُخَالِطُهَا شَكٌّ فِي أَوَّلِ شَهْرِ رَمَضَانَ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ لَيْلَهِ الْقَدْرِ وَ يَخْلُقُ اللَّهُ فِي كُلِّ سَمَاءٍ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ بِبَيْتِ الْمَقْدِسِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ بِالْمَشْرِقِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ بِالْمَغْرِبِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ لِكُلِّ مَلَكٍ عِشْرُونَ أَلْفَ رَأْسٍ فِي كُلِّ رَأْسٍ عِشْرُونَ أَلْفَ فَمٍ فِي كُلِّ فَمٍ عِشْرُونَ أَلْفَ لِسَانٍ يُسَبِّحُونَ اللَّهَ تَعَالَى بِلُغَاتٍ مُخْتَلِفَهٍ وَ يَجْعَلُونَ ثَوَابَ تَسْبِيحِهِمْ لِمَنْ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ.

يَا نَبِيَّ اللَّهِ لَمْ يَبْقَ نَبِيٌّ إِلَّا دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ مَا مِنْ عَبْدٍ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ إِلَّا لَمْ يَبْقَ بَيْنَ الدَّاعِي وَ بَيْنَ اللَّهِ سِوَى حِجَابٍ وَاحِدٍ وَ لَا يَسْأَلُ اللَّهَ شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ وَ كُلُّ مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ عِنْدَ خُرُوجِهِ مِنَ الْقَبْرِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ فِي يَدِ كُلِّ مَلَكٍ عَلَمٌ مِنْ نُورٍ وَ سَبْعِينَ أَلْفَ غُلَامٍ فِي يَدِ كُلِّ غُلَامٍ زِمَامُ نَجِيبٍ بَطْنُهُ مِنْ لُؤْلُؤٍ وَ ظَهْرُهُ مِنْ زَبَرْجَدٍ أَخْضَرَ وَ قَوَائِمُهُ مِنْ يَاقُوتٍ أَحْمَرَ وَ عَلَى ظَهْرِ كُلِّ نَجِيبٍ قُبَّةٌ مِنْ نُورٍ لِكُلِّ قُبَّةٍ أَرْبَعُمِائَةِ بَابٍ فِي كُلِّ بَابٍ أَرْبَعُمِائَةِ سَرِيرٍ عَلَى كُلِّ سَرِيرٍ أَرْبَعُمِائَةِ فِرَاشٍ مِنْ سُنْدُسٍ وَ

إِسْتَبْرَقٍ عَلَى كُلِّ فِرَاشٍ أَرْبَعُمِائَةِ حُورِيَّةٍ وَ أَرْبَعُمِائَةِ وَصِيفَةٍ لِكُلِّ حُورِيَّةٍ وَ وَصِيفَةٍ أَرْبَعُمِائَةِ ذُؤَابَةٍ مِنَ الْمِسْكِ الْأَذْفَرِ وَ عَلَى رَأْسِ كُلِّ وَصِيفَةٍ تَاجٌ مِنَ الذَّهَبِ الْأَحْمَرِ يُسَبِّحُونَ اللَّهَ وَ يُقَدِّسُونَهُ وَ يَجْعَلُونَ ثَوَابَهَا لِمَنْ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ بَعْدَ ذَلِكَ يَأْتِيهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مَعَ كُلِّ مَلَكٍ كَأْسٌ مِنْ لُؤْلُؤٍ أَبْيَضَ فِيهِ أَرْبَعَةُ أَلْوَانٍ مِنَ الشَّرَابِ وَ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَ عَسَلٍ مُصَفًّى عَلَى رَأْسِ كُلِّ طَبَقٍ مِنْدِيلٌ عَلَيْهِ مَكْتُوبٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ تَحْتَ هَذِهِ الْكِتَابَةِ هَذِهِ هَدِيَّةٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى إِلَى فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ الْمُوَاظِبِ عَلَى قِرَاءَةِ هَذَا الدُّعَاءِ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ وَ الْخَلْقُ كُلُّهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ يَقُولُونَ مَنْ هَذَا مِمَّا يَكُونُ حَوْلَهُ مِنَ الْغِلْمَانِ وَ الْوَصَائِفِ وَ هُمْ عَلَى النُّجُبِ وَ الْمَلَائِكَةُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَسُوقُونَهُ إِلَى تَحْتِ الْعَرْشِ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنْ قِبَلِ الرَّحْمَنِ يَا عَبْدِي ادْخُلِ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيُّ عَبْدٍ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ يَكُونُ مَلَائِكَتُهُ فِي تَعَبٍ مِمَّا يَكْتُبُونَ لَهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ وَ يَمْحُونَ عَنْهُ السَّيِّئَاتِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله مَا مِنْ عَبْدٍ مِنْ أُمَّتِي دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ إِنْ قَرَأَ مَرَّةً وَاحِدَةً أَجْزَأَهُ إِلَّا وَ قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ وَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ فَقَدْرُهُ عَلَى اللَّهِ عَظِيمٌ وَ مَنْزِلَتُهُ جَلِيلَةٌ وَ مَنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ وَكَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ مَلَكَيْنِ يَحْفَظُونَهُ مِنَ الْمَعَاصِي وَ يُسَبِّحُونَ وَ يُقَدِّسُونَ اللَّهَ وَ يَحْفَظُونَهُ مِنَ الْبَلَاءِ كُلِّهَا وَ يَفْتَحُونَ لَهُ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ وَ يُغْلِقُونَ عَنْهُ أَبْوَابَ جَهَنَّمَ وَ مَا دَامَ حَيّاً

فَهُوَ فِی أَمَانِ اللَّهِ عِنْدَ وَفَاتِهِ وَ قَدْ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ مَا وُصِفَ لَکَ.

فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله یَا أَخِی جَبْرَئِیلُ شَوَّقْتَنِی إِلَی هَذَا الدُّعَاءِ فَقَالَ یَا مُحَمَّدُ لَا تُعَلِّمْ هَذَا الدُّعَاءَ إِلَّا لِمُؤْمِنٍ یَسْتَحِقُّهُ لَا یَتَوَانَی فِی حِفْظِهِ وَ یَسْتَهْزِئُ بِهِ وَ إِذَا قَرَأَهُ یَقْرَؤُهُ بِنِیَّةٍ خَالِصَةٍ صَادِقَةٍ وَ إِذَا عَلَّقَهُ عَلَیْهِ یَکُونُ عَلَی طَهَارَةٍ لِأَنَّهُ لا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ قَالَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمَا أَوْصَانِی أَبِی أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام وَصِیَّةً عَظِیمَةً بِهَذَا الدُّعَاءِ وَ حِفْظِهِ وَ قَالَ لِی یَا بُنَیَّ اکْتُبْ هَذَا الدُّعَاءَ عَلَی کَفَنِی وَ قَالَ الْحُسَیْنُ علیه السلام فَعَلْتُ کَمَا أَمَرَنِی أَبِی وَ هُوَ دُعَاءٌ سَرِیعُ الْإِجَابَةِ خَصَّ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ الْمُقَرَّبِینَ وَ مَا مَنَعَهُ عَنِ الْأَوْلِیَاءِ وَ الْأَصْفِیَاءِ وَ هُوَ کَنْزٌ مِنْ کُنُوزِ اللَّهِ وَ هُوَ الْمَعْرُوفُ بِدُعَاءِ الْجَوْشَنِ أَیُّهَا الْحَامِلُ لِهَذَا الدُّعَاءِ الْمُطَّلِعُ عَلَیْهِ نَاشَدْتُکَ اللَّهَ لَا تُسْمِعْ بِهَذَا الدُّعَاءِ إِلَّا لِمُؤْمِنٍ مُوَالٍ یَسْتَحِقُّهُ حَفِیٌّ بِهِ وَ إِنْ بَذَلْتَهُ لِغَیْرِ مُسْتَحِقِّهِ مِمَّنْ لَا یَعْرِفُ حَقَّهُ وَ مَنْ یَسْتَهْزِئُ بِهِ فَأَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِیمَ أَنْ تَحْرِمَکَ ثَوَابَهُ وَ أَنْ یَجْعَلَ النَّفْعَ ضَرّاً وَ هَذِهِ وَصِیَّتِی إِلَیْکَ فِی الْحِرْزِ وَ الدُّعَاءِ الْمَعْرُوفِ بِحِرْزِ الْجَوْشَنِ جَعَلَهُ اللَّهُ حِرْزاً وَ أَمَاناً لِمَنْ یَدْعُو بِهِ مِنْ آفَاتِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله لِعَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام یَا عَلِیُّ عَلِّمْهُ لِأَهْلِکَ وَ وُلْدِکَ وَ حُثَّهُمْ عَلَی الدُّعَاءِ وَ التَّوَسُّلِ إِلَی اللَّهِ تَعَالَی بِهِ وَ بِالاعْتِرَافِ بِنِعْمَتِهِ وَ قَدْ حَرَّمْتُ عَلَیْهِمْ أَلَّا یُعَلِّمُوهُ مُشْرِکاً فَإِنَّهُ لَا یَسْأَلُ اللَّهَ حَاجَةً إِلَّا أَعْطَاهُ وَ کَفَاهُ وَ وَقَاهُ وَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله یَا عَلِیُّ قَدْ عَرَّفَنِی جَبْرَئِیلُ علیه السلام مِنْ فَضِیلَةِ هَذَا الدُّعَاءِ مَا لَا أَقْدِرُ أَنْ أَصِفَهُ وَ لَا یُحْصِیهِ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَی عَزَّ جَلَالُهُ وَ تَعَالَی شَأْنُهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ (۱).

**[ترجمه]مهج الدعوات: از جمله دعاها، شرح معروف به دعای جوشن است. کاتب نیازمند به در گاه الهی، ابوطالب بن رجب می گوید: دعای جوشن و خبر و فضیلت آن را در یکی از کتابهای جد نیکبختم تقی الدین حسن بن داود رحمه الله علیه یافتم که با مهج الدعوات و سایر منابع متفاوت بود و این روایت بر دعای مذکور مقدم است، فلذا خواستم آن را در اینجا بیاورم تا فضیلت دعای مذکور روشن گردد. در اینجا آنچه را یافتم عینا نقل می کنم:

خبر دعای جوشن و فضیلت آن و ثواب خواننده و حامل آن با حذف سند از امام کاظم علیه السلام به واسطه پدران بزرگوارش از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است. فرمود: پدرم امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آیا دوست داری سرّی از اسرار خداوند عزوجل را که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به من آموخته و کسی دیگری از آن باخبر نیست، به تو بیاموزم؟ عرض کردم: بلی ای پدر جانم به فدایت. فرمود: جبرئیل در جنگ احد بر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نازل شد. جنگ احد روزی هولناک و بسیار گرم بود و پیامبر زرهی بر تن داشت که از شدت گرمای هوا و حرارت زره، تحمل آن برای حضرت غیرممکن بود.

پیامبر فرمود: سرم را به سوی آسمان برداشتم و دعا کردم. درهای آسمان را دیدم که باز شد و جبرئیل غرق در نور بر من نازل شد و عرض کرد: سلام بر تو ای پیامبر خدا. پاسخ دادم: علیك السلام ای برادرم جبرئیل. عرض کرد: خداوند بزرگ و والا مرتبه بر تو سلام می‌فرستد و تو را به زنده باد و گرامیباد مخصوص می‌دارد و می‌فرماید: ای زره را از تن دربیاور و این دعا را بخوان، که اگر آن را بخوانی و همراه داشته باشی، همانند زرهی بر تن تو خواهدبود.

گفتم: ای برادرم جبرئیل، آیا این دعا مخصوص من است یا برای خودم و امتم است؟ عرض کرد: این هدیه‌ای است از جانب خداوند متعال برای شما و امت شما. پرسیدم: ای برادرم جبرئیل، ثواب این دعا چیست؟ عرض کرد: هر کس این دعا را صبحگاهان یا شامگاهان قرائت کند، خداوند متعال او را به اعمال نیکو ملحق می‌سازد و این دعا در تورات و انجیل و زبور و فرقان و صحف ابراهیم مذکور است.

پس گفتم: ای برادرم جبرئیل، آیا خداوند این ثواب را برای همه خوانندگان آن عطا می کند؟ عرض کرد: بلی و علاوه بر آن خداوند برای هر حرف آن یك جفت حورالعین می‌بخشد و وقتی خواننده دعا از خواندن آن فارغ شود، خداوند خانه‌ای در بهشت برایش بنا می کند و به تعداد حروف تورات و انجیل و زبور و فرقان عظیم به او ثواب می‌بخشد. گفتم: آیا همه این پاداشها برای کسی است که این دعا را بخواند؟! عرض کرد: بلی یا رسول الله، قسم به آنکه تو را به حقیقت پیامبر و فرستاده خود مبعوث فرمود، خداوند متعال به او مثل ثواب ابراهیم خلیل و موسای کلیم و عیسای روح الامین و محمد حبیب را عطا می‌فرماید. گفتم: آیا این همه پاداش برای دارنده اهل این دعاست؟! عرض کرد: بلی یا

رسول الله هر که این دعـا را قرائت کنـد و آن را بـا خـود نگه دارد، اجری بیشـتر از آنچه ذکر نمـودم دارد، و قسم به آنکه تـو را به حقیقت به پیـامبری مبعـوث فرمـود، در پشت مغرب، سـرزمین سـفیدی وجـود دارد و در آن آفریـده‌هـایی از خداونـد هسـتند که او را می پرسـتند و از او سرپیچی نمی‌کننـد و گوشت تن و چهرهایشان از شـدت گریه از هم دریـده شـده است. خداونـد به ایشان وحی فرمود: چرا گریه می‌کنید و به اندازه یک چشم برهم زدنی هم نافرمانی مرا نمی‌کنید؟ عرض کردند: می ترسیم خداوند بر ما خشم گیرد و با آتش عذابمان کند.

علی علیه‌السلام می‌فرماید: عرض کردم یا رسول الله، آیا آنجا هیچ شیطانی یا فردی از بنی آدم وجود ندارد؟ پیامبر فرمود: قسم به کسی که مرا به حق به پیامبری مبعوث فرمود، آنها خبر ندارنـد که خداونـد آدم و نیز ابلیس را آفریـده است و تعـداد آنها را جز خداونـد کسـی نمی‌داند، و مـدت حرکت خورشید در سـرزمین ایشان چهل روز است، نه چیزی می‌خورنـد و نه می‌آشامند. و خداوند متعال برای این دعا، ثوابی به تعداد آنها و مقدار عبادتشان عطا می‌فرماید. پیامبر فرمود: آیا خداوند همه این ثواب را می بخشد؟! جبرئیل عرض کرد: قسم به کسی که تو را به حق به پیـامبری مبعوث فرمود، خداونـد در آسـمان چهـارم خـانه‌ای بنـا نموده که به آن بیت المعمور گفته می‌شود، هر روز هفتاد هزار ملک به آن وارد و از آن خارج می‌شونـد و تا روز قیامت به آن برنمی‌گردنـد و خداوند عزو جل ثواب این ملائکه و ثوابی به تعداد همه مؤمنین و مؤمنات از انس و جن از اولین روز خلقتشان تا زمان دمیده شدن در صور اسرافیل، به خواننده دعا عطا می‌فرماید. و ادامه داد: قسم به کسی که تو را به حق به پیامبری مبعوث فرمود، هرکس این دعا را با آب باران و زعفران در ظرف تمیزی بنویسـد، سـپس آن را بشویـد و به آن مقدار که بتواند از آن بیاشامد، خداوند متعال او را از هر دردی در جسمش رهایی می‌بخشد و از هر درد و مرضی شفا می‌بخشد.

گفتم: ای برادرم جبرئیل، آیا همه این فضـیلتها برای این دعاست و همه این ثوابها را خداوند به اهل این دعا عطا می فرماید؟! عرض کرد: قسم به کسـی که تو را به حق به پیامبری مبعوث فرمود، هر کسـی آن را بخواند به مرگ شهدا بمیرد. پرسیدم: مرگ شهدای دریا یا شهدای صحرا؟ عرض کرد: قسم به کسـی که تو را به حق به پیـامبری مبعوث فرمود، خداونـد متعـال اجر هفتصـد هزار شـهید از شـهدای صـحرا را برای او می نویسد.

گفتم: ای برادرم جبرئیل، آیا خداونـد همه این اجر را برای او می نویسد؟! قسم به کسـی که تو را به حق به پیامبری مبعوث فرمود، در شبی که انسان این دعا را می‌خواند خداوند به او روی می‌کند و بر او نظر می‌افکند و همه آنچه از حوائج دنیا و آخرت را که بخواهد به او عطا می‌کند.

گفتم: ای برادرم جبرئیل بیشتر بگو. عرض کرد: در شبی که انسان این دعا را می‌خواند خداوند شـر و مکر شیاطین را از او دفع می‌سازد و همه اعمالش را می‌پذیرد و دارایی‌اش را تطهیر می‌کند و همه اعمال مؤمنین و مؤمنات را نیز می‌پذیرد .

گفتم: ای برادرم جبرئیل بیشتر بگو. عرض کرد: یا رسول الله، اسرافیل به من گفت که خداوند فرمود: به عزتم قسم، هرکسی به من ایمان آورد و این دعـا را تصـدیق نمایـد به او مُلکی می‌بخشم و به درستی که خداونـد منم و خزانه هـایم کم نمی‌شود و عطایایم نابود نمی‌شود و اگر همه بهشت را به بنـده‌ای از بنـدگانم مخصوص کنم، نه کم و نه زیادی از خزانه‌هایم نمی‌کاهـد. ای محمد من هسـتم آن کسـی که هرگاه چیزی را اراده کنم، به او می‌گویم باش و هر چه خواسـته‌ام موجود می‌شود. من به حقیقت هرگاه به بنده‌ای عطا کنم، عطایی به اندازه عظمت و سلطنت و قـدرتم به او می بخشم، ای محمـد، هر بنـده‌ای از بنـدگانم این دعـا را هفتاد مرتبه با نیتی خالص و یقینی صادق بر بالای سـر همه مبتلایان به پیسی و خوره و دیوانگی دنیا بخواند، البته آنها را از این بلاها رهایی می‌بخشم وبیماریها را از بدنشان خارج می‌سازم.

خوشا به کسی که به خداوند ایمان آورد و پیامبرش را تصدیق کند و به این دعا و ثواب آن باور داشته باشد و وای و صد وای بر کسی که آن را انکـار و نفی کنـد و به آن ایمـان نیـاورد. ای پیـامبر خـدا، اگر انسان این دعا را با کافور و مشک در ظرفی بنویسـد و آن را بر کفن مرده ای بپاشـد، خداونـد صـدهزار نـور بر قـبرش نـازل می‌نمایـد و هـول نکیر و منکر را از او دفع می‌فرمایـد و از عـذاب قـبر ایمن می‌شـود و خـداوند هفتـادهزار ملـک بر قبرش فرو می‌فرسـتد و با هر ملک طبقی از نور است که بر او پخش می‌کننـد و او را به بهشت حمل می‌کننـد و به او می... گوینـد: خداونـد تبارک و تعالی ما را به این کار امر فرموده و ما تا روز قیامت همنشـین تو خواهیم بود. خداوند قبرش را به اندازه‌ای که چشم

کار کند، برایش فراخ می‌گرداند و برای او دری بسوی بهشت قرار می‌دهد و ملائکه به حرمت و عظمت این دعا او را مانند عروسی در حجله می‌خوابانند و خداوند متعال می‌فرماید: من حقیقتاً از بنده‌ای که این دعا در کفنش باشد، حیا می‌کنم.

جبرئیل عرض کرد: ای محمد صلی الله علیه وآله، شنیدم که خداوند آفریننده فرمود: این دعا پنج هزار سال قبل از آنکه دنیا را بیافرینم بر سراپرده عرش نوشته شده بود و هر بنده‌ای این دعا را با نیت پاک و درست و عاری از تردید در اول ماه رمضان بخواند، خداوند ثواب شب قدر به او عطا می‌فرماید و در هر آسمان هفتادهزار ملک و در بیت المقدس هفتادهزار ملک و در مشرق هفتادهزار ملک و در مغرب هفتادهزار ملک می آفریند که هر ملکی بیست هزار سر دارد و در هر سر بیست هزار دهان و در هر دهانی بیست هزار زبان است که خداوند را به زبانهای مختلف تسبیح می کنند و ثواب تسبیحشان را به کسانی می دهند که این دعا را بخواند.

ای پیامبر خدا، هیچ پیامبری نبوده مگر اینکه این دعا را خوانده است و هیچ بنده ای این دعا را نخوانده مگر اینکه میان دعاکننده و میان خداوند جز یک حجاب باقی نمانده است و چیزی از خداوند نخواسته مگر اینکه به او عطا فرموده است و هر کسی این دعا را بخواند خداوند متعال در لحظه خروجش از قبر هفتادهزار ملک به سوی او می‌فرستد که در دست هر ملکی عَلَمی از نور است و هفتاد هزار غلام که در دست هر کدام افسار مرکبی است که شکمش از مروارید و پشتش از زبرجد سبز و دست و پایش از یاقوت سرخ است، و در پشت هر شتری قبّه‌ای است و بر روی هر قبه چهارصد فرش از پرنیانِ نازک و دیبای ستبر است و بر روی هر فرش چهارصد حوری و چهارصد کنیزک است و هر حوری و کنیزکی چهارصد گیسو از مشک خالص دارند و بر سر هر گیسو تاجی از طلای سرخ وجود دارد که خداوند را تقدیس و تسبیح می‌کنند و ثواب آن را به خواننده این دعا هدیه می‌کنند. و پس از آن هفتادهزار ملک نزد او می آیند که با هر کدام کاسه‌ای از مروارید سفید است که در آن چهار نوع نوشیدنی و آب زلال و شیر تغییر نیافته و شراب لذتبخش و عسل صاف شده وجود دارد. بر سر هر ملک طبقی است که بر روی آن دستمالی انداخته شده که بر آن لا إله إلا الله لا شریک له نوشته شده است. و در زیر این جمله، نوشته شده است: این هدیه‌ای است از طرف خداوند متعال به فلانی پسر فلانی به خاطر مواظبت بر این دعا. این شخص با این هیبت در حالی در صحنه قیامت حاضر می‌شود که همه خلائق او را تماشا می‌کنند و می‌پرسند: این کیست که غلامان و کنیزکان سوار بر شتران و ملائکه در پیش رو و پشت سر، گردش گرفته و او را به زیر عرش می‌برند؟ در اینحال ندادهنده‌ای از سوی خداوند رحمان ندا در می‌دهد که ای بنده من بدون حساب وارد بهشت شو .

یا رسول‌الله، هر بنده‌ای این دعا را بخواند، ملائکه در نوشتن حسنات او و پاک نمودن گناهانش به رنج و سختی می‌افتند.

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: هیچ بنده‌ای از امت من نیست که این دعا را در ماه رمضان سه مرتبه یا یکبار در سه جزء بخواند مگر اینکه خداوند پیکرش را بر آتش حرام و بهشت را بر او واجب می‌گرداند و چنین شخصی ارزشش نزد خداوند بزرگ و منزلتش باشکوه است، و هرکه این دعا را بخواند خدای عزوجل ملائکه‌ای بر او موکل می فرمایدتا او را از گناه بازدارند و تسبیح و تقدیس خدا گویند و او را از همه بلایا محافظت نمایند و درهای بهشت را بر رویش گشوده و درهای جهنم را بر او ببندند. و تا زمانی که زنده است و در لحظه وفاتش در امان خداست، و خداوند همه آنچه را که برایت وصف نمودم، برای او آماده ساخته است.

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: ای برادرم جبرئیل مرا درباره این دعا به شوق انداختی! جبرئیل عرض کرد: یا محمد صلی الله علیه وآله، ای دعا را تنها به مؤمنی بیاموز که شایسته آن است و در حفظ آن سستی نمی کند و آن را مسخره نمی‌پندارد و هر گاه آن را می‌خواند با نیت پاک و خالص بخواند و اگر آن را بر خود بست با وضو بر خود ببندد، چرا که جز اهل طهارت آن را لمس نمی‌کنند.

حسین بن علی علیهما السلام فرمود: پدرم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، سفارش بسیاری درباره این دعا و حفظ آن به من فرمود و گفت: این دعا را بر کفنم بنویس. و فرمود: من نیز آنگونه که پدرم امر فرموده بود، انجام دادم.

و آن دعایی است سریع الاجابه که خداوند بندگان مقربش را بدان مخصوص گردانده و از اولیا و برگزیدگان منع نفرموده است و گنجی است از گنجهای الهی که به دعای جوشن معروف است.

ای نگهدارنده و حافظ این دعا و آگاه بر آن، تو را به خداوند قسم می‌دهم این دعا را جز در اختیار مؤمن دوستدار اهل بیت که شایسته حق من باشد، نگذاری و اگر به فرد ناشایستی که حق آن را نشناخته و آن را به تمسخر بگیرد، گذاشتی، از خداوند عظیم می‌خواهم تا او را از اجر آن محروم سازد و نفع دعا را به ضرر تبدیل سازد، و این وصیت من به تو درباره این حرز و دعای معروف به حرز جوشن است که خداوند آن را برای خوانندگان آن حرز و امان از آفات دنیا و آخرت قرار دهد.

و پیامبر اکرم به علی بن ابی طالب صلوات الله علیهما وآلهما فرمود: این دعا را به اهل بیت خود و فرزندانت بیاموز و آنها را به خواندن آن و توسل به خدای متعال و اعتراف به نعمتهای او ترغیب کن و بر ایشان حرام کردم که این دعا را به مشرکی بیاموزند، چرا که هر کس حاجتی از خدا بخواهد به او عطا می‌کند و او را کفایت و نگاهداری می‌فرماید. و ایشان به امیرالمؤمنین فرمودند: یا علی! جبرئیل آن اندازه مرا با فضیلت این دعا آشنا کرده که قدرت بیان و شمارش آن را ندارم و اینکار تنها از خداوند عزیز و متعال ساخته است والحمدلله رب العالمین. - . مهج الدعوات :۲۸۱- ۲۸۸ -

**[ترجمه]

«۵»

مهج، [مهج الدعوات] عَبْدُ اللَّهِ عَنْ حُمَیْدٍ الْبَصْرِیِّ قَالَ بَلَغَنَا عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ نَیْسَابُورَ یُقَالُ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا إِبْرَاهِیمُ بْنُ أَدْهَمَ عَنْ مُوسَی عَنِ الْفَرَّاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: مَنْ دَعَا بِهَذِهِ (۲)

ص: ۴۰۲

۱- ۱. مهج الدعوات ص ۲۸۱- ۲۸۸.

۲- ۲. فی المصدر: من دعا بهذا الدعاء.

الْأَسْمَاءِ اسْتَجَابَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ وَ قَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَوْ دُعِيَ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ عَلَى صَفَائِحَ مِنْ حَدِيدٍ لَذَابَ الْحَدِيدُ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَالَ عليه السلام وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيّاً لَوْ أَنَّ رَجُلًا بَلَغَ بِهِ الْجُوعُ وَ الْعَطَشُ شِدَّةً ثُمَّ دَعَا بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ لَسَكَنَ عَنْهُ الْجُوعُ وَ الْعَطَشُ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيّاً لَوْ أَنَّ رَجُلًا دَعَا بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ عَلَى جَبَلٍ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْمَوْضِعِ الَّذِي يُرِيدُهُ لَنَفِدَ الْجَبَلُ كَمَا يُرِيدُهُ حَتَّى يَسْلُكَهُ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيّاً لَوْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ عِنْدَ مَجْنُونٍ لَأَفَاقَ مِنْ جُنُونِهِ وَ إِنْ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ عِنْدَ امْرَأَةٍ قَدْ عَسُرَ عَلَيْهَا الْوَلَدُ لَسَهَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ عَلَيْهَا وَ قَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَوْ دَعَا بِهَا رَجُلٌ فِي مَدِينَةٍ وَ الْمَدِينَةُ تَحْتَرِقُ وَ مَنْزِلُهُ فِي وَسَطِهَا لَنَجَا مَنْزِلُهُ وَ لَمْ يَحْتَرِقْ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا دَعَا بِهَا أَرْبَعِينَ لَيْلَةً مِنْ لَيَالِي الْجُمُعَةِ لَغَفَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ كُلَّ ذَنْبٍ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ وَ لَوْ فَجَرَ بِأُمِّهِ لَغَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيّاً مَا دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ مَغْمُومٌ إِلَّا صَرَفَ اللَّهُ الْكَرِيمُ عَنْهُ غَمَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ بِرَحْمَتِهِ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيّاً مَا دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ أَحَدٌ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَابِرٍ قَبْلَ أَنْ يَدْخُلَ عَلَيْهِ وَ يَنْظُرَهُ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ السُّلْطَانَ طَوْعاً لَهُ وَ كَفَى شَرَّهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى وَ هِيَ هَذِهِ الْأَسْمَاءُ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مَنِ احْتَجَبَ بِشُعَاعِ نُورِهِ عَنْ نَوَاظِرِ خَلْقِهِ يَا مَنْ تَسَرْبَلَ بِالْجَلَالِ وَ الْعَظَمَهِ وَ اشْتَهَرَ بِالتَّجَبُّرِ فِي قُدْسِهِ يَا مَنْ تَعَالَى بِالْجَلَالِ وَ الْكِبْرِيَاءِ فِي تَفَرُّدِ مَجْدِهِ يَا مَنِ انْقَادَتِ الْأُمُورُ بِأَزِمَّتِهَا طَوْعاً لِأَمْرِهِ يَا مَنْ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرَضُونَ مُجِيبَاتٌ لِدَعْوَتِهِ يَا مَنْ زَيَّنَ السَّمَاءَ بِالنُّجُومِ الطَّالِعَهِ وَ جَعَلَهَا هَادِيَةً لِخَلْقِهِ يَا مَنْ أَنَارَ الْقَمَرَ الْمُنِيرَ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِلُطْفِهِ يَا مَنْ أَنَارَ الشَّمْسَ الْمُنِيرَهَ وَ جَعَلَهَا مَعَاشاً لِخَلْقِهِ وَ جَعَلَهَا مُفَرِّقَةً بَيْنَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ بِعَظَمَتِهِ يَا مَنِ اسْتَوْجَبَ الشُّكْرَ بِنَشْرِ سَحَائِبِ نِعَمِهِ أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَ مُنْتَهَى الرَّحْمَهِ مِنْ كِتَابِكَ وَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ أَوْ أَثْبَتَّهُ فِي قُلُوبِ الصَّافِّينَ الْحَافِّينَ حَوْلَ عَرْشِكَ فَتَرَاجَعَتِ الْقُلُوبُ إِلَى الصُّدُورِ عَنِ الْبَيَانِ بِإِخْلَاصِ الْوَحْدَانِيَّهِ

وَ تَحْقِيقِ الْفَرْدَانِيَّهِ مُقِرَّهً لَکَ بِالْعُبُودِيَّهِ وَ أَنَّکَ أَنْتَ اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ أَسْأَلُکَ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِی تَجَلَّیْتَ بِهَا لِلْکَلِیمِ عَلَی الْجَبَلِ الْعَظِیمِ فَلَمَّا بَدَا شُعَاعُ نُورِ الْحُجُبِ مِنْ بَهَاءِ الْعَظَمَهِ خَرَّتِ الْجِبَالُ مُتَدَکْدِکَهً لِعَظَمَتِکَ وَ جَلَالِکَ وَ هَيْبَتِکَ وَ خَوْفاً مِنْ سَطْوَتِکَ رَاهِبَهً مِنْکَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ أَسْأَلُکَ بِالاسْمِ الَّذِی فَتَقْتَ بِهِ رَتْقَ عَظِیمِ جُفُونِ عُيُونِ النَّاظِرِینَ الَّذِی بِهِ تَدْبِیرُ(۱)

حِکْمَتِکَ وَ شَوَاهِدُ حُجَجِ أَنْبِيَائِکَ يَعْرِفُونَکَ بِفِطَنِ الْقُلُوبِ وَ أَنْتَ فِی غَوَامِضِ مُسَرَّاتِ سَرِيرَاتِ الْغُيُوبِ أَسْأَلُکَ بِعِزَّهِ ذَلِکَ الِاسْمِ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَصْرِفَ عَنِّی جَمِيعَ الْآفَاتِ وَ الْعَاهَاتِ وَ الْأَعْرَاضِ وَ الْأَمْرَاضِ وَ الْخَطَايَا وَ الذُّنُوبِ وَ الشَّکِّ وَ الشِّرْکِ وَ الْکُفْرِ وَ النِّفَاقِ وَ الشِّقَاقِ وَ الْغَضَبِ وَ الْجَهْلِ وَ الْمَقْتِ وَ الضَّلَالَهِ وَ الْعُسْرِ وَ الضِّيقِ وَ فَسَادِ الضَّمِيرِ وَ حُلُولِ النَّقِمَهِ وَ شَمَاتَهِ الْأَعْدَاءِ وَ غَلَبَهِ الرِّجَالِ إِنَّکَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ (۲) قِيلَ إِنَّ سَلْمَانَ الْفَارِسِیَّ رَحْمَهُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی أَ لَا أُعَلِّمُهُ النَّاسَ قَالَ لَا يَا بَا عَبْدِ اللَّهِ يَتْرُکُونَ الصَّلَاهَ وَ يَرْکَبُونَ الْفَوَاحِشَ وَ يُغْفَرُ لَهُمْ وَ لِأَهْلِ بَيْتِهِمْ وَ جِيرَانِهِمْ وَ مَنْ فِی مَسْجِدِهِمْ وَ لِأَهْلِ مَدِينَتِهِمْ إِذَا دَعَوْهُ بِهَذِهِ الْأَسْمَاءِ.

**[ترجمه]مهج الدعوات: فراء از محمد بن علی بن ابی طالب از پیامبر صلوات الله علیهما وآلهما روایت می کند که فرمود: هر کس با این نامها دعا کند، خداوند عزوجل دعایش را مستجاب می‌فرماید و فرمود: اگر این دعا بر صفحات آهن خوانده شود، آهن به اذن خداوند ذوب می‌شود و فرمود: قسم به آنکه مرا به حق به پیامبری برانگیخت، اگر تشنگی و گرسنگی بر کسی غلبه کند و او این دعا را بخواند، گرسنگی و تشنگی‌اش برطرف می‌شود وقسم به آنکه مرا به حق به پیامبری برانگیخت، اگر کسی این دعا را بر کوهی که میان او و مقصدش مانع است، بخواند آنگونه که می‌خواهد در کوه نابود می‌شود تا از آن عبور کند. و قسم به آنکه مرا به حق به پیامبری برانگیخت، اگر این دعا را در نزد دیوانه‌ای بخوانند از دیوانگی رهایی می‌یابد و اگر این دنیا نزد زنی خوانده شود که زایمانش سخت گردیده، خداوند آن را برایش آسان گرداند.

و حضرت صلی الله علیه وآله فرمود: اگر کسی این دنیا را در شهری بخواند که در حال سوختن است و منزل او در وسط شهر است، منزلش از آتش نجات می‌یابد و دچار حریق نمی‌شود. و اگر کسی این دعا را در چهل شب جمعه بخواند، خداوند متعال تمامی گناهان میان او و خداوند را می‌بخشد، و اگر با مادر خود نیز مرتکب حرام شده باشد، خداوند متعال گناهش را بر او می‌بخشد. و قسم به آنکه مرا به حق به پیامبری برانگیخت، هیچ غمزده‌ای این دعا را نمی‌خواند مگر اینکه خداوند بزرگوار به رحمت خود غم او را در دنیا و آخرت برطرف می... سازد. و قسم به آنکه مرا به حق به پیامبری برانگیخت، هیچ کسی این دعا را نزد سلطان ظالمی قبل از ورود به نزد سلطان و نگاه بر وی نمی... خواند مگر اینکه خداوند آن سلطان را فرمانبردار او ساخته و از شرش در امان می‌دارد إن شاء الله تعالی. و آن نامها این است، می گویی:

خداوند ا از تو مسألت می نمایم ای کسی که در پرتو نورش از دیدگان آفریدگانش پنهان شده است؛ ای کسی که لباس جلال و عظمت بر تن کرده و به جبروت در تنزهش مشهور است، ای کسی که بلند مرتبه است به سبب جلالت و بزرگواری در تنهایی شرف خود، ای کسی که تمامی امور بر فرمانش از سر اطاعت سرنهاده است، ای کسی که آسمانها و زمین ها برپا خاسته‌اند در حالی که دعوتش را اجابت کرده‌اند، ای کسی که آسمانها را با ستارگان درخشان زینت داده و آنها را مایه راهنمایی آفریده‌هایش قرار داده است، ای کسی که به لطف خود ماه درخشان را در سیاهی شبهای تاریک روشن کرده ، ای کسی که خورشید نورانی را نور داده و آن را مایه کسب معاش بندگانش قرار داده و به عظمت خودش آن را موجب اختلاف میان شب و روز قرار داده است، ای کسی که به سبب گستراندن ابرهای نعمتش سزاوار شکر است، از تو به حق جایگاههای عزت در عرشت و نهایت رحمتت در کتابت و به حق هر نامی که از آن توست و خود را بدان نامیده‌ای یا آن را در علم غیب نزد خود برگزیده‌ای، و به حق هر نامی که از آن توست و آن را در کتابت نازل یا در دلهای ملائکه صف بسته بر گرد عرشت ثابت فرموده‌ای، و دلها از بیان اخلاص در یگانگی‌ات و تحقیق در فردانیت، با اقرار به بندگی به سینه ها برگشته‌اند، تو به حقیقت خدا هستی، تو خدا هستی، تو خدا هستی که خدایی جز تو نیست .

و از تو به حق آن اسامی می‌خواهم که با آنها در کوه عظیم برای موسی تجلی کردی، و آنگاه که پرتو نورهای پشت پرده از روشنایی عظمتت

پدیـدار گشت، کوهها از عظمت و شـکوه و هیبتت با از هم پاشـیدگی به کرنش و از ترست به لرزش افتادند، خدایی جز تو نیست، خدایی جز تو نیست، خدایی جز تو نیست، از تو به حق آن اسـمی می‌خواهم که چسبیدگی بزرگ کاسه چشمان ناظران را شکاف دادی، همان اسمی که تـدبیر حکمتت و شواهد حجتهای پیامبرانت به آن است و تو را با زیرکی دلهایشان می شناسـند و تو در پنهان ترین پنهان‌های عالم غیبی، از تو به عزت آن اسم مسألت می‌کنم که بر محمـد وآل محمـد درود فرستی و از من و خویشـانم و همه مؤمنین و مؤمنـات، تمامی آفات و عیوب و ناراحتی ها و بیماریها و خطاها و گناهان و تردید و شرک و کفر و دودستگی و دو رویی و خشم و نادانی و بغض و گمراهی و سختی و تنگی و فسـاد درون و وارد آمـدن عقوبت و شـماتت دشـمنان و غلبه دشـمنان دور فرمایی که تو شـنونده دعایی و در هر چه اراده کنی لطیفی و هیچ حرکت و قدرتی جز به دست خداوند بلندمرتبه و بزرگ نیست.

روایت است که سلمان فارسی رحمت الله علیه خدمت پیامبر صلوات الله علیه وآله عرض کرد: یا رسول الله پدر و مادرم به فدایت، آیا این دعا را به مردم نیاموزم؟ فرمود: نه ای اباعبدالله، چرا که مردم نماز را ترک می‌کنند و بر مرکب کردارهای زشت سوار می‌شوند و هرگاه با این نامها دعا کنند، گناهان خودشان و اهل بیتشان و همسایگان و اهل مسجدشان و اهل شهرشان آمرزیده می‌شود.

**[ترجمه]

أقول

و هذا الدعاء مما ألهمت تلاوته طلبا للسـلامه یوم البلایا عند شده(۳) فظفرنا بإجابه الدعاء و بلوغ الرجاء و کفینا شـر الحساد ببلوغ المراد إن شاء الله تعالی (۴).

**[ترجمه]خواندن این دعا در روز سه‌شنبه در هنگام ابتلای شدید به بلاها به من الهام شد، و حاجتم برآورده شد و به مقصود خود رسیده و با رسیدن به مطلب خود از شر اهل حسد در امان شدیم بامید خداوند متعال. - . مهج الدعوات :۹۵- ۹۷ -

**[ترجمه]

«۶»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهما السلام: کَلِمَاتٌ مَا قُلْتُهُنَّ فَخِفْتُ شَیْطَاناً وَ لَا سُلْطَاناً وَ لَا سَبُعاً ضَارِیاً وَ لَا لِصّاً طَارِقاً بِلَیْلٍ آیَهُ الْکُرْسِیِّ وَ آیَهُ السُّخْرَهِ وَ آیَهٌ فِی الْأَعْرَافِ إِنَّ رَبَّکُمُ اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ عَشْرُ آیَاتٍ مِنْ أَوَّلِ الصَّافَّاتِ وَ ثَلَاثُ آیَاتٍ مِنَ الرَّحْمَنِ قَوْلُهُ یا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ آخِرُ

۱- ۱. تدبر خ ل.

۲- ۲. فی المصدر: لما تشاء و لا حول و لا قوه الا باللّه العلی العظیم.

۳- ۳. فی المصدر: یوم الثلثاء عند شده الابتلاء.

۴- ۴. مهج الدعوات ص ۹۵- ۹۷.

الْحَشْرِ وَ سُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا یَصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ.

وَ مِنْ دُعَاءِ الصَّادِقِ علیه السلام: أَعُوذُ بِدِرْعِکَ الْحَصِینَهِ الَّتِی لَا تُرَامُ أَنْ تُمِیتَنِی غَمّاً أَوْ هَمّاً أَوْ مُتَرَدِّیاً أَوْ هَدْماً أَوْ رَدْماً أَوْ غَرَقاً أَوْ حَرَقاً أَوْ عَطَشاً أَوْ شَرَقاً أَوْ صَبْراً أَوْ تَرَدِّیاً أَوْ أَکِیلَ سَبُعٍ أَوْ فِی أَرْضِ غُرْبَهٍ أَوْ مِیتَهَ سَوْءٍ وَ أَمِتْنِی عَلَی فِرَاشِی فِی عَافِیَهٍ أَوْ فِی الصَّفِّ الَّذِی نَعَتَّ أَهْلَهُ فِی کِتَابِکَ فَقُلْتَ کَأَنَّهُمْ بُنْیانٌ مَرْصُوصٌ عَلَی طَاعَتِکَ وَ طَاعَهِ رَسُولِکَ.

**[ترجمه]دعوات راوندی از امام زین العابدین علیه‌السلام روایت است که فرمود: کلماتی است که هرگاه آنها را ذکر کردم از هیچ شیطانی و پادشاهی و جانور درنده‌ای و دزد شبانه‌ای نترسیدم و آن کلمات اینها است: آیت الکرسی، آیه سُخره (دو آیه آخر حم سجده)، آیه إن ربکم الله الذی خلق السموات والأرض از سوره اعراف و ده آیه نخست صافات و سه آیه از سوره الرحمن از آیه یا معشر الجن و الإنس و آخر سوره حشر و آیه سُبْحانَ رَبِّکَ رَبِّ الْعِزَّهِ عَمَّا یَصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِین.

و از دعاهای حضرت صادق علیه السلام است که: پناه می برم به زره در امان و نابود نشدنی تو که مرگ مرا در حالت غمناک و یا در حالتی که از جایی پرت شده، و یا دیواری روی من بریزد، و یا غرق شوم، و یا بسوزم قرار مده، و یا در حالت تشنگی و یا در حالتی که به زور نگاهم دارند و بکشند، و یا در حالتی که به من آسیب برسانند و کشته شوم و یا خوراک درندگان گردم، یا در خاک غریب یا مرگ بد قرار مده. و در رختخوابم در حالت عافیت یا در ردیف کسانی که آنان را در کتاب خود ستوده و فرموده ای: «به گونه ای در ایمان محکم و استوارند که گویی ساختمانی از سرب هستند» بمیران، در حالتی که در طاعت تو و پیروی رسولت صلّی اللّه علیه و آله باشم.

**[ترجمه]

«۷»

اخْتِیارُ ابْنِ الْبَاقِی، مِنْ أَدْعِیَهِ الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِنَّهُ نَزَلَ بِهِ جَبْرَئِیلُ علیه السلام هَدِیَّهً إِلَی عَلِیٍّ علیه السلام لَیْلَهَ الْأَحْزَابِ لِدَفْعِ الشَّیْطَانِ وَ السُّلْطَانِ وَ الْغَرَقِ وَ الْحَرَقِ وَ الْهَدْمِ وَ السَّبُعِ وَ اللِّصِّ وَ لَهُ شَرْحٌ طَوِیلٌ وَ قَدْ تَرَکْنَاهُ خَوْفَ الْإِطَالَهِ وَ فِیهِ مَنَافِعُ کَثِیرَهٌ وَ هُوَ حِرْزٌ مِنْ کُلِّ آفَهٍ وَ شِدَّهٍ وَ خَوْفٍ وَ هُوَ هَذَا الدُّعَاءُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ اللَّهُمَّ احْرُسْنَا بِعَیْنِکَ الَّتِی لَا تَنَامُ وَ اکْنُفْنَا بِرُکْنِکَ الَّذِی لَا یُرَامُ وَ أَعِزَّنَا بِسُلْطَانِکَ الَّذِی لَا یُضَامُ وَ ارْحَمْنَا بِقُدْرَتِکَ عَلَیْنَا وَ لَا تُهْلِکْنَا وَ أَنْتَ الرَّجَاءُ رَبِّ کَمْ مِنْ نِعْمَهٍ أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَیَّ قَلَّ لَکَ عِنْدَهَا شُکْرِی وَ کَمْ مِنْ بَلِیَّهٍ ابْتَلَیْتَنِی بِهَا قَلَّ لَکَ عِنْدَهَا صَبْرِی فَیَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ نِعَمِهِ شُکْرِی فَلَمْ یَحْرِمْنِی وَ یَا مَنْ قَلَّ عِنْدَ بَلَائِهِ (۱)

صَبْرِی فَلَمْ یَخْذُلْنِی فَیَا مَنْ رَآنِی عَلَی الْمَعَاصِی فَلَمْ یَفْضَحْنِی یَا ذَا الْمَعْرُوفِ الدَّائِمِ الَّذِی لَا یَنْقَضِی أَبَداً وَ یَا ذَا النَّعْمَاءِ الَّتِی لَا تُحْصَی عَدَداً أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّیِّبِینَ الطَّاهِرِینَ وَ أَدْرَأُ بِکَ فِی نُحُورِ الْأَعْدَاءِ وَ الْجَبَّارِینَ اللَّهُمَّ أَعِنِّی عَلَی دِینِی بِدُنْیَایَ وَ عَلَی آخِرَتِی بِتَقْوَایَ وَ احْفَظْنِی فِیمَا غِبْتُ عَنْهُ وَ لَا تَکِلْنِی إِلَی نَفْسِی فِیمَا حَضَرْتُهُ یَا مَنْ لَا تَنْقُصُهُ الْمَغْفِرَهُ وَ لَا تَضُرُّهُ الْمَعْصِیَهُ أَسْأَلُکَ فَرَجاً عَاجِلًا وَ صَبْراً وَاسِعاً وَ الْعَافِیَهَ مِنْ جَمِیعِ الْبَلَاءِ وَ الشُّکْرَ عَلَی الْعَافِیَهِ

۱- ۱. بلیته خ ل.

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ يُسْتَحَبُّ لِلْإِنْسَانِ أَنْ يَقْرَأَ هَذَا الدُّعَاءَ عَلَى مَا أَحَبَّ كِلَاءَتَهُ وَ حِفْظَهُ وَ يُدِيرَ يَدَهُ عَلَيْهِ تَعْوِيذاً لَهُ حَاضِراً كَانَ عِنْدَهُ أَوْ غَائِباً عَنْهُ.

**[ترجمه]اختیار ابن باقی: از دعاهای حضرت صادق علیه السلام است که روایت فرمود: جبرئیل در شب جنگ احزاب آن را برای دفع شر شیطان و پادشاهان و حفظ از غرق شدن و سوختن و نابودی و درندگان و راهزنان به امیرالمؤمنین هدیه آورد و شرح بلندی دارد که از خوف اطاله کلام ذکر نکردیم. این دعا منافع بسیاری دارد و حرزی است از هر آفت و شدت و ترس، و دعا این است:

بسم الله الرحمن الرحیم، خداوندا ما را با چشمانی محافظت فرما که خواب در آنها راه ندارد و در رکن خود حفظ کن که سستی نمی‌پذیرد و با سلطانت عزیزمان گردان که مورد ظلم واقع نمی شود، و با قدرتت بر ما رحم کن و ما را هلاک نفرما که تویی امید ما. پروردگارا چه بسیار نعمتی که تو به من ارزانی داشتی و شکر من از تو برای آنها کم شد و چه بسیار بلایی که تو مرا بدان مبتلا ساختی و من در مقابل آن کم صبری نمودم. پس ای خداوندی که با کم شکری‌ام در مقابل نعماتش، مرا از آنها محروم نساخت، و ای کسی که در بلایایش کم صبری نمودم اما تنهایم نگذاشت. ای صاحب نیکی‌های دائمی که هرگز از بین نمی روند و ای صاحب نعمتهایی که قابل شمارش نیستند، از تو می... خواهم که بر محمد وآل مطهر او درود فرستی و تو را در رویارویی با دشمنان و گردنکشان در مقابل خود قرار می‌دهم .

خداوند ا با دنیایم مرا در دینم یاری کن و با تقوایم در امر آخرتم و در چیزهایی که بر من پوشیده است، مرا حفظ کن و در چیزهایی که در آن حاضرم مرا به خود وامگذار، ای کسی که مغفرتش چیزی از او نمی‌کاهد و گناهان بندگانش ضرری به او نمی‌رساند، از تو فرجی زودهنگام و صبری زیبا و روزی فراخ و عافیت از همه بلایا و شکر بر عافیت می‌خواهم ای رحم کننده‌ترین رحم کنندگان.

و برای شخص مستحب است که این دعا را در حالی بر چیزی که خواهان حفظ و مراقبت آن است، بخواند که دستش را به قصد تعویذ بر آن می گرداند چه در نزد او باشد و چه نباشد.

**[ترجمه]

«۸»

ما، [الأمالي] للشيخ الطوسي الْحُسَيْنُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنِ التَّلَّعُكْبَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنِ الْحِمْيَرِيِّ عَنِ الطَّيَالِسِيِّ عَنْ زُرَيْقٍ الْخُلْقَانِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَلِّمْنِي دُعَاءً إِذَا أَنَا أَحْرَزْتُ شَيْئاً لَمْ أَخَفْ عَلَيْهِ ضَيْعَةً قَالَ تَقُولُ يَا اللَّهُ يَا حَافِظَ الْغُلَامَيْنِ بِصَلَاحِ أَبِيهِمَا احْفَظْنِي وَ احْفَظْ عَلَيَّ دِينِي وَ أَمَانَتِي وَ مَالِي فَإِنَّهُ لَا حَافِظَ حِفْظِ ضَيْعَةٍ أَحْفَظُ عَلَى مَالِي مِنْكَ إِنَّكَ حَافِظٌ حَفِيظٌ أَخَذْتُ بِسَمْعِ اللَّهِ وَ بَصَرِهِ وَ قَدَرِهِ عَلَى كُلِّ مَنْ أَرَادَنِي وَ أَرَادَ مَالِي وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ (۱).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: از زریق خلقانی روایت است که خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم دعایی به من بیاموز که هرگاه چیزی را نگهداری کردم، ترسی از گم شدن آن نداشته باشم. فرمود: اینگونه می گویی: ای نگهدارنده دو پسر برای صلاح پدرشان، مرا حفظ کن و دین و امانت و مالم را برایم نگهداری کن که هیچ نگهدارنده ای برای حفظ چیزهای گمشده بهتر از تو برای حفظ مالم نیست که تو نگهدارنده نگاهبان هستی. با گوش و چشم و قَدَر خداوند، هر کسی را که قصد مرا و مال مرا دارد، بستم که هیچ حرکت و توانی جز به دست خداوند بلند مرتبه و بزرگ نیست. - . أمالي طوسی ۲ : ۳۱۱ -

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

**[ترجمه]

[كلمه المصحّح الأولى]

إلی هنـا إنتهی الجزء الثـالث من المجلّد التـاسع عشـر و هو الجزء الواحـد و التسـعون حسب تجزئتنا یحتوی علی خمسه و عشـرین بابا من أبواب الذکر و الدعاء.

و لقد بذلنا جهدنا فی تصـحیحه و مقابلته فخرج بعون اللّه و مشـیئته نقیّا من الأغلاط إلّا نزراً زهیداً زاغ عنه البصـر و کلّ عنه النظر و من اللّه نسأل العصمه و التوفیق.

السیّد إبراهیم المیانجی محمّد الباقر البهبودی

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۳۱۱.

**[ترجمه]ص: ۴۰۶

**[ترجمه]

کلمه المصحّح [الثانيه]

بسم اللّه الرّحمن الرّحيم

الحمد للّه و الصلاه و السلام على رسول اللّه و على آله أمناء اللّه.

و بعد: فقد تفضّل اللّه علينا و له الفضل و المنّ حيث اختارنا لخدمه الدين و أهله و قيّضنا لتصحيح هذه الموسوعه الكبرى و هى الباحثه عن المعارف الإسلاميّه الدائره بين المسلمين: أعنى بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمّه الأطهار عليهم السلام.

و هذا الجزء الذى نخرجه إلى القرّاء الكرام، هو الجزء الثالث من المجلّد التاسع عشر (كتاب الذكر و الدعاء) و قد قابلناه على نسخه الكمبانىّ ثمّ على نسخه الأصل التى هى بخطّ يد المؤلّف العلّامه رضوان اللّه عليه و هى محفوظه فى خزانه مكتبه ملك بطهران تحت الرقم ۱۰۰۱ و معذلك قابلناه على نصّ المصادر أو على الأخبار الأخر المشابهه للنصّ فى سائر الكتب، فسددنا

ما كان فى النسخه من خلل و بياض و سقط و تصحيف فإنّ المجلّد التاسع عشر أيضا من مسوّدات قلمه الشريف رحمه اللّه عليه و لم يخرج فى حياته إلى البياض.

محمد الباقر البهبودىّ

ص: ۴۰۷

**[ترجمه]ص: ۴۰۷

**[ترجمه]

فهرس ما فی هذا الجزء من الأبواب

عناوین الأبواب/ رقم الصفحه

باب عوذات الأيّام ۱۹۸

أبواب أحراز النبيّ و الأئمّه و عوذاتهم و أدعيتهم عليهم السلام زائدا على ما سبق و يأتى

«۳۸»

باب أحراز النبيّ صلّى اللّه عليه و آله و أزواجه الطاهرات و عوذاته و بعض أدعيته عليه السلام أيضا ۲۲۴- ۲۰۸

ص: ۴۰۸

**[ترجمه]ص: ۴۰۸

ص: ۴۰۹

ص: ۴۱۰

**[ترجمه]

تعريف مركز

بسم الله الرحمن الرحيم

هَلْ يَسْتَوِى الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

الزمر: ٩

المقدمة:

تأسّس مركز القائمية للدراسات الكمبيوترية فى أصفهان بإشراف آية الله الحاج السيد حسن فقيه الإمامى عام ١۴٢۶ الهجرى فى المجالات الدينية والثقافية والعلمية معتمداً على النشاطات الخالصة والدؤوبة لجمع من الإخصائيين والمثقفين فى الجامعات والحوزات العلمية.

إجراءات المؤسسة:

نظراً لقلة المراكز القائمة بتوفير المصادر فى العلوم الإسلامية وتبعثرها فى أنحاء البلاد وصعوبة الحصول على مصادرها أحياناً، تهدف مؤسسة القائمية للدراسات الكمبيوترية فى أصفهان إلى التوفير الأسهل والأسرع للمعلومات ووصولها إلى الباحثين فى العلوم الإسلامية وتقدم المؤسسة مجاناً مجموعة الكترونية من الكتب والمقالات العلمية والدراسات المفيدة وهى منظمة فى برامج إلكترونية وجاهزة فى مختلف اللغات عرضاً للباحثين والمثقفين والراغبين فيها.

وتحاول المؤسسة تقديم الخدمة معتمدة على النظرة العلمية البحتة البعيدة من التعصبات الشخصية والاجتماعية والسياسية والقومية وعلى أساس خطة تنوى تنظيم الأعمال والمنشورات الصادرة من جميع مراكز الشيعة.

الأهداف:

نشر الثقافة الإسلامية وتعاليم القرآن وآل بيت النبىّ عليهم السلام

تحفيز الناس خصوصا الشباب على دراسة أدقّ فى المسائل الدينية

تنزيل البرامج المفيدة فى الهواتف والحاسوبات واللابتوب

الخدمة للباحثين والمحققين فى الحوازت العلمية والجامعات

توسيع عام لفكرة المطالعة

تهميد الأرضية لتحريض المنشورات والكتّاب على تقديم آثارهم لتنظيمها فى ملفات الكترونية

السياسات:

مراعاة القوانين والعمل حسب المعايير القانونية

إنشاء العلاقات المترابطة مع المراكز المرتبطة

الاجتنباب عن الروتينية وتكرار المحاولات السابقة

العرض العلمى البحت للمصادر والمعلومات

الالتزام بذكر المصادر والمآخذ فى نشر المعلومات

من الواضح أن يتحمل المؤلف مسؤولية العمل.

نشاطات المؤسسة:

طبع الكتب والملزمات والدوريات

إقامة المسابقات فى مطالعة الكتب

إقامة المعارض الالكترونية: المعارض الثلاثية الأبعاد، أفلام بانوراما فى الأمكنة الدينية والسياحية

إنتاج الأفلام الكرتونية والألعاب الكمبيوترية

افتتاح موقع القائمية الانترنتى بعنوان : www.ghaemiyeh.com

إنتاج الأفلام الثقافية وأقراص المحاضرات و...

الإطلاق والدعم العلمى لنظام استلام الأسئلة والاستفسارات الدينية والأخلاقية والاعتقادية والردّ عليها

تصميم الأجهزة الخاصة بالمحاسبة، الجوال، بلوتوث Bluetooth، ويب كيوسك kiosk، الرسالة القصيرة ((sms

إقامة الدورات التعليمية الالكترونية لعموم الناس

إقامة الدورات الالكترونية لتدريب المعلمين

إنتاج آلاف برامج فى البحث والدراسة وتطبيقها فى أنواع من اللابتوب والحاسوب والهاتف ويمكن تحميلها على ٨ أنظمة؛

١.JAVA

٢.ANDROID

٣.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

٧.CHM

٨.GHB

إعداد ۴ الأسواق الإلكترونية للكتاب على موقع القائمية ويمكن تحميلها على الأنظمة التالية

١.ANDROID

٢.IOS

٣.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

وتقدّم مجاناً فى الموقع بثلاث اللغات منها العربية والانجليزية والفارسية

الكلمة الأخيرة

نتقدم بكلمة الشكر والتقدير إلى مكاتب مراجع التقليد منظمات والمراكز، المنشورات، المؤسسات، الكتّاب وكل من قدّم لنا المساعدة فى تحقيق أهدافنا وعرض المعلومات علينا.

عنوان المكتب المركزى

أصفهان، شارع عبد الرزاق، سوق حاج محمد جعفر آباده اى، زقاق الشهيد محمد حسن التوكلى، الرقم ١٢٩، الطبقة الأولى.

عنوان الموقع : : www.ghbook.ir

البريد الالكترونى : Info@ghbook.ir

هاتف المكتب المركزى ٠٣١٣۴۴٩٠١٢۵

هاتف المكتب فى طهران ٨٨٣١٨٧٢٢ ـ ٠٢١

قسم البيع ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹شؤون المستخدمين ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹.


مركز القائمية اصبهان
للبحوث والتحريات الكمبيوترية
للحصول على المكتبات الخاصه الاخرى
ارجعوا الى عنوان المـركز من فضلـكم
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
و للايصاء من فضلكم
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹